تاریخ صنعت نفت ایران

جلد دوم

۱۳۵۸ تا ۱۴۰۰



مسعود فروزنده

تاریخ صنعت نفت ایران جلد دوم ۱۳۵۸ تا ۱۴۰۰ مسعود فروزنده


بسم الله الرحمن الرحیم

تاریخ صنعت نفت ایران

جلد دوم ۱۴۰۰–۱۳۵۷

مسعود فروزنده

انتشارات اداره کل روابط‌عمومی وزارت نفت

سرشناسه : فروزنده، مسعود، ۱۳۳۹-
Forouzandeh, Masoud
عنوان و نام پدیدآور : تاریخ صنعت نفت ایران/ مسعود فروزنده محققان و نویسندگان سوده ابراهیم زاده ... [و دیگران].
مشخصات نشر : تهران: وزارت نفت، اداره کل روابط عمومی ، ۱۳۹۸ -
مشخصات ظاهری : ج.: مصور.
شابک : ۰-٤-۹۰٥٦۰-٦۰۰-۹۷۸ج.۱ ؛ : ۲-۳-۹۷۰۰٥-٦۲۲-۹۷۸ج.۲
وضعیت فهرست نویسی : فیپا
یادداشت : محققان و نویسندگان سوده ابراهیم زاده ، فاطمه سیفی، الهه زارع ، مهناز اخباری.
یادداشت : ج.۲ (چاپ اول: ۱۴۰۰) (فیپا) .
مندرجات : ج.۱. ۱۳۵۷-۱۲۸۰.- ج.۲. ۱۴۰۰ -۱۳۵۷
موضوع : نفت -- ایران -- تاریخ
موضوع : Petroleum -- Iran -- History
موضوع : نفت -- ایران -- صنعت و تجارت -- تاریخ
موضوع : Petroleum industry and trade -- Iran -- History
شناسه افزوده : ابراهیمزاده، سوده، ۱۳۶۰-
شناسه افزوده : ایران. وزارت نفت. اداره کل روابط عمومی
رده بندی کنگره : ۱۳۹۸ ۴ف۹۲الف/HD۹۵۷۶
رده بندی دیویی : ۳۳۸/۲۷۲۸۲۰۹۵۵
شماره کتابشناسی ملی : ۵۶۲۵۰۶۸
اطلاعات رکورد کتابشناسی : فیپا

تاریخ صنعت نفت ایران ــ جلد دوم (۱۳۵۷ تا ۱۴۰۰)

تألیف: مسعود فروزنده
پژوهش: سوده ابراهیم‌زاده، فاطمه سیفی، الهه زارع، مهناز اخباری، علی آهنگر
ویرایش: مرحوم سیامک افشار، همدم جلال‌زاده، فرشته سعدی
ترجمه: سیدمحمد محمدی، امیرحسین فروزنده
صفحه‌آرا: مهری فطرتی
مشاور هنری: سامان گودرزی
عکاسان: سیدمصطفی حسینی، سیدحسن حسینی، سینا سیاوشان، مریم فروزنده
هماهنگ‌کننده اداری: سیدمرتضی میرحسینی، نرگس سادات میرقادری
ناشر: انتشارات اداره کل روابط عمومی وزارت نفت
چاپ اول: تابستان ۱۴۰۰
شمارگان: ۵۰۰
نشانی:خیابان طالقانی، روبه‌روی وزارت نفت، ساختمان۳۴ نفت، طبقه سوم
تلفن:۶۱۶۲۶۰۳۰
پست الکترونیک: entesharat@mop.ir

تمامی حقوق برای انتشارات اداره کل روابط‌عمومی وزارت نفت محفوظ است

یادآوری

هدف آثاری که ازسوی اداره کل روابط‌عمومی وزارت نفت منتشر می‌شود، شفاف‌سازی تاریخ صنعت نفت و حمایت از نویسندگان، محققان و پژوهشگران این حوزه است. آرا و نظرات درج‌شده در این کتاب‌ها، لزوماً مورد تأیید و بیانگر دیدگاه رسمی این اداره کل نیست.

تقدیم به:

شهیدان سرافراز

وکارکنان زحمتکش صنعت نفت ایران

فهرست

مقدمه ناشر..... ۶۲۲
یادداشت نویسنده..... ۶۲۴
فصل پنجم: انقلاب و دفاع مقدس (۱۳۶۷-۱۳۵۷)..... ۶۲۷
فصل ششم: سازندگی (۱۳۷۶-۱۳۶۸) ۷۹۵
فصل هفتم: دوران طلایی(۱۳۸۴-۱۳۷۶)..... ۸۷۹
فصل هشتم: دوران ثروت (۱۳۹۲-۱۳۸۴)..... ۹۷۵
فصل نهم: تحریم و توسعه (۱۴۰۰-۱۳۹۲) ۱۰۹۱
فهرست منابع و مآخذ:..... ۱۲۲۴

مقدمه ناشر

از ساعت ۴ صبح روز پنجم خردادماه سال ۱۲۸۷ که با فوران چاه شماره یک مسجد سلیمان، یکی از مهم ترین رویدادهای تاریخ معاصر ایران رقم خورد، نفت یکی از کلیدی ترین بازیگران عرصه صنعت، اقتصاد و سیاست کشورمان بود.

مقایسه اجمالی وضعیت اجتماعی اقتصادی ایران، بیش از کشف نفت و پس از ورود صنعت نفت، نشان از تاثیر دوگانه آن بر سرنوشت ما دارد. از دیدگاه اقتصادی و صنعتی نفت در همه این سال ها، نقطه اتکا و پیشران قطار توسعه و تحول کشور بود. اگرچه برخی اشتباهات سردمداران سیاسی وقت، اجازه نداد از این فرصت ، چنان که شایسته بود ، به نفع رشد اقتصاد و رفاه عمومی بهره برداری شود و برنامه ریزی های اشتباه و سیاست گذاری نادرست، به وابستگی کشور به درآمدهای نفتی منجر شد.

با پیروزی انقلاب اسلامی، سپردن سکان هدایت صنعت نفت به دست تجربه ، توان و تعهد نیروهای ایرانی، دریچه ای تازه به روی اقتصاد کشور گشود و نفت را به نقطه قوت صنعت و اقتصاد کشور بدل کرد.

تحمیل ۸ سال جنگ ، اگرچه بهانه های گوناگونی برای آن اعلام شد، اما مستندات بسیاری وجود دارد که نشان می دهد یکی از اهداف اصلی آن نفت و جلوگیری از دسترسی کشور به درآمدهای حاصل از آن بود که می توانست ایران را به الگویی برای کشورهای صاحب نفت تبدیل کند.

نوک پیکان حمله ها در تمامی سال های جنگ به سوی صنعت نفت بود. پالایشگاه ها، مراکز بهره برداری، انتقال و صادرات نفت ، طی ۸ سال ، هدف هزاران موشک و بمب قرار گرفت تا شاید لحظه ای قلب اقتصاد ایران از حرکت بازماند، اما کارکنان این مجموعه، با تقدیم بیش از یک هزار شهید، با سربلندی،

صنعـت نفـت را زنـده و زاینـده نگه داشـتند.
بـا تغییـر نـگاه بـه نفت از ثـروت به سـرمایه، سیاسـت گذاری واقـع گرایانـه و مبتنی بـر درونزایـی اقتصـادی ، در کنـار تعامـل مبتنـی بـر دیپلماسـی عـزت مـدار نفتی با دنیـای پیرامـون، آینـده ای روشـن را در افـق فـردای صنعـت نفـت به تصویر کشـید.
ایـن مجلـد از مجموعـه تاریـخ صنعت نفت ایـران، به بررسـی فراز و نشـیب هایی می پـردازد کـه طـی ۵۰ سـال گذشـته بـر این مجموعـه عظیم گذشـته و ضعـف و قوت هایـی کـه در عرصـه های مختلـف، جایـگاه کنونی آن را رقم زده اسـت.
در ایـن رونـد، آنچـه برای همه دسـت درکاران گردآوری اسـناد و اطلاعات، بررسـی و تحلیـل، تحریـر و ویرایـش مجموعه در درج اول اهمیت قرار داشـت، دقیق و مسـتند بـود مندرجـات و روشـنی و شـفافیت تحلیـل ها ، بـدون جانبداری بود. ایـن مجموعه نیـز، مثـل هـر کار پژوهشـی دیگـر، به رغـم تلاش بسـیار، به یقیـن از ایراد و اشـکال خالـی نخواهـد بـود. بـه همیـن دلیل، با کمـال امتنـان از صاحـب نظران حـوزه نفت و تاریـخ تمنـا مـی کنیـم نظـرات اصلاحـی و انتقـادی خـود را در بـاره مجموعـه بـه انتشـارات اداره کل روابـط عمومـی وزارت نفـت منتقـل کننـد تـا در ویرایـش هـای بعـدی مورد اسـتفاده قـرار گیرد.

کسری نوری
مدیرکل روابط‌عمومی وزارت نفت

یادداشت نویسنده

جامعه ایران در آستانه انقلاب میان دو مفهوم متعارض قرار گرفته بود: از یک‌سو در آرزوی پیشرفت مادی بود و از سوی دیگر، نگران از دست دادن هویت ملی و فرهنگی و همچنین، متنفر از استبداد بود. دولت پهلوی دوم برنامه توسعه خود را با استبداد و نظام تک‌حزبی و نزدیکی بیش از حد به آمریکا گره زده بود. اقبال بخش قابل توجهی از جامعه به اسلام سیاسی به ظهور جنبش انقلابی انجامید.

در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ استبداد سقوط کرد. خیلی زود نظریه مبارزه با استکبار، با عنوان شیطان بزرگ یا امپریالیسم، بالا گرفت و حاکمیت جمهوری اسلامی بدان پایبند شد. برخی انقلاب ایران را نتیجه ستیز سنت و مدرنیته تفسیر کرده‌اند که به نادیده گرفتن نهادها و نمادهای مدرن منجر گشت. اگر بخواهیم به‌طور مصداقی صنعت نفت ایران را در چهارچوب این نظریه تبیین کنیم، ناتوانی آن را در خواهیم یافت.

انقلاب که شد صنعت نفت ایران به کما نرفت، کرخت و فلج نشد و به انفعال دچار نگشت، بلکه به فاعلیت و آینده‌سازی روی آورد. نه تنها سمت‌وسوی این تحولات واپس‌گرایانه نبود، بلکه در ادامه سیاست‌ها و بستر پیشین، در مسیر پیشرفت قرار گرفت، اما ویژگی منحصربه‌فردی داشت. تحریم‌های بین‌المللی از یک‌سو و توسعه‌خواهی کارشناسان و دولتمردان از سوی دیگر شرایط ویژه‌ای را رقم زد. از درون چرخه تحریم و توسعه، پدیده‌های شگرفی پدیدار گشت. تکمیل پتروشیمی ایران ـ ژاپن و راه‌اندازی پالایشگاه اصفهان، ایده تأسیس پتروشیمی اراک و طراحی پالایشگاه اراک و بندرعباس در میانه سال‌های دفاع و تأسیس ستاد خودکفایی ازجمله رویدادهایی بود که روند توسعه را جان بخشید و به نتایج در خور تحسین انجامید.

روشی که این کتاب در قالب آن به صنعت نفت ایران نظر افکنده مبتنی بر رویداد، روند و نتیجه است. مضمون آن اصالت بخشیدن به رویدادها و تدوین روندها و بررسی نتایج مادی و معنوی آنها است. رویدادهایی که از زیرزمین آغاز و تا آشپزخانه‌ها و سبک زندگی و خزانه کشور منتهی می‌شوند و سپس در موجی دیگر، سیاست و

ادبیات و فرهنگ اجتماعی و بوم‌زیست را تحت تأثیر قرار می‌دهد. قلم این تاریخ اجازه نیافت به بخش اخیر بپردازد، زیرا که هدف این پروژه تهیه یک گزارش مدون تاریخی از کشف نفت تا به امروز بود که یکپارچه و متأثر از نگاه ملی باشد و از همه مهم‌تر به استنادات آرشیوی متکی باشد.

این تاریخ را به کارگران و کارشناسان صنعت نفت ایران تقدیم می‌کنم. آنان که رفتند و آنان که برای ساختنش خون دل می‌خورند.

فهرست پیشکسوتان و نخبگان که در تدوین این تاریخ ما را یاری دادند، بالابلند است و به رسم احترام نام چند تن از عزیران را به نمایندگی دیگران می‌آورم؛ آقایان غلام‌علی مهاجر، علی اکبر وحیدی آل آقا، مسعود جهدی، پرویز کابلی، حسین معتمدی و علی مشتاقیان (اکتشاف)، آقایان غلامحسین نجابت، عباس شعری‌مقدم، محمد احتیاطی، حسین زحمتکش و محمدحسن پیوندی (پتروشیمی)، آقایان حمیدرضا عراقی، بوجارزاده، بحرپیما، کسایی‌زاده و ملاکی (گاز)، آقایان حیدر بهمنی، علاءالدین، باران‌پوریان، حمید بورد و باوریان (جنوب)، آقایان سیدمهدی حسینی، محمدحسن تولایی و مصطفی خاکی که بدون منت آگاهی و تجربه خود را در اختیار پروژه تاریخ صنعت نفت ایران گذاشتند. امتنان و سپاس خود و همکارانم را به پیشگاه‌شان عرضه می‌دارم.

بجا و شایسته است از دو عزیز اکتشاف و روابط‌عمومی، آقایان همایون مطیعی و سیامک افشار، که در تمامی مراحل این پروژه یاری‌رسان ما بودند یاد کنم. روحشان شاد.

همچنین از آقایان کسری نوری و اکبر نعمت‌الهی برای حمایت‌های بی‌دریغشان تشکر کرده و امتنان خود را ابراز می دارم. آقایان مصطفی حسینی، عبدالرضا محسنی و محمدحسن دامی‌تام، عکاسانی با سابقه خدمت طولانی در صنعت نفت هستند که صادقانه به ما کمک کردند و بخش پرارزشی از عکس‌های چهار جلد کتاب نتیجه خدمات باارزش آنان است.

مسعود فروزنده

فصل پنجم

انقلاب و دفاع مقدس (۱۳۶۷-۱۳۵۷)

انقلاب اسلامی ایران دگرگونی‌های شگرفی در سیاست‌های منطقه‌ای و جهانی به وجود آورد. تغییر رژیم شاه به مثابه نیروی برتر نظامی منطقه، آزادشدن نیروی خفته ملت‌های مسلمان و تحول در مناسبات منطقه‌ای از آن شمار بود. این رخداد بزرگ، ساختار اقتصادی ایران و همچنین، مناسبات اقتصادی منطقه را متحول ساخت.

دیری نپایید که قراردادهای شرکت ملی نفت با خارجی‌ها لغو [در اسناد اداری: کان لم یکن] گردید و با تلاش کارکنان صنعت نفت، تولید نفت‌خام بار دیگر از سر گرفته شد. از آنجا که انقلابیون نمی‌خواستند شیرهای نفت را برای همیشه بسته نگه دارند و ایده تشکیل حکومت مستضعفان به درآمد مکفی نیاز داشت، اولین محموله نفت‌خام ایران طبق شرایط جدید در تاریخ ۱۴ اسفندماه ۱۳۵۷ بارگیری و با بالاترین قیمت بازار به یک شرکت ژاپنی فروخته شد. ضمن اینکه از همین ایام تا اواخر فروردین ۱۳۵۸ به‌منظور فروش نفت‌خام به‌صورت قراردادی، مذاکراتی با خریداران به عمل آمد که به عقد ۳۳ قرارداد با ۲۶ کشور مختلف برای تحویل روزانه حدود ۲/۶ میلیون بشکه نفت از فروردین تا دی ۱۳۵۸ منجر شد. به دنبال قطع صدور نفت‌خام به امریکا از ۱۴ نوامبر ۱۹۷۹ (۲۳ آبان ماه ۱۳۵۸) و جلوگیری از کاهش صادرات، قراردادهایی با شرکت‌های مختلف ازجمله شرکت‌های ژاپنی به امضا رسید که در آن‌ها، قیمت متوسط فروش حدود ۱۶ دلار بیش از قیمت‌های رسمی بود. نکته شایان توجه، تعداد چاه‌های موجود در مناطق نفت‌خیز است که شمار آن‌ها از ۷۵۴ حلقه در سال ۱۳۵۰ به ۱۳۹۷ حلقه در زمان پیروزی انقلاب رسیده بود. این فصل به داستان نفت ایران بعد از انقلاب تا ۱۳۶۸ می‌پردازد.

درآمد نفت و تشکیل نهادهای جدید خدمت‌رسان

انقلابیون مسلمان خواهان تشکیل حکومتی متکی بر توده مردم و به نام مستضعفان بودند و هدف آنان، به سعادت رساندن مردم در این جهان و جهان باقی بود. آنها اعتقاد داشتند اکنون که تضاد دیرینه میان مردم و دولت از میان رفته است، درآمدهای نفتی باید در جهت محرومیت‌زدایی و خدمات رفاهی به مصرف برسد. در چارچوب این تحلیل و گفتمان بود که ارگان‌های جدید تأسیس شد، دیوانسالاری گسترش پیدا کرد و رواج اصطلاح «دولت خدمتگزار» بر میزان مطالبات مردم و انتظار حصول آن در کوتاه‌مدت افزود، چنان‌که یکی از اختلافات ریشه‌ای دولت بازرگان با انقلابیون مسلمان، به شیوه حکومتداری و روش گام‌به‌گام دولت برمی‌گشت که انقلابیون آن را مطابق شرایط عینی جامعه نمی‌دانستند و بر اقدام انقلابی اصرار می‌ورزیدند.

در این میان، شعار و عمل مارکسیست‌ها و انقلابیون مسلمان متفاوت بود. گروه‌ها و احزاب کمونیست، بیشتر قیل‌وقال می‌کردند و شعار نان، مسکن، آزادی و تشکیل دولت پرولتاریا یا دولت سوسیالیستی سر می‌دادند، اما انقلابیون، روش عملگرایی را انتخاب کرده و برای رفع محرومیت، به روستاها می‌رفتند و به ساخت جاده، کشیدن لوله آب، سوادآموزی و تأسیسات بهداشتی همت می‌کردند. در واقع، دو فرمان رهبر انقلاب، یکی در ۱۴ اسفند ۱۳۵۷ مبنی‌بر تأسیس «کمیته امداد» و دیگری در ۲۱ فروردین ۱۳۵۸ مبنی‌بر تأسیس «بنیاد مسکن» حرکت جهادی جوانان و گسیل آن‌ها به مناطق محروم را سبب شد. دانشجویان انقلابی دانشگاه‌های تهران، ملی، پلی‌تکنیک و اصفهان در حرکتی هماهنگ به سازماندهی پرداختند تا مناطق محروم کشور را یک گام به رفاه و آسایش نزدیک‌تر کنند. آنان به روستاها و شهرهای کردستان، سیستان‌وبلوچستان، گنبدکاووس، شهرکرد و خوزستان اعزام شدند و نتیجه کارشان آن بود که رهبر انقلاب فرمان تأسیس «جهاد سازندگی» را در ۲۷ خرداد ۱۳۵۸ صادر کرد. همچنین، به‌منظور محافظت از دستاوردهای انقلاب و جان و مال مردم، به دستور امام خمینی «کمیته انقلاب اسلامی» در ۲۳ بهمن ۱۳۵۷ و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در ۲ اردیبهشت ۱۳۵۸ ایجاد شدند و فعالیت خود را آغاز کردند. فلسفه تشکیل کمیته‌های انقلاب اسلامی، حفظ نظم شهرها و جان و مال مردم در غیاب شهربانی بود و هدف از تشکیل سپاه پاسداران، حفظ دستاوردهای انقلاب. ازاین‌رو، سپاه پاسداران بیش از آنکه هویتی انتظامی داشته باشد، جنبه ایدئولوژیک به خود گرفت تا از تمامی نظام پاسداری کند. البته، نیروهای آن در

کنار مقابله با مخالفان مسلح و خرابکاری‌ها، در برخی مناطق به فعالیت‌های خدماتی و محرومیت‌زدایی می‌پرداختند و درعین‌حال، از نیروهای انقلابی ادارات دولتی در جامعه حمایت می‌کردند.

باتوجه‌به ضرورت سامان‌یابی کارهای کشور در کوتاه‌مدت، به فرمان امام «نهضت سوادآموزی» در ۷ دی ۱۳۵۸ با هدف سرعت بخشیدن به موضوع بر خواندن و نوشتن کودکان و نوجوانان مناطق محروم و بزرگسالان، تأسیس شد و هزاران جوان باسواد جذب سازمان جدید و با هزینه اندک، استخدام موقت شدند.

افزایش قیمت نفت از تیر ۱۳۵۸ و قانع بودن نیروهای انقلابی، موجب شد دولت بازرگان و شورای انقلاب دغدغه‌ای برای پرداخت حقوق ماهانه کارکنان نداشته باشند. حقوق کارکنان نهادهای انقلابی به‌طور متوسط ۱۵۰۰ تومان و برای کارکنان دولت حدود ۳۵۰۰ تومان بود. تأسیس نهادهای جدید و انجام پروژه محرومیت‌زدایی همچون ساخت مسکن و سوادآموزی، نیاز به استخدام نیروهای جدید و پول داشت. ناگزیر، پول نفت به‌عنوان بازیگر پشت‌پرده، به صحنه علنی سیاست وارد شد. قیمت هر بشکه نفت پس از پیروزی انقلاب اسلامی به‌تدریج از ۱۳ به ۱۷ دلار و سپس در بازار آزاد و خارج از قیمت مصوب اوپک به ۳۴ دلار رسیده بود. اضافه بر آن، ۱۲ میلیارد دلار نیز از رژیم سابق در صندوق ذخیره ارزی باقیمانده بود. درآمد نفت در سال ۱۳۵۸، بالغ بر ۲۳/۵ میلیارد دلار بود و آنها با خیال راحت می‌توانستند سیاست‌های رفاهی ـ خدماتی خود را دنبال کنند. نیاز به پول نفت موجب شد دولت موقت خیلی زود توجه خود را به شرکت ملی نفت معطوف کند. حسن نزیه در اسفند ۱۳۵۷ از سوی دولت مهندس بازرگان به مدیرعاملی شرکت ملی نفت منصوب شد.

پرچم‌های سرخ

از فردای پیروزی انقلاب اسلامی پرچم‌های گروه‌های چپ‌گرا و کمونیست در محیط‌های نفتی برافراشته شد. کادرهای زبده سازمان‌های چپ‌گرا در پالایشگاه آبادان و منطقه نفت‌خیز مسجدسلیمان بیش از اهواز، شیراز و اصفهان حضور داشتند. فعال‌ترین آن‌ها، حزب توده و چریک‌های فدایی خلق و سازمان پیکار بودند و صدای دیگر گروه‌های کمونیستی مانند حزب رنجبران و رزمندگان خلق کمتر شنیده می‌شد.

منش سیاسی حزب توده بر ملایمت، عضوگیری و کسب وجهه سیاسی استوار بود

و چریک‌های فدایی خلق استراتژی خود را بر سهم‌خواهی در بالا و گسترش شبکه هواداران در پایین قرار داده بودند، اما سازمان پیکار برخلاف تعداد اعضا و هوادارانش، بیش از همه پرسروصدا بود. سازمان مجاهدین خلق نیز در این معرکه‌ها بیش از آنکه به طبقه کارگر امید ببندد، جذب دانش آموزان، دانشجویان و جوانان شهری را در اولویت فعالیت‌های خود قرار داده بود.

روزهای نخستین سپری شد و فعالان اسلام‌گرا، کارکنان پالایشگاه آبادان و ادارات مرکزی خیلی زود از برگزاری تجمع‌های بزرگ و کوچک عصرگاهی در محیط‌های صنعت نفت جلوگیری کردند. از نیمه اسفند ۱۳۵۷ که نیروهای انقلابی و کمیته سامان یافتند، تسلط بر محیط‌های درونی نفت بیشتر شد، اما تبلیغات سیاسی مخالفان، در کنار درهای ورودی پالایشگاه، ادارات مرکزی، محلات کارگری و مرکز شهر در قالب ستادهای گروهی رونق گرفت. در فروردین ۱۳۵۸ که همه‌پرسی جمهوری اسلامی بحث داغ جامعه ایران شده بود، اختلاف میان گروه‌های کمونیست و چپ‌گرا آغاز شد. برخی به جمهوری اسلامی نزدیک شدند و برخی یک گام عقب نشستند. به‌این‌ترتیب، همه‌پرسی ۱۲ فروردین اولین خط مشی برای انقلابیون و نخستین نقطه افتراق برای چپ‌گرایان کمونیست شد.

وقتی خواسته اکثریت کارگران، کارمندان و مهندسان صنعت نفت از درون صندوق‌های رأی‌گیری بیرون آمد، اولین شکست آماری برای کمونیسم ایران رقم خورد. گروه‌های رادیکال چپ‌گرا در پی شکست فاحش خود در ۱۲ فروردین ۱۳۵۸ به تند کردن فضای سیاسی روی آوردند. به‌تدریج درگیری بین دو گروه موافق و مخالف در آبادان، خرمشهر، اهواز و مسجد سلیمان شدت گرفت. این درگیری‌ها که با بحث خیابانی و زدوخورد فیزیکی همراه بود و گاه به آتش‌زدن کیوسک مطبوعات و حمله به ستادهای حزبی می‌انجامید، بروز فضای ملتهب سیاسی و فاصله بیشتر کارکنان نفت از گروه‌های چپ‌گرا را دی پی داشت. بااین‌حال، کارمندان و کارگران دست از اعتراضات صنفی برنداشتند و اعتراض خود را نسبت به رفتار مدیرانی که مماشات را سرلوحه کار خود قرار داده بودند، نشان دادند.

حسن نزیه

حسن نزیه به زعم دوستان و مخالفانش، یک پدیده بود که به‌طور خارق‌العاده‌ای در رأس صنعت نفت ایران قرار گرفت. حقوقدانی که از منظر سیاست، جامعه و حقوق اساسی به رخدادهای پیرامونی می‌نگریست و عمیقاً تمایلی انتقادی بدان‌ها داشت. او می‌بایست به ساخت و ساماندهی صنعتی می‌پرداخت که اقتصاد کشور بر آن استوار بود. برخی انتصاب او را عجولانه خواندند.

حسن نزیه در سال ۱۳۰۰ در تبریز به دنیا آمد و ۲۳ سال بعد، در رشته قضایی از دانشکده حقوق دانشگاه تهران فارغ‌التحصیل شد. او در میان سال‌های ۱۳۲۹ تا ۱۳۳۱ در فرانسه و سوئیس به پژوهش و کارآموزی در زمینه‌های حقوقی، اداری و مالی پرداخت. در سال‌های میانی زندگی خود، در سمت‌های مشاور حقوقی وزارت بهداری، دادیار دادسرای انتظامی وکلا و عضو هیئت‌مدیره کانون وکلا (چهار دوره) خدمت کرد. در جوانی هوادار مصدق بود و در نشریه‌های نزدیک به او قلم زد. در جبهه ملی دوم و سپس نهضت آزادی حضور داشت. با چهره‌های سرشناس نهضت مقاومت، جبهه ملی و روشنفکران مستقل آشنایی و ارتباط تنگاتنگ داشت. علی‌اکبر معین‌فر درباره او گفت: «مثل همه کسانی که به‌اصطلاح شور مبارزه با دیکتاتوری داشتند، او هم تقریباً چنین مشربی داشت.»[1]

پس از پیروزی انقلاب، در دولت بازرگان به ریاست هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران برگزیده شد. دوره کوتاه‌مدت (شش‌ماهه) مدیریت حسن نزیه با چالش‌ها و اقدامات متفاوت همراه بود. اعتصاب‌ها و درگیری‌های سیاسی در جنوب، درخواست کارکنان شرکت‌های حفاری برای استخدام، انفجار لوله‌های نفت، تعیین تکلیف برای قراردادهای خارجی، بازسازی (پاکسازی) نیروهای وابسته به رژیم گذشته و اختلاف‌نظر با سیاست‌های انقلابیون ازجمله چالش‌هایی بودند که نزیه و هیئت‌مدیره را به واکنش وامی‌داشت. از سوی دیگر، توسعه فنی، طرح طبقه‌بندی مشاغل، آموزش و رفاه، سازماندهی جدید صنعت نفت ازجمله مسائلی بودند که باید درباره آنها تصمیم‌گیری می‌شد. نزیه، درباره پاکسازی نظر تندی نداشت و انقلابیون به مواضع او واکنش نشان دادند. همچنین، برای استخدام شمار زیادی از کارکنان شرکت‌های خارجی موضعی موافق اعلام کرد که با واکنش تند کارگران همراه بود. با اعزام کارکنان به خارج برای

۱. تاریخ شفاهی وزرای نفت ایران (علی‌اکبر معین‌فر)، تهران: موزه‌ها و مرکز اسناد صنعت نفت ایران، ۱۳۹۶، ص ۲۵.

تحصیل و آموزش‌های دوره‌ای موافقت داشت، لیکن به دلیل محدودیت‌ها در پی راه‌حلی بود که مراکز دانشگاهی را تقویت کند. از سوی دیگر، مناسبات نزیه با گروه‌های مخالف جمهوری اسلامی، وضعیت او را در شورای انقلاب و نزد حاکمیت متزلزل کرد و بخشی از انرژی و زمان او را به مسائل حاشیه‌ای اختصاص داد. به هر روی، نزیه نتوانست خود را با شرایط وفق دهد و گرفتار امور غیرنفتی شد.

در فاصله بین ۲۲ بهمن تا اواخر فروردین ساختمان مرکزی شرکت ملی نفت توسط گروه‌های مختلف انقلابی و مسلح مورد حفاظت قرار گرفت. به‌ویژه از اتاق‌هایی که اسناد نگهداری می‌شد مراقبت بیشتر به عمل می‌آمد. اخبار دقیقی از گروه‌های مراقب و میزان دسترسی‌شان در دست نیست و روایات شفاهی پیشکسوتان پر از تناقض است. برخی اسناد سال‌های ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۷ در دسترس نیست و نگارنده نتوانست آنان را مورد مطالعه قرار دهد. دستبرد به اسناد شرکت ملی نفت و دیگر ادارات کشوری در همان یکی دو ماه نخست انقلاب شایع بود. از سوی دیگر، برخی از کارشناسان فقدان اسناد را به دوره نزیه مرتبط می‌دانند و استدلالشان آن است که نزیه با به‌کارگیری و انتصاب مدیران سابق، شرایط را برای افرادی که می‌خواستند برخی سوابق را از بین ببرند فراهم ساخت. قباد فخیمی که از مدیران پیشین بود و سال‌ها بعد خاطرات خود را به قلم تحریر در آورد و حتی‌المقدور انصاف را در واگویی واقعیت‌ها به کار بسته است، به این موضوع اشاره نکرد.

نخستین جلسه

نخستین جلسه هیئت‌مدیره جدید شرکت ملی نفت (هیئت سرپرستان موقت) ساعت ۹ صبح روز سه‌شنبه ۴ اردیبهشت ۱۳۵۸ به ریاست نزیه و در دفتر او برگزار شد. احسان‌الله ابوترابی، سرپرست امور مهندسی؛ عبدالعلی گرانمایه، سرپرست امور پالایش؛ قباد فخیمی، سرپرست امور پخش و خطوط لوله؛ سیدصالح بنافتی، سرپرست امور اداری؛ عزت‌الله شهیدا، سرپرست امور حقوقی، رضا عظیمی حسینی، سرپرست امور بین‌الملل، منوچهر پارسا، سرپرست امور برنامه‌ریزی تلفیقی؛ رحیم معروفیان، سرپرست امور بازرگانی و جهانگیر رئوفی در این جلسه حضور داشتند. اگرچه به گفته کارشناسان، انتخاب اعضای مزبور از سر ناچاری و به‌اصطلاح خیرالموجودین بود، اما واکنش تند کنشگران سیاسی جنوب را برانگیخت.

در نخستین جلسه، بنافتی مشکلات و ناآرامی مناطق نفت‌خیز را شرح داد و نتایج

سفر اخیر خود به آن مناطق را امیدبخش توصیف کرد.[۱] مناطق نفت‌خیز طی دو ماه گذشته به سبب فعالیت نیروهای کمونیست، مائویست‌ها، هواداران جبهه خلق عرب و برخی عناصر مانده از رژیم گذشته، دستخوش ناآرامی شده بود. کارکنان در هراس بودند و ناآرامی‌ها را برای صنعت نفت خطرناک می‌شمردند. آنها پاکسازی را تنها راه چاره می‌دانستند و نیروهای انقلابی اصرار بر پاکسازی صنعت نفت داشتند. وقتی بنافتی درخواست نیروهای انقلابی را مطرح کرد، نزیه گفت: «بهتر است بگوییم بازسازی و از واژه پاکسازی پرهیز کنیم. وقتی از واژه پاکسازی استفاده کنیم، انواع اتهام به افراد یادشده وارد می‌شود.» نزیه راه میانبر را انتخاب کرد و گفت فعلاً هیئت‌مدیره وجود ندارد و هیئت سرپرستان موقت اختیارات ندارد. باید برای هر مورد با نخست‌وزیر مشورت شود.

در آن روزها، نزیه در این اندیشه بود که چگونه می‌تواند نیروهای متخصص صنعت را که هیچ سنخیتی با روح انقلاب نداشتند، حفظ کند. مواضع او در این دوره با جلسات و شایعات منتشرشده در خوزستان مبنی بر نبود قاطعیت او انطباق داشت. به همین دلیل، دوستان هم‌جرگه او در آبادان اطلاعیه‌ای با امضای جبهه ملی، شاخه خوزستان، در پالایشگاه آبادان علیه نزیه پخش کردند که عنوان آن چنین بود: آقای نزیه مماشات کافی است، اقدام کنید.

حسن نزیه در ۳ اردیبهشت ۱۳۵۸ احکام جدیدی با امضای رئیس هیئت‌مدیره و مدیرعامل شرکت ملی نفت صادر کرد. او با صنعت نفت آشنایی چندانی نداشت و به ناچار، از مشاوران مورداعتماد مانند مجید طباطبایی دیبا، محمدعلی نابغ و محمدعلی موحد کمک می‌گرفت. کاظم حسیبی که در مبارزات ملی شدن صنعت نفت سوابق تابناکی داشت در اتاقی در نزدیکی دفتر نزیه مستقر بود و در اموری که به او ارجاع می‌شد مشورت می‌داد. حسیبی در جلسات هیئت‌مدیره شرکت نمی‌کرد و مدتی پیش از برکناری نزیه همکاری‌اش را به پایان برد. نزیه در انتصاب مدیر اکتشاف و تولید به دلیل اختلافی که بین مدیران وجود داشت، مردد بود. سرانجام، جهانگیر رئوفی را که قبلاً در این سمت خدمت می‌کرد برگزید. همان زمان، دادستانی انقلاب چند مدیر از امور حقوقی، مالی و اکتشاف هموچن رئوفی و موحد را احضار و بازداشت کرد که مدتی بعد آزاد شدند و به کار برگشتند.[۲]

---

۱. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۱، ۱۳۵۸/۲/۴.

۲. قباد فخیمی، سی سال نفت ایران، تهران: انتشارات مهراندیش، ۱۳۸۷، ص ۹۶۲ و ۹۷۰.

شرکت ملی مناطق نفت‌خیز

در دوران پیش از انقلاب، مناطق نفت‌خیز جنوب بیشترین سهم را در تولید و اکتشاف حوزه‌های نفتی داشت. پس از انقلاب، بیش از دیگر واحدها شاهد خروج متخصصان و شرکت‌های خارجی بود. با ادغام شرکت اسکو و چند واحد شرکت ملی نفت و عملیات غیرصنعتی مجموعه جدیدی که بعدها هویت شرکت ملی به خود گرفت (شرکت ملی مناطق نفت‌خیز) تأسیس شد. این مجموعه مسئولیت اکتشاف، تولید و توسعه گاز و نفت در میدان‌های نفت‌خیز جنوب را بر عهده گرفت. جهانگیر رئوفی، سورن سرکیسیان، محمدجواد تندگویان و سیدمحسن یحیوی نخستین مدیران آن بودند.

خلاصه کارنامه تابناک و قابل ارج این مناطق از پیروزی انقلاب اسلامی (بهمن ۱۳۵۷) تا آغاز جنگ (مهر ۱۳۵۹) را می‌توان این‌گونه برشمرد: ۱. اکتشاف، تولید و توسعه حوزه‌های نفتی و ساماندهی فعالیت‌ها؛ ۲. بهره‌گیری از نیروهای متخصص ایرانی به‌جای متخصصان خارجی و جایگزین کردن آن‌ها در بخش‌های حفاری، مهندسی نفت و تولید؛ ۳. محافظت از تجهیزات و تأسیسات در برابر اغتشاشگران، خرابکاران و سرقت‌های شبانه.

بدنه اصلی مناطق نفت‌خیز جنوب در مقابل حملات ناجوانمردانه از سوی اغتشاشگران مردانه ایستاد، عملیات روانی و گروه‌های سیاسی را خنثی کرد، به ترمیم تأسیسات منفجرشده پرداخت و از شکل‌گیری اعتصابات منجر به قطع تولید نفت جلوگیری به عمل آورد.[1]

اوپک در سرگردانی

با برقراری آرامش در سطح کشور و شکل‌گیری نظم سیاسی، دولت توانست به‌تدریج صادرات نفت را سامان دهد. مجموع صادرات تا اردیبهشت ۱۳۵۸ در ۵۴ فقره فروش تک‌محموله‌ای به مقدار ۱۳/۷ میلیون تن خلاصه می‌شد که این رقم در ماه‌های بعد افزایش یافت. شرکت‌های میتسویی، ایشلند، شل، فیلیپ برادرز، ماروبنی، مارک ریچ، گلف، بی‌پی، ماپکو، اناپ، فیبرو، ماراتون، اکسون، سان اویل، توتال، پترول اکسپورت، کوخ و نیشو ایوایی برخی از خریداران این ۵۴ فقره بودند.[1]

از اواخر فروردین ۱۳۵۸، روند افزایشی قیمت نفت به دلیل کاهش صادرات نفت ایران

۱. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۱۷، ۱۳۵۸/۳/۸

و نگرانی خریداران از ظرفیت تولید اوپک آغاز شد. در پی افزایش قیمت جهانی نفت، شرکت ملی نفت ایران یک دلار و ۳۰ سنت بر بهای نفت سبک و یک دلار و ده سنت بر بهای نفت سنگین خود افزود.[۱] بهای نفت که از موضوعات پرکشمکش در اوپک بود، روزبه‌روز افزایش یافت. در ۱۳ تیر ۱۳۵۸، شرکت ملی نفت بار دیگر قیمت‌ها را افزایش داد. به این صورت که قیمت نفت سبک را ۲۲ دلار و بهای نفت سنگین را ۱۹/۹ دلار به خریداران بین‌المللی اعلام کرد[۲]. این اقدام واکنشی به تقاضای روز افزون بازار بود که قبل از آن نیجریه به آن مبادرت کرده بود.

جلسات متعدد رؤسای اوپک در سال ۱۳۵۸ از قیمت دوگانه نفت و نبود وحدت‌نظر درباره سقف تولید و قیمت هر بشکه نفت حکایت داشت. نفت با دو قیمت رسمی اوپک و قیمت آزاد به فروش می‌رسید و به همین دلیل اصطلاح سورشارژ در مذاکرات و مکاتبات رایج شد. طی این مدت، لیبی بخش زیادی از نفت خود را به قیمت آزاد می‌فروخت. ایران و عربستان دو قطب اصلی اوپک بودند و دیگر اعضا خود را به یکی از آنها نزدیک می‌کردند. ایران از افزایش قیمت نفت دفاع می‌کرد و بر آزادکردن آن، مطابق بازار آزاد تأکید داشت.

بعد از تشکیل وزارت نفت، تشکیلات اوپک از وزارت دارایی به زیرمجموعه این وزارتخانه در آمد و معین‌فر به‌عنوان نماینده ایران در مذاکرات اوپک حضور می‌یافت.[۳] در جلسه ۱۹ مهر ۱۳۵۸، پیرو آخرین مذاکره با وزرای نفت اوپک، ایران تصمیم گرفت از اول اکتبر هر بشکه نفت‌خام سبک و سنگین خود را ۲۳/۵ دلار بفروشد. به‌این‌ترتیب، قیمت نفت از ۱۲ دلار به ۱۷/۵ دلار و سپس به ۲۱ دلار و در اواخر سال ۱۳۵۸ حتی به ۳۴ دلار رسید.[۴] در دی‌ماه، عربستان اعلام کرد تا آنجا که بتواند مانع افزایش قیمت هر بشکه نفت به بیش از ۲۴ دلار خواهد شد.[۵] موضع وزیر نفت عربستان در حالی منتشر شد که اجلاس اوپک به دلیل عدم توافق در مورد یک قیمت حداکثری، به فرمول «قیمت‌گذاری آزاد برای هرکس» تن داد. این فرمول موجب نگرانی بسیاری از مصرف‌کنندگان غربی شد.[۶]

۱. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۱۸، ۱۳۵۸/۳/۹.
۲. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۲۸، ۱۳۵۸/۴/۱۳
۳. تاریخ شفاهی وزرای نفت (علی‌اکبر معین‌فر)، ص ۳۹.
۴. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۶۸، ۱۳۵۸/۷/۱۹.
۵. روزنامه کیهان، ۲ دی ۱۳۵۸.
۶. روزنامه کیهان، ۲ دی ۱۳۵۸،

معین‌فر در ۲۹ بهمن ۱۳۵۸ در واکنشی جسورانه به اصرار عربستان برای شرکت در اجلاس وزیران نفت اوپک در لندن گفت:

حضور در کنفرانس لندن ائتلاف وقت است، ولی کارشناسان نفتی ایران که حامل سیاست نفتی ما هستند، سیاست نفتی کشور را تشریح خواهند کرد.[۱]

قیمت نفت پس از اجلاس لندن بار دیگر افزایش یافت. درحالی‌که عربستان به کنترل قیمت علاقه نشان می‌داد، بازار مصرف به عطشی سیراب‌نشدنی مبتلا شده بود. در اسفند ۱۳۵۸ قیمت‌ها بار دیگر روند افزایشی یافت. هر بشکه نفت ایران بین ۲۷ تا ۳۴ دلار به فروش رفت و نفت سبک لیبی به ۴۰ دلار رسید. این روند در فروردین و اردیبهشت ۱۳۵۹ رو به کاهش گذاشت. درآمد نفتی ایران در سال ۱۳۵۸ به ۲۳/۵ میلیارد دلار رسید که به‌رغم کاهش تولید، در سایه افزایش قیمت، درآمدی قابل‌قبول بود.[۲]

به موازات گرانی نفت و عدم استفاده از گاز در مصرف داخلی، معین‌فر پس از نشست‌های کارشناسان شرکت ملی گاز، به استراتژی جدید وزارت نفت اشاره کرد و گفت:

باتوجه‌به ضرورت استفاده از گاز در داخل کشور و به‌ویژه برای حفظ ذخایر نفتی، میزان تولید نفت‌خام به نصف کاهش یافته و میزان صدور گاز به شوروی از ۲۷ میلیون و ۴۰۰ هزار مترمکعب به حدود ۴ میلیون مترمکعب رسیده است.[۳]

گاز؛ راهبرد جدید صنعت نفت

ابتدای سال ۱۳۵۸، حدود ۳ میلیون مشترک با جمعیت ۱۵ میلیون نفری از گاز مایع استفاده می‌کردند. گاز مایع در سیلندرهای ۱۱ کیلویی با نام‌های ایران گاز، پرسی گاز، بوتان گاز و الوند گاز توزیع می‌شد. مهم‌ترین تحول در راهبردهای صنعت نفت پس از پیروزی انقلاب، در قالب توجه بیشتر به گاز خانگی رخ داد. این روند را حسن مرشد و همراهانش آغاز کردند. در واقع، استفاده از گاز خانگی در بستری تاریخی که از اواخر دهه ۱۳۴۰ شروع شده بود، استمرار یافت. سیلندرهای ۱۱ کیلویی به‌تدریج در طول سی سال محو و خطوط لوله گاز خانگی جایگزین آن شد. صادرات گاز به شوروی به کما رفت.

مدیران شرکت ملی نفت در ۱۵ خرداد ۱۳۵۸ گزارش مرشد را واقعیتی اجتناب‌ناپذیر

۱. روزنامه کیهان، ۲۹ بهمن ۱۳۵۸.

۲. روزنامه کیهان، ۱۸ اسفند ۱۳۵۸؛ معین‌فر: «درآمد نفت ایران بابت صدور به ۲۳/۵ میلیارد دلار می‌رسد.»

۳. روزنامه کیهان، ۱۸ اسفند ۱۳۵۸.

تلقی کردند: «باید اقداماتی صورت گیرد تا برای مصارف صنعتی، خانگی و تجاری، حداکثر از گاز استفاده شود، زیرا این عمل هم از لحاظ اقتصادی و هم پاک‌سازی محیط زیست به صلاح کشور است.»[۱]

مرشد که ریاست شرکت ملی گاز را بر عهده داشت، این موضوع را با جدیت دنبال کرد. این در حالی بود که صادرات گاز به شوروی هنوز متوقف نشده بود. آلودگی هوای تهران که امروزه به معضلی جدی برای همگان تبدیل شده است، در آن زمان هم تا مرز هشدار می‌رسید. برای مقابله با این شرایط، مدیران شرکت گاز طرح گازسوز کردن اتومبیل‌ها را پیگیری کردند. در نیمه مهر ۱۳۵۸، در جلساتی مستمر شرکت ایران ناسیونال، سازمان استاندارد، شرکت ملی گاز و اتحادیه تاکسیرانی تهران به طرح گازسوز کردن رأی مثبت دادند و تصمیم گرفتند ۵۰ تاکسی برای مرحله اول گازسوز شوند.[۲] البته، سازمان‌های محیط‌زیست و برنامه و بودجه بیشتر از این طرح استقبال کردند. آلودگی هوای تهران به مرز نگران‌کننده‌ای رسیده بود و مراکز تولید آلودگی، همواره مورد اعتراض و شکایت قرار می‌گرفتند. ازجمله کارخانه سیمان تهران، سیمان ری، کوره‌های آجرپزی جنوب تهران، کارگاه‌های صنعتی شهر ری، پالایشگاه تهران و سیستم حمل‌ونقل شهری تهران مراکز عمده تولید آلودگی شناخته شده بودند.

به هر صورت، طرح گازسوز کردن تاکسی‌ها با حمایت دولت به انجام رسید، اما با آغاز جنگ برای مدتی از دستور کار خارج و از سال ۱۳۶۴ به‌تدریج به‌صورت جدی مورد بررسی قرار گرفت. سرانجام اینکه تا پایان جنگ، تنها تعدادی تاکسی و اتوبوس در تهران و شیراز گازسوز شدند.

لغو قراردادهای مشارکتی

اغلب مدیران با قراردادهای مشارکتی مخالف بودند. اگر در نهان نیز مخالفتی نداشتند، خود را مخالف نشان دادند. رسیدگی به قرارداد کنسرسیوم و سایر قراردادهای مشارکتی، از همان نخستین روزهای شروع به کار هیئت سرپرستان در دستور کار آنان قرار گرفت. جلسه دوم هیئت سرپرستان در ۹ اردیبهشت با حضور محمدعلی موحد، حقوقدان برجسته کشور، در دفتر حسن نزیه تشکیل شد. اصلی‌ترین موضوع بحث، قرارداد کنسرسیوم بود که در سال ۱۳۵۲ به قرارداد پیمانکاری (اسکو) تبدیل شده بود. حال، دولت ایران

۱. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۱۹، ۱۳۵۸/۳/۱۵.

۲. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی گاز ایران، ۱۳۵۸/۸/۱

باید درباره قرارداد پیمانکاری با شرکت اسکو تصمیم می‌گرفت. موحد درباره قرارداد با شرکت اسکو گفت:

> قراردادهایی که به موجب قانون قبلی تصویب شده‌اند، باید در جهت منافع ایران و در چارچوب روح انقلاب تبدیل و تجدید شوند. طبق قانون نفت، آن‌ها که تولید کردند باید تحویل بدهند و بروند و هرچه خرج اکتشاف کرده‌اند، ظرف ده سال پس گیرند. آن‌ها حق دارند حداکثر تا ۵۰ درصد نفت مکشوفه را به قیمت بازار نفت بخرند و تخفیفی حداکثر ۵ درصدی به قیمت رایج بازار داشته باشند.[۱]

این جلسه بدون هیچ تصمیمی پایان یافت. شرکت‌کنندگان نمی‌دانستند شورای انقلاب هیچ‌یک از قراردادهای مانده از رژیم گذشته را برنمی‌تابد. چند روز بعد، دیبا به هیئت‌مدیره گزارش داد که قرار است به‌زودی مذاکره با کنسرسیوم در دفتر لندن آغاز شود.[۲] به این منظور، موحد برای مذاکره آماده شد. او تصمیم گرفت تمامی مستندات و ادعاها، علیه کنسرسیوم را در کمیته‌ای که قرار است به‌زودی تشکیل شود جمع‌آوری و در اولین مرحله مذاکرات از آن‌ها استفاده کند.

۲۰ مرداد، اعضای هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت تصمیم به فسخ قرارداد طرف دوم شرکت‌های ایپاک، لاپکو، سیریپ و ایمینیکو گرفتند، ولی از آنجایی که اعلام رسمی این تصمیم تعهداتی برای شرکت ملی نفت ایران ایجاد می‌کرد، قرار شد از اعلام رسمی فسخ قراردادها خودداری شود و مذاکره با شرکت‌های موردنظر ادامه یابد.[۳]

در ۶ شهریور، نزیه در نامه‌ای به نخست‌وزیر درخواست کرد هیئتی از جانب رهبری و دولت برای همکاری با هیئت نمایندگی شرکت ملی نفت معرفی شود.[۴] این اقدام نزیه کاملاً زیرکانه بود، چون او نمی‌خواست تصمیمات اخذشده بعدها با مشکل روبه‌رو شود.

کمتر از یک هفته بعد، شرکت بین‌المللی نفت ایران در نیویورک منحل اعلام شد، اما شرکت ملی نفت تصمیم گرفت به مشارکت خود در نفت دریای شمال ادامه دهد و با تمدید پنج ساله قرارداد کمک‌های فنی به پالایشگاه‌های مدرس موافقت کند.[۵] هم‌زمان، موضوعات پراهمیتی همچون سرنوشت نمایندگی شرکت ملی نفت ایران در لندن و فروش نفت به کشورهای مختلف آفریقایی و آسیایی در جریان بود.

۱. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۲، ۱۳۵۸/۲/۹
۲. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۴، ۱۳۵۸/۲/۱۶
۳. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۷۸، ۱۳۵۸/۸/۲۷
۴. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۴۹، ۱۳۵۸/۶/۶
۵. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۵۲، ۱۳۵۸/۶/۱۱.

مدیران شرکت ملی نفت باید تصمیمات جدیدی در مورد شرکت **آیروس** در لندن می‌گرفتند. قبل از انقلاب زمزمه‌هایی شنیده می‌شد که شرکت آیروس باید به یک شرکت ایرانی بدل شود. بعد از انقلاب این زمزمه‌ها بیش‌ازپیش افزایش یافت. نخستین اقدام مدیران جدید، کوچک کردن شرکت آیروس بود. در ۱۶ اردیبهشت مجید طباطبایی دیبا به نزیه گزارش داد که تعداد کارمندان دفتر لندن از ۵۶ نفر به ۹ نفر و تعداد کارمندان آیروس از ۵۱۰ نفر به ۴۴۰ نفر کاهش یافته است.[۱] در شهریور بار دیگر دستور کوچک‌سازی دفتر لندن صادر و محمدعلی موحد مأمور اجرایی آن شد.[۲] پس از مذاکراه و توافق با اعضای کنسرسیوم در مورد انحلال یا واگذاری شرکت آیروس، امور حقوقی شرکت ملی نفت تصمیم گرفت مقدمات تأسیس شرکت خدماتی جدیدی را در لندن فراهم کند.[۳] چندی بعد، شرکت کالای لندن از دل شرکت آیروس بیرون آمد.

آبادان شلوغ می‌شود

نیمه دوم اردیبهشت سال ۱۳۵۸ دوباره آبادان شلوغ شد. هیئت‌مدیره تصمیم گرفت در پالایشگاه آبادان تشکیل جلسه دهد. در همین زمان، پالایشگاه تهران در آرامش قرار داشت و برنامه تعمیراتی در آن اجرا می‌شد.

حسن نزیه به اتفاق اعضای هیئت‌مدیره، فرماندار آبادان[۴] و دادستان انقلاب جلسات فوق‌العاده‌ای در آبادان برای حل مشکلات صنفی کارگران تشکیل دادند. جلسات نهم تا چهاردهم هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت در آبادان از کشمکش‌های کارگری حکایت دارد. کارگران شرکت‌های نفتی در آبادان، شرکت‌های حفاری در اهواز و پتروشیمی ایران ـ ژاپن در ماهشهر با تقاضای استخدام در شرکت ملی نفت به تظاهرات و اجتماعات ادامه دادند. کارگران استدلال می‌کردند که ما در رژیم سابق مورد بهره‌برداری و استثمار قرار گرفته بودیم و به‌عنوان کارگر ساده به‌صورت پیمانی هیچ امنیت شغلی نداشتیم. اکنون که انقلاب شده، باید به برکت انقلاب به استخدام شرکت ملی نفت درآییم.

خواسته کارگران، هزینه سنگینی بر دولت وارد می‌کرد؛ و نه مورد قبول بخشی از

۱. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۴، ۱۳۵۸/۲/۱۶.

۲. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۴۹، ۱۳۵۸/۶/۶.

۳. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۸۱، ۱۳۵۸/۹/۱۰.

۴. فرمانداران آبادان تا سال ۱۳۶۷، به ترتیب کیاوش، ابوفاضلی، صادق آیت‌اللهی، فریور باتمانقلیچ، غلامرضا (محمود) محمدجعفری و عبدالرضا تشکری بودند.

نیروهـای انقلابـی بـود و نـه مـورد قبـول دولـت موقـت. فقـط نیروهـای مخالـف سـعی در همراهی بـا آن‌هـا داشـتند. سـفر نزیـه و اعضـای هیئت‌مدیـره ثمـری بـرای اعتراضـات صنفـی کارگـران نداشـت. پـس، نماینـدگان شـرکت‌های حفـاری خارجـی بـرای تعییـن تکلیـف خـود بـه دیـدار رهبـر انقـلاب رفتنـد کـه در بخـش تأسـیس شـرکت ملـی حفـاری بـه آن خواهیـم پرداخـت، امـا جلسـات متعـدد و فشـرده هیئت‌مدیـره در آبـادان نتایـج دیگـری داشـت:

۱. بـا ادغـام سـازمان‌های پالایشـگاه آبـادان و عملیـات غیرصنعتـی آن باتوجه‌بـه صرفه‌جویی‌هـای قابل‌توجهـی کـه هـم از نظـر مالـی و هـم نیـروی انسـانی خواهـد داشـت، از اول خـرداد ۱۳۵۸ موافقـت شـد؛ ۲. قسـمتی از اختیـارات مالـی، اداری و درمانـی بـه مناطـق نفت‌خیـز تفویـض شـد؛[۱] ۳. خدمـات کامپیوتـری شـمال، جنـوب و تهـران بـا یکدیگـر تلفیـق و مرتضـی ملـک به‌عنـوان مسـئول ایـن واحـد منصـوب گردیـد؛[۲] ۴. بـا اسـتخدام پزشـک زن در مناطـق نفت‌خیـز جنـوب و آبـادان موافقـت شـد.[۳]

همچنیـن، بـرای مقابلـه بـا تبلیغـات رژیـم عـراق، رادیـو نفـت ملـی در اختیـار شـرکت نفـت باقـی مانـد و از کارشناسـان باتجربـه خواسـته شـد بـرای مقابلـه تبلیغاتـی اقـدام کننـد.[۴]

درحالی‌کـه پالایشـگاه آبـادان شـلوغ شـده بـود، بـا درخواسـت مدیـران پالایشـگاه تهـران بـرای تعمیـرات ضـروری واحـد ایزوماکـس شـمالی موافقـت شـد. نیـروی چـپ و اعتصاب‌کننـده در پالایشـگاه تهـران حضـور کمرنگ‌تـری داشـتند. ایـن، بـه آن دلیـل بـود کـه کنتـرل ارگان‌هـا در پایتخـت اجـازه ظهـور و بـروز بـه گروه‌هـای چـپ نمـی‌داد. در ۲۸ اردیبهشـت ۱۳۵۸در جلسـه نهـم هیئت‌مدیـره بـا اسـتخدام یـک متخصـص امریکایـی بـرای تعمیـرات ضـروری ایزوماکـس شـمالی پالایشـگاه تهـران بـا هزینـه روزانـه ۱۰۰۰ دلار (شـامل حقـوق، هزینـه رفت‌وآمـد و اقامـت بـه مـدت ۲۱ روز) موافقـت کـرد.

مدتـی بعـد، هیئت‌مدیـره شـرکت ملـی نفـت در ۱۶ تیـر، احـداث کارخانـه کاهـش گرانـروی بـا ظرفیـت روزانـه ۶۰ هـزار بشـکه را در محوطـه پالایشـگاه آبـادان تصویـب کـرد.[۵] البتـه، طـرح گرانـروی در دی ۱۳۵۷ بـه تصویـب هیئت‌مدیـره قبـل از انقـلاب رسـیده بـود.۳۰ مـرداد نیـز

۱. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۱۳، ۱۳۵۸/۲/۳۱

۲..مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۱۷، ۱۳۵۸/۳/۸

۳..مصوبـات هیئت‌مدیـره شـرکت ملـی نفـت ایـران، جلسـه ۱۵، ۱۳۵۸/۳/۲. (مصوبـه آخـر بـه آن دلیـل بـود کـه کارکنـان جنـوب بـه فقـدان پزشـک زن اعتـراض داشـتند.)

٤. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۳۴، ۱۳۵۸/۴/۲۸

۵. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۲۹، ۱۳۵۸/۴/۱۶.

مصطفی کرباسیون به پالایشگاه آبادان اعزام شد.[۱] این تغییر پس از آن بود که نابغ گزارشی از نابسامانی و نبود روحیه دسته‌جمعی و فقدان تخصص لازم در پالایشگاه آبادان ارائه کرد و بنافتی هم گفت که باید با استفاده از نیروهای مذهبی و با مطالبه مسئولیت بیشتر، حرکت و جنبشی در کارکنان و کالبد صنعت نفت ایجاد شود.[۲]

آموزش کارکنان

فضایی که در صنعت نفت برای نزیه ترسیم شده بود چنان تیره‌وتار به نظر می‌رسید که او در جلسات مختلف از پایین بودن سطح آموزش و تحصیلات کارکنان ایرانی به انتقاد پرداخت و استخدام متخصصان خارجی و افزایش سطح آموزش را تنها راهبرد شرکت ملی نفت عنوان کرد، اما از آنجا که فضای انقلابی کشور چنین امری را برنمی‌تافت، نزیه برای پیشبرد کارها به راه‌حلی موقت اندیشید که هدف اصلی آن، فرونشاندن اعتراضات کارگری بود که روزبه‌روز گسترده‌تر می‌شد. راه‌حل نزیه چنین بود:

> کارهایی که پیمانکاران خارجی حاضر به اقدام فوری در مورد آن نیستند و اتمام کار بدون متخصص خارجی امکان‌پذیر است، از طریق توافق با پیمانکار یا شریک ایرانی مربوطه شروع و تکمیل شود و اگر توافق حاصل نشد، پیمانکار جدید ایرانی باتوجه‌به ضوابط معاملاتی شرکت انتخاب و کار را تکمیل کند. کارهایی که شروع و تکمیل آن‌ها به متخصص خارجی نیاز دارد، طی نامه‌ای، مبنی‌بر رفع مشکلات ورود و توافق متخصصان خارجی (روادید، پروانه کار، حفظ امنیت) به نخست‌وزیر نوشته شود.[۳]

این تصمیم، در آبادان که مرکز جنب‌وجوش‌ها و اعتراضات کارگران صنعت نفت بود، اخذ شد، ولی برای تأمین نیروهای متخصص باید راهی جدی اندیشیده می‌شد. نزیه در ۱۶ خرداد ۱۳۵۸ در بیستمین جلسه هیئت‌مدیره بار دیگر این موضوع را مطرح کرد و گفت:

> ما با کمبود متخصص، مخصوصاً در فنّاوری حفاری عمیق روبه‌رو هستیم که دلایل مختلفی دارد. عده قابل‌ملاحظه‌ای از متخصصان تربیت‌شده ایرانی جذب بازار آزاد شده‌اند.

۱. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۴۷، ۱۳۵۸/۵/۳۰؛ در مصوبه، نام کرباسیون به‌عنوان رئیس پالایشگاه آمده است.

۲. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۴۸، ۱۳۵۸/۶/۵؛ نابغ و بنافتی از مشاوران مورداعتماد نزیه بودند.

۳. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۱۲، ۱۳۵۸/۲/۳۰.

در سال‌های گذشته، هر سال ۷۵ نفر برای تحصیل تخصص به خارج اعزام می‌شدند که چون دیگر کنسرسیوم نیست این کار به‌راحتی صورت نمی‌گیرد و باید اقدامات دیگری انجام داد. با آغاز پروژه‌ها می‌توانیم از متخصصان خارجی موردنیاز به‌صورت پیمانی استفاده کنیم. امر آموزش صفر است و باید تصمیم جدی گرفت. اشخاص باصلاحیت را باید طبق برنامه صحیح و از قبل تدوین‌شده برای تخصص به خارج فرستاد که وقت هدر نرود.[۱]

کمبود نیروی متخصص بارها در جلسات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت مورد تأکید قرار گرفت. ازجمله، بوترابی در جلسه ۵ شهریور با اشاره به این موضوع گفت: «در عملیات غیرصنعتی جنوب ۳۳ نفر متخصص خارجی رفته و کسری متخصص داریم و اگر قرار باشد پروژه‌های قبلی اجرا شود، بازهم در زمینه‌های دیگر در جنوب با کمبود نیرو مواجهیم. در تهران هم در رشته‌های مختلف کسری متخصص داریم.»[۲]

نزیه چنان‌که سیاستش بود، برای در امان ماندن از انتقادات مخالفانش، دستور داد نامه‌ای به نخست‌وزیر نوشته شود تا او تصمیمات لازم را اتخاذ کند. کمبود نیروی متخصص تا چند سال بعد گریبان شرکت را رها نکرد. در آبان ۱۳۶۰ مدیریت نیروی انسانی طی گزارشی، کمبود نیروی متخصص فنی و کارشناس اداری در سطح وزارت نفت را به آگاهی اعضا رساند. دلایل کاهش جمعیت کارشناسی متنوع بود که در این گزارش مهم‌ترین آن‌ها چنین عنوان شدند:

۱. بازنشستگی‌های قبل از موعد و عادی که در دو سال گذشته رواج یافته بود؛ ۲. اخراج خارجیان از صنعت نفت؛ ۳. استعفا به میل شخصی به علت جذب در شرکت‌های خارجی یا مسافرت به خارج از کشور؛ ۴. اخراج به دلایل مختلف از قبیل غیبت، بازسازی، پاکسازی و ...؛ ۵. عدم استخدام از ۴ سال قبل تاکنون؛ ۵. افزایش پروژه‌های متعدد و مهم جدیدی که باید نیروی انسانی آن‌ها تأمین می‌شد.[۳]

از اواسط دهه ۱۳۶۰، تقریباً نیروهای متخصص ایرانی در بخش‌های عمده‌ی صنعت نفت، گاز و پتروشیمی امور مختلف را اداره می‌کردند.

شرکت ملی حفاری، مولود انقلاب

پیش از انقلاب، صنعت حفاری در انحصار شرکت‌های خارجی قرار داشت. با پیروزی

۱. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۲۰، ۱۳۵۸/۳/۱۶.
۲. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۴۸، ۱۳۵۸/۶/۵.
۳. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه فوق‌العاده، ۱۳۶۰/۸/۱۳.

انقلاب، مهندسان و متخصصان انقلابی با تشکیل «کمیته کارگری استان خوزستان» مأموریت یافتند نیروهای خارجی را اخراج و متخصصان ایرانی را جایگزین کنند. مجید سالمی در محل فعلی شرکت ملی حفاری، مأموریت یافت شرکت‌های حفاری و سرویس‌دهنده مانند دلول، شل و هالیبرتون را بررسی کند.[۱]

از اواخر اسفند ۱۳۵۷، اعتراض‌ها و اعتصاب‌های کارکنان شرکت‌های حفاری آغاز شد. ابتدا، کارگران شرکت سدکو[۲] برای تعیین تکلیف و دریافت حقوق ماهانه خود در محوطه شرکت تجمع کردند. به‌تدریج کارگران و کارکنان دیگر شرکت‌های حفاری به آن‌ها پیوستند. کارکنان شش شرکت حفاری و سی‌وهفت شرکت خدمات جانبی که تعدادشان به ۷ هزار نفر می‌رسید، نمایندگانی برگزیدند تا با مقامات دولتی گفتگو کنند. آن‌ها می‌خواستند زیر چتر حمایت دولت قرار گیرند و آینده خود را تضمین کنند. نیروهای چپ‌گرا نیز با هدف جذب نیرو و سوار شدن بر موج اعتراضات در ابتدا توانستند به این جمعیت چند هزار نفره راه یابند که در این راه، ناکام ماندند و مسلمانان انقلابی که عمل را بر شعار ترجیح می‌دادند، توانستند ابتکار عمل را به دست گیرند و اعتماد کارکنان را جلب کنند.

سرانجام، کار به انتخاب نمایندگان رسید. در خردادماه، ۷ نفر از انقلابیون مسلمان به نمایندگی بیش از ۷ هزار نفر[۳] کارگر و تکنیسین که در شرکت‌های حفاری خارجی قبل از انقلاب اشتغال داشتند، انتخاب شدند: شجاع گلچین، علی محرابی، مراد ناظمی، اسدالله شهبازی، صفر اسماعیلی، سعادت روشن، امین بویرمی. در نیمه خرداد ۱۳۵۸، نمایندگان به دیدار رهبر انقلاب رفتند. ملاقات روز ۲۸ خرداد در قم انجام شد و شجاع گلچین در حضور ایشان، تاریخچه‌ای از گذشته و وضعیت کنونی صنعت حفاری کشور را بیان کرد. پس از آن، رهبر انقلاب سؤال‌هایی مطرح کردند که یکی از پرسش‌ها این بود که آیا با تشکیل شرکت ملی حفاری، بازهم به متخصصان خارجی نیاز خواهد بود یا خیر؟ نمایندگان کارکنان حفاری با قاطعیت اعلام کردند: «اگر شرکت ملی حفاری ایران تأسیس شود دیگر نیازی به خارجی‌ها نیست و می‌توان بدون آن‌ها تجهیزات و صنعت حفاری را به شکل مطلوب اداره کرد.» رهبر انقلاب به تمام سخنان گوش فرا دادند و

---

۱. مصاحبه با مجید سالمی، پروژه تاریخ نفت ایران، اسفند ۱۳۹۴.

۲. امیرحسین موسوی در مصاحبه با ما گفت: «انتخاب شرکت سدکو به دلیل تعداد دکل‌هایی بود که این شرکت داشت. شرکت سدکو قریب ۷ یا ۸ دکل داشت.»

۳. رقم کارکنان شرکت‌های حفاری متفاوت ذکر شده است.

در پایان گفتند: «هر چیزی که می‌دانید به نفع اسلام و انقلاب است، انجام دهید.»[۱]

نمایندگان در نامه‌ای از رهبر انقلاب درخواست کردند شرکت ملی حفاری تشکیل شود تا آن‌ها زیر چتر حمایت شرکت ملی نفت قرار گیرند و از مزایای حقوقی و بیمه همسان کارمندان دولتی برخوردار شوند. گزارشی که در همان روزها در هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ارائه شد، فضای آن روزها را به‌خوبی ترسیم می‌کند:

تعداد دستگاه‌های حفاری که قبل از انقلاب ۳۶ عدد بود، بعد از انقلاب به ۱۰ دستگاه رسیده و در ۳ ماه آینده به ۸ دستگاه خواهد رسید. نگهداری این دستگاه‌ها ۲۸۰ میلیون تومان در ماه خرج خواهد داشت (هر دستگاه ۲۸ میلیون تومان در ماه). ضمن اینکه خواباندن آن‌ها ۳۲۰۰ نفر از کارکنان پیمانکاری حفاری را بیکار می‌کند که حقوق آن‌ها ۱۱ میلیون تومان در ماه است. کارکنان بیکارشده اکثراً کشاورز بودند که از کار کشاورزی دست برداشته و با زندگی حفاری خو گرفته‌اند و برایشان غیرممکن است که دوباره به کارهای گذشته خود برگردند. ضمن اینکه حقوق و مزایایشان به علت تخصص و کار در محیط و شرایط سخت نسبت به کارکنان سایر مؤسسات بالاتر بود. کارکنان که قراردادهایشان از طرف شرکت ملی نفت لغو شده بود، تقاضای اشتغال مجدد داشتند. نمایندگان آن‌ها به حضور امام خمینی رفتند و دستخط او را خطاب به نخست‌وزیر برای حل مشکل خود گرفتند. به هیئت سرپرستی شرکت ملی نفت و وزیر کار و امور اجتماعی و سایر مقامات دولتی هم مراجعه کردند. حدود ۵۰۰ نفر از آن‌ها هم در ۱۹ و ۲۵ تیر در اداره کل حفاری در اهواز تحصن و تهدید به اعتصاب مجدد هم کردند.[۲]

پس از دیدار رهبر انقلاب با کارکنان، ایشان طی نامه‌ای به نخست‌وزیر وقت دستور رسیدگی به موضوع را داد، اما دولت مخالفت خود را با این درخواست اعلام کرد. شرکت ملی نفت مخالف اصلی طرح بود و استدلال می‌کرد تنها مجاز به استفاده از فارغ‌التحصیلان دانشگاهی در بخش‌های طراحی چاه‌های نفت یا اکتشاف و تولید است و کارهای عملیاتی پرمشغله نظیر حفاری و امور خدماتی مانند نگهبانی، ساختمان‌سازی و لوله‌کشی باید به بخش خصوصی واگذار شود. برخی از مدیران ارشد نفت و استاندار خوزستان در اهواز از این طرح دفاع کردند و هراس خود را از ورود نیروهای کارگری ـ عملیاتی و تحمیل هزینه به شرکت ملی نفت آشکارا نشان دادند. نخست‌وزیر، استاندار خوزستان، دادستان انقلاب و انقلابیون، ناگزیر به ارائه طرح‌های مختلف روی آوردند. مهم‌ترین عامل اختلاف در این شرایط، منبع تأمین حقوق ماهانه این جمعیت بود که

۱. ویژه‌نامه سالگرد تأسیس شرکت ملی حفاری، نشریه مشعل، ۱۳۹۱

۲. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۳۴، ۱۳۵۸/۴/۲۸.

بایـد از جایـی تأمیـن می‌شـد.

مذاکـرات نماینـدگان حفـاری بـا نماینـدگان اعزامـی دولـت و حسـن نزیـه بی‌نتیجـه بـود. اعتصـاب کارکنـان حفـاری ادامـه یافـت تـا اینکـه آیـت‌الله اشـراقی به‌عنـوان نماینـده امـام بـرای دفـاع از خواسـت کارکنـان وارد عمـل شـد. سـرانجام، دسـتور رهبـر انقـلاب، هشـدار کتبـی نخسـت‌وزیر و درخواسـت کارکنـان در حـال اعتصـاب، منجـر بـه تولـد شـرکت ملـی حفـاری شـد. سه‌شـنبه، ۳۰ مـرداد ۱۳۵۸ تأسـیس شـرکت ملـی حفـاری ایـران به‌عنـوان یکـی از شـرکت‌های فرعـی شـرکت ملـی نفـت تصویـب شـد.[۱]

به‌این‌ترتیـب، کارکنـان کـه در پـی ایفـای حـق خـود بودنـد، بـدون آنکـه پرچـم ضدانقلابـی در دسـت داشـته باشـند، توانسـتند بـا وسـاطت آیـت‌الله اشـراقی و تأییدهـای مکـرر رهبـر انقـلاب، حـرف خـود را بـه کرسـی بنشـانند و شـرکت ملـی حفـاری را تأسـیس کننـد. محمدپاشـا رمضان‌پـور مأموریـت تأسـیس آن را بـر عهـده گرفـت و اولیـن مدیرعامـل آن شـد.

پـس از موافقـت بـا تأسـیس شـرکت ملـی حفـاری، پیش‌نویـس اساسـنامه آن در ۲۷ آبـان بـه تصویـب هیئت‌مدیـره شـرکت ملـی نفـت رسـید.[۲] تـا پایـان آذر سـازمان شـرکت مشـخص و از دی‌مـاه وارد جمـع شـرکت‌های فعـال صنعـت نفـت شـد. هیئت‌مدیـره شـرکت ملـی حفـاری پنـج عضـو داشـت و مدیـر اکتشـاف و تولیـد شـرکت ملـی نفـت رئیـس هیئت‌مدیـره بـود. پروسـه مسـائل حقوقـی و دارایی‌هـا چنـد ماهـی به‌طـول انجامیـد و در اول اسـفند ۱۳۵۸ شـرکت ملـی حفـاری شـکل و نمـای جدیـدی یافـت و مدیرعامـل و اعضـای هیئت‌مدیـره آن بدیـن صـورت تعییـن شـدند: محمدپاشـا رمضان‌پـور (مدیرعامـل)، علی‌محمـد سـعیدی (رئیـس هیئت‌مدیـره)، ممبینـی (بـازرس)، بهمـن نخشـب (بـازرس)، ایـرج درویـش، حسـن حُسـن و اسـماعیل فخرایـی (مدیـران شـرکت).[۳]

محمدپاشـا رمضان‌پـور به‌عنـوان اولیـن مدیرعامـل شـرکت تازه‌تأسـیس راهـی دشـوار پیـش رو داشـت. در اولیـن گام، بیـن کارکنـان، کارشناسـان و کارگـران وحـدت ایجـاد کـرد و بـرای رسـیدن بـه ایـن مهـم، کارکنـان را بـه پیـروی از یـک رویـه و اصـول انضباطـی دعـوت کـرد و آن‌هـا را از اختـلاف رنـگ، لبـاس، تبعیـض یـا تحقیـر یکدیگـر پرهیـز داد.[۴] طبعـاً، ایـن تغییـر رفتـار سـازمانی به‌سـادگی پدیـدار نشـد و بـا تـلاش مدیـران بعـدی، به‌تدریـج تثبیـت شـد.

شـرکت‌های حفـاری کـه در آغـاز تحـت پوشـش سـازمان صنایـع قـرار داشـتند، پـس از

۱. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۴۷، ۱۳۵۸/۵/۳۰.

۲. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۷۸، ۱۳۵۸/۸/۲۷.

۳. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۱۰۳، ۱۳۵۸/۱۲/۱.

۴. مصاحبه با محمد عالمی، آرشیو تاریخ نفت ایران، مرداد ۱۳۹۵.

تشکیل شرکت ملی حفاری و تمایل مدیران آن برای ادغام در وزارت نفت، سرانجام به خواسته خود رسیدند. ۲۳ تیر ۱۳۵۹ جلسه‌ای با حضور وزیر صنایع و مدیران شرکت‌های حفاری تشکیل شد.در پایان جلسه، تصمیم گرفته شد تمامی اختیارات، وظایف و حقوق سازمان صنایع ملی ایران در شرکت‌های حفاری به وزارت نفت منتقل شود. نعمت‌زاده، وزیر صنایع و معادن، این موضوع را طی نامه‌ای به وزارت نفت اعلام کرد و قرار شد شرکت ملی حفاری به نمایندگی از وزارت نفت، به امور شرکت‌های حفاری رسیدگی کند.

در آبان ۱۳۵۹، اعضای هیئت‌مدیره شرکت بدین صورت انتخاب شدند: محمدصادق آیت‌اللهی، رئیس هیئت‌مدیره؛ محمدرضا شماسی مدیرعامل و عضو هیئت‌مدیره؛ حسن حُسن، عضو هیئت‌مدیره، مدیر عملیات و قائم‌مقام مدیرعامل در غیاب ایشان؛ احمد ساقیان، مشاور رئیس هیئت‌مدیره و مدیرعامل؛ وحید آل‌آقا، عضو هیئت‌مدیره و مدیر مهندسی و خدمات فنی؛ ناصر فتاحی عضو هیئت‌مدیره و مدیر خدمات؛ مرتضی ممبینی و بهمن نخشب بازرس.[۱]

مشکلات نزیه

اوایل تابستان ۱۳۵۸ دوباره اهواز و آبادان شلوغ شد. نزیه، شهیدا، بوترابی، پارسا، گرانمایه و معروفیان به اهواز رفتند تا تشنجات کارگری را آرام کنند. تبعیض در حقوق و رفاه کارکنان و عدم استخدام رسمی، اصلی‌ترین مشکل کارگرانی بود که در لایه‌های پنهان ذهن نزیه هیچ پاسخ قاطعی برای آن‌ها وجود نداشت. در ۳ مهر سال ۱۳۵۸ آیت‌الله اشراقی گفت:

> طبق شکایت رسیده از کارکنان شرکت‌های نفت، گاز و پتروشیمی، به همراه چند تن به خوزستان سفر کردیم و با بررسی انجام‌شده متوجه شدیم که کارگران و کارمندان از فاصله طبقاتی ناراضی هستند. چنان‌که حسن نزیه حقوق کارگران را از ۳۰۰۰ به ۳۳۰۰ تومان افزایش داده، در صورتی که حقوق کارمندان به ۹۰۰۰ تومان رسیده و یک تضاد ۵۷۰۰ تومانی بین این دو گروه به وجود آمده. از سوی دیگر، کارکنان تقاضای پاکسازی صنعت نفت را داشتند، اما آقای نزیه فقط به جابه‌جایی اکتفا کرده که این عوامل، اعتراض کارکنان را برانگیخته است.[۲]

نزیه در گفتگوهای خصوصی به دوستانش در اهواز می‌گفت هیچ اعتقادی به اعتصابات

۱. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۱۶۰، ۱۳۵۹/۸/۲۵.
۲. روزنامه کیهان، ۳ مهر ۱۳۵۸.

و شورش‌های کارگری و خواسته‌های جاه‌طلبانه آنان ندارد، اما سرانجام، از اوایل مرداد، همراه با افزایش قیمت نفت و گسترش تشنجات کارگری در جنوب، حسن نزیه به همراه هیئت‌مدیره به راهکارهای انقلابی برای رفاه کارکنان تن دادند. طی روزهای ۲۱ تا ۲۷ مرداد که نزیه در اهواز و آبادان اقامت داشت، تصمیماتی برای رفع تبعیض اتخاذ شد، ازجمله: بهبود وضع آب و برق و وضعیت کلی منازل کارگری در حد امکان بهبود یابد؛ طرح طبقه‌بندی مشاغل کارگران برای بهبود وضعیت رتبه و ارتقای کارگری مطالعه و راه‌حل منطقی به‌منظور خواسته مورد بحث ارائه شود و درنهایت در اوراق شرکت، اصطلاح «کارگر روزمزد» منسوخ و به‌جای آن عنوان «کارگر رسمی» به کار برده شود.

مدیران تصمیم مهم دیگری هم اخذ کردند. مطابق اسناد هیئت‌مدیره، نخست‌وزیر موافقت کرد تا بهای فروش اولین محموله نفتی و بهای فروش یک روز نفت‌خام صرف پروژه‌های عمرانی خوزستان شود. در سفر هیئت سرپرستی به خوزستان قرار بر این شد که مبلغ فروش یک روز نفت‌خام (۶۵ میلیون دلار) در اختیار امور مالی مناطق نفت‌خیز قرار گیرد و به‌صورت تدریجی به استانداری خوزستان پرداخت شود.[۱]

در شرایطی که نمایندگان شرکت نفت خود را برای مذاکره با اعضای کنسرسیوم آماده می‌کردند و نمایندگان کارگران معترض هر روز مطالبات جدیدی داشتند، اختلافات نزیه با شورای انقلاب به اوج خود رسید، تا آنجا که در جلسه ۱۵ شهریور هیئت‌سرپرستی گفت: «باتوجه‌به اهمیت کارهای جاری، از مسافرت به کشور رومانی منصرف شده‌ام.»[۲] اما انصراف نزیه از این مسافرت دلایل دیگری داشت. در ۶ خرداد، پس از سخنرانی در جلسه کانون وکلای دادگستری مشکلات آغاز شد. نزیه در این جلسه با اشاره به پاکسازی‌ها و مخالفت با نحوه عمل شورای انقلاب گفت:

> از امام خمینی خواسته‌ام تا با اعلام عفو عمومی زمینه‌ای فراهم سازد که صاحبان صنعت و تجارت به سر کار خود بازگردند. این بزرگ‌ترین عامل رفع بیکاری خواهد بود.[۳]

نزیه به مسائل دیگری هم اشاره کرد که اعتراضات گسترده‌ای در پی آورد و دکتر بهشتی در جمع دانشجویان و عده‌ای از طلاب، سخنان مبسوطی در رد سخنان او ایراد کرد و خواستار محاکمه‌اش شد،[۴] اما مشکلات نزیه بیش از اینها بود. اختلاف با حجت‌الاسلام اشراقی، نماینده امام در صنعت نفت، نیز بر مشکلات نزیه افزود. اشراقی اصرار داشت

---

۱. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۴۶، ۱۳۵۸/۵/۲۷.

۲. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۵۴، ۱۳۵۸/۶/۱۵.

۳. روزنامه کیهان، ۶ خرداد ۱۳۵۸.

۴. روزنامه کیهان، ۱۰ خرداد ۱۳۵۸.

شرکت ملی حفاری تأسیس شود، کارکنان ایرانی شرکت‌های خارجی به‌جامانده به استخدام شرکت ملی نفت درآیند، تبعیض حقوقی بین کارگران و کارمندان برداشته و امکانات رفاهی به عدالت توزیع شود. اشراقی، نماینده افکار کارگران و کارمندان بلاتکلیف بود و نزیه از مواضع مدیران محافظه‌کار و فن‌سالار در صنعت نفت حمایت می‌کرد. نزیه در جلسه ۱۵ شهریور خلاصه‌ای از مذاکرات تلفنی خود با اشراقی را به اطلاع اعضای هیئت سرپرستی رساند و در ۴ مهر در مصاحبه‌ای مطبوعاتی گفت: «حجت‌الاسلام اشراقی بهتر است قبل از طرح مسائل یک بار در جلسه هیئت‌مدیره شرکت نفت حضور یابند.»[۱]

کاهش تولید پالایشگاهی و گاز مایع

تولید فراورده‌های نفتی در پنج ماه نخست سال ۱۳۵۸ کاهش محسوسی داشت. در ۱۸ شهریور منوچهر پارسا با اشاره به این موضوع گفت::

> هم‌زمانی تعمیر واحد تقطیر پالایشگاه آبادان و تعمیرات کلی پالایشگاه تهران دلیل اصلی کاهش تولید است. برای جلوگیری از این امر، به‌ویژه اینکه اکنون به فصل سرما نزدیک می‌شویم و مصرف داخلی نفت افزایش محسوسی خواهد داشت، باید طوری برنامه‌ریزی کرد که پالایشگاه‌ها در دوره‌های زمانی جداگانه تعمیر شوند تا روند تولید دچار مشکل نشود... برای جلوگیری از سوختن گاز و هدر رفتن انرژی باید هرچه سریع‌تر پروژه‌های متوقف‌شده از سر گرفته شود.[۲]

در سال ۱۳۵۸ کاهش تولید نفت، ذخیره نفت سفید کشور را به‌شدت کاهش داد. هم‌زمان، ذخیره گاز مایع نیز به‌شدت کاهش یافت. حسن مرشد، مدیرعامل شرکت ملی گاز، در نامه‌ای به نزیه نوشت:

> در کشور بیش از ۳ میلیون مشترک گاز مایع وجود دارد که درمجموع بیش از ۱۵ میلیون نفر را شامل می‌شود، درحالی‌که ذخیره‌سازی برای گاز مایع بیش از ۳ روز نیست. برای جلوگیری از ایجاد بحران در زمستان و تأمین گاز مایع باید چاره‌ای اندیشید.[۳]

نزیه فرصتی برای این امر نیافت. مدت ریاستش آن‌قدر طول نکشید که بتواند راهبردهای خود را عملی سازد. از یک‌سو، روزبه‌روز اعتماد کارکنان صنعت نفت را از دست می‌داد و از سوی دیگر، با سخنرانی‌ها و آشکارسازی مواضع سیاسی خود، موجبات خشم نیروهای انقلابی را فراهم می‌کرد، اقداماتی نظیر سخنرانی در اجتماع کانون وکلا،

۱. روزنامه کیهان، ۴ مهر ۱۳۵۸.
۲. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۵۶، ۱۳۵۸/۶/۱۸.
۳. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۵۸، ۱۳۵۸/۶/۲۴.

کمک به کمیته حقوق بشر و ارتباط مستمر با دفتر حزب خلق مسلمان در دوره کوتاه خرداد تا شهریور وضع او را کاملاً متزلزل ساخت.

نزیه پنهان شد و رفت

نزیه آخرین جلسه هیئت‌مدیره را در ۵ مهر برگزار و دادستانی روز ۶ مهر حکم احضار نزیه را به دفتر مدیرعامل شرکت ملی نفت ارسال کرد. نزیه از روز ۹ مهر توسط یکی از وزرا پیغام‌هایی به دادستانی انقلاب فرستاد تا رفع کدورت کند. وقتی سفارت امریکا به تصرف دانشجویان درآمد و دولت بازرگان استعفا داد و اسناد سفارت از سوی دانشجویان فاش شد، نزیه ماندن در کشور را صلاح ندانست و به احتمال زیاد در دی ۱۳۵۸ از کشور خارج شد. پس از خروجش از کشور تا سال ۱۳۶۰ فعالیت مطبوعاتی خود را ادامه داد، اما پس از آن خاموشی برگزید.

سال‌ها بعد، علی‌اکبر معین‌فر، در مصاحبه با مرکز اسناد صنعت نفت ایران گفت:

> مسئله این بود که نزیه ضمن اینکه مدیرعامل شرکت ملی نفت شده بود، رئیس کانون وکلا هم بود. ضمناً، با بعضی کارهایی که در جمهوری اسلامی انجام می‌شد مخالفت می‌کرد. نمی‌خواهم بگویم حرف‌های او غلط یا درست بوده است، نادرست بودن سخن یک مطلب است و بیجا سخن گفتن مطلب دیگری است... به‌هرحال، تندروی‌ها باعث می‌شد تنش‌ها تشدید شود... روزی نزیه در سالن دادگستری سخنرانی کرد و گفت «حکومت اسلامی نه ممکن است و نه صحیح.» صرف‌نظر از دست یا غلط بودن این سخن که اصلاً وارد این بحث نمی‌شوم، این جمله تاریخی درحقیقت مثل بمبی بود که همه‌چیز را خراب می‌کرد... تا قبل از اینکه نزیه فرار کند، برای اینکه او تکلیفش را بداند، کسی را به‌جای او برای شرکت نفت نگذاشتیم.[1]

علی‌اکبر معین‌فر

مدیر فن‌گرا و مردمی

اولین وزیر نفت ایران، در سال ۱۳۰۷ به دنیا آمد و در سال ۱۳۳۰ از دانشکده فنی دانشگاه تهران فارغ‌التحصیل شد. بعد از استخدام در بانک ساختمان و نظارت بر ساخت‌وساز

۱. تاریخ شفاهی وزرای نفت ایران (علی‌اکبر معین‌فر)، تهران: مرکز اسناد صنعت نفت، ۱۳۹۶، صص ۲۵-۲۶ و ۴۱.

در محلات تهران، به موضوع زلزله‌سنجی علاقه نشان داد و با مهندسان ژاپنی همکاری خود را آغاز کرد. او تحصیلات و مطالعات خود را در مهندسی زلزله ادامه داد و مدتی به تدریس در دانشگاه پلی‌تکنیک پرداخت. پیش از انقلاب اسلامی از فعالان اسلام‌گرا بود و با نیروهای انقلابی مسلمان ارتباطی تنگاتنگ داشت. چند ماه پیش از انقلاب، به همراه دکتر سحابی و دکتر باهنر از سوی امام خمینی عضو کمیته تنظیم اعتصابات شد و پس از انقلاب، در سمت وزیر مشاور، به عضویت کابینه موقت مهندس بازرگان درآمد.

پس از تشکیل وزارت نفت، علی‌اکبر معین‌فر بر کرسی این وزارت تکیه زد. در انتخابات اولین دوره مجلس شورای ملی (که بعدها اسلامی نام گرفت) از کاندیداهای مورد اعتماد احزاب معروف و همسوی انقلاب بود و به مجلس راه یافت. در ۳ مهر ۱۳۵۹ با ورود محمدجواد تندگویان به وزارت نفت، به مجلس شورای اسلامی بازگشت. تا پایان دوره اول مجلس نمایندگی مردم تهران را به عهده داشت. بعد از پایان مجلس اول از سیاست فاصله گرفت و با شرکت‌ها و مؤسسات فنی ـ مهندسی به همکاری پرداخت.

تشکیل وزارت نفت

شورای انقلاب در ۸ مهر ۱۳۵۸ لایحه قانونی تأسیس وزارت نفت را تصویب کرد. روایت معین‌فر از تشکیل وزارت نفت رابخوانیم:

> مدتی از پیروزی انقلاب گذشته بود که مهندس بازرگان بارها می‌گفت همین‌طور که الان دیگر کشورها وزارت نفت دارند، ما هم باید وزارت نفت داشته باشیم... مهندس بازرگان معتقد بود سه شرکت عمده نفت و گاز و پتروشیمی که قبلاً زیرنظر مستقیم شخص شاه اداره می‌شد، الان باید تکلیف هرکدام معلوم شود و در یک مجموعه قرار بگیرند. پرسش اصلی این بود که مدیران سه شرکت نفت و گاز و پتروشیمی باید کارهای خود را به چه کسی گزارش دهند و کارها چگونه بررسی شود. روی این اصل، به فکر افتاد تشکیل وزارت نفت را جلو بیندازد.[1]

تأسیس وزارت نفت از اقدامات ارزنده شورای انقلاب بود. هدف آن بود که صنعت نفت در ترازی بالاتر و شفاف‌تر، اما پاسخگو به مجلس، افکار عمومی و دولت نقش خود را ایفا کند. پس از قانون تشکیل وزارت نفت شورای انقلاب به تصویب چند لایحه قانونی مبادرت ورزید. ازجمله، در ۱۵ مهر همان سال معادل یک روز درآمد نفت را برای فعالیت‌های عمرانی استان‌ها اختصاص داد. همچنین، اجازه داد اموال شرکت‌های در حال تعطیل وابسته به شرکت ملی نفت که در اهواز موجود است، با تصویب قاضی شرع

۱. تاریخ شفاهی وزرای نفت ایران (علی‌اکبر معین‌فر)، ص ۳۸.

دادگاه انقلاب اهواز و استاندار خوزستان به دفتر جهاد سازندگی تحویل گردد. در ۳۱ فروردین سال ۱۳۵۹ اجازه داد از محل درآمدهای عمومی مبلغ چهار صد میلیون ریال برای حفاظت از لوله و تأسیسات نفتی در اختیار استاندار خوزستان قرار گیرد. در ۲۹ خرداد ۱۳۵۹ نیز متمم لایحه قانونی تأسیس وزارت نفت را تصویب و ابلاغ کرد.[۱]

حضور معین‌فر ازنظر سیاسی نکات ارزنده‌ای دربرداشت که نخستین آن، اطمینان سران نظام و انقلابیون کهنه‌کار به او بود. اطمینان از وفاداری او به اهداف انقلاب، همراه با تخصص فن‌گرایانه موجب دلگرمی نیروهای انقلابی و دیگر شخصیت اجرایی شد:

> دلیل آنان برای تعیین من شاید یک مقداری ناراحتی‌ها و نارضایتی‌هایی بود که زمان مدیریت نزیه در شرکت نفت به وجود آمده بود. آنها فکر می‌کردند شاید بتوانم مشکلات پیش‌آمده در شرکت نفت را جمع‌وجور کنم... یادم هست که با فریدون سحابی (رئیس سازمان انرژی اتمی)، دکتر یدالله سحابی که در امور انقلاب مشاور بود و مهندس عزت‌الله سحابی که آن موقع عضو شورای انقلاب بود، به بوشهر رفته بودیم تا به وضع نیروگاه اتمی آنجا سروسامانی بدهیم... شب که در هواپیما از بوشهر برمی‌گشتیم، دیدم کمک‌خلبان آمد و گفت: «الان رادیو اعلام کرد مهندس عزت‌الله سحابی به ریاست سازمان برنامه و معین‌فر به‌عنوان وزیر نفت منصوب شدند.[۲]

حکم انتصاب علی‌اکبر معین‌فر به سمت وزیر نفت

باسمه‌تعالی

جناب آقای مهندس علی‌اکبر معین‌فر

طبق پیشنهاد شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران، جنابعالی به سمت وزیر نفت منصوب می‌شوید. از خداوند متعال، توفیق جنابعالی را در ایفای وظایفی که عهده‌دار شده‌اید و جلب رضای مقدسش، خواهانم.

روح‌الله الموسوی الخمینی

۱۶ آبان ۱۳۵۸ / ۱۶ ذی‌الحجه ۱۳۹۹

پس از تأسیس وزارت نفت، و انتخاب معین‌فر، محمدابراهیم احمدی[۳] نمودار سازمانی وزارتخانه را تنظیم و ترسیم کرد. به گفته حسن سادات، احمدی چند مطلب مهم را به معین‌فرتوصیه کرده بود. ازجمله، گفته بود: «دلیل اصلی انقراض نسل دایناسورها، سر کوچک و بدن بزرگ آنها بود. لذا نتوانستند با سر کوچک، بدن به آن بزرگی را هدایت کنند. وزارت نفت هم تشکیلات بزرگ و متعدد، ازجمله سه شرکت بزرگ و اصلی دارد که اداره آن توسط ستادی در وزارت نفت مشکل است.» در نمودار ترسیم‌شده، مجموعه

۱. تارنمای مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی/ مصوبات شورای انقلاب.

۲. تاریخ شفاهی وزاری نفت ایران (علی‌اکبر معین‌فر)، ص ۳۸.

۳. او رئیس امور سازمانی شرکت ملی گاز بود و سپس، رئیس‌دفتر تشکیلات و روش‌های وزارت نفت شد.

تشکیلات نفت به سه شرکت اصلی نفت و گاز و پتروشیمی که مدیران عامل هریک از سه شرکت معاون وزیر بودند، با سه معاون ستادی (در مجموع شش معاون) سازماندهی شد.[۱] معین‌فر با کمک سه تن امور وزارتخانه را اداره می‌کرد. رحیم گواهی معاون کل بود. بهروز بوشهری امور مربوط به نفت را رسیدگی می‌کرد و حسن سادات امور مربوط به گاز را زیر نظر داشت. حسن مرشد نیز نقش قائم‌مقام را ایفا می‌کرد.

معین‌فر در تمامی جلسات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت حضور می‌یافت و با همکاری مدیران توانست برای حل مشکلات، تصمیمات درست و زودهنگام اتخاذ کند. او در اولین جلسه هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت تصمیم‌های جدیدی گرفت. با گذر زمان، خروج کارکنان خارجی و کمبود نیروی متخصص خود را بیشتر نشان می‌داد. در همین دوران، پالایشگاه اصفهان در آستانه بهره‌برداری قرار داشت و باید هرچه زودتر کارهای باقیمانده آن به پایان می‌رسید. معین‌فر، هم‌صدا با مدیران شرکت نفت تصمیم گرفت با ارسال نامه‌ای توجیهی به وزارت امور خارجه، مجوز لازم برای ادامه کار ۲۰ نفر از کارکنان خارجی شرکت فلور ـ تیسن، پیمانکار ساختمان پالایشگاه اصفهان، را دریافت کند.[۲] قبل از آن، تقی علاقبند، رئیس پالایشگاه اصفهان، درخواست کرده بود قرارداد این شرکت برای راه‌اندازی، نگهداری و حراست از دستگاه‌های پالایشگاه اصفهان تمدید شود[۳] که اقدامات لازم صورت گرفت و مجوز ادامه کار این افراد در پالایشگاه اصفهان صادر شد.

ساختار جدید و توسعه فنی

طبق ماده اول لایحه تأسیس وزارت نفت، شرکت ملی نفت به همراه شرکت‌های تابعه «در ابواب‌جمعی وزارت نفت» قرار گرفت. همچنین، تا زمان تدوین سازمان و آیین‌نامه‌های شرکت، وزیر نفت ریاست هیئت‌مدیره و نخست‌وزیر ریاست مجمع این شرکت‌ها را بر عهده داشتند.[۴]

شرکت ملی نفت در آذر ۱۳۵۸ ساختار جدیدی یافت که متفاوت از سال‌های گذشته بود. در رأس این ساختار، رئیس هیئت‌مدیره و مدیرعامل و پس از آن، دو قائم‌مقام و مشاوران عالی قرار داشتند. دبیرخانه، رئیس کمیسیون معاملات تهران، رئیس کمیسیون معاملات آبادان، رئیس کمیسیون معاملات نفت‌خام و مواد نفتی، حسابرسی داخلی،

۱. تاریخ شفاهی وزارت صنعت نفت (حسن سادات)، ص ۷۱.

۲. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۶۶، ۱۳۵۸/۷/۱۲

۳. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۱۹۷، ۱۳۶۰/۶/۲۵.

۴. مجموعه قوانین مقررات نفت، گاز و پتروشیمی، به اهتمام امور حقوقی شرکت ملی نفت ایران، بهمن ۱۳۷۷، ص ۹۶.

نمایندگی شرکت در امریکا، نمایندگی شرکت در انگلستان، نمایندگی شرکت در ژاپن، امور حقوقی، امور مالی و همچنین امور اکتشاف و تولید، امور پالایش، امور پخش و خطوط لوله و امور بین‌الملل زیر نظر مدیرعامل فعالیت می‌کردند.

در ساختار جدید، امور اکتشاف و تولید، سازمانی کوچک‌تر پیدا کرد. بدین صورت که سه بخش اکتشاف و استخراج، نظارت بر فعالیت‌های اکتشاف و بهره‌برداری، نظارت بر صادرات مواد نفتی و بازرسی فنی و یک بخش مستقل به نام اکتشاف و تولید مناطق نفت‌خیز زیر نظر مدیر امور اکتشاف فعالیت می‌کردند. این در حالی است که قبل از انقلاب، شرکت سهامی خاص خدمات نفت ایران و پژوهش‌های آزمایشگاهی و نظارت بر عملیات شرکت‌های نفتی وابسته نیز تحت نظر مدیریت اکتشاف و تولید قرار داشتند، اما فعالیت بخش‌های اشاره‌شده در بالا به‌قدری کم‌فروغ بود که بعد از انقلاب در نمودار سازمانی درج نشدند. توسعه میدان‌های گازی کنگان و نار نیز به دلیل اهمیت آن‌ها، از امور اکتشاف جدا شد و به قسمت عملیاتی شرکت ملی نفت انتقال یافت.

معین‌فر در نخستین روزهای حضورش در مقام وزیر نفت، سیاست‌های کلی وزارت نفت برای تولید و صادرات نفت‌خام در سال جاری و سال بعد را چنین تشریح کرد:

۱. تولید نفت، حداکثر ۳ میلیون و ۷۰۰ هزار بشکه در روز تثبیت شود که از این مقدار روزانه حدود یک میلیون بشکه به خوراک پالایشگاه‌های داخلی اختصاص داشته باشد؛

۲. روزانه ۷۰۰ هزار بشکه به فروش تک‌محموله‌ای اختصاص یابد، ۳۰۰ هزار بشکه به‌صورت آزاد و ۴۰۰ هزار بشکه به‌صورت قراردادهای بلندمدت به فروش برسد؛

۳. دو میلیون بشکه در روز به‌منظور قراردادهای درازمدت ۶ الی ۱۲ ماهه در نظر گرفته شود.[۱]

سروسامان بخشیدن به امر بیمه از دیگر امور مهمی بود که معین‌فر توانست آن را به سرانجام برساند. بیمه از چالش‌های مهم صنعت نفت ایران بود و از همان ابتدای پیروزی انقلاب مورد بحث و گفتگو قرار داشت، اما نزیه نتوانسته بود تصمیم مناسبی برای آن اتخاذ کند. صندوق بیمه، ایده مناسبی بود که می‌توانست بسیاری از پروژه‌ها و عملیات‌های نفتی را از پوشش بیمه شرکت‌های خارجی درآورد و تحت پوشش بیمه ایرانی قرار دهد. هرچند طرح مذکور به‌صورت همه‌جانبه آماده نشده بود، اما معین‌فر از آن حمایت می‌کرد. در دوره گذشته شرکت‌های نفتی وابسته از پوشش بیمه‌ای شرکت‌های خارجی استفاده می‌کردند که بیشتر آن‌ها تا پایان دسامبر ۱۹۷۹ معتبر بودند. هیئت‌مدیره تصمیم گرفت صندوق بیمه‌ای ایجاد کند که صنایع نفت، گاز و

۱. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۶۷، ۱۳۵۸/۷/۱۵.

پتروشیمی را در برگیرد تا مشکل بیمه آن شرکت‌ها حل شود.[۱] این تصمیم تنها پس از قدرت گرفتن شرکت‌های بیمه و فقط برای شرکت‌های ایرانی عملیاتی شد. درنتیجه، شرکت‌های خارجی در سال‌های جنگ تحمیلی از پوشش بیمه‌های خارجی به‌ویژه بیمه لویدز استفاده می‌کردند.

اقدام دیگر، تغییر دفاتر مالی از دلار به ریال بود. نوسانات قیمت دلار در ماه‌های پس از انقلاب به ضرر دفاتر مالی شرکت ملی نفت بود. از سوی دیگر، شرکت علاقه داشت ارزش‌های انقلابی را رواج دهد. به همین منظور شرکت ملی نفت برای ایرانی کردن هرچه بیشتر عملیات مالی خود، تصمیم گرفت ارقام دفاتر مالی مناطق نفت‌خیز جنوب و پالایشگاه آبادان از اول سال ۱۳۵۹ از دلار به ریال تبدیل شود. همچنین، قرار شد ارقام دفاتر مالی شرکت آیروس از دلار و پوند به پوند و ریال تغییر یابد.

افتتاح پالایشگاه اصفهان

در بحبوحه انقلاب، کارشناسان فلور که پیمانکار ساخت پالایشگاه اصفهان بودند، همچون بسیاری از متخصصان خارجی ایران را ترک کردند. پالایشگاه اصفهان به همت کارشناسان ایرانی در ۱۴ بهمن ۱۳۵۸ به بهره‌برداری رسید. شهابی، سیدرضا حراف، علاقبند و میرعظیمی از تهران به اصفهان رفتند و در راه‌اندازی پالایشگاه نقش مهمی داشتند.[۲]

اولین فراورده پالایشگاه به واحد پخش تحویل داده شد. با تغییراتی که کارشناسان ایرانی در واحدهای تقطیر ایجاد کردند، ظرفیت پالایشگاه از ۲۰۰ هزار بشکه به ۲۷۰ هزار بشکه در روز افزایش یافت. واحد ایزوماکس شماره ۲ آخرین واحدی بود که در آبان ۱۳۶۰ راه‌اندازی شد. واحدهای تقطیر، تهیه گاز مایع، کاهش گرانروی، ایزوماکس، تبدیل کاتالیستی، تهیه قیر و گوگردسازی از مهم‌ترین بخش‌های پالایشگاه و بنزین، نفت جت، نفت سفید، قیر و نفت‌گاز ازجمله محصولات پالایشگاه بودند.[۳]

انحلال ایراسنکو؛ ادامه حضور در دریای شمال

ایراسنکو شرکتی سنگالی بود که به دستور شاه و به اصرار همسرش در ماه می ۱۹۷۵

۱. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۸۵، ۱۳۵۸/۹/۲۴.

۲. تاریخ شفاهی وزرای نفت (سیدحسن سادات)، تهران: اداره کل روابط‌عمومی وزارت نفت، ص ۱۰۸.

۳. پیک نفت، شماره ۱۸۴، آبان ۱۳۶۲، ص ۳۴.

با سرمایه اولیه ۵۰۰ هزار دلار، با هدف خانه‌سازی و پخش فراورده‌های نفتی در سنگال تأسیس شد. متن نهایی موافقت‌نامه با سنگال از سوی وزیر صنایع و معادن سنگال و نمایندگان شرکت ملی نفت، شیرازی و عمودزاده، در داکار امضا و مبادله شد.[۱] پس از انقلاب، مدیران ادامه مشارکت در این شرکت را به صلاح ندانستند و در ۵ مرداد ۱۳۵۹ پایان مشارکت ایران را اعلام کردند.[۲]

تصمیم‌گیری درباره انحلال یا ادامه کار ایراسنکو تا سال ۱۳۶۶ طول کشید. امور مشارکت‌های خارج از کشور مسائل مشارکت در سنگال را بار دیگر بررسی کردند. نتیجه بررسی‌ها آن بود که شرکت ایراسنکو با طرح‌های جدید فعال شود. البته این امر منوط به موافقت وزارت خارجه و وزارت امور اقتصاد و دارایی بود.[۳] بر اساس اسناد هیئت‌مدیره، سرانجام در اول اسفند ۱۳۶۶ شرکت ملی نفت تصمیم به انحلال ایراسنکو گرفت. احتمالاً این تصمیم به دلیل مخالفت وزارتخانه‌های مورد اشاره اخذ شد.

در دی ماه ۱۳۵۹ هیئت‌مدیره شرکت نفت، در ادامه سیاست‌گذاری‌هایش در زمینه قراردادها و سرمایه‌گذاری‌های خارجی، تصمیمی متفاوت گرفت. این تصمیم، موافقت با ادامه مشارکت در عملیات دریای شمال بود.[۴] امتیاز اکتشاف نفت در دریای شمال در ۱۶ مارس ۱۹۷۲ از طرف دولت انگلستان، به شرکت ملی نفت ایران و شرکت نفت بی‌پی واگذار و این شرکت به‌عنوان مجری عملیات تعیین شد. منفعت ناشی از این مشارکت سال‌ها برای شرکت ملی نفت، با درآمد قابل‌قبول همراه بود.

تولد شرکت نفت فلات قاره ایران

چنانکه گفتیم، پس از برقراری آرامش نسبی در کشور و استقرار نهادهای دولتی، بررسی قراردادهای حکومت پیشین با خارجی‌ها آغاز شد. غارت نفت ایران توسط انگلیسی‌ها و سپس شرکت‌های بزرگ نفتی و سرنگونی دولت مصدق که نفت را ملی کرده بود، خاطره بدی در اذهان ایرانیان باقی گذاشته بود. انقلابیون و بسیاری از مردم معتقد بودند در قراردادهای نفتی در حق ایران اجحاف شده است و این قراردادها باید هرچه سریع‌تر لغو و حقوق ازدست‌رفته ملت ایران استیفا شود. کارکنان شرکت‌های سابق نیز هم‌صدا با مردم، لغو قراردادها را می‌خواستند. در ۱۵ دی ۱۳۵۸ شورای هماهنگی

۱. قباد فخیمی، *سی سال نفت*، صص ۲۷۰ - ۲۷۱.
۲. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۱۳۵، ۱۳۵۹/۵/۵.
۳. مصوبات هیئتمدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۶۰۶، ۱۳۶۶/۳/۲۳.
۴. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۴۹، ۱۳۵۸/۶/۶.

کارکنـان شـرکت‌های نفتـی وابسـته (لاپکـو، آپیـاک، ایمینوکـو، سـوفیران، سـیریپ) بـا انتشـار اطلاعیـه‌ای خواسـتار لغـو قراردادهـای اسـتعمارگرانه امپریالیسـم بـا ایـران شـدند.[1] امـا لغـو قراردادهـا به‌آسـانی میسـر نبـود، زیـرا تعهداتـی را بـرای شـرکت نفـت و حکومـت نوپـای ایـران ایجـاد می‌کـرد.

مدیـران می‌خواسـتند کـه بـا کمتریـن مشـکل و زیـان، قراردادهـا را لغـو کننـد و خودشـان نفـت را در شـریان اقتصـاد جامعـه بـه جریـان اندازنـد. مـاده واحـده مصـوب شـورای انقـلاب جمهـوری اسـلامی ایـران بـه تاریـخ ۱۳۵۸/۱۰/۱۸ پایـان کار ایـن شـرکت‌ها در ایـران بـود. طبـق آن، انحـلال و تصفیـه امـور شـرکت‌های نفتـی مـورد تصویـب قـرار گرفـت: شـرکت نفـت ایـران و پان‌امریکـن (ایپـاک)؛ شـرکت نفـت ایـران و ایتالیـا (سـیریپ)؛ شـرکت نفـت لاوان (لاپکـو)؛ شـرکت نفـت بین‌المللـی دریایـی ایـران (ایمینوکـو)؛ شـعبه شـرکت فرانسـوی نفـت ایـران (سـوفیران).

وزارت نفـت تصمیـم گرفـت تمامـی امـور ایـن شـرکت‌های نفتـی را در شـرکتی بـا نـام شـرکت فـلات قـاره ایـران ادغـام کنـد و حـوزه عملیاتـی شـرکت از تنگـه هرمـز تـا انتهـای خلیج‌فـارس را دربرمی‌گرفـت. سـرانجام، طبـق بخشـنامه ۲۷۶۸-۵/۵ وزارت نفـت و بـا هـدف ادغـام پنـج شـرکت نفتـی وابسـته و اداره تأسیسـات نفتـی ایـن شـرکت‌ها در جنـوب، شـرکت نفـت فـلات قـاره ایـران تأسـیس شـد و در ۲۹ شـهریور ۱۳۵۹ حکـم مدیریـت عاملـی شـرکت جدیـد بـه علـی علیـزاده شـعبانی ابـلاغ گردیـد.

محمدعلـی علـی‌زاده شـعبانی دو سـال در دانشـکده نفـت آبـادان و سـپس، در رشـته اکتشـاف و تولیـد در بیرمنـگام تحصیـل کـرده بـود. در شـهرهای مسجدسـلیمان، آغاجـاری و اهـواز خدمـت کـرده و تجربـه ۲۴ سـال حضـور در صنعـت اکتشـاف را داشـت. پارسـی، مهـدی پایانـی، فرهنـگ فرهـی یـزدی و محمدرضـا امیـن نخسـتین اعضـای هیئت‌مدیـره شـرکت بودنـد.

چرا پروژه‌ها به‌کندی پیش می‌رفت؟

از ابتـدای انقـلاب اسـلامی تـا شـروع جنـگ تحمیلـی، حـوادث ناگـوار متعـددی در صنعـت نفـت روی داد. چنان‌کـه پیشـتر اشـاره شـد، اعتصـاب، تحصـن، درگیری‌هـای سیاسـی و مطالبـات کارگـری از عوامـل کندکننـده موتـور صنعـت نفـت بـه شـمار می‌آمدنـد. در کنـار ایـن عوامـل، نبایـد از وجـود مشـکلات اقتصـادی، سیاسـی و اجرایـی نیـز غافـل مانـد. در ایـن دوران، بالارفتـن سـریع هزینه‌هـای کارگـری و قیمـت مصالـح و در کنـار آن ضعـف مالـی، موجـب شـده بـود کـه پیمانـکاران داخلـی و خارجـی از تعهـدات خـود سـر بـاز زننـد و خواسـته‌های جدیـدی در خصـوص افزایـش هزینه‌هـا مطـرح کننـد. عـدم امـکان سـفارش اجنـاس بـه دلیـل تحریـم

۱. روزنامه کیهان، ۱۵ دی ۱۳۵۸.

و از همه بدتر بالارفتن تدریجی قیمت‌های جهانی هم موجب افزایش هزینه پروژه‌ها می‌شد. مسدود شدن اعتبارات ارزی ایران در بانک‌های امریکایی و اروپایی، سخت‌ترین ضربه را به پروژه‌هایی وارد کرد که نیاز به گشایش اعتبار ارزی داشتند. علاوه‌براین، ناامنی در غرب، جنوب غربی ایران و سیستان و بلوچستان و همچنین خروج متخصصان خارجی ازجمله عواملی بود که منجر به کندی پیشرفت پروژه‌ها شده بود.

پرچم‌های سیاه

در طول سال ۱۳۵۸ و نیمه اول ۱۳۵۹ (تا هنگام شروع حمله ارتش عراق) بیش از ۱۱۰ عملیات موفق و ناموفق در انفجار لوله‌ها، چاه‌ها، پالایشگاه‌ها و تلمبه‌خانه‌های نفت ایران صورت گرفت. گروه آموزش‌دهنده اصلی در عراق ترکیبی از حزب بعث و سازمان مخابرات (+ استخبارات) بود که مرکزیت آن در بصره، خانقین، عماره و مقر فرماندهی آن در بغداد قرار داشت. هدف اصلی، توقف صادرات و تولید نفت ایران بود، زیرا دولت عراق در نگاه تحلیلی، پاشنه آشیل جامعه و دولت ایران را درآمدهای نفتی تلقی می‌کرد. به گمان آنان، جامعه پرالتهاب و انقلابی در صورت مواجهه با دولت ضعیف، بر آن می‌شورید و کار به جنگ نمی‌کشید. درنتیجه، به‌موازات اخلال در صنعت نفت، به تمامی گروه‌های تجزیه‌طلب کمک مالی شد و از متواریان رژیم سابق برای سازماندهی مخالفین دعوت به عمل آمد. یک افسر وظیفه عراقی در اسارت گفت:

> من پیش از جنگ در پاسگاه روبه‌روی شهر آبادان خدمت می‌کردم. شب‌ها لب شط می‌آمدم و زیبایی شهرتان را تماشا می‌کردم. شب‌ها، از سمت عراق که همه‌اش تاریک بود، آبادان غرق در نور بود. صدای موزیک و شادی و خنده می‌آمد. دیگر سربازها هم می‌ایستادند انعکاس روشنایی چراغ‌های شهر و مشعل پالایشگاه در رودخانه را می‌نگریستند. شما شهر زیبایی دارید و بعثی‌ها و استخباراتی‌ها به آن حسادت می‌کردند. ما با شما دشمنی نداشتیم. آرزو می‌کردیم به شهرتان بیاییم. دوست داشتم در آبادان متولد می‌شدم، اما تقدیر نبود.[۱]

گفته افسر عراقی از سر راستی و چکیده‌ای از حقیقت بزرگ‌تر و امری تاریخی بود. آموزه‌های حزب بعث از دهه ۱۳۴۰ بر دشمنی با ایران استوار گشت و ادعای حمایت از ملت عرب در چارچوب نگاه پان‌عربیسم در منطقه خلیج‌فارس قابل تحلیل است. یک حرکت پان‌ایرانیستی نیز در مقابله با آن در خرمشهر به رهبری محسن پزشک‌پور

۱. خاطرات سامی عیدانی از گفتگو با اسرای عراقی

تأسیس شده بود.

حزب بعث در بین دولت‌های عرب خلیج‌فارس خود را بی‌رقیب تصور می‌کرد، داعیه رهبری منطقه را در سر می‌پروراند و دولت ایران را مزاحم خود می‌دانست. با پیدایی انقلاب اسلامی و فروپاشی نظام سلطنت به یک فرصت تاریخی دست یافت. در گام نخست، به سازماندهی مخالفان در داخل ایران دست زد و در گام دوم، پس از کسب حمایت‌های بین‌المللی به حمله همه‌جانبه مبادرت ورزید. سازماندهی مخالفان را بر عهده حزب بعث و سازمان استخبارات قرار داد. شعبه حزب بعث در بصره به همین منظور آموزش سیاسی نظامی شماری از جوانان بومی خوزستان را آغاز کرد. در اوایل سال ۱۳۵۸ یک پادگان در بصره بدین منظور اختصاص یافت. ماجرای چهارشنبه سیاه در خرمشهر را می‌توان ورود به فاز نظامی تلقی کرد. از فردای چهار شنبه سیاه، مردم خرمشهر و آبادان شاهد سلسله انفجارها در کوچه و بازار، خطوط لوله و تأسیسات و راه‌آهن بودند. مردم در غم عزیزانشان به سوگ نشستند.

۲۴ خرداد ۱۳۵۸ اولین و بزرگ‌ترین عملیات انفجاری از سوی نیروهای نفوذی صورت گرفت. دو بمب در پالایشگاه آبادان و منطقه مسکونی بریم منفجر شد که به خسارت زیادی در بخش پالایش و شهادت و جراحت تعدادی از هم‌وطنان ایرانی انجامید. قبل از آن نیز در مناطق مسکونی خرمشهر، اداره بندر و گمرک بیش از ۷ انفجار رخ داده بود. نقطه عطف و شروع عملیات تخریبی را می‌توان روز چهارشنبه سیاه (۹ خرداد ۱۳۵۸) دانست که طی آن نیروهای تجزیه‌طلب با انقلابیون به جنگ خانه‌به‌خانه پرداختند. بحران پاوه و سنندج نیز در مرداد ماه اوج گرفت و پس از کمک نیروهای انقلابی مهاجمین از شهر پاوه گریختند. در دهم و یازدهم مهر، مخازن نفتی اهواز با خمپاره، موشک و آرپی‌جی ۷ به آتش کشیده شد. دارخوین واقع در جاده اهواز ـ آبادان و سبزآب واقع در جاده اهواز ـ اندیمشک ازجمله اهداف بعدی خرابکاران بود. در ۱۸ آبان با انفجار در این دو منطقه، نفت‌رسانی به پالایشگاه قطع شد. ۱۸ دی شرکت ایران‌گاز آبادان به آتش کشیده شد که حاصل آن، ۶ شهید و ۱۸ مجروح بود. در روزهای شانزدهم، هفدهم و نوزدهم اسفند نیز انفجارهای زنجیره‌ای در جاده کوت عبدالله اهواز، شوش و لوله‌های گاز خوزستان از سوی خرابکاران به وقوع پیوست که انتقال نفت و گاز را برای چند روز مختل ساخت.

۱۶ فروردین ۱۳۵۹ صدام حسین آشکارا در قاب تلویزیونی ملی عراق به ملت ایران توهین و سوگند یاد کرد از ایرانیان انتقام خواهد گرفت. خرمشهر، آبادان و اهواز را بخشی از خاک عراق دانست و استراتژی آینده خود را ترسیم کرد. در ۱۷ فروردین لوله‌های نفت و گاز در ۴۳ کیلومتری آبادان منفجر شد که انتقال نفت‌خام از آغاجاری و آبادان را

متوقف کرد. در ۱۸ فروردین ساعت یک و پنجاه دقیقه صبح، ۷۰ نفر از نیروهای عراقی با آرپی‌جی ۷ و خمپاره به تأسیسات نفتی نفت‌شهر حمله کردند و این منطقه نفتی را به آتش کشیدند. همچنین خرابکاران با حمله به خطوط لوله نفت گاز آغاجاری به آبادان، بخش‌هایی از تأسیسات نفتی و تلمبه‌خانه را منفجر کردند که درنتیجه آن، انتقال نفت از امیدیه به پالایشگاه تا ۲۵ فروردین قطع شد. در ۸ مرداد تأسیسات نفتی نفت‌شهر از سوی ارتش عراق بمباران شد و دو روز بعد خرابکاران تأسیسات نفتی دهلران را هدف قرار دادند و موجب تعطیلی آنجا شدند. از ۱۶ تا ۲۵ شهریور به‌صورت متناوب و طی عملیاتی زنجیره‌ای، لوله‌های گازرسانی پالایشگاه آبادان، خط‌لوله نفت آغاجاری، تأسیسات نفتی شوش، منفجر شدند. این موارد سیری از عملیات خرابکارانه نیروهای نفوذی بود که داعیه تجزیه‌طلبی داشتند و درنهایت به تهاجم همه‌جانبه ارتش عراق انجامید.

حفاظت از پالایشگاه‌ها

باتوجه‌به افزایش اقدامات خرابکارانه نیروهای ستون پنجم و قرار گرفتن آبادان در مرکز توجه سازمان اطلاعات دولت عراق، معین‌فر از آبان ماه ۱۳۵۸ برای مقابله با خرابکاری در دو پالایشگاه آبادان و کرمانشاه، درصدد تشکیل سازمان حفاظت فیزیکی برآمد. این اقدام در اسفند ۱۳۵۸ جدی‌تر و سازمان‌یافته‌تر شد. هیئت‌مدیره، در ۴ اسفند پرویز شاهیده[1] را به پالایشگاه آبادان فرستاد و اطمینان یافت که او در کوتاه‌ترین زمان ممکن، مشکلات فنی و امنیتی را برطرف می‌کند و به‌طور خاص، وضعیت کارخانه روغن‌سازی را بهبود می‌بخشد. هیئت‌مدیره شرکت نفت که مدتی قبل شرکت پولمن کلاک[2] را برای تهیه طرح مقدماتی احداث کارخانه کاهش گرانروی در پالایشگاه آبادان برگزیده بود، امید داشت با آمدن شاهیده هرچه سریع‌تر این هدف به سرانجام رسد، به‌ویژه اینکه در آن روزها حملات عوامل ناشناس به پالایشگاه آبادان شدت گرفته بود.

هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت برای محافظت از تأسیسات نفتی و پالایشگاه‌ها تصمیمات جدی اتخاذ کرد. از طریق تأمین اعتبار، به پالایشگاه کرمانشاه اجازه داده شد ۶۰ پاسدار برای حفاظت فیزیکی استخدام کند. آبادان وضعیت متفاوتی داشت. از همان ماه‌های نخستین پیروزی انقلاب، نیروی ضربت و حفاظت متشکل از نیروهای مردمی، تحت نظر سپاه آبادان، برنامه حفاظت از پالایشگاه را ساماندهی کرده و مدیران پالایشگاه و فرمانداری هم بودجه و امکانات مناسبی در اختیار آنان گذاشته بودند. معین‌فر با سفر به

۱. نام او در مصوبات به‌عنوان رئیس پالایشگاه آبادان آمده است.

2.Polmen Clock

آبادان از فرمانده سپاه و فرماندار آبادان خواست از کمک به حفاظت فیزیکی دریغ نکنند. به‌این‌ترتیب، سازمان حراست و حفاظت، به‌ویژه به دلیل حملات نیروهای ستون پنجم عراق، اهمیتی روزافزون یافت. در ۹ فروردین ۱۳۵۹ پرویز شهریاری به ریاست حراست صنعت نفت منصوب شد. سازمان حفاظت و حراست با استخدام کارمندان جدید و مسلح ساختن آنان، از نظر کمیت، توسعه بیشتری یافت، به‌گونه‌ای که تا آغاز جنگ تحمیلی، نزدیک به ۱۵۰۰ نفر در رده‌های مختلف به‌صورت پیمانی و رسمی از لوله‌ها و تأسیسات نفتی حفاظت می‌کردند.

عراق با بمباران فرودگاه‌ها و نقاط حساس کشور در ۳۱ شهریور سال ۱۳۵۹ جنگ را رسماً آغاز کرد. چند ساعت بعد، جلسه فوق‌العاده هیئت‌مدیره با حضور ابوفاضلی، بوشهری، بوترابی، پارسی، پارسا، سادات، عظیمی، علوی، گرانمایه و گودرزی برگزار شد. اتخاذ تصمیم برای حفاظت از پالایشگاه آبادان و تأسیسات نفتی گچساران، آغاجاری و اصفهان مهم‌ترین محور جلسه بود. در این جلسه، مدیران تصمیم گرفتند عملیات پدافند غیرعامل در تأسیسات نفتی نصب شود و مسئولان واحدها با فرماندهان نظامی هماهنگی بیشتری داشته باشند،[1]

تا ورود غرضی به ساختمان مرکزی در سال ۱۳۶۰، بیشتر مدیران چنین می‌اندیشیدند که جنگ به‌زودی پایان می‌پذیرد، اما ارتش عراق در حمله سراسری به مرزهای میهنمان به تصرف بخش‌هایی از خاک ایران اقدام کرد و به‌صورت رسمی، تمامی تأسیسات نفتی ایران از سوی جنگنده‌های عراقی به‌طور متناوب بمباران شد. صدها گلوله خمپاره بر پالایشگاه آبادان فرود آمد و بعد از شروع جنگ این پالایشگاه از کار افتاد. مخازن نفتی در امیدیه، بی‌بی حکیمه، گچساران، اهواز، دارخوین، دهلران، جزیره خارگ و لاوان نیز در طول سال‌های جنگ تحمیلی بارها بمباران شدند و صنعت نفت ایران، صدها شهید و مجروح به تاریخ ایران تقدیم کرد که سرافرازانه از وطن دفاع کردند.

نگاهی به دوران یکساله معین‌فر

حوادث دوران یکساله معین‌فر کم نبود؛ انفجارهای پیاپی در خطوط لوله نفت و پالایشگاه‌ها، بدعهدی ژاپنی‌ها در تکمیل مجتمع پتروشیمی، اخلال‌گری نیروهای مارکسیست در بدنه صنعت نفت، تهدید کشورهای هم‌پیمان امریکا در تحریم نفتی به دنبال تسخیر سفارت امریکا، رقابت تهدیدآمیز عربستان در اوپک، درخواست صنفی کارکنان نفتی بخش خصوصی برای پیوستن به سازمان صنعت نفت، خواسته‌های

۱. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه فوق‌العاده، ۱۳۶۰/۶/۳۱.

انقلابیـون در پاکسـازی نیروهـای وابسـته بـه رژیـم شـاه، برقـراری عدالـت در حقـوق و رفـاه کارکنـان و .... اگـر معین‌فـر حمایـت رهبـری، شـورای انقـلاب و انقلابیـون صنعـت نفـت را بـه همـراه نداشـت، ناچـار بـه اسـتعفا می‌شـد، امـا معین‌فـر بـا هـوش و فراسـت خـود بـه اختلافـات حاشـیه‌ای نپرداخـت و بـا همگامـی بـا روحانیـون برجسـته شـورای انقـلاب و از همـه مهم‌تـر توجـه بـه جوانـان نسـل انقـلاب، شـرایط دوام مدیریـت و محبوبیـت نسـبی خـود را فراهـم آورد.

در نخسـتین روزهـای وزارتـش در ۱۰ مهـر ۱۳۵۸ مخـازن نفـت اهـواز دوبـار مـورد حملـه نیروهـای نفـوذی ارتـش عـراق قـرار گرفـت.[۱] در ۱۴ مهـر مـاه، طومـاری از خواسـته‌های کارکنـان صنعـت نفـت کـه خواهـان پاکسـازی ریشـه‌ای، رفـع مشـکلات کارکنـان پیمانـکاری و موقـت و اجـرای مصوبـات شـورای انقـلاب بـرای حداقـل و حداکثـر حقـوق بودنـد، بـه دفتـرش ارسـال شـد و او بـرای مشـاهده مشـکلات از نزدیـک، راهـی اهـواز، آبـادان و جزیـره خـارگ شـد. در جنـوب سـه موضـوع بـرای او از اهمیـت بیشـتری برخـوردار بـود: اول امنیـت، دوم سـطح تولیـد و سـوم کارکنـان.

معین‌فـر اواخـر مهـر ۱۳۵۸ بـه تهـران بازگشـت و دسـتور تشـکیل کمیتـه‌ای بـرای پاکسـازی و نصـب کادر جـوان صـادر کـرد. در انجـام پاکسـازی بـا تنـدروی مخالـف بـود. او بعدهـا گفـت «بـه اینکـه این‌قـدر کشـور را از سـرمایه‌های انسـانی قبلـی شـخم بزنیـم اعتقـادی نداشـتیم... سـعی مـا ایـن بـود کـه حتی‌المقـدور بـه ترکیـب نیروهـای خـود دسـت نزنیـم.»[۲]

از سـوی دیگـر، بـه ارائـه بیشـتر امکانـات لجسـتیکی بـه ارگان‌هـای انتظامـی خوزسـتان بـرای امنیـت خطـوط لولـه و مخـازن نفتـی پرداخـت، امـا تـا زمـان تسـخیر سـفارت امریـکا، معین‌فـر نگرانی‌هـای دیگـری نیـز داشـت: شـرکت گاز، پالایشـگاه اصفهـان و مذاکـره بـا ژاپنی‌هـا بـرای تکمیـل مجتمـع پتروشـیمی بنـدر امـام از نگرانی‌هـای عمـده معین‌فـر در روزهـای آغازیـن آبـان بـود. پـس از آنکـه بـا توسـعه انشـعابات گاز خانگـی در شـیراز، اصفهـان، خراسـان و تهـران در هئیت‌مدیـره شـرکت گاز بـه ریاسـت معین‌فـر موافقـت شـد، دکتـر حسـن مرشـد کـه بـر دوایـر مختلـف شـرکت گاز مسـلط شـده بـود، بـا سـفرهای پیاپـی بـه اسـتان‌های مختلـف توانسـت تمامـی دوایـر دولتـی و پیمانکاری‌هـا را در مسـیر اهـداف شـرکت گاز متمرکـز کنـد. پـس از آن، نوبـت پالایشـگاه اصفهـان بـود کـه کـه بـه دلیـل خـروج کارشناسـان خارجـی در آسـتانه بهره‌بـرداری متوقـف شـده بـود. ایـن پالایشـگاه بایـد بـه بهره‌بـرداری می‌رسـید تـا سـطح تولیـد نفـت سـفید افزایـش پیـدا کنـد. اختصـاص بودجـه بیشـتر بـرای خریـد تجهیـزات و کمـک گرفتـن از کارکنـان پالایشـگاه آبـادان بـه سـرعت گرفتـن رونـد تکمیـل پالایشـگاه منجـر شـد.

۱. روزنامه کیهان، ۱۱ مهر ۱۳۵۸

۲. تاریخ شفاهی وزرای نفت ایران (علی‌اکبر معین‌فر)، ص ۵۵.

مشکل سوم، مذاکره با ژاپنی‌ها بود که مدیران شرکت ملی صنایع پتروشیمی بیش از گذشته به تکمیل آن اصرار داشتند و معین‌فر دستور داده بود به فکر جایگزین باشند. ژاپنی‌ها هشدار را جدی گرفتند، اما تسخیر سفارت امریکا همه معادلات را به هم زد و ژاپنی‌ها مثل همیشه عقب کشیدند. آن‌ها به برداشتن گام محتاطانه در سرمایه‌گذاری خارجی خو گرفته بودند و عجیب نبود که حتی در دوره پهلوی دوم به ایران که جزیره ثبات لقب یافته بود، با احتیاط وارد شوند.

از مهم‌ترین چالش‌های دوره مدیریت معین‌فر، انجمن‌های اسلامی و شوراهای کارگری بودند که در این دوره در بخش‌های مختلف صنعت نفت تأسیس شدند. مفهوم و کارکرد آنان به مانند دیگر ادارات کشور جنبه مطالبه‌گرایانه و کنشگری سیاسی یافت. منشور تدوین‌شده‌ای برای یکپارچه‌سازی آنان در ماه‌های نخست وجود نداشت. جنبه مثبت شوراها و انجمن‌ها همانا دفاع از آرمان‌های انقلابی و مردمی و در مواقع ضروری، ورود به صحنه عملی برای مقابله با گرایش‌های ضدانقلابی بود. جنبه مخرب آنها، گرایش‌های قدرت‌طلبانه برای جابه‌جایی مدیران و عزل و نصب‌ها در برخی سطوح بود. معین‌فر دخالت‌های بی‌حدوحصر این انجمن‌ها را اصلی‌ترین مشکلات آن روزها می‌دانست:

> درحقیقت، مشکل اصلی دوره وزارت نفت ما آن بود که هر روز شوراها و انجمن‌های گوناگون و مختلفی با عنوان اسلامی ایجاد می‌شد که به‌نحو بی‌سابقه در کارها مداخله می‌کردند. عده‌ای از آنها نزدیک به سازمان مجاهدین خلق بودند. عده دیگری توده‌ای و یک عده هم فرصت‌طلب بودند. رفتار همه اینها به‌گونه‌ای غیرقابل پیش‌بینی بود و در کار اخلال می‌کردند. روزی به ما اطلاع دادند که گرانمایه، مدیر پالایشگاه‌های ایران، را که برای بازدید به پالایشگاه آبادان رفته بود، عده‌ای خودسرانه به گروگان گرفته‌اند. حتی مرا هم یک دفعه گرفته بودند.[1]

ناآرامی‌های پدیدآمده همچون زلزله‌ای برای مدیران ارشد به‌حساب می‌آمد. پشت صحنه این ناآرامی‌ها (توسط انجمن‌های اسلامی) مشخص نبود. البته انجمن‌های اسلامی تمامی واحدهای نفتی چنین نبودند، اما سرنوشت قباد فخیمی را تغییر دادند. ماجرای بازنشسته شدن قباد فخیمی نمونه‌ای از حوادث آن زمان است. قباد فخیمی تحت‌تأثیر حادثه‌ای که در مرداد در سالن بزرگ وزارت نفت رخ داد و سخنرانی معین‌فر به هم خورد، قرار گرفت.چند روز پس از این رخداد، او برحسب اتفاق، روزنامه انقلاب اسلامی را که متعلق به رئیس‌جمهور بنی‌صدر بود، دید. یک مقاله مندرج در روزنامه

۱. تاریخ شفاهی وزرای نفت (علی‌اکبر معین‌فر)، صص ۵۹-۶۰.

توجهش را جلب کرد. مقاله به ماجرایی که در سخنرانی معین‌فر رخ داده بود، اختصاص داشت. او در کتاب خود می‌نویسد:

در آخر مقاله نتیجه‌گیری شده بود که هیئت‌مدیره به ایجاد جو تشنج در شرکت ملی نفت دامن می‌زند. مثل این بود که یک سطل آب یخ بر سرم پاشیده باشند. روزنامه انقلاب اسلامی یک نشریه معمولی نبود. رئیس‌جمهور، دکتر بنی‌صدر اداره‌کننده و صاحب‌امتیاز آن بود... حالا می‌دیدم رئیس‌جمهور نظر داده است، رأی داده است به عنوان دامن زدن به جو تشنج محکوم شده بودم. تمام معجزه آرزوی دوره کودکی‌ام به پایان رسیده بود.[۱]

قباد فخیمی پس از خواندن این مقاله تصمیم به بازنشستگی گرفت. از طرق بهروز بوشهری که مسئولیت امور اداری را بر عهده داشت، موافقت معین‌فر را جلب کرد. در ادامه، قباد فخیمی می‌نویسد:

چهل روز بعد، عراق با یک حمله غافلگیرکننده جنگ تحمیلی هشت ساله علیه ایران را آغاز نمود. چند ماه بعد، فتاح علوی (جانشین قباد فخیمی) بازنشسته شد و همه اعضای انجمن اسلامی مدیریت پخش و فروش داخلی از کار برکنار یا به شهرستان‌ها تبعید شدند. مدتی بعد، با نواب صفوی در یک مؤسسه مشاورتی آشنا شدم... باهم دوست شدیم، ولی راجع‌به مقاله‌اش که سرنوشتم را تغییر داد چیزی به او نگفتم.[۲]

نویسنده مقاله، حسین نواب صفوی، گویا از سمپات‌های سازمان مجاهدین خلق پیرامون بنی‌صدر بود.[۳]

فعالیت افراد فرصت‌طلب و تندرو با گرایشات مختلف سیاسی و حتی عوامل پایین‌دست رژیم پیشین موجب شد شورای انقلاب، سیاستمداران و دادستانی نظارت بیشتری بدان‌ها مبذول کند. انجمن‌های اسلامی خطوط لوله، امور پخش و مخابرات بیش از واحدهای دیگر در کار مدیران دخالت می‌کردند. با وجود آمدن غرضی در رأس وزارت نفت، بازهم مهار این انجمن‌ها به‌سختی صورت می‌گرفت. در ۳ بهمن ۱۳۶۰ حیدرعلی علیزاده با بخشنامه‌ای آنان را از مداخله پرهیز داد: «... متذکر می‌شود که در امور مربوط به مدیریت مداخله ننمایند، بدیهی است تنها به ارائه برنامه‌های ارشادی اکتفا نموده...»[۴]

---

۱. قباد فخیمی، سی سال نفت ایران، ص ۱۰۳۸.

۲. قباد فخیمی، سی سال نفت ایران، ص ۱۰۴۰.

۳. برحسب نوشته روزنامه انقلاب اسلامی، او اعدام شد.

۴. پیک نفت، شماره ۱۴۶، بهمن ۱۳۶۰، ص ۳.

با همه تمهیداتی که برای مهار این انجمن‌ها و شوراها به کار بسته شد، قدرت آنان تا پایان دوره چهار ساله اول وزارت آقازاده استمرار داشت.

محمدجواد تندگویان

محمدجواد تندگویان وزارت کوتاه‌مدتی داشت. او برخاسته از جمع انقلابیون مسلمان دانشگاه نفت بود و در سال ۱۳۵۸ به دعوت معین‌فر به وزارت نفت راه یافت. مدتی نائب‌رئیس پالایشگاه آبادان بود و در تیر ۱۳۵۹ با اصرار معین‌فر، سرپرست مناطق نفت‌خیز شد. در ۳ مهر همان سال از سوی رجایی به‌عنوان وزیر نفت به مجلس معرفی گردید تا در روزهای آغازین جنگ، سکان وزارت نفت را به دست گیرد. در جلسه رأی اعتماد، معین‌فر که شناخت کاملی از تندگویان داشت، به سخن درآمد و درحالی‌که نمایندگان مجلس بی‌صبرانه منتظر شنیدن سخنانش بودند، گفت:

> از بین کاندیداهایی که آقای رجایی برای من فرستادند و نظر بنده را خواستند، چهار نفر بودند و یک نفر هم قبلاً معرفی شده بود یعنی درحقیقت پنج کاندیدا بودند. در بین آن کاندیداها به نظر بنده ایشان نفر دوم بود... امیدوار هستیم که ان‌شاءالله همه به ایشان [تندگویان] کمک بکنند و موفق بشوند که این صنعت را اداره بکنند... آدم جوان و فعال متدینی نظیر ایشان که بنده امید زیاد دارم که موفق بشوند و موفق خواهند شد.[۱]

به گفته حسن سادات، ویژگی‌هایی که رجایی برای وزرای خود می‌خواست با خصایص محمدجواد تندگویان بیشترین انطباق را داشت: «خانه‌اش پایین‌تر از خیابان انقلاب (شاهرضای سابق) باشد؛ متخصص و متعهد باشد؛ سابقه مبارزه سیاسی داشته باشد.»[۲]

تندگویان از همان ابتدای کار، تدبیرهایی برای حفاظت از تأسیسات نفتی در استان خوزستان اندیشید و برای تحقق این هدف به سازماندهی کارکنان وزارت نفت پرداخت. در ۱۱ مهر بر راه‌اندازی واحدهای ایزوماکس شیراز، اصفهان و تهران و همچنین توقف ایزوماکس پالایشگاه تبریز به دلایل امنیتی تأکید کرد.[۳] علاوه‌برآن، نصب وسایل اطفای

---

۱. مذاکرات مجلس شورای ملی، ۳ مهر ۱۳۵۹

۲. تاریخ شفاهی وزرای نفت (حسن سادات)، ص ۱۹۰.

۳. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۱۴۷، ۱۳۵۹/۷/۱۱.

حریـق در کلیـه واحدهـا اجبـاری[۱] و مسـئولان موظـف شـدند باتوجه‌بـه اولویـت و حداکثـر صرفه‌جویـی، بـه اسـتتار مخـازن نفتـی بپردازنـد[۲] تـا ایـن تأسیسـات از حملـه جنگنده‌هـای دشـمن در امـان بمانـد. او کـه پیـش از وزارت، مدتـی سرپرسـت مناطـق نفت‌خیزبـود، بهمـن سروشـی را کـه از ابتـدای انقـلاب حضـوری فعـال و پرثمـر در شـرکت ملـی نفـت داشـت، بـرای مدیریـت ایـن بخـش مهـم برگزیـد. سروشـی تـا آمـدن غرضـی، تمـام تـلاش خـود را بـرای حفـظ تولیـد و محافظـت از تأسیسـات نفتـی بـه کار بـرد.

تصمیم عجولانه

در ۲۶ مهـر مدیـران شـرکت ملـی گاز و شـرکت ملـی صنایـع پتروشـیمی در جلسـه اضطـراری هیئت‌مدیـره شـرکت ملـی نفـت حضـور یافتنـد. ایـن جلسـه بـا حضـور آیت‌اللهـی، ابوفاضلـی، اجـل لوئیـان، اعتمـاد، بوشـهری، بوترابـی، پارسـا، پارسـی، دری، روحـی، سـادات، شـهریار، علـوی، گرانمایـه، گـودرزی، مرشـدی، مرادخانیـان، نصیـری و یحیـوی برگـزار شـد. مهم‌تریـن محـور گفتگـو، پالایشـگاه آبـادان بـود. اعضـای حاضـر در جلسـه تصمیـم گرفتنـد باتوجه‌بـه وضـع خـاص پالایشـگاه آبـادان کـه نیازمنـد سرپرسـتی و رسـیدگی مـداوم بـود، ایـن پالایشـگاه تـا اطـلاع ثانـوی تحـت سرپرسـتی مناطـق نفت‌خیـز قـرار گیـرد.[۳] در ۲ آذر، مدیـران شـرکت از تصمیـم قبلـی دسـت شسـتند و تصمیـم جدیـدی گرفتنـد تـا پالایشـگاه آبـادان بـار دیگـر تحـت سرپرسـتی امـور پالایـش اداره شـود. بنابرایـن، دسـتور داده شـد هیئت‌رئیسـه آن، هرچـه سـریع‌تر عـازم آبـادان شـوند.[۴] واقعیـت آن بـود کـه سـخن مدیـران امـور پالایـش کـه می‌گفتنـد تخصـص مناطـق نفت‌خیـز در اسـتخراج، تولیـد و توسـعه اسـت نـه تصفیـه، منطقی‌تـر بـود.

شرکت ملی حفاری در جنگ

در طـول جنـگ سـه مدیرعامـل، احمـد سـاقیان، محمدرضـا شماسـی و محمـود شـریفیان، شـرکت ملـی حفـاری را اداره کردنـد.[۵] تجهیـز و تعمیـر دکل‌هـای حفـاری آسـیب‌دیده بـه دلیـل بمباران‌هـا، تجهیـز کارگاه‌هـای تعمیراتـی، شـروع فعالیـت آموزشـگاه تکنولـوژی حفـاری (در سـال

۱. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۱۴۸، ۱۳۵۹/۷/۱۳.
۲. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۱۵۱، ۱۳۵۹/۷/۱۹.
۳. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۱۵۲، ۱۳۵۹/۷/۲۶.
۴. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۱۶۱، ۱۳۵۹/۹/۲.
۵. نگاه کنید به تارنمای شرکت ملی حفاری ایران.

۱۳۶۲)، خرید دکل حفاری دریایی، بالا بردن راندمان متراژ حفاری، بهره‌جویی از روش‌های نوین حفاری و از همه مهم‌تر، سیطره این شرکت بر تمامی فیلدهای خشکی و دریا در این دوره به وقوع پیوست. تحول در سازمان اداری که به یکپارچه‌سازی رفتار سازمانی، قوانین و مقررات، حقوق و مزایا و شایسته‌سالاری انجامید، ازنظر تاریخی پراهمیت بود. این تحول در زمانه جنگ به زدودن تمامی اختلافات درون‌سازمانی منجر شد. کارکنان با عنوان «شرکت ملی حفاری» که رقیبی در صحنه کشور نداشت، احساس غرور می‌کردند. افزایش شمار دکل‌ها در دوره سازندگی این شرکت را به ترازی بین‌المللی رساند. قدرت سازمانی، توانایی مالی و پایگاه اجتماعی این شرکت در طول سه دهه روندی افزایشی داشت که امکان مقاومت آنان را در مقابل سیاست خصوصی‌سازی فراهم کرد.

ترسیم هویت این شرکت تنها از لابه‌لای آمار و ارقام که عموماً روندی پرشتاب داشت، میسر است، اما روایات شفاهی حکایت از کوششی جانانه و مخلصانه تا پای جان دارد که برند شرکت را در تمامی صنعت نفت ایران جاودان ساخته است. آنان در طول جنگ، در زیر بمباران و در اقصی نقاط کشور در دریا و خشکی دست به کار سترگی زدند.

احمد ساقیان پس از رمضان‌پور، در ۲۰ تیر ۱۳۵۹ تا ۲۶ آبان همان سال هدایت شرکت ملی حفاری را بر عهده داشت. در آغاز جنگ، دکل‌های حفاری آزادگان، جفیر، دهلران و نفت‌شهر به دست متجاوزان عراقی افتاد و چند تن از کارکنان شرکت ملی حفاری اسیر شدند.[۶] تلاش‌های احمد ساقیان بر مدیریت رفتار سازمانی و بازسازی ساختار متمرکز بود. او نیم‌نگاهی نیز به توسعه مراکز تعمیراتی دکل‌های حفاری داشت و موفق شد دو دکل به دکل‌های شرکت ملی حفاری بیفزاید.

پس از ساقیان، شماسی آمد و تا اوایل سال ۱۳۶۰ مدیریت شرکت ملی حفاری را بر عهده داشت. او به تعامل با سازمان مناطق نفت‌خیز اعتقاد راسخ داشت و توانست در دوران کوتاه مدیریتش اقدامات ارزشمندی انجام دهد، ازجمله در بخش برنامه‌ریزی و مهندسی حفاری با بهره‌جویی از کارشناسان مناطق نفت‌خیز هشت دکل حفاری به‌جامانده از دوران پیش از انقلاب را سروسامان دهد و برخی تجهیزات موردنیاز آن‌ها را فراهم کند.

اسارت تندگویان ـ کفالت سادات

از شروع جنگ بیش از یک ماه می‌گذشت و آبادان زیر حملات شدید دشمن قرار داشت. تندگویان تصمیم گرفت در سفری به مناطق نفتی، وضعیت پالایشگاه آبادان را از نزدیک بررسی کند. ازاین‌رو، روز ۸ آبان، به اتفاق همراهانش عازم جنوب شد، اما روز بعد و در پی یکی از تاریخی‌ترین اتفاقات تاریخ انقلاب و البته تاریخ نفت، در جاده ماهشهر ـ

۶. حیدر بهمنی، مدیریت جهادی در صنعت نفت، مشهد: ترنم، ۱۳۹۴، ص ۲۷.

آبادان توسط نیروهای عراقی اسیر شد. همه رایزنی‌ها برای رهایی او بی‌ثمر ماند. وزیر نفت عراق اعلام کرد که تندگویان تا پایان جنگ آزاد نخواهد شد.[۱] البته، او هیچ‌گاه آزاد نشد و پیکرش در سال ۱۳۷۰ به ایران بازگردانده شد.

در پی این رویداد ناگوار، روز ۱۳ آبان در جلسه فوق‌العاده‌ای که با حضور هیئت سرپرستان شرکت ملی نفت، شرکت ملی گاز و شرکت ملی صنایع پتروشیمی برگزار شد؛ به حسن سادات ازطرف نخست‌وزیر مأموریت داده شد تا در غیاب تندگویان وظایف او را بر عهده گیرد.[۲]

سیدحسن سادات

سیدحسن سادات، در فروردین ۱۳۲۴ در بیدآباد اصفهان به دنیا آمد. دانش‌آموخته دانشکده نفت آبادان بود. پس از پیروزی انقلاب، عضو هیئتی بود که به دستور رهبر انقلاب به بررسی وضعیت صنعت نفت مأمور شدند:

> در تابستان سال ۱۳۵۸ هیئتی شامل حجت‌الاسلام شهاب‌الدین اشراقی، حجت‌الاسلام سیدمحمد ابطحی کاشانی، مهندس بوشهری و من از طرف امام خمینی مأمور رسیدگی و بررسی وضع صنعت نفت شدیم. در نخستین دیدار با امام خمینی... ایشان از ما خواستند که با در نظر گرفتن خداوند و رعایت دقت، امانت و انصاف وضع صنعت نفت را بررسی کرده و گزارش دهیم. دو مورد مشخص که به یاد دارم این بود: یکی، ذخیره‌سازی مواد نفتی برای زمستان سال ۱۳۵۸ بود که احتمالاً با کمبود سوخت در سرما روبه‌رو نشویم و دیگری، اطمینان از سفارش به موقع و کافی قطعات یدکی و کالاهای مورد نیاز برای تداوم عملیات بود که تولید و پالایش و تأمین نفت با مشکل روبه‌رو نشود... گزارش‌های فنی و نتیجه رسیدگی‌های تخصصی ما، همه دال بر صحت عملکرد و درستی گزارش‌های فنی بود که حضوراً به اطلاع امام رسانیدیم.[۳]

در پایان همان سفر، از سوی دکتر مرشد به ریاست شرکت گاز اصفهان برگزیده شد. مدیریت شرکت گاز اصفهان این فرصت را فراهم کرد تا اندیشه‌ای که سال‌ها ذهنش را پر کرده بود، رنگ واقعیت به خود گیرد.

یکباره در اندیشه‌ام نوری درخشید. بیش از سیزده سال بود که در انتظار چنین روزی بودم؛

---

۱. روزنامه کیهان، ۱۹ آذر ۱۳۵۹.

۲. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه فوق‌العاده، ۱۳۵۹/۸/۱۳.

۳. تاریخ شفاهی وزرای نفت (سیدحسن سادات)، صص ۷۶-۷۷.

تغییر اولویت وظایف شرکت ملی گاز ایران از صادرات به گازرسانی به روستاها و شهرهای ایران‌زمین. [در جلسه معارفه] در حضور مدیرعامل شرکت ملی گاز گفتم: ما گاز را به همه نقاط ایران می‌دهیم. تنها سخنانم از آرمان‌ها و حرف‌های دلم برخاسته بود. آن شب گفتم هرجا مردم آب و برق دارند، گاز هم خواهد بود... با شروع جنگ، همچنان بر این نظر بودم که همه مناطق و روستاهای کشور باید گازرسانی شود. شاید اگر عراقی‌ها پالایشگاه آبادان و جاهای دیگر را بمباران نمی‌کردند، من همچنان آینده ایران را نه در نفت، بلکه در گاز می‌دیدم.[1]

اردیبهشت ۱۳۵۹ از سوی معین‌فر معاون طرح‌های وزارت نفت و سپس، در دوره تندگویان، مدیرعامل شرکت ملی گاز شد. پس از اسارت تندگویان، با حکم رجایی، کفالت وزارت نفت را بر عهده گرفت:

شهید رجایی در حکمی که به من داده بود، نوشته بود: «تا بازگشت برادرمان، محمدجواد تندگویان، وزارت نفت را اداره کنید.» می‌دانید در شرایطی که وزارتخانه‌ای فاقد وزیر باشد، برای آن وزارتخانه سرپرست تعیین می‌شود. مدت این سرپرستی سه ماه است... البته شرایط ویژه‌ای بود. وزیر نفت ایران را عراقی‌ها اسیر کرده بودند و به جرأت می‌توان گفت که بیشترین فشار جنگ به وزارت نفت وارد می‌آمد. منصوب کردن شخصی به‌عنوان وزیر نفت می‌توانست جان وزیر دربند عراقی‌ها را به مخاطره اندازد.[2]

زمانی‌که سرپرست وزارت نفت شد، اهداف و برنامه‌های مشخصی داشت و آنها را در مدت یازده ماهه سرپرستی‌اش دنبال کرد. مسافرت‌های پی‌درپی او به آبادان، ماهشهر، سرخس و جلسات هفتگی با مدیران صنعت نفت، نخست‌وزیری و نمایندگان مجلس موجب ثبات در صنعت نفت شد. حضور در نشست‌های اوپک و تلاش برای کاهش سلطه عربستان بر این سازمان مهم، از دیگر موفقیت‌های سادات در دوران کفالتش بود.

سادات در ذیل تمامی بخشنامه‌ها و نامه‌های رسمی، چه به‌صورت علنی و چه به‌صورت محرمانه، چنین امضا می‌کرد: از طرف محمدجواد تندگویان، وزیر نفت جمهوری اسلامی ایران، سیدحسن سادات. این امضا بدین خاطر بود که مجامع بین‌المللی را نسبت اسارت تندگویان حساس کند:

در کل مدتی که به‌عنوان کفیل وزارت نفت انجام وظیفه می‌کردم، فقط یک نامه را به یاد دارم که با عنوان «سیدحسن سادات» امضا کردم. بقیه نامه‌ها را «از طرف مهندس محمدجواد تندگویان» امضا می‌کردم. آن یک بار هم در اثر اشتباه ناخواسته تهیه‌کننده

۱. تاریخ شفاهی وزرای نفت (سیدحسن سادات)، ص ۷۹ و ۹۹.
۲. تاریخ شفاهی وزرای نفت ایران (سیدحسن سادات)، ص ۱۹۵.

نامـه بـود کـه درسـت در فـرودگاه قبـل از پـرواز بـرای جلسـه اوپـک بـه مـن دادنـد و وقـت تعویـض نامـه وجـود نداشـت. در ایـن دوران، همـه وسـایل و لـوازم دفتـر شـهید تندگویـان مرتـب و سـر جـای خـودش باقـی مانـد. در همـه ایـن مـدت در دفتـر خـودم در دوران معاونـت طرح‌هـا می‌نشسـتم و از اتـاق شـهید تندگویـان حتـی یـک بـار نیـز اسـتفاده نکـردم.»[۱]

اجلاس اوپک

نیمـه دوم سـال ۱۳۵۹ جنـگ در خاورمیانـه شـعله‌ور بـود و اختـلاف نظـر در اوپـک به‌شـدت جریـان داشـت. نظـم و انضباطـی در اوپـک دیـده نمی‌شـد. بیـش از همـه عربسـتان از ایـن موقعیـت اسـتفاده کـرد و تولیـد خـود را به‌صـورت غیررسـمی افزایـش داد. دفتـر نخسـت‌وزیر در ۲۸ بهمـن ۱۳۵۹ در نامـه‌ای بـه وزارت نفـت اعـلام کـرد: «سیاسـت مـا بـرای صـدور نفـت در سـال ۱۳۶۰، دو میلیـون و ۵۰۰ هـزار بشـکه اسـت و در ایـن زمینـه وزارت نفـت بایـد تمامـی امکانـات خـود را بسـیج کنـد. » شـرکت ملـی نفـت پاسـخ داد، ایـن در صورتـی خواهـد بـود کـه: ۱. حـق داشـته باشـد در مـوارد لازم قراردادهـای فـروش بلندمـدت تـا ۱۸ مـاه منعقـد کنـد؛ ۲. بـه طـرف دوم قراردادهـای مختلـط مشـارکت سـابق نیـز قبـل از حل‌وفصـل مسـائل مربـوط بـه مشـارکت، مشـابه سـایر متقاضیـان نفـت فروختـه شـود.»

سیدحسـن سـادات بـا درایـت و شـجاعت در جلسـات اوپـک سـخن می‌گفـت. در هـر اجـلاس بـا اشـاره بـه محمدجـواد تندگویـان، یـاد او را زنـده نگـه می‌داشـت و از سـوی دیگـر، بـر سـهم دولـت ایـران تأکیـد می‌ورزیـد. نطق‌هـای سیدحسـن سـادات اگرچـه آرام و شـمرده بـود، امـا در دفـاع از حقـوق مسـتضعفان جهـان برخـی از اعضـا را آزار مـی‌داد. او در ۲ خـرداد ۱۳۶۰، قبـل از سـفر بـه ژنـو، موضـع ایـران را چنیـن تشـریح کـرد:

> بـرای دفـاع از حقـوق مسـتضعفان جهـان در ایـن اجـلاس شـرکت و از هـر فرصتـی بـرای طـرح مسـئله تندگویـان اسـتفاده می‌کنیـم.[۲]

او پس از پایان اجلاس اوپک درحالی‌که لبخندی بر لب داشت به خبرنگاران گفت:

> ایـن یـک اجـلاس اسـتثنایی بـود، زیـرا اوپـک بعـد از ۲۰ سـال توانسـت دربـاره سـطح تولیـد و کنتـرل آن تصمیـم بگیـرد. بهـای پایـه ۳۴ دلار کـه تـا ۴۱ دلار هـم می‌توانـد افزایـش یابـد از مصوبه‌هـای اوپـک بـود.[۳]

سادات همچنین در مقابل خبرنگاران با افتخار از صندلی خالی تندگویان یاد کرد:

---

۱. تاریخ شفاهی وزرای نفت (سیدحسن سادات)، صص ۲۲۵-۲۲۶.
۲. روزنامه کیهان، ۲ خرداد ۱۳۶۰.
۳. روزنامه کیهان، ۶ خرداد ۱۳۶۰

با صندلی خالی تندگویان بار دیگر اسارت او را مطرح کردیم و به جهان نشان دادیم که دولت عراق از ملاقات مأمورین صلیب سرخ با تندگویان ممانعت به عمل آورده است. به آنان گفتیم او در کجاست و در چه وضعیتی به سر می‌برد.

او چند روز بعد در کنفرانسی خبری اظهار داشت:

مهم‌ترین مطلبی که در این کنفرانس عنوان شد و به تصویب رسید، تعیین میزان تولید نفت کشورهای عضو اوپک بود. مسئله‌ای که ازنظر سیاسی حائز اهمیت فراوان است، منزوی شدن پادشاهی عربستان در این کنفرانس بود. خوشبختانه کوشش‌های ایران به‌منظور تأمین منافع مستضعفان جهان به نتیجه رسید و ما موفق شدیم نظرهای خود را در این زمینه بیان کنیم. در این کنفرانس ده کشور عضو اوپک توافق کردند که ۱۰ درصد از تولید خود بکاهند، ولی ایران و عراق از این موضوع مستثنی شدند.[۱]

با تن دادن اوپک به افزایش قیمت، بازار از وضعیت دونرخی خارج و سهمیه‌ها معلوم شد. قیمت‌ها که بین ۳۴ تا ۴۱ دلار در هر بشکه نوسان داشت، به‌تدریج بین ۴۰ تا ۴۱ دلار تثبیت شد. این موضوع تا مدت‌ها بعد و آمدن غرضی در مردادماه به ساختمان وزارت نفت و ورودش به اوپک، تغییر چندانی نکرد.

دردسرهای آموکو

شرکت آموکو، طرف دوم قرارداد شرکت ایپاک و نیز شریک شرکت سهامی شیمیایی خارگ، با ارسال تلکسی، به نقض یک‌جانبه قرارداد از طرف شرکت ملی نفت ایران اعتراض کرد. آن‌ها با استناد به ماده ۴۱ قرارداد سابق، ضمن تقاضای داوری برای رسیدگی به اختلاف و اعلام نام داور خود، به شرکت ملی نفت ایران برای اعلام نام داور ۶۰ روز مهلت دادند. کمیسیون خاص قراردادهای نفتی در ۱۳۵۹/۹/۸ طی جلسه‌ای با حضور تمامی اعضا، قرارداد مشارکت شرکت شیمیایی خارگ را که بین شرکت ملی صنایع پتروشیمی ایران و آموکو منعقد شده بود، مغایر قانون ملی‌شدن صنعت نفت در ایران تشخیص داد و آن را کان لم یکن اعلام کرد. روز بعد، شرکت ملی نفت اعلام کرد تصمیم کمیسیون خاص باید به رئیس دیوانعالی انگلستان اعلام شود. همچنین، تذکر داده شود حل‌وفصل دعاوی قرارداد مذکور با کمیسیون خاص است. به داور نیز همین مطالب ابلاغ و تذکر داده شود که صلاحیت رسیدگی به دعاوی مطروحه از طرف آموکو را ندارد.[۲] در ۱۶ آذر، گزارش کمیسیون بررسی سوابق، دعاوی و مطالبات از شرکت‌های

۱. روزنامه کیهان، ۹ خرداد ۱۳۶۰.

۲. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۱۶۲، ۱۳۵۹/۹/۹.

عضو کنسرسیوم سابق مطرح شد و شرکت تصمیم گرفت اعضای کمیسیون برای مذاکره و طرح ادعاهای شرکت ملی نفت نمایندگان خود را به تهران اعزام کند.[۱]

مذاکره با آموکو چند سال طول کشید و سرانجام در فروردین ۱۳۶۹ طرفین به توافق رسیدند. شرکت ملی نفت پذیرفت ۵۴۰ میلیون دلار به این شرکت بپردازد تا از ادعاهای خود درباره شرکت شیمیایی خارگ و قرارداد آیپاک صرف‌نظر کند.[۲]

فلات قاره؛ تهدید، کشمکش، استعفا

سال ۱۳۵۹ رسیدگی به مشکلات پیچیده و دشوار ناشی از جنگ و حفظ و افزایش تولید تنها معضل مدیران نفت نبود. در این زمان گروه‌های مختلفی سر برآورده بودند و در کارها اخلال ایجاد می‌کردند. ازجمله، در نخستین ماه جنگ گروهی موسوم به گروه توحید به سراغ شعبانی، مدیرعامل شرکت نفت فلات قاره، رفتند. در نامه‌ای تهدیدآمیز به او نوشتند: «یک هفته فرصت داری تا از مقامت استعفا دهی وگرنه کشته خواهی شد. بعد از یک هفته عدم استعفا، مثل مهندس وفایی در منزل زیارتت می‌کنیم.» پس از جدی شدن تهدیدها، شعبانی نامه استعفای خود را به شرکت نفت فرستاد و درخواست کرد با این استعفا موافقت کنند، اما هیئت مدیره با استعفا موافقت نکرد. شرایط کشور بحرانی بود و انسجام و وحدت عمل بین مدیران بیش از هر زمان دیگری ضروری می‌نمود. از سرپرست اکتشاف و تولید خواسته شد با شعبانی گفتگو کند و از او بخواهد با توجه شرایط کشور به خدمت خود ادامه دهد[۳] و شعبانی ماند.

کشمکش بر سر انتقال به جنوب

انتقال شرکت نفت فلات قاره به جنوب از نخستین روزهای تأسیس این شرکت محور گفتگوی مدیران بود. ۱۳ خرداد ۱۳۵۹، معین‌فر در نامه‌ای به رئیس‌جمهور بنی‌صدر نوشت: «بر اساس استقرار تشکیلات دولتی در شهرستان‌ها به‌ویژه در حوزه عملیاتی مربوط به هر مؤسسه، وزارت نفت در نظر دارد شرکت نفت فلات قاره ایران را به جنوب انتقال دهد.» در اساسنامه شرکت نفت فلات قاره هم ذکر شده بود که مرکز شرکت پس از یک سال به جنوب انتقال خواهد یافت. سادات نیز در دورانی که کفالت وزارت

۱. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۱۶۳، ۱۳۵۹/۹/۱۶.
۲. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۷۶۶، ۱۳۶۹/۲/۵.
۳. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۱۵۳، ۱۳۵۹/۸/۱.

نفت را بر عهده داشت، از مدیران فلات قاره خواست مقدمات انتقال را فراهم کنند، اما کارکنان مخالف این تصمیم بودند. از طرفی، آنها در تهران خانه و زندگی داشتند و از طرف دیگر، جنوب درگیر جنگ بود و بسیاری علاقه‌ای نداشتند مستقیماً با جنگ روبه‌رو شوند.

محمدعلی شعبانی، مدیرعامل شرکت نفت فلات قاره، پس از دستور سادات، در نامه‌ای گفت که هنوز ناحیه مسکونی برای استقرار واحدهای این شرکت یافت نشده و فعلاً چنین امری برای شرکت امکان‌پذیر نیست. ضمن اینکه بسیاری از کارکنان شرکت ساکن تهران هستند و جابه‌جایی برای آن‌ها بسیار سخت خواهد بود.

نامه شعبانی در جلسه‌ای که در ۱۳ دی ۱۳۵۹ در تلمبه‌خانه چشمه شور با حضور سادات، گرانمایه، گودرزی، عظیمی، علوی، پارسی و بوترابی برگزار شد، مطرح گردید. هیئت‌مدیره اعلام کرد باتوجه‌به اینکه در شهرک معالی‌آباد شیراز تعدادی واحد مسکونی آماده فروش وجود دارد، شرکت نفت فلات قاره ادارات مرکزی خود را به شیراز منتقل و از امکانات شهرک استفاده کند. در تیرماه سال ۱۳۶۰ شعبانی بار دیگر در نامه‌ای به مهندس سادات گفت:

> باتوجه‌به آنکه انتقال دفاتر مرکزی شرکت نفت فلات قاره ایران به شیراز هم مستلزم صرف هزینه بسیاری است و هم اغلب کارکنان ساکن تهران هستند و تمایلی به جابه‌جایی ندارند، لذا با در نظر گرفتن شرایط فعلی بهتر است در تصمیم انتقال تجدیدنظر شود.

شرکت ملی نفت تصمیم گرفت تا تشکیل مجمع عمومی صاحبان سهام، این موضوع به تعویق افتد.[1] موضوع انتقال شرکت نفت فلات قاره به جنوب تا دهه ۱۳۸۰ ادامه یافت، اما این تصمیم هیچ‌گاه عملی نشد و برای همیشه مسکوت ماند.

استعفای دسته‌جمعی

اعضای هیئت‌مدیره شرکت نفت فلات قاره ایران طی نامه‌ای مورخ ۱۳۵۹/۱۱/۲۷ به کفیل وزارت نفت نوشتند «عوامل مختلفی که برای آن‌ها ناشناخته است در امور جاری شرکت مداخله و مسائل را به نهادهای خارج از شرکت ارجاع و موجب رکود و توقف کارها می‌شوند.» در ادامه نامه، اعضای هیئت‌مدیره استعفای خود را اعلام کردند. امضای مهدی پارسی، مهدی پایانی، محمدعلی شعبانی، فرهنگ فرهی یزدی، محمدرضا امین بر پای نامه زده شده بود. شرکت ملی نفت در جلسه ۱۶ فروردین ۱۳۶۰ تنها با استعفای

۱. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۱۹۰، ۱۳۶۰/۴/۱۴.

مهدی پایانی و بازگشت او به وزارت نفت موافقت کرد و استعفای باقی اعضا را نپذیرفت.[۱]

در جلسه فوق‌العاده هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت که روز ۸ مهر ۱۳۶۰ برگزار شد، اعضای هیئت‌مدیره شرکت نفت فلات قاره ایران نیز حضور داشتند. محمدعلی شعبانی گزارشی از چگونگی عملیات و اکتشاف و تولید مناطق این حوزه ارائه داد و گفت:

> در حال حاضر به علت مشکلات ناشی از جنگ فقط از دو منطقه لاوان و سیری بهره‌برداری می‌شود و بهره‌برداری از دو منطقه خارگ و بهرگانسر به دلیل قرارگرفتن در منطقه جنگی متوقف است. شرکت نفت فلات قاره، سه منبع مشترک نفتی با همسایگان خود در خلیج‌فارس دارد که عبارتند از: فروزان، سلمان و فاتح که به دلیل جنگ تحمیلی نمی‌توان از منبع فروزان بهره‌برداری کرد. در منبع فاتح هم ایران به‌تازگی اقدام به حفر چاه کرده است و طبق برآورد، حداقل ۱۵ هزار بشکه در روز از بخش ایرانی منبع سلمان به طرف بخش همسایه مهاجرت می‌کند.[۲]

جلسه بعدی که در ۳ آبان ۱۳۶۰ برگزار شد، اولین جلسه‌ای بود که در آن، نام وزیری هامانه به‌عنوان مدیر امور اداری در جلسات هیئت‌مدیره به چشم می‌خورد.[۳]

ساعت ۱۴:۳۰ بعدازظهر یکشنبه ۱۳۶۰/۱۲/۹ مجمع عمومی شرکت نفت فلات قاره ایران برگزار شد. در این جلسه، اعضای هیئت‌مدیره و بازرسان شرکت به این شرح انتخاب شدند: سیدحسن خردمند رئیس هیئت‌مدیره؛ اصغر ابراهیمی اصل، عضو هیئت‌مدیره و مدیرعامل؛ مصطفی خویی، عضو هیئت‌مدیره و معاون مدیرعامل؛ علی‌اکبر زمانی، عضو هیئت‌مدیره و مدیر عملیات؛ محسن فاضل علوی، عضو هیئت‌مدیره و مدیر امور مهندسی و فنی؛ احمد امری، عضو علی‌البدل و مدیر خدمات؛ فریدون شهبازی عضو علی‌البدل و معاون مدیر خدمات؛ محسن دیلمه، بازرس اصلی و محمدعلی شعبانی، بازرس علی‌البدل.[۴]

۱۷ مرداد ۱۳۶۱ شرکت ملی نفت با تأسیس یک شعبه نمایندگی شرکت نفت فلات قاره ایران در امارات عربی (دوبی) برای تسهیل عملیات آن شرکت موافقت کرد.[۵] در ۶ خرداد ۱۳۶۳ شرکت ملی نفت تصمیم گرفت دفتر نمایندگی شرکت نفت فلات قاره در شارجه را از این شرکت جدا کند تا زیر نظر امور بازرگانی شرکت ملی نفت اداره شود.[۶]

---

۱. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۱۷۷، ۱۳۶۰/۱/۱۶.
۲. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه فوق‌العاده، ۱۳۶۰/۷/۸.
۳. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۲۰۶، ۱۳۶۰/۸/۳.
۴. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۲۲۴، ۱۳۶۰/۱۲/۹.
۵. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۲۵۱، ۱۳۶۱/۵/۱۷.
۶. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۳۶۰، ۱۳۶۳/۳/۶.

در اسفند ۱۳۶۴ شرکت ملی نفت با پیشنهاد مدیر بازرگانی مبنی‌بر ادامه فعالیت دفتر نمایندگی شارجه ـ به‌عنوان دفتر نمایندگی شرکت کالای نفت تهران ـ موافقت کرد. قرار شد دفتر نمایندگی شارجه تنها خدمات و خریدهای موردنیاز فوری و اضطراری را که کالای آن در منطقه موجود است انجام دهد.[۱]

آبان ۱۳۵۹ شرکت ملی نفت، تفکیک وظایف حفاری دریایی شرکت نفت فلات قاره و شرکت ملی حفاری ایران را تصویب کرد. از آنجا که تولید از میدان‌های فلات قاره ـ به‌ویژه میدان‌های مشترک مرزی ـ اولویت داشت و تأخیر در بهره‌برداری از هر حلقه چاه به زیان ایران بود، از مدیران شرکت نفت فلات قاره خواسته شد بهره‌برداری از میدان فروزان (مشترک با عربستان) را هرچه سریع‌تر آغاز کنند. به دلیل شروع جنگ و وضع بحرانی کشور، تولید از این میدان متوقف شده بود.

سرانجام قراردادها و مشارکت‌ها

پس از گزارش هیئت مشاوران کمیسیون خاص درباره مغایرت قراردادهای نفتی با قانون ملی شدن نفت، شرکت ملی نفت ایران در ۱۲ بهمن ۱۳۵۹ موافقت کرد برای تبادل نظر و اطلاع از دعاوی شرکت‌های دوم طرف قراردادها، با نمایندگان آنها مذاکره کند.[۲] یک هفته بعد، اعلام کردند مذاکره با شرکت ایتالیایی آجیپ به‌زودی آغاز خواهد شد.[۳] ۱۰ خرداد ۱۳۶۰ شرکت ملی نفت از هیئت مشاور کمیسیون خاص درخواست کرد هرچه سریع‌تر پیش‌نویش ابلاغیه شرکت‌های کنسرسیوم را تهیه کنند و در آن تصمیمات کمیسیون خاص درباره لغو قراردادهای سابق را شرح دهند.[۴]

شرکت ملی نفت در تیر تصمیم گرفت کمیسیونی با نام «هیئت بررسی قراردادهای کان لم یکن شده» با حضور محمودزاده، شیرازی، ارفع زنگنه، مختاربند، حاجیان تهرانی (و در غیاب او ملک‌فام) تشکیل دهد. اعضا موظف بودند به‌طور تمام‌وقت مسائل مربوط به خسارت‌های واردشده به ملت ایران از سوی کنسرسیوم و طرف‌های دوم قراردادهای مختلط و پیمانکاری را بررسی و گزارش پیشرفت را به‌صورت هفتگی به معاون وزیر در امور نفت ارائه دهند.

مرداد ۱۳۶۰ شرکت ملی نفت اعلام کرد به‌زودی اعضای هیئت بررسی قراردادهای

۱. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۴۹۴، ۱۳۶۴/۱۲/۴.
۲. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۱۶۹، ۱۳۵۹/۱۱/۱۲.
۳. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۱۷۱، ۱۳۵۹/۱۱/۱۹.
۴. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۱۸۵، ۱۳۶۰/۳/۱۰.

لغوشـده عـازم لنـدن می‌شـوند تـا بـا شـرکت‌های الـف، آجیـپ و شـرکت‌های امریکایـی مذاکـره کننـد. هم‌زمـان، هیئـت مأموریـت داشـت بـا شـرکت‌های نفتـی کـه پـول نفت‌خـام خریداری‌شـده را نپرداخته‌انـد، مذاکـره کنـد.[۱] ۸ مـرداد، حسـن سـادات موضـوع لغـو قـرارداد کنسرسـیوم را کـه در جلسـه هیئـت دولـت تصویـب شـده بـود، بـه هیئت‌مدیـره شـرکت ملـی نفـت اطـلاع داد. سـادات گفـت از پیشـرفت کارهـا و کوتاهـی در ارسـال گـزارش هفتگـی هیئـت بررسـی مطالبـات از کنسرسـیوم راضـی نیسـت و از آنهـا خواسـت کوشـاتر از پیـش عمـل کننـد.[۲]

۹ اسـفند ۱۳۶۰ هیئـت بررسـی اعـلام کـرد شـرکت ایتالیایـی آجیـپ در مقابـل دریافـت ۱۲۹ میلیـون دلار از ادعاهـای خـود بابـت ۳ قـرارداد سـیریپ، ایمینوکـو و اگوکـو صرف‌نظـر خواهـد کـرد و پذیرفتـه اسـت کـه ایـن مبلـغ به‌صـورت نفت‌خـام پرداخـت شـود. شـرکت ملـی نفـت بـا ایـن قـرارداد موافقـت کـرد.[۳]

در مهـر مـاه ۱۳۶۰ مذاکـرات مقدماتـی بـا شـرکت نفـت اسـپانیایی هسـپانویل[۴] و شـرکت نفـت بلژیکـی پتروفینـا، طـرف دوم قـرارداد اگوکـو، در لنـدن آغـاز شـد. دور دوم ایـن مذاکـرات از یکـم تـا چهـارم اردیبهشـت ۱۳۶۱ در تهـران برگـزار شـد. در ۲۳ اردیبهشـت، شـرکت ملـی نفـت بـا پرداخـت ۱۲ میلیـون دلار بـه شـرکت هسـپانویل و ۹ میلیـون دلار بـه شـرکت پتروفینـا موافقـت کـرد. هسـپانویل و پتروفینـا پذیرفتنـد ایـن مبلـغ را به‌صـورت نفت‌خـام دریافـت و در مقابـل از تمـام ادعاهـای حقوقـی و منافـع واقعـی و احتمالـی علیـه شـرکت نفـت دربـاره قـرارداد اگوکـو صرف‌نظـر کننـد. موافقت‌نامـه نهایـی در روزهـای ۲۶ و ۳۱ خـرداد ۱۳۶۱ امضـا شـد.[۵]

مذاکـره بـا شـرکت فرانسـوی الـف اکیتیـن، طـرف دوم قـرارداد شـرکت سـوفیران، در بهمـن ۱۳۶۰ ادامـه یافـت. پـس از چنـد دور مذاکـره، طرفیـن بـه توافـق رسـیدند. ایـران پذیرفـت ۳۲۶ میلیـون دلار بابـت قـرارداد پیمانـکاری اراپ (۱۹۶۶) و ۲۰ میلیـون دلار بابـت قـرارداد اگوکـو به‌صـورت نقـد بـه الـف اکیتیـن پرداخـت کنـد و طرفیـن از کلیـه حقـوق و ادعاهـای خـود در ارتبـاط بـا قراردادهـای فـوق صرف‌نظـر کننـد.[۶]

مذاکـره بـا شـرکت فرانسـوی CFP کـه ۶ درصـد سـهام کنسرسـیوم را در اختیـار داشـت، باتوجه‌بـه توصیـه دفتـر خدمـات حقوقـی نخسـت‌وزیری در مـورد حل‌وفصـل دعـاوی و قراردادهـا ـ حتی‌المقـدور از طریـق مذاکـره ـ و در نظرگرفتـن وضعیـت ایـران در دادگاه، صـورت

۱. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۱۹۴، ۱۳۶۰/۵/۴.
۲. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۱۹۵، ۱۳۶۰/۵/۸.
۳. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۲۲۵، ۱۳۶۰/۱۲/۹.
4. Hispanoil
۵. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۵۳۲، ۱۳۶۱/۲/۲۳.
۶. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۲۵۸، ۱۳۶۱/۷/۱۱.

گرفت. شرکت ملی نفت در ۱۸ فروردین ۱۳۶۲ با پرداخت ۱۷ میلیون دلار موافقت کرد.[۱]

یکی دیگر از قراردادهای نفتی ایران با شرکت امریکایی چارتر اویل بود. این شرکت، پس از لغو قرارداد، دعاوی خود را به لاهه برد، ولی پس از مدتی صلاح دید که اختلافات را از طریق مذاکره حل کند. از این رو پس از چند دور مذاکره، در آذر ۱۳۶۲ شرکت ملی نفت با پرداخت ۲/۶ میلیون دلار به آن شرکت در ازای حل‌وفصل تمامی حقوق، ادعاها و مطالبات طرفین علیه یکدیگر موافقت کرد.[۲] مذاکره با شرکت سوهایو نیز در اسفند همان سال به نتیجه رسید و شرکت ملی نفت با پرداخت ۱/۳ میلیون دلار به این شرکت در ازای حل‌وفصل تمامی دعاوی و مطالبات موافقت کرد.[۳]

شرکت بعدی که با شرکت نفت به توافق رسید، شیکاگو بریج اند آیرون[۴] بود که در تیرماه ۱۳۶۳ پذیرفت در ازای دریافت یک میلیون و ۱۳۰ هزار دلار، از هرگونه ادعایی علیه سازمان‌های دولتی جمهوری اسلامی ایران ـ ازجمله وزارت نفت و شرکت‌های تابع آن ـ صرف‌نظر کند.[۵]

شرکت امریکایی امین‌اویل[۶] از دیگر مدعیان شرکت نفت در دادگاه‌های بین‌المللی لاهه بود که در کنسرسیوم سابق ۵/۶ درصد سهام داشت و پس از لغو کنسرسیوم، پشت میز مذاکره با شرکت نفت نشست. مذاکرات در ۱۵ اردیبهشت ۱۳۶۴ به انعقاد قرارداد نهایی انجامید و طی آن، شرکت ملی نفت پذیرفت ۲/۶ میلیون دلار به امین اویل بپردازد.[۷]

مذاکره با شرکت بی‌پی نیز به امضای تفاهم‌نامه‌ای بین شهاب‌الدین، معاون حقوقی و امور مجلس، و کازالت، مدیرعامل شرکت بی‌پی، انجامید. طبق توافقنامه، بی‌پی پذیرفت در مقابل دریافت ۷/۵ میلیون بشکه نفت‌خام از شرکت ملی نفت، هیچ‌گونه ادعایی علیه شرکت ملی نفت و جمهوری اسلامی ایران نداشته باشد.[۸] مذاکره با شرکت موبیل اویل کورپوریشن نیز در آبان ۱۳۶۹ به نتیجه رسید. شرکت ملی نفت پذیرفت با دریافت ۱۳ میلیون دلار از این شرکت، دو طرف از تمام ادعاهای خود در لاهه و هر دادگاه و حکمیت

---

۱. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۲۸۶، ۱۳۶۲/۱/۱۸.

۲. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۳۲۸، ۱۳۶۲/۹/۲۷.

۳. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۳۴۴، ۱۳۶۲/۱۲/۱۴.

4.Chicago Bridge & Iron

۵. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۳۷۰، ۱۳۶۳/۴/۲۷.

6.Aminoil

۷. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۴۲۰، ۱۳۶۴/۲/۵۱.

۸. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۴۵۱، ۱۳۶۴/۶/۲۷.

ناشی از قراردادهای کنسرسیوم و فروش نفت‌خام صرف‌نظر کنند.[۱]

ذاکره و حل‌وفصل اختلافات با شرکت‌های نفتی که در سال‌های قبل از انقلاب در پروژه‌های نفتی ایران مشارکت داشتند، همچنان ادامه داشت. آفشور اینترنشنال از دیگر مدعیان ایران در دادگاه بود که در شهریور ۱۳۶۵ شرکت ملی نفت با پرداخت دو میلیون و ۵۰۰ هزار دلار به این شرکت موافقت کرد.[۲]

در پی بررسی قراردادهای نفتی و لغو بسیاری از آنها، مدیران شرکت ملی نفت تصمیم به لغو قرارداد ۱۳ اکتبر ۱۹۷۵ و فروش سهام شرکت ملی نفت در شرکت نفت ایران و کره به شرکت سانگ‌یانگ گرفتند. قرارداد فروش نفت‌خام یکم نوامبر ۱۹۷۶ نیز لغو گردید.[۳] اسفند ۱۳۵۸ رضا عظیمی به‌عنوان مدیر امور بین‌الملل در یکی از جلسات هیئت‌مدیره تصمیم دولت برای فروش سهام شرکت ملی نفت در شرکت کیپکو به قیمت ۳۴ میلیون دلار را اعلام کرد. شورای انقلاب در ۱۹ خرداد ۱۳۵۹ موافقت خود را با تصمیم شرکت ملی نفت اعلام کرد.[۴]

تصمیم ایران واکنش منفی شرکت سانگ یانگ را به دنبال داشت، زیرا انصراف دولت ایران می‌توانست برای این شرکت که برای ساخت پالایشگاه، مبلغ زیادی وام گرفته بود، عواقب سنگینی داشته باشد. هیئت کره‌ای به رهبری کیم، رئیس شرکت سانگ یانگ، به تهران آمد و به گفتگو با مدیران ایرانی پرداخت، اما نتیجه‌ای عایدش نشد. پس از سفر ناموفق هیئت کره‌ای، این شرکت با خرید سهم ایران موافقت کرد. قرارداد در ۲۶ آگوست ۱۹۸۰ در سئول میان محمود حق‌شناس و نماینده این شرکت امضا شد.[۵] شرکت سانگ یانگ پس از خرید سهام ایران، عملیات اجرایی ساخت پالایشگاه را ادامه داد و ظرفیت آن را به یکصد هزار بشکه در روز افزایش داد. سپس در همان سال، با سرمایه‌گذاری ۵۰۰ میلیون دلاری عربستان سعودی ظرفیت پالایشگاه به ۵۰۰ هزار بشکه در روز افزایش یافت و این کشور جای ایران را گرفت. این پالایشگاه اکنون به‌عنوان هفتمین پالایشگاه بزرگ جهان مشغول به کار است.

انصراف از مشارکت ساخت پالایشگاه ناترف در افریقای جنوبی نیز در همان زمان اخذ گردید. این تصمیم ازجمله فرصت‌های ازدست‌رفته بود که اگر کمی تأمل می‌کردند، به نتایج دلخواه‌تری می‌رسید. پس از انقلاب، روابط سیاسی ایران با آفریقای جنوبی به

۱. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۷۹۲، ۱۳۶۹/۸/۱۲.
۲. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۵۴۲، ۱۳۶۵/۶/۱۳.
۳. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۱۲۷، ۱۳۵۹/۳/۱۴.
۴. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۱۷۳، ۱۳۵۹/۱۲/۳.
۵. قباد فخیمی، *سی سال نفت*، صص ۲۷۰ - ۲۷۱.

علت ماهیت آپارتاید این رژیم قطع شد. ایران از صدور نفت به این کشور خودداری کرد و مدیران ایرانی از حضور در جلسات هیئت‌مدیره و مجامع عمومی شرکت ناترف سر باز زدند. آنها هم متقابلاً پرداخت سود سهام به شرکت ملی نفت ایران را متوقف کردند. شرکت ملی نفت در نامه‌ای به نخست‌وزیر توضیح داد که شرکت نکردن در جلسات هیئت‌مدیره به سایر سهامداران (توتال و ساسول) اجازه می‌دهد در چارچوب اختیارات هیئت‌مدیره و مجمع عمومی سهامداران تصمیماتی بگیرند که نه فقط به سود شرکت ملی نفت نیست، بلکه تعهداتی هم برای شرکت ایجاد می‌کند. از سوی دیگر، وزارت امور خارجه در نامه‌ای به شرکت ملی نفت اطلاع داد مسائل مربوط به سرمایه‌گذاری ایران در آفریقای جنوبی از طریق این وزارتخانه صورت گیرد. باتوجه‌به موارد یادشده، شرکت ملی نفت از نخست‌وزیر خواست تا نظر خود را در مورد فروش سهام شرکت ملی نفت در پالایشگاه ناترف اعلام کند.[۱]

مذاکره با شرکای ایران در پالایشگاه ناترف تا سال ۱۳۶۵ ادامه یافت، زیرا قطع روابط سیاسی ـ اقتصادی با آفریقای جنوبی مذاکره را کند و مشکل کرده بود. امور حقوقی، امور بین‌الملل و امور بازرگانی شرکت ملی نفت، هریک بخشی از موضوعات مذاکره را بر عهده داشتند. شرکت از مدیران بخش‌ها خواست تا مذاکره با ساسول را در کشور سوم انجام دهند و هنگام تعیین ارزش سهام ایران در مذاکرات، مبلغ قابل پرداخت به شرکت از ۷/۵ میلیون دلار کمتر نباشد[۲] و درنهایت، ایران سهم ۱۷/۵ درصدی خود در این پالایشگاه را به شرکای خود فروخت.

تدبیر برای پالایشگاه آبادان

در اردیبهشت ماه سال ۱۳۶۰ تکلیف جنگ کاملاً نامشخص و آبادان هنوز در محاصره دشمن بود. در شروع جنگ، در تانک فارم آبادان ۱۰۴ مخزن پر از نفت بود و حدود سی میلیون بشکه نفت در مخازن قرار داشت که محبوس شد.[۳] پالایشگاه آبادان وضعیت مبهمی داشت و منتظر تصمیم شرکت ملی نفت بود.

تیرماه سال ۱۳۶۰ شرکت ملی نفت هیئتی سه نفره شامل بخشنده، شکوه و عراقی را به‌عنوان مسئول بازسازی پالایشگاه آبادان برگزید و این هیئت در روز بیست و هشتم با ریاست بخشنده عازم آبادان شد تا موقعیت پالایشگاه را از نزدیک بررسی و گزارش‌های

۱. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۱۸۵، ۶۰/۳/۱۰

۲. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۵۰۳، ۶۵/۱/۲۱.

۳. پیک نفت، شماره ۲۰۴، مهر ۱۳۶۴، ص ۲۷.

لازم را تهیه کند.[۱] در همان روزها، شرکت ملی نفت تصمیم گرفت تا سیستم حراستی ویژه‌ای برای نگهداری اسناد و مدارک و همچنین بازسازی پالایشگاه آبادان طراحی و اجرا کند.[۲] هیئت بازسازی پالایشگاه آبادان در یکم شهریور گزارش کاملی از سفر دو هفته‌ای هیئت‌مدیره ارائه کرد که در آن، تأکید اصلی بر این بود که بازسازی پالایشگاه به تأمین ۳ موضوع بودجه، زمان و نیروی انسانی متخصص بستگی دارد و در صورت وجود این عوامل، از سوی متخصصان ایرانی قابل بازسازی خواهد بود.[۳]

چند ماه بعد، شرکت نفت، با متمرکز ساختن تدارکات و امور کالای پالایشگاه آبادان و خدمات در مدیریت مناطق نفت‌خیز جنوب و تشکیل واحد تدارکات و امور کالای مناطق نفت‌خیز جنوب در ۲۶ بهمن ۱۳۶۱ موافقت کرد[۴] و هجدهم اردیبهشت ماه ۱۳۶۲ نیز در جلسه‌ای که با حضور پاره‌وقت غرضی، وزیر نفت تشکیل شد، با انتقال بخش‌های مختلف حسابداری پالایشگاه آبادان به اهواز و انتقال کارکنان پالایشگاه آبادان ـ که برای امور مالی مناطق نفت‌خیز انجام وظیفه می‌کردند ـ به مدیریت مناطق نفت‌خیز موافقت به عمل آمد.[۵] اما چند ماه بعد مقرر شد اتخاذ تصمیم در مورد افزایش ظرفیت به روزانه ۶۰۰ هزار بشکه به پایان جنگ موکول شود،[۶] در سال ۱۳۶۵ حملات مداوم دشمن به آبادان و آسیب‌های سختی که به پالایشگاه آبادان وارد می‌شد، مدیران را به تجدیدنظر در برنامه بازسازی این پالایشگاه واداشت. آنان از مدیریت مناطق نفت‌خیز خواستند که زمان‌بندی مجدد بازسازی و راه‌اندازی فاز اول پالایشگاه آبادان را تهیه کند و به شرکت ملی نفت گزارش دهد.[۷]

اگرچه فعالیت‌های پالایشگاه آبادان تعطیل شده بود، اما آن دسته از کارکنان که برای نگهداشت و محافظت از پالایشگاه همچنان باقی مانده بودند، از هیچ کمکی به پیشبرد امور جنگ فروگذار نمی‌کردند. ازجمله، کارکنان واحد مخابرات پالایشگاه همچون واحدهای دیگر در کمک‌رسانی به امور دفاعی در طول سال‌های جنگ حضور فعالی داشتند. مخابرات آبادان در زمینه ارتباط‌دهی بین واحدهای نظامی، شهری ـ تدارکاتی با کشیدن کابل‌های تلفن و راه‌اندازی سیستم مخابراتی بیسیم، توانست بخش عمده‌ای از

۱. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۱۹۳، ۱۳۶۰/۴/۲۸.
۲. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۱۹۶، ۱۳۶۰/۵/۱۸.
۳. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۱۹۸، ۱۳۶۰/۶/۱.
۴. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۲۷۹، ۱۳۶۱/۱۱/۲۶.
۵. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۲۹۱، ۱۳۶۲/۲/۱۸.
۶. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۳۱۸، ۱۳۶۲/۸/۲۱.
۷. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۵۶۳، ۱۳۶۵/۹/۶.

مشکلات ارتباطی در زیر بمباران را حل‌وفصل کند. کارکنان مخابرات پالایشگاه ابادان با خطرپذیری به اتصال تلفنی ساختمان‌های اصلی دست زدند. حسین صفاری، سرپرست کابل در پالایشگاه آبادان که عضو ستاد مخابرات پایشگاه نیز بود، از سوی سرهنگ وحید، رئیس شهربانی کل کشور، مورد تشویق قرار گرفت.[۱]

وضعیت آبادان و مناطق نفت‌خیز در شروع جنگ

پس از شروع جنگ تحمیلی، حل‌وفصل مشکلات کارکنان پالایشگاه آبادان بر عهده یک کارگروه (کمیته) که به همین منظور تشکیل شده بود، گرفت. هیئت‌مدیره مبلغی را به‌عنوان حداقل پرداختی تا مشخص شدن محل کار سازمانی هریک تصویب کرد.[۲] تعداد زیادی از کارکنان در خرمشهر و آبادان تا مدت طولانی بلاتکلیف بودند. بخشنامه شماره ۴۵۷ سازمان تأمین اجتماعی، مبنی بر حداکثر ۵ سال افزایش ارفاقی، مشوق کارکنان به بازنشستگی شد. تیرماه سال ۱۳۶۰ تعداد ۱۷۴۱ نفر از کارگران پالایشگاه آبادان تقاضای بازنشستگی قبل از موعد کردند. بسیاری از آنان از آبادان به شهرهای شیراز، اصفهان، شاهین‌شهر، کرج و تهران مهاجرت کردند. برخی از مهاجران در شغل‌های جدید مشغول کار شدند و زندگی جدیدی را شروع کردند. در مقابل تقاضاهای زیاد استعفای کارکنان، شرکت نفت تصمیم گرفت با درخواست بازنشستگی بر اساس طرح امانی تا اطلاع ثانوی موافقت نشود.[۳] در همان زمان، تعدادی از کارکنان در آبادان باقی ماندند و زیر آتش دشمن و در محوطه خطرناک پالایشگاه آبادان و مناطق نفت‌خیز کار می‌کردند.

پایان کفالت سادات

سیدحسن سادات حدود یازده ماه سرپرستی وزارت نفت را بر عهده داشت. پس از آنکه سیدمحمد غرضی به وزارت برگزیده شد، امور وزارتخانه را تحویل وزیر جدید داد. خودش می‌گوید:

> دکتر باهنر کابینه خود را به مجلس معرفی کرده بود، اما وزیر پیشنهادی قبل از رأی اعتماد مجلس با چند تن رهسپار کنفرانس اوپک شده بود... از آنجا که با عزیمت وزیر پیشنهادی به خارج از کشور وضع مدیریت وزارت نفت نامشخص بود، در نامه‌ای کوتاه و فوری درمورد مدیریت وزارت نفت استفسار کردم. شهید باهنر نیز به‌سرعت پاسخ داد که تا بازگشت وزیر پیشنهادی به اداره وزارت ادامه دهم. وزیر جدید تا چند روز پس از بازگشت از اوپک به وزارت نفت نیامد. بالاخره روزی که طبق اطلاع به ساختمان شرکت

۱. نشریه پیک نفت، تیر ۱۳۶۰، شماره ۱۱۵، ص ۳.
۲. تاریخ شفاهی وزرای نفت (سیدحسن سادات)، ص ۲۳۴.
۳. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۱۸۹، ۱۳۶۰/۴/۷.

ملی نفت ایران در خیابان طالقانی می‌آمد، به آنجا رفته و مدیران شرکت ملی نفت را به وی معرفی کردم. مهندس غرضی مسلح به وزارت نفت آمده بود!... از زمان حضور مهندس غرضی در وزارت نفت طبعاً کارکفالت متوقف شد، اما کار معاونت گاز را تا معرفی معاون جدید در امور گاز ادامه دادم.[۱]

غرضی، انقلابی کهنه‌کار

در سال ۱۳۲۰ در اصفهان زاده شد و در ۱۳۴۰ به دانشکده فنی دانشگاه تهران راه یافت و شش سال بعد، در رشته الکترومکانیک با درجه کارشناسی ارشد فارغ‌التحصیل شد. دانشکده فنی دانشگاه تهران مرکزی برای برآمدن انقلابیونی بود که ایدئولوژی و مکاتب را تفسیری جدید می‌کردند. محمد غرضی پس از فارغ‌التحصیلی به کار در شرکت‌ها و صنایع مختلف همچون شرکت سیمان تهران مشغول شد و هم‌زمان، با گروه‌های انقلابی ارتباطی نزدیک داشت. در سال ۱۳۵۵ برای آموزش‌های چریکی و ارتباط با رهبر انقلاب به خارج رفت و در نجف اشرف بارها از محضر آیت‌الله خمینی بهره جست و در فلسطین و لبنان نبرد چریکی آموخت. انقلاب که پیروز شد در کردستان و خوزستان مسئولیت‌های مختلف به عهده گرفت و در نهایت، از اصفهان به مجلس شورای اسلامی راه یافت. اعتبارنامه محمد غرضی از اصفهان در مجلس شورای اسلامی در روز ۲۱ مرداد ۱۳۶۰ تصویب شد.[۲] یک روز بعد، در ۲۲ مرداد نام غرضی در اعضای کابینه‌ای که دکتر باهنر، نخست‌وزیر، به مجلس معرفی کرد، دیده شد.[۳]

بعد از دوره استانداری، به اصفهان رفتم و به‌عنوان نماینده مردم اصفهان وارد مجلس شورا شدم. گویا شهید رجایی که رئیس‌جمهور شده بود، گفته بود: «به هرکس می‌گوییم به وزارت نفت برو، می‌گوید نفت بو می‌دهد.» و از این قبیل حرف‌ها. بعد، به‌نحوی از من خواستند که به وزارت نفت بروم. احمد آقا گفتند: «ما به رجایی گفتیم اگر کسی حاضر نمی‌شود این مسئولیت را بپذیرد، غرضی می‌پذیرد و به وزارت نفت می‌رود.» بعد از من پرسید: «آیا تو حاضری و قبول می‌کنی؟» گفتم بله، قبول می‌کنم. موقعی که به مجلس معرفی شدم، در مجلس هم رأی خیلی خوبی آوردم. به‌این‌ترتیب، در زمان ریاست جمهوری مرحوم رجایی به سمت وزیر نفت منصوب شدم.[۴]

---

۱. تاریخ شفاهی وزرای نفت (سیدحسن سادات)، صص ۲۸۷-۲۸۸.

۲. مذاکرات مجلس شورای اسلامی، جلسه ۱۹۶، چهارشنبه ۲۱ مرداد ۱۳۶۰، تارنمای www.ical.ir

۳. مذاکرات مجلس شورای اسلامی، جلسه ۱۹۷، پنج‌شنبه ۲۲ مرداد ۱۳۶۰، تارنمای www.ical.ir

۴. تاریخ شفاهی وزاری نفت ایران (سیدمحمد غرضی)، تهران: روابط‌عمومی وزارت نفت، ۱۳۹۸، ص ۴۱.

در ۲۶ مرداد ۱۳۶۰ و در کابینه باهنر، با ۱۵۵ رأی موافق مجلس شورای اسلامی، وزیر نفت شد و به طبقه پانزدهم ساختمان وزارت نفت راه یافت. ۴ سال وزارت مهندس غرضی (۱۳۶۰ تا ۱۳۶۴) بر صنعت نفت، همراه با تغییرات و تحولات بسیار بود. شاید توصیف مهندس آیت‌اللهی مناسب باشد که گفت: «در واقع او [غرضی] یک انقلابی خوب بود و تیم انقلابی خودش را هم آورده بود.»

یک انقلابی تندوتیز با اهداف مشخص چهره‌ای است که از غرضی در جامعه نفتی تصویر شده است. همچنین، به دلیل رخدادهایی که در سال‌های ۱۳۶۰ و ۱۳۶۲ (اردیبهشت) در هیئت‌های بدوی بازسازی نیروی انسانی به وقوع پیوست و به جدایی بخشی از کارکنان انجامید، او را مسئول دانسته‌اند. بدین خاطر است که هم‌زمان با نام غرضی، واژه پاکسازی را نیز به کار می‌برند. ازنظر نگارنده، چندوچون ماجرا بدین شدت و حدت نبود که همه‌چیز به غرضی منتهی گردد. دور اول پاکسازی به دستور شورای انقلاب و در سال ۱۳۵۸ انجام شد. دور دوم، به‌صورت لایحه در مجلس شورای اسلامی مورد بحث و گفتگو قرار گرفت که اوج آن در فروردین ۱۳۶۰ بود، ولی به دلایل مختلف، مورد تصویب قرار نگرفت تا اینکه پس از وقوع انفجارها و هشدار مردم و مسئولین، بار دیگر در مجلس مطرح گردید و درنهایت در ۵ مهر ۱۳۶۰ قانون بازسازی نیروی انسانی به تصویب مجلس و شورای نگهبان رسید.[1] غرضی در دی‌ماه همان سال طی بخشنامه‌ای اجرای این قانون را اعلام کرد. در واقع، غرضی در تدوین این قانون نقشی نداشت و فقط مجری آن بود، ولی در حافظه کارکنان چنین ثبت گشته که او دست به تسویه و پاکسازی زد. چگونگی و شدت اجرای قانون و عدم رعایت انصاف ازجمله موارد اعتراضی و انتقادی است که از پیشکسوتان شنیده می‌شود. غرضی البته این موضوع را که در زمانه وزارتش بسیاری از کارکنان مورد پاکسازی قرار گرفتند رد می‌کند.

در کنار همه اینها، غرضی یک عملگرا بود و در توسعه واحدهای اکتشاف، استخراج و پالایش همت وافر از خود نشان داد. آن‌چنان که خود در مصاحبه‌اش که در پایین می‌آید در مقابل مسائل و اشخاص مواضع سختی نشان می‌داد. این مواضع سخت به تغییر او و آمدن آقازاده انجامید.

نخستین ماه‌های وزارت غرضی با صدور دستورالعمل‌ها و بخشنامه‌های جدید همراه بود. او با حضور در سمینارها، جلسات دانشجویی و مردمی و کنفرانس‌های مطبوعاتی مواضع خود را بیان می‌کرد. در کنار جذب نیروهای حزب‌اللهی، از کارشناسان سازمان‌های دولتی برای حضور در رده‌های مختلف وزارت نفت دعوت کرد. حضور او در

۱. مذاکرات مجلس شورای اسلامی، جلسه ۲۱۸، دوشنبه ۵ مهر ۱۳۶۰، تارنمای www.ical.ir.

جلسات هیئت‌مدیره مستمر نبود. موسی خیر و حسن خردمند بخش عمده‌ای از وظایف ستادی را سامان می‌دادند. هرچند صرفه‌جویی از اهداف غرضی به‌حساب می‌آمد، اما تلاشی برای حذف هزینه‌های ورزشی و اجتماعی نکرد و صرفاً اوضاع را سامان داد. به رفتار سازمانی و اضافه‌کاری کارکنان اداره مرکزی وزارتخانه حساس بود. درباره مواضع ماه‌های نخست غرضی باید از منابعی چون نشریه پیک نفت و روزنامه کیهان و اطلاعات بهره جست. او در یک کنفرانس مطبوعاتی گفت: «نفت یک سلاح سیاسی است.»[۱]

از اقدامات فوری که سیدمحمد غرضی با بخشنامه سراسری در ۷ شهریور ۱۳۶۰ عملی کرد، موضوع اضافه‌کاری کارکنان بود. او در بخشنامه تأکید کرد: «... حقوق، مزد و مزایا منحصراً در مقابل انجام وظیفه اداری محوله به کارکنان قابل پرداخت است. فوق‌العاده اضافه‌کاری منحصراً برای مدت محدود مجاز می‌باشد و اضافه‌کاری برای بیش از سه ماه منوط به اخذ مجوز وزیر است. حداکثر حقوق، دستمزد و فوق‌العاده ویژه و حق مقام به‌طور خالص نباید از دویست هزار ریال در ماه تجاوز نماید.»[۲]

غرضی، در اول بهمن ۱۳۶۰ موسی خیّر را به‌عنوان قائم‌مقام و نماینده تام‌الاختیار در تمامی شرکت‌ها و عبدالکریم خادمی را به سمت مدیر خدمات شرکت ملی گاز منصوب کرد.[۳] ۲۴ بهمن ۱۳۶۱ نخستین حضور او در جلسه هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت بود. در این جلسه، کوفجان، تولایی، بوترابی، کدیور، خردمند، وزیری، عندلیب، هنردوست، کلهر و علیزاده حضور داشتند و با خرید نفتکش ۵۰ هزارتنی Paraskevi C به مبلغ ۷ میلیون دلار (۱۶۰ میلیون تومان) موافقت کردند.[۴] عدم حضور در جلسات به این دلیل نبود که او. به مسائل نفتی تسلط نداشت و یا اینکه سیاست را بر مدیریت ترجیح می‌داد، بلکه غرضی تمامی تلاش خود را بر اجرای بازسازی و نوسازی پالایشگاه‌ها و میادین نفتی، حضور در مراکز نفتی و البته شرکت در جلسات اوپک و گفتگو با نمایندگان مجلس معطوف کرده بود.

غرضی در طول چهار سال وزارت خود، تحت تأثیر فضای زمانه و مشاوره بدنه کارشناسی، به اقدامات گوناگونی دست زد، ازجمله: همکاری با صنعت نفت لیبی؛ خرید دکل حفاری دریایی؛ تأسیس پتروشیمی اراک؛ مقدمات تأسیس پالایشگاه در اراک و بندرعباس؛ مقدمات خرید کشتی‌های نفتکش؛ کوچک‌تر کردن دفتر کالا در لندن؛ راه‌اندازی طرح خودکفایی؛

۱. پیک نفت، شماره ۱۲۵، ۱۴ شهریور ۱۳۶۰.
۲. پیک نفت، شماره ۱۲۵، ۱۴ شهریور ۱۳۶۰.
۳. پیک نفت، شماره ۱۴۶، بهمن ۱۳۶۰، ص ۳.
۴. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۲۷۸، ۱۳۶۱/۱۱/۲۴.

جذب نیروی حزب‌اللهی و دعوت کارشناسان از سازمان‌های دیگر؛ بازسازی نیروی انسانی (پاکسازی) و تأسیس کمیسیون تخلفات اداری؛ سرعت بخشیدن به شبکه‌گذاری گاز خانگی؛ توسعه مجتمع تقطیر لاوان؛ سرعت بخشیدن به اکتشاف در خلیج‌فارس؛ انجام مطالعه برای خرید پالایشگاه از خارج، راه‌اندازی پروژه نار و کنگان، شتاب بخشیدن به روند آموزش در تمامی واحدهای صنعت نفت. تک‌تک موارد ذکرشده در بخش‌های موضوعی اکتشاف، پالایش، پتروشیمی و گاز به تفصیل شرح داده می‌شود.

ستاد خودکفایی

واژه «خودکفایی» در پی بحران‌های اقتصادی ـ سیاسی پس از انقلاب و به‌ویژه در زمانه جنگ رواج یافت و در سازمان‌ها و نهادهای کشوری عملیاتی گردید. مبنای تئوریک آن، استقلال در صنعت و اقتصاد بود که ریشه در اندیشه انقلابی داشت. نیم‌نگاهی نیز به تعارض بین‌المللی با شرکت‌های چند ملیتی در آن دیده می‌شد. انقلابیون آرزو داشتند وابستگی کشور به صنایع و محصولات و دانش خارجی را کاهش دهند که از روح ملی‌گرایی نشأت می‌گرفت. برخی تحلیلگران رواج این اندیشه را نتیجه جبری تحریم‌های (تعارض) بین‌المللی قلمداد کردند. از هر زاویه که بدان نگاه کنیم، نمی‌توان منکر جوشش‌ها و تلاش‌های صادقانه جوانان، دانش‌آموختگان، کارگران ماهر و صاحبان پیشه‌های خرد و کلان شویم.

این راهبرد به هنگام تصدی غرضی بر وزارت نفت در این صنعت شتاب گرفت. در جلسات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت، اصل خودکفایی محور اصلی گفتگوهای حاضران بود و غرضی بیش از همه بر این موضوع تأکید داشت. در یکی از جلسات، سیدحسن خردمند جمله‌ای از او به این مضمون نقل کرد:

«مقدار سرمایه‌گذاری در مقابل کار و خرید تکنولوژی آری، ولی نه در مقابل فروش حاکمیت سیاسی.»[1]

در جلسه روز هفتم اسفند ۱۳۶۲ با حضور غرضی، قرار شد ستادی به نام «ستاد خودکفایی» زیر نظر مدیرعامل شرکت ملی نفت تشکیل شود.[2] متأسفانه از این ستاد اطلاعات چندانی در دست نیست. در ۱۴ بهمن ۱۳۶۳ مدیران تصمیم گرفتند برای خودکفایی در کارهای تعمیراتی صنعت نفت، کارگاهی به نام «کارگاه خودکفایی شهید صادقی» زیر نظر رئیس پالایشگاه تهران ایجاد شود. اقدامات لازم برای فعال‌کردن این

۱. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه فوق‌العاده، ۱۳۶۰/۷/۸.

۲. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۳۴۲، ۱۳۶۲/۱۲/۷.

کارگاه بـر عهـده رئیـس پالایشـگاه تهـران و تدویـن سـازمان کارگاه بـر عهـده امـور سـازمانی قـرار گرفت.[۱] رکن‌الدیـن جـوادی کـه سـال‌ها بعـد مدیرعامـل شـرکت ملـی نفـت ایـران شـد، روایتـی از تشـکیل ایـن سـتاد در کتـاب گاز انـرژی پـاک ارائـه داد کـه انطبـاق آن بـا اسـناد آرشـیوی بـه عهـده خواننـده محتـرم اسـت. او گفـت:

سـال ۱۳۶۳، کشـور مـا درگیـر جنـگ تحمیلـی بـود. زمانـی کـه از جبهـه برگشـتم، مجـدداً در شـرکت نفـت مشـغول شـدم. در آن زمـان، آقـای مهنـدس غرضـی وزیـر نفـت بـود. مـن طـرح تأسـیس سـتاد خودکفایـی شـرکت ملـی نفـت ایـران را تنظیـم و خدمـت ایشـان بـردم. مهنـدس غرضـی طـرح را تأییـد کـرد و بعـد، طـی یـک جلسـه بـا مسـئولین ارشـدتر دولـت ایـن طـرح مـورد اسـتقبال و حمایـت قـرار گرفـت... سـرانجام توانسـتیم اولیـن شـیرهای نفتـی و فلنـج نفتـی (اتصال‌دهنـده) را در سـال ۱۳۶۴ تولیـد کنیـم. دانـش فنـی تجهیـزات را نیـز از کارخانـه‌ای در بوسـنی و هرزگویـن گرفتیـم... مـن در سـال ۱۳۶۷ بـه هرمـزگان رفتـم و بـا کمـک مشـاوران داخلـی طراحـی پالایشـگاه را شـروع کـردم. سـاخت پالایشـگاه را به‌طـور کامـل بـه سـازندگان و پیمانـکاران اجرایـی داخلـی سـپردیم... بـه دلیـل همیـن عملکـرد در سـال ۱۳۶۸ آقایـان جراحـی و آقـازاده از مـن دعـوت کردنـد کـه مسـئولیت مدیریـت مهندسـی و سـاختمان شـرکت ملـی گاز را بپذیـرم.[۲]

طـرح خودکفایـی فرصت‌هـای جدیـدی بـرای ظهـور و بـروز سـازندگان داخلـی فراهـم کـرد. برخـی از جوانـان انقلابـی و دانش‌آموختـگان و حتـی پیشکسـوتان صنعـت نفـت از فرصـت پیش‌آمـده بهـره جسـتند و در اهـواز، شـیراز، تهـران و اراک کارگاه‌هـای کوچـک و بـزرگ را راه‌انـدازی کردنـد. اگـر از منظـر تاریخـی ایـن پدیـده را بررسـی کنیـم، بـه ا یـن دیـدگاه خواهیـم رسـید کـه فـراز و فـرود تولیـد داخلـی تحـت تأثیـر تحریـم، سیاسـت خارجـی و اقدامـات کنشـگران داخلـی بـوده اسـت. بیـش از سـه دهـه بعـد، اقتصـاد مقاومتـی، جهـش تولیـد و تأسـیس شـرکت‌های دانش‌بنیـان اسـاس شـعارهای چنـد سـال پیاپـی قـرار گرفـت..

هیئت‌های بدوی؛ بازسازی نیروی انسانی

در اردیبهشـت ۱۳۶۲، هیئت‌هـای بـدوی بازسـازی نیـروی انسـانی دوبـاره شـروع بـه کار کردنـد و جنب‌وجوشـی در بیـن کارکنـان پدیـد آمد.ذکـر ایـن نکتـه ضـروری اسـت کـه واژه بازسـازی را نخسـتین بـار، حسـن نزیـه در اردیبهشـت ۱۳۵۸ در چهارمیـن جلسـه هیئت‌مدیـره

۱. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۴۰۳، ۱۳۶۳/۱۱/۱۴.

۲. گاز انرژی پاک...، ص ۲۹۴.

شرکت ملی نفت به کار برد و گفت: «بهتر است بگوییم بازسازی، چون پاکسازی مترادف با انواع اتهام است.»

با آغاز به کار مجدد این هیئت‌ها، برای برخی از کارکنان به‌جامانده از دوره قبل از انقلاب نگرانی جدیدی به وجود آمد که شاید این بار نوبت آنان است، اما چنین نبود. بلکه شاکیان پاکسازی‌شده می‌توانستند با ارائه اسناد و مدارک از خود دفاع کنند. متن اطلاعیه به شرح ذیل بود:

به اطلاع کارکنان وزارت نفت، منطقه جنوب، حوزه هیئت‌های بدوی بازسازی نیروی انسانی شماره ۸ (اهواز ـ مسجدسلیمان ـ گچساران) و شماره ۹ (آبادان) و شماره ۱۰ (آغاجاری) و شماره ۱۱ (ماهشهر) و شماره ۱۴ (خارگ) می‌رساند که باتوجه‌به مصوبه مورخ ۱۳۶۰/۷/۵ مجلس شورای اسلامی، قانون بازسازی نیروی انسانی وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی وابسته به دولت، هیئت تجدیدنظر وزارت نفت شماره ۲ (جنوب) به لطف خداوند متعال شروع کار خود را اعلام می‌دارد. از کارکنان محترم تقاضا دارد که به نکات ذیل توجه مبذول دارند:

الف. این هیئت به کلیه احکام قابل پژوهش (بند ۸ الی ۱۱ ماده ۲۹) صادره هیئت‌های بدوی فوق‌الذکر رسیدگی می‌نماید. بدیهی است چنانچه تقاضای متهمین در موعد مقرر باشد، رسیدگی می‌شود و در غیر این صورت، بر طبق ماده ۴۷ قانون بازسازی رأی هیئت بدوی مربوطه قطعی و لازم‌الاجراست؛ ب. امور اداری واحدهای مختلف مؤظفند تقاضای قابل پژوهش متهمین واجد شرایط در ماده ۴۷ قانون بازسازی را به این هیئت جهت رسیدگی ارسال نماید؛ ج. به تقاضای آن دسته از متهمینی که تاکنون توسط هیئت تجدیدنظر مستقر در تهران (شماره ۱) رسیدگی نشده و حکم قطعی دریافت نکرده‌اند، رسیدگی خواهد شد. احضار متهمین جهت رسیدگی به پرونده آنها از طریق امور اداری مربوطه خواهد بود.[1]

آمار دقیقی از شمار کارکنان پاکسازی‌شده در صنعت نفت در دست نیست، اما برحسب گفته‌ها و شنیده‌ها نزدیک به ۳ هزار نفر در شرکت‌های اصلی نفت بودند. شنیده‌ها حکایت از رقم بالاتر دارد. خاطرنشان می‌سازد مجموعه اتهامات وارده به این کارکنان بسیار متنوع و گسترده بود. همکاری با ساواک در دوره پیش از انقلاب، بهایی‌گری، عضویت و یا همکاری با باشگاه‌های لاینز و فراماسونری، همکاری با سازمان‌های دولتی پیش از انقلاب مانند شهربانی و مرزبانی و نیروی دریایی، فعالیت‌های تبلیغی در پیش از انقلاب، عضویت و یا هواداری از گروه‌های مارکسیستی و مجاهدین خلق و اتهاماتی در

۱. پیک نفت، شماره ۱۸۰، تیر ۱۳۶۲، ص ۹

حوزه مسائل رفتاری از لاابالی‌گری، برگزاری پارتی‌های مختلط، گرفتن حق حساب از پیمانکاران از جمله اتهامات این افراد بود. همچنین، در آغاز جنگ و وقایع پیش‌آمده در صنعت نفت، شماری نیز به اختیار خود از صنعت نفت خارج شدند. آنان یا جذب شرکت‌های خصوصی شدند و یا برای خود کسب‌وکاری بر پا ساختند. بر حسب چند خبر از مصاحبه‌شونده‌ها در سال ۱۳۹۴، شمار پرونده‌های هیئت‌های بدوی نزدیک به ۱۵۰۰ فقره بود.

بعد از هیئت‌های بدوی، کمیسیون رسیدگی به تخلفات اداری شروع به کار کرد. در سال ۱۳۶۴، فهرستی از اقدامات کمیسیون به آگاهی کارکنان رسید. بی‌حجابی، سوءاستفاده از بیت‌المال، سوءاستفاده غیرمجاز از امکانات و تجهیزات بیت‌المال (مانند خودرو وزارت نفت و شرکت‌های تابعه) از موضوعاتی بودند که کمیسیون به آن می‌پرداخت. متخلفین را احضار و ضمن تفهیم اتهام و سؤال و جواب، بعد از تشکیل پرونده، آنان را به کمیسیون ارجاع می‌دادند. در یک آگهی در نشریه پیک نفت، آمار پرونده‌ها ذکر شده و ۲۱ تخلف در آن مشاهده می‌شود: اقدام به اعمال خلاف شئون شغلی؛ تمرد از اجرای قانون؛ دادن گزارش خلاف واقع؛ امتناع از دادن گزارش تخلف؛ توهین و تهدید نسبت به همکاران؛ ایراد ضرب و شتم؛ دخل و تصرف غیرمجاز در بیت‌المال؛ارتشاء؛ تهمت و افتر و شهادت کذب؛ حضور و غیاب نامرتب و ۱۱ مورد دیگر.[۱]

نتیجه اقدامات کمیسیون در اواخر شهریور ۱۳۶۴، قبل از آنکه محمد غرضی وزارت نفت را ترک کند، بدین شرح بود: اخراج: ۷ نفر؛ انفصال موقت: ۹ نفر؛ کسر حقوق: ۱۶ نفر؛ تعلیق: ۵۶ نفر. همچنین، در گزارش کمیسیون آمده است که به ۱۲۴ پرونده رسیدگی شده است. درمجموع، ۱۰۶ حکم صادر شد و ۲ نفر تبرئه شدند. این اخبار در جامعه صد هزار نفری صنعت نفت، گاز و پتروشیمی ایران مورد نقد و بررسی قرار گرفت و هم‌زمان با ورود آقازاده این اقدامات کاهش یافت.

در پایان وزارت سیدمحمد غرضی در مهر ۱۳۶۴، جمعیت وزارت نفت، اعم از شرکت ملی نفت، گاز، پتروشیمی و پالایش بالغ بر یکصد هزار نفر بود.[۲]

بخشنامه پوشش

زمستان ۱۳۶۱ بخشنامه‌ای سراسری بر روی تابلوهای وزارت نفت و شرکت‌های تابعه نصب شد که بر پوشش کارکنان تأکید داشت. بخشنامه به امضای حسنعلی نجیب‌زادگان

۱. پیک نفت، شماره ۲۰۴، مهر ۱۳۶۴، ص ۱۲.
۲. پیک نفت، شماره ۲۰۴، مهر ۱۳۶۴، ص ۲۲.

بود: «... ملاک پذیرش بانوان محترم عضو و میهمان را به اطلاع عموم می‌رساند. ۱. چادر مشکی یا لباس بلند آزاد و شلوار و جوراب ضخیم؛ ۲. روسری بزرگ و ضخیم یا مقنعه که موی گردن و سینه را کاملاً بپوساند؛ ۳. ساده و بدون آرایش. قبلاً از همکاری کلیه اعضا و برادران و خواهران متعهد و مؤمن به اسلام و انقلاب تقدیر می‌نماید.»[۱]

در اطلاعیه‌های بعدی، تأکید شده بود که اگر کارکنان و یا مراجعه‌کنندگان این موارد را رعایت نکنند، از حضور آنها به واحدهای مختلف وزارتخانه جلوگیری خواهد شد.

حفاری

هنگامی‌که محمد غرضی سکان هدایت وزارت را در دست گرفت، راه‌اندازی اولیه و تقویت سیاسی شرکت ملی حفاری را از اهداف اولیه خود قرار داد. این شرکت کار خود را با ۶ دکل حفاری همچون دکل‌های ۱۵، ۱۶ و ۱۷ قدر آغاز کرد[۲] و با وجود محدودیت‌های اقتصادی و سیاسی، نزدیک به ۵۰ میلیون دلار سرمایه‌گذاری در شرکت ملی حفاری صورت گرفت.[۳]

غرضی که آمد، محمود شریفیان چندی بود که مدیریت شرکت ملی حفاری را برعهده گرفته بود. او که فردی توسعه‌گرا و آگاه از فناوری‌های روز بود، روند تعمیر دکل‌های مانده از قبل انقلاب را شدت بخشید و ناوگان حفاری را به استانداردهای بین‌المللی نزدیک کرد. شریفیان، به‌سرعت رابطه با استانداری و مناطق نفت‌خیز جنوب را بهبود بخشید و از طریق تعامل هرچه بیشتر با کارکنان، انگیزه‌های درونی آن‌ها را دوچندان کرد. البته در آن زمان، شیوه مدیریت شرکت ملی حفاری به‌گونه‌ای بود که مدیر نمی‌توانست بیش از حد آمرانه سخن بگوید یا تصمیمات فردی اتخاذ کند. فضای این شرکت، فضایی کارگری ـ مهندسی بود که در آن، همگان باید نقشه راه را می‌دانستند و اهداف مدیران را در جلسات خصوصی نقد و بررسی می‌کردند. در برخی موارد نیز، متأثر از فضای انقلاب، کارکنان پایین‌دستی به اتخاذ تصمیم می‌پرداختند، زیرا شور و شعور و تجربه، توأمان به کمک بازسازی کشور آمده و گفتگوهای روزانه درباره جزئی‌ترین مسائل در بین کارکنان امری ساده و بدیهی بود. شریفیان که تا تیرماه ۱۳۶۶ مدیریت شرکت را بر عهده داشت، در دوره ۶ ساله مدیریتش، با استمرار بخشیدن به چنین فضایی

۱. پیک نفت، شماره ۱۷۶، بهمن ۱۳۶۱.

۲. مصاحبه با محمد عالمی، پروژه تاریخ نفت ایران، مهر ۱۳۹۵.، دکل‌های دیگر پس از شروع جنگ توسط عراقی‌ها دزدیده شده بودند

۳. ویژه‌نامه تأسیس شرکت ملی حفاری نشریه مشعل، ۱۳۹۱

توانست شکلی دلپذیر از مدیریت مشارکتی را به منصه ظهور برساند.

تثبیت شرکت، اخذ قراردادهای اجرایی، شروع اقتدار شرکت ملی حفاری، رابطه ثمربخش با استانداری خوزستان و ستاد وزارت نفت، برنامه‌ریزی پروژه‌های حفاری دریایی با بازسازی دستگاه حفاری شهید مدرس و افتتاح دستگاه شهید رجایی و از همه مهم‌تر تنظیم برنامه‌های آموزشی و تربیت نیروی انسانی از طریق تأسیس آموزشگاه تکنولوژی حفاری، مهم‌ترین دستاوردهای شریفیان طی سال‌های خدمت در شرکت ملی حفاری بود. ضمن اینکه در کنار شریفیان، باید از حضور کارشناسان خبره‌ای نظیر آقایی، جوادیان و برادران یاد کرد که در کنار او از هیچ تلاشی فروگذار نکردند.[۱]

خرید دکل حفاری دریایی

برداشت روزافزون همسایگان ایران از میدان‌های مشترک نفتی، نگرانی مسئولان و مدیران نفتی را به دنبال داشت و ضرورت افزایش تولید از میادین مشترک دریایی، استمرار تولید و انجام عملیات اکتشافی جدید و توسعه‌ای در حوزه خلیج‌فارس و دریای عمان، برای همگان به راهبردی مهم بدل شده بود که برای دستیابی به آن، هدف داشتن دکل دریایی حفاری و عملیات اکتشافی، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسد.

در اول خرداد سال ۱۳۶۲ شرکت ملی نفت با خرید دکل حفاری دریایی توسط شرکت نفت فلات قاره موافقت کرد.[۲] و در ۱۷ خرداد، حسن حُسن، ناصر شاملو تهرانی، محمد کشاورز، سهراب خلیلی از شرکت نفت فلات قاره، فخرایی، هاروت، محمدی، جیوا از شرکت ملی حفاری و سید عبدالحسین میرفخرایی از امور بازرگانی مأمور خرید دکل حفاری دریایی شدند.[۳]

محمد آقایی که در همان زمان به مدیریت شرکت نفت فلات قاره منصوب شده بود، سرپرستی این گروه را بر عهده داشت. کارشناسان گروه چند دستگاه حفاری را از نزدیک بازبینی کردند. پس از مطالعه و بررسی‌های لازم، درنهایت ۳ دستگاه را مناسب تشخیص دادند. رایزنی‌های مختلف، دکل حفاری ساخت شرکت ژاپنی هیتاچی زوزن[۴] که «دکل شهید رجایی» نامیده شد، مورد تأیید قرار گرفت و قرارداد خرید آن به مبلغ ۸/۸ میلیارد ین تنظیم و در ۱۹ اردیبهشت ۱۳۶۳ به تأیید شرکت ملی نفت رسید و محمد آقایی

۱. مصاحبه با محمد عالمی،پروژه تاریخ نفت ایران، مهر ۱۳۹۵

۲. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۲۹۳، ۱۳۶۲/۳/۱.

۳. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۲۹۵، ۱۳۶۲/۳/۱۷.

Hitachi Zosen.۴

به عنوان سرپرست هیئت خرید، این قرارداد را امضا کرد و از شرکت ملی حفاری هم خواسته شد تا نیروی انسانی لازم برای استفاده از دستگاه را تأمین و اقدامات لازم برای آموزش آن‌ها را انجام دهد.[۱] الحاقیه قرارداد و موافقت‌نامه‌های نهایی خرید دکل نیز در ۲۵ آذر تأیید شد.[۲]

دکل شهید رجایی در حوزه نفتی نصرت در خلیج‌فارس نصب و با حضور موسوی، نخست‌وزیر، در ۱۲ فروردین ۱۳۶۴ افتتاح شد. داده‌های زمین‌شناسی، در اولین حفاری‌ها، خوشحالی کارشناسان اکتشاف را به همراه آورد و تسلط ایران بر ذخایر نفت و گاز یک پله افزایش یافت، اما دشمن درصدد نابودی تأسیسات نفتی ایران بود. با اوج‌گیری حملات دشمن به تأسیسات دریایی خلیج‌فارس، شرکت ملی - حفاری، عملیات حفاری-دریایی خود را تعطیل و دستگاه حفاری شهید رجایی را از سرویس خارج کرد.[۳] شرکت ملی نفت از شرکت ملی حفاری خواست تا بررسی همه جانبه‌ای برای استفاده موقت از دکل‌های حفاری مدرس و رجایی در خارج از کشور به عمل آورد و نتیجه را گزارش دهد.[۴] دو سال بعد به شرکت ملی حفاری اجازه داده شد تا نسبت به اجاره دادن دستگاه‌های حفاری مدرس و رجایی اقدام کند.[۵]

آموزش در حفاری، فلات قاره، سیستم‌های مالی[۶]

آموزشگاه تکنولوژی حفاری که در سال ۱۳۵۲ تأسیس شده بود، توسط دو شرکت امریکایی سدکو و سدیران به وجود آمد. پس از انقلاب، مدتی فعالیت خود را از سر گرفت و با شروع جنگ متوقف گردید. در سال ۱۳۶۲ضرورت بازگشایی آن موردتوجه قرار گرفت و اولین سری از دوره‌های آموزشی آغاز شد. دوره‌های زبان انگلیسی، گل‌شناسی، مکانیک، برق و حفاری در این سال برگزار گردید. در سال ۱۳۶۴، آموزش به سه دسته: ضمن‌خدمت، بین‌المللی و کارآموزان جدیدالاستخدام تقسیم‌بندی شد. موضوعات آموزشی سه بخش مورداشاره در نیمه دهه ۱۳۶۰ یکسان بود: خدمات سیمانکاری، عملیات حفاری، بازرس لوله، مهندسی گل، کنترل فوران، مانده‌یابی و مغزه‌گیری.

---

۱. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۳۵۷، ۱۳۶۳/۲/۱۹.
۲. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۳۹۵، ۱۳۶۳/۹/۲۵.
۳. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۵۶۵، ۱۳۶۵/۹/۱۳.
۴. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۵۸۶، ۱۳۶۵/۱۲/۹.
۵. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۶۶۵، ۱۳۶۷/۴/۱۱.
٦. پیک نفت، شماره ۲۰۴، مهر ۱۳۶۵.

آموزش حسابداری و سیستم‌های مالی نیز در دستور کار وزارت نفت قرار گرفت. نخستین دوره، با حضور صد تن از کارکنان در شهریور ۱۳۶۳ آغاز شد و تا شهریور ۱۳۶۴ سه دوره برگزار گردید. این دوره‌ها زیر نظر مرکز آموزش علوم اداری، مالی و بازرگانی شرکت ملی نفت انجام می‌شد.

هم‌زمان، اولین دوره آموزش ناخدایی در شرکت نفت فلات قاره از فروردین ۱۳۶۲ آغاز شد و سومین دوره آن در شهریور ۱۳۶۴ پایان یافت. نخستین دوره، با حضور هشت نفر در آموزشگاه ناخدایی جزیره سیری و زیرنظر ناخدا محمدحسین سلیم‌زاده، رئیس عملیات دریایی سیری، و با همکاری ناخدا سیاوش بختیاری، رئیس عملیات دریایی لاوان، برگزار شد. در پایان دوره، شش نفر موفق به دریافت مدرک افسر رهنما شدند؛ علیرضا شهبازی‌نژاد دوانی، علی سکوندنژاد، ابوالقاسم خوش‌نظر کردستانی، کیوان بهادرانی، شاپور کوهستانی، علی همتی.

در سال ۱۳۶۴ وزارت نفت دوره آموزشی فرماندهی شناورهای ساحلی برگزار کرد تا وابستگی این وزارت به خدمات دریایی بیگانه را کاهش دهد. دوره‌های آموزشی در جزیره سیری در خلیج‌فارس و شهر محمودآباد در ساحل دریای مازندران برگزار شد. مرحله اول سی ماه بود. مرحله دوم شش ماه کارآموزی عملی روی شناورها و مرحله سوم دوازده ماه دروس تئوری و عملی در مرکز آموزش بود. اولین دوره فرماندهی در ۱۰ مهر ۱۳۶۴ آغاز شد.[۱] در پایان، به کارآموزان مدرک معادل کارشناسی علوم دریایی اعطا می‌شد. برگزاری دوره‌های آموزشی ناخدایی و فرماندهی شناورهای ساحلی نشان از توجه شرکت نفت فلات قاره به آموزش‌های دریایی و خودکفایی از نیاز به خارج داشت.

تصفیه در خارج

تأمین نفت تصفیه‌شده و فراورده‌های نفتی موردنیاز کشور از دغدغه‌های اصلی دولتمردان و مدیران شرکت نفت بود. بررسی‌های انجام شده نشان می‌دهد که کشور در سال ۱۳۶۰ با کمبود شدید روزانه ۹۸ هزار و ۴۰۰ بشکه نفت سفید و ۶۴ هزار و ۷۰۰ بشکه نفت‌گاز مواجه بود، مشکلی که به‌رغم مدیران، تنها با وارد کردن نفت سفید و در گام بعدی سهمیه‌بندی آن قابل حل بود.[۲] در این شرایط، دولت اعلام کرد برای جبران کمبود فراورده‌های نفت سفید و نفت‌گاز حدود ۱۱۰ میلیارد ریال بودجه پیش‌بینی شده،

۱. پیک نفت، فروردین و اردیبهشت ۱۳۶۴، شماره ۲۱۰، صص ۲۳-۲۴.
۲. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۱۸۲، ۱۳۶۰/۲/۲۰.

ولـی منوچهـر پارسـا، سرپرسـت برنامه‌ریـزی تلفیقـی شـرکت نفـت، در نامـه‌ای بـه مدیریـت شـرکت ملـی نفـت اعـلام کـرد باتوجه‌بـه بررسـی‌های انجـام شـده، علاوه‌برایـن، حداقـل ۲۸ میلیـارد و ۳۰۰ میلیـون ریـال بودجـه لازم اسـت.

فزونـی تقاضـا بـر عرضـه، کاهـش میـزان تصفیـه در داخـل و فراوانـی نفت‌خـام ارزان در بـازار جهانـی نفـت، همچنیـن مشـکل ارزی کشـور، دولـت را بـه اتخـاذ تصمیمـی تـازه ناگزیـر کـرد بـه ایـن صـورت کـه بخشـی از مایحتـاج کشـور را از طریـق تصفیـه نفت‌خـام ایـران در خـارج تأمیـن کنـد و به‌این‌ترتیـب، نخسـت‌وزیر بـا عقـد قـرارداد تصفیـه نفت‌خـام ایـران در خـارج و فـروش فراورده‌هـای مـازاد یـا تعویـض ایـن نـوع فراورده‌هـا بـا فراورده‌هـای میـان تقطیـر موافقـت کـرد کـه ایـن اولیـن تجربـه شـرکت ملـی نفـت در ایـن زمینـه بـود. پـس از ارزیابـی شـرکت‌های پیشـنهاد دهنـده، اعـلام شـد دو شـرکت گات اویـل و کاملـی بهتریـن بازیافتـی را دارنـد و شـرکت ملـی نفـت بـا امضـای قـرارداد بـا ایـن شـرکت‌ها موافقـت کـرد.[۱] در ۲۴ مـرداد نیـز بـا انعقـاد قـرارداد تصفیـه نفت‌خـام بـا شـرکت اسـپانیایی پترومـد و در ۱۵ آذر بـا عقـد قـرارداد بـا شـرکت رومانیایـی پتـرول اکسـپورت بـرای تصفیـه روزانـه ۳۰۰ هـزار بشـکه نفت‌خـام سـبک ایـران موافقـت شـد.[۲]

انحلال آیروس؛ تأسیس شرکت کالا

چنانکـه گفتیـم، شـرکت آیـروس در دوران نزیـه کوچـک شـد. در دوره معین‌فـر خلع‌یـد از ایـن شـرکت مـورد تصویـب قـرار گرفـت. سیدحسـن سـادات کـه عضـو کمیتـه خلع‌یـد بـود، می‌گویـد:

> مهنـدس معین‌فـر در جلسـه‌ای بـا حضـور مـن و مهنـدس بوشـهری ایـن موضـوع را به‌صـورت کلـی مطـرح کـرد. در ایـن جلسـه قـرار شـد از شـرکت آیـروس خلع‌یـد شـده و یـک شـرکت ایرانـی در لنـدن تأسـیس شـود کـه همـان وظایـف تأمیـن کالا و خدمـات آیـروس را انجـام دهـد... قـرار شـد هیئتـی از ایـران بـه لنـدن اعـزام شـود تـا مقدمـات تأسـیس شـرکت کالا و خلع‌یـد از آیـروس را انجـام دهـد. در آن زمـان، مدیـر ایرانـی شـرکت، عبـاس نژنـد و مدیـر انگلیسـی آن شـخصی بـه نـام پورتـر بـود.[۳]

هیئـت خلع‌یـد بـه لنـدن سـفر کـرد و بـا شـریک انگلیسـی بـه مذاکـره نشسـت. چنـدی بعـد، در ۱۷ سـپتامبر ۱۹۸۰ شـرکت کالا بـا مسـئولیت محـدود و بـر اسـاس قوانیـن مربـوط بـه

۱. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، ادامه جلسه ۱۹۵، ۱۳۶۰/۵/۹.
۲. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۲۱۳، ۶۰/۹/۱۵.
۳. تاریخ شفاهی ورزای نفت ایران (سیدحسن سادات)، ص ۱۴۳.

تأسیس شرکت‌ها ایجاد شد. مرکز شرکت در تهران قرار داشت، اما می‌توانست شعبه‌ها یا نمایندگی‌هایی برای اجرای عملیات خود در خارج و داخل کشور تأسیس کند. به گفته سادات، «روزنامه‌های لندن از این اقدام با عنوان «ملی کردن بی‌سروصدا» یاد کردند. تعبیر درستی بود، چون خیلی بی‌سروصدا شرکت آیروس را خلع و شرکت کالا را در لندن تأسیس کردیم.»[۱]

در ژوئیه ۱۹۸۱ طرفین به توافق رسیدند و پس از آن، با تصمیم شرکت ملی نفت، خدمات شرکت آیروس قطع و شرکت کالا جایگزین آن شد و سفارش‌هایی که به نام آیروس ثبت شده بود، بررسی و به شرکت کالا منتقل گردید. انجام عملیات بازرگانی، حمل‌ونقل، مطالعات مواد هیدروکربوری، مواد پتروشیمی و سایر مواد معدنی، تقاضای وام یا تهیه وجه برای خرید دستگاه‌ها و ماشین‌آلات و شریک شدن با هر شخص یا شرکت دیگر بر عهده شرکت کالا قرار گرفت.[۲] تا پایان سال ۱۳۶۰ تعداد قابل ملاحظه‌ای از ایرانیان در سطوح مختلف با مدیران انگلیسی جایگزین شدند.

۱۹ اردیبهشت ۱۳۶۱ مجمع عمومی شرکت کالا تشکیل و اعضای هیئت‌مدیره انتخاب شدند: حمید کریمی، رئیس هیئت‌مدیره، علی یوسفی، مدیرعامل و عضو اصلی هیئت‌مدیره، مرتضی نیک‌پور، سید محمود عامری، منصور صادقیان فیروزآبادی، اصغر ابراهیمی و قدرت‌الله کافی‌آبادی عضو اصلی هیئت‌مدیره.[۳] ۲۱ شهریور بار دیگر مجمع عمومی شرکت کالا تشکیل شد و اعضای منتخب هیئت‌مدیره عبارت بودند از: عباس هنرمند، رئیس هیئت‌مدیره، حمید کریمی حقیقی، نایبرئیس هیئت‌مدیره و مدیرعامل، سیدعلی پورجانکی، مدیر تدارکات، مرتضی نیک‌پور، مدیر امور اداری و مالی، قدرت‌الله کافی‌آبادی، عضو اصلی، علی صدیقی و سیدمحمد فرقانی عدنانی، عضو علی‌البدل. در این جلسه مدیران تصمیم گرفتند عملیات خرید از شرکت کالا را از اول فروردین ۱۳۶۲ آغاز کنند.[۴]

طرحی بلندپروازانه در انتقال نفت

وقوع جنگ تحمیلی صدور نفت‌خام بدون استفاده از پایانه‌های خلیج‌فارس به‌ویژه خارگ را در دستور کار دولتمردان کشور قرار داد. در این شرایط، دو گزینه پیش رو بود:

۱. تاریخ شفاهی ورزای نفت ایران (سیدحسن سادات)، ص ۱۴۸.
۲. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۱۹۶، ۱۳۶۰/۵/۱۸.
۳. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۲۳۴، ۱۳۶۱/۲/۱۹.
۴. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۲۳۴، ۱۳۶۱/۲/۱۹.

احداث خطلوله نفتخام از مناطق نفتخیز به ترکیه و دریای مدیترانه، یا استفاده از دریای عمان. شرکت ملی نفت ایران گزینه اول را اقتصادی تشخیص نداد. همچنین با تجربه‌های به‌دست‌آمده سال‌های اخیر در منطقه خاورمیانه، استفاده از خطلوله نفتخام یا ترانزیت گاز را تأیید نکرد.[۱] در ۱۲ آبان هیئت وزیران از وزارت نفت خواست هرچه سریع‌تر به احداث خطلوله انتقال نفت از جنوب غربی کشور به سواحل دریای عمان اقدام کند. نخست‌وزیر نیز در نامه‌ای به وزیر نفت، خواستار اقدام فوری در این زمینه شد. در سوم آذر، شرکت ملی نفت تصویب کرد که بودجه مطالعات، طراحی و مهندسی خطلوله انتقال نفت به سواحل دریای عمان در سال ۱۳۶۲ پیش‌بینی شود.[۲] انجام پروژه در ۲۶ دی به شرکت مناطق نفتخیز سپرده و این شرکت موظف شد سازمان طرح و اختیارات موردنیاز را بررسی و برای تصویب به هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ارائه کند.[۳]

این طرح کلی، بعدها به طرح محرم موسوم شد و مخالفت‌هایی از سوی غرضی، وزیر نفت، در پی داشت. خاطرنشان می‌سازد که طرح محرم نیز به‌صورتی ناقص اجرا شد و پس از جنگ، خطوط لوله آن به انتقال آب اختصاص یافت. سه دهه بعد، به دلیل تحریم‌ها طرحی که نخست‌وزیر در سال ۱۳۶۱ مطرح کرده بود، در شکل و شمایل دیگر مورد بحث قرار گرفت و اجرایی گردید. از سال ۱۳۹۵، خط لوله گوره ـ جاسک آغاز شد. درسی که می‌توان از تاریخ گرفت، آن است که در جغرافیای سیاسی ایران برخی از رویدادها و روندها تکرار می‌شوند، ولی واکنش‌ها متفاوت است. ازجمله این رویدادها، می‌توان به داستان پرتکرار تأسیس پالایشگاه اشاره کرد. رویدادهای دیگر همچون افزایش ناوگان دریایی، صادرات گاز و ... از این شمارند. یک پیشکسوت نفتی گفت: «ما در سال ۱۳۶۰ و ۱۳۶۱ به بزرگان مؤکداً می‌گفتیم باید پالایشگاه تأسیس کنیم و نفتمان را از جنوب شرقی کشور صادر کنیم، زیرا تحریم‌ها و فشارها حالا حالاها ما را رها نمی‌کنند.»

سرمایه‌گذاری در پالایشگاه مدرس

سرمایه‌گذاری در صنعت نفت هند، همیشه برای دولت ایران جذابیت داشته است. ضمن اینکه سیاست خارجی ایران از ده‌ها سال پیش، همواره بر پایه بهبود رابطه با

۱. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۲۵۳، ۱۳۶۱/۶/۷.
۲. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۲۶۵، ۱۳۶۱/۹//۳.
۳. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۲۷۳، ۱۳۶۱/۱۰/۲۶.

کشور هند استوار بوده است. در ادامه سرمایه‌گذاری‌های خارجی، در ۲۱ آذر ماه شرکت ملی نفت با سرمایه‌گذاری ۲۰ میلیون دلاری در پالایشگاه و کارخانه کود شیمیایی مدرس موافقت کرد.[۱] کمتر از یک سال بعد، شرکت نفت با اجرای طرح واحد تولید پروپیلن در پالایشگاه مدرس موافقت کرد.[۲] در اردیبهشت ۱۳۶۴ سیدحسن خردمند از جانب شرکت ملی نفت برای عضویت در هیئت‌مدیره پالایشگاه مدرس برگزیده شد.[۳]

هنگامی که شرکت آموکو ـ از صاحبان اصلی سهام پالایشگاه مدرس ـ اعلام کرد قصد فروش سهام خود را دارد، شرکت ملی نفت تصمیم گرفت بخشی از سهام این شرکت را خریداری کند تا سهامش در مدرس به ۲۶ درصد برسد. همچنین قرار شد درصورتی‌که آموکو با آن مقدار سهام موافقت نکند، هر مقدار سهام از سوی آموکو پیشنهاد گردد، خریداری شود.[۴] در ۸ خرداد شرکت ملی نفت موافقت خود را با خرید بخشی از سهام آموکو به مبلغ ۳۴ میلیون و ۹۵۵ روپیه اعلام کرد.[۵] جواد سهرابیان، رضا لقایی و عبدالحمید عیدی‌نژاد اختیار یافتند تا از طرف شرکت ملی نفت اسناد و مدارک مربوط به خرید سهام را امضا کنند.[۶] افزایش سهام به معنای مشارکت بیشتر در اداره امور پالایشگاه بود. در مرداد شرکت با توسعه کارخانه‌های روغن‌سازی پالایشگاه مدرس موافقت کرد.[۷] تا سال ۱۳۶۷ شرکت ملی نفت درمجموع ۲۰ میلیون دلار در مدرس سرمایه‌گذاری کرد و کل سود سهام دریافتی ۱۰ میلیون دلار گزارش شد.

شرکت خدمات دریایی تایدواتر خاورمیانه

شرکت خدمات دریایی داریوش در مهرماه ۱۳۴۶ تأسیس شد. این شرکت، پس از یک سال، با همکاری شرکت امریکایی تایدواتر، شرکت سهامی خاص خدمات دریایی تایدواتر خاورمیانه را تشکیل داد. این شرکت، در ۲۴ اردیبهشت ۱۳۴۷ با هدف فعالیت در زمینه‌های نصب و تعمیر لوله‌های زیردریایی، ساخت اسکله و حوضچه‌های تعمیراتی و حمل‌ونقل دریایی به ثبت رسید. این شرکت، پس از انقلاب، زیر نظارت بنیاد مستضعفان و سپس

۱. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۲۶۸، ۱۳۶۱/۹/۲۱.
۲. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۳۸۰، ۱۳۶۳/۷/۱.
۳. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه فوق‌العاده، ۱۳۶۴/۲/۴.
۴. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه فوق‌العاده، ۱۳۶۴/۲/۴.
۵. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۴۲۵، ۱۳۶۴/۳/۸.
۶. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۴۳۳، ۱۳۶۴/۴/۱۲.
۷. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۴۳۸، ۱۳۶۴/۵/۱.

دادستانی انقلاب خارگ قرار گرفت. در خردادماه ۱۳۶۲ شرکت ملی نفت تصمیم گرفت باتوجه‌به سوابق این شرکت و گزارش شرکت نفت فلات قاره و نیز حکم دادستان انقلاب اسلامی، مهندس حسین سالاری شریف را به‌عنوان مدیرعامل برای معرفی به دادستانی انقلاب به وزیر نفت پیشنهاد کند.[۱]

حدود دو سال بعد، در مردادماه ۱۳۶۴ شرکت ملی نفت اعلام کرد که تصمیم دارد ۴۹ درصد سهام شرکت تایدواتر خاورمیانه را از شرکت امریکایی تایدواتر اینک[۲] خریداری کند.[۳] در شهریور ماه ۱۳۶۵ شرکت ملی نفت وابسته نبودن شرکت تایدواتر خاورمیانه به وزارت نفت را بار دیگر تأیید و اعلام کرد با هر اقدامی برای تحت پوشش قراردادن این شرکت مخالف است.[۴] سال‌ها بعد، در سال ۱۳۸۷ در پی اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی به بخش خصوصی واگذار و در ۲ تیر ۱۳۹۲ در فهرست تحریم امریکا قرار گرفت.

مهار آتش چاه‌های نوروز

عراق با این تصور جنگ را آغاز کرده بود که در عرض سه روز تهران را تصرف خواهد کرد، اما باگذشت سه سال از جنگ نیروهای عراقی پشت مرزهای ایران مانده بودند. پس، عراق حمله به میادین نفتی ازجمله خلیج‌فارس را در پیش گرفت تا به زعم خود، شاهرگ اقتصادی ایران را قطع کند. طولی نکشید که سکوهای نفتی فلات قاره هدف بمبافکن‌های عراقی شدند.

پس از حمله به چاه‌های نفتی حوزه بهرگان، میدان نفتی نوروز هدف عراقی‌ها شد. ۳ بهمن ۱۳۶۱ چاه شماره ۴ میدان نوروز و ۷ بهمن، چاه شماره ۳ مورد اصابت موشک قرار گرفت. شدت تخریب به حدی بود که از این چاه اثری به‌جز نشت از شیر ایمنی آن در محل دیده نمی‌شد. با سقوط سکو و لوله‌های هادی آن به کف دریا، روزانه ۲۰۰۰ بشکه نفت در سطح دریا پخش می‌گردید. در ۱۱ اسفند، چاه‌های شماره ۵، ۶، ۷ و ۸ مورد حمله قرار گرفتند. این چاه‌ها یک سکوی مشترک داشتند و در پی اصابت موشک، آتش گرفتند. قسمت‌های فوقانی این چاه‌ها که در روی سکو حدود دو متر با یکدیگر فاصله داشتند، کاملاً منهدم شد. نفت از درون چاه شماره ۵ به بالای سطح آب فوران میکرد و به شعله‌های آتش دامن می‌زد. نفت چاه شماره ۶ نیز پس از فوران از داخل

۱. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۲۹۵، ۱۳۶۲/۳/۱۷.

2.Tidewarter Inc

۳. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۴۴۵، ۱۳۶۴/۵/۲۷.

۴. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۵۴۰، ۱۳۶۵/۶/۶.

لولـه مغـزی، در کنـار چـاه شـماره ۵ می‌سـوخت. از ایـن دو چـاه حـدود ۶ هـزار بشـکه نفـت در روز بـه داخـل خلیج‌فـارس می‌ریخـت و بـالای سـطح آب می‌سـوخت. شـدت حـرارت بـه حـدی بـود کـه تحـت هیـچ شـرایطی نمی‌شـد بـه سـکو نزدیـک شـد. در همـان روز چاه‌هـای شـماره ۹ و ۱۰ نیـز هـدف حملـه قـرار گرفتـه و بـه آتـش کشـیده شـدند. آخریـن روز اسـفند نیـز سـکوی بهره‌بـرداری میـدان نـوروز مـورد حملـه قـرار گرفـت و تولیـد نفـت از میـدان نـوروز به‌کلـی متوقـف شـد.

حمـلات مـداوم عـراق بـه میـدان نـوروز، مهـار چاه‌هـای مشـتعل را سـخت کـرده بـود. چاه‌هـا بـه علـت فـوران نفـت بـه کوهـی از آتـش بـدل شـده بودنـد و شـدت حـرارت نزدیـک شـدن بـه چاه‌هـا و مهـار آنهـا را ناممکـن کـرده بـود، امـا بـرای متخصصیـن متعهـد ایرانـی غیرممکـن وجـود نداشـت. کارکنـان فـداکار و ازجان‌گذشـته فـارغ از تمامـی معیارهـا و اسـتانداردهای بین‌المللـی بـدون هیـچ کمـک خارجـی، توانمنـدی خـود را بـه معـرض نمایـش گذاشـتند.

بـرای مهـار چاهها، سـتادی بـا نـام «سـتاد نـوروز» بـا ریاسـت. علی‌اکبـر زمانـی تشـکیل شـد. بـه درخواسـت شـرکت نفـت فـلات قـاره، آل‌آقـا به‌عنـوان نماینـده مناطـق نفت‌خیـز جنـوب بـرای مهـار چـاه شـماره ۳ وارد ایـن سـتاد شـد.[۱] هـدف اصلـی سـتاد نـوروز مهـار چـاه شـماره ۳ بـود. مهـار ایـن چـاه اهمیـت ویـژه‌ای داشـت. چـرا کـه نفـت چاه‌هـای دیگـر می‌سـوخت، امـا نفـت ایـن چـاه بـه دریـا می‌ریخـت و نفـت پخش‌شـده در سـطح آب، زندگـی آبزیـان، محیـط زیسـت و آب آشـامیدنی مـردم منطقـه را در معـرض قـرار خطـر داده بـود. رضاحسـین میـرزا طاهـری، معـاون نخسـت‌وزیر و سرپرسـت سـازمان محیـط زیسـت، در مصاحبـه‌ای مطبوعاتـی در ۱۸ فروردیـن ۱۳۶۲ گفـت: «در حـال حاضـر لکه‌هـای نفتـی حـدود ۱۲۰ مایـل مربـع از سـطح خلیج‌فـارس را پوشـانده اسـت. ایـن لکه‌هـا بـه سـمت سـواحل بحریـن، قطـر و امـارات در حـال پیشـروی اسـت.»[۲] کشـورهای منطقـه، پذیـرش آتش‌بـس را شـرط کمـک بـه ایـران در مهـار چاه‌ها قرار داده بودند..

محمـد ابوالحسـنی، از کارشناسـان نفتـی پالایشـگاه آبـادان، مهـار ایـن چـاه را پذیرفـت، امـا سـه شـرط گذاشـت؛ تأمیـن پـول لازم، حمایـت از خانـواده کسـانی کـه در ایـن مأموریـت شـهید میشـوند و انجـام اسـتخاره. بـا پذیـرش ایـن شـرایط، عملیـات مهـار چـاه آغـاز شـد و «عملیـات الله‌اکبـر» نـام گرفـت. گروهـی ۳۰ نفـره بـا تخصص‌هـای مختلـف از غواصـان، جوشـکاران، مکانیـک، تراشـکار، لوله‌کـش و ... کار را آغـاز کردنـد. عملیـات در حالـی انجـام گرفـت کـه هواپیماهـای عراقـی بـر فـراز تیـم در پـرواز بودنـد و مین‌هـای دریایـی عـراق در سـطح آب دیـده

۱. مصاحبه با علی‌اکبر وحید آل‌آقا، مدیر بازنشسته شرکت ملی نفت ایران، ۷ اردیبهشت ۱۳۹۷.
۲. روزنامه کیهان، ۱۸ فروردین ۱۳۶۲.

می‌شد. اعضای گروه اگرچه هر لحظه مرگ را در برابر خود می‌دیدند، اما با تمام توان به فعالیت ادامه دادند. غواصان در عمق ۴۰ متری و با بدن آغشته به گازوئیل به زیر آب می‌رفتند و پس از بازگشت به سطح دریا، با نفت و آب خود را می‌شستند. کار از ۳ بامداد تا ۹ شب و تنها در حالت سکون بین جزرومد انجام می‌شد.[۱]

چاه شماره ۳ در ۲۷ شهریور ۱۳۶۲ و چاه شماره ۱۰ در ۱۴ فروردین ۱۳۶۴ مهار شد. مهار چاه‌های شماره ۵ و ۶ از دیگر چاه‌ها سخت‌تر بود و مدت بیشتری طول کشید. شدت آتش به‌اندازه‌ای بود که غواصان از فاصله ۲۰۰ متریِ محل فوران به زیر آب رفته و خود را به محل فوران می‌رساندند. هم‌زمان، هواپیماهای عراقی هم بر فراز آنها در پرواز بودند و عملیات را تهدید می‌کردند. سرانجام، عملیات مهار چاه شماره ۵ در ۱۴ اردیبهشت و چاه شماره ۶ در ۲۱ شهریور ۱۳۶۴ با موفقیت به پایان رسید.[۲] به هنگام مهار چاه‌ها، تعدادی از این دلاورمردان به شهادت رسیدند.

مهار چاه با همه سختی‌ها به پایان رسید و سندی شد بر توانمندی نیروهای ایرانی که با کمترین هزینه و ابتکار این مهم را به انجام رساندند. از جان گذشتگی‌های کارکنان «عملیات الله‌اکبر» اگرچه جبران شدنی نبود، اما مدیران شرکت با اعطای ترفیع از فداکاری‌های آنان تقدیر کردند.

فارس شمالی، نقطه شروع

نیاز روزافزون مردم و بخش‌های صنعتی کشور به گاز و همچنین ضرورت تزریق گاز به چاه‌های نفت، مدیران شرکت ملی نفت را ناگزیر کرد که جستجوی منابع جدید گازی برآیند. در اواسط سال ۱۳۶۰ شرکت ملی نفت تصمیم گرفت برای از میان بردن این مشکلات، دو منبع کم و بیش شناخته شده گاز در ناحیه فارس، دالان و آغار را مورد مطالعه قرار دهد و مدیران مربوطه را مأمور ساخت تا طرح پیشنهادی خود را برای بهره‌برداری از این میدان‌ها ارائه دهند. در ۲۹ شهریور ۱۳۶۲ قرار شد شرکت نفت، طرح تزریق گاز فارس شمالی (پارس، آغار، دالان) را به‌طور ضربتی به اجرا درآورد و برای تأمین اعتبار آن، قرار شد مدیران مربوطه، در اسرع وقت موافقت‌نامه‌های خود را تهیه و با سازمان برنامه و بودجه مبادله کنند،[۳] اما شرایط جنگی و کمبود ارز، بر اجرای این طرح نیز تأثیرگذاشت و آن را یک سال به تأخیر انداخت. طی این مدت، شرکت ملی نفت

۱. مصاحبه با مهدی کمالی‌پور، مدیر بازنشسته شرکت نفت فلات قاره ایران، ۵ دی ۱۳۹۶.

۲. نشریه پیک نفت، شماره ۲۰۴، مهر ۱۳۶۴.

۳. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۳۱۳، ۱۳۶۲/۶/۲۹.

به‌منظـور توانمندسـازی شـرکت‌های ایرانـی، در ۲۴ تیـر ۱۳۶۳ تصمیمـی مهـم اتخـاذ کـرد، بـه ایـن صـورت کـه ۳ شـرکت نـارگان، چگالـش، طـرح و پالایـش را انتخـاب کـرد تـا وظیفـه طراحـی و مهندسـی لوله‌هـای بـزرگ سراسـری گاز پـارس، آغـار و دالان، طراحـی و مهندسـی خط‌لولـه انتقـال مایعـات و طراحـی و مهندسـی توسـعه و تولیـد میـدان گازی آغـار و تولیـد و فـراورش از ان را انجـام دهنـد و قـرار شـد در پالایشـگاهی کـه در بنـدر طاهـری احـداث خواهـد شـد، مایعـات گازی نـار- کنـگان، پـارس، آغـار و دالان بـه فراورده‌هـای موردنیـاز کشـور تبدیـل شـود کـه طراحـی و مهندسـی ایـن پـروژه بـر عهـده مهندسـان مشـاور چگالـش قـرار گرفـت.[۱]

باتوجه‌بـه ایـن کـه مایعـات گازی اسـتخراج شـده از ۳ ناحیـه آغـار، دالان، فـارس و منطقـه نار–کنـگان بایـد پالایـش می‌شـد، شـرکت ملـی نفـت، بعـد از بررسـی‌های اولیـه، در خردادمـاه ۱۳۶۴ تصمیـم گرفـت در بنـدر طاهـری، پالایشـگاه مایعـات گازی ایجـاد کنـد کـه احـداث آن بـر عهـده مدیریـت مهندسـی و سـاختمان شـرکت ملـی نفـت قـرار گرفـت و مدیریـت برنامه‌ریـزی تلفیقـی نیـز مأموریـت یافـت تـا همـراه بـا مدیریـت مهندسـی و سـاختمان، بـه مـدت یک‌مـاه گـزارش کاملـی از هزینه‌هـا و روش اجرایـی، متناسـب بـا نیـاز شـدید بـه فـراورده بنـدر طاهـری تهیـه و بـه وزیـر نفـت ارائـه دهـد تـا بـه مجمـع عمومـی و سـایر مقامـات ارائـه شـود.[۲]

اکتشاف در کوه موند

ازجملـه داسـتان‌های پرغصـه کارکنـان اکتشـاف، ماجـرای مخـزن نفتـی کـوه مونـد اسـت کـه از دهـه ۱۳۲۰ و ۱۳۳۰ بارهـا و بارهـا مـورد مطالعـه زمین‌شناسـی و حفـاری قـرار گرفـت، لیـک فرجـام خوشـی نیافـت تـا بـه انقـلاب رسـید. برخـی کارکنـان قدیمـی بارهـا از تعییـن تکلیـف ایـن حـوزه سـخن گفتنـد. سـرانجام گـروه تحقیـق و پیگیـری نفـت بسـیار سـنگین در مدیریـت اکتشـاف از اردیبهشـت سـال ۱۳۶۲ مأموریـت یافتنـد کـوه مونـد را ارزیابـی و حفـاری مجـدد کننـد. آنهـا وظیفـه داشـتند بـرآوردی از مقـدار نفـت درجـا و امکان‌سـنجی اسـتخراج میدان‌هـای نفـت سـنگین را تهیـه و تدویـن کننـد. در مهـر ۱۳۶۳ عملیـات حفـاری بـا دکل ۷۳ نصـر آغـاز شـد. برآوردهـا از حجـم عظیـم نفـت بسـیار سـنگین خبـر داد؛ لیکـن بـه دلیـل نبـود تکنولـوژی اسـتخراج، رهـا گردیـد.[۳] ایـن میـدان هنـوز هـم بـه دلیـل هزینـه بـالا و نیـاز بـه تکنولـوژی بسـیار پیشـرفته مـورد بهره‌بـرداری قـرار نگرفتـه اسـت. برخـی از کارشناسـان اقتصـاد

۱. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۳۶۹، ۱۳۶۳/۴/۲۴.
۲. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۴۲۶، ۱۳۶۴/۳/۱۲.
۳. پیک نفت. شماره ۹۶، دی ۱۳۶۳، ص ۲۷.

انرژی اعتقاد دارند این‌گونه میدان‌ها را می‌توان با ارفاق‌های ویژه به پیمانکاران واگذار کرد تا سریع‌تر مورد بهره‌برداری قرار گیرند

توسعه لاوان

مجتمع تقطیر لاوان از سوی شرکت اینگرا و با نظارت شرکت ملی نفت در سال ۱۳۵۵ به بهره‌برداری رسید. محصولات این مجتمع که با ظرفیت روزانه ۲۰ هزار بشکه نفت‌خام زیرنظر پالایشگاه شیراز قرار داشت، نفتای ترش، نفت‌گاز و نفت کوره بود که با شروع جنگ و تعطیلی پالایشگاه آبادان و نیاز روزافزون کشور به فراورده‌های نفتی، اهمیت این مجتمع دو چندان شد و شرکت ملی نفت با در نظر گرفتن موقعیت استراتژیک و امکانات این مجتمع، تصمیم گرفت برای تولید محصولات پالایشی مرغوب‌تر، یک واحد مراکس در آن ایجاد کند که در ۱۷ مرداد ۱۳۶۳ پروژه ساخت کارخانه مراکس لاوان به شرکت چیودا واگذار شد.[۱]

در چارچوب طرح خودکفایی، طرح افزایش تولید بنزین در پالایشگاه (مجتمع تقطیر) لاوان تا سقف ۶ هزار بشکه در روز تعریف شد. متخصصان با تمهیداتی در سیستم برق، نصب مخازن و ایجاد تغییرات در فرایند پالایش توانستند ظرفیت و کیفیت بنزین تولیدی را در پایان سال ۱۳۶۴ متحول سازند.[۲]

بهره‌برداری از مخازن گاز

مشکل پالایش مواد نفتی در کشور این شد که مسئولان، توسعه و بهره‌برداری از مخازن گازی را در اولویت قرار دادند. در ۴ شهریور ۱۳۶۳ شرکت ملی نفت اعلام کرد: باتوجه‌به نقش مخازن گازی غرب کشور در سیستم گازرسانی، حفر چاه اکتشافی در مخازن گاز شیرین هالوش و ویزنهار در اولویت قرار دارد.[۳] در ۱۸ شهریور نیز شرکت ملی نفت تصمیم گرفت کمیته‌ای با مسئولیت برنامه‌ریزی تلفیقی و عضویت اکتشاف و تولید، فلات قاره، مناطق نفت‌خیز و شرکت ملی گاز با همکاری شرکت ملی صنایع پتروشیمی برای بهره‌برداری بهینه از مخازن گاز غرب کشور تشکیل دهد.[۴] به‌این‌ترتیب، هرچه

۱. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه فوق‌العاده، ۱۳۶۳/۵/۱۷.
۲. پیک نفت، شماره ۲۱۰، فروردین و اردیبهشت ۱۳۶۵، ص ۷.
۳. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۳۷۶، ۱۳۶۳/۶/۴.
۴. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۳۷۸، ۱۳۶۳/۶/۱۸.

تأمین فراورده‌های نفتی موردنیاز کشور مشکل‌تر می‌شد، فکر جایگزینی نفت با گاز بیشتر قوت می‌گرفت. شرکت ملی نفت در آذر سال ۱۳۶۵ از شرکت ملی گاز درخواست کرد تا برای توسعه مصرف گاز به جای فراورده‌های نفتی، اقداماتی جدی به عمل آورد.[۱]

میدان دریایی پارس

میدان دریایی پارس ازجمله میدان‌هایی بود که همواره موردتوجه شرکت ملی نفت و مدیران کشور قرار داشت. در ۱۳ آبان ۱۳۶۱ توسعه میدان گازی پارس به طرح‌های سرمایه‌ای شرکت فلات قاره افزوده شد.[۲] دو سال بعد، در جلسه فوق‌العاده‌ای که در ۱۸ مهر ۶۳ با حضور وزیر نفت برگزار شد، غرضی اعلام کرد: تکمیل تأسیسات بهره‌برداری میدان گازی دریایی پارس، به‌منظور تزریق گاز به منابع نفتی جنوب ضروری است و اولویت آن در تصویب نامه هیئت‌وزیران نیز مورد تأکید قرار گرفته است. در همین جلسه، تکمیل طراحی و مهندسی تفصیلی خطوط لوله زیردریایی و تأسیسات ساحلی میدان گازی دریایی پارس به شرکت براون و طراحی و مهندسی تفصیلی تأسیسات بهره‌برداری میدان گازی دریایی پارس به شرکت لندس[۳] واگذار شد.[۴] ضمن اینکه انتقال تکنولوژی از طریق آموزش متخصصان ایرانی، شرط اصلی در انعقاد قراردادها بود.

شرکت ملی حفاری، عملیات حفر و تکمیل چاه‌های گازی منطقه پارس را بر عهده داشت. در تیرماه سال ۱۳۶۴ شرکت نفت از شرکت ملی حفاری خواست اقدامات لازم برای خرید دستگاه‌های حفاری- دریایی و سایر تجهیزات موردنیاز را به‌سرعت انجام دهد. همچنین قرار شد هیئتی از نمایندگان مناطق نفت‌خیز و شرکت ملی حفاری تشکیل شود و مدارک لازم برای برقراری مناقصه و شرایط قرارداد را تنظیم کنند و در عین حال هنگام تنظیم اسناد مورد نظر، حداکثر استفاده از امکانات شرکت ملی حفاری، آموزش کارکنان آن و رشد صنعت حفاری برای رسیدن به خودکفایی را نیز مدنظر قرار دهد.[۵]

---

۱. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۵۶۳، ۱۳۶۵/۹/۶.

۲. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه فوق‌العاده، ۱۳۶۱/۸/۱۳.

3. Lendes

۴. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه فوق‌العاده، ۱۳۶۳/۷/۱.

۵. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۴۳۲، ۱۳۶۴/۴/۹.

مشارکت در دریای شمال

پس از انقلاب اسلامی و در شرایطی که قراردادهای مشارکت یکی یکی فسخ می‌شد، شرکت ملی نفت تصمیم گرفت به مشارکت خود در دریای شمال ادامه دهد، به این جهت در سال‌های ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۳ حق مشارکت خود در این پروژه را پرداخت می‌کرد.

در جلسه‌ای که ۱۶ آبان ۶۳ به دعوت غرضی و با حضور آقایان بوترابی، رضاقلی، محمدنژاد، تولایی، میرزایی، هنردوست و ربانی، معاون وزیر در امور اقتصادی برگزار شد، ادامه مشارکت در دریای شمال محور بحث قرار گرفت و درنهایت تصمیم گرفته شد برای بررسی هزینه‌های مشارکت در دریای شمال، هیئتی ۳ نفره شامل یک کارشناس خبره و با صلاحیت حسابرسی و دو نفر از کارشناسان با صلاحیت اکتشاف و تولید به مدت ۳ ماه به محل عملیات اعزام شوند تا ضمن بازدید از چاه‌های موجود و بررسی مدارک و مذاکره با طرف مشارکت و حسابرسان داخلی، یک گزارش فنی و اقتصادی تهیه و به هیئت‌مدیره ارائه کنند تا تصمیم نهایی برای ادامه مشارکت پس از دریافت گزارش اتخاذ شود.[۱]

این بررسی تا تیرماه سال ۱۳۶۴ ادامه داشت تا سرانجام امور مشارکت‌های خارج از کشور و حسابرسی داخلی، در نامه‌ای اظهارنظر کردند که این پروژه از لحاظ اقتصادی قابل توجیه نیست و وزیر نفت نیز گزارشی از این مشارکت به نخست‌وزیر ارائه داد تا در صورت موافقت نخست‌وزیر، با فروش سهام شرکت ملی نفت در مشارکت دریای شمال، اقدامات لازم انجام شود.[۲] این تصمیم نهایی غرضی در مورد ادامه مشارکت در دریای شمال بود، اما با آمدن آقازاده، موضوع پروژه دریای شمال بار دیگر در شرکت ملی نفت مورد بررسی قرار گرفت. اگرچه پیشتر ادامه مشارکت، اقتصادی تشخیص داده نشده بود، اما برخی از مدیران معتقد بودند به دلیل حضور شرکت‌های نفتی مهم و مستقل بین‌المللی در این پروژه، امکان مبادله اطلاعات و انتقال تکنولوژی عملیات نفتی- دریایی و قرار گرفتن در جریان فعل و انفعالات تجارت و بازرگانی بین‌المللی در این مرکز مهم تولید نفت و گاز، ادامه مشارکت را توجیه می‌کند و به‌این‌ترتیب، اتخاذ تصمیم نهایی بر عهده مجمع عمومی گذاشته شد.[۳]

---

۱. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۳۸۷، ۱۳۶۳/۸/۱۶.

۲. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۴۳۳، ۱۳۶۴/۴/۱۲.

۳. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۴۷۹، ۱۳۶۴/۱۰/۱۸.

خرید نفتکش

شرکت ملی نفتکش در سال ۱۳۴۴ تأسیس شد. ۵ سال بعد، یعنی در سال ۱۳۴۹ این شرکت با شرکت نفت ایران ادغام شد و اگرچه تمام سهام آن متعلق به شرکت نفت بود اما به‌عنوان یک شرکت حمل‌ونقل مستقل به ثبت رسید.

با شروع جنگ تحمیلی که تحریم ایران از یک‌سو و نبود امنیت و حمله جنگنده‌های عراقی از سوی دیگر، بسیاری از نفتکش‌های خارجی را از حضور در خلیج‌فارس بازمی‌داشت و حمل مواد نفتی با مشکلات شدیدی مواجه شده بود، این شرکت توانست ۲/۵ میلیون بشکه نفت‌خام را در شرایط خطرناک جنگی به مقصدهای مورد نظر حمل کند؛ اما کمبود اساسی در سازمان، ناوگان بود، لذا در ۲۰ آبان ۱۳۶۳ پس از موافقت ریاست جمهوری، شرکت ملی نفتکش اجازه یافت تا در سریع‌ترین زمان ممکن خرید ۴ نفتکش بسیار بزرگ و یک نفتکش غول‌پیکر و آموزش کادر موردنیاز برای استفاده از این نفتکش‌ها را در رأس برنامه‌های خود قرار دهد.[۱] در همین ماه مجمع عمومی شرکت ملی نفتکش برگزار شد و اعضای هیئت‌مدیره آن، به این شرح تأیید شدند: الله‌کرم میرزایی، رئیس هیئت‌مدیره و مدیرعامل، علی‌اکبر زمانی، مدیرعامل، جلیل مهندسی، هیبت‌الله زندی‌پور و محمدزمان زمانی.[۲]

از آنجا که مهم‌ترین وظیفه شرکت ملی نفتکش و مدیران آن، خرید نفتکش‌های موردنیاز بود، در خردادماه ۱۳۶۳ شرکت ملی نفت از این شرکت خواست تا گزارشی جامع از نحوه انتخاب و قیمت‌گذاری کشتی‌ها ارائه دهد تا پس از آن، شرکت ملی نفت تصمیم نهایی را اتخاذ کند.[۳] از سوی دیگر تأمین اعتبار برای خرید نفتکش‌ها به تصویب مجلس شورای اسلامی نیاز داشت که این امر نیز صورت گرفت و در ۱۷ مرداد ۱۳۶۳ مجلس شورای اسلامی طی ماده واحده‌ای برای تأمین اعتبار هزینه‌های جانبی فراورده‌های وارداتی و خرید کشتی نفتکش، به وزارت نفت اجازه داد، از محل اعتبارات قانون بودجه سال ۱۳۶۴ اقدام کند.[۴] ماده واحده، در وزارت و شرکت ملی نفت بررسی و اعلام شد. خرید نفتکش‌ها با این وضعیت، توجیه اقتصادی ندارد و تنها خرید دو فروند کشتی غول‌پیکر مورد تأیید قرار گرفت.[۵]

---

۱. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۳۸۸، ۱۳۶۳/۸/۲۰.
۲. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۳۸۹، ۱۳۶۳/۸/۲۷.
۳. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۴۲۹، ۱۳۶۴/۳/۲۶.
۴. تارنمای مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (http://rc.majlis.ir).
۵. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۴۶۰، ۱۳۶۴/۸/۱

در اوج تکاپوی ایران برای خرید نفتکش، محمد سوری در آذرماه ۱۳۶۴ به مدیرعاملی شرکت ملی نفتکش منصوب شد. در آن روزها دولت عراق جنگ را تا میانه خلیج‌فارس گسترده و استراتژی خود را در حمله به تأسیسات نفتی، پالایشگاه‌ها، اسکله‌ها و کشتی‌های نفتی، متمرکز کرده بود که این امر، خرید نفتکش‌ها را ضروری‌تر از پیش می‌ساخت، به همین جهت مذاکرات لازم با مجلس صورت گرفت و در ۸ دی شرکت ملی نفت هیئتی شامل مدیر امور بازرگانی، مدیر امور بین‌المللی و مدیرعامل شرکت ملی نفتکش را مأمور بررسی و تهیه گزارش برای خرید نفتکش کرد.[۱] در بهمن ۱۳۶۴ شش کشتی نفتکش برگزیده شدند و شرکت ملی نفت تصمیم گرفت باتوجه‌به مجوز مجلس و دستور وزیر نفت، این کشتی‌ها را خریداری کند:[۲]

نام کشتی	ظرفیت*	سال ساخت	کشور سازنده	قیمت (میلیون دلار)	محل تحویل
Bazilian Pride	۳۷۲۰۰۰	۱۹۷۵	ژاپن	۷	خلیج‌فارس
Torril	۲۸۹۷۷۶	۱۹۷۳	نروژ	مجموع سه کشتی ۲۰ میلیون دلار	خلیج‌فارس
Volkan	۳۱۶۳۹۸	۱۹۷۵	آلمان غربی		خلیج‌فارس
A Na	۳۱۷۸۲۴	۱۹۷۷	آلمان غربی		خلیج‌فارس
Loisiana	۳۲۰۰۰۰	۱۹۷۶	دانمارک	۶/۴	خلیج‌فارس
Hawaii	۳۶۶۰۰۰	۱۹۷۴	ژاپن	۷	خلیج‌فارس

*هزار بشکه

بحران فروش نفت، رفتن غرضی

از همان نخستین سال‌های شکل‌گیری صنعت نفت در ایران، همواره وظیفه اصلی صنعت نفت، تأمین ارز و انرژی موردنیاز کشور بود. طی سال‌های جنگ، درحالی‌که تأسیسات نفتی مورد شدیدترین حملات دشمن قرار داشت و صادرات نفت‌خام با مشکلات زیادی روبه‌رو بود، کشور با کمبود شدید ارزی مواجه شد. از اواخر سال ۱۳۶۳ که موضوع تأمین تدارکات جنگ، رفته رفته رنگ جدی‌تری به خود می‌گرفت، کمبود

۱. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۴۷۹، ۱۳۶۴/۱۰/۸.

۲. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۴۸۹، ۱۳۶۴/۱۱/۱۳.

ارز و در کنار آن کمبود فراورده‌های نفتی موردنیاز کشور هم، بیشتر نمایان می‌شد. در جلسات دولت و جلسه سران قوا و فرماندهان نظامی، مهم‌ترین موضوع مورد بحث، کمبود به سبب چالش پیش روی فروش نفت بود. فروش نفت با چالش مواجه شده بود. از سوی دیگر میزان تولید برای فروش، باید افزایش می‌یافت که این امر، همه نگاه‌ها را به سمت وزیر نفت هدایت می‌کرد. در ۳ بهمن ۱۳۶۳ غرضی اعضای هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت را فراخواند تا در مورد این دو مشکل اساسی به بحث و گفتگو بنشینند و چاره‌ای بیندیشند. در این جلسه که با حضور آقایان میرزایی، بوترابی، محمدنژاد، کدیور، شریفیان، کوفجان، آقایی، علوی، افشاریان، مستوفی، طباطبایی و فرخ‌نیا برگزار شد، همه مدیران بر این نکته تأکید کردند که تمامی بخش‌های صنعت نفت، باید تلاش خود را به کار گیرند و مدیران عالی کشور را در جریان مشکلات قرار دهند.[۱]

برنامه‌ریزی برای میزان تولید در سال ۱۳۶۴ از دیگر موضوعات مهم شرکت در ماه‌های پایانی سال ۶۳ بود. در ۱۹ اسفند، شرکت ملی نفت اعلام کرد ظرفیت تولید نفت‌خام مناطق نفت‌خیز برای دوره پنج‌ساله ۱۳۶۵ تا ۱۳۶۹ مقدار ۳/۵ میلیون بشکه در روز در نظر گرفته شده است؛ همچنین، از مدیریت مناطق نفت‌خیز خواسته شد تا مطالعات لازم برای دستیابی به ظرفیت تولید ۴ میلیون بشکه در روز برای دوره پنج‌ساله ۷۰ تا ۷۵ را انجام دهد.[۲] باتوجه‌به آن که افزایش تولید برای بالابردن فروش و تأمین درآمد بیشتر، به‌صورت یک ضرورت ملی درآمده بود، انجام این امر از نظر مدیران عالی کشور، به وزیر نفتی جدید نیاز داشت، از این رو، سید محمد غرضی در ۵ آبان‌ماه ۱۳۶۴ آخرین جلسه را با سمت وزیر نفت و رئیس هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت برگزار کرد و سپس جای خود را به غلامرضا آقازاده داد. غرضی بعدها یکی از دلایل جابه‌جایی‌اش را تمایل دولت به بازاریابی و فروش بیشتر نفت عنوان کرد.[۳]

کل صادرات نفت‌خام و فرآورده کشور در سال ۱۳۶۴، به‌طور متوسط ۱/۵ میلیون بشکه در روز بود که صادرات نفت‌خام نسبت به سال قبل ۹ درصد کاهش داشت. و درآمد نفتی کشور حدود یکصد و نوزده میلیارد تومان و درآمدهای مالیاتی بالغ بر یکصد میلیارد تومان بود.[۴]

---

۱. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۴۰۱، ۱۳۶۳/۱۱/۳.

۲. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۴۱۱، ۱۳۶۳/۱۲/۱۹.

۳. ن.ک به http://www.farsnews.com، غرضی از نحوه رفتنش از وزارت نفت می‌گوید.

۴. ترازنامه بانک مرکزی، سال ۱۳۶۴.

وزارت آقازاده

سال ۱۳۶۴ اوج اختلافات جناحی بر سر انتخاب نخست‌وزیر بود. طبق سنت سیاسی، می‌بایست پس از انتخابات ریاست جمهوری، نخست‌وزیر انتخابات می‌شد. چهارمین انتخابات ریاست جمهوری در مرداد ۱۳۶۴ برگزار شد و حجه‌السلام سیدعلی خامنه‌ای اکثریت آرا را به دست آورد. سیدعلی خامنه‌ای علاقه‌ای به ادامه همکاری با میرحسین موسوی در قامت نخست‌وزیر نداشت و حضور در صحنه انتخابات را مشروط به انتخاب نخست‌وزیر دلخواه کرده بود. رهبری نیز بر نظر ایشان مهر تأیید گذاشتند. باوجوداین، حوادث بعدی مسیر سیاست را متحول ساخت. ۵ مهر ۱۳۶۴ تعدادی از نمایندگان مجلس با ارسال نامه‌ای به رهبر انقلاب استمرار نخست‌وزیری میرحسین موسوی را ضرورت انقلاب، جنگ و اقتصاد دانستند. امام خمینی در پاسخ این نامه، تغییر نخست‌وزیر را به صلاح ندانستند، اما تأکید کردند که حق انتخاب با رئیس‌جمهور است.[1] پاسخ رهبری مبتنی بر تأیید میرحسین موسوی منتشر شد. بعدها این نامه به نامه ۱۳۵ نفر مشهور گردید و پاسخ رهبر انقلاب بارها مورد ارزیابی قرار گرفت. ازجمله، جناح چپ این نامه را سندی بر تأیید راه و روش حکمرانی خود قلمداد کرد. به هر روی، سیدعلی خامنه‌ای، رئیس‌جمهور، با تمکین در برابر نظر رهبر انقلاب، میرحسین موسوی را به مجلس معرفی کرد. مجلس در اولین فرصت به ارزیابی وزرای پیشنهادی پرداخت. در فهرست وزرا که نخست‌وزیر به مجلس ارائه کرد، نسبت به دور قبل تغییراتی دیده می‌شد. ازجمله این تغییرات آمدن آقازاده به هیئت دولت به‌عنوان وزیر نفت بود که موافقان و مخالفان در صحن مجلس نظرات خود را ابراز کردند. با خواندن نظر موافقان و مخالفان می‌توانیم تصویری نسبتاً واقع‌گرایانه از آن زمان داشته باشیم.

راه‌چمنی، نماینده مجلس، در جلسه ۶ آبان ۱۳۶۴ در موافقت با آقازاده سخن گفت:

> ایشان هم تجربه کار اجرایی دارد به‌عنوان وزیر مشاور و معاون اجرایی نخست‌وزیر و اشرافیت بر سایر وزارتخانه دارد، منتها چون کارشان جنبه اجرایی که نمود داشته باشد نداشته، این است که بعضی برادران ممکن است بگویند که ایشان نتواند وزارت نفت را بچرخاند، ولی ایشان یک فرد قوی است و بیشتر کارهای ایشان که شاید هم بعضی‌شان محرمانه بوده، آقای هاشمی در جریان هستند و از ایشان دفاع خواهند کرد، ولی سیاست‌های خوبی که در برنامه ایشان آمده، یکی اعتقاد دارد که مبادی صدور

۱. www.imam-khomeini.ir

نفت باید متنوع باشد؛ برای اینکه از تجاوزات رژیم صهیونیستی عراق و سایر دشمنان اسلام در امان باشد... یکی از سیاست‌های دیگر این برادر این است که سیاستش معتقد به رشد و توسعه پتروشیمی است... موضوع دیگر، هماهنگی است که ایشان معتقد است بین وزارت امور خارجه و وزارت بازرگانی و وزارت نفت باید [وجود] داشته باشد و این واقعاً حرف منطقی است، زیرا که اگر کشوری از ما نفت نخرد، این طبیعی است که وزارت خارجه ما نباید با او خیلی رابطه خوبی برقرار کند.

باهنر، نماینده مجلس، نیز ازجمله مخالفان وزارت آقازاده بود که به‌عنوان مخالف سخن گفت:

عمده‌ترین اشکالی که ازسوی جناب نخست‌وزیر در مورد وزیر نفت سابق در محافل و مجالس خصوصی و بعضاً عمومی مطرح می‌شود، مسئله عدم فروش نفت توسط وزیر سابق است و مطئناً ناهماهنگی دیگری نبوده است... مشکلات امسال ما را تک‌تک نمایندگان مجلس می‌دانند، می‌دانند دولت تصمیم گرفته کمیته‌ای برای صدور نفت و فروش نفت تشکیل دهد و لابد نمایندگان محترم اطلاع دارند این کمیته از وزرای نفت و خارجه و بازرگانی و نماینده نخست‌وزیر که آقای آقازاده بود تشکیل شد و پس از دو ماه فعالیت به دلیل عدم موفقیت کار خود را تعطیل نمود. آقای نبوی در ادامه صحبت‌هایشان اعلام می‌دارند در کتاب برنامه پنجساله دولت اعتقادش این است که هیچ راهی برای قطع وابستگی از نفت و استقلال وجود ندارد جز فروش نفت بیشتر، ایشان در رابطه با درامدهای غیرنفتی اعلام می‌دارند اگر فکر قالی و زیره و زعفران و پسته هستید که اینها رقم‌های بزرگ ارزی بشود برای ساختن زیربناهای یک کشور انقلابی که شش سال از پیروزی انقلابش گذشته، من به جرئت می‌گویم ما کار زیادی در زمینه سرمایه‌گذاری چیزهای جدید نکرده‌ایم. شما نمی‌توانید قضیه را با فروش فرش جبران کنید و خلاصه‌ی اهم صحبت ایشان این بود که اجازه دهید بیشتر نفت بفروشیم... لذا وجود افرادی مانند آقای آقازاده در رأس وزارت نفت با آن سیاست انبساطی ناموزون در فروش نفت از طرفی و عدم تخصص ایشان در امور نفت از طرف دیگر و بالاخره عدم موفقیت ایشان در کمیته فروش نفت که در ابتدای امسال تشکیل شد را مضر به انقلاب و خلاف شعارهای انقلاب و نیت و اهداف شهدا می‌دانم و به ایشان رأی کبود خواهم داد.

سپس، آقازاده به پشت تریبون رفت و به دفاع از خود پرداخت. او ضمن اشاره به تسلطش بر فروش نفت که از سال گذشته آغاز شده بود، با اشاره به روش‌های جدید فروش نفت و شکستن انحصار مبدأ صادراتی خارگ، از سیاست فشار بر دولت‌هایی که از آنها کالا وارد می‌کنیم تا نفت ما را خریداری کنند پرده‌برداری کرد. او گفت:

در رابطه با سیاست فروش نفت یک حرف اصولی من دارم و آن عبارت از این است که علت اینکه این بازارهای نفتی ما از دست رفته و ما را دچار فروش تک‌محموله یا به تعبیر دیگر، دلالی کرده چه چیزی است؟ اعتقاد من این است که اگر در مدیریت بین‌المللی در وضعیت فروش نفت یک تدبیری، یک فکری، یک برنامه‌ریزی صحیحی انجام بگیرد، ما می‌توانیم با دولت‌ها با استفاده از ابزاری که در رابطه با این واردات کشور و با استفاده از ابزار سیاسی‌مان رابطه‌های تنگاتنگی پیدا بکنیم که می‌تواند این ابزارها کمک بکند که کشورهایی که از ما نفت نمی‌خرند، ولی ما به‌طور میلیاردی از اینها واردات داریم، اینها را مجبور به خرید نفت بکنند.[1]

در پایان جلسه رأی اعتماد، نمایندگان مجلس آرای خود را به وزرای پیشنهادی اعلام کردند. درنهایت، غلامرضا آقازاده با ۱۴۶ رأی موافق، ۶۵ رأی مخالف و ۴۷ رأی ممتنع توانست بر صندلی وزارت نفت تکیه زند. خواننده محترم چنانچه به مشروح مذاکرات مجلس در آن تاریخ مراجعه کند، فهرست نمایندگان مخالف و موافق را مشاهده می‌کنند که دز بین موافقان، سرانی از جناح چپ حضور دارند و در بین مخالفان نیز شخصیت‌هایی از جناح راست دیده می‌شوند.[2] آقازاده هرچند با پشتوانه آرای جناح چپ برگزیده شد، لیکن در طول دوازده سال خدمت در رفتار سازمانی و اندیشه‌های راهبردی، از خود چهره یک تکنوکرات آرام و بدون هیاهو در افکار عمومی و جامعه نفتی کشور ترسیم کرد. بسیاری درباره او قضاوت کردند: او وزیری بی‌حاشیه بود.

با آغاز وزارت آقازاده دیپلماسی نفتی در راستای فروش بیشتر نفت فعال شد. در طول چهار سال بعدی، سفرهای متعددی از سوی وزیر نفت، معاونان، هیئت‌های امور بین‌الملل به کشورهای مختلف صورت گرفت. همچنین، از سفرا، وزرای نفت و هیئت‌های اقتصادی کشورهای غربی و آسیایی برای سفر به تهران دعوت به عمل آمد. می‌توان گفت دیپلماسی نفتی در این چهار سال، در مقایسه با دوره قبل، بسیار فعال‌تر بود.

آقازاده در نخستین ماه وزارتش، با برگزاری کنفرانس بین‌المللی رادیویی ـ تلوزیونی ـ مطبوعاتی که در ۱۱ آذر ۱۳۶۴ و با حضور خبرنگاران داخلی و خارجی انجام شد، تلاش کرد تا آرا و سیاست‌هایش را شفاف‌تر به خریداران نفت ایران برساند. او استراتژی خود درباره اوپک، قیمت نفت، حملات دشمن بعثی، گسترش دیپلماسی نفتی، نقش درآمد و

۱. مذاکرات مجلس شورای اسلامی، جلسه ۱۸۶، ۶ آبان ۱۳۶۴.

۲. موافقان: اسحاق جهانگیری، صادق خلخالی، رسول منتجب‌نیا، مهدی کروبی، هاشمی رفسنجانی، محمدرضا راه‌چمنی، سیدمحمود دعائی، هادی غفاری، سیدهادی خامنه‌ای؛ مخالفان: اسدالله بدامچیان، علی مطهری، موحدی ساوجی، سیدرضا زواره‌ای، سیدمحمد خامنه‌ای، محمد یزدی، محمدرضا باهنر.

تولید و صادرات نفت در دفاع مقدس، تنوع بخشیدن به مبادی صادرات نفت و تعهد در قبال مشتریان را تشریح کرد.

در سال‌های جنگ، آقازاده با هیئت‌های بلندپایه و همتایان بین‌المللی خود دیدارهای متعددی داشت. ازجمله، ۱۲ بهمن ۱۳۶۴، آقازاده با زانوی، سفیر ونزوئلا در تهران، دیدار کرد. روز بعد، با کرنینکو، قائم‌مقام وزارت خارجه شوروی، که در رأس هیئتی به ایران آمده بود، ملاقاتی داشت. کاهش قیمت نفت از سوی تولیدکنندگان غیراوپک موضوع اصلی این ملاقات‌ها بود.[۱] فروردین ۱۳۶۵، ویتنس مانگونده، وزیر خارجه زیمبابوه، در رأس هیئتی وارد ایران شد و ازجمله با وزیر نفت ایران ملاقات کرد. طرف ایرانی در این ملاقات، آمادگی خود را برای کمک‌های فنی و تخصصی به زیمبابوه اعلام کرد.[۲] دیدار وزرای نفت ایران و سوریه در تهران و دیدار هیئت بلندپایه غنایی با وزیر نفت ایران نیز در سال ۱۳۶۶ در راستای دیپلماسی نفتی آقازاده صورت گفت. ملاقات‌های دیپلماتیک نفتی به‌تدریج افزایش یافت. وزیر بازرگانی بنگلادش در خرداد ۱۳۶۶ وارد تهران شد و قرارداد خرید ۱/۵ میلیون بشکه نفت را امضا کرد. وزیر خارجه یونان نیز در تهران با آقازاده به گفتگو نشست و طرفین قرارداد خرید ۸۵۰ هزار تن نفت‌خام به مدت یکسال را امضا کردند. سفیر جدید ژاپن در تهران نیز با وزیر نفت ملاقات کرد. این ملاقات در ابعاد گسترده رسانه‌ای شد تا دیگر کشورهای مصرف‌کننده را به رقابت وادارد.[۳]

وزیری آرام و شکیبا

غلامرضا آقازاده متولد ۱۳۲۷ در خوی، فارغ‌التحصیل دو رشته ریاضی و کامپیوتر است و پیش از انقلاب اسلامی در امریکا تحصیل می‌کرد. او با پیروزی انقلاب به حزب جمهوری اسلامی پیوست و در دولت میرحسین موسوی معاونت اجرایی را بر عهده گرفت. در آبان ۱۳۶۴ به طبقه پانزدهم وزارت نفت راه یافت. آقازاده چارچوب و خط‌مشی تقریباً روشن و مشخصی داشت و به‌طور منظم می‌کوشید در قالبی که نظام برایش تعریف کرده، حرکت کند. نیروهای جدید از وزارت بازرگانی، صنایع و سازمان برنامه وارد وزارت نفت شدند، امری که مهندس آیت‌اللهی از آن چنین یاد می‌کند: «آقازاده درحقیقت یک تکنوکرات خوب بود و سعی داشت از متخصصان خوب نیز استفاده کند.»[۴]

۱. پیک نفت، شماره ۲۰۹، اسفند ۱۳۶۴.

۲. پیک نفت، شماره ۲۱۰، فروردین و اردیبهشت ۱۳۶۵.

۳. پیک نفت، شماره ۲۲۳، تیر ۱۳۶۶.

۴. مصاحبه با محمدصادق آیت‌اللهی، پروژه تاریخ نفت ایران، ۱۳۹۴.

او صبور، ساکت، بی‌حاشیه و فن‌گرا بود. هرچند در ماه‌های نخست به سبب کاهش جهانی قیمت نفت، نتوانست میزان فروش نفت را افزایش دهد، اما گروه قدرتمندش طی سال‌های بعد توانستند ساختار بازاریابی و فروش وزارت نفت را سامان دهند. ۱۲ سال مدیریت آقازاده بر صنعت نفت کشور، نتایج مطلوب و ثمربخشی به دنبال داشت: تغییرات ساختاری، افزایش دانش فنی، ورود تکنولوژی، توسعه میدان‌های نفتی، قدرتمندی روزافزون شرکت ملی حفاری و از همه مهم‌تر افزایش تولید نفت توسط مردان مناطق نفت‌خیز جنوب بود.

آقازاده بخش امور بین‌الملل و فروش نفت را با جذب مدیران جدید تقویت کرد. کاظم پور اردبیلی و مدیران دیگر از وزارت‌های بازرگانی و اقتصاد به کمک او شتافتند تا تحولی جدید در بازاریابی ایجاد کنند.

با آمدن آقازاده چهره‌های جدیدی وارد وزارت نفت شدند تا سیاست‌های جدید را عملیاتی کنند. بهمن ۱۳۶۴، محمدهادی نژادحسینیان هیئت‌مدیره شرکت نفت فلات قاره و حسین کاظم‌پور اردبیلی با حفظ سمت، رئیس هیئت‌مدیره شرکت ملی نفتکش شد. اواخر بهمن ماه نیز این انتصاب‌ها در مناطق نفت‌خیز صورت گرفت: محمدرضا شماسی به سمت معاون فنی، محمدرضا نادری به سمت معاون عملیاتی، غلام‌حسین نوذری به سمت رئیس اداره کل حراست، محمد گذاری به سمت رئیس بازرسی و ارزیابی، سیف‌الله جشن‌ساز به سمت هماهنگ‌کننده عملیات حراست. اسفند ۱۳۶۴ نیز مهندس خائفی به ریاست گزینش منصوب گردید.[۱]

آقازاده از مدیران مناطق نفت‌خیز مصرانه و پیاپی می‌خواست؛ میزان تولید نفت را افزایش دهند. مناطق نفت‌خیز در ۱۰ آذر ۱۳۶۴ موظف شد برنامه افزایش تولید نفت به میزان ۳/۵ میلیون بشکه در روز را برای اول سال ۱۳۶۵ بررسی و به شرکت ملی نفت ارائه کند.[۲]

تعیین اولویت‌ها

تأمین درآمد کشور از طریق فروش بیشتر نفت که چند بار با کاهش قیمت مواجه گردید؛ گسترش عملیات اکتشافی و عملیات توسعه‌ای میدان‌های نفتی؛ فعال نگهداشتن دیپلماسی نفتی؛ گسترش شبکه گاز خانگی؛ بر پا نگهداشتن پالایشگاه‌ها و مقدمات اجرایی تأسیس پالایشگاه اراک، مطالعه و اجرای واحدهای پتروشیمیایی جدید مهم‌ترین

۱. پیک نفت، شماره ۲۱۰، فروردین و اردیبهشت ۱۳۶۵، ص ۴۵.

۲. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۴۷۱، ۱۳۶۴/۹/۱۰.

اولویت‌های آقازاده تا پایان جنگ بود.

در آذر سال ۱۳۶۴ جلسه‌ای با حضور مدیران نفتی، به ریاست آقازاده برگزار شد. در این جلسه که بوترابی، رضاقلی، آقایی، شریفیان، محمدنژاد، کوفجان، مستأجران، تولایی، نصیر، کاظم‌پور اردبیلی، کدیور، نراقی، مدیرعامل شرکت ملی گاز، طاهری، مدیرعامل شرکت ملی صنایع پتروشیمی، مقدم و همراهانش از مرکز پژوهش، چله مال‌زاده، عامری و خواجه‌نوری از مناطق نفت‌خیز حضور داشتند، وزیر نفت بر اجرا و تکمیل طرح‌های عمرانی مهم و حیاتی که بر اقتصاد کشور تأثیر زیادی داشت، تأکید و سپس اولویت‌های سال ۱۳۶۵ وزارت نفت را اعلام کرد و از مدیران مربوطه خواست، برنامه‌های عملی این طرح‌ها را تهیه کنند و به شرکت ملی نفت ارائه دهند: ۱. طرح گازرسانی به شهرهای مختلف؛ ۲. طرح گسترش پتروشیمی شیراز؛ ۳. طرح توسعه میدان‌های گازی فارس شمالی؛ ۴. طرح احداث پالایشگاه هفتم؛ ۵. طرح گاز طبیعی نار ـ کنگان.[۱]

تداخل وظایف

شرکت نفت فلات قاره، شرکت ملی حفاری و مناطق نفت‌خیز در کنار مدیریت اکتشاف و تولید، شرکت‌هایی بودند که پس از انقلاب شکل گرفتند، اما تداخل وظایف و حوزه‌های کاری این شرکت‌ها، موجب بروز اختلافاتی میان آن‌ها شد، از این رو شرکت ملی نفت در وهله اول برای سهولت کارها و جلوگیری از تداخل وظایف بخش‌های مختلف، تصمیم گرفت امور مالی مربوط به حقوق کارمندان، حسابداری نفت، حسابداری اموال و دارایی‌ها و کنترل اسناد کامپیوتری عملیات نفت‌خیز ـ که در گذشته از سوی حسابداری پالایشگاه آبادان انجام می‌گرفت ـ از اول فروردین ۱۳۶۰ از این پالایشگاه جدا شود و بر عهده مناطق نفت‌خیز قرار گیرد.[۲] با افزایش اختیارات مناطق نفت‌خیز که بر سپهر میادین نفتی کشور نظارت داشت و برای آنها تصمیم‌گیری می‌کرد، به‌تدریج تداخل وظایف با مدیریت اکتشاف و شرکت نفت فلات قاره بیشتر شد.

در اردیبهشت ۱۳۶۵ از مدیران شرکت نفت فلات قاره، شرکت ملی حفاری و مناطق نفت‌خیز در کنار مدیریت اکتشاف و تولید، خواسته شد طبیعت کار و حدود وظایف خود را بررسی و به هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت گزارش دهند.[۳] در تابستان ۱۳۶۵ حوزه وظایف هر یک از شرکت‌ها به‌ویژه در خلیج‌فارس تدوین و به آنها ابلاغ شد؛ اما مناطق

۱. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۴۶۹، ۱۳۶۴/۹/۳.
۲. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۱۸۲، ۱۳۶۰/۲/۲۰.
۳. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۵۰۸، ۱۳۶۵/۲/۷.

نفت‌خیز جنوب هنوز دست بالا در تصمیم سازی‌ها داشت. این تداخل وظایف باعث شد در سال ۱۳۷۰ سه مدیریت اکتشاف، خشکی و دریایی جایگزین ساختار قبلی شوند. با آمدن بیژن زنگنه به وزارت نفت، ساختار تغییر کرد که در فصل مربوطه بدان اشاره می‌شود..

مناطق نفت‌خیز زیر بمباران

مناطق نفت‌خیز چه در زمان وزارت غرضی و چه آقازاده، هویتی پیشران داشت. اکثریت حجم تولید نفت کشور به عهده مناطق نفت‌خیز جنوب بود و هر تغییر و تحولی در آن با حساسیت پایتخت مواجه می‌گشت.

محمدحسن تولایی و محمدجواد عاصمی‌پور در بیشتر سال‌های جنگ مدیریت مناطق نفت‌خیز جنوب را بر عهده داشتند. قبل از آن، بهمن سروشی مدت کوتاهی مناطق نفت‌خیز را اداره کرد. تولایی در اواخر سال ۱۳۶۰ به مدیریت مناطق نفت‌خیز منصوب شد. او در مصاحبه‌ای گفت:

> خبر انتصابم را از رادیو شنیدم. به من اصلاً پیشنهاد ندادند. از رادیو متوجه شدم آقای محمد فروزنده استاندار خوزستان شد و برای من هم حکم مدیریت مناطق صادر شده است. کار بسیار خوب پیش رفت. به قدری فعالیت جذاب بود که متوجه سپری شدن ماه‌ها نمی‌شدیم. مناطق نفت‌خیز یعنی کار، یعنی تلاش و خدمت. تأسیسات زیر بمباران قرار داشت و ما تلاش می‌کردیم که خسارت‌ها حداقلی شود. بعد از بمباران تأسیسات خارگ، دولت از من خواست ترتیبات ویژه‌ای اتخاذ شود که صادرات نفت قطع نگردد. در دولت طرحی بود که با احداث خطلوله طولانی نفت از اهواز به‌جای خارگ، به بندر جاسک منتقل شود... زمانی که متوجه طرح شدم، ضمن مخالفت با آن تأکید کردم این طرح هم زمان‌بر است و هم هزینه‌زا... درنهایت، طرحی دادم تا خطلوله به بندر طاهری کشیده شود تا نیاز آتی ما برطرف گردد. چون ماه محرم بود، نام پروژه را محرم گذاشتیم. قرار شد ۳۶ کیلومتر خط دریایی کشیده شود همراه با دو خط عمودی که به SPMها وصل گردد... با وجود راه‌اندازی طرح، از SPMها استفاده نشد.[۱]

تولایی، رفتن خود از مناطق نفت‌خیز را شرح داد و گفت:

> من نرفتم و نمی‌خواستم هم بروم، اما بعد از اینکه آقای غرضی از وزارت نفت رفت، آقای آقازاده، وزیر جدید، با من همراهی نکردند و خواستند من از مناطق نفت‌خیز جنوب به

۱. هندسه نفت در مناطق نفت‌خیز جنوب، جلد اول، صص ۹۴-۹۶، همچنین، مصاحبه با محمدحسن تولایی، پروژه تاریخ نفت ایران، ۱۳۹۴.

شرکت ملی گاز بروم و مدیرعامل آنجا شوم.[۱]

محمدجواد عاصمی‌پور پس از رفتن تولایی سکان مناطق نفت‌خیز جنوب را برعهده گرفت. آقازاده که آمد، فروش نفت مهم‌ترین اولویت دولت و وزارت نفت شد. در بیشتر جلسات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت، یکی از مدیران مناطق نفت‌خیز حضور داشت که این خود از اهمیت این مدیریت حکایت می‌کرد. عاصمی‌پور که تا پایان جنگ، مدیریت مناطق نفت‌خیز جنوب را بر عهده داشت، تمام تلاشش را بر محافظت از تأسیسات نفتی که تحت شدیدترین حملات نیروهای دشمن قرار داشت، متمرکز کرده بود. در این سال‌ها مناطق نفت‌خیز، با وجود بمباران‌های مکرر، یاری‌رسان جبهه‌ها شد و بیمارستان‌ها، خودروها، خطوط لوله ۵۶ اینچ برای ساخت پل‌های شناور، سیستم کامپیوتری و... را در اختیار نهادهای نظامی قرار داد.[۲]

عاصمی‌پور که یکی از افتخارات زندگی خود را خدمت در مناطق نفت‌خیز می‌داند، زمانه خود را چنین شرح داد:

> زمانی که من در مناطق بودم، اوج تأمین مدیریت پایدار در نفت جریان داشت و بیشتر مدیرانی که در چند سال اخیر سکان‌دار نفت بوده و برخی دیگر که هنوز هم هستند، محصول آن دوره‌اند... بمباران‌ها در نفت بسیار خطرناک بود. مانند آن نیست که در جنگ گلوله شلیک شود. یک مخزن پروپان معادل با ۵ بمب پانصد پوندی بود. شرایط ویژه‌ای در نفت حاکم بود و همه دست‌به‌دست هم فعالیت می‌کردیم. زمانی که می‌خواستیم واحدهای نفتی را استتار کنیم، کل واحد ترابری سپاه را مأمور کردند در انتقال شن و ماسه به ما کمک کنند. همین امر باعث شد تا تأسیسات ما بدون وارد شدن خسارتی به کار خود ادامه دهند... بسیاری از توربین‌ها را برای مصون ماندن از هر حمله‌ای، زیرزمین مخفی کردیم. گوره را از مدار انتقال و سیستم خارج کردیم. سنگرسازی‌ها را با استاندارد بالا در دستور کار قرار دادیم. همه اینها مؤید این مطلب است که مناطق نفت‌خیز حافظ همه تأسیسات نفتی کشور بود. درباره طرح محرم، که پس از بمباران خارگ در دستور کار خود قرار گرفت و شامل پنج زیر پروژه بود، در زمانه مدیریت من بر مناطق ابلاغ شد و من مخالفت کردم.[۳]

---

۱. هندسه نفت در مناطق نفت‌خیز جنوب، جلد اول، ص ۹۴.

۲. هندسه نفت در مناطق نفت‌خیز جنوب، جلد اول، ص ۱۰۳.

۳. هندسه نفت در مناطق نفت‌خیز جنوب، جلد اول، صص ۱۰۶-۱۰۸.

طرح محرم؛ واکنشی به بمباران‌ها

با بمباران‌های پی‌درپی پایانه‌های نفتی به‌ویژه خارگ و مناطق حساس نفتی توسط عراق که هدف آن جلوگیری از صادرات نفت ایرا ن بود، کارشناسان پروژه‌ی **طرح محرم** را تعریف کردند. طبق این پروژه، قرار شد چند گوی شناور با فاصله از ساحل در دریا قرار داده شود که با زنجیر و تسمه محکم به کف دریا متصل گردد. این گوی‌ها نقش پایانه‌های نفتی را ایفا می‌کردند. از سوی دیگر، قرار شد خط لوله‌ای تا منطقه مکران کشیده شود تا در دوردست‌ترین نقطه در نزدیکی تنگه هرمز کشتی‌ها بتوانند نفت را حمل کنند. از این دو پروژه، اولی به اجرا درآمد، ولی دومی بعد از مدتی رها شد و بعدها به‌عنوان خط لوله آب توسط روستاییان و شهرهایی که در مسیر آن قرار داشتند، مورد استفاده قرار گرفت.

به‌این‌ترتیب، در شب تاسوعای سال ۱۳۶۴ طرح محرم شکل گرفت. محمدحسن تولایی که در آن زمان مدیرعامل مناطق نفت‌خیز جنوب بود، می‌گوید: «طرح محرم را من نام‌گذاری کردم و با این قسمت از طرح هم که تا بندر طاهری خطلوله احداث شود، موافق بودم، اما ادامه آن را پرهزینه و زمان‌بر می‌دانستم.»[1] قرار بود با بهره‌برداری از طرح محرم روزانه ۱/۵ تا ۲ میلیون بشکه نفت‌خام از طریق خطوط لوله به بندر طاهری منتقل شود. طرح محرم، ۵ زیر پروژه بود که ۴ پروژه آن، احداث دو خطلوله ۵۶ اینچی از گچساران به بندر طاهری را شامل می‌شد. به این صورت که حدود ۱/۵ الی ۲ میلیون بشکه نفت انتقال داده شود و از آنجا توسط دو خطلوله، به بندر طاهری ـ که در آن زمان خارج از برد هواپیماها و موشک‌های عراقی قرار داشت ـ منتقل شود. پروژه پنجم، استقرار گوی‌های شناور (SPM) در نزدیکی گناوه بود تا از این طریق نفت را به کشتی‌ها برساند. نفتکش‌ها پس از اتصال به گوی، این امکان را داشتند که در حین بارگیری با شعاع مشخص، دور گوی بچرخند و از حالت هدف ثابت و آسان خارج شوند و مصونیت بیشتری پیدا کنند. به‌این‌ترتیب، کشتی‌ها به‌جای خارگ، به گناوه می‌رفتند تا اسکله‌های خارگ از زیر فشار دشمن خارج و بازسازی شوند.

این طرح مخالفان زیادی داشت، ازجمله سیدمحمد غرضی، وزیر نفت وقت، از مخالفان اصلی آن بود. از نظر او این طرح نه توجیه اقتصادی داشت و نه نظامی[2]، اما با رفتن غرضی، اجرای طرح در اولویت برنامه‌های وزارت و شرکت ملی نفت قرار گرفت. حملات مداوم به خارگ و ضرورت صادرات روزانه ۱/۲ میلیون بشکه نفت‌خام از طریق خطلوله

۱. مصاحبه با محمدحسین تولایی، پروژه تاریخ نفت.ایران، ۱۳۹۴.

2. http://jknews.ir

طرح محرم، شرکت را ناگزیر کرد که اجرای طرح را سرعت بخشد. در آن شرایط، فرصتی برای برگزاری مناقصه نبود، لذا طراحی و مهندسی، تأمین اجناس موردنیاز و احداث خطلوله طرح محرم به دو شرکت سایپم و دایلم سپرده شد.[۱] شرکت کره‌ای «دایلم» مورد اعتماد شرکت ملی نفت بود و اجرای طرح پالایشگاه گازی کنگان را نیز بر عهده داشت.

۸ دی از پیمانکاران خواسته شد، نصب لوله ۴۸ اینچ را هرچه سریع‌تر اجرایی کنند. همان روز پروژه ذخیره‌سازی مایعات گازی در بندر طاهری که قبلاً بر عهده طرح کنگان بود، در اختیار طرح محرم قرار گرفت[۲]، اما از آنجا که تأمین اعتبار طرح فراتر از توان شرکت ملی نفت و هزینه اجرای آن سنگین‌تر از آن بود که از منابع داخلی شرکت فراهم شود، مدیران شرکت تصمیم گرفتند گزارش مالی طرح را تهیه و به مقامات کشور ارائه دهند تا اقدامات لازم برای تأمین اعتبار مالی موردنیاز انجام شود.[۳]

هزینه اجرای طرح بسیار سنگین بود و برآوردها به ۲/۵ میلیارد دلار می‌رسید. از سوی دیگر، بندر طاهری و گناوه امنیت نداشتند و در تیررس حملات دشمن بودند، ضمن اینکه دشمن به تکنولوژی روز دسترسی داشت و هدف ثابت و متحرک برای او تفاوتی نداشت و این سلاح‌های پیشرفته می‌توانستند کشتی‌هایی را که به دور گوی‌های شناور می‌چرخیدند، به‌آسانی مورد هدف قرار دهند که مجموعه این عوامل، طرح محرم را زیر سؤال می‌برد. لذا در ۲۱ فروردین سال ۱۳۶۵ شرکت ملی نفت توقف پروژه محرم را اعلام کرد و دستور نخست‌وزیر نیز بر این تصمیم صحه گذاشت. شرکت ملی نفت از مجری طرح محرم خواست هرچه سریع‌تر توقف پروژه را به شرکت سایپم و توقف عملیات لوله‌گذاری پالایشگاه کنگان ـ بندر طاهری را به شرکت دایلم اطلاع دهد.[۴]

آقای اژدری، مجری طرح کنگان، در گفتگویی با ما تأیید کردند پس از توقف طرح، خطلوله‌ای که برای انتقال نفت در نظر گرفته شده بود، به خطلوله آب بدل شد.

از طاهری تا جاسک

چنان‌که گفتیم، در ابتدای سال ۱۳۶۵ طرح محرم با دستور نخست‌وزیر ملغی شد. در پایان سال ۱۳۶۶، شرکت ملی نفت این طرح را به شرکت امور مهندسی و ساختمان

۱. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۴۶۹، ۱۳۶۴/۹/۳.
۲. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۴۷۹، ۱۳۶۴/۱۰/۸.
۳. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۴۸۱، ۱۳۶۴/۱۰/۱۵.
۴. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۵۰۳، ۱۳۶۵/۱/۲۱.

واگـذار کـرد. قـرار شـد بودجـه ایـن طـرح از محـل اعتبـارات شـرکت ملـی نفـت تأمیـن شـود.[۱]

جنـگ تحمیلـی بـا پذیـرش قطعنامـه در تیـر ۱۳۶۷ بـه پایـان رسـید. بـا پایـان جنـگ، انتقـال نفت‌خـام از بنـدر صادراتـی خـارگ بـدون مشـکل ادامـه یافـت و اجـرای طـرح محـرم مسـکوت مانـد. در واقعیـت عینـی زندگـی روزمـره «تاریـخ تکـرار نمی‌شـود» و آوردن عنـوان بـالا تنهـا بـرای خاطرنشـان کـردن اقدامـات مشـابه در وضعیت‌هـای مختلـف اسـت. طـرح محـرم صرفـاً بـه دلیـل خـروج از وضعیـت انحصـاری مبـدأ صادراتـی خـارگ طراحـی شـد. بمباران‌هـای دشـمن، ایـن پایانـه صادراتـی را ناامـن کـرده بـود. کارشناسـان در آن زمـان بـه منطقـه مکـران ـ جاسـک، پـس از تنگـه هرمـز، چشـم دوختـه بودنـد تـا نفتکش‌هـای بـزرگ بـا امنیـت بیشـتر بارگیـری کننـد. زمانی‌کـه صلـح برقـرار شـد و تـا همیـن اواخـر کسـی بـاور نداشـت وضعیـت فـروش نفـت همچـون زمـان جنـگ شـود. سـه دهـه بعـد، شـرایط سیاسـی در اوج تحریم‌هـا طـوری رقـم خـورد کـه شـرکت ملـی نفـت طـرح خطلولـه گـوره تـا جاسـک را آغـاز کـرد. ایـن طـرح در سـال ۱۳۹۷ جـان گرفـت و تـا بهمـن ۱۳۹۹ بالـغ بـر ۷۰ درصـد پیشـرفت داشـت.

حمله بـه میدان های نفتی فلات قاره

رسالت و رشادت زیر آتش

سـال‌های ۱۳۶۴ و ۱۳۶۵، اوج بـه جنـگ دریایـی بـود و بـه جنـگ نفتکش‌هـا معـروف اسـت. عـراق دامنـه جنـگ را هرچـه بیشـتر بـه سـمت خلیج‌فـارس گسـترش داد تـا بـا ایجـاد مانـع در صـدور نفـت، فشـار مضاعفـی بـه ایـران وارد کنـد. ابتـدا چاه‌هـای منطقـه نـوروز و سـپس بهـرگان و خـارگ مـورد حملـه قـرار گرفـت. خـرداد و مـرداد ۱۳۶۵ سـکوهای نفتـی رسـالت و سـپس رشـادت هـدف حملـه قـرار گرفـت. سـکوی رشـادت روزانـه ۲۰ تـا ۳۰ هـزار نفت‌خـام تولیـد می‌کـرد. شـدت آسـیب بـه سـکو بـه حـدی بـود کـه تولیـد نفـت متوقـف شـد و از سـکو فقـط بخـش مسـکونی، حفـاری و توربیـن باقـی مانـد. درحالی‌کـه کارشناسـان متعهـد فلات‌قـاره در آن شـرایط سـخت مشـغول بازسـازی سـکوها بودنـد، تأسیسـات خشـکی در جزیـره لاوان مـورد حملـه قـرار گرفـت و خسـارت زیـادی بـه بـار آمـد.

حمله به سلمان، عملیات آخوندک

میـدان سـلمان در ۱۴۴ کیلومتـری جنـوب جزیـره لاوان قـرار دارد. در دو سـال پایانـی جنـگ چنـد بـار مـورد هجـوم هواپیماهـای عراقـی قـرار گرفـت کـه شـدیدترین حملـه در ۲۳ آبـان

۱. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۶۴۶، ۱۳۶۶/۱۲/۸.

۱۳۶۵ بـه وقـوع پیوسـت. در ایـن حملـه، محمـد هـادی نیـک (کـه از سـکوی نـوروز مأمـور شـده بـود تـا روی چاه‌هـای سـلمان کار کنـد)، علی‌اکبـر اصغرنـژاد و حسـین لطفـی بـه شـهادت رسـیدند.[۱] بخش‌هایـی از سـازه سـکوی بهره‌بـرداری شـماره یـک و اتـاق کنتـرل در سـکوی تسـهیلات آسـیب جـدی دیـد.[۲] مراسـم یـاران شـهید در جزیـره لاوان برگـزار شـد و محمـد آقایـی، مدیرعامـل شـرکت نفـت فـلات قـاره، بـه همـراه اعضـای هیئت‌مدیـره در مراسـم حضـور داشـت.

هنـوز بازسـازی سـکوی بهره‌بـرداری بـه پایـان نرسـیده بـود کـه ۲۸ فروردیـن ۱۳۶۷ سـه فرونـد ناوچـه امریکایـی از سـه طـرف بـه سـکوی سـلمان نزدیـک شـدند و چنـد سـاعت بعـد محـل را تـرک کردنـد. سـاعت ۷ صبـح روز بعـد، ناگهـان دو فرونـد ناوشـکن یـواس‌اس مریـل و یـواس‌اس لینـد مـک کورمیـک، یـک فرونـد کشـتی عملیـات آبـی خاکـی بـه همـراه چنـد فرونـد بالگـرد تهاجمـی کبـرا سـکوی سـلمان را محاصـره و پیامـی بـه زبـان فارسـی بـه سـکو مخابـره کردنـد: «ایـن یـک هشـدار اسـت. ظـرف مـدت ۵ دقیقـه بـه وقـت شـارجه سـکو را تخلیـه کنیـد.» هم‌زمـان گـروه دیگـری کـه شـامل یـک نـاو موشـک‌انداز و دو ناوچـه بـود بـه سـیری نزدیـک شـدند و پیامـی مشـابه بـه کارکنـان سـکوی نصـر مخابـره کردنـد. به‌سـرعت ایـن جریـان بـه رؤسـای منطقـه لاوان و سـیری و نیـروی دریایـی ارتـش اطـلاع داده شـد. عبـاس وکیـل علی‌آبـادی رئیـس منطقـه لاوان بـود و پرویـز آجودانـی رئیـس منطقـه سـیری. آنهـا بـا ابوالقاسـم حسـنی، مدیـر عملیـات شـرکت نفـت فـلات قـاره، تمـاس گرفتنـد و گفتنـد امریـکا از هـوا و دریـا آمـاده حملـه بـه سـکوها اسـت. بلافاصلـه آقایـی و سـپس آقـازاده، وزیـر نفـت، در جریـان امـر قـرار گرفتنـد. از کارکنـان خواسـته شـد بلافاصلـه سـکوها را تـرک کننـد، امـا سـربازانی کـه از سـکو محافظـت می‌کردنـد، باقـی ماندنـد و بـه شـهادت رسـیدند.

در همیـن فاصلـه، حملـه همه‌جانبـه‌ای آغـاز شـد و امریکایی‌هـا بـه روی سـلمان و نصـر آتـش گشـودند و طـوری سـگوها را گلوله‌بـاران کردنـد کـه دیگـر قابـل بازسـازی نباشـد. از سـوی دیگـر، نیـروی دریایـی ایـران بـا ناوچـه هـای سـهند و سـبلان و قایـق توپـدار جوشـنبه سـمت سـکوی نصـر رفـت و جنگـی تمام‌عیـار آغـاز شـد. ناوچـه سـهند و قایـق جوشـن غـرق شـدند. سـبلان از کار افتـاد و بـا کمـک یدک‌کـش بـه بندرعبـاس منتقـل گردیـد. تلفـات شـدیدی بـه نیـروی دریایـی ایـران وارد و تعـداد زیـادی کشـته و مجـروح شـدند. بهانـه امریـکای یهـا بـرای حملـه بـه نصـر و سـلمان حادثـه برخـورد ناوچـه موشـک‌انداز امریکایـی یواس‌سـاموئل بـی

۱. مصاحبه با سهراب علایی، کارمند پیشکسوت شرکت نفت فلات قاره ایران، ۱۳۹۶.

۲. مصاحبـه بـا عبدالعلـی وفایی‌نـژاد، رئیـس برنامه‌ریـزی و هماهنگـی عملیـات بنـدری دریایـی و حمل‌ونقـل شـرکت نفـت فـلات قـاره، دی ۱۳۹۶.

رابرتـز بـا یـک میـن دریایـی و غـرق شـدن ایـن ناوچـه بـود. امریکایی‌هـا مدعـی بودنـد ایـن میـن توسـط کشـتی بـاری ایـران اجـر کار گذاشـته شـده اسـت، ایـن ادعـا توسـط مقامـات ایـران رد شـد و امریکایی‌هـا هرگـز نتوانسـتند آن را ثابـت کننـد.

مشکلات ارزی و سوختی

بـا اوج‌گیـری حمـلات عـراق بـه مناطـق نفتـی کشـور، بسـیاری از تأسیسـات به‌شـدت آسـیب دیـد. شـرکت ملـی نفـت ناگزیـر برنامـه ارسـال سـوخت بـه کشـور را تغییـر داد و از شـرکت‌های تابعـه خواسـته شـد بـا تلاش‌هـای شـبانه‌روزی، اقدامـات لازم بـرای تأمیـن روزانـه فراورده‌هـای نفتـی را فراهـم و در کوتاه‌تریـن زمـان ممکـن تأسیسـات آسـیب‌دیده را بازسـازی کننـد.[۱]

اعضـای هیئت‌مدیـره از وزیـر نفـت خواسـتند در نامـه‌ای بـه مقامـات عالی‌رتبـه کشـور، مشـکلات نرسـیدن احتمالـی فـراورده بـه داخـل کشـور یـا قطـع خـوراک و از کار افتـادن پالایشـگاه‌ها را اطـلاع دهـد. شـرکت نفـت، همچنیـن خواسـتار دفـاع مؤثرتـری بـرای تأسیسـات تلمبه‌خانه‌هـا، پالایشـگاه‌ها و سـایر تأسیسـات نفتـی شـد.[۲] در پـی ایـن درخواسـت، یـک یـگان پدافنـد هوایـی بـه سیسـتم دفاعـی افـزوده شـد، امـا در حمـلات وحشـیانه جنگنده‌هـای رژیـم بعـث، ۸ نفـر از کارکنـان صنعـت نفـت مجـروح شـدند.

سـال ۱۳۶۵ افـت شـدید قیمـت نفـت، کشـور را بـا مشـکلات بسـیاری روبـه‌رو کـرد. قیمـت نفـت از بشـکه‌ای ۲۷ دلار در سـال ۱۳۶۴ بـه بشـکه‌ای ۹ دلار در سـال ۱۳۶۵ رسـید. تحریـم نفـت از سـوی برخـی از خریـداران و حمـلات مـداوم عـراق بـه کشـتی‌های نفتکـش و پایانه‌هـای نفـت ایـران، صـادرات نفـت را بـا مشـکل مواجـه سـاخته بـود. مجموعـه ایـن عوامـل منجـر بـه کمبـود نقدینگـی شـدید در سـال ۱۳۶۵ شـد کـه تـا پایـان جنـگ ادامـه داشـت.

در فروردیـن ۱۳۶۵ شـرکت ملـی نفـت جلسـه فوق‌العـاده‌ای بـا حضـور کارشناسـان شـرکت ملـی صنایـع پتروشـیمی، شـرکت ملـی گاز، شـرکت نفـت فـلات قـاره و مناطـق نفت‌خیـز برگـزار کـرد. از مدیـران خواسـته شـد در کمتریـن زمـان ممکـن بودجه‌هـای جـاری خـود را حداقـل بـه مقـدار ۱۰ درصـد کاهـش دهنـد. همچنیـن، بودجه‌هـای ارزی خـود را تعدیـل و اصـلاح کننـد و اصلاحـات را بـرای بررسـی بـه کمیسـیون مربوطـه ارائـه دهنـد.[۳] شـرکت ملـی نفـت از مناطـق نفت‌خیـز جنـوب و شـرکت نفـت فـلات قـاره خواسـت تمامـی امکانـات خـود را بـرای افزایـش تولیـد نفت‌خـام بـه کار گیرنـد. اگرچـه بـرای کاهـش هزینه‌هـا، بایـد حداکثـر تصفیـه نفت‌خـام

۱. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۵۰۲، ۱۳۶۵/۱/۱۷.
۲. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۵۰۲، ۱۳۶۵/۱/۱۷.
۳. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه فوق‌العاده، ۱۳۶۵/۱/۲۰.

در داخل کشور انجام می‌شد، اما به برخی از پالایشگاه‌ها آسیب‌های جدی وارد شده بود و قرار شد با اجازه وزیر نفت، ذخیره فراورده‌های نفتی و نیازهای داخلی از طریق تصفیه در خارج از کشور جبران شود.[۱]

شرکت مهندسی ساختمان صنایع نفت (سهامی خاص)

اندیشه ساخت تجهیزات و برپایی کارخانه‌های جدید ضرورتی اجتناب‌ناپذیر بود که بر پایه تفکر استقلال‌خواهی و شرایط سیاسی روز (تحریم‌های نانوشته) گسترش یافت و در شکل‌های مختلف بروز و ظهور کرد. این تفکر در پتروشیمی با وادار ساختن شریک خارجی در آموزش پرسنل و قبول ساخت بخشی از تجهیزات در داخل ایران متبلور شد. در صنعت گاز، با پایان دادن به ارزان‌فروشی و گسترش شبکه گاز خانگی و ساخت تجهیزات در داخل متجلی گشت. همچنین، در بخش پالایش از ترکیب دانش کارکنان ایرانی و کمک کارشناسان خارجی محقق گردید. هر چند درباره تک‌تک برنامه‌ها مخالفت‌های اصولی مطرح شد، لیکن روند عینیت یافتن مفهوم خودکفایی با همه اشکالاتی که پس از سال‌ها درباره آن می‌بینیم به خودکفایی نسبی انجامید. ازجمله روش‌هایی که به این امر تاریخی کمک کرد ظرفیت‌سازی سازمانی بود که با تشکیل شرکت‌های جدید عملی گردید. اگر از زاویه دیگر بدان بنگریم، صنعت نفت ایران به‌تدریج از سادگی و یکپارچگی خارج شد و کثرت‌گرایی را با همه رنج و عذابی که داشت پذیرفت و این روح تاریخ بود که دستخوش تغییر می‌گشت. این مقدمه را به بهانه تشکیل شرکت مهندسی ساختمان صنایع نفت نیاورده ایم، بلکه درک نگارنده از پس اسناد آرشیوی و مکاتبات و گفتگوهای مدیران در مواجهه با مشکلات است. به هر روی، مدیران بر اساس این نگاه، بدون در نظر گرفتن اینکه چه کسی وزیر است و چه خط و ربط سیاسی دارد، به تأسیس شرکت و راه‌اندازی پروژه‌های مختلف دست یازیدند. ضرورت تأسیس شرکت مهندسی ساختمان صنایع نفت دراوایل سال ۱۳۶۵ مورد بحث و گفتگو قرار گرفت و مرداد همان سال با تأسیس آن موافقت شد.[۲]

پس از فراهم آمدن مقدمات کار، اساسنامه شرکت مهندسی ساختمان صنایع نفت (سهامی خاص) تدوین گردید و در ۱۷ شهریور از تصویب شرکت ملی نفت گذشت. این شرکت یا استقرار دفتر مرکزی آن در تهران، انجام عملیات مهندسی و طراحی و اجرای پروژه‌های صنعت نفت از قبیل خطوط لوله، تلمبه‌خانه، واحدهای پالایشگاهی، انبارهای

۱. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۵۱۸، ۱۳۶۵/۳/۱۳.

۲. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۵۳۶، ۱۳۶۵/۵/۲۳.

نفت، ساختمان‌سازی، راه‌سازی و خطوط انتقال نیروی مخابرات مربوط به پروژه‌های صنعت نفت، مخزن‌سازی، تأسیسات ساحلی و دریایی و احداث واحدهای تزریق آب و گاز را بر عهده گرفت.[۱] سال‌ها بعد که شرکت یاد شده مسئولیت توسعه برخی میادین نفتی را به عهده گرفت، کنشگران جنوب بدان اعتراض کردند.

شرکت ملی پخش فراورده‌های نفتی ایران

پخش فراورده‌های نفتی در داخل کشور همواره از دغدغه‌های مهم مدیران نفتی کشور بود. به دنبال تأسیس چند شرکت جدید، در روزهای پایانی فروردین ۱۳۶۶ هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت تصمیم گرفت سازمان امور پخش و فروش داخلی به «شرکت ملی پخش فراورده‌های نفتی ایران» تبدیل شود و در ادامه، از مدیران مربوطه خواست اساس‌نامه شرکت را تهیه کنند. همچنین قرار شد مرکز این شرکت در تهران باشد، اما نمایندگی‌هایی در داخل و خارج کشور ایجاد کند.[۲] چندی بعد یعنی در دهم مرداد ماه، سیدعلی بهشتیان به عنوان اولین مدیرعامل شرکت ملی پخش فراورده‌های نفتی ایران انتخاب شد.[۳]

شرکت سهامی تولید فراورده‌های ویژه نفتی و غیرنفتی وابسته

تأسیس شرکت‌های وابسته و تابع در سال‌های ۶۵ - ۶۶ در دستور کار شرکت ملی نفت بود و هر کدام از شرکت‌ها انجام بخشی از کارها را بر عهده داشتند. باتوجه‌به این که در آن زمان برخی از فراورده‌های نفتی هنوز در کشور تولید نمی‌شد، شرکت تصمیم گرفت برای تولید فراورده‌های ویژه نفتی و غیر نفتی وابسته که از سوی واحدهای صنعت نفت تولید نمی‌شد، شرکتی جدید به‌صورت سهامی خاص تشکیل دهد و این گونه «شرکت سهامی تولید فراورده‌های ویژه نفتی و غیرنفتی وابسته» شکل گرفت[۴] و آقایان مجید دشت ارژن به عنوان مدیرعامل و مقدم، به سمت رئیس هیئت‌مدیره شرکت انتخاب شدند.[۵]

---

۱. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۵۴۳، ۱۳۶۵/۶/۱۷.
۲. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۵۹۴، ۱۳۶۶/۱/۳۱.
۳. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۶۱۵، ۱۳۶۵/۵/۱۰.
۴. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۶۴۴، ۱۳۶۵/۱۱/۲۴.
۵. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۶۶۱، ۱۳۶۷/۳/۱۴.

شرکت حمل‌ونقل و ترخیص کالا

تأسیس شرکتی فرعی برای انجام امور ترخیص و حمل‌ونقل کالاهای شرکت‌های ملی نفت، گاز و پتروشیمی و شرکت‌های فرعی و وابسته از دیگر برنامه‌های شرکت نفت در سال ۱۳۶۸ بود. آذرماه این سال مدیران تصمیم گرفتند شرکت «حمل‌ونقل و ترخیص کالا» را با ترکیبی از مدیران نفت، گاز و پتروشیمی تشکیل دهند تا این امور سرعت بیشتری گیرد. از مدیریت امور بازرگانی خواسته شد اساسنامه شرکت را تهیه و برای تصویب به هیئت‌مدیره شرکت نفت ارائه دهد.[۱]

تهیه اساسنامه چند ماهی طول کشید و در ۲۴ مرداد ۱۳۶۹ مورد تصویب شرکت ملی نفت قرار گرفت. قرار شد مرکز اصلی شرکت در تهران باشد و شرکت بتواند شعبه‌هایی در داخل یا خارج کشور تأسیس کند. امور حمل‌ونقل زمینی، دریایی و هوایی کالاهای شرکت ملی نفت، گاز، پتروشیمی و شرکت‌های فرعی و وابسته به آن شرکت‌ها از خارج به داخل کشور و بالعکس و جابه‌جایی کالاهای مذکور در داخل کشور به‌استثنای محموله‌های نفتی و امور مربوط به ترخیص کالا از گمرکات کشور از وظایف این شرکت تعریف شد.[۲]

اولین اعضای هیئت‌مدیره شرکت در ۲۳ آبان ماه ۱۳۶۹ برگزیده شدند که شرکت ملی نفت با انتخاب آنان موافقت کرد:

> سید عبدالحسین ثابت، نائب رئیس هیئت‌مدیره و عضو اصلی، غلامعلی حاجی درویش عضو اصلی و مدیرعامل، علیرضا احمدزاده به پیشنهاد معاون وزیر در امور گاز و مجتبی خسروتاج به پیشنهاد معاون وزیر در امور پتروشیمی، اعضای اصلی، هاشم صالحی به پیشنهاد معاون وزیر در امور گاز و حسین زارعی به پیشنهاد معاون وزیر در امور پتروشیمی، اعضای علی‌البدل.

شرکت ماشین‌آلات صنایع نفت

اکتشاف، استخراج و تولید نفت در هر منطقه‌ای همواره با فعالیت‌های فرعی مانند راه‌سازی، ساختمان‌سازی، لوله‌گذاری و ... همراه است. شرکت نفت معمولاً چنین فعالیت‌هایی را به‌صورت پیمانکاری به شرکت‌های داخلی یا خارجی واگذار می‌کرد اما در پی تأسیس شرکت‌های فرعی جدید در زمینه‌های مختلف، شرکت نفت تصمیم گرفت برای پرداختن به چنین اموری شرکت جدیدی زیر نظر مدیریت مهندسی و

۱. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۷۴۸، ۱۳۶۸/۹/۲۲.
۲. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۷۸۱، ۱۳۶۹/۵/۲۴.

ساختمان ایجاد کند و به‌این‌ترتیب تأسیس «شرکت ماشین‌آلات صنایع نفت» در آخرین روز مرداد، مورد موافقت اعضای هیئت‌مدیره شرکت قرار گرفت.[۱]

خرید نفتکش؛ کشتی ژئوفیزیک

ناامنی ناشی از جنگ و خودداری نفتکش‌های خارجی از حمل نفت ایران، شرکت ملی نفت را واداشت تا در سال‌های ۱۳۶۴ و ۱۳۶۵ چند نفتکش و شناور جدید خریداری کند. پس از خرید نفتکش‌های جدید، آموزش نیروی انسانی موردنیاز در دستور کار قرار گرفت. شرکت ملی نفت از شرکت ملی نفتکش خواست در زمینه آموزش، بالا بردن کیفیت آموزشی و نیز جذب پرسنل دریایی شناورها و نفتکش‌ها تلاش بیشتری صورت دهند و همچنین با دانشگاه‌ها و مؤسسات عالی کشور برای ایجاد رشته‌های علوم دریایی مذاکره کنند تا از این طریق نیاز شرکت به نیروی انسانی آموزش دیده و متخصص برطرف شود. از سوی دیگر مذاکرات لازم برای بورسیه کردن دانشجویان به‌منظور تحصیل در رشته‌های مرتبط با تعهد خدمت در شرکت ملی نفتکش نیز بررسی و نتیجه لازم به شرکت ملی نفت گزارش شود.[۲] بعد از تصمیم به خرید کشتی‌های نفتکش VLCC جدید، نیاز به آموزش کارکنان، بیش از پیش احساس شد. در روزهای پایانی اسفند ۱۳۶۸ شرکت ملی نفت موافقت کرد شرکت ملی نفتکش با اخذ تأییدیه‌های لازم از وزارت اقتصاد و دارایی، ۵ فروند کشتی نفتکش VLCC را از شرکت دیو خریداری کند.[۳]

از سوی دیگر، تصمیم برای افزایش تولید نفت، به حفر چاه‌های جدیدی نیاز داشت، حفاری‌های اکتشافی و توصیفی در سال‌های ۱۳۶۵ و ۶۶ در دستور کار شرکت ملی نفت و شرکت‌های تابع آن قرار گرفت و از آنجا که برای حفاری‌های اکتشافی و توصیفی در میدان‌های دریایی، به کشتی‌های مناسب نیاز بود، شرکت ملی نفت از شرکت ملی نفتکش درخواست کرد، با هماهنگی مدیریت اکتشاف و تولید، اقدامات لازم برای خرید کشتی ژئوفیزیک دست دوم را انجام دهد.[۴]

۱. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۷۸۲، ۶۹/۵/۳۱

۲. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۵۹۷، ۱۳۶۶/۲/۱۲.

۳. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۷۶۰، ۱۳۶۸/۱۲/۱۶.

۴. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۶۲۵، ۱۳۶۶/۷/۱۱.

اکتشاف

یکی از کانون‌های درون صنعت نفت ایران که با پیروزی انقلاب متحول شد، بخش اکتشاف بود که دو تغییر اساسی در آن روی داد. اول آنکه، کارکنان خارجی جای خود را به کارشناسان ایرانی دادند. دوم آنکه، سازمان اداری آن به‌تدریج متحول شد. این تحول دو رویه داشت. رویه اول، یکپارچه‌سازی و رویه دوم، مرکزیت‌گرایی بود. در روند یکپارچه‌سازی، سمینارها، سخنرانی‌ها و دوره‌های آموزشی به کمک سطح علمی کارکنان آمد و به هم‌افزایی دانش و تجربه انجامید. در این یکپارچه‌سازی با توجه به علاقه مدیران و نیاز سازمانی، اساتید برجسته دانشگاه تهران همچون دهه ۳۰ و ۴۰ کمکی شایان کردند. روند مرکزیت‌گرایی فرازوفرود به خود دید و با توجه به گستردگی واحدهای صنعت نفت در خشکی و دریا به‌صورت کامل اجرا نشد. پایتخت‌نشینان بخش اکتشاف متمایل بودند که بخش اکتشاف جنوب را در ید قدرت خود داشته باشند. تعارض بین اکتشاف جنوب و تهران بعدها با تأسیس شرکت‌های تولیدی دیگر گسترده‌تر شد. به هر روی، می‌توان گفت در دوره غرضی و چهار سال نخست آقازاده، یعنی تا پایان جنگ یکپارچه‌سازی به‌خوبی در تراز قابل‌قبول سامان یافت. جابه‌جایی پرسنل، مأموریت‌های پیاپی، برگزاری دوره‌های آموزشی، سخنرانی‌ها و مشارکت در دوره‌های دانشگاهی از شیوه‌هایی بودند که یکپارچه‌سازی را ممکن ساختند. این شیوه برحسب فضای زمانه، شور و شوق انقلابی، حماسه دفاع مقدس و از همه مهم‌تر اشتیاق جوانان بخش اکتشاف پدید آمد.

در پی خروج متخصصان خارجی از کشور و فقدان دانش فنی و تکنولوژی روز، عملیات اکتشاف با رکود جدی مواجه گردید. براساس اسناد آرشیوی، مدیر اکتشاف در سال ۱۹۷۸م در شرکت خدمات نفتی (اسکو) آر.ایی.وگمن بود که زیرنظر مدیر امور فنی (ایوانز) خدمت می‌کرد. وگمن بر امور اکتشافی در حوزه‌ی زاگرس نظارت داشت. بیشترین توجه وگمن بر دشت اهواز متمرکز بود. اگرچه عملیات اکتشاف قبل از انقلاب به‌طور عمده توسط پیمانکاران خارجی انجام می‌شد، اما به‌تدریج کارکنان بخش اکتشاف قادر شدند عملیات را بدون کمک خارجی پیش ببرند.

رکود در بخش عملیات اکتشاف در همان ماه‌های نخست پس از انقلاب احساس شد. هفتمین جلسه هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت در ۲۳ اردیبهشت ۱۳۵۸ به این معضل پرداخت. در این جلسه که با حضور نزیه، بنافتی، بوترابی، دیبا، شهیدا، عظیمی، فخیمی، معروفیان، موحد و نابغ تشکیل شد، آقایان حشمت‌الله بزرگ‌نیا به سرپرستی

امـور اکتشـاف و تولیـد و سـعیدی بـه سرپرسـتی امـور پژوهـش منصـوب شـدند[۱] و مدیـران تـلاش کردنـد تـا امـور اکتشـاف و تولیـد را سروسـامان بخشـند.

از خـرداد ۱۳۵۸ همچنـان گزارش‌هـای پراکنـده‌ای از رکـود در بخـش اکتشـاف بـه هیئت‌مدیـره شـرکت ملـی نفـت می‌رسـید. اگرچـه حشـمت‌الله بزرگ‌نیـا توانسـته بـود برخـی از واحدهـای اکتشـاف را سـامان دهـد، ولـی ضعـف در ایـن بخـش روزبـه‌روز بیشـتر نمایـان می‌شـد، از ایـن‌رو، جهانگیـر رئوفـی در ۱۳ تیـر، جایگزیـن حشـمت‌الله بزرگ‌نیـا شـد[۲] و اولیـن مأموریـت او جمـع‌آوری اسـناد، سـازماندهی مجـدد، فعال‌کـردن کاوش در دزفـول شـمالی، اهـواز و خلیج‌فـارس بـود.

پـس از اینکـه مدیـران در مناصـب خـود مسـتقر شـدند و کارهـا تـا حـدی بـه رونـد خـود را بازیافـت، مدیـران اکتشـاف بـه تعییـن اولویت‌هـا پرداختنـد. بیشـتر آنهـا معتقـد بودنـد کـه وضعیـت منحصربه‌فـرد حـوزه‌ی زاگـرس بـه دلیـل وجـود ذخایـر عظیـم نفتـی و تـوان بهره‌دهـی چاه‌هایـش موفقیـت اکتشـافی در سـایر حوزه‌هـا را تحت‌الشـعاع قـرار داده و بـه همیـن دلیـل عملیـات اکتشـافی در خلیج‌فـارس، دریـای خـزر و سـایر حوزه‌هـای پراکنـده در سـطح کشـور موردتوجـه بیشـتر قـرار گرفـت. چنـد سـال بعـد، در مهـر ۱۳۶۵، منصـور پروینیـان کـه مدیریـت اکتشـاف را برعهـده داشـت، چشـم‌انداز و برنامه‌هـای بخـش اکتشـاف کشـور را چنیـن تشـریح کـرد:

> مطالعـه مسـتمر و انجـام تحقیقـات لازم بـرای بـالا بـردن میـزان برداشـت نفت‌هـای سـبک و شـناخت تکنولـوژی مربـوط بـه نفت‌هـای سـنگین؛ گسـترش و تسـریع در امـر مطالعـات و عملیات اکتشـافی بـرای جبـران نقصـان سـطح ذخیـره‌ی قابـل اسـتحصال شناخته‌شـده‌ی نفت‌خـام؛ اولویـت دادن بـه کشـف، توسـعه و بهره‌بـرداری از منابـع مشـترک نفـت و گاز در مرزهـای کشـور؛ توسـعه و بهره‌بـرداری از میادیـن مسـتقل گازی بـا هـدف جایگزینـی فراورده‌هـای نفتـی توسـط گاز طبیعـی در داخـل کشـور.[۳]

نگاهـی بـه فعالیت‌هـای اکتشـافی در سـال‌های پـس از انقـلاب، حاکـی از آن اسـت کـه مدیـران و کارکنـان اکتشـاف بـه ایـن برنامه‌هـا جامـه عمـل پوشـاندند.

اولین اقدام اکتشافی در میادین مشترک؛ خلیج‌فارس و ایلام

از نظـر تاریخـی، توجـه بـه میدان‌هـای مشـترک مـرزی سـنتی دیرینـه بـه حسـاب می‌آیـد.

۱. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۷، ۱۳۵۸/۲/۲۳.
۲. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۲۸، ۱۳۵۸/۴/۱۳.
۳. مصاحبه با منصور پروینیان، نشریه پیک نفت، مهر ۱۳۶۵، شماره ۲۱۵، ص ۵.

در دهـه‌ی نخسـت ۱۳۰۰ شمسـی بـه منطقـه‌ی خانقیـن و نفت‌شـهر، در دهـه‌ی ۱۳۴۰ بـه میادیـن مشـترک خلیج‌فـارس و ایـلام و بعـد از انقـلاب بـه منطقـه‌ی نفتـی مشـترک بـا امـارات در خلیج‌فـارس توجـه ویـژه‌ای شـد.

میـدان نفتـی نصـرت (فاتـح) کـه در ۳۵ کیلومتـری جنـوب شـرقی جزیـره سـیری قـرار دارد، در سـال ۱۹۶۶ از سـوی امـارات (ابوظبـی) کشـف شـد. بخشـی از آن در آب‌هـای ایـران و بخشـی دیگـر در فـلات قـاره امـارات قـرار دارد و اماراتی‌هـا آن را فاتـح نـام نهاده‌انـد. قبـل از انقـلاب، مطالعـات اکتشـافی لازم در ایـن میـدان انجـام شـده بـود، امـا در نیمـه نخسـت سـال ۱۳۵۸بـود کـه هیئت‌مدیـره شـرکت ملـی نفـت تصمیـم گرفـت اسـتخراج از ایـن میـدان آغـاز شـود کـه بـه سـبب کامـل نبـودن مطالعـات بـه بخـش اکتشـاف دسـتور داده شـد اطلاعـات برداشـتی را سـامان دهـد تـا مقدمـات حفـاری و اسـتخراج نفـت فراهـم شـود. سـرانجام، در جلسـه ۶ شـهریور، هیئـت سرپرسـتی تصمیـم گرفـت مذاکـرات بـا امـارات متحـده عربـی بـرای اسـتفاده از تأسیسـات میـدان نصـرت و اسـتفاده از تأسیسـات دریایـی آن کشـور را ادامـه دهـد[۱] کـه بـه دلیـل وجـود برخـی مشـکلات تکنولوژیـک، تنهـا بـه بازدیـد چندبـاره کارشناسـان اکتفـا شـد و بـا آغـاز جنـگ، کارهـا در میـدان نصـرت، بـاز هـم بـه تعویـق افتـاد تـا سـرانجام، اولیـن عملیـات حفـاری در سـال ۱۳۶۰ بـا موفقیـت بـه انجـام رسـید و یـک چـاه دریایـی بـه مجموعـه چاه‌هـای دریایـی ایـران اضافـه شـد و شـرکت ملـی نفـت ایـن میـدان نفتـی را نصـرت نامیـد.

در سـال ۱۳۵۸، تحـرکات عـراق در میـدان مشـترک مـرزی، مـورد حساسـیت دولـت ایـران قـرار گرفـت، زیـرا شـاهد فعالیت‌هـای حفـاری عراقی‌هـا در منطقـه مـرزی ایـلام و خوزسـتان بودنـد، از ایـن رو نخسـت‌وزیر در ۱۰ مـرداد بـه شـرکت ملـی نفـت بـه دلیـل فعالیت‌هـای عـراق در ایـلام هشـدار داد و درنتیجـه در ۱۶ مـرداد، دولـت، دسـتور رسـیدگی بـه ایـن قضیـه را صـادر کـرد تـا تجـاوزی بـه حقـوق ایـران صـورت نگیـرد.[۲]

توسـعه میدان‌هـای مشـترک پـس از جنـگ بـا شـدت بیشـتری دنبـال شـد و مدیـر اکتشـاف و تولیـد در روزهـای پایانـی آبـان ۱۳۶۷ در نامـه‌ای بـه مدیـران شـرکت، لـزوم انجـام عملیـات لرزه‌نـگاری بـر روی میدان‌هـای مشـترک را یـادآور شـد. او در ایـن نامـه خواسـت ایـن عملیـات در میدان‌هـای اسـفندیار ـ لؤلـؤ، فـروزان ـ مرجـان و فارسـی ـ حصبـه صـورت گیـرد. مدیـران پـس از بررسـی ایـن نامـه، بـا واگـذاری عملیـات بـه شـرکت دلـف ژئوفیزیـکال[۳] موافقـت کردنـد.[۴]

---

۱. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۴۹، ۱۳۵۸/۶/۶.

۲. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۴۳، ۱۳۵۸/۵/۱۶.

۳. Delf Geophysical

۴. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۶۹۷، ۱۳۶۷/۹/۵.

نیروی انسانی و ساختار

کمبود کارشناس از مهم‌ترین مشکلات بخش اکتشاف بود که فقط از طریق جذب دانش‌آموختگان رشته‌های فیزیک، ریاضی و زمین‌شناسی برطرف می‌شد، لذا شرکت ملی نفت در سال ۱۳۳۴ اولین استخدام گروهی از دانش‌آموختگان دانشگاه تهران را آغاز و از آن پس، همه ساله آن را تکرار می‌کرد و این گونه، روند استخدام کارشناسان ایرانی در شرکت‌های خارجی شروع شد و بعد از انقلاب شدت بیشتری گرفت.

در ششم دی ماه، پارسی، سرپرست اکتشاف و تولید، طی نامه‌ای از شرکت ملی نفت، خواستار جذب افراد صاحب تخصص در امور اکتشاف شد. او در این نامه بر رفع موانع برای استخدام کارشناسان جدید اصرار ورزید:

> صنعت ژئوفیزیک، اکتشافی از پیشرفت‌های علوم و تکنیک‌هایی که در رشته‌های ریاضی، فیزیک، الکترونیک و زمین‌شناسی انجام می‌شود، بهره می‌برد. این صنعت سالیان متمادی به‌طور انحصاری و تحت نظر کارشناسان خارجی در ایران استفاده می‌شد و فقط در حین ملی شدن صنعت نفت بود که قدم‌های اولیه به‌منظور خودکفایی در این زمینه برداشته شد چنان که در سال ۱۹۶۹ شرکت ملی نفت دارای یک گروه لرزه‌نگاری اختصاصی بود. ولی باتوجه‌به درخواست‌های اکتشافی در سطح کشور، احتمالاً سه تا چهار گروه دیگر در آینده نزدیک، لازم خواهد بود تا اخراج پیمانکاران خارجی جبران شود. با در نظر گرفتن حساسیت این موضوع، شایسته است موانع موجود برای استخدام برداشته شود زیرا در غیر این صورت ضایعه شدیدی به صنعت اکتشافی غیر وابسته و خودکفا وارد خواهد شد.[۱]

ازآن‌پس هیئت‌مدیره تصمیم گرفت باتوجه‌به شرایط موجود، تلاش کند به‌منظور جلوگیری از توقف کارهای ژئوفیزیکی، احتیاجات نیروی انسانی از طریق نقل و انتقالات داخلی صنایع نفت تأمین شود.[۲]بااین‌حال، مشکلاتی در جذب نیروی انسانی موردنیاز و کارآمد وجود داشت و به‌تدریج سطح کیفی نیروی انسانی بخش اکتشاف کاهش یافت. عمده‌ترین دلایل آن، فقدان برنامه‌ریزی استخدامی منظم و آموزش مؤثر حین کار و نیز عدم توانایی صنعت نفت به جذب افراد با تحصیلات بالا بود.[۳]

به این دلایل بود که توجه به تمرکز داده‌ها و اسناد در سازمانی متمرکز اولویت یافت. اولویت دادن به تمرکزگرایی از سال ۱۳۵۸ آغاز و به‌عنوان یک روند در طول چهار

---

۱. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت، جلسه ۱۶۵، ۱۳۵۹/۱۰/۶.

۲. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۱۶۵، ۱۳۵۹/۱۰/۶

۳. مصاحبه با منصور پروینیان، نشریه پیک نفت، مهر ۱۳۶۵، شماره ۲۱۵، ص ۳۹.

دهـه اسـتمرار یافـت. هرچنـد در برخـی مواقـع شـرکت‌ها بـه داشـتن بخـش اکتشـاف اصـرار می‌وزیدنـد، ولـی لـزوم مرکزیتـی قـوی از نخبـگان و پیشکسـوتان همـواره موردتأکیـد قـرار داشـت. بـه همیـن دلیـل مدیریـت اکتشـاف در شـرکت ملـی نفـت بـا برگـزاری سـمینارها و دوره‌هـای آموزشـی و توجیهـی رونـد یکپارچه‌سـازی را سـرعت بخشـید. **شـرکت سـهامی نفـت ایـران** کـه در سـال ۱۳۲۷ بـرای عملیـات اکتشـافی و تولیـدی تأسـیس شـده بـود، در ۲۹ خـرداد ۱۳۶۲ بـا تصویـب هیئت‌مدیـره بـه پایـان راه رسـید.[۱] کارکنـان باسـابقه کـه در زمینـه اکتشـاف و تولیـد فعالیـت داشـتند بـه بخـش اکتشـاف در شـرکت ملـی نفـت انتقـال یافتند. شـرکت سـهامی نفـت بـا ریاسـت نفیسـی، کاوش زمین‌شناسـی بـرای اکتشـاف مخـازن جدیـد در قـم، کرمانشـاه، سـمنان و خراسـان را برعهـده داشـت و کشـف منطقـه نفتـی سـراجه قـم ثمـره فعالیت‌هـای ایـن شـرکت در سـال‌های ملی‌شـدن صنعـت نفـت بـود.

گفتیـم کـه یکپارچه‌سـازی و تمرکـز در سـازمان اکتشـاف از سـال ۱۳۵۸ موردتوجـه قـرار گرفـت. در کنـار آن، جـذب و آمـوزش نیروهـای جدیـد از اهمیـت بسـیاری برخـوردار بـود. جـذب نیـروی انسـانی ازسـال ۱۳۵۹ آغـاز شـد و در زمـان جنـگ ادامـه یافـت، برگـزاری سـمینارها و دوره‌هـای آموزشـی اهمیـت زیـادی داشـت و بـا آغـاز جنـگ ایـن رونـد کاهـش نیافـت. در دو دوره سـادات و غرضـی دوره‌هـای آموزشـی در تهـران، اهـواز، گچسـاران و محمودآبـاد برگـزار شـد. چنـد اسـتاد دانشـگاه متخصـص در زمین‌شناسـی در جنـوب و تهـران بـرای برگـزاری سـمینار و دوره آموزشـی دعـوت شـدند. دکتـر افراسـیاب خسـروی سـعید یـک دوره آموزشـی بـا عنـوان گسـترش جغرافیایـی ته‌نشـین‌های دوره کرتاسـه در جنـوب غربـی ایـران در ۲۸ دی ۱۳۶۰ در اداره اکتشـاف جنـوب برگـزار کـرد. در همـان زمـان در دی ۱۳۶۰، دکتـر موسـوی حرمـی دوره‌ای بـا عنـوان سنگ‌شناسـی و محیط‌هـای رسـوبی سـنگ‌ها در شـانزده جلسـه برگـزار کـرد کـه بیسـت و شـش نفـر از مهندسـان اکتشـاف شـمال و جنـوب حضـور داشـتند. ایـن دوره در دو بخـش: ۱. مطالعـات پتروگرافـی؛ ۲. بررسـی وضعیـت تخلخـل سـنگ نفـت و تفسـیر محیط‌هـای رسـوبی بـا توجـه بـه وضعیـت جغرافـی گذشـته آنـان برگـزار گردیـد.[۲]

اکتشاف در دریای خزر

وجـود لایه‌هـای نفتـی در دریـای خـزر از مدت‌هـا قبـل ثابـت شـده و سـال‌ها بـود کـه شـوروی در شـمال دریـای خـزر از ایـن ذخایـر نفتـی بهره‌بـرداری می‌کـرد، حـال آن کـه فعالیت‌هـای اکتشـافی نفـت ایـران در جنـوب کشـور متمرکـز شـده بـود. پـس از شـروع جنـگ، دسـتیابی بـه لایه‌هـای نفتـی شـمال به‌ویـژه دریـای خـزر، هـم از نظـر امنیتـی (پراکندگـی

۱. مصوبات هیئت مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۲۹۸، ۱۳۶۲/۳/۲۹.

۲. پیک نفت، شماره ۱۴۶، ۸ بهمن ۱۳۶۰، صص ۱-۲.

نقـاط تولیـد در سـطح کشـور) و هـم ازنظـر سیاسـی ـ اقتصـادی اهمیـت ویـژه‌ای پیـدا کـرد. تندگویـان در دوران کوتـاه وزارت خـود، ایـن قضیـه را مدنظـر قـرار داد، امـا فرصـت دفـاع از ایـن طـرح را نیافـت. سـرانجام در تیرمـاه ۱۳۶۰ هیئـت سرپرسـتان، بـا ادامـه فعالیت‌هـای اکتشـافی در دریـای خـزر موافقـت کـرد[۱] و چنـد روز بعـد بـا حمایـت مهنـدس سـادات و دکتـر آیت‌اللهـی طـرح موردنظـر در شـورای‌عالی اقتصـاد تصویـب شـد.

در ۱۹ اردیبهشـت ۱۳۶۱ شـرکت ملـی نفـت دسـتور داد باتوجه‌بـه موافقـت شـورای اقتصـاد و وجـود اطلاعـات کافـی، اقدامـات لازم بـرای حفـاری اولیـن چـاه اکتشـافی در دریـای خـزر و بـه مـوازات آن، مطالعـات تکمیلـی در سـطح فـلات قـاره دریـای خـزر صـورت گیـرد.[۲]

باتوجه‌بـه ایـن خواسـته وزارت نفـت کـه اجـرای طـرح اکتشـاف و اسـتخراج نفـت از حـوزه دریـای خـزر، ویژگـی خاصـی داشـت و حفـاری در آن بایـد از سـوی کارکنـان ایرانـی انجـام می‌شـد، شـرکت ملـی نفـت از شـرکت ملـی حفـاری خواسـت تـا در مـورد نـوع دسـتگاه و روش حفـاری اولیـن چـاه اکتشـافی در دریـای خـزر تصمیم‌گیـری کنـد.[۳]

مطالعـات اکتشـافی در حـوزه دریـای خـزر، سـال‌ها بعـد هـم ادامـه یافـت چنـان کـه در آبـان مـاه ۱۳۶۳ شـرکت ملـی نفـت تصمیـم گرفـت در صـورت موافقـت سـازمان برنامـه، نمونه‌بـرداری و مطالعـات ژئوتکنیکـی دریـای خـزر را بـه شـرکت مکانیـک خـارگ واگـذار کنـد[۴]، امـا بـا گـذر زمـان و درگیرشـدن هرچـه بیشـتر ایـران در جنـگ، انجـام عملیـات ژئوتکنیکـی در دریـای خـزر تـا سـال ۱۳۶۶ طـول کشـید تـا اینکـه در روزهـای پایانـی آبـان مـاه سـال ۱۳۶۶ شـرکت نفـت بـا انعقـاد قـرارداد عملیـات ژئوتکنیـک در جنـوب دریـای خـزر بـا شـرکت تکنـو اکسـپورت شـوروی موافقـت کـرد.[۵] بـر اسـاس گفتـه پرویـنیـان، در گذشـته در ۵۳ هـزار کیلومتـر مربـع از آب‌هـای دریـای خـزر عملیـات لرزه‌نـگاری انجـام شـده بـود کـه منجـر بـه کشـف حـدود ۴۶ تاقدیـس بـزرگ و کوچـک گردیـد. مدیـران، براسـاس ایـن مطالعـات حفـاری حـدود ۳۰ چـاه را در ایـن منطقـه پیش‌بینـی کردنـد.[۶]

کاوش در دریـای خـزر از برنامه‌هـای مهمـی بـود کـه شـرکت ملـی نفـت بـا جدیـت پیگیـری می‌کـرد، از ایـن رو قراردادهـای متعـددی بـرای کاوش بـا شـرکت‌های مختلـف منعقـد شـد و سـاخت سـکوهای حفـاری و شـناورهای موردنیـاز در دسـتور کار مدیـران قـرار گرفـت. مذاکـره

۱. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۱۹۱، ۱۳۶۰/۴/۱۸.
۲. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۲۳۴، ۱۳۶۱/۲/۱۹.
۳. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۲۷۹، ۱۳۶۱/۱۱/۲۶.
۴. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۳۸۸، ۱۳۶۳/۸/۲۰.
۵. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۶۳۲، ۱۳۶۶/۸/۳۰.
۶. نشریه پیک نفت، مهر ۱۳۶۵، شماره ۲۱۵، ص ۵.

با شرکت فنلاندی رومارپولای برای ساخت سکوی حفاری جک آپ در نکا در بهمن ۱۳۶۷ به نتیجه رسید و شرکت نفت با امضای قرارداد با این شرکت موافقت کرد. از شرکت ملی نفتکش هم خواسته شد با شرکت صنایع دریایی ایران (صدرا) برای ساخت شناورهای موردنیاز این طرح مذاکره کند و نتیجه را به شرکت نفت اطلاع دهد.[۱] به‌این‌ترتیب، ساخت دو فروند یدک‌کش و یک فروند شناور خدماتی به این شرکت سپرده شد[۲] و نظارت بر مهندسی، طراحی و ساخت سکوی حفاری دریای خزر نیز به شرکت تکنی‌تاس واگذار شد.[۳] برای انجام عملیات در بخش جنوب‌شرقی، با بررسی پیشنهادهای رسیده، با انعقاد قرارداد برای عملیات ژئوتکنیک با شرکت ماشین ایمپورت شوروی موافقت شد.[۴]

انجمن بین‌المللی اکتشاف و تولید

هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت در ۲۴ آبان ۱۳۶۵، جلسه‌ای در ساختمان مرکزی اهواز با حضور خردمند، گرانمایه، بوترابی، گودرزی، جانشکار، وزیری هامانه، پارسی و سروشی تشکیل داد که در آن، نامه مهدی پارسی درباره انجمن بین‌المللی اکتشاف و تولید (E&P Forum) مطرح شد. وظیفه این انجمن که در سال ۱۹۷۴ به همت تعدادی از شرکت‌های نفتی بین‌المللی در لندن تأسیس شده بود و ایران نیز یک سال بعد به آن پیوست، آموزش و تربیت کارشناسان نفتی و جمع‌آوری و ارائه آخرین اطلاعات و تجربیات در این زمینه برای استفاده اعضا بود. پارسی اصرار داشت برای انتقال فناوری و دانش لازم است عضویت در این انجمن ادامه یابد، درنتیجه شرکت ملی نفت با عضویت در این انجمن مشروط بر انتخاب نمایندگان فعال به‌منظور انتقال تکنولوژی به کشور موافقت کرد.[۵]

تولد پارس جنوبی

ایران میادین نفت و گاز مشترک زیادی در دریا و خشکی با همسایگانش دارد. یکی از این منابع مشترک در جزیره ابوموسی قرار دارد. در اوج اختلافات ایران و شارجه بر سر مالکیت جزیره ابوموسی در سال ۱۳۴۸ شرکت انگلیسی بیوتس تفاهم‌نامه‌ای با شارجه منعقد کرد که یکی از موارد آن بهره‌برداری از منابع نفت ابوموسی بود: «بهره‌برداری از

۱. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۷۰۷، ۱۳۶۷/۱۱/۹.
۲. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۷۳۲، ۱۳۶۸/۵/۲۵.
۳. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۷۶۶، ۱۳۶۹/۲/۵.
۴. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۷۱۶، ۱۳۶۸/۱/۲۰.
۵. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۲۱۰، ۱۳۶۰/۸/۲۴.

منابع نفت ابوموسی و بستر دریا و کف دریای سرزمینی که به دست شرکت نفت و گاز بیوتس انجام خواهد شد، باید مورد قبول ایران باشد. نیمی از درآمدهای دولتی از نفت توسط شرکت به‌طور مستقیم به ایران و نیم دیگر به شارجه پرداخت خواهد شد.»

این ماده از قرارداد، ناظر به مقاوله‌نامه بود که در ۲۰ نوامبر ۱۹۷۱ بین ایران و حاکم شارجه امضا شد. طبق مقاوله‌نامه، طرفین ادعای خود مبنی بر مالکیت بر جزیره ابوموسی پس نگرفتند. در عین‌حال ادعای طرف مقابل را نیز به رسمیت نشناختند.

وقوع انقلاب و سپس جنگ تحمیلی، موجب شده بود ایران نتواند چندان به میدان‌های مشترک توجه کند. بااین‌حال برداشت نفت و گاز از میدان‌های مشترک به‌ویژه در حوزه خلیج‌فارس همواره از دغدغه‌های مدیران کشور بود. شرکت ملی نفت که فعالیت همسایگان خود را در میدان‌های مشترک زیر نظر داشت، خردادماه سال ۱۳۶۰ در نامه‌ای از وزارت خارجه خواست تا خط مشی دولت جمهوری اسلامی ایران را با در نظر گرفتن مقاوله‌نامه ایران و شارجه اعلام کند.[۱]

در اردیبهشت ۱۳۶۵ درحالی‌که تأسیسات نفتی ایران زیر شدیدترین حملات دشمن قرار داشت، مدیران شرکت نفت تصمیم گرفتند با هماهنگی وزارت خارجه، جلسات مشترکی با کشورهای همجوار در حوزه خلیج‌فارس برگزار کنند. هدف؛ مذاکره و مبادله اطلاعات در مورد میدان‌های مشترک بود. دراین‌حال، از شرکت نفت فلات قاره خواسته شد با در نظر گرفتن محدودیت‌های ارزی، روش‌های جدید سرمایه‌گذاری در بهره‌برداری از میدان‌های مشترک حوزه خلیج‌فارس را مطالعه و نتیجه را گزارش دهد.[۲]

ماده ۵ مقاوله‌نامه ایران و شارجه که در بالا به آن اشاره شد، ضعف بزرگی داشت. بر اساس آن، شرکت بیوتس که استخراج نفت را برعهده داشت، می‌بایست درآمد حاصله را به‌صورت ۵۰-۵۰ به دولت‌های ایران و شارجه پرداخت می‌کرد. این ماده فقط ناظر بر منابع طبیعی تحت امتیاز شرکت بیوتس بود و اشاره‌ای به اکتشاف‌های آتی نداشت، لذا باتوجه‌به آنکه شارجه سرگرم انجام تحرکات نگران‌کننده‌ای در اطراف ابوموسی بود، شرکت ملی نفت از شرکت فلات قاره درخواست کرد تا گزارشی از همکاری‌ها و کمک‌هایی که در ارتباط با اجرای قرارداد شارجه ـ بیوتس صورت گرفته، تهیه کند. این شرکت همچنین گزارش فنی از نحوه توسعه و بهره‌برداری از مخزنی که به‌تازگی کشف شده بود، به امور بین‌الملل ارائه داد تا اقدامات لازم از طریق وزارت نفت انجام گیرد.[۳]

۱. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۱۸۵، ۱۳۶۰/۳/۱۰.

۲. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۵۰۸، ۱۳۶۵/۲/۷.

۳. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۵۰۸، ۱۳۶۵/۲/۷.

از رهگذر این رویدادها و همکاری شرکت‌های اروپایی با همسایگان جنوبی بود که شرکت فلات قاره و امور اکتشاف به فعالیت بیشتر روی آوردند، شمار کارشناسان افزایش پیدا کرد و با خرید یا اجاره تکنولوژی‌های پیشرفته، فعالیت‌های مربوط به استخراج، بیش از پیش، موردتوجه قرار گرفت. فاصله سال‌های ۱۳۶۴ تا ۱۳۶۸ را می‌توان دوران آمادگی و مطالعات عملیاتی و سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۲ را زمان عملیات اکتشاف برنامه‌ریزی‌شده تلقی کرد که پارس جنوبی مولود این جریان است. مطالعه در حوزه پارس جنوبی منجر به حفر اولین چاه اکتشافی در این منطقه شد

.به دنبال گسترش فعالیت‌های اکتشافی در سطح مناطق خشکی و انجام عملیات لرزه‌نگاری برای کشف میدان‌های جدید، تأیید ارزیابی‌های قدیم اهمیتی دوباره یافت، به‌ویژه آن که در تابستان، گزارش‌های بیشتری از فعالیت همسایگان در خلیج‌فارس به دست مسئولان شرکت ملی نفت رسید که این امر سبب شد آن‌ها در ششم بهمن ۱۳۶۴ عملیات لرزه‌نگاری در گستره‌ای به مساحت ۱۲۲۰۰ کیلومترمربع در آب‌های مرزی خلیج‌فارس برای شناسایی ساختمان‌های زمین‌شناسی را مورد تصویب قرار دهند، همچنین باتوجه‌به اهمیت این طرح، قرار شد تا واحدی با نام اکتشاف خلیج‌فارس در مدیریت اکتشاف و تولید ایجاد شود، ضمن اینکه شرکت به مدیریت اکتشاف و تولید اجازه داد برای حفاری‌های اکتشافی در خلیج‌فارس، یک دکل حفاری دریایی اجاره کند.[۱]

اما از آنجا که انجام عملیاتی با این وسعت در آب‌های مرزی، نیاز به مذاکره با کشورهای همسایه در خلیج‌فارس داشت، به همین خاطر در دهم بهمن ماه، مدیریت اکتشاف و تولید از جانب شرکت ملی نفت مأمور شد، با همکاری وزارت امور خارجه، مدیریت امور بین‌الملل و شرکت نفت فلات قاره، اقدامات لازم برای برقراری ارتباط با کشورهای خلیج‌فارس را انجام دهد.[۲]

با وجود جنگ، منصور پروینیان، مدیر اکتشاف و تولید، مصمم به آغاز عملیات اکتشافی در آب‌های خلیج‌فارس بود. اما ناامن بودن خلیج‌فارس به دنبال جنگ ایران و عراق رسیدن به این هدف را بسیار سخت می‌کرد. کشف میدان عظیم گازی گنبدشمالی در آب‌های خلیج‌فارس قطر را به منبع عظیمی از گاز رسانده بود که تا سالیان سال دغدغه مسئولان این کشور را مرتفع کرده بود. پروینیان بامطالعه ساختارهای نقشه‌شناسی و با هم‌فکری کارشناسان واحد اکتشاف خلیج‌فارس معتقد بود که این میدان تا آب‌های ایران امتداد دارد. بنابراین به هر ترتیب ممکن درصدد آزمون فرضیه خود برآمد. با

۱. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۴۸۷، ۱۳۶۴/۱۱/۶.

۲. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۴۸۸، ۱۳۶۴/۱۱/۱۰.

انجـام عملیـات لرزه‌نـگاری در خلیج‌فـارس به‌راحتـی امـکان آزمـون ایـن فرضیـه هـم فراهـم می‌شـد. منصـور پروینیـان می‌گویـد:

مـن خـرداد مـاه سـال ۱۳۶۴ بـا یـک دیـد برنامـه و بودجـه وارد اکتشـاف شـدم. آن روزهـا یـک نقـص عمـده در موازنـه سـوخت کشـور دیـده می‌شـد. مـا دومیـن دارنـده ذخایـر گازی در جهـان بودیـم امـا تنهـا امـکان برداشـت از ۴۰ درصـد ایـن ذخایـر وجـود داشـت. باتوجه‌بـه برنامه‌هـای توسـعه گازرسـانی در کشـور نیـاز بـه گسـترش میادیـن گازی مسـتقل به‌شـدت وجـود داشـت. در آن زمـان مسـئولان، تـلاش زیـادی بـرای توسـعه پـارس شـمالی از خـود نشـان می‌دادنـد. برنامـه توسـعه ایـن میـدان در سـال ۱۹۷۱ طراحـی و ۱۷ حلقـه چـاه در سـال‌های قبـل از انقـلاب در ایـن میـدان حفـاری شـده بـود. امـا برداشـت از ایـن میـدان کار سـاده‌ای نبـود. فشـار گاز در ایـن منطقـه در حـدود ۸۰۰۰ psi و دمـای چـاه در عمـق ۳۰۰۰ متـری ۲۵۰ درجـه فارنهایـت بـود. همیـن مسـئله هزینـه توسـعه ایـن میـدان را بسـیار بـالا بـرده بـود. به‌رغـم تمـام فشـارها، در برابـر تمـام درخواسـت‌ها مقاومـت کـردم و تنهـا در حـد نگهـداری سـکوها بـه پـارس شـمالی بودجـه اختصـاص دادم. مـن بیشـتر علاقه‌منـد بـه مطالعـه بـر روی میـدان گنبـد شـمالی در خلیج‌فـارس بـودم. بـا تمـام مقاومت‌هـای صـورت گرفتـه، پـروژه لرزه‌نـگاری در وسـعت ۱۲ هـزار کیلومتـر در جنـوب خلیج‌فـارس را بـرای اولیـن بـار در تاریـخ نفـت ایـران تعریـف کـردم. از طـرف نخسـت‌وزیری بـرای اجـرای برنامـه بـه مـن اختیـار تـام داده شـد. آقـازاده در وزارت نفـت بیشـتر درگیـر مسـائل مربـوط بـه نفـت و حفـظ سـهم ایـران در اوپـک بـود. مـن بـرای اجـرای پـروژه بـا شـرکت هلنـدی دلـف قـرارداد امضـاء کـردم. بـرای شـروع لرزه‌نـگاری یـک کشـتی میـن جمع‌کـن کـه مربـوط بـه جنـگ جهانـی دوم بـود و در سـواحل دوبـی، لنگـر انداختـه بـود؛ بـه وسـایل لرزه‌نـگاری مجهـز کردیـم. در ابتـدا کشـتی لرزه‌نـگاری را بـه منطقـه عسـلویه بـرای انجـام عملیـات گسـیل دادم و هم‌زمـان بـا ایـن کار تحقیقـات خـود را در ارتبـاط بـا گنبـد شـمالی قطـر از طریـق منابـع خارجـی آغـاز کـردم تـا بـا صـرف کمتریـن هزینـه بـه شـک خـود جامـه عمـل بپوشـانم. در حیـن انجـام عملیـات لرزه‌نـگاری چندیـن بـار کشـتی‌های گشـت قطـر مشـکلاتی بـرای کشـتی لرزه‌نـگاری ایجـاد کردنـد. آن‌هـا مدعـی بودنـد کـه مـا در داخـل آب‌هـای قطـر مشـغول کار هسـتیم. مـا بـرای رد ادعـای آنـان بـه ناچـار بـا کمـک کشـتی هیدروگرافـی شـروع بـه نقشـه‌برداری دریایـی کردیـم و سـرانجام بـا کمـک همیـن نقشـه‌ها اثبـات کردیـم کـه مـا در داخـل آب‌هـای ایـران مطالعـات لرزه‌نـگاری انجـام می‌دهیـم. بعـد از اتمـام عملیـات، ایـن اطلاعـات بـرای تفسـیر بـه هلنـد فرسـتاده شـد. مـن بـه همـراه تعـدادی از نیروهـای بخـش لرزه‌نـگاری از جملـه آقـای محـدث، خازنـی‌زاده و خراسـانی بـه هلنـد رفتیـم و بعـد از تفسـیر اطلاعـات، سـه نقطـه بـرای حفـاری انتخـاب شـد. بعـد از بازگشـت بـه ایـران دکل

شهید رجایی را برای حفاری به منطقه ارسال کردم. خوشبختانه محل حفر اولین چاه، خیلی خوب انتخاب شد و در سال ۱۳۶۷ چاه به گاز پرفشار برخورد کرد. مراحل تکمیل این چاه در سال ۱۳۷۰ و همزمان با مدیریت مهندس مشتاقیان به پایان رسید.[۱]

میدان عظیم گازی پارس جنوبی که بر روی مرز مشترک ایران و قطر در خلیج‌فارس واقع شده، بیش از ۹۷۰۰ کیلومترمربع مساحت دارد که از این میزان ۳۷۰۰ کیلومتر آن در داخل آب‌های ایران قرار دارد. حجم گاز ذخیره‌شده در این میدان چیزی در حدود ۱۴ تریلیون مترمکعب است که تقریباً ۸ درصد از کل گاز دنیا را شامل می‌شود.

پتروشیمی

صنعت پتروشیمی پس از انقلاب، به کما نرفت، بلکه در بستر تاریخی‌اش استمرار یافت. مفهوم ارزش افزوده که علت پیدایی آن بود، پس از انقلاب در اشکال متفاوت متجلی گردید. ورود بخش خصوصی از ابتدا تا دهه ۱۳۸۰ با چالش مواجه بود، اما پس از آن به دلایل اقتصادی مورد استقبال قرار گرفت و به محلی برای انباشت سرمایه بدل گشت بیشترین ابهامات و تردیدها در افکار عمومی از نیمه دهه هشتاد به وقوع پیوست.

برخی انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ را نتیجه‌ی ستیز سنت و مدرنیته تفسیر کرده‌اند که به نادیده گرفتن نهادها و نمادهای مدرن منجر گشت. اگر بخواهیم به‌طور مصداقی صنعت پتروشیمی را در چارچوب نظریه‌ی بالا بررسی کنیم، ناتوانی این نظریه را در تبیین بخش‌هایی از جامعه‌ی پس از انقلاب درخواهیم یافت. درواقع، نظریه‌ی اشاره‌شده بیش از آنکه به بخش‌های صنعت، بازرگانی، پزشکی و کشاورزی بپردازد، به حوزه‌ی سیاست و فرهنگ نظر دارد. آنچه به این بخش مربوط می‌شود، روند تحولات پتروشیمی است. می‌توان اذعان کرد صنعت پتروشیمی در ایران پس از انقلاب هرچند با فرازوفرودهایی همراه بود و در برخی موارد به دلیل غلبه‌ی سلیقه‌های شخصی به عقب رفت، اما درمجموع روندی رو به جلو داشت.

هیئت‌مدیره شرکت ملی صنایع پتروشیمی در بازه‌ی زمانی ۱۹ ماهه‌ی پیروزی انقلاب تا آغاز جنگ تحمیلی چالش‌های گوناگونی را تجربه کرد. مدیران در برخورد با این چالش‌ها تلاش کردند تا متناسب با فضای عمومی حاکم بر جامعه، تصمیمات به‌زعم

۱. مصاحبه با دکتر منصور پروینیان، پروژه تاریخ نفت ایران، ۱۳۹۴.

خـود درسـتی را اتخـاذ کننـد. مهم‌تریـن چالش‌هـا عبـارت بودنـد از: پاکسـازی (بـه دلیـل فشـار از سـوی رده‌هـای پاییـن و نهادهـای خـارج از شـرکت)، حل‌وفصـل قراردادهـای مشـارکتی پیشـین، راه‌انـدازی واحدهـای تولیـدی در خـارگ و بنـدر امـام (شـاهپور سـابق)، برطـرف کـردن کمبـود مـواد اولیـه و خـوراک برخـی مجتمع‌هـا، سـازماندهی جدیـد شـرکت، مذاکـره بـا پیمانـکاران خارجـی بـرای تکمیـل طرح‌هـا. مـروری بـر فعالیت‌هـای شـرکت ملـی صنایـع پتروشـیمی در سـال‌های پـس از انقـلاب تـا وقـوع جنـگ، نشـاندهنده توانمنـدی و تـلاش فعـالان ایـن عرصـه بـرای حـل مسـائل و مشـکلات اسـت. انقلابیـون جـوان، در شـرایطی کـه مشـکلات مالـی و تحریم‌هـای اقتصـادی، کارهـا را بـا مشـکلات بسـیاری مواجـه کـرده بـود، بـا درایـت تـلاش کردنـد ایـن مشـکلات را مهـار کننـد.

پـس از پیـروزی انقـلاب، طولـی نکشـید کـه بیشـتر مدیـران پیشـین جایگزیـن شـدند و لایـه‌ی جدیـدی از مدیـران و کارشناسـان بـه رده‌هـای بالاتـر ارتقـا یافتنـد. مدیرعامـل و اعضـای هیئت‌مدیـره‌ی شـرکت‌های تابعـه از نـو انتخـاب و منصـوب گردیدنـد و نخسـتین نمـودار سـازمانی پـس از انقـلاب در ۷ خـرداد ۱۳۵۸ طراحـی و اجـرا شـد. مدیـران جدیـد، روحیـه‌ی انقلابـی و رادیـکال داشـتند و محافظـه‌کاری مدیـران سـابق را برنمی‌تافتنـد. هم‌زمـان، خـروج کارشناسـان خارجـی، فرصـت مناسـبی بـود تـا ایرانیـان بـدون حضـور آنهـا امورشـان را پیـش ببرنـد. در ایـن میـان، کاهـش تولیـد و صـادرات نفت‌خـام و نوسـانات قیمـت نفـت در بازارهـای جهانـی، بـه کمـک صنعـت پتروشـیمی آمـد و اندیشـه بهره‌منـدی هرچـه بیشـتر از ایـن صنعـت را تقویـت کـرد. مجتمع‌هـا به‌تدریـج تولیـد را از سـر گرفتنـد و برخـی از محصـولات چـون گوگـرد، آمونیـاک و پـودر PVC صـادر شـد. در ایـن دوران، باتوجه‌بـه شـرایط کشـور و کمبـود بودجـه، تعلیـق کارهـا و راکـد شـدن برخـی از پروژه‌هـا، جـذب نیـروی انسـانی انـدک بـود.

رحیم عابدی

رحیـم عابـدی در ۳ اسـفند ۱۳۵۷ به‌عنـوان سرپرسـت موقـت شـرکت ملـی صنایـع پتروشـیمی و در ۸ فروردیـن ۱۳۵۸ به‌عنـوان مدیرعامـل و رئیـس هیئت‌مدیـره انتخـاب شـد. انتخـاب زودهنـگام مدیرعامـل شـرکت ملـی صنایـع پتروشـیمی نشـان از توجـه جـدی دولـت انقلابـی بـه ایـن صنعـت داشـت. رحیـم عابـدی ، فعـال جبهـه ملـی و اسـتاد دانشـگاه، تـا آذر ۱۳۵۸ سـکان صنعـت پتروشـیمی را در دسـت داشـت. او، کارشناسـی بـود کـه در میانسـالی بـه مدیریـت ارتقـا یافـت و معضـلات ایـن صنعـت به‌خوبـی را می‌شـناخت. حجـاری‌زاده، محمـد مفیـض و امیرناصـر کوهیـار اعضـای هیئت‌مدیـره جدیـد بودنـد.

پس از رفتن عابدی در آذر ۱۳۵۸، جلسات تحت عنوان هیئت‌سرپرستی و با ریاست حسن مرشد تشکیل شد و از ۱۹ تیر ۱۳۵۹ جلسات در ساختمان وزارت نفت در دفتر علی‌اکبر معین‌فر، وزیر نفت، برگزار می‌گردید. تنها پس از انتصاب اجل‌لوئیان در ۳۰ مهر ۱۳۵۹ بار دیگر از عنوان هیئت‌مدیره استفاده شد.

دوران مدیریت رحیم عابدی هفت ماه طول کشید. او مورد قبول انقلابیون و مدیران ارشد (قدیمی و جدید) بود. تلاش وصف‌ناپذیری برای حفظ نیروی انسانی مجرب از خود نشان داد. پی‌درپی به محل مجتمع‌های پتروشیمی در بندر امام (شاهپور)، خارگ و آبادان سفر می‌کرد، از نزدیک با کارکنان به گفتگو می‌نشست و تلاش می‌کرد تا مشکلات روزمره را حل‌وفصل کند. در این دوران هفت ماهه، تلاش‌های هیئت‌مدیره بیشتر حول چهار موضوع در جریان بود: آرام‌سازی فضای ملتهب پس از انقلاب و به‌ویژه تعدیل پاکسازی‌های گسترده؛ مذاکره برای حل‌وفصل قراردادهای مشارکتی، نگهداشت تجهیزات و راه‌اندازی خطوط تولید؛ ادامه گفتگو با شریک ژاپنی برای تکمیل مجتمع پتروشیمی ایران ـ ژاپن.

مسئله پاکسازی در صنعت پتروشیمی یکی از مهم‌ترین چالش‌های عابدی بود. او، همچون حسن نزیه، موافقت چندانی با پاکسازی‌های گسترده نداشت و در این زمینه نسبتاً محتاطانه عمل کرد. حسن نزیه، مدیرعامل شرکت ملی نفت، با واژه‌ی پاکسازی مخالفت داشت، اما پاکسازی از دغدغه‌های مهم برخی از کارکنان متعهد و انقلابی بود. تعدادی از آنها با برگزاری تجمعی در اردیبهشت ۱۳۵۸ خواهان برکناری «عوامل امپریالیسم و رژیم شاه» شدند. رحیم عابدی در این اجتماع گفت: «در این شرکت پاکسازی باید از دو جهت انجام گیرد. طرد عناصری که در گذشته مرتکب لغزش شده‌اند و دیگر، احقاق حق از افرادی که مورد ظلم و ستم واقع شده‌اند.» حضور گروه[1]ای چپ در صنعت پتروشیمی کمتر از پالایشگاه و واحدهای پخش نفت بود. در اطلاعیه‌هایی که درباره‌ی فساد اقتصادی مدیران نفت انتشار یافت، کمتر به مدیران و کارشناسان پتروشیمی اشاره شده است، اما مشکل آن بود که این کارشناسان در بندر امام و خارگ از وضع موجود نگران و علاقه‌مند به انتقال از محل خدمت خود بودند.

۱. کمیسیون پاکسازی در مهرماه ۱۳۵۸ گزارش داد که به خدمت ۵ تن از کارمندان با پرداخت سالی ۲۰ روز حقوق به‌عنوان خسارت اخراج خاتمه داده شد؛ ۱۵ تن از کارمندان شرکت بدون پرداخت هرگونه مزایایی بازنشسته شدند؛ ۱۸ تن از کارمندان نیز با استفاده از کلیه‌ی مزایای متعلقه بازنشسته شدند. (مصوبات هیئت‌مدیره‌ی شرکت ملی صنایع پتروشیمی، جلسه ۱۳، ۱۳۵۸/۷/۲)

کمیسیونی از نیروهای انقلابی و متعهد با نام «کمیسیون پاک‌سازی» در شرکت تشکیل شد. اگرچه پاک‌سازی و تصفیه‌ی مدیران و کارکنان سابق در پتروشیمی به ابعاد و گستردگی شرکت ملی نفت نبود، اما نمودهایی از آن را می‌توان در اسناد مشاهده کرد. نخستین نمود آن پایان دادن به خدمت مدیران رده‌بالای سابق بود. کمیسیون پاک‌سازی در ۱۸ تیر ۱۳۵۸ به خدمت باقر مستوفی، رئیس هیئت‌مدیره و مدیرعامل سابق شرکت ملی صنایع پتروشیمی، و شاپور شریفی، عضو سابق هیئت‌مدیره و قائم‌مقام مدیرعامل، خاتمه داد. پاک‌سازی در تمامی سال‌های ۱۳۵۸ و ۱۳۵۹ با نوسان‌هایی ادامه یافت.

از دیگر تصمیمات مهم این دوره، خرید سهام شرکت‌های خارجی بود. شورای انقلاب از طریق کمیته مخصوصی رأساً در این زمینه اقدام می‌کرد و نماینده‌ای از جانب شرکت ملی صنایع پتروشیمی نیز در مذاکرات حضور داشت. جزئیات مذاکره با شرکت‌های خارجی صاحب‌سهام چندان در اسناد منعکس نشده است. شرکای خارجی به‌راحتی حاضر به دست کشیدن از سهام خود نبودند و مذاکرات به درازا کشید. دولت که به‌طور جدی اداره تأسیسات نفتی (نفت، گاز و پتروشیمی) توسط کارشناسان داخلی را سرسختانه دنبال می‌کرد، در ۲۸ آذر ۱۳۵۸ اعلام کرد کمیسیونی از اعضای شرکت ملی نفت، شرکت ملی گاز و شرکت ملی صنایع پتروشیمی ایران تشکیل خواهد شد تا سرنوشت شرکای خارجی صاحب سهام را مشخص کند.[1] این تصمیم برخاسته از روح زمانه بود که صنعت نفت ایران در عرصه‌های مختلف صنعت نفت باید توسط ایرانیان اداره شود.

در بحبوحه مذاکره برای خرید سهام کامل شرکای خارجی، رحیم عابدی در مصاحبه‌ای راجع به مجتمع ایران ـ ژاپن گفت: «تا زمانی که این پروژه آماده بهره‌برداری نشود اقدامی نخواهیم کرد. شاید دو سال دیگر که کارخانه به مرحله تولید رسید، اگر مقرون‌به‌صرفه بود و نیز توانستیم از نظر فنی جوابگوی احتیاجات مجتمع باشیم، در صورت تمایل شریک ژاپنی، سهام آنها را خواهیم خرید.»[2] دولت موقت که از اهمیت این طرح عظیم به‌خوبی آگاه بود، تلاش زیادی برای بازگشت ژاپنی‌ها کرد. عابدی در ۲۱ فروردین ۱۳۵۸ در گفتگو با خبرنگار کیهان خبر داد که مذاکره برای بازگشت ژاپنی‌ها برای ادامه کار جریان دارد. او گفت: «با وجود تکمیل ۸۵ درصد از طرح مجتمع پتروشیمی ایران ـ ژاپن، هنوز با مشکلات مالی و فنی مواجه هستیم. بیش از ۲ هزار نفر از کارکنان ژاپنی و خارجی این طرح ایران را ترک کرده‌اند که ما برای بازگشت ژاپنی‌ها و ادامه

۱. روزنامه کیهان، ۲۸ آذر ۱۳۵۸.
۲. کیهان ۳ اردیبهشت ۱۳۵۸.

کار آنـان، اقداماتـی انجـام داده‌ایـم.»[۱]

بیـش از یـک سـال از تعطیلـی کارهـا می‌گذشـت و اگـر تجهیـزات مختلـف همچنـان بـه حـال خـود رهـا می‌شـدند، میلیون‌هـا دلار سـرمایه کشـور و هـزاران سـاعت کار بـه هـدر می‌رفـت. معین‌فـر، روز ۵ بهمـن ۱۳۵۸ در اجتمـاع کارکنـان مجتمـع ایـران ـ ژاپـن حاضـر شـد و گفـت: «وظیفـه مـا ایـن اسـت کـه ایـن مجتمـع عظیـم را بـه کار اندازیـم. چنانچـه ژاپـن حاضـر بـه همـکاری بـا مـا نباشـد، آن را به‌تنهایـی بـه کار خواهیـم انداخـت.»[۲] کوتـاه زمانـی بعـد، ژاپنی‌هـا موافقـت خـود را بـرای ادامـه کار اعـلام کردنـد و گفتنـد کـه یکصـد مهنـدس ژاپنـی تـا پایـان بهمـن بـرای تکمیـل سـاختمان مجتمـع وارد ایـران خواهنـد شـد[۳].

چنیـن چرخـش سـریعی در موضـع ژاپنی‌هـا حیـرت‌آور بـود. چـه شـد کـه چنیـن ناگهانـی، ژاپنی‌هـا از حضـور در ایـران و ادامـه کار خبـر دادنـد؟ جسـتجو لابـه‌لای اسـناد و بریـده جرایـد بـود کـه نگارنـده را بـه پاسـخ نزدیـک کـرد. نامـه‌ای از علی‌اکبـر معین‌فـر بـه دسـت آمـد کـه در آن از دلیـل تحـرکات ژاپنی‌هـا پـرده برمی‌داشـت. در ۷ اسـفند ۱۳۵۸ معین‌فـر در نامـه‌ای بـه ناصـر میناچـی، وزیـر وقـت ارشـاد ملـی، از اولتیماتومـی سـخن گفـت کـه شـخصاً بـه شـرکای ژاپنـی داده بـود. معین‌فـر بـه ژاپنی‌هـا اخطـار داده بـود چنانچـه موضـوع را جـدی نگیرنـد، ایرانی‌هـا رأسـاً کار را بـر عهـده خواهنـد گرفـت و در مواقـع لـزوم از کمک‌هـای کارشناسـان سـایر کشـورها بهـره خواهنـد جسـت.[۴]

هم‌زمـان، طرح‌هـای پتروشـیمی به‌جامانـده از دوران گذشـته مـورد بازبینـی قـرار گرفـت. شـورای انقـلاب از مدیـران خواسـت بـا بررسـی طرح‌هـا، اعـلام کننـد کـه آیـا ادامـه آنهـا بـه صـلاح کشـور اسـت یـا خیـر. ایـن تصمیـم در فضـای تنـد و رادیـکال ماه‌هـای نخسـت سـال ۱۳۵۸ بـا امـا و اگرهایـی همـراه بـود. یـک جریـان سیاسـی ایـن تحلیـل کـه قراردادهای توسـعه‌ی نظامـی عمومـاً ماهیتـی امپریالیسـتی دارنـد و بـه ضـرر خلق‌هـای محـروم جهـان هسـتند، اصـرار بـر حـذف آنهـا داشـت. در مـورد طرح‌هـای پتروشـیمی تضـاد بیـن تصمیم‌گیـران شـدیدتر بـود. درنهایـت، پـس از بررسـی‌های لازم، شـورای انقـلاب بـا تأکیـد بـر اجـرای طرح‌هـای پتروشـیمی، آنهـا را روزنـه‌ی مناسـبی بـرای توسـعه‌ی کشـور دانسـت. از مدیـران پتروشـیمی خواسـته شـد تکمیـل پتروشـیمی ایـران ـ ژاپـن، ادامـه‌ی طرح‌هـای گسـترش مجتمـع شـیراز و مجتمـع رازی

۱. کیهان، ۲۱ فروردین ۱۳۵۸.
۲. کیهان، ۶ بهمن ۱۳۵۸.
۳. کیهان، ۱۷ بهمن ۱۳۵۸
۴. آرشیو پژوهشکده وزارت نفت، ۱۳۵۸/۱۲/۷

را مجدانه پیگیری کنند. شرکت ملی نفت کمک‌های خود را در اختیار شرکت پتروشیمی قرار داد و کمبود نیروی متخصص از سوی نیروهای امور مهندسی و ساختمانی شرکت ملی نفت تأمین شد. مدیران طرح‌های قدیمی را بازنگری و مطالعه برای طرح‌های جدید را آغاز کردند.

تولید

پس از آرامش نسبی فضای کشور و انتصاب مدیران، تولید از سال ۱۳۵۸ کم‌وبیش آغاز شد و در سال ۱۳۵۹ به‌تدریج افزایش یافت. مجتمع‌های شاهپور (رازی)، خارگ، آبادان و کارخانه‌ی کربن تولید خود را افزایش دادند و مجتمع ایران ـ نیپون (فارابی) با اندکی تأخیر در مدار تولید قرار گرفت. تولید در هر مجتمع به‌صورت مقطعی و به اقتضای نیاز کشور صورت می‌گرفت. مجموع تولید مجتمع‌ها در سال ۱۳۵۹ حدود ۹۲۱ تن بود. مقایسه این میزان از تولید با سال‌های قبل از انقلاب کاهش محسوسی را نشان می‌دهد. کارها به‌تدریج روال سابق را بازمی‌یافت که قبل از جشن دومین سال پیروزی انقلاب حادثه‌ای بزرگ به وقوع پیوست؛ ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ ناقوس جنگ به صدا درآمد.

پتروشیمی و جنگ

۳۱ شهریور ۱۳۵۹ آژیر قرمز در سراسر ایران به صدا درآمد. پس از بمب‌گذاری‌های متعدد و خرابکاری‌های نفوذی‌های بعثی در شهرهای خوزستان و درگیری‌های پراکنده مرزی، سرانجام جنگی خونین و ویرانگر آغاز شد. سال‌ها اقتصاد و صنعت کشور را در شرایط دشوار قرار داد. تحریم اقتصادی، کاهش تولید نفت، نوسانات قیمت نفت و کمبود نقدینگی بر همه ارکان کشور اثرگذار بود. صنعت پتروشیمی با تنگناهای بسیاری روبه‌رو شد و تکمیل طرح‌های سابق و اجرای طرح‌های جدید مدتی به محاق رفت.

چند روز پس از آغاز جنگ، رجایی، نخست‌وزیر، محمدجواد تندگویان را برای تصدی وزارت نفت به مجلس معرفی کرد. تندگویان در ۳ مهر رأی مثبت نمایندگان را به دست آورد. در ۳۰ مهر، احمد اجل لوییان را به سمت مدیرعامل شرکت ملی صنایع پتروشیمی برگزید. یک سال بعد، مصطفی طاهری نجف‌آبادی سکاندار شرکت شد و تا پایان جنگ آن را مدیریت و راهبری کرد.

به‌تدریج چرخ‌های صنعت پتروشیمی به کار انداخته شد. مجتمع شیراز به دور از

هیاهـوی ظاهـری جنـگ، توقـف تولیـد نداشـت، امـا مجتمع‌هـای خـارگ، رازی، آبـادان و فارابـی، هریـک دوره‌هایـی از تعطیلـی را تجربـه کردنـد. در دوران هشـت سـاله‌ی جنـگ تحمیلـی، تولیـد کـم شـد، امـا متوقـف نشـد. مجتمع‌هـا زیـر شـدیدترین حمـلات دشـمن و درحالی‌کـه از کمبـود خـوراک و مـواد اولیـه رنـج می‌بردنـد بـه تولیـد ادامـه دادنـد. در نخسـتین سـال جنـگ، تولیـد محصـولات پتروشـیمی، هشـتاد درصـد کاهـش یافـت. در سـال پایانـی جنـگ، مجمـوع تولیـد مجتمع‌هـا ۸۸۰ هـزار تـن؛ فـروش داخلـی ۴۳۰ هـزار تـن و صـادرات ۲۷۰ هـزار تـن بـود.[۱] ایـن آمـار حاکـی از کوشـش کارکنـان پتروشـیمی در عرصـه‌ی نگهداشـت واحدهـای تولیـدی اسـت، اما مهم‌تریـن مشـکل یعنـی به‌روزرسـانی تکنولـوژی و دانـش فنـی همچنـان وجـود داشـت و موجـب شـد کـه پتروشـیمی ایـران در قیـاس بـا تـراز جهانـی، از قافلـه عقب‌تـر باشـد.

احمد اجل‌لوئیان

تندگویـان پـس از اینکـه وزیـر نفـت شـد، از یـار و همـکار قدیمـی خـود خواسـت مدیریـت شـرکت ملـی صنایـع پتروشـیمی را بپذیـرد. اجل‌لوئیـان پذیرفـت و تندگویـان حکـم مدیریتـش را امضـا و ابـلاغ کـرد. اجل‌لوئیـان مدیریـت رازی و ایـران ـ نیپـون را در کارنامـه خـود داشـت. او از مشـکلات مجتمع‌هـا در شـرایط وخیـم جنگـی کامـلاً آگاه بـود و بیـش از آنکـه شـنونده گزارش‌هـا باشـد، توصیف‌کننـده‌ی وضعیـت مجتمع‌هـا بـود.

مهم‌تریـن اسـتراتژی اجل‌لوئیـان، محافظـت و نگهداشـت تجهیـزات و تأسیسـات، جابه‌جایـی انبارهـا و تعییـن تکلیـف انبوهـی از قطعـات و اجنـاس موجـود در انبارهـا بـود. او نیـز همچـون تندگویـان، معتقـد بـود می‌تـوان برخـی از کارهـا را حتـی در زیـر حمـلات بمب‌افکن‌هـای دشـمن بـه سـامان رسـاند. تندگویـان چنـد روز پیـش از آنکـه اسـیر شـود، بـه مناطـق نفت‌خیـز سـفر کـرد. در محوطـه‌ی مجتمـع ایـران ـ ژاپـن، ژاپنی‌هـا زبـان بـه شـکایت بـاز کردنـد و گفتنـد نمی‌تواننـد در موقعیـت جنگـی کار کننـد. تندگویـان فرزنـدش را کـه بـه همـراه داشـت، بـه آنهـا نشـان داد و گفـت اینجـا بـه انـدازه‌ای امـن اسـت کـه فرزنـدم را هـم بـا خـود آورده‌ام. شـما می‌توانیـد اینجـا در آرامـش زندگـی کنیـد و کار نصـب و راه‌انـدازی را بـه پایـان برسـانید.[۲] محمدجـواد تندگویـان وزارت کوتاه‌مدتـی داشـت. در جـاده‌ی ماهشـهر ـ آبـادان اسـیر نیروهـای عراقـی شـد و رایزنی‌هـا بـرای آزادی‌اش بی‌نتیجـه مانـد. هیـچ‌گاه آزاد نشـد و در اسـارت بـه شـهادت رسـید.

۱. رضا مختاری‌فر، تاریخ پتروشیمی در ایران، صص ۲۱۶-۲۱۵

۲. تاریخ شفاهی وزرای نفت ایران (سیدحسن سادات)، ص ۲۱۱..

اصلی‌ترین اولویت اجل‌لوئیان، محافظت از تأسیسات و نگهداشت تجهیزات بود. به دستور تندگویان، کارکنان وزارت نفت و شرکت‌های تابعه برای حفاظت از تأسیسات نفت، پتروشیمی و گاز در استان خوزستان سازماندهی شدند. مجتمع‌های بندر امام و آبادان از مدار تولید خارج گردیدند و کارکنان با هرچه که به دستشان رسید تلاش کردند تأسیسات را از دیدرس بمب‌افکن‌های دشمن دور نگه دارند. تعدادی پدافند عامل نیز کار گذاشته شد تا مانع نزدیکی بمب‌افکن‌ها شود. محوطه‌ی مجتمع‌ها از هیاهو و شوروشوق سابق خالی و بدل به انبار تجهیزات و تدارکات جنگ شد. تعدادی از کارکنان به درخواست خود به مناطق غیرجنگی منتقل شدند و در مقابل، تعدادی از سربازان و جنگ‌زده‌ها در خانه‌های سازمانی و ویلاهای مجتمع‌ها اسکان داده شدند.

اقدام بعدی، تعیین برنامه‌های مطالعاتی و اجرایی و طرح‌های عمرانی شرکت بود. این برنامه‌ها باتوجه‌به اولویت‌های تعیین‌شده‌ی سازمان برنامه چنین اعلام شد: لیست خرابی‌های ناشی از جنگ و اختصاص بودجه‌ی لازم برای تعمیر آنها؛ لیست کمبودهای اوره و فسفات در مجتمع شیمیایی رازی و واحدهای سدیم تری‌پلی‌فسفات در مجتمع شیراز مشخص شود تا بودجه‌ی لازم در اختیار قرار گیرد؛ برنامه و نحوه‌ی اجرای طرح‌های گسترش پتروشیمی شیراز و پتروشیمی ایران ـ ژاپن؛ طرح‌های صادرات اوره و تولید کودهای فسفاته؛ مطالعات مربوطه به توسعه‌ی پولیکا باتوجه‌به عرضه و تقاضا در بازار؛ موضوع اکتشاف و بهره‌برداری و تغلیظ سنگ فسفات در ایران.[1]

مصطفی طاهری نجف‌آبادی

احمد اجل‌لوئیان در شهریور ۱۳۶۰ جای خود را به مصطفی طاهری نجف‌آبادی داد. محافظت از مجتمع‌ها و بازسازی تأسیسات آسیب‌دیده، ایجاد مجتمع‌های جدید در اصفهان و اراک؛ جذب نیروی انسانی و تحول در مناسبات سازمانی؛ جلب مشارکت خارجی و اخذ دانش فنی؛ تأمین بودجه از بانک‌های داخلی و بودجه‌ی سراسری از مهم‌ترین برنامه‌های نجف‌آبادی در دوران مدیریتش بود.

پاکسازی و جذب نیروی انسانی جدید از دیگر دغدغه‌های مدیران در این دوره بود. چنانکه گفتیم، در دوره وزارت غرضی تحول عمیقی در نیروی انسانی وزارت نفت رخ داد. تعهد مکتبی شرط لازم برای ورود و ماندن در این صنعت به‌شمار می‌رفت. بالتبع، صنعت پتروشیمی نیز تحت تأثیر این روند قرار گرفت. پاکسازی نیروی انسانی در این

۱. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی صنایع پتروشیمی، جلسه ۶۴، ۱۳۵۹/۱۱/۱۹.

دوره نیـز کم‌وبیـش بـه اجـرا درآمـد. مصطفـی طاهـری نجف‌آبـادی، مدیرعامـل شـرکت ملـی صنایـع پتروشـیمی، در آبـان ۱۳۶۲ بـا نشـریه پیـک نفـت بـه گفتگـو نشسـت. «بـرادر مهنـدس طاهـری در جـواب بـه سـؤال مـا در زمینـه عملکـرد شـرکت ملـی صنایـع پتروشـیمی طـی یکـی دو سـال گذشـته در برخـورد بـا نیـروی انسـانی و اینکـه برخـی جذب‌ودفع‌هـا در ایـن شـرکت مسئله‌سـاز بـوده، اظهـار داشـت:

مـا بـا هیچ‌کـس عنـاد و دشـمنی نداریـم و نه‌تنهـا درصـدد دفـع کسـی نیسـتیم، بلکـه مشـتاق بـه جـذب افرادیـم. البتـه تعـدادی از کارکنـان توسـط بازسـازی و عوامـل دیگـر و یـا توسـط پاکسـازی اخـراج شـده‌اند کـه ایـن دیگـر تقصیـر مـا نیسـت. الحمـدالله سـعی شـده اسـت کـه هرکسـی بـه جهـت شایسـتگی‌اش در سـمت‌های مختلـف بـه کار گرفتـه شـود. البتـه هنـوز هـم ممکـن اسـت افـرادی باشـند در لابـه‌لای کارکنـان چـه در مجتمع‌هـا و چـه در اداره مرکـزی کـه کار را آن‌طـوری کـه جمهـوری اسـلامی می‌خواهـد انجـام نمی‌دهنـد، ولـی بالاخـره ایـن افـراد هـم در مقابـل جریـان عظیـم انقـلاب نمی‌تواننـد مقاومـت کننـد کـه البتـه بسـیار نادرنـد و اکثریـت قریـب بـه اتفـاق کارکنـان مشـغول خدمـت بـا منتهـای قـدرت و تـوان خـود هسـتند.[۱]

بازسـازی واحدهـای تخریب‌شـده و بازگردانـدن مجتمع‌هـا بـه مـدار تولیـد اهمیـت بسـیاری داشـت، امـا بـا شـروع جنـگ بسـیاری از کارکنـان محـل خدمـت خـود را تـرک کـرده بودنـد. طاهـری نجف‌آبـادی بـه همـراه مدیـران از محـل مجتمع‌هـا بازدیـد کـرد و از نزدیـک در جریـان اوضـاع قـرار گرفـت:

> در ابتـدای جنـگ و بـه دنبـال بازدیـدی کـه از مجتمع‌هـای پتروشـیمی در جنـوب داشـتم، مشـاهده کـردم کـه تمامـی متخصصـان محـل کار را تـرک و دسـتگاه‌ها را بـه حـال خـود رهـا کرده‌انـد. درحالی‌کـه درون ایـن دسـتگاه‌ها مـواد شـیمیایی و محلول‌هایـی وجـود دارنـد کـه باعـث فرسـایش و خوردگـی آنهـا شـده و سـرمایه عظیمـی از دسـت می‌رفـت و ایـن در حالـی بـود کـه رزمنـدگان مـا در جبهه‌هـای نبـرد مشـغول جنـگ بودنـد. به‌هرحـال، برخـورد اولیـه مـا بـا ایـن همـکاران ایـن بـود کـه بـه مجتمع‌هـای جنـوب رفتـه و بـا نگهـداری و پاسـداری از تأسیسـات، آنهـا نیـز بدیـن ترتیـب دیـن خـود را بـه میهـن اسلامی‌شـان ادا کننـد. بـه دنبـال ایـن برخـورد، حکمـی صـادر شـد و بـه ۳۰ نفـر از بـرادران ابـلاغ گردیـد کـه البتـه عـده‌ای رفتنـد و عـده‌ای هـم نرفتنـد. مـا هـم عـذر آنهایـی کـه نرفتنـد را خواسـتیم کـه بعـداً مراجعـه کـرده و اعـلام آمادگـی کردنـد کـه بازهـم بـه آنـان فرصـت ادامـه خدمـت دادیـم و مسـئله بدیـن ترتیـب حـل شـد. در حـال حاضـر، بـا ایـن همـکاران بسـیار برادرانـه مشـغول انجـام طرح‌هـا و

۱. پیک نفت، شماره ۱۸۴، آبان ۱۳۶۲، ص ۱۳.

برنامه‌های جدید هستیم. تعمیرات خارگ و بندر امام خمینی هم توسط همین برادران صورت می‌گیرد و باید بگویم که این برادران از خدماتی که انجام داده‌اند، در مقابل ملت خود و جمهوری اسلامی روسفید هستند.[۱]

اقدام بعدی که در این دوره انجام شد و مهم‌ترین اقدام این دوره به حساب می‌آید، طرح‌های جدیدی بود که برخی بر روی کاغذ و برخی بر روی زمین اجرا شد. در این دوره، مدیران عالی کشور با همفکری مدیران پتروشیمی، تصمیم گرفتند طرح‌های جدید را در مناطق دور از جنگ اجرا کنند. اجرای طرح‌های اراک و اصفهان ناشی از چنین ضرورت‌هایی بودند.

هم‌زمان، آموزش نیروهای جدید بیش‌ازپیش موردتوجه مدیران پتروشیمی قرار گرفت. اعزام کارشناسان ایرانی برای گذراندن دوره‌های آموزشی در شرکت‌ها و دانشگاه‌های معتبر خارجی از دهه‌ی ۱۳۴۰ آغاز شده بود، اما در دوره جنگ به دلیل تحریم و شرایط جنگی این امر چندان مقدور نبود. جذب نیروی جدید از دانش آموختگان دانشگاهی و برگزاری جلسات برای رفع مشکلات سازمانی از ۱۳۶۱ اوج گرفت. در سال ۱۳۶۲، هم‌زمان در شیراز و تهران مجموعه‌ای از سمینارهای آموزشی، کنگره‌های همکاری دانشگاه و صنعت نفت و جذب نیرو از فارغ‌التحصیلان دانشگاهی بیش از گذشته سامان یافت.

یکی از نقاط عطف تحول سازمانی در صنعت پتروشیمی سال‌های ۱۳۶۲ و ۱۳۶۳ بود که شمار استخدام‌شده‌ها از دانشگاه‌های شیراز، تهران، امیرکبیر، چمران اهواز و صنعتی شریف فزونی گرفت. نیروهای فارغ‌التحصیل کاردانی و کارشناسی از دانشگاه‌های کشور به استخدام درآمدند و به‌صورت ضمن خدمت در پالایشگاه تهران تحت آموزش قرار گرفتند. اولین مرکز آموزش حرفه‌ای صنایع پتروشیمی در بندر امام تأسیس شد. بر اساس اسناد، شرکت ملی صنایع پتروشیمی در سال ۱۳۶۷ نزدیک به ۱۱۲۰۰ نفر نیروی انسانی داشت؛ ۳۷۰۰ نفر از آنان کارمند و ۷۵۰۰ نفر کارگر بودند.[۲] عمده‌ترین ویژگی در جذب این نیروها تخصص فنی و تعهد ایدئولوژیک بود که از ویژگی‌های بارز دوره‌ی وزارت غرضی به شمار می‌آید.

مسئله‌ی مهم دیگر در این دوره جذب سرمایه بود که با وجود مشکلات پیشرفت قابل‌توجهی داشت. شرکت وضعیت مالی خوبی نداشت و دولت قادر نبود همچون

۱. پیک نفت، شماره ۱۸۴، آبان ۱۳۶۲، ص ۱۳.

۲. رضا مختاری‌فر، تاریخ پتروشیمی در ایران، ص ۲۱۷.

گذشته در این صنعت سرمایه‌گذاری کند. مدیران پتروشیمی برای دریافت وام با بسیاری از بانک‌های داخلی و خارجی به مذاکره و گفتگو نشستند. توانستند چند بانک داخلی از جمله بانک ملی را به سرمایه‌گذاری در طرح‌های جدید راضی کنند. مدیران عالی کشور نیز برای رشد این صنعت بودجه و ارز لازم را در حد امکان اختصاص دادند. در سال‌های ۱۳۵۸-۱۳۶۷ کل سرمایه‌گذاری در صنعت پتروشیمی بالغ بر ۴۲۰ میلیارد ریال بود.[۱]
در همین دوره، برنامه پنج‌ساله اول پتروشیمی (۱۳۶۲-۱۳۶۶) تدوین شد. مدیران، پس از گفتگوهای بسیار، برنامه را در جلسه‌ی هیئت‌مدیره‌ی ۲۸ مهر ۱۳۶۱ تصویب کردند. این برنامه خطوط راهبردی این صنعت را مشخص کرد و برنامه‌ریزی و بودجه‌بندی براساس آن انجام شد. نگاهی به سرفصل‌های این برنامه حاکی از آن است که کارشناسان صنعت پتروشیمی هدفمند و با نگاهی به آینده‌ی پس از جنگ برنامه‌ریزی می‌کردند: اختصاص ۱۲ میلیارد ریال برای بازسازی و نوسازی؛ ۱۹۵ میلیارد ریال برای طرح‌های نیمه‌تمام؛ ایجاد مجتمع شیمیایی در اراک؛ ایجاد واحدهای پایین‌دستی پتروشیمی توسط وزارت صنایع؛ تکمیل طرح‌های نیمه‌تمام پتروشیمی شیراز و پتروشیمی ایران ـ ژاپن؛ تأسیس واحدهای جدید؛ ایجاد هسته‌ای از کارشناسان برای انتقال دانش فنی؛ تقویت هماهنگی بین شرکت و وزارت صنایع.[۲]

طرح گسترش شیراز؛ توانمندی کارشناسان ایرانی

چنانکه در فصل پیشین گفتیم، طرح گسترش کود شیمیایی شیراز پس از قوع انقلاب و خروج کارشناسان خارجی متوقف شد. پس از برقراری ثبات نسبی، مدیران تلاش کردند شرکت شینوا را به ادامه‌ی کار و انجام تعهداتش وادارند. علی‌اکبر معین‌فر، وزیر نفت، رکود طرح را به صلاح کشور نمی‌دانست و معتقد بود هر طور شده باید کارها ادامه یابد. حسن سادات، کفیل وزارت نفت، در ۲۰ خرداد سال ۱۳۶۰ به شیراز رفت. از مجتمع پتروشیمی شیراز بازدید و از نزدیک جزئیات طرح را بررسی کرد. مدیران در گزارشی به سادات گفتند که محصولات مجتمع شیراز ۱۱۰ تن آموناک، ۷۰ تن اوره و ۱۰۰ تن اسید نیتریک و نیترات آمونیوم است که بعد از بهره‌برداری از طرح گسترش به ۱۲۰۰، ۱۵۰۰ و ۶۰۰ تن افزایش خواهد یافت. آنها تخمین زدند که طرح تا سال ۱۳۶۲ به بهره‌برداری برسد.[۳]

۱. رضا دیلمی‌نژاد، نگاهی اجمالی به صنعت پتروشیمی طی ۳۳ سال گذشته،
۲. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی صنایع پتروشیمی، جلسه ۱۶۲، ۱۳۶۱/۷/۲۸.
۳. روزنامه کیهان، ۲۰ خرداد ۱۳۶۰.

اجل‌لوئیان تلاش زیادی برای فراهم آوردن مقدمات طرح به‌عمل آورد. تعدادی از کارکنان پالایشگاه آبادان (که تقریباً تعطیل شده بود) به شیراز منتقل شدند تا در اجرای طرح مشارکت کنند، اما کارشناسان ایرانی برای تکمیل طرح به کمک‌های فنی خارجی نیاز داشتند، اما به دلیل شرایط جنگی و تحریم ایران هیچ‌یک از شرکت‌های خارجی حاضر به همکاری نبودند. سرانجام دو گروه پیمانکار کره‌ای پذیرفتند که برای عملیات ساختمانی و نصب با ایران همکاری کنند. هیئت‌مدیره نیز با استخدام افراد خارجی موردنیاز برای مشارکت در طرح گسترش موافقت کرد.[1]

از سوی دیگر، پس از گلوله‌باران شدید آبادان در ۲۳ بهمن ۱۳۶۲، بازسازی پتروشیمی آبادان متوقف و تعداد زیادی از کارکنانی که در امر بازسازی فعالیت داشتند، بیکار شدند. آنها، به صورت انفرادی و یا گروهی، به یاری کارکنان دیگر مجتمع‌ها شتافتند و به آنها در امر آموزش، نوسازی و تعمیرات یاری رساندند، همچون تعمیر پالایشگاه گاز بیدبلند، بازسازی و نوسازی کارخانه شیمیایی پازارگاد و طرح گسترش پتروشیمی شیراز.[2] تعداد اندکی هم در شهر ماندند تا از مجتمع محافظت و از دستگاه‌ها نگهداری کنند.

۲۶ اردیبهشت ۱۳۶۳، بازدید غرضی از طرح گسترش شیراز در حالی صورت گرفت که ۸۶ درصد کار توسط کارکنان ایرانی عملیاتی شده بود. شعری مقدم، رئیس سرویس‌های فنی طرح گسترش، تاریخچه‌ای از پروژه برای وزیر شرح داد: «محصولات آن، کود اوره به میزان ۴۹۵ هزار تن و نیترات آمونیوم به میزان ۲۲۱ هزار تن در سال، آمونیاک مایع برای فروش ۱۰ تن در روز، اسید نیتریک قابل فروش ۳۰ تن در روز خواهد بود.» مهندس عباس کبیر، رئیس طرح گسترش شیراز، نیز در مورد کارهای انجام‌شده و پیشرفت کار در زمان قبل از انقلاب و تعلیق آن توضیحاتی داد: «تعلیق تا فروردین ۱۳۶۲ نگرانی‌هایی را تولید کرد.» برحسب گفته‌ی عباس کبیر، قبل از انقلاب، ۴۱ درصد کار ساختمانی و ۳۲ درصد نصب و مکانیک انجام شده و شمار کارکنان خارجی بین ۹۰۰ تا ۱۴۰۰ نفر بود. مهندس محمود نوری، قائم‌مقام مدیرعامل پتروشیمی شیراز، در همان روز گفت: «تابه‌حال، تعداد ۳۰۸ نفر از طریق جذب شده‌اند که از این تعداد، ۷۵ نفر مهندس و دکتر در رشته‌های شیمی، الکترونیک، برق و مکانیک و ۶۳ نفر فوق دیپلم در رشته‌های فنی و ۱۷۰ نفر دیپلم هستند. کارآموزی و کارورزی خود را زیر نظر اداره‌ی آموزش ادامه

۱. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی صنایع پتروشیمی، جلسه ۲۱۱، ۱۳۶۱/۸/۲۷.
۲. پیک نفت، شماره ۴۰۲، مهر ۴۶۳۱، ص ۷.

می‌دهنـــد.»[۱]

چنان‌کـه گفتیـم، عبـاس شـعری‌مقدم در آن زمـان رئیـس سـرویس‌های فنـی طـرح بـود. شـعری‌مقدم جـوان کارش را از سـال ۱۳۴۵ بـا پتروشـیمی شـیراز شـروع کـرد. وقتـی طـرح گسـترش شـیراز اجرایـی شـد، شـعری‌مقدم بـه انـدازه‌ای تجربـه داشـت کـه به‌عنـوان مهنـدس ارشـد پـروژه برگزیـده شـد. دوره‌ی آموزشـی دو سـال‌ونیمه را در انگلسـتان طـی کـرد. مـدت زمـان زیـادی از بازگشـتش بـه ایـران نگذشـته بـود کـه انقـلاب شـد. او همـراه بـا جوانـان پرشـور انقلابـی زیـر نظـر مهنـدس نجابـت ، رئیـس سـاختمان طـرح، تمـام تـلاش خـود را بـرای تکمیـل آن بـه کار گرفتنـد. مهنـدس نجابـت کارش را در واحدهـای مهندسـی و نصـب صنعـت نفـت آغـاز کـرد. در امـور اجرایـی حضـور فعالـی داشـت. سـال‌ها فعالیـت در نصـب کارخانجـات او را آبدیـده کـرده و تجربه‌هـای بسـیاری آموختـه بـود.

شـعری‌مقدم از اراده‌ی نجابـت بـرای پیشـبرد کارهـا و تصمیـم او بـرای نصـب راکتـور ۲۷۵ تنـی واحـد اوره‌ی طـرح گسـترش در ارتفـاع ۴۰ متـری بـرای مـا سـخن گفـت. ابتـدا، مدیـران شـرکت ملـی صنایـع پتروشـیمی بـا انجـام ایـن کار مخالفـت کردنـد، امـا نجابـت بـا آنهـا بـه گفتگـو نشسـت، جزئیـات را برایشـان شـرح داد و توانسـت موافقـت آنهـا را بـه دسـت آورد. توانمنـدی و تجربـه‌اش جایـی بـرای مخالفـت باقـی نمی‌گذاشـت. ایـن کار بـرای اولین‌بـار در ایـران انجـام می‌شـد و کوچک‌تریـن اشـتباهی جبران‌ناپذیـر بـود. اگـر رآکتـور سـقوط می‌کـرد، از بیـن می‌رفـت و طـرح بـرای ۲ تـا ۳ سـال دیگـر بـه تأخیـر می‌افتـاد. نجابـت بـه هیئت‌مدیـره پیشـنهاد کـرد یـک کارشـناس خارجـی را بـه ایـرن دعـوت ایـران بیایـد و در کنـار ایرانی‌هـا قـرار گیـرد و تجربـه‌ی فنـی خـود را در اختیـار کارشناسـان ایـن طـرح قـرار دهـد. رایزنی‌هـا آغـاز شـد و یکـی از کارشناسـان انگلیسـی پذیرفـت بـه ایـران بیایـد. بـا نظـارت او نقشـه‌های لازم تهیـه و اسـکلت‌های فلـزی نصـب شـدند. سـرانجام، رآکتـور ۲۷۵ تنـی بـا دشـواری بسـیار در بـالای برجـی بـا ارتفـاع ۴۰ متـر نصـب شـد. کاری بـس بـزرگ، تماشـایی و بی‌نظیـر بـا همـت کارشناسـان ایرانـی بـه سـامان رسـید.[۲] پـس از گذشـت حـدود ۳۵ سـال، هنـوز هـم ایـن رآکتـور بـر فـراز آسـمان پتروشـیمی شـیراز خودنمایـی می‌کنـد و توانمنـدی مـردان ایرانـی را بـه رخ می‌کشـد. سـایر بخش‌هـای طـرح نیـز تکمیـل و ۱۷ بهمـن ۱۳۶۴ توسـط نخسـت‌وزیر افتتـاح شـد.

در همـان زمـان، ظرفیـت تولیـد و کیفیـت محصـولات بهبـود یافـت و از همـه مهم‌تـر تولیـد

۱. پیک نفت، خرداد ۱۳۶۳، شماره ۱۸۹.

۲. مصاحبه با عباس شعری‌مقدم، بهمن ۱۳۹۴، (پروژه تاریخ نفت ایران).

متانـول در دسـتور کار قـرار گرفـت. پنـج سـال بعـد، پـروژه تولیـد متانـول در شـیراز بـا همـکاری پیمانـکار خارجـی (لرگـی المـان) و چنـد شـرکت ایرانـی (یکـی از آنهـا، شـرکت گامـا بـود) و بـا مدیریـت مهنـدس نجابـت بـه بـار نشسـت. وزیـر نفـت و چنـد تـن از اعضـای دولـت در چهـارم خـرداد ۱۳۶۹ بـرای افتتـاح طـرح متانـول پتروشـیمی عـازم شـیراز شـدند. محصـول پـروژه متانـول در واحدهـای پایین‌دسـت همچـون تولیـد چسـب چـوب، مـواد دارویـی و رنگ‌سـازی کاربـرد دارد. لیسـانس طـرح متانـول در سـال ۱۳۶۳ از لرگـی المـان خریـداری و عملیـات نصـب و سـاختمان بـه دسـت شـرکت‌های ایرانـی انجـام شـد.

مجتمع ایران ـ ژاپن (بندر امام)

چنانکـه گفتیـم، کوتـاه زمانـی پـس از شـروع جنـگ ژاپنی‌هـا ایـران را تـرک کردنـد و علی‌رغـم تـلاش مدیـران ایرانـی حاضـر نشـدند بـه ایـران بازگردنـد. بـار دیگـر، مجتمـع در آسـتانه‌ی افتتـاح متوقـف شـد. طاهـری نجف‌آبـادی از دولـت درخواسـت کـرد کـه هیئتـی از مدیـران پتروشـیمی بـرای مذاکـره بـه ژاپـن بـرود. چنـدی بعـد، خـود نیـز عـازم توکیـو شـد. او کـه امیـدوار بـود بتوانـد ژاپنی‌هـا را راضـی کنـد، بـه خبرنـگاران گفـت «هرگونـه مسـئله‌ای بـر سـر تکمیـل ایـن پـروژه سـه میلیـارد و ششـصد میلیـون دلاری می‌توانـد بـا حسـن‌نیت حل‌وفصـل شـود.» طـرح تـا سـال ۱۳۶۲ متوقـف بـود تـا اینکـه ژاپنی‌هـا پذیرفتنـد بازگردنـد و آسـیب‌هایی کـه بـه مجتمـع وارد شـده بـود را بازسـازی کننـد و کار پـروژه را نیـز بـه پایـان برسـانند. حـدود چهـارده مـاه کار کردنـد تـا اینکـه حمـلات عـراق بـه مجتمـع از سـرگرفته شـد. ژاپنی‌هـا بلافاصلـه ایـران را تـرک کردنـد و دیگـر حاضـر نشـدند بـه ایـران بازگردنـد. مجتمـع از پایـان سـال ۱۳۶۳ تعطیـل شـد. غلام‌حسـین نجابـت از جملـه مدیـران ایرانـی بـود کـه در دوره‌ی چهارده‌ماهـه‌ای کـه ژاپنی‌هـا برگشـتند، در بنـدر امـام حضـور داشـت و مسـئولیت پـروژه را برعهـده داشـت.[1] ژاپنی‌ها پـس از تـرک ایـران از انجـام تمامـی تعهـدات خـود خـودداری کردنـد و کارکنـان ایرانـی بـه تنهایـی حفـظ، نگهـداری و تعمیـر را انجـام می‌دادنـد. طبـق گـزارش مدیـران مجتمـع، تعمیـرات و نگهـداری واحدهـا ۲۰۰ میلیـون ریـال در مـاه هزینـه داشـت[2] کـه در شـرایط نابسـامان جنگـی بـار مالـی زیـادی را بـر شـرکت پتروشـیمی ایـران ـ ژاپـن تحمیـل می‌کـرد. شـرکت ملـی صنایـع پتروشـیمی تـلاش می‌کـرد بـا اعطـای وام‌هـای کوتاه‌مـدت مجتمـع را سـرپا نگـه دارد، امـا هزینه‌هـا به‌ویـژه بـا حمـلات عراقی‌هـا مـدام در حـال افزایـش بـود. مجتمـع حتـی در روز

۱. مصاحبه با غلامحسین نجابت، دی ۱۳۹۴، (پروژه تاریخ نفت ایران).

۲. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی صنایع پتروشیمی، جلسه فوق‌العاده، ۱۳۶۶/۸/۲.

امضای قطعنامه ۵۹۸ هدف بمب‌افکن‌های دشمن قرار گرفت که آسیب‌های جدی به مجتمع وارد کرد.

طرح‌های جدید

جنگ تحمیلی نتوانست خللی در عزم راسخ ایرانیان برای پیشرفت‌های علمی و صنعتی ایجاد کند. آنها این توانایی را در خود می‌دیدند که طرح‌های جدید را طراحی کنند و به سامان رسانند. کشور به محصولات و فراورده‌های پتروشیمیایی نیاز داشت و مجتمع‌ها با حضور در قلب مناطق جنگی زیر شدیدترین حملات دشمن بودند. همگان به این نتیجه رسیده بودند که توسعه‌ی مجتمع‌ها در جنوب باید متوقف شد. بهترین راه‌حل از نظر مدیران، احداث مجتمع در مناطق مرکزی و دور از مرزهای کشور بود. شرکت در تیرماه ۱۳۶۰ از بانک‌ها و مؤسسات علاقه‌مند به سرمایه‌گذاری در احداث واحدهای تولید فراورده‌های پتروشیمیایی و شیمیایی دعوت کرد تا در این زمینه سرمایه‌گذاری کنند.[۱] بخش خصوصی حاضر نبود ریسک کند. شرکت خود دست به کار شد. مذاکراتی برای انجام همکاری‌های فنی با کشورهای ترکیه، یوگسلاوی، چکسلواکی و آلمان شرقی انجام و هیئتی برای مذاکره و بازدید از توانایی‌های این کشورها اعزام شدند. در برنامه‌ی ۵ساله نخست نیز آموزش ۵ هزار نفر از کارکنان برای بهره‌برداری از واحدهای جدید در دستور کار شرکت قرار گرفت.[۲]

مدیران دو منطقه اراک و اصفهان را برای احداث مجتمع‌های جدید مناسب تشخیص دادند. تبریز پالایشگاه داشت و طرح پالایشگاه در اراک تصویب شده بود. محصولات پالایشگاه می‌توانست خوراک مجتمع‌ها را تأمین کند. بررسی‌های کارشناسان درنهایت به تصویب طرح ایجاد مجتمع پتروشیمی اراک و اصفهان انجامید.

طرح اراک

۲۸ مهر ۱۳۶۱ مدیران طرح متجمع پتروشیمی در اراک برای تولید الفین و آروماتیک

۱. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی صنایع پتروشیمی، جلسه ۹۸، ۱۳۶۰/۶/۸.
۲. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی صنایع پتروشیمی، جلسه ۱۶۲، ۱۳۶۱/۷/۲۸.

را تصویب کردند[۱] ۳ بهمن همان سال نیز طرح واحد ۱۵۰ هزار تنی PVC تصویب شد.[۲] چندی بعد، طاهری نجف‌آبادی در مورد طرح اراک و دستاوردهای آن گفت:

> در مورد طرح مجتمع اراک باید همین‌قدر بگویم که این مجتمع عظمتی در حدود مجتمع ایران ـ ژاپن و ازنظر محصولات نهایی، مکمل محصولات این مجتمع خواهد بود و این گام مؤثری در راه رسیدن به خودکفایی است. این پروژه در حال بررسی و مقایسه فرایندهای تولید است و قرار است پس از انتخاب لیسانس و پیمانکار، امور عملیاتی را توسط همکاران خودمان و متخصصان ایرانی به انجام برسانیم. تاکنون کارهای ابتدایی در مورد انتخاب زمین و نقشه‌برداری انجام پذیرفته و داوطلبان زیادی از کشورهای مختلف جهت همکاری داشته‌ایم که این هم خود نشان‌دهنده قدرت جمهوری اسلامی و ثبات سیاسی کشورمان است که باید آن را مرهون پیروزی‌های چشمگیر رزمندگان در جبهه‌های نبرد دانست. با اجرای این پروژه، مسئله انتقال تکنولوژی به معنای واقعی عملی خواهد شد.[۳]

در ۱۱ خرداد ۱۳۶۴ مدیران تصمیم گرفتند برای رسیدن به خودکفایی در تولید پلی‌بوتادین این واحد را نیز به طرح اراک اضافه کنند.[۴] پس از تصویب طرح اولیه، تعدادی از کارشناسان برای بررسی‌های میدانی به اراک رفتند و قطعه زمینی در شمال جاده‌ی اراک ـ بروجرد را مناسب تشخیص دادند.[۵] تقی مرشدی به‌عنوان مسئول طرح برگزیده شد. او با مدیرعامل مستقیماً در ارتباط بود.[۶] با وجود مشکلات ناشی از جنگ، طرح پتروشیمی اراک آرام‌آرام به جلو می‌رفت.

اخذ لیسانس سخت بود و مدیران تصمیم گرفتند از لایسنس مجتمع ایران ـ ژاپن در طرح اراک استفاده کنند.[۷] . اسناد مناقصه برای اجرای طرح به چند شرکت معتبر از جمله شرکت‌های لاماس، استون و وبستر، لورگی و KTI ارسال شد.[۸] ایتالیا از معدود کشورهایی بود که پذیرفت با ما همکاری کند. کارشناسان در تیر ۱۳۶۴ نظر مثبت خود را نسبت به کنسرسیوم تکنی‌پترول و KTI اعلام کردند. با تلاش‌های مرشدی قرارداد

---

۱. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی صنایع پتروشیمی، جلسه ۱۶۲، ۱۳۶۱/۷/۲۸.
۲. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی صنایع پتروشیمی، جلسه ۱۷۴، ۱۳۶۱/۱۱/۳.
۳. پیک نفت، شماره ۱۸۴، آبان ۱۳۶۲، ص ۱۵.
۴. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی صنایع پتروشیمی، جلسه ۲۴۱، ۱۳۶۴/۳/۱۱.
۵. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی صنایع پتروشیمی، جلسه ۱۸۹، ۱۳۶۲/۴/۱۹.
۶. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی صنایع پتروشیمی، جلسه ۲۲۲، ۱۳۶۳/۷/۲۳.
۷. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی صنایع پتروشیمی، جلسه ۲۱۷، ۱۳۶۲/۴/۲۰.
۸ مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی صنایع پتروشیمی، جلسه ۲۲۸، ۱۳۶۳/۹/۱۸.

در مرداد امضا شد.[۱] خرید تکنولوژی، انجام مهندسی اصولی و مهندسی تفصیلی، خدمات خرید، نظارت بر ساختمان و راه‌اندازی و خرید کوره‌های الفین مفاد این قرارداد بودند.[۲] محمدحسن پیوندی به‌عنوان مسئول فرایند پروژه عازم ایتالیا شد. او جوانی پرتلاش و جویای نام بود. سابقه‌ی درخشانی در پتروشیمی ایران ـ ژاپن داشت. در سال ۱۳۵۶ به اشکالی در طراحی واحد الفین ایران ـ ژاپن پی برد که تقدیرنامه‌های گوناگون را برایش به ارمغان آورد.[۳] وقتش بود تا تجربه و دانشش را در پتروشیمی اراک به کار گیرد.

طرح اراک فرصت مناسبی برای تربیت نیروهای تازه‌نفس و فرصتی طلایی برای انتقال دانش فنی به کشور بود. نیروی انسانی موردنیاز از ۲۰ تن از فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌های شریف، دانشکده فنی، پلی‌تکنیک، شیراز، صنعتی اصفهان، دانشگاه سیستان‌و بلوچستان و ۲۰ فوق‌دیپلم تأمین شد. گروه، دوره کارآموزی را زیر نظر پیوندی در پالایشگاه تهران با موفقیت طی کردند. او آموزش این افراد را از بزرگ‌ترین افتخارات زندگی خود می‌داند.[۴]

کاهش جهانی قیمت نفت محدودیت‌های زیادی برای اجرای برنامه‌ها پیش آورده بود. هزینه‌های طرح اراک هم رو به افزایش بود. در قانون بودجه‌ی سال ۱۳۶۵ کل کشور، اعتبار موردنیاز طرح پتروشیمی اراک از ردیف اعتبارات عمرانی شرکت ملی صنایع پتروشیمی حذف و طرح با مشکلات مالی عدیده‌ای روبه‌رو شد. رایزنی با بانک‌ها، سازمان تأمین اجتماعی و بنیاد مستضعفان برای تأمین اعتبار به نتیجه نرسید. مجلس نیز لایحه‌ی دولت در مورد تأمین اعتبار از بانک مرکزی را رد کرد. پس از انجام مذاکرات طولانی، بانک ملی ایران موافقت خود را برای مشارکت در طرح اعلام کرد.[۵] آقازاده، وزیر نفت، به همراه طاهری نجف‌آبادی، مدیرعامل شرکت ملی صنایع پتروشیمی، و قاسمی، مدیرعامل بانک ملی ایران، صبح ۱۰ شهریور ۱۳۶۵ در گفتگویی مطبوعاتی جزئیات توافق اجرای طرح پتروشیمی اراک با مشارکت وزارت نفت و بانک ملی ایران را اعلام کردند[۶]، اما تا پایان جنگ امور اجرایی و عملیاتی این طرح تقریباً متوقف شد.

---

۱. هیئت‌مدیره‌ی شرکت ملی صنایع پتروشیمی، جلسه‌ی ۲۴۸، ۱۳۶۴/۵/۱۵.

۲. پیک نفت، شماره ۲۰۴، مهر ۱۳۶۴، ص ۸.

۳. مصاحبه با محمدحسن پیوندی، اسفند ۱۳۹۴ (پروژه تاریخ نفت ایران).

۴.مصاحبه با محمدحسن پیوندی، اسفند ۱۳۹۴ (پروژه تاریخ نفت ایران).

۵. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی صنایع پتروشیمی، جلسه ۲۹۴، ۱۳۶۵/۹/۳۰.

۶. روزنامه اطلاعات، ۱۰ شهریور ۱۳۶۵.

طرح آروماتیک اصفهان

چنانکه گفتیم، در طرح اراک واحدی برای تولید الفین و واحدی برای تولید آروماتیک پیش‌بینی شده بود، اما مجموعه عواملی که هنوز برای ما روشن نیست، موجب دو تکه‌شدن طرح شد و واحد آروماتیک به اصفهان انتقال یافت. شعری‌مقدم در گفتگویی با ما از اجباری که موجب این کار شد برای ما سخن گفت[۱]، اما موضوع را باز نکرد. با وجود مخالفت برخی از مدیران، هیئت‌مدیره شرکت ملی صنایع پتروشیمی در ۱۹ خرداد ۱۳۶۴ تصویب کرد که واحدی برای تولید مواد آروماتیک در کنار پالایشگاه اصفهان تأسیس شود. کمی بعد، منتقدانِ تفکیک این دو واحد و انتقال واحد آروماتیک به اصفهان حرف‌ها و سخن‌ها رواج دادند، ولی خللی در اراده مدیران وارد نشد. برنامه آن بود که محصولات این واحد نیازهای صنایع منطقه را تأمین کند.[۲]

مقدمات اجرای طرح فراهم و رایزنی‌ها برای انتخاب پیمانکاران آغاز شد. ۱۰ دی ۱۳۶۵ گفتگو بر سر انتخاب پیمانکاران مهندسی تفصیلی طرح آروماتیک اصفهان در جلسه‌ی هیئت‌مدیره‌ی شرکت به درازا کشید. تمامی مدیران بر این عقیده بودند که پیمانکار طرح باید به شرط انتقال تکنولوژی به کشور انتخاب شود.[۳]

سرعت اجرای طرح‌ها و انتقال تکنولوژی، که از قضا در تضاد با یکدیگر قرار دارند، دو عامل مهم در اجرای طرح‌های پتروشیمی هستند. در طرح‌های بزرگ که حجم سرمایه‌گذاری بالا است، بازگشت سرمایه از فاکتورهای مهم در اجرای طرح محسوب می‌شود. همواره ضرورت بازگشت سرمایه و سرعت بالا در اجرای طرح‌ها، انتقال تکنولوژی را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد. شرطی که مدیران برای انتخاب پیمانکار طرح قائل شدند حاکی از هوشمندی و آگاهی مدیران از شرایط بود. به دلیل تحریم‌ها بیشتر شرکت‌های صاحب تکنولوژی حاضر به همکاری با ایران نبودند و همین مسئله آموزش نیروی انسانی داخلی را ضروری می‌کرد. همین ضرورت بود که مدیران را واداشت به شرکت‌های متقاضی و شرکت‌کننده در مناقصه تفهیم کنند که از جمله شرایط برنده شدن در مناقصه، استفاده‌ی هرچه بیشتر از نیروی انسانی داخل کشور است. سرانجام، شرکت هلندی لاماس برگزیده شد تا طراحی تفصیلی و مهندسی را انجام دهد.

---

۱. مصاحبه با عباس شعری‌مقدم، بهمن ۱۳۹۴ (پروژه تاریخ نفت ایران).

۲. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی صنایع پتروشیمی، جلسه ۲۴۲، ۱۳۶۴/۳/۱۹.

۳. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی صنایع پتروشیمی، جلسه ۲۹۵، ۱۳۶۵/۱۰/۱۰.

پتروشیمی خراسان و تبریز

پس از بمباران‌های مکرر پتروشیمی رازی، تولید آمونیاک و کود شیمیایی در این مجتمع متوقف شد. کود شیمیایی شیراز نیز برای تأمین نیاز کشاورزان کافی نبود. مسئولان استان خراسان و مردم درخواست‌های خود را برای تأسیس یک واحد تولید کود شیمیایی فرستادند. پالایشگاه‌های خانگیران و سرخس می‌توانستند خوراک اولیه مجتمع پتروشیمی را تأمین کنند. درخواست خراسانیان مورد بررسی قرار گرفت و نتیجه مطالعات مثبت بود و تأسیس مجتمع تولید آمونیاک و اوره در هیئت‌مدیره شرکت ملی صنایع پتروشیمی تصویب شد. آستان قدس رضوی که می‌خواست پیشگام این حرکت باشد، حمایت خود را از طرح اعلام کرد و برای تأمین ارز موردنیاز آن پیشنهاد همکاری داد.[۱] تصمیم برای ایجاد مجتمع خراسان بر روی کاغذ باقی ماند و تا پایان جنگ اجرایی نشد.

هم‌زمان، طرح ایجاد مجتمع در تبریز نیز پیگیری شد. تبریز از سال ۱۳۵۴ پالایشگاه داشت و می‌توانست یکی از گزینه‌های ساخت مجتمع پتروشیمی باشد. با درخواست‌های مکرر نمایندگان و شهروندان تبریز، ایجاد مجتمع پتروشیمی در تبریز تصویب شد. درخواست و اصرار نمایندگان مجلس از اواسط دوره‌ی جنگ برای تأسیس واحدهای پتروشیمی و موافقت با درخوست آنها سنگ بنای جدیدی را بنیاد نهاد. تعداد زیادی از نمایندگان دوره‌های بعد برای توسعه شهرهایشان این شیوه را در پیش گرفتند و خواهان تأسیس واحد پتروشیمی شدند.

سال ۱۳۶۶ سیاری از امور اجرایی با مشکل مواجه شد. بااین‌حال، هیئت‌مدیره از مدیران بخش حقوقی و فنی خواست که اقدامات لازم برای اخذ لایسنس از شرکت‌های صاحب دانش را آغاز کنند.[۲] خردادماه ۱۳۶۷ مذاکره برای انتخاب پیمانکار مشاور طرح ادامه یافت.[۳] طبق برنامه، طرح به دو فاز تقسیم شد. فاز اول، واحدهای الفین، پلی‌اتیلن سنگین، بوتادین، لاستیک و لاتکس اس‌بی، هیدروژناسیون بنزین پیرولیز و فاز دوم، خط تولید اتیل بنزن، استایرین و پلی‌استایرین بود.

علی‌رغم تمامی تلاش‌های مدیران، عملیات ساخت مجتمع‌های پتروشیمی در خراسان و تبریز تا پایان جنگ میسر نشد و امور اجرایی پس از جنگ عملی گردید.

---

۱. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی صنایع پتروشیمی، جلسه ۳۱۸، ۱۳۶۶/۴/۲۹.

۲. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی صنایع پتروشیمی، جلسه ۳۲۶، ۱۳۶۶/۶/۳۰.

۳. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی صنایع پتروشیمی، جلسه ۳۵۲، ۶۷/۳/۱۶.

تأسیس شرکت جدید (گامی برای ارتقای دانش)

از جملـه رخدادهـای مهـم صنعـت پتروشـیمی در دوره‌ی جنـگ، تأسـیس شـرکت‌های طراحی، سـاختمان و نصـب بـود. عـدم حضـور شـرکت‌های خارجـی در ایـن دوه صنعـت پتروشـیمی را بـا مشـکلات بسـیاری در طراحـی و نصـب واحدهـا روبـه‌رو کـرده بـود. بهتریـن راه بـرای انتقـال تکنولـوژی و حفـظ آن، تأسـیس شـرکت طراحـی مهندسـی و سـاختمان و نصـب بـود. البتـه، نبایـد از یـاد بـرد کـه ایـن اتفـاق ریشـه در گذشـته داشـت.

آغـاز ماجـرا در ایـن دوره، بـه حضـور یکـی از کارشناسـان شـرکت هنـدی ELI بازمی‌گـردد. کارشـناس هنـدی در ملاقاتـی بـا شـعری‌مقدم بـه او یـادآور شـد کـه تأسـیس شـرکت مختلـط یکـی از راه‌هـای توسـعه‌ی انسـانی و انتقـال تکنولـوژی اسـت. شـعری‌مقدم هنـگام نقـل ایـن خاطـره بـه سـوابق دهـه ۴۰ و ۵۰ و مثمرثمـر بـودن ایـن روش اشـاره نکـرد. او گفـت:

> کارشـناس هنـدی گفـت کـه شـما می‌توانیـد پـروژه‌ای را تعریـف و شـرکتی تأسـیس کنیـد. مـا هـم چنـد کارشـناس می‌فرسـتیم و بـا کمـک هـم پـروژه را اجـرا می‌کنیـم. به‌این‌ترتیـب، کارشناسـان شـما در کنـار کارشناسـان مـا صاحـب تجربـه و دانـش خواهنـد شـد. مـا از ایـن توصیـه درس‌هـای بسـیار گرفتیـم. بـا همـکاری مهنـدس نجابـت و دیگـر مدیـران، شـرکت طراحـی مهندسـی شـیراز را تأسـیس کردیـم. یـک شـرکت انگلیسـی هـم بـه مـا کمـک کـرد و بـا همـکاری هـم پـروژه متانـول شـیراز را بـه سـامان رسـاندیم.[۱]

نجابـت کـه در تأسـیس ایـن شـرکت نقـش مهمـی داشـت، داسـتان تأسـیس را چنیـن روایـت کرد:

> در شـرایطی کـه آن روزهـا حاکـم بـود، شـرکت‌های خصوصـی چنـدان پذیرفتـه نبودنـد و شـرکت‌های دولتـی هـم مشـکل کارایـی و محدودیت‌هـای حقوقـی داشـتند. بـرای اولیـن بـار تصمیـم گرفتـه شـد شـرکت طراحـی مهندسـی و سـاختمان و نصـب تشـکیل شـود کـه پنجـاه و یـک درصـد سـهام آن متعلـق بـه کارکنـان و چهـل و نـه درصـد متعلـق بـه شـرکت ملـی صنایـع پتروشـیمی باشـد. به‌این‌ترتیـب، بـا چهـل و نـه درصـد بـه دولـت وصـل بـود و بـا پنجـاه و یـک درصـد سـهم کارکنـان خصوصـی تلقـی می‌شـد.[۲]

ایـن تصمیـم در پایـان سـال ۱۳۶۵ از تصویـب هیئت‌مدیـره شـرکت ملـی صنایـع پتروشـیمی گذشـت.[۳] بـه عقیـده مهنـدس نجابـت «جنـگ و مشـکلات آن و نقطه‌نظرهایـی کـه آن زمـان

۱. مصاحبه با عباس شعری‌مقدم، بهمن ۱۳۹۴ (پروژه تاریخ نفت ایران)

۲. مصاحبه با غلامحسین نجابت، دی ۱۳۹۴ (پروژه تاریخ نفت ایران).

۳. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی صنایع پتروشیمی، جلسه ۲۹۶، ۱۳۶۵/۱۰/۱۷.

در رابطه با این نوع فعالیت‌ها حاکم بود و نیز راکد ماندن فعالیت‌های عمرانی بزرگ» تأسیس شرکت را چند سالی به تأخیر انداخت که در جای خود از آن سخن خواهیم گفت.

از برآیند گفتگو با مدیران و کارشناسانی که آن سال‌ها در شیراز حضور داشتند چنین استنباط می‌شود که مجتمع شیراز فرصتی برای آزمون‌وخطاهای مدیران و کارشناسان و معیاری برای سنجش خودباوری و به زعم شعری‌مقدم، خوداتکایی بود. چنانکه طرح اراک، فرصتی برای آزمون‌وخطا در برنامه‌ریزی بود.

گاز

چنانکه گفته شد، یکی از اهداف انقلابیون مسلمان آن بود که درآمدهای نفتی برای محرومیت‌زدایی و خدمات رفاهی به مصرف برسد. در چارچوب این تحلیل و گفتمان بود که سبک زندگی و برخی از مظاهر مدرنیزم در زندگی روزمره به‌واسطه‌ی رسیدن گاز به خانه‌های شهری و روستایی متحول گردید. از منظر دیگر که برخی تحلیلگران علم سیاست و اقتصاد بدان پافشاری می‌کنند، اقدامات دولت انقلابی در ادامه‌ی دولت رانتیر قرار داشت. این بستر تاریخی به مثابه روند جبری در اغلب کشورهای صاحب نفت سامان یافت. ادامه این روند در سال‌های پسین، هنگامی که گاز به مثابه خوراک واحدهای پتروشیمی مورد استفاده قرار گرفت، انباشت سرمایه را پدید آورد. انباشت سرمایه، در آغاز در اختیار دولت بود و سپس هنگامه خصوصی‌سازی‌ها در اختیار بنگاه‌های خصولتی قرار گرفت و همچنین بخش خصوصی، از آن بهره جست و فربه گشت.

اگر بخواهیم صنعت گاز ایران را در چارچوب مسائل این صنعت بررسی کنیم، مهم‌ترین روندهای این صنعت عبارتند از: ۱. عامه مردم از گاز خانگی بهره‌مند شدند (از کمتر از ۵ درصد در ابتدای انقلاب به ۹۵ درصد در دهه ۹۰)؛ ۲. صادرات گاز به مثابه کسب درآمد ارزی و اهرم امنیتی در سیاست خارجی موردتوجه قرار گرفت؛ ۳. گاز به مثابه خوراک واحدهای پتروشیمی و سوخت نیروگاه‌های داخلی و کارخانجات صنعتی، توانست اقتصاد کشور را متحول کند؛ ۴. تبدیل گاز به برق برای صادرات برق به کشورهای همسایه که هم جنبه اقتصادی آن پراهمیت است و هم نقش منطقه‌ای کشور را پررنگ می‌کند.

از آنجا که شرکت ملی گاز به لحاظ تأمین سوخت ارزان و پاک می‌توانست نقش برجسته‌ای در تحقق شعارهای انقلابی و ایجاد زندگی بهتر برای مردم داشته باشد، مسئولان کشور بعد از پیروزی انقلاب اسلامی تمرکز اصلی خود را بر گسترش گازرسانی به شهرهای مختلف کشور قرار دادند و حسن مرشد، که نامش در تاریخ نفت ایران تداعی‌کننده توسعه گاز است، از همان ابتدا، گازرسانی به شهرهای داخلی را مبنای سیاست خود قرار داد و اولین گام‌ها را در این مسیر، محکم برداشت، ضمن اینکه وقوع جنگ تحمیلی و خسارت‌های فراوان به پالایشگاه‌های نفتی نیز ناگزیر بر سرعت فعالیت‌های شرکت گاز افزود.[1] پس از پیروزی انقلاب تا پایان جنگ، حسن مرشد، حسن سادات، جمشید سرداری کرمانی، محمد نراقی، محمدحسن تولایی و مظفر جراحی مدیریت شرکت ملی گاز را بر عهده داشتند.

حسن مرشد مهندسی برق را در دانشگاه ایلینویز خواند. به ایران بازگشت و در دانشکده نفت آبادان به تدریس مشغول شد. پس از پیروزی انقلاب، ازسوی معین‌فر به‌عنوان قائم‌مقام وزیر نفت در شرکت ملی نفت و شرکت‌های تابعه منصوب گردید. هم‌زمان، مدیرعامل شرکت ملی گاز بود.[2] معین‌فر به مرشد اعتماد کامل داشت. او نهم آذر ۱۳۵۸ به همراه دیگر اعضای هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت به دفتر کار مرشد ـ که در آن زمان قائم‌مقام وزیر نفت در شرکت‌های تابعه بود ـ رفت تا جلسه هفتاد و نهم هیئت‌مدیره را اداره کند.[3] حرف‌های مرشد اگرچه بسیار بود، اما خسته‌کننده نبود. او در نقش یک استراتژیست سخن می‌گفت و مانند همیشه از جایگزین کردن گاز به‌جای نفت دفاع می‌کرد. او در این جلسه به نیازهای نفتی کشور و استفاده بهینه از گازی که به هدر می‌رفت، پرداخت و این‌گونه همه را متقاعد کرد. در پایان این نشست، قرار شد برنامه مطالعاتی، زیر نظر واحد برنامه‌ریزی تلفیقی، عمومی‌شدن مصرف گاز را دنبال کند و شرکت ملی نفت از طریق واحد برنامه‌ریزی تلفیقی بر این طرح نظارت داشته باشد. واحد برنامه‌ریزی تلفیقی به‌رغم وجود فضای انقلابی که کمی درهم‌ریختگی در سازمان‌های دیگر به وجود آورده بود، در شرکت ملی نفت روزبه‌روز جایگاهی والاتر می‌یافت.

طرح عمومی شدن مصرف گاز به تتبع و مطالعه بیشتر نیاز داشت، به‌ویژه اینکه با

۱. پیک نفت، نیمه دوم شهریور ماه ۱۳۶۱، ش ۱۸۰، صص ۱۴ - ۱۵.
۲. تاریخ شفاهی وزرای نفت ایران (سیدحسن سادات)، ص ۶۸.
۳. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۷۹، ۱۳۵۸/۹/۳.

قطع صادرات گاز به شوروی باید فکری به حال این حجم عظیم از گاز می‌شد. در آن روزهای حساس، معین‌فر تصمیمی هوشیارانه گرفت.

او طرح ضربتی گازرسانی را ارائه کرد که بر اساس آن گازرسانی به شهرهای کوچک و روستاها، بدون در نظر گرفتن توجیه اقتصادی و بار مالی باید تا پایان فروردین ۱۳۵۹ انجام می‌شد. مطمئناً آن روزها، افرادی با این طرح مخالف بودند و آن را امری غیراقتصادی و غیرضروری می‌دانستند. برخی مدیران نفتی با این استدلال که با بهره‌جویی از گاز برای تزریق به چاه‌های نفت می‌توان نفت بیشتری استخراج کرد و با انگشت نهادن بر ضعف فنی و تخصصی شرکت گاز، مانعی برای اجرایی شدن آن بودند، اما معین‌فر مقابل همه مخالفت‌ها ایستاد و گفت که استفاده مردم کشور از گاز برای توجیه اقتصادی این طرح کافی است و دستور طرح ضربتی گازرسانی را صادر کرد.

گاز عمومی می‌شود

طرح عمومی‌کردن استفاده از گاز برای منازل و جلوگیری از سوزاندن گاز طبیعی بر سر چاه‌ها، برای اولین بار در سوم اردیبهشت ۱۳۵۹ در هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت مطرح شد. طرحی که اکثریت اعضا به آن علاقه نشان دادند و مقرر شد با جدیت دنبال شود. در این جلسه فقط تصمیم گرفته شد سوخت توربین‌های خطلوله نفت‌خام مارون-اصفهان از نفت‌خام به گاز تبدیل شود، به همین منظور قرار شد با ارسال نامه‌ای به شرکت گاز در مورد تأمین گاز این تلمبه‌خانه‌ها تحقق به عمل آید و پس از بررسی‌های لازم، بودجه آن برای سال ۱۳۵۹ پیش‌بینی شود.[۱]

استفاده گسترده مردمی و صنعتی از گاز، در شمار موضوعات با اهمیتی بود که مرشد و حسن سادات آن را دنبال می‌کردند. سادات چندی بعد که به مدیریت شرکت ملی گاز و کفالت وزارت نفت منصوب شد، این استراتژی را دنبال کرد. آنان که با مراجعه به سازمان برنامه و معاونت برنامه‌ریزی تلفیقی وزارت نفت، سعی در توجیه اقتصادی این طرح داشتند، حالا با حمایت سازمان برنامه به دنبال تأمین بودجه و راه‌کار اجرایی آن بودند. از دلایل ادغام واحد برنامه‌ریزی شرکت ملی گاز در واحد برنامه‌ریزی، اکتشافات گازی و همین طرح بود. گاز از نظر واحد برنامه‌ریزی شرکت ملی نفت همچون نفت، ارزشی استراتژیک داشت و چنانچه این دو شرکت در اکتشاف و استفاده از گاز به اختلاف

۱. هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت، جلسه ۱۱۷، ۵۹/۲/۳.

می‌رسیدند، توسعه هر دو شرکت به خطر می‌افتاد.

از سال ۱۳۵۹ گازرسانی به شهرهای مختلف، نصب انشعابات جدید، تعیین عادلانه قیمت گاز، رفع مشکلات مربوط به کمبود قطعات گازرسانی در کشور و از میان‌بردن رفع معضلات مربوط به آلودگی هوا کشور از مهم‌ترین اولویت‌های شرکت ملی گاز شد که وقوع جنگ تحمیلی آن را به تأخیر انداخت و هرچند در سال‌های ۶۱ - ۶۲ فعالیتی ضعیف آغاز شد، اما نتوانست به اهداف بزرگ دست یابد. تنها با پایان یافتن جنگ تحمیلی بود که **گاز به‌جای نفت** عمومیت یافت، امری که در سال‌های سازندگی از سوی گروهی از کارشناسان مورد نقد قرار گرفت چون آن‌ها استفاده از گاز برای تولید برق را اقتصادی‌تر و سالم‌تر تلقی می‌کردند.

گازرسانی، علی‌رغم مشکلات بسیاری که وجود داشت، در تمام سال‌های جنگ ادامه یافت. نشریه پیک نفت، شماره ۲۳۱ در اسفند ۱۳۶۶ با تصویر بزرگی از افتتاح شبکه گاز خانگی منطقه جنوب تهران، میدان شهدا، با حضور میرحسین موسوی، غلامرضا آقازاده و محتشمی، وزیر کشور، منتشر شد: امروز، ۷ اسفند ۱۳۶۶، در آستانه دهمین بهار آزادی مشعل گاز میدان شهدا روشن شد و ۹۰ هزار خانوار را تحت پوشش گاز خانگی قرار داد. آقازاده، در پایان مراسم به خبرنگاران گفت:

> منطقه هفت تهران، محدوده خیابان پیروزی، خاوران، بزرگراه هجرت و خیابان شهریور می‌باشد و ۹۰ هزار خانوار با ۳۷۰ هزار نفر را شامل می‌شود.» آقازاده در ادامه سخنانش به این نکته اشاره کرد که: «از ابتدای انقلاب تاکنون، در یکصد شهر بیش از ۶۰۰ هزار انشعاب گاز نصب شده است. درحالی‌که این رقم قبل از انقلاب، ۵۰ هزار انشعاب در شش شهر برای ۲۱ سال بود. تا پایان سال ۸۶۳۱، در ۰۲۱ شهر بیش از یک میلیون مشترک خواهیم داشت.[۱]

ساخت رگلاتور و کنتور

هیئت‌مدیره شرکت ملی گاز در ۲۶ آبان ۱۳۵۹ به ریاست سادات جلسه‌ای تشکیل داد. در این جلسه گزارشی از ساخت رگلاتور در داخل کشور ارائه شد. طبق آن، ۴ تولید کننده داخلی اقدام به تولید رگلاتور کرده و از شرکت ملی گاز خواسته بودند تا با خرید محصولاتشان از آنها حمایت کند. ابوفاضلی مأمور شد تا کیفیت تولید آنها را بررسی کند. او در جلسه بعدی، گزارش خود را ارائه داد و ضمن تأیید کیفیت تولیدات داخلی، از

۱. پیک نفت، شماره ۲۳۱، اسفند ۱۳۶۶.

مزایـای اقتصـادی خریـد آنهـا سـخن گفـت: «تولیـد رگلاتـور توسـط بخش‌هـای داخلـی چیـزی در حـدود ۴۰۰۰ تـا ۵۰۰۰ ریـال هزینـه دارد کـه در مقایسـه بـا هزینـه ۱۰ دلاری بـرای خریـد هـر رگلاتـور از خـارج بـه لحـاظ اقتصـادی بسـیار مناسـب اسـت.» هیئت‌مدیـره سـفارش خریـد ۲۰۰۰۰ رگلاتـور را تأییـد کـرد و در مقابـل، از تولیدکننـدگان خواسـت تـا فقـط بـرای شـرکت گاز رگلاتـور تولیـد کننـد.[۱]

گام بعـدی در راسـتای خودکفایـی و تقویـت سـاخت داخـل، در سـال ۱۳۶۲ برداشـته شـد. سـیدمحمد غرضـی، وزیـر نفـت، طـی نامـه‌ای در بهمـن ۱۳۶۲ از دولـت درخواسـت کـرد کـه بـا سـاخت کاخانـه‌ی کنتورسـازی موافقـت کننـد. هیئـت وزیـران طـرح را برسـی و بـا آن موافقـت کـرد. قـرار شـد کارخانـه در ۱۲۰ کیلومتـری تهـران سـاخته شـود. نراقـی، رئیـس شـرکت ملـی گاز، بخشـی از بودجـه توسـعه سـرخون و گازرسـانی تهـران را بـه کارخانـه کنتورسـازی اختصـاص داد.[۲] دانـش فنـی موردنیـاز در اختیـار ایرانیـان نبـود و سـرانجام پـس از مذاکـرات متعـدد، شـرکت ایتالیایـی نئوپینیونـه (Nuovo Pignone) بـا فـروش ۱۵۰ هـزار کنتـور بـه شـرط انتقـال تکنولـوژی بـا ایـران موافقـت کـرد. ایـن شـرکت پـس از تحویـل کنتورهـا بـه ایـن بهانـه کـه دیافراگـم کنتورهـا سـاخت انگلیـس اسـت از انتقـال تکنولـوزی آن خـودداری کـرد. بـرای حـل مشـکل هیئتـی ایرانـی بـه ایتالیـا سـفر و از کارخانـه هـای تولیـد قطعـات سـاخت کنتـور در ایتالیـا بازدیـد کردنـد. آنهـا در ایـن سـفر بـه جمـع آوری اطلاعـات لازم از کانـال هـای غیـر رسـمی پرداختنـد.[۳] بـا فراهـم شـدن مقدمـات لازم بـرای سـاخت کارخانـه، وزیـر نفـت بـا ارسـال نامـه‌ای از دولـت درخواسـت کـرد کـه اجـازه سـاخت کارخانـه کنتورسـازی را صـادر کنـد کـه موافقـت شـد.

تغییر کاربری خطلوله دوم

در چارچـوب گفتمـان یادشـده، خطلولـه دوم کـه قـرار بـود گاز کنـگان را بـه آسـتارا و سـپس بـه شـوروی انتقـال دهـد، بـر حسـب نظـر مدیـران شـرکت ملـی گاز تغییـر کاربـری یافـت. دولـت ایـران ایـن قـرارداد را لغـو و در ۲۰ آبـان ۱۳۵۸ از پیمانـکاران سـاخت قطعـه دوم و سـوم لولـه خواسـت کـه تمامـی تجهیـزات و ماشـین‌آلات خـود را از کشـور خـارج کننـد و بـا خـروج ایـن شـرکت‌ها، قـرارداد صـادرات گاز بـه اروپـا کامـلاً منتفـی شـد هیئت‌مدیـره شـرکت گاز

۱. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی گاز، جلسه ۵۵، ۱۳۵۹/۹/۳.
۲. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی گاز، جلسه ۱۷۱، ۱۳۶۲/۶/۹.
۳. عراقی، بیست سال با گاز...، ص ۴۷۹.

به ریاست سادات در ۲۸ مرداد ۱۳۵۹ ساخت خطلوله دوم در مسیر کنگان ـ اصفهان را تصویب کردند،

قرارداد ساخت قطعه اول خطلوله در سال‌های قبل از انقلاب با شرکت سایپم منعقدشده بود و مدیران این شرکت که خواهان حضور دوباره در ایران بودند، با هیئت‌مدیره جدید کنار آمدند و کار احداث این خطلوله که ۵۸۸ کیلومتر طول داشت، از آذر ۱۳۶۰ آغاز شد. اگرچه شرایط ساخت خطلوله به دلیل اختلاف ارتفاع زمین از نقطه ابتدا تا انتها بین ۱۵۰۰ تا ۲۵۰۰ متر در نوسان بود، اما مدیران گاز با کمک شرکت سایپم بر مشکلات غلبه کردند و قطعه اول این خط بعد از ماه‌ها تلاش در زمان مدیریت جمشید سرداری به بهره‌برداری رسید.

لغو صادرات گاز به شوروی

در پی افزایش قیمت نفت در بهمن ۱۳۵۸، معین‌فر دست پیش گرفت و قیمت صادراتی گاز به شوروی را غیرعادلانه خواند و اعلام کرد که با افزایش قیمت نفت، قیمت گاز نیز باید تعدیل شود. او در مصاحبه‌ای گفت: «در صورت‌حساب‌هایی که برای شوروی فرستادیم، هر هزار فوت ۳/۸ دلار محاسبه شده است درحالی‌که این قیمت در گذشته ۷۶ سنت بود.»[۱] مذاکره با شوروی را نیز خودش بر عهده گرفت:

وقتی وزارت نفت تشکیل شد، گفتم جریان مذاکره با شوروی را خودم به عهده می‌گیرم. معتقد بودم که این کار از وظایف اصلی وزارتخانه است. مذاکره با مقامات شوروی را آغاز کردیم. آنها هیئت‌هایی در سطح بالا به ایران فرستادند. چند جلسه هم با من داشتند و خودم در جلسات شرکت می‌کردم. رقمی که من به آنها گفتم تقریباً چهار یا پنج برابر رقمی بود که دولت شوروی به ما می‌پرداخت. این رقم بین‌المللی بود و همان زمان مبنای معاملات گاز میان امریکا و مکزیک بود. گفتم این رقم در جهان متعارف است و ازاین‌پس گاز خود را با این قیمت به شما می‌فروشیم، اما آنها به‌هیچ‌وجه زیربار پشنهاد من نمی‌رفتند. آنها خیال می‌کردند ما شوخی می‌کنیم. آخرین حرف آنها این عبارت بود که دراین‌صورت شیر را می‌بندیم. پاسخ دادم بسیار خب، ما هم ازاین‌طرف شیر را می‌بندیم. گازمان را می‌سوازنیم، اما حاضر نیستیم آن را مفت به شما بدهیم.[۲]

درنهایت، مذاکرات به بن‌بست رسید و روز ۴ اسفند ۱۳۵۸ آخرین روزی بود که

۱. کیهان، ۲۵ بهمن ۱۳۵۸

۲. تاریخ شفاهی وزرای نفت ایران (علی‌اکبر معین‌فر)، صص ۴۱- ۴۲.

گاز ایـران در طـی مسـیر ۱۱۰۶ کیلومتـری وارد شـوروی شـد. چنـد روز بعـد، بنی‌صـدر، رئیس‌جمهـور وقـت ایـران، در مصاحبـه‌ای گفـت: «مـا گاز مجانـی بـه شـوروی نخواهیـم داد، زیـرا می‌خواهیـم اسـتقلال خـود را حفـظ کنیـم. قطـع مذاکـرات به‌خاطـر اختـلاف فاحـش قیمـت بـود.»[1] شـورای انقـلاب نیـز بلافاصلـه بـا قطـع صـادرات گاز بـه شـوروی موافقـت کـرد. البتـه، سـران حـزب تـوده به‌شـدت بـا ایـن تصمیـم بـه مخالفـت برخاسـتند و در روزنامـه مـردم خطـاب بـه معین‌فـر نوشـتند: «ایـن چـه‌کاری اسـت. گازی کـه بایـد بـه خـارج ایـران بـرود و مـردم بیچـاره آذربایجـان و مـردم دیگـر جمهوری‌هـای خلـق شـوروی از آن اسـتفاده کننـد، درسـت نیسـت آن را بسـوازنیم.»

پـس از قطـع صـادرات گاز بـه شـوروی، گازرسـانی بـه مناطـق مختلف کشـور سـرعت بیشـتری گرفـت. در ایـن سـال‌ها تنهـا پالایشـگاه بیدبلنـد بـود کـه گاز را تصفیـه و پالایـش می‌کـرد و پالایشـگاه‌های کنـگان و خانگیـران نزدیـک بـه راه‌انـدازی بودنـد کـه انقـلاب شـد. بـا پیـروزی انقـلاب پیمانـکاران خارجـی کارهـا را رهـا و کشـور را تـرک کردنـد.

پالایشگاه کنگان

بـا پیـروزی انقـلاب، بسـیاری از شـرکت‌های خارجـی خلع‌یـد شـدند و برخـی دیگـر کارهـا را نیمه‌تمـام گذاشـته و ایـران را تـرک کردنـد و مدیـران ناگزیـر تصمیـم گرفتنـد بخشـی از پروژه‌هـا را بـه شـرکت‌های ایرانـی واگـذار کننـد. مطالعـات مربـوط بـه سـاخت پالایشـگاه کنـگان در سـال ۱۳۵۴ و پـس از انعقـاد قـرارداد صـادرات گاز بـه اروپـا آغـاز شـده و شـرکت پارسـونز در شـهریور ۱۳۵۶ برنـده مناقصـه مهندسـی تفصیلـی و خریـد کالای پـروژه نـار و کنـگان شـده بـود. پـس لـز پیـروزی انقـلاب و درحالی‌کـه بیـش از ۸۵ درصـد کارهـای پالایشـگاه انجـام شـده بـود، پارسـونز از ادامـه همـکاری بـا ایـران خـودداری کـرد. پـس از بی‌نتیجـه مانـدن گفتگـو بـا ایـن شـرکت، مدیـران تصمیـم گرفتنـد همـکاری بـا شـرکت پارسـونز را قطـع کننـد.[2] نتیجـه ایـن تصمیـم، پیدایـی شـرکت‌های خصوصـی ایرانـی، بعـد از انقـلاب اسـلامی بـود، شـرکت‌هایی کـه اغلـب بـه همـت پیشکسـوتان نفتـی برپـا شـد، ازجملـه، مهنـدس نابـغ شـرکت انرشـیمی را پایـه گذاشـت.

پالایشـگاه گاز کنـگان مدتـی بـدون متولـی بـود، زیـرا شـرکت ملـی نفـت و شـرکت ملـی گاز هـر یـک خـود را مسـئول طـرح می‌دانسـتند تـا سـرانجام، هیئت‌مدیـره شـرکت ملـی نفـت در

۱. روزنامه کیهان، ۲۸ اسفند ۱۳۵۸.

۲. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۹۹، ۱۳۵۸/۱۱/۱۴.

جلسه‌ای که در تیر ۱۳۵۹ در دفتر معین‌فر برگزار شد، به‌نحوه اداره پالایشگاه گاز کنگان پرداخت، جلسه‌ای که در آن، مدیران نفتی تصمیم گرفتند بررسی‌ها و مطالعات تعیین کند که مسئولیت با کیست، شرکت ملی نفت یا شرکت ملی گاز؟[۱]

سرانجام در ۱۵ شهریور ۱۳۵۹ اداره عملیات گاز طبیعی کنگان در اختیار شرکت ملی گاز قرار گرفت[۲] و کارهای ساخت پالایشگاه از سر گرفته شد و واحد مهندسی و ساختمان، مدیریت طرح را به عهده گرفت.

کار ساخت پالایشگاه کنگان از ماه‌های پایانی ۱۳۵۹ از سر گرفته شد اما ادامه جنگ و تحریم، بر مشکلات کار می‌افزود، به‌ویژه آن که هنوز راهی دراز تا پایان کار مانده بود. شرکت ملی نفت در ۱۳ دی ۱۳۶۰ منصور اردلان را به عنوان مجری طرح کنگان برگزید و در همین روز موافقت کرد اجرای طرح گاز طبیعی کنگان از سوی کنسرسیومی از پیمانکاران ایرانی که به تأیید شرکت ملی نفت و سازمان برنامه و بودجه رسیده باشند، انجام شود.[۳] هم‌زمان مذاکراتی نیز با شرکت کره‌ای «دایلم» برای انجام برخی از کارهای تخصصی آغاز شد. غرضی در دومین سال وزارت خود، صالحی‌فروز را مسئول امور پالایشگاه کنگان کرد. شاید این شرایط حساس کشور بود که غرضی را واداشت در این مورد تصمیم‌گیری و اقدام کند. او که از توانایی‌های صالحی‌فروز در صنعت فولاد آگاهی داشت، معتقد بود می‌تواند در صنعت نفت نیز قدرتمند ظاهر شود. صالحی‌فروز با تیمی چهارده نفره به کنگان رفت تا کارها را شروع کند. به گفته خود او:

> قبل از انقلاب، یک شرکت امریکایی کار ساخت پالایشگاه را بر عهده گرفته بود اما با تسخیر لانه جاسوسی، به نشانه اعتراض کشور را ترک کردند. کار سختی بود ولی ما با همان نیروهای داخلی توانستیم طرح را کامل کنیم. انتخاب پیمانکار به روش مناقصه محدود انجام شد، به‌این‌ترتیب که تأمین منابع و نظارت به عهده شرکت نفت بود و کار اجرایی از سوی پیمانکار انجام شد. در سال ۱۳۶۴ فرودگاه کنگان و چند خط FX را نیز راه‌اندازی کردیم. احداث مراکز جمع‌آوری و انتقال گاز به پالایشگاه نیز به مناقصه گذاشته شد و سرانجام یک شرکت ایرانی در رقابت با چند شرکت خارجی مناقصه را برد که با این اقدام، گامی در جهت خودکفایی برداشته شد.[۴]

۱. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۱۳۳، ۴/۲۲ /۱۳۵۹.
۲. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۱۴۲، ۱۳۵۹/۶/۱۵.
۳. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۲۱۷، ۱۳۶۰/۱۰/۱۳.
۴. عراقی، حمیدرضا، بیست سال گاز، تهران: شاپیکان، ۱۳۹۰.

سرانجام شرکت کره‌ای دایلم با ایران به توافق رسید. کارشناسان دایلم در سال ۱۳۶۱ وارد ایران شدند و کار ساخت پالایشگاه را شروع کردند.[۱] بهمن همان سال، قرارداد خدمات مهندسی فاز دوم طرح کنگان که «نار» نام داشت، به شرکت نارگان واگذار شد.[۲] صالحی‌فروز که تا آذر ۱۳۶۵ در کنگان بود، توانست کارها را تا حدود زیادی سامان دهد.

با وجود خطرات ناشی از حمله هواپیماهای دشمن و مشکلات بسیار، کارهای ساخت پالایشگاه پیشرفت داشت، اما صبح ۹ تیر ۱۳۶۷ هواپیماهای عراقی بر فراز کنگان ظاهر شدند و ۱۴ بمب بر سر برج‌های پالایشگاه فرو ریختند. همه‌چیز در لحظه‌ای به آتش کشیده شد و تعدادی از کارگران به شهادت رسیدند. در پی این واقعه، کره‌ای‌ها بلافاصله کشور را ترک کردند، اما متخصصان ایرانی کارها را ادامه دادند و مدتی بعد کره‌ای‌ها بار دیگر به سر کارهایشان بازگشتند. سرانجام در بهمن ۱۳۶۸ پالایشگاه کنگان به بهره‌برداری رسید.

پالایشگاه خانگیران

بمباران پالایشگاه‌های نفت و گاز بخشی از استراتژی جنگی عراق بود، چون با این کار، هم می‌توانستند اقتصاد کشور را فلج کنند و هم با تضعیف روحیه مردم، به‌تدریج آن‌ها را در مقابل دولت قرار دهند. آن روزها، در شرایطی که بیدبلند تنها پالایشگاه گاز کشور بود، راه‌اندازی پالایشگاه خانگیران می‌توانست سوخت موردنیاز استان‌های خراسان رضوی، جنوبی و شمالی، گلستان، مازندران و بخشی از سمنان را تأمین کند.

ساخت پالایشگاه خانگیران قبل از انقلاب از سوی شرکت ساییم آغاز و حدود ۹۸ درصد پیشرفت داشت که انقلاب به پیروزی رسید. کارشناسان ایران را ترک کردند و شرکت گاز مذاکره با این شرکت را برای از سرگیری ساخت پالایشگاه آغاز کرد. هرچند شرایط جنگی مذاکره را سخت کرده بود، اما سرانجام شرکت ساییم با ایران به توافق رسید و کارها را از سر گرفت.[۳] وزش بادهای شدید و طوفان که جلو دید کارگران را می‌گرفت از یک‌سو و خطر حمله هواپیماهای عراقی از سوی دیگر، موانعی جدی بر سر پیشرفت کار بود، اما سختی‌ها نتوانست خللی در عزم ایرانیان پدید آورد و پالایشگاه به

۱. شمس، جابر و کرمی، بهمن، گاز طبیعی و پالایشگاه‌های گاز ایران، تهران: شرکت ملی گاز ایران. ص ۷۴.
۲. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۲۷۳، ۶۱/۱۰/۲۶.
۳. تاریخ شفاهی شرکت گاز (خاطرات محسن شیرازی)، به کوشش فرخ نجم آبادی، ص ۱۰۵.

مرحلـه بهره‌بـرداری رسـید. بـا حضـور حجت‌الاسـلام خامنـه‌ای، رئیس‌جمهـور وقـت، در ۲۳ بهمـن ۱۳۶۲ بهره‌بـرداری از پالایشـگاه آغـاز شـد.[۱] ضمـن ایـن کـه هم‌زمـان بـا بهره‌بـرداری از پالایشـگاه در سـال ۱۳۶۲ خط‌لولـه سـرخس ـ نـکا نیـز تکمیـل شـد.[۲]

توسعه میدان‌های گازی

طـرح اسـتفاده از گاز به‌جـای نفـت و تزریـق گاز بـه میدان‌هـای نفتـی بـرای افزایـش تولیـد، مدیـران را بـه توسـعه میدان‌هـای گازی واداشـت. در ۲۶ مـرداد ۱۳۵۹، هیئت‌مدیـره موافقـت خـود را بـا ادامـه پـروژه تزریـق گاز گچسـاران کـه پـس از انقـلاب معلـق مانـده بـود، اعـلام کـرد.[۳] تـرک مناقصـه و مذاکـره بـا پیمانـکار بـرای تسـریع در عملیـات مهندسـی، در ناحیـه خانگیـران سـرخس به‌منظـور جمـع‌آوری نفـت سـبک همـراه بـا گاز شـوریجه از دیگـر تصمیم‌هـای مدیـران نفـت در بخـش گاز بـود.[۴] فعالیت‌هـای حسـن مرشـد و سـید حسـن سـادات بـر اولویـت اکتشـافات و شـبکه‌گذاری در حـوزه گاز، وزارت نفـت را بـر آن داشـت تـا واحـد برنامه‌ریـزی شـرکت ملـی گاز در واحـد برنامه‌ریـزی شـرکت ملـی نفـت ادغـام شـود.[۵] در ۱۵ آبـان سـال ۱۳۵۹ پـروژه گازی‌کـردن توربین‌هـای خط‌لولـه مـارون ـ اصفهـان بـه شـرکت ملـی گاز ایـران واگـذار شـد[۶] و در اردیبهشـت ۱۳۶۰ خط‌لولـه انتقـال فـراورده بیـن ازنـا و اصفهـان بـه همیـن منظـور بـه شـرکت ملـی گاز واگـذار شـد.[۷] از همیـن زمـان بـود کـه طـرح گازی کـردن توربین‌هـا اولویـت یافـت.

خط‌لوله گاز به ترکیه

فکـر صـادرات گاز بـه ترکیـه از دهـه ۵۰ بـه ذهـن مسـئولان خطـور کـرده بـود. ایـن فکـر در آن سـال‌ها عملـی نشـد، ولـی بـار دیگـر در دهـه ۱۳۶۰ و در اوج جنـگ تحمیلـی کـه هواپیماهـای دشـمن تـا تهـران می‌آمدنـد و مراکـز و تأسیسـات نفتـی را زیـر شـدیدترین حمـلات خـود قـرار می‌دادنـد، موردتوجـه قـرار گرفـت. در سـال ۱۳۶۴ مطالعـه بـرای صـدور گاز بـه ترکیـه جـدی

۱. روزنامه اطلاعات ۱۳۶۲/۱۱/۲۴.
۲. ترازنامه انرژی، سال ۱۳۷۰، ص ۴۲.
۳. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۱۳۹، ۱۳۵۹/۵/۲۶.
۴. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۱۴۶، ۱۳۵۹/۷/۸.
۵. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۱۴۵، ۱۳۵۹/۶/۲۹.
۶. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۱۵۸، ۱۳۵۹/۸/۱۵.
۷. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۱۸۱، ۱۳۶۰/۲/۶.

شد. در ۱۴ آذر ۱۳۶۴ شرکت ملی نفت از مدیریت برنامه‌ریزی تلفیقی خواست با همکاری شرکت ملی گاز، گزارشی جامع درباره خط‌لوله گاز به ترکیه تهیه کند.[۱] اگرچه صادرات گاز به ترکیه از اهمیتی اقتصادی و استراتژیک برخوردار بود، اما مصارف داخلی هم باید در نظر گرفته می‌شد. احداث خط‌لوله صادرات نیز به‌نوبه خود بار مالی زیادی به شرکت تحمیل می‌کرد، به‌ویژه آنکه کشور با کمبود ارزی شدیدی روبه‌رو بود. شرکت ملی نفت از عاصمی‌پور، مدیرعامل وقت مناطق نفت‌خیز جنوب، خواست در مطالعات مشترک با ترکیه در مورد صادرات گاز به این کشور، بررسی‌های لازم را در زمینه وضعیت ذخایر و موازنه تولید و مصرف گاز طبیعی کشور بررسی کند و بازار فروش، راه‌های مختلف صادرات و بررسی فنی ـ اقتصادی خط‌لوله صادراتی گاز به ترکیه را مورد مطالعه قرار دهد.[۲]

اندیشه صادرات گاز به ترکیه که در دوران جنگ اجرایی نشده بود، در دوران سازندگی صورت عملی به خود گرفت،

تزریق گاز به چاه‌های نفت

تزریق گاز به چاه‌های نفت پیش از انقلاب آغاز شده بود و روزانه گاز برای تزریق به چاه‌ها، روانه میدان‌های نفتی می‌شد. وقوع انقلاب، بسیاری از طرح‌ها را با وقفه روبه‌رو کرد. در سال‌های ۱۳۵۸ و ۱۳۵۹ شرایط رو به بهبود بود و اوضاع کم‌کم به‌صورت عادی درمی‌آمد که جنگ شروع شد و تولید نفت به‌شدت کاهش یافت. حملات نیروهای مهاجم به تأسیسات کشور و پایین آمدن توان چاه‌های نفت، به دنبال برداشت‌های نامناسب در سال‌های قبل از انقلاب، از عوامل اصلی کاهش تولید نفت بود، چنان‌که در سال‌های آخر جنگ، میزان تولید به ۲ میلیون بشکه در روز کاهش یافت، وضعیتی که برای مقابله با آن و بالابردن توان تولید، نیاز به سرمایه‌گذاری‌های کلان بود که این نیز در شرایط جنگ و پس از آن کار آسانی نبود، اما در سال‌های بعد، طرح تزریق گاز به چاه‌ها، به رغم کم و کاستی‌های بسیار، دنبال شد.

۱. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۴۷۲، ۶۴/۹/۱۴.

۲. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۴۷۸، ۶۴/۱۰/۵.

جدول تزریق گاز به میدان‌های نفتی کشور[1]

میدان	موقعیت	سال بهره‌برداری	آغاز تزریق
هفتگل	۱۵ کیلومتری شمال شرقی اهواز	۱۳۰۷	تیر ماه ۱۳۵۵
گچساران	۲۲۰ کیلومتری جنوب شرقی اهواز	۱۳۱۶	اوایل ۱۳۵۶
بی‌بی حکیمه	۲۱۰ کیلومتری شمال شرقی اهواز	۱۳۴۱	۱۳۷۴
لب سفید	۴ کیلومتری شمال شرقی دزفول	۱۳۵۲	خرداد ۱۳۶۳
میدان مارون	شمال غربی امیدیه و جنوب شرقی اهواز	۱۳۴۴	فروردین ۱۳۶۸
میدان کرنج	شمال شرقی میدان آغاجاری	۱۳۴۳	۱۳۷۱

مدیران شرکت ملی گاز در دوران جنگ

جمشید سرداری کرمانی در مهر سال ۱۳۶۰ از سوی غرضی به‌عنوان مدیر عامل شرکت گاز منصوب شد. تلاش برای راه‌اندازی پروژه خانگیران، پیشبرد پروژه کنگان، تلاش برای تکمیل خطلوله دوم گاز و خرید کارخانه کنتورسازی از ایتالیا ازجمله فعالیت‌های سرداری در دوران یک‌ساله مدیریتش بود. جمشید سرداری که علاقه به حضور در جبهه داشت، غرضی را متقاعد کرد که از سمت خود کناره گیرد و به جبهه برود. سیدمحمد غرضی در ۲۷ مرداد ۱۳۶۱ محمد نراقی را به مدیرعاملی شرکت ملی گاز منصوب کرد و موسی خیّر را به معاونت وزیر در امور گاز گماشت.[2]

محمد نراقی یک سال ریاست دفتر غرضی را بر عهده داشت. عملکرد مطلوبش او را گزینه‌ای مناسب برای مدیریت شرکت ملی گاز کرده بود. با ورود به شرکت گاز تصمیم مهمی گرفت: اعتماد به متخصصان و کارشناسان ایرانی، اعتمادی که نتیجه آن، بالارفتن توان احداث خطوط انتقال گاز با قطر بالا بود و نمونه آن را می‌توان در احداث خط لوله ۳۰ اینچ آستارا به اردبیل و رشت ـ نکا مشاهده کرد.

پس از نراقی، تولایی مدیریت شرکت گاز را بر عهده گرفت. او که در سال‌های ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۴ مدیریت مناطق نفت‌خیز جنوب را بر عهده داشت، در ۲۵ آذرماه ۱۳۶۴ وارد صنعت

۱. سایت شرکت نفت فلات قاره

۲. پیک نفت، شماره ۱۷۰، نیمه دوم شهریور ۱۳۶۱، ص ۲۰.

گاز شد و در دوران مدیریت کوتاه اما پرثمرش در این بخش، تجربیات ارزنده‌ای را در اختیار همکاران خود قرار داد. سامان یافتن پروژه‌های مهمی چون انتقال گاز اردبیل ـ آستارا و رشت ـ نکا از اقدام‌های مهم تولایی در دوران مدیریتش بود.

مظفر جراحی که سال‌ها مسئولیت‌های مهمی چون معاونت وزارت بازرگانی، معاونت وزارت صنایع، معاون وزیر مشاور در امور اجرایی و معاونت سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران را بر عهده داشت، به دعوت آقازاده در ۲۶ مرداد ۱۳۶۵ پا به شرکت گاز گذاشت و در حساس‌ترین سال‌های جنگ، مدیریت این شرکت را بر عهده گرفت. در دوران مدیریت او که یکی از خوش‌فکرترین مدیران شرکت گاز بود، توان واحد مهندسی افزایش پیدا کرد و بر ظرفیت پالایشگاه خانگیران به‌نحو چشمگیری افزوده شد. در این مدت، پالایشگاه بیدبلند بارها هدف بمب‌افکن‌های دشمن قرار گرفت و نیروهای عراقی با برنامه‌ریزی در فواصل معین، پالایشگاه را مورد حمله قرار می‌دادند تا چرخه تولید گاز در کشور متوقف شود، ولی با وجود خطرات فراوان و احتمال از سرگیری حملات دشمن، هیئت‌مدیره تصمیم گرفت با در نظر گرفتن برخی اولویت‌ها، کار بازسازی را آغاز کند،[1] آن‌هم در شرایطی که به‌شدت با کمبود نیروی متخصص روبه‌رو بود. نیروهای موردنیاز برای بازسازی پالایشگاه خیلی زود از صنعت نفت، پتروشیمی، مناطق نفت‌خیز و کارکنان خود شرکت گاز ساماندهی و به منطقه فرستاده شدند. آن روزها، بسیاری از نیروهای شاغل در پالایشگاه به شوخی می‌گفتند: «آن‌ها می‌زنند و ما می‌سازیم که مقاومت کنیم.»[2]

درمجموع، می‌توان گفت استراتژی صنعت گاز با وقوع انقلاب اسلامی از اولویت صادرات به مصرف عامه (داخلی) بدل گشت. این راهبرد، در جهت رضایت عامه و تحول اقتصادی پدید آمد. تغییر مدیریت‌ها، عزم راسخ حاکمیت و از همه مهم‌تر، رضایت مردمی در این تحول اساسی نقشی مهم ایفا کرد. در این دوره تاریخی، روند افزایش ذخایر گازی به چشم می‌خورد که مهم‌ترین آن اکتشاف مخزن گازی در خلیج‌فارس بود. تزریق گاز به چاه‌های نفت، بهره‌وری از گاز در تولید مواد شیمیایی و تبدیل تدریجی سوخت کارخانجات از دیگر فراورده‌ها به گاز در این دوره استمرار داشت. در آینده نزدیک، که در فصل سازندگی به آن اشاره خواهد شد، این روندها در شکل و قامتی کلان‌تر ادامه

۱. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی گاز، مورخ ۲۳ /۳/ ۱۳۶۷.

۲. مصاحبه با بهزاد کرمی، پروژه تاریخ نفت ایران، ۱۳۹۵.

می‌بایند و آنچه کمتر مورد اهتمام قرار گرفت، صادرات گاز بود/

در پایان جنگ شرکت ملی گاز به سطحی از توانایی و خودکفایی دست یافته بود که هم جامعه نظر مثبت بدان داشت و هم ارکان نظام به اهمیت آن پی برده بودند. شمار مشترکان خانگی، صنعتی، ظرفیت کشف‌شده ذخایر گازی، مقدار گاز تزریق‌شده به چاه‌های نفت و متراژ خطلوله گاز بهبود یافت و هم‌زمان، توانایی سازمانی شرکت در مقایسه با سال ۱۳۵۷، به‌طور قابل تحسینی ارتقا یافت. استان‌های تهران، اصفهان، خراسان، فارس، مرکزی، آذربایجان، گیلان و مازندران با درصدهای مختلف از نعمت گاز بهره‌مند شدند و رضایت اجتماعی حاصل گردید؛ اما افسوس در یک روند پرشتاب در دهه‌های بعدی بر مصرف گاز خانگی در ایران به میزان غیرقابل‌قبولی افزوده شد. ازنظر راهبردی، بسیاری از نخبگان که در دوره جنگ مسائل گاز را به‌صورت خصوصی نقد و بررسی می‌کردند، در دهه سازندگی به‌طور علنی به نقد آن پرداختند و راه‌حل‌های جدید ارائه کردند. آنان بر صادرات گاز به مثابه اهرم امنیتی و تیدبل گاز به برق و همچنین، بهره‌برداری پتروشیمیایی از آن تأکید می‌ورزیدند.

دو راهبرد متفاوت در صنعت گاز با عناوین «عدالت اجتماعی» و «تولید اقتصادی» در دوره جنگ بارها مورد بحث و بررسی قرار گرفت. وزنه عدالت اجتماعی بر دیگری چربید و به یک روند بدل گردید، اما به دلیل نگاه کلان دولتمردان درباره بودجه و درآمدها، راهبرد تولید اقتصادی پراهمیت گشت.در دوره‌های بعد، تولید اقتصادی در ذیل عدالت اجتماعی شتاب بیشتری گرفت.

پالایش

پس از پیروزی انقلاب، واحدهای پالایشی راه‌اندازی شدند و بار دیگر تولید را از سر گرفتند. اصلی‌ترین پالایشگاه کشور، پالایشگاه آبادان بود که بیشترین ظرفیت را داشت. تمامی فراورده‌های این پالایشگاه از کیفیت مطلوبی برخوردار بودند. چند خطلوله فراورده‌ها را به دیگر نقاط کشور و بندر صادراتی انتقال می‌داد. اصلی‌ترین مشکل پالایشگاه آبادان در این سال، واحدهای ایزوماکس و درصد بالای نفت کوره بود که متخصصان در سال ۱۳۵۷ فرصت نیافتند به تعمیرات اساسی دست زنند. همچنین، بخشی

از پالایشگاه اصفهان تکمیل شده و راه‌اندازی گردید. پالایشگاه‌های تهران، تبریز، شیراز، کرمانشاه (باختران) و مجتمع تقطیر لاوان در مدار تولید قرار داشتند. به‌تدریج رقم تولید نفت پالایش‌شده بالا رفت. در جلسه نوزدهم هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت در ۱۵ خرداد ۱۳۵۸، تولید نفت پالایش‌شده بدین صورت اعلام شد: «کل پالایشگاه‌ها با مجموع ۷۴۰ هزار بشکه در روز کار میکنند تا جوابگوی احتیاجات باشند.»[۱] در سال ۱۳۵۸، بیش از ۸۰۰ هزار بشکه نفت‌خام به پالایشگاه‌های کشور تحویل داده شد و مصرف داخلی فراورده‌ها، به‌طور متوسط ۵۴۳ هزار بشکه در روز بود.[۲]

در این میان، تولید پالایشگاه آبادان پس از شروع جنگ متوقف گردید. در سال ۱۳۶۱-۱۳۶۲ اقداماتی برای بازسازی صورت گرفت، اما به دلیل بمباران سنگین شهر و پالایشگاه در ۲۳ بهمن ۱۳۶۲، بخش عمده‌ای از کارکنان پیشکسوت به واحدهای پتروشیمی و پالایشی کشور مأمور شدند. این پالایشگاه از آذر سال ۱۳۶۸ تولید را از سر گرفت.

در سال ۱۳۶۷، به‌طور متوسط ۶۷۷ هزار بشکه نفت‌خام در روز به پالایشگاه‌ها و مجتمع‌های تقطیر تحویل داده شد. بیشترین میزان نفت‌خام تحویلی متعلق به پالایشگاه اصفهان بود. مصرف فراورده‌های نفتی، به‌طور متوسط ۸۳۴ هزار بشکه در روز بود که به دلیل مصرف بیشتر، حدود ۱۸۹ هزار بشکه در روز از خارج وارد می‌شد.[۳]

خرید پالایشگاه

۲۷ دی ۱۳۶۰ شرکت ملی نفت در اهواز تشکیل جلسه داد. موضوع اصلی جلسه، خرید پالایشگاه‌های آماده و دست‌دوم نظیر پالایشگاه کشور یوگوسلاوی بود. محمدتقی علاقبند، رئیس توسعه پالایشگاه‌ها، پس از بررسی پالایشگاه کشور یوگسلاوی، در نامه‌ای به مسئول خرید تأسیسات پالایشگاهی اعلام کرد:

> باتوجه‌به مشخصات پالایشگاه و قیمت فروش آن، و همچنین عدم تطابق ظرفیت و عملکرد این پالایشگاه با نیازهای کشور، خرید آن توصیه نمی‌شود. به‌این‌ترتیب، شرکت از واحد برنامه‌ریزی تلفیقی خواست در مورد بهترین محل نصب و صرفه اقتصادی این موضوع، بررسی‌های لازم را انجام دهد و اعلام نظر کند؛ همچنین یک هیئت سه نفره نیز برای

۱. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۱۹، ۱۵ خرداد ۱۳۵۸.

۲. ترازنامه بانک مرکزی، سال ۱۳۵۸

۳. ترازنامه بانک مرکزی، سال ۱۳۶۷

کسب اطلاعات بیشتر عازم کشور یوگسلاوی شود.[۱]

پس از بررسی‌های کارشناسان، خرید پالایشگاه از یوگسلاوی به نتیجه نرسید، اما قطعات و دستگاه‌های پالایشگاه آماده فروش شرکت اکسیدنتال[۲] موردتوجه مدیران شرکت ملی نفت قرار گرفت. ازاین‌رو، هیئتی شامل سیدحسن حسینی‌پور، مدیرعامل شرکت کالای لندن، محمدصادق صادقیان، رئیس کمیسیون معاملات شرکت نفت، سیدمحمدرضا میرهادی، فریدون خدابخش و مهدی نعمت‌اللهی از مهندسی و ساختمان پالایشگاه‌ها و محمد سامانی از امور پالایش انتخاب شدند تا از این تجهیزات بازدید و گزارشی از مذاکره با شرکت اکسیدنتال و شرکت‌های طراح دستگاه‌های مزبور به مدیران شرکت نفت ارائه کنند.[۳]

البته اندیشه خرید پالایشگاه دست‌دوم ایده خوبی نبود چنانکه بعدها مسئولان ستاد وزارت و کارشناسان شرکت ملی نفت، پس از بررسی‌هایی فنی و اقتصادی به این نتیجه رسیدند که استفاده از پالایشگاه‌های دست‌دوم یا مستعمل، به صرفه و صلاح نیست و این‌گونه بود که پرونده خرید پالایشگاه اکسیدنتال هم مختومه اعلام شد.[۴]

تأمین فراورده‌های نفتی

تأمین فراورده‌های نفتی در سال ۱۳۶۴ از دغدغه‌های مهم مدیران کشور بود. کمبود نفت سفید و نفت‌گاز به‌ویژه با افزایش مصرف آن در ماه‌های سرد سال و نیز ذخیره نفت‌گاز برای مصارف کشاورزی و حمل‌ونقل در بهار ۱۳۶۴ شرکت ملی نفت را در ماه‌های پایانی سال ۱۳۶۳ به اخذ تصمیمات جدید واداشت:

۱. در پی توافق با شوروی، امور بین‌الملل موظف شد، به گشایش اعتبار اسنادی لازم برای خرید نفت‌گاز موردنیاز ماه‌های بهمن و اسفند سال جاری اقدامات لازم را انجام دهد؛

۲. بر اساس موافقت نخست‌وزیر، امور بین‌الملل، برای فروش نفت‌خام تا سقف ۳۰۰ میلیون دلار و خرید فراورده از محل مزبور، اقدامات لازم را تا عقد و اجرای قرارداد به عمل آورد.[۵]

---

۱. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۲۱۹، ۱۳۶۰/۱۰/۲۷.

2. Occidental Petroleum

۳. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۵۷۱، ۱۳۶۵/۱۰/۸.

۴. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۶۰۳، ۱۳۶۶/۳/۲.

۵. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۴۰۱، ۱۳۶۳/۱۱/۳.

پالایشگاه هفتم

با مطالعه اسناد هیئت‌مدیره و گفتگو با پیسکسوتان، چنین به نظر می‌رسد که مدیران ارشد شرکت ملی نفت در نیمه اول سال ۱۳۶۰ براین باور بودند که جنگ به‌زودی تمام می‌شود. به همین دلیل، با وجود کوشش‌های بی‌دریغ حسن سادات، کفیل وزارت نفت، برای گسترش شبکه گاز و حل مشکل تصفیه نفت، باید چاره‌ای اساسی برای حل مشکل اندیشیده می‌شد به‌ویژه آن که آبادان حتی تا پایان جنگ، وضعیتی نامشخص داشت.

اولین زمزمه‌ها برای تأسیس پالایشگاهی جدید موسوم به پالایشگاه هفتم، در نیمه اول اردیبهشت ماه به گوش رسید و برای این منظور کمیته‌ای فرعی از قسمت‌های توسعه پالایشگاه‌ها و برنامه‌ریزی تلفیقی انتخاب شدند و مطالعات گسترده‌ای را آغاز کردند؛ طرحی که به‌جرئت می‌توان گفت که با قرارگرفتن غرضی در رأس وزارت نفت، پیگیری جدی آن آغاز شد.

غرضی، ساخت پالایشگاه جدید در داخل کشور را مصرانه پیگیری کرد و در اسفندماه ۱۳۶۰ در یادداشتی کوتاه به خردمند، نصیر و کدیور اعلام کرد:

> هرچه سریع‌تر برای ایجاد پالایشگاه جدید، مطالعات و بررسی‌های لازم را انجام و نتیجه را اطلاع دهید.[۱]

ابتدا، محلی در نزدیکی خرم‌آباد برای ساخت پالایشگاه هفتم انتخاب شد، اما بررسی‌ها نشان داد محل موردنظر روی گسل قرار دارد و برای ساخت پالایشگاه مناسب نیست. گزینه بعدی، شهر اراک بود که کمیسیونی ۳ نفره مرکب از آقایان تقی علاقبند، احمد نیامی و عبدالله حریری پس از مطالعات و بررسی‌های لازم، تأسیس پالایشگاه در نزدیک این شهر را تصویب کردند[۲] و در ۲۶ اردیبهشت شرکت ملی نفت موافقت خود را با ساخت پالایشگاه اراک که از نظر نزدیکی به راه‌آهن، شبکه برق سراسری، وجود راه‌های ارتباطی، نزدیکی به خطوط لوله نفت، مناسب تشخیص داده شد، موافقت کردند[۳] و در ۳۰ خرداد زمان اجرای آن، حداکثر ۴ سال تعیین شد،[۴] هرچند در آن روزها کسی فکر نمی‌کرد جنگ تا سال‌های بعد ادامه یابد و ساخت پالایشگاه بیشتر از حد انتظار طول بکشد.

---

۱. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۲۲۵، ۶۰/۱۲/۹.

۲.مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۲۳۵، ۶۱/۲/۲۳.

۳. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۲۳۶، ۶۱/۲/۲۶.

۴. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۲۴۴، ۶۱/۳/۳۰.

باتوجه‌به شرایط جنگی کشور و به همراه آن تحریم و همکاری نکردن بسیاری از شرکت‌های خارجی، ساخت پالایشگاه هفتم به‌کندی پیش می‌رفت. در خرداد ۱۳۶۳ شرکت تصمیم گرفت برای تأمین خوراک پالایشگاه، خطلوله جدیدی برای انتقال نفت‌خام بین تنگه فنی و اراک احداث کند، ضمن این که اجرای این کار باید به‌گونه‌ای زمان‌بندی می‌شد که خطلوله، قبل از راه‌اندازی پالایشگاه هفتم آماده بهره‌برداری باشد.[۱] مهم‌ترین برنامه مدیران، استفاده از خدمات مهندسان مشاور ایرانی در طراحی بخش‌های مختلف پالایشگاه هفتم بود. به این جهت، خدمات مهندسی سیستم‌های آب و هوای پالایشگاه به مهندسان مشاور انرشیمی که - مهندس نابغ مؤسس آن بود- و خدمات مهندسی کارخانه‌های کاهش گرانروی به «مهندسان طرح و پالایش» و عملیات مهندسی آیزوماکس و هیدروژن به «مهندسان مشاور سازه» واگذار شد.[۲] کار طراحی تفصیلی سیستم مخازن، اتصالات و تأسیسات پالایشگاه هفتم نیز بر عهده «مهندسان مشاور نامووران» قرار گرفت[۳] و در پی ابراز علاقه شرکت «اسنم پروجتی» خدمات کارشناسی پشتیبانی طراحی تفصیلی پالایشگاه هفتم به این شرکت سپرده شد.[۴]

به طول انجامیدن برخی پروژه‌های صنعت نفت به دلایل مختلف، آسیبی جدی است که نه‌تنها در صنعت نفت، بلکه در بخش‌های دیگر نیز شاهد آن هستیم که البته دلایل بروز آن در جنگ تحمیلی قابل‌قبول است اما برای سال‌های پس از آن باید به دلایل مدیریتی اشاره کرد. در این بخش، زمان‌بندی توسعه را موردتوجه ویژه قرار دادیم تا خواننده محترم به روند پرحادثه پیشرفت و آسیب‌شناسی تاریخی پیشرفت صنعتی آگاهی یابد.

ساخت پالایشگاه هفتم با محدودیت ارزی همراه بود لذا شرکت ملی نفت تصمیم گرفت ساخت پالایشگاه را در دو فاز انجام دهد. ارز موردنیاز در سال ۱۳۶۵ حداقل ۱۷۵ میلیون دلار برآورد شد[۵] که تأمین آن طی این سال بسیار مشکل بود، ضمن این که هزینه‌ها در طول ۴ سال گذشته نزدیک به ۳۰ درصد افزایش یافته بود، به این جهت، مدیران شرکت، رایزنی و اقدامات لازم برای تأمین ارز موردنیاز را آغاز کردند. روزهای پایانی اردیبهشت غلامرضا آقازاده، وزیر نفت، در گزارشی به مدیران شرکت ملی نفت گفت که کمیته تخصصی ارز تنها با تخصیص حداکثر ۳۰ میلیون دلار ارز برای طرح

۱. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۳۶۲، ۶۳/۳/۲۰.
۲. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۴۵۰، ۱۳۶۴/۶/۲۴.
۳ .مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۴۷۳، ۱۳۶۴/۹/۱۷.
۴. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۴۹۲، ۱۳۶۴/۱۱/۲۷.
۵. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۵۰۷، ۱۳۶۵/۲/۴.

پالایشگاه هفتم موافقت کرده و در بودجه سال ۱۳۶۵ اعتباری از محل درآمدهای عمومی برای این طرح در نظر گرفته نشده است. بنابراین، مدیران شرکت نفت باید اعتبار لازم را از طریق سرمایه‌گذاری بانک‌ها تأمین کنند. صحبت‌های وزیر نگران‌کننده بود. ساخت پالایشگاه اراک، در همان شرایط هم با مشکلات بسیاری روبه‌رو بود و پس از حدود ۲۰ ماه که از شروع طرح می‌گذشت، تنها ۲۵ درصد پیشرفت داشت. درنتیجه، باتوجه‌به شرایط موجود، بهره‌برداری از طرح تا سال ۱۳۶۹ ممکن نبود، برای همین، وزیر نفت از مدیران خواست در کوتاه‌ترین زمان ممکن گزارشی از وضعیت و ضرورت احداث پالایشگاه اراک برای ارائه به مسئولان کشور تهیه کنند تا ارز موردنیاز طرح به‌سرعت تأمین شود.[۱] سرانجام باتوجه‌به آنکه تلاش برای غلبه بر مشکلات ارزی چندان کارساز نبود، شرکت تصمیم گرفت برای مدتی از ساخت واحد میان تقطیر صرف‌نظر کند تا مراحل احداث بقیه واحدها سریع‌تر پیش رود.[۲]

پالایشگاه هشتم؛ بندرعباس

با تقاضای روزافزون فراورده‌های نفتی، مدیران تصمیم گرفتند برای تأمین فراورده‌های موردنیاز کشور و افزایش ظرفیت پالایشگاهی، پالایشگاهی جدید بسازند و برای این امر کرمان و بندرعباس را انتخاب کرده و از واحد برنامه‌ریزی تلفیقی خواستند تا ضمن مقایسه دو محل، گزارش لازم را تهیه و به هیئت‌مدیره ارائه دهد[۳] که پس از بررسی‌ها و مطالعات لازم، ساخت پالایشگاه هشتم در بندرعباس به تصویب رسید.[۴]

در اردیبهشت ۱۳۶۵ شرکت ملی نفت تصمیم گرفت تا خوراک پالایشگاه بندر عباس را از نفت‌خام سنگین صادراتی ایران تأمین کند[۵] و اگرچه کمبود ارز، تحریم‌ها و مشکلات ناشی از جنگ، اجرای طرح پالایشگاه هشتم را کند کرده بود، اما با وجود تمام مشکلات، طرح با جدیت از سوی کمیسیونی شامل آقایان حریری، میرهادی، موسی‌پناه و صادقیان دنبال می‌شد. در ۱۵ فروردین ۱۳۶۶، کنسرسیوم «اسنام پروجتی» و «چیودا» برای انجام طرح، مناسب تشخیص داده شدند و قرار شد تا مذاکرات لازم با این شرکت‌ها انجام

۱. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۵۱۶، ۱۳۶۵/۳/۷.
۲. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۶۲۵، ۱۳۶۶/۷/۱۱
۳. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۴۱۴، ۱۳۶۴/۱/۱۸.
۴. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۴۳۹، ۱۳۶۴/۵/۶.
۵. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۵۰۷، ۱۳۶۵/۲/۴.

شود[۱] که این کار در اردیبهشت ماه به نتیجه رسید و پس از آماده شدن متن قرارداد و بررسی و تأیید امور حقوقی شرکت ملی نفت، متن مزبور از سوی رئیس مهندسی و ساختمان پالایشگاه‌ها امضا شد.[۲]

مرحله بعدی کار، برگزاری مناقصه برای اخذ دانش فنی واحدهای پالایشگاه بود که پس از بررسی پیشنهادها، با انعقاد قرارداد با شرکت‌های زیر موافقت شد:[۳]

۱. شرکت انگلیسی UOP UISL/ UITL

۲. شرکت ایتالیایی Foster Wheeler

۳.شرکت اتریشی Poerner

محافظت از پالایشگاه‌ها و تأسیسات نفتی

در سال ۱۳۶۴، نیروهای عراقی به یکباره حملات خود را بر تأسیسات نفتی متمرکز ساختند که درنتیجه محافظت از تأسیسات صنعت نفت، به‌صورت دغدغه اصلی دولتمردان و مدیران نفتی کشور درآمد، اما باتوجه‌به گستردگی تأسیسات نفتی در جنوب و نیز وضعیت ساختمانی آن‌ها، پوشش همه تأسیسات نفتی ممکن نبود، آن هم در شرایطی که، پدافند عامل، تنها راه‌حل عملی به نظر می‌رسید.

در اول آبان سال ۱۳۶۴ شرکت ملی نفت به ستاد مستقر در این وزارت‌خانه دستور داد موضوع دفاع غیرعامل از تأسیسات حیاتی را بررسی و پیشنهادهایی عملی برای اجرا و تأمین اعتبار ارائه کند.[۴] همچنین برای محافظت از منابع گازی منطقه خانگیران در شمال شرقی کشور نیز نیروهای بسیج سپاه پاسداران در نظر گرفته شدند.[۵]

هنگامی که حملات عراق به تأسیسات، تلمبه‌خانه‌ها، انبارهای ذخیره نفت و پالایشگاه‌های نفتی کشور در سال ۱۳۶۵ به اوج خود رسید، ضرورت سرعت بخشیدن به تقویت پدافند عامل و غیرعامل، بیشتر آشکار شد که به این منظور، از مدیریت پالایش و پخش خواسته شد برای تأمین تجهیزات پدافندی و تقویت پدافند تلمبه‌خانه‌ها، تأسیسات نفتی و پالایشگاه‌ها، گزارشی تهیه و به شورای‌عالی دفاع ارسال کند، همچنین از تمامی مدیریت‌ها خواسته شد برای تعمیر و راه‌اندازی هرچه سریع‌تر بخش‌های آسیب‌دیده،

---

۱. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۵۹۱، ۱۳۶۶/۱/۱۵.

۲. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۶۰۸، ۶۶/۴/۶.

۳. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۶۲۵، ۶۶/۷/۱۱.

۴. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۴۶۵، ۶۴/۸/۱۹.

۵. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۴۶۸، ۱۳۶۴/۸/۳۰.

نیـروی انسـانی و تجهیـزات لازم را در اختیـار مدیریـت پالایـش و پخـش قـرار دهنـد،[۱] امـا در پـی شـدت گرفتـن حمـلات دشـمن بـه تأسیسـات دریایـی فـلات قـاره در خلیج‌فـارس، وزیـر نفـت از مدیـران شـرکت ملـی نفـت خواسـت تـا ابعـاد و جوانـب ایـن حمـلات را بـه شـورای‌عالی دفـاع اطـلاع دهنـد تـا بـرای محافظـت از تأسیسـات خلیج‌فـارس، تصمیمـی مناسـب اتخـاذ شـود.[۲]
وضعیـت پالایشـی کشـور در مهـر ۱۳۶۴ نشـان از بهبـود و افزایـش تولیـد داشـت. نفت‌خـام تحویلـی بـه پالایشـگاه‌ها در ایـن سـال، به‌طـور متوسـط ۷۱۶ هـزار بشـکه در روز بـود. پالایشـگاه اصفهـان بیشـترین تولیـد را بـه خـود اختصـاص داده بـود. میانگیـن روزانـه نفت‌خـام تصفیه‌شـده در پالایشـگاه تهـران ۲۴۰ هـزار بشـکه؛ پالایشـگاه اصفهـان، ۳۱۶ هـزار بشـکه؛ پالایشـگاه تبریـز ۶۴ هـزار بشـکه؛ پالایشـگاه باختـران ۲۴ هـزار بشـکه، پالایشـگاه شـیراز ۲۴ هـزار بشـکه و مجتمـع تقطیـر لاوان ۲۰ هـزار بشـکه بـود.[۳]

۱. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۵۴۵، ۱۳۶۵/۶/۳۱.
۲. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۵۵۷، ۱۳۶۵/۸/۱۲.
۳. پیک نفت، شماره ۲۰۴، مهر ۱۳۶۴.

نفت مابین دو دوره
خروج از دوره دفاع مقدس؛ ورود به دوره سازندگی

در سال ۱۳۶۷، ایران کمی بیش از ۵۱ میلیون نفر جمعیت داشت. بر اساس ترازنامه بانک مرکزی سال ۱۳۶۷، درآمد نفتی ایران حدود ۶۶۷ میلیارد ریال و درآمدهای مالیاتی بالغ بر ۹۸۶ میلیارد ریال بود. تولید نفت، به‌طور متوسط ۲/۵ میلیون بشکه در روز و صادرات آن تقریباً ۱/۶ میلیون بشکه در روز و متوسط قیمت نقدی تک‌محموله‌ای نفت‌خام ایران، ۱۳/۳ دلار بود. در همین سال، درمجموع ۳۰/۷ میلیارد مترمکعب گاز طبیعی تولید شد که از این میزان، حدود ۲۰ میلیارد مترمکعب آن به مصرف داخلی رسید و مابقی سوزانده شد.[1] مجتمع‌های پتروشیمی در این سال، درمجموع ۸۸۰ هزار تن محصولات مختلف تولید کردند. قیمت دلار در بودجه سال ۱۳۶۷بین ۶۸ تا ۷۵ ریال محاسبه گردید که با قیمت بازار آزاد تفاوت فاحشی داشت.

در سال‌های ۱۳۶۷-۱۳۶۸ تحولی بزرگ در سیاست و اقتصاد جامعه ایران رخ داد. با پایان جنگ، رحلت بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران و رهبری آیت‌الله خامنه‌ای، و هم‌زمان با ریاست جمهوری آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، عصر سازندگی با ویژگی‌های منحصر به فردی آغاز شد.

هفتصد و بیست و یکمین جلسه هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت به بررسی پروژه‌هایی اختصاص یافت که در سال ۱۳۶۸ در دست اجرا بود.[2] مدیران با مقایسه ظرفیت تولید در سال‌های پیش و پس از انقلاب، تصمیم گرفتند موضوع اکتشاف و تولید را با اولویت کامل و به‌صورت ویژه به شرح پایین در رأس امور قرار دهند

مدیریت مهندسی و ساختمان: ۱. طرح آغار و دالان؛ ۲. احداث سکوی حفاری در دریای خزر؛ ۳. احداث خطلوله فراورده اراک، ملایر و همدان؛ ۴. احداث کارخانه بشکه‌سازی و قیر پرکنی در پالایشگاه اصفهان.

---

۱. ترازنامه بانک مرکزی سال ۱۳۶۷.

۲. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۷۲۱، ۱۳۶۸/۲/۲۴.

مدیریت مناطق نفت‌خیز: ۱. توسعه میدان‌های نفت و گاز مناطق؛ ۲. خط‌لوله جمع‌آوری نفت و گاز؛ ۳. فاز ۱ پروژه تزریق گاز بی‌بی حکیمه؛ ۴. فاز ۲ پروژه تزریق گاز گچساران.

مدیریت اکتشاف و تولید: ۱. پروژه توسعه میدان‌های گازی آغار، دالان، کنگان، نفت و گاز خلیج‌فارس، شبکه جمع‌آوری گاز و تأسیسات تولید خانگیران؛ ۲. اکتشاف دریای خزر.[۱]

۱. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۷۴۶، ۱۳۶۸/۹/۱.



بازید وزیر نفت از پالایشگاه اراک ۲۷ شهریور ۶۴

پیوست فصل پنجم



امروز ارتش ایران باقامتی استواردر جهان‌می درخشد

امام خمینی

بدرستی‌که خداوند دوست دارد کسانی را کـــه جنگ میکنند در راه خدا در صفوف منظم ، همانند پایه هائی محکم .

قرآن کریم

جمهوری اسلامی ایران

وزارت نفت

پیک نفت

شماره ۱۵۶

یکشنبه ۵ اردیبهشت ماه ۱۳۶۱

در این شماره میخوانید :

سخن هفته

" فاصله امروز و دیروز ارتش ما "

ملاقات هیئت پاکستانی با وزیر نفت

بازدید فرماندار قزوین ازپخش ایـــن شهرستان

احداث مخازن نفت در خانگیران

شمه ای از فعالیتهای وزارت نفت درسه ماهه آخر ۱۳۶۰

معرفی کتاب

درسی از خداشناسی

قناعت و احسان به‌نـزدیکان ازدیدگاه امیر مومنان علی (ع)

جهان نفت و سیاست

کمک به جبهه

اعلام پشتیبانی

شرکت تیم کشتی باشگاه تهرا ن در مسابقات انتخابی

موفقیت تیم کشتی باشگاه ورزشی صنعت نفت منطقه باختـران

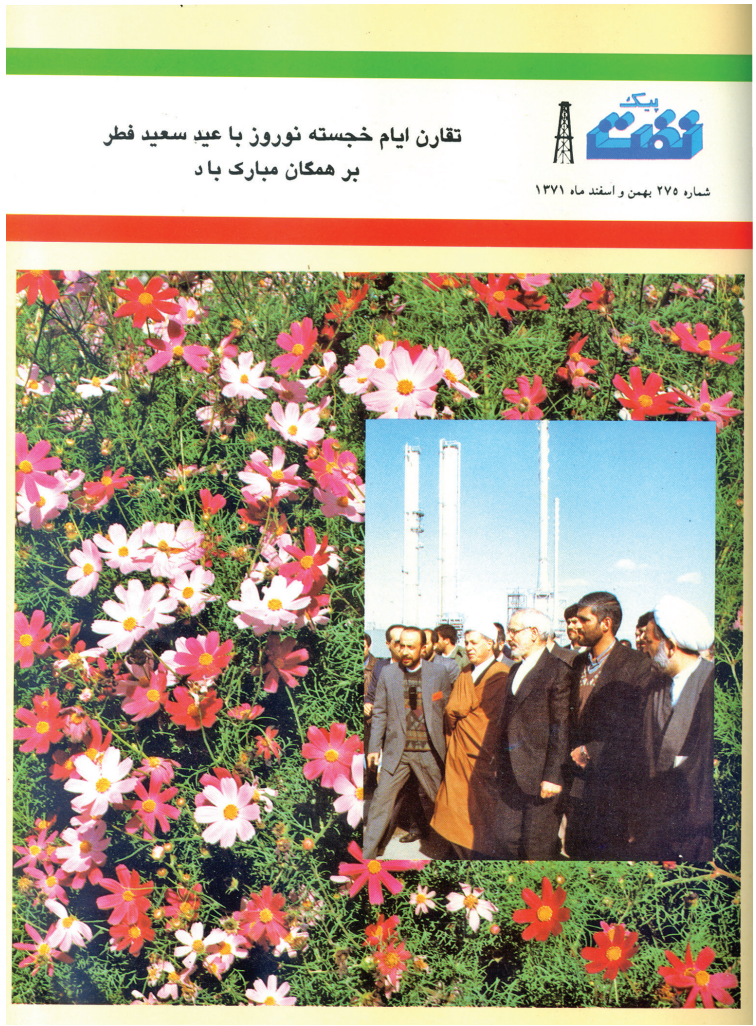
بخشنامه ها

تشکیل کلاس

ارتشی سپاهی دولشکرالهی

نوستالژی پیک نفت

آغـاز پیـک نفـت بـا رفتن برخـی از کارکنان نشـریه نامه صنعـت نفت همراه بـود. برخـی ماندند و به اداره جدیدالتأسیسـی پیوسـتند کـه اسـمش شـده بـود روابط‌عمومی و ارشـاد اسـلامی. شـماره‌های نخسـتین پیـک نفـت بـه مباحـث عقیدتی، سیاسـی، سـخنان امـام خمینی، فلسـفه جهاد، سـخنان آیـت‌الله بهشـتی، بخشـی از سـخنرانی‌های آیت‌الله مطهـری ، تاریخچه اوپـک، تاریخچـه قراردادها و گـه گاهـی اخبـار و بخشـنامه‌های مسـئولین اختصـاص داشـت. از نیمه سـال ۱۳۶۲، محتـوای پیک ←



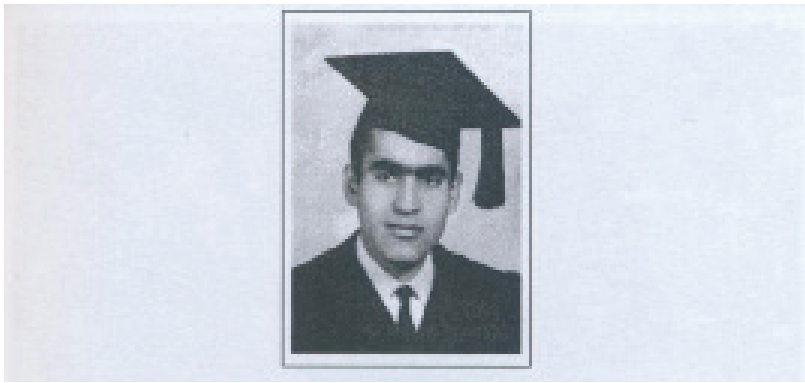
نفت متحول و سال به سال باکیفیت‌تر، سنجیده‌تر و صفحه‌آرایی آن زیباتر شد. با آمدن آقازاده مباحث آموزشی، تکنیکی و شمار مصاحبه‌های تخصصی فزونی گرفت. تا سال ۱۳۷۲ نشریه پیک نفت چاپ می‌شد و پس از آن، نشریه مشعل پدید آمد. نادر محبتی و محمد طاهرزاده (سردبیر)، جواد آقاخانی، ابوالحسن درویشی، ناهید علیزاده، مسعود محمدی، منصور موحد، عبدالجواد طالقانی، غیاثوند و فرجزاده نویسندگان و مصاحبه‌گران نشریه بودند.



افتتاح طرح گازرسانی روستای امین‌آباد توسط مهندس تندگویان (مهر ۱۳۵۹)



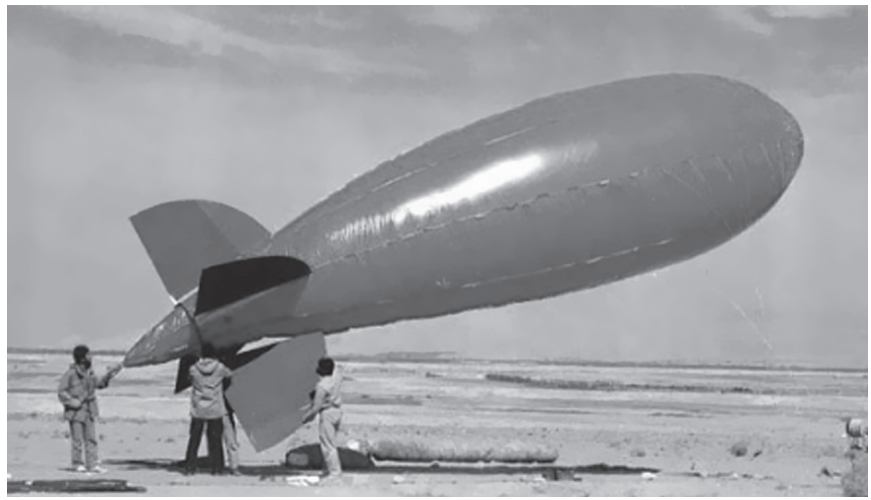
مصاحبه مطبوعاتی شهید تندگویان، وزیر نفت (مهر ۱۳۵۹)



مهندس سادات در لباس فارغ التحصیلی

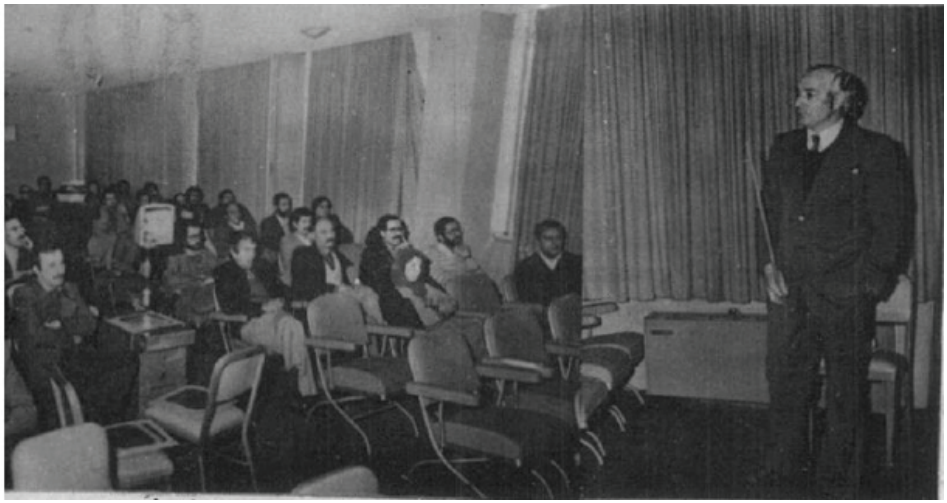


مهندس سادات در کنار دکتر منوچهر اقبال، مدیرعامل شرکت ملی نفت ایران(جشن فارغ التحصیلی



بالن ابابیل

از اواخر سال ۱۳۶۴، مهندسان جهاد و صنایع دفاع، دست به ابتکارهای جالبی برای محافظت از تأسیسا ت نفتی زدند که. بالن ابابیل یکی از آنها بود. این بالنها با دنباله های فلزی و شکلی مهیب و بزرگ، با رنگی تند ساخته می شدند و به سفیر مرگ هواپیماهای دشمن شهره بودند. هدف آن بود تا هواپیماهای دشمن به هنگام عبور از گذرگاه های تنگ بین کوه ها به سوی پالایشگاه اصفهان، در اولین واکنش، به این بالن ها شلیک کنند و مدتی مشغول آن شوند تا برای یگان های پدافند، فرصت کافی برای شلیک و محافظت از تأسیسات فراهم شود..



دکتر افراسیاب خسروی سعید به هنگام برگزاری دوره آموزشی در بخش اکتشاف جنوب



دوره آموزشی در پالایشگاه تهران مرداد ۱۳۶۱



بازدید محمد غرضی، وزیر نفت، از تأسیسات نفتی اصفهان (۱۳۶۰ش)



بازدید غلامرضا آقازاده، وزیر نفت، از پروژه محرم در بندر گناوه (۱۳۶۴ش)



بازدید معاونان استانداران سراسر کشور از پالایشگاه تهران (شهریور ۱۳۶۵)



جایگاه فروش بنزین (۱۳۶۵ش)



بنزین در خط مقدم جبهه‌ها (۱۳۶۵ش)



سنگر در جزیره سیری (آبان ۱۳۶۵)



اطفای حریق ناشی از بمباران در سکوی رشادت (مهر ۱۳۶۵)





کلنگ‌زنی پتروشیمی تبریز
با حضور نخست‌وزیر و وزیر نفت
(آذر ۱۳۶۶)



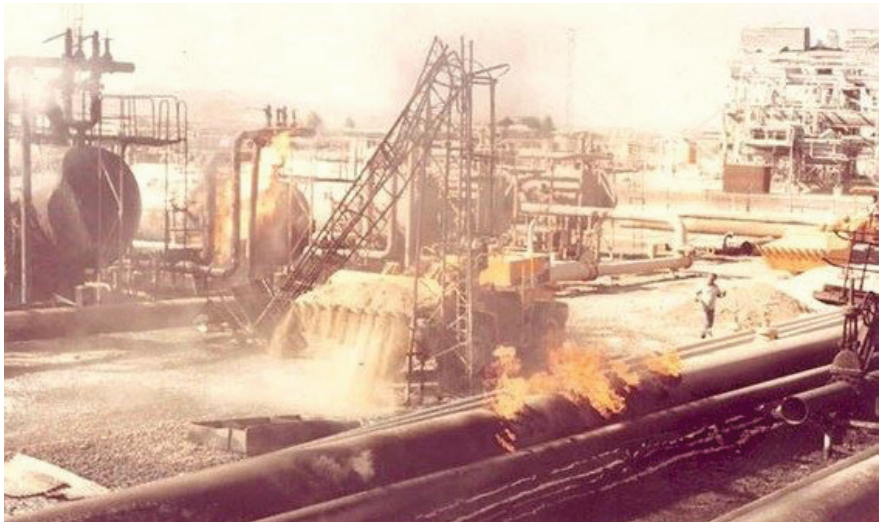
انفجار و تخریب سکوی بهره‌برداری سلمان در خلیج‌فارس با بمب‌گذاری از سوی نیروهای امریکا (فروردین ۱۳۶۷)



بازدید رئیس مجلس، از پالایشگاه آبادان (۱۳۶۷ ش)



آسیب ناشی از بمباران‌ها در واحد ۱۰۰ پالایشگاه گازی بیدبلند



آسیب ناشی از بمباران‌ها در واحد ۱۰۰ پالایشگاه گازی بیدبلند



یادگاری از پالایشگاه بیدبلند، قسمتی از بدنه برج نم‌زدایی که در اثر ترکش سوراخ شده



رفع آسیب دیدگی برج احیای گاز



افتتاح پالایشگاه گاز ولیعصر (فجر جم کنگان) (۱۳۶۷ش)



عملیات مهارچاه شماره ۶ نوروز

فصل ششم

سازندگی (۱۳۷۶-۱۳۶۸)

سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۶ که مصادف با ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی است، در ادبیات سیاسی کشور سال‌های سازندگی نامیده می‌شود. پس از رحلت امام خمینی در خرداد ۱۳۶۸، و انتخاب رئیس‌جمهور وقت (آیت الله خامنه‌ای) از سوی مجلس خبرگان به سمت رهبری، شورای نگهبان زمینه مناسب را برای انتخابات ریاست جمهوری فراهم کرد. حدود ۷۹ نفر نامزد ریاست جمهوری شدند که تنها دو نفر یعنی آقایان: اکبر هاشمی رفسنجانی و عباس شیبانی تأیید صلاحیت شدند. در عرصه این رقابت، سرانجام، هاشمی رفسنجانی با کسب رأی حدود ۱۵ میلیون و ۵۵۰ هزار که ۹۴/۵ درصد از کل آرا بود، در مرداد ماه ۱۳۶۸ به ریاست جمهوری برگزیده شد. ریاست هاشمی رفسنجانی بر قوه مجریه کشور، فصل جدیدی در تاریخ معاصر ایران گشود. در آستانه ورود به دوران سازندگی، تغییراتی در قانون اساسی داده شد که قدرت رئیس‌جمهور را افزایش داد

پایان جنگ تحمیلی و لزوم گسترش روابط سیاسی با جهان اقدامات و برنامه‌های نوینی را طلب می‌کرد. دولت سازندگی، تلاش کرد تصمیماتی متناسب با شرایط جدید جهانی و منطقه‌ای اتخاذ کند؛ فعالیت‌های وسیعی در حوزه‌های مختلف سیاست داخلی و خارجی، اقتصادی، نظامی و امنیتی به انجام رسانید. مهمترین گرایش دولت در این مقطع، بازسازی زیربناهای اقتصادی و صنعتی داخلی بر پایه سیاست تعدیل، توسعه صادرات، خصوصی سازی و جذب سرمایه های خارجی و داخلی بود. سیاست خارجی را بر مبنای اصل تنش‌زدایی استوار ساخت.

آقازاده

رأی اعتماد در دو مجلس

غلامرضا آقازاده در هشت سال دوره سازندگی به همراهی مشاوران و معاونان خود توانست صنعت نفت ایران را چند گام توسعه دهد. مناسبات وزیر نفت با جامعه، گروه‌های سیاسی و مجلس در مطبوعات چندان مورد نقد و بررسی قرار نگرفت. اغلب نمایندگان مجلس شورای اسلامی تا سال ۱۳۷۲ با او همراه بودند. در واقع، او سعی داشت فارغ از جناح‌بندی‌های سیاسی ابتکار عمل را در دست گیرد و بدون آنکه صنعت نفت را با حاشیه‌های سیاسی دمخور سازد، به تأسیس واحدهای جدید و تعمیر واحدهای تخریب‌شده دست زند.

او سه بار برای تصدی مقام وزارت نفت به مجلس شورای اسلامی پا گذاشت. گفتگوهای بار نخست را در فصل پیشین شرح دادیم. ۵ شهریور ۱۳۶۸ رئیس‌جمهور هاشمی رفسنجانی برای اخذ رأی اعتماد کابینه‌اش به مجلس شورای اسلامی رفت. سوابق وزرای پیشنهادی را شرح داد. درباره آقازاده، وزیر پیشنهادی نفت، گفت:

> ایشان جوهر فعالی است. نقطه قوت ایشان روی آسیب‌هایی که به صنعت نفت آمد روشن شد. البته، ممکن است الان کسانی اینجا و آنجا بنشینند که می‌گویند ما در این مشاوره‌ها و نامه‌ها و مواردی که داشتیم، خیلی از اشکالاتی که الان در صنعت نفت وجود دارد مثلاً در این مدت حفاری چه جور بوده، یا در این مدت تزریق گاز چه جور بوده، یا در این مدت نیرو چه جور بوده، مناطق نفتی چه بوده، حرف‌هایی دارند که اصلاً توجه ندارند آنجا جنگ بود، زیر بمباران بود و مهم‌ترین هدف دشمن صنایع نفت بود.... ایشان را موفق می‌دانم.[1]

آقازاده چندان مورد مخالفت قرار نگرفت، با اقبال نمایندگان مواجه شد و توانست و توانست ۲۳۱ رأی موافق نمایندگان را به دست آورد. آراء مخالف ۱۸ نفر و آراء ممتنع ۱۰ نفر بود، اما مجلس چهار سال بعد در سال ۱۳۷۲ متفاوت بود. آراء موافقین ریزش کرد.

در ۲۴ و ۲۵ مرداد ۱۳۷۲ برای بار سوم آقازاده پا به مجلس گذاشت تا رأی اعتماد نمایندگان مردم را به دست آورد. از نمایندگان موافق، علی مطهری، عضو کمیسیون نفت، در دفاع از آقازاده گفت:

> با توجه به موافقت های به‌عمل‌آمده بین اعضای کمیسیون و وزیر نفت، جناب آقای مهندس آقازاده در ارتباط با تجدید نظر در مورد بعضی همکاران فعلی و استفاده هرچه

۱. مشرح مذاکرات مجلس شورای اسلامی، ۵ شهریور ۱۳۶۸.

بیشتر از متخصصین متعهد نفت به ایشان رأی سفید خواهم داد و این حرکت را مصلحت نظام می‌دانم.

موافق بعدی، نصرت صمدزاده بود که با شرح اقدامات و آمار وزارت نفت در بخش‌های نفت و گاز و پتروشیمی از آقازاده حمایت کرد. او براقدامات انجام‌گرفته در صنعت گاز و شبکه گازرسانی تأکید بیشتری داشت. در واقع، برگ برنده آقازاده پیشرفت‌های شبکه گازرسانی و واحدهای پالایشگاهی بود که در مطبوعات آن زمان موردتوجه قرار گرفته بود. کمال دانش منفرد، نماینده مجلس و عضو کمیسیون نفت، نیز به‌طور مبسوط آمار تولید و صادرات را در مقایسه با سال ۱۳۶۵ موفقیت‌آمیز خواند.

محسن یحیوی، نماینده منتقد بود و بر عدم همسویی معاونین با سیاست‌های وزیر و عدم استفاده از متخصصین این صنعت در جایگاه مناسب تأکید کرد. یحیوی، رقم پیش‌بینی تولید چهار و نیم میلیون بشکه نفت در برنامه پنج‌ساله وزارت نفت را غیر قابل استحصال خواند و تأکید کرد وزیر نفت برای رسیدن به ارقام برنامه پنج‌ساله نیاز به همکاران توانمند دارند. او با اشاره به یک پرونده قراردادی فیمابین پتروشیمی رازی و شرکت خارجی هیدرو که انجمن اسلامی در اختیارش گذاشته بود، به انتقاد از رهگذر، مدیرعامل شرکت ملی صنایع پتروشیمی، پرداخت و خاطرنشان کرد برخی مفاد قرارداد به‌درستی ترجمه و تدوین نشده و بر اساس مصالح نیست، زیرا برخی از امور فنی و مهندسی را متخصصین ایرانی می‌توانند انجام دهند و لزومی به واگذاری به شرکت خارجی، آن‌هم شرکت رقیب نیست. اما احمد ناطق نوری، دیگر نماینده مجلس ساعتی بعد به پشت تریبون رفت و با اشاره به فسخ قرارداد اشاره‌شده، از آقازاده حمایت کرد.

سید مرتضی نبوی، از منتقدین سیاست‌های وزارت نفت بود که با ارائه تحلیل نسبتاً جامع از تولید صیانتی سخن گفت. او بخشی از اطلاعات را از کارشناسان جنوب اخذ کرده و با مقایسه برنامه مصوب و عملکرد، از برخی ناشنیده‌های صنعت نفت پرده برداشت:

باید گفت متأسفانه تولید صیانتی نفت طی دوره ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۱ کمتر از پیش‌بینی برنامه بوده است. و این در حالی است که بیشتر از برنامه ارز دریافت شده است... منبع نفت آغاجاری به خاطر عدم تزریق [گاز] پنج میلیارد بشکه نفت هرز رفته و از بین رفته است... آقای آقازاده رسماً نامه نوشتند که اگر سه میلیارد دلار بیشتر به ما بدهید، ما پانزده میلیارد دلار درآمد اضافی برای شما در برنامه اول به دست می‌آوریم... این سه میلیارد را می‌گیرید و حتی در حد برنامه قبلی هم درآمد استحصال نمی شود... درآمد حاصل از صادرات نفت خام در برنامه قبل از افزایشی که شما پیشنهاد کرده بودید، ۲۱

میلیارد دلار بود، درحالی‌که آنچه تحقق پیدا کرده ۹/۱۴ میلیارد دلار است... در بخش دیگر صحبتم به سیاست نفت در اوپک می‌پردازم. متأسفانه باید بگویم که ما در زمان صدارت جناب آقای آقازاده نقش خودمان را در اوپک از دست دادیم و ایشان عملاً از سهم عادلانه بازار که همان سیاست عربستان است پیروی کردند. هر دفعه هم که از اوپک برمی‌گشتند پیروزمندانه مصاحبه می‌کردند و می‌گفتند نتایج خیلی رضایتبخش است، ولی نتیجه‌اش این شد که ما بیشتر نفت بفروشیم و کمتر عایدات داشته باشیم.... در مورد امور بین‌الملل به‌جای اینکه مشتری‌های نفتی ما مشتری‌های سنتی و پالایشگران نفت باشند، نفت در اختیار دلالان قرار می‌گیرد که عمدتاً سوءسابقه دارند و با فروش نفت به کشورهای بدنام باعث بدنامی کشور ما نیز می‌شوند. به چه طریقی نفت با قیمت ارزان‌تر در اختیار این شرکت‌ها قرار می‌گیرد که به فروش برود و من نمی‌دانم این چه توجیه اقتصادی دارد...

خاطرنشان می‌سازد برخی از کارشناسان متعهد جنوب در این زمان به مسائل نفت حساسیت بیشتر نشان داده و در قالب کنشگر سیاسی ـ نفتی ظاهر شدند، تحلیل و اطلاعات خود را به سیاستمداران و مراکز قدرت انتقال می‌دادند. مرتضی نبوی در ادامه به فروش نفت ارزان‌تر به شرکت‌های فرعی نظیر نیکو و ای‌تی‌سی وزارت نفت اشاره و از اینکه شرکت ملی نفت مشتریانش را به آن دو شرکت سوق می‌دهد انتقاد کرد. همچنین، به عدم تولید گاز برای تأمین شبکه گازرسانی پرداخت و از وعده و وعید وزیر نفت به نمایندگان مجلس در خصوص رساندن گاز به حوزه‌های نمایندگی‌شان ابراز نارضایتی کرد. در بخش پتروشیمی نیز با آمار و ارقام عدم پیشرفت در راه‌اندازی کامل پتروشیمی آبادان، رازی و فارابی را نشانه ناکارامدی دانست. به موازات آن، نگرانی خود از امکان بازپرداخت استقراض‌ها را اعلام کرد. تیر خلاص نبوی به آقازاده درباره افتتاح پالایشگاه اراک در آستانه کسب رأی اعتماد مجلس بود که آن را حرکتی نمایشی خواند.

سپس، آقازاده پشت تریبون رفت و به منتقدان پاسخ گفت. روی سخنش با مرتضی نبوی بود که سخنانش صحن مجلس را متحول ساخته بود. آقازاده با رد حضور دلال‌ها و تخفیف به دفاتر نمایندگی در لندن، سنگاپور و کانادا اشاره کرد و خریداران را عموماً معتبر و مالک پالایشگاه خواند و به نمایندگان مجلس اطمینان داد حتی یک دلار سوخت نمی‌شود. به‌طور مشروح از سیاست ساخت واحدهای پتروشیمیایی دفاع و آن را برای اینده کشور ضروری قلمداد کرد. تولید نفت را مطابق برنامه دانست و درآمد ناشی از صادرات را موفقیت‌آمیز خواند و با ارائه آمار از آینده بهتر سخن گفت. در پایان جلسه،

رأی‌گیری به عمل آمد. نتیجه رضایت‌بخش نبود؛ ۱۳۴ رأی موافق، ۸۸ رأی مخالف و ۲۵ رأی ممتنع.[۱] به‌این‌ترتیب، چهار سال سوم صدارت آقازاده بر وزارت نفت آغاز شد.

در این دوره رویدادهای مهم و سرنوشت‌سازی رخ داد که در ادامه حوادث خرد گذشته پدید آمدند. صنعت نفت نقشی بسزا در این تحولات داشت. همچنان که جمعیت شهری افزایش می‌یافت، سطح سواد، سبک زندگی و شاخص هزینه زندگی رو به فزونی بود. قیمت تعرفه‌ها و عوارض افزایش گرفت تا بخشی از هزینه‌های عمرانی و جاری بودجه سال‌های سازندگی تأمین شود. درآمد نفتی بر اساس پیش‌بینی‌ها محقق نشد و همه تلاش‌ها برای اخذ وام‌های ارزان از بازار جهانی به پایانی خوش منتهی نگردید. با همه مشکلاتی که بر سر راه تأمین بودجه سدها، کارخانه‌های فولاد، سیمان و نیروگاه‌ها وجود داشت، برخی مخالفین فریاد بر می‌آوردند همه‌چیز در ساخت سد و بزرگراه خلاصه نمی‌شود، به فرهنگ هم توجه کنید.

در چنین اوضاع و احوالی، وزارت نفت برای انجام وظایف و تعهداتی که طبق برنامه پنج‌ساله بر عهده‌اش قرار گرفته بود، مشکلات مختلفی را پیش رو داشت. در این دوره، سیاست دوره پیشین، مبنی‌بر فروش بیشتر نفت ادامه یافت. اولویت سیاست‌های آقازاده بر فروش بیشتر نفت، تصاحب سهم بازار، میانه‌روی در سیاست خارجی و توانمندسازی سازمان صنعت نفت بود. میانه‌روی او در رفتار سازمانی با اقبال کارکنان صنعت نفت روبه‌رو گردید. در پی تلاش‌های ایران برای جذب سرمایه خارجی، قانون تحریم صنعت نفت ایران در مجلس امریکا در سال‌های پایان این دوره تصویب شد.

اگرچه تولید و صادرات بیشتر نفت‌خام در این دوره اهمیت بسیار داشت، اما تولید صیانتی موردتوجه و نقد قرار گرفت. تولید هرچه بیشتر محصولات پتروشیمیایی در این دوره اهمیت یافت. با تأمین مالی از طریق بانک‌های داخلی، فاینانس و اوراق مشارکت ساخت مجتمع‌های پتروشیمی تحقق یافت و برنامه‌ریزی اولیه برای ساخت مجتمع‌های جدید در منطقه ویژه اقتصادی ماهشهر انجام گرفت. تقویت صنایع پتروشیمی، مزیت اقتصادی بسیاری داشت و توسعه این صنعت برای تأمین خوراک هزاران صنعت پایین‌دستی، صادرات پرسود و رقابت بالا برنامه‌ریزی شد. عباس شعری‌مقدم، از مدیران ارشد پتروشیمی، درباره تحولات این صنعت در دولت سازندگی می‌گوید:

رئیس دولت سازندگی از هیچ حمایتی برای توسعه پتروشیمی‌ها دریغ نکرد. باجوداینکه

۱. مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی، ۲۴ و ۲۵ مرداد ۱۳۷۲، جلسات ۱۳۷، ۱۳۸ و ۱۳۹.

کشـور از نظـر مالـی ضعیـف بـود، امـا حمایـت بـرای تأمیـن منابـع مالـی دربـاره طرح‌هـای در دسـت اجـرا در دسـتور کار قـرار گرفـت. اگرچـه در پایـان دولـت توسـعه ایـن صنعـت بـه دلیـل تقابـل مجلـس بـا آیـت‌الله هاشـمی رفسـنجانی و اقدامـات سیاسـی مجلـس در سـال‌های آخـر دولـت متوقـف شـد. همچنیـن، اولویـت اول و محـور توسـعه صنعـت کشـور، توسـعه صنعـت پتروشـیمی بـود. کارهـای بزرگـی نیـز انجـام شـد کـه نمونـه عینـی آن مجتمـع پتروشـیمی ایـران ـ ژاپـن (بندرامـام کنونـی) بـود کـه تکلیـف آن مشـخص شـد. طرح‌هـای دیگـری نیـز همچـون پتروشـیمی تبریـز، خراسـان و اصفهـان در آن زمـان پیگیـری شـد و توسـعه صنعـت پتروشـیمی جهـش خوبـی پیـدا کـرد.

هم‌سویی نفت و سیاست خارجی

سیاسـت خارجـی در دوره سـازندگی، مبتنـی بـر بهبـود مناسـبات بین‌الملـل، بهبـود روابـط بـا کشـورهای منطقـه، افزایـش روابـط اقتصـادی، تنش‌زدایـی همـراه بـا عـزت و مصلحـت سیاسـت‌های نظـام بـود. فاصلـه از رویکـرد آرمان‌گرایـی و عملگرایـی در سیاسـت خارجـی از ویژگی‌هـای سیاسـت خارجـی در ایـن دوره بـود. بازسـازی و توسـعه صنعـت نفـت، توسـعه کشـاورزی، راه و سدسـازی و صنایـع سـنگین ماننـد فـولاد ازجملـه اهـداف اقتصـادی دولـت بـود کـه بایـد بـا کمـک سـرمایه خارجـی و اوراق مشـارکت داخلـی سـامان می‌یافـت. شـرکت‌های داخلـی نیـز در دوره سـازندگی افزایـش کمّـی و کیفـی یافتنـد و بسـیاری از نیروهـای زبـده در جنـگ تحمیلـی بـه سـمت فعالیت‌هـای اقتصـادی متمایـل شـدند. شـرکت‌های خارجـی نیـز دفاتـر خـود را در تهـران تأسـیس کردنـد.

نفـت در دوره سـازندگی بـا سیاسـت خارجـی همـگام بـود. بـه ایـن معنـا کـه از بهبـود مناسـبات بهره‌منـد شـد و گفتگوهـای اولیـه آغـاز گردیـد. سـفارتخانه‌های ایـران، بـه تمامـی بخش‌هـای اقتصـادی کشـور خدمات‌رسـانی می‌کردنـد، چنان‌کـه در برخـی از برهه‌هـا، خدمـات دیپلماتیـک، راهگشـا بـود و کمک‌هـای ارزشـمندی بـه صنعـت نفـت می‌کـرد. در مقایسـه دو دوره سـازندگی و اصلاحـات، می‌تـوان اذعـان کـرد کـه دوره سـازندگی، دوره هم‌سـویی نفـت و سیاسـت خارجـی بـود و در دوره اصلاحـات، سیاسـت خارجـی در خدمـت سیاسـت نفتـی قـرار داشـت. رئیـس دولـت سـازندگی، در مهـر ۱۳۶۸ در خطبه‌هـای نمـاز جمعـه بـر تنش‌زادیـی در سیاسـت خارجـی تأکیـد کـرد و گفـت:

بـه نظـر می‌رسـد کـه مجموعـه شـرایط بین‌المللـی شـرایط تشـنج‌زدایی اسـت و طبعـاً اگـر بنـا باشـد تشـنج‌زدایی شـود، خاورمیانـه و به‌خصـوص خلیج‌فـارس جـزء مهم‌تریـن نقطه‌هایـی

است که شرط آرامش دنیا است، اگر اینجا آرامش نباشد و تشنج باشد، جاهای دیگر نمی‌تواند آرامش باشد. بنابراین، اوضاع سیاسی وضع گذشته را ندارد.[۱]

در همین راستا، وزیر نفت بارها به کشورهای منطقه سفر کرد و با همتایان خود به گفتگو نشست. او در پایان سال ۱۳۶۸ به کویت و قطر رفت و سال بعد، وزیر خارجه با امیر کویت دیدار کرد. سال ۱۳۷۰ روابط با عربستان با فعال شدن سفارتخانه‌های دو طرف بهبود یافت. در خرداد همان سال، ایران با برگزاری کنفرانس بین‌المللی نفت‌وگاز در اصفهان تلاش کرد از خود چهره‌ای امن به کشورهای منطقه و شرکت‌های غربی نشان دهد و آنها را برای سرمایه‌گذاری در صنعت نفت، گاز و پتروشیمی ترغیب کند. وزیر نفت عربستان نیز برای شرکت در این کنفرانس وارد اصفهان شد.[۲] نزدیکی به اعضای اوپک به‌ویژه عربستان در راستای فروش بیشتر و افزایش قیمت نفت بود. به‌طوری‌که برخی از نمایندگان در جلسه رأی اعتماد (مرداد ۱۳۷۲) آقازاده را به دنباله‌روی از عربستان و از دست رفتن قدرت ایران در اوپک متهم کردند.

راهبردها

دولت ایران در این مقطع زمانی، به دنبال بازیابی جایگاه خود در اقتصاد و تقسیم کار جهانی، خروج از وضعیت اقتصاد تک‌محصولی متکی بر صدور نفت و گسترش صنایع مادر همچون سیمان، فولاد، آلومینیوم، سدها، نیروگاه‌ها، توسعه میادین نفتی، توسعه شبکه گازی، صنعت پتروشیمی و راهسازی بود و انجام آن، به برنامه ریزی دقیق و درازمدت نیاز داشت تا عدم توازن ساختاری در اقتصاد را رفع کند. اعتقاد دولت سازندگی بیش از اصلاحات سیاسی، بر اصلاحات اقتصادی استوار بود. دولتمردان معتقد بودند اصلاحات اقتصادی، خودبه‌خود اصلاحات سیاسی و مقبولیت بیشتر حکومت جمهوری اسلامی را به همراه میآورد. در این برهه، ضرورت تمرکز امور در دست دولت که به مقتضای زمان جنگ صورت گرفته بود، کاهش یافت و خارج کردن اقتصاد از دست دولت و واگذاری به بخش خصوصی یکی از مهمترین هدف‌های دولت بود. به معنای دیگر، سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۶ را می‌توان سال‌های تمایل دولتمردان به خروج از سرمایه‌داری دولتی نام نهاد.

این دوره که در اذهان بسیاری، متناظر بر پایان سوسیالیسم دولتی است، دو ویژگی

۱. خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران (ایرنا)، ۸ مهر ۱۳۶۸.
۲. روزنامه جمهوری اسلامی ایران (ایرنا)، ۱ خرداد ۱۳۷۰.

عمـده دارد؛ ۱. دولـت سـرمایه‌گذاری در صنایـع مـادر و بخش‌هـای مهـم کشـور را خـود برعهـده گرفـت و بعضـی از بخش‌هـا کـه اصطلاحـاً پایین‌دسـت نامیـده می‌شـود را بـه بخـش خصوصـی واگـذار کـرد؛ ۲. مناسـبات خارجـی بهبـود یافـت کـه به‌نوبـه‌ی خـود، تغییـر رویکـرد بانک‌هـا و مؤسسـات اعتبـاری خارجـی را در پـی داشـت و منجـر بـه ارتبـاط بـا سـرمایه‌ی انباشت‌شـده‌ی خارجـی گردیـد. از اواسـط ایـن دوره، سیاسـت دولـت سـازندگی بـا نقدهـای تنـدی مواجـه شـد و منتقـدان از تعـارض ماهـوی لیبرالیسـم بـا اندیشـه‌ی انقلابـی سـخن‌ها گفتنـد و مقـالات بسـیار منتشـر کردنـد. دو جریـان اصلـی کشـور موسـوم بـه چـپ و راسـت واکنش‌هـای متفاوتـی داشـتند، اولـی بـر توسـعه سیاسـی و دومـی بـر اولویت‌هـای فرهنگـی تأکیـد ورزیدنـد.

بـا پذیـرش قطعنامـه ۵۹۸ و محـرز شـدن حسـن نیـت ایـران، نـگاه بین‌المللـی بـه سـود ایـران تغییـر یافـت و زمینه‌هـای توسـعه ایجـاد شـد. رشـد جمعیـت کـه در دوره قبـل بـه بـالای ۳/۵ درصـد رسـیده بـود، کمتـر از ۲/۵ درصـد بـود.

بازسـازی پالایشـگاه آبـادان و همچنیـن تکمیـل دو پالایشـگاه نفـت اراک و بندرعبـاس از اقدامـات شـایانی بـود کـه در ایـن دولـت انجـام گرفـت. بـا وجـود کاهـش نسـبی قیمـت نفـت، بـه دلیـل افزایـش تولیـد و صـادرات، درآمدهـای نفتـی رو بـه فزونـی رفـت. قیمـت هـر بشـکه نفـت ایـران طـی ایـن هشـت سـال به‌ترتیـب: ۱۶/۰۴، ۲۰/۳۳، ۱۶/۰۸، ۱۶/۷۵، ۱۵/۲۷، ۱۵/۷۹، ۱۶/۱۸، ۱۹/۸۳ , ۱۶/۴۲ دلار بـود.[۱]

سـیدمحمد غرضـی کـه خـود از همراهـان هاشـمی رفسـنجانی بـود و در توسـعه صنعـت نفـت نقشـی پررنـگ ایفـا کـرد، دربـاره صنعـت نفـت در عصـر سـازندگی نظـر خوش‌بینانـه‌ای دارد:

صنعـت نفـت بعـد از جنـگ بـا مشـکلات عدیـده‌ای مواجـه شـد. در کنـار تخریـب و از بیـن رفتـن بسـیاری از تجهیـزات ایـن صنعـت، شـاهد کاهـش قیمـت نفـت نیـز بودیـم. بـا وجـود ایـن، تـلاش شـد تـا ایـن صنعـت نوسـازی شـود. در دولـت سـازندگی نیـز شـعار رئیـس دولـت سـازندگی بـود کـه خوشـبختانه در ایـن صنعـت ایـن شـعار به‌خوبـی محقـق شـد. سیاسـت دولـت سـازندگی بـرای بازگشـت بـه میـزان تولیـد نفت‌خـام پیـش از آغـاز جنـگ پیگیـری شـد کـه براسـاس آمارهـای موجـود ایـن سیاسـت‌ها به‌خوبـی اجرایـی شـد.[۲]

محمدجـواد عاصمی‌پـور، از مدیـران نفتـی دولـت سـازندگی دربـاره وضعیـت صنعـت نفـت آن دوران اعتقـاد دارد:

۱. ترازنامه بانک مرکزی سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۶.

۲. احیای صنعت نفت در دولت سازندگی، تارنمای روزنامه فرصت امروز، ۲۲ دی ۱۳۹۵،

بمباران‌ها صنعت نفت را واقعاً نابود کرده بود و نقش ایشان [رئیس‌جمهور وقت] به‌عنوان معمار تمدن جدید نفتی و بازیابی آن ستودنی بود. ایشان دنبال کار بودند، کارها را به سرعت و به‌عنوان یک پشتیبان به پیش می‌بردند. چون در طول دوران جنگ هم با نفت کار می‌کردند، به‌خوبی آشنا بودند و چون هوش خوبی داشتند مباحث را به‌خوبی درک می‌کردند، اما نکته مهم‌تر، ارتباطات بین‌المللی ایشان بود. همراهی رئیس دولت سازندگی با امور خارجه توانست جایگاه خاصی برای ایران در اوپک ایجاد کند، به‌طوری که وقتی مشکلی پیش می‌آمد، ایشان با تلفن به رؤسای جمهور کشورهای نفتی زنگ می‌زد و آن‌ها را توجیه می‌کرد. هاشمی، وزارت امور خارجه را در نفت متعادل کرد و توانست از ظرفیت‌های این دستگاه دولتی در صنعت نفت بهره مناسبی برد. ایشان با کشور عربستان ارتباط خوبی برقرار کرد و توانست سطح تعامل با آن‌ها را بسیار ارتقا دهد. معتقدم بهترین دوران اوپک، مربوط به دوره ایشان بود زیرا با رایزنی‌های سیاسی ـ دیپلماسی، انرژی را به بهترین شکل پیش می‌برد.

مقایسه آماری ابتدا و انتهای دولت سازندگی نشان از روند رو به جلو سیاست‌های دولت در این دوره دارد. در نخستین سال دولت سازندگی (۱۳۶۸)، جمعیت کشور حدود ۵۳ میلیون نفر بود. قیمت جهانی نفت‌خام اگرچه نوسان‌هایی داشت، اما در مقایسه با سال قبل اندکی افزایش یافت. متوسط قیمت نفت‌خام صادراتی ایران حدود ۱۶/۰۴ دلار، تولید نفت‌خام، به‌طور متوسط ۲ میلیون و ۸۶۳ هزار بشکه در روز و صادرات نفت‌خام تقریباً ۱ میلیون و ۸۰۰ هزار بشکه در روز بود.[۱] متوسط قیمت دلار در بازار آزاد به حدود ۱۲۰۰ ریال و درآمد نفتی به ۷۷۰ میلیارد ریال رسید.

در سال پایانی دولت سازندگی (۱۳۷۶)، آهنگ رشد جمعیت ایران روند کاهشی داشت. جمعیت در این سال به حدود ۶۱ میلیون نفر رسید. متوسط قیمت نفت‌خام صادراتی ایران حدود ۱۶/۴ دلار، تولید نفت‌خام در سطح ۳ میلیون و ۶۰۰ هزار بشکه در روز، صادرات نفت‌خام حدود ۲ میلیون و ۳۰۰ هزار بشکه در روز و صادرات فرآورده‌های نفتی ۲۲۲ هزار بشکه در روز بود. قیمت انواع فرآورده در چارچوب قانون برنامه توسعه دوم اقتصادی، افزایش محسوسی داشت. قیمت بنزین معمولی با ۲۳ درصد افزایش، از ۱۳۰ ریال به ۱۶۰ ریال در هر لیتر رسید.[۲] درآمد مالیاتی که در طول جنگ با درآمد نفتی

۱. ترازنامه بانک مرکزی، سال ۱۳۶۸.
۲. ترازنامه بانک مرکزی، سال ۱۳۷۶.

برابـر شـده و سـپس بـر آن پیشـی گرفتـه بـود، در طـول سـال‌های سـازندگی رونـد کاهشـی را در پیـش گرفـت. درآمـد نفتـی ۲۶ هـزار میلیـارد ریـال و درآمـد مالیاتـی ۱۷ هـزار میلیـارد ریـال بـود. ترمیـم ویرانی‌هـای حاصـل از دوران جنـگ و افزایـش تولیـد و صـادرات نفت‌خـام در ایـن رونـد مؤثـر بـود. در ایـن سـال، متوسـط قیمـت دلار در بـازار آزاد بـه ۴ هـزار و ۷۸۰ ریـال رسـید.

پیشی گرفتن درآمد نفتی بر درآمد مالیاتی

در سـال ۱۳۶۸، نخسـتین سـال دولـت سـازندگی، درآمـد حاصـل از نفـت و گاز ۷۷۰ میلیـارد ریـال و درآمـد مالیاتـی دولـت حـدود ۱۱۹۰ میلیـارد ریـال بـود کـه در مقایسـه بـا سـال قبـل، بـا کاهـش درآمـد نفـت و گاز و در کنـار آن بـا افزایـش درآمـد مالیاتـی روبـه‌رو هسـتیم. در سـال ۱۳۷۰ رفته‌رفتـه اوضـاع و شـرایط سیاسـی ـ اجتماعـی ایـران بهبـود یافـت و درآمـد نفـت و گاز بـر درآمـد مالیاتـی پیشـی گرفـت. درآمـد حاصـل از نفـت بـه سـه هـزار و ۵۴۴ میلیـارد ریـال و درآمـد مالیاتـی بـه ۲ هـزار و ۷۶۵ میلیـارد ریـال رسـید. ایـن اختـلاف در سـال‌های پیـش رو رشـد چشـم‌گیری داشـت، به‌گونـه‌ای کـه درآمـد نفـت و گاز از سـال ۱۳۷۱ تـا ۱۳۷۵ بـه ترتیـب حـدود ۱۴،۵، ۲۱، ۲۶ و ۳۲ هـزار میلیـارد ریـال بـود؛ درحالی‌کـه درآمـد مالیاتـی در ایـن سـال‌ها رشـد قابـل توجهـی نداشـت و طـی ایـن سـال‌ها بـه حـدود ۳/۷، ۴، ۵، ۷ و ۱۲ هـزار میلیـارد ریـال رسـید.[1] مقایسـه درآمـد نفـت و گاز بـا درآمـد مالیاتـی در سـال ۱۳۷۵ قابل‌تأمـل اسـت و حاکـی از آن اسـت کـه در پایـان دوران سـازندگی، درآمـد نفـت و گاز بـه سـه برابـر درآمـد حاصـل از مالیـات رسـید.[2]

در سـال‌های سـازندگی، تولیـد و مصـرف گاز طبیعـی رونـد رو بـه رشـدی پیـدا کـرد، به‌طـوری کـه تولیـد گاز سـبک بـا جهشـی قابل‌توجـه بـه ۶۵ میلیـارد متـر مکعـب (۱۷۸ میلیـون متـر مکعـب در روز) رسـید و ایـن مقـدار حاصـل از توسـعه میـدان پـارس جنوبـی بـود. به‌تدریـج، سـهم مصـرف گاز طبیعـی داخـل افزایـش یافـت و تولیـد و مصـرف آن تـا پایـان سـال ۱۳۷۳ به‌طـور متوسـط ۷/۲ درصـد رشـد یافـت. بـا مصـرف گاز طبیعـی به‌جـای فراورده‌هـای نفتـی، صرفه‌جویـی ارزی بـه ۳ میلیـارد دلار رسـید و تعـداد کل انشـعابات گاز طبیعـی در بخـش خانگـی، تجـاری و صنعـت تـا پایـان سـال ۱۳۷۵ بـه ۲ میلیـون و چهارصـد و هجـده هـزار و هفتصـد و بیسـت و چهـار انشـعاب رسـید.

---

۱. ترازنامه بانک مرکزی در سال‌های ۱۳۷۱ تا ۱۳۷۵.

۲. اعداد گرد شده‌اند. برای مشاهده اعداد دقیق به ترازنامه بانک مرکزی مراجعه شود.

شرکت ملی حفاری در این دوران که کشور برای بازسازی آسیب‌های ناشی از ۸ سال جنگ، نیاز به درآمدهای اقتصادی داشت، توانست توان عملیاتی خود را افزایش داد و با همکاری شرکت‌های متقاضی عملیات حفاری، برنامه‌های افزایش تولید را با سرافرازی در بخش حفاری چاه‌های نفتی و گازی تحقق بخشد.

درنهایت، بر اساس آمارهای موجود می‌توان چنین نتیجه گرفت که در دوران سازندگی در اکتشاف و تولید نفت، تعداد جایگاه‌های پمپ بنزین، سرانه مصرف سوخت، ظرفیت صادراتی کشور، تعداد مجتمع‌های پتروشیمی، شبکه‌گذاری گاز، سرانه مصرف گاز خانگی و صنعتی، بازسازی و نوسازی ناوگان حفاری کشور افزایش یافت و در کنار همه این‌ها تغییر تدریجی ساختار روبه رشد شرکت ملی نفت و وزارت نفت دیده می‌شود.

اصلاح ساختار

مدیران صنعت نفت در دوره سازندگی تحت تأثیر فضای زمانه، دست به تغییرات ساختاری زدند. هدف آن بود که با تأسیس نهادهای جدید و تمرکز بخشیدن به فعالیت‌ها، پروژه‌های توسعه‌ای را شتاب دهند. تأسیس دانشگاه صنعت نفت و پژوهشگاه صنعت نفت بر مبنای همین اندیشه سامان یافت. استقلال اکتشاف از تولید و تشکیل دو مجموعه مدیریتی تولیدی برای دریا و خشکی نیز در همین بستر تاریخی شکل گرفت. افزون بر آن، تمامی فعالیت‌های پالایش و پخش و خطوط لوله نیز در شرکتی جدید تمرکز یافت. همچنین تحولی اساسی در سازمان نیروی انسانی پدید آمد؛ طرح طبقه‌بندی مشاغل، وضعیت رفاه، دوره‌های آموزشی و جابه‌جایی‌ها تدوین گردید و. از درون این تحول نام کارگر حذف شد.

در آغاز این دوره، ساختار شرکت ملی نفت بدین‌گونه بود که مناطق نفت‌خیز جنوب راهبری عملیات تولید در جنوب را برعهده داشت و شرکت نفت فلات قاره راهبری عملیات نفتی در خلیج‌فارس را عهده‌دار بود. هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت در جلسه ۸۵۰ در ۵ بهمن ۱۳۷۰ با جداسازی سه بخش زیر مجموعه خود، تغییرات مهمی را در ساختار شرکت ملی نفت و شرکت‌های تابع به وجود آورد. طبق هشتصد و پنجاهمین مصوبه شرکت ملی نفت ایران، تمامی فعالیت‌های مربوط به اکتشاف، توصیف و ارزیابی ذخایر هیدروکربوری به‌جز زغالسنگ به مدیریت اکتشاف، عملیات اجرای برنامه‌های تولید کلیه مواد هیدروکربوری به‌جز زغالسنگ در خشکی به مدیریت تولید مناطق

خشکی و در دریا به مدیریت تولید مناطق دریایی سپرده شد. همچنین، شرکت‌های فرعی شرکت ملی نفت بدین صورت اعلام شدند: شرکت ملی حفاری ایران، شرکت ملی پخش فراورده‌های نفتی ایران، شرکت ملی نفتکش ایران، شرکت سهامی کارخانجات لوله‌سازی ا هواز، شرکت ملی بازرگانی، شرکت ملی پالایش، شرکت ملی خطوط لوله و مخابرات، شرکت ملی مهندسی و ساختمان، سازمان تعاون صنعت نفت.

آقازاده، کرباسیان، وزیری هامانه، الله‌داد فتحی‌نژاد، سوری، جلیلیان، خوئی، حمدالله محمدنژاد، آقایی، غنیمی‌فرد، امین‌فر و مشتاقیان حاضران و امضاکنندگان این مصوبه بودند.[1]

در نگاه اول، چنین به نظر می‌رسد که این تغییر ساختار با هدف تفکیک وظایف و مشخص شدن اختیارات زیرمجموعه شرکت ملی نفت در راستای افزایش تولید و توسعه بیشتر انجام شد، اما روند وقایع حاکی از آن است که با اعمال این تغییرات، نظارت و حاکمیت شرکت ملی نفت بر زیرمجموعه‌هایش افزایش چشمگیری یافت. شرکت مناطق نفت‌خیز جنوب و شرکت نفت فلات قاره در همه ارکان سازمانی خود به شرکت ملی نفت وابسته شدند و ارتباط حقوقی‌شان با سازمان‌های نظارتی قطع گردید. آنها دیگر اجازه نداشتند به‌طور مستقیم معاملات را انجام دهند و یا رأساً برای خرید تجهیزات و یا عقد قراردادهای پیمانکاری اقدام کنند. تمام این اتفاقات یک معنی داشت و آن حرکت هرچه بیشتر به‌سوی تمرکزگرایی بود. شرکت ملی نفت خود را متولی تولید نفت می‌دانست و در این دیدگاه، وجود دو شرکت بزرگ تولید نفت بی‌معنا بود. این اقدام به‌نوبه خود، افزایش بوروکراسی و کاهش بهره‌وری و اختیارات را در پی داشت.

از دیگر رخدادهای مهم دوره سازندگی، اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل و تحول سازمانی و تنظیم بنیادهای نیروی انسانی بود. در این دوره، اجازه داده شد که قشر عظیمی از کارگران صنعت نفت به رتبه کارمندی ارتقا یابند. از سوی دیگر، از اول فروردین ۱۳۷۱ عنوان کارگر برای نیروی ورودی به نفت حذف شد و پرسنل تنها بر اساس طرح ۲۱ گرید کارمندی به نفت راه پیدا کردند. حسن معارفیان، رئیس اداره تشکیلات و روش‌ها، در آذر ۱۳۷۱ در گفتگو با پیک نفت گفت: «در قانون استخدام کشوری طبقه‌بندی بر اساس طرح استوانه‌ای است و جابه‌جایی افراد راحت‌تر انجام می شود، لیکن در نفت طبقه‌بندی مانند سازماندهی به‌صورت مخروطی می‌باشد و موجب پویایی سازمان

۱. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت، جلسه ۸۵۰، ۱۳۷۰/۱۲/۵.

می‌گـردد. طـرح ارتقـای کارگـران از سـوی وزیـر پیشـنهاد شـد و اداره روش‌هـا و تشـکیلات راهکارهـای مناسـب را تدویـن کـرد.»[۱]

ایـن اقـدام کـه بـه دلایـل مختلفـی از جملـه درگیـری وزارت نفـت بـا سـازمان تأمیـن اجتماعی صـورت گرفـت، به‌تدریـج سـامان یافـت و در ادبیـات سیاسـی چـپ بـه حـذف طبقـه کارگـر در صنعـت نفـت موسـوم شـد. بخشـی از کارگـران بازخریـد و یـا برون‌سـپاری شـدند، بخشـی کـه از صلاحیت‌هـای فنـی و آموزشـی برخـوردار بودنـد بـه رتبـه کارمنـدی تغییـر وضعیـت دادنـد، تعـدادی هـم بازنشسـته شـدند. بـا ادامـه ایـن رونـد، در دهـه ۱۳۸۰ تعـداد کارگـران در صنعـت نفـت بـه رقـم بسـیار ناچیـزی رسـید.

بازسازی ویرانی‌ها در خلیج‌فارس

در سـه سـال پایانـی جنـگ، میادیـن نفتـی فـلات قـاره تحـت بمباران‌هـای شـدید قـرار داشـتند و تولیـد نفـت شـرکت فـلات قـاره کاهـش یافتـه بـود. بـا پایـان یافتـن جنـگ، آقایـی از فـلات قـاره بـه مناطـق نفت‌خیـز رفـت و مصطفـی خویـی بـر جـای او نشسـت. تمرکـز اصلـی مدیریـت خـود بـر بازسـازی ویرانی‌هـای حاصـل از جنـگ و افزایـش میـزان تولیـد صیانتـی از مخـازن قـرار داشـت. به‌ویـژه بهـره بـرداری از میدان‌هـای مشـترک مهم‌تریـن اولویـت آنـان بـود.

کارشناسـان رهسـپار میدان‌هـای نفتـی خلیج‌فـارس شـدند و وضعیـت سـکوها و چاه‌هـا را بررسـی و میـزان خسـارت‌ها را بـرآورد کردنـد.

در ابتـدای سـال ۱۳۶۸، بازسـازی اساسـی تأسیسـات میدان‌هـای هندیجـان، بهرگانسـر و جزیـره لاوان آغـاز شـد. بـرای میدان‌هـای بهرگانسـر و هندیجـان باتوجه‌بـه وسـعت آسـیب‌ها، بودجـه‌ای معـادل ۶۳ میلیـون و ۱۵۷ هـزار دلار اعتبـار ارزی و ۶۶ میلیـارد و ۶۶۶ میلیـون ریـال اعتبـار ریالـی پیش‌بینـی شـد.[۲] مصطفـی خویـی به‌طـور مرتـب از تأسیسـات بهرگانسـر و هندیجـان بازدیـد می‌کـرد و از نزدیـک بـر جریـان امـور نظـارت داشـت تـا سـرانجام، اولیـن دور بازسـازی ایـن دو میـدان در ۶ اسـفند ۱۳۷۰ بـه پایـان رسـید. باتوجه‌بـه آنکـه بازسـازی میـدان سـلمان بـه علـت تخریـب کامـل، بـا مشـکلات بیشـتر و تأخیـر همـراه بـود، مرحلـه اولیـه بازسـازی ایـن میـدان در مـرداد ۱۳۷۱ و مرحلـه دوم آن در ۱۱ اردیبهشـت ۱۳۷۲ بـه انجـام رسـید.

---

۱. پیک نفت، سال ۱۳۷۱، شماره۲۷۴، ص ۱۶.

۲. روزنامه کیهان، ۲۰ خرداد ۱۳۶۷.

بیع‌متقابل و پارس جنوبی

چنانکه در فصل پیشین گفتیم، برخی از کارشناسان اکتشاف ازجمله مهندس پروینیان، با مطالعه ساختارهای نقشه‌شناسی معتقد بودند میدان پارس جنوبی تا آب‌های ایران امتداد دارد که انجام عملیات لرزه‌نگاری در خلیج‌فارس صحت آن را روشن کرد. مدیران در نیمه سال ۱۳۶۸ توان و امکانات اکتشاف، توسعه و بهره برداری از میدان‌های گازی پارس و پارس جنوبی را به‌طور دقیق بررسی و در پایان دی، تصمیماتی جدید و جدی به این صورت اتخاذ کردند:

۱. مسئولیت پروژه توسعه و بهره برداری از میدان پارس بر عهده مناطق نفت‌خیز قرار گرفت؛ ۲. اکتشاف در میدان پارس جنوبی به مدیریت اکتشاف سپرده شد و مسئولیت توسعه میدان پس از مرحله اکتشاف، بر عهده شرکت نفت فلات قاره قرار گرفت.[۱]

حفاری اکتشافی در مخزن پارس جنوبی از چنان اهمیتی برخوردار بود که شرکت ملی نفت در اردیبهشت ماه ۱۳۶۹ تصمیم گرفت، دو دستگاه حفاری دریایی برای حفر دو حلقه چاه اکتشافی در این مخزن خریداری کند.[۲] چندی بعد، مدیریت اکتشاف و تولید، قراردادی برای حفر یک حلقه چاه اکتشافی در میدان گازی پارس جنوبی با شرکت نفت فلات قاره امضا کرد که براساس آن، مدیریت اکتشاف و تولید، مسئول و کارفرما و شرکت نفت فلات قاره مجری و پیمانکار حفاری این حلقه چاه شد.[۳]

سال ۱۳۷۰ نخستین گام‌های جدی ایران در پارس جنوبی برداشته شد. پس از مذاکره با شرکت‌های مختلف، قرارداد توسعه و بهره‌برداری میدان گازی پارس جنوبی بین شرکت ملی نفت ایران و کنسرسیوم شرکت‌های ایتالیایی سایپم و تی‌پی‌ال، شرکت ژاپنی میتسوبیشی و شرکت روسی ماشین ایمپورت در ۲۴ شهریور ۱۳۷۰ امضا شد. این قرارداد از چنان اهمیتی برخوردار بود که بزرگ‌ترین قرارداد نفتی ـ گازی پس از پیروزی انقلاب اسلامی نام گرفت. در اردیبهشت ۱۳۷۱ هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت، کمیته‌ای از مدیریت اکتشاف، شرکت نفت فلات قاره، امور مالی، برنامه‌ریزی تلفیقی و امور مشارکت‌ها را برگزید تا در مورد شرایط مالی و فنی با این کنسرسیوم مذاکره

۱. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۷۵۳، ۱۳۶۸/۱۰/۲۷.
۲. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۷۶۸، ۱۳۶۹/۲/۱۹.
۳. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۷۸۵، ۱۳۶۹/۶/۲۱.

کنند.[۱] کمیته برگزیده گزارشی از آخرین مذاکره با پیمانکار را به شرکت ملی نفت ارائه داد. چندی بعد، غلامرضا آقازاده در گزارشی جزئیات قرارداد را بیان کرد و گفت:

«در طی ۶ ماه گذشته ۸ میلیارد دلار درآمد خالص نفتی داشته‌ایم. مخزن پارس جنوبی در دو سال گذشته اکتشاف شده که بلافاصله بعد از اکتشاف، برنامه توسعه مخزن را شروع و با حفاری ۳ چاه، حدود مخزن را مشخص کردیم و ثابت شد که این مخزن ۱۰۰ تریلیون فوت مکعب گاز و حدود ۳ میلیارد بشکه مایعات گازی دارد. قرارداد فاز اول بهره برداری از این مخزن با شرکت‌های سایپم، تی‌پی‌ال، میتسوبیشی و ماشین ایمپورت بسته شد. در فاز اول، تولید روزانه یک میلیارد فوت مکعب گاز و ۵۰ تا ۶۰ هزار بشکه مایعات گازی پیش‌بینی شده است. مبلغ قرارداد یک میلیارد و ۷۱۰ میلیون دلار پیش‌بینی شده و بازپرداخت آن از محل فروش مایعات گازی خواهد بود. در فاز اول، ۶ سکوی دریایی و ۱۸ چاه گاز در این محل ایجاد خواهد شد. همچنین، ۵ فاز دیگر نیز برای این پروژه وجود دارد که در حال مذاکره با شرکت‌های خارجی برای فاز دوم هستیم.»

هم‌زمان با طرح توسعه پارس جنوبی، پالایشگاه مایعات گازی عسلویه در حال ساخت بود. مدیران شرکت نفت اندیشیدند که تأسیسات آبگیری از دریا و اسکله میتواند بین دو طرح مشترک باشد و هزینه‌های ارزی و ریالی بین آنها تقسیم و به مدیریت مهندسی و ساختمان پرداخت شود، لذا شرکت نفت فلات قاره ایران مأمور شد با همکاری مدیریت برنامه ریزی تلفیقی به برآورد و تعیین تکلیف تأسیسات ساحلی پارس جنوبی و تأمین اعتبار ریالی و ارزی آن اقدام کند تا هماهنگ با تأسیسات دریایی به بهره‌برداری برسد.

چندی بعد، در شهریور ۱۳۷۳ شرکت مهندسی و توسعه نفت، عهده‌دار مسئولیت اصلی مدیریت، نظارت، طراحی، مهندسی، تأمین کالا، ساخت، نصب، اجرا و آموزش در کلیه مراحل طرح تا راه‌اندازی عملیاتی و تحویل شد.[۲] سرانجام، اجرایی شدن فاز اول این میدان در منطقه جدیدی که مدیریت تولید مناطق دریایی انتخاب کرده بود، مورد تأیید شرکت ملی نفت قرار گرفت. شرکت مهندسی و توسعه نفت می‌توانست از خدمات مشاوره شرکت‌های معتبر خارجی بهره بگیرد و به مدیریت مناطق دریایی هم اجازه داده شد از طریق یکی از شرکت‌های خارجی باصلاحیت، مطالعات مربوط به فاز دوم پارس جنوبی را آغاز کند.[۳]

۱. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، ۱۳۷۳/۶/۶.
۲. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، ۱۳۷۳/۶/۶.
۳. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، ۱۳۷۳/۹/۲۰.

درحالی‌که قطر با سرعت مشغول بهره‌برداری از این میدان بود، ایران به دلیل کمبود نقدینگی در بهره‌برداری از میدان تعلل می‌کرد. مدیران تصمیم گرفتند با به‌کارگیری شیوه جدیدی در تدوین قراردادها، بهره‌برداری از میدان را آغاز کنند. به‌این‌ترتیب، برای اولین بار در سال ۱۳۷۳ واژه بیع‌متقابل در صنعت نفت رواج یافت.

بند ح، تبصره ۲۲، قانون برنامه اول توسعه و سپس قانون بودجه سال ۱۳۷۳، اجازه سرمایه‌گذاری تا سقف ۳/۵ میلیارد دلار برای بهره‌برداری و توسعه پالایشگاه‌های عسلویه و گسترش میدان‌های پارس جنوبی و شمالی را به مشتاقان سرمایه‌گذاری در این طرح داد. در قسمتی از تبصره ۲۹ قانون بودجه سال ۱۳۷۳ که به بیع متقابل اشاره شده است، چنین آمده است:

> به‌منظور ظرفیت‌سازی مورد نیاز کشور در زمینه‌های تولید نفت خام، گاز طبیعی و فراورده‌های نفتی جهت اجرای طرح‌های توسعه میدان گازی پارس جنوبی، توسعه میدان گازی پارس شمالی و احداث پالایشگاه مایعات گازی عسلویه (نهم) و بازسازی پالایشگاه آبادان از محل فروش نفت کوره همان پالایشگاه، شرکت ملی نفت اختیار خواهد داشت رأساً حداکثر تا مبلغ ۳۵۰۰۰۰۰۰۰ دلار پس از تأیید هیئت وزیران قراردادهای لازم را به صورت بیع‌متقابل با شرکت‌های ذی‌صلاح خارجی منعقد نماید.

بر اساس این طرح، شرکت نفت باید هزینه‌ها و سود شرکت‌های سرمایه‌گذار در توسعه پالایشگاه‌های عسلویه را ظرف مدت پنج سال و هزینه‌های توسعه میدان‌های پارس جنوبی و شمالی را طی مدت ده سال از محل فروش محصولات خود پروژه تأمین می‌کرد. در صورت کاهش تولید یا پایین آمدن قیمت‌های نفت و گاز به شرکت‌های سرمایه‌گذار هیچ‌گونه ضمانتی برای پرداخت هزینه‌ها داده نمی‌شد.[1] چند سال بعد، فازهای پارس جنوبی یکی پس از دیگری از تصویری کم‌فروغ بر روی کاغذ، به تمدنی عظیم بدل شدند.

تحریم؛ قانون داماتو

هم‌زمان با تکاپوهای ایران برای جذب سرمایه‌های خارجی در توسعه صنعت نفت، امریکا تحریم‌های جدیدی بر ضد ایران وضع کرد. پس از پایان جنگ و بهبود مناسبات خارجی ایران، برخی شرکت‌های امریکایی با واسطه از ایران نفت می‌خریدند و یا به‌واسطه دفاتر نمایندگی‌شان در دبی، خدمات جانبی را به شرکت‌های ایرانی ارائه

۱. ن ک: قانون بودجه سال ۱۳۷۳، تبصره ۲۹. (پایگاه رسانه‌ای مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی).

می‌دادند، اما تحت‌الشعاع چند ماجرای سیاسی ـ نظامی، در سال ۱۳۷۵ طرحی به نام قانون داماتو به تصویب کنگره امریکا رسید که به تحریم صنایع نفت و گاز و پتروشیمی ایران منجر شد.

قانون داماتو که در ۵ آگوست ۱۹۹۶/ ۱۵ مرداد ۱۳۷۵ تصویب شد، شرکت‌های امریکایی را از هرگونه سرمایه‌گذاری بیش از ۴۰ میلیون دلار در صنایع نفت و گاز ایران منع می‌کرد. این قانون حتی شرکت‌های غیرامریکایی را هم شامل می‌شد. محمود محمدی، سخنگوی وقت وزارت خارجه، پس از سال‌ها در مصاحبه‌ای گفت: «اولین‌بار که این تحریم توسط کلینتون در مرکز یهودیان آمریکا اعلام شد، ساعت حدود ۳ بامداد به وقت ایران و ۸:۳۰ تا ۹ به وقت آمریکا بود. کریستین امانپور، خبرنگار معروف سی‌ان‌ان از آتلانتا با من تماس گرفت و گفت که کلینتون در مرکز یهودیان طرح تحریم داماتو را اعلام کرده و ما می‌خواهیم آن را پخش کنیم. اگر موضعی دارید ما می‌توانیم همزمان با اعلام خبر کلینتون در سی‌ان‌ان منتشر کنیم. باتوجه‌به اینکه اهمیت هر واکنشی در اعلام به موقع است و خبری که برای اولین مرتبه توسط کلینتون می‌خواست مطرح شود ـ درخصوص تحریم علیه ایران ـ می‌توانست ابعاد گسترده بازدارندگی روابط خارجی علیه ما در جهان را داشته باشد، لازم بود که ما موضع خودمان را سریعا اعلام کنیم. البته در آن ساعت شب امکان هماهنگی با مقامات عالی کشور نبود، اما موضعی که بنده به‌عنوان سخنگو اعلام کردم این بود که کلینتون این تحریم‌ها را در جهت منافع صهیونیست‌ها از مرکز یهودیان صهیونیست اعلام کرده است و این تحریم به زیان کمپانی‌های نفتی آمریکا تمام خواهد شد؛ چون جهان امروز، جهان رقابت اقتصادی و منافع ملی کشورهاست. کشورها هم به خاطر منافع ملی خودشان از آمریکا پیروی نخواهند کرد. این اولین موضعی بود که در ۵ آگوست ۱۹۹۶ اعلام و همزمان در سی‌ان‌ان و در تمام جهان منتشر شد.»[1]

قانون داماتو یا قانون مجازات‌های ایران و لیبی، در ۵ اگوست ۱۹۹۶ / ۱۵ مرداد ۱۳۷۵ در مجلس سنای امریکا تصویب شد. پیش از آن، آلفونس داماتو، سناتور جمهوری‌خواه، با ارائه طرحی خواستار تحریم اقتصادی بر ضد شرکت‌هایی شد که تکنولوژی مربوط به صنعت نفت را در اختیار ایران قرار می‌دادند. این طرح در ۸ سپتامبر ۱۹۹۵ به تصویب مجلس رسید. سپس، بنجامین گیلمن، رئیس کمیسیون روابط بین‌الملل مجلس

۱. «داماتو نتیجه توافق الجزایر بود»، روزنامه فرهیختگان، ۱۵ مرداد ۱۳۹۸.

نماینـدگان امریـکا، نیـز طـرح مشـابهی ارائـه کـرد کـه تصویـب شـد. مفـاد ایـن دو طـرح در کمیتـه‌ای مشـترک ادغـام و بـه صـورت قانـون مجـازات ایـران و لیبـی تصویـب و بـه قانـون داماتـو معـروف شـد. ایـن قانـون تحت‌الشـعاع ماجـرای لاکربـی قـرار داشـت و انگیزه‌هـای مختلفـی بـرای تصویـب آن مطـرح شـده اسـت. برخـی از تحلیلگـران، انگشـت اتهـام را به‌سـوی کشـورهای حاشـیه خلیج‌فـارس نشـانه می‌رونـد و برخـی دیگـر بـه اسـرائیل و همدسـتان داخلـی‌اش اشـاره داشـته‌اند.

مهم‌تریـن پیامـد اعمـال تحریـم هـا، لغـو قـرارداد ۵۵۰ میلیـون دلاری بـا شـرکت کونوکـو بـرای توسـعه میـدان سـیری A و E بـود. پـس از کنـار رفتـن شـرکت کونوکـو، قـرارداد توسـعه میـدان در ۲۲ تیـر ۱۳۷۴ بـا شـرکت فرانسـوی توتـال منعقـد شـد.[1] در مـارس ۱۹۹۶، سـناتور داماتـو بـا ارسـال نامه‌هایـی بـه شـرکت‌های نفتـی فرانسـوی الـف و توتـال، دربـاره مشـارکت در پروژه‌هـای نفـت و گاز ایـران هشـدار داد.

اکتشاف و تولید

تولید

تمـام تـلاش، خریـد تجهیـزات و توانایـی سـازمانی کـه در دوره سـازندگی بـه کار گرفتـه شـد، بـه یـک تحـول منجـر گردیـد و آن افزایـش رقـم تولیـد نفت‌خـام از ۲ میلیـون و ۸۰۰ هـزار بشـکه در ابتـدای دوران سـازندگی بـه ۳ میلیـون و ۶۰۰ هـزار بشـکه در پایـان ایـن دوره بـود. چنانکـه در فصـل پیـش گفتیـم، رونـق دادن بـه صـادرات نفـت مهم‌تریـن دلیـل آمـدن غلامرضـا آقـازاده بـه وزارت نفـت بـود. در ایـن دوره، او وظیفـه اصلـی خـود را افزایـش اولیـد قلمـداد کـرد. بـا وجـود توجـه بـه امـوری ماننـد بهداشـت، رفـاه، مسـکن و آمـوزش، تمرکـز کار روزانـه خـود را پایـش تولیـد قـرار داد. تحولـی کـه در سـازمان پدیـد آورد (تولیـد دریـا و خشـکی) میـز بـه همیـن دلیـل بـود. خریـد دکل‌هـای حفـاری و تعمیـر دکل‌هـای قدیمـی و جـان بخشـیدن بـه اکتشـاف و از همـه پنهان‌تـر، توسـعه حمل‌ونقـل دریایـی بـا خریـد نفتکش‌هـای غول‌پیکـر و افزایـش خطـوط لولـه در همیـن راسـتا بـود.

از ایـن میـزان تولیـد نفت‌خـام، درمجمـوع،۹۰ درصـد آن در مناطـق خشـکی و ۱۰ درصـد آن در مناطـق دریایـی تولیـد می‌شـد. بـه گفتـه محمـد آقایـی، مدیـر مناطـق خشـکی، هزینـه

۱. مصوبـات هیئت‌مدیـره شـرکت ملـی نفـت ایـران، جلسـه ۱۰۰۸، ۱۰ اردیبهشـت ۱۳۷۴؛ همچنیـن نـگاه کنیـد بـه نشـریه مشـعل، شـماره ۳، نیمـه اول مـرداد ۱۳۷۴.

تولید هر بشکه نفت در سال ۱۳۷۱ حدود ۱۲۰ ریال بود که تقریباً یک ششم آن هزینه ارزی بود. این رقم در سال ۱۳۷۲ (اعم از سرمایه‌گذاری‌های ثابت و جاری) بالغ بر یک دلار بود که یک ششم آن هزینه جاری بود.[۱].

برای دستیابی به تولیدی که در برنامه پنج‌ساله آمده بود، اقدامات مهمی در مناطق نفت‌خیز صورت گرفت که در پنج محور عمده متمرکز شده بود: ۱. انجام عملیات حفاری؛ ۲. اجرای پروژه‌های تزریق گاز؛ ۳. ایجاد واحدهای بهره‌برداری نفت و گاز؛ ۴. بازسازی تأسیسات آسیب‌دیده در جنگ تحمیلی؛ ۵. توسعه منابع گازی جدید و قدیم در خشکی. درمجموع در طول برنامه اول، ۱۳ واحد نمک‌زدایی جدید احداث شد؛ در زمینه تزریق گاز و ایجاد واحدهای بهره‌برداری نیز حدود ۵۰۰ پروژه به اجرا درآمد و بیش از ۳۰۰ پروژه برای بازسازی واحدهای آسیب‌دیده تعریف و اجرایی شد.و به گفته آقایی، مجموع سرمایه‌گذاری‌هایی که در چهار سال اول برنامه پنج‌ساله در این موارد صورت گرفت، بالغ بر ۴۰۰ میلیارد ریال و در سال ۷۲ تا اسفندماه، ۶۵۰ میلیارد ریال بود.[۲]

از سال ۱۳۶۸ تا سال ۱۳۷۲ درمجموع، ۳۲۰ حلقه چاه در مناطق نفت‌خیز جنوب حفر شد و متراژ حفاری بیش از یک میلیون و ۱۵۰ هزار متر بود. برای اتصال چاه‌های حفرشده به مراکز بهره‌برداری نیز بیش از ۲۵۰۰ کیلومتر خطلوله جریانی نصب شده.

در دوران سازندگی، برخی از میادین نفتی در مناطق نفت‌خیز جنوب که در سال‌های گذشته کشف شده بودند، در مدار تولید قرار گرفتند، ازجمله: میدان نرگسی (۱۳۷۵)، قلعه‌نار مخزن آسماری (۱۳۷۲)، زاغه مخزن پابده (۱۳۷۱)، منصوری مخزن بنگستان (۱۳۷۰)، گلخاری مخزن آسماری (۱۳۷۱)، زیلایی مخزن آسماری (۱۳۷۲)، گرنگان مخزن خامی (۱۳۷۳)، بینک مخزن آسماری (۱۳۷۵)، آب‌تیمور مخزن بنگستان (۱۳۷۰).[۳]

تزریق گاز به مخازن نفتی

تزریق گاز به مخازن از جمله روش‌های فنی است که از پیش از انقلاب برای افزایش بازیافت در مخازن کربناته جنوب ایران انجام می‌شد. پس از انقلاب، شرکت ملی مناطق نفت‌خیز این روش را استمرار بخشید. تزریق گاز در کلاهک گازی مخزن آسماری مارون از

۱. پیک نفت، سال ۱۳۷۲، شماره ۲۸۱، ص ۱۲.

۲. پیک نفت، شماره ۲۸۱، ص ۳۱.

۳. هندسه نفت، جلد اول، انتشارات شرکت ملی مناطق نفت‌خیز جنوب، ۱۳۹۲، .

فروردین ۱۳۶۸ آغاز شد و در سال ۱۳۷۶ پروژه تزریق گاز آغار و دالان به این مخزن سامان یافت. مدیران شرکت نتایج این اقدام را مثبت ارزیابی کردند. همچنین، در دو نوبت، یکی در آبان ۱۳۷۴ و در مخزن بی‌بی‌حکیمه و دیگری در فروردین ۱۳۷۸ در مخزن آسماری پارسی تزریق گاز عملیاتی گردید.[۱] در سال‌های ۱۳۷۱ تا ۱۳۷۹ تأسیسات تزریق گاز در کرنج، بی‌بی‌حکیمه، پارسی و کوپال نقش مهمی در دستیابی به اهداف تولیدی کشور داشته است.

در طول دوران برنامه پنج‌ساله اول (۱۳۶۸-۱۳۷۲)، محمد آقایی مدیریت تولید خشکی (مناطق نفت‌خیز جنوب) را برعهده داشت. او در کنفرانسی خبری، وضعیت تزریق گاز در مخازن نفت‌خیز جنوب در دوران مدیریت خود را چنین بیان کرد:

«طبق برنامه، مخازن کرنج، مارون، گچساران، بی‌بی‌حکیمه کوپال، بینک، رامشیر، آغاجاری، هفتگل و دره‌سفید برای تزریق گاز در نظر گرفته شده بود که به‌منظور صیانت از مخازن جزء پروژه‌های استراتژیک کشور محسوب می‌شود. تا امروز، پروژه تزریق گاز مارون که یکی از مهم‌ترین پروژه‌های تزریق گاز است به‌طور کامل به بهره‌برداری رسیده است. در مخازن گچساران، فازهای یک و دو پروژه تزریق گاز مورد بهره‌برداری قرار گرفت و پروژه تزریق گاز کرنج نیز که یک پروژه بسیار اساسی است، در سه فاز اجرا می‌شود که فاز یک آن مربوط به خود میدان کرنج است. فاز ۲، گازهایی را شامل می‌شود که از مناطق دیگر به دست آمده و در میدان کرنج تزریق می‌گردد و فاز ۳ مربوط به تزریق گاز در میدان پارسی است که مجموعاً روزانه ۹۰۰ میلیون فوت مکعب گاز به این میادین تزریق می‌شود. برای این سه فاز، مجموعاً ۷ ایستگاه بزرگ تقویت فشار و تزریق در نظر گرفته شده که عملاً با اتمام فاز یک، ۵۰ درصد مجموعه در حال بهره‌برداری است. از دیگر میادینی که اجرای پروژه‌های تزریق گاز آنها از مدتی پیش آغاز شده است، دو مخزن دره سفید و هفتگل را می‌توان نام برد.»[۲]

برای اطلاع خوانندگان از روند تزریق گاز در میادین نفتی جنوب، خاطرنشان می‌گردد شرکت ملی مناطق نفت‌خیز تا سال ۱۳۹۲ در هشت میدان نفتی این عملیات را به‌طور موفقیت‌آمیز انجام داده است.[۳] تزریق گاز با تثبیت یا افزایش فشار نفت، سبب کاهش نیروهای موبینگی می‌شود و با افزایش توان مخازن از افت دبی میدان و نیاز به حفاری‌های ناخواسته جلوگیری می‌کند و درنهایت، موجب افزایش ذخایر هیدروکربوری می‌گردد.[۴]

۱. هندسه نفت، جلد اول، انتشارات شرکت ملی مناطق نفت‌خیز جنوب، ۱۳۹۲، ص ۳۱۲.
۲. پیک نفت، شماره ۲۸۱، ص ۱۲.
۳. هندسه نفت، جلد اول، انتشارات شرکت ملی مناطق نفت‌خیز جنوب، ۱۳۹۲، ص ۳۱۰.
۴. هندسه نفت، جلد اول، انتشارات شرکت ملی مناطق نفت‌خیز جنوب، ۱۳۹۲، ص ۳۰۰.

اکتشاف

برنامه‌های اکتشافی در این دوره، در راستای افزایش تولید و نیز افزایش ذخایر درجای کشور تدوین شد. برنامه پنج ساله عمرانی برای بخش‌های مختلف کشور در سال ۱۳۶۸ نگاهی نسبتاً واقع‌گرایانه داشت. در این برنامه سخاوت بیشتری نسبت به اکتشاف به خرج داده شد و بخشی از بودجه شرکت ملی نفت به آن اختصاص یافت. برنامه بخش اکتشاف باتوجه‌به ذخایر نفتی به‌گونه‌ای طراحی شد تا همواره توازنی بین سطح تولید و مصرف فراورده‌های مختلف در کشور وجود داشته باشد. آمار فعالیت‌های اکتشافی طی سال‌های ۱۳۴۸ تا ۱۳۵۷ مبنای عمل این برنامه قرار گرفت. هدف برنامه کشف حدود ۲۰۰۰ میلیون بشکه نفت و ۴۰ تریلیون فوت مکعب گاز برای سال‌های ۱۳۷۰ تا ۱۳۷۴ تعیین گردید.

نخستین اولویت به ارزیابی مناطق مرزی و بدین صورت اختصاص یافت: ۱. ارزیابی هرچه سریع‌تر میدان‌های مشترک ایران و عراق؛ ۲. ارزیابی هرچه سریع‌تر میدان‌های مشترک ایران و ممالک حاشیه جنوبی خلیج‌فارس؛ ۳. ارزیابی منابع نفت‌وگاز خزر. اولویت دوم، ارزیابی امکانات اکتشاف نفت بود: ۱. کشف منابع جدید در نزدیکی مناطقی که دارای واحد بهره‌برداری هستند به‌منظور افزایش ظرفیت تولید؛ ۲. کشف منابع نفتی در خارج از مناطق تولیدی موجود. ارزیابی امکانات اکتشاف گاز اولویت سوم بود: ۱. کشف منابع جدید گاز جهت برنامه‌های تزریق گاز به مخازن؛ ۲. کشف منابع گاز به‌منظور جانشینی نفت برای مصرف داخل کشور و صادرات. چهارمین اولویت، ارزیابی کلی ذخایر احتمالی نفت‌وگاز بود و پویایی اکتشاف برای حضور در صحنه‌های بین‌المللی و کسب آخرین پدیده‌های تکنولوژی و فنی اولویت پنجم در راستای دستیابی به اهداف برنامه پنج‌ساله بود. برای دستیابی به این اهداف، درمجموع به ۶۷ دکل حفاری اکتشافی و حفر سالانه ۸۵ حلقه چاه در خشکی و دریا نیاز بود.[۱] در نهایت، این برنامه چنانکه طرح‌ریزی شده بود، محقق نگردید. چرا که تمرکز اصلی بر روی حفاری‌های توسعه‌ای و تعمیری در راستای افزایش تولید قرار داشت.

متخصصین بخش اکتشاف و تولید که هنوز دفتر مرکزی آنها در ساختمان یغما قرار داشت، با استخدام چند زمین‌شناس فارغ‌التحصیل از دانشگاه‌های تهران و شیراز

۱. پیک نفت، شماره ۲۶۳، ص ۲۹.

بـا جدیـت و برنامه‌ریـزی دقیـق کارهـا را آغـاز کردنـد. امنیـت، از سـال ۱۳۶۸ در فیلدهـای غـرب و جنـوب غـرب ایـران و نواحـی خلیج‌فـارس بیشـتر شـد و کارشناسـان زمین‌شـناس سـطح الارضـی بـه سـراغ فیلدهایـی رفتنـد کـه قبـل از انقـلاب مـورد نقشـه‌برداری و عملیـات ثقل‌سـنجی قـرار گرفتـه بـود.

اطلاعـات تدوین‌شـده در بخـش اکتشـاف از تمامـی فیلدهـا متکـی بـه داده‌هـای قبـل از انقلاب بـود. بـه همیـن منظـور تجهیـز ایـن بخـش بـه نیـروی انسـانی متخصـص و خریـد دسـتگاه‌های جدیـد به‌شـدت احسـاس می‌شـد. بـا شـروع مأموریت‌هـای جدیـد اطلاعـات کارشناسـان ایرانـی از بخش‌هایـی همچـون فـارس، شـمال شـرق ایـران، نواحـی خلیج‌فـارس و فیلـد دزفـول افـزون گشـت، امـا در عمـل بـه دلیـل اولویت‌هـای دولـت در افزایـش تولیـد نفـت، بودجـه لازم بـرای دسـت‌یابی بـه ایـن برنامـه اختصـاص نیافـت و در ابتـدای سـال ۱۳۶۹ تعـداد دکل‌هـا از ۴ بـه ۲ عـدد کاهـش یافـت. بـا تمـام ایـن تفاصیـل، در طـول برنامـه پنـج سـاله میادیـن مهـم نفتـی همچـون لایـه سـروک منصورآبـاد بـا ذخیـره ۱۰۰ میلیـون بشـکه، سـازند آسـماری خیرآبـاد و میـدان خشـت بـا نفـت درجـای ۱۰۲۷ میلیـون بشـکه کشـف گردیـد. میادیـن گازی خانگیـران و گنبدلـی در شـمال خراسـان، سـراجه در نزدیکـی قـم، سـرخون و قشـم در بندرعبـاس و نـار در فـارس عملیـات اکتشـافی را پشـت سـر گذاشـت و طرح‌هـای توسـعه‌ای آنهـا به‌وسـیله مدیریـت اکتشسـاف و تولیـد در حـال انجـام بـود. برنامـه توسـعه‌ای میادیـن گازی کنـگان، آغـار و فـاز دوم خانگیـران در سـال‌های ۱۳۶۹ و ۱۳۷۰ آغـاز گشـت.

بـا آغـاز سـال ۱۳۷۰ آمـار فعالیت‌هـای اکتشـافی در کشـور سـیر صعـودی بـه خـود گرفـت. ایـن پیشـرفت حکایـت از پیگیـری مصرانـه برنامـه پنـج سـاله در واحـد اکتشـاف داشـت. در ایـن سـال، آمـار انجـام عملیـات لرزه‌نـگاری در بخـش خشـکی بـا کمـک دو گـروه لرزه‌نـگاری دشـت و کوهسـتان بـه ۷۷۰ کیلومتـر رسـید کـه رشـد ۲۵ درصـدی یافـت.. در ایـن سـال T ۱۸۴۰ کیلومتـر از اراضـی میـان اسـتان اصفهـان و یـزد مـورد عملیـات ثقل‌سـنجی قـرار گرفـت. حجـم قابـل مشـاهده‌ای از اطلاعـات جمع‌آوری‌شـده توسـط زمین‌شناسـان نیـز در آزمایشـگاه‌ها زیـر نظـر متخصصیـن ایـن بخـش مـورد بررسـی قـرار گرفتنـد. میـزان حفاری‌هـا در ایـن سـال بـه ۲۷۰۰۰ متـر رسـید کـه نسـبت بـه سـال ۱۳۶۹ افزایـش ۴۰۰۰ متـری داشـت. ثبـت رکـورد عملیـات لرزه‌نـگاری ۲۷۰۰۰ کیلومتـر در منطقـه خلیج‌فـارس نیـز از دیگـر موفقیت‌هـای بخـش اکتشـاف در ایـن سـال بـود. ایـن آمـار در حالـی بـه ثبـت رسـید کـه طبـق برنامـه، اکتشـاف موظـف بـه انجـام ۲۰۰۰۰ کیلومتـر لرزه‌نـگاری در منطقـه خلیج‌فـارس بـود. بـرای انجـام عملیـات نقشـه‌برداری نیـز در دو مرحلـه، دو قـرارداد بـا یـک شـرکت فرانسـوی منعقـد

شد. این شرکت با کمک ماهواره اسپات ۲ در مرحله اول ۲۰۰۰ کیلومتر از نواحی غرب و جنوب کشور را عکس‌برداری کرد. در مرحله دوم نیز از ۲۰۰ هزار کیلومتر از اراضی استان فارس، سرخس، خانگیران و ۲۰ هزار کیلومتر از جنوب دریای خزر عکس‌برداری شد.[۱] ۱۱ تیر ۱۳۷۰ مدیر اکتشاف نفت دریای خزر از موفقیت‌آمیز بودن عملیات حفاری در دریای خزر خبر داد و گفت اطلاعات ذیقیمتی از زمین‌شناسی منطقه حاصل شد.[۲]

تشکیل بانک اطلاعاتی اکتشاف و تولید

با افزایش فعالیت‌های اکتشافی در کشور، هر روز بر حجم اطلاعات زمین‌شناسی، رسوب‌شناسی، چینه‌شناسی، لرزه‌نگاری.... افزوده می‌شد. حفظ و نگهداری این اطلاعات از ضرورت‌های اکتشاف به شمار می‌رفت. به‌ویژه آنکه بخشی از این اطلاعات به دهه‌های ۴۰ و ۵۰ تعلق داشت. با وجود تلاشی که برای نگهداری این اطلاعات انجام گرفت به دلیل شرایط نامناسب بخشی از این اطلاعات در سال‌های گذشته از بین رفته بود. بهترین راه، طبقه‌بندی اسناد در یک سیستم کامپیوتری بود. به‌این‌ترتیب، علاوه بر حفظ اطلاعات، دسترسی به منابع در حداقل زمان ممکن امکان‌پذیر می‌شد. باتوجه‌به همین نیاز در بخش اکتشاف و تولید واحد جدیدی با نام بانک اطلاعاتی تشکیل گردید. به‌تدریج با طراحی نرم‌افزارهای جدید در طی چند سال تمامی اطلاعات موجود در این سامانه ثبت شد و در اختیار کارشناسان قرار گرفت.

تغییر ساختار اکتشاف و تولید (تشکیل مدیریت اکتشاف)

با آغاز برنامه‌های سازندگی در بخش‌های مختلف کشور دولت به‌شدت به درآمد حاصل از فروش نفت نیاز داشت.اگرچه کشف میادین جدید ضرورت داشت، اما بخش مهمی از نیرو و توان واحد، چه در بخش نیروی انسانی و چه در بخش ماشین‌آلات، صرف تولید نفت می‌شد. مسئولین وقت برای برون‌رفت از این بحران تصمیم گرفتند بخش تولید را از اکتشاف جدا و به مدیریت مناطق نفت‌خیز ملحق کنند. به‌این‌ترتیب، در شهریور ۱۳۷۲، ساختار مدیریت اکتشاف و تولید به مدیریت اکتشاف تغییر یافت.[۳] پیش از آن، مدیریت اکتشاف و تولید، چهار معاونت داشت: معاونت در امور اکتشاف، معاونت مدیر در امور تولید، معاونت مدیر در امور فنی و معاونت مدیر در امور اداری، مالی و بازرگانی.

۱. پیک نفت، شماره ۲۷۱، ص ۱۷.

۲. خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران (ایرنا)، ۱۱ تیر ۱۳۷۰.

۳. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۹۳۴، ۱۳۷۲/۶/۲۸.

فعالیت‌هـای زمین‌شناسـی، ژئوفیزیـک، نقشـه‌برداری، آزمایشـگاه‌های مختلـف و نظـارت بـر طرح‌هـا در چارچـوب معاونـت اکتشـاف قـرار داشـت. امـور فنـی نیـز بـا ادارات مهندسـی نفـت، حفـاری، مهندسـی راه و سـاختمان، پژوهـش و ازدیـاد برداشـت، طـرح و توسـعه میدان‌هـای سـرخس و طـرح اکتشـاف و حفـاری کنـگان و نـار عمـده خدمـات موردنیـاز اکتشـاف و تولیـد را تأمیـن می‌کـرد. معاونـت امـور تولیـد نیـز بـا اداراتـی همچـون مخابـرات، ایمنـی و آتشنشـانی و تعمیـرات، سرپرسـتی نواحـی مثـل نفت‌شـهر، سـراجه، قشـم، سـرخون، خانگیـران، نـار و کنـگان، آغـار و دالان را بـر عهـده داشـت. معاونـت اداری و مالـی هـم امـور اداری، آمـوزش و برنامه‌ریـزی نیـروی انسـانی، امـور پیمان‌هـا، تـدارکات و ترابـری را راهبـری می‌کـرد.[۱]

کارایـی طـرح منفـک کـردن بخـش اکتشـاف و تولیـد از یکدیگـر، پیـش از ایـن در شـرکت‌های بزرگـی همچـون شـل بـه اثبـات رسـیده بـود. رحیـم نعمت‌اللهـی بـه عنـوان یکـی از حامیـان ایـن طـرح می‌گویـد:

> اکتشـاف، مدیریتـی بسـیار قـوی اسـت. به‌ویـژه بـا اسـتقلال آن بعـد از انقـلاب بـه نتایـج خوبـی نیـز دسـت یافتـه اسـت. از نظـر مـن و مدیـران قبلـی اکتشـاف، ماننـد مشـتاقیان، محـدث و روشـن‌دل بهتریـن راه‌حـل در آن زمـان جدایـی بخـش اکتشـاف از تولیـد بـود. بـا اسـتقلال اکتشـاف از تولیـد تمرکـز بـر روی کشـف میادیـن جدیـد بیشـتر شـد. نتیجـه قابـل ذکـر ایـن طـرح را در کشـف میادیـن بزرگـی ماننـد آزادگان می‌تـوان مشـاهده کـرد. در شـرکت‌های بـزرگ خارجـی ماننـد رپسـول و YPF آرژانتیـن، بخش‌هـای اکتشـاف و تولیـد از یکدیگـر جـدا هسـتند. اگـر شـرکت‌های داخلـی در سـال‌های گذشـته نتوانسـته‌اند بـه نتایـج خوبـی دسـت یابنـد، دلایـل ایـن عـدم موفقیـت را بایـد در نحـوه کار و مدیریـت اشـتباه آنـان جسـتجو کـرد.[۲]

بـا ایـن تغییـر سـاختار، مدیریـت اکتشـاف بـر امـور اکتشـافی تمرکـز یافـت و دوران اوج‌گیـری عصـر اکتشـافات در کشـور آغـاز شـد.

افزایش توان عملیاتی مدیریت اکتشاف

سـال ۱۳۷۲ را می‌تـوان آغـاز افزایـش تـوان عملیاتـی مدیریـت اکتشـاف دانسـت. ایـن مهـم هم‌زمـان بـا مدیریـت سـیدمهدی حسـینی بـر اکتشـاف و به‌کارگیـری گروهـی از کارشناسـان جـوان کشـور بـه رهبـری مهنـدس نیک‌نامـی آغـاز شـد.

---

۱. پیک نفت، شماره ۲۶۲، ص ۵۳.

۲. مصاحبه با مهندس رحیم نعمت‌اللهی، پروژه تاریخ نفت ایران، ۱۳۹۴.

نیک‌نامی به همراه یک گروه از کارکنان اکتشاف کار برنامه‌ریزی مدیریت اکتشاف را بر عهده گرفت. آقازاده که بر توان مدیریتی نیک‌نامی واقف بود از او خواست تا به‌عنوان معاونت مدیریت اکتشاف به فعالیت خود در این واحد ادامه دهد، اما او با رد این درخواست محدث را برای تصدی این مسئولیت پیشنهاد کرد. محدث اگرچه بسیار جوان بود و به زحمت سنش از ۳۶ تجاوز می‌کرد، اما به‌خوبی بر نیازهای واحد اکتشاف واقف بود. محدث تلاش کرد تا از فرصت پیش‌آمده برای ارتقای واحد اکتشاف استفاده کند. افزودن بر توان عملیاتی مدیریت اکتشاف بهترین راه رسیدن به این مقصود بود. تا پیش از این تنها دو گروه لرزه‌نگاری ۴۸ کاناله به همراه ۲ تا ۳ دکل حفاری در کشور وجود داشت که بیشتر در میادین نار و کنگان مشغول طرح‌های توسعه‌ای بودند. بنابراین، ضرورت افزایش تعداد این گروه‌ها به‌شدت احساس می‌شد و در کمتر از دو سال تعدادشان به چهار گروه لرزه‌نگاری افزایش یافت.[۱]

از نیمه دوم ۱۳۶۷ شرکت ملی حفاری با در اختیار گرفتن دو دکل حفاری بر روی سه چاه اکتشافی توانست ۱۱۴۰۲ متر حفاری کند. در سال ۱۳۶۸ شرکت ملی حفاری دو حلقه چاه اکتشافی حفر کرد و متراژ حفاری به ۱۰۵۹۲/۴ متر رسید. سال ۱۳۶۹ با تعداد چاه‌ها و متراژ متراژ حفاری‌های اکتشافی به دو حلقه چاه و ۳۵۹۶/۸ متر حفاری کاهش یافت. در سال ۱۳۷۰ نیز ۲ حلقه چاه اکتشافی حفاری شد. مقایسه بین حفاری اکتشافی و توسعه‌ای در سال‌های ۱۳۶۶-۱۳۷۰ استراتژی دولت و صنعت نفت برای حفر چاه‌های توسعه‌ای را آشکار می‌کند. با آغاز سال ۱۳۷۵ شرکت ملی حفاری ۲ حلقه چاه اکتشافی به متراژ ۱۹۹۴۶/۸ حفاری کرد. حفر ۶۸ حلقه چاه توسعه‌ای در این سال نشان از اختلاف فاحش میان این نوع از حفاری‌ها دارد. در سال ۱۳۷۶ تعداد چاه‌های اکتشافی به ۳ حلقه چاه افزایش یافت.

با انجام عملیات اکتشافی در فاصله سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۶ میادین مهمی در اقصی نقاط کشور کشف شد که در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌شود.

میدان گازی پارس جنوبی

میدان گازی پارس جنوبی بزرگ‌ترین میدان گازی جهان است. این میدان که در آب‌های خلیج‌فارس واقع شده بین ایران و قطر مشترک است. سنگ مخزن اصلی در

۱. مصاحبه با مهندس سیدمحمود محدث، پروژه تاریخ نفت ایران، ۱۳۹۵.

ایـن میـدان سـازند کربناتـی دالان بـا سـن پرمیـن اسـت. بعـد از اثبـات مشـترک بـودن ایـن میـدان در سـال ۱۳۶۷، نخسـتین چـاه اکتشـافی آن در سـال ۱۳۷۰ بـه گاز رسـید.[۱]

میدان نفتی خشت

میـدان خشـت در ۲۵ کیلومتـری کازرون و مابیـن میادیـن نرگسـی و میلاتـون قـرار دارد. ایـن میـدان بـا ۱۱ کیلومتـر طـول و ۷ کیلومتـر عـرض در سـال ۱۳۷۲ کشـف شـد. مخـزن اصلـی ایـن میـدان سـازندهای آسـماری و جهـرم بـا حجـم نفـت درجـای ۱۰۲۷ میلیـون بشـکه اسـت.[۲]

میدان گازی گلشن

میـدان گازی گلشـن در ۱۸۰ کیلومتـری جنـوب شـرقی بوشـهر و ۶۵ کیلومتـری سـاحل خلیج‌فـارس قـرار دارد. شـرکت دوپکـو در سـال ۱۳۴۵ دو چـاه شـماره ۱ و ۲ را در ایـن میـدان حفـر کـرد کـه هـر دو چـاه در سـازند سـورمه متـروک اعـلام شـد. از سـال ۱۳۷۲ مـوج جدیـدی از عملیـات لرزه‌نـگاری در سـطح گسـترده در ایـن منطقـه آغـاز و در ادامـه، عملیـات حفـر چـاه شـماره ۳ کلیـد خـورد کـه بـه کشـف گاز در گـروه دهـرم، سـازند زکیـن (دونیـن) منجـر شـد.[۳]

میدان نفتی خیرآباد

میـدان نفتـی خیرآبـاد در سـال ۱۳۷۳ در ۲۷ کیلومتـری جنـوب شهرسـتان دوگنبـدان کشـف شـد. حفـر اولیـن چـاه اکتشـافی در سـال ۱۳۶۶ آغـاز گردیـد، ولـی پیـش از پایـان حفـاری نیمـه‌کاره رهـا شـد. بـا آغـاز سـال ۱۳۷۲ حفـاری اکتشـافی از سـرگرفته شـد کـه بـه کشـف نفـت در سـال ۱۳۷۳ منتهـی گشـت. مخـزن اصلـی ایـن میـدان، سـازند آسـماری بـا میـزان نفـت درجـای ۴۴ میلیـون بشـکه اسـت. در سـال ۱۳۷۶ در سـازند گـدوان، گاز کشـف شـد.

میدان نفتی شور

میـدان نفتـی شـور از جملـه میادینـی اسـت کـه اکتشـاف آن در چنـد مرحلـه انجـام شـد. مطالعـات اولیـه بـرای کشـف میـدان قبـل از انقـلاب توسـط کنسرسـیوم صـورت گرفـت. ماحصـل

۱. لایه نفتی این میدان در سال ۱۳۷۷ با حجم ذخیره نفت درجای اولیه ۶ میلیارد بشکه کشف شد.
۲. گزارش شرکت نفت مناطق مرکزی ایران.
۳. مطیعی، مقدمه‌ای بر ارزیابی مخازن نفتی زاگرس، ص ۷۴۸.

این مطالعات تعیین موقعیت میدان نفتی شور بود. بعد از پایان جنگ تحمیلی، در سال ۱۳۶۸ بار دیگر این میدان مورد مطالعه قرار گرفت، اما نیمه‌کاره رها شد. با آغاز سال ۱۳۷۴ مطالعات نهایی میدان برای سومین بار از سر گرفته شد که این بار حفاری‌ها تا سازند سروک ادامه یافت. این میدان نفتی با دو مخزن سروک و آسماری از شمال با میدان سولابدر، از شمال غرب به کلورکریم، از جنوب به گلخاری و از شرق به تاقدیس شاپور محدود است.[۱]

میدان گازی شانول

۱۳۰ کیلومتر که از غرب شهرستان لار در استان فارس فاصله می‌گیریم به میدان گازی شانول می‌رسیم. این میدان در مجاورت میادین بزرگ گازی چون عسلویه و وراوی قرار دارد. حفر چاه شماره یک این میدان حدود دو سال طول کشید. با حفر این چاه در فاصله سال‌های ۱۳۷۲ تا ۱۳۷۴ وجود گاز در دشتک پایینی و دهرم بالایی به اثبات رسید.[۲] حفاری چاه شماره ۲ نیز در سال ۱۳۷۸ آغاز شد که منتهی به کشف گاز در بخش نار و قسمت بالایی دالان پایینی شد. این میدان با ذخیره ۵ تریلیون فوت مکعب گاز یکی از بزرگ‌ترین میادین گازی کشور به شمار می رود.[۳]

حفاری

حفاری در دوره سازندگی با روش‌های متفاوتی چون خرید، تعمیر و ساخت تجهیزات توانست ناوگان خود را بهبود بخشد و سطح متوسط حفاری در روز و همچنین مقدار عمق حفاری را ارتقا دهد. از یک‌سو، آموزش فنی در روش‌های نوین حفاری متحول شد و از سوی دیگر، با خرید تجهیزات در مواردی مانند حفاری افقی و نمودارگیری رقیب شرکت‌های خارجی گردید و توانست در سطح دنیا نام و آوازه‌ای درخور به دست آورد. شرح خدمات شرکت ملی حفاری افزایش یافت و کارهایی که توسط چند شرکت حفاری و خدمات حفاری انجام می‌شد را یکجا به مشتریان عرضه می‌کرد. شمار دکل‌ها،

۱. مطیعی، مقدمه‌ای بر ارزیابی مخازن نفتی زاگرس، ص ۷۳۲.
۲. از سال ۱۳۸۴ با حفاری ۹ حلقه چاه، بهره برداری از این میدان آغاز شده است.
۳. مطیعی، ص ۷۳۱ و گزارش شرکت نفت مناطق مرکزی ایران.

متخصصـان و دیگـر دارایی‌هـای سـخت‌افزاری ایـن شـرکت هـر سـال افزایـش می‌یافـت و موجـب شـد هیـچ رقیبـی در بخـش خصوصـی تـا دو دهـه در ایـن بـازار ظاهـر نشـود. همچنـان کـه شـرکت در ایـن دوره بـزرگ می‌شـد، زمزمه‌هایـی از خصوصی‌سـازی‌اش از تهـران برخاسـت کـه بـا واکنـش تنـد کارکنـان ملـی حفـاری مواجـه گردیـد. از شـمار مدیرانـی کـه بـه بـزرگ شـدن ایـن شـرکت همـت کردنـد اسـماعیل جلیلیـان اسـت. او در آذر ۱۳۷۱، در کـوران تحـولات درون‌سـازمانی، گزارشـی از وضعیـت و عملکـرد شـرکت ارائـه داد کـه در پاییـن می‌آیـد:

امـروز مـا ۶ دسـتگاه حفـاری اولیـه را بـه چهـل دسـتگاه شـامل ۲ دسـتگاه حفـاری دریایـی رسـانده و سـال گذشـته رکـورد ۲۵۰ هـزار متـر حفـاری را برجـای گذاشـته‌ایم. امسـال نیـز بـا برنامه‌هـای پیش‌بینی‌شـده بـه متـراژ بـالای ۳۰۰ هـزار متـر دسترسـی پیـدا خواهیـم کـرد و بیـش از یک‌صـد حلقـه چـاه جدیـد حفـاری و تعـداد زیـادی از چاه‌هـای قدیمـی را تعمیـر و قابل‌بهره‌بـرداری خواهیـم کـرد. به‌طـور متوسـط، عمـق چاه‌هـا نسـبت بـه قبـل از انقـلاب بیـش از پانصـد تـا هـزار متـر افزایـش پیـدا کـرده. در گذشـته، شـرکت‌های خارجـی در یـک محـدوده جغرافیایـی محـدود فعالیـت می‌کردنـد، لکـن امـروزه پهنـه فعالیـت شـکرت ملـی حفـاری سرتاسـر قلمـرو جمهـوری اسـلامی ایـران به‌اضافـه بخـش فلات‌قـاره در خلیج‌فـارس اسـت. در حـال حاضـر، شـرکت ملـی حفـاری عـلاوه بـر عملیـات حفـاری در خدمـات جنبـی آن، ماننـد سـیمان‌کاری، نمودارگیـری، اسـیدکاری، آزمایـش بهره‌دهـی چاه‌هـا، نصـب آویـزه، رانـدن لوله‌هـای جـداری و مغـزی، حفـاری جهـت‌دار، مانده‌یابـی، آزمایشـات غیرمخـرب انـواع لوله‌هـای حفـاری، جـداری و طوق‌فعـال اسـت. درحالی‌کـه حتـی در سـطح شـرکت‌های بین‌المللـی نیـز کمتـر شـرکتی وجـود دارد کـه مجموعـه ایـن کارهـا را در کنـار هـم انجـام دهـد.

شـعار مـا بـرای فعالیت‌هـای برون‌مـرزی کـه در حـال کاریابـی هسـتیم، ایـن اسـت: «آنچـه شـرکت‌های متعـدد حفـاری بـرای شـما انجـام می‌دهنـد. شـرکت مـا به‌تنهایـی قـادر اسـت بـرای شـما انجـام دهـد.» یـا «بـرای حفـر یـک چـاه از نقطـه شـروع تـا پایـان، شـرکت ملـی حفـاری ایـران کلیـه فعالیت‌هـای حفـاری را به‌تنهایـی انجـام خواهـد داد.» یعنـی در حقیقـت، وقتـی آنهـا قـراردادی بـا شـرکت ملـی حفـاری ایـران می‌بندنـد، گویـی بـا چنـد شـرکت مختلـف قـرارداد بسـته‌اند. شـرکت ملـی حفـاری ایـران مفتخـر اسـت کـه خدمـات پیچیـده نمودارگیـری را کـه تـا سـال ۱۳۶۸ در انحصـار یـک پیمانـکار خارجـی در کشـور بـود، بـا تـلاش فـراوان و به‌نحـو مطلوبـی از تاریـخ مذکـور ارائـه نمایـد و عمـلاً نه‌تنهـا باعـث کاهـش هزینه‌هـای صنعـت

نفت گردد، بلکه نرخ‌های پیمانکار خارجی را نیز کاهش دهد.»[۱]

در این دوره، حفاری‌های انجام‌شده در راستای برنامه دولت برای افزایش تولید انجام گرفت. به همین دلیل، حفاری توسعه‌ای و تعمیری بر حفاری اکتشافی پیشی گرفت. حفاری توصیفی در این دوره انجام نشد. برای ارتقای متراژ حفاری، ۲۱ دکل خشکی با سرمایه‌ای حدود ۳۲۰ میلیون دلار از منابع شرکت ملی نفت ایران خریداری و به ناوگان شرکت ملی حفاری اضافه شد و تعداد دکل‌ها به ۴۶ دستگاه رسید. درمجموع، ۷۸۰ حلقه چاه در خشکی و دریا به متراژ یک میلیون و ۷۱۶هزار و ۵۰۱ متر حفر، تعمیر و تکمیل شد.[۲]

در بهمن ۱۳۶۸ وزیر نفت طی مصاحبه‌ای از عقد قرارداد برای احداث کارگاه کشتی‌سازی و ساخت سکوی حفاری در دریای خزر خبر داد. هدف از اجرای این طرح، انتقال تکنولوژی و دانش فنی و طراحی ساخت چنین سازه‌هایی بود. با تکمیل سکوی نفتی و انتقال دانش فنی، امکان طراحی و ساخت سکوهای نفتی مشابه در داخل کشور فراهم شد. احداث و تکمیل این سکو، ۳۷ میلیون دلار هزینه ارزی و یک میلیارد ریال هزینه ریالی داشت. پس از تکمیل این سکوی حفاری دریایی، حفاری نخستین چاه اکتشافی در دریای خزر با کمک این سکو ۵ اسفند ۱۳۷۴ با حضور .رئیس‌جمهور آغاز شد.[۳] این سکو قادر بود در اعماق ۷ تا ۹۱/۵ متری آب دریا به عملیات حفاری بپردازد.[۴] ۲۷ شهریور ۱۳۷۵ نیز قرارداد ادامه فعالیت حفاری در چاه نفتی مقداد۱ در دریای خزر تا عمق ۶ هزار متر بین شرکت ملی نفت ایران و شرکت دولتی نفت جمهوری آذربایجان امضاء شد. کار حفاری در سپتامبر ۱۹۹۵آغاز شده بود.[۵]

درحالی‌که شرکت ملی حفاری شتابان گام در راه توسعه نهاده بود، در اواخر سال ۱۳۷۱، چاه شماره ۵۰ اهواز در کریت کمپ توسط منافقین به آتش کشیده شد. کارکنان شرکت ملی حفاری از جان مایه گذاشتند و با هدایت افرادی چون حیدر بهمنی پس از تلاش ۴۰ شبانه‌روزی، در ۱۱ فرودین ۱۳۷۲ موفق به مهار آتش‌سوزی شدند.

---

۱. پیک نفت، شماره ۲۷۴، ص ۸.

۲. عملکرد شرکت ملی حفاری ایران از بدو تأسیس، طرح و برنامه‌ریزی

۳. خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران (ایرنا)، ۵ اسفند ۱۳۷۴.

۴. روزنامه اطلاعات، ۱۳۷۳/۴/۱۵:

۵. خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران (ایرنا)، ۲۷ شهریور ۱۳۷۵.

نخستین حفاری افقی

تـا پیـش از انقـلاب اسـلامی چنـد حلقـه چـاه جهـت‌دار بـا اسـتفاده از فـن‌آوری آن زمـان در ایـران حفـر شـد، امـا در تمـام سـال‌های جنـگ بـه دلیـل فقـدان فنـاوری روز، چاه‌هایـی کـه در مکان‌هـای صعـب العبـور قـرار داشـتند و یـا چاه‌هایـی کـه بـه دلیـل کاهـش میـزان تولیـد بـه افزایـش هزینه‌هـای حفـاری منجـر می‌شـدند، کمـاکان بکـر و دسـت‌نخورده باقـی ماندنـد. تنهـا راه دسترسـی بـه ایـن چاه‌هـا حفـاری جهـت‌دار و افقـی بـود.

حفـاری افقـی مزایـای زیـادی دارد کـه فزایـش میـزان تولیـد، جلوگیـری از ورود آب و گاز بـه درون سیسـتم تولیـد، کاهـش تعـداد چاه‌هـا بـرای توسـعه میادیـن و درنهایـت کاهـش تعـداد سـکوهای دریایـی و خطـوط لولـه برخـی از ایـن مزایـت محسـوب می‌شـود. تکنولـوژی ایـن نـوع حفـاری در انحصـار چنـد شـرکت خارجـی قـرار داشـت کـه در قبـال دریافـت هزینه‌هـای بـالا ایـن خدمـات را بـه ایـران عرضـه می‌کردنـد. قیمـت بـالای ایـن خدمـات، مدیـران شـرکت ملـی حفـاری را بـر آن داشـت تـا بـه خریـد فنـاوری و آمـوزش کارکنـان دسـت زننـد. اداره‌ای به‌نـام عملیـات ویـژه در مدیریـت عملیـات شـرکت ملـی حفـاری تأسـیس شـد. در مـدت کوتاهـی دانـش لازم بـه کشـور منتقـل و تجهیـزات مـورد نیـاز خریـداری شـد. جلیلیـان، مدیرعامـل شـرکت ملـی حفـاری، در سـالروز تأسـیس ایـن شـرکت در سـال ۱۳۷۱، گفـت:

> اخیـراً تکنولـوژی حفـاری افقـی را کـه یـک تکنیـک نسـبتاً جدیـد در دنیـا اسـت وارد کشـور کرده‌ایـم و امیدواریـم تـا پایـان سـال ایـن شـیوه را به‌نحـو کامـل مـورد اسـتفاده قـرار دهیـم. شـایان ذکـر اسـت کـه در ایـن ارتبـاط نیروهـای ایرانـی آمـوزش لازم را فرگرفته‌انـد و در انتظـار ورود کالاهـای سـرمایه‌ای خریداری‌شـده می‌باشـیم.[۱]

اولیـن چـاه افقـی بـا طراحـی دقیـق مهندسـان شـرکت مناطـق نفت‌خیـز و اجـرای کارکنـان شـرکت ملـی حفـاری، در روز ۳ شـهریور ۱۳۷۳ در گچسـاران عملیاتـی شـد.[۲]

۱. پیک نفت، شماره ۲۷۴، ص ۸.

۲. مشعل، شماره ۱۷۵؛ نیمه اول اردیبهشت ۱۳۷۹.

آمـار و ارقامـی کـه شـرکت ملـی حفـاری بـرای سـال‌های ۱۳۶۷-۱۳۷۶ منتشـر کـرده اسـت، نشـان می‌دهـد اولویـت اول در عملیـات حفـاری، متعلـق بـه بخـش توسـعه‌ای بـوده و بخش‌هـای توصیفـی و اکتشـافی اولویـت کمتـری داشـته اسـت.

سال	تعداد حلقه چاه توسعه ای	تعداد حلقه چاه توصیفی	تعداد حلقه چاه اکتشافی	تعداد حلقه چاه تعمیری	جمع میزان حفاری(متر)	تعداد دکل
۱۳۶۷	۲۵	۰	۳	۲۴	۹۰۱۳۹	۱۹
۱۳۶۸	۳۰	۰	۳	۲۱	۱۰۱۷۱۹	۲۰
۱۳۶۹	۴۰	۰	۲	۲۳	۱۳۳۷۵۷	۲۲
۱۳۷۰	۶۶	۰	۲	۱۸	۲۴۹۵۵۷	۳۹
۱۳۷۱	۹۱	۰	۱	۲۸	۳۰۳۱۹۱	۴۰
۱۳۷۲	۱۰۷	۰	۳	۳۸	۳۰۰۷۴۹	۴۰
۱۳۷۳	۶۵	۰	۴	۳۳	۱۸۲۴۰۳	۴۱
۱۳۷۴	۵۰	۰	۴	۴۹	۲۰۱۰۴۸	۴۲
۱۳۷۵	۶۸	۰	۲	۳۹	۲۴۴۰۷۷	۴۴
۱۳۷۶	۸۳	۰	۳	۴۰	۲۸۱۹۶۰	۴۶

سـال هـای ۱۳۶۹ و ۱۳۷۰، از دو دیـدگاه سـال‌های برجسـته و موفقـی در کارنامـه شـرکت ملـی حفـاری محسـوب می‌شـود: اول، شـرکت ۱۷ دکل حفـاری بـه نـاوگان خـود اضافـه کـرد؛ دوم رفـاه کارکنـان و در کنـار آن آمـوزش نیروهـای فنـی بـه کیفیـت و تـرازی قابل‌قبـول ارتقـا یافـت.[۱] تکنسـین‌ها و مهندسـان حفـاری در کلاس‌هـای آموزشـی شـرکت می‌کردنـد و تعامـل

۱. ویژه‌نامه مشعل، سال ۱۳۹۱ و آمار اخذشده از مدیریت برنامه‌ریزی تلفیقی و شرکت ملی حفاری.

بیشتری با شرکت‌های خارجی ایجاد شد، حقوق کارمندان و کارشناسان بین ۲۰ تا ۳۰ درصد افزایش یافت و امکانات رفاهی بیشتری در اختیار کارکنان فنی قرار گرفت. در سال ۱۳۷۰، متراژ حفاری به عدد شگفت‌انگیز ۲۴۹۵۵۷ متر و سال پس از آن به ۳۰۳۱۹۱ متر رسید. افزایش تعداد دکل‌های حفاری در تحقق این امر اثرگذار بود.

عملیات حفاری در سال ۱۳۷۱ با حفر ۸۹ حلقه چاه خشکی توسعه ای و یک حلقه چاه خشکی – اکتشافی و ۲۸ حلقه چاه خشکی – تعمیری به بالاترین میزان خود رسید و در افزایش تولید نفت کشور تأثیر بسزا داشت. سال‌های ۱۳۷۱ و ۱۳۷۲ از سال‌های موفق شرکت ملی حفاری در زمینه‌ی متراژ حفاری به شمار می‌رود. در سال ۱۳۷۳ متراژ حفاری به ۱۸۲ هزار و ۴۰۳ متر کاهش یافت که این حاکی از عزم دولت برای کاهش میزان تولید نفت بود. سیاست کاهش تولید نفت تا سال ۱۳۷۶ ادامه یافت. در سال ۱۳۷۳، اسماعیل جلیلیان استعفا داد و محمدجواد عاصمی‌پور در ۲۶ مرداد ۱۳۷۳ مدیرعامل شرکت ملی حفاری شد.

در تمامی دوران سازندگی، تعداد چاه‌های تعمیری به‌تدریج افزایش یافت و به ۴۰ حلقه در سال ۱۳۷۶ رسید. در این دوره تعمیرات اساسی و بازسازی دکل‌ها سامان یافت و برخی تجهیزات اضافی روی دکل‌های سنگین نصب شد. بررسی آمار و ارقام حاکی از آن است که فعالیت‌های حفاری در دو بخش توسعه‌ای و تعمیری بیش از بخش‌های توصیفی و اکتشافی بود. در سال ۱۳۷۶، سه حلقه چاه خشکی – اکتشافی حفر شد.

عاصمی‌پور سه سال مدیریت شرکت ملی حفاری را بر عهده داشت. رسیدگی به رفاه کارکنان در این دوره موردتوجه بیشتری قرار گرفت. ساختمان‌های اداری بهبود یافت. پروژه مسکن ۲۶۷ واحدی تکمیل و به کارکنان شرکت تحویل داده شد. با خرید چهار دکل دست دوم، تعداد دکل‌های شرکت ملی حفاری به ۶۴ دکل رسید. از مهم‌ترین اقدامات این دوره، انعقاد قرارداد پروژه‌های خارجی؛ از جمله انعقاد قرارداد راه‌اندازی دستگاه ایران خزر؛ قرارداد با شرکت پترونانس مالزی برای کار در ترکمنستان و قرارداد ارائه خدمات سیمان‌کاری در لیبی بود.[1]

۱. مصاحبه با محمد عالمی، ۱۴ مهر ۱۳۹۵، آرشیو تاریخ نفت ایران

پالایش و پخش

در ایـــن دوره، مصـــرف فراورده‌هـــای پالایشـــگاهی در دو بخـــش خانگـــی و صنعتـــی رو بـــه افزایـش رفـت و توسـعه واحدهـای پالایشـگاهی ضـرورت اولیـه تشـخیص داده شـد. بازسـازی پالایشـگاه‌ها یکـی از اولویت‌هـای مهـم دولـت سـازندگی بـود. در سـال ۱۳۶۹، از مجمـوع سـرمایه‌گذاری انجام‌شـده در بخـش نفـت، ۲۸/۵ درصـد آن بـه بخـش پالایـش و ۱۲ درصـد بـه پخـش فـراورده اختصـاص یافـت.[۱] بـا افزایـش مصـرف و توسـعه واحدهـای پالایشـی، خطـوط لولـه نیـز می‌بایسـت ترمیـم و نوسـازی می‌گردیـد. درنتیجـه، سیسـتم پالایـش و پخـش در سراسـر کشـور رو بـه تحـول رفـت. هنگامـی کـه جنـگ پایـان یافـت، پالایشـگاه آبـادان در حـال بازسـازی بـود و پالایشـگاه‌های تبریـز و اصفهـان در مـدار تولیـد و هم‌زمـان، در وضعیـت افزایـش ظرفیـت قـرار داشـتند. پالایشـگاه اراک در حـال سـاخت بـود و مذاکـره بـرای سـاخت پالایشـگاه بندرعبـاس ادامـه داشـت.

در سـال ۱۳۶۹، پالایشـگاه‌های اصفهـان، تهـران، تبریـز، شـیراز، باختـران، آبـادان و مجتمـع تقطیـر لاوان در مـدار تولیـد بودنـد. نفت‌خـام تحویلـی بـه پالایشـگاه‌های کشـور حـدود ۸۶۷ هـزار بشـکه در روز بـود و بیشـترین نفت‌خـام بـه پالایشـگاه‌های اصفهـان و تهـران و سـپس آبـادان تحویـل داده شـد. در ایـن سـال، صـادرات فراورده‌هـای نفتـی حـدود ۶۰ هـزار بشـکه در روز بـود.[۲] در سـال ۱۳۷۶، ظرفیـت پالایشـی کشـور رشـد یافـت و بـه مصـرف روزانـه‌ی ۱ میلیـون و ۲۸۱ هـزار بشـکه نفت‌خـام رسـید. افزایـش تولیـد در پالایشـگاه‌های اصفهـان و آبـادان و افتتـاح پالایشـگاه بندرعبـاس در ایـن رشـد مؤثـر بـود. صـادرات فراورده‌هـای نفتـی در ایـن سـال، بـه ۲۲۲ هـزار بشـکه در روز رسـید و در مقابـل، واردات فراورده‌هـای نفتـی کاهـش یافـت کـه جایگزینـی مصـرف گاز بـا آنهـا یکـی از دلایـل اصلـی ایـن کاهـش بـود. درعین‌حـال، قیمـت انـواع فـراورده در چارچـوب قانـون برنامـه توسـعه دوم اقتصـادی افزایـش محسوسـی داشـت. هم‌زمـان، خطـوط لولـه و تلمبه‌خانه‌هـای خطـوط لولـه در تمامـی جنـوب غربـی کشـور بازسـازی شـد. خط‌لولـه کرمـان ـ بندرعبـاس ـ رفسـنجان بـه پایـان رسـید. خط‌لولـه محـرم

۱. ترازنامه بانک مرکزی، سال ۱۳۶۹.

۲. ترازنامه بانک مرکزی، سال ۱۳۶۹.

تغییر کاربری یافت. تغییر مصرف خانگی از نفت به گاز میسر گردید. درنتیجه این تغییر، وسایل نفت‌سوز به گازسوز بدل شدند و سبک زندگی محله به‌تدریج تغییر کرد. حمام‌های عمومی به‌تدریج برچیده شد، زیرا فراورده‌های نفتی و گازی به همراه آبگرمکن‌ها بیش از دوره جنگ مصرف و توزیع شد؛ البته نقطه آغاز این تحول زمانه جنگ تحمیلی بود. برحسب نظر کارشناسان، آلودگی محیط‌زیست بیش از دوره قبل بود. مصرف بنزین برای به حرکت درآوردن خودروها نزدیک به دو برابر شد و از سوی دیگر، مصرف نفت کوره در بخش کشاورزی و صنعتی رو به کاهش نهاد. از معضلات فن‌آوری پالایشگاه‌ها آن بود که درصد تولید فراورده‌هایی مانند نفت کوره بالاتر از استاندارد جهانی قرار داشت که تا دهه ۹۰ گریبانگیر سیستم پالایشی کشور بود. چنانچه تولید فراورده‌های باارزش‌تری مانند بنزین و سوخت جت در پالایشگاه‌ها افزایش می‌یافت، تولید مقرون‌به‌صرفه تر می شد.

در طول برنامه پنج ساله دوم نیز احداث پالایشگاهی به ظرفیت ۱۵۰ هزار بشکه در روز در شیراز، افزایش ظرفیت پالایشگاه لاوان، ایجاد کارخانه تولید بنزین در لاوان، احداث کارخانه سوخت هواپیما و دایرکردن کارخانه روغنهای مخصوص در پالایشگاه شیراز در دستور کار دولت قرار گرفت.

چنانکه گفتیم، ساختار شرکت ملی نفت ایران در دوره سازندگی متحول گردید. مدیران شرکت ملی نفت برای انسجام و تمرکز بخشیدن تمامی فعالیت‌های پالایش و پخش تدارک استقلال تدریجی آن را فراهم کردند. این طرح به‌طور جدی از اوایل ۱۳۷۰ مطرح شد. آرای عمومی مدیران نفتی تحت تأثیر مشکلات اجتماعی سیستم پخش و نابسامانی‌های اداری همه را متقاعد کرد که این فعالیت‌ها در یک سازمان واحد و منسجم قرار گیرد. سرانجام، ۵ بهمن ۱۳۷۰ تشکیل شرکت‌های فرعی از شرکت ملی نفت ایران تصویب شد.[۱] در جلسه ۱۷ اسفند ماه هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، تأسیس شرکت ملی پالایش و پخش فراورده‌های نفتی تصویب گردید و مسئولیت عملیات پالایش، پخش فراورده‌های نفتی، خطوط لوله و مخابرات و مهندسی و ساختمان به این شرکت انتقال یافت. اولین هیئت‌مدیره شرکت به‌صورت موقت انتخاب شدند که ۹ عضو اصلی و ۲ عضو علی‌البدل بودند: غلامرضا آقازاده، رئیس هیئت‌مدیره و مدیرعامل، حبیب امین‌فر، نایب‌رئیس هیئت‌مدیره، سیدعلی بهشتیان، حسین کاشفی،

۱. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۸۵۰، ۱۳۷۰/۱۲/۵.

حمدا.. محمدنژاد، سیدعلی میرمحمدی، قدیر موحدزاده، سیدکاظم وزیری هامانه و مرتضی موحدزاده اصفهانی.[۱] اساس‌نامه شرکت جدید در ۲۰ اسفند ۱۳۷۰ به تصویب هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت رسید.[۲]

تغییر قیمت و نارضایتی‌ها

تغییر قیمت فراورده‌ها در طول سالیان با نارضایتی‌های عمومی همراه بود. اولین سطح نارضایتی‌ها در زمستان ۱۳۷۰ و آخرین آنها در آبان ۱۳۹۸ رخ داد. این تحلیل که محل تماس وزارت نفت با مردم همانا پمپ‌بنزین‌ها و فروش دیگر فراورده‌ها است و بایست این وزارتخانه نسبت به خدماتی که به مردم می‌دهد، مسئولانه رفتار کند تا موجب کسب رضایت عامه شود، در دهه ۱۳۷۰ رواج داشت. آنان تأکید داشتند که افزایش قیمت باید با اطلاع‌رسانی‌های قبلی و ایجاد مقبولیت اجتماعی همراه باشد. از جمله رخدادهایی که در دوره سازندگی بارها به طنز یا نقد تیز در مطبوعات درج شد، افزایش قیمت نفت سفید و بنزین برای شهری‌ها و نفت کوره و نفت‌گاز برای سیستم حمل‌ونقل و پیشه‌های پایین‌دستی بود. گل آقا در روزنامه اطلاعات بهمن ۱۳۷۰ با درج جمله‌ای از کیهان که نوشته بود: «متأسفانه همه‌ساله در سرمای زمستان عده‌ای یادشان می‌آید که زمستان سرد است و سوخت مشکل‌زا است» پاسخی به طنز نوشت: «باز صد رحمت به همان عده‌ای!... زیرا ما یک وزارتخانه‌ای را می‌شناسیم که همین‌قدر هم یادش نمی‌آید... تازه، اسمش را هم گذاشته وزارت نفت.»[۳]

یک گروه کارشناس موسوم به کمیسیون قیمت‌گذاری در شرکت ملی پخش فراورده‌های نفتی با حضور نمایندگانی از امور بین‌الملل، حسابداری نفت، شرکت کالای نفت، امور توسعه پالایشگاه‌ها، پژوهشگاه صنعت نفت و پالایشگاه تهران تشکیل شد. اعضای کمیسیون با برگزاری جلسات متعدد به بررسی ابعاد مختلف تغییر قیمت‌ها پرداختند و تغییر قیمت انواع روغن از جمله نتایج آن بود.

گزارش این کمیسیون که شرحی از قیمت‌های جدید انواع روغن بود به هیئت‌مدیره ارائه شد. ۸ دی ۱۳۷۰، بهشتیان، مدیرعامل شرکت ملی پخش فراورده‌های نفتی، افزایش

۱. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۸۵۵، ۱۳۷۰/۱۲/۱۷..
۲. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، ۱۳۷۰/۱۲/۲۰.
۳. روزنامه اطلاعات، ۱۹ بهمن ۱۳۷۰.

قیمت روغن موتور را اعلام کرد.[۱] ۲۸ دی، شرکت ملی نفت، افزایش قیمت‌ها را چنین تصویب کرد: قوطی یک لیتری ۱۷۰ ریال، قوطی ۴ لیتر ۴۴۰ ریال، روغن خام هر لیتر ۲۸ ریال، روغن پایه معمولی هر لیتر ۷۷ ریال، روغن پایه صنعتی هر لیتر ۸۴ ریال. قیمت روغن موتور نیز به این شرح تصویب شد: روغن البرز و توسن و تیان با کابرد بنزینی بدون ظرف هر لیتر ۱۴۰ ریال، روغن الوند و شتاب و تیزرو با کابرد دیزلی هر لیتر ۲۲۵ ریال.[۲]

زمستان ۱۳۷۰ قیمت فراورده‌ها، به‌ویژه بنزین و نفت سفید در برخی شهرهای دوردست افزایش ناگهانی یافت و در بازارسیاه به دو برابر قیمت اعلام‌شده رسید. بار دیگر، در سال ۱۳۷۴ قیمت انواع فراورده‌های نفتی افزایش یافت. مسئولان، علت افزایش را صرفه‌جویی در مصرف انرژی، کاهش آلودگی محیط‌زیست و تأمین بخشی از هزینه‌های صنعت نفت اعلام کردند. قیمت بنزین معمولی، نفت‌گاز و نفت کوره با ۱۰۰ درصد افزایش به ۱۰۰، ۲۰ و ۱۰ ریال و بهای نفت سفید با ۳۳/۳ درصد افزایش به ۲۰ ریال رسید.[۳]

در سال‌های ۱۳۷۵ و ۱۳۷۶ شوک دیگری به افکار عمومی وارد شد. در سال ۱۳۷۵، قیمت نفت‌گاز، نفت کوره و نفت سفید، ۵۰ درصد و قیمت بنزین معمولی ۳۰ درصد افزایش یافت.[۴] در سال ۱۳۷۶، قیمت بنزین معمولی با ۲۳ درصد افزایش، از ۱۳۰ ریال به ۱۶۰ ریال در هر لیتر رسید.[۵]

بااین‌حال، مصرف بنزین در کشور روند افزایشی داشت. نشریه مشعل در شماره ۱۰۶، شنبه ۲۲ شهریور ۱۳۷۶ به نقل از مهندس هاشمیان، رئیس مؤسسه مطالعات بین‌المللی انرژی، درباره مصرف بی‌رویه بنزین نسبت به چهار ماهه نخست سال ۱۳۷۵ هشدار داد. مصرف بنزین در چهار ماهه نخست این سال، روزانه ۳۲ میلیون لیتر بود، ولی در روندی پرشتاب این رقم به ۳۴ میلیون لیتر در سال ۱۳۷۶ رسید. درعین‌حال، آمار نشان داد مصرف نفت کوره نزدیک به ۳ درصد کاهش داشته است.

---

۱. روزنامه جمهوری اسلامی، ۸ دی ۱۳۷۰.

۲. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت، جلسه ۸۴۹، ۱۳۷۰/۱۰/۲۸.

۳. ترازنامه بانک مرکزی، سال ۱۳۷۴.

۴. ترازنامه بانک مرکزی، ۱۳۷۵.

۵. ترازنامه بانک مرکزی، سال ۱۳۷۶.

بازسازی پالایشگاه آبادان

در طول جنگ تحمیلی، پالایشگاه آبادان تحت شدیدترین حملات دشمن قرار داشت و بسیاری از واحدها و دستگاههای آن یا به‌شدت آسیب دید و یا از بین رفت، اما کارکنان پالایشگاه آبادان توانستند با تشکیل ستادهای اضطراری، دستگاههای پالایشگاه را از مواد نفتی تخلیه کنند و با پدافند غیرعامل از وارد آمدن آسیب بیشتر جلوگیری به عمل آوردند.

پیش از جنگ، پالایشگاه ۴ دستگاه تقطیر با ظرفیت تقریبی ۱۰۰ هزار بشکه در روز، یک واحد تقطیر با ظرفیت ۱۳۰ هزار بشکه و دو واحد تقطیر در خلأ هریک با ظرفیت ۴۰ هزار بشکه و چندین واحد تولید فراورده و نیز حدود ۲۰۰ مخزن ذخیره مواد نفتی داشت که بسیاری از آنها تخریب شدند. قطعات، ماشین‌آلات و دستگاه‌های پالایشگاه نیز در جبهه‌های جنگ یا بخش‌های دیگر صنعت نفت به کار گرفته شد. پس از پایان جنگ، بازسازی پالایشگاه آبادان و بندر ماهشهر در اولویت برنامه‌های شرکت ملی نفت و وزارت نفت قرار گرفت. بندر ماهشهر مرکزی برای صدور فراورده‌های نفتی بود و گلوگاه پالایشگاه آبادان محسوب می‌شد. شرکت نفت اعلام کرد ۵ میلیارد ریال از محل اعتبارات بازسازی شرکت، برای بازسازی پالایشگاه آبادان و بندر صادراتی ماهشهر اختصاص داده شده است.[۱] آذر ۱۳۶۸ تعمیرات فاز دوم پالایشگاه آبادان به پایان رسید و این پالایشگاه پس از هشت سال توقف، در مدار تولید قرار گرفت.[۲] اسفند همان سال، واحد روغن‌سازی پالایشگاه آبادان توسط پدر یکی از شهدا افتتاح شد.

شهریور ۱۳۷۶ تولید روزانه پالایشگاه آبادان افزایش یافت. نصرالله محمدی، رئیس پالایشگاه آبادان، گفت: «با بهینه‌سازی واحدهای مختلف توان بالقوه فراورش نفت خام به ۴۵۰ هزار بشکه در روز افزایش یافت. محصولات این پالایشگاه شامل گاز مایع، نفت سفید، گازوئیل، روغن ماشین، انواع حلال‌ها، سوخت جت، قیر و نفت‌های سبک و سنگین است، همچنین خوراک واحد آروماتیک پتروشیمی آبادان را تأمین می‌کند.»

پالایشگاه اراک

تأسیس پالایشگاه اراک از دوران جنگ در دستور کار مدیران قرار گرفته بود، اما به

۱. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۶۹۰، ۱۳۶۷/۷/۳۰.
۲. ترازنامه بانک مرکزی، سال ۱۳۶۹.

دلیل شرایط جنگی این مهم به تعویق افتاد. با پایان جنگ، بر سرعت کارها افزوده شد و طراحی تفصیلی و مذاکره برای دریافت لیسانس واحدهای پالایشگاه اراک به‌سرعت آغاز شد. در زمانی کوتاه، مذاکره با شرکت UOP به بار نشست و در ۹ مهر ۱۳۶۷ شرکت ملی نفت، قراردادهای طراحی و حق‌الامتیاز با این شرکت را تأیید کرد.[۱] قرارداد پیمانکاری امور مهندسی و ساختمان با کنسرسیوم جی‌جی‌سی ـ تی‌پی‌ال در اردیبهشت ماه ۱۳۶۸ مورد موافقت شرکت ملی نفت قرار گرفت.[۲]

طرح تفصیلی پالایشگاه اراک آغاز شد. پس از انتخاب زمین مورد نظر، از سال ۱۳۶۹ عملیات اجرایی با مدیریت احمد فرشی آغاز گردید. ظرفیت فاز اول ۱۵۰ هزار بشکه در روز نفت‌خام و محصولات آن گاز مایع، بنزین موتور، نفت سفید، نفت‌گاز، نفت کوره، خوراک پتروشیمی اراک و قیر خوراک کارخانه‌ها بود.

شرکت کالا خرید تجهیزات موردنیاز را از حوالی سال ۱۳۷۰ آغاز کرد. شرکت ملی نفت در دی ۱۳۷۰ مقرر کرد ۱۷۹ میلیون دلار برای خرید تجهیزات و پرداخت بدهی پیمانکاران اختصاص یابد. با این گشایش مالی کارهای اجرایی سرعت گرفت. دهم شهریور ۱۳۷۱ مسئولان اعلام کردند که تاکنون بیش از ۱۰۰ میلیارد ریال برای پالایشگاه هزینه شده است که حدود ۱/۱ میلیارد دلار آن هزینه ارزی بود. قرار بود فاز اول پالایشگاه در فروردین ۱۳۷۲ به بهره‌برداری برسد، اما با کمی تأخیر، در ۱۱ شهریور ۱۳۷۲ با حضور رئیس‌جمهور افتتاح شد. باتوجه‌به قیمت‌های بین‌المللی نفت‌خام و فراورده‌های نفتی در خلیج‌فارس در سال ۱۳۷۲، تفاوت ارزش تولیدات این پالایشگاه نسبت به فروش نفت خام خوراک آن بالغ بر یک میلیون و ۲۱۵ هزار دلار در روز (معادل ۴۴۳ میلیون دلار در سال) بود.

با افتتاح مجتمع پتروشیمی و پالایشگاه، اراک که از دهه ۱۳۱۰ وارد جرگه شهرهای صنعتی شده بود و بازرگانان تهرانی و اصفهانی این منطقه را به انبوهی از کارگاه‌های صنعتی بدل کرده بودند به یک مرکز بزرگ نفت خاورمیانه بدل شد.

پالایشگاه نفت بندرعباس

طرح ایجاد پالایشگاه نفت بندرعباس به‌عنوان پالایشگاه هشتم اواخر دوره وزارت سیدمحمد غرضی مطرح شد، اما انعقاد قرارداد و اجرایی شدن طرح تا اواخر دهه ۱۳۶۰

۱. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۶۸۵، ۱۳۶/۷/۹..

۲.مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۷۲۰، ۶۸/۲/۱۸.

به تأخیر افتاد. قرارداد ساخت پالایشگاه میان شرکت ملی نفت ایران و شرکت ژاپنی چیودا و شرکت ایتالیایی اسنام پروجتی امضا شد. مدت زمان عملیات ۳۸ ماه تعیین گردید و طبق طراحی انجام‌شده، گاز مایع، بنزین، نفت سفید و سوخت هواپیما، گازوئیل، نفت کوره، قیر و گوگرد محصولات آن بود. طراحی و احداث خطلوله انتقال مایعات گازی سرخون به این پالایشگاه بر عهده شرکت ملی گاز قرار گرفت.[۱]

برحسب گزارش روابط‌عمومی وزارت نفت، تا اردیبهشت ۱۳۷۲ ساخت پالایشگاه مبلغ ۶۰۰ میلیون دلار و ۲۲۰ میلیون ریال هزینه داشت. تا این زمان سهم شرکت‌های ایرانی در بخش طراحی بنیادی و تفصیلی، ۲۰ درصد و در بخش عملیات ساختمانی، حدود ۴۰ درصد بود. کارشناسان، ارزش تولیدات پالایشگاه را ۴/۵ میلیون دلار در روز برآورد کردند.[۲] سال ۱۳۷۱ عملیات ساختمانی و در سال ۱۳۷۳ عملیات نصب تجهیزات آغاز شد. بهمن ۱۳۷۵ مسئولین پالایشگاه اعلام کردند که ۸۵ درصد کار ساختمانی پالایشگاه به پایان رسیده است. سرانجام، پالایشگاه در ۴ مرداد ۱۳۷۶ با حضور رئیس‌جمهور هاشمی به بهره‌برداری رسید. از ویژگی‌های برجسته پالایشگاه، استفاده از توان داخلی در انجام برخی از کارهای عملیاتی و نیز برخی از تجهیزات ساخت داخل بود. طبق گزارش نشریه مشعل، ۷۷ پیمانکار ایرانی تمامی عملیات مکانیکی را انجام دادند و عملیات ساختمانی توسط شرکت‌های اویک و پرلیت انجام شد. درمجموع، استفاده از امکانات داخلی، ۹۵۰ میلیون دلار صرفه‌جویی در هزینه‌های ارزی را به دنبال داشت.[۳]

ظرفیت روزانه پالایشگاه ۲۲۰ هزار بشکه نفت‌خام سنگین و ۱۲ هزار بشکه مایعات گازی بود که در سال‌های بعدی به ۳۵۰ هزار بشکه در روز افزایش یافت. این پالایشگاه، تنها پالایشگاه نفت‌خام سنگین در خاورمیانه است و خوراک آن، نفت‌خام سبک جزیره هنگام، نفت‌خام سنگین انتقالی از جزیره خارگ و میعانات گازی از منابع گازی سرخون و عسلویه است. استان‌های هرمزگان، سیستان و بلوچستان، کرمان، یزد، فارس، بوشهر و خراسان جنوبی فراورده‌های موردنیاز خود را از این پالایشگاه تأمین می‌کنند.

توسعه پالایشگاه تبریز

پالایشگاه تبریز در طول جنگ ۲۲بار بمباران شده و ۲۹ شهید تقدیم کشور کرده بود. توسعه این پالایشگاه یکی از اهداف مدیران شرکت ملی نفت ایران بود. سال ۱۳۷۰

۱. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۷۹۵، ۱۳۶۹/۸/۳۰.
۲. پیک نفت، شماره ۲۷۶، سال ۱۳۷۲، ص ۱۸.
۳. مشعل، سال سوم، شماره ۱۰۰، ۱۱ مرداد ۱۳۷۶.

کارشناسان واحد برنامه‌ریزی تلفیقی به سرپرستی مهندس یحیوی، پرونده پالایشگاه تبریز را بر روی میز ارزیابی فنی گذاشتند. پرسش این بود که آیا می‌توان میزان تولید پالایشگاه تبریز را افزایش داد؟ کارشناسان آمارها و گزارش‌ها را بررسی کردند. به دستور یحیوی، چند گروه کارشناسی نیز به پالایشگاه تبریز رفتند و ارزیابی‌های فنی را انجام دادند. ۲۴ دی ۱۳۷۰ گزارش به هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت تحویل داده شد. گزارش کارشناسان برنامه‌ریزی تلفیقی حاکی از آن بود که کارکنان پالایشگاه تبریز توانسته بودند ظرفیت پالایشگاه را از ۸۰ هزار بشکه در روز به ۹۶ هزار افزایش دهند. آنها در ادامه گفتند که افزایش ظرفیت پالایشگاه به ۱۱۰ هزار بشکه در روز با انجام تغییرات زیر امکان‌پذیر خواهد بود: ۱. مرمت و بازسازی خط‌لوله ۱۶ اینچی و تحویل به امور خطوط لوله؛ ۲. بازسازی و آماده‌سازی برج خنک‌کننده پالایشگاه؛ ۳. راه‌اندازی واحد بازیافت گوگرد.

نتیجه اقدامات اصلاحی آن شد که در نیمه دهه ۷۰ اکثر واحدها با ظرفیت مناسب در مدار تولید قرار گرفتند و ظرفیت پالایشگاه به رکورد ۱۱۲ هزار بشکه در روز رسید.

در این دوره، پروژه‌های پالایشی دیگر نیز پیگیری می‌شدند تا ظرفیت تولید فراورده‌ها و خطوط لوله افزایش یابد. پروژه خط‌لوله ۴۵۶ کیلومتری بندرعباس به رفسنجان که در نوع خود بی‌نظیر بود، در سال ۱۳۷۲ به پایان رسید. همچنین، پروژه پالایشگاه مایعات گازی طاهری، بازسازی واحد کت‌کراکر پالایشگاه آبادان، فاز دو پالایشگاه اراک، فاز سوم پالایشگاه آبادان، روغن‌سازی بندرعباس، واحدهای سی‌سی‌آر در تهران و اصفهان در دست اقدام بود. بازسازی تعداد ۱۰۶۸ منزل و واحد غیرصنعتی پالایشگاه آبادان در همین زمان توسط بازسازان پالایشگاه تهران در دست مرمت و بازسازی بود.[۱] درباره سیستم فاضلاب به دلیل نا هماهنگی راهکار مناسبی اتخاذ نگردید و تا سالیان بعد گریبانگیر جامعه شهری شد. پالایشگاه آبادان از معدود پالایشگاه‌های جهان است که در وسط جامعه پیرامونی قرار دارد و منافع و مضرات آن در زندگی مردم اثر مستقیم دارد مسئولیت‌های اجتماعی. پالایشگاه آبادان در دوره سازندگی به‌نحو چشمگیری افزایش یافت، ولی در دوره‌های پسین رو به کاهش نهاد. قابل ذکر است که ورود مهاجران جدید از روستاها و شهرهای دیگر موجب جابه‌جایی بافت جمعیتی آبادان در این مقطع زمانی گردید.

۱. پیک نفت شماره ۲۷۶، سال ۱۳۷۲، ص ۱۹؛ شماره ۲۸۰، سال ۱۳۷۲، ص ۱۴.

پتروشیمی

پتروشیمی در دوره سازندگی در چارچوب اقتصاد برنامه‌ای کشور قرار گرفت. برنامه اول توسعه بدان توجه کرد و بودجه اولیه برای آن تعیین شد. از این منظر، مرکزیت‌گرایی در سرمایه و سازمان و طرح‌های توسعه‌ای قابل درک است. دولت که به‌خوبی بر مزیت اقتصادی صنایع پتروشیمی آگاه بود، به تقویت و توسعه این صنعت همت گماشت و آن را اولویت اول و محور توسعه صنعت کشور قرار داد. عباس شعری‌مقدم، از مدیران پیشکسوت پتروشیمی، درباره تحولات این صنعت در دولت سازندگی می‌گوید:

> آقای هاشمی درک درستی از پتروشیمی داشت و فکر می‌کرد پتروشیمی صنعت نجات‌بخش کشور است. رئیس دولت سازندگی از هیچ حمایتی برای توسعه پتروشیمی‌ها دریغ نکرد، باوجوداینکه کشور از نظر مالی ضعیف بود، اما حمایت برای تأمین منابع مالی درباره طرح‌های در دست اجرا در دستور کار قرار گرفت؛ اگرچه در پایان دولت، توسعه این صنعت بهدلیل تقابل مجلس با آیت‌الله هاشمی رفسنجانی و اقدامات سیاسی مجلس در سال‌های آخر دولت متوقف شد. کارهای بزرگی نیز انجام شد که نمونه عینی آن مجتمع پتروشیمی ایران ـ ژاپن (بندرامام کنونی) بود که تکلیف آن مشخص شد. طرح‌های دیگری نیز همچون پتروشیمی تبریز، خراسان و اصفهان در آن زمان پیگیری شد و توسعه صنعت پتروشیمی جهش خوبی پیدا کرد.[۱]

برنامه اول توسعه اقتصادی

سرمایه‌گذاری داخلی، فاینانس خارجی

قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور (۱۳۶۸ تا ۱۳۷۲) در بخش پتروشیمی با هدف بازسازی خسارت‌های جنگ تحمیلی و بهره‌برداری حداکثری از ظرفیت‌های موجود و ایجاد رشد اقتصادی در کشور تنظیم شد. در این برنامه برای به کارگیری توان تولید داخلی کشور و انتقال دانش فنی برای عقد قرارداد به پیمانکاران خارجی، خرید ماشین‌آلات و تجهیزات و اجرای طرح‌ها، برای پتروشیمی نیز سهمیه ارزی در نظر گرفته شد. به شرکت ملی صنایع پتروشیمی اجازه داده شد برای طرح‌های

۱. مصاحبه با عباس شعری‌مقدم، بهمن ۱۳۹۴ (پروژه تاریخ نفت ایران).

سرمایه‌ای با ضمانت بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تا مبلغ ۲ میلیارد و ۲۰۰ میلیون دلار به‌صورت پیش‌فروش محصولات، ایجاد تعهد کند. درعین‌حال، بازسازی و نوسازی مجتمع‌های آسیب‌دیده و بهره‌برداری از طرح‌های پتروشیمی اصفهان، اراک و تکمیل مجتمع بندر امام از دیگر اولویت‌های برنامه اول توسعه در بخش پتروشیمی بود.[۱] در برنامه دوم توسعه پتروشیمی نیز افزایش سوددهی، توسعه صادرات، گسترش خصوصی‌سازی، افزایش تولید و تنوع محصولات هدف اصلی عنوان شد.[۲]

با چنین دیدگاهی، مجتمع‌های آسیب‌دیده آبادان، خارگ، فارابی و رازی با سرمایه دولت به‌سرعت بازسازی شدند و به مدار تولید بازگشتند. حسن حبیبی معاون اول رئیس‌جمهور در ۱۳ مهر ۱۳۶۸ فاز اول بازسازی‌شده پتروشیمی آبادان را افتتاح کرد.[۳]

احمد رهگذر که در تمامی دوران سازندگی (۱۳۶۷ - ۱۳۷۷) مدیریت صنایع پتروشیمی کشور را در دست داشت، بر این نکته تأکید می‌ورزد که در این دوران و با حمایت‌های هاشمی، «صنعت پتروشیمی از صنعتی مخروبه و درب‌وداغان، به صنعتی رو به رشد، زنده، بلدکار و توانمند برای توسعه تبدیل شد.»[۴] اما روی دیگر سکه، درگیری‌های سیاسی در کشور بود که به ضرر صنعت پتروشیمی شد. درگیری بین مجلس و ریاست جمهوری به اندازه‌ای شدت یافت که دیگر نمی‌شد طرح‌ها را انجام داد. با تمام مشکلات، احمد رهگذر توانست تحولات زیادی در صنعت پتروشیمی ایران ایجاد کند. سیدمهدی حسینی معتقد است رهگذر «ظرفیت پتروشیمی را افزایش قابل توجهی داد، آن‌هم در شرایطی که فاینانس بسیار سخت بود. سخت بود که وارد پتروشیمی شوید و یک مدیر خوب بمانید.»[۵] رهگذر مدیر خوبی بود و خوب ماند. به سرانجام رساندن طرح‌هایی که در دوره‌ی جنگ تنها بر روی کاغذ ثبت شده و یا در مرحله‌ی عملیات ساختمانی بودند مهم‌ترین چالش‌های پیش روی رهگذر بود.

مجتمع ایران ـ ژاپن؛ بندر امام

پتروشیمی بندر امام (ایران ـ ژاپن) از مهم‌ترین و عظیم‌ترین پروژه‌هایی بود که در این

۱. قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران.
۲. برنامه دوم توسعه پتروشیمی (۱۳۷۸-۱۳۷۳)
۳. روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳ مهر ۱۳۶۸.
۴. مصاحبه با احمد رهگذر، پیام پتروشیمی، دی‌ماه ۹۳، شماره ۷۹، ص ۲۲.
۵. مصاحبه با سید مهدی حسینی، پیام پتروشیمی، دی‌ماه ۹۳، ش ۷۹، ص ۲۵.

دوره با دستان توانمند ایرانی‌ها انجام شد. چنانکه گفتیم، پس از پیروزی انقلاب ۱۳۵۷ و سپس، با وقوع جنگ، ژاپنی‌ها ایران را ترک کردند. مذاکره با شرکای ژاپنی در طول جنگ بی‌نتیجه بود و بزرگ‌ترین مجتمع پتروشیمی خاورمیانه در آستانه بهره‌برداری متوقف شد. کارکنان ایرانی تنها کارهای حفظ و نگهداری و در صورت لزوم تعمیر را انجام می‌دادند و تمام هزینه‌های مجتمع بر عهده شرکت ملی صنایع پتروشیمی بود.

پس از پایان جنگ، کارشناسان ژاپنی از مجتمع بازدید کردند. آنها معتقد بودند که طراحی مجتمع قدیمی شده است و دیگر ادامه این پروژه اقتصادی نیست. باید تمام تأسیسات تخریب و واحدهای جدید ایجاد شود، اما ایرانی‌ها دیدگاهی کاملاً متفاوت از شرکای ژاپنی داشتند و خواهان بازسازی، تعمیر و راه‌اندازی واحدها بودند.[۱] پروژه اهمیت ملی داشت و مردم اخبار آن را دنبال می‌کردند. اعضای هیئت‌مدیره در ۷ فروردین ۱۳۶۸ برای تأمین بودجه این مجتمع و ادامه کار به تصمیم جدیدی رسیدند. آنها به این نظر رسیدند که طرح الفین و طرح آروماتیک باید از هم جدا و بودجه آنها نیز تفکیک شود.[۲] تنها بدین صورت بود که می‌شد طرح را ادامه داد. هم‌زمان، مذاکره با شریک ژاپنی ادامه یافت و در ۲۷ مهر ۱۳۶۸ طرفین به توافق رسیدند و ژاپنی‌ها از پروژه کناره گرفتند. مجتمع صد در صد ایرانی شد و از این پس «بندر امام» نام گرفت.

بخشی از بودجه‌ی پروژه‌های زیربنایی به مجتمع اختصاص داده شد و سازمان تأمین اجتماعی نیز درخواست کرد تا در پروژه مشارکت داشته باشد. مذاکره با بانک‌های اروپایی برای اخذ وام به نتیجه رسید و تفاهم‌نامه سه‌جانبه‌ای بین شرکت ملی صنایع پتروشیمی، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و بانک سوسیته ژنرال در شهریور ۱۳۶۹ امضا شد.[۳] بخشی از وام دریافتی به مجتمع بندر امام اختصاص یافت. وامی از سندیکای بانک‌های اروپایی دریافت و برای اجرای پروژه PVC اختصاص داده شد.[۴] مشعل مجتمع پس از ده سال روشن شد. اولین دیگ بخار بازسازی‌شده نیز در تیرماه ۱۳۶۹راه‌اندازی گردید.

شرکت‌های ایرانی، هلندی، آلمانی و فرانسوی هرکدام عهده‌دار بخشی از عملیات بازسازی و راه‌اندازی شدند. تجربه مهندسین ایرانی در بازسازی پالایشگاه آبادان به کمک

۱. مصاحبه با عباس شعری‌مقدم، بهمن ۱۳۹۴ (پروژه تاریخ نفت ایران).
۲. صورت‌جلسه هیئت‌مدیره شرکت ملی صنایع پتروشیمی، ۱۳۶۸/۱/۷.
۳. صورت‌جلسه هیئت‌مدیره شرکت ملی صنایع پتروشیمی، جلسه ۴۴۲، ۱۳۶۹/۶/۱۸.
۴. صورت‌جلسه هیئت‌مدیره شرکت ملی صنایع پتروشیمی، جلسه ۵۱۸، ۱۳۷۱/۵/۴.

پتروشیمی بندر امام آمد. صالحی‌فروز به این نکته اشاره کرد که «بازسازی پتروشیمی بندر امام براساس تجربه بازسازی پالایشگاه آبادان انجام شد. کار بین پالایشگاه‌ها تقسیم و حق‌الزحمه مهندسین هم روزانه ۱۰۰۰ تومان در نظر گرفته شد.»[۱] کارکنان پتروشیمی بندر امام بر اثر دانش و تجربه‌ای که کسب کرده بودند به بازسازی واحدهای تقطیر، مخازن، اتاق کنترل و ترمیم لوله‌کشی‌های درون مجتمع همت گماشتند. آنها که از قبل نقشه را داشتند، با خرید برخی از تجهیزات موردنیاز از کشورهای اروپایی و با استفاده از تجربیات ماشین‌سازی اراک و آذرآب از ساخت داخل بهره بردند و به دانش لازم دست یافتند. اتاق کنترل واحد NF از جمله واحدهایی بود که در آخرین بمباران مجتمع خراب شده بود. کمپرسورهای ژاپنی از جمله بخش‌های مهم این واحد بودند و ژاپنی‌ها دیگر حاضر نبودند در ایران بمانند. ایرانی‌ها با تکیه و اعتماد به توانایی‌های خود و باتوجه‌به کاتالوگ‌های راهنما کمپرسورها را در کمتر یک هفته راه‌اندازی کردند.

واحد کلرآلکالی، بزرگ‌ترین واحد جهان در نوع خود بود. شرکت ساختمان و نصب صنایع پتروشیمی که با تلاش‌های نجابت تأسیس شده بود تا به کمک صنایع پتروشیمی بیاید، اجرای این واحد را بر عهده گرفت. این پروژه توسط نیروهای داخلی و در مدت ۲۳ ماه و ۶ میلیون نفر ساعت اجرا شد. تنها ۲۰ درصد تدارکات طرح توسط شرکت‌های خارجی صورت گرفت. غلامحسین نجابت در ۲۱ خرداد ۷۳ پس از افتتاح این واحد، گفت: «شرکت ساختمان و نصب صنایع پتروشیمی با حجم عملیاتی بیش از ۱۵۰ میلیارد ریال و ۵ میلیون نفر و با بهره‌گیری از متخصصان ایرانی، یکی از بزرگ‌ترین شرکت‌های نصاب مکانیکی در خاورمیانه است.»[۲] این‌گونه بود که سرنوشت پرفرازونشیب مجتمع بند امام به پایانی خوش رسید. مجتمع که به بهره‌برداری رسید، گذر زمان ثابت کرد حق با ایرانی‌ها بود که حاضر نشدند از پروژه صرف‌نظر کنند و ژاپنی‌ها اعتراف کردند که کنار کشیدن کردن از این پروژه اشتباه بزرگی بود.[۳]

فاز سوم مجتمع نیز در ۱۹ فروردین ۱۳۷۴ با حضور رئیس‌جمهور افتتاح شد. گفته شد با بهره‌برداری از این واحد، ۱۷۵ هزار تن PVC در سال تولید خواهد شد که ۲۰۰ میلیون دلار صرفه‌جویی ارزی سالانه دنبال خواهد داشت. تکمیل و افتتاح این واحد از

۱. عراقی، بیست سال با گاز، ص ۱۵۱.

۲. روزنامه اطلاعات، ۲۱ خرداد ۷۳.

۳. مصاحبه با مهندس عباس شعری‌مقدم، بهمن ۱۳۹۴ (پروژه تاریخ نفت ایران)

چنـان اهمیتـی برخـوردار بـود کـه رئیس‌جمهـور نشـان درجـه ۲ کار و تولیـد را بـه مهنـدس رهگـذر اعطـا کـرد. در مراسـم افتتـاح ایـن واحـد، آیـت‌الله هاشـمی بـه واحـد آروماتیـک مجتمـع اشـاره کـرد و گفـت: «کارشناسـان پتروشـیمی پیشـنهاد ۷۵۰ میلیـون مارکـی را بـا ۲۲۰ میلیـون مـارک بـه پایـان خواهنـد رسـاند کـه نشـان مدیریـت فنـی و قـدرت فـن اسـت.»[۱]

طـرح آروماتیـک در زمـان جنـگ خسـارات فراوانـی دیـده بـود، به‌طوری‌کـه بازسـازی آن غیرممکـن بـه نظـر می‌رسـید. بیـش از ۱۵۰ نقطـه بـرج تقطیـر آن مـورد اصابـت ترکـش قـرار گرفتـه بـود. سـرانجام ایـن واحـد بـا ظرفیـت ۵۰۰ هـزار تـن در سـال در ۲۱ آبـان ۱۳۷۵ بـا حضـور رئیس‌جمهـور افتتـاح شـد و کار خـود را آغـاز کـرد. شـرکت خارجـی مـورد مذاکـره بـرای احـداث ایـن واحـد مبلـغ ۳۶۵ میلیـون مـارک را درخواسـت کـرده بـود، امـا نیروهـای متخصـص ایرانـی ۶ مـاه زودتـر و بـا صـرف هزینـه ۹۰ میلیـون مـارک و ۲۰۰ میلیـارد ریـال ایـن واحـد را بـه سـامان و بـار دیگـر توانایـی خـود را بـه اثبـات رسـاندند.[۲] هـم در زمـان صرفه‌جویـی شـد و هـم میلیون‌هـا دلار صرفه‌جویـی ارزی بـرای کشـور بـه همـراه داشـت و همـگان بـه صرفه‌جویـی میلیون‌هـا دلار ارز و سـرعت عمـل و توانایـی مجریـان آن اعتـراف کردنـد.

بـا افتتـاح تمامـی واحدهـای مجتمـع، وظایـف و مأموریت‌هـا گسـترش یافـت و بیشـتر از انـدازه‌ی پیش‌بینی‌شـده بـود. هیئت‌مدیـره‌ی شـرکت ملـی صنایـع پتروشـیمی تصمیـم گرفـت سـاختار مجتمـع را از حالـت متمرکـز خـارج سـازد. آنـان پـس از مدت‌هـا بحـث و گفت‌وگـو و مطالعـه‌ی گزارش‌هـای کارشناسی‌شـده، در ۱۵ مهـر ۱۳۷۷ تصمیـم گرفتنـد پنـج شـرکت مسـتقل فرعـی تأسـیس کننـد.[۳] ایـن تصمیـم در راسـتای فاصلـه گرفتـن از سیاسـت‌های تمرکزگرایانـه‌ی صنعـت نفـت و پتروشـیمی بـود کـه در دهـه‌ی سـازندگی مـورد بحـث قـرار داشـت و بـا آمـدن بیـژن زنگنـه بـر کرسـی وزارت نفـت سـرعت گرفـت. در همیـن راسـتا، در سـال ۱۳۷۹ از دل مجتمـع بنـدر امـام پنـج شـرکت، خوارزمـی، فـرآورش، کیمیـا، بسـپاران و آب نیـرو پدیـد آمـد. هریـک از شـرکت‌ها توانایی‌هایـی جدیـدی را بـه منصـه‌ی ظهـور رسـاندند و در سـالیان بعـد منشـأ تحـولات مفیـدی گردیدنـد. ایـن رویـداد، بـه لحـاظ تاریخـی نقطـه‌ی عطفـی در صنعـت پتروشـیمی بـه حسـاب می‌آیـد.

---

۱. روزنامه کیهان، ۲۰ فروردین ۱۳۷۴.

۲. روزنامه، ۲۱ آبان ۱۳۷۵.

۳. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی صنایع پتروشیمی،جلسه ۸۷، ۷۷/۷/۱۵.

پتروشیمی اراک

طرح اراک از اهمیت بسیاری برخوردار بود؛ به‌طوری‌که دشواری‌های جنگ هم نتوانست خللی در عزممدیران ایجاد کند. یکی از اهداف بزرگ این طرح، آموزش کارشناسان و مهندسان جوان ایرانی و استفاده از توانمندی‌های آنها بود. در فصل قبل، از انتخاب چهل تن از نخبگان دانشگاه‌های کشور و آموزش آنها توسط مهندس پیوندی گفتیم. این افراد برای گذراندن دوره‌ی ۴ ماهه عازم جزیره سیسیل در ایتالیا شدند که واحدی مشابه مجتمع اراک در آنجا راه‌اندازی شده بود.[۱] آنها پس از دوره‌ی آموزشی به کشور بازگشتند و آموخته‌هایشان را به کار گرفتند.

۲۸ مهر ۱۳۷۰ نیز قراردادی پژوهشی با دانشکده فنی دانشگاه تربیت مدرس امضا و مدلسازی و شبیه‌سازی راکتورهای شکست حرارتی و طراحی شبکه انتقال حرارت واحد اتیلن مجتمع پتروشیمی اراک به اساتید و دانشجویان این دانشگاه واگذار شد.[۲] این قرارداد گام مؤثری در راستای پیوند دانشگاه و صنعت و اعتماد به سرمایه‌های جوان کشور بود.

فاز اول مجتمع اراک، ۲۲ بهمن ۱۳۷۱ با حضور رییس جمهور افتتاح گردید. کار مجتمع در حالی آغاز شد که هنوز پالایشگاه اراک به بهره‌برداری نرسیده بود و خوراک مجتمع به‌طور موقت از طریق تانکر از پالایشگاه اصفهان به اراک می‌رسید.[۳] فاز دوم نیز در ۶ آذر ۱۳۷۴ با حضور حسن حبیبی، معاون اول رئیس‌جمهور، و آقازاده، وزیر نفت، افتتاح شد. با افتتاح این فاز، ۶ محصول جدید پتروشیمی اراک شامل اکسید اتیلن، اتیلن گلایکول، اسید استیک، استات وینیل، بوتادین، پلی بوتادین در خط تولید قرار گرفت.[۴] در مردادماه ۱۳۷۷ این مجتمع موفق به دریافت استاندار بین‌المللی ایزو ۹۰۰۲ شد.[۵]

در حال حاضر، نفتای سبک و سنگین موردنیاز مجتمع از پالایشگاه‌های اراک و اصفهان، آمونیاک موردنیاز آن از مجتمع‌های داخلی، گاز طبیعی از شرکت ملی گاز ایران و پروپیلن از طریق واردات تأمین می‌گردد. محصولات اصلی مجتمع اتیلن، پروپیلن، پلی‌اتیلن سنگین و سبک، بوتادین، اتیلن گلایکول، هیدروکربورهای هیدروژنه و نفت‌کوره است.

۱. مصاحبه با مهندس پیوندی، پروژه تاریخ نفت ایران، بهمن ۴۹۳۱

۲. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی صنایع پتروشیمی، جلسه ۴۸۷ ، ۷۰/۷/۲۸.

۳. مصاحبه با مهندس پیوندی، پروژه تاریخ نفت ایران، ۱۳۹۴.

۴. روزنامه کیهان، ۶ آذر ۷۴.

۵. مشعل شماره ۱۳۶ نیمه اول مرداد ۷۷

آروماتیک اصفهان

همان‌طور که در فصل پیش شرح دادیم، قرار شد بخشی از طرح اراک در اصفهان اجرایی گرد. این پروژه پس از پایان جنگ سرعت گرفت. ۷ آذر ۱۳۶۸ شرکت سهامی پتروشیمی اصفهان تأسیس گردید و کارها سرعت گرفت. مذاکره با شرکت‌های خواهان مشارکت در این طرح آغاز شد. طراحی محوطه مجتمع به شرکت مهندسین مشاور بندآب واگذار گردید.[۱] شرکت کره‌ای شینوا که در زمان جنگ طرح گسترش شیراز را نیمه‌کاره رها کرده بود، خواهان مشارکت در طرح اصفهان شد. مجید محمودیان، رئیس طرح آروماتیک اصفهان، مأمور امضای قرارداد با شینوا شد.[۲] کارها به‌خوبی پیش می‌رفت و ۲۰ فروردین ۱۳۷۱مهندس کاجی، رئیس هیئت‌مدیره پتروشیمی اصفهان، اعلام کرد طرح در خرداد پیش راه‌اندازی و در پایان شهریور راه‌اندازی خواهد شد.[۳] کارهای اجرایی و مشکلات مالی، اجرای طرح را با اندکی تأخیر مواجه کرد. سرانجام مجتمع اصفهان که با سرمایه‌ای بالغ بر ۶ میلیارد ریال احداث شده بود، در اول فروردین ۱۳۷۲ به بهره‌برداری تجاری رسید.

شرکت UOP شرکت صاحب لیسانس مجتمع است و خوراک موردنیاز آن از طریق شرکت پالایش نفت اصفهان تأمین می‌شود. بنزن، تولوئن، ارتوزایلین، پارازایلین، انیدریک فتالیک، رافینیت آروماتیک و خلوط زایلین‌ها محصولات اصلی مجتمع است. در سال

کود شیمیایی خراسان

چنانکه گفتیم، ایجاد مجتمع تولید کود شیمیایی در خراسان در دوره‌ی جنگ مورد تأیید قرار گرفت، اما اجرای آن از سال ۱۳۶۸ به‌طور جدی آغاز شد. آستان قدس که پیشتر از این طرح استقبال کرده بود، اعلام کرد که در آن سرمایه‌گذاری می‌کند و ساختمانی نیز برای دفتر این طرح خریداری خواهد کرد.[۴]

کارشناسان در ابتدا زمینی در ۳۵ کیلومتری شهر مشهد را برای احداث مجتمع مناسب دانستند[۵]، اما ظاهرا نزدیکی بیش از حد به شهر مخالفت مدیران را در پی داشت. محمد احتیاطی که سابقه‌ی موفقی در اداره‌ی مجتمع رازی و نیز مدیریت عملیات شرکت ملی

۱. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی صنایع پتروشیمی، جلسه ۳۴۳، ۱۳۶۶/۱۲/۱۰.
۲. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی صنایع پتروشیمی، جلسه ۴۰۴ ، ۱۳۶۸/۷/۱۰.
۳. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی صنایع پتروشیمی، جلسه ۵۰۲ ، ۱۳۷۱/۱/۲۰
۴. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی صنایع پتروشیمی، جلسه ۳۹۰، ۱۳۶۸/۳/۲۲.
۵. همان، جلسه ۳۵۲، ۶۷/۱/۲۸.

صنایع پتروشیمی داشت، به‌عنوان مدیر این طرح و مدیرعامل مجتمع خراسان برگزیده شد. او بجنورد را مکان مناسبی برای احداث کارخانه می‌دانست. این شهر بین استان خراسان و گلستان قرار داشت و با تأسیس مجتمع، می‌توانستند نیازهای هر دو استان تأمین و مازاد آن را به سایر نقاط کشور ارسال کنند.[۱] زمینی به وسعت ۲۰۴ هکتار در کیلومتر ۱۷ جاده‌ی مشهد نزدیک شهرستان بجنورد انتخاب شد. ۱۷ تیر ۱۳۶۹ نیز شرکت پتروشیمی خراسان (سهامی خاص) با سرمایه یکصد میلیون ریال در اداره‌ی ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری تهران به ثبت رسید.

مذاکر برای اخذ لایسنس‌ها آغاز شد. لیسانس واحد اوره از شرکت استامی کربن هلند و واحد آمونیاک از کلاگ انگلیس خریداری شد. طراحی بیشتر بخش‌های مجتمع را کارشناسان ایرانی و بخشی را نیز کارشناسان خارجی انجام دادند. برای نخستین بار در کشور ایرانی‌ها عملیات ساختمان و نصب را انجام دادند: «کنسرسیومی از شرکت‌های هلندی، ژاپنی و انگلیسی تشکیل شد که قرارداد فاینانس برای بخش مهندسی و خرید تجهیزات را برعهده داشتند. مرسوم نبود که کار ساختمان و نصب را ایرانی‌ها انجام دهند. من آقای آقازاده را راضی کردم که این کار را به ایرانی‌ها بدهیم و او هم پذیرفت. کنسرسیوم سابق‌الذکر نظارت بر عملیات ساختمان را برعهده گرفتند. تمامی کارهای ساختمانی و نصب طبق زمان‌بندی و بودجه‌ای که برایش در نظر گرفته شده بود، انجام شد که در نوع خود بی‌نظیر بود. ما در این پروژه جسارت زیادی به خرج دادیم و به جرئت می‌توانم بگویم که باید آن را در ردیف پروژه‌های ملی قرار دهیم.»[۲]

برای راه‌اندازی مجتمع حدود ۳۵۰ میلیارد ریال هزینه شد. در ۱۳ تیر ۱۳۷۵ واحدهای تولید اوره و آمونیاک توسط رئیس‌جمهور و افتتاح گردید. با راه‌اندازی این مجتمع ۱۲۰ میلیون دلار سالانه صرفه‌جویی ارزی انجام می‌شد.[۳] خوراک موردنیاز مجتمع گاز طبیعی است که از پالایشگاه خانگیران ـ سرخس تأمین می‌شود. محصولات آن آمونیاک و اوره پریل است که در صنعت کشاورزی به عنوان کود استفاده می‌شود و کریستال ملامین تولیدی آن در صنایع دیگر برای تولید ظروف ملامین و پوشش نئوپان به کار می‌رود.

۱. مصاحبه با مهندس محمد احتیاطی، بهار ۱۳۹۴ (پروژه تاریخ نفت ایران).
۲. مصاحبه با مهندس محمد احتیاطی، بهار ۱۳۹۴ (پروژه تاریخ نفت ایران).
۳. روزنامه کیهان، ۱۳ تیر ۷۵.

پتروشیمی تبریز

ایجاد مجتمع در تبریز در سال ۱۳۶۶ تصویب گردید. فعالیت‌های طراحی و مهندسی طرح از اواخر سال ۱۳۶۸ آغاز شد. مشکلات مالی آزاردهنده و شرکت ملی صنایع پتروشیمی در پی جذب سرمایه‌گذار بود. در خردادماه ۱۳۶۹ مدیران سازمان تأمین اجتماعی اعلام کردند که علاقه‌مند به مشارکت در طرح هستند و هیئت‌مدیره موافقت کرد.[۱] پس از آن شرکت پتروشیمی تبریز با عنوان شرکت سهامی خاص در ۱۷ تیر ۱۳۶۹ اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیر تجاری تهران به ثبت رسید.

برای تأمین بخشی از هزینه‌های طرح و تشویق بخش خصوصی، مدیران تصمیم گرفتند طرح تبدیل پروپیلن مازاد را به بخش خصوصی واگذار کنند. شرکت پلی‌نار از بین متقاضیان مناسب تشخیص داده شد. قرارداد سرویس‌های جانبی مجتمع نیز در دی ۱۳۷۰ با شرکت ایتالیایی تکنی‌مونت امضاء گردید. عملیات نصب در نیمه اول سال ۱۳۷۱ با ورود ماشین‌آلات آغاز شد. با موافقت رئیس‌جمهور، برای تأمین بخشی از ارز مورد نیاز پروژه، صد میلیون دلار ارز از محل پیش‌فروش نفت به شرکت ماروبنی به این طرح اختصاص یافت.[۲] واحد الفین فاز اول مجتمع بود که خوراک اصلی سایر واحدها را تأمین می‌کرد. این واحد در دی ۱۳۷۵ پیش‌راه‌اندازی و در ۱۸ فروردین ۱۳۷۶ توسط رئیس‌جمهور، هاشمی رفسنجانی، افتتاح شد. هزینه ریالی آن ۲۲۰۰ میلیارد ریال و یک میلیارد دلار هزینه ارزی آن بود.[۳]

خوراک موردنیاز مجتمع از طریق پالایشگاه‌های تبریز، تهران، پتروشیمی بندر امام، اراک و بخشی دیگر از خوراک آن نیز از طریق واردات تأمین می‌گردد. پلی‌اتیلن سنگین و سبک خطی، پلی‌استایرن انبساطی و معمولی و مقاوم، پروپیلن، بوتادین ۱ و ۳ و تولوئن تولیدات اصلی مجتمع هستند. در سال ۱۳۷۵ نظام کیفیت ایزو ۹۰۰۲ در کل مجتمع و برای تمام محصولات مستقر و گواهینامه آن دریافت شد. در مرداد ۱۳۷۷ مهندس نوری، مدیرعامل، گفت: «ما مفتخریم که رکورد ۱۰۰۰ روز تولید بدون توقف را از سال ۱۳۷۲ تا سال۷۵ به خود اختصاص داده ایم.»[۴]

---

۱. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی صنایع پتروشیمی، جلسه ۴۲۸، ۱۳۶۹/۳/۶.

۲. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی صنایع پتروشیمی، جلسه ۶۲۷ ، ۱۳۷۳/۱۰/۱۴.

۳. روزنامه کیهان، ۱۸ فروردین ۷۶.

۴. مشعل شماره ۱۳۷ نیمه دوم مرداد ۱۳۷۷

تکنولوژی، دانش فنی و تأسیس شرکت‌های جدید

پایه‌گذاری تکنولوژی داخلی و استفاده‌ی بیشتر از امکانات داخل کشور از جمله اهداف مدیران پتروشیمی بود. مدیران تجربه سال‌های و تحریم را پیش رو داشتند که بخش پتروشیمی را با مشکلات بسیاری در طراحی و نصب واحدها روبه‌رو کرده بود. بهترین راه برای انتقال تکنولوژی و حفظ آن، تأسیس شرکت‌های جدید بود. در همین راستا، دو شرکت ساختمان و نصب صنایع پتروشیمی (ECC) و طراحی و مهندسی صنایع پتروشیمی (PIDEC) تأسیس گردید. مدیران به توانمندی متخصصان جوان داخل اعتماد کردند. اعتمادی که پرثمر شد و این دو شرکت توانستند بدون کمک متخصصان خارجی، طراحی و نصب برخی از طرح‌ها را انجام دهند. هم دانش فنی ارتقا یافت و هم ارز کشور خارج نشد. مهندس نجابت در گفتگویی صمیمانه، از آن روزها گفت:

> در شرایط حاکم بر آن روزها، شرکت‌های خصوصی چندان پذیرفته نبودند و شرکت‌های دولتی هم مشکل کارایی و محدودیت‌های وقوعی داشتند، لذا برای اولین بار تصمیم گرفته شد شرکت طراحی مهندسی و ساختمان و نصب تشکیل شود که ۵۱ درصد سهام آن متعلق به کارکنان و ۴۹ درصد متعلق به شرکت ملی صنایع پتروشیمی باشد. به‌این‌ترتیب با ۴۹ درصد سهم، به دولت وصل بود و با ۵۱ درصد سهم کارکنان، خصوصی تلقی می‌شد.[۱]

در مرداد ۱۳۶۸ شرکت ساختمان و نصب صنایع پتروشیمی و پس از آن شرکت طراحی و مهندسی صنایع پتروشیمی به‌عنوان زیر مجموعه‌ای از شرکت ساختمان و نصب تأسیس شد .

سرمایه‌گذاری، بورس، مشارکت‌های جدید

تأسیس شرکت سرمایه‌گذاری صنایع پتروشیمی یکی از رویدادهای اثرگذار در صنعت پتروشیمی ایران است که کمتر به آن پرداخته شده است. شرکت در ۲۷ اسفند ۱۳۷۰ تأسیس شد.[۲] تغییر در نگرش هیئت‌مدیره، ضرورت جذب سرمایه و توسعه‌ی شتابان از از دلایل تأسیس شرکت بود. پس از تأسیس این شرکت بخشی از عملیات توسعه‌ای، سرمایه‌ای و خدماتی را عهده‌دار گردید.

۱.مصاحبه با مهندس غلام‌حسین نجابت، دی ۱۳۹۴ (پروژه تاریخ نفت ایران).

۲. سایت شرکت http://piicgroup.co

در بدو تأسیس، سرمایه شرکت ۵۰۰ میلیون ریال بود که طی چند مرحله به ۱۸۲۰ میلیارد ریال رسید.[۱] در سال ۱۳۷۳ در بازار بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته و در تیرماه ۱۳۷۴ در گروه محصولات شیمیایی بورس درج شد و در همین سال برای اولین بار سهام آن مورد معامله قرار گرفت و سهامدار اصلی آن شرکت سرمایه‌گذاری تأمین اجتماعی (شستا) بود.

برحسب اسناد آرشیوی، ایجاد واحدهای جدید پتروشیمی و صنایع وابسته، خرید و فروش سهام کارخانه‌های کوچک تولیدکننده محصولات پتروشیمی، اجاره و اداره کارخانه‌های کوچک تولیدکننده محصولات پتروشیمی و ارائه خدماتی که موردنیاز شرکت ملی صنایع پتروشیمی از وظایف این شرکت تعیین شد.[۲] شرکت ملی صنایع پتروشیمی در سال ۱۳۷۲ تصمیم گرفت کارخانه‌های کربن، فارابی و پولیکا را تا واگذاری سهامشان به‌صورت اجاره در اختیار این شرکت قرار دهد[۳] و پتروشیمی فارابی اولین مجتمعی بود که به اجاره این شرکت درآمد. اوج اختیارات شرکت در پایان سال ۱۳۷۲ بود که مدیران تصمیم گرفتند ۶۰ درصد سهام شرکت خدماتی و عملیاتی پتروشیمی فارس در شیراز را به آن واگذار کنند. ۴۰ درصد باقیمانده به کارکنان مجتمع پتروشیمی شیراز تعلق گرفت.[۴] در آذر ۱۳۷۳ تقاضای شرکت برای اجاره‌ی مجتمع آبادان مورد بررسی و موافقت قرار گرفت.[۵]

ازجمله فعالیت‌های شرکت در بخش تولید انواع مواد پتروشیمیایی می‌توان به موادی چون دوده صنعتی (Carbon Black)، MTBA، متیل اتیل کتون (MEC)، اسید سیتریک و بوتانول (SBA) اشاره کرد. بخش خدمات فنی و مهندسی خدماتی مانند مهندسی، ساخت تجهیزات، نصب و راه‌اندازی، بهره‌برداری و تعمیرات به اغلب مجتمع‌های پتروشیمی و سایر صنایع مرتبط با حوزه نفت، گاز و پتروشیمی کشور ارائه می‌دهد و بخش‌های بازرگانی و سرمایه‌گذاری هم در زمینه صادرات، واردات مواد، محصولات و تأمین مالی پروژه‌های سرمایه‌گذاری فعالیت داشتند.[۶]

---

۱. آینده ای روشن در انتظار سهام شرکت سرمایه گذاری صنایع پتروشیمی، سایت http://shomanews.com

۲. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی صنایع پتروشیمی، جلسه ۳۷۵ ، ۲۷/۷/۸۲.

۳. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی صنایع پتروشیمی، جلسه ۵۸۶، ۷۲/۱۰/۲۲.

۴. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی صنایع پتروشیمی، جلسه ۵۸۹، ۱۳۷۲/۱۱/۲۰

۵. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی صنایع پتروشیمی، جلسه ۳۲۶، ۳۷۳۱/۹/۶۱.

۶. سایت شرکت http://piicgroup.co/

طرح‌های جدید

مدیران پتروشیمی در دوره‌ی سازندگی به اقدامات بزرگی دست زدند. علاوه بر تکمیل طرح‌های پیشین، طرح‌های جدیدی تعریف و اجرایی شد. مدیران جوان که کارشان را از اداره‌ی واحدهای مجتمع‌ها شروع کرده بودند، در سالیان گذشته تجربیات گرانبهایی اندوختند. در مذاکره با شرکت‌های اروپایی مهارت و تجربه کسب کردند و به حقوق قراردادیشان آشنا شدند. محمد احتیاطی از آن روزها چنین یاد می‌کند: «ما تجارب بسیار خوبی در دوره‌ی بازسازی کسب کردیم. یاد گرفتیم با ملیت‌های مختلف چگونه مذاکره کنیم و چگونه قرارداد ببندیم. مذاکره با هر ملیتی روش‌های خود را دارد. تسلط بر رفتار در مذاکره و تسلط بر عکس‌العمل‌های مذاکره بین ملیت‌های مختلف متفاوت است. ما به سطحی از آگاهی از حقوق قراردادی خود، اعم از خرید تجهیزات، خرید دانش فنی و حتی فروش محصولات دست یافتیم.»[1]

نام طرح	سال آغاز اجرا	سال بهره‌برداری
دی آمونیوم فسفات در مجتمع رازی	۱۳۶۲	۱۳۷۰
فاز اول پتروشیمی اراک	۱۳۶۳	۱۳۷۲
فاز دوم پتروشیمی اراک	۱۳۶۴	۱۳۷۴
متانول اول در مجتمع شیراز	۱۳۶۴	۱۳۶۹
پتروشیمی اصفهان	۱۳۶۸	۱۳۷۱
پتروشیمی تبریز	۱۳۶۹	۱۳۷۵
پتروشیمی خراسان	۱۳۶۹	۱۳۷۵
پتروشیمی ارومیه	۱۳۷۰	۱۳۷۴
پتروشیمی کرمانشاه	۱۳۷۵	۱۳۸۶
پتروشیمی بیستون	۱۳۷۷	۱۳۸۳

۱. مصاحبه با محمد احتیاطی، بهار ۱۳۹۴ (پروژه تاریخ نفت ایران).

تولید و صادرات

در دوره سازندگی، به دلیل بهره‌برداری از طرح‌های جدید میزان تولید و تنوع محصولات افزایش قابل توجهی یافت. در پایان سال ۱۳۷۳، مجتمع‌های شیراز، آبادان، رازی، فارابی، خارگ، بندر امام، اصفهان، اراک و کارخانه‌های پولیکا، کربن ایران و پازارگاد در مدار تولید قرار داشتند. مقدار تولید که در سال ۱۳۶۸ حدود ۲,۴ میلیون تن در سال بود، در سال ۱۳۷۳ با رشد ۲۵,۵ درصدی به ۷,۷ میلیون تن رسید. با بهره‌برداری از مجتمع‌های اراک، تبریز، خراسان و ارومیه تولیدات پتروشیمیایی کشور در سال ۱۳۷۴ به ۴ میلیون و ۷۵۰ هزار تن رسید. به گفته منصور معظمی، مدیر برنامه‌ریزی و توسعه‌ی شرکت ملی صنایع پتروشیمی، تولید نسبت به مشابه سال قبل ۲۲ درصد افزایش داشت[۱].

با افزایش تولید، صادرات نیز افزایش یافت و از ۳۶۰ هزار تن به ارزش ۳۰ میلیون دلار در سال ۱۳۶۸، به ۱,۹ میلیون تن و ارزش ۲۷۰ میلیون دلار در سال ۱۳۷۳ و ۲۱۱ میلیون دلار در سال ۱۳۷۴ رسید. هند، اروپا، آسیای جنوب شرقی و خاورمیانه عمده‌ترین بازارهای محصولات پتروشیمی کشور بود. در نه ماهه‌ی نخست سال ۱۳۷۵ بیش از ۳۳۵ میلیون دلار انواع محصولات پتروشیمی به بازارهای جهانی صادر شد. این مقدار در سال ۱۳۷۶ به ۵,۲ میلیون تن[۲] و درآمد نفتی کشور از صنعت پتروشیمی به رقم ۵۶۰ میلیون دلار رسید.[۳] این درآمد در سال ۱۳۷۶ برابر با ۵۵۸ میلیون دلار بود.[۴] طولی نکشید که محصولات پتروشیمی ایران به دلیل کیفیت بالا و هزینه‌ی پایین حمل‌ونقل در بازارهای خاور دور (چین، کره جنوبی، هند و تایوان) از رقبای اروپایی خود پیشی گرفتند.

آموزش و استخدام

چنانکه گفتیم، در دوره سازندگی جریان شدید توسعه با مدیریت احمد رهگذر آغاز شد. به عقیده شعری‌مقدم «توسعه به‌قدری شدید بود که شرکت را با کمبود نیروی انسانی مواجه کرد.»[۵] مدیران تلاش کردند با برگزاری دوره‌های آموزشی کوتاه‌مدت برای شاغلان شرکت و نیز اختصاص بورسیه‌های آموزشی برای دانشجویان از نیروهای جوان

۱. روزنامه کیهان، ۱۸ مهر ۷۴

۲. تلاش پایدار، ۲۵ سال با صنعت پتروشیمی ایران (۱۳۸۲-۱۳۵۷)، ص ۵۴.

۳. مشعل، شماره ۱۴۴، نیمهی دوم دی ۱۳۷۷.

۴. مشعل، شماره ۱۳۲، نیمه اول خرداد ۱۳۷۷.

۵. مصاحبه با عباس شعری مقدم

استفاده کنند. از سوی دیگر، فراخوان‌هایی در روزنامه‌های کثیرالانتشار درج شد.

با استخدام‌های جدید، تحولی اساسی در ساختار کارکنان شرکت روی داد، به این صورت که در برنامه دوم توسعه مقرر شد ۳۳ هزار نیروی انسانی متخصص جذب فعالیت‌های پتروشیمی شوند.[۱] در سال ۱۳۷۳ سهم شاغلان دارای مدرک دیپلم و فوق دیپلم از ۲۰ به ۳۵ درصد و سهم کارمندان لیسانس و بالاتر، از ۱۳ درصد به ۱۶ درصد افزایش یافت.[۲] در پایان سال ۱۳۷۸ تعداد کارکنان شرکت به ۱۲۶ هزار نفر رسید که ۲۴ درصد آنان افرادی با تحصیلات لیسانس و بالاتر بودند.[۳]

برای دریافت تکنولوژی، فناوری و آگاهی از دانش روز پتروشیمی، تعدادی از کارکنان شرکت برای کارآموزی به کشورهای دیگر فرستاده شدند، از جمله در مرداد ۱۳۷۰ تعداد ۳۰۰ تن از مهندسان شرکت پتروشیمی ایران در اولین دوره برنامه کارآموزی شرکت پتروشیمی هند در دهلی‌نو شرکت کردند.[۴]

۱. اطلاعات، ۱۲ آبان ۱۳۷۲.

۲. تلاش پایدار، ۲۵ سال با صنعت پتروشیمی ایران، ص ۶۶.

۳. همان، ص ۷۸.

۴. روزنامه جمهوری اسلامی، ۹ مرداد ۱۳۷۰.

گاز

گفتگوهای راهبردی و انتقادی مفصلی درباره کارکردها و مسائل صنعت گاز در سطح ستاد وزارت نفت و مدیران شرکت ملی گاز درگرفت که شرح عناوین آن یادآور راه طی‌شده و عدم‌النفع هایی است که هنوز استمرار دارند. از شمار آن مسائل که تنها در سطح مطالعه و بررسی در اسناد آرشیوی و حافظه پیشکسوتان جا خوش کرده است، همانا حوزه وظایف شرکت ملی گاز بود. مدیران میانی و کارشناسان، برحسب تجربه، اعتقاد یافته بودند که شرکت ملی گاز نباید تنها در سطح پایین‌دست باقی بماند. مدیریت و بهره‌برداری از مخازن گازی و پالایشگاه‌ها تا صادرات، شبکه گازرسانی، توسعه خطوط لوله و در یک کلام، اقتصاد گاز بایست در حوزه وظایف شرکت ملی گاز عملیاتی گردد. آنها اصرار داشتند مخازن پارس جنوبی که همگی گازی هستند، از مرحله قرارداد و توسعه تا پالایش و انتقال به منازل و واحدهای پتروشیمی می‌بایست در شرکت ملی گاز سامان گیرد. در کنار این بحث‌های نظری که چندان نتیجه نداد و امروزه تکراری به نظر می‌رسند، امور سازمانی به‌ویژه آموزش و انتقال دانش فنی، ساخت داخل و ارتباط با دانشگاه‌ها نیز از مسائلی بود که در سطح ستاد وزرات و مدیران مطرح می‌شد، ولی به پاسخ عملیاتی و راهکار روشن ختم نمی‌گردید.

در دوره سازندگی، کراچیان، صالحی‌فروز و محمدنژاد مدیریت شرکت ملی گاز را برعهده داشتند. حمیدرضا عراقی، دوران مدیریت این سه تن را چنین توصیف کرده است: «آقای کراچیان از وزارت نیرو آمدند و به‌عنوان آدم صادق، پرکار، اجرایی و مسئول پروژه شهره‌اند. آقای صالح‌فروز انسانی بسیار سالم، متدین و اهل تقوا بودند و مسائل شرعی را خیلی رعایت می‌کردند. آقای محمدنژاد شخصیتی عملیاتی داشتند و هنوز هم بچه‌های شرکت ملی گاز به‌عنوان پدر شرکت ملی گاز از ایشان یاد می‌کنند.»[1]

کراچیان خود می‌گوید:

> از آذر ۱۳۶۵ تا ۱۳۶۸ در کنگان بودم. چند بار آقای آقازاده پیشنهاد همکاری دادند و نپذیرفتم. درنهایت، مدیرعاملی شرکت گاز را با اکراه پذیرفتم. ایشان موفقیت من را در کنگان دیده بود، ولی روحیه مرا نمی‌شناخت. باید می‌دانست اگر دو نفر سر موضعشان

۱. مصاحبه با حمیدرضا عراقی، پروژه تاریخ نفت ایران، ۱۳۹۴.

سختگیری کنند، به تفاهم نمی‌رسند. کما اینکه ایشان سه روز تمام به من پیغام می‌داد که مسئولیت شرکت گاز را بپذیرم.یک روز مرا به دفترش دعوت کرد و بعد گفت می‌خواهم جای جراحی به شرکت گاز بروی... خلاصه، به من فهماند که دستور از بالاست. من درجا نپذیرفتم. با آقای نژادحسینیان تماس گرفتم... او گفت اگر بتوانی خدمتی به مردم بکنی و در هر خانه‌ای علمکی بگذاری چقدر ثواب دارد... به هر حال، مسئولیت را پذیرفتم و ایشان حکم مرا امضا کرد. وقتی وارد شرکت گاز شدم، برنامه توسعه نوشته شده و به مجلس هم ارائه شده بود. مدیر خوب کسی بود که برنامه را پیش ببرد.[1]

در طول دوره سازندگی، شبکه‌های توزیع و خطوط انتقال گاز گسترش و تعداد مشترکان افزایش یافت. گاز طبیعی بیشتری تولید شد و گاز، سوخت غالب ایرانیان گردید. بازسازی واحد ۵۰۰ پالایشگاه بیدبلند، طرح افزایش ظرفیت پالایشگاه ولیعصر، طرح توسعه پالایشگاه‌های خانگیران و کنگان، احداث پالایشگاه سرخون ۲ از دیگر فعالیت‌های مدیران گاز در این سال‌ها بود. مسائل دیگری همچون ذخیره‌سازی گاز در مخازن طبیعی زیرزمینی، بهبود ایستگاه‌های فشار گاز، صادرات به ترکیه و اروپا، واردات از ترکمنستان مورد استقبال قرار گرفت و به‌تدریج عملیاتی شد.

در نخستین سال سازندگی، تولید گاز طبیعی بالغ بر ۳۲ میلیارد مترمکعب بود که تقریباً ۱۱ میلیارد مترمکعب آن سوزانده شد.[2] در سال پایانی سازندگی، تولید گاز طبیعی به بیش از دو برابر افزایش یافت و به حدود ۶۹/۵ میلیارد مترمکعب رسید که ۴۷/۶ میلیارد مترمکعب آن در داخل مصرف گردید و حدود ۱۱/۵ میلیارد مترمکعب سوزانده شد.[3] در تمامی این دوره، سیاست جایگزینی مصرف گاز طبیعی با سایر حامل‌های انرژی که از ابتدای پیروزی انقلاب پی گرفته شد، ادامه یافت و

توسعه طرح‌های گازرسانی؛ همکاری مجلس

عملیات گازرسانی در این دوره از چنان اهمیتی برخوردار بود که وزیر نفت همراه با مسئولان شهری و استانی حضور می‌یافت و طی مراسمی، آغاز گازرسانی را با روشن

۱. گاز انرژی پاک با نیم‌قرن تلاش، تهران: شرکت ملی گاز ایران، ۱۳۹۵، ص ۲۶۴.
۲. ترازنامه بانک مرکزی، سال ۱۳۶۸.
۳. ترازنامه بانک مرکزی، سال ۱۳۷۶.

کـردن مشـعلی در میـدان شـهر جشـن می‌گرفتنـد. در فاصلـه ۱۲ تـا ۱۵ اسـفند ۱۳۷۰ آقـازاده در مجموعـه‌ای از ایـن مراسـم‌ها شـرکت و آغـاز گازرسـانی در شـهرهای تاکسـتان، شـهریار، سـاری، لاهیجـان و لنگـرود را اعـلام کـرد.[۱]

بااین‌حـال، راهبـرد شـرکت ملـی گاز در گازرسـانی بـه منـازل شـهری و روسـتایی در آن زمـان مخالفـان پروپاقرصـی داشـت و بارهـا بـه چالـش کشـیده شـد. مخالفـان از تبدیـل گاز بـه بـرق و توزیـع بـرق بـه منـازل دفـاع می‌کردنـد و آن را کم‌خطرتـر و ارزان‌تـر و منطبـق بـا اسـتانداردهای زیسـت‌محیطی می‌دانسـتند، امـا نماینـدگان مجلـس بـا تمـام قـدرت شـرکت گاز را یـاری می‌کردنـد. از سـویی، گازرسـانی بخشـی از مطالبـات مـردم حوزه‌هـای نمایندگـی آنهـا بـود و از سـوی دیگـر، اجـرای ایـن امـر می‌توانسـت بـه انتخـاب مجـدد آنهـا کمـک کنـد. آقـازاده در مراسـم افتتـاح گازرسـانی، بـه تصویـب بودجه‌هـای گازرسـانی در مجلـس چنیـن اشـاره کـرد:

> بودجـه وزارت نفـت در سـال ۱۳۶۴ در مجمـوع ۱۳ میلیـارد تومـان بـود کـه بـرای سـال ۱۳۷۱ پیشـنهاد ۹۰ میلیـارد تومانـی داده شـده اسـت. همچنیـن، مجلـس شـورای اسـلامی ۱۰۰ میلیـون دلار در اختیـار شـرکت ملـی گاز قـرار داده اسـت تـا وسـایل گازرسـانی داخـل منـزل را تهیـه نمایـد.[۲]

طرح‌هـای گازرسـانی نیـز بـا تشـویق و حمایـت نماینـدگان به‌سـرعت تصویـب می‌شـد. صالحی‌فـروز کـه در آن زمـان ریاسـت شـرکت ملـی گاز را بـر عهـده داشـت، در خصـوص ایـن همکاری‌هـا می‌گویـد:

> عملکـرد شـرکت گاز در آن روزهـا کامـلاً فراجناحـی بـود. به‌عنـوان نمونـه، طرحـی دربـاره شـرکت گاز توسـط یکـی از نماینـدگان راسـت مجلـس قرائـت می‌شـد و توسـط یکـی از چپ‌تریـن نماینـدگان دفـاع می‌شـد. ایـن نشـان‌دهنده رابطـه بسـیار خـوب مـا و مجلـس بـود. همیـن مسـئله سـبب شـده بـود کـه مـا سـعی کنیـم تـا تمـام مشـکلات خـود را از طریـق نماینـدگان حـل کنیـم. شـرکت گاز در آن روزهـا بـرای اجـرای کارهـای خـود پولـی نداشـت و مـا ناچـار بـه دریافـت وام بودیـم. مقـداری وام از یکـی از بانک‌هـا دریافـت کـرده بودیـم کـه بـه دلیـل عـدم پرداخـت آن حسـاب‌های شـرکت توسـط بانـک مسـدود شـده بـود. یـک روز کـه مـن در کمیسـیون انـرژی مجلـس بـودم نماینـدگان بـرای گازرسـانی مـن را تحـت فشـار قـرار دادنـد. مـن در همـان جلسـه مشـکل را مطـرح کـردم. درسـت یـادم می‌آیـد کـه آن روزهـا بـرای تصویـب

۱. پیک نفت، شماره ۲۷۰، فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۱.
۲. پیک نفت، شماره ۲۷۰، فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۱، ص ۹.

بودجه، مجلس دو شیفته جلسه داشتند. بلافاصله بعد از صحبت‌های من، آقای دانا که آن روزها نماینده آباده بودند نامه‌ای تهیه کردند که در فاصله زمان استراحت توسط ۱۴۰ تن از نمایندگان امضا شد. بعد از قرائت نامه در مجلس بلافاصله مشکل حل شد.

تمرکز شرکت گاز به گازرسانی به شهرهای مختلف در درازمدت موجب بر هم زدن تعادل عرضه و تقاضا گردید. در حالی به برخی از نواحی ایران با صرف هزینه‌های گزاف کار گازرسانی صورت گرفت که توجیه اقتصادی آن چندان روشن نبود این روند در سال‌های بعد هم ادامه یافت و رسیدن به رکورد گازرسانی ۱۰۰۱ شهر و ۱۵۰۱۰ روستا تا پایان سال ۱۳۹۲ نشان از تلاش شبانه‌روزی کارکنان شرکت گاز دارد.[۱] مهم‌ترین شهری که در سال‌های سازندگی طرح گسترش گازرسانی به‌شدت در آن پیگیری شد شهر تهران بود:

باتوجه‌به نیاز روزافزون تهران به سوخت، باید هرچه سریع‌تر کار گازرسانی به تهران انجام می‌شد. ما برای گازرسانی به تهران از تجربه بازسازی پالاشگاه آبادان استفاده کردیم. در زمان جنگ برای بازسازی آبادان کار میان پالایشگاه‌های مختلف تقسیم شد. به‌عبارت‌دیگر، با ایجاد یک فضای رقابتی سالم، کاری که باید در طی ۲ تا ۳ سال انجام می‌شد، در عرض ۴/۵ ماه پایان یافت. ما برای گازرسانی تهران از همین روش استفاده کردیم. شخصی به‌نام مهندس مجرد برنامه‌ریزی لازم در این ارتباط را انجام داد و ما طرح را در زمان آقای هاشمی رفسنجانی به هیئت دولت بردیم. باتوجه‌به کمبود بودجه، این گفتند که فعلا پولی نداریم که بدهیم، ولی شما کار را به هر طریقی می‌توانید شروع کنید . ما برای انجام این کار یک قرارداد ۴ میلیاردی با بنیاد مستضعفان منعقد کردیم و کار میان مناطق مختلف گازرسانی تقسیم شد. با همین اقدام بود که رکورد گازرسانی به شهر تهران با رقم ۱۰۰۰ کیلومتر شبکه‌گذاری شکسته شد.[۲]

برنامه تولید و مصرف گاز طبیعی در سال ۱۳۶۹

تصمیم به جایگزینی مصرف نفت با گاز گرفتند در پایان دهه ۱۳۶۰ شتاب بیشتری گرفت. افزایش مصرف گاز در کشور به نوبه خود نیازمند افزایش تولید و پالایش گاز بود. خرداد ۱۳۶۹، مدیران پس از مطالعه و بررسی‌های کافی، برنامه تولید و مصرف گاز طبیعی کشور در سال ۱۳۶۹ را چنین تنظیم کردند:

۱. تا پایان سال دست‌کم ۳ واحد از ۴ واحد پالایشگاه ولیعصر (فاز نار) به بهره برداری برسد، به‌طوری‌که از این حوزه، روزانه ۳۰ میلیون مترمکعب گاز تأمین شود؛

۱. ترازنامه انرژی، سال ۱۳۹۲.

۲. مصاحبه با مهندس اسدالله صالحی‌فروز، پروژه تاریخ نفت ایران، ۱۳۹۴.

۲. مدیریت اکتشاف و تولید، حفاری چاه های کنگان را پیگیری کند و تا پایان سال ۱۳۷۰ آنها را به بهره برداری برساند؛

۳. شرکت ملی گاز، خط لوله رشت ـ نکا را تا پایان سال ۱۳۷۰ تکمیل و راه اندازی کند؛

۴. هنگام اوج مصرف گاز، شرکت ملی گاز و مناطق نفتخیز اقدامات لازم را برای به حداقل رساندن سوزاندن گازهای همراه در مناطق نفتخیز انجام دهند.[۱]

گاز در آب‌های خلیج‌فارس

تأمین گاز مایع در بخش‌های شرقی کشور از دغدغه‌های مدیران شرکت ملی گاز بود. برای تأمین این هدف، شرکت پس از مشورت با مدیران شرکت ملی نفتکش تصمیم گرفت کشتی حمل گاز مایع بخرد. خرید این کشتی غول‌پیکر که ظرفیتی برابر با ۵۵۰ هزار سیلندر ۱۱ کیلویی داشت، به بیش از ۱۵ میلیون دلار ارز خارجی نیاز داشت که با همکاری کامل شرکت ملی نفتکش، کشتی ایران ـ گاز خریداری شد. این کشتی در ۴ آبان ۱۳۷۰ با جابه‌جایی اولین محموله گاز مایع از جزیره خارگ و بندر امام به مقصد بندرعباس کار خود را آغاز کرد.[۲]

تغییر نرخ قراردادها، خرید تجهیزات

در سال‌های ابتدایی پس از جنگ، کمبود نقدینگی و ادامه تحریم‌های اقتصادی کارها را مشکل کرده بود. اختلاف قیمت ارز یکی از مشکلات بزرگ مدیران گاز بود که به‌خاطر آن بسیاری از پیمانکاران قادر به ادامه فعالیت نبودند. در صورت خلع‌ید از این پیمانکاران، ناگزیر باید با پیمانکار جدید و با قیمت بالاتر قرارداد منعقد می‌شد، ضمن اینکه زمان زیادی هم از دست می‌رفت که به‌شدت به زیان کشور بود. در این شرایط، به پیشنهاد امور مهندسی و تصمیم هیئت‌مدیره شرکت ملی گاز، تغییر نرخ قراردادها بهترین راه‌حل تشخیص داده شد چون در این صورت، هم قراردادها از وضعیت رکود خارج می‌شد و هم پیمانکاران می‌توانستند به فعالیت خود ادامه دهند. از نظر صالحی‌فروز، این یکی از

۱. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۶۷۲، ۱۳۶۹/۳/۱۶.

۲. روزنامه اطلاعات ۱۳۷۰/۸/۴

مهم‌ترین تصمیماتی بود که در آن سال‌ها گرفته شد.[۱]

از دیگر اقدامات مهمی که در دوران مدیریت صالحی‌فروز پیگیری شد، خرید تجهیزات موردنیاز شرکت گاز بود، اقدامی که به گفته او، در دوران مدیریت جراحی شروع شده بود. با وجود مشکلات بخش خصوصی در خرید تجهیزات، ماشین‌آلات، کمپرسور و... که در این دوران وجود داشت، صالحی‌فروز تلاش کرد با خرید تجهیزات جدید پیمانکاران را مجهز کند. با این اقدام هم مشکل تأمین کالا رفع می‌شد و هم پیمانکاران با اجاره به شرط تملیک در پایان صاحب این تجهیزات می‌شدند.[۲]

بیدبلند قدرتمندتر می‌شود

بازسازی پالایشگاه‌های آسیب‌دیده در دوران جنگ تحمیلی و بالا بردن ظرفیت اولیه پالایشگاه‌ها باتوجه‌به توسعه طرح‌های صنعتی در کشور بسیار ضرورت داشت. پالایشگاه بیدبلند از مهم‌ترین پالایشگاه‌هایی بود که با نظر هیئت‌مدیره در ابتدای فهرست اولویت‌های بازسازی قرار گرفت. سال ۱۳۷۴ شمارش معکوس برای بازسازی و تجهیز پالایشگاه بیدبلند با بازسازی واحد پالایش گاز ۵۰۰ آغاز شد. هیئت‌مدیره با اجرای امانی پروژه موافقت کرد.[۳] ۲۴ آذر سال ۱۳۷۵ تلاش‌ها به ثمر نشست و پالایشگاه بیدبلند با توان پالایش ۲۷ میلیون فوت مکعب گاز در روز قدرتمندتر از گذشته به فعالیت خود ادامه داد.

کارشناسان گاز، اکتشاف و انجمن نفت در این باره خاطرات خود را بیان کرده‌اند، از جمله، صالحی‌فروز، از مدیران برجسته صنعت نفت و گاز، در مصاحبه گفت: «وقتی آمدم شرکت گاز، بحث ذخیره‌سازی گاز در دو جا مطرح بود؛ یکی در کوه‌های نمک قم و دیگری در ورامین. گفته می‌شد که این دو مکان برای ذخیره کردن گاز مناسب است. آقای ثقفیان، رییس بخش انرژی برنامه و بودجه بودند. ایشان می‌گفتند خط لوله ۵۶ اینچ ما به طول هزار کیلومتر از عسلویه تا تهران و خط لوله شماره یک از اهواز تا آستارا، خودشان یک مخزن ذخیره گاز هستند. اکثراً بر این موضع پای می‌فشردند که نیازی به ذخیره‌سازی گاز نداریم. حتی زمانی بحث بر سر آن بود که در جاهایی که امکان گرفتن گاز از کشور همسایه داریم، گاز را وارد کنیم و خودمان هزینه نکنیم؛ مثلا در

۱. مصاحبه با مهندس اسدالله صالحی‌فروز، پروژه تاریخ نفت ایران، ۱۳۹۴.
۲. مصاحبه با مهندس اسدالله صالحی‌فروز، پروژه تاریخ نفت ایران، ۱۳۹۴.
۳. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت گاز، ۱۳۷۴/۱۱/۸.

سرخس یا در آذربایجان. آقای وزیر گفت هرکس این حرف را زده است، باید سرب داغ در دهانش ریخت. آن وقت این حرف ضدارزش بود، ولی الان استقبال می‌شود.»[۴]

صادرات گاز به ترکیه؛ خط دوم آذربایجان

اندیشه صادرات گاز ایران به ترکیه بیش از دو دهه بود که در محافل اقتصادی و سیاسی دو کشور مطرح می‌شد. مذاکرات سرانجام در سال ۱۳۷۵ صورت واقعی به خود گرفت. در حالی‌که ایران به دنبال راهی برای صدور گاز خود به اروپا بود، ترک‌ها در پی راهی برای تأمین سوخت موردنیاز خود بودند. شرکت بوتاش ترکیه با مدیران ایرانی به مذاکره نشست و در مرداد ۱۳۷۵ نمایندگان دو کشور پشت میز امضای قرارداد نشستند. طبق این قرارداد ایران در مدت ۲۵ سال ۲۲۸ میلیارد مترمکعب گاز به ترکیه صادر می‌کرد. قرارداد با ترکیه از یک‌سو، چشم‌انداز دستیابی به بازارهای اروپا را برای ایران گشود و از سوی دیگر، سودآوری ارزی خوبی برای کشور به دنبال داشت. نزدیکی دو کشور از دیگر مزیت‌های این قرارداد بود. رکن‌الدین جوادی، مدیرعامل اسبق شرکت ملی نفت، در مصاحبه‌ای با ما امتیازهای این قرارداد را چنین تشریح کرد:

«صادرات گاز یک امتیاز عمومی و یک امتیاز خاص دارد. امتیاز عمومی این قراردادها این است که در بحث صادرات ما منابع مازاد خود را به منابع مالی تبدیل می‌کنیم و از محل همین منابع به اداره و توسعه کشور می‌پردازیم. همان‌گونه که نفت را صادر می‌کنیم، اما برخلاف قراردادهای نفت که عموماً به‌صورت تک‌محموله صادر می‌شوند و مدت قراردادها در طولانی‌ترین شرایط حداکثر به یک سال می‌رسد، قراردادهای گاز طولانی‌مدت است. قراردادها در گذشته ۲۵ تا ۳۰ ساله و در حال حاضر با بالا رفتن دانش فنی و ایجاد رقابت، ۱۵ ساله و ۲۰ ساله منعقد می‌شوند. یکی از مزیت‌های قرارداد با ترکیه این مسئله بود که ما برای یک مدت طولانی ۲۵ ساله یک منابع مالی مشخص را برای کشور تدارک دیدیم که در درازمدت کشور توانست بر روی آن برنامه‌ریزی کند. غیر از مسائل مالی، مسائل سیاسی و امنیتی این قرارداد هم بسیار مهم بود. گاز فراورده‌ای است که در درازمدت قابل ذخیره‌سازی نیست. لذا، درحقیقت یک حلقه پیوسته‌ای میان تولیدکننده و مصرف‌کننده ایجاد می‌کند و این اتفاق در روابط ما و ترکیه ایجاد شد. ما به‌واسطه قرارداد با ترکیه توانسته‌ایم همواره یک رابطه سازنده و پایدار با این کشور داشته باشیم»

۴. مصاحبه با مهندس اسدالله صالحی‌فروز، پروژه تاریخ نفت ایران، ۱۳۹۴.

پس از انعقاد قرارداد با ترکیه، ساخت خطلوله در مسیر ایران و ترکیه، تأسیسات فشارقوی و ترمینال اندازه‌گیری گاز در دستور کار مدیران نفت و گاز کشور قرار گرفت. خطلوله صادرات گاز ایران به ترکیه به‌صورت انشعابی از خطلوله دوم در حوالی قزوین ایجاد شد. شرکت ملی گاز این خطلوله را خط دوم آذربایجان نامید. حمدالله محمدنژاد که آن روزها مدیریت شرکت گاز را برعهده داشت، از سختی‌های این کار و تلاش مدیران و کارگران ایرانی در آن روزها چنین گفت:

طراحی خط دوم آذربایجان توسط قسمت مهندسی انجام شد... بیش از ۶ پیمانکار بزرگ برای اجرا انتخاب کرده بودیم و طبیعی است که آنها هم پیمانکاران فرعی داشتند... این پروژه باعث اشتغال‌زایی و انتقال دانش خوبی شد. حتی در خطوط لوله نفت و پتروشیمی هم استفاده شد و آقای نعمت‌زاده برای اتیلن غرب و شرق پتروشیمی درخواست کمک کرد و احداث واحدهای اتیلن غرب در ۸ استان کشور حاصل استفاده از تجربیات خطلوله دوم ماست.... خوشبختانه با کمک و همکاری تیمی متشکل از مدیریت مهندسی، گروه ناظر و بازرسی، پیمانکاران و مشاوران، استانداران و فرماندهان محلی و همچنین مردم عزیز کشورمان که زمین‌های زیر کشت خود را که سالیان سال در آن کشاورزی می‌کردند در اختیار پروژه قرار دادند و این پروژه به نتیجه رسید.[۱]

هم‌زمان با ساخت خطلوله انتقال گاز به ترکیه، طراحی ایستگاه‌های تقویت فشار نیز در دستور کار شرکت گاز قرار گرفت. مردان گاز اصطلاح جالبی دارند. آنها می‌گویند «اگر گاز بخواهد روی پاهای خود راه برود سرعتش پایین است». برای رفع همین مشکل، ایستگاه‌هایی در فواصل معین در مسیر لوله‌های گاز ساخته می‌شود. اولین ایستگاه در فراشبند کازرون ساخته شد. محمدنژاد درباره این ایستگاه می‌گوید:

این اولین ایستگاه تقویت فشاری بود که بعد از انقلاب ما خودمان می‌ساختیم. تمام ایستگاه‌های قبل از انقلاب را شوروی‌ها ساخته بودند. برای خرید کالا سفارش به دو شرکت اکراینی داده شد. شرکت زاریا تولید توربین‌ها را انجام داد و شرکت سومی هم مسئولیت ساخت کمپرسورها را بر عهده گرفت. توربوکمپرسورها که ساخته شد به ایران انتقال داده شد و در محل‌های مناسب نصب شد.[۲]

به موازات ساخت خطلوله و ایستگاه‌های فشار قوی، کار ساخت ترمینال انتقال گاز در بازرگان نیز آغاز شد. برای ساخت ترمینال سفارش تأمین بخشی از کالا به اروپا داده شد.

۱. عراقی، بیست سال با گاز...، روایت آقای محمدنژاد، ص ۲۶۵.

۲. آقای شعبان‌پور ،مجری طرح، همراه با سازمان بازرسی شرکت گاز مسئولیت نصب کمپرسورها را برعهده داشت.

باتوجه‌به طولانی بودن مدت قرارداد سعی شرکت بر این بود که بتواند از بهترین کالاها برای ساخت ترمینال استفاده کند.[۱] سرانجام خطلوله ۴۰ اینچی انتقال گاز به طول ۲۵۳ کیلومتر در مسیر تبریز به بازگان در آذرماه ۱۳۸۰ به بهره‌برداری رسید و از ۱۹ آذر انتقال گاز به ترکیه آغاز شد. پروژه در ۲ بهمن ۱۳۸۰ به‌صورت رسمی افتتاح شد. هیئتی ۵۰ نفره به ریاست زکی‌چاکان، وزیر انرژی ترکیه، از طریق مرز زمینی گوربلاک وارد کشور شد و با استقبال رسمی زنگنه، مراسم صادرات گاز به‌صورت رسمی آغاز شد.[۲]

کنگان بالاتر از رقبا

افزایش ظرفیت پالایشگاه گاز کنگان تا ۱۱۰ میلیون مترمکعب در روز ازجمله طرح‌هایی بود که مدیران گاز در پی اجرایی شدن آن بودند. مقدمات اجرای این طرح هم‌زمان با مدیریت حمدالله محمدنژاد بر شرکت ملی گاز فراهم شد. سال ۱۳۷۵ محمدنژاد دست به اقدام جسورانه‌ای زد و به همراه اعضای هیئت‌مدیره شرکت گاز با اجرای این طرح موافقت کرد.[۳] اقدامات اولیه برای برگزاری مناقصه انجام شد و شرکت مهندسین مشاور نارگان با پشت سر گذاشتن رقبا توانست طرح را آن خود کند،طرح در سال ۹۷۳۱ به پایان رسید و کنگان در جایگاه اول پالایش گاز قرار گرفت.

گازرسانی در گذر زمان (۱۳۶۸-۱۳۷۶)

در پی برنامه‌های ابلاغی به صنعت گاز در طول برنامه پنج ساله اول (جلوگیری از سوزاندن گازهای همراه، حداکثر بهره‌برداری از منابع و میادین مشترک نفت و گاز، صیانت از ذخایر نفت و گاز، تسریع در تکمیل و بهره‌برداری از پروژه‌های تزریق گاز در میادین نفتی، توسعه شبکه‌های جمع‌آوری و استفاده مطلوب از گازهای همراه، تسریع در تکمیل پروژهای گاز و افزایش تولید گازطبیعی) شرکت گاز مؤظف شد با به کارگیری حداکثر توان خود بر سهم مصرف گاز در بخش‌های مختلف بیفزاید. باتوجه‌به این برنامه، شرکت گاز در بخش گازرسانی، سیاست گسترش خطوط اصلی را در پیش گرفت. بر این مبنا، تلاش شد تا حتی‌المقدور گسترش شاخه‌های فرعی نسبتاً طولانی در طول

۱. عراقی، بیست سال با گاز، صص ۲۶۵-۲۶۶.
۲. اطلاعات، ۱۳۸۰/۱۱/۲
۳. صورت جلسه هیئت‌مدیره شرکت گاز، ۱۳۷۵/۱۲/۵.

مسیر خطوط اصلی به سال‌های بعد از برنامه موکول شود. و برای اجرای عملیات از شرکت‌های خصوصی در بخش‌های مختلف یاری گرفته شد.

فرودین ماه ۱۳۶۸، فاز اول طرح گازرسانی به شهرهای اراک، همدان و ملایر با بودجه‌ای بیش از ۱۹ میلیارد و ۴۰۰ میلیون ریال به بهره‌برداری رسید. تمام عملیات اجرایی این طرح‌ها با کمک کارگران و متخصصان منطقه ۷ شرکت ملی گاز انجام شد. اردیبهشت ماه ۱۳۶۸ احداث خط انتقال گاز در مسیر قزوین ـ ابهر به اجرا درآمد. در ادامه، احداث شبکه توزیع گاز ملایر و شهریار نیز کلید خورد. خرداد ماه همان سال شبکه‌گذاری ایذه و گچساران آغاز شد. شبکه گازرسانی بخشی از شهر تبریز نیز با حضور جمعی از مسئولان در تیر ماه ۱۳۶۸ به بهره‌برداری رسید. ساخت قطعه اول خط‌لوله انتقال گاز سرخون ـ سرچشمه و نکا ـ نور نیز در شهریور ماه همان سال از سوی شرکت گاز واگذار شد. باتوجه‌به نیازهای شهرستان رباط کریم در استان تهران، مسئولان با گازرسانی به این شهر در طول برنامه پنج‌ساله اول موافقت کردند. طرح خط انتقال و شبکه‌گذاری مرقد امام خمینی (ره) و احداث قطعه دوم خط انتقال گاز سرخون ـ رفسنجان نیز در آبان ماه واگذار شد. با گذشت چند ماه تصمیمات لازم برای ساخت قطعه سوم خط‌لوله مذکور نیز اخذ گردید.

کوی انقلاب در اهواز، بهبهان، فاز H, B قم، منطقه ۷ تهران، لاهیجان، فاز ۳ گرگان، ساری، هشتگرد، منطقه ۱۳ تهران، منطقه ملک‌شهر اصفهان، فاز ۳ گنبد، تاکستان، منطقه ۸ تهران نیز به ترتیب تا پایان سال ۱۳۶۸ میزبان کارکنان شرکت گاز بودند. طبق برنامه، در این مناطق اقدامات مختلفی چون احداث شبکه توزیع، تهیه نقشه، گازرسانی و ... به اجرا درآمد. با پایان یافتن عملیات گازرسانی، فاز اول شبکه گازرسانی رشت، صومعه‌سرا و فومن با حضور جمعی از مسئولان در ۱۸ بهمن ۱۳۶۸ افتتاح شد. در این سال شرکت گاز با ۳۰۱۷ کیلومتر شبکه‌گذاری، ۱۸۶۱۶۵ انشعاب به مشترکین خود واگذار کرد.

سال ۱۳۶۹ در حالی آغاز شد که شرکت گاز از ۱۸ فروردین ماه عملیات ساخت ۴۰ کیلومتر شبکه‌گذاری منطقه ۴ اصفهان را آغاز کرده بود. درست در همین روز عملیات احداث شبکه توزیع گاز پیشوا در استان تهران نیز اجرایی شد. در طول فروردین همین سال نقشه ۱/۲۰۰ گرمسار، لنگرود، پیشوا ، ایوانکی و سمنان نیز با کمک پیمانکاران داخلی تهیه گردید. آغاز احداث شبکه توزیع گاز فاز ۴ همدان، گازرسانی به فاز ۲

شـاهرود، احـداث خـط انتقـال ملایـر، نهاونـد، تویسـرکان و بروجـرد، شـبکه‌گذاری و نصـب انشـعابات یاسـوج و سـپیدان، شـبکه توزیـع گاز فازهـای ۵D,۵C,۵B,۵A, ۴D,۴C,۴B,۴A کـرج، شـبکه‌گذاری خمینـی شـهر و اندیمشـک، شـبکه توزیـع گاز منطقـه ۲ اصفهـان، توزیـع گاز زنجـان، شـبکه گازرسـانی فـاز S۳, B۳ تبریـز، گازرسـانی کـوی انقـلاب اهـواز، احـداث شـبکه و انشـعابات ابهـر، شـبکه‌گذاری گنبـد، خرمـدره و گرمسـار، توزیـع گاز فـاز ۴ اراک، نقشـه‌برداری ایوانکـی، رودهـن و فیروزکـوه، گازرسـانی فـاز ۲ لاهیجـان و تهیـه نقشـه ۱/۲۰۰ منطقـه ۴ تهـران و واگـذاری سـاخت قطعـه چهـارم خـط انتقـال سـرخون ـ رفسـنجان از مهم‌تریـن فعالیت‌هـای شـرکت گاز در طـول سـال ۱۳۶۹ اسـت. افزایـش تعـداد مشـترکین در طـول سـال‌های گذشـته سـبب شـد تـا مصـرف گاز در کشـور بـا سـیر صعـودی از ۹/۹ درصـد در سـال ۱۳۶۶ بـه ۱۴/۸ درصـد در سـال ۱۳۶۸ و ۱۸/۸ درصـد در سـال ۱۳۶۹ افزایـش یابـد. در ایـن سـال شـرکت گاز توانسـته بـود بـا انجـام ۳۲۷۴ کیلومتـر شـبکه‌گذاری بیـش از ۲۰۰۸۲۵ انشـعاب در اختیـار مشـترکین خـود قـرار دهـد. بـه دنبـال همیـن سیاسـت میـزان مصـرف فراورده‌هـای نفتـی در بخش‌هـای مختلـف کاهـش یافـت. چنان‌چـه سـهم فراورده‌هـای نفتـی از ۸۰/۵ درصـد در سـال ۱۳۶۶ بـه ۷۵/۷ درصـد در سـال ۱۳۶۸ و ۷۱/۸ درصـد در سـال ۱۳۶۹ کاهـش یافـت.[۱]

سـال ۱۳۷۰، بـا افزایـش فعالیت‌هـای شـرکت ملـی گاز، هیئت‌مدیـره بـا واگـذاری بخشـی از اختیـارات بـه مدیریـت مهندسـی و طـرح موافقـت کـرد. تعییـن روش انعقـاد پیمان‌هـای خدمـات مشـاوره خاک‌شناسـی و نقشـه‌برداری مسـیرهای انتقـال گاز و نقشـه‌برداری شـهری و تعییـن برنـده مناقصـات سـال ۱۳۷۰ بخشـی از ایـن اختیـارات را تشـکیل مـی‌داد. سـاخت و نصـب شـبکه و انشـعابات نـور، فـاز ۳ و ۴ قزویـن، نصـب ۷۰۰ انشـعاب بجنـورد، احـداث شـبکه توزیـع گاز فـاز ۱ بروجـرد، احـداث ۶۷ کیلومتـر شـبکه توزیـع الیگـودرز و شـبکه‌گذاری فـاز ۳ بسـطام- شـاهرود نیـز در طـول اردیبشـت مـاه انجـام شـد. خـرداد مـاه ۱۳۷۰ نیـز بـرای شـرکت گاز بـا آغـاز عملیـات شـبکه‌گذاری در فـاز ۴ انزلـی و در ادامـه سـاخت شـبکه توزیـع گاز فـاز C۷ D۷ ,E۷ تبریـز رقـم خـورد. خمـام، فـاز ۴ زنجـان و فـاز ۲ بروجـرد نیـز در طـول تیـر مـاه شـاهد عملیـات شـرکت گاز در بخش‌هـای مختلـف بودنـد. در ادامـه، زمینـه انجـام بخشـی از عملیـات اجرایـی گازرسـانی در فـاز ۵ اراک، بهشـهر، همـدان، فـازD۳ اردبیـل، خوراسـگان، سـمنان، فـاز ۲ سـاری، آق‌قـلا، فـاز ۲ بهـار، بسـتان آبـاد، گـرگان، فـاز D۷,C۷ اصفهـان، طرقبـه مشـهد، غیاث‌آبـاد قزویـن، فـاز AD سـمنان، فـاز ۳ انزلـی، خمیـن، سـرخه، فـاز A , B شهرسـتان

۱. ترازنامه انرژی کشور در سال ۱۳۶۸، ص۴.

دامغـان نیـز تـا پایـان سـال ۱۳۷۰ فراهـم شـد. بـا افزایـش تعـداد مشـترکین، شـرکت گاز بـرای تأمیـن بخشـی از هزینه‌هـای خـود قیمـت کنتورهـای ۵ متـر مکعبـی را بـا افزایـش قیمـت بـه ۱۵۴/۵ ریـال رسـاند. مهـر مـاه همـان سـال نیـز طـرح مطالعـه گازرسـانی بـه روسـتاها بـرای اجـرا در مـدت یـک مـاه آغـاز شـد. شـرکت گاز قصـد داشـت راه‌هـای گسـترش گازرسـانی بـه روسـتاها را مطالعـه کنـد. بـا تلاش‌هـای شـرکت گاز در فاصلـه سـال‌های ۱۳۶۵ تـا ۱۳۷۰ تعـداد اسـتان‌های برخـوردار از نعمـت گاز بـا افزایـش دو برابـری، بـه ۱۵ اسـتان و ۱۴۱ شـهر و شـهرک صنعتـی رسـید.[1] در ایـن سـال ۲۲۸۵۳۸ مشـترک جدیـد بـا انجـام ۳۸۹۰ کیلومتـر شـبکه‌گذاری به جمع مصرف‌کنندگان گاز طبیعی پیوستند.

احـداث شـبکه توزیـع گاز اندیمشـک، قـروه، وردآورد اسـتان تهـران، ایـذه، کبوتـر آهنـگ، رفسـنجان، فـاز ۳ اندیمشـک، منطقـه سـلمان، چابکسـر، فارسـان، منطقـه ۱ شـمال تهـران، مشـهد، فـاز۲A سـنندج، فـاز A۱,۲B زنجـان، فـاز ۱ رفسـنجان، فـاز B۳ خـوی، قائم‌شـهر، سـلمان، فـاز ۳B خـوی، اسـدآباد، کنـگاور، شـازند، فـاز ۵ سـنندج، فـاز B۲ ارومیـه، فـاز ۱ سـنندج نیـز در طـول سـال‌های ۱۳۷۱ تـا ۱۳۷۴ انجـام شـد. شـبکه گازرسـانی فـاز ۱ بابـل، گلسـتان، فـاز ۱ بابلسـر، فـاز ۲A ارومیـه نیـز در طـول همیـن سـال‌ها بـا جدیـت تمـام پیگیـری و بـه اجـرا درآمـد. از مهم‌تریـن پروژه‌هـای افتتاحیـه در فاصلـه سـال‌های ۱۳۷۱- ۱۳۷۵ می‌تـوان بـه افتتـاح شـبکه گازرسـانی شهرسـتان خوانسـار بـا هزینـه ۵ میلیـارد ریالـی در خـرداد مـاه ۱۳۷۱، بهره‌بـرداری از طـرح گازرسـانی بندرانزلـی در ۲ تیـر مـاه ۱۳۷۲، گازرسـانی بـه کرمانشـاه بـا حضـور آیـت‌الله رفسـنجانی، باقرآبـاد ورامیـن در تیـر مـاه ۱۳۷۵ اشـاره کـرد. نصـب ۲۶۶۲۴۷ انشـعاب در سـال ۱۳۷۲، ۱۶۱۰۷۳ انشـعاب در سـال ۱۳۷۴ و ۱۷۹۲۸۲ انشـعاب در سـال ۱۳۷۵ نیـز گویـای موفقیـت شـرکت گاز در امرگازرسـانی بـه مشـترکین اسـت.

بـا وجـود سـرعت بـالا و پیگیری‌هـای مـداوم، همچنـان بخش‌هـای زیـادی از کشـور از نعمـت گاز برخـوردار نبودنـد. یکـی از دلایـل ایـن تأخیـر را بایـد عـدم سـاخت خطـوط لولـه سراسـری گاز دانسـت. گازرسـانی بـه شـهرهای مختلـف تنهـا در شـرایطی امکان‌پذیـر بـود کـه خطـوط سراسـری گاز جهـت انتقـال از میادیـن مختلـف احـداث شـوند. طرحـی کـه بـه همـت کارکنـان شـرکت گاز در سـال‌های آینـده بـا موفقیـت تمـام در چنـد مرحلـه بـه اجـرا درآمـد. احـداث ۸ کیلومتـر از خـط تغذیـه فـاز ۲ تربـت حیدریـه در آغـاز فروردیـن مـاه و ۲۰۰ کیلومتـر شـبکه‌گذاری یـزد نیـز توسـط پیمانـکار داخلـی در آخریـن روز فرودیـن مـاه

۱. تزازنامه انرژی سال ۱۳۷۰، ص ۵۰.

سال ۱۳۷۶ اجرا شد. احداث بخشی از شبکه تغذیه و توزیع گاز خوی و خرم‌آباد نیز تا مهر ماه انجام پذیرفت. عباس‌آباد، سلمان شهر، فاز ۲ فریدون‌کنار از آخرین شهرهایی بودند که تا پایان سال ۱۳۷۶ عملیات گازرسانی در آنها به اجرا درآمد

کارنامه صنعت گاز کشور در سال‌های سازندگی در حالی بسته شد که با تلاش‌های دولت، صنعت نفت جانی دوباره یافت و در کنار ترمیم ویرانی‌های جنگ و از سرگیری مجدد صادرات نفت، در بخش گاز نیز تولید به دو برابر افزایش یافت و به ۶۳ میلیارد متر مکعب در روز رسید و مقدمات لازم برای توسعه میدان گازی پارس جنوبی در سال‌های آینده مهیا شد.

با افزایش تعداد مشترکان خانگی، آمار نشت گاز و فوت‌شدگان سیر صعودی گرفت. مدیران شرکت گاز معتقد بودند که با آموزش‌های ایمنی می‌توان آمار را کاهش داد و یافتن راه‌حلی برای نحوه آموزش را به مسئولان روابط‌عمومی واگذار کردند. به‌این‌ترتیب، از دل این گفتگوها، کاراکتر آقای ایمنی با طراحی بهمن عبدی متولد و میهمان هر شب خانه‌های ایرانی شد. راه‌حل دیگر برای آگاهی‌بخشی مشترکان و انتقال آموزش‌های ایمنی، استفاده از جملاتی در پشت قبض‌های خانگی بود: «اگر نشتی گاز داشتید، از تلفن خودتان استفاده نکنید، از تلفن همسایه برای تماس استفاده کنید.»[1]

طرح آماک

ازجمله طرح‌هایی که از دوران جنگ موردتوجه قرار گرفت و سپس در نیمه دوره سازندگی مطالعات مفصلی درباره آن انجام شد، اما نزدیک به دو دهه بعد به سامان رسید، طرح آماک بود. طرح آماک همانا جمع‌آوری گازهای همراه بود که می‌بایست از آن به‌صورت بهینه استفاده شود و مخفف نام پنج میدان نفتی بود: آب‌تیمور، منصوری، مارون، اهواز و کوپال. طرح جمع‌آوری گازهای همراه از پیش انقلاب مورد نظر کنسرسیوم و سپس اسکو قرار گرفته بود. لیکن، در دوران جنگ توسط کارشناسان مناطق نفت‌خیز جنوب پراهمیت گشت و درنتیجه، به یک طرح بزرگ ملی بدل گردید. بر حسب گزارش کتاب هندسه نفت، در سال ۱۳۶۴ مطالعات مهندسی مقدماتی این طرح تصویب شد که به دلیل مشکلات ارزی فرجامی نیافت.

در دوره سازندگی، در سال ۱۳۷۰ مناقصه محدودی بین شرکت‌های ایرانی و خارجی با استفاده از تسهیلات وام بانک جهانی به تصویب هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران رسید.

۱. مصاحبه با اسدالله صالحی‌فروز، پروژه تاریخ صنعت نفت ایران، ۱۳۹۴.

لیکن، عملیاتی شدن طرح با پشتیبانی مالی بانک مورد نظر مورد توافق طرفین قرار نگرفت و موضوع گرفتن وام منتفی گردید. در مرحله بعد، در سال ۱۳۷۴ مطالعات جدید مهندسی مقدماتی به شرکت مهندسی مشاور سازه به تصویب کمیته عملیاتی و فنی رسید. به هر روی، طرح جدید نیز به دلایل مالی سرانجامی نیافت و در اواخر سال ۱۳۷۸ در قالب قراردادهای بیع‌متقابل تصویب شد. درنهایت، در اوایل سال ۱۳۹۲ تأسیسات تقویت فشار گاز غنی ترش و گاز اسیدی و واحد شیرین‌سازی گاز ترش به همراه ۲۸۰ کیلومتر خطلوله زیرزمینی انتقال گاز ساخته شد که در فصل‌های آتی بدان خواهیم پرداخت.[۱]

ذخیره‌سازی گاز طبیعی

در این دوره بحث ذخیره‌سازی گاز بین کارشناسان شرکت ملی گاز، وزارت نفت و سازمان برنامه و بودجه به چالشی جدی بدل گشت. این ایده در زمان جنگ نیز هوادارانی داشت و در دوره سازندگی به‌رغم اکتشافات مناسب، موردتوجه مدیران استراتژیست قرار گرفت که نشان از آینده‌گری آنان داشت. چند نقطه در مرکز و شمال ایران برای ذخیره‌سازی شناسایی شد. شناسایی مخازنی که بتوانند نگهدار گاز وارداتی شوند و واکنش منفی از خود نشان ندهند، سخت و طاقت‌فرسا بود.سه نوع مخزن برای ذخیره‌سازی مورد استفاده قرار می‌گیرند: ۱. مخازن تخلیه‌شده هیدروکربوری؛ ۲. آبخان‌ها که سازندهای سنگی نفوذناپذیر، متخلل و زیرزمینی‌ای هستند که مخازن آب طبیعی هستند و در برخی موارد از آنان می‌توان برای ذخیره‌سازی گاز طبیعی استفاده کرد؛ ۳. مغاک‌های نمکی که با داشتن دیوارهای مستحکم و غیرقابل نفوذ از خروج گاز تزریق‌شده جلوگیری می‌کنند امریکا از. جمله کشورهایی است که بیشترین تعداد و میزان حجم گاز ذخیره‌سازی‌شده را دارد. در ایران، زون‌های کپه داغ، مکران، البرز، زاگرس و ایران مرکزی مورد مطالعه قرار گرفت

تأسیس دانشگاه

مهندس به‌جای تکنسین

پس از پایان جنگ، رفتن به دانشگاه و تخصص یافتن به یک عطش بدل گشت که از مقتضیات ورود به این دوره تاریخی به حساب می‌آید. رؤیای مهندس شدن

۱. هندسه نفت، جلد اول، انتشارات شرکت ملی مناطق نفت‌خیز جنوب، ۱۳۹۲، ص ۲۲۲.

بسیاری از جوانان را شیفته دانشگاه کرد. به موازات افزایش ظرفیت دانشگاه‌ها، به‌تدریج اهمیت دوره‌های فنی برای تربیت تکنسین رو به افول گذاشت، اما سنت دوره‌های آموزشی و کارآموزی در صنعت نفت تقریباً تا دو دهه پابرجا ماند. چارچوب نظری که از افزایش استخدام فارغ‌التحصیلان دانشگاهی در وزارت نفت پشتیبانی می‌کرد ان بود که این صنعت از پیچیدگی رو به رشدی برخوردار است و آینده تکنولوژی و شرکت‌های وابسته به‌گونه‌ای است که مهندسان و کارشناسان ارشد می‌توانند آن را اداره کنند.

در سال پایانی جنگ تحمیلی، گسترش آموزش رشته‌های فنی مرتبط با صنعت نفت و به‌صورت متمرکز بارها مورد بحث قرار گرفت. به گمان آنها، تأسیس یک مرکز بزرگ دانشگاهی در ادامه روند تاریخی دانشکده نفت آبادان ضروری به نظر می‌رسید. بر اساس همین ضرورت در سال ۱۳۶۸ مقدمات تأسیس دانشگاه فراهم گشت. به‌تدریج شمار دانشجویان و رشته‌ها فزونی گرفت. در سال ۱۳۷۲ دانشگاه نزدیک به چهار هزار نفر ظرفیت داشت. ارزیابی رئیس دانشگاه آن بود که این ظرفیت در طول پنج سال آینده به چهارده هزار نفر خواهد رسید. همچنین، با دانشگاه ساری انگلیس قراردادی منعقد شد که دانشجویان دوره دکتری در آن دانشگاه پذیرش شوند، ولی دوره تحقیقاتی خود را در اهواز سپری کنند. اعتبار یازده میلیارد ریالی برای دانشگاه صنعت نفت در سال ۱۳۷۲ به تصویب رسید. دانشگاه صنعت نفت در طول سالیان بعد شاخوبرگ گرفت و توسعه یافت و مراکز متعددی تأسیس کرد که در اینجا می‌آید: دانشکده نفت آبادان، دانشکده نفت اهواز، دانشکده نفت تهران، دانشکده علوم دریایی محمودآباد، مرکز تحقیقات دانشکده نفت آبادان، مرکز تحقیقات دانشکده نفت اهواز، مرکز تحقیقات دانشکده نفت تهران، مرکز تحقیقات صنایع فراساحل نفت و گاز دانشکده علوم دریایی محمودآباد

تأسیس پژوهشگاه صنعت نفت

هم‌زمان با تأسیس دانشگاه صنعت نفت و پایان جنگ، پژوهش‌های آزمایشگاهی سروسامان گرفت. مجموعه دفاتر و آزمایشگاه‌هایی که در بستر تحولات تاریخی از دهه ۱۳۳۰ پدید آمده بودند، صورتی یکپارچه گرفته و با تأیید وزارت علوم، پژوهشگاه صنعت نفت در سال ۱۳۶۸ تأسیس شد. پیشینه پژوهشگاه به سال ۱۳۳۷ بازمی‌گردد. در سال ۱۳۳۷ در بخشی از دانشکده فنی تهران آزمایشگاهی مخصوص صنعت نفت راه‌اندازی گردید که پس از دو سال با امکانات آزمایشگاهی بهتر به تأسیسات ری در جوار پالایشگاه

تهـران منتقـل شـد. در سـال ۱۳۴۵ آزمایشـگاه‌های نیمه‌صنعتـی و آزمایشـگاه‌های موتـوری سـوخت و روغـن (زیـر نظـر اداره توسـعه تحقیقـات شـرکت ملـی نفـت) گشـایش یافـت. پـس از انقـلاب، بـا نـام مرکـز پژوهـش و خدمـات علمـی بـه فعالیـت ادامـه یافـت کـه در دوران انقـلاب و جنـگ بـا کمـی وقفـه روبـه‌رو شـد. در سـال ۱۳۶۸، بـر حسـب راهبـرد جدیـد وزارت نفـت در زمینـه تحقیقـات صنعتـی، پالایشـی و شـیمیایی از سـطح مرکـز پژوهـش و خدمـات علمـی بـه پژوهشـگاه ارتقـا یافـت. بـا جـذب نیـرو و توانایـی سـازمانی، تـا سـال ۱۳۷۲ دارای پنـج پژوهشـکده شـد. از فعالیت‌هـای دیگـر ایـن پژوهشـگاه، اجـرای دوره‌هـای فـوق لیسـانس و دکتـری بـا همـکاری دیگـر دانشـگاه‌ها بـود. در سـال ۱۳۷۲ نزدیـک بـه چهارصـد تـن متخصـص در سـطوح دکتـری، کارشـناس ارشـد و کارشـناس بـا پژوهشـگاه همـکاری تمـام یـا نیمه‌وقـت داشـتند. در دوره سـازندگی، طرح‌هـای پژوهشـی مختلـف ماننـد ترکیبـات پتروشـیمیایی و آلودگـی محیط‌زیسـت و بنزیـن بـدون سـرب و پسـاب‌های صنعتـی در دسـتور کار پژوهشـگاه بـود.[1] منتقدیـن دربـاره عملکـرد پژوهشـگاه در سـه دهـه گذشـته نظـرات متفاوتـی ابـراز داشـتند. آنـان انتشـار داشـتند کـه پژوهشـگاه بایسـت در سـاخت فورمولاسـیون‌ها، بهبـود کیفیـت بنزیـن، کاهـش مصـرف انـرژی، کنتـرل صیانتـی مخـازن، زنجیـره پلیمـری و در یـک کلام، تولیـد دانـش فنـی و بهبـود فراینده‌ـای فنـی کمک‌کننـده صنعـت نفـت در دوران تحریـم باشـد. از طـرف مقابـل، مدیـران پژوهشـگاه دلایـل خـود را در عـدم سـرعت گرفتـن موفقیت‌هـای پژوهشـگاه مطـرح می‌کردنـد کـه اصلی‌تریـن آن عـدم مراجعـه و جـدی نگرفتن‌هـا بـود. در دهـه ۱۳۹۰، به‌ویـژه چنـد سـال اخیـر کـه توجـه بیشـتر بـه روش‌هـای دانش‌بنیـان صـورت گرفـت موفقیت‌هـای ارزشـمندی در زنجیـره تجاری‌سـازی علـم بـه دسـت آمـد. بخشـی از موفقیـت هـا و قراردادهـا در فصـل پایانـی کتـاب آمـده اسـت. آنچـه روشـن و غیرقابـل انـکار اسـت همانـا تقویـت همه‌جانبـه مراکـز پژوهشـی ـ تولیـدی بـرای رسـیدن بـه تولیـد تجـاری اسـت کـه چنانچـه همـراه بـا نظارت‌هـای تجـاری باشـد رسـیدن بـه اهـداف ملـی را سـرعت می‌بخشـد.

تولد نشریه مشعل

نشـریه مشـعل، پـس از چـاپ پنـج پیش‌شـماره، در تیـر ۱۳۷۴ زیـر نظـر شـورای سـردبیری و مدیـر مسـئولی آقـازاده به‌طـور رسـمی انتشـار یافـت. نشـریه، هـر دو هفتـه یـک بـار، بـا چـاپ رنگـی بـر روی کاغـذ تحریـر به‌صـورت رایـگان در دسـترس کارکنـان وزارت نفـت و شـرکت‌های

۱. پیک نفت، شماره ۲۷۴، ص ۱۰.

تابعه قرار گرفت. تفاوت عمده آن با پیک نفت، کیفیت مطالب تدوین‌شده، چاپ و شمارگان آن بود. پایان انتشار پیک نفت و شروع انتشار مشعل به مثابه نقطه تحول در اطلاع‌رسانی اخبار دورن سازمانی به کارکنان به حساب می‌آید که بعضاً با انتقادها و تحسین‌هایی روبه‌رو شد. در ادامه، با جذب اهل قلم و ایجاد تنوع در مقالات و افزایش کمّی اخبار، نشریه مورد استقبال جامعه نفتی قرار گرفت و تا پایان دوره سازندگی، نشریه در همان قطع و تعداد صفحات، اما با کمی تغییر در شمار عکس‌ها و خبرها انتشار می‌یافت.

یکی از تفاوت‌های اصلی مشعل با پیک نفت، حذف برخی از عناوین و موضوعات بود. ازجمله، موضوع جلسات هیئت‌مدیره با عنوان «در هیئت‌مدیره چه می‌گذرد» که یک تا دو صفحه از نشریه پیک نفت را به خود اختصاص می‌داد، حذف شده بود؛ گزارشات توصیفی از خبرنگاران وابسته به صنعت نفت در مشعل کمتر دیده می‌شود؛ مصاحبه‌های طولانی، نامه‌های ارسالی کارکنان شامل اشعار و دل‌نوشته‌ها نیز کمتر به چشم می‌آید. شمار صفحات پیک نفت در برخی از شماره‌ها به ۷۰ صفحه نیز می‌رسید، ولی نشریه مشعل تا پایان دوره سازندگی قالب هشت صفحه‌ای خود را حفظ کرد.

مرکز فیلم

از سال ۱۳۷۱ فعالیت‌هایی برای تأسیس مرکز فیلم وزارت نفت آغاز شد. با جمع‌آوری مجموعه‌ای از فیلم‌های آرشیوی وزارت نفت، اندیشه تأسیس مرکزی برای نگهداری این فیلم‌ها قوت گرفت. در بهمن ۱۳۷۲ مرکز فیلم توسط غلامرضا آقازاده افتتاح شد. آقازاده در مراسم افتتاح مرکز گفت: «من از خدمات آقای کاظمی، پایه‌گذار این مرکز قدردانی می‌کنم. یکی از نکاتی که متوجه شده‌ام، این است که صنعت نفت در انعکاس رسانه‌ای خدمات خود مظلوم واقع شده است. وقتی انسان به سازندگی‌ها و کارهای عظیمی که در پنج سال گذشته انجام شده نگاه می‌کند، متوجه می‌شود که حتی بیشتر از توان مجموعه کشور بوده است.»[۱]

در این مرکز، دستگاه‌های قدیمی برش و تدوین متعلق به پیش از انقلاب به همراه دستگاه‌های جدید خریداری‌شده مورد استفاده قرار گرفت. خبرنگاران اعزامی مناطق نفتی موظف به تهیه فیلم و ارسال آن به مرکز فیلم وزارت نفت بودند.

ایده آن بود که مرکز فیلم به یک استودیوی بزرگ بدل شود. این ایده در اوایل

۱. نشریه پیک نفت، شماره ۲۸۱، ص ۶.

دهه ۹۰ پرورده شد. اکبر نعمت‌الهی مدیر کل وقت روابط‌عمومی وزارت نفت، گام‌هایی برای توسعه آن برداشت، ولی در نهایت این مجموعه به اهداف اولیه خود نرسید و ایده تشکیل مرکز فیلم وزارت نفت، فرجامی درخور نام خود نیافت

کارنامه دولت سازندگی

رئیس‌جمهور هاشمی رفسنجانی در ۲۴ آذر ۱۳۷۵ به مجلس رفت تا لایحه بودجه سال ۱۳۷۶ را تقدیم نمایندگان کند. او با ارائه گزارشی مشروح[۱]، تصویری از تحولات پدیدآمده در دوران ریاست جمهوری خود ترسیم کرد. گزارش او حاکی از پیشرفت و تحول بزرگ در مقایسه با سال پایانی جنگ بود. وضعیت تحصیلی، بهداشت، رفاه، اشتغال، شاخص تولید برق و گاز و نفت و کاهش محرومیت سرفصل‌های اصلی گزارش او بود. او درباره درآمدهای نفتی و مالیاتی گفت:

> در سال‌های اخیر نسبت درآمدهای مالیاتی به کل درآمدهای عمومی دولت افزایش یافت و به دنبال آن سهم درآمد نفت کاهش یافته، در هفت ماهه اول سال ۱۳۷۵، درآمدهای مالیاتی ۷۰ درصد و درآمدهای نفتی ۱۸/۴ درصد نسبت به مدت مشابه سال قبل رشد یافته است.

در این دوره، سازمان اجتماعی صنعت نفت گسترده‌تر از قبل شد. خودکفایی در صنعت نفت به میزان نسبتاً قابل‌قبولی رسید، اما تا مرز ایدئال هنوز فاصله نسبتاً زیادی داشت. پیشرفت صنعت نفت بخش دیگری از گزارش رئیس‌جمهور بود. او با اشاره به راه‌اندازی واحدهای پالایشی و گازرسانی گفت:

> نفت‌خام تخصیص‌یافته برای مصارف داخلی در شش‌ماهه اول سال ۱۳۷۵، حدود ۱/۴ میلیون بشکه در روز است که کلاً در اختیار پالایشگاه‌های داخلی قرار گرفته و ۹۷/۶ درصد از هدف برنامه تحقق یافته است. در این مدت، ارز موردنیاز فراورده‌های وارداتی از محل صادرات سایر فراورده‌ها تأمین شده و پیش‌بینی تولید برای سال ۱۳۷۶، معادل برنامه است. تعداد شهرهای دارای لوله‌کشی گاز از ۱۱۴ شهر در سال ۱۳۶۸ به ۲۱۱ شهر در سال ۱۳۷۵ افزایش یافته و لوله‌کشی ۵۵ شهر نیز در حال اجرا است. همچنین، تولید مواد مختلف توسط شرکت‌های تابعه شرکت صنایع پتروشیمی در سال ۱۳۷۴ معادل ۸/۵۲ میلیون تن بوده که ۹۹ درصد اهداف برنامه را محقق ساخته است که از این مقدار ۱/۲ میلیون تن صادر شده است.

رئیس‌جمهور در ادامه سخنانش پروژه‌های عمده صنعت نفت و گاز را که نزدیک به بهره‌برداری بودند و یا عملیات اجرایی آنها قرار بود آغاز شود، چنین برشمرد:

---

۱. مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی، ۲۴ آذر ۱۳۷۵.

پالایشگاه بندرعباس؛ بهره‌برداری از ظرفیت کامل پالایشگاه ولی‌عصر کنگان؛ احداث پالایشگاه گاز دالان، شروع عملیات اجرایی پالایشگاه خانگیران و بیدبلند؛ بهره‌برداری از خطوط انتقال گاز شهرهای مختلف، شروع عملیات اجرایی سومین خطلوله گاز سراسری؛ بهره‌برداری از پتروشیمی تبریز؛

رئیس‌جمهور در بخش دیگری از سخنانش اقدامات انجام‌شده در زمینه فقرزدایی و محرومیت‌زدایی را برشمرد و گفت:

قبل از انقلاب بیش از ۴۷ درصد جمعیت کشور زیر خط فقر بودند که با اقدامات انجام‌شده، بعد از انقلاب مخصوصاً از ابتدای برنامه پنج‌ساله اول تا کنون این نسبت به ۱۷ درصد کاهش یافته است. یعنی ۳۰ درصد مردم که زیر خط فقر بوده‌اند، بیرون آمده‌اند. در همین دوره بعضی از افراد را می‌بینیم که در صحبت‌هایشان ظالمانه قضاوت می‌کنند که فقیر فقیرتر شده و پولدار پولدارتر شده، این با مستندات روشن آماری است.

اقدامات انجام‌شده در زمینه محرومیت‌زدایی طی سال‌های بعد از انقلاب اسلامی موجب بهبود شاخص‌های مربوطه شده است. به‌طوری‌که تا سال ۱۳۷۴ با رشد ۷۷۰ درصدی نسبت به قبل از انقلاب، ۳۳۳۲۸ روستا از نعمت برق برخوردار شده‌اند. در سال ۱۳۷۵ بیش از ۲۵۰۰ روستا و در سال ۱۳۷۶ حدود ۲۷۰۰ روستا برق‌دار خواهند شد. همچنین، تا کنون ۳۱۶۰۰ روستا با پوشش ۲۰ میلیون نفر از آب آشامیدنی سالم برخوردار شده و بیش از ۱۴۶۰۰ خانه بهداشت در روستاها ایجاد شده است.

رئیس‌جمهور در بخش پایانی سخنانش درآمدهای پیش‌بینی‌شده برای سال ۱۳۷۶ را چنین برشمرد:

درآمدهای لایحه بودجه سال ۱۳۷۶ معادل ۷۴۹۰۹ میلیارد ریال برآورد شده است که نسبت به بودجه مصوب سال ۱۳۷۵ از افزایشی بالغ بر ۳۴ درصد برخوردار است. از رقم فوق، ۲۵ درصد را درآمدهای مالیاتی، ۴۱ درصد را درآمدهای نفتی و ۳۴ درصد را سایر درآمدها تشکیل می‌دهد. بدین ترتیب، سهم درآمدهای غیرنفتی در کل درآمدهای دولت از ۴۶/۱ درصد در سال ۱۳۷۵ به ۵۹ درصد در سال آینده خواهد رسید. که البته این یک مبلغش ظاهراً فروش ارز است که فروش ارز قاعدتاً یک درآمد نفتی است در اصل. اگرچه ما چون در بازار خودمان تفاوت قیمت ارز داریم، یک درآمد اضافی محسوب می‌شود، اما درحقیقت ریشه‌اش یک ریشه نفتی است که این را باید توجه بکنیم گمراه‌کننده نباشد.[1]

۱. مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی، ۲۴ آذر ۱۳۷۵.

مـرداد ۱۳۷۶ پایـان کار دولـت سـازندگی بـود. همچنـان کـه در پایـان جنـگ دولتـی بـا شـعار سـازندگی ظهـور کـرد، رونـد نسـبتاً پرشـتاب تغییـرات اقتصـادی در پایـان عصـر سـازندگی بـه پیدایـی دولتـی بـا شـعار اصلاحـات انجامیـد. حامیـان جنبـش اصلاحـات بـه نقـد عصـر سـازندگی پرداختنـد و کمبودهـای آن دوره را بـه رخ کشـاندند. عدالـت اجتماعـی و اصلاحـات سیاسـی از شـعارهای سـیدمحمد خاتمـی بـود کـه مـردم بـه آن روی آوردنـد. اینکـه برنامه‌هـا و سیاسـت‌های نفتـی عصـر سـازندگی بـه چـه میـزان بـه ناعدالتـی و یـا فاصلـه طبقاتـی کمـک کـرد مـورد مطالعـه قـرار نگرفـت، امـا افزایـش قیمـت ارز و تعرفه‌هـا و شـاخص هزینـه زندگـی در سـال‌های ۱۳۷۲ و ۱۳۷۳، برخـی نگرانی‌هـا را پدیـد آورد. عدالـت اجتماعـی موضـوع مقـالات و سـخنرانی‌ها گشـت. برخـی نماینـدگان مجلـس و اهـل قلـم از رشـد تجمل‌گرایـی و روحیـه ارباب رعیتـی و ظهـور طبقـه جدیـد سـرمایه‌دار انتقـاد کردنـد. اوج ایـن اعتراض‌هـا در زمانـه انتخابـات ریاسـت جمهـوری منتهـی بـه انتخـاب سـیدمحمد خاتمـی در سـال ۱۳۷۶ بـود. در هنـگام رأی اعتمـاد بـه دولـت خاتمـی، لطـف‌الله زارعـی قنواتـی، نماینـده مجلـس، بـه نقـد برنامه‌هـای اقتصـادی گذشـته پرداخـت و گفـت:

> تـورم و گرانـی سـال‌های اخیـر کـه در سـال ۱۳۷۴ بـه حـدود ۵۰ درصـد (!) رسـید، بزرگ‌تریـن مشـکلی اسـت کـه مـردم فـداکار مـا را بـه سـتوه آورده، به‌گونـه‌ای کـه بیـش از هشـتاد درصـد (!) آنهـا زیـر فشـاد تـورم و گرانـی کمرشـکن قـرار دارنـد و دسـترنج آنهـا را تـورم می‌بلعـد و ارزش کار و قـدرت خریـد آنهـا را کاهـش می‌دهـد... عدالـت اجتماعـی از مسـائلی اسـت کـه جامعـه مـا انتظـار تحقـق آن را دارد. رفـع تبعیـض و بی‌عدالتـی، توزیـع عادلانـه درآمدهـا، بهره‌منـدی منطقـی مـردم از امکانـات، امـکان رشـد و شـکوفایی اسـتعدادهای فرزنـدان ایـن مرزوبـوم و زدودن فقـر از جامعـه اسـلامی از خواسـته‌های بحـق مـردم و از اصلی‌تریـن اهـداف انقـلاب اسـلامی اسـت. بـدون تحقـق عدالـت اجتماعـی هـر اقدامـی ابتـر اسـت. رشـد و توسـعه در صورتـی مقبـول اسـت کـه در خدمـت تحقـق عدالـت اجتماعـی باشـد. متأسـفانه بایـد قبـول کـرد و ایـن واقعیـت تلـخ را پذیرفـت کـه عدالـت اجتماعـی در مسـلخ توطئـه ذبـح شـده و جـداً بـه آن بی‌توجهـی گردیـده... مـردم خواهـان رسـیدگی بـه طبقـه جدیـد سـرمایه‌داران بـی‌درد هسـتند و خواهـان آن هسـتند کـه بـا قاطعیـت حقـوق تضییع‌شـده ملـت از آنهـا بازسـتانده شـود.
>
> ایـن مـردم شـریف بـا ایـن مشـکلات در عرصـه انتخابـات، رئیس‌جمهـوری را انتخـاب کردنـد کـه در برنامه‌هـای او مبـارزه بـا ایـن مشـکلات تـا رفـع آنهـا را دیدنـد. درک او را از مشکلاتشـان مشـاهده کردنـد. سخنانشـان بـه دلشـان نشسـت و راه و روش او را مناسـب بـا اهـداف ایـران

اسـلامی تشـخیص دادنـد.[1]

۱. مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی، ۲۸ مرداد ۱۳۷۶، جلسه ۱۱۹.

پیوست فصل ششم



افتتاح فاز ۱ پتروشیمی بندر امام با حضور رئیس‌جمهور (۱۳۶۹ ش)



افتتاح پالایشگاه نفت اراک باحضور رئیس‌جمهور و وزیر نفت (۱۳۷۲ ش)



افتتاح پالایشگاه نفت اراک (۱۳۷۲ ش)

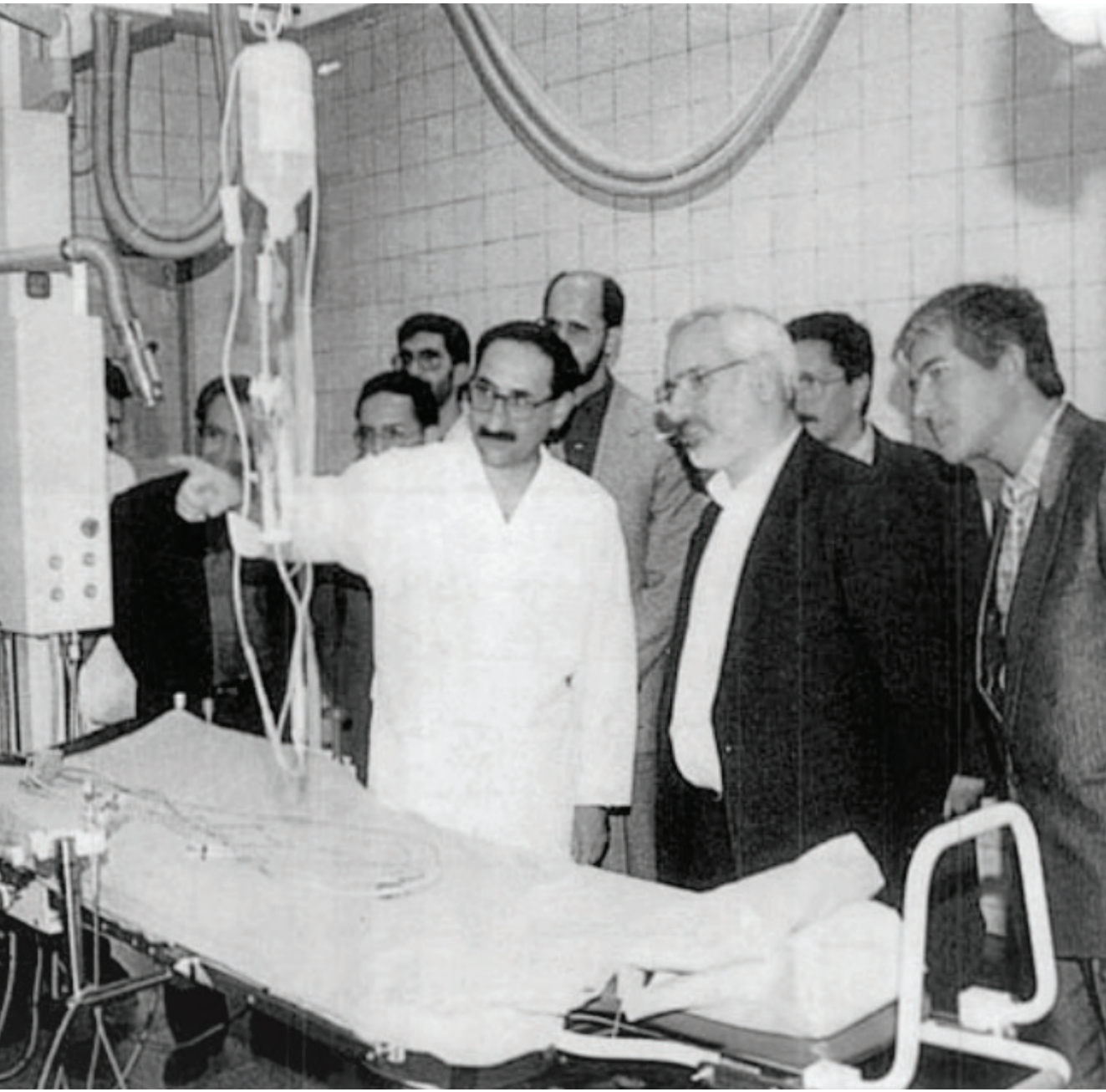


مراسم استقبال از پیکر شهید تندگویان
(۱۳۷۰ ش)





تصویری از عملیات احداث خطوط لوله گاز



بازدید آقازاده وزیر نفت از تجهیزات نصب‌شده در بیمارستان مرکزی نفت
۱۰ مهر ۱۳۷۲

فصل هفتم

دوران طلایی(۱۳۸۴-۱۳۷۶)

در جمهوری اسلامی ایران هر چهار سال و در خرداد ماه، انتخابات ریاست جمهوری برگزار می‌شود. رئیس‌جمهور منتخب پس از برگزیده شدن، این فرصت را دارد تا وزیران دولت خود را انتخاب کند و از مجلس شورای اسلامی رای اعتماد بگیرد. پس از این مقدمات، در شهریور ماه، دوره کاری دولت جدید آغاز می‌شود.

در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۷۶ که روز دوم خرداد ماه برگزار شد، نام سیدمحمد خاتمی از درون آرای صندوق‌های انتخاباتی بیرون آمد و وی با بیش از ۲۰ میلیون رأی بر کرسی ریاست جمهوری نشست. این دوره هشت ساله که در ادبیات سیاسی ایران به دوره اصلاحات موسوم است، آغازگر تحولاتی گسترده در سیاست و اقتصاد کشور بود و به تبع آن، صنعت نفت ایران نیز تحولات چشمگیری را تجربه کرد. از مهم‌ترین این تحولات، جذب سرمایه خارجی در چارچوب قراردادهای بای‌بک (بیع متقابل) بود که از دولت پیشین آغاز شده بود و در این دوره به ثمر رسید. در ۸ سال بعد، علاوه بر رشد ارقام در حوزه هایی چون شبکه گازرسانی، عملیات اکتشافی و تولید محصولات پتروشیمیایی، تغییراتی نیز در ساختار اداری صنعت نفت رخ داد که به تولد شرکت‌های جدید منجر شد.

در این دوره، فاصله گرفتن وزارت نفت از جنجال‌های سیاسی، در کنار تداوم سیاست خارجی مبتنی بر تنش‌زدایی که در دولت قبل بنیان گذاشته شده بود، به کمک صنعت نفت آمد و مسئله سرمایه‌گذاری در این حوزه حل‌وفصل گردید. شرکت‌های خارجی در عملیات اکتشاف، توسعه میادین و ساخت مجتمع‌های پتروشیمی مشارکت کردند که عمده‌ترین نتیجه سرمایه‌گذاری‌های داخلی و خارجی، افتتاح پنج فاز پارس جنوبی، کشف چند میدان نفتی و گازی و خرید تجهیزات نوین حفاری بود.

رأی اعتماد به زنگنه

سیدمحمد خاتمی، بیژن زنگنه را به‌عنوان وزیر نفت برگزید. ۲۸ مرداد ۱۳۷۶ بررسی صلاحیت وزرای پیشنهادی دولت در مجلس آغاز شد. پیش از آن، بیژن زنگنه با برخی از نمایندگان به گفت وگو نشسته و برنامه‌های خود را با آنان مطرح کرده بود. اگرچه زنگنه در آن ایام فاقد سابقه نفتی بود، برای کسب رأی اعتماد در مجلس راه دشواری پیش رو نداشت و حتی ازسوی کنشگران نفت جنوب نیز مخالفت جدی با او صورت نگرفت. در جلسه رای اعتماد، محمدرضا خباز، محمدابراهیم مداحی و محمدرضا راه‌چمنی در موافقت با زنگنه سخن گفتند که نگاهی به سخنان آنان می تواند نوع نگاه نمایندگان و دلیل اعتماد مجلس به زنگنه را آشکار کند .

محمدرضا خباز، دیدگاه‌های زنگنه، وزیر پیشنهادی نفت، را چنین برشمرد: «تلاش بر توسعه پایدار درون‌زا ؛ تأمین عدالت اجتماعی و صیانت از نیروی انسانی؛ توسعه و ارتقای فناوری، تقویت تولید ملی، سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و تأمین اشتغال مولد؛ اصلاح ساختار اداری و بهبود مدیریتی و بهره‌وری؛ بسط فرهنگ کار و تولید و تنظیم مصرفی هم‌شأن نظام اسلامی.»[1]

محمدابراهیم مداحی، دیگر نماینده موافق، گفت: «عملکرد جناب آقای زنگنه در دوران وزارت نیرو و قبل از آن‌هم برای همه روشن و آشکار است. ایشان مشارکت فعال در مبارزات قبل از انقلاب داشته. از ابتدا، در دولت شهید رجایی به‌عنوان معاون فرهنگی وزارت ارشاد کار خودشان را آغاز کردند و در سال ۱۳۶۱ به‌عنوان وزیر نیرو همچنان موفق و با مدیریت خوب انجام وظیفه کرده‌اند. شش بار تا به حال از مجلس محترم رأی اعتماد گرفته‌اند که این در واقع برای ایشان یک امتیاز است و همچنین، در سال ۱۳۷۵ ازسوی مقام معظم رهبری یک تأییدیه دیگری جهت مجمع تشخیص مصلحت گرفتند که اینها دلیلی است برای شایستگی و لیاقت ایشان. برنامه‌های خوبی دارند که در رابطه با نوسازی صنعت نفت، توسعه فناوری ملی در بخش نفت، پیوند صنعت نفت با نظام صنعتی، تلاش برای تبدیل صادرات نفت‌خام به صادرات مشتقات نفتی که ارزش افزوده این تولیدات را افزایش می‌دهد، بهبود نظام بازاریابی نفت که از حالت انفعالی بیرون بیاییم و یک مقدار ابتکار عمل داشته باشیم و نهایتاً بهینه کردن مصرف انرژی.»

سومین موافق، راه‌چمنی بود. او موافقت خود را چنین بیان کرد: «برادرمان آقای زنگنه

۱. مذاکرات مجلس دوره پنجم شورای اسلامی، جلسه ۱۱۹، ۲۸ مرداد ۱۳۷۶.

کـه همـه بـرادران می‌شناسـند، از مدیـران قـوی هسـتند و الان هـم انشـاءالله در وزارت نفـت بـا سیاسـت‌های خوبـی کـه دارنـد [موفـق خواهنـد شـد] در جلسـه‌ای کـه داشـتیم می‌گفتنـد مـا به‌جـای اینکـه بخواهیـم گاز را بـه خـارج صـادر کنیـم، خـب ایـن را تبدیـل بـه بـرق می‌کنیـم و بـرق را صـادر می‌کنیـم. ایـن، هـم کلـی اشـتغال بـرای مـا ایجـاد می‌کنـد و هـم اینکـه ارزش افـزوده خواهـد داشـت. بنابرایـن، انشـاءالله وزیـر موفقـی در وزارتخانـه جدیدشـان، وزارت نفـت، خواهـد بـود.»

در پایـان رأی‌گیـری، زنگنـه بـا کسـب ۲۱۳ رأی موافـق، ۳۴ رأی مخالـف و ۱۹ رأی ممتنـع بـه سـاختمان وزارت نفـت پـا گذاشـت.[۱]

در طـول چهـار سـال نخسـت وزارت زنگنـه (۱۳۷۶ تـا ۱۳۸۰) حجـم رخدادهـا، زیـاد و ایجـاد تغییـرات در بخش‌هـای مختلـف سـاختار صنعـت نفـت، چشـمگیر بـود. اقدامـات زنگنـه در کنـار اثـرات مثبـت بسـیار، موجـی از مخالفت‌هـا را برانگیخـت. اختلاف‌نظرهـا محـدود بـه نماینـدگان مجلـس و گروه‌هـای سیاسـی نبـود، بلکـه در بدنـه صنعـت نفـت نیـز نمـود یافـت. در چنیـن فضایـی بـود کـه انتخابـات دولـت هشـتم برگـزار شـد و بیـژن زنگنـه بـار دیگـر به‌عنـوان وزیـر منتخـب نفـت پـای بـه مجلـس گذاشـت.

چهار سال دوم

هشـتمین انتخابـات ریاسـت جمهـوری بـا حضـور ده نامـزد در ۱۸ خـرداد ۱۳۸۰ برگـزار شـد. سـیدمحمد خاتمـی بـار دیگـر اکثریـت آرا را کسـب کـرد و به‌عنـوان هشـتمین رئیس‌جمهـور در سـاختمان پاسـتور مانـدگار شـد.

۱۱ مـرداد حکـم تنفیـذ خـود را از رهبـر انقـلاب دریافـت کـرد و ۲۸ مـرداد بـه همـراه اعضـای کابینـه پیشـنهادی بـرای کسـب رأی اعتمـاد بـه مجلـس رفـت و در تأییـد وزرای پیشـنهادی دولـت خـود در صحـن مجلـس سـخن گفـت.۲

رئیس‌جمهـور در معرفـی زنگنـه بـه چنـد موضـوع اشـاره کـرد و تقویـت جایـگاه ایـران در اوپـک، گسـترش عملیـات اکتشـافی در ایـران، توسـعه میادیـن و فزونـی گرفتـن محصـولات پتروشـیمی را از نـکات مثبـت چهـار سـاله مدیریـت بیـژن زنگنـه بـر وزارت نفـت عنـوان کـرد:

«مـن عـرض کنـم کـه اگـر فعالیـت و تـلاش و ابتـکار جنـاب آقـای زنگنـه نبـود، مـا ایـن موفقیت‌هایـی کـه در اوپـک و در انسـجام اوپـک، در دفـاع از حقـوق تولیدکننـدگان و در رسـاندن

۱. مذاکرات مجلس دوره پنجم شورای اسلامی، جلسه ۱۲۱، ۲۹ مرداد ۱۳۷۶.

۲.مذاکرات مجلس دوره ششم شورای اسلامی، جلسه ۱۳۵، ۲۸ مرداد ۱۳۸۰.

اوپک به یک جایگاهی که بتوانیم امروز بگوییم، با ثبات و استحکام بیشتر و با نگاه به آینده می‌توانیم جلو برویم، بدون تلاش ایشان میسر نبود... در زمینه اکتشاف، در زمینه تقویت و بنیه و پشتوانه اقتصاد کشور که نو هست، در زمینه احیای منابع و بهره‌برداری بهینه از منابع ما که به‌شدت در حال تخریب بود، تلاش ارزنده‌ای کردند. امیدوارم در پایان این دولت، یعنی سال ۱۳۸۴، با صادرات ۶ میلیاردی پتروشیمی ما بتوانیم یک منبع عظیمی در اقتصاد کشور و نیز تبدیل ماده خام به ارزش افزوده بسیار بالاتر داشته باشیم که این روند الحمدالله ادامه دارد و ادامه خواهد داشت.»

اما جلسه رأی اعتماد این دوره متفاوت از سال ۱۳۷۶ بود. وقایع چهار سال گذشته به پیدایی مخالفت‌هایی با زنگنه انجامیده بود که در مجلس نمود یافت. روز سی مرداد که نوبت نقد و بررسی وزیر پیشنهادی نفت رسید، نخست حمید کهرام پشت تریبون رفت و در سه بخش انتقادات خود را بیان کرد. در بخش اول، با اشاره به ورود سیاستمداران و اشخاص غیرنفتی به درون وزارت نفت، آن را مورد انتقاد قرار داد. کهرام معتقد بود زنگنه به‌نوعی وزارت نفت را بین جناح‌های سیاسی توزیع کرده و ازجمله آنها، شرکت متن را نام برد. او ورود افراد سیاسی و غیرنفتی به درون وزارت نفت را بحران‌زا دانست. وی در بخش دوم، به تغییر ساختار وزارت نفت انتقاد کرد. تأسیس شرکت‌های مختلف که در این دوره اتفاق افتاده بود، مورد اعتراض کنشگران صنعت نفت جنوب قرار داشت و کهرام همین موضع را در صحن مجلس بیان کرد. در بخش سوم، چند ایراد به نحوه توسعه صنعت نفت وارد کرد و قراردادهای امضاشده و در حال امضا را قراردادهایی بدون مطالعه دقیق توصیف کرد. کهرام گفت:

«حدود ۳۰ نفر از خارج از صنعت نفت در سمت مدیریت‌های ارشد وزارت نفت گذاشته شده و متأسفانه بعضاً بخش‌های مشخص از مدیریت‌ها به جریانات خاص سیاسی سپرده شده است و بدین وسیله عملاً جریان نفت را با سیاست پیوند زده است و به‌نحو بسیار دقیقی به کلیه جریانات سیاسی متأسفانه سهم داده شده است.

یکی از اشتباهات استراتژیک مدیریت صنعت نفت متأسفانه برخورد شتابزده و غیرکارشناسانه با ساختار، مخصوصاً در صنایع بالادستی مناطق نفت‌خیز و به‌ویژه ساختار مهندسی نفت که نقش برنامه‌ریزی و نظارت بر عملیات توسعه مخازن را به عهده دارد، می‌باشد. این تصمیم باعث گردید تا مدیریت صحیح و آگاهانه را بر حساس‌ترین منابع اقتصادی کشور تضعیف و در مراحل بسیار سؤال‌برانگیز و غیرقابل توجیه بعدی، با ایجاد

شرکت‌های متنوع ازجمله شرکت‌هایی نظیر مهندسی و توسعه نفت (متن) و واگذاری آن به افراد کم‌سابقه نفتی که متأسفانه اکثراً از شخصیت‌های سیاسی یک جریان سیاسی بوده‌اند، زمینه نظارت بر تولید و ارتباط با توسعه را قطع نماید...

موضوع سوم، به بخش مهم توسعه در صنعت نفت می‌پردازیم و اهمیت فوق‌العاده و ممتاز توسعه در صنایع عظیم نفت، گاز و پتروشیمی ایجاب می‌کند که دائماً و بدون انقضا و بی‌وقفه آن را در تمامی عرصه‌ها و به‌طور اطمینان‌بخش به منصه ظهور برساند و به‌ویژه به افزایش ظرفیت و ارتقای کیفیت فوق‌العاده حساس بود. در این ارتباط، در کمتر از سه سال از برنامه اول توسعه، میزان تولید نفت‌خام از میادین نفتی جنوب از حدود ۲ میلیون و ۲۰۰ هزار بشکه به مرز ۳ میلیون و ۶۰۰ هزار بشکه رسید. این در حالی بود که از حدود ۲ هزار پیمانکار داخلی استفاده شد و فقط ۴۰ درصد از ارز برنامه مصوب جاری و سرمایه‌ای را به خود تخصیص داد. چگونه بوده است که در چهار سال گذشته متأسفانه میزان تولید نفت هیچ‌گونه افزایشی نداشته است.»[۱]

رأی‌گیری پس از گفت وگوها و بررسی‌ها برگزار شد و آرای بیرون‌آمده از گلدان‌ها اگر چه حضور زنگنه در وزارت نفت را تایید می کرد اما چندان دلخوش کننده نبود. شمار آرای موافق نسبت به دوره پیشین کاهش چشمگیری داشت. آرای موافق، ۱۶۶، آرای مخالف ۷۴ و آرای ممتنع ۱۴ رأی بود.[۲]

دو مقطع زمانی از نگاه آمار

مقایسه آماری ابتدا و انتهای دولت اصلاحات، حاکی از رشد اقتصادی و کاهش نرخ تورم در دوره هشت‌ساله این دولت است. در سال پایانی دولت اصلاحات (سال ۱۳۸۴)، اغلب شاخص‌های اقتصادی (به‌جز بورس) در مسیر رشد و پویایی قرار داشتند و نرخ تورم با سه درصد کاهش نسبت به سال قبل، به ۱۲ درصد رسید. متوسط قیمت دلار در بازار غیررسمی در سال ابتدایی دولت حدود ۱۲۰۰ ریال و در سال پایانی آن، ۹۰۴۲ ریال بود.[۳] بررسی آمار و ارقام حکایت از سیطره دولت بر تورم، خلق پول، گشایش در رکود و پایین آمدن نرخ بیکاری دارد.

۱. مذاکرات مجلس دوره پنجم شورای اسلامی، جلسه ۱۳۸، ۳۱ مرداد ۱۳۸۰.
۲. مذاکرات مجلس دوره پنجم شورای اسلامی، جلسه ۱۳۸، ۳۱ مرداد ۱۳۸۰.
۳. ترازنامه بانک مرکزی، سال ۱۳۸۴.

در نخستین سال دولت اصلاحات (۱۳۷۶)، تولید نفت‌خام ایران، ۳ میلیون و ۶۰۰ هزار بشکه در روز، صادرات نفت‌خام حدود ۲ میلیون و ۳۰۰ هزار بشکه در روز، متوسط بهای نفت‌خام صادراتی ۱۶/۴۲ دلار در هر بشکه و درآمد نفتی حدود ۳۱ هزار میلیارد ریال بود. تولید گاز طبیعی بالغ بر ۶۹ میلیارد مترمکعب بود که ۴۷ میلیارد مترمکعب آن در داخل مصرف گردید و ۱۱/۵ میلیارد مترمکعب آن سوزانده شد.[۱] طول شبکه‌گذاری گاز طبیعی در این سال، ۲۳۶۸ کیلومتر و انشعابات نصب‌شده ۱۶۹ هزار و ۹۳۸ عدد بود.[۲] در چارچوب خط‌مشی‌های ارائه‌شده در قانون برنامه دوم توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور، قیمت انواع فراورده‌های نفتی افزایش یافت و قیمت اسمی بنزین معمولی با ۲۳ درصد افزایش، از ۱۳۰ ریال به ۱۶۰ ریال در هر لیتر رسید.[۳]

در سال پایانی دولت اصلاحات (۱۳۸۴)، تولید نفت‌خام ایران ۴ میلیون و ۱۰۰ هزار بشکه در روز و صادرات نفت‌خام ۲ میلیون و ۶۰۰ هزار بشکه در روز بود. میانگین تقریبی بهای تک‌محموله‌ای هر بشکه نفت‌خام صادراتی با رشد قابل‌توجهی به ۵۳/۱۱ دلار رسید و به تبع آن، درآمد نفتی افزایشی چشمگیر یافت و بالغ بر ۴۷۱ هزار میلیارد ریال بود. در این سال، تولید گاز طبیعی به ۸۷ میلیارد مترمکعب و مصرف داخلی آن به ۸۸/۵ میلیارد مترمکعب رسید که مازاد آن از طریق واردات تأمین شد. قیمت اسمی انواع فراورده‌های نسبت به سال قبل، ثابت و بهای بنزین موتور ۸۰۰ ریال در هر لیتر بود.[۴] کل تولیدات مجتمع‌های پتروشیمی در این سال بالغ بر ۱۵۷۵۶ هزار تن بود که درمجموع، ۵۲۱۶ هزار تن آن صادر شد.[۵]

در این دوره که می‌توان آن را دوره طلایی صنعت نفت ایران در تمامی ابعاد دانست، توسعه همه‌جانبه‌ای به وقوع پیوست. برای دستیابی به توسعه، اقدامات بسیار مهمی انجام شد. این اقدامات که در بخش فنی و سازمانی روی داد، به افزایش ارقام تولید منجر گردید. تحلیل مدیران ارشد نظام و صنعت نفت بر این چارچوب استوار شده بود که لازمه افزایش تولید نفت، توسعه یکپارچه این صنعت است. توسعه فنی صنعت نفت در تمامی ابعاد به سرمایه خارجی نیاز داشت و همچون دوره‌های گذشته، صنعت نفت و

۱. ترازنامه بانک مرکزی، سال ۱۳۷۶.
۲. ترازنامه انرژی، سال ۱۳۷۶.
۳. ترازنامه بانک مرکزی، سال ۱۳۷۶.
٤. ترازنامه بانک مرکزی، سال ۱۳۸۴.
۵. ترازنامه هیدروکربوری، سال ۱۳۸۴.

سیاست خارجی پیوندی عمیق با یکدیگر داشتند. سیاست دولت مبنی بر تنش‌زدایی و جلب سرمایه‌گذاران خارجی به رشد و توسعه این صنعت کمک شایانی کرد.

نفت و سیاست

در آغاز دوره اصلاحات، شعارهای تنش‌زدایی، گفتگوی تمدن‌ها، زنده باد مخالف من، تشکیل شوراها، گسترش مناسبات بین‌المللی و پرهیز از خشونت، توجه دنیا را به تهران جلب کرد. تهران کانون تفسیر جدیدی از حکمرانی اسلامی و مدینه فاضله اسلامی گشت که در سخنان خاتمی بازتاب می‌یافت. سخنانی همچون: حاکم باید حکیم باشد؛ کرامت شهروندان از حقوق اساسی آنان است، آزادی و انتخاب حق طبیعی تمامی انسان‌ها است در سخنان خاتمی به مناسبت‌های مختلف تکرار می‌شد.

سیاست خارجی به موازات شعارهای دولت در خدمت توسعه نفتی قرار داشت و این یکی از رمزهای تاریخ صنعت نفت ایران است که همسویی سیاست خارجی و سیاست نفتی به شکوفایی اقتصاد نفتی خواهد انجامید. این به‌معنای باز کردن درهای کشور به روی شرکت‌های خارجی نیست، بلکه به‌کارگیری روشی هوشمندانه است تا دانش فنی و سرمایه خارجی در اختیار شرکت‌های داخلی و کارآفرینان و جوانان خلاق قرار گیرد. نمایندگی‌های وزارت خارجه در این دوره به‌صورت تمام قد از شرکت ملی نفت، شرکت‌های پتروشیمیایی، حفاری و پیمانکاران بخش خصوصی حمایت می‌کردند. بن‌بست‌ها یکی پس از دیگری گشوده شد و آنان به سرپل‌هایی برای انتقال دانش، سرمایه و تجربه شرکت‌های بزرگ خارجی به داخل ایران بدل گشتند.

هم‌زمان که ایران درها را برای گفتگوهای اقتصادی باز می‌کرد، دولت کلینتون در اندیشه اعمال تحریم‌های جدید علیه سیاست‌های نفتی ـ توسعه‌ای ایران بود. ازجمله اقدامات دولت امریکا که به محدودسازی توسعه اقتصادی ـ نفتی ایران می‌انجامید، اعمال تحریم‌های نانوشته، اخطار به شرکت‌های بزرگ درصورت همکاری با ایران و حمایت از طرح‌هایی که به انزوای نفتی ایران بینجامد، بود. درحالی‌که ایران در اندیشه تبدیل شدن به هاب منطقه‌ای آسیای میانه بود و قصد داشت نفت آسیای میانه را به‌صورت سوآپ به خلیج‌فارس رساند، طرح خطلوله باکو ـ تفلیس ـ جیهان با حمایت امریکا در حال اجرا بود.

بااین‌حال، تلاش‌های ایران با ایجاد احساس امنیت در سرمایه‌گذاران، آنها را به انعقاد

قراردادهای بیع‌متقابل تشویق کرد و فروش تجهیزات به ایران چشمگیر شد، تا جایی‌که شرکت‌های امریکایی پیشنهاددهندگان اصلی برای ورود به بازار ایران بودند. به‌طور مثال، در زمینه حفاری و خدمات حفاری رقابتی چشمگیر ازسوی شرکت‌های امریکایی، انگلیسی و فرانسوی برای مشارکت با شرکت‌های ایرانی پدید آمد.

در چنین حال و هوایی بود که ایران با میزبانی هشتمین کنفرانس سران کشورهای اسلامی موقعیت ویژه‌ای به دست آورد تا سیاست خود را که مبنی بر تنش‌زدایی، رفع سوءتفاهم و گفتگوی تمدن‌ها بود به کشورهای دیگر به‌ویژه کشورهای اسلامی منطقه نشان دهد.

نخستین نشست سران کشورهای اسلامی شهریور ۱۳۴۸ در شهر رباط، پایتخت مراکش، برگزار شد. پس از گذشت بیست و هشت سال از برگزاری اجلاس اول، ۱۸ آذر ۱۳۷۶ ایران به مدت سه روز میزبان پرشکوه‌ترین اجلاس تاریخ کنفرانس اسلامی شد که سران سی کشور و مقامات پنجاه و پنج کشور دیگر در آن حضور داشتند.[۱]

در اعلامیه پایانی اجلاس تهران آمده بود: «مصمم هستیم در جهت اهداف مشترک اقدام نماییم، مصمم هستیم تلاش‌های مبتنی بر تعاون را جستجو کنیم.» در همین اطلاعیه، بر رد استفاده از زور یا تهدید به استفاده از زور علیه یکدیگر تأکید شده بود.[۲] ریاست ایران بر سازمان کنفرانس اسلامی در افزایش بهای نفت اثرگذار بود. پس از بحران کاهش قیمت نفت‌خام در سال‌های ۱۳۷۶ و ۱۳۷۷، موسوم به شوک نفتی، که دامنگیر اقتصاد کشورهای نفت‌خیز جهان شده بود، نزدیکی ایران و عربستان در غلبه بر این کاهش و افزایش تدریجی قیمت نقش مؤثری داشت.

شوک نفتی

تنش‌زدایی بین ایران و عربستان که از سالیان پیش آغاز گشته بود، از سیاست‌های اصلی دولت اصلاحات بود و به بهبود مناسبات فیمابین و پایین آمدن نفوذ نسبی گروه‌های سیاسی افراطی در منطقه انجامید. سیاست‌های ایران برای گفتگو با کشورهای

۱. غلام بنی‌گلستانی، «چشم اندازی به تشکیل هشتمین اجلاس سازمان کنفرانس اسلامی»، پژوهش‌های اجتماعی ـ اسلامی، پاییز ۱۳۷۶، ش ۱۰، صص۶ـ۴

۲.منبع فصلنامه مطالعات خاورمیانه، ۱۳۷۶، شماره ۱۲، اعلامیه چشم‌انداز اجلاس تهران به آینده در هشتمین اجلاس سران سازمان کنفرانس اسلامی (تهران آذر ماه)

منطقه مورد استقبال کشور عربستان قرار گرفت. سلمان بن عبدالعزیز، امیر منطقه ریاض، با ابراز خوشبینی نسبت به آینده روابط بین دو کشور، از سرمایه‌گذاری در ایران استقبال کرد و گفت: «سیاست‌های بین‌المللی خاتمی و سفر آقای هاشمی رفسنجانی به ریاض در استحکام این روابط تأثیر بسیاری داشته است.»[۱] هم‌زمان که ایران و عربستان در حال رایزنی برای از سرگیری روابط دوستانه بودند، شوک بزرگی به بازار نفت وارد شد.

سال ۱۳۷۷، درحالی‌که یک سال از عمر دولت اصلاحات می‌گذشت، قیمت نفت‌خام افتی تاریخی را تجربه کرد. به گزارش بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، سال ۱۳۷۷ در میان سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی یک سال استثنایی بود. سال ۱۳۷۶ بهای هر بشکه نفت‌خام صادراتی ایران ۱۶ دلار بود که در کاهشی استثنایی، در آذر ۱۳۷۷ به ۱۰ دلار رسید. کاهش تقاضای بازار جهانی، تصمیم اعضای اوپک به افزایش سقف تولید در زمستان ۱۳۷۶ و بحران اقتصادی شرق آسیا از علل این کاهش بی‌سابقه قیمت عنوان شده است.[۲] نشریه معتبر گلوبال مارکتز در فوریه ۱۹۹۹ / بهمن ۱۳۷۷ قیمت‌های نفت را به رقابت در پیست قیرآلود تشبیه کرد و یادآور شد که تولید بی‌حساب، کار دست نفتی‌ها داد. این نشریه در بیان علت کاهش شدید قیمت‌ها نوشت: «در دو سال گذشته، تولید نفت در جهان از میزان تقاضای آن پیشی گرفت و این امر سطح ذخیره‌سازی‌های نفتی را حدود ۹۰۰ میلیون بشکه افزایش داد. حتی اگر در سال جاری [۱۳۷۷] تقاضای نفت یک میلیون بشکه در روز افزایش یابد، بازهم تولید نفت باید کاهش پیدا کند.»[۳]

کاهش قیمت نفت و نگرانی از کاهش درآمد نفتی در سخنان رهبر انقلاب در خطبه‌های نماز جمعه در دی ۱۳۷۷ انعکاس یافت. ایشان ضمن دعوت مردم به قناعت، بر حرام بودن اسراف و ضرورت رعایت صرفه‌جویی به‌ویژه در زمانی‌که درآمد کشور نقصان یافته تأکید کردند و گفتند:

«من خیلی خوشوقت شدم که اخیراً شنیدم و دانستم که رئیس‌جمهور محترم و هیئت دولت، مردم را به قناعت و صرفه‌جویی دعوت کردند. بنده هم بارها این نکته را عرض کرده‌ام، اما این بار به مناسبت ماه رمضان می‌خواهم یک دفعه دیگر این درخواست را از آحاد ملت بکنم... حتی در مواقعی که یک دولت و یک ملت برخوردار از

۱.خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۴ آذر ۱۳۷۷.

۲.ترازنامه بانک مرکزی، سال ۱۳۷۷؛ نفت و توسعه ۵، ص ۶۶.

۳.مشعل، نیمه دوم بهمن ماه ۷۷، ص ۲۷.

درآمد هستند، اسراف مضر و مذموم و شرعاً حرام است، چه برسد آن وقتی‌که درآمد یک کشور به‌طور موقت کم می‌شود. مثل حالا که درآمد کشور ما در همین سال جاری تقریباً نزدیک به نصف، کم شده است. قبلاً ما می‌گفتیم که یک‌سوم درآمد کم شده است، بعد درست دقت کردیم، دیدیم نه، نزدیک به نصف درآمد کشور کم شده است، چون متأسفانه باید گفت که درآمد کشور متکی به نفت است و نفت هم سرنوشتش دست دیگران است. ازجمله بدبختی‌های ملت‌هایی که نفت را تولید می‌کنند همین است... ماده ارزشمندی که امروز دنیا جانش به آن بند است، یعنی نفت، به ملت‌های خاصی متعلق است، عمدتاً در همین منطقه خود ما، مقداری هم در جاهای دیگر، اما سرنوشت این ماده، قیمت‌گذاری و مصرفش دست دیگران است و صاحبان اصلی در آن کمترین نقش را دارند... دولت و ملت باید یک فکر اساسی برای این مشکل بکنند.»[1]

رئیس‌جمهور نیز آذر ۱۳۷۷ به ساختمان مرکزی وزارت نفت رفت. خاتمی، در جمع مدیران صنعت نفت، ضمن تشریح وضعیت بازار نفت، ناهماهنگی برخی از اعضای اوپک را ازجمله علل ناتوانی این سازمان در تأثیرگذاری بر بازار جهانی نفت عنوان کرد و گفت: «اگر ما با مجموعه امکاناتی که در اختیار داریم، ضربه و شوکی به بازار نفت وارد کنیم، خواهیم توانست قیمت نفت را به سطح موردنظر برسانیم، ولی وقتی میزان عرضه بیش از مصرف شد، طبیعی است که مشکل حل نمی‌شود. ما عقیده داریم که باید برای مدتی همه، یا درصد بالایی از تولید و صدور نفت را قطع کرد تا ضربه‌ای به بازار وارد شود. برای مبارزه با اسراف و مصرف بی‌رویه باید یک جهاد عمومی در کشور برپا شود.»[2]

در جای دیگر، رئیس‌جمهور اوضاع نامناسب مالی کشور در سال ۱۳۷۷ و گذر از این بحران را چنین تشریح کرد:

«در سال ۱۳۷۷ قیمت هر بشکه نفت ما ۱۰/۸ دلار بود، درحالی‌که بودجه را ۱۶ دلار بسته بودیم، یعنی ۵ میلیارد و ۲۰۰ میلیون دلار فقط از ناحیه نفت کاهش درآمد داشتیم و مجموعاً ۲۴ هزار میلیارد ریال در سال ۱۳۷۷ کمبود درآمد داشتیم. این در حالی بود که اگر می‌خواستیم این مبلغ را استقراض کنیم (از بانک مرکزی)، دوباره تورم ما به بالای ۳۰ درصد و شاید نزدیک به ۴۰ درصد می‌رسید و این برای جامعه قابل

۱. تارنمای دفتر حفظ و نشر آثار رهبر معظم انقلاب (Khmenei.ir)

۲. مشعل، شماره ۱۴۵، آذر ۷۷، ص ۵.

تحمل نبود. دولت تحمل کرد و بیش از ۶۰۰ میلیارد تومان استقراض نکرد، یعنی فشار ۱۸۰۰ میلیارد تومان را به خودش وارد آورد.» سپس، با مقایسه متوسط درآمد کشور در سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۷۸ گفت: «درآمد کشور در ۳ سال اخیر ۱۳ میلیارد و ۹۰۰ میلیون دلار بوده است، درحالی‌که در طی سال‌های ۱۳۷۴ تا ۱۳۷۵ به میزان ۱۷ میلیارد و ۲۰۰ میلیون دلار درآمد ارزی داشته‌ایم.»[۱]

کاهش قیمت نفت و درنتیجه کاهش درآمد نفت و بر هم خوردن مبادلات اقتصادی کشور چنان بود که رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام هم به میدان آمد. هاشمی رفسنجانی از بی‌عدالتی در فروش نفت سخن گفت و اظهار داشت:

«نفت هم‌اکنون بشکه‌ای حدود ۸ دلار ازسوی کشورهای تولیدکننده فروخته می‌شود و با قیمتی حدود یکصد دلار به دست مصرف‌کننده واقعی آن در کشورهای دیگر می‌رسد. در این میان کسانی که کمترین حق را در این زمینه دارند، بیشترین سود را به جیب می‌زنند و این عدالت نیست.»[۲] هاشمی رفسنجانی راه‌حل این بحران را برگزاری نشست سران کشورهای عضو اوپک دانست و پیشنهاد کرد: «سران چند کشور مهم باهم بنشینند و یک تصمیم مشترک بگیرند و کشورهای مهم غیراوپک را با خود همراه کنند.»[۳]

یوسف یوسفی، رئیس اوپک، ناامید از این اوضاع نابسامان، خواستار تشکیل اجلاس سران اوپک برای نجات بازار نفت شد. او گفت: «همه می‌دانند که نفت مازاد در بازار بین‌المللی رو به افزایش گذارده است. ما حق نداریم اجازه دهیم قیمت نفت به ۱۰ دلار سقوط کند. این اتفاق به نفع کشور ما و هیچ کشور دیگری نیست و کشورهای عضو و غیرعضو اوپک باید برای کاهش سقف تولید به توافق برسند.»[۴]

ایران و عربستان با مقابله با کاهش قیمت، سیاست‌های واحدی را در سازمان اوپک در پیش گرفتند که در تاریخ اوپک کم‌نظیر بود. در سفر سیدمحمد خاتمی، رئیس‌جمهور، به عربستان، سیاست یکسان نفتی یکی از محورهای گفتگوهای دو طرف بود. رئیس‌جمهور اردیبهشت ۱۳۷۸ به عربستان رفت. در این سفر، علاوه بر دیدار با مقام‌های سیاسی این کشور، از تأسیسات نفتی دمام در شرق عربستان بازدید کرد. نزدیکی سیاست‌های نفتی ایران و عربستان در اوپک از دستاوردهای این سفر بود. النعیمی، وزیر نفت عربستان، به

۱. مشعل، نیمه دوم شهریور ۱۳۷۸، ص ۴.
۲. مشعل، شماره ۱۴۵، آذر ۱۳۷۷، ص ۹.
۳. مشعل، شماره ۱۴۷، دی ۱۳۷۷، ص ۵.
٤. مشعل، شماره ۱۴۴، آذر ۱۳۷۷، ص ۴.

خبرنگاران گفت: «تغییرات مثبت اخیر بازار نفت ثمره اتفاق‌نظر میان ریاض و برادران ایرانی و همچنین تمام کشورهای عضو اوپک است. به لطف این اتفاق‌نظر، تولید کاهش یافت و همین امر موجب شد بازار نفت ثبات خود را به دست آورد و قیمت‌ها به‌طرز محسوسی افزایش یابند. کاری که ما اکنون انجام خواهیم داد، این است که درمورد همکاری گسترده‌تر درمورد سیاست نفتی به توافق برسیم.» بیژن زنگنه نیز نظر خود را این‌چنین ابراز کرد: «ریاض و تهران به منظور تضمین ثبات بازار نفت به همکاری خود ادامه خواهند داد.»[1]

به موازات تلاش ایران برای گسترش مناسبات بین‌المللی و بهبود رابطه با همسایگان مسلمان حاشیه خلیج‌فارس و به‌ویژه عربستان، تحرکاتی ازسوی امریکا در منطقه در حال انجام بود که هم تحریم‌های وضع‌شده علیه ایران را شدت بخشد و هم زمینه انزوای بین‌المللی ایران را فراهم آورد.

تروریسم جایگزین کمونیسم

هم‌زمان با روی کار آمدن دولت اصلاحات که از کرامت انسانی، صلح‌طلبی و گفتگوی تمدن‌ها سخن می‌گفت، در غارهای تاریک جاهلیت، گروه‌هایی مسلح به افکار شیطانی که با پول نفت تغذیه می‌شدند، در حال سازماندهی بودند که واقعه هولناک یازده سپتامبر را رقم زدند تا موجودیتی به نام تروریسم در دنیا علم شود و غرب را متحد سازد.

درحالی‌که در همین بازه زمانی، گروه‌های سیاسی ـ نفتی در امریکا، همچون دیک چنی، در تلاش بودند تا تحریم‌های وضع‌شده توسط کلینتون علیه ایران را خنثی کنند و یا پایان دهند. تحریم‌های نفتی علیه ایران به‌طور فزاینده‌ای منافع شرکت‌های امریکایی را با چالش مواجه کرده بود و شرکت‌های امریکایی بر آن بودند تا دولت را برای رفع تحریم‌های ایران متقاعد سازند. فشار به دولت تا جایی پیش رفت که مؤسسه‌ای به نام یواس‌ای اینگیج[2] با هدف مقابله با تحریم‌های وضع‌شده علیه ایران و چند کشور دیگر تأسیس شد و افراد سرشناسی همچون دیک چنی[3] و کاندولیزا رایس[4]

۱.خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲۹ اردیبهشت ۱۳۷۸.

۲. U.S.A Engage

۳. Richard Bruce Dick Cheney

۴.Condoleezza Rice

در آن عضویت داشتند. مهم‌ترین وظیفه این انجمن حمله به سیاست‌های دولت بیل کلینتون به منظور رفع تحریم‌ها بود.[۱] فریدون برکشلی، مدیر اسبق امور اوپک در وزارت نفت، روایت جالبی از آن روزها دارد. به گفته او، دیک چنی، مدیر شرکت هالیبرتون، که با تحریم علیه ایران موافق نبود، در زمان دولت کلینتون و هم‌زمان با نخستین دوره دولت اصلاحات چند بار به ایران سفر کرد.[۲] جواد یارجانی، رئیس پیشین امور اوپک و روابط با مجامع انرژی در این باره می‌گوید: «قبل از انتخاب دولت بوش، حتی دیک چنی از لزوم لغو تحریم‌های اقتصادی، خصوصاً رفع تحریم نفتی ایران صحبت کرده بود.»[۳]

تلاش‌ها در درون امریکا برای رفع تحریم‌ها جریان داشت که آتش حادثه ۱۱ سپتامبر افروخته و در پی آن، همه‌چیز دچار تغییر اساسی شد. امریکا استراتژی جنگ در خاورمیانه با عنوان جنگ با تروریسم را در پیش گرفت و هرگونه اقدام صلح‌خواهی و آشتی‌جویانه به محاق رفت.

واقعه‌ای که سیاست را به نفت بیش از پیش مرتبط ساخت، پیدایی گروه‌های افراطی اسلام‌گرا در عراق و افغانستان بود که سال‌های ۱۳۷۷ تا ۱۳۸۰ شمسی با حمایت‌های مالی برخی از شیوخ نفتی قدرت گرفتند. واقعه یازده سپتامبر که مسیر تاریخ را تغییر داد، به‌زعم برخی از پژوهشگران، دنیای غرب را با پدیده جدیدی به نام تروریسم، به‌جای کمونیسم، متحد ساخت.

واقعه یازده سپتامبر ۲۰۰۱ که با اصابت چند فروند هواپیما با برج‌های آسمانخراش به‌عنوان نقطه عطف در تاریخ جهان ثبت گردید، به گروه القاعده به رهبری بن لادن نسبت داده شد. ساعت ۸:۴۵ صبح روز سه‌شنبه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ چهار هواپیمای تجاری ـ مسافری از فرودگاه‌های امریکا ربوده شد. دو هواپیمای بوئینگ ۷۲۲ به دو برج تجارت جهانی نیویورک اصابت و آنها را به تلی از ویرانه بدل کردند. هواپیمای سوم به ساختمان پنتاگون در ایالت ویرجینیا برخورد کرد و هواپیمای چهارم که گویا قصد برخورد با کاخ سفید را داشت، در ایالت پنسیلوانیا سرنگون شد. در این حادثه، نزدیک به ۳ هزار نفر در برج‌های تجارت جهانی به کام مرگ فرو رفتند. هنوز ساعاتی از انفجار نگذشته بود که

۱.مؤسسه‌ای که دیک چنی برای رفع تحریم‌های ایران تأسیس کرد، تارنمای عصر نفت، ۲۹ /۶/ ۱۳۹۵

۲. رئیس اسبق امور اوپک ایران از ۱۳ سال تجربه خود می‌گوید، خبرگزاری فارس ، ۱۳۹۱/۹/۱۹.

۳. جواد یارجانی، «نفت و گاز تأثیرپذیرتر از مذاکره، نشریه روند اقتصادی»، تیر ۱۳۸۶، ش ۳۳ ، ص ۸.

شبکه سی‌ان‌ان ازسوی مقامات امریکایی، اسامه بن لادن رهبر گروه القاعده در افغانستان را مسبب وقوع این حادثه تروریستی معرفی کرد. بعدها گفته شد هواپیماربایان در مجموع ۱۹ نفر بودند که ۱۵ نفر از آنان تبعه عربستان سعودی، ۲ نفر تبعه امارات متحده عربی، یک نفر تبعه مصر و یک نفر نیز تبعه لبنان بوده است. به گزارش‌های منابع غربی، این گروه تماماً عرب و عضو سازمان القاعده بودند.[1] برخی تحلیلگران غربی این واقعه را یک نقشه صهیونیستی قلمداد کرده‌اند که غرب را در مقابل اسلام متحد کند.

پس از این حادثه، جهان دچار تغییراتی بنیادین در نظام قدرت و مدیریت شد. درست از همین روز بود که «ترور» و «تروریسم» واژه روز و مصطلح رسانه‌ها و ادبیات سیاسی جهان شد. جرج بوش تروریسم را شعار اصلی و پرهیاهوی خود قرارداد و در واکنشی شتاب‌آلود اعلام کرد، جهان در مقابله با تروریسم در کنار ماست، نه در کنار تروریسم. در کنار اعلام همدردی جهانیان، رهبر انقلاب اسلامی خطاب به جورج بوش در موضعی صریح اعلام کردند که ما نه با شما هستیم و نه با تروریسم.

کوتاه زمانی بعد از واقعه یازده سپتامبر، امریکا به همراه متحدان خود ازجمله بریتانیا، فرانسه، پاکستان و دیگر کشورها، حمله گسترده‌ای را به افغانستان ترتیب داد. ۱۵ مهر ۱۳۸۰ / ۷ اکتبر ۲۰۰۱ حمله به افغانستان آغاز شد و پس از یک ماه، رژیم طالبان سقوط کرد و با برگزاری کنفرانس بن، حامد کرزای به قدرت رسید. در انتخابات ریاست جمهوری افغانستان که چندی بعد برگزار شد، کرزای اولین رئیس‌جمهور منتخب افغانستان بود.

جورج دبلیو بوش که از مساعدت و همراهی ایران برای جنگ با القاعده و طالبان برخوردار بود، در اقدامی نسنجیده و اعجاب برانگیز، در اولین سخنرانی سالانه خود در کنگره (۹ بهمن ۱۳۸۰ / ۲۹ ژانویه ۲۰۰۲) ایران را در کنار کره شمالی و عراق «محور شرارت» نامید و علت این نامگذاری را حمایت این کشورها از تروریسم و تلاش آن‌ها برای دستیابی به سلاح‌های کشتار جمعی بیان کرد. ایران در حالی به حمایت از طالبان متهم شد که نیروهای نظامی کشور ما در مرزهای شرقی، بارها تا آستانه جنگ با طالبان و القاعده پیش رفته بودند.

امریکا پس از پیروزی در افغانستان، خیلی زود به تکاپو افتاد تا عراق را به‌عنوان دومین هدف امریکا در جنگ با تروریسم مطرح کند. دولت انگلیس و سازمان سیا گزارش‌هایی

۱. نگاهی به گزارش کمیسیون یازده سپتامبر، نشریه چشم‌انداز ارتباطات فرهنگی، اردیبهشت۱۳۸۴، ش ۱۵، صص۶۷ -۷۳.

از وجـود جنگ‌افزارهـای شـیمیایی و بیولوژیـک در عـراق بـه افـکار عمومـی ارائـه دادنـد و بـا توجـه بـه سـابقه صـدام حسـین در به‌کارگیـری سـلاح‌های کشـتار جمعـی، جنـگ بـا صـدام را از اولویت‌هـای ضـروری جامعـه جهانـی بـرای مبـارزه بـا تروریسـم برشـمردند. سـحرگاه ۲۷ اسـفند ۱۳۸۱ / ۱۹ مـارس ۲۰۰۳ تهاجمـی گسـترده ازسـوی ائتـلاف امریـکا، بریتانیـا، اسـترالیا و لهسـتان بـه عـراق آغـاز شـد. در مدتـی کمتـر از ۲۰ روز، بغـداد و همـه شـهرهای عـراق توسـط نیروهـای مهاجـم اشـغال و ارتـش صـدام حسـین بـدون کمتریـن مقاومتـی تسـلیم شـد.[۱]

هم‌زمـان، امریـکا در حـال گسـترش تحریم‌هـای پنهـان و آشـکار علیـه صنعـت نفـت ایـران بـود. ایـران کـه بـرای توسـعه صنعـت نفـت بـه سـرمایه خارجـی نیـاز داشـت، بـا وضـع قراردادهـای بیـع متقابـل تـلاش کـرد نظـر مثبـت سـرمایه‌گذاران را جلـب کنـد. در سـال‌های ۱۳۷۶ تـا ۱۳۸۰، بیـش از ۱۲ قـرارداد عمـده نفتـی میـان ایـران و شـرکت‌های اروپایـی منعقـد شـد کـه مهم‌تریـن آن‌هـا قـرارداد فازهـای ۲ و ۳ میـدان گازی پـارس جنوبـی بـا توتـال بـود کـه در پاییـز ۱۳۷۶ امضـا شـد. شـرکت ایتالیایـی انـی قـرارداد توسـعه فازهـای ۴ و ۵ را بـه خانـه بـرد. قـرارداد میـدان نفتـی درود بـا شـرکت‌های الـف و انـی در سـال ۱۳۷۸ منعقـد شـد. قـرارداد میـدان نفتـی بـلال را الـف و بوولـی (کانـادا) و قـرارداد میـدان نفتـی سـروش و نـوروز را شـرکت انگلیسـی ـ هلنـدی شـل در سـال ۱۳۷۶ امضـا کردند.[۲]رونـد همـکاری بـا شـرکت‌های اروپایـی چنـان گسـترده بـود کـه شـرکت‌های امریکایـی در مقابـل سیاسـت‌های تحریمـی دولـت خـود دسـت بـه اعتـراض زدنـد و خواسـتار لغـو تحریم‌هـا بـرای حضـور در ایـران شـدند.[۳]

سـال‌های ۱۳۷۶ تـا ۱۳۸۰، دوره اول دولـت اصلاحـات، دوره پرتـلاش دولـت در شـکوفایی صنعـت نفـت ایـران بـود کـه تحـت تأثیـر یـازده سـپتامبر، حملـه آمریـکا بـه عـراق و سـپس ماجـرای هسـته‌ای قـرار گرفـت و دامنـه فعالیت‌هـا کاهـش یافـت. اکتشـاف، توسـعه و تولیـد میادیـن نفتـی و توسـعه صنایـع پتروشـیمی، گاز و سـایر صنایـع وابسـته به‌خوبـی در حـال انجـام بـود تـا اینکـه برج‌هـای تجـارت جهانـی نیویـورک در ۱۱ سـپتامبر ۲۰۰۱ / ۲۰ شـهریور (چنانکـه گفتیـم) فـرو ریخـت. ایـن واقعـه، پایانـی بـود بـر نظـم پیشـین جهانـی و افزایـش فشـارهای امریـکا بـر اتحادیـه اروپـا کـه هم‌زمـان بـا آغـاز دوره دوم دولـت اصلاحـات بـود.

۱ . جـواد اطاعـت، شـهاب جهانیـان، «دلایـل و رونـد تهاجـم نظامـی امریـکا بـه عـراق»، نشـریه اطلاعـات سیاسـی ـ اقتصـادی، ش۲۴۷، اردیبهشـت ۱۳۸۷، صـص ۵۶-۷۵

۲ . روابـط ایـران و اتحادیـه اروپـا پـس از یـازده سـپتامبر ۲۰۰۱ ، مجلـه اطلاعـات سیاسـی – اقتصـادی ، اسـفند ۱۳۸۲، ش ۱۹۸، صـص ۴۰ ـ ۵۳.

۳ . رئیس اسبق امور مشترک اوپک در ایران از ۱۳ سال تجربه می‌گوید، خبرگزاری فارس ، ۱۳۹۱/۹/۲۹.

بازتاب فعالیت هسته‌ای در رسانه‌های جهان

۲۳ مرداد ۱۳۸۱ نمایندگان خبرگزاری‌ها و رسانه‌های جهان در هتل ویلارد واشنگتن برای ارسال یک خبر بسیار مهم لحظه‌شماری می‌کردند. قرار بود علیرضا جعفرزاده، سخنگوی گروهک تروریستی منافقین، خبر را افشا کند. او تصاویری از سه نقطه در نطنز، اصفهان و اراک به نمایش در آورد و گفت ایران به‌طور مخفیانه در دو نقطه تأسیسات غنی‌سازی اورانیوم و در اراک رآکتور آب سنگین دارد. کوتاه زمانی پس از انتشار این خبر، دولت امریکا، تهران را به تلاش برای تولید تسلیحات اتمی متهم کرد.

۲۱ آذر، شبکه CNN بر مبنای گزارش مؤسسه علم و امنیت بین‌المللی در امریکا، در برنامه‌ای، ضمن تشریح فعالیت‌های اتمی ایران، مدعی شد ایران قصد تولید سلاح اتمی را دارد. تبلیغات رسانه‌ای امریکایی‌ها، تأکید مکرر مقامات کشورهای غربی و تهدید روسیه مبنی بر قطع همکاری در بوشهر درصورت عدم امضای پروتکل الحاقی توسط ایران، وضعیت نامطلوبی فراهم کرد. شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نیز طی قطعنامه‌ای، کمتر از پنجاه روز به ایران مهلت داد تا به تعهداتش در مورد کنترل برنامه اتمی عمل و پروتکل الحاقی را امضا کند.[۱]

این وقایع سرآغاز چالش‌های هسته‌ای ایران بود که درنهایت، در ۱۲ سپتامبر ۲۰۰۳ / ۲۱ شهریور ۱۳۸۲ به صدور اولین قطعنامه شورای حکام علیه ایران انجامید. در این قطعنامه، تا پایان اکتبر (۱۹ آبان ۱۳۸۲) به ایران فرصت داده شد تا اقدامات اعتمادساز خود را انجام دهد؛ بی‌درنگ و بدون قیدوشرط پروتکل الحاقی را امضا و تمامی فعالیت‌های مرتبط با غنی‌سازی را تعلیق کند.[۲]

پس از صدور این قطعنامه، ایران اقدامات اعتمادساز خود را آغاز کرد. ۲۹ مهر ۱۳۸۲ وزیران سه کشور اروپایی آلمان، انگلیس و فرانسه وارد تهران شدند. آنها با مقامات ایرانی به ریاست حسن روحانی و کمال خرازی به گفتگو نشستند که به صدور بیانیه سعدآباد انجامید. خروج ایران از سیاست تهدید و فشار خارجی، شناسایی حق ایران بر استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای، تأکید بر حل و فصل موضوع از طریق شورای حکام، تعلیق فعالیت‌های غنی‌سازی و بازفراوری اورانیوم به‌طور داوطلبانه و چگونگی لغو آن از مواردی بود که در این بیانیه گنجانده شده بود.[۳]

۱ . خلاصه‌ای از مذاکرات هسته‌ای در دولت خاتمی، خبرگزاری تسنیم ، ۲۰ فروردین ۱۳۹۳.

۲ . تارنمای ایران و فناوری هسته‌ای.

۳ . نجفی اسفاد، مرتضی، «بازتاب‌های مثبت و منفی بیانیه سعدآباد از دیدگاه حقوقی»، مجله دیدگاه‌های

چهار ماه پس از بیانیه تهران، جلسه دیگری بین ایران و سه کشور اروپایی در بروکسل برگزار شد. حاصل این نشست موافقت‌نامه بروکسل بود که در ۴ اسفند ۱۳۸۲ / ۲۳ فوریه ۲۰۰۴ امضا شد. حسن روحانی، دبیر شورای‌عالی امنیت ملی و مسئول مذاکرات هسته‌ای در این دوران، درباره موافقت بروکسل گفت: «تعهد ایران در تهران برای بحث غنی‌سازی، کوتاه‌مدت و داوطلبانه بود. عهد ما این بود که غنی‌سازی نکنیم، هنوز هم نمی‌خواهیم غنی‌سازی انجام دهیم و گاز به سانتریفیوژها وارد کنیم. در بروکسل، ما دامنه تعلیق را گسترش دادیم و قطعه‌سازی را متوقف کردیم.»[۱]

کشمکش‌های هسته‌ای ایران با محوریت اروپا در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی ادامه یافت. اروپاییان در شرایطی که امریکا بدون توجه به سازمان ملل و اعضای ناتو در عراق و افغانستان ترکتازی می‌کرد، نمی‌خواستند منافع اقتصادی خود را در ایران از دست بدهند.[۲] مجموعه این گفتگوها و کشمکش‌ها به موافقت‌نامه پاریس منتهی شد که در ۲۵ آبان ۱۳۸۳ / ۱۵ نوامبر ۲۰۰۴ بین ایران و سه کشور اروپایی به امضا رسید.[۳]

وقوع حادثه یازده سپتامبر و در پی آن حمله به افغانستان به بهانه مقابله با تروریسم، حمله به عراق و سپس ارجاع برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای ایران به شورای‌عالی امنیت ملی سلسله اقداماتی بود که باید آن را در قالب تلاش امریکا برای انزوای بین‌المللی ایران سنجید. دولت اصلاحات با شعارهایی مبنی بر فاصله گرفتن از رادیکالیسم در سیاست داخلی و خارجی توانست تلاش‌های امریکا را تحت‌الشعاع قرار دهد تا اینکه فعالیت‌های هسته‌ای ایران مرکز توجه جهانیان قرار گرفت که هم‌زمان با دوره دوم دولت اصلاحات بود. در این دوره، شرکت‌هایی که وارد ایران شده بودند، به دور از هیاهوی سیاسی به کار خود در حوزه‌های مختلف اکتشاف، توسعه، حفاری و ساخت مجتمع‌های پتروشیمی ادامه دادند، اما ریسک امضای قرارداد جدید را نپذیرفتند و در چهار ساله دوم این دولت قرارداد عمده ای با شرکت‌های بین‌المللی منعقد نشد.

هم‌زمان با تکاپو در سطح بین‌الملل، دولت بمنظور توسعه همه‌جانبه صنعت نفت با هدف افزایش تولید، در ساختار وزارت نفت و شرکت ملی نفت نیز دست به اصلاحات گسترده دست زد. تغییرات ساختاری وزارت نفت، همچون سیاست خارجی، در مسیر ایجاد

حقوقی، پاییز ۱۳۸۲، ش ۲۹، صص ۱۳۷ - ۱۵۶.

۱ . تارنمای ایران و فناوری هسته‌ای، موافقت‌نامه بروکسل.

۲ . تا پیش از توافقنامه پاریس، مجله راهبرد، زمستان ۱۳۸۳، شماره ۳۴.

۳ . موافقت‌نامه پاریس، تارنمای ایران و فناوری هسته‌ای.

توانایی برای جذب سرمایه‌گذاری‌های جدید و زمینه‌سازی برای توسعه صنعت نفت انجام شد.

تحول ساختاری

چنانکه در فصل پیشین گفتیم، پس از حذف نخست‌وزیری و ریاستی شدن نظام اداری جمهوری اسلامی، موجی از تغییرات اقتصادی و تحولات ساختاری دستگاه‌های دولتی را فرا گرفت. این موج به صنعت نفت هم رسید و تغییرات گسترده‌ای را در این صنعت شکل داد که نمود بارز آن تغییر ساختار شرکت ملی نفت ایران در بهمن ۱۳۷۰ بود. با تغییراتی که در دوره سازندگی در ساختار شرکت ملی نفت ایران رخ داد، نظارت شرکت ملی نفت بر زیرمجموعه‌های خود افزایش چشمگیری یافت. با تقویت ستاد مرکزی شرکت ملی نفت، شرکت‌های زیرمجموعه آن به‌ویژه شرکت ملی مناطق نفت‌خیز که به مدیریت تولید خشکی بدل شد و شرکت نفت فلات قاره که عنوان مدیریت دریا گرفت، آسیب بسیاری دیدند که در جای خود از آن سخن گفتیم.

این روند تا مرداد ۱۳۷۶ و ورود بیژن زنگنه به وزارت نفت ادامه داشت. سال ۱۳۷۶ دور جدیدی از بازآرایی و اصلاح ساختار وزارت نفت آغاز شد و بار دیگر تغییرات گسترده‌تری در صنعت نفت شکل گرفت. این بار، تغییرات ساختاری در راستای شرکت‌سازی‌های متعدد بود. دیدگاه حاکم بر مدیریت وزارت نفت آن بود که تا حد امکان تمامی بخش‌ها، مدیریت‌ها و فعالیت‌ها به شرکت‌های جداگانه و تخصصی بدل شوند. بیژن زنگنه تصمیم وزارت نفت برای تغییرات ساختاری را چنین توضیح داد: «ساختار سنگین و متمرکز بود و هویت شرکت ملی نفت ایران با مخلوط شدن عملی آن با وزارت نفت تضعیف شده بود، به نحوی که اکثر مدیران شرکت ملی نفت، یا معاونان وزارت نفت بودند یا بالعکس. نداشتن مدیرعامل در شرکت نفت، محرک آن شد که اصلاح ساختار صنعت نفت در دستور فوری کار قرار گیرد.»[1]

مهر ۱۳۷۶ به دستور وزیر نفت، ستادی با عنوان شورای اصلاح ساختار تشکیل شد تا وضعیت ساختار موجود را مطالعه و بررسی کند و راه‌حل‌های مناسب را پیشنهاد دهد. در بودجه سال ۱۳۷۷ نیز با تصویب مجلس، مجوز قانونی لازم برای اصلاح ساختار صنعت نفت اخذ شد. درنهایت، تغییرات ساختاری در سال‌های ۱۳۷۷ و ۱۳۷۸ در صنعت

۱. نفت و توسعه ۵، صص ۱۷ و ۱۸.

نفت با هماهنگی کامل سازمان امور اداری و استخدامی به انجام رسید. حرکت به‌سوی عدم تمرکز و واگذاری حداکثر اختیارات از ستاد به صف مهم‌ترین هدف این تغییرات ساختاری بود. مدیران در این تغییرات، نگاه اقتصادی نیز داشتند.[۱]

با جداسازی ستاد از صف و تفکیک وظایف حاکمیتی از وظایف تصدی‌گری، براساس قانون، وزارت نفت وظایف حاکمیتی را نمایندگی می‌کرد. ستاد عالی در قالب ۸ معاونت شکل گرفت: امور بین‌الملل، برنامه‌ریزی، منابع انسانی، امور اشتغال، امور هماهنگی، مهندسی و فناوری، معاونت نفت و گاز دریای خزر و امور حقوقی و مجلس، ساختار جدید وزارت نفت را شکل دادند.[۲]

در ساختار جدید، شرکت‌ها به سه سطح تقسیم شدند. شرکت‌های ملی سطح اول که به‌عنوان یک واحد ستادی عمل می‌کردند. شرکت‌های سطح دوم وظایف اجرایی داشتند و شرکت‌های سطح سوم در واقع شرکت‌های بهره‌برداری بودند که زیرمجموعه شرکت‌های سطح دوم قرار داشتند. شرکت ملی نفت از وظایف اجرایی کنار نگه داشته شد تا به‌عنوان یک ستاد، وظایف حاکمیتی را به نمایندگی از وزارت نفت در بخش‌های مختلف صنعت نفت اعمال کند. به این ترتیب، شرکت‌های ملی نفت، گاز، پتروشیمی و پالایش و پخش به‌عنوان شرکت‌های اصلی سطح اول هویت پیدا کردند.

بیست و دوم اردیبهشت ۱۳۷۷ تأسیس شرکت‌های سطح دوم در هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت تصویب شد. در این جلسه، پنج شرکت اصلی زیرمجموعه شرکت ملی نفت ایران مشخص گردید: شرکت ملی مناطق نفت‌خیز جنوب، شرکت نفت مناطق مرکزی ایران، شرکت نفت فلات قاره ایران، شرکت نفت خزر، شرکت نفت و گاز پارس. در مصوبه آمده بود: «ریاست هیئت‌مدیره شرکت‌های فوق‌الذکر با وزیر نفت است و در ساختار آن‌ها نیز بنا به مورد، ایشان اتخاذ تصمیم می‌کند.»[۳] مدتی بعد، شرکت نفت و گاز اروندان و شرکت ملی صادرات گاز ایران به جمع این شرکت‌ها افزوده شدند.

هم‌زمان، در بخش پایین‌دستی صنعت نفت و گاز، تمامی شعب منطقه‌ای به شرکت‌های مستقل استانی یا منطقه‌ای تبدیل شدند. در شرکت ملی پالایش و پخش فراورده‌های نفتی، پالایشگاه‌های نه‌گانه در قالب شرکت‌های پالایشی در آمدند. امور خطوط لوله

۱. نفت و توسعه ۵، ص ۱۸.

۲. نفت و توسعه ۵، صص ۹۲-۹۴.

۳.مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت، جلسه ۱۱۵۰، ۱۳۷۷/۲/۲۲.

و مخابـرات نیـز بـه شـرکت‌های مسـتقل بـدل شـدند. چنـد شـرکت و مجتمـع پالایشـی در شـرکت ملـی گاز بـرای اداره پالایشـگاه‌های گازی تأسـیس گردیـد. در بسـیاری از شـرکت‌های اصلـی نیـز مدیریت‌هـای مسـتقل ماننـد بازرگانـی، مهندسـی و صـادرات گاز بـه شـرکت‌های مجـزا بـدل شـدند. تأسـیس دو شـرکت پیمانـکاری پتـرو پـارس و پتـرو ایـران از دیگـر تحـولات مهـم سـاختاری ایـن دوره بـود.[۱]

سـال ۱۳۸۰ تغییـرات سـاختاری صنعـت نفـت بـه ایسـتگاه آخـر خـود رسـید. در ایـن سـال، شـرکت ملـی نفـت بـار دیگـر هویـت سـازمانی خـود را بازیافـت. در سـاختار جدیـد شـرکت ملـی نفـت، وزیـر نفـت به‌عنـوان رئیـس هیئت‌مدیـره همـه شـرکت‌های اصلـی سـطح اول سـازمان ـ ازجملـه شـرکت ملـی نفـت ـ باقـی مانـد، ولـی مسـئولیت‌ها، اختیـارات و وظایـف رئیـس هیئت‌مدیـره از مدیرعامـل شـرکت ملـی نفـت تفکیـک شـد. در جلسـه ۱۳۳۱ هیئت‌مدیـره شـرکت ملـی نفـت، سـازمان جدیـد چنیـن تصویـب شـد: سـازمان کلـی شـرکت ملـی نفـت ایـران بـر مبنـای تفکیـک وظایـف شـرکت ملـی نفـت ایـران از وزارت نفـت بازآرایـی گردیـد؛ بـا تفکیـک اختیـارات، مسـئولیت‌ها و وظایـف هیئت‌مدیـره از مدیرعامـل شـرکت ملـی نفـت ایـران، مجـدداً سـمت مدیریـت عامـل شـرکت ملـی نفـت ایـران اسـتقرار یافـت.[۲]

۶ آبـان ۱۳۸۰ در خبرهـای خبرگـزاری جمهـوری اسـلامی آمـده اسـت: «مهنـدس سـیدمهدی میرمعـزی، روز یکشـنبه، طـی حکمـی ازسـوی بیـژن زنگنـه، وزیـر نفـت، به‌عنـوان معـاون وزیـر نفـت و مدیرعامـل شـرکت ملـی نفـت ایـران منصـوب شـد. بیـژن زنگنـه، وزیـر نفـت، تاکنـون مدیرعاملـی شـرکت ملـی نفـت ایـران را نیـز عهـده‌دار بـوده اسـت.»[۳] تـا پیـش از آن، در خبرهـا از میرمعـزی بـا عنـوان قائم‌مقـام مدیرعامـل و قبل‌تـر از آن، به‌عنـوان معـاون در امـور نفـت یـاد می‌شـد.

۱. ماهنامه اکتشاف و تولید، شماره ۱۵۲، دوره ۱۳۹۶.
۲. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت، جلسه ۱۳۳۱، ۱۳۸۱/۲/۳۱.
۳.خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۶ آبان ۱۳۸۰.

شرکت ملی مناطق نفت‌خیز جنوب

شرکت ملی مناطق نفت‌خیز جنوب در مجموعه‌ای به وسعت ۴۰۰ هزار کیلومتر مربع، از استان بوشهر تا شمال استان خوزستان، با میدان‌های بزرگی همچون اهواز آسماری و بنگستان، گچساران، مارون، کرنج و پارسی، بیش از ۸۰ درصد نفت‌خام کشور را تولید می‌کرد.

مجموعه این میدان‌ها با تمامی تأسیسات، کارخانجات، خطوط لوله موردنیاز برای تولید، فراورش و انتقال نفت به پالایشگاهای داخلی و پایانه‌های صادراتی نفت‌خام، بخش عمده‌ای از مناطق نفت‌خیز جنوب را تشکیل می‌دهند.

مدیریت یکپارچه منابع هیدروکربوری، تولید صیانتی نفت و گاز، افزایش بازیافت نهایی، تولید نکردن گاز از کلاهک مخازن نفتی، رعایت تناسب تولید از بخش‌های مختلف یک مخزن و تولید متعادل و هم‌زمان از مخازنی که شبکه آبده مشترکی دارند، از اهداف مهم شرکت ملی مناطق نفت‌خیز بود.[1] پس از تشکیل این شرکت، با تصمیم مدیران وقت وزارت نفت، مناطق عملیاتی زیرمجموعه آن به شرکت‌های وابسته تبدیل شدند. ۵ آبان ۱۳۷۷ هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، شرکت‌های فرعی و زیر مجموعه شرکت ملی مناطق نفت‌خیز جنوب را تصویب کرد. در این جلسه، پنج شرکت بهره‌برداری نفت و گاز برای راهبری عملیات تولید، فراورش و انتقال نفت و گاز و نظایر آن تأسیس و اساسنامه‌های آنها تصویب شد: ۱. شرکت بهره‌برداری نفت و گاز کارون؛ ۲. شرکت بهره‌برداری نفت و گاز مارون؛ ۳. شرکت بهره‌برداری نفت و گاز آغاجاری؛ ۴. شرکت بهره‌برداری نفت و گاز مسجد سلیمان؛ ۵. شرکت بهره‌برداری نفت و گاز گچساران. در این جلسه، شرکتی نیز با عنوان شرکت گاز و گاز مایع مناطق نفت‌خیز جنوب تأسیس شد. فعالیت‌های این شرکت؛ انجام مأموریت‌ها و اجرای قراردادها در زمینه اداره تأسیسات و کارخانجات گاز و گاز مایع، تقویت فشار و تزریق گاز، فراورش و تولید گاز سبک و مایعات گازی و انواع مشتقات آن در نواحی مختلف محدوده جغرافیایی این شرکت که همانا محدوده مناطق نفت‌خیز جنوب بود، تعیین شد.[2]

اواخر سال ۱۳۸۲ چهار شرکت خدماتی و پشتیبانی در کنار شرکت‌های بهره‌بردار شکل گرفت: ۱. شرکت خدمات مهندسی و تجهیزات صنعتی توربین جنوب؛ ۲. شرکت

---

۱. بازخوانی تاریخ طلای سیاه در سالروز کشف نفت، تارنمای شرکت ملی نفت ایران.

۲.مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت، جلسه ۱۱۷۴، ۱۳۷۷/۸/۵.

پیرا حفاری؛ ۳. شرکت خدمات ترابری و پشتیبانی نفت؛ ۴. شرکت خدمات رفاهی نفت.[۱]

۲۴ اسفند ۱۳۷۷ شرکت جدیدی با نام شرکت پایانه‌های صادرات مواد نفتی[۲] به‌عنوان یکی از شرکت‌های تابعه شرکت ملی نفت تأسیس شد. این شرکت، شرکتی عملیاتی ـ تخصصی بود که در حوزه‌های ذخیره‌سازی، اندازه‌گیری، عملیات صادرات و واردات نفت‌خام و مواد نفتی و معاوضه (سوآپ) فعالیت داشت. جزیره خارگ، ماهشهر، عسلویه، نکا و جاسک نیز حوزه عملیاتی آن در نظر گرفته شد.[۳] به این ترتیب، فعالیت‌های صادراتی که توسط مناطق نفت‌خیز جنوب انجام می‌شد، به‌صورت متمرکز در اختیار یک شرکت مجزا قرار گرفت.

شرکت نفت فلات قاره ایران

چنانکه گفتیم، در تغییرات ساختاری دوره سازندگی، شرکت نفت فلات قاره ایران منحل و به‌جای آن مدیریت تولید مناطق دریایی در دل شرکت ملی نفت ایجاد شد. پس از بازآرایی ساختاری، شرکت نفت فلات قاره با ساختار و سازمان جدید به وجود آمد. ابتدا، به تصمیم مدیران شرکت ملی نفت، مناطق عملیاتی چهارگانه فعال در فلات قاره که زیرنظر یک رئیس قرار داشتند، به شرکت‌های مجزا تبدیل شدند و اساسنامه آنها تصویب شد: ۱. شرکت بهره‌برداری نفت و گاز بهرگان؛ ۲. شرکت بهره‌برداری نفت و گاز هندیجان؛ ۳. شرکت بهره‌برداری نفت و گاز سیری؛ ۴. شرکت بهره‌برداری نفت و گاز خارک؛ ۵. شرکت بهره‌برداری نفت و گاز لاوان[۴]، اما پس از مدتی بار دیگر در قالب مناطق عملیاتی زیرنظر شرکت نفت فلات قاره ایران قرار گرفتند و این شرکت‌ها منحل شدند.

شرکت ملی حفاری

در فصل پنجم خواندیم که شرکت ملی حفاری با فرمان امام خمینی(ره)در سال ۱۳۵۸ به‌عنوان یکی از شرکت‌های تابع شرکت ملی نفت ایران تأسیس شد. اسفند ۱۳۷۷،

---

۱. نگاه کنید به تارنمای شرکت ملی نفت ایران و نیز نگاه کنید به: هندسه نفت در مناطق نفت‌خیز جنوب، جلد اول، ص ۷۲.

۲. نگاه کنید به تارنمای ثبت شرکت‌ها.

۳. تارنمای شرکت پایانه های نفتی ایران ـ معرفی شرکت.

٤. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۱۱۸۶، ۱۳۷۷/۱۱/۶.

هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایجاد چهار شرکت در زیرمجموعه شرکت ملی حفاری را تصویب کرد؛ شرکت حفاری شمال، شرکت حفاری مرکزی، شرکت حفاری دریایی و شرکت خدمات جنبی حفاری. سه شرکت نخست، وظیفه حفاری در نقاط مختلف خشکی و آبی کشور را در اختیار داشتند و چهارمین شرکت، وظیفه پشتیبانی از سه شرکت عملیاتی را بر عهده داشت.[۱]

اصلاح ساختار منابع انسانی

پس از اصلاح ساختار وزارت نفت و شرکت ملی نفت در آغاز دوره طلایی (که در جای خود به آن پرداختیم)، ساختار نیروی انسانی نیز اصلاح شد. این اصلاحات با هماهنگی کامل سازمان امور اداری و استخدامی به انجام رسید. اصلاح در ساختار نیروی انسانی از رخدادهای مهم صنعت نفت بود که طی آن قشر عظیمی از کارگران به کارمندی تبدیل وضعیت شدند. این رخداد در ادبیات سیاسی چپ به حذف طبقه کار در صنعت نفت موسوم شد. این اتفاق ریشه در سال‌های نخستین دوره سازندگی داشت و از آغاز دهه هفتاد، به دلایل مختلف ازجمله درگیری وزارت نفت با سازمان تأمین اجتماعی، سامان یافت و در دوره اصلاحات به اوج خود رسید.

در این دوره، بخشی از کارگران بازخرید و وظایف آنها برون‌سپاری شد. بخشی دیگر به دلیل صلاحیت‌های فنی و آموزشی به رتبه کارمندی تغییر وضعیت دادند و عده دیگری بازنشسته شدند. این روند به‌گونه‌ای سامان یافت که در پایان این دوره تعداد کارگران رسمی به حد ناچیزی رسید. طبق آماری که توسط وزارت نفت منتشر شد، در انتهای سال ۱۳۷۶ تعداد کارمندان ۸۸ هزار و ۲۸۵ و تعداد کارگران ۳۱ هزار و ۸۵۴ نفر بود. در پایان سال ۱۳۸۳، تعداد کارمندان به ۸۵ هزار و ۱۰۷ نفر افزایش یافت و تعداد کارگران به ۵ هزار و ۱۶ نفر رسید.[۲] در همین دوره، ۲۰ هزار و ۹۲۱ سمت غیرماهرپذیر حذف گردید و انتظار می‌رفت تا پنج سال آینده ۱۰ هزار و ۸۳۳ سمت دیگر حذف شوند.[۳] به این ترتیب، تعداد نیروی انسانی کاهش و ترکیب و کیفیت آن افزایش یافت. هم‌زمان، اصلاحاتی برای ایجاد تناسب و تعادل منطقی بین حقوق پرداختی و وظایف محوله پدید

۱. مصوبات هئیت‌مدیره شرکت ملی نفت، جلسه ۱۱۹۰، ۱۳۷۷/۱۲/۴.
۲. نفت و توسعه در یک نگاه، ص ۱۵.
۳. نفت و توسعه ۵، ص ۱۱۶.

آمـد. هـدف اصلـی از ایـن اصـلاح، فراهم‌سـازی زمینـه جـذب و نگهـداری نیروهـای دانشـگاهی و متخصـص بـود.

آموزش؛ طرح ضربتی زنگنه

آمـوزش در ایـن دوره به‌خاطـر ضعفـی کـه مدیـران در بدنـه کارشناسـی مشـاهده می‌کردنـد، مـورد نقـد و بررسـی قـرار گرفـت. برخـی مدیـران ایـن پرسـش را مطـرح می‌کردنـد کـه در کنـار چندیـن میلیـارد دلاری کـه بایـد صـرف کشـف نفـت و گاز، خریـد تکنولـوژی، سـاخت خطلولـه و برج‌هـا گـردد، چـرا نبایـد در زمینـه آمـوزش نیـروی انسـانی اقـدام عاجلـی بـه عمـل آیـد؟ بـه همیـن دلیـل، زنگنـه در چنـد جلسـه مشـورتی بـا مدیـران ارشـد بـه چاره‌جویـی پرداخـت. بازدیدهـا، گفتگوهـای رخ‌بـه‌رخ و گزارش‌هـای عملیاتـی، زنگنـه را بـه انجـام طرحـی بـزرگ بـرای ارتقـای دانـش فنـی وادار کـرد. او دریافتـه بـود یکـی از نقـاط ضعـف صنعـت نفـت کـه در سـالیان گذشـته موجـب ضـرر و زیـان شـده، فاصلـه علمـی صنعـت نفـت ایـران بـا جهـان اسـت. ازایـن‌رو پـس از مشـورت‌های طولانـی، مصوبـه لایحـه طـرح ضربتـی را در دهـم آذر ۱۳۷۷ بـه تصویـب هیئت‌مدیـره شـرکت ملـی نفـت رسـاند.

نتیجـه ایـن طـرح چنـد سـال بعـد، یعنـی در سـال‌های ۱۳۸۱ و ۱۳۸۲ خـود را نشـان داد. ده‌هـا کارشـناس ارشـد در صنعـت نفـت توانسـتند وظایفـی بـزرگ را بـر عهـده گیرنـد، کـه قبـل از آن، شـرکت‌های بـزرگ بین‌المللـی بـه انجـام آن فخـر می‌فروختنـد و این‌گونـه، صنعـت نفـت بـه تـرازی بالاتـر از دهه‌هـای ۱۳۵۰ و ۱۳۶۰ ارتقـا یافـت. در پایـان ایـن دوره، دانش‌آموختـگان نفـت در بخش‌هـای بالادسـتی، مهندسـی مخـازن نفـت و گاز، ژئوفیزیـک و ژئوشـیمی حـرف اول را می‌زدنـد.[1] در ایـن دوره، معاونـت منابـع انسـانی در وزارت نفـت وظیفـه جـذب، آمـوزش و تربیـت نیـروی انسـانی را بـر عهـده گرفـت. هـدف نهایـی، ارتقـای وضعیـت نیـروی انسـانی و دسـتیابی بـه سـازمانی چابـک، سـبک و مجهـز بـه فنـاوری روز بـود.

از راه‌هـای رسـیدن بـه تـراز درخـور، همانـا جـذب بیشـتر دانشـجو در دانشـگاه صنعـت نفـت، افزایـش شـمار دانشـجویان اعـزام بـه خـارج در مقطـع کارشناسـی ارشـد و دکتـری؛ حمایـت مالـی از دانشـگاه‌های داخلـی، توسـعه رشـته‌های تخصصـی موردنیـاز صنعـت نفـت در دیگـر دانشـگاه هـا، حمایـت بی‌دریـغ از دانشـگاه صنعـت نفـت و پژوهشـگاه صنعـت نفـت؛ تنظیـم و تصویـب سیاسـت‌های دانشـگاه صنعـت نفـت؛ جـذب نخبـگان و فارغ‌التحصیـلان ممتـاز؛ ارتقـای

۱. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت، جلسه ۱۱۷۸، ۱۳۷۷/۹/۱۰.

سطح تخصصی و مهارتی کارکنان صنعت نفت؛ تنظیم و تصویب برنامه‌های آموزشی تخصصی و مهارتی ضمن خدمت بود.

بر اساس گزارش «نفت و توسعه در یک نگاه»که در تیر ماه ۱۳۸۴ منتشر شد، در سال ۱۳۷۶ تعداد کل مهندسان نفت در بخش بالادستی شامل مهندسی مخازن، مدیریت مخازن، حفاری و اکتشاف نفت در شرکت ملی نفت ایران کمتر از ۱۵۰ نفر بود.[۱] از نظر تخصصی، برای چنین شرکتی که متولی اکتشاف و استخراج نفت در خشکی و فلات قاره بود، چیزی شبیه یک فاجعه به حساب می‌آمد. گرچه سمت‌های مهندسی نفت در این کشور توسط افرادی با پایه‌های تحصیلی علوم و یا مهندسی شیمی و نظایر آن با کسب تجارب در طی سال‌ها اداره می‌شد. لیکن، این امر به‌هیچ‌وجه نمی‌توانست نافی ضرورت وجود مهندسان با پایه تحصیلی مهندسی نفت در بالادستی باشد. اعضای هیئت‌علمی در این بخش در کل کشور حتی به ده نفر هم نمی‌رسید.[۲]

در چنین شرایطی برای حرکت به سمت وضع مطلوب، چاره‌ای جز تمرکز بر تربیت نیروی انسانی در این بخش نبود. نخستین اقدام، تغییر جهت کلی دانشگاه صنعت نفت به‌سوی آموزش‌های بالادستی صنعت نفت بود. در همین راستا، در سال ۱۳۷۷ دانشگاه صنعت نفت صرفاً به پذیرش دانشجو در سطح کارشناسی و کارشناسی ارشد در رشته‌های بالادستی صنعت نفت پرداخت. در نشریه نفت و توسعه شماره ۵ که تیر ۱۳۸۴ منتشر شده، پذیرفته‌شدگان دانشگاه نفت در طول سال‌های ۱۳۱۸ تا ۱۳۸۳ آمده است. این گزارش مدعی است شمار کارشناسان بالادستی و پایین‌دستی از ۱۳۱۸ تا ۱۳۵۷ بالغ بر هزار و ۱۹۰ نفر بود که طی سال‌های ۱۳۵۸ تا ۱۳۷۵ به دو هزار و ۹۱۲ نفر رسید. با اعمال سیاست‌های جدید، تحولی در شمار دانشجویان پذیرفته‌شده پدید آمد. طی سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۳، جمع پذیرفته‌شدگان دانشگاه صنعت نفت به ۲۱۷۴ نفر رسید که در نوع خود بی‌نظیر بود.[۳]

دانشجویان اعزام‌شده به خارج از کشور در مقطع کارشناسی، ارشد و دکتری به تحصیل پرداختند. آنان به دانشگاه‌های امپریال کالج لندن، استوانگر نروژ، کمبریج انگلستان،

---

۱. نفت و توسعه در یک نگاه، انتشارات روابط عمومی وزارت نفت، تیر ۱۳۸۴، ص ۱۲. (نگارنده عدد اشاره‌شده را کمتر از تعدادی که در تحقیقات به دست آمده می‌داند. در عین حال، با احترام به منبع فوق، عدد اشاره‌شده را درج کرده است.)

۲. نفت و توسعه در یک نگاه، ص ۱۲.

۳. نفت و توسعه ۵، ص ۱۰۷.

دنـدی انگلسـتان، هریـوت وات اسـکاتلند، IFP فرانسـه، تورنهایـم نـروژ، کالگـری کانـادا، تگـزاس A&M، تگـزاس آسـتین، رجینـا، بیرمنـگام، کرتیـن و نیـو سـاوت ولـز اسـترالیا، کانـزاس، آلبرتـا، آبردیـن اسـکاتلند، مموریـان، اوکلاهامـا، روبرتگـوردون اسـکاتلند، لوئیزیانـا، کلـرادو و دلـف هلنـد اعـزام شـدند.

تأسـیس دانشـکده‌های مهندسـی نفـت در دانشـگاه‌های کشـور از دیگـر اقدامـات وزارت نفـت در ایـن دوره بـود کـه بـا موفقیـت بـه اجـرا در آمـد: تأسـیس انسـتیتو نفـت در دانشـکده فنـی دانشـگاه تهـران، تأسـیس دانشـکده مهندسـی نفـت در دانشـگاه صنعتـی امیرکبیـر، تبدیـل دانشـکده مهندسـی شـیمی دانشـگاه صنعتـی شـریف بـه مهندسـی شـیمی و نفـت، ایجـاد دانشـکده گاز و پتروشـیمی در دانشـگاه خلیج‌فـارس و کمـک بـه راه‌انـدازی رشـته مهندسـی نفـت در دانشـگاه صنعتـی سـهند تبریـز.[۱]

حمایـت مالـی بـرای توسـعه دانشـکده‌های مهندسـی نفـت از شـمار اقدامـات قابـل تحسـین ایـن دوره بـود. آمـار پذیرفته‌شـدگان دانشـگاه‌ها در رشـته‌های بالادسـتی نفـت در دانشـگاه‌های تهـران، شـریف، امیرکبیـر، سـهند و دانشـگاه صنعـت نفـت در ایـن دوره در تمامـی مقاطـع سـه هـزار و ۳۳۶ نفـر بـود.[۲]

در سـال‌های ۱۳۷۹ تـا ۱۳۸۳ حـدود ۱۶ درصـد (۱۲۰۰ نفـر) از دانش‌آموختـگان ممتـاز دانشـگاه‌ها در صنعـت نفـت جـذب شـدند. بـا اقدامـات انجام‌شـده در بـازه زمانـی ۱۳۷۶ تـا ۱۳۸۳ کـه در بـالا برشـمردیم، تعـداد کارکنـان بـا تحصیـلات دانشـگاهی افزایـش قابـل توجهـی یافـت. در سـال ۱۳۷۶، درمجمـوع ۱۵/۷ درصـد از کل کارکنـان صنعـت نفـت تحصیـلات دانشـگاهی داشـتند کـه در سـال ۱۳۸۳ بـه ۳۵/۳ درصـد رسـید.[۳]

برگـزاری دوره‌هـای مختلـف آمـوزش مدیریـت بـرای کارکنـان صنعـت نفـت از دیگـر اقدامـات مهمـی بـود کـه بـرای ارتقـای سـطح تخصـص و کارآیـی مدیـران ایـن صنعـت در ایـن دوره انجـام شـد. ازجملـه ایـن دوره‌هـای آموزشـی می‌تـوان بـه ایـن مـوارد اشـاره کـرد: افزایـش دوره‌هـای کوتاه‌مـدت آمـوزش مدیریـت در سـطوح مختلـف کـه نسـبت بـه دوره قبـل ۹ برابـر افزایـش یافت؛ دوره‌هـای بلندمـدت MBA کـه بـرای نخسـتین بـار پـس از پیـروزی انقـلاب در دانشـگاه شـریف برگـزار شـد؛ دوره مدیریـت پـروژه در سـطح کارشناسـی ارشـد در دانشـگاه شـریف بـا مشـارکت یکـی از دانشـگاه‌های تـراز اول جهانـی؛ دوره حرفـه‌ای بین‌المللـی حسـابداری مدیریـت CIMA

۱. نفت و توسعه ۵، ص ۱۰۹.

۲. نفت و توسعه ۵، ص ۱۱۰.

۳. نفت و توسعه در یک نگاه، صص ۱۴-۱۵.

بـرای تربیـت کادر مدیریـت مالـی شـرکت‌ها.[۱] همچنیـن، در طـول ایـن سـال‌ها سـمینارهای و دوره‌هـای آموزشـی مرتبـط بـا مدیریـت برگـزار می‌شـد و حضـور مدیـران در تمامـی سـطوح در ایـن دوره‌هـا الزامـی بـود.

تأسـیس و تجهیـز مراکـز آمـوزش ضمـن خدمـت بـرای ارتقـای کیفـی آموزش‌هـای تخصصـی و مهارتـی کارکنـان از دیگـر فعالیت‌هـای مهـم ایـن دوره بـود. مجتمـع آمـوزش فنـون و فنـاوری شـرکت ملـی نفـت ایـران در اهـواز، مجتمـع آموزشـی ره‌آوران فنـون شـرکت ملـی صنایـع پتروشـیمی در ماهشـهر و مرکـز آمـوزش مدیریـت شـرکت ملـی نفـت ایـران (راهبـران) در تهـران در ایـن دوره سـاخته شـدند و مـورد بهره‌بـرداری گرفتنـد.[۲]

هم‌زمـان بـا اصـلاح سـاختار سـازمانی، وزارت نفـت در حـال تدویـن سـاختار قراردادهـای بیـع متقابـل بـود. سـاختار اولیـه ایـن قراردادهـا دوره سـازندگی بـه تصویـب مجلـس رسـیده و چنـد قـرارداد هـم امضـا شـد. در ایـن دوره، گام‌هـای جـدی بـرای جـذب سـرمایه خارجـی برای توسـعه صنعـت نفـت در ابعـاد مختلـف برداشـته شـد کـه مهم‌تریـن آن از طریـق انعقـاد قراردادهـای بیـع متقابـل بـود.

قراردادهای بیع‌متقابل

قراردادهـای بیع‌متقابـل[۳] یـا قراردادهـای خدماتـی ریسـک‌پذیر در نخسـتین سـال‌های دهـه ۱۳۷۰ بـا هـدف جـذب سـرمایه خارجـی و انتقـال دانـش بـرای توسـعه میادیـن نفتـی و گازی در دسـتور کار دولـت سـازندگی قـرار گرفـت. در ایـن نـوع قراردادهـا، شـرکت‌های بین‌المللـی به‌عنـوان پیمانـکار تمامـی عملیـات توسـعه و یـا اکتشـاف و توسـعه میدان‌هـای نفتـی و گازی را بـه هزینـه خـود و یـا تعهـد بـرای تأمیـن مالـی آن در مـدت زمـان مشـخصی انجـام می‌دهنـد. پیمانـکار پـس از تحقـق تولیـد بـه میزانـی کـه در قـرارداد آمـده اسـت، میـدان را بـه کارفرمـا (شـرکت ملـی نفـت ایـران) تحویـل می‌دهـد. در مقابـل، درصـد مشـخصی از محصـول تولیـدی را بـه قیمـت روز و به‌عنـوان حق‌الزحمـه، اسـتهلاک اقسـاط سـرمایه و هزینه‌هـا دریافـت می‌کنـد. چنانکـه در فصـل پیـش گفتیـم، قـرارداد بـا شـرکت کونوکـو کـه بـرای توسـعه میـدان سـیری A و E در اسـفند ۱۳۷۳ منعقـد شـد، نخسـتین قـرارداد از ایـن نـوع بـود کـه بـه دلیـل وضـع

۱. نفت و توسعه در یک نگاه، ص ۱۶.

۲.نفت و توسعه ۵، ص ۱۱۵.

3.Buy Back

قانـون داماتـو توسـط امریـکا، اجرایـی نشـد. پـس از لغـو ایـن قـرارداد، شـرکت توتـال توسـعه ایـن میادیـن را بـر عهـده گرفـت. میـدان سـیری A (الونـد) در مهـر ۱۳۷۷ و میـدان سـیری E (اسـفند) در دی ۱۳۷۷ بـه بهره‌بـرداری رسـیدند.

بـا آغـاز دوره اصلاحـات، نیـاز دولـت بـه سـرمایه‌گذاری در بخش‌هـای اکتشـاف، تولیـد و توسـعه میادیـن نفتـی و گازی عمیقـاً احسـاس می‌شـد. راه‌حـل مدیـران، برگـزاری مناقصـه و دعـوت از شـرکت‌های بین‌المللـی بـود. ۲۰ آبـان ۱۳۷۶ در جلسـه هیئت‌مدیـره شـرکت ملـی نفـت نخسـتین گام بـرای برگـزاری مناقصـه‌ای بـزرگ برداشـته شـد. در ایـن جلسـه، چارچـوب برگـزاری مناقصـه تعییـن شـد. مدیـران معتقـد بودنـد بایـد بیـن مرحلـه اکتشـاف و توصیـف بـا مرحلـه توسـعه و تولیـد تفـاوت قائـل شـد. اعتقـاد آنهـا بـر ایـن بـود کـه جداسـازی ایـن دو مرحله می‌توانـد شـرکت‌های بیشـتری را بـه میـدان آورد و بـه زمـان و بودجـه کمتـری هـم نیـاز دارد.

پـس از گفتگوهایـی کـه بـر پایـه مطالعـات چنـد ماهـه انجـام شـد، چارچـوب کلـی مناقصـه به تصویـب هیئت‌مدیـره رسـید. قـرار شـد کـه مناطـق و اولویت‌بنـدی حـوزه اکتشـافی موردنظـر در خشـکی و دریـا ازسـوی مدیریـت اکتشـاف بـا هماهنگـی مدیریـت برنامه‌ریـزی تلفیقـی و مدیریت‌هـای تولیـد مناطـق خشـکی و دریـا تعییـن شـود.[۱]

پـس از اینکـه چارچـوب برگـزاری مناقصـات و قراردادهـای بیـع متقابـل تعییـن شـد، نوبـت تهیـه نمونـه قراردادهـا بـا توجـه بـه نـوع پـروژه بـود. قـرار شـد نمونه‌هـای تهیه‌شـده پـس از تأییـد، بـه نماینـده معاونـت امـور بین‌الملـل و پـس از آن بـه همـراه سـایر مـدارک بـه شـرکت‌های متقاضـی داده شـود. ۵ بهمـن ۱۳۷۶ نـوع پروژه‌هـا بـرای تهیـه نمونـه قراردادهـا این‌گونـه مشـخص شـد: الـف) اجـرای پروژه‌هـای توسـعه میادیـن نفتـی کـه تجـاری بـودن آنهـا قبـلاً مشـخص شـده؛ ب) اجـرای پروژه‌هـای افزایـش تولیـد و بـالا بـردن بهـره‌وری بـا صیانـت از مخـازن تولیـدی موجـود؛ ج) اجـرای پروژه‌هـای صیانـت از مخـازن موجـود؛ د) اجـرای پروژه‌هـای توسـعه میادیـن گازی؛ ه) اجـرای پروژه‌هـای اکتشـاف و توسـعه میادیـن نفـت و گاز.

در همـان جلسـه، بـه مدیریـت برنامه‌ریـزی تلفیقـی مأموریـت داده شـد فهرسـت پروژه‌هـا را همـراه بـا اطلاعـات کلـی مربـوط بـه هـر پـروژه تهیـه و بـه هیئت‌مدیـره ارائـه کنـد. همچنیـن، اسـناد مناقصـه (شـامل مـدارک فنـی و قراردادهـا) را کـه ازسـوی مدیریت‌هـای مربوطـه و مدیریت امـور حقوقـی تهیـه شـده، بـه نماینـده معاونـت امـور بیـن الملـل تحویـل دهـد. مدیـران بـرای توضیـح در مـورد پروژه‌هـا و توجیـه شـرکت‌ها، تصمیـم گفتنـد در تهـران و لنـدن سـمینارهایی

۱.مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه ۱۱۲۸، ۱۳۷۶/۸/۲۰.

برگـزار و اعـلان آگهـی بـرای انجـام مناقصـه هـر پـروژه را در روزنامه‌هـا و مجـلات داخلـی و خارجـی درج کننـد.[۱]

در جلسـات بعـدی، فهرسـت پروژه‌هـای بیـع متقابـل تهیـه و بـه مدیریـت برنامه‌ریـزی تلفیقـی مأموریـت داده شـد تـا فهرسـتی از پروژه‌هـای دارای اولویـت را بـه همـراه اطلاعـات کلـی مربـوط بـه آن، بـرای اخـذ تصمیـم بـه هیئت‌مدیـره ارائـه کنـد. مسـئولیت ایـن مدیریـت بـر عهـده مصطفـی خاکـی بـود. از مدیریت‌هـای تولیـد مناطـق خشـکی (قدیـری)، دریایـی (جلیلیـان) و اکتشـاف (سـید محمـود محـدث) خواسـته شـد محـدوده اطلاعـات قابـل ارائـه را تعییـن کننـد. قـرار بـود اسـناد مناقصـه و نمونـه قراردادهـا حداکثـر تـا ۳۱ اردیبهشـت ۱۳۷۷ بـه سـیدمهدی حسـینی، مسـئول پروژه‌هـای بیـع متقابـل در معاونـت امـور بین‌الملـل، تحویـل داده شـود.[۲]

پروژه‌هـا بـر اسـاس اهمیـت و اولویت‌هـای فنـی، اقتصـادی و سـایر مؤلفه‌هـای مـورد نظـر بـه دو دسـته طرح‌هـای بـزرگ و کوچـک تقسـیم و در روز پایانـی خـرداد تصویـب شـدند:

۱. طرح‌هـای بـزرگ شـامل: نـوروز، گاز سـلمان، سـروش، ذخایـر نفتـی و گازی پـارس جنوبـی، دارخویـن، جفیـر، اهـواز بنگسـتان، منصـوری، آب تیمـور، آغاجـاری و پارس شـمالی؛

۲. طرح‌هـای کوچـک شـامل: فـروزان، نفـت سـلمان، سـیری، هندیجـان، اسـفندیار، دهلـران، پایـدار، پایـدار غـرب، سـعادت آبـاد، سروسـتان، مسجدسـلیمان، زاگـرس، چشـمه‌خوش، عسـلویه و تنـگ بیجـار.[۳]

پـس از تعییـن پروژه‌هـای اولویـت‌دار، نمونـه قراردادهـای بیـع متقابـل نیـز در چارچـوب موردنظـر وزارت نفـت تهیـه و همه‌چیـز بـرای برگـزاری مناقصـه‌ای بـزرگ مهیـا شـد. حـال، مهم‌تریـن اقـدام وزارت نفـت آن بـود کـه بـا رونمایـی از ایـن پروژه‌هـا، آنهـا را بـه مخاطبـان اصلـی کـه شـرکت‌های بـزرگ بین‌المللـی بودنـد، ارائـه دهـد.

شـهر لنـدن بـرای برگـزاری مناقصـه انتخـاب شـد. شـرکت‌های بـزرگ بین‌المللـی به‌طـور سـنتی در ایـن شـهر حضـور دارنـد و خبرنـگاران و خبرگزاری‌هـای بـزرگ، اخبـار رویدادهـای مهـم اقتصـادی را از آنجـا گـزارش می‌کننـد. بـا ایـن ملاحظـات، قـرار شـد ابتـدا کنفرانسـی در لنـدن برگـزار و طـی آن شـرکت‌های بـزرگ بین‌المللـی نسـبت بـه قـرارداد بیـع متقابـل توجیـه شـوند و از پروژه‌هـای موردنظـر ایـران آگاهـی یابنـد. قـرار بـود کـه بعـد از کنفرانـس لنـدن،

۱.مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت، جلسه ۱۱۴۲، ۱۳۷۶/۱۲/۵.

۲. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت، جلسه ۱۱۶۶، ۱۳۷۷/۶/۱.

۳. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت، جلسه ۱۱۵۶، ۱۳۷۷/۳/۳۱ و جلسه ۱۱۶۶، ۱۳۷۷/۶/۱.

همایش دیگری برای ارائه توضیحات بیشتر در تهران برگزار شود. آگهی‌های مناقصه بزرگ بین‌المللی نفت ایران در زمینه اکتشاف و توسعه در روزنامه‌ها و مجلات معتبر داخل و خارج کشور به چاپ رسید. صدها خبرنگار از ده‌ها خبرگزاری و شبکه خبری از سرتاسر جهان خود را آماده پوشش این رویداد بزرگ کرده بودند که بی‌اعتنا به تحریم‌های ایالات متحده، در قلب اقتصاد جهان برگزار می‌شد.

همایش لندن

رونمایی از قراردادها در لندن و تهران به سیدمهدی حسینی سپرده شد. او دانش‌آموخته رشته شیمی از دانشگاه صنعتی‌شریف بود و مذاکره‌کننده‌ای برجسته به شمار می‌آمد. پس از انقلاب، پرونده‌های نفتی و شکایت‌های شرکت‌های امریکایی، انگلیسی، فرانسوی و کشورهای دیگر را در پی لغو قراردادهایشان، در دادگاه لاهه سامان داده بود. نظم بخشیدن به پرونده کنسرسیوم نفت که بزرگ‌ترین شاکی ایران در دادگاه لاهه بود از نقطه‌های درخشان در کارنامه سیدمهدی حسینی به شمار می‌آید. در واقع، زنگنه یک مذاکره‌کننده باتجربه را به‌عنوان بازوی ستادی خود در قراردادهای بیع متقابل برگزید.

سرانجام روز موعود فرا رسید. ده تیر ۱۳۷۷ کنفرانس لندن برگزار شد. سالن همایش مملو از جمعیت بود و بیش از ۴۰۰ نماینده ازطرف شرکت‌های بزرگ نفتی اروپا، آسیا، آفریقا، استرالیا، هند، چین، ژاپن و دیگر نقاط و کشورها در سالن همایش حضور داشتند. سیدمهدی حسینی، نخستین سخنران این همایش سه‌روزه بود. معاون امور بین‌الملل وزارت نفت، ابتدا به حاضران خوشامد گفت. در ادامه، نسبت به کمبود نفت در آینده بر اثر کاهش سرمایه‌گذاری هشدار داد و اهمیت سرمایه‌گذاری در صنعت نفت جهان و به‌ویژه کشورهای اوپک را پراهمیت تلقی کرد. سپس، از تغییرات ساختاری وزارت نفت برای توانایی جذب سرمایه‌گذاری‌های جدید و زمینه‌سازی برای توسعه این صنعت در ایران خبر داد و گفت: «در پی تغییرات ساختاری ایجادشده، تعداد شرکت‌های تحت پوشش وزارت نفت از ۳۵ شرکت به ۱۳۲ و تعداد شرکت‌های تابع شرکت ملی نفت نیز از ۱۲ شرکت به ۳۳ شرکت افزایش یافته است.»

ازجمله شخصیت‌های مهمی که در این همایش به ایراد سخن پرداختند، یکی از مدیران شرکت نفت شل بود. این مدیر نفتی که شرکتش سابقه حضور تاریخی در ایران داشت، گفت: «شل نمی‌خواهد تنها یک شرکت خارجی برای ایران باشد، بلکه در نظر

دارد با مردم ایران به یک مشارکت دست یابد، به نحوی که با کشور و فرهنگ آن کاملاً تطبیق داشته باشد.»[۱]

در پایان همایش، ۴۴ طرح به ارزش ۸ میلیارد دلار ازسوی شرکت ملی نفت به متقاضیان ارائه شد.[۲] ۱۷ پروژه اکتشافی، ۸ پروژه توسعه‌ای در فلات قاره و ۱۵ پروژه توسعه‌ای در مناطق خشکی به‌علاوه ۴ پروژه پالایشگاهی (کارخانجات گاز و گاز مایع ۱۲۰۰ و ۱۳۰۰، پالایشگاه گاز مایع لاوان و پالایشگاه میعانات گازی بندرعباس) در شمار این طرح‌ها بودند.

نشریه پی‌ای‌دبلیو در مقاله‌ای با عنوان «شرکت ملی نفت ایران در حلقه محاصره شرکت‌های سمج خارجی» نوشت: «به گزارش خبرگزاری‌ها، شرکت‌های خارجی همچنان از تهران می‌خواهند تا شرایط بهتری برای اجرای طرح‌های نفتی در نظر بگیرد. بر پایه همین گزارش‌ها، با فرونشستن هیجان ناشی از ارائه ۴۴ طرح ازسوی شرکت ملی نفت ایران، حتی بدون حضور امریکا در این مناقصه، تا اوایل سال ۱۹۹۹ / ۱۳۷۸ می‌توان در انتظار فرود بهمن بزرگی از پیشنهادهای شرکت‌های خارجی بود. شرکت ملی نفت ایران در مجموع ۱۱ طرح خشکی و ۶ طرح دریایی برای اکتشاف ارائه داده است.»[۳]

در مقاله این نشریه به نکته ظریفی اشاره شده بود: «شرکت‌ها خواستار رفع محدودیت‌هایی هستند که دولت ایران برای تنظیم قراردادها وضع کرده است.» این نکته حاکی از آن بود که قراردادهای خرید خدمت به روش بیع متقابل هنوز نتوانسته بود نظر کاملاً مساعد شرکت‌های بزرگ را به خود جلب کند. در ادامه مقاله آمده بود که این علاقه گسترده به شرکت در مناقصه، فشار زیادی به ایران وارد خواهد کرد که در خصوص تغییر در شرایط قراردادها خواهد بود.

نشریه پترولیوم آرگوس نیز در گزارش خود به این نکته اشاره کرد که اگر واشنگتن در این مدت برای هموار کردن راه فعالیت شرکت‌های نفتی امریکایی در ایران اقدام کند، امکان حضور فعالانه شرکت‌های نفتی این کشور در همایش آتی تهران وجود خواهد داشت. هفته‌نامه اقتصادی میدِ، ویژه خاورمیانه، که در لندن چاپ می‌شود، همایش نفتی برگزارشده ازسوی ایران را در صدر اخبار خود قرار داد و نوشت: «تالار همایش مملو از جمعیت بود و بیش از ۴۰۰ نماینده ازطرف شرکت‌های انرژی و مراکز مالی جهان در آن حضور داشتند... به گفته مقامات شرکت ملی نفت ایران، مناقصه مربوط به احداث

۱.مشعل، شماره ۱۵۹، نیمه اول مرداد ۷۹، ص۹.

۲. مشعل، شماره ۱۳۶، مرداد ۷۷، صص ۱۴ و ۱۵.

۳. مشعل، شماره ۱۳۶، مرداد ۱۳۷۷، ص ۱۴.

خط‌لوله انتقال نفت بین نکا و تهران که از قبل ارائه شده بود، ۴۰ متقاضی داشت.»[۱]

همایش تهران

دو ماه بعد، در شهریور ماه همایش تهران برگزار شد. در این همایش، اوراق و اسناد مربوط به پروژه‌های جدید در دسترس شرکت‌های خارجی قرار گرفت. این بار نیز سید مهدی حسینی مسئولیت اصلی همایش را به عهده داشت. او که سخنران آغازین همایش بود، ضمن موفق ارزیابی‌کردن همایش لندن، درمورد نتایج آن گفت: «تاکنون متجاوز از ۸۰ شرکت خارجی و داخلی برای مشارکت در طرح پیشنهاد داده‌اند، ازجمله سه شرکت امریکایی و ۸ شرکت ایرانی.»

پس از او، بیژن زنگنه در جایگاه سخنرانان حاضر شد. سخنان وزیر روح دیگری به همایش داد. ابتدا، حضور ثمربخش نیروهای ایرانی در طرح‌های توسعه صنایع و منابع نفت و گاز را یک رسالت ملی دانست و سپس گفت: «در طرح‌های بیع متقابل به‌عنوان یک رویه، کل هزینه‌ها پس از اتمام و به بهره‌برداری رسیدن، از فروش محصول همان طرح بازپرداخت خواهد شد. متأسفانه اکثر قریب به اتفاق پیمانکاران ایرانی، به‌تنهایی قادر به پذیرفتن چنین بار مالی سنگینی حتی در حد ۱۵ تا ۲۰ میلیون دلار، یعنی ۷ تا ۱۰ میلیارد تومان، هم نیستند. تنها راه ما این است که در اجرای طرح‌های بیع متقابل، نیروهای ایرانی با شرکت‌های خارجی ایجاد مشارکت کرده و در مرحله دوم، در مناقصه‌هایی که برای طرح‌ها گذاشته می‌شود به‌عنوان پیمانکار دست‌دوم عمل کنند. در آن حالت، چون منابع مالی تأمین شده و نقد است، پیمانکاران و مهندسان مشاور ما توانایی حضور دارند.»

وزیر نفت سپس با اشاره به پارس جنوبی، این میدان را «گنجی بزرگ» دانست که خداوند به ما عطا کرده. سپس، یکی از زمینه‌های مهم و بزرگ به‌کارگیری روش بیع متقابل را در طرح‌های پارس جنوبی دانست و با توجه به مشترک بودن این میدان گازی گفت: «اگر ما استفاده نکنیم، گاز به سمت همسایه‌های ما مهاجرت می‌کند و علاوه بر گاز، مقدار قابل توجهی از میعانات گازی هم از دست می‌رود. از میدان پارس جنوبی روزانه ۴۰۰ تا ۵۰۰ هزار بشکه میعانات گازی سهم ماست که ارزش آن به‌اندازه نفت بسیاری از کشورهایی است که نفت‌خیز محسوب می‌شوند. ما نباید این حق ملتمان را ضایع

۱. مشعل، شماره ۱۳۶، مرداد ۱۳۷۷، ص ۱۴.

کنیم و لازم است هرچه سریع‌تر میدان پارس جنوبی را توسعه دهیم.»[۱]

اهداف پروژه‌های بیع متقابل

اکتشاف و تولید نفت و گاز از مهم‌ترین اهداف طرح‌های بیع‌متقابل بود، اما هدف مشخص در زمینه تولید نفت، رسیدن به سقف ۵ میلیون بشکه در روز بود. رئیس‌جمهور خاتمی در شهریور ۱۳۷۹ به این مهم اشاره کرد: «سرمایه‌گذاری ما این است که در آینده به توان تولید ۵ میلیون بشکه در روز برسیم تا بتوانیم وضعمان را حفظ کنیم.» رئیس‌جمهور برای توسعه گاز هم دو هدف را برشمرد: «نخست، افزایش مصرف داخلی و جایگزین ساختن آن با مصرف فراوردهای نفتی و دیگر، صدور گاز به کشورهایی همچون ترکیه، پاکستان و اروپا.» هدف سومی که رئیس‌جمهور از سرمایه‌گذاری‌های اخیر برشمرد، افزایش ضریب بازیافت و بهره‌برداری بهینه از منابع موجود از طریق تزریق گاز و آب به میدان‌های نفتی بود. هدف‌گذاری که رئیس‌جمهور در این زمینه اعلام کرد، افزایش ضریب برداشت میدان‌های نفتی از ۲۰ درصد به ۳۸ تا ۴۰ درصد بود.[۲]

رسیدن به سقف تولید ۵ میلیون بشکه در روز همان هدفی بود که زنگنه، وزیر نفت، نیز در تیر ۱۳۷۹ آن را ابراز داشت. او چشم‌انداز تولید نفت تا ۴ سال آینده (سال ۱۳۸۴) را ۵ میلیون بشکه در روز اعلام کرد.[۳] پیش از آن، سیدمهدی حسینی در همایش لندن گفته بود: «ایران باید تا سال ۱۳۸۴ (۲۰۰۵ میلادی) ظرفیت تولید خود را به ۴ میلیون و ۸۰۰ هزار بشکه در روز برساند.»[۴]

یک روز پیش از برگزاری همایش تهران، حسینی در مصاحبه‌ای مطبوعاتی، سیاست‌ها و برنامه‌های وزارت نفت را در زمینه افزایش ظرفیت تولید نفت و گاز تشریح کرد. او با اشاره به ذخایر کشف‌شده نفت ایران تا سال ۱۳۷۷، میزان آن را ۹۰ میلیارد بشکه اعلام کرد. معرفی ۱۷ بلوک اکتشافی در دور اول مناقصات نشان از عزم ملی وزارت نفت برای کشف میادین جدید و رسیدن به ارقام تازه از ذخایر نفت داشت. حسینی، افزایش ذخایر از طریق افزایش ضریب برداشت از مخازن را یکی از هدف‌های وزارت نفت اعلام کرد و

۱. مشعل، شماره ۱۳۹، نیمه دوم شهریور ۱۳۷۷، ص ۷.
۲. مشعل، شماره ۱۶۱، نیمه دوم شهریور ۱۳۷۸، ص ۵.
۳.مشعل، شماره ۱۸۰، تیر ۱۳۷۹، ص ۵.
٤. مشعل، شماره ۱۸۱، نیمه اول مرداد ۱۳۷۹، ص ۹.

گفت: «اگر بتوانیم ضریب برداشت از مخازن خود را به کمک روش‌های جدید تولید نفت و فناوری‌های نوین حتی یک درصد بالا ببریم، با توجه به میزان ذخایر، حدود یک میلیارد بشکه به ذخایر نفتی خود اضافه کرده‌ایم.»

دستاوردهای بیع متقابل

در اینجا به بخشی از دستاوردهای بیع متقابل بر اساس گزارش نفت و توسعه ۵ که در سال ۱۳۸۴ منتشر شد، می‌پردازیم.

طبق این گزارش، از نیمه دوم سال ۱۳۷۶ تا سال ۱۳۸۳ قراردادهایی برای افزایش تولید حدود یک میلیون بشکه در روز نفت‌خام، ۴۶۱ میلیون مترمکعب گاز و ۹۰۳ هزار میعانات گازی به‌صورت بیع متقابل و فاینانس امضا شد. سقف سرمایه‌گذاری خالص طرح‌های یادشده برابر ۲۸ میلیارد و یکصد میلیون دلار بود که قرار بود به همراه هزینه‌های بهره و حق‌الزحمه مربوطه، عموماً از محل تولیدات همان طرح‌ها بازپرداخت شود. ذکر این نکته ضروری است که سهم میدان‌های مشترک از مجموع تعهدات ایجادشده بابت توسعه میدان‌های نفت و گاز به روش بیع متقابل و فاینانس، معادل ۱/۸۴ درصد بود.

فهرست قراردادهای بیع متقابل که در این بازه زمانی (۱۳۷۶ تا ۱۳۸۴) اجرایی گردید، در گزارش نفت و توسعه ثبت شده است. پیشرفت فیزیکی طرح‌های عمده تا پایان دولت اصلاحات (مرداد ۱۳۸۴) بدین شرح بود: پارس جنوبی فازهای ۱ تا ۵ افتتاح شد؛ فازهای ۶، ۷ و ۸ حدود ۷۱ درصد؛ فازهای ۹ و ۱۰ (فاینانس خودگران) ۱۸ درصد پیشرفت داشتند؛ درود ، بلال ، سروش ، نوروز و نصرت به بهره‌برداری رسیدند؛ سلمان ۷۴ درصد؛ دارخوین ۴۸ درصد؛ فروزان و اسفندیار ۴۸ درصد؛ آزادگان ۳ درصد؛ آماک ۹۸ درصد پیشرفت داشتند.[۱] بر اساس منبع اشاره‌شده، درآمد نفت‌خام پروژه‌های بیع متقابل تا پایان ۱۳۸۳، تتمه تقریبی واریزی به خزانه، ۷ میلیارد و ۷۴ میلیون دلار بود.

انعقاد قرارداد با شرکت‌های خارجی در قالب بیع متقابل تنها راه وزارت نفت برای تأمین سرمایه موردنیاز طرح‌های مختلف نبود. روش دیگری که در این سال‌ها برای توسعه صنایع نفت و گاز استفاده شد، بهره‌برداری از منابع داخلی بود. به این ترتیب که هزینه‌های اجرای پروژه مستقیم ازسوی کارفرما با استفاده از بودجه عمومی و منابع

۱. نفت و توسعه ۵، ص ۲۳۲.

فیزیکی کشور با درصد بهره مناسب به پیمانکار پرداخت می‌شد. وزارت نفت در این دوره بیش از ۲۰ پروژه و طرح مهم را با استفاده از منابع داخلی به انجام رساند.

توسعه میدان‌ها و افزایش ظرفیت تولید

در این دوره، اقدامات بسیار مهمی در توسعه میادین نفتی به وقوع پیوست. هدف از انجام این اقدامات، افزایش رقم تولید بود. بیشترین تمایل مدیران در توسعه میدان‌ها بر میادین مشترک متمرکز گردید که بر اساس مطالعات نخبگان از دوره‌های پیش استوار بود.

از اواخر دهه ۱۳۶۰ و اوایل دهه ۱۳۷۰، کارشناسان به مدیران هشدار دادند که تولید نفت‌خام بدون اقدامات اکتشافی و توسعه ای در آینده نزدیک با بحران مواجه خواهد شد آنها می‌گفتند اگر این وضعیت تداوم داشته باشد، سطح ذخایر قابل استحصال کاهش خواهد یافت. پس از پشت سر گذاشتن دوران جنگ و سازندگی، در دوره طلایی این فرصت فراهم شد تا هم‌زمان با تولید و استخراج نفت، میدان‌های نفتی مورد مطالعه و توسعه ظرفیت و افزایش بازیافت قرار گیرند. سرعت بخشیدن به اکتشاف، انجام حفاری توسعه‌ای و حفاری تعمیری ـ تکمیلی، انعقاد قراردادهای متعدد برای توسعه میادین در حال تولید با شرکت‌های بین‌المللی، تزریق گاز و آب برای افزایش ضریب بازیافت ازجمله اقدامات وزارت نفت برای توسعه میادین و افزایش ظرفیت تولید در این دوره بود.

توسعه میادین نفتی فلات قاره

توسعه میدان نفتی بلال

میدان نفتی بلال (بهرام) در ۹۸ کیلومتری جنوب غربی جزیره لاوان قرار دارد. شرکت ملی نفت ایران با مشارکت شرکت لاپکو در سال های ۱۳۴۶ و ۱۳۵۱ در این نقطه مرزی از خلیج فارس که نزدیک به ۶۷ متر عمق دارد به عملیات اکتشافی دست زد ولی به‌خاطر کوچکی حجم میدان چندان مورد توجه قرار نگرفت. در دوران سازندگی که به‌تدریج توسعه میدان‌ها در اولویت قرار گرفت، میدان بلال سهم درخوری نیافت و توسعه‌اش منوط به سرمایه‌گذاری خارجی شد.

پس از عملیاتی شدن قراردادهای بیع متقابل، میدان بلال در فهرست میادین در انتظار توسعه قرار گرفت. سرانجام، قرارداد طرح توسعه میدان نفتی بلال در ۱۵ فروردین۱۳۷۸

بـا شـرکت‌های الـف، بوولـی و آجیـپ بـا هزینـه ۲۳۹ میلیـون دلار منعقـد و از همـان زمـان اجرایـی شـد. پشـتوانه ایـن قـرارداد مصوبـه۲۱ بهمـن ۱۳۷۷ شـورای اقتصـاد و جـزء یـک از بنـد ل قانـون بودجـه سـال ۱۳۷۷ بـود.[۱]

طبـق بـرآورد شـرکای خارجـی، ایـن میـدان ۲۹۳میلیـون بشـکه نفت‌خـام درجـا، بـا درجـه APIحـدود ۴۱/۶ داشـت کـه ۱۱۷ میلیـون بشـکه از آن قابـل برداشـت بـود. بیشـترین هزینـه، صـرف عملیـات حفـاری شـد. در مجمـوع ده حلقـه چـاه (پنـج چـاه بـرای تزریـق آب و پنـج چـاه بـرای اسـتخراج نفـت) حفـر گردیـد. تولیـد آزمایشـی از میـدان در ۱۲ بهمـن ۱۳۸۱ بـا تولیـد ۲۰ هـزار بشـکه نفت‌خـام در روز شـروع و در اسـفند ۱۳۸۲ بـا ۴۰ هـزار بشـکه در روز تثبیـت شـد و میـدان بـرای بهره‌بـرداری بـه شـرکت نفـت فـلات قـاره ایـران واگـذار گردیـد.[۲]

شل در سروش و نوروز

میدان‌هـای سـروش و نـوروز از بزرگ‌تریـن و قدیمی‌تریـن میدان‌هـای فـلات قـاره ایـران هسـتند کـه در سـال‌های جنـگ آسـیب زیـادی دیدنـد. میـزان آسـیب‌دیدگی به‌انـدازه‌ای بـود کـه تولیـد نفـت از ایـن میدان‌هـا متوقـف شـد. در دوره سـازندگی، وزارت نفـت قصـد داشـت نوسـازی و توسـعه ایـن میدان‌هـا را قالـب قراردادهـای بیـع متقابـل توسـط شـرکت‌های داخلـی انجـام دهـد. زمانـی شـرکت متـن و زمانـی دیگـر شـرکت مهندسـی و سـاخت تأسیسـات دریایـی عهـده‌دار بازسـازی سـروش شـدند، امـا اقـدام عملـی در ایـن زمینـه صـورت نگرفـت.

پـس از معرفـی پروژه‌هـای بیـع متقابـل، شـرکت نفـت فـلات قـاره در ۱۳ مـرداد۱۳۷۷ مؤظـف شـد نسـبت بـه برگـزاری مناقصـه تـا مرحلـه انتخـاب پیمانـکار اقـدام کنـد.[۳] در نیمـه دوم سـال ۱۳۷۸ مذاکـرات بـا شـرکت شـل آغـاز شـد. بـه گفتـه حسـنی، مدیرعامـل وقـت شـرکت نفـت فـلات قـاره ایـران، برنامـه اولیـه شـرکت ملـی نفـت توسـعه دو میـدان سـروش و نـوروز در قالـب دو طـرح جداگانـه بـود، امـا بعـد تصمیـم گرفتـه شـد میـدان سـروش بـه حـوزه عملیاتـی بهـرگان اضافـه و طـرح توسـعه سـروش و نـوروز یکجـا انجـام شـود.[۴] ۲۴ آبـان ۱۳۷۷ قـرارداد توسـعه سـروش و نـوروز بـا حضـور سـیدمهدی حسـینی، معـاون امـور بین‌الملـل وزارت نفـت، و

۱. برای اطلاعات بیشتر رجوع کنید به قانون بودجه سال ۱۳۷۷.

۲.خبرگزاری شانا، ۲۶ اردیبهشت ۱۳۸۳.

۳. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، ۳۱ خرداد ۱۳۷۷.

٤. مصاحبه با ابوالقاسم حسنی، از مدیران پیشکسوت صنعت نفت، آذر ۱۳۹۶.

فیلواتس، مدیرعامل و رئیس اجرایی گروه شرکت‌های رویال داچ شل، به نمایندگی از دو طرف قرارداد را امضا کردند.

شرکت شل عملیات احداث تجهیزات تولید اولیه نفت، حفاری و تکمیل چاه‌ها و سکوهای نفتی را به‌سرعت آغاز کرد. پنج‌شنبه، ۹ بهمن ۱۳۸۲ بزرگ‌ترین سکوی بهره‌برداری نفتی خاورمیانه (SPP-۱) در آب‌های میدان نفتی سروش در خلیج‌فارس به آب انداخته شد. این سکو بخشی از فعالیت‌های زنجیره‌ای طرح جامع توسعه میدان‌های سروش و نوروز بود که وظیفه فرآورش روزانه ۱۰۰ هزار بشکه از نفت‌خام سروش را بر عهده داشت. ۷۰ درصد سکو در ایران و ۳۰ درصد آن در ابوظبی توسط پیمانکار شرکت شل ساخته شد. مهدی عطریانفر، مدیر طرح توسعه میدان‌های سروش و نوروز، در همان روز گفت: «از زمانی‌که پیشرفت اجرای طرح توسعه میدان‌های سروش و نوروز به ۴۰ درصد رسید، روزانه ۶۰ هزار بشکه نفت از این میدان‌ها برداشت شده که مجموع آن تاکنون بالغ بر ۴۲ میلیون بشکه نفت سنگین بوده است.»[۱] ۴مرداد ۱۳۸۴ بهره‌برداری رسمی از طرح توسعه میدان‌های نفتی سروش و نوروز آغاز شد. در این مراسم، بیژن زنگنه، وزیر نفت، بر روی سکوی بهره‌برداری سروش حضور یافت و ضمن بازدید از سکو در جریان امور قرار گرفت.[۲]

توسعه درود

میدان نفتی درود در منطقه عملیاتی خارگ، شرکت نفت فلات قاره، قرار دارد. این میدان، درمجموع ۷ میلیارد و ۶۰۰ میلیون بشکه نفت را در دو لایه نفتی یاماما و منیفای خود جا داده است. تولید از این میدان در پاییز ۱۳۴۳ توسط شرکت ایپاک (شرکت نفت ایران ـ پان‌امریکن) آغاز شد. در دوران جنگ، به دلیل حملات مداوم بمب‌افکن‌های عراق به جزیره خارگ، تولید از این میدان متوقف و پس از جنگ بار دیگر از سر گرفته شد. در ابتدای سال۱۳۷۷، تولید این میدان روزانه ۱۷۰ هزار بشکه بود.

هم‌زمان با امضای قراردادهای بیع‌متقابل برای توسعه میادین فلات قاره، قرارداد طرح توسعه میدان درود با هدف دستیابی به ۲۲۰ هزار بشکه نفت‌خام و ۳۰۰ تا ۴۰۰ میلیون

۱. خبرگزاری شانا، ۱۱ بهمن ۱۳۸۲.
۲. خبرگزاری شانا، ۴ مرداد ۱۳۸۴.

مترمکعب گاز در بهمن ۱۳۷۷ با شرکت‌های الف و آجیب امضا شد.[۱] اسفند ۱۳۸۴، خواجه جهرمی، رئیس بهره‌برداری منطقه نفتی خارگ، هزینه سرمایه‌گذاری طرح توسعه میدان درود توسط شرکت توتال را ۵۴۸ میلیون دلار اعلام کرد و گفت: «به‌منظور اجرای طرح توسعه این میدان، ۲۹ حلقه چاه برای تزریق آب و گاز و ۱۵ حلقه چاه تولید نفت‌خام حفاری شده و در حال حاضر میزان پیشرفت این پروژه ۹۶ درصد است.»[۲]

میدان درود ۳ با حفاری ۱۳ حلقه چاه در مرداد ۱۳۸۴ به تولید رسید. در سال ۱۳۸۶، با بهره‌برداری از کارخانه فرآورش نفت و تأسیسات تزریق آب درود ۳ در جزیره خارگ، افزایش تولید از این میدان به بیش از ۱۳۱ هزار بشکه در روز رسید.[۳]

توسعه میادین مناطق نفت‌خیز جنوب

از مهم‌ترین فعالیت‌های وزارت نفت در این دوره، انجام سلسله اقداماتی به منظور مطالعه بر میدان‌های مناطق نفت‌خیز جنوب بود. میادین این منطقه در نیمه دوم عمر خود قرار داشتند و ضروری بود که سلسله عملیات‌های لرزه‌نگاری برای توسعه مخازن و افزایش تولید از این میادین صورت گیرد. در سال‌های ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۱ عملیات لرزه‌نگاری سه‌بعدی بر روی برخی از میادین نفت‌خیز جنوب مانند آب‌تیمور، دارخوین، شادگان، منصوری، آغاجاری، مارون، رگ سفید، جفیر و کوشک انجام شد. در سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۱ میدان‌های زیلایی، رامشیر، بی‌بی حکیمه و پازنان تحت پوشش لرزه‌نگاری سه‌بعدی قرار گرفتند.[۴] همچنین، مطالعه مخازن دارخوین در قالب پروژه‌های بیع متقابل در ۲۱ بهمن ۱۳۷۶ با عقد قرارداد محرمانگی به شرکت‌های آجیب و توتال واگذار گردید.[۵]

توسعه دارخوین

میدان نفتی دارخوین در امتداد جاده اهواز ـ خرمشهر، ۳۰ کیلومتری شمال خرمشهر، قرار دارد. نخستین چاه اکتشافی این میدان در سال ۱۳۴۳ و تا عمق ۴۲۳۴ متری حفاری

۱. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت، جلسه ۱۱۸۶، ۱۳۷۷/۱۱/۱۶.
۲.خبرگزاری ایسنا، ۲۴ اسفند ۱۳۸۴.
۳. نشریه اکتشاف و تولید، شماره ۴۹، شهریور ۱۳۸۷.
٤. نشریه اکتشاف و تولید، ش ۶۱، ص ۱۹.
۵. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت، جلسه ۱۱۴۰، ۱۳۷۶/۱۱/۲۱.

شـد. در دوره طلایـی، ایـن میـدان قدیمـی از جملـه اهـداف مدیـران بـرای مطالعـات توسـعه‌ای بـود. قـرارداد توسـعه میـدان دارخویـن در تیـر ۱۳۸۰ بـا شـرکت ایتالیایـی انـی امضـا شـد.

توسـعه میـدان دارخویـن در دو فـاز طراحـی گردیـد. هـدف فـاز اول، رسـیدن بـه تولیـد ۵۰ هـزار بشـکه در روز بـا تزریـق روزانـه ۷۰ میلیـون فـوت مکعـب گاز و هـدف فـاز دوم، دسـتیابی بـه تولیـد ۱۶۰ هـزار بشـکه نفت‌خـام در روز بـود. بـرای رسـیدن بـه هـدف فـاز اول، حفـاری ۳ حلقـه چـاه توصیفـی بـرای تزریـق گاز، حفـاری ۵ حلقـه چـاه توسـعه‌ای و یـک حلقـه چـاه تزریـق گاز بـه همـراه خطـوط لولـه جریانـی و احـداث یـک واحـد بهره‌بـرداری بـه ظرفیـت ۶۰ هـزار بشـکه پیش‌بینـی گردیـد. بـرای فـاز دوم، حفـاری ۱۵ حلقـه چـاه توسـعه‌ای، ۳ حلقـه چـاه تزریـق گاز و یـک چـاه دفـع آب زائـد بـه همـراه خطـوط لولـه جریانـی و افزایـش ظرفیـت واحـد بهره‌بـرداری تـا روزانـه ۱۸۰ هـزار بشـکه در نظـر گرفتـه شـد.

فـاز اول در خـرداد ۱۳۸۴ و فـاز دوم در آذر ۱۳۸۵ بـه بهره‌بـرداری رسـید.[۱] کل هزینه‌هـای سـرمایه‌ای دو فـاز ۵۴۸ میلیـون دلار و میـزان بهـره بانکـی برای تمـام دوره قـرارداد ۱۵۱/۹ میلیون دلار، حق‌الزحمـه سـود و ریسـک پیمانـکار ۲۲۰ میلیـون دلار و هزینه‌هـای غیرسـرمایه‌ای ماننـد بیمـه تأمیـن اجتماعـی، عـوارض گمرکـی و نظایـر آن، بـرای دوره طـرح معـادل ۱۱۰ میلیـون دلار بـرآورد شـد.[۲]

توسعه میادین نفت مناطق مرکزی

طـرح بهره‌بـرداری از ۱۰ میـدان جدیـد نفتـی و افزایـش تولیـد از ۶ میـدان فعـال در حـوزه اختیـارات شـرکت نفـت مناطـق مرکـزی از سـال ۱۳۸۱ در دسـتور کار وزارت نفـت قـرار گرفـت. ابتـدا، طـرح مطالعـات جامـع ایـن میدان‌هـا آمـاده و بـه هیئت‌مدیـره شـرکت ملـی نفـت ایـران ارائـه شـد. بـا توجـه بـه محدودیـت اعتبـارات تخصیصـی، شـرکت ملـی نفـت بـا توسـعه و یـا افزایـش تولیـد ۹ میـدان موافقـت کـرد. از سـال ۱۳۸۴ بهره‌بـرداری و افزایـش تولیـد از ایـن میدان‌هـا آغـاز شـد و در فاصلـه سـال‌های ۱۳۸۴ تـا ۱۳۸۶، روزانـه ۱۳۴ هـزار بشـکه نفت‌خـام بـه ظرفیـت تولیـد نفـت مناطـق مرکـزی اضافـه شـد.[۳]

۱. نفـت و توسـعه ۵، ص ۲۴۶ و طـرح توسـعه میـدان نفتـی دارخویـن فـاز ۱ و ۲، تارنمـای شـرکت مهندسـی و توسـعه نفـت (متـن).

۲. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت، جلسه ۱۲۹۳، ۱۳۸۰/۳/۸.

۳. نفت وتوسعه ۵، ص ۲۲۸.

هم‌زمـان بـا توسـعه میادیـن خشـکی و دریـا بـرای افزایـش ظرفیـت تولیـد، اسـتفاده از تکنولـوژی تزریـق آب (میادیـن فـلات قـاره) و تزریـق گاز (میادیـن خشـکی) در دسـت بررسـی و اجرایـی شـدن بـود.

تزریق آب و گاز به میادین نفتی

آشـنایی بـا علـم مهندسـی مخـازن بـه کارشناسـان کمـک می‌کنـد تـا راهکارهـای بهره‌بـرداری اصولـی از مخـازن نفتـی را شناسـایی کننـد. هنگامـی کـه در گـذر زمـان مخـازن نفتـی دچـار افـت فشـار می‌شـوند، تزریـق آب و گاز ازجملـه روش‌هـای تقویـت فشـار مخـزن و برداشـت درصـد بیشـتری از نفت‌خـام درجـای اولیـه اسـت. نکتـه اساسـی، انتخـاب سـیال مناسـب بـرای تزریـق، میـزان تزریـق و زمـان شـروع تزریـق اسـت کـه رابطـه بسـیار نزدیکـی بـا سـاز و کار تولیـد اولیـه، طبیعـت سـنگ مخـزن و گسـتردگی شـکاف‌ها دارد.

عملیـات تزریـق گاز، عملیاتـی ظریـف و پیچیـده اسـت کـه از مطالعـات اولیـه تـا شـروع تزریـق گاز بـه خدمـات کارشناسـی در سـطح بـالا نیـاز دارد. اگرچـه در دهه‌هـای ۱۳۷۰-۱۳۸۰ فنـاوری تزریـق گاز در انحصـار چنـد شـرکت قـرار داشـت، امـا کارشناسـان شـرکت ملـی نفـت بـا تکیـه بـر توانایی‌هـا و تجربیاتـی کـه از کار در کنـار کارشناسـان خارجـی قراردادهـای بیـع متقابـل کسـب کـرده بودنـد، توانسـتند عملیـات تزریـق گاز را در برخـی از میادیـن راهبـری کننـد.

تزریـق گاز بـه میادیـن هفتـگل، لـب سـفید، گچسـاران، مارون،کرنـج، بی‌بـی حکیمـه، پارسـی و کوپـال از اواخـر دهـه ۱۳۵۰ آغـاز شـده بـود. در سـال‌های ۱۳۷۶ تـا ۱۳۸۳ پروژه‌هـای دیگـری ماننـد پـروژه تزریـق گاز بـه مخـزن رامشـیر بـه مرحلـه بـه اجـرا در آمـد. تزریـق گاز بـه میـدان آغاجـاری و بازگردانـی گاز بـه میـدان پازنـان نیـز در دسـت انجـام بـود.[1] در طـی ایـن سـال‌ها، به‌طـور متوسـط، روزانـه ۷۲/۰۵ میلیـون مترمکعـب گاز بـه میادیـن مختلـف نفتـی تزریـق شـد. میـزان تزریـق گاز در سـال ۱۳۸۳ معـادل ۸۱/۳ میلیـون مترمکعـب و در سـال ۱۳۸۴ معـادل ۷۷/۳ میلیـون مترمکعـب در روز بـود.[2]

هم‌زمـان، در میادیـن نفتـی فـلات قـاره عملیـات تزریـق سـیال بـا آب انجـام می‌شـد. عملیـات تزریـق آب بـه میدان‌هـای سـلمان، سـیری C، سـیری D و سـیری E در حـال اجـرا بـود و برنامه‌ریـزی بـرای تزریـق آب در میدان‌هـای رسـالت و رشـادت در دسـت مطالعـه قـرار

۱. ترازنامه هیدروکربوری، سال ۱۳۸۴.

۲. نشریه اکتشاف و تولید، شماره ۴۹، شهریور ۱۳۸۷.

داشت. در میدان درود نیز تزریق هم‌زمان آب و گاز از سال ۱۳۸۴ به‌طور کامل اجرایی شد. میزان آب تزریقی به میدان‌های نفتی فلات قاره در سال ۱۳۸۴، درمجموع ۲۷۰/۹ هزار بشکه در روز بود.[۱]

برنامه بیست ساله تزریق گاز

اهمیت فوق‌العاده تزریق گاز به میدان‌های نفتی بر مدیران پوشیده نبود. آنان در جلسات مختلف تصمیم به تدوین برنامه‌ای جامع در افق بیست ساله و در مسیر تحقق سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ گرفتند. نظر مدیران آن بود که ذخایر نفت‌خام درجای کشور بالغ بر ۵۰۰ میلیارد بشکه است که اگر به روش تزریق گاز فقط یک درصد ازدیاد برداشت ایجاد شود، ۵ میلیارد بشکه به نفت قابل برداشت افزوده خواهد شد. در پی همین اندیشه بود که ۲۲ دی ۱۳۸۳ برنامه موازنه بیست ساله گاز مورد نیاز برای تزریق به میدان‌های نفتی و چگونگی تأمین و انتقال آن در هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت تصویب شد.

برای تأمین این حجم از گاز تزریقی هم پیش‌بینی‌های لازم صورت گرفت و میدان‌های پارس جنوبی، آغار ـ دالان، گازهای گنبدی و گازهای همراه برای تزریق به میادین نفتی در نظر گرفته شد. انتظار مدیران نفت آن بود که با تزریق یک تریلیون و ۶۵۰ میلیارد مترمکعب گاز در طول بیست سال، از ۱۳۸۳ تا ۱۴۰۰، برداشت ثانویه‌ای معادل ۳۰ میلیارد بشکه نفت خام حاصل شود. آن‌ها پالایشگاه‌های بیدبلند ۱ و ۲ را ساده‌ترین و عملی‌ترین منبع تأمین گاز شیرین مورد نیاز برای تزریق می‌دانستند. در این طرح بیست ساله، گازهای ترش و شیرین مورد نیاز برای تزریق از یکدیگر تفکیک و نیاز به هر یک پیش‌بینی شد.[۲] نکته‌ای که بیان آن خالی از فایده نیست اینکه، تزریق گاز به میادین موجب از بین‌رفتن گاز تزریق‌شده نمی‌شود و حتی به ذخیره‌سازی مجدد آن هم می‌انجامد؛ این بدان معنی است که در سال‌های بعد، می‌توان از گازهای تزریق‌شده به میادین نفت، به‌عنوان منابع عظیم گاز برداشت کرد؛ بنابراین تزریق گاز به میادین، روشی دوسر سود است که هم موجب ازدیاد میلیاردها بشکه نفت‌خام می‌شود و هم گاز تزریق‌شده به‌عنوان منبعی برای آینده محفوظ می‌ماند.

---

۱. ترازنامه هیدروکربوری، سال ۱۳۸۴.

۲. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت، جلسه ۱۴۵۷، ۱۳۸۳/۱۰/۲۲.

سوآپ نفت‌خام

گفتگو برای سوآپ نفت‌خام بین ایران و قزاقستان از دوره سازندگی آغاز شد و در دوره اصلاحات گسترش یافت. پس از مذاکرات انجام‌شده با کشور قزاقستان و عقد قرارداد اولیه سوآپ در زمان وزارت آقازاده، ۲۰ دی ۱۳۷۵ اولین محموله نفت‌خام در نکا تخلیه شد.

با آغاز دوره اصلاحات، گسترش طرح سوآپ نفتی از کشورهای قزاقستان، ترکمنستان و روسیه مورد توجه مدیران ایرانی قرار گرفت. طبق طرح، قرار بود نفت‌خام دریای خزر به ایران انتقال یابد تا خوارک پالایشگاه‌های تهران و تبریز و بعدها اراک را تأمین کند. در مقابل، ایران معادل وزنی نفت دریافت‌شده را از طریق خلیج‌فارس به فروش رسانده و وجه آن را پس از دو ماه در اختیار کشورهای سوآپ‌شده قرار می‌داد.[۱] بسیاری از کارشناسان با این طرح موافق بودند و اعتقاد داشتند که سوآپ نفت‌خام، برای کشور منافع مادی به همراه دارد و مهم‌تر از آن، قادر خواهد بود ایران را به هاب انرژی در حوزه دریای خزر تبدیل کند.

۲۰ آبان ۱۳۷۶ به برنامه‌ریزی تلفیقی دستور داده شد تا عملیات سوآپ نفت با کشورهای آسیای میانه به‌ویژه ترکمنستان را مطالعه و ارزیابی عملیاتی ـ مالی کند.[۲] پس از انجام مطالعات کامل، شرکت ملی نفت طرح لوله انتقال نفت از نکا به تهران و توسعه و بازسازی دو پالایشگاه تهران و تبریز را به رئیس‌جمهور تقدیم کرد. این گزارش خلاصه‌ای از جزئیات طرح را در بر داشت و پرداخت اصل و سود سرمایه‌گذاری به دولت در یک دوره هفت‌ساله تضمین شده بود. درخواست وزارت نفت از دولت این بود که سرمایه لازم را از محل صندوق ارزی در اختیار شرکت ملی نفت قرار دهد.[۳] با این درخواست موافقت شد و کشور ترکمنستان به این شیوه تبادل نفتی با ایران پیوست.

هدف از اجرای این طرح، انتقال و فراورش روزانه ۳۷۰ هزار بشکه در روز نفت خام از کشورهای حوزه دریای خزر از طریق بندر نکا به پالایشگاه‌های تهران و تبریز بود.

---

۱. علی ماجدی، «منابع انرژی و انتقال آن از حوزه دریای خزر»، نشریه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، بهار ۱۳۷۷، ش ۲۱، ص ۵۶.

۲. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت، جلسه ۱۱۲۸، ۱۳۷۶/۸/۲۰، همچنین مصاحبه با علی اکبر وحیدی آل آقا، پروژه تاریخ نفت، ۱۳۹۹.

۳. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت، جلسه ۱۱۶۴، ۱۳۷۷/۵/۲۷.

این طرح، شامل دو قسمت بود: ۱. ایجاد واحدهای جدید و تغییرات درون پالایشگاه‌های تهران، تبریز و پایانه نفتی نکا؛ ۲. احداث خط لوله ۳۲ اینچ انتقال از پایانه نکا به تأسیسات ری و تلمبه‌خانه‌های مورد نیاز در مسیر خط لوله.

کل هزینه‌های ریالی و دلاری این طرح حدود ۳۶۰ میلیون دلار بود که در مقابل هر بشکه نفت سوآپ‌شده، ۲ دلار نصیب ایران شد.[۱] ظرفیت این خط‌لوله ۳۷۰ هزار بشکه بود که در سال ۱۳۸۴ تنها ۲۳۰ هزار بشکه از آن انتقال یافت.

اکتشاف

سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۴ دوران طلایی در صنعت اکتشاف ایران است. فعالیت‌های اکتشافی که با پایان یافتن جنگ منسجم‌تر شده بود، در این دوره آثار طلایی خود را نشان داد. با بهره‌گیری از فناوری‌های پیشرفته و نیروی انسانی متخصص و خلاق و مدیریت مؤثر، عملیات اکتشافی با شتاب قابل قبولی به جلو رفت. هم‌زمان با جستجو در لایه‌های عمیق‌تر میادین موجود، اکتشاف در ساختارهای جدید زمین‌شناسی نیز آغاز شد. میدان‌های کشف‌شده در دوره اصلاحات به‌گونه‌ای بود که ایران توانست رتبه اول اکتشاف جهانی را در سال ۱۹۹۹ / ۱۳۷۸ کسب کند. حجم ذخایر نفتی درجای کشف‌شده در سال‌های ۱۳۷۸ - ۱۳۸۸ برابر با حجم ذخایر کشف‌شده در ۳۰ سال قبل از آن بود.[۲]

بیژن زنگنه، وزیر نفت، در آیین افتتاح میدان بلال، گزارشی از فعالیت‌های اکتشافی دوره خود را ارائه داد و گفت: «میزان نفت درجای کشف‌شده در ۷ سال اخیر ۱۶۰ میلیارد بشکه بوده است. بیش از ۵۰ میلیارد بشکه از این میزان در میدان‌های مشترک قرار دارد، ضمن آنکه در این ۷ سال ۲/۶ تریلیون مترمکعب گاز طبیعی نیز در ۱۲ مخزن و میدان گازی کشور کشف شده است.» در همان روز، میرمعزی، مدیرعامل شرکت ملی نفت، تعداد میدان‌ها و سازندهای کشف‌شده در سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۲ را ۲۱ عدد ذکر کرد.[۳]

در دوره هشت‌ساله اصلاحات، موسوم به دوران طلایی، حجم ذخایر نفت و گاز درجای

۱.مشعل، شماره ۳۱۵، مهر ۱۳۸۵، ص ۲.

۲. حسین معتمدی، «مروری بر تاریخچه اکتشافات هیدروکربوری در ایران»، ماهنامه اکتشاف و تولید، شماره ۹۳، شهریور ۱۳۹۱.

۳.مشعل، شماره ۲۶۹، صص ۲ - ۴.

کشـور بـه دلیـل گسـترش عملیـات اکتشـافی در خشـکی و دریـا افزایـش یافـت و بـر شـمار کارشناسـان اکتشـاف افـزوده شـد و همـکاری بـا شـرکت‌های خارجـی و برگـزاری دوره‌هـای آموزشـی و اسـتخدام نیروهـای نخبـه فارغ‌التحصیـل بـه سـطح قابـل تحسـینی رسـید. فعالیت‌هـای اکتشـافی در ناحیـه زاگـرس و خلیج‌فـارس متمرکـز گردیـد و هم‌زمـان بـا تدویـن راهبردهـای جدیـد، به‌تدریـج بـه سـایر حوضه‌هـای رسـوبی دارای پتانسـیل، ماننـد کپـه‌داغ، ایـران مرکـزی و مغـان توسـعه یافـت. در ایـن دوره میدان‌هـای گازی و نفتـی زیـادی کشـف شـد. عـلاوه بـر مـوارد مورداشـاره، ورود شـرکت‌های اکتشـافی بین‌المللـی بـه تـداوم و شـدت گرفتـن ایـن رونـد کمـک بسـیاری کـرد.

یکـی از مهم‌تریـن دسـتاوردهای فعالیت‌هـای اکتشـافی در دوره اصلاحـات کشـف میـدان آزادگان (۱۳۷۸) بـود کـه حـدود ده درصـد ذخیـره کل قابل‌اسـتحصال کشـور را در خـود جـای داده اسـت. در سـال‌های بعـدی، عملیـات اکتشـاف بـه کشـف نفـت در لایـه نفتـی پـارس جنوبـی، آزادگان، چنگولـه، آرش، کوشـک، منصورآبـاد، توسـن، فهلیـان (افـق خامـی میـدان آزادگان)، افـق خامـی میـدان بینـک، تاقدیـس حسـینیه در افـق خامـی، حسـینیه و کوشـک (افق‌هـای سـروک و هفلیـان)، رامیـن (مخـزن سـروک) و منصـوری انجامیـد. در بخـش گاز نیـز عملیـات اکتشـاف مثمرثمـر شـد و میدان‌هـای گازی بی‌بـی حکمیـه (سـازند خامـی)، خیرآبـاد (سـازند گـدوان)، گـردان، زیـره، تابنـاک، آرش (سـازند فهلیـان)، همـا، مـارون (سـازندهای داریـان، گـدوان و فهلیـان)، دی، بینـک (افـق خامـی)، لاوان (تاقدیـس دهـرم)، حسـینیه و کوشـک (افق‌هـای سـروک و فهلیـان)، میـدان بـلال ـ دماغـه پـارس جنوبـی (مخـزن دهـرم)، کیـش (مخـزن دهـرم) کشـف شـدند.[۱]

بـا کشـف میادیـن اشاره‌شـده در ایـن دوره، ۷۶ میلیـارد بشـکه نفت‌خـام درجـا بـه ذخایـر نفتـی کشـور افـزوده شـد و هنگامـی کـه ایـن دولـت در سـال ۱۳۸۴ بـه پایـان راه رسـید، مجمـوع ذخایـر نفـت درجـای کشـور ۱۳۷ میلیـارد بشـکه بـود. کارشناسـان پیش‌بینـی کـرده بودنـد درصـورت کشـف نشـدن ذخایـر جدیـد و برداشـت سـالانه نفت‌خـام بـه میـزان سـال ۱۳۸۴، ایـن ذخایـر بـرای ۴۸ سـال آینـده کفایـت خواهـد کـرد.[۲] حجـم گاز درجـای اولیـه میادیـن کشف‌شـده نیـز ۴ هـزار و ۳۲۴ میلیـارد مترمکعـب تخمیـن زده شـد.[۳]

ازجملـه اتفاقـات مهـم دیگـری کـه در ایـن دوره در حـوزه اکتشـاف رخ داد، کاهـش

۱.ترازنامه انرژی، سال ۱۳۸۴.

۲. ترازنامه هیدروکربوری، ۱۳۸۴.

۳. ترازنامه انرژی، سال ۱۳۸۴.

تصدی‌گری شرکت ملی نفت ازجمله در مدیریت اکتشاف بود. اقدام مدیریت عملیات اکتشاف در حذف فعالیت‌های تصدی‌گری و تمرکز بر فعالیت‌های مطالعاتی، ارزیابی ـ نظارتی و تحقیقاتی، به تأسیس شرکت عملیات اکتشاف نفت در سال ۱۳۷۸ منجر شد. شرکت عملیات اکتشاف تمامی فعالیت‌های پایین‌دستی همچون خدمات، پشتیبانی، عملیات نقشه‌برداری، تهیه نقشه‌های زمین‌شناسی، عملیات ژئوفیزیک، آزمایش چاه‌ها، خدمات فنی و حتی راهسازی و ترابری را بر عهده گرفت.

عملیات اکتشافی در دریای خزر

ازجمله اولویت‌های اکتشافی شرکت ملی نفت در این دوره، آغاز عملیات در حوضه دریای خزر بود. برای سامان بخشیدن به فعالیت‌های اکتشافی در این منطقه، مدیریت اکتشاف و تولید حوضه دریای خزر در شرکت ملی نفت تأسیس شد و در ۱۲ بهمن ۱۳۷۶ برنامه‌های کاری این مدیریت به تصویب رسید. به این مدیریت مأموریت داده شد تا به‌طور اصولی با امضای تفاهم‌نامه با یک شرکت ذی‌صلاح خارجی برای جمع‌آوری، تلفیق، مرتبط سازی و مطالعه اطلاعات مربوط به عملیات اکتشاف در مناطق خشکی و دریایی حوضه جنوبی دریایی خزر و ارائه یک تصویر روشن از این منطقه اقدام کند.[1]

مدیران شرکت ملی نفت تصمیم داشتند پس از تکمیل بلوک‌بندی حوضه خزر، حداقل ۳ بلوک از ۵ بلوک در شمال‌غرب خزر را برای انجام عملیات اکتشافی به شرکت‌های بین‌المللی واگذار کنند. یک شرکت بالادستی شرکت ملی نفت که در خارج به ثبت رسیده بود، توانست بهره‌برداری و توسعه بلوک‌های البرز و فومن را کسب کند.

پس از انجام مناقصه برای انجام علمیات لرزه‌نگاری در منطقه جنوبی خزر، کنسرسیومی از شل و دو شرکت دیگر برگزیده شد. آذر ۱۳۷۷، شرکت نفت خزر اجازه یافت قرارداد مطالعه اکتشافی منطقه خزر جنوبی به ارزش ۱۹/۸ میلیون دلار را با این کنسرسیوم امضا کند. انجام ۱۰ هزار کیلومتر عملیات لرزه‌نگاری، خرید اطلاعات و تلفیق و تفسیر تمامی اطلاعات برای دستیابی به مدل رسوبی منطقه موردمطالعه و اثبات وجود ذخایر نفت و گاز از اهداف این قرارداد بود. دستاورد این قرارداد، دستیابی به نخستین تصویر جامع از تعداد ساختارها و موقعیت جغرافیایی آن‌ها بود که وجود ذخایر احتمالی نفت و گاز

۱.مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت، جلسه ۱۱۴۳، ۷۶/۱۲/۱۲.

منطقـه خـزر جنوبـی را بـرای شـرکت ملـی نفـت ایـران محـرز و مشـخص کـرد.[۱]

از اواخـر سـال ۱۳۸۲ ایـران فعالیت‌هـای اکتشـافی و لرزه‌نـگاری دوبعـدی و سـه‌بعدی خـود را در قسـمت کم‌عمق‌تـر دریـای خـزر آغـاز کـرد. ایـن فعالیت‌هـا تـا سـال ۱۳۸۴ بـه شناسـایی ۸ سـاختار در حوضـه جنوبـی دریـای خـزر منجـر شـد. بلوک‌هـای البـرز (مشـترک بـا جمهـوری آذربایجـان)، چالـوس، نـور و رویـان، رامسـر، رودسـر و بلوک‌هـای ۶، ۸ و ۷ از بلوک‌هـای شناسایی‌شـده بودنـد.[۲]

طرح‌های اکتشافی در خشکی

چنانکـه گفتیـم، بخـش اکتشـاف در ایـن سـال‌ها (۱۳۷۶-۱۳۸۴) دوره‌ای طلایـی را تجربـه کـرد. فرصتـی پدیـد آمـد تـا بـا حضـور و سـرمایه‌گذاری شـرکت‌های بـزرگ نفتـی در قالـب قراردادهـای بیع‌متقابـل، جانـی تـازه بـه ایـن بخـش مهـم از صنعـت نفـت و گاز کشـور دمیـده شـود. قراردادهـای اکتشـافی متعـددی در مناطـق خشـکی بـا شـرکت‌های بین‌المللـی از فرانسـه، انگلیـس، ایتالیـا، آلمـان، چیـن، اتریـش، اسـترالیا و چنـد شـرکت داخلـی منعقـد شـد کـه در اینجـا تعـدادی از آنهـا را مـرور می‌کنیـم.

انجـام عملیـات اکتشـافی در منطقـه انـاران (جنـوب غربـی ایـران) بـا همـکاری شـرکت نـروژی نورسـک هایـدرو، عملیـات اکتشـافی در بلـوک زواره ـ کاشـان بـا وسـعت ۴۵۰۰ کیلومتـر مربـع در ایـران مرکـزی توسـط شـرکت چینـی سـایونگ، عملیـات ۸۰۰ کیلومتـر لرزه‌نـگاری دوبعـدی، ۱۵۰ کیلومتـر مربـع لرزه‌نـگاری سـه‌بعدی و حفـاری ۳ حلقـه چـاه اکتشـافی در بلـوک اکتشـافی منیـر (در جنـوب شـرقی میـدان نفتـی گچسـاران) توسـط شـرکت ایتالیایـی ادیسـون گاز، پـروژه اکتشـافی مهـر در شـمال غربـی اهـواز شـامل هـزار کیلومتـر لرزه‌نـگاری دو بعـدی، ۱۵۰ کیلومتـر مربـع لرزه‌نـگاری ۳ بعـدی و حفـاری ۳ حلقـه چـاه توسـط شـرکت اتریشـی اوم.ام.وی ازجملـه فعالیت‌هـای اکتشـافی بودنـد کـه در ایـن دوره انجـام و گـزارش نهایـی بـه شـرکت ملـی نفـت ارائـه گردیـد.[۳]

مطالعـه دشـت آبـادان در شـمال خلیـج فـارس بـا شـرکت نـروژی نورسـک هایـدرو در تیـر ۱۳۷۸ امضـا شـد. بـر اسـاس مطالعـات انجام‌شـده کـه در سـال ۱۳۸۰ بـه پایـان رسـید، ۲۵

۱.نفت و توسعه ۵، ص ۲۰۳.

۲. ترازنامه انرژی، سال ۱۳۸۴.

۳.برگرفته از صفحات مختلف کتاب نفت و توسعه ۵.

هـدف اکتشـافی در ایـن منطقـه مشـخص و معرفـی شـدند.[۱] بررسـی ژئوشـیمیایی سـازند گـدوان در حـوزه رسـوبی زاگـرس (ارتفاعـات دزفـول، لرسـتان و فـارس) بـه ارزش ۳/۱ میلیـارد ریـال بـه پژوهشـگاه صنعـت نفـت واگـذار شـد. فـاز اول ایـن پـروژه شـهریور ۱۳۸۰، فـاز دوم آن در دی ۱۳۸۱ و فـاز سـوم آن در خـرداد ۱۳۸۲ بـه پایـان رسـید.[۲]

شـرکت اسـترالیایی سـانتوز مطالعـه بخـش شـمالی ناحیـه دزفـول شـمالی در منطقـه‌ای بـه وسـعت ۹۶۵۰ کیلومترمربـع را در شـهریور ۱۳۸۱ بـر عهـده گرفـت. مطالعـه زمین‌شناسـی، ژئوفیزیکـی و ژئوشـیمیایی بـا هزینـه مطالعـه ۵/۱ میلیـون دلار از تعهـدات ایـن شـرکت بـود. پـروژه اوایـل سـال ۱۳۸۳ بـه پایـان رسـید.[۳]

ایـران مرکـزی ازجملـه نواحـی مـورد هـدف شـرکت ملـی نفـت بـرای انجـام فعالیت‌هـای اکتشـافی و احتمـال وجـود / عـدم وجـود منابـع هیدروکربـوری بـود. بهمـن ۱۳۸۱ مطالعـه منطقه قـم، سـاوه و کاشـان -زواره به‌طـور مشـترک بـه شـرکت ایرانـی سـاین، شـرکت فرانسـوی آی‌اف‌پی و شـرکت چینـی سـینوپک واگـذار شـد. مـدت اجـرای پـروژه سـه سـال بـود و تـا خـرداد ۱۳۸۴ حـدود ۵۸ درصـد آن بـه انجـام رسـید. هزینـه ایـن پـروژه ۱۹/۱۹ میلیـارد ریـال بـود کـه شـرکت ملـی نفـت ایـران آن را پرداخـت کـرد.[۴]

منطقـه لـردگان ـ یاسـوج از دیگـر نقاطـی بـود کـه مـورد مطالعـه قـرار گرفـت. بررسـی ایـن منطقـه در آبـان ۱۳۸۱ بـه یـک شـرکت آلمانـی واگـذار شـد. مـدت اجـرای قـرارداد، ۳۰ مـاه و هزینـه آن معـادل ۲/۸ میلیـون دلار بـود کـه توسـط شـرکت آلمانـی تأمیـن شـد. بررسـی زمین‌شناسـی صحرایـی منطقـه‌ای بـه وسـعت ۱۱ هـزار کیلومتـر مربـع و ایجـاد بانـک اطلاعاتـی، انجـام عملیـات لرزه‌نـگاری، مطالعـات ژئوفیریکـی، ژئوشـیمیایی و ترسـیم مدل‌هـای رسـوبی بـرای شـناخت پتانسـیل هیدروکربـوری منطقـه از تعهـدات شـرکت طـرف قـرار بـود. ایـن پـروژه اوایـل سـال ۱۳۸۳ پایـان یافـت.[۵]

مطالعات اکتشافی در خلیج‌فارس

در اواخـر دهـه ۱۳۷۰، تمرکـز مطالعاتـی بیشـتر از قبـل بـر روی منطقـه خلیج‌فـارس قـرار

۱. نفت و توسعه ۵، ص ۱۹۸.
۲. نفت و توسعه ۵، ص ۲۰۲.
۳. همان ، ص ۲۰۱.
۴.همان، ص ۲۰۱.
۵. همان، ص ۲۰۲.

گرفت و قراردادهای متعددی با شرکت‌های بین‌المللی منعقد گردید. شرکت‌هایی از نروژ، ایتالیا، اسپانیا، اتریش و چند کشور دیگر با انعقاد قراردادهایی در گستره خلیج‌فارس در حال انجام مطالعات زمین‌شناسی، لرزه‌نگاری، ژئوفیزیکی و ژئوشیمیایی بودند. چند مورد از این قراردادها را در اینجا ذکر می‌کنیم.

بررسی ژئوشیمیایی سنگ منشأهای احتمالی در خلیج‌فارس و تعیین نوع هیدروکربور آن به‌طور مشترک در بهمن ۱۳۷۹ به شرکت‌های توتال و اِلف واگذار شد. هزینه اجرای طرح ۲۶۶ هزار دلار بود که ازسوی طرف خارجی پرداخت شد. گزارش نهایی این پروژه در خرداد ۱۳۸۱ در اختیار شرکت ملی نفت قرار گرفت.[۱]

انجام ۱۱۵ هزار کیلومتر لرزه‌نگاری در سرتاسر دریای عمان و خلیج فارس، در نواحی کم‌عمق و آبی ـ خاکی ـ ساحلی و نواحی عمیق در سال ۱۳۷۹ به شرکت نروژی نورسک هایدرو محول گردید.[۲] در این عملیات لرزه‌نگاری، مناطق کم‌عمق و آبی ـ خاکی ـ ساحلی برای اولین بار تحت پوشش قرا گرفت و ۴۴۰۵ کیلومتر عملیات لرزه‌نگاری شبه‌سه‌بعدی در نواحی شمال خلیج فارس و میادین فردوسی و گلشن انجام شد.[۳]

پروژه مطالعاتی قسمت میانی خلیج فارس مهر ۱۳۸۰ بین شرکت اسپانیایی رپسول و مدیریت اکتشاف شرکت ملی نفت ایران امضا شد. محدوده موردمطالعه از غرب جزایر قشم - ابوموسی شروع می‌شد و تا شرق میدان گازی پارس‌جنوبی با وسعت ۳۲ هزار کیلومتر مربع گسترش داشت. مدت زمان مطالعه ۸ ماه و بودجه آن ۱/۵۶ میلیون دلار بود که ازسوی شرکت رپسول پرداخت شد. پروژه در مرداد ۱۳۸۱ به پایان رسید.[۴]

پروژه مطالعه بخش شرقی قسمت میانی خلیج فارس در آبان ۱۳۸۱ به شرکت ایتالیایی ادیسون گاز واگذار شد. بر اساس این قرارداد، منطقه‌ای به وسعت ۱۵۵۰۰ کیلومتر مربع در خلیج‌فارس، واقع در غرب میدان پارس جنوبی و شرق میدان پارس شمالی، به منظور مطالعات زمین‌شناسی، ژئوفیزیکی، ژئوشیمیایی، یافتن اهداف مناسب ساختمانی و چینه‌ای برای مطالعات تفصیلی و ارزیابی هیدروکربوری مورد توافق قرار گرفت. هزینه پیش‌بینی شده این طرح ۳/۱ میلیون دلار بود که به شرکت طرف قرارداد آن را پرداخت. پروژه در

۱. نفت و توسعه ۵، ص ۱۹۹.
۲.نفت و توسعه ۵، ص ۱۹۹.
۳. نفت و توسعه ۵، ص ۲۰۰
٤. نفت و توسعه ۵، ص ۲۰۰.

سال ۱۳۸۳ به پایان رسید و گزارش آن به وزارت نفت ارائه شد.[۱]

مهر ۱۳۸۱ قراردادی با شرکت اتریشی او.ام.وی منعقد شد که بررسی اهداف اکتشافی بر اساس خطوط لرزه‌نگاری جدید در منطقه‌ای از غرب پارس جنوبی تا شرق خارگ با وسعتی حدود ۲۳ هزار و ۲۰۰ کیلومترمربع را در بر می‌گرفت. هزینه مطالعه حدود یک میلیون و ۶۰۰ هزار دلار بود که توسط شرکت اتریشی تأمین شد. پروژه در سال ۱۳۸۲ پایان یافت و گزارش آن به شرکت ملی نفت ارائه گردید.[۲]

پتروشیمی

تابناک‌ترین بخش صنعت نفت در طول چهل سال اخیر، همانا صنعت پتروشیمی است که نسبت به دیگر صنایع وابسته به نفت، رشد قابل تحسینی داشت. در طول این چهار دهه، دست اندرکاران صنعت پتروشیمی معتقدند سالهای ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۴ سالهای جهش، تثبیت، توسعه و سرآغازی برای جهانی شدن صنعت پتروشیمی کشور بوده است. دولت گام‌های بزرگی برای تنوع‌سازی اقتصاد و رهایی از وابستگی بودجه کشور به درآمد نفتی برداشت. بر همین اساس، گسترش تولیدات صنعتی، به‌ویژه صنعت پتروشیمی از طریق سرمایه‌گذاری خارجی در دستور کار قرار گرفت.

در ابتدای این دوره، مدیران، برنامه‌ریزی و استراتژی جامعی برای توسعه صنعت پتروشیمی تدوین و اجرایی کردند. در این برنامه، پایه و اساس توسعه صنعت پتروشیمی بدین صورت تعریف شد: ۱. اتکا بر مزیت‌های کشور در تأمین خوراک؛ ۲. توجه به جلب منابع و سرمایه خارجی؛ ۳. توجه به اقتصاد مقیاس در احداث واحدهای جدید؛ ۴. توجه هم‌زمان به ارتقای فناوری ملی، اشتغال و توسعه صنایع پایین‌دستی پتروشیمی؛ ۵. توجه به ارتقای جایگاه صنعت پتروشیمی ایران در منطقه و جهان.[۳]

با همین دیدگاه، برنامه‌های سوم و چهارم توسعه پتروشیمی اجرا گردید. افزایش جمعیت کشور و نیاز داخلی به محصولات پتروشیمیایی و نیز نیازهای جهانی، موجب شد طرح‌هایی در راستای توسعه مجتمع های سابق انجام گیرد، هم‌زمان، طرح‌های جدیدی به اجرا درآمد و برخی از طرح‌های مانده از دوره های قبل تکمیل شدند و

۱. نفت و توسعه ۵، ص ۲۰۰.

۲. نفت و توسعه ۵، ص ۲۰۱.

۳. نفت و توسعه ۵، ص ۳۱۴.

بـه بهره‌بـرداری رسـیدند. در همیـن دوره، منطقـه ویـژه پتروشـیمی در ماهشـهر و عسـلویه شـکل گرفـت. پتروشـیمی امیرکبیـر نخسـتین مجتمـع منطقـه ویـژه ماهشـهر بـود کـه نخسـتین واحـد آن در سـال ۱۳۸۲ بـه بهره‌بـرداری رسـید. واحـد پارازایلیـن پتروشـیمی ماهشـهر، متانـول خـارگ، پتروشـیمی بوعلـی سـینا، پتروشـیمی بیسـتون، پتروشـیمی فـن‌آوران، پتروشـیمی فجـر (یوتیلیتـی منطقـه ویـژه ماهشـهر)، پتروشـیمی مبیـن (یوتیلیتـی منطقـه عسـلویه) نویـدزر شـیمی، پتروشـیمی خوزسـتان و پتروشـیمی تندگویـان از مجتمع‌هایـی بودنـد کـه در ایـن دوره افتتـاح شـدند و بـه بهره‌بـرداری رسـیدند. درعین‌حـال، مجتمع‌هـای الفیـن نهـم، کارون، لالـه و زاگـرس در دسـت اجـرا بـود.

عبـاس شـعری‌مقدم از مدیـران پیشکسـوت و برجسـته صنعـت پتروشـیمی، وضعیـت ایـن صنعـت در دوره اصلاحـات را این‌گونـه تشـریح کـرد: «راسـتش،من در ابتـدا فکـر نمی‌کـردم کـه سیاسـت تنش‌زدایـی و روش آقـای خاتمـی کـه در حقیقـت، توسـعه سیاسـی و فرهنگـی بـود، مؤثـر باشـد و منجـر بـه توسـعه اقتصـادی شـود... ولـی خوشـبختانه دیدیـم کـه سیاسـت تنش‌زدایـی خیلـی خـوب نتیجـه داد و درهـا را بـاز کـرد و باعـث شـد کـه مدیریـت پتروشـیمی بتوانـد بـا اسـتفاده از اعتبـار شـرکت ملـی صنایـع پتروشـیمی وام‌هـای ارزان خارجـی به‌صـورت فاینانـس اخـذ کنـد و پروژه‌هـا را بـه اجـرا درآورد و توسـعه‌ای جهشـی را شـکل دهـد. این‌هـا نتیجـه سیاسـت تنـش زدائـی و مطـرح شـدن بحـث گفتگـوی تمدن‌هـا و بـاز شـدن درهـای جهـان بـر روی ایـران بـود.»[1]

ازسـوی دیگـر، در ایـن سـال هـا اتفـاق فرخنـده ای بـرای صنعـت پتروشـیمی رخ داد. در ایـن دوره، برخـلاف دوره قبـل، مجلـس بـا دولـت همـراه بـود. محمدرضـا نعمـت‌زاده کـه سـابقه‌ای طولانـی در امـور اجرایـی کشـور داشـت و وزارتخانـه هایـی چـون کار، دفـاع، صنعـت، معـدن و تجـارت را تجربـه کـرده بـود، سـکان پتروشـیمی کشـور را بـر عهـده گرفـت. برخـی از اهالـی پتروشـیمی او را معمـار دوران نویـن پتروشـیمی در ایـران می‌داننـد. در ابتـدای دوره اصلاحـات، بسـیاری از محصـولات پتروشـیمیایی وارداتـی بودنـد، درحالیکـه مـاده خـام موردنیـاز آنهـا در داخـل کشـور تولیـد مـی شـد. نعمـت‌زاده از همـان ابتـدای کار بـه دنبـال راه‌هایـی بـود کـه بـا تنوع‌بخشـی و افزایـش محصـولات پتروشـیمی، بخـش پایین‌دسـتی آن را نیـز گسـترش دهـد. هـم در ارز کشـور صرفه‌جویـی می‌شـد و هـم صنعـت کشـور رشـد می‌کـرد. نعمـت‌زاده بـا چنیـن دیدگاهـی دوران مدیریتـش را آغـاز کـرد.

۱.ارزیابـی کارنامـه دولت‌هـای سـازندگی و اصلاحـات در پتروشـیمی، گفتگـو بـا عبـاس شـعری‌مقدم، تارنمـای اطلاع‌رسـانی شـرکت ملـی صنایـع پتروشـیمی (نیپنـا)

حضـور در منطقـه عسـلویه بـرای رسـیدن بـه ایـن منظـور راه‌حـل مناسـبی بـه نظـر می‌رسـید، امـا وزارت نفـت همـه زمین‌هـا را بـه فازهـای گازی اختصـاص داده بـود و برنامـه‌ای بـرای حضـور پتروشـیمی در ایـن منطقـه نداشـت؛ درحالی‌کـه نعمـت‌زاده معتقـد بـود «هرجـا گاز هسـت، بایـد پتروشـیمی هـم باشـد.»[۱] مخالفت‌هـا شـدید بـود و بـه مجلـس کشـیده شـد. برخـی از مخالفـان می‌گفتنـد شـاید مـا بـا مشـکل فـروش مواجـه شـویم. یکـی از نماینـدگان مجلـس از وزیـر نفـت سـؤال کـرد: «چـرا این‌قـدر وام از خـارج می‌گیریـد کـه واحـد پتروشـیمی درسـت کنیـد؟ این‌هـا روی دسـتتان می‌مانـد و بعـد در بازپرداخـت وام‌هـا می‌مانیـد.»[۲] کشـور در شـرایط ارزی خوبـی نبـود. تحریم‌هـا هـر روز شـدیدتر می‌شـد و صنعـت پتروشـیمی وابسـتگی زیـادی بـه سـرمایه و دانـش فنـی خارجی‌هـا داشـت. توسـعه در آن شـرایط از ریسـک بالایـی برخـوردار بـود و بسـیاری حاضـر بـه پذیـرش آن نبودنـد، امـا نعمـت‌زاده سرسـختانه پـای حرفـش ایسـتاد. بـا اجـازه وزیـر؛ چنـد جلسـه بـا نماینـدگان مجلـس صحبـت کـرد. اصـرار و تـلاش او موجـب شـد یکـی از بزرگ‌تریـن قطب‌هـای پتروشـیمی جهـان در منطقـه ایجـاد شـود. اقـدام مهـم دیگـر، ایجـاد منطقـه ویـژه اقتصـادی پتروشـیمی در ماهشـهر بـود. مـرداد ۱۳۷۶ شـورای‌عالی مناطـق آزاد بـا پیشـنهاد وزارت نفـت بـرای ایجـاد منطقـه ویـژه اقتصـادی پتروشـیمی در ماهشـهر موافقـت کـرد.[۳] در طـول ایـن سـال‌ها، بیـش از ۱۵۰ شـرکت خصوصـی در بخش‌هـای مختلـف صنایـع میانـی، پایین‌دسـتی و جانبـی پتروشـیمی در ایـن منطقـه سـرمایه‌گذاری کردنـد. سـیر صعـودی سـرمایه‌گذاری بـا حضـور شـرکت‌های مختلـف چشـمگیر بـود.[۴]

در سـال‌های ۱۳۷۶ تـا ۱۳۸۴ حـدود ۱۷/۷ میلیـاد دلار در زیرسـاخت‌ها و بخـش تولیـد صنعـت پتروشـیمی سـرمایه‌گذاری شـد کـه ۷۱ درصـد آن از تسـهیلات خارجـی و ۲۹ درصـد از منابـع داخلـی تأمیـن گردیـد[۵]، امـا جـذب سـرمایه خارجـی کار راحتـی نبـود. حسـینعلی زحمتکـش کـه در ایـن دوره مدیرعاملـی پتروشـیمی امیرکبیـر را بـر عهـده داشـت، ایـن مسـئله را چنیـن تشـریح کـرد: «مـا بـرای عملـی کـردن طرح‌هـا پـول نداشـتیم و تأمیـن منابـع مالـی سـخت بـود. ایـن وضعیـت پـس از وضـع قانـون داماتـو سـخت‌تر هـم شـده بـود و مـا بـرای فاینانـس طرح‌هـا بـا مشـکلات بسـیاری روبـه‌رو شـدیم. در تمامـی مذاکـرات فاینانس‌هـای

۱. مصاحبه با محمدرضا نعمت‌زاده، پیام پتروشیمی، دی ۱۳۹۳، شماره ۷۹، ص ۲۸.
۲. مصاحبه با محمدرضا نعمت‌زاده، پیام پتروشیمی، دی ۱۳۹۳، شماره ۷۹، ص ۲۸.
۳. اسناد هیئت‌مدیره شرکت ملی صنایع پتروشیمی، جلسه‌ی ۷۳۳، ۱۳۷۶/۵/۲۲.
٤. سایت سازمان منطقه ویژه اقتصادی پتروشیمی ماهشهر http://petzone.ir
۵. نفت و توسعه ۵، ص ۳۱۴.

امیرکبیر خودم حضور داشتم. آقای نعمت‌زاده ارتباطات خوبی داشت و واقعاً برای تأمین مالی به ما کمک کرد و ما زیاد به زحمت نمی‌افتادیم.»[۱]

اتفاق مهمی که در تأمین مالی و فاینانس طرح‌ها رخ داد، رویکرد مدیران به استفاده از ظرفیت‌های داخلی بود. از یک‌سو، آنها تصمیم داشتند سازوکاری در پیش گیرند که نقش شرکت‌های ایرانی در اجرای پروژه‌ها پررنگ‌تر شود و شرایطی فراهم آید که دانش تخصصی شرکت‌های ایرانی از طریق همکاری منطقی با شرکت‌های خارجی افزایش یابد. زحمتکش گفت: «در آن زمان دیدگاهی بین مدیران شرکت توسعه صنایع پتروشیمی شکل گرفته بود مبنی بر اینکه باید به‌گونه‌ای اقدام شود که شرکت‌های ایرانی، پیمانکار اصلی و شرکت‌های خارجی پیمانکار فرعی پروژه‌ها باشند. در آن مقطع زمانی حساب کردیم که ۳۷ درصد پروژه در مرحله اجرا، نزدیک به ۸ درصد از پروژه در بخش مهندسی تفصیلی و بیش از ۹ درصد کل پروژه در بخش ساخت تجهیزات ثابت می‌توانند به کوشش شرکت‌های داخلی انجام شود که در مجموع بیش از ۵۴ درصد از کل پروژه بود، اما طرف خارجی به‌راحتی زیر بار نمی‌رفت. در مذاکره با لینده به آنها گفتم لیدر قرارداد باید ایرانی باشد. آنها ابتدا نمی‌پذیرفتند، اما با اصرار ما به ناچار پذیرفتند. به‌این‌ترتیب، مهندسان ایرانی در کنار مهندسان شرکت آلمانی آموزش دیدند، کار کردند، تجربه به دست آوردند و چرخه انتقال دانش خوبی شکل گرفت.»[۲]

ازسوی دیگر، مدیران تصمیم داشتند با استفاده از فاینانس‌های خارجی به شرکت‌های داخلی که توانایی ساخت تجهیزات را داشتند، کمک کنند. «ما تلاش کردیم تا از فاینانس‌ها برای کمک به ساخت داخل استفاده کنیم. به آنها گفتم از این فاینانس متریال بدهید. بعد ما با شرکت‌های سازنده ایرانی مثل ماشین‌سازی اراک، آذرآب اراک و مهدین قرارداد بستیم و آنها از روی نقشه‌هایی که می‌دادیم برای ما تجهیزات را ساختند. به‌این‌ترتیب، ما با پول فاینانس خارجی به سازنده‌ی ایرانی کمک کردیم. بسیاری از شرکت‌های سازنده‌ی ایرانی صاحب مواد اولیه‌ای شدند که خودشان به‌هیچ‌وجه منابع مالی لازم را برای خرید آنها نداشتند.»[۳]

---

۱. مصاحبه با مهندس حسینعلی زحمتکش، نخستین مدیرعامل پتروشیمی امیرکبیر، آذر ۱۳۹۸.

۲. دانش مدیران پروژه‌های پتروشیمی، بازخوانی تجربیات مهندس حسینعلی زحمتکش، تهران: کارآفرینان فرهنگ و هنر، ۱۳۸۵، ص ۶۳.

۳. مصاحبه با مهندس حسینعلی زحمتکش، نخستین مدیرعامل پتروشیمی امیرکبیر، آذر ۱۳۹۸.

در طی اجرایی شدن طرح‌های پتروشیمی در این دوره برخی از تجهیزات برای اولین‌بار توسط سازندگان داخلی ساخته و نصب شدند. جلیل ابراهیم‌پور در سال ۱۳۷۷ مدیرعامل پتروشیمی فن‌آوران شد. پتروشیمی فن‌آوران با لیسانس شرکت ایتالیایی اسنام پروجتی در منطقه ویژه ماهشهر ساخته شد و در سال ۱۳۸۳ به بهره‌برداری رسید. ازجمله تجهیزات موردنیاز این پروژه، کولرهای هوایی بود که در ایران ساخته نمی‌شد. ابراهیم‌پور از کمک به سازندگان داخلی برای ساخت این کولرها گفت: «با شرکت ایتالیایی المی[1] وارد مذاکره شدیم و به آنها پیشنهاد کردیم که با همکاری یک شرکت داخلی این کار را در ایران انجام دهند. برای این منظور دست به ابتکار جالبی زدیم. شرکتی را در منطقه یافتیم که از کارگاه و امکانات اولیه مطلوبی برخوردار بود، اما تجهیزات کافی نداشت و در برخی موارد نیازمند مشاوره بود. بنابراین، این شرکت را از نظر امکانات تجهیز کردیم تا زیرنظر شرکت ایتالیایی کار خود را انجام دهد. توانستیم نزدیک به ۹۵ درصد از کار ساخت کولرهای هوایی را در کشور انجام دهیم و نیاز خود را به کولرهای هوایی با هزینه کمتری برطرف کنیم. ازسوی دیگر، به توانمند شدن شرکتی کمک کردیم که امروزه به‌سادگی این کار را در داخل کشور انجام می‌دهد.»[2]

تولید و صادرات

در سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۴ درمجموع ۱۶ مجتمع و طرح مستقل پتروشیمی در کشور به بهره‌برداری رسید. در این شانزده طرح حدود ۴/۳ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری شد و ارزش تولیدات سالانه آنها ۲/۳ میلیارد دلار بود.[3] مجموع تولید مجتمع‌های پتروشیمی در سال ۱۳۷۵ حدود ۱۰ میلیون تن بود که در سال ۱۳۸۴ به حدود ۱۵ میلیون تن رسید.[4] فروش داخلی در سال ۱۳۷۵ معادل ۳۱۹۹ هزار تن با ارزش ۲۱۶۲ میلیارد ریال بود که در سال ۱۳۸۳ به ۴۸۴۰ تن با ارزش ۱۲۵۹۷ میلیارد ریال افزایش یافت. ارزش صادرات نیز از ۵۰۷ میلیون دلار در سال ۱۳۷۵ به ۱۷۲۶ میلیون دلار در سال ۱۳۸۳ رسید.[5]

۱.Olmi

۲. دانش مدیران پروژه‌های پتروشیمی، بازخوانی تجربیات مهندس جلیل ابراهیم‌پور، تهران: کارآفرینان فرهنگ و هنر، ۱۳۸۵، صص ۱۸۱-۱۸۲.

۳. نفت و توسعه ۵، ص ۳۱۵.

۴. ترازنامه هیدروکربوری، سال ۱۳۸۴.

۵. نفت و توسعه ۵، ص ۳۱۸.

گاز

دوره اصلاحات را می‌توان آغاز دوران طلایی صنعت گاز دانست. برای توسعه فازهای پارس جنوبی قراردادهای متعددی با شرکت‌های بزرگ بین‌المللی و چند شرکت داخلی منعقد شد. فازهای ۱، ۲، ۳، ۴ و ۵ تا پایان این دوره به بهره‌برداری رسیدند. بهار ۱۳۸۱ طرح توسعه پالایشگاه خانگیران به بهره‌برداری رسید. با افتتاح این طرح‌ها، میزان تولید و تصفیه گاز طبیعی افزایش یافت و از ۶۹ میلیارد مترمکعب[۱] در سال ۱۳۷۶ به ۸۷ میلیارد مترمکعب[۲] در سال ۱۳۸۴ رسید. با افزایش تولید گاز طبیعی، گازرسانی به نقاط مختلف کشور سرعت گرفت. در سال ۱۳۷۶ بیش از ۲۳۸۶ کیلومتر شبکه‌گذاری گاز انجام شد و تعداد انشعابات نصب‌شده گاز ۱۶۹ هزار و ۹۳۸ انشعاب بود. در سال ۱۳۸۴، شبکه‌گذاری گاز حدود ۱۳۵۵۷ کیلومتر و تعداد انشعابات نصب‌شده ۴۶۲ هزار شعبه بود.[۳]

مهم‌ترین خطوط لوله که در این دوره احداث شد، خط‌لوله سراسری سوم و چهارم گاز بود که به بهره‌برداری رسید. احداث بالغ بر ۹ هزار کیلومتر خط‌لوله فشار قوی گاز از دیگر اقدامات انجام‌شده در این دوره بود که در نوع خود بی‌نظیر بود. بخش عمده‌ای از خطوط لوله و تجهیزات به‌کاررفته، ساخت داخل بودند. همچنین، با افزایش حجم انتقال گاز، تحولی مهم در مصرف عمومی گاز در بخش‌های خانگی، صنعتی و تجاری به وجود آمد. هرچه که بر توان پالایشگاه‌های گاز افزوده می‌شد، مصرف در بخش‌های صنعتی و به‌ویژه نیروگاه‌ها افزایش می‌یافت.

شرکت ملی گاز از ابتدای انقلاب مسئولیت توسعه شبکه گازرسانی و ذخیره‌سازی گاز را برعهده داشت، اما کارشناسان ارشد وزارت نفت اعتقاد داشتند بدنه شرکت ملی گاز توانایی مدیریت سازمانی پارس جنوبی، عسلویه و پالایشگاه‌های مربوطه، در یک کلام، از اکتشاف تا بهره‌برداری نهایی را ندارد. به همین خاطر، تمامی این مراحل توسعه‌ای در اختیار شرکت ملی نفت قرار گرفت. چنین مباحثی به یکی از مسائل عمده بین شرکت ملی نفت و شرکت ملی گاز بدل شد. تمامی پالایشگاه‌های گازی عسلویه که گازهای

۱. ترازنامه بانک مرکزی، سال ۱۳۷۶.

۲. ترازنامه بانک مرکزی، سال ۱۳۸۴.

۳. ترازنامه هیدروکربوری، سال ۱۳۸۴.

پارس جنوبی را تصفیه می‌کردند، زیر نظر شرکت نفت و گاز پارس از شرکت‌های تابعه شرکت ملی نفت قرار گرفت.

هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت در اردیبهشت ۱۳۷۷ تأسیس شرکت نفت و گاز پارس را تصویب کرد.[۱] شرکت نفت و گاز پارس به‌عنوان یکی از شرکت‌های زیرمجموعه شرکت ملی نفت ایران در اول دی ۱۳۷۷ تأسیس شد. مسئولیت توسعه تمامی فازهای میدان گازی پارس جنوبی و توسعه میدان‌های گازی پارس شمالی، گلشن و فردوسی و نیز، توسعه لایه نفتی پارس جنوبی بر عهده این شرکت قرار گرفت.[۲]

در این دوره، گاز در چهار بخش اصلی بیشترین استفاده را داشت. پالایشگاه‌های گازی، گاز برآمده از پارس جنوبی را تصفیه می‌کردند. گاز تصفیه‌شده وارد شبکه گازی، پالایشگاه‌ها و مجتمع‌های پتروشیمی می‌شد و یا به مخازن نفت تزریق می‌گردید. بزرگ‌ترین مخزن گازی جهان در خلیج‌فارس عمده مصارف خانگی، صنعتی و تجاری را تأمین می‌کردند. علاوه بر مصارف داخلی، صادرات به خارج از کشور نیز در این دوره عملیاتی گردید.

صادرات گاز به ترکیه

صادرات گاز به کشورهای همسایه و اروپا از اهداف بلندمدت دولتمردان ایرانی بود. اگرچه این هدف با موانع متعددی روبه‌رو شد و در بعضی موارد همچون صادرات گاز به اروپا تاکنون ناکام ماند، اما صادرات به ترکیه که از زمان دولت سازندگی پیگیری شده بود، در این دوره به ثمر رسید. خط‌لوله ۴۰ اینچی انتقال گاز در مسیر تبریز به بازرگان در آذر ۱۳۸۰ به بهره‌برداری رسید و ۱۹ آذر انتقال گاز ایران به ترکیه آغاز شد. هیئتی به ریاست زکی چاکان، وزیر انرژی ترکیه، با استقبال وزیر نفت، وارد ایران شدند. ۲ بهمن ۱۳۸۰ صادرات گاز ایران به ترکیه به‌طور رسمی آغاز شد. میزان گاز ارسالی به ترکیه در سال ۱۳۸۴، به رقم ۱۲/۹ میلیون مترمکعب در روز رسید.[۳] صادرات گاز به نخجوان از طریق سوآپ گاز کماکان ادامه داشت و در سال ۱۳۸۴ بالغ بر ۳۵۰ میلیون مترمکعب در سال بود.

مذاکره برای صادرات گاز به کشورهای عمان، امارات، کویت، پاکستان ـ هند و اروپا

۱. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت، جلسه ۱۱۵۰، ۱۳۷۷/۲/۲۲.

۲.تارنمای شرکت ملی نفت ایران، معرفی شرکت نفت و گاز پارس.

۳. ترازنامه هیدروکربوری، سال ۱۳۸۴.

ـ کشورهای منطقه قفقاز در جریان بود که تا این زمان، تنها مذاکره با امارات به عقد قرارداد کرسنت منجر شد و سایر موارد به نتیجه مشخصی نرسید و موکول به دولت‌های بعدی شد.

سوآپ گاز به نخجوان

در طی درگیری‌های مسلحانه جمهوری آذربایجان با ناحیه خودمختار قره‌باغ در فوریه ۱۹۸۸، دولت آذربایجان برای تأمین سوخت منطقه نخجوان دچار مشکل شد. ایران با نخجوان مرز زمینی داشت و می توانست از طریق خاک ایران گاز را به نخجوان برساند. پس از چند دور مذاکره، مرداد ماه ۱۳۸۳ قرارداد نهایی میان دو کشور قرارداد امضا شد. مدت قرارداد ۲۰ سال و حجم گاز سوآپ با ۷۰ میلیون مترمکعب در سال آغاز می‌شد و به ۳۵۰ میلیون متر مکعب در پایان ۲۰ سال می‌رسید. میزان حق ترانزیت برای ایران نیز روزانه ۲ میلیون مترمکعب در نظر گرفته شد.

ساخت زیرساختهای انتقال گاز در ایران کار سختی نبود. بخشی از خط‌لوله سراسری اول در این مسیر بعد از قطع صادرات گاز به شوروی بدون استفاده مانده بود و فقط با احداث یک خط‌لوله فرعی دولت ایران قادر بود به‌راحتی گاز را در مرز جلفا به نخجوان تحویل دهد. دولت آذربایجان نیز یک ایستگاه اندازه گیری در مرز آستارا ساخت و خط‌لوله‌ای به طول ۵۴۲ کیلومتر در مسیر جلفا به نخجوان احداث کرد. آذر ۱۳۸۴ خط‌لوله به بهره‌برداری رسید و انتقال گاز ایران به نخجوان آغاز شد.

توسعه پالایشگاه خانگیران

با گسترش شبکه گاز خانگی و افزایش تعداد مصرف‌کنندگان، نیاز به توسعه پالایشگاه‌های گازی بیش از گذشته احساس می‌شد. توسعه پالایشگاه خانگیران از راهکارهای مدیران برای تأمین گاز داخلی بود. طرح توسعه پالایشگاه خانگیران در اواخر دوره سازندگی تصویب و در دوره طلایی اجرایی شد. حمدالله محمدنژاد که مدیریت شرکت ملی گاز را بر عهده داشت، در این باره میگوید: «همه سعی ما بر این بود که پالایش را توسعه بدهیم، چون گازی که تولید می شد به استان خراسان و سپس به مازندران می‌آمد و ما می توانستیم از آن استفاده کنیم. حتی از آن طریق ما می توانستیم به استان سمنان هم گاز بدهیم.»[1]

۱. مصاحبه با حمدالله محمدنژاد، پروژه تاریخ نفت، ۱۳۹۴.

بعد از مطالعات اولیه و اطمینان از توان مخزن، شرکت گاز پیشنهاد اضافه شدن ۲ واحد پالایش گاز را به شرکت نفت ارائه داد. کارشناسان شرکت ملی نفت با این استدلال که مخزن از توان مناسبی برخوردار نیست، تنها با یک واحد موافقت کردند، اما با پافشاری شرکت ملی گاز، طرح گسترش پالایشگاه تصویب شد.

حمایت از ساخت داخل و سفارش بخشی از کالاها به سازندگان داخلی همچون ماشین‌سازی اراک، آذرآب و برخی از سازندگان خراسانی از جنبه‌های مهم این طرح بود. منصور دفتریان گفت: «تصمیم گرفتیم با توجه به اینکه غرب با ما همکاری نمی‌کرد خودمان تجهیزات پالایشگاهی را در ایران بسازیم و خودمان را محک بزنیم! یک کنسرسیوم ایتالیایی برنده شده بود که قرارداداش را لغو کردیم. لوازم یدکی و توربین‌ها در داخل ساخته نمی‌شد، ولی تصمیم گرفتیم که همه را در داخل بسازیم. ما فاز دوم پالایشگاه خانگیران را هم‌زمان با فاز ۲ و ۳ پارس جنوبی در سال ۱۳۷۷ شروع کردیم. پالایشگاه ما به دلیل بالا بودن اسید، ابعاد بزرگ‌تر و نقشه پالایشگاه پیچیده تر از پالایشگاه‌های مشابهش در جاهای دیگر بود و همه‌چیز در داخل داشت ساخته می‌شد. بار زیادی بود و من ۱۰ برابر وقتی که در پالایشگاه بودم در اراک بودم توانستم کمک بکنم کارخانه‌های داخلی تجهیزات را بسازند... ما حتی توانستیم زودتر از فاز ۲ و ۳ پارس جنوبی کار را به پایان برسانیم، درحالی‌که هم مهندس مشاورمان و پیمانکاران مان ایرانی بودند و هم تجهیزاتمان را در ایران ساخته بودیم.» البته ساخت بخشی از کالاها در داخل امکان پذیر نبود که به خارج سفارش داده شد.[۱]

سرانجام، توسعه پالایشگاه خانگیران در پایان سال ۱۳۸۰ به پایان رسید و در فروردین ۱۳۸۱ توسط رئیس‌جمهور خاتمی افتتاح شد.

پارس جنوبی

ضرورت شتاب در برداشت از میدان مشترک پارس جنوبی در دهه ۱۳۷۰ بیش از پیش احساس شد. دولت که سرمایه کافی برای توسعه فازهای مختلف این میدان را نداشت به تنظیم قراردادهای بیع متقابل روی آورد. قانون بیع متقابل که به تصویب مجلس رسیده بود، برای گسترش میادین پارس جنوبی و شمالی اجازه سرمایه‌گذاری تا سقف ۳/۵ میلیارد دلار را می داد. شرکت نفت باید هزینه‌ها و سود شرکت‌های سرمایه گذار

۱.حمیدرضا عراقی، بیست سال با گاز، روایت آقای محمدنژاد، ص ۲۴۴.

در توسعه میادین پارس جنوبی و شمالی را طی مدت ۱۰ سال از محل فروش محصولات خود پروژه تأمین می‌کرد. در صورت کاهش تولید یا پایین آمدن قیمت نفت و گاز نیز ایران هیچگونه ضمانتی برای پرداخت هزینه‌ها به شرکت‌های سرمایه گذار نمی داد.[۱]

با آغاز دولت اصلاحات قراردادهای توسعه فازهای مختلف این میدان در قالب بیع متقابل با شرکت‌های بزرگ بین‌المللی و چند شرکت داخلی امضا شد. تا پایان این دوره، فازهای ۱ تا ۵ به بهره‌برداری رسیدند.

فازهای ۲ و ۳

قرارداد توسعه فازهای دوم و سوم پارس جنوبی از نخستین قراردادهایی بود که برای توسعه این میدان مشترک امضا شد. توسعه این فازها از چند منظر اهمیت بسیار دارد. از یکسو، شرکت توتال با امضای این قرارداد در واقع تحریم‌های امریکا علیه صنعت نفت و گاز ایران را نادیده گرفت و ازسوی دیگر، با بهره‌برداری از این فازها، رقابت ایران با قطر در برداشت از پارس جنوبی آغاز شد.

در طرح توسعه فازهای ۲ و ۳ پارس جنوبی، تولید روزانه ۵۶ میلیون مترمکعب گاز ترش از مخزن، ۸۰ هزار بشکه میعانات گازی و ۴۰۰ تن گوگرد پیش‌بینی شده بود. ۶ مهر ۱۳۷۶ قرارداد توسعه این فازها با شرکت‌های توتال (۴۰درصد)، شرکت گازپروم (۳۰ درصد) و شرکت پتروناس (۳۰ درصد) و با ارزش بیش از ۲ میلیارد دلار امضا شد. شرکت توتال ریاست این کنسرسیوم را بر عهده داشت.

چند ساعت پس از انعقاد این قرارداد، دولت آمریکا اعتراض خود را به آن آغاز کرد. بر اساس قانون داماتو که در فصل پیشین درباره‌اش سخن گفتیم، هیچ شرکت خارجی اجازه نداشت بیش از ۲۰ میلیون دلار در ایران سرمایه‌گذاری کند و شرکت توتال با انعقاد این قرارداد به یک سنت‌شکنی بزرگ در سطح بین‌المللی دست زد.[۲] پس از اعتراض امریکا، دولت‌های فرانسه، روسیه و مالزی از شرکت‌های خود در امضای این قرارداد حمایت کردند و دولت آمریکا ناچار به عقب‌نشینی از مواضع خود شد.[۳] شرکت توتال

۱.شیروی عبدالحسین، ابراهیمی نصرالله، «اکتشاف و توسعه میادین از طریق قراردادهای بیع متقابل»، ترجمه مجتبی اصغریان، مجله حقوق بین‌الملل، شماره ۱، پاییز و زمستان ۱۳۸۸، ص ۲۴۸.

۲. مصاحبه با مهندس عدولی، پروژه تاریخ نفت، ۱۳۹۴.

۳. روزنامه ایران، ۱۳ مهر ۱۳۷۶.

نیـز در توجیـه اقداماتـش گفـت: «هیـچ شـرکتی نمیتوانـد بـدون سـرمایه‌گذاری در خاورمیانـه خـود را تقویـت کنـد و از ایـران کـه ده درصـد ذخایـر نفـت و ۲۰ درصـد ذخایـر گاز جهـان را در خـود جـای داده اسـت، به‌هیچ‌وجـه نمیتـوان چشـم پوشـید.»[۱]

شـهریور ۱۳۸۱ کارهـا بـه پایـان رسـید و فازهـای ۲ و ۳ بـا همـکاری متخصصـان و کارشناسـان داخلـی به‌طـور کامـل راه‌انـدازی گردیـد. ۲۶ بهمـن، بـا حضـور رئیس‌جمهـور خاتمـی بهره‌بـرداری رسـمی از ایـن فازهـا آغـاز شـد. سـهم بخـش داخلـی در ایـن فازهـا، حـدود ۳۲ درصـد بـود. از ایـن فازهـا، روزانـه ۵۶/۵ میلیـون مترمکعـب گاز از دو سـکوی سـر چاهـی برداشـت و به‌صـورت سـه‌فازی شـامل گاز، میعانـات گازی و آب به‌وسـیله دو خط‌لولـه زیردریایـی ۳۲ اینچـی از فاصلـه ۱۰۵ کیلومتـری بـه خشـکی منتقـل می‌شـود. روزانـه ۵۳/۳ میلیـون مترمکعـب گاز تصفیه‌شـده توسـط یـک خط‌لولـه ۵۶ اینـچ وارد شـبکه سراسـری و ۸۰ هـزار بشـکه میعانـات گازی پـس از عبـور از دو واحـد تثبیـت میعانـات گازی بـه مخـازن ذخیره‌سـازی بـرای صـادرات ارسـال می‌گـردد.[۲]

فاز ۱

طـرح توسـعه فـاز ۱ پـارس جنوبـی بـرای تولیـد روزانـه ۲۸ میلیـون مترمکعـب گاز تـرش از مخـزن، ۴۰ هـزار بشـکه میعانـات گازی و ۲۰۰ تـن گوگـرد بـرای صـادرات در سـال ۱۳۷۶ موردتوجـه قـرار گرفـت. ۵ بهمـن ۱۳۷۶ قـرارداد طراحـی، نصـب و راه‌انـدازی تأسیسـات دریایـی و خشـکی فـاز ۱ در قالـب قراردادهـای بیـع متقابـل بـا شـرکت ایرانـی پتروپـارس بـا مبلـغ حـدود ۷۸۰ میلیـون دلار امضـا شـد. تقویـت صنایـع داخلـی در اجـرای تمامـی فازهـای پـارس جنوبـی از اهـداف اصلـی دولتمـردان بـود. طبـق اعـلام وزارت نفـت، سـهم پیمانـکاران، مشـاوران و سـازندگان داخلـی در اجـرای ایـن پـروژه ۶۵ درصـد بـود.

تیـر ۱۳۸۲ فـاز اول پـارس جنوبـی بـا همـکاری متخصصـان و کارشناسـان شـرکت ملـی گاز در مـدار تولیـد قـرار گرفـت و در ۲۰ آبـان ۱۳۸۳ توسـط سـیدمحمد خاتمـی، رئیس‌جمهـور، رسـماً بـه بهره‌بـرداری رسـید. بـا بهره‌بـرداری از ایـن فـاز، روزانـه ۲۸/۳ میلیـون مترمکعـب گاز از دو سـکوی سـرچاهی برداشـت می‌شـود. پـس از عملیـات جداسـازی آب همـراه گاز بـر روی سـکو، گاز و میعانـات گازی به‌صـورت دوفـازی به‌وسـیله یـک خط‌لولـه زیردریایـی ۳۲ اینـچ بـه فاصلـه

۱. مشعل، سال سوم، ش ۷۹۵.

۲. توسعه فازهای پارس جنوبی، خبرگزاری شانا، ۱۷ آذر ۱۳۹۳.

۱۰۵ کیلومتر به خشکی منتقل می‌گردد. روزانه ۲۵ میلیون مترمکعب گاز تصفیه‌شده توسط یک خط‌لوله ۵۶ اینچی وارد شبکه سراسری می‌شود. ۴۰ هزار بشکه میعانات گازی نیز پس از عبور از دو واحد تثبیت میعانات گازی برای صادرات وارد مخازن ذخیره‌سازی می‌گردد.[۱]

فازهای ۴ و ۵

قرارداد توسعه فازهای ۴ و ۵ در مرداد ۱۳۷۹ به امضا رسید. کنسرسیومی از شرکت‌های آجیپ[۲] (۶۰ درصد)، پتروپارس (۲۰ درصد) و نیکو (۲۰ درصد) قرارداد توسعه این فازها را برای تولید روزانه ۵۶ میلیون مترمکعب گاز ترش از مخزن، ۸۰ هزار بشکه میعانات گازی و ۴۰۰ تن گوگرد، تولید سالیانه یک میلیون تن اتان (به‌عنوان خوراک پتروشیمی)، تولید سالیانه یک میلیون و پنجاه هزار تن گاز مایع LPG (پروپان و بوتان) برای صادرات بر عهده گرفتند. مبلغ قرارداد ۱ میلیاد و نهصد میلیون دلار بود. طبق قرارداد، هزینه‌های انجام‌شده توسط پیمانکار در این طرح طی یک دوره ۷ تا ۱۰ ساله از محل تولیدات میدان باز پرداخت می‌شد.

قرارگیری شرکت‌های ایرانی در کنار یک شرکت بزرگ بین‌المللی از مزایای مهم این قرارداد بود. بیژن زنگنه، وزیر نفت، گفت: «یک شرکت ایرانی با سرمایه صددرصد ایرانی در کنار شرکت بزرگ آجیپ قرار می گیرد و این اقدام در ارتقای فناوری ایران در بخش گاز و نفت تأثیرگذار خواهد بود.» زنگنه در ادامه سخنانش، فراهم شدن زمینه اشتغال برای بخش قابل توجهی از صنایع داخلی را از دیگر مزایای این قرارداد برشمرد.[۳] سهم شرکت‌ها و سازندگان داخلی در توسعه این فاز، ۴۲ درصد بود.

۲۷ فروردین ۱۳۸۴، فازهای ۴ و ۵ توسط رئیس‌جمهور خاتمی به بهره‌برداری رسیدند. برای بهره‌برداری از این فازها، دو سکوی عملیاتی در هر فاز در دریا ساخته شد. عملیات جداسازی گاز، آب و میعانات گازی در هر سکو به‌صورت کنترل از راه دور انجام و سپس، به‌وسیله دو خط‌لوله زیردریایی ۳۲ اینچی به ساحل منتقل میشد. با بهره‌برداری از این فازها، روزانه ۵۰ میلیون مترمکعب گاز، ۷۷ هزار بشکه میعانات گازی، ۴۰۰ تن گوگود،

۱. توسعه فازهای پارس جنوبی، خبرگزاری شانا، ۱۷ آذر ۱۳۹۳.
۲.شرکت آجیپ یکی از شرکت‌های بالادستی شرکت ایتالیایی انی بود.
۳. مشعل، نیمه دوم مرداد ۱۳۷۹، شماره ۱۸۲، صص ۶-۹.

۲۶۰۰ تن اتان و ۲۰۰۰ تن پروپان و ۱۲۰۰ تن بوتان بر ظرفیت پالایشی کشور افزوده شد. اتان تولیدشده توسط یک خطلوله به پتروشیمی جم منتقل می شود.[۱]

قرارداد کرسنت

کشور امارات یکی از هدف‌های ایران برای صادرات گاز بود. سال ۱۳۷۶ مذاکره با شرکت اماراتی کرسنت آغاز شد و چهار سال ادامه یافت. سال ۱۳۸۰ مذاکره با این شرکت برای فروش روزانه ۹/۵ میلیون مترمکعب گاز میدان سلمان در حال نهایی شدن بود. طبق مذاکرات، ایران قادر بود میزان گاز صادراتی را تا ۱۷ میلیون مترمکعب در سال افزایش دهد.[۲] امضاکنندگان قرارداد، هدف اصلی از این قرارداد را جلوگیری از هدررفت گاز میدان سلمان، گسترش تعامل اقتصادی با امارات با افق وابسته کردن این کشور به گاز ایران و تنوع‌بخشی به سبد درآمد ارزی کشور عنوان می‌کردند.[۳]

سال ۱۳۸۱، بدون اینکه هیچ نهاد نظارتی و یا بازرس ویژه‌ای در کار باشد و اساساً هنوز هیچ حساسیتی بر روی این قرارداد نبود، هیئت‌مدیره برای اطمینان از ایفای تعهدات قرارداد فروش گاز طبیعی با شرکت کرسنت تصمیم گرفت تضمین‌های لازم را دریافت کند. تضمین خرید معادل ۱۵ میلیون دلار گاز در سال به مدت ۱۰ سال ازجمله مواردی بود که در قرارداد گنجانده شده بود. قرار شد در صورتی که شرکت کرسنت به تعهدات خود با شرکت ملی نفت ایران عمل نکند، ولی شرکت ملی نفت ایران قادر به انجام تعهدات خود باشد، شرکت آب و برق شارجه بهای خرید گاز دریافتی را مستقیماً به شرکت ملی نفت ایران بپردازد. میزان و زمان‌بندی تحویل گاز به کرسنت نیز بدین صورت مشخص شده بود: شانزده ماه اول پس از راه اندازی، روزانه ۱۹۸ میلیون فوت مکعب؛ از ماه هفدهم تا پایان سال سوم، روزانه ۳۳۰ میلیون فوت مکعب؛ در سال چهارم، روزانه ۳۵۰ میلیون فوت مکعب؛ در سال پنجم، روزانه ۴۰۰ میلیون فوت مکعب؛ از سال هفتم به بعد، روزانه ۵۰۰ میلیون فوت مکعب.[۴] در همان سال ۱۳۸۱، قرارداد نهایی بین طرفین امضا شد.

---

۱. توسعه فازهای پارس جنوبی، خبرگزاری شانا، ۱۷ آذر ۱۳۹۳.

۲. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت، جلسه ۱۳۳۱، ۱۳۸۱/۲/۳۱.

۳. خبرگزاری ایسنا، روایت زنگنه از کرسنت، ۱ اسفند ۱۳۹۷.

٤. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت جلسه ۱۳۵۲، ۱۳۸۱/۸/۲۱.

پس از پایان دولت اصلاحات، قرارداد کرسنت مورد نقد بسیار قرار گرفت و پس از حدود ۲۰ سال اجرایی نشده است که در جای خود از آن سخن خواهیم گفت.

آماک؛ طرح جمع‌آوری گازهای همراه

واژه «آماک» برگرفته از حروف اول میدان‌های نفتی آب تیمور، منصوری، مارون، اهواز و کوپال است. به هنگام تولید نفت از این میادین، روزانه ۶/۸ میلیون مترمکعب گاز ترش نیز تولید می‌شود. سوزاندن گاز همراه نفت این میادین به‌طور فزاینده‌ای هوای استان خوزستان، به‌ویژه شهرهای مجاور این میدان‌ها را آلوده می‌ساخت. جمع‌آوری این گازها، از یک‌سو از آلودگی محیط‌زیست جلوگیری می‌کرد و ازسوی دیگر، مزایای اقتصادی به همراه داشت.

جمع‌آوری گازهای همراه نفت از دهه ۱۳۴۰ در دستور کار مدیران نفتی قرار گرفت. اوایل دهه ۱۳۵۰ با فشار سازمان ملل متحد، پروژه‌ای برای جمع‌آوری و پالایش گازهای همراهی که در نقاط مختلف خوزستان می‌سوختند، تعریف شد که با وقوع انقلاب و سپس جنگ تحمیلی، پروژه اجرایی نشد.[۱] در اواخر دوران سازندگی جمع‌آوری گازهای همراه بار دیگر وارد مباحث مدیران شد، ولی تا پایان این دوره اقدام مؤثری در این زمینه به عمل نیامد.

در دوره اصلاحات طرح جمع‌آوری گازهای همراه به‌طور جدی در جلسات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت مطرح می‌شد. گفتگوها به تصویب طرحی به نام آماک انجامید. هدف از این طرح، تولید روزانه ۴ میلیون و ۸۰۰ هزار مترمکعب گاز شیرین و ۲۸ هزار بشکه میعانات گازی (NGL) بود. احداث و راه‌اندازی ۸ واحد ایستگاه تقویت فشار، ۸ واحد نم‌زدایی، یک واحد شیرین‌سازی، ۲۸۰ کیلومتر خطوط انتقال گاز و ۹۵ کیلومتر خطوط فشار قوی انتقال نیرو برای انجام طرح در نظر گرفته شد. خرداد ۱۳۷۹ قراردادی برای اجرای طرح آماک با کنسرسیومی از شرکت‌های ایرانی (ایریتک و ایراسکو) امضا شد. واگذاری حداقل ۵۱ درصد از ارزش کل کار به پیمانکاران داخلی از شروط اصلی قرارداد بود.[۲] مدت قرارداد ۹۳ ماه و هزینه اجرای آن ۴۱۰ میلیون دلار تعیین شده بود.[۳]

---

۱. از «الف» تا «ی» طرح آماک، تارنمای اقتصاد انلاین، ۷ اسفند ۱۳۹۵.

۲. نفت و توسعه ۵، ص ۲۵۴.

۳ مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت، جلسه ۱۱۳۴ ، ۱۳۷۶/۱۰/۹ و جلسه ۱۱۸۹ ، ۱۳۷۷/۱۱/۲۷.

طرح آماک که بزرگ‌ترین پروژه زیست‌محیطی صنعت نفت ایران لقب گرفته است، اواخر سال ۱۳۷۹ وارد فاز اجرایی شد. طبق پیش‌بینی‌های اولیه، طرح باید در شهریور ۱۳۸۴ به بهره‌برداری می‌رسید، اما اجرای پروژه به‌کندی پیش می‌رفت. شهریور ۱۳۸۵، محمد بیژن‌فر، مدیر پروژه آماک، پیشرفت طرح را چنین شرح داد: «حدود ۶۰ درصد تأسیسات طرح از یک سال پیش در مرحله تولید قرار گرفته است و تنها سه ایستگاه تقویت فشار گاز ترش و یک ایستگاه تقویت فشار گاز اسیدی به همراه خطوط لوله و انتقال نیروی مربوط در دست تکمیل، آزمایش و راه‌اندازی است. بر این اساس، پیشرفت فیزیکی کل تا پایان تیر ماه سال جاری حدود ۹۸/۷۶ درصد تخمین زده می‌شود. البته تمام فعالیت‌های مهندسی و تأمین کالا پایان یافته و در بخش ساختمان و نصب ۹۸/۸۵ درصد و در راه‌اندازی تأسیسات ۷۵/۱۳ درصد پیشرفت حاصل شده است.» او گفت که تا بهمن ۱۳۸۵ تأسیسات باقیمانده (ایستگاه‌های تقویت فشار مارون ۳، کوپال، آب تیمور و گاز اسیدی) به همراه خطوط لوله و انتقال نیروی آنها به تولید خواهند رسید.[۱]

تا سال ۱۳۸۷، درمجموع هفت ایستگاه تقویت فشار و فاز نخست پالایشگاه شیرین‌سازی وارد مدار شده و به بهره‌برداری رسیدند. سیدمرتضی میرنصیری، رئیس طرح آماک، در سال ۱۳۹۵ گزارشی از روند اجرای این طرح ارائه داد و با اعلام اینکه فاز نخست این طرح به پایان رسیده است، گفت: «از زمانی‌که تولید این پروژه شروع شد، توانستیم طبق طراحی، از سوزاندن ۲۴۰ میلیون فوت مکعب گاز ترش در روز در مناطق نفت‌خیز جنوب جلوگیری کنیم.»[۲]

طرح آماک را می‌توان به‌صورت مستقل مورد پژوهش قرار داد که به چه دلایلی به‌طول انجامید. در ذکر دلایل تأخیر، می‌توان هم به مشکلات سازمانی و هم کمبود سرمایه اشاره کرد که پرداختن به آنها خارج از حوصله این کتاب است.

حفاری

در این دوره، شرکت ملی حفاری نقشی اساسی در کشف و توسعه میادین داشت. کارشناسان این شرکت در تعمیر بسیاری از چاه‌ها نیز فعالیتی خلاقانه از خود نشان دادند. در این دوره، تجهیز و به‌روزرسانی دکل‌های شرکت ملی حفاری توسط کارشناسان

۱خبرگزاری شانا، ۱ شهریور ۱۳۸۵.

۲. خبرگزاری شانا، ۱۶ دی ۱۳۹۴.

داخلی و شرکت‌های داخلی و همچنین چند شرکت خارجی مانند شرکت آلمانی دوئیتگ[1] انجام شد. دوره عملکرد شرکت ملی حفاری بین سال‌های ۱۳۷۵ تا خرداد ۱۳۸۴ در خور توجه است. خاطرنشان می‌سازد در این دوره، چاه‌های توسعه‌ای در مرتبه اول، چاه‌های تعمیری و اکتشافی در مراتب بعدی قرار داشتند.

در دوره زمانی ۱۳۷۵-۱۳۸۴، به‌طور میانگین ۴۶ دستگاه حفاری مورد استفاده قرار گرفت و متراژ حفاری بالغ بر ۲۵۹ هزار متر و تعداد چاه‌های تکمیل‌شده نیز بر حسب گزارش نفت و توسعه، یک هزار و ۱۹۲ حلقه چاه بود. کل چاه‌های حفاری‌شده در دریا ۱۰۹ حلقه چاه بود.[2]

شرکت ملی حفاری از روش پیشرفته حفاری افقی بیشتر از دوره‌های قبل بهره جست و در طول سال‌های ۱۳۷۳ تا ۱۳۸۴، عملیات حفاری تعداد ۴۸۱ حلقه چاه افقی را به‌طور موفقیت‌آمیزی به انجام رساند. برای توسعه حفاری جهت‌دار، با شرکت‌های دارای تجربه و تکنولوژی پیشرفته مذاکراتی انجام و همکاری‌های نزدیکی ایجاد شد. ازجمله، قراردادی با شرکت آنادریل آتلانتیک منعقد شد. طبق این قرارداد، شرکت آنادریل مسئولیت داشت تا ضمن انتقال دانش فنی و تکنولوژی لازم، ۲۰۰ روز در میادین موردنظر مدیریت تولید مناطق خشکی، چاه‌های افقی و جهت‌دار حفاری کند.[3]

در سال ۱۳۸۴، شرکت ملی حفاری درمجموع ۱۵۵ حلقه چاه با متراژ ۳۴۵ هزار متر حفاری کرد. عمده عملیات حفاری (۳۰۵ هزار متر) با اهداف توسعه‌ای و حدود ۱۶ هزار متر با اهداف اکتشافی انجام شد.[4] این امر ناشی از لزوم کشف منابع جدید گازی و نفتی بود. در این سال، شرکت ملی حفاری به‌اندازه‌ای به تجهیزات حفاری پیشرفته مجهز بود که توانایی حفر چاه‌های نفت و گاز تا عمق ۶۰۰۰ متری را داشت. انجام حفاری به روش فرو تعادلی (DBU) در میادین گچساران، بی‌بی حکیمه، پارسی، مارون و کرنج از دیگر فعالیت‌های این شرکت در سال ۱۳۸۴ بود. استفاده از این روش موجب کاهش ضایعات حفاری و جلوگیری از آسیب‌رسانی به سازند می‌شود و ازسوی دیگر، افزایش و بهینه‌سازی تولید نفت و گاز را در پی دارد.[5]

3-KCA Deutag

۲. نفت و توسعه ۵، ص ۲۶۲.

۳. مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی حفاری، جلسه ۱۱۲۵، ۱۳۷۶/۷/۲۹.

٤. ترازنامه هیدروکربوری، ۱۳۸۴.

۵. ترازنامه انرژی، سال ۱۳۸۴.

پالایش

سیاست‌های پالایشی وزارت نفت در این دوره متفاوت از دوره پیشین بود. در این دوره پالایشگاه جدیدی احداث نگردید و برخی از کنشگران بارها به زنگنه اعتراض کردند که چرا اقدامی برای احداث پالایشگاه جدید به عمل نیاورد. در مقابل، متخصصانی هم بودند که احداث پالایشگاه جدید را غیراقتصادی می‌خواندند. با این حال، توسعه پالایشگاه‌های کشور به لحاظ کیفی و انجام تعمیرات اساسی با موفقیت درخور همراه بود. اندیشه احداث پالایشگاه جدیدی که اینک به ستاره خلیج‌فارس موسوم است، در این دوره پدید آمد و تصویب هیئت‌مدیره را به همراه داشت.

فاز دوم پالایشگاه بندرعباس در فروردین ۱۳۷۸ با حضور رئیس‌جمهور و وزیر نفت افتتاح شد. با افتتاح این فاز، پالایشگاه بندرعباس اولین محموله نفت‌خام سنگین را برای تصفیه تحویل گرفت. این محموله به‌وسیله نفتکش ۶۰ هزار تنی شیروان به اسکله شهید رجایی وارد شد و از طریق خط لوله ۲۴ اینچی به طول ۶ کیلومتر به پالایشگاه انتقال یافت.[۱]

در نخستین سال این دوره (۱۳۷۶)، ظرفیت تولید در پالایشگاه‌های اصفهان و بندرعباس افزایش یافت. نفت‌خام ورودی به پالایشگاه‌ها با ۱۰ درصد افزایش به ۱ میلیون و ۲۸۱ بشکه در روز رسید. پالایشگاه‌های آبادان، اصفهان و تهران بیشترین تولید فراورده‌ها را به خود اختصاص دادند.[۲] با افزایش رشد بنزین در کشور، واردات این فراورده نسبت به سال قبل ۵۱ درصد افزایش یافت. قیمت نیز از ۱۳۰ ریال به ۱۶۰ ریال در هر لیتر رسید. در این سال نیز، همچون سال‌های گذشته، عمده فراورده‌های تولیدی در داخل کشور مصرف شد و مازاد آن به صادرات اختصاص یافت. بخش عمده صادرات فراورده‌های نفتی، نفت‌کوره پالایشگاه آبادان بود.[۳]

در سال ۱۳۸۴، با تغییراتی که در پالایشگاه‌ها ایجاد شد و با رفع مشکلات فرایندی و

۱. خبرگزاری شانا، ۱۷ بهمن ۱۳۹۷.
۲. ترازنامه بانک مرکزی، سال ۱۳۷۶.
۳. ترازنامه انرژی، سال ۱۳۷۶.

انجـام تعمیـرات اساسـی، ظرفیـت پالایشـگاه‌های کشـور افزایـش یافـت و بـه ۱ میلیـون و ۶۰۰ هـزار بشـکه نفت‌خـام در روز رسـید. پالایشـگاه اصفهـان بـا پالایـش ۳۷۶ هـزار بشـکه نفت‌خـام در روز بالاتریـن کارکـرد را داشـت و پالایشـگاه کرمانشـاه بـا پالایـش ۲۴ هـزار بشـکه در روز نفت‌خـام در رده آخـر بـود.[۱] قیمـت انـواع فراورده‌هـا نسـبت بـه سـال قبـل، ثابـت مانـد و بهـای بنزیـن موتـور در هـر لیتـر، ۸۰۰ ریـال بـود.[۲] میانگیـن صـادرات فراورده‌هـای نفتـی ۲۴۵ هـزار بشـکه در روز بـود. نفت‌کـوره آبـادان و بندرعبـاس اصلی‌تریـن فراورده‌هـای صادراتـی بودنـد. افزایـش میـزان تولیـد نفت‌کـوره در پالایشـگاه آبـادان ازجملـه مـواردی بـود کـه در ایـن سـال‌ها توجـه مدیـران را بـه خـود جلـب کـرده و بـه دنبـال راهـی بـرای کاهـش آن بودنـد.[۳]

در پایـان ایـن دوره، پالایشـگاه اصفهـان از نظـر تنـوع در تولیـد فراورده‌هـای مختلـف جایـگاه ویـژه‌ای داشـت. حـذف سـرب از بنزیـن موتـور و جایگزینـی MTBE به‌عنـوان عامـل ارتقـای اکتـان بنزیـن موتـور از اقدامـات مهمـی بـود کـه در ایـن دوره بـرای کاهـش آلودگـی هـوا انجـام شـد.[۴]

تولیـد پالایشـگاه‌های نه‌گانـه کشـور پاسـخگوی نیازهـای داخلـی نبـود و پیش‌بینـی می‌شـد کـه درصـورت عـدم تأسـیس پالایشـگاه جدیـد، میـزان واردات همچنـان افزایـش یابـد. اصـلاح سـاختار نفت‌خـام خـوراک پالایشـگاه‌ها، اصـلاح سـاختار کیفـی فراورده‌هـای پالایشـی مطابـق بـا اسـتانداردهای جهانـی، اصـلاح الگـوی پالایشـی در راسـتای افزایـش تولیـد فراورده‌هـای سـبک و کاهـش تولیـد برش‌هـای سـنگین پالایشـی، بهینه‌سـازی مصـرف انـرژی در فرایندهـای پالایشـی، رعایـت معیارهـای زیسـت‌محیطی ازجملـه راهکارهـای مدیـران بـرای حـل ایـن مشـکل بـود.[۵]

مسئولیت اجتماعی

نماینـدگان مجلـس، کنشـگران اجتماعـی و امامـان جمعـه و حتـی گروه‌هـای سیاسـی از دوره سـازندگی بـر واقعیـت دردنـاک عـدم ارتبـاط بیـن صنعـت نفـت و جامعـه پیرامونـی تأکیـد

۱. ترازنامه هیدروکربوری، سال ۱۳۸۴.
۲. ترازنامه بانک مرکزی، سال ۱۳۸۴.
۳. ترازنامه هیدروکربوری، سال ۱۳۸۴.
٤. ترازنامه هیدروکربوری، سال ۱۳۸۴.
٥.ترازنامه هیدروکربوری، سال ۱۳۸۴.

داشتند. در دوره سازندگی اقدامات متفرقه‌ای برای حمایت از مدارس، مراکز بهداشت و درمان، ورزش و تأسیس هنرستان و به‌کارگیری پرسنل از جامعه پیرامونی صورت گرفت. در چند مورد، لوله‌کشی آب، توسعه خطوط برق و حتی خانه‌سازی و جاده‌کشی و احداث راه‌های روستایی مشاهده گردید. درمجموع، دوره سازندگی، تعاملی درخور تحسین بین جهادگران و واحدهای صنعت نفت دیده شد.

اقدامات انجام‌شده در دوره سازندگی در دولت اصلاحات پی گرفته شد. با تغییر ساختار وزارت نفت، بخشی از مسئولیت‌های عنوان‌شده در بالا به واحدها و شرکت‌های تازه‌تأسیس تفویض گردید. به‌طور مثال، شرکت ملی مناطق نفت‌خیز جنوب اقدامات گسترده‌ای در کمک‌رسانی به روستاها در زمینه‌های مختلف آموزشی، بهداشتی، احداث جاده به عمل آورد. اولویت صنعت نفت در این دوره بر احداث مدارس و ترمیم ساختمان‌های آموزشی، کشیدن خطلوله آب، حمایت از ورزشکاران، تأسیس کتابخانه، انتقال آب آشامیدنی با تانکر، حمایت محدود مالی از خانواده‌های کم‌برخوردار متمرکز بود.

با مروری بر اسناد آرشیوی صنعت و بررسی مصوبات شرکت ملی نفت و شرکت‌های تابعه به انبوهی از اقدامات اصلاحی می‌رسیم که ذکر تک‌تک آنها از حوصله این کتاب خارج است. از مواردی که بیش از همه تکرار شده است، ساخت مراکز آموزشی و ترمیم ساختمان‌های مدارس و دبیرستان‌ها در استان‌های خوزستان، بوشهر، کهگیلویه و بویراحمد، خراسان و هرمزگان است.

در کنار آن، لازم است به فعالیت‌های محیط‌زیستی نیز اشاره کرد. در این دوره مطبوعات و کنشگران و سازمان‌های مربوطه انتقادات جدی به صنعت نفت وارد کردند که در مقاطع مختلف، در صحن مجلس مورد بحث و بررسی و انتقاد قرار گرفت. هوای تهران، آبادان، تبریز، شیراز به دلیل افزایش تولید پالایشگاه‌ها به وضعیت بحرانی نزدیک شد. احداث پیاپی واحدهای صنعتی ـ نفتی در ساحل خلیج‌فارس موجب ورود پسماندهای شیمیایی نفتی به دریا گردید که موضوع مقالات و رساله‌های دانشجویی متعددی شد. با مرور این نوشتارها که ازسوی متخصصین جامعه‌شناسی، محیط‌زیست و دانشجویان این رشته‌ها تدوین گردید، به عمق فاجعه پی خواهیم برد. بسیاری از صیادان و واحدهای شیلاتی در گزارش‌های خود به وجود لکه‌های نفتی و آلودگی‌های شیمیایی اشاره داشته‌اند. مدیران ارشد صنعت نفت از اواخر سال‌های ۱۳۸۱-۱۳۸۲ توجه درخوری به این موضوع نشان دادند و با ابلاغیه‌هایی به واحدهای تابعه دستورهای مقتضی را صادر

کردند، اما نتایج آن پس از مطالعه اسناد آرشیوی از نظر نگارنده رضایت‌بخش نبود.

سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲ که با ریاست جمهوری احمدی‌نژاد همراه بود، مسئولیت‌های اجتماعی در قالب پروژه‌های عام‌المنفعه در استان‌های مختلف انجام گرفت. شرکت ملی نفت از اغلب این پروژه‌ها حمایت مالی کرد. فهرست بلندبالایی از این اقدامات در کتاب انقلاب، نفت و توسعه، شماره ۶ درج شده است. با مطالعه ۱۵۴ پروژه ذکرشده که تا سال ۱۳۸۸ استمرار داشت، از کمک‌های مالی زیادی آگاه می‌شویم که به ارگان‌ها، ادارات و پروژه‌ها اختصاص یافت. وضعیت مالی وزارت نفت در این دوره به‌گونه‌ای بود که می‌توانست کمک‌های هنگفتی به پروژه‌های یادشده ارائه کند. احداث باند دوم محور اهواز ـ رامشیر، جاده دوبانده از سه‌راهی گچساران تا پازنان، کمک به تربیت‌بدنی استان بوشهر، کمک به حوزه علمیه خواهران عسلویه، تکمیل پروژه مدرسه ۱۲ کلاسه عسلویه، کمک به دانشگاه پیام‌نور خورموج، کمک به ترمیم گلزار شهدای خورموج، کمک به آب و فاضلاب روستایی استان بوشهر از آن شمار است. کل هزینه اختصاص‌یافته به تمامی پروژه‌ها تا سال ۱۳۸۷ نزدیک به سه هزار میلیارد ریال بود. این کمک‌ها جدا از هزینه‌های مربوط به فیلتراسیون پالایشگاه‌ها و احداث فضای سبز در واحدهای فلات قاره است. در همین دوره، واقعه دردناکی پدید آمد که بر آلودگی هوای تهران و کلان‌شهرها افزود. تولید بنزین در مجتمع‌های پتروشیمیایی در این دوره آغاز شد. به اذعان متخصصان محیط‌زیست، بنزین تولیدی حاوی ذرات سرطان‌زا بود.

سال‌ها بعد، در آغاز دوره سوم وزارت بیژن زنگنه، با انتصاب مشاور اجتماعی وزیر نفت در شهریور ۱۳۹۲، نگاه و فضای مدیریتی تازه‌ای در ساختار مسئولیت اجتماعی وزارت نفت شکل گرفت. پس از این انتصاب، حوزه مشاور اجتماعی وزیر شکل گرفت. مسئولیت اجتماعی که تا پیش از آن توسط شرکت‌های فعال به‌صورت جداگانه انجام می‌شد، ساختار متمرکزی زیر نظر وزارت نفت پیدا کرد. کمک به توسعه اجتماعی همپای توسعه صنعت نفت؛ ترویج مفهوم مسئولیت اجتماعی شرکت (CSR)؛ ارزیابی تأثیرات اجتماعی پروژه‌های صنعتی و تلاش برای پیوند محیط اجتماعی، محیط‌زیست و محیط صنعتی[1] از مهم‌ترین اهداف شکل‌گیری این حوزه بود. از اواخر سال ۱۳۹۷، با اوج گرفتن تحریم‌ها و کاهش شدید صادرات نفت، اقدامات وزارت نفت در زمینه مسئولیت‌های اجتماعی کاهش یافت.

۱. تارنمای امور مسئولیت اجتماعی صنعت نفت.

کلام آخر

سرانجام این دوران به پایان رسید و کلام آخر را زنگنه خود به رشته تحریر درآورد:[۱]

بسم الله الرحمن الرحیم

رب ادخلنی مدخل صدق و اخرجنی مخرج صدق و اجعل لی من لدنک سلطانا نصیرا

همکاران ارجمند!

دو دوره ریاست جمهوری آقای خاتمی به پایان رسید و به اقتضای ضرورت، چرخ قدرت و جابه‌جایی مدیران در نظام مردم‌سالار، مجموعه‌ای جدید، مسئولیت‌ها را در قوه اجرایی کشور بر عهده می‌گیرند که برای ایشان از خداوند دانا و توانا توفیق مسئلت می‌کنم. هشت سال گذشته، چنانکه خود شاهد بودید برای صنعت نفت ایران با فرازوفرودها و تلخی و شیرینی‌های فراوان همراه بود، لیکن امروزه همه سرافرازیم که آنچه را در نیمه سال ۱۳۷۶، به‌عنوان محصول زحمات و تلاش‌های فداکارانه همکارانمان تحویل گرفتیم، به نحوی شایسته و درخور، به مدیریت جدید تحویل می‌دهیم. آنچه در این سال‌ها به لطف و کرم الهی «اندیشه و عشق»، « تدبیر و توکل»، «تقوی و نظم»، «ابتکار و خلاقیت» و «همت و سخت کوشی» در خانواده بزرگ نفت به انجام رسید، جهشی بزرگ به‌سوی سربلندی صنعت نفت و ایران عزیز بود که آثار مادی و فیزیکی آن در هیچ بخشی قابل انکار و چشم‌پوشی نیست؛ گرچه هیچ عمل انسان به دور از نقص و اشکال نبوده و عملکرد هشت سال گذشته مدیریت نفت از این اصل مبری نیست، لیکن نقص و تکامل دو روی سکه وجودی انسان و رفتار انسانی است و امید آنکه نیکویی‌های گذشته پاس داشته شده و بر آن افزوده شود و با شناخت نقص‌ها به‌سوی تکامل حرکت و بنیادهای جدید نیکو بر این پایه بنا شود. موفقیت مجموعه نفت در این دوران، صرفاً به‌خاطر کارهای انجام‌شده نیست، که این بخشی کوچک از کارهایی است که بایستی انجام شود، بلکه به‌خاطر آن است که راه‌هایی جدید به‌سوی اهداف بزرگ‌تر گشوده شد، اهدافی که قطعاً آیندگان می‌توانند و باید با استفاده از تجارب به‌دست‌آمده و زمینه‌های مهیاشده به آنها دست یابند. هیچ کار ماندگاری جز با عشق و فداکاری شکل

۱. مشعل ۲۹۸، شهریور ۱۳۸۴، ص ۲.

نمی‌گیرد و پایدار نمی‌شود. وظیفه خود می‌دانم از نقش فداکارانه مدیران و کارآفرینان و همه کارکنان صنعت نفت در سطوح مختلف و نیز پیمانکارانی که به عشق اهداف متعالی سربلندی ایران و جمهوری اسلامی از جوانی، خانواده و تعلقات دنیوی خود چشم پوشیدند و با کمترین مطالبات، زندگی خود را وقف خدمت کردند، یادکنم و در مقابل عظمت ایشان سر تعظیم فرود آورم.

امید آنکه، مردانی بزرگ که با فداکاری، حماسه‌های کارآفرینی، تولید و خدمت را در هشت سال اخیر آفریده‌اند در فرازونشیب‌های سیاسی و پیچ‌وخم‌های اداری فراموش نشوند و خدماتشان کوچک شمرده نشود. قطعاً بزرگداشت این مجموعه، شکرگزاری به درگاه خداوند پاک نیز خواهد بود. همچنین بر خود واجب می‌دانم که از همه همکاران شریف و مدیرانی که طی این مدت با افترا و تهمت‌های ناروا به صنعت نفت، مورد آزار و اذیت قرار گرفتند و به‌ویژه خانواده‌های محترم آنان پوزش بطلبم، گرچه بعید است این عذرخواهی بتواند از بار فشارهای ناروای بر آنان بکاهد و این شکایتی است که باید به خدا برد. بابت قصورها، تقصیرها و تلخی‌های خود در انجام وظایف نیز از همه همکاران محترم پوزش می‌طلبم و از آنان صمیمانه تقاضا می‌کنم که مرا عفو فرمایند. لازم می‌دانم که از حمایت‌های دولت و مجلس و به‌ویژه شخص جناب آقای خاتمی نیز در این دوران صمیمانه قدردانی و تشکر کنم.

همکاران گرامی!

مفتخرم که به‌عنوان فرزند یکی از کارکنان قدیمی صنعت نفت، در کنار شما و یاری خداوند توانا توانستیم لیاقت‌ها و توانمندی‌های درونی این خانواده عظیم را به اثبات برسانیم. اینک آینده، پیش روی و در دستان توانمند شماست و شما به هر روی، از جمله خالقان آینده صنعت نفت کشورتان هستید. این صنعت سرفراز و مجموعه پرافتخار را به شما و شما را به خدا می‌سپارم.

خدایا!

آنچه ما انجام دادیم برای کسب رضا و اعتلای نام تو و سرافرازی ایران و جمهوری اسلامی بود. به لطف و کرم بیکران خود، اعمال ما را بپذیر و در آنچه نیز کوتاهی داشته‌ایم بر ما ببخشای.

رب انزلنی منزلا مبارکا و انت خیر المنزلین

والسلام – بیژن نامدار زنگنه

۱۳۸۴/۵/۲

کارنامه نفتی دولت اصلاحات

رئیس‌جمهور خاتمی برای تقدیم بودجه سال ۱۳۸۴ در بیستم دی ماه ۱۳۸۳ به مجلس رفت. او گزارشی نسبتاً مشروح از تحولات اقتصادی ـ اجتماعی دوره هشت ساله ریاست جمهوری خود ارائه کرد: «دولت اینجانب با باور به اینکه چندگانگی نرخ ارز منشأ فساد و رانت‌جویی در اقتصاد است، به‌رغم مشکلات و فشارهای فراوان، یکسان‌سازی نرخ ارز را به مرحله اجرا درآورد. به‌گونه‌ای که هم‌اکنون شاهد اثربخشی این تصمیم صحیح بر اقتصاد کشور هستیم... این دولت به‌رغم آنکه برای حضور در قدرت، وعده‌های رفاهی و اقتصادی نداد، اما در عمل بیشترین موفقیت را در این عرصه داشته است، واقعیتی که مورد قبول مراکز و صاحب‌نظران علمی و اقتصادی در سطح ملی و بین‌المللی است... اگرچه امروز این دستاوردها تحت تاثیر رقابت‌های روزمره سیاسی به‌خوبی نمایان نمی‌شود و یا به گونه‌های مختلف مورد غفلت و تعرض قرار می‌گیرد، اما آیندگان خواهند توانست فارغ از این گونه داوری‌ها و تبلیغات به ارزیابی آن‌ها بنشینند.»

خاتمی همچنین از درآمد ناشی از فروش نفت و مصرف صحیح آن سخن گفت: «ابتدا باور و برنامه من این بود که درآمد ناشی از فروش نفت را درآمدی برای اجرای هزینه‌های جاری دولت ندانیم. لازم است این درآمد را که سرمایه ملی است، صرف سرمایه‌گذاری مولد کنیم. در سال‌های نخست فقط حدود پنجاه درصد درآمد منابع سرمایه‌ای دولت صرف سرمایه‌گذاری می‌شد، اما با اتخاذ تصمیم داوطبانه دولت برای ایجاد حساب ذخیره ارزی و مصرف آن صرفاً برای سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و دولتی، در حال حاضر حدود ۷۰ درصد این منابع صرف سرمایه‌گذاری می‌شود. سمت‌وسوی برنامه چهارم این است که تا پایان این برنامه این رقم به صددرصد برسد.»

سپس، به دستاوردهای دولت خود اشاره کرد و اهم آنها را برشمرد: «برخی از شاخص‌های عمده در حوزه اقتصاد [که تحول عمیقی به حساب می‌آید] عبارت است از: رشد صادرات غیرنفتی، به فرجام رسیدن پروژه پارس جنوبی، ثبات نرخ ارز، مهار نرخ تورم در حد ۱۳ تا ۱۴ درصد، کاهش نرخ بیکاری کمتر از ۱۱ درصد، رشد سرمایه‌گذاری به میزان ۱۱ درصد، رشد اقتصادی به میزان ۶ درصد، خودکفایی در تولید گندم.»

خاتمی در ادامه صحبت‌هایش به لزوم محرومیت‌زدایی از جامعه چنین اشاره کرد:

«من با صراحت می‌گویم که دولت به عمق و سطح فقر و محرومیت جامعه وقوف دارد و وضعیت دردناک بخش‌های مستضعف جامعه را می‌بیند، اما معتقد است که حل بنیادی این مسایل تنها از طریق نگرش‌های نو و همه جانبه، سیاست‌های کارآمد و کارشناسانه و برنامه‌های عملی و به دور از تبلیغات میسر است.... تحول اقتصادی و توسعه ملی، مقوله‌هایی فراتر از دستورهای رسمی است، تحقق آن‌ها به دانش و تجربه و به زیرساخت‌ها و راهکارهای مناسب نیاز دارد. ما با اتکای صرف به نفت و هزینه کردن روزمره درآمدهای نفتی ولو برای نیازها و خواسته‌های عاجل اقتصادی، نه می‌توانیم فقر و محرومیت را به صورت بنیادی ریشه کن کنیم و نه در مسیر عدالت و رفع تبعیض گام برداریم و نه به تحرک‌های توسعه‌ای دست یابیم»[1]

خاتمی در سخنان خود به نکته بسیار مهمی اشاره کرد که همانا ایجاد حساب ذخیره ارزی بود. ایجاد این حساب از اقدامات خردمندانه دولت اصلاحات بود. پیشنهاد اولیه از جانب دولت مطرح شد و سران نظام با آن موافقت کردند.

هنگامی که سیدمحمد خاتمی دولت را تحویل گرفت، قیمت متوسط هر بشکه نفت‌خام ۱۶ دلار بود. پس از افت تاریخی نفت در سال‌های ۱۳۷۷-۱۳۷۸، اواسط سال ۱۳۷۹ قیمت نفت به ۲۹ دلار در هر بشکه رسید کارشناسان اقتصادی آگاه بودند که اگر درآمد ناشی از افزایش قیمت نفت بی‌محابا و با درهای باز به جامعه تزریق شود، تورم افسارگسیخته را در پی خواهد داشت. هنگامی‌که قیمت نفت به مرز ۲۰ دلار رسید و چشم‌انداز قیمت‌ها مرز ۳۰ دلار را نشان می‌داد، این نگرانی در میان دولتمردان پیدا شد که با درآمد افزایش‌یافته چه کنند؟ اقتصاد کشور توانایی جذب و هضم این مقدار پول را نداشت و تزریق بی‌محابای آن می‌توانست مشکلات بسیاری پدید آورد.

دولتمردان پس از رایزنی‌های متعدد و استفاده از تجربه کشورهای دیگر، تشکیل صندوق ذخیره ارزی را راه‌حلی خردمندانه یافتند. قرار بر این شد که درآمدهای افزون بر قانون بودجه را در حسابی ذخیره کنند تا هم از ورود بی‌محابای آن به اقتصاد کشور جلوگیری شود و هم برای روز مبادا نقطه امید و اتکا باشد. علاوه بر این، با درایت و آگاهی و به‌تدریج صرف اقدامات زیربنایی اقتصادی شود. ایجاد ثبات در میزان درآمدهای ارزی و ریالی که از صادرات نفت‌خام به دست می‌آمد و تبدیل دارایی حاصل از فروش آن به انواع دیگر ذخایر و سرمایه‌گذاری بخش غیردولتی و فراهم کردن امکان تحقق

۱. مذاکرات مجلس شورای اسلامی، ۲۰ دی ۱۳۸۳.

فعالیت‌های پیش‌بینی‌شده در برنامه از اهداف تشکیل این حساب بود. در واقع، این حساب ایجاد شد تا اقتصاد داخلی را از نوسانات قیمت نفت مصون نگه دارد. سال ۱۳۷۹ که قیمت نفت به ۲۹ دلار رسید، لایحه ایجاد حساب ذخیره ارزی ازسوی دولت به مجلس تقدیم شد و در مهر ۱۳۷۹ به تصویب رسید. آیین‌نامه اجرایی این حساب در آبان همان سال از تصویب هیئت‌دولت گذشت.

طبق ماده ۶۰ اصلاحی قانون برنامه سوم توسعه، هیئتی متشکل از رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، وزیر امور اقتصاد و دارایی، رئیس کل بانک مرکزی و ۴ نماینده به انتخاب رئیس‌جمهور، به‌عنوان هیئت‌امنای حساب ذخیره ارزی انتخاب شدند. نظارت بر عملکرد صندوق و اتخاذ تصمیم در مورد بهره‌برداری از این حساب در مواقع ضروری از وظایف این هیئت بود.

مانده دارایی‌های حساب ارزی در پایان سال ۱۳۸۸ بیش از ۱۳ میلیارد دلار بود. خاتمی طی یک سخنرانی راجع به این حساب صحبت کرد و گفت: «وقتی حساب ذخیره ارزی به وجود آمد، همه دوستان می‌دانند که من چقدر روی خرج کردن از این حساب حساسیت داشتم و مراقب بودم که حساب ذخیره از مسیر خود خارج نشود و به خصوص در عرصه‌های جاری هزینه نگردد.»[1]

سیدمحمد خاتمی روز یازدهم مرداد ۱۳۸۴ در آخرین روز کاری دولت خود به مجلس رفت و گزارش پیشرفت‌های این دوره را بر اساس برنامه سوم توسعه ارائه کرد. رئیس‌جمهور با اشاره به بودجه و وضع مالی دولت گفت: «دریافتی‌های دولت در برنامه سوم، سالانه ۲۸/۲ درصد رشد داشته است که بخش عمده آن از طریق دریافتی‌های ناشی از فروش نفت تأمین شده است. به‌رغم شتاب مناسب سالانه ۱۸/۱ درصدی درآمدهای مالیاتی در طول برنامه سوم، این بخش به دلیل رشد بالای درآمدهای نفتی نتوانست سهمی بیش از ۲۶/۳ درصد در ترکیب درآمدهای دولت به دست آورد.»

خاتمی تحولات عمده‌ای که در بخش‌های مختلف ازجمله صنعت نفت و صنایع وابسته رخ داد را چنین برشمرد: «بخش‌های عمده طرح عسلویه و پالایشگاه پارس جنوبی، تحقق ۱۵۰ درصدی هدف برنامه در جهت اکتشاف نفت و گاز، برخورداری ۴ هزار و ۶۰۵ خانوار از گاز طبیعی در طول برنامه.»[2]

۱.تارنمای دنیای اقتصاد، ۱۷ شهریور ۱۳۹۴.

۲. مذاکرات مجلس شورای اسلامی، ۱۱ مرداد ۱۳۸۴.

چنانکه خاتمی اشاره کرد، در این دوره قراردادهای متعددی برای بهره‌برداری از فازهای میدان مشترک پارس جنوبی منعقد شد و برخی از آنها به ثمر رسید. در پایان دولت اصلاحات توسعه پارس جنوبی ۳۰ درصد تحقق یافته بود. به گزارش سیدمهدی حسینی، قائم‌مقام مدیرعامل شرکت ملی نفت، آخرین وضعیت فازهای پارس جنوبی بدین صورت بود: «فازهای ۱ تا ۵ به بهره‌برداری رسیده است. فازهای ۶ و۷ و ۸ حدود ۶۲ درصد پیشرفت و فازهای ۹ و۱۰ حدود ۱۵ درصد پیشرفت داشته‌اند. همچنین، قرارداد اولیه فازهای ۱۱ و ۱۳ امضا و مذاکره برای توسعه فاز ۱۲ نهایی شده است. مذاکرات فاز ۱۴هم با شتابی معقول در حال انجام است.» هم‌زمان، فازهای ۱۵ و ۱۶ و ۱۷ و ۱۸ در مراحل نهایی انتخاب پیمانکار بودند و قرار بود مناقصه فازهای ۱۹ و ۲۰ برگزار گردد.[۱]

۱. خبرگزاری شانا، ۲۷ فروردین ۱۳۸۴.

دوران طلایی به روایت آمار

تولید نفت خام کشورهای عضو اوپک (۱۹۹۷-۲۰۰۱ م)

گزارش بانک مرکزی بر پایه نشریه آماری «بی پی» سال ۲۰۰۲ میزان تولید نفت خام اعضای سازمان اوپک را از سال ۱۳۷۶ - ۱۳۸۰ (۱۹۹۷ تا ۲۰۰۱) به شرح زیر اعلام کرده: در جدول زیر به منظور رعایت اختصار تنها تولیدات ۳ کشورهای ایران، عربستان و عراق ذکر شده است.

(هزار بشکه در روز)

	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹	۲۰۰۰	۲۰۰۱
عربستان	۹/۲۱۳	۹/۲۱۹	۸/۵۴۹	۹/۱۱۵	۸/۷۶۸
ایران	۳/۷۲۶	۳/۸۰۳	۳/۵۵۲	۳/۷۷۲	۳/۶۸۸
عراق	۱/۲۰۱	۲/۱۶۲	۲/۵۸۱	۲/۶۲۴	۲/۴۱۴
جمع کل اوپک	**۲۹/۵۵۳**	**۳۰/۸۲۱**	**۲۹/۳۶۸**	**۳۰/۹۰۱**	**۳۰/۱۸۱**

صادرات نفت ایران طی سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۰

(هزار بشکه در روز)

	۱۳۷۶	۷۷	۷۸	۷۹	۱۳۸۰
نفت خام	۲/۳۴۲	۲/۳۰۰	۲/۰۷۹	۲/۳۴۵	۲/۲۰۸
فراورده‌های نفتی	۲۲۲	۱۱۳	۱۹۷	۱۸۱	۲۱۸
جمع کل	**۲/۵۶۴**	**۲/۴۱۳**	**۲/۲۷۶**	**۲/۵۲۶**	**۲/۴۲۶**

تولید گاز طبیعی

جدول زیر وضعیت گاز طبیعی را در سال‌های اول دوران طلایی نمایان می‌سازد. بر پایه این جدول که اطلاعات آن سال‌های ۷۶ تا ۷۹ را در بر می‌گیرد، مجموع تولید گاز طبیعی کشور در سال ۷۶ بالغ بر ۶۹ میلیارد مترمکعب بوده است. این رقم در سال ۷۹ به ۸۳ میلیارد متر مکعب رسید ولی هنوز تا رقم‌هایی که میدان گازی پارس جنوبی و تأسیسات عظیم عسلویه نوید بخش آن است، فاصله بسیار دارد.

جدول زیر همچنین نشان از آن دارد که کشور تا این زمان هیچگونه امکانی برای صادرات گاز نداشته است. این در شرایطی است که بخشی از گاز مصرفی استان‌های شمال و شمال شرقی کشور از طریق گاز وارداتی از ترکمنستان تأمین می‌شود.

به‌علاوه جدول زیر نشان می‌دهد که هنوز گاز، تبدیل به سبد اصلی سوخت خانوارها نشده بوده است.

(میلیارد متر مکعب)

	۱۳۷۶	۱۳۷۷	۱۳۷۸	۱۳۷۹
مصرف داخلی	۴۷/۶	۵۱/۵	۵۸/۷	۶۸/۲
سوزانده شده	۱۱/۵	۱۱/۱	۱۳/۵	۱۳/۸
صادرات	۰	۰	۰	۰
مصارف محلی و ضایعات	۱۰/۴	۹/۹	۷/۸	۶/۶
کل تولید	**۶۹/۵**	**۷۲/۵**	**۸۰**	**۸۸/۶**

* ترازنامه بانک مرکزی، سال ۱۳۷۹

نفت خام، خوراک پالایشگاه‌ها

جدول زیر گویای آن است که در دوره طلایی تعداد ۹ پالایشگاه موجود کشور با حداکثر ظرفیت به تولید محصولات و فراورده‌های نفتی اختصاص داشتند. در میان این پالایشگاه‌ها، پالایشگاه آبادان همچنان رتبه نخست را دارا بود.

(هزار بشکه در روز)

پالایشگاه	۱۳۷۶	۱۳۷۷	۱۳۷۸	۱۳۷۹
آبادان	۳۴۹	۳۴۰	۳۱۲	۳۱۰
اصفهان	۳۱۲	۲۸۰	۲۸۰	۲۵۳
بندرعباس	۸۶	۲۲۰	۲۲۰	۲۲۰
تهران	۲۰۷	۲۰۰	۲۱۰	۲۰۰
اراک	۱۵۱	۱۵۴	۱۵۰	۱۵۰
تبریز	۹۵	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
شیراز	۳۸	۴۴	۴۰	۴۰
کرمانشاه	۱۹	۲۴	۲۳	۲۲
لاوان	۲۴	۲۷	۲۵	۲۱
جمع کل	۱/۲۸۱	۱/۳۸۹	۱/۳۶۰	۱/۳۱۶

* ترازنامه بانک مرکزی، سال ۱۳۷۹

قیمت فراورده‌های نفتی طی سال‌های ۷۶ تا ۸۰

(قیمت بنزین، نفت سفید و نفت گاز: ریال/ لیتر؛ قیمت گاز طبیعی: ریال مترمکعب)

سال	بنزین	نفت سفید	نفت گاز	گاز طبیعی
۱۳۷۶	۱۶۰	۴۰	۴۰	۳۰
۱۳۷۷	۲۰۰	۶۰	۶۰	۳۶
۱۳۷۸	۳۵۰	۱۰۰	۱۰۰	۴۳/۲
۱۳۷۹	۳۸۵	۱۱۰	۱۱۰	۴۵/۷
۱۳۸۰	۴۵۰	۱۲۰	۱۲۰	۴۹/۱

❋ ترازنامه انرژی، وزارت نیرو، سال ۱۳۹۲، ص ۱۱۴.

قراردادهای بیع متقابل نفت و گاز در سال ۷۶ تا ۸۴ [۱]

نام طرح	تولید نهایی (میلیون متر مکعب در روز گاز- هزار بشکه میعانات)	تاریخ عقد قرارداد	شرکت طرف قرارداد	پیشرفت فیزیکی تا پایان سال ۸۳
پارس جنوبی فاز ۱	۲۵م م م رگاز - ۴۰ هزار بشکه میعانات	بهمن ۷۶	پتروپارس	۱۰۰
پارس جنوبی فازهای ۲و۳	۵۰م م م رگاز - ۸۰ هزار بشکه میعانات	مهر ۷۶	توتال- گازپروم- پتروناس	۱۰۰
پارس جنوبی فازهای ۴و۵	۵۰م م م رگاز - ۸۰ هزار بشکه میعانات یک میلیون و ۵۰ هزار تن گاز مایع در سال	مرداد۷۹	انی – پتروپارس -نیکو	۹۷/۳
پارس جنوبی فازهای ۶ و۷و ۸	۸۰م م م رگاز ترش - ۱۲۰ هزار بشکه میعانات یک میلیون و ۲۰۰ هزار تن گاز مایع در سال	مرداد۷۹	پتروپارس	۷۱/۳
پارس جنوبی فاز۹و۱۰ (فاینانس خودگردان)	۵۰م م م رگاز - ۸۰ هزار بشکه میعانات ۱۰۵۰ هزار تن گاز مایع در سال	شهریور ۸۱	LG –اویک- IOEC	۱۸/۵۲
طرح بیع متقابل گازرسانی	جایگزینی ۲۰ میلیارد مترمکعب گاز در سال با فراورده‌های مایع(نفت سفید)	مهر ۷۷	شرکت ملی گاز ایران- شرکت نیکو	۱۰۰

۱. نفت و توسعه ۵ ، روابط عمومی وزارت نفت، صص ۲۳۲ و ۲۳۳ .

نام طرح	تولید نهایی (میلیون متر مکعب در روز گاز- هزار بشکه میعانات)	تاریخ عقد قرارداد	شرکت طرف قرارداد	پیشرفت فیزیکی تا پایان سال ۸۳
گاز و گاز مایع ۱۲۰۰ و ۱۳۰۰	۴۲ هزار بشکه در روز میعانات گازی	بهمن ۷۷	شرکت مهندسی و ساختمان نفت	۱۰۰
درود	۲۲۰ هزار بشکه در روز نفت خام (بازیافت ۹۰) تولید قبلی ۱۴۸ هزار بشکه	اسفند ۷۷	توتال- آجیپ	۹۰/۴
بلال	۴۰ هزار بشکه نفت خام	فروردین ۷۸	توتال - بوولی	۱۰۰
سروش نوروز	۱۰۰ هزار بشکه نفت خام ۹۰هزار بشکه نفت خام	آبان ۷۸	شـل- مهندسی و ساختمان نفت	۹۷/۵
نصرت فرزام	(۵ تولید قبلی) یک میلیون و ۶۵۰ هزار بشکه نفت خام	تیر ۷۹	پتروایران	نصرت ۱۰۰
سلمان	۱۳۰ هزار بشکه در روز نفت خام- ۱۲ م م م رگاز سبک- ۶/۵ هزار بشکه میعانات (تولید قبل از ۹۰ هزار بشکه در روز)	مهر ۷۹	پتروایران	۷۴/۹
دارخوین	فاز اول ۵۰ هزار بشکه نفت خام فاز دوم ۱۶۰ هزار بشکه نفت خام	تیر۸۰	انی - نیکو	۴۸
فروزان اسفندیار	(تولید قبل ۴۰ هزار بشکه) ۱۰۹ هزار بشکه نفت خام	اردیبهشت ۸۱	پتروایران	۴۸
مسجد سلیمان	۲۴/۷ هزار بشکه نفت خام (تولید قبل ۴/۷ هزار بشکه)	خرداد ۸۱	نفتگران/CNPC	۱۱/۵

نام طرح	تولید نهایی (میلیون متر مکعب در روز گاز- هزار بشکه میعانات)	تاریخ عقد قرارداد	شرکت طرف قرارداد	پیشرفت فیزیکی تا پایان سال ۸۳
آزادگان	۲۶۰ هزار بشکه نفت خام	اسفند ۸۲	INPEX ژاپن- نیکو	۳/۱
آماک	۲۸ هزار بشکه میعانات گازی ۲/۸ م م م ر گاز	اردیبهشت ۷۹	ایریتک	۹۸/۸
طرح بیع متقابل دوم گازرسانی	۲۴ میلیارد متر مکعب گاز در سال جایگزین فراورده‌مایع	تیر ۸۱	شرکت ملی گاز ایران-نیکو	۶۳
رگ سفید	۲۲۰ هزار بشکه نفت خام (تولید قبل ۱۸۰ هزار بشکه)	اسفند ۸۳	OIED	-
اهواز-بنگستان	۲۲۰ هزار بشکه نفت خام (تولید قبل ۱۵۸هزار بشکه)	اسفند ۸۳	پتروایران	-
لایه نفتی پارس جنوبی	فاز اول ۳۵ هزار بشکه نفت خام فاز دوم ۵۴ هزار بشکه نفت خام	اسفند ۸۳	پترو ایران- ول سرویسزایران	-
پارس جنوبی فاز ۱۲	۵۶ م م م ر گاز ترش- ۲۵م م م ر گاز شیرین- ۱۱۰ هزار بشکه میعانات – ۵۳۵ هزار تن در سال گاز مایع	تیر ۸۴	پتروپارس	-
پارس جنوبی فازهای ۱۷ و ۱۸	۵۰م م م ر گاز شیرین – ۷۵ هزار بشکه میعانات – ۱۰۵۰ هزار تن گاز مایع و یک میلیون تن اتان در سال	خرداد ۸۴	پتروپارس – اویک – تأسیسات دریایی	-
احداث پالایشگاه گاز بیدبلند ۲(فاینانس)	۵۷ م م م ر گاز شیرین – ۲۴ هزار بشکه میعانات گازی – ۱۵۰۰ هزار تن در سال LPG – ۱۴۸۰ هزار تن در سال اتان	تیر ۸۴	تأسیسات پالایشگاه کنسرسیوم کاستین/ دراگادوس سازه و جهان پارس - کنسرسیوم تهران جنوب و CBI	-

برای ۲۴ پروژه بیع متقابل برشمرده در جدول بالا در مجموع ۴۸ میلیارد و ۲۲۸ میلیون دلار تعهد ارزی برای شرکت ملی نفت ایران ایجاد شد که تا پایان خرداد ۱۳۸۴ بالغ بر ۶ میلیارد دلار آن به شرکت‌های طرف قرارداد پرداخت شد.

حجم گاز مورد نیاز به منظور تزریق به میدان‌های نفتی طی دوره ۱۳۸۳ تا ۱۴۰۰

(روزانه میلیون مترمکعب)

نام شرکت	۱۳۸۳	۱۳۸۴	۱۳۸۸	۱۳۹۳	۱۴۰۰
مارون	۲۹/۷	۳۱/۲	۴۵/۳	۵۳/۵	۴۷/۹
مسجد سلیمان	۰/۹	۲/۲	۲/۳	۴/۵	۴/۴
گچساران	۳۳/۷	۳۳/۱	۴۷/۵	۵۵/۶	۵۰/۹
کارون	–	–	–	۳۱/۴	۳۲/۸
آغاجاری	۴۵/۵	۴۶	۱۲۵/۳	۱۲۴/۶	۱۰۷/۶
اروندان	–	–	–	۲۹/۲	۲۳/۴
مرکزی	–	–	۴/۴	۵	۳/۸
فلات قاره	–	۱/۴	۳/۴	۶/۴	۶/۱
جمع کل	**۱۰۹/۸**	**۱۱۳/۹**	**۲۲۸/۲**	**۳۱۰/۲**	**۲۷۶/۹**

منشأ گاز تزریقی	۱۳۸۳	۱۳۸۴	۱۳۸۸	۱۳۹۳	۱۴۰۰
پارس جنوبی	۴/۳	۴/۳	۱۳۷	۱۸۳/۳	۱۶۴/۶
آغار/ دالان	۳۷	۳۷/۳	۳۶	۳۴/۳	۳۱/۵
گازهای گنبدی و همراه	۶۸/۵	۷۲/۴	۵۵/۳	۹۲/۵	۸۰/۹
حجم کل گاز تزریقی	**۱۰۹/۸**	**۱۱۴**	**۲۲۸/۳**	**۳۱۰/۱**	**۲۷۷**

برنامه توسعه شرکت ملی نفت ایران در افق ۱۳۸۴ - ۱۴۰۴

عنوان	واحد	۱۳۸۴	۱۳۸۸	۱۳۹۳	۱۳۹۸	۱۴۰۳
اکتشاف نفت و گاز به جز دریای خزر	میلیون بشکه	۵۰۰	۵۰۰	۵۰۰	۴۰۰	۳۰۰
	میلیارد متر مکعب	۱۲۰	۱۲۰	۱۴۱	۱۷۳	۲۱۰
اکتشاف نفت و گاز دریای خزر	میلیون بشکه	۰	۲۰۰	۲۰۰	۱۵۰	۱۰۰
	میلیارد متر مکعب	۰	۲۰	۲۰	۲۰	۲۰
متوسط تولید نفت خام	هزار بشکه در روز	۴۰۲۱	۴۳۷۹	۵۳۱۶	۵۰۸۵	۴۲۳۳
نفت خام خوراک پالایشگاه‌ها	هزار بشکه در روز	۱۵۹۸	۱۶۲۰	۲۴۸۲	۲۵۲۴	۲۶۸۲
صادرات نفت خام(مستقیم – بیع متقابل)	هزار بشکه در روز	۲۴۲۴	۲۷۵۹	۲۸۳۳	۲۵۶۱	۱۵۵۱
تولید گاز طبیعی غنی قابل مصرف*	میلیون متر مکعب در روز	۴۳۵/۷	۷۱۹	۱۵۰۹	۱۷۵۳/۷	۱۸۲۰
تولید گاز طبیعی سبک قابل مصرف**	میلیون متر مکعب در روز	۳۵۵/۳	۶۳۷	۱۳۶۴/۷	۱۵۹۶/۶	۱۶۶۲/۱
تزریق گازطبیعی	میلیون متر مکعب در روز	۷۷/۳	۱۷۷/۵	۲۷۰/۶	۲۶۴/۶	۲۳۸/۲
تزریق آب	هزار بشکه در روز	۲۷۰/۸۹	۶۵۰	۶۵۰	۶۵۰	۶۵۰
صادرات گاز با خط لوله	میلیون متر مکعب در روز	۱۲/۹	۱۰۰/۴	۱۹۰/۳	۳۲۰/۸	۳۰۳/۶
صادرات Lng	میلیون متر مکعب در روز	۰	۰	۱۸۸	۱۸۸	۱۸۸
جمع صادرات گاز طبیعی	میلیون متر مکعب در روز	۱۲/۹	۱۰۰/۴	۳۷۸/۳	۴۹۰/۸	۴۹۱/۶
تولید میعانات گازی	هزار بشکه در روز	۲۱۴/۷	۵۳۰/۵	۱۱۹۵/۹	۱۲۳۴/۸	۱۱۸۸/۹
تولید مایعات گازی	هزار بشکه در روز	۱۱۵/۳	۱۷۶/۹	۲۸۰/۵	۲۶۳/۵	۲۱۹/۵
تولید نفتا	هزار بشکه در روز	۲۳/۴	۸۱/۱	۱۱۱/۱	۱۲۵/۳	۱۳۵/۵
تولید Lng	میلیون تن در سال	۰	۰	۳۵/۷	۳۵/۷	۳۵/۷
تولید Lpg	میلیون تن در سال	۰	۷/۴	۱۵/۲	۱۶/۴	۱۶/۷

***با کسر گازهای سوزانده شده**

****با در نظر گرفتن گاز تحویلی به تأسیسات LNG از پارس جنوبی به صورت سبک**

منبع : برنامه‌ریزی تلفیقی شرکت ملی نفت ایران، اسفند ۱۳۸۵

طرح‌های توسعه افزایش ظرفیت نفت خام

نام میدان	ظرفیت (هزار بشکه در روز)	زمان دستیابی	سرمایه گذاری (بیع متقابل) (میلیون دلار)
کرنج[۱]	۳۰۰	از سال چهارم	۱/۰۴۴
میدان خشت (زاگرس جنوبی)[۲]	۳۰	از سال دوم	۱۹۲
رگ سفید[۳]	۲۵۰	از سال چهارم	۱/۰۱۳
رشادت[۴]	۵۰	-	۶۱۲
پارسی[۵]	۱۵۰	از سال چهارم	۵۹۸
اهواز – بنگستان [۶]	۲۳۰	از سال هشتم	۱/۷۷۲
جمع افزایش ظرفیت	**۱/۰۰۰/۰۰۰**	**جمع**	**۱/۴۰۵/۸۲۹**

پیوست فصل هفتم



مراسم تودیع آقازاده و خوشامدگویی به مهندس زنگنه (شهریور ۱۳۷۶)



وزیر نفت در اجلاس اوپک (۱۹۹۸م/ ۱۳۷۷ش)



وزیر نفت به همراه کارشناسان در اجلاس اوپک(۱۹۹۹م/ ۱۳۷۸ش)



پالایشگاه اصفهان (۱۳۷۶ ش)



پالایشگاه بندر عباس (۱۳۷۶ ش)



پالایشگاه تهران (۱۳۷۶ ش)



پالایشگاه تبریز (۱۳۷۷ ش)



تأسیس شرکت گاز استان فارس (اسفند ۱۳۷۷ ش)



بازدید خاتمی و وزیر نفت از سکوی بهره‌برداری فروزان خلیج فارس (اسفند ۷۸)



مجتمع پتروشیمی بندر امام (۱۳۸۰ ش)



اسکله شرکت ترخیص کالا در ماهشهر (۱۳۸۰ ش)



افتتاح تزریق گاز کوپال (مرداد ۱۳۸۱)



پالایشگاه گاز سرخون بندر عباس (مهر ۱۳۸۱)



پتروشیمی و اسکله عسلویه (۱۳۸۱ ش)



پالایشگاه بیدبلند (۱۳۸۲ ش)



پالایشگاه گورزین قشم (۱۳۸۳ش)



پالایشگاه فاز یک پارس جنوبی عسلویه (۱۳۸۳ش)

فصل هشتم

دوران ثروت (۱۳۹۲-۱۳۸۴)

از فروردین ۱۳۸۴ فضای پرنشاط انتخابات ریاست‌جمهوری سراسر ایران را فراگرفت. محمود احمدی‌نژاد که از سال ۱۳۸۲ شهردار تهران بود، قدم به مبارزات انتخاباتی گذاشت. سخنرانی‌های جنجالی او شور و شوق تازه‌ای در فضای سیاسی کشور ایجاد کرد. مواضع هر یک از کاندیداها بخش‌هایی از جامعه را هدف قرار داده بود، اما سخنان او رنگ‌وبوی دیگری داشت. مبارزه با فساد و اشرافیت و حمایت از توده‌های مردم او را از دیگران جلو انداخت. کلام ساده و لباس بی‌آلایش در کنار ستاد انتخاباتی جوان و پرشور برای بسیاری از اقشار مردم و مطبوعات داخلی و خارجی جذاب بود. او شعارها و وعده‌های انتخاباتی بسیاری داشت، اما شعار مبارزه با مافیای نفت و آوردن پول نفت بر سر سفره مردم همچون پتکی سنگین بر محافل سیاسی داخلی فرود آمد. انتخابات در ۲۷ خرداد انجام شد و هیچ‌یک از کاندیداها نتوانستند به اکثریت آرا دست یابند. بر اساس قانون، دو کاندیدای اول، به ترتیب علی‌اکبر هاشمی رفسنجانی با ۶/۱۶ میلیون رأی و محمود احمدی‌نژاد با ۵،۷ میلیون رأی به دور دوم راه یافتند. سوم تیرماه مرحله دوم انتخابات برگزار شد و محمود احمدی‌نژاد توانست با کسب ۶۱/۸۲ درصد آراء بر رقیب خود پیشی گیرد. هاشمی رفسنجانی تنها توانست ۳۵/۹۳ درصد از آرا را کسب کند.

رأی اعتماد به چهار وزیر نفت

در ایـن دوره، مجلـس و دولـت بـر سـر وزارت نفـت بارهـا تعامـل و چالـش داشـتند. جـدا از نقطـه نظـرات نماینـدگان مجلـس، محمـود احمدی‌نـژاد در مقـام رئیس‌جمهـور، بـه هـر دلیـل نتوانسـت یـک وزیـر را بـرای هشـت سـال بـر صندلـی وزارت نفـت بنشـاند. سـه کاندیـدای نخسـت یـا رأی نیاوردنـد یـا کنـار کشـیدند. چهـار وزیـر و دو سرپرسـت در ایـن دوره هشـت سـاله صنعـت نفـت را اداره کردنـد.

سیدکاظم وزیری هامانه

محمـود احمدی‌نـژاد پـس از گفتگـو بـا مشـاوران خـود در مـرداد ۱۳۸۴ فهرسـت وزرای پیشـنهادی را بـه ریاسـت مجلـس شـورای اسـلامی تقدیـم کـرد و کابینـه خـود را «دولـت مهـرورزی» نامیـد. بررسـی صلاحیـت وزرا از ۳۰ مـرداد آغـاز شـد و علـی سـعیدلو، وزیـر پیشـنهادی نفـت، نتوانسـت رأی اعتمـاد مجلـس هفتـم را کسـب کنـد. علـی عسـکری، نماینـده مجلـس، ازجملـه مخالفـان او بـود کـه دلیـل مخالفـت خـود را عـدم آشـنایی و تجربـه سـعیدلو در زمینـه نفـت و گاز و پتروشـیمی اعـلام کـرد. او گفـت: «ایشـان حتـی یـک روز بـا وزارت نفـت در مسـائل مربـوط بـه نفـت و گاز و پتروشـیمی کار نکـرده و در ایـن ارتبـاط بـه لحـاظ اجرایـی از تجربـه برخـوردار نیسـتند.» هم‌زمـان، کنشـگران جنـوب در راهروهـای مجلـس بـا ارائـه اطلاعـات فنـی و تخصصـی بـه نماینـدگان، نسـبت بـه کاندیداهایـی کـه بـا صنعـت نفـت آشـنا نبودنـد هشـدار می‌دادنـد. در پایـان جلسـه، علـی سـعیدلو بـا کسـب ۱۳۳ رأی مخالـف در روز ۲ شـهریور از رفتـن بـه سـاختمان وزارت نفـت بـاز مانـد.[۱]

صـادق محصولـی گزینـه بعـدی بـود کـه بـا اطـلاع از مواضـع نماینـدگان مجلـس، نامـه انصـراف خـود را بـرای ریاسـت مجلـس شـوای اسـلامی ارسـال کـرد. محسـن تسـلطی کاندیـدای سـوم احمدی‌نـژاد بـرای تصـدی وزارت نفـت در خیابـان طالقانـی بـود. او هـم نتوانسـت اعتمـاد نماینـدگان مجلـس را کسـب کنـد. رئیس‌جمهـور، بـه ناچـار، سـیدکاظم وزیـری هامانـه را به‌طـور موقـت بـه سرپرسـتی وزارت نفـت منصـوب کـرد.

رئیس‌جمهـور احمدی‌نـژاد روز ۲۰ آذر ۱۳۸۴ در مجلـس حضـور یافـت و دربـاره وزیـر پیشـنهادی نفـت، وزیـری هامانـه، سـخن گفـت و خصوصیـات او را چنیـن برشـمرد: «ایشـان از

۱. مذاکرات مجلس شورای اسلامی، دوره هفتم، ۲ شهریور ۱۳۸۴.

نیروهـای دلسـوز، مؤمـن و فـداکار وزارت نفـت هسـتند... بیـش از سـه مـاه اسـت کـه در دولـت جدیـد وزارتخانـه را به‌خوبـی اداره می‌کننـد. گرچـه تـا ده دوازده روز قبـل ایـن مسـئولیت را نپذیرفتـه بودنـد و بزرگـواری کردنـد بعـد از طـی مراحـل سـه‌گانه، ایشـان پذیرفتنـد کـه در خدمتشـان باشـیم. بـه مجلـس محتـرم معرفـی کنیـم تـا مجلـس محتـرم ایشـان را بـرای تصـدی وزارت نفـت مـورد بررسـی قـرار دهنـد... ایشـان از مؤسسـین انجمـن اسـلامی نفـت هسـتند و از کسـانی کـه در دوره انقـلاب و پیـش از آن در صحنه‌هـای مهـم نفـت حضـوری تعیین‌کننـده و ارزشـمند داشـتند.»[1]

سـپس، موافقـان و مخالفـان نظـرات خـود را ابـراز کردند. رشـید جلالـی جعفری، نماینـده کرج، به‌عنـوان اولیـن مخالـف صحبـت کـرد. او از وزیـری هامانـه پرسـید درحالی‌کـه رئیس‌جمهـور محتـرم بارهـا بـه مافیـای نفـت اشـاره کـرده اسـت، شـما چـرا از حضـور مافیـای نفـت اظهـار بی‌اطلاعـی کرده‌ایـد؟ همچنیـن، دربـاره قراردادهـای بیـع متقابـل، تولیـد گاز، تزریـق گاز بـه چاه‌هـای نفـت و ادعاهـای واهـی شـرکت‌های خارجـی درمـورد ظرفیـت تولیـد سـخن گفـت.

سـپس، الیـاس نـادران در موافقـت بـا وزیـری هامانـه بـه پشـت تریبـون رفـت. او گفـت: «آنچـه مـرا بـه موافقـت بـا جنـاب آقـای وزیـری هامانـه به‌عنـوان وزیـر پیشـنهادی واداشـت، مجموعـه شـرایط موجـود در نفـت از یک‌طـرف، و صلاحیت‌هـای فـردی جنـاب آقـای وزیـری هامانـه از طـرف دیگـر بـود.»

نـادران در ادامـه سـخنانش گفـت: «چـه کنیـم کـه نفـت تافتـه جدابافتـه نباشـد؟ چـه کنیـم کـه نهادهـای مختلـف حکومتـی در نظـام مردم‌سـالار نقـش خـود را به‌درسـتی ایفـا کننـد؟ چـه کنیـم کـه وزیـر نفـت در حیطـه اختیـارات قانونـی خـود رفتـار کنـد و خـود را نسـبت بـه تصمیمـات پاسـخ‌گو بدانـد و به‌جـای برقـراری موازنـه مثبـت در نهادهـای مختلـف قـدرت و تـلاش در خریـدن رأی افـراد بـرای پیشـبرد اهـداف سیاسـی خـاص، تـوان خـود را بـه کار گیـرد تـا سیاسـت‌های نفتـی نظـام را عملیاتـی کنـد... در خصـوص سـامان بخشـیدن بـه نفـت، [وزیـر پیشـنهادی] دو راهـکار اساسـی ارائـه کرده‌انـد. احیـای بازرسـی‌ها و نظارت‌هـای قانونـی و درنتیجـه شفاف‌سـازی جریانـات مالـی و مدیریتـی نفـت بـرای مراجـع مختلـف نظـام، ازجملـه مجلـس شـورای اسـلامی و اصـلاح اساسـنامه و تجدیدنظـر در اختیـارات هیئت‌مدیـره و مدیرعامـل و اصـلاح سـاختار نفـت بـا نقشـی کـه هـر یـک از اجـزای حکومـت بایـد داشـته باشـد. نتیجـه ایـن دو اقـدام قانونمنـد کـردن فراینـد تصمیمـات نفـت اسـت. در ارتبـاط بـا قراردادهـای بیـع

۱. مذاکرات مجلس شورای اسلامی، دوره هفتم، ۲۰ آذر ۱۳۸۴.

متقابـل در صنایـع بالادسـتی و خسـارتی کـه برداشـت‌های غیرصیانتـی بـه مخـازن وارد کـرده و اینکـه بایـد حداکثـر تـلاش صـورت گیـرد تـا صنعـت نفـت بومـی شـود و از ظرفیت‌هـای فنـی ـ مهندسـی داخلـی حداکثـر بهره‌بـرداری صـورت گیـرد نیـز هم‌نظـری کاملـی وجـود داشـت.»

الیـاس نـادران به‌گونـه‌ای سـخن گفـت کـه گویـا وزیـری هامانـه نسـبت بـه دغدغه‌هـای نماینـدگان مجلـس درخصـوص مقابلـه بـا ریخت‌وپاش‌هـا، حل‌وفصـل قراردادهـای بیـع متقابـل، افزایـش حجـم سـاخت داخـل و واگـذاری کارهـا بـه شـرکت‌های ایرانـی بـا آنهـا توافـق ضمنـی داشـته اسـت.

سـپس، نـادران بـه برنامه‌هـای وزیـری هامانـه اشـاره کـرد و گفـت: «اولویـت در برداشـت از مخـازن مشـترک، توجـه بـه مصـرف داخلـی نفـت، اصـلاح الگـوی پالایشـی پالایشـگاه‌ها، احـداث پالایشـگاه‌های تبدیـل میعانـات گازی در سـه سـال آتـی و تأمیـن نیـاز داخلـی بـه فراورده‌هـای نفتـی از برنامه‌هایـی اسـت کـه آقـای وزیـر نسـبت بـه آنهـا اهتمـام ویـژه‌ای از خـود نشـان داده اسـت. در فـروش نفـت و مدیریـت حقوقـی بخشـیدن بـه سـازمان فـروش نفـت و حداکثـر اسـتفاده از ظرفیت‌هـای فنـی و حقوقـی در اسـتیفای حقـوق ملـت ایـران، جریان‌شناسـی داخلـی نفـت، اولویت‌بندی‌هـا، راهکارهـای عملـی بـرای اصـلاح مدیریـت نفـت و حسـن اعتمـاد بـه مدیـران سـالم بخـش نفـت فـارغ از گرایش‌هـای سیاسـی آنـان به‌جـای سـهمیه‌بندی احـزاب و جرایانـات سیاسـی و غیرسیاسـی کـردن مدیریـت نفـت نیـز نقطه‌نظـرات مفیـدی از آقـای وزیـر هامانـه شـنیدیم. بنـده بـا توجـه بـه شـناخت مختصـری کـه از بافـت نفـت، جریانـات سیاسـی و مدیریت‌هـای داخلـی و بیرونـی نفـت و نـوع نظریه‌پردازی‌هـا دارم، سـؤالات بعضـاً بسـیار جزئـی از ایشـان کـردم و پاسـخ‌های ایشـان حکایـت از تسلطشـان، سـلامت فکـری، روشـن‌بینی و اسـتواری در تصمیـم و جهت‌گیری‌هـای اصولگرایانـه ایشـان داشـت و بنـده متقاعـد شـدم ایشـان ظرفیـت تحـول در نفـت کـه به‌حـق از شـعارهای اساسـی بـرادر ارجمندمـان دکتـر احمدی‌نـژاد اسـت را دارد.»

نفیسـه فیاض‌بخـش دیگـر نماینـده‌ای بـود کـه در موافقـت وزیـر پیشـنهادی سـخن گفـت: «تقـوا و تعهـد و خلـوص و اطاعـت از رهبـری خصوصیاتـی اسـت کـه تمـام بسـتگان و آشـنایان آن را تأییـد می‌کننـد. ایشـان سـی و دو سـال پیـش کار خـود را به‌عنـوان کارمنـد عـادی در صنعـت نفـت آغـاز نمـود. و به‌تدریـج نازل‌تریـن مرحلـه تـا عالی‌تریـن سـطوح مسـئولیت را در طـول بیسـت و هفـت سـال پـس از انقـلاب تجربـه نمـود و هیـچ حـوزه نفتـی نیسـت کـه ایشـان کوتاه‌مـدت یـا طولانـی تجربـه ننمـوده باشـند... ازجملـه مـوارد عدالـت رفتـاری درمـورد

ایشـان، مـدت طولانـی حضـور در بخش‌هـای مختلـف وزارت نفـت اسـت کـه در طـول ایـن مـدت گزینـش و انتخـاب بیـش از ده‌هـا پرسـنل و کارمنـد از نظـر ایشـان گذشـته، ولـی تجربـه عملـی نشـان داده و تمـام نزدیکانشـان شـهادت می‌دهنـد کـه هیـچ سـهمی در اشـتغال، اسـتخدام و به‌کارگیـری نیـرو بـرای خانـواده و بسـتگان و آشـنایان خـود در ایـن بخـش بسـیار پرجاذبـه دولتـی قائـل نشـده‌اند.»

سـپس، محمدعلـی مقنیـان به‌عنـوان نماینـده مخالـف پشـت تریبـون رفـت. او دربـاره ادعـای وزیـری هامانـه کـه هیـچ قـرارداد نفتـی را امضـا نکـرده اسـت، زبـان بـه انتقـاد گشـود: «متأسـفانه ادعاهـای آقـای وزیـری هامانـه نادرسـت بـوده و ایشـان نمی‌توانـد از زیربـار مسـئولیت بگریـزد. زیـرا در مسـیر انعقـاد هـر قـراردادی سـازمان‌های متعـددی نظیـر مدیریت‌هـای فنـی، اداری، مالـی و حقوقـی فعالیـت می‌کننـد کـه همگـی تصمیم‌گیرنـده و مسـئول هسـتند... بایـد از ایشـان سـؤال کـرد کـه مگـر آقـای زنگنـه، وزیـر نفـت وقـت، به‌جـای امـور بین‌الملـل از شـما خواسـته بـود کـه قـراردادی را امضـا کنیـد و شـما زیربـار نرفتـه‌ای کـه ادعـا می‌کنیـد زیـر هیـچ قـراردادی را امضـا نکرده‌ایـد؟ کسـانی کـه بـا مقـررات و سـازماندهی وزارت نفـت آشـنا هسـتند می‌داننـد کـه همـه اقدامـات و پژوهش‌هـا نیازمنـد تأییـد و تصویـب دو مرجـع اداری هسـتند کـه عبارتنـد مدیریـت برنامه‌ریـزی تلفیقـی و هیئت‌مدیـره شـرکت ملـی نفـت... تاریـخ انعقـاد برخـی از قراردادهـای دوران مسـئولیت آقـای هامانـه را بـه شـرح زیـر بـه اسـتحضار شـما همـکاران می‌رسـانم: قـرارداد سـیری در تیـر ۱۳۷۴، قـرارداد درود در اسـفند ۱۳۷۷، قـرارداد بـلال در فروردیـن ۱۳۷۸، قـرارداد سـروش و نـوروز در آبـان ۱۳۷۸، قـرارداد نصـرت و فـرزام در تیـر ۱۳۷۹، همـه نماینـدگان محتـرم از میلیاردهـا دلار خسـارت‌های بـر ایـن میادیـن و عـدم تحقـق برنامه‌هـای تولیـدی ایـن میادیـن آگاه هسـتند. در میـدان سـیری هیـچ‌گاه تولیـد محقـق نشـده و متأسـفانه گازهـای همـراه سـوزانده می‌شـوند. پیش‌بینـی می‌شـود تزریـق آب در میـدان درود عامـل تولیـد غیرصیانتـی و هـرزروی میلیاردهـا دلار نفـت گـردد. توقـف تولیـد و هـرزروی ذخایـر نفتـی در میادیـن سـروش و نـوروز طـی هفته‌هـای اخیـر بحث‌هـای فـراوان درکشـور برانگیخـت. طبـق مندرجـات صفحـه دوم برنامـه جنـاب آقـای وزیـری هامانـه، مسـئولیت‌های وی در ایـن دوره عبـارت بوده‌انـد از: سـال‌های ۱۳۷۶ لغایـت ۱۳۷۷ مدیـر برنامه‌ریـزی تلفیقـی و عضـو هیئت‌مدیـره شـرکت ملـی نفـت. همچنیـن، ۱۳۷۶ لغایـت ۱۳۷۹ قائم‌مقـام مدیرعامـل شـرکت ملـی نفـت کـه در ایـن مـدت وزیـر نفـت به‌جـای مدیرعامـل شـرکت ملـی نفـت عمـل می‌کـرده اسـت. لـذا، آقـای هامانـه عمـلاً مسـئول شـرکت ملـی نفـت بوده‌انـد... بنابرایـن، کلیـه

قراردادهای بیع متقابل در جلسات هیئت‌مدیره مطرح و تصمیم‌گیری و پس از تأیید، برای امضا و اجرا ابلاغ می‌شود. ایشان طی این پنج سال عضو دائم هیئت‌مدیره بوده‌اند.»

پس از سخنان موافقان و مخالفان، سیدکاظم وزیری هامانه به دفاع از خود و برنامه‌هایش پرداخت. ابتدا، سوابق و خدمات خود را شرح داد و در ادامه از برنامه‌های خود در بخش اکتشاف، تولید، گاز، بهینه‌سازی مصرف انرژی، پتروشیمی، احداث پالایشگاه میعانات گازی، بهره‌برداری از نفت و گاز میادین مشترک، رد شایعه لیست چهارصدنفره، حمایت از پژوهش و تحول ساختار نفت سخن گفت. در یکی از فرازهای مهم سخنانش بحثی درگرفت که نشان از مباحث و گفتگوهای پشت‌پرده داشت که کم‌کم به سایت‌ها، روزنامه‌ها و راهروهای مجلس راه یافت. در آن زمان، شایعه‌ای درباره کنار گذاشتن چهارصد مدیر در صنعت نفت مطرح شده بود که گویا رئیس‌جمهور با گزینه‌های موردنظر برای وزارت نفت در میان گذاشته بود. وزیری هامانه در مجلس گفت: «شایعه لیست چهارصد نفره در صنعت نفت را تکذیب می‌کنم. برای پذیرفتن مسئولیت هیچ شرطی برای بنده گذاشته نشده، نه در دولت، نه در مجلس و در هیچ جای دیگر. بنده این مطلب را مجدداً تکذیب می‌کنم.»

او در بخش دیگری از دفاعیات خود به ارتقای کیفیت فرایند پالایشگاه‌ها و توسعه دو پالایشگاه و احداث پالایشگاه میعانات گازی در بندرعباس تأکید ورزید و هزینه ساخت آنان را معادل یک سال واردات بنزین ارزیابی کرد.

در واقع، اظهار بی‌اطلاعی وزیری هامانه در مصاحبه‌های پیش از رأی اعتماد در مجلس و پس از آن از وجود مافیای نفت، حکایت از بنیاد فکری او داشت. او اعتقاد داشت در صنعت نفت ایران به‌اندازه کافی مدیر متعهد و شایسته وجود دارد که بر اساس شایستگی و توانمندی‌شان به کار گرفته شوند و بتوانند مسائل تخصصی نفت را حل کنند.

در فرازهای دیگری از دفاعیه‌اش، بر سرمایه‌گذاری در صنعت نفت تأکید ورزید و گفت: «تاکنون سرمایه‌گذاری زیادی در این صنعت انجام شده که بیشتر از منابع خارجی تأمین می‌شده و به همین دلیل مدیریت مالی تاکنون در اختیار ایران نبوده و صنایع ما با بی‌مهری روبه‌رو بوده است.» او با تأکید بر لزوم به‌دست‌گرفتن مدیریت مالی در پروژه‌های صنعت نفت کشور گفت: «این امر مهم تنها با کمک نمایندگان امکان‌پذیر است و استفاده از حساب ذخیره ارزی برای سرمایه‌گذاری در صنعت نفت، می‌تواند

احیاکننـده صنایـع کشـور باشـد.»[۱]

نماینـدگان مجلـس شـورای اسـلامی در پایـان جلسـه بـه رأی‌گیـری پرداختنـد. تعـداد آرای ریخته‌شـده بـه گلـدان ۲۵۹ رأی بـود و شـمار آرای موافـق ۱۷۲، آرای مخالـف ۵۳ و آرای ممتنـع ۳۴ رأی بـود.

نخستین اقدامات وزیری هامانه

وزیـری هامانـه پـس از نشسـتن بـر کرسـی وزارت نفـت، به‌تدریـج اسـتراتژی خـود را بـه اجـرا در آورد و هم‌زمـان، مدیـران جدیـد را منصـوب کـرد و آرامش‌بخشـی بـه سـازمان صنعـت نفـت را مـد نظـر قـرار داد. اسـتراتژی او افزایـش ضریـب بازیافـت، توسـعه ظرفیـت پالایشـگاهی، قـدرت بخشـیدن بـه مناطـق نفت‌خیـز جنـوب، واگـذاری پروژه‌هـای بـزرگ بـه شـرکت‌های داخلـی، تـوازن بخشـیدن بـه سـازمان اداری صنعـت نفـت و شفاف‌سـازی در عملکـرد مالـی شـرکت‌های تابعـه بـود. این‌همـه را خـود بـا صـرف وقـت بـر روی تک‌تـک شـرکت‌ها بـه منصـه ظهـور رسـاند. هم‌زمـان، از قیل‌وقـال و هیاهـو کـه در آن‌سـوی سـاختمان وزارت نفـت جریـان داشـت، خـود را برکنـار نگـه داشـت. درحالی‌کـه رسـانه‌ها، تریبون‌هـا، کنشـگران سیاسـی و حتـی رئیس‌جمهـور احمدی‌نـژاد از مافیـای نفتـی، کرسـنت، اشـرافیت رانت‌خـوار و پـروژه اسـتات اویـل و رشـوه‌های نفتـی سـخن می‌گفتنـد، وزیـری هامانـه بـا آرامـش پرمعنـا بـه کار خـود ادامـه مـی‌داد. او، غلامحسـین نـوذری را در جایـگاه مدیرعامـل شـرکت ملـی نفـت و محمدرضـا نعمـت‌زاده را بـرای شـرکت ملـی پالایـش و پخـش برگزیـد.

تجربیـات وزیـری ماهانـه در راهبـرد صنعـت نفـت مفیـد بـه نظـر می‌رسـید. به‌ویـژه آنکـه افزایـش تولیـد و ضریـب بازیافـت از نگرانی‌هـای تاریخـی مدیـران نفـت بـود. توجـه او به اکتشـاف، نشـان‌دهنده توجـه بـه مهم‌تریـن بخـش صنعـت نفـت بـود. او در دوران کوتـاه وزارتـش تـلاش کـرد تـا اکتشـاف را در شـرکت نفـت ارتقـا دهـد و بـا شـناختی کـه از سـند چشـم‌انداز بیسـت سـاله نفـت و قانـون برنامـه چهـارم توسـعه داشـت، «نبـود تـوازن تولیـد بـا مصـرف فراورده‌هـا در داخـل کشـور» را مهم‌تریـن چالـش کاری نفـت در بخـش پایین‌دسـتی برشـمرد و ایـن جریـان را بـا حکـم انتصـاب مدیرعامـل شـرکت ملـی پالایـش و پخـش نمایـان کـرد. از همیـن رو، وزیـری هامانـه در حکـم صـادره بـرای محمدرضـا نعمـت‌زاده، بـر توسـعه و ارتقـای ظرفیـت پالایشـگاه‌ها

۱. مذاکرات مجلس شورای اسلامی، دوره هفتم، ۲۰ آذر ۱۳۸۴.

و ساخت پالایشگاه‌های جدید تأکید کرد.[۱]

در شش ماهه اول دولت جدید، یعنی از شهریور تا اسفند ۱۳۸۴، چند تصمیم مهم اتخاذ شد که خط‌مشی صنعت نفت را مشخص می‌کرد: واگذاری فازهای ۱۵ و ۱۶ پارس جنوبی در سوم اسفند ۱۳۸۴ به قرارگاه خاتم‌الانبیا و بازگشایی صندوق ذخیره ارزی به میزان ۸۵ درصد قرارداد در چارچوب اعطای وام به این قرارگاه.[۲] این تصمیم بیانگر بازگشت دولت از تعاملات جهانی به فعالیتی درون‌زا بود. این رویکرد با واگذاری فازهای ۱۷ و ۱۸ به کنسرسیومی از شرکت‌های داخلی شامل مهندسی و ساختمان صنایع نفت (اویک) با سهم ۳۱ درصد، مهندسی و ساخت تأسیسات دریایی با سهم ۲۱ درصد و سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران با سهم ۴۸ درصد[۳] خود را نمایان ساخت. بر اساس این تصمیمات، پیش‌بینی کاهش روابط با شرکت‌های بزرگ نفتی چندان دور از ذهن نبود.

پایان وزیری هامانه، آغاز نوذری

وزیری هامانه با اختلاف دیدگاه‌هایی که با رئیس دولت داشت، نتوانست به کار خود ادامه دهد. ۲۲ مرداد ۱۳۸۶ از کابینه خداحافظی کرد و غلامحسین نوذری، مدیرعامل شرکت ملی نفت، در گامی بلند به جایگاه وزارت آمد. وزیری هامانه درباره علت خروج خود از وزارت نفت سخنان قابل توجهی بیان کرد. او در مصاحبه با نشریه عصر انرژی درباره وضعیت صنعت نفت در دوران احمدی‌نژاد چنین گفت: «بنده در جلسه تودیع و خداحافظی از وزارت نفت اشاره کردم که آنچه در این دو سال دریافته‌ام این است که می‌خواهند نفت را شخم بزنند و اگر نفت شخم زده شود، کشور قطعاً با بحران روبه‌رو خواهد شد... چون بنده زیربار تغییرات مدیریتی غیرتخصصی و غیرکارشناسی نرفتم، کنار گذاشته شدم.»

غلامحسین نوذری در حکمی ازسوی رئیس‌جمهور به‌عنوان سرپرست وزارت نفت منصوب شد. ۲۳ آبان ۱۳۸۶ محمود احمدی‌نژاد برای بار چندم به مجلس رفت و این بار از نمایندگان مجلس خواست به وزیر پیشنهادی، غلامحسین نوذری، رأی اعتماد دهند. پس از سخنان احمدی‌نژاد، نمایندگان موافق و مخالف به پشت تریبون رفتند. احمد

۱ . مشعل، شماره ۳۰۸ ، نیمه اول بهمن، ۱۳۸۴، ص ۳.

۲ . مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت، جلسه ۱۵۱۵ ،۱۳۸۴/۱۲/۳.

۳ . مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت، جلسه ۱۵۱۸، ۱۳۸۴/۱۲/۱۲.

ناطـق نـوری به‌عنـوان موافـق از گذشـته مهنـدس نـوذری، تعهـد، پاکدسـتی و خدمـات پـرارزش او در مجلـس چهـارم سـخن گفـت. موافـق بعـدی، حسـینعلی قاسـم‌زاده بـود کـه پـس از شـرح جایـگاه صنعـت نفـت در اقتصـاد ایـران و لـزوم برنامه‌ریـزی، از سـوابق نـوذری دفـاع کـرد.

نماینـده دیگـری کـه پشـت تریبـون رفـت، علـی معلمی‌پـور بـود کـه در مقـام مخالـف سـخن گفـت. او پرسـش‌هایی را دربـاره توسـعه متـوازن، سـهم درآمدهـای صنعـت نفـت و زیرسـاخت‌های ایـن صنعـت و فقـدان دانـش و سـرمایه در ایـن بخـش اقتصـادی مطـرح کـرد.

رئیـس جلسـه از آقـای اسـدالله عباسـی، نماینـده رودسـر، به‌عنـوان موافـق دعـوت کـرد مواضـع خـود را بیـان کنـد. عباسـی بـا نقـد تفکـر لیبرالیـزم و سـکولاریزم و لـزوم توجـه بـه افـراد متعهـد در وزارت نفـت، بـه شـرح برنامه‌هـای غلامحسـین نـوذری پرداخـت. او از عملکـرد نـوذری در دو بخـش عملیاتـی و مدیریتـی دفـاع کـرد و ضمـن تأییـد برنامه‌هـای او، از نماینـدگان دعـوت کـرد کـه بـه وزیـر پیشـنهادی نفـت رأی اعتمـاد دهنـد. بایـرام گلدی‌برمـک سـخنران بعـدی بـود کـه در دفـاع از نـوذری سـخن گفـت و ضمـن شـرح تحصیـلات وزیـر پیشـنهادی، او را فـردی وارسـته، متدیـن و بسـیجی خوانـد.

سـپس، غلامحسـین نـوذری بـه دفـاع از خـود پرداخـت. مأموریـت وزارت نفـت را تولیـد و اسـتحصال نفـت، ذخیره‌سـازی، گسـترش صنایـع پالایشـی، به‌روزرسـانی تجهیـزات، افزایـش دانـش فنـی، سـرمایه‌گذاری در میادیـن مشـترک خوانـد. او گفـت: «بحـث خام‌فروشـی یـک بحثـی اسـت کـه همیشـه مـورد نقـد همـه شـما بـوده اسـت. مقـام معظـم رهبـری تأکیـد کرده‌انـد، آن چیـزی کـه در برنامـه پالایـش دیـده شـده، فراهـم کـردن سـه میلیـون بشـکه ظرفیـت فراورشـی اسـت. رسـیدن بـه چهـار میلیـون و پانصـد هـزار بشـکه تـا آخـر برنامـه در تولیـد نفـت اسـت. دیـروز از مـن سـؤال کردنـد اینکـه شـما گفتیـد توسـعه و صنعـت بر پایـه نفت یعنـی چـه؟ ببینیـد! مـا در صنعـت چشـم‌انداز بـالای چهارصـد میلیـارد دلار بایـد سـرمایه‌گذاری کنیـم. اگـر به‌تنهایـی شـصت درصـد ایـن کار بـه مشـاوران، پیمانـکاران و سـازندگان داخلـی داده شـود، یعنـی سـیصد میلیـارد دلار کار و ایـن یعنـی لوکوموتیـو نفـت بـا ایـن انـرژی عظیمـش می‌توانـد تمـام واگن‌هـای صنعتـی را بـه دنبـال خـودش بکشـد.»

در پایـان جلسـه، از ۲۴۶ نماینـده حاضـر در مجلـس هفتـم، ۲۱۷ نماینـده رأی موافـق، ۲۰ نماینـده رأی مخالـف و ۹ نماینـده رأی ممتنـع بـه گلـدان ریختنـد.[۱]

نـوذری، همچـون دیگـر وزرای دولـت احمدی‌نـژاد، مـدت کوتاهـی بـر مسـند وزارت نفـت

۱. مذاکرات مجلس شورای اسلامی، دوره هفتم، ۲۳ آبان ۱۳۸۶.

باقی ماند. در مدت کوتاه وزارتش، انتصابات نسبتاً گسترده‌ای انجام داد و اقداماتی برای آرامش‌بخشی به سازمان اداری به عمل آورد. از مسئولیت‌های اجتماعی وزارت نفت حمایت کرد و رقم خدمات اجتماعی را فزونی بخشید. در این دوره کوتاه، رفاه، بهداشت و ورزش وضعیت مطلوبی یافت و کارکنان پس از گذشت سال‌ها از دوران او به‌خوبی یاد می‌کنند. پرهیز از هیاهوی سیاسی و احترام به کارکنان بارزترین رفتار سازمانی او بود. همچنین، مطابق با استراتژی از پیش تعیین‌شده از ساخت داخل و واگذاری پروژه‌ها به شرکت‌های ایرانی حمایت کرد و اقداماتی برای تأسیس پالایشگاه ستاره خلیج‌فارس به عمل آورد. وزارت نوذری با دور جدید دولت احمدی‌نژاد پایان یافت و در مرداد ۱۳۸۸ صندلی وزارت را به مسعود میرکاظمی واگذار کرد.

سیدمسعود میرکاظمی

دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری ایران در ۲۲ خرداد ۱۳۸۸ برگزار شد. محمود احمدی‌نژاد با به دست آوردن اکثریت آرا بار دیگر به ساختمان پاستور پا گذاشت. احمدی‌نژاد ۸ شهریور به مجلس رفت و به دفاع از وزاری پیشنهادی خود پرداخت. در میان وزیران معرفی‌شده، یک تغییر اساسی برای وزارت نفت وجود داشت: سیدمسعود میرکاظمی.

به هنگام معرفی وزیر نفت، محمود احمدی‌نژاد ابتدا استراتژی دولتش در زمینه صنعت نفت را شرح داد و گفت: «اما برای وزارت نفت، در طول سی سال کارهای فراوانی در بخش نفت انجام شده است. عناصر مؤمن و انقلابی در وزارت نفت فداکاری‌ها کرده‌اند، خودشان را به آب و آتش زده‌اند تا این صنعت را سر پا نگه دارند، اما تا امروز راهبرد اصلی بهره‌برداری اقتصادی برای تأمین بودجه دولت بوده است. ما باید امروز این نگاه را عوض کنیم. باید نگاه استراتژیک که مورد نظر مجلس و دولت است بر برنامه‌های نفت حاکم بشود. صنعت نفت باید در خدمت کل صنعت کشور قرار گیرد. عزیزان من! نفت باید یک بار دیگر و برای همیشه به‌طور کامل ملی بشود و در خدمت همه اقتصاد کشور قرار گیرد. صنعت نفت می‌تواند صنعت کشور را راه بیندازد، اشتغال کشور را پاسخ بدهد، باید به سمت خوداتکایی در صنعت نفت برویم. باید به سمت تبدیل شدن به قطب صادرات خدمات فنی و مهندسی در بخش نفت برویم. باید به سمتی برویم که صادرات نفتمان را کاهش بدهیم. نفت و گازمان را تبدیل کنیم. صنایع پایین‌دستی و

پایین‌تردستی نفت و گاز را در کشورمان توسعه بدهیم و حمایت کنیم تا همه ارزش‌افزوده نفت و گاز در کشور ما مستقر بشود. گازرسانی به شهرها و روستاها و به صنعت توسعه پیدا کند.»

سپس، در دفاع از انتخاب میرکاظمی به‌عنوان وزیر پیشنهادی نفت، گفت: «ما نیازمند یک نگاه استراتژیک به نفت هستیم، به همین دلیل آقای دکتر میرکاظمی که یک استاد مدیریت استراتژیک و یک استراتژیست است، به دولت، به ساختارهای دولت، به فنون مدیریت احاطه کامل دارد. یک رزمنده جانباز شجاع، پاک، مردمی و مؤمن. رئیس بخش‌های گوناگون اقتصادی بود، موفق بود. رئیس دانشگاه بود، موفق بود. وزیر بازرگانی شد، موفق است. همه دولت را می‌شناسد. دولت او را می‌شناسد. ان‌شاالله با کمک عناصر مؤمن وزارت نفت ما بتوانیم این تغییر نگاه را در صنعت نفت جاری کنیم و نفت در خدمت همه منافع کشور در نسل‌های آتی قرار گیرد.»[1]

۱۲ شهریور نوبت به بررسی صلاحیت وزیر پیشنهادی نفت رسید. محمدقسیم عثمانی، سیدعماد حسینی، سیدفاضل موسوی و حمیدرضا کاتوزیان در مقام مخالف و بهروز جعفری، سیدعلی ادیانی‌راد، محمد دهقانی نقندر و اسدالله قره‌خانی در مقام موافق با وزارت میرکاظمی نظرات خود را ابراز کردند.

نخستین مخالف، محمدقسیم عثمانی بود. او با ستایش شخصیت فردی، علمی و اجرایی میرکاظمی، مهم‌ترین دلیل مخالفت خود را عدم تناسب تخصص و تجربیات و سوابق اجرایی میرکاظمی با حوزه نفت عنوان کرد و سپس، اشکالات و نقص‌های برنامه پیشنهادی میرکاظمی را برشمرد: بیان سیاست‌های کلی و راهبردها بدون ارائه برنامه اجرایی برای آن؛ عدم وجود برنامه و یا بیان دیدگاه درخصوص صادرات نفت‌خام؛ عدم ارائه دقیق برنامه برای سرمایه‌گذاری و تأمین مالی در حوزه نفت؛ عدم اشاره به قراردادهای بیع‌متقابل و نحوه فاینانس برای تأمین مالی، عدم ارائه برنامه در حوزه رفع بی‌عدالتی‌های موجود در حوزه نفت، گاز و پتروشیمی.

سیدعماد حسینی مخالف بعدی بود که پشت تریبون قرار گرفت. او نیز با اشاره به اینکه برنامه میرکاظمی تاکنون چندبار تغییر کرده است، چند نقد به آن وارد کرد: «در مورد آن برنامه می‌خواهیم نقد کنیم. یکی، فقدان دیدگاه صحیح در اصلاح ساختارهاست، در محور برنامه ایشان به نفت با یک نگاه بنگاه‌داری و یا نگاه تجاری برخورد شده. شما

۱. مذاکرات مجلس شورای اسلامی، دوره هشتم، ۸ شهریور ۱۳۸۸.

ببینید ما این نگاه را در گذشته هم داشتیم که معلول آن ۱۵۰ شرکتی بودند که الان برای وزارت نفت هزینه مازاد ایجاد کرده. مورد دیگری که من نقد دارم، خطر خارج شدن اهرم برنامه‌ریزی تولید کشور از دست نظام است. یکی از اهداف برنامه جناب آقای دکتر میرکاظمی واگذاری مطالعات میادین نفت و گاز به شرکت‌های پیمانکار داخلی و خارجی است... آقای میرکاظمی گفتند که ما مطالعات توسعه میادین نفت و گاز را به خارجی‌ها واگذار می‌کنیم. بحث دیگری که در برنامه ایشان وجود دارد، عدم تطابق لازم با سیاست‌های کلی نظام است. سیاست کلی ما در نفت، افزایش ظرفیت تولید صیانت‌شده متناسب با ذخایر موجود است. در برنامه‌ای که جناب آقای میرکاظمی ارائه دادند، حفظ و افزایش سهم اوپک را برنامه‌ریزی کردند. ما باید به فکر حداکثرسازی درآمد کشورمان باشیم، یا به فکر کشورهای مصرف‌کننده نفت که بخواهند نفت را ارزان تحویل بگیرند.»

عدم اشاره به تراز گاز و برنامه صادرات گاز و تزریق گاز با توجه به منفی بودن تراز گاز، عدم اشاره به خط‌لوله صلح، عدم اشاره به برنامه وزیر نفت برای حل مسئله بنزین از دیگر نقدهای حسینی به برنامه میرکاظمی بود. همچنین، به وضعیت صنعت پتروشیمی اشاره کرد و گفت: «من خواهش می‌کنم بفرمایند پتروشیمی که نیاز به ۵۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری دارد، با چهار خطی که شما در برنامه نوشتید، نمی‌توانیم پتروشیمی را اداره کنیم. در کمیسیون انرژی فرمودید ما خط‌های اتیلن شرق و غرب و مرکز را اگر بدانیم توجیه اقتصادی ندارد، تعطیل می‌کنیم. یعنی شما تمام واحدهای پتروشیمی که در این کشور سرمایه‌گذاری شده را می‌خواهید به یکباره تعطیل کنید؟» حسینی در پایان سخنانش خطاب به نمایندگان گفت: «من از نمایندگان محترم تقاضا می‌کنم در موقع رأی دادن [توجه کنند] رأی دادن به آقای میرکاظمی نه به نفع شخص ایشان است، نه به نفع دولت دهم است و نه به نفع مجلس شورای اسلامی.»

نخستین نماینده‌ای که در موافقت با میرکاظمی سخن گفت، بهروز جعفری بود. او سخنانش را با نقد مخالفان میرکاظمی آغاز کرد و گفت: «من انتظار داشتم مخالفان محترم با نگاه جدید به حوزه نفت و به صنعت نفت، برنامه‌های ایشان را نقد کنند. گویا هنوز یا برنامه‌های آقای میرکاظمی را مطالعه نکرده‌اند و یا اینکه هنوز با نگاه سنتی به حوزه نفت نگاه می‌کنند... مشکل ما در صنعت نفت فقدان یک مدیریت استراتژیک و کلان‌نگر و شیوه مدیریتی است که بتواند با دنیا تعامل داشته باشد... اما اینکه فرمودند رویکرد خام‌فروشی نفت، مگر شما سخنان آقای رئیس‌جمهور را در معرفی

کابینه نشنیده‌اید که از آن در رسانه‌ها سوءبرداشت هم شده بود. اتفاقاً در برنامه‌های آقای میرکاظمی رویکرد عوض شده است از خام‌فروشی نفت و هزینه‌کرد آن در بودجه جاری به سرمایه‌گذاری مولد و زاینده... ما در حوزه‌های مرزی و مشترک بین کشورهای خارج به‌خصوص در دریای خزر و خلیج‌فارس اولویت را باید به برداشت از این حوزه‌ها بدهیم. حق ما چند سال است که دارد ضایع می‌شود و الحمدالله در اولویت‌های کاری ایشان قرار دارد.»

سیدعلی ادیانی‌راد، عضو کمیسیون انرژی، موافق بعدی بود. روی سخن ادیانی‌راد نیز با منتقدان به برنامه میرکاظمی بود: «این برنامه به اعتقاد من، به‌عنوان عضو کمیسیون انرژی، مستندترین و منطبق‌ترین برنامه و عملیاتی‌ترین برنامه و کاربردی‌ترین برنامه در راستا با اسناد بالادستی مانند چشم‌انداز بیست‌ساله و رهنمودهای مقام معظم رهبری برای تدوین برنامه پنج‌ساله در حوزه نفت و گاز و همین‌طور سیاست‌های کلان در چارچوب قوانین موضوعه است.... در بخش نفت، به‌طور جدی و عالمانه به اکتشاف و توسعه میادین نفتی و گازی اشاره کردند و همین‌طور به بهره‌برداری و استحصال و بهره‌وری از میادین مشترک نفتی و گازی که امروز جزء ضرورت‌ها و نیازهای اساسی وزارت نفت است... ما اعتقاد داریم ایشان به دلیل توانمندی و سابقه وزارتی که دارند، به دلیل آشنایی با اقتصاد انرژی، به دلیل تعامل با بنگاه‌های اقتصادی و وزرای اقتصادی و تقربی که نزد جناب آقای دکتر احمدی‌نژاد دارند، می‌توانند عنصر مناسب و گزینه مناسبی باشند.»

سیدفاضل موسوی که به‌عنوان مخالف پشت تریبون رفت، ابتدا نفت را یک موهبت الهی دانست که برای مردم ایران به لحاظ عدم برنامه‌ریزی صحیح، تبدیل به معضل شده است. سپس، به میرکاظمی اشاره کرد و گفت: «آقای میرکاظمی، برادر گرامی، شما مسئول (وزیر) وزارت بازرگانی کشور بودید، من نمی‌دانم چه گلی به سر وزارت بازرگانی زدید که امروز می‌خواهید بزرگ‌ترین و ارزشمندترین مجموعه اقتصادی این مملکت را به عهده بگیرید.» سپس، به برنامه ارائه‌شده توسط میرکاظمی پرداخت و ایرادات آن را چنین بیان کرد: عدم ارائه تحلیل از شرایط موجود و فرصت‌ها و تهدیدها؛ عدم ارائه تحلیل از دورنمای تولید و عرضه نفت گاز؛ عدم ورود به مباحث اساسی و چالش‌برانگیز در حوزه نفت طی سالیان گذشته مثل ایجاد ده‌ها شرکت جدید؛ انواع قراردادهای نفتی و آثار آنها بر شرایط تولید و تبعات بین‌المللی آنها و چگونگی اصلاح آنها؛ عدم اشاره به بحث تراز منفی یا مثبت گاز و اولویت‌های ناشی از آنها؛ عدم موضع‌گیری روشن

در مورد تغییرات متوالی ساختار یا مشکلات قراردادهای بیع متقابل و بازنگری‌ها؛ عدم بحث درباره تمرکززدایی در ابعاد ساختاری و مقرراتی؛ تکیه بر استقراض خارجی در برنامه با تکرار ارقام سرسام‌آور؛ خلاصه‌برداری و کپی کردن لیست پروژه‌های مصوب فعلی به‌عنوان برنامه برای خود بدون طرح بحث جدید؛ عدم انسجام در برنامه‌ها و طرح مباحث به‌صورت کلی و در خیلی از موارد به‌صورت شعاری و نه به‌صورت عملیاتی.

حمیدرضا کاتوزیان نیز در مخالفت با وزیر پیشنهادی نفت، به عدم تخصص او در حوزه نفت اشاره کرد و گفت: «بنده آقای میرکاظمی را فرد باشخصیتی می‌دانم، ولی اینجا درصدد اتخاذ تصمیم بزرگی هستیم. می‌خواهیم وزارتخانه مهمی را به ایشان بسپاریم که وزیر آن باید تصمیم‌گیری کند و لازمه آن دانش و تجربه تخصصی است، نه اینکه مشاوران و معاونین برای ایشان تصمیم‌سازی کنند. این حرف به نظر صحیح نمی‌رسد که بگوییم وزیر مدیریت می‌کند و نیاز به اطلاعات و دانش ندارد... گفته شد آقای میرکاظمی استراتژیست است... اما در عمل ایشان اثبات کردند که استراتژیست کلان‌نگر و فرایندنگر نیستند. برای اینکه عکس آن عمل کردند. شما وضعیت وزارت بازرگانی را توجه بفرمایید. چه وضعیتی برای صنعت شکر و قند کشور به وجود آمد. شما در استان‌های مازندران و گیلان که بزرگ‌ترین برنج‌کاری‌ها صورت می‌گیرد، توجه کنید... شما ملاحظه کنید در کشور ما هندوانه از چین وارد شده است. برای ورود پرتقال یارانه داده شده، واقعاً نگاه استراتژیست پشت این اقدامات بوده؟»

کاتوزیان سپس با اشاره به برنامه ارائه‌شده توسط میرکاظمی گفت: «برنامه آقای میرکاظمی واقعاً برنامه نیست، بخش‌هایی از آن اصلاً سیاست‌های کلان کشور را که در مسئله چشم‌انداز بیست‌ساله و برنامه‌های ده‌ساله و غیره است را عنوان کردند. برنامه ایشان کپی برنامه‌هایی است که توسط وزرای مختلف که برای وزارتخانه کاندید بودند، ارائه، طراحی و بیان شده است. در آن کلی‌گویی بسیار وجود دارد.»

نکته پایانی که کاتوزیان به آن اشاره کرد، قابل تأمل است. او گفت: «دوستان توجه داشته باشند که آقای میرکاظمی وزیری است که باید برود در اجلاس اوپک شرکت کند. دو هفته دیگر در پایان فصل تابستان، اجلاس اوپک است. من سؤال می‌کنم آقای میرکاظمی واقعاً چه مقدار اشراف دارند که به‌عنوان وزیر نفت کشور ما بخواهند در این اجلاس شرکت کنند. چه موضوعاتی را می‌خواهند طرح کنند، چطور می‌خواهند از حقوق ایران دفاع کنند. چقدر به موضوعات مرتبط با نفت کشور، مسئله صادرات و تولید اشراف دارند؟»

پس از او، محمد دهقانی نقندر به‌عنوان موافق صحبت‌هایش را آغاز کرد: «بحث این است که یک تجربه صدساله ما در نفت داریم که حفظ کردن این تجربیات گرانقدری که ما در وزارت نفت و صنعت نفت و گاز کشور داریم، لازم است که افرادی دارای سعه‌صدر و دور از تنگ‌نظری‌های سیاسی و غیرسیاسی بر وزارت نفت حاکم شوند. ما اگر بخواهیم آن تجربیات گران‌سنگ وزارت نفت را حفظ کنیم، افرادی لازم است که دارای تنگ‌نظری سیاسی نباشند. جناب آقای میرکاظمی در این خصوص، تجربه و سابقه ایشان به‌خوبی شاهد است که از تنگ‌نظری‌های سیاسی و جناحی به دور بوده‌اند.»

در پایان، نوبت میرکاظمی بود که پشت تریبون برود، از برنامه‌های خود دفاع کند و به سؤالات منتقدان پاسخ گوید. میرکاظمی با اشاره به استعدادهای طبیعی ایران در وجود منابع عظیم هیدروکربوری، گفت: «منابع هیدروکربوری نفت و گاز به‌عنوان مهم‌ترین مزیت کشور همه ابعاد اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و امنیتی کشور را به‌نوعی تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. از این‌رو، نگاه به صنعت نفت به‌عنوان صرفاً بنگاه اقتصادی اجحاف بر ارزش‌های ملی است...

اجازه بدهید قبل از ورود به نقاط قوت و چالش‌ها، نیم‌نگاهی به اسناد بالادستی داشته باشیم. برادران و خواهران گرامی! ما در افق چشم‌انداز بیست‌ساله بایستی در حوزه صنعت نفت جایگاه دومین تولیدکننده نفت‌خام در اوپک را داشته باشیم، بایستی جایگاه اول منطقه به لحاظ ظرفیت پالایش به منظور بالاترین ارزش‌افزوده را داشته باشیم. بایستی به جایگاه دوم جهان در ظرفیت تولیدی گاز طبیعی با توجه به بهره‌وری بالا و ارزش‌افزوده صنایع پایین‌دستی آن دست یابیم. دستیابی به جایگاه اول از لحاظ تولید کالاها و مواد پتروشیمی و صنایع پایین‌دستی آن را بایستی داشته باشیم.»

او با اشاره به اینکه دکترین انرژی کشور به بازنگری و تدوین نیاز دارد، به مبحث بنزین اشاره کرد و گفت: «بعضی از دوستان سؤال می‌کنند که شما با بنزین چه می‌کنید. من اشاره می‌کنم که این یک مسئله ملی است. ما باید تعامل با کمیسیون‌های مختلف مجلس، به‌خصوص کمیسیون انرژی و کمیسیون هدفمند کردن یارانه‌ها این موضوع را دنبال کنیم. اطلاع دارید، قیمت بنزین در فوب خلیج‌فارس حدود ۶۵۰ تا ۷۰۰ دلار در تن است. اگر طبق قانون مالیات بر ارزش‌افزوده که میزان مالیات که ما ۳۰ درصد است به آن اضافه کنیم و هزینه‌های انتقال و خرده‌فروشی و غیره را هم به آن اضافه کنیم و اتلاف منابعی که داریم را جمع بزنیم، به بالای هزار تومان می‌رسد. سؤال این است که اگر یکباره این اقدام انجام بشود، آیا آن جهش قیمتی را ندارد؟ از

آن‌طرف، حمایت‌های لازم از اقشار ضعیف صورت نگرفته است. یک چالشی است که باید بنشینیم و با همدیگر حل کنیم.»

میرکاظمی مهم‌ترین بخش‌های برنامه خود را افزایش تولید نفت از ۴ میلیون و ۳۰۰ هزار بشکه به ۵ میلیون و ۱۵۲ هزار بشکه در روز دانست. او، توسعه پالایشگاه‌ها و افزایش خوراک پالایشگاه‌ها از ۱ میلیون و ۶۷۷ هزار بشکه به ۲ میلیون و ۶۷۰ هزار بشکه در روز، افزایش تولید گاز از ۵۵۲ میلیون مترمکعب در روز به ۹۹۰ میلیون مترمکعب در روز، توسعه همکاری منطقه‌ای برای بهره‌برداری بیشتر از مخازن مشترک، نوسازی و ارتقای فناوری شبکه‌های انتقال و توزیع گاز طبیعی و گازرسانی به شهرها و روستاهای فاقد گاز، استفاده از فناوری‌های جدید در اکتشاف، ضرورت مطالعه میادین، بلوک‌بندی حوزه‌های رسوبی، اکتشاف در لایه‌های عمیق میادین در حال تولید و افزایش ضریب بازیافت را از دیگر اولویت‌های خود دانست. تنظیم روابط شرکت ملی نفت با دولت و پیگیری تصویب اساسنامه نیز ازجمله برنامه‌های میرکاظمی در بخش ساختاری صنعت نفت بود.

او به خط اتیلن غرب که از موارد مخالفت نمایندگان با برنامه‌های او بود چنین اشاره کرد: «نکته‌ای که در پتروشیمی قابل توجه است، اگر نگاه بنگاه اقتصادی را داشته باشیم، اصلاً ضرورتی ندارد این کارها را انجام بدهیم. ما زیرساخت‌ها را فراهم می‌کنیم، سرمایه‌گذاری می‌کنیم، هزینه انتقال را می‌دهیم، خط اتیلن را به دورترین نقطه از جنوب کشور می‌بریم و بعد دوباره پتروشیمی را حمل می‌کنیم و به جنوب کشور می‌آوریم. اما هدف این نبوده است. اگر پیشران اقتصادی مطرح باشد، اینجا صنایع پایین‌دستی وظیفه اقتصاد انرژی است که بیاید توسعه بدهد. اتفاقاً ارزش‌افزوده بیشتر و اشتغال بیشتر در بعد از آن است. ما ۷۰۰-۸۰۰ میلیارد تومان سرمایه‌گذاری می‌کنیم و یک پتروشیمی ایجاد می‌کنیم که ۱۰۰۰ شغل ایجاد می‌کند، اما اگر صنایع پایین‌دستی را با این مبلغ توسعه بدهیم، ۱۰ برابر این شغل و ارزش‌افزوده ایجاد می‌کند و در نگاه اقتصاد پیشران انرژی در کشور مطرح است که بایستی به آن توجه داشته باشیم.»

پس از پایان جلسه رأی اعتماد، ۲۸۶ نماینده حاضر در مجلس آرای خود را به گلدان‌ها ریختند و سیدمسعود میرکاظمی با ۱۴۷ رأی موافق، ۱۱۷ رأی مخالف و ۱۹ رأی ممتنع کرسی وزارت نفت را از آن خود کرد.[۱]

۱. مذاکرات مجلس شورای اسلامی، دوره هشتم، ۱۲ شهریور ۱۳۸۸.

تغییرات گسترده در سطوح مدیریتی

میرکاظمی ۱۳ شهریور ۱۳۸۸ پا به وزارت نفت گذاشت. او در جلسه معارفه خود از لزوم وارد شدن نیروهای متخصص خارج از نفت به این حوزه سخن گفت و معتقد بود دیگر دوران اینکه نیروهای بیرون از نفت نباید به این حوزه وارد شوند، سپری شده است: «قبل از انقلاب، نفت حوزه‌ای محدود بود که فقط عده‌ای خاص آن را مدیریت می‌کردند، اما امروز با توجه به ۳۰ سال تلاش برای رشد و شکوفایی آن، ضرورت اصلاح این نگاه که کسی از بیرون نمی‌تواند وارد سیستم نفت شود، به خوبی آشکار می‌شود و این صنعت می‌تواند از توانمندی‌های ارزشمند نیروهای بیرون از این صنعت هم بهره‌مند شود.»[۱]

چنانکه بسیاری از کارشناسان پیش‌بینی کردند، میرکاظمی از همان نخستین روزهای حضورش تغییرات گسترده، ولی آرامی را در سطوح مدیریت صنعت نفت آغاز کرد. به‌طوری‌که در نهمین ماه وزارت او خبرگزاری‌ها از برکناری ۱۲۰ مدیر نفتی از سمت خود خبر دادند. در یکی از تغییرات قابل توجه، جشن‌ساز، مدیرعامل شرکت ملی نفت، جای خود را به احمد قلعه‌بانی داد. قلعه‌بانی، پیش از آن ریاست سازمان گسترش و نوسازی (ایدرو) را بر عهده داشت. او یک روز پس از انتصابش در پاسخ به این سؤال که چه برنامه‌هایی برای حضور در صنعت نفت دارد، با صراحت گفت: «تا کنون هیچ تخصصی در نفت نداشته‌ام و برای شناخت بیشتر در این عرصه نیازمند زمان هستم.»[۲]

خانه‌تکانی در صنعت نفت به همین‌جا ختم نشد. برخی از معاونان وزارت نفت و شرکت‌های تابعه آن تغییر کردند. به نقل از خبرگزاری‌ها، تا بهمن ۱۳۸۹ بیش از ۲۵۰ تغییر در سطوح مدیریتی انجام شد. تغییر در سطوح کارشناسان و زیرمجموعه‌های وزارتخانه بیش از این عدد بود.[۳] خاطرنشان می‌سازد برخی از مدیران وزارت نفت در همان زمان چنین تغییرات گسترده‌ای را تکذیب کردند. نگارنده نیز نتوانست آمار دقیقی از این تغییرات گسترده به دست آورد.

پس از جابه‌جایی برخی از مدیران صنعت نفت، تدوین خط‌مشی‌های آینده شرکت ملی نفت در دستور کار قرار گرفت. تیر ۱۳۸۹ مسعود میرکاظمی، وزیر نفت، در کنار احمد قلعه‌بانی، مدیرعامل جدید، در جلسه هیئت‌مدیره حضور یافت و خط‌مشی‌های جدید را به مدیران نفت ابلاغ کرد؛ افزایش توان تولید از میادین مشترک، حداکثرسازی

۱ . مشعل، شماره ۴۶۱، ۲۹ شهریور ۱۳۸۸، ص ۳.
۲.خبر آنلاین، ۱۱ خرداد ۱۳۸۹.
۳. خبر آنلاین، ۱۶ بهمن ۱۳۸۹.

تزریق گاز به میادین و تعیین برنامه مصرف گاز تولیدی از پارس جنوبی. میرکاظمی از مدیران نفت خواست برنامه‌ای راهبردی برای جذب و اصلاح ترکیب نیروی انسانی نفت تهیه و برای تصویب ارائه کنند. همچنین، گفت که کارهای خدماتی و پشتیبانی نفت باید برون‌سپاری شود.[1] سخنان میرکاظمی حاکی از آن بود که موج دیگری از تغییرات و جذب نیروهای جدید در راه است.

وزارت میرکاظمی دیری نپایید. اگرچه احمدی‌نژاد در جلسه رأی اعتماد از میرکاظمی به‌عنوان یک استراتژیست نام برد، اما عملکرد او از همان ابتدا مورد انتقاد برخی کارکنان ارشد صنعت نفت قرار گرفت. دلیل انتقادها متنوع بود. توقف سوآپ نفتخام، تولید بنزین آلوده و کاهش تولید نفت و گاز ازجمله مسائلی بود که مورد انتقادات بسیار قرار گرفت. در کنار مجموعه انتقادات، ضرورت دارد به حمایت میرکاظمی از ساخت داخل، دعوت از شرکت‌های جوان تازه‌تأسیس و تسریع در احداث پالایشگاه ستاره خلیج‌فارس اشاره کنیم. ۲۴ اردیبهشت ۱۳۹۰، احمدی‌نژاد پایان مسئولیت میرکاظمی در وزارت نفت را اعلام کرد.

دو سرپرست وزارت نفت

احمدی‌نژاد؛ علی‌آبادی

۲۴ اردیبهشت ۱۳۹۰، احمدی‌نژاد با پایان دادن به مسئولیت میرکاظمی، خود سرپرستی وزارت نفت را بر عهده گرفت. او در ۲۶ اردیبهشت ۱۳۹۰ در جایگاه سرپرست وزارت نفت در جلسه شورای معاونان نفت حضور یافت. معاونان ستادی و مدیران عامل چهار شرکت اصلی وزارت نفت در این جلسه حضور داشتند. احمدی‌نژاد ضمن تأکید بر ضرورت ادغام وزارت نفت و وزارت نیرو با هدف کوچک‌سازی و چابک‌سازی دو وزارتخانه، تأکید کرد که دو وزارتخانه به سمت ادغام پیش خواهند رفت. او به معاونان و مدیران صنعت نفت یادآور شد جایگاه و اهمیت صنعت نفت در اقتصاد ملی چنان مهم است که تصمیم گرفته است خود سرپرستی وزارت نفت را بر عهده گیرد.[2]

جلسه ۱۵۹ اوپک در وین به ریاست ایران در پیش رو بود و محمود احمدی‌نژاد تمایل

۱ . مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت، جلسه ۱۷۱۸، ۱۳۸۹/۴/۱۳.

۲ . مشعل ، شماره ۵۴۳، ۱ خرداد ۱۳۹۰، ص ۱.

داشت در این جلسه بر صندلی ریاست اوپک ظاهر شود، اما از نگاه کارشناسان و برخی از نمایندگان مجلس سرپرستی او بر وزارت نفت قانونی نبود. احمد توکلی در مصاحبه‌ای گفت: «در قانون اساسی جدید در اصل ۱۳۵ به رئیس‌جمهور این اختیار داده شده است که برای آن دسته از وزارتخانه‌هایی که وزیر ندارند، برای مدت سه ماه سرپرست تعیین کند، اما در قانون اساسی چنین اختیاری به رئیس‌جمهور داده نشده است که شخصاً سرپرستی را بر عهده بگیرد.»[1] با افزایش فشارها، احمدی‌نژاد صندلی سرپرستی را به محمد علی‌آبادی واگذار کرد.

رئیس‌جمهور در ۱۶ خرداد ۱۳۹۰ محمد علی‌آبادی را به سرپرستی وزارت نفت منصوب کرد.[2] محمد علی‌آبادی چهره‌ای ورزشی و غیرنفتی بود که حدود سه ماه سرپرستی وزارت نفت را بر عهده داشت که در این مجال، ضرورتی به شرح این دوران کوتاه نیست.

رستم قاسمی، آخرین وزیر

محمود احمدی‌نژاد روز ۱۲ مرداد ۱۳۹۰ آخرین وزیر نفت دولت خود را به مجلس معرفی کرد. رستم قاسمی وزیر پیشنهادی رئیس‌جمهور بود. احمدی‌نژاد در دفاع از پیشنهاد خود برای معرفی قاسمی گفت: «جناب آقای قاسمی که برای وزارت نفت معرفی شده است، ایشان هم از فرزندان انقلاب و دفاع مقدس است که خدمات فراوانی، چه در دوره دفاع مقدس و چه در دوره سازندگی انجام داده است. تقریباً در هر کجای ایران که امروز سفر کنیم، آثار خدمات مخلصانه این مرد قابل مشاهده است. امروز هم با تسلط و آشنایی به حوزه نفت آمده است که انشاءالله مجموعه نفت را بیش از گذشته در خدمت کشور و منافع ملی متحول بکند.»

علی مطهری به‌عنوان نخستین مخالف پشت تریبون رفت. او دلیل مخالفت با حضور قاسمی در رأس وزارت نفت را سابقه نظامی او ذکر کرد و گفت: «اصل کلی مورد تأکید بنده، لزوم پیوند نخوردن سپاه پاسداران به‌عنوان یک قدرت نظامی با قدرت سیاسی و قدرت اقتصادی است و به عبارت دیگر، دولتی نشدن سپاه... تجربه وزارت اطلاعات در دوره سازندگی شاهد خوبی می‌تواند در این مسئله باشد. در آن دوره، کارکنان وزارت اطلاعات تشویق به فعالیت‌های اقتصادی شدند و طبعاً از امکانات و اطلاعات ویژه و

۱. همشهری، ۳۰ اردیبهشت ۱۳۹۰.

۲. خبرگزاری خبرآن‌لاین، ۲۴ اردیبهشت ۱۳۹۰.

رانت‌ها استفاده کردند و همین امر موجب رخنه فساد در برخی از کارکنان آن وزارتخانه شد تا اینکه از این کار منع شدند و جلوگیری شد. وزارت یک نظامی در وزارتخانه نفت موجب پیوند قدرت نظامی، سیاسی و اقتصادی خواهد بود که ممکن است فسادآور باشد... در کشور همسایه ما نظامیان کم‌کم دارند از قدرت سیاسی فاصله می‌گیرند، ولی در کشور ما حرکت عکس آن آغاز شده است. به نظر می‌رسد امر مبارکی نباشد.»

مطهری در سخنان خود گریزی هم به وزارت میرکاظمی زد و گفت: «وقتی وزیر سابق نفت به مجلس معرفی شد و نسبت به عدم دانش و تجربه وی در نفت اعتراض شد، گفته شد که ایشان مدیر استراتژیست است، شش ماه درباره نفت مطالعه و تحقیق می‌کند و بعد کار اصلاحات در نفت را شروع خواهد کرد. بعد از شش ماه، آقای وزیر با صدور توقف کلیه عملیات سوآپ نفت اولین سیاست اصلاحی خود را اعلام کرد. حالا کارشناسان ماه‌هاست که به دنبال راه‌اندازی مجدد عملیات سوآپ هستند، ولی شرکت‌های مربوط زیربار نمی‌روند.... مخالفت من با شخص آقای قاسمی نیست، بلکه مخالفت من با روند ورود نظامیان به قدرت سیاسی و دولت است و این را برای کشور مضر می‌دانم.»

حشمت‌الله فلاحت‌پیشه در موافقت با رستم قاسمی نطق خود را ارائه داد. او گفت: «در این مدت خیلی از سایت‌ها موضوع را به بحث تحریم ربط دادند و مباحثی را مطرح می‌کردند که به نظر من هم به جمهوری اسلامی ایران، هم به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و هم به شخص جناب آقای قاسمی ظلم شد.» علی لاریجانی نیز میکروفن را روشن کرد و در حمایت از قاسمی به سخنرانی پرداخت.

در پایان، رستم قاسمی پشت تریبون رفت. او ابتدا شرحی از خدمات قرارگاه خاتم‌الانبیا در صنعت نفت و گاز ارائه داد و جایگزینی قرارگاه خاتم‌الانبیا با شرکت‌هایی چون شل و توتال را یکی از برنامه‌های خود اعلام کرد: «با خروج شرکت‌های بزرگی مانند توتال و شل از پروژه‌های وزارت نفت، قرارگاه خاتم‌الانبیا جایگزین این شرکت‌های بزرگ شد. یکی از افتخارات صنعت نفت، توسعه میدان گازی پارس جنوبی است که در این میان، قرارگاه خاتم‌الانبیا همواره پیشتاز بوده است. اکنون ۱۷ میدان نفتی و ۵ میدان گازی مشترک در خشکی و دریا داریم که برداشت ما از آنها با وجود سرمایه‌گذاری‌هایی که در گذشته انجام شده، هنوز کافی نیست.»

در ادامه، رستم قاسمی سرعت بخشیدن به برداشت از میادین مشترک نفت و گاز؛

ارتقـای جایـگاه صنعـت نفـت و گاز ایـران در جهـان، منطقـه و اوپـک؛ گسـترش اکتشـاف در سراسـر کشـور؛ جمـع‌آوری گازهـای همـراه؛ افزایـش صـادرات گاز؛ توسـعه صنعـت پتروشـیمی بـا محوریـت بخـش خصوصـی؛ سـرعت بخشـیدن بـه طرح‌هـای توسـعه‌ای در بخـش پالایشـگاهی؛ توسـعه شـبکه توزیـع گاز طبیعـی؛ تأمیـن منابـع مالـی پروژه‌هـای توسـعه‌ای از طریـق منابـع عمومـی و تـلاش بـرای جـذب سـرمایه‌گذاران خارجـی؛ توجـه جـدی بـه منابـع انسـانی و تعامـل بـا مجلـس را ازجملـه برنامه‌هـای خـود برشـمرد.

در ایـن جلسـه، مخالفـت چندانـی بـا رسـتم قاسـمی صـورت نگرفـت. او بـا رأی قاطـع نماینـدگان مجلـس بـه پسـت وزارت نفـت دسـت یافـت. از مجمـوع ۲۴۵ رأی نماینـدگان مجلـس، ۲۱۶ رأی موافـق را بـه خـود اختصـاص داد. ۷ نفـر نیـز رأی ممتنـع و ۲۲ نفـر رأی مخالـف خـود را بـه گلدان‌هـا انداختنـد.[۱]

ازجملـه اقدامـات رسـتم قاسـمی، تشـکیل شـورای‌عالی سیاسـت‌گذاری مدیریـت انتشـار گازهـای کربنـی بـود. ایـن شـورا وظیفـه داشـت میـزان پیشـرفت امـور مربـوط بـه مدیریـت کربـن در صنایـع نفتـی را بـه وزیـر گـزارش دهـد. اسـتقرار مدیریـت جامـع پایـش و کنتـرل انتشـار گازهـای کربنـی در صنایـع نفـت و گاز و پتروشـیمی؛ مقایسـه جایـگاه جهانـی ایـران در انتشـار گاز دی‌اکسـید کربـن و تحلیـل و اعـلام پایـش نقـاط آسـیب‌پذیر در صنایـع نفـت و گاز از مهم‌تریـن وظایـف ایـن شـورا بـود.[۲]

سه مدیرعامل شرکت ملی نفت

در ایـن دوره هشـت سـاله سـه مدیرعامـل بـر مسـند مدیریـت شـرکت ملـی نفـت تکیـه زدنـد. در آغـاز دولـت نهـم، غلامحسـین نـوذری کـه سـابقه مدیرعاملـی شـرکت ملـی مناطـق نفت‌خیـز را در کارنامـه خـود داشـت، توسـط وزیـری هامانـه به‌عنـوان مدیرعامـل شـرکت ملـی نفـت برگزیـده شـد. پـس از تغییـر زودهنـگام وزیـری هامانـه، غلامحسـین نـوذری بـه وزارت نفـت رفـت و سـیف‌الله جشن‌سـاز جانشـین او شـد. عملکـرد مناسـب جشن‌سـاز در شـرکت ملـی مناطـق نفت‌خیـز جنـوب و رسـیدن بـه حداکثـر تولیـد در سـال‌های پـس از انقـلاب، پشـتوانه محکمـی بـرای او در تصـدی مدیرعاملـی شـرکت ملـی نفـت ایـران بـه حسـاب می‌آمـد. در زمانـه مدیریـت او بـود کـه شـرکت نفـت بـلاروس بـر اسـاس توافـق دو دولـت ایـران و بـلاروس وارد صنعـت نفـت

۱ . مذاکرات مجلس شورای اسلامی، دوره نهم، ۱۲ مرداد ۱۳۹۰.

۲ .مشعل، شماره ۶۴۸، تیر ۱۳۹۲، ص ۳.

ایـران شـد.

در آغـاز دولـت دهـم، میرکاظمـی بـر مسـند وزارت نفـت نشسـت. او، احمـد قلعه‌بانـی را کـه هیـچ سـابقه نفتـی نداشـت بـه مدیرعاملـی شـرکت ملـی نفـت برگزیـد. قلعه‌بانـی خدمـت در جهـاد سـازندگی، ایـران خـودرو، سـایپا و سـازمان گسـترش و نوسـازی صنایـع ایـران را در سـوابق خـود داشـت.[۱] پـس از برکنـاری از سـازمان گسـترش و نوسـازی، بـا موافقـت رئیس‌جمهـور در ۴ اردیبهشـت ۱۳۸۹ بـر صندلـی مدیرعاملـی شـرکت ملـی نفـت ایـران نشسـت.[۲] انتصـاب احمـد قلعه‌بانـی واکنـش فعـالان و کنش‌گـران سیاسـی را برانگیخـت. الیـاس نـادران، از نماینـدگان اصولگـرای مجلـس، در یادداشـتی خطـاب بـه محمـود احمدی‌نـژاد اعتـراض خـود را بـه ایـن انتصـاب نشـان داد.[۳]

نفت و سیاست

در ایـن دوره، ترکیـب سیاسـت‌های متفـاوت دولـت، نفـت را بـه مسـئله‌ای پیچیـده و خبرسـاز بـدل کـرد. در هنگامـه کارزار انتخاباتـی سـال ۱۳۸۴ و پیـش از آنکـه نفـت بـه سـر سـفره‌ها بیایـد، اخبـار مافیـای نفتـی بـر سـر زبان‌هـا افتـاد. مـردم در خانه‌هـا و ادارات از مافیـای نفتـی و قراردادهـای نفتـی سـخن می‌گفتنـد و روزنامه‌هـا هـم بـر آن می‌دمیدنـد. در سـال ۱۳۸۴ دو پرونـده کرسـنت و اسـتات اویـل و در سـال ۱۳۹۲ دو پرونـده دکل‌هـای گمشـده و بابـک زنجانـی مصـداق مافیـای نفتـی شـدند. در پایـان ایـن دوره هشت‌سـاله، مـردم از عملکـرد سـازمان مافیـای نفتـی آگاهـی نیافتنـد، ولـی هـر مـاه بـرای واریـز شـدن یارانه‌شـان لحظه‌شـماری می‌کردنـد.

در ایـن دوره هشـت سـاله دو سلسـله رویدادهـای متفـاوت رخ داد کـه یکـی بـر سیاسـت داخلـی و دومـی بـر سیاسـت خارجـی اثرگـذار بـود. درآمـد هنگفـت نفـت بـه دولـت امـکان ارائـه خدمـات بیشـتر بـه جامعـه را داد و از سـوی دیگـر، راه‌انـدازی فعالیت‌هـای هسـته‌ای بـه تشـدید تضادهـای بین‌المللـی و تحریم‌هـای نفتـی انجامیـد. فهرسـت قطعنامه‌هـای صادرشـده علیـه دولـت ایـران بـه دلیـل فعالیـت هسـته‌ای و شـمار ساخت‌وسـاز مسـکن مهـر و پرداخـت یارانـه، چهـره‌ای مردمـی و ضداسـتکباری از احمدی‌نـژاد بـرای هوادارانـش ترسـیم کـرد. برخـی تحلیل‌گـران داخلـی، سیاسـت‌ها و شـعارهای او را پوپولیسـتی خواندنـد.

۱ . پایگاه اطلاع رسانی دولت، ۲۵ آبان ۱۳۸۸،

۲ . مشعل، شماره ۴۰۹، ۵ اردیبهشت ۱۳۸۹، ص ۱.

۳ . تارنمای الف، ۸ اردیبهشت ۱۳۸۹.

«عدالت اجتماعی» اساسی‌ترین مفهوم در سخنان رئیس‌جمهور احمدی‌نژاد بود که با دو کلمه ساده «حاکمیت مردم» تفسیر می‌شد. هر چند راهکار شفافی برای اجرای حاکمیت مردم صادر نشد، ولی پرداخت یارانه، تحویل مسکن ارزان، پرداخت اعتبار بانکی به بنگاه‌های کوچک و وام به جوانان از شمار اقدامات او بود که در پرتو افزایش درآمد نفتی رقم خورد. احمدی‌نژاد در ۸ شهریور ۱۳۸۸ بخشی از استراتژی نفتی خود را در مجلس شرح داد و گفت: « عزیزان من! نفت باید یک بار دیگر و برای همیشه به‌طور کامل ملی بشود و در خدمت همه اقتصاد کشور قرار گیرد. صنعت نفت می‌تواند صنعت کشور را راه بیندازد، اشتغال کشور را پاسخ بدهد، باید به سمت خوداتکایی در صنعت نفت برویم. باید به سمت تبدیل شدن به قطب صادرات خدمات فنی و مهندسی در بخش نفت برویم. باید به سمتی برویم که صادرات نفتمان را کاهش بدهیم. نفت و گازمان را تبدیل کنیم. صنایع پایین‌دستی و پایین‌تر دستی نفت و گاز را در کشورمان توسعه بدهیم و حمایت کنیم تا همه ارزش‌افزوده نفت و گاز در کشور ما مستقر بشود. گازرسانی به شهرها و روستاها و به صنعت توسعه پیدا کند.»[1]

تنها در دولت او بود که بهای هر بشکه نفت‌خام به مرز ۱۴۰ دلار رسید. او در اقدامی جسورانه، علاوه بر گران کردن بنزین و دیگر فراورده‌ها و دلار نفتی، هدف دولتش را کم کردن فاصله طبقاتی دانست. همچنین، در سیاست خارجی مواضع ویژه‌ای اتخاذ کرد. او، ضمن دروغ دانستن هولوکاست و کاغذپاره خواندن قطعنامه‌های بین‌المللی، در یک سخنرانی پرحاشیه الگویی نوین از مدیریت جهانی را نوید داد.

عدالت، مهرورزی، حاکمیت مردم، بروز و ظهور انسان کامل، توجه به محرومان، مبارزه با اشرافیت فاسد و رانت‌خوار، مبارزه با مافیا به‌ویژه مافیای نفتی و از همه مهم‌تر، آوردن نفت بر سر سفره مردم ازجمله شعارهای محمود احمدی‌نژاد در این دوران بود. مسافرت‌های پیاپی او به شهرستان‌ها و پیگیری مشکلات روزمره مردم و سخنرانی‌های آتشین از او چهره‌ای شجاع، مردمی و ضدفساد در اذهان توده مردم ترسیم و تثبیت کرد. از یک‌سو، گسترش شبکه گاز خانگی مورد تمجید قرار گرفت و از سوی دیگر، تولید بنزین در واحدهای پتروشیمیایی موجی از انتقادات را به همراه داشت.

در کنار مسائل یادشده، باید به تغییر مداوم وزرای نفت اشاره کرد. تغییر وزرای نفت موجب سردرگمی مدیریت‌های پایین‌دستی شد و نظارت‌ها را کاهش داد. در سال‌های

۱ . مذاکرات مجلس شورای اسلامی، دوره هشتم، ۸ شهریور ۱۳۸۸.

آخر دولت او و هم‌زمان با گسترش تحریم‌ها، وقوع چند ماجرا مانند دکل‌های گمشده و پدیده بابک زنجانی خبرساز شد. افزایش شمار کارکنان وزارت نفت نیز در این دوره هشت‌ساله رقم خورد که در سال ۱۳۹۲ مورد انتقاد بیژن زنگنه قرار گرفت و در فصل پسین بدان اشاره می‌شود. درآمد هنگفت نفتی که در این هشت سال به خزانه دولت واریز شد و نیز محل مصرف آن بارها مورد تحلیل و بررسی رسانه‌ها و اقتصاددانان قرار گرفته است. نشریه ترازنامه بانک مرکزی به درج سالانه درآمدها پرداخته است. با وجود این، ازجمله پرسش‌هایی که خبرنگاران در موقعیت‌های مختلف از احمدی‌نژاد می‌پرسیدند، همانا مقدار دقیق مجموع درآمد نفتی و مصارف آن بود.

دیپلماسی نفتی

در دولت نهم و دهم، رابطه با کشورهای اروپای غربی به سردی گرایید و توجه بیشتر به کشورهای سوسیالیستی، انقلابی و جهان سوم مبنای دیپلماسی نفتی دولت شد. در این میان، توجه به آمریکای لاتین بیش از آسیای میانه خودنمایی می‌کرد. درحالی‌که مذاکرات خط‌لوله صلح با پاکستان و هندوستان به نتیجه نمی‌رسید و ایران در حال از دست دادن بازار این دو کشور بود، عربستان به حضور در بخش‌های مختلف نفت و گاز و پتروشیمی در هندوستان علاقه نشان داد. در مقابل، امریکای لاتین از اهداف دیپلماسی دولت نهم و دهم قرار گرفت. فروش خدمات مهندسی و مشارکت در سرمایه‌گذاری‌های نفت و گاز محور مشترک تفاهم‌نامه‌ها بود.

به‌رغم شعارهایی که در رسانه‌ها مطرح می‌شد، در عمل دیپلماسی نفتی به نتیجه نرسید. دلایل مختلفی در این ناکامی دخیل بود. عدم ثبات مدیریتی در سطوح بالا و میانی صنعت نفت (چهار وزیر نفت و سه مدیرعامل شرکت ملی نفت)، فقدان شرکت‌های نوآور ایرانی در عرصه بین‌الملل، عدم هماهنگی وزارت نفت با وزارت خارجه و به عبارت دیگر، عدم پوشش حمایتی در مناسبات خارجی، ایجاد تنش‌های سخت بین‌المللی در دیپلماسی احمدی‌نژاد که دنیا را علیه ایران متحد کرد از مهم‌ترین عوامل ناکامی دیپلماسی نفتی بود، درحالی‌که رشد و پویایی صنعت نفت به محیطی بدون تنش و امن نیاز دارد. پروژه‌های بین‌المللی یکی پس از دیگری تعلیق و به بایگانی سپرده شد که یکی از مهم‌ترین آنها سوآپ نفت‌خام با ترکمنستان بود که در زمانه وزارت میرکاظمی لغو شد. مناسبات با پاکستان در حداقل ممکن بود و خط‌لوله صلح علی‌رغم

تأکیدات مکرر رهبر انقلاب به نتیجه نرسید. انتظار می‌رفت مناسبات با دولت هند به تحولی بنیادین دست یابد، اما متأسفانه نتیجه‌ای حاصل نشد. برای رابطه با کشورهای اروپای شرقی استراتژی مشخصی وجود نداشت، ولی رابطه با چین و روسیه به دلیل خریداران نفتی بزرگ، شرکت‌های بزرگ سازنده تجهیزات و صاحب فناوری روزبه‌روز گسترش یافت. اگرچه پس از اوج‌گیری تنش با امریکا در اوایل دهه ۱۳۹۰، این کشورها نیز روابط نفتی خود را با ایران به حداقل کاهش دادند.

همچنین، در طول این دوره وزارت نفت با کشورهای آنگولا، نیجریه، برزیل، آرژانتین، مکزیک، سودان، اریتره، زیمبابوه، غنا، اتیوپی، نامیبیا، مالاوی و گامبیا اقدام به تعامل در سطوح مختلف کرد و بخشی از این تعاملات به نتیجه رسید، ولی بیشتر آن بر روی کاغذ باقی ماند. امضای تفاهم‌نامه برای فروش نفت، احداث پالایشگاه مشترک، جذب سرمایه‌گذاری، اکتشاف و حفاری و توسعه میادین، بازسازی و ارتقای پالایشگاه از این دست بودند.[۱] یکی از ارزشمندترین تفاهم‌نامه‌های اشاره‌شده در بالا، تأسیس شرکت پلیمر آریا ساسول در سال ۱۳۸۵ بود که مذاکرات اولیه و قراردادهای نهایی آن در دولت پیشین عملیاتی شده بود. قرارداد ایران و شرکت ساسول از افریقای جنوبی در فروردین ۱۳۸۱ امضا شده بود.

کشور ونزوئلا یکی از مقاصد نفتی ـ اقتصادی دولت در سال ۱۳۸۵ بود. درحالی‌که گفت‌وگو با بلاروس برای توسعه میادین نفتی و یک شرکت ویتنامی برای کشف و توسعه یک میدان نفتی دیگر در جریان بود، هوگو چاوز از عسلویه و پارس جنوبی دیدن کرد. قراردادهایی نیز منعقد شد. شهریورماه ۱۳۸۵، محمود احمدی‌نژاد در ونزوئلا حضور یافت و در مراسم آغاز عملیات حفاری اولین پروژه چاه مشترک نفتی ایران و ونزوئلا شرکت جست.[۲] تبادل چهار سند همکاری نفتی میان ایران و ونزوئلا، روابط نفتی ایران با کشورهای آمریکای لاتین را در صدر قرار داد.[۳] به‌علاوه، ایران و ونزوئلا با سوریه و مالزی قراردادی برای ساخت پالایشگاه در نزدیکی حمص، در سوریه، امضا کردند.[۴]

کنیا، جیبوتی و کومور دیگر کشورهایی بودند که ایران روابط نفت و انرژی خود را با آنان توسعه داد. نقره‌کار شیرازی، معاون بین‌الملل وزارت نفت، در فروردین ۱۳۸۸

۱ . انقلاب، نفت، توسعه ۷، ص ۱۵۲.

۲ . مشعل، شماره ۳۱۵، ۲ تیر ۱۳۸۵، ص ۵.

۳ . مشعل، شماره ۴۳۸، ۲۳ فروردین ۱۳۸۸، ص۶.

۴ . خبرگزاری شانا، ۹ آبان ۱۳۸۶.

گفت: «ایران در این کشورها برای توسعه میادین و اکتشاف و استخراج برنامه‌ریزی کرده است.»[۱] موریتانی، مالی و گامبیا دیگر کشورهایی بودند که رئیس‌جمهور از آنها دیدن و پیشنهادهایی برای مطالعه میادین این سه کشور ارائه کرد. سریلانکا نیز از سرمایه‌گذاری نفتی در ساخت پالایشگاه بی‌بهره نماند.

کشور بلاروس نیز در این دوره مورد توجه ویژه دولت قرار گرفت. قرارداد توسعه میدان نفتی جفیر با مشارکت ۵۰ درصدی شرکت مهندسی و توسعه نفت (متن) با شرکت بلاروس نفت امضا شد. تاتارستان نیز از مقاصد مدیرعامل شرکت ملی نفت ایران بود.[۲] تیر ۱۳۸۷، الکسی میلر، رئیس شرکت بزرگ گازپروم، با محمود احمدی‌نژاد ملاقات اختصاصی داشت. پس از این ملاقات، رهسپار ساختمان مرکزی وزارت نفت شد تا نخستین توافقنامه خود را با شرکت ملی نفت ایران به امضا برساند. در توافقنامه‌ای که با حضور غلامحسین نوذری، وزیر نفت، و حسین نقره‌کار شیرازی، معاون امور بین‌الملل، به امضای جشن‌ساز و میلر رسید، دو کشور بر توسعه همکاری‌های نفت و گاز تأکید کردند.[۳]

گسترش روابط با کشور بولیوی نیز در راستای سیاست خارجی دولت مهروزی و عدالت صورت گرفت. در این دوره ایران به این کشورها بیشتر از گذشته نزدیک شد و روابط نفتی ویژه‌ای با آنها برقرار کرد. با تصویب هیئت دولت، شرکت ملی نفت اجازه یافت یک دفتر نمایندگی در بولیوی تأسیس کند.[۴] آذر ۱۳۸۸ دفتر نمایندگی شرکت ملی نفت ایران در بولیوی با حضور احمدی‌نژاد و رئیس‌جمهور بولیوی افتتاح شد. بهمن سروشی، مدیر هماهنگی و نظارت بر نفت و گاز شرکت ملی نفت ایران، گفت: «این دفتر در مورد طرح‌های مورد علاقه دو کشور در زمینه نفت، گاز و پتروشیمی فعالیت خواهد کرد. عملیات اکتشاف و توسعه نفت و گاز در ۵ میدان معرفی‌شده ازسوی شرکت نفت بولیوی، حفاری در این میادین پنج‌گانه، آموزش نیروی انسانی در بخش نفت و گاز بولیوی، افزایش ظرفیت تولید پالایشگاه نفت موجود و بررسی برای احداث یک پالایشگاه جدید با ظرفیت ۳۰ هزار بشکه پالایش در روز، از برنامه‌های این دفتر در بولیوی است.»[۵]

۱ . مشعل، فروردین ۱۳۸۸.
۲ . مشعل، شماره ۴۱۷، آبان ۱۳۸۷، ص ۳.
۳ . مشعل، شماره ۴۰۲، ۳۰ تیر ۱۳۸۷، ص ۲.
۴ . مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت، جلسه ۱۶۹۱، ۱۳۸۸/۸/۳.
۵ . مشعل، شماره ۴۷۱، ۸ آذر ۱۳۸۸، ص ۱.

سیف‌الله جشن‌ساز در دی ۱۳۸۸ طی حکمی، رجبعلی خانچی را به سمت مشاور مدیرعامل منصوب کرد. در حکم خانچی آمده بود: «ضرورت دارد با استفاده از تجارب مدیریتی خود در پروژه‌ها و طرح‌های توسعه‌ای نفت و گاز، به‌عنوان نماینده مدیرعامل شرکت ملی نفت ایران ساماندهی دفتر همکاری‌های صنعت نفت در بولیوی و برنامه‌ریزی‌های لازم جهت تحقق مفاد توافقنامه‌های فیمابین را در اولویت کاری خود قرار دهید.»[۱]

در روابط نفتی با بولیوی، جز انعقاد چند تفاهم‌نامه و تأسیس شرکت و کمک مالی به این کشور، چیزی عاید صنعت نفت ایران نشد که برخی از این قراردادها مخالفت نمایندگان مجلس را در پی داشت. خرداد ۱۴۰۰، فرانکلین مولینا، وزیر نفت و انرژی بولیوی، و مرتضی تفرشی، سفیر ایران در بولیوی، برای از سرگیری روابط دوجانبه در زمینه نفت و انرژی به گفتگو نشستند. وزیر نفت بولیوی به توافقات دو کشور در سال ۱۳۸۸ اشاره کرد و گفت: «دو کشور این گفتگوها را در راستای توافقات امضاشده از سال ۲۰۰۷ پی می‌گیرند که آن زمان توسط کارلوس ویگاس، رئیس وقت شرکت میادین نفتی مالی بولیوی (YPFB)، آغاز شده بود.»[۲]

تغییر سیاست فروش

در نخستین سال دولت نهم، پس از شدت گرفتن زمزمه تحریم‌ها، شرکت ملی نفت در سیاست فروش نفت‌خام تحولی ایجاد کرد. مدیران و کارشناسان نفت جامعهٔ هدف فروش را به‌تدریج تغییر دادند و شرکت‌ها و دولت‌های آسیایی چین، روسیه و برخی شرکت‌های مستقل غربی به‌تدریج به خریداران نفت پیوستند. این سیاست از اواخر اردیبهشت تا شهریور ۱۳۸۵ به‌مرور اعمال شد. برای خریدارن جدید، تسهیلاتی برای مدت پرداخت ارائه شد تا سهم ایران در بازار نفت حفظ شود.

موضوع گفتگوی جلسه ۳۰ خرداد ۱۳۸۵ هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران در مقابله با فضای تحریم بود. در پایان جلسه، مصوبه به خریداران نفت ایران تسهیلاتی مانند مهلت بیشتر برای پرداخت قیمت نفت داد تا همچنان مشتری بمانند. «... اعطای تسهیلات مناسب به کشورهای آسیایی نظیر چین و کشورهای آفریقایی نظیر آفریقای جنوبی در نظر گرفته می‌شد. به معاونت بین‌الملل مأموریت داده می‌شود تا نسبت به بررسی

۱. خبرگزاری شانا، ۹ دی ۱۳۸۸.

۲. خبرگزاری ایرنا، ۲۸ خرداد ۱۴۰۰.

استقرار نماینده در کشورهای چین و هندوستان و کره جنوبی و تأسیس شرکت‌های بازاریابی در این کشورها اقدام کند.»[۱]

سوآپ نفت‌خام

از قرارداد سوآپ نفت‌خام و عملیاتی شدن آن در فصل‌های پیشین سخن گفتیم. در سال‌های ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۵ عملیات سوآپ بالغ بر ۲۰۰ میلیون دلار برای ایران سودآوری داشت. به گفته سیدمحمود امام‌زاده، مدیرعامل خطوط لوله و مخابرات نفت، در این مدت، ۱۰۰ میلیون بشکه نفت‌خام کشورهای آسیای میانه از طریق خط لوله نفت نکا ـ ری وارد ایران و معادل آن از بندر خارگ به متقاضیان نفت‌خام این کشورها تحویل داده شد و تمامی هزینه‌های ریالی و دلاری این طرح از عملیات سوآپ فی بازگردانده شد.[۲] افزایش ظرفیت نفت سوآپ و متناسب با آن، افزایش تعداد مخازن ذخیره‌سازی از آخرین تصمیمات مدیران دولت اصلاحات بود. بر اساس مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت، ساخت سه مخزن ۳۳۰ هزار بشکه‌ای در پایانه نکا با هزینه‌ای معادل ۹ میلیون دلار در دستور کار قرار گرفت.[۳]

ظرفیت سوآپ در دولت نهم به ۵۰۰ هزار بشکه در روز افزایش یافت، اما در دولت دهم و به دستور مسعود میرکاظمی، وزیر نفت، عملیات سوآپ در مرداد ۱۳۸۹ متوقف شد.[۴] میرکاظمی، در ۱۲ تیر ۱۳۹۰، در نشست مشترک با اعضای کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی، از تصمیم خود دفاع کرد و گفت: «انتقادهایی که درباره متوقف کردن سوآپ نفت در دوران مسئولیت من در وزارت نفت مطرح شده، بی اساس و بی جا است. طرح سوآپ نفت عین خیانت به سرمایه‌های کشور بود. من نام این طرح را «شوآپ» گذاشته بودم، چون این طرح در واقع خریداری نفت بود و عملا واردات نفت به شمار می‌آمد. نفت را با صرف هزینه‌های بالا به داخل کشور می‌آوردند و با کمترین سود می‌فروختند، به‌طوری‌که برای ۲۰ یا ۳۰ سنت سود، عملاً ۸۰ دلار از سرمایه‌های کشور از دست می‌رفت.»[۵]

---

۱ . مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت، جلسه ۱۵۳۱، ۱۳۸۵/۳/۳۰.

۲ . مشعل، شماره ۳۱۵، ۲ مهر ۱۳۸۵، ص ۲.

۳ . مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت، جلسه ۱۵۳۲، ۱۳۸۵/۴/۸.

۴ . خبرگزاری تابناک، ۱۵ بهمن ۱۳۹۲

۵ . پایگاه خبری آفتاب، ۱۲ تیر ۱۳۹۰.

از سوی دیگر، او معتقد بود نرخ ۲ دلار برای معاوضه هر بشکه نفت‌خام باید به ۵/۵ دلار در هر بشکه افزایش یابد که این درخواست مورد موافقت هیچ‌یک از کشورهای معاوضه‌کننده (روسیه، ترکمنستان و قزاقستان) قرار نگرفت. برخلاف نظر میرکاظمی، کارشناسان معتقد بودند عملیات سوآپ حتی با نرخ یک دلار برای هر بشکه، به دلیل وجود ظرفیت ۵۰۰ هزار بشکه‌ای، سالانه بیش از ۱۸۲ میلیون دلار ارز و درآمد نصیب کشور می‌کرد که این درآمد از دست رفت. با لغو یک‌طرفه قرارداد ازسوی وزیر نفت ایران، کشورهای طرف قرارداد اعلام کردند که به محاکم بین‌المللی شکایت کرده و خواستار خسارت خواهند شد.

میرکاظمی به شرکت نیکو که عملیات معاوضه را بر عهده داشت، شش ماه فرصت داد تا با مذاکره با این شرکت‌ها و جلب توافق آنان، مانع از شکایت به مراجع بین‌المللی شود. مذاکرات شرکت نیکو با کشورهای طرف معاوضه به نتیجه نرسید و دادخواهی آنان به مراجع بین‌المللی واصل شد. شکایت این کشورها در جلسه بهمن ۱۳۸۹ هیئت‌مدیره، انعکاس تندی داشت. میرکاظمی خواستار توضیح شرکت نیکو درباره علت به نتیجه نرسیدن مذاکرات و مشخص شدن مسئول این بی‌توجهی شد.[۱]

آغاز فعالیت‌های هسته‌ای و تحریم‌ها

فعالیت‌های هسته‌ای ایران در اواخر دولت اصلاحات با پذیرش چند توافقنامه با سه کشور اروپایی حدود دو سال به حالت تعلیق در آمد. به هنگام روی کار آمدن دولت احمدی‌نژاد بار دیگر این فعالیت‌ها از سر گرفته شد. از سر گیری فعالیت‌های هسته‌ای با فک پلمپ از UCFهای اصفهان آغاز و با از سرگیری فعالیت‌های غنی‌سازی با فک پلمپ تأسیسات نطنز پیگیری گردید. مجموعه این اقدامات در سال‌های بعدی منجر به صدور شش قطعنامه تحریمی علیه ایران شد که بر اقتصاد ایران و به‌ویژه صنعت نفت اثرات منفی بسیاری بر جا گذاشت.

با آغاز مجدد فعالیت‌های هسته‌ای ایران، ۱۵ بهمن ۱۳۸۴ اروپا و امریکا اجلاس اضطراری شورای حکام را تشکیل و با تصویب قطعنامه‌ای به ایران اخطار دادند که در صورت از سر گیری فعالیت‌های غنی‌سازی، پرونده ایران را به شورای امنیت سازمان ملل خواهند فرستاد. با نادیده گرفتن این اخطار ازسوی دولت، پرونده هسته‌ای ایران در

۱ . مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت، جلسه ۱۷۴۳، ۱۳۸۹/۱۱/۲۴.

۱۸ اسفند به شورای امنیت سازمان ملل ارسال شد.[۱] این اقدامات آغازگر بخشی از روند طولانی پرونده هسته‌ای ایران بود. کارشناسان مشکلاتی که از این پس، پیش روی صنعت نفت قرار داشت را پیش‌بینی کرده بودند.

اسفند ۱۳۸۴ سیدمحمدهادی نژادحسینیان، معاون امور بین‌الملل وزارت نفت، با نشریه روند اقتصادی به گفتگو نشست و از چالش‌های پیش روی صنعت نفت ایران سخن گفت و تحریم صادرات نفت‌خام و افزایش قیمت‌ها را پیش‌بینی کرد: «در کوتاه‌مدت، به دلیل حساسیت بازار نفت و وضعیت قیمت‌ها، هر تهدیدی قیمت‌ها را بالا خواهد برد، اما در درازمدت بستگی به این دارد که روند امور به چه نحو باشد. اگر جلو تولید نفت ایران را بگیرند، قاعدتاً فشار به بازار وارد می‌شود و قیمت‌ها بالا می‌رود، اما اینکه افزایش قیمت‌ها در درازمدت چگونه باشد، بستگی به این دارد که تولیدکنندگان دیگر تا چه حد خواهند توانست کمبود نفت ایران را جبران کنند. مثل جنگ خلیج‌فارس که یک مدت قیمت‌ها بالا رفت، ولی بعد بر اثر تولید، قیمت‌ها پایین آمد.»[۲]

با ارجاع پرونده هسته‌ای ایران به سازمان ملل متحد، اولین قطعنامه تحریمی شورای امنیت سازمان ملل در ۹ مرداد ۱۳۸۵ ذیل ماده ۴۰، فصل هفتم منشور سازمان ملل متحد علیه ایران صادر گردید. در این قطعنامه، از ایران خواسته شد تمام فعالیت‌های مرتبط با غنی‌سازی و بازفراوری را تعلیق کند. همچنین، کشورها را از انتقال هرگونه اقلام، مواد، کالا و فناوری که می‌تواند به فعالیت‌های غنی‌سازی مربوط شود، منع کرد.[۳] بلافاصله، غلامحسین نوذری، مدیرعامل شرکت ملی نفت ایران، با خبرگزاری‌ها به گفتگو نشست و گفت: «در صورت بروز هرگونه تحریمی، وزارت نفت در خط مقدم جبهه خواهد بود، بنابراین، ما خود را برای یک کار جدی آماده کرده‌ایم. شرکت‌های داخلی باید خودشان را آماده کنند تا با ایجاد کنسرسیوم‌های بزرگ‌تر، ضمن کاهش آسیب‌های تحریم احتمالی، سهم سازندگان و پیمانکاران داخلی صنعت نفت در پروژه‌ها را افزایش دهند.»[۴]

درحالی‌که مدیران صنعت نفت در تلاش بودند تا به اهداف از پیش تعیین‌شده در

۱ . روزنامه اعتماد، ۴ تیر ۱۳۹۶.

۲ . سید محمدهادی نژادحسینیان، «با تعارف سیاسی نمی‌توان از منابع ملی چشم پوشید.»، نشریه روند اقتصادی، ۱۸ اسفند ۱۳۸۴، صص ۳۶ـ۴۱.

۳ . تارنمای انتخاب، «قطعنامه‌های شورای امنیت علیه ایران»، ۲۴ شهریور ۱۳۹۴.

۴ . مشعل، شماره ۳۱۳ ، ۱۹ شهریور ۱۳۸۵، ص ۲.

حوزه‌های مختلف اکتشاف، تولید، توسعه، نفت و گاز و پتروشیمی دست یابند، سایه تحریم‌ها گسترده‌تر می‌شد. دومین قطعنامه تحریمی سازمان ملل در ۲۳ دسامبر ۲۰۰۶ / ۲ دی ۱۳۸۵ ذیل ماده ۴۱، فصل هفتم منشور ملل متحد و قطعنامه سوم در پایان سال ۱۳۸۶ صادر شد. تا پایان سال ۱۳۸۹، درمجموع شش قطعنامه علیه ایران صادر گردید.[۱] واکنش محمود احمدی‌نژاد، رئیس‌جمهور، به این قطعنامه‌ها چنین بود: «این قطعنامه‌ها پشیزی نمی‌ارزد.»[۲] در جای دیگری نیز قطعنامه‌ها را به کاغذپاره تشبیه کرد. واکنش او مورد اعتراض بسیاری از صاحب‌نظران قرار گرفت و او را متهم کردند که درک درستی از پیامدهای تحریم ندارد.[۳]

در کنار تحریم‌های سازمان ملل متحد، اتحادیه اروپا و چند کشور دیگر نیز با اعمال تحریم‌های چندجانبه و یک‌جانبه، فشارهای اقتصادی بر ایران را افزایش دادند. فرمان‌های اجرایی باراک اوباما، رئیس‌جمهور امریکا، نیز در سنگین‌تر شدن تحریم‌ها در زمینه‌های مختلف نقش ویژه‌ای داشت. آخرین فرمان اجرایی اوباما بر ضد برنامه‌های هسته‌ای ایران در ۱۳ خرداد ۱۳۹۲ صادر شد که صنعت پتروشیمی ایران را تحریم کرد. براساس این فرمان، هر نهاد یا فردی که در مبادلات مالی و معاملات مربوط به خرید، فروش، حمل‌ونقل و بازاریابی محصولات پتروشیمی ایران مشارکت داشت، در جریان تحریم قرار می‌گرفت.[۴]

چنانکه کارشناسان پیش‌بینی کرده بودند، طولی نکشید که تحریم‌ها آثار زیانبار خود را بر صنعت نفت و به‌ویژه قراردادهای بین‌المللی نشان داد. در سال‌های پایانی دهه هشتاد، شرکت‌های حاضر در توسعه صنایع بالادستی نفت و گاز به‌تدریج از حضور در پروژه‌ها انصراف دادند. بسیاری از شرکت‌های صاحب تکنولوژی نیز از فروش دانش فنی و تجهیزات مختلف به ایران خودداری کردند.

با تحریم صادرات نفت‌خام، فراورده‌های نفتی و محصولات پتروشیمی، خریداران از معامله با ایران خودداری کردند. اگرچه صادرات نفت‌خام هیچ‌گاه به‌طور کامل متوقف نشد، ولی به‌شدت کاهش یافت. به‌طوری‌که در سال ۱۳۹۱ میزان صادرات نفت‌خام ایران به رقم حدود ۱ میلیون و ۱۰۰ هزار بشکه در روز رسید. ازسوی دیگر، تحریم‌هایی

۱ . تارنمای انتخاب، «قطعنامه‌های شورای امنیت علیه ایران»، ۲۴ شهریور ۱۳۹۴.

۲ . «قطعنامه، تیر خلاص به شورای امنیت و امریکاست»، روزنامه ابتکار، ۲۲ خرداد ۱۳۸۹.

۳ . تارنمای عصر ایران، «هفت نکته کوتاه درباره قطعنامه ۱۹۲۹»، ۲۰ خرداد ۱۳۸۹.

۴ . خبرگزاری صدا و سیما، «نگاهی به روند تحریم‌های صنایع نفت، گاز و پتروشیمی»، ۲۴ اسفند ۱۳۹۴.

نیـز اعمـال شـد تـا مانـع دسترسـی ایـران بـه درآمدهـای نفتـی شـود. تحریم‌هـای گسـترده بانکـی و به‌ویـژه تحریـم بانـک مرکـزی و قطـع شـبکه سـوئیفت در تعقیـب ایـن هـدف صـورت گرفـت.[۱]

رئیس‌جمهـور امریـکا در ۹ مـرداد ۱۳۹۱ بـا صـدور فرمـان اجرایـی، شـرکت ملـی نفـت ایـران و شـرکت نیکـو را تحریـم کـرد. طبـق ایـن قانـون، انجـام یـا تسـهیل عامدانـه هرگونـه معاملات قابـل توجـه بـا مؤسسـات مالـی خصوصـی یـا دولتـی خارجـی یـا هـر سـازمان دیگـری بـرای خریـد نفـت و محصـولات پتروشـیمی ایـران مشـمول تحریـم شـد. هـدف ایـن تحریـم، جلوگیـری از ایجـاد سـازوکارهایی بـرای پرداخـت پـول نفـت بـا هـدف دور زدن تحریم‌هـا بـود. در ایـن فرمـان اجرایـی، افـراد و سـازمان‌هایی کـه در شـرکت ملـی نفـت ایـران و شـرکت نیکـو، نفـت یـا محصـولات نفتـی و پتروشـیمی خریـداری و اسـکناس دلار یـا فلـزات گرانبهـا را بـرای دولـت ایـران تأمیـن می‌کردنـد، تحریـم شـدند.[۲]

بـه ایـن ترتیـب، تحریم‌هـا سـه گام اصلـی داشـت: کاهـش تولیـد نفـت؛ کاهـش و کانالیـزه کـردن فـروش نفـت و محدودیـت دسترسـی بـه درآمدهـای نفتـی. در ایـن شـرایط، شـرکت نیکـو در سـوئیس، بـا مدیریـت سـیف‌الله جشن‌سـاز، مأموریـت سـختی را بـر عهـده گرفـت. ایـن شـرکت بایـد بـه هـر روش ممکـن و بـا دور زدن تحریم‌هـا، منفـذی بـرای فـروش نفت‌خـام و خریـد بنزیـن و گازوئیـل بـرای واردات بـه ایـران پیـدا می‌کـرد، امـا تحریـم شـرکت ملـی نفتکـش و هرگونـه نقل‌وانتقـال نفـت ازسـوی امریـکا و اتحادیـه اروپـا، فـروش و انتقـال نفـت را سـخت‌تر از پیـش کـرد. ازایـن‌رو، مدیـران نفـت بـه دنبـال راهکارهایـی بـرای فـروش نفت‌خـام بودنـد. «تحویـل محموله‌هـا بـه شـرکت‌های خارجـی بـدون گشـایش اعتبـار اسـنادی، پرداخـت وجـه محمـولات به‌صـورت حوالـه تلگرافـی بـا دوره پرداخـت ۹۰روزه از تاریـخ بارنامـه بـدون بهـره و بـدون ارائـه ضمانت‌نامـه، پرداخـت وجـه محمولـه و همچنیـن تقبـل و پرداخـت تمامـی هزینه‌هـای حمـل، بیمـه محصـولات، هزینه‌هـای انتقـال کشـتی بـه کشـتی و دیگـر هزینه‌هـای عملیاتـی ازسـوی شـرکت ملـی نفـت ایـران»[۳] از راهکارهـای پرهزینـه‌ای بـود کـه وزارت نفـت بـرای فـروش و انتقـال نفت‌خـام در شـرایط سـخت تحریـم اتخـاذ کـرده بـود. یکـی دیگـر از راه‌هـای فـروش نفت‌خـام در شـرایط تحریم‌هـای همه‌جانبـه و گسـترده، فـروش نفـت بـه سـازمان‌ها و مؤسسـات داخلـی بـود تـا آنهـا بـه هـر طریـق کـه می‌تواننـد نسـبت بـه فـروش محموله‌هـا در خـارج از کشـور

۱ . خبرگزاری صدا و سیما،«نگاهی به روند تحریم‌های صنایع نفت، گاز و پتروشیمی»، ۲۴ اسفند ۱۳۹۴.
۲ . خبرگزاری صدا و سیما، «نگاهی به روند تحریم‌های صنایع نفت، گاز و پتروشیمی»، ۲۴ اسفند ۱۳۹۴.
۳ . مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت، جلسه ۱۸۰۶، ۱۳۹۱/۷/۳۰.

اقدام کنند که در این میان برخی از افراد سودجو و فرصت‌طلب به سوءاستفاده از شرایط تحریمی اقدام و بخشی از پول نفت را در حساب‌های خارج واریز و از ارائه اسناد به دولت خودداری کردند. مهم‌ترین پرونده از این دست همانا پرونده بابک زنجانی بود که در این فصل و فصل آتی بدان پرداخته می‌شود.

دو مقطع زمانی از نگاه آمار

سال ۱۳۸۴، محمود احمدی‌نژاد در حالی دولت را از سیدمحمد خاتمی تحویل گرفت که علی‌رغم تنش‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، اقتصاد ایران روبه‌رشد بود و اغلب شاخص‌های اقتصادی (جز بورس) در مسیر رشد و پویایی قرار داشتند. در این سال، دولت تلاش کرد با استفاده از حساب ذخیره ارزی و استقبال از مشارکت هرچه بیشتر بخش خصوصی زمینه رشد اقتصادی بلندمدت را فراهم کند. از همین سال، رئیس‌جمهور به دنبال طرح هدفمندی یارانه‌ها بود که در دولت بعدی خود آن را اجرایی کرد.

میزان واردات در این سال به رکورد بی‌سابقه ۴۳ میلیارد دلار رسید. تسهیل تجارت خارجی و آزادسازی مبادلات ارزی، ارائه تسهیلات ارزی و ریالی به صادرکنندگان کالاها و خدمات، معافیت کامل از پرداخت مالیات و عوارض و اعطای یارانه و مشوق‌های صادرات در رشد فزاینده واردات در این سال اثرگذار بود.[۱]

در سال ۱۳۸۴ ذخایر اثبات‌شده نفت‌خام ایران بالغ بر ۱۳۷ میلیارد بشکه تخمین زده شد که در میان کشورهای اوپک، ایران پس از عربستان در رتبه دوم قرار گرفت. ذخایر اثبات‌شده گاز طبیعی در این سال، بالغ بر ۲۶ هزار میلیارد مترمکعب بود. ایران و قطر بیشترین ذخایر اثبات‌شده گاز طبیعی را در میان کشورهای عضو اوپک داشتند.[۲]

طبق سهمیه اوپک، تولید نفت‌خام ایران در این سال، ۴ میلیون و ۱۰۰ هزار بشکه و صادرات نفت‌خام ۲ میلیون و ۶۰۰ هزار بشکه در روز بود و قیمت هر بشکه نفت‌خام تک‌محموله‌ای ایران به ۵۳/۱۱ دلار رسید. برخی رخدادها همچون ناآرامی‌های سیاسی و نظامی در منطقه خاورمیانه، نیجریه و ونزوئلا، خرابکاری در صنعت نفت عراق و افزایش فعالیت بورس‌بازان، افزایش شدید قیمت نفت را در پی داشت. در همین سال، تولید گاز طبیعی ۸۷ میلیارد مترمکعب و مصرف آن ۸۸/۵ میلیارد مترمکعب بود.[۳] با افزایش

۱ . ترازنامه بانک مرکزی، سال ۱۳۸۴.

۲ . ترازنامه بانک مرکزی، سال ۱۳۸۴.

۳ . ترازنامه بانک مرکزی، سال ۱۳۸۴.

تولید خودروهای پرمصرف، مصرف بنزین افزایش یافت و واردات بنزین سیر صعودی به خود گرفت. واردات بنزین در این سال به رقم ۱۵۶ هزار بشکه در روز رسید. قیمت بنزین نسبت به سال قبل تغییری نکرد و ۸۰۰ ریال در هر لیتر بود. ضرورت واردات بنزین، کشور را در تنگناهای مالی و علمیاتی شدیدی قرار داد، به‌طوری‌که بحث پیرامون سهمیه‌بندی بنزین و توزیع آن از طریق کارت هوشمند برای کنترل مصرف بار دیگر قوت گرفت.[۱]

پایان دوره اول دولت احمدی‌نژاد در سال ۱۳۸۸، هم‌زمان با سال پایانی برنامه چهارم توسعه بود. در این سال، اقتصاد کشور عملکرد نسبتاً مطلوبی داشت، اما گروه نفت در تحقق اهداف رشد برنامه چهارم توسعه ناموفق بود. بحران مالی و رکود اقتصادی جهانی همراه با مشکلات ناشی از تحریم‌های اقتصادی از دلایل این عدم تحقق اهداف بود. تولید و صادرات نفت‌خام در این سال کاهش یافت. تولید نفت‌خام ایران در چارچوب سهمیه اوپک، ۳ میلیون و ۶۰۰ هزار بشکه در روز و صادرات نفت‌خام ۲ میلیون و ۱۰۰ هزار بشکه در روز و صادرات فراورده‌های نفتی ۱۰۹ هزار بشکه در روز بود. میانگین بهای نفت‌خام تک‌محموله‌ای ایران به حدود ۶۹ دلار در هر بشکه رسید.[۲] واردات نفت‌خام (عملیات سوآپ) بالغ بر ۸۹ هزار بشکه در روز بود. واردات گاز طبیعی از ترکمنستان، با فرازوفرودهایی به ۱۵ میلیون مترمکعب در روز رسید.[۳]

ذخایر نفتی درجای ایران در این سال بالغ بر ۱۳۷ میلیارد مترمکعب و ذخایر درجای گاز طبیعی ایران ۲۹/۶ هزار میلیارد مترمکعب بود. متوسط نرخ دلار در بازار غیررسمی، ۹ هزار و ۹۷۹ ریال بود. تفاوت معناداری بین نرخ دلار در بازار بین‌بانکی و بازار غیررسمی وجود نداشت و در کانال ۹۰۰ تا ۱۰۰۰ تومان در حال نوسان بود.[۴]

واردات بنزین در این سال افزایش یافت. پس از اعمال سهمیه‌بندی بنزین موتور و ارائه آن از طریق سیستم‌های هوشمند در اوایل سال ۱۳۸۶، واردات بنزین کاهش یافت و به حدود ۱۱۹ هزار بشکه در روز رسید، ولی در سال ۱۳۸۸، باردیگر با روندی افزایشی بالغ بر ۱۳۲ هزار بشکه در روز بود.[۵]

۱ . ترازنامه هیدروکربوری، سال ۱۳۸۴.
۲ . ترازنامه بانک مرکزی، سال ۱۳۸۸.
۳ . ترازنامه هیدروکربوری، سال ۱۳۸۸.
۴ . ترازنامه بانک مرکزی، سال ۱۳۸۸.
۵ . ترازنامه هیدروکربوری، سال ۱۳۸۸.

صنعت پتروشیمی در این سال عملکرد نسبتاً مطلوبی داشت. واحد طرح متانول ششم پتروشیمی زاگرس، واحد بوتادین فاز دوم پتروشیمی جم، طرح پتروشیمی مهر در منطقه عسلویه افتتاح شد. با بهره‌برداری از واحدهای جدید و افزایش تولید در برخی از مجتمع‌ها، میزان تولید محصولات پتروشیمی حدود ۳۴ میلیون تن بود. از این میزان، حدود ۱۴۰۳۸ هزار تن با ارزش ۷۵۶۶ میلیون دلار صادر شد. میزان فروش داخلی ۷۸۶۴ هزار تن بود. پتروشیمی‌های ارومیه، شیراز، خارگ، اصفهان و خراسان بالاترین عملکرد تولید را داشتند و مجتمع‌های پتروشیمی فن‌آوران، نوری و بندرامام بالاترین ارزش فروش صادراتی را به خود اختصاص دادند.[۱]

در سال پایانی این دوره (۱۳۹۲) با افزایش فعالیت‌های اکتشافی، ذخایر اثبات‌شده نفت‌خام ایران به ۱۵۷ میلیارد بشکه و ذخایر اثبات‌شده گاز طبیعی به ۳۳/۸ هزار میلیارد مترمکعب رسید. میانگین تولید نفت‌خام ایران در چارچوب سهمیه اوپک ۳ میلیون و ۶۰۰ هزار بشکه در روز بود. صادرات نفت‌خام با حدود یازده درصد کاهش به یک میلیون و ۶۰۰ هزار بشکه در روز و صادرات فراورده‌های نفتی نیز با اندکی کاهش، به ۹۹ هزار بشکه در روز رسید. قیمت نفت‌خام در این سال روندی صعودی داشت و متوسط بهای نفت‌خام تک‌محموله‌ای ایران به ۱۰۵ دلار در هر بشکه رسید. کاهش سطح موجودی نفت‌خام امریکا، نشت نفت در خط‌لوله کرکوک ـ جیحان، کاهش تولید نفت لیبی و کاهش صادرات عراق از این خط‌لوله، افزایش تنش در خاورمیانه و کاهش تولید نفت اوپک در رشد قیمت نفت اثرگذار بود. تولید گاز طبیعی به ۱۶۶/۶ میلیارد مترمکعب رسید و مصرف گاز طبیعی ۱۵۴ میلیارد مترمکعب بود. توسعه گازرسانی به مناطق روستایی و شهری و اجرای قانون هدفمندسازی یارانه‌ها در رشد مصرف گاز طبیعی در کشور اثر داشت.[۲]

درآمد هنگفت نفتی

از اوایل قرن بیستم، درآمد دولت ایران متحول گشت و درآمدهای نفتی به‌تدریج وارد خزانه گردید. در ابتدا درآمدهای مالیاتی بر درآمد نفتی پیشی داشت، اما این وضعیت استمرار نیافت و درآمد نفتی، عمده درآمد دولت ایران شد. تا پیدایی دولت نهم و دهم

۱ . ترازنامه هیدروکربوری، سال ۱۳۸۸.

۲ . ترازنامه بانک مرکزی، سال ۱۳۹۲.

فرازوفرود و تناسب این دو بخش درآمدی نسبتاً طبیعی می‌نمود؛ لیکن با افزایش قیمت نفت به یکباره درآمد هنگفتی به خزانه ایران سرازیر شد. در سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۱ قیمت نفت‌خام رکوردهای پیشین را شکست و حتی در مقاطعی تا ۱۴۷ دلار در هر بشکه معامله شد. اگرچه به دلیل تحریم‌ها میزان صادرات نفت کاهش یافت، اما با افزایش بی‌سابقه قیمت نفت، درآمد نفتی کشور به بالاترین میزان خود در تمامی ادوار رسید.

از اوایل سال ۱۳۹۲ کارشناسان درباره میزان درآمد نفتی این هشت سال (۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲) به دلار و ریال و محل مصرف آن تفسیرها و تحلیل‌های گوناگونی ارائه دادند. آمار درآمد نفتی به دلار را برخی ۵۷۰ میلیارد دلار و عده‌ای تا ۶۵۰ میلیارد دلار ذکر کردند. چنانچه این آمار دقت و صحت نداشته باشد، تحلیلگران در مسیر خطا قرار می‌گیرند. منبع رسمی برای فروش و درآمد نفت ایران ترازنامه بانک مرکزی است. متوسط قیمت نفت‌خام (تک‌محموله) در سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۲ بر حسب دلار بدین صورت بود: ۵۸/۵۸، ۷۸، ۸۰/۳، ۶۸/۴۵، ۷۷/۴، ۱۱۱/۱، ۱۰۷/۷۲، ۱۰۵/۳۲. با توجه به میزان صادرات نفت‌خام، درآمد حاصل از فروش نفت‌خام در این بازه زمانی هشت‌ساله، بر حسب میلیارد دلار قابل محاسبه است: ۵۱/۳؛ ۷۱/۱؛ ۷۰/۳؛ ۶۲/۴؛ ۵۶/۵؛ ۸۱/۱؛ ۷۰/۷؛ ۶۱/۴[1] کل درآمد حاصل از فروش نفت‌خام بر اساس ترازنامه بانک مرکزی و بدون احتساب صدور فراورده‌های نفتی، صادرات گاز و میعانات گازی، حدود ۵۲۵ میلیارد دلار بود.

مسائل حاشیه‌ای درآمد نفتی این دوره بیشتر حول سه محور جریان داشت: ۱. نرخ تسعیر ارز ازنظر برخی از کارشناسان شفاف نیست و مقدار ریال اعلام‌شده معلوم نیست بر اساس چه نرخی به شرکت‌های دولتی و بازار فروخته شده است؛ ۲. مقدار سرمایه‌گذاری خارجی از درآمدهای این دوره دقیق اعلام نشده و ازسوی دیگر، بر حسب برخی اعلام‌ها برداشت از حساب ذخیره ارزی نیز انجام شده است؛ ۳. بیلان خرج‌کرد از درآمد نفتی در هر یک از پروژه‌های عمرانی، بخش‌های صنعتی، بهداشتی و... شفاف‌سازی نشده است!

مسعود نیلی از کارشناسانی است که در این‌باره به پژوهش پرداخته است. نیلی معتقد است که اگرچه ایران در زمان دولت دهم بیشترین میزان درآمد نفتی را تجربه کرد، اما کمترین رشد اقتصادی، بیشترین واردات کالا و خدمات را داشت و درنتیجه، دو سال رشد اقتصادی منفی را به کشور تحمیل کرد. ازجمله انتقادات نیلی و برخی کارشناسان دیگر، افزایش واردات بی‌رویه از محل درآمدهای نفتی است: «بخش عمده‌ای از درآمدهای

۱ . ترازنامه بانک مرکزی، سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۲.

نفتی در دولت احمدی‌نژاد صرف واردات بی‌رویه میوه‌های لوکس و محصولات بنجل از کشورهایی مثل چین می‌شد.»[۱] واردات برنج هندی، واردات هندوانه از چین، واردات انگور، اختصاص یارانه برای واردات پرتقال و مسائلی از این دست از همان زمان در رسانه‌ها و مجلس مورد گفت‌وگو و انتقاد قرار گرفت.

مسئله بنزین

طرح تولید ۴۸ ساعته بنزین

پیشینه تولید بنزین در مجتمع‌های پتروشیمی، بر اساس گزارش نشریه مشعل، به سال ۱۳۸۴ بازمی‌گردد که یکی از دست‌اندرکاران مجتمع پتروشیمی برزویه طرح آن را تدوین و به مقامات بالادستی اعلام کرد. او، این طرح را با نام طرح تولید ۴۸ ساعته بنزین به نام خود و صنعت نفت ایران به ثبت رساند. نگارنده درباره کم‌وکیف طرح و مراحل تأیید آن اطلاع دقیقی ندارد.[۲]

فریبرز پناهی که از او به‌عنوان طراح تولید بنزین در مجتمع‌های پتروشیمی یاد می‌شود، آغاز این روند را چنین تشریح کرد: «بهره‌مندی از خوراک پتروشیمی برای تولید بنزین این امکان را فراهم کرده تا در شرایط ضروری مانند تحریم موفق به تولید روزانه بیش از ۱۴ میلیون لیتر بنزین سوپر شویم. تولید هفت میلیون و یکصد هزار لیتر بر عهده پتروشیمی برزویه، دو میلیون و هشتصد هزار لیتر بر عهده پتروشیمی بوعلی سینا و دو میلیون و ۷۰۰ هزار لیتر بنزین بر عهده پتروشیمی بندر امام است. این میزان تولید بر اساس ظرفیت ۱۱۰ درصدی تولید طراحی شده که ایران را قادر به تولید ۱۴ میلیون لیتر بنزین می‌کند.» در ادامه، او درباره مخالفت‌های دیگر کارشناسان در مسیر اجرای این طرح سخن گفت. درنهایت، علی‌رغم مخالفت‌های گسترده، این طرح در پرتو حمایت‌های همه‌جانبه احمدی‌نژاد، رئیس‌جمهور، و غلامحسین نوذری، وزیر نفت، عملیاتی گردید.[۳]

پس از طی مراحل تولید آزمایشی و تأیید طرح ازسوی پالایشگاه شیراز، پرونده این طرح به دستور غلامحسین نوذری بسته و برای روزی گذاشته شد که تحریم ها شدت

۱ . خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۲ اردیبهشت ۱۳۹۶.
۲ . مشعل، شماره ۴۶۱، ۲۹ شهریور ۱۳۸۸، ص ۱.
۳ . مشعل، شماره ۴۶۱، ۲۹ شهریور ۱۳۸۸، ص ۴.

گیـرد. درنهایـت ایـن اتفـاق در زمـان وزارت میرکاظمـی رخ داد.[۱]

در روزهـای پایانـی شـهریور ۱۳۸۸ نگرانـی دولتمـردان از احتمـال تحریـم بنزیـن آشـکار شـد. احمدی‌نـژاد در آغـاز دور دوم دولـت خـود، در حالـی از حرکـت بـه سـمت خودکفایـی و صـادرات بنزیـن سـخن گفـت کـه بیـش از ۴۰ درصـد بنزیـن مصرفـی از خـارج وارد می‌شـد. او بـا اشـاره بـه طـرح تحریـم بنزیـن گفـت: «دشـمن در طـول سـی سـال گذشـته بـرای نفـت مـا خطونشـان زیـادی کشـید، ولـی هـر بـار نیروهـای انقلابـی صنعـت نفـت تـوی دهـان آنهـا زدنـد. حـالا هـم آمده‌انـد می‌گوینـد مـا می‌خواهیـم بنزیـن را تحریـم کنیـم کـه هرچنـد ایـن امـر شـدنی نیسـت، امـا مجموعـه صنعـت نفـت بایـد بـه ایـن سـمت حرکـت کنـد کـه نه‌تنهـا در زمینـه تولیـد بنزیـن بـه خودکفایـی برسـیم، بلکـه بـه‌زودی بـه جمـع صادرکننـدگان نیـز بپیوندیـم. دولـت بـه حمایـت قاطـع از سـاخت پالایشـگاه‌ها ادامـه می‌دهـد.» در ادامـه، طـرح هدفمنـدی یارانه‌هـا و افزایـش قیمـت بنزیـن را بهتریـن اقـدام بـرای مقابلـه بـا تحریـم بنزیـن دانسـت و گفـت: «اگـر درخصـوص قیمـت به‌درسـتی برنامه‌ریـزی شـود، در بدبینانه‌تریـن حالـت ۲۰ درصـد از ۴۲ میلیـون لیتـر بنزیـن مصرفـی در کشـور صرفه‌جویـی خواهـد شـد. او از نماینـدگان مجلـس خواسـت بـه ایـن امـر عنایـت کننـد تـا زودتـر ایـن لایحـه در مجلـس بررسـی شـود.»[۲]

هم‌زمـان، تحریـم فـروش بنزیـن بـه ایـران بحـث داغ مجلـس نماینـدگان و سـنای امریـکا بـود. سـناتورهای امریـکا فقـط بـه گفت‌وگـو و ارائـه طـرح بسـنده نمی‌کردنـد، بلکـه مدیـران شـرکت‌های بـزرگ صادرکننـده بنزیـن بـه ایـران را تحـت فشـار قـرار می‌دادنـد. بـا افزایـش فشـار امریـکا، شـرکت هنـدی ریلاینـس در خـرداد ۱۳۸۸ صـادرات بنزیـن خـود را بـه ایـران قطـع کـرد. دی مـاه همـان سـال، سـه شـرکت بـزرگ ویتـول، گلنکـور و ترافیگـورا صـادرات بنزیـن خـود را بـه ایـران متوقـف کردنـد. ایـن سـه شـرکت روزانـه حـدود نیمـی از نیازهـای فراورده‌هـای نفتـی ایـران را تأمیـن می‌کردنـد. تصمیـم شـرکت هلنـدی ـ سوئیسـی ویتـول از ایـن جهـت اهمیـت داشـت کـه یکـی از بزرگ‌تریـن معامله‌کننـدگان نفـت در جهـان بـود و تصمیمـات ایـن شـرکت بـر روی دیگـر شـرکت‌ها تأثیـر مسـتقیم می‌گذاشـت.

یکـی از مدیـران شـرکت ویتـول در مصاحبـه بـا فایننشـال تایمـز تأییـد کـرد، ویتـول از آغـاز سـال ۲۰۱۰ میـلادی / بهمـن ۱۳۸۸ تصمیـم گرفتـه اسـت در مناقصه‌هـای ایـران شـرکت نکنـد. خبـری بـا همیـن مضمـون ازسـوی مدیـر شـرکت سوئیسـی ترافیگـورا نیـز مطـرح شـد. مدیـر

۱ . خبر آنلاین، «طراح تولید ۴۸ ساعته بنزین در کافه خبر تشریح کرد»، ۲۰ آذر ۱۳۹۰.
۲ . مشعل، شماره ۴۶۱، ۲۹ شهریور ۱۳۸۸، ص۲ .

شـرکت ترافیگـورا اعـلام کـرد مشـکلات و ریسـک سیاسـی ناشـی از صـدور بنزیـن بـه ایـران، فوایـد ناشـی از معاملـه بـا ایـران را تحت‌الشـعاع قـرار داده اسـت. بهمـن ۱۳۸۸ نیـز شـرکت‌های شـل و بریتیـش پترولیـوم صـادرات بنزیـن را بـه ایـران قطـع کردنـد. شـرکت پترونـاس مالـزی نیـز در فضـای تحریمـی به‌وجودآمـده، اواخـر اسـفند ۱۳۸۸ صـادرات بنزیـن بـه ایـران را متوقـف کـرد. نخسـت‌وزیر مالـزی نبـود تقاضـا ازسـوی ایـران را دلیـل ایـن توقـف دانسـت. آخریـن محمولـه صادراتـی بنزیـن پترونـاس روزهـای ۱۳ و ۱۴ اسـفند ۱۳۸۸ در بندرعبـاس تخلیـه شـد.[۱]

از یک‌سـو، مقامـات کشـور بـر بی‌تأثیـر بـودن تحریم‌هـا تأکیـد می‌کردنـد و ازسـوی دیگـر، چشـم‌به‌راه تصویـب لایحـه هدفمنـدی یارانه‌هـا بودنـد. راهبـرد دولتمـردان آن بـود کـه بـا افزایـش چشـمگیر قیمـت فراورده‌هـای نفتـی به‌ویـژه بنزیـن، بتواننـد بـر تبعـات ناشـی از تحریـم فـروش بنزیـن فائـق آینـد. سـرانجام، تحریـم فـروش بنزیـن بـه ایـران کـه در سـال‌های ۱۳۸۶ تـا ۱۳۸۸ در مجلـس نماینـدگان و سـنای امریـکا بـه تصویـب رسـیده بـود، در ۱۰ تیـر ۱۳۸۹ بـا امضـای بـاراک اوبامـا اجرایـی شـد. قانـون جامـع تحریم‌هـا، مسـئولیت‌پذیری و محرومیـت ایـران (CISADA) صنعـت نفـت و گاز ایـران را نشـانه گرفتـه بـود و شـرکت‌هایی را کـه بیـش از ۲۰ میلیـون دلار در بخـش نفـت و گاز ایـران سـرمایه‌گذاری می‌کردنـد و یـا سـالانه بیـش از ۵ میلیـون دلار بنزیـن بـه ایـران می‌فروختنـد، مشـمول مجازات‌هـای امریـکا می‌کـرد.[۲] بـه ایـن ترتیـب، قانـون جامـع تحریم‌هـا (سیسـادا)، هرگونـه منفـذ قانـون داماتـو را کـه در سـال ۱۳۷۵ بـه تصویـب رسـیده بـود، بسـت.

یـک روز پـس از تصویـب ایـن قانـون، محمـود احمدی‌نـژاد در جمـع خبرنـگاران حضـور یافـت و بـا تأکیـد بـر بی‌اثـر بـودن تحریـم بنزیـن گفـت: «ایـران توانمنـدی تأمیـن بنزیـن مـورد نیـاز داخـل را دارد و در صـورت لـزوم ظـرف یـک هفتـه در تولیـد بنزیـن خودکفـا می‌شـویم... در صـورت نیـاز ظـرف مـدت یـک هفتـه می‌توانیـم تولیـد بنزیـن خـود را ۲۰ میلیـون لیتـر افزایـش داده و در ایـن زمینـه خودکفـا شـویم.»[۳]

مسـعود میرکاظمـی، وزیـر نفـت، نیـز یـک روز پیـش از امضـای قانـون تحریـم فـروش بنزیـن ازسـوی رئیس‌جمهـور امریـکا، اعـلام کـرده بـود: «هم‌اکنـون هیـچ مشـکلی بـرای تأمیـن بنزیـن نداریـم. مـا امـکان تولیـد بنزیـن را در واحدهـای پتروشـیمی داریـم و هم‌اکنـون واحدهـای پتروشـیمی کامـلاً آمادگـی دارنـد تـا بنزیـن بـا اکتـان ۹۸ تولیـد کننـد.»

۱ . تارنمای خبر آنلاین، «توقف صادرات بنزین ۱۰ غول نفتی به ایران»، ۱۳۸۹/۴/۷.
۲ . خبرگزاری صدا و سیما، «نگاهی به روند تحریم‌های صنایع نفت، گاز و پتروشیمی»، ۲۴ اسفند ۱۳۹۴.
۳ . مشعل، شماره ۵۰۰، ۱۳ تیر ۱۳۸۹، ص ۱.

آغاز تولید بنزین پتروشیمی

آخرین روزهای آبان ۱۳۸۸، وزیر نفت در نشستی از طریق ویدئو کنفرانس طرح ضربتی تولید بنزین در مجتمع‌های پتروشیمی را در مدت ۴۸ ساعت وارد فاز عملیاتی کرد. خبرگزاری‌ها از این نشست به‌عنوان نشست نمادین یاد کردند. در این نشست که با حضور مدیران عامل شرکت پالایش و پخش، شرکت ملی صنایع پتروشیمی و جمعی از نمایندگان رسانه‌های داخلی و خارجی برگزار شد، مسعود میرکاظمی طرح را افتتاح کرد. بر اساس این طرح، مجتمع‌های پتروشیمی بندر امام، بوعلی سینا و برزویه با تولید بنزین از طریق تولیدات پتروشیمی، روزانه ۱۴میلیون لیتر به ظرفیت روزانه تولید بنزین کشور افزودند. مسعود میرکاظمی با اشاره به ظرفیت تولید ۴۴ میلیون لیتری بنزین از طریق ۹ پالایشگاه نفت‌خام گفت: «با افزوده شدن ۱۴ میلیون لیتر بنزین تولیدی از مجتمع‌های پتروشیمی، ظرفیت تولید بنزین کشور به ۵۸ میلیون لیتر در روز می‌رسد که با توجه به کاهش میزان مصرف از طریق سهمیه‌بندی، نیاز روزانه کشور به بنزین بر طرف می‌شود.»[۱]

تولید بنزین در مجتمع پتروشیمی، همواره موجب نگرانی بسیاری از کارشناسان بود. آنها استدلال می‌کردند ممکن است بنزین تولیدی استانداردهای لازم را نداشته باشد و موجب آلودگی هوا و تولید بیماری‌های ناشی از محصولات پتروشیمی شود.[۲] شهنازی‌زاده، مدیرعامل شرکت ملی پالایش و پخش، در روز افتتاحیه به این نگرانی‌ها واکنش نشان داد و تأکید کرد: «بنزینی که در واحدهای پتروشیمی تولید می‌شود، اگر استانداردهای شرکت ملی نفت را نداشته باشد، توزیع نخواهد شد. کیفیت بنزین تولیدشده در واحدهای پتروشیمی به مراتب بالاتر از بنزین سوپر وارداتی است.»[۳]

پس از استفاده گسترده از بنزین تولیدی پتروشیمی‌ها در کلان‌شهرها، موضوع آلودگی هوای ناشی از مصرف این بنزین و احتمال سرطان‌زا بودن آن در میان افکار عمومی و نخبگان مطرح شد. دکتر اسماعیل کهرم، فعال محیط‌زیست و مدرس دانشگاه تهران، بنزین بی‌کیفیت را مهم‌ترین عامل ابتلا به امراض قلبی و ریوی عنوان کرد و گفت: «آلاینده‌های زیست‌محیطی خودرو و بنزین که در تولید آن از بنزن ۵۰ درصد استفاده می‌شود و ۱۰ برابر استاندارد ۵ درصدی کشورهای پیشرفته است، بسیار خطرناک و

۱ . مشعل، شماره ۴۷۰، ۱ آذر ۱۳۸۸، ص ۲.

۲ . ن.ک به موسوی، طیبه، «زیستن در جامعه نفتی»، مجله گفت‌وگو، مهر ۱۳۹۱، ش ۶۰، ص ۹۵.

۳ . مشعل، شماره ۴۷۰، ۱ آذر ۱۳۸۸، ص ۲.

سـرطان‌زا اسـت.» دکتـر رشـیدی، مدیرعامـل شـرکت کنتـرل کیفیـت هـوای تهـران، نیـز در مـرداد ۱۳۹۰ بـا اشـاره بـه اینکـه میـزان آلاینـده بنـزن در جایگاه‌هـای بنزیـن بـه ۴۳۸ برابـر حـد اسـتاندارد می‌رسـد، گفـت: «آلاینـده بنـزن ترکیبـی سـرطان‌زا اسـت و نه‌تنهـا جـان کارکنـان جایگاه‌هـای بنزیـن، بلکـه سـلامت شـهروندان را بـه خطـر می‌انـدازد.»[۱]

لایحه هدفمندی یارانه‌ها

حـذف یارانـه از اقتصـاد، نسـخه‌ای بـود کـه سـال‌ها ازسـوی بانـک جهانـی و محافـل اقتصـادی جهـان بـرای کشـورهای در حـال توسـعه تجویـز و توصیـه می‌شـد و اعطـای هرگونـه تسـهیلات را بـه حـذف یارانـه از اقتصـاد منـوط می‌دانسـتند. حـذف یارانـه در اقتصـاد متکـی بـه نفـت ایـران از دولـت سـازندگی مـورد بحـث و گفت‌وگـو بـود. ابتـدا، کاهـش یارانه‌هـا بـا عنـوان «تعدیـل قیمت‌هـا» مطـرح شـد، ولـی به‌تدریـج مـواد سـوختی، خوراکـی، آب و بـرق و دیگـر اقـلام را دربرگرفـت و بهـای آن‌هـا بـه قیمت‌هـای واقعـی یـا آزاد گرایـش پیـدا کـرد. در دوران اصلاحـات، کارشناسـان علـت اصلـی افزایـش مصـرف انـرژی به‌ویـژه بـرق و بنزیـن را پاییـن بـودن قیمـت آن بـه دلیـل وجـود یارانه‌هـا می‌دانسـتند. در قانـون برنامـه چهـارم توسـعه کـه ۱۱ شـهریور ۱۳۸۳ بـه تصویـب مجلـس رسـید، هدفمنـدی یارانه‌هـا تجلـی یافـت. پـس از مناقشـه شـورای نگهبـان و مجلـس، سـرانجام بـا موافقـت مجمـع تشـخیص مصلحـت نظـام بـه دولـت ابـلاغ گردیـد.[۲] بااین‌حـال، در ایـن دوره اقـدام چشـمگیری بـرای کاهـش یارانه‌هـا بـه عمـل نیامـد.

در نهایـت، هدفمنـدی یارانه‌هـا بـا نـام محمـود احمدی‌نـژاد گـره خـورد. بـا پافشـاری او بـه لایحـه و سـپس بـه قانـون تبدیـل شـد و بـه اجـرا در آمـد. تحریـم صـادرات نفت‌خـام ایـران و تحریـم فـروش بنزیـن بـه ایـران در محافـل غربـی به‌شـدت دنبـال می‌شـد و هدفمندسـازی یارانه‌هـا به‌عنـوان یـک اسـتراتژی در مقابلـه بـا تحریـم صـادرات نفـت و فـروش بنزیـن مطـرح بـود. مجموعـه ایـن شـرایط رئیـس دولـت نهـم را بـر حـذف یارانه‌هـا و افزایـش هرچـه بیشـتر درآمـد دولـت از ایـن طریـق ترغیـب می‌کـرد. دی مـاه ۱۳۸۷ لایحـه هدفمنـدی یارانه‌هـا بـه امیـد کاهـش مصـرف و افزایـش درآمـد دولـت بـا آمادگی‌هـای همه‌جانبـه و بـا تبلیغـات گسـترده بـه مجلـس شـورای اسـلامی تقدیـم شـد.[۳] لایحـه هدفمنـدی یارانه‌هـا کـه بـر اسـاس

۱ . خبر آنلاین، ۲۸ مرداد ۱۳۹۰.

۲ . قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، جمهوری اسلامی ایران.

۳ . مشعل، شماره ۴۲۶، ۱۵ دی ۱۳۸۷، ص۷.

ماده ۳ قانون چهارم برنامه توسعه تهیه و به مجلس شورای اسلامی تقدیم شده بود، اصلاح الگوی مصرف را در سال ۱۳۸۸ که ازسوی مقام معظم رهبری «سال اصلاح الگوی مصرف» نام‌گذاری شده بود، نوید می‌داد. این لایحه در ۱۵ دی ۱۳۸۷ به تصویب مجلس رسید.

رئیس‌جمهور در نخستین جلسه هیئت‌دولت در سال جدید، با اشاره به پیام رهبر انقلاب، حرکت به سمت اصلاح همه الگوهای مصرف به‌طور دقیق و درست را وظیفه‌ای سنگین برشمرد که بر عهده دولت است. رئیس‌جمهور درباره لایحه هدفمندی یارانه‌ها گفت: «این لایحه، گامی بزرگ و زیربنایی است که برای نتیجه‌دادن آن باید تلاش‌های ویژه‌ای صورت گیرد.» در ادامه، رئیس‌جمهور، توجه ویژه به اصلاح الگوی مصرف عمومی در سه حوزه، نان، آب و انرژی را خواستار شد و تصریح کرد: «این سه حوزه را می‌توان به‌سرعت ساماندهی کرد و همان‌طور که سهمیه‌بندی بنزین ما با اقدامی ضربتی و دقیق به انجام رسید و با همراهی مردم نتیجه داد، معتقدیم این امر نیز با همراهی مردم امکان‌پذیر می‌شود.»[1]

غلامحسین نوذری در سمت نماینده هیئت‌دولت، فروردین ۱۳۸۸ میهمان رسانه ملی شد و در یک برنامه تحلیلی ـ خبری از طریق شبکه یک سیما با مردم سخن گفت. او درباره لزوم ساماندهی و کنترل مصرف، با اشاره به طرح سهمیه‌بندی بنزین در سال ۱۳۸۷ گفت: «با اجرای این طرح موفق شدیم صرفه‌جویی درخصوص مصرف بنزین را به روزانه ۲۲ میلیون لیتر برسانیم. حال، اگر روند پیشین ادامه می‌یافت، امسال واردات ما به بیش از ۴۵ میلیون لیتر در روز می‌رسید که مشکلات فراوانی پیش روی دولت قرار می‌داد.» سپس، به چرایی و چگونگی هدفمندکردن یارانه‌ها پرداخت و حجم یارانه پرداخت‌شده بابت انرژی مصرفی در کشور را بیش از بودجه عمومی دانست و گفت: «انرژی ارزان، میزان بهره‌وری را کاهش می‌دهد.» او با بیان اینکه دولت مصمم است با هدفمندکردن یارانه‌ها، رفتار مصرف‌کنندگان در بخش‌های دولتی، خصوصی و خانگی را سامان دهد، ابراز امیدواری کرد که مجلس شورای اسلامی هرچه سریع‌تر درباره این لایحه تصمیم‌گیری کند. نوذری تصریح کرد: «چنین اقدامی می‌تواند یکی از بزرگ‌ترین تصمیمات تاریخ اقتصاد کشور باشد که دولت با شجاعت آن را اتخاذ کرده

۱ . مشعل، شماره ۴۳۷، ۱۶ فروردین ۱۳۸۸، ص ۱.

و آماده اجرای آن است.»[۱]

بعضی از تحلیلگران نیز بر این عقیده بودند که اصلاح الگوی مصرف از طریق اصلاح الگوی قیمت میسر خواهد شد. حجت‌الله غنیمی فرد، معاون مدیرعامل شرکت ملی نفت ایران و کارشناس ارشد بین‌المللی اقتصاد انرژی، گفت: «اگر قیمت یک فراورده نفتی (هر نوع انرژی) در بازار به دو برابر افزایش یابد، ناگزیر معادل همان میزان افزایش، میزان مصرف هم کاهش پیدا می‌کند و این به معنای آن است که مصرف در جامعه نصف می‌شود... با مورد توجه قراردادن الگوی درآمدی مصرف‌کنندگان و کاهش تبعات اصلاح قیمت انرژی، به‌طور حتم می‌توانیم با کمترین بازتاب و تبعات منفی، ضمن اصلاح الگوی قیمت، اصلاح الگوی مصرف را نیز نهادینه کنیم.»[۲]

هدفمندی یارانه‌ها، جنجال‌برانگیز و پرحاشیه

قانون جنجال‌برانگیز و پرحاشیه هدفمندی یارانه‌ها سرانجام با کش‌وقوس‌های فراوان در ۱۵ دی ۱۳۸۸ به تصویب مجلس رسید. ۲۷ آذر ۱۳۸۹، محمود احمدی‌نژاد با چهره‌ای بشاش بر صفحه تلویزیون ظاهر شد و آغاز اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها را رسماً اعلام کرد. او گفت: «از صبح روز ۲۸ آذر، حامل‌های انرژی، آب و نان در سراسر ایران با بهای جدید ارائه خواهد شد. مطالعات قانون هدفمندکردن یارانه‌ها از پنج سال قبل و اجرای آن، در واقع از سه سال قبل آغاز شد. انرژی و ثروت کشور متعلق به مردم است و معتقدیم بهترین حالت برای مدیریت ثروت ملی، مدیریت عمومی مردم و مشارکت مردم در مدیریت ثروت ملی است. انرژی یک نعمت خدادادی و برای همه ملت و نسل‌های کشور است و باید به بهترین نحو از آن استفاده کرد که امروز از آن درست استفاده نمی‌شود و آثار سازنده‌ای ندارد. امروز معادل شش و نیم میلیون بشکه نفت و گاز در کشور تولید و دو میلیون و سیصد هزار بشکه صادر و چهار میلیون و دویست هزار بشکه در داخل مصرف می‌شود. با احتساب هر بشکه نفت معادل ۸۵ دلار در چهار میلیون و دویست هزار بشکه در ۳۶۵ روز سالانه ۱۲۰هزار میلیارد تومان مصرف انرژی در داخل داریم که این چهار برابر متوسط مصرف دنیا است. این در حالی است که ما بیش از چهار برابر متوسط دنیا رفاه نداریم و رفاه ما تقریباً معادل متوسط دنیا است و این

۱ . مشعل، شماره ۴۳۷، ۱۶ فروردین ۱۳۸۸، ص۲.

۲ . مشعل، شماره ۴۳۹ ، ۳۰ فروردین ۱۳۸۸، ص ۴.

انرژی باید در خدمت رفاه مردم باشد. چند اشکال وجود دارد. اول اینکه اسراف زیاد است و با مصرف کمتر نیز می‌توان همین سطح رفاه را حفظ کرد. دیگر اینکه بهینه مصرف نمی‌کنیم و مصرف لوازم خانگی، خودرو، دستگاه‌های گرمایشی و سرمایشی ما بالا است. اشکال دیگر این است که همین مقدار مصرف نیز عادلانه توزیع نمی‌شود و بعضی‌ها سی برابر دیگران مصرف می‌کنند و باعث ایجاد فاصله طبقاتی می‌شوند، درحالی‌که ما یارانه می‌دهیم تا عدالت برقرار شود. می‌توانیم با صرفه‌جویی یک‌چهارم همین ۱۲۰ هزار میلیارد تومان، میزان رفاه کنونی را حفظ کنیم. ۴ هزار تومان برای هر نفر در ماه بابت هزینه نان به حساب مردم واریز می شود. این واریز دوم در مرحله اول همین هفته و تا ۷ الی ۸ روز آینده انجام می‌شود. البته، بخشی از هزینه نان در مرحله اول دیده شده است، اما می‌خواهیم مردم نان خوب بخورند. اصلاح قیمت‌ها از ابتدای روز یکشنبه ۲۸ آذر آغاز می‌شود. اطلاعیه ستاد آماده شده است و پس از این گفت‌وگوی تلویزیونی پخش می‌شود. در این مرحله آزادسازی قیمت نداریم، بلکه قیمت‌ها اصلاح می‌شود. قانون هدفمند کردن یارانه‌ها از مدت‌ها قبل آغاز شده است. یک‌چهارم صد و بیست هزار میلیارد تومان، سی هزار میلیارد تومان می‌شود که اگر مردم مصرف نکنند ما هم آن را صادر می‌کنیم، وقتی صادر شد پولش مال ملت است. سی هزار میلیارد تومان یعنی چه؟ یعنی یک سال بودجه عمرانی کشور در سال گذشته. بودجه عمرانی ما در سال گذشته در تاریخ کشور بی‌نظیر بود. در سال گذشته دولت اقدام به ساخت راه‌آهن، مدرسه، بیمارستان، بندر، شهرسازی، آسفالت راه روستایی، جاده‌ها و بزرگراه‌ها کرد و این بیشترین حجم کار عمرانی تاریخ کشور بود. همه بودجه عمرانی سال گذشته ما بیست هزار میلیارد تومان بود یعنی اگر همت کنیم و یک‌چهارم (۱۲۰ هزار میلیارد تومان) را صرفه‌جویی کنیم بودجه عمرانی دو و نیم برابر خواهد شد. اگر این سی هزار میلیارد تومان را در بخش مسکن استفاده کنیم و در بانک بگذاریم و بگوییم وام صفر درصد به مردم بدهید، حداقل یک میلیون و چهارصد تا پانصد هزار مسکن شهری و روستایی با شرایط قرض‌الحسنه ساخته خواهد شد. این میزان ساخت علاوه بر ساخت سالانه یک میلیون و سیصد تا چهارصد هزار مسکنی است که هم‌اکنون ساخته می‌شود و با این اقدام، دیگر کسی بدون مسکن نخواهد ماند و بافت فرسوده‌ای باقی نمی‌ماند. اگر این را به بخش کشاورزی ببریم، مطمئناً زمینی نمی‌ماند که تحت کشت آبیاری تحت فشار نباشد. یکپارچه‌سازی اراضی کشت، داشت و برداشت همه‌اش مکانیزه خواهد شد و تولید ما در واحد سطح به دو برابر خواهد رسید. در نتیجه، آب کشاورزی را تأمین می‌کنیم و

همه سدهای کشور و شبکه‌های آبیاری به اتمام خواهد رسید و این تنها در یک سال به دست می‌آید. اگر این میزان را در صنعت صرف کنیم، همه طرح‌های نیمه‌تمام به اتمام خواهد رسید و به همان اندازه باید ساخته شود.»[۱]

بدین ترتیب، با اجرای طرح هدفمندسازی یارانه‌ها از صبح ۲۸ آذر ۱۳۸۹ قیمت بنزین ۴ تا ۷ برابر شد. قیمت نفت سفید از لیتری ۱۶ تومان به لیتری ۱۰۰ تومان افزایش یافت. سی‌ان‌جی (گاز مصرفی خودروها) در هر مترمکعب ۳۰۰ تومان شد و گازوئیل از قیمت ۱۶ تومان در هر لیتر به ۳۵۰ تومان رسید.[۲] افزایش چشمگیر قیمت بنزین، شوک بزرگ و جبران‌ناپذیری بر اقتصاد و زندگی مردم وارد کرد و در گذر زمان بر تمامی بخش‌های فرهنگ، سیاست، اقتصاد و از همه مهم‌تر، بودجه خانواده‌ها اثر گذاشت. به تبع آن، قیمت دیگر کالاهای مصرفی نیز افزایش پیدا کرد. در حالی در هر ماه به حساب هر فرد ۴۰ هزار و ۵۰۰ تومان واریز شد که طی چهار ماه، قیمت آب، برق، نان، سوخت مصرفی و دیگر کالاها به‌طور غیرقابل باوری افزایش یافت.[۳]

با اجرای این قانون، واردات بنزین در سال ۱۳۸۹ روندی نزولی یافت و از ۲۱ میلیون لیتر در روز به حدود ۱۵ میلیون لیتر در روز رسید. علاوه بر اجرای طرح هدفمندی یارانه‌ها، سهمیه‌بندی بنزین و کاهش سهمیه خودروهای سواری، افزایش تولید بنزین در پالایشگاه‌های داخلی، استفاده از گاز طبیعی و گاز مایع، بهره‌برداری از جایگاه‌های CNG، مدیریت مصرف سوخت ازطرف مردم و اجرای ضربتی طرح تولید بنزین در مجتمع‌های پتروشیمی ازجمله دلایل کاهش واردات این فراورده بود.[۴]

اما طولی نکشید که بار دیگر مصرف بنزین روندی صعودی گرفت. افزایش تولید خودرو، بالا بودن متوسط عمر خودروها، استاندارد پایین خودروهای داخلی، اختصاص سهمیه ویژه بنزین نوروزی به خودروهای شخصی ازجمله دلایل این افزایش بود. کارشناسان ثابت ماندن قیمت بنزین بعد از اجرای طرح هدفمندی یارانه‌ها و افزایش تورم را نیز از دلایل اصلی افزایش مصرف بنزین دانسته‌اند.[۵] از سال ۱۳۹۰، بنزین سه نرخ داشت. بنزین یارانه‌ای، ۱۰۰۰ ریال، بنزین نیمه‌یارانه‌ای ۴۰۰۰ ریال و بنزین آزاد

۱ . تارنمای جام‌جم آنلاین، «آغاز اجرای هدفمندی یارانه‌ها از امروز»، ۱۳۸۹/۹/۲۷.
۲ . ترازنامه انرژی، سال ۱۳۹۲.
۳ . دنیای اقتصاد، ۲۸ آذر ۱۳۹۴.
۴ . ترازنامه انرژی، سال ۱۳۸۹.
۵ . ترازنامه انرژی، سال ۱۳۹۲.

۷۰۰۰ ریـال در هـر لیتـر بـه فـروش می‌رسـید.[۱]

صنعت نفت و اصل ۴۴ قانون اساسی

اصـل ۴۴ قانـون اساسـی جمهـوری اسـلامی، سـاختار اقتصـادی کشـور را بـر سـه پایـه دولتـی، تعاونـی و خصوصـی اسـتوار کـرد. در ایـن اصـل آمـده اسـت: «بخـش دولتـی شـامل کلیـه صنایـع بـزرگ، صنایـع مـادر، بازرگانـی خارجـی، معـادن بـزرگ، بانکـداری، بیمـه، تأمیـن نیـرو، سـدها، شـبکه‌های بـزرگ آب‌رسـانی، رادیـو و تلویزیـون، پسـت و تلگـراف و تلفـن، هواپیمایی، کشـتیرانی، راه و راه‌آهـن و ماننـد این‌هاسـت کـه به‌صـورت مالکیـت عمومـی و در اختیـار دولـت اسـت.» ذیـل دیگـر ایـن مـاده، بخـش خصوصـی را شـامل آن قسـمت از «کشـاورزی، دامـداری، صنعـت، تجـارت و خدمـات» می‌دانـد کـه «مکمـل فعالیت‌هـای اقتصـادی دولتـی و تعاونـی اسـت.»[۲]

ایـن اصـل بخـش اعظـم اقتصـاد را در بخـش دولتـی قـرار مـی‌داد و فعالیـت بخـش خصوصی را محـدود می‌سـاخت. پـس، اراده نظـام بـر آن قـرار گرفـت تـا از اختیـارات و تسـلط بخـش دولتـی کاسـته و میـدان فعالیـت بخـش خصوصـی را گسـترده‌تر کنـد. بـه همیـن دلیـل، تغییراتـی در اصـل ۴۴ ایجـاد شـد و در قالـب ابلاغیـه‌ای ازسـوی مقـام معظـم رهبـری تحـت عنـوان «ابلاغیـه سیاسـت‌های کلـی اصـل ۴۴ قانـون اساسـی» در اول خـرداد ۱۳۸۴ بـه رؤسـای سـه قـوه ابـلاغ شـد. بـر اسـاس ایـن ابلاغیـه فعالیـت بخـش خصوصـی در بخش‌هـای بالادسـتی و بنیانـی اقتصـاد مجـاز شـمرده شـد.[۳]

بـر اسـاس بنـد «ج»، سیاسـت‌های ابلاغـی واگـذاری ۸۰ درصـد از سـهام بنگاه‌هـای دولتـی، مشـمول اصـل ۴۴ و بـه بخش‌هـای خصوصـی مجـاز اعـلام شـد. در ایـن بنـد بـه «بنگاه‌هـای دولتـی کـه در زمینـه معـادن بـزرگ، صنایـع بـزرگ و صنایـع مـادر (ازجملـه صنایـع بـزرگ پایین‌دسـتی نفـت و گاز) فعـال هسـتند؛ بـه اسـتثنای شـرکت ملـی نفـت ایـران و شـرکت‌های اسـتخراج و تولیـد نفت‌خـام و گاز» اشـاره شـده بـود.

نویسـنده سـتون یادداشـت نشـریه مشـعل در ۶ اردیبهشـت ۱۳۸۸ بـه موضـوع خصوصی‌سـازی و واگذاری‌هـا در صنعـت نفـت پرداختـه و نگرانی‌هـای کارشناسـان را مطـرح کـرده اسـت. فعالیت‌هـای وزارت نفـت بـه سـه دسـته فعالیت‌هـای پایین‌دسـتی ماننـد کارخانه‌هـا و

۱ . ترازنامه انرژی، سال ۱۳۹۰.

۲ . قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

۳ . ابلاغیه سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی.

مجتمع‌های پتروشیمی، فعالیت‌های میان‌دستی مانند خطوط لوله انتقال نفت، گاز، پالایشگاه‌ها و فعالیت‌های بالادستی مانند توسعه میدان‌های نفتی و گازی تقسیم شده است. نویسنده، ضمن آنکه واگذاری واحدهای پایین‌دستی و میان‌دستی را به دلیل افزایش بهره‌وری و کارآیی، بسیار ضروری و حیاتی قلمداد کرد؛ در عین حال، واگذاری شرکت‌های این دو بخش را نیز نیازمند بررسی برخی نکات بسیار مهم دانست: «تعیین تکلیف سؤالات زیر، قبل از واگذاری، مهم به نظر می‌رسید. اول آنکه، استراتژی واگذاری در این بخش بر چه اساس و اصول علمی مورد قبول در بازار سرمایه تدوین شده است و ملاک این موضوع که فلان پتروشیمی یا پالایشگاه از طریق بورس یا مزایده عرضه شود، چیست؟ دوم آنکه وضعیت نیروی انسانی شاغل در این شرکت‌ها ـ که اغلب هم از کارکنان رسمی وزارت نفت هستند ـ چه خواهد بود؟ و درنهایت اینکه، قرارداد تحویل خوراک به این واحدها بر اساس چه قیمتی و تا چه سالی تعهدآور خواهد بود؟»

در ادامه یادداشت با اشاره به زنجیره فعالیت‌های نفت و گاز، این موضوع مطرح شد که «زنجیره ارزش شرکت ملی نفت ایران در برگیرنده حلقه‌های اکتشاف، توسعه، تولید و بهره‌برداری، انتقال و ذخیره‌سازی، بازاریابی و فروش است. آیا بروز هرگونه اخلال در هریک از بخش‌های این زنجیره، مجموعه فعالیت‌های این شرکت را تحت تأثیر قرار نمی‌دهد؟ در شرایطی که شرکت‌های بزرگ بین‌المللی در بخش بالادستی در حال ادغام با یکدیگر هستند و راهبرد تکمیل زنجیره ارزش را پیگیری می‌کنند، آیا واگذاری شرکت‌هایی چون شرکت ملی حفاری، منطقی به نظر می‌رسد؟ در حال حاضر، آنچه موجب بروز دغدغه و نگرانی در بین کارشناسان حوزه نفت و گاز کشور شده است، رعایت نکردن یکپارچگی مدیریت چرخه تولید، انتقال و صادرات از یک سو و احتمال شتاب‌زدگی و نداشتن دقت کافی در پیگیری پیاده‌سازی این اصل جدی و مهم ازسوی دیگر است.»[1]

برای اجرایی‌کردن بند «ج» اصل ۴۴، ستادی با ریاست علی کاردر در شرکت ملی نفت تشکیل شد تا برنامه‌ریزی و اقدامات لازم را انجام دهد. علی کاردر اردیبهشت ۱۳۸۸ گزارش جامعی از فعالیت‌ها و اقدامات انجام‌شده در زمینه اصل ۴۴ ارائه داد: «سیاست‌های کلی بند ج اصل ۴۴ قانون اساسی درباره توسعه بخش‌های غیردولتی، از طریق واگذاری فعالیت‌ها و بنگاه‌های دولتی است. در پرتو این سیاست‌ها، نقش وزارت نفت از مالکیت و

۱ . مشعل، شماره ۶۴۰، ۶ اردیبهشت ۱۳۸۸.

مدیریت مستقیم به سیاستگذاری، هدایت و نظارت تغییر می‌یابد. طبق برنامه زمان‌بندی شده قانون پنج‌ساله چهارم، سال ۱۳۸۸ آخرین مهلت برای واگذاری شرکت‌های ذیل اصل ۴۴ است. این شرکت‌ها شامل شانزده شرکت فرعی توسعه پترو ایران، پترو پارس، مهندسی و ساختمان صنایع نفت، هلیکوپتری ایران، خدمات رفاهی نفت، پشتیبانی ساخت و تهیه کالای نفت تهران، خدمات مهندسی و تجهیزات صنعتی توربین جنوب، پیراحفاری ایران، بهینه‌سازی مصرف سوخت، ملی صادرات گاز ایران، پایانه‌های نفتی ایران، خدمات ترابری و پشتیبانی نفت، مهندسی و توسعه نفت، نفتیران، نیکو، نیکو سارل و خدمات عمومی، بهداشت صنعتی و خدمات درمانی صنعت نفت می‌شود.» کاردر درباره اصول کلی حاکم بر واگذاری‌ها گفت: «تفکیک وظایف حاکمیتی از تصدی‌گری و عدم اخلال در انجام عملیات شرکت ملی نفت ایران و پیشگیری از ایجاد انحصار از اصول کلی مورد تأکید در واگذاری شرکت‌ها است.»[1]

فروش نفت در دوران تحریم

پدیده بابک زنجانی

با تصویب قطعنامه‌های پی‌درپی علیه ایران و شدت گرفتن تحریم، عرصه برای فروش نفت ایران تنگ‌تر شد. ازاین‌رو، مدیران در پی یافتن راهکارهایی برای دور زدن تحریم بودند. تأسیس شرکت‌های بازرگانی در کشورهای مختلف یکی از راه‌های دور زدن تحریم‌ها و فروش نفت در بازارهای جهانی بود که بر عهده شرکت نیکو و مدیرعامل آن، سیف‌الله جشن‌ساز، قرار گرفت. فروش نفت‌خام در بازارهای جهانی و خرید بنزین و گازوئیل به هر طریق ممکن، مأموریت اصلی این شرکت‌های تازه‌تأسیس بود. میرکاظمی، وزیر نفت، و قلعه‌بانی، مدیرعامل شرکت ملی نفت، اسفند ۱۳۸۹ با تشکیل جلسه فوق‌العاده، تأسیس سه شرکت جدید را به تصویب هیئت‌مدیره رساندند.[2] تأسیس این شرکت راهکارها مدیران و دولتمردان برای فرار از تبعات سخت تحریم بود.

فروش نفت از مبادی و رویه غیرمرسوم، نتیجه‌ای را در پی دارد که کارشناسان از آن به‌عنوان «اقتصاد کثیف» یاد می‌کنند. در اقتصاد کثیف همه‌چیز در پشت پرده شکل می‌گیرد؛ شفافیت به کناری می‌رود و روابط و سلیقه‌ها جایگزین ضوابط، معیارها و

۱ . مشعل، شماره ۴۴۰، ۶ اردیبهشت ۱۳۸۸، ص ۵.

۲ . مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت، جلسه فوق‌العاده، ۱۳۸۹/۱۲/۲۵.

اصـول می‌شـود. بابـک زنجانـی محصـول بـه بـار نشسـتن اقتصـاد کثیـف اسـت. او الزامـاً نتیجـه زدوبندهـای آگاهانـه در سـطوح مدیریتـی وزارت نفـت نبـود، بلکـه زائیـده شـرایط اقتصـاد کثیـف بـود.

در آن برهـه زمانـی، فـروش نفـت در حـوزه فعالیت‌هـای شـرکت نیکـو قـرار داشـت و سـیف‌الله جشن‌سـاز بـا هـدف دور زدن تحریم‌هـا، قـدم در راهـی مبهـم نهـاد. او تـلاش زائدالوصفـی از خـود نشـان داد. مشـاوران مختلـف او را احاطـه کـرده بودنـد. در ایـن فضـا، بسـیاری از افـراد غیرقابـل اعتمـاد خـود را بـه مدیـران نفتـی نزدیـک کردنـد تـا در کار فـروش نفـت وارد شـوند. بعضـاً برخـی از معرف‌هـا، انسـان‌های باصلاحیتـی بودنـد، امـا افـراد فرصت‌طلبـی همچـون بابـک زنجانـی نیـز توانسـتند خـود را بـه سـیف‌الله جشن‌سـاز متصـل کننـد. از همـه تأسـف‌بارتر، افـراد ذیصلاحـی بودنـد کـه بـدون ارزیابـی و محاسـبه، بـه چنیـن افـرادی اعتمـاد کردنـد و شـد آنچـه کـه نبایـد می‌شـد. ظهـور بابـک زنجانـی در عملیـات شـرکت نیکـو، برحسـب اقرارهـای خـودش و گفته‌هـای دادسـتان و مقامـات عالی‌رتبـه قضایـی، همـراه بـا فریـب، خدعـه و جعـل سـند بـود. مافیـای نفتـی کـه احمدی‌نـژاد از آن سـخن می‌گفـت، در پایـان دولـت خـودش و بـا برمـلا شـدن ماجـرای بابـک زنجانـی فـاش شـد کـه در فصـل بعـدی از آن سـخن گفته‌ایـم.

در داخـل کشـور نیـز راه‌هـای مختلفـی بـرای عبـور از بحـران تحریـم جسـتجو می‌شـد. یکـی از راه‌هـا، وارد کـردن سـازمان‌ها، نهادهـا و مؤسسـات داخلـی در فهرسـت خریـداران نفت‌خـام و میعانـات گازی بـود کـه تـا آن زمـان سـابقه نداشـت. بدیـن ترتیـب کـه ایـن سـازمان‌ها و مؤسسـات، نفت‌خـام و میعانـات گازی را از شـرکت ملـی نفـت ایـران تحویـل می‌گرفتنـد و از طـرق مختلـف بـه خـارج از کشـور انتقـال می‌دادنـد. پـس از فـروش نیـز تـلاش می‌کردنـد بـا شـیوه‌های مختلـف پـول حاصـل از فـروش را دریافـت کننـد. شـرکت انـرژی سـپهر (سـهامی خـاص) و شـرکت فـراز یـار کیـش بـرای فـروش میعانـات گازی و شـرکت بازرگانـی پتروشـیمی بـرای خریـداری نفت‌خـام برگزیـده شـدند.

ورود ایـن شـرکت‌ها در بـازار نفت‌خـام و انجـام معامـلات بین‌المللـی ابهامـات و اشـکالاتی را بـه وجـود مـی‌آورد کـه اقتصـاد کشـور را دچـار بی‌انضباطـی و بی‌مبالاتـی می‌کـرد. در واقـع، اقتصـاد کشـور بـا پیـش گرفتـن ایـن رویـه وارد فضاهـای تاریـک و مبهمـی شـد کـه می‌توانسـت بـرای اقتصـاد کشـور متکـی بـه نفـت مـا فاجعه‌بـار باشـد.

ماجرای دکل گمشده

دکل گمشده نفتی اصطلاحی بود که از سال ۱۳۹۲ بر سر زبان‌ها افتاد و بسیاری از مردم از خود می‌پرسیدند مگر می‌شود دکل حفاری با آن جثه عظیم گم شود؟ این تاریخ قصد واکاوی پشت پرده‌ها را ندارد، ولی با اختصار و چکیده‌گویی راه را به پژوهشگران این عرصه نشان می‌دهد.

واقعه، در زمان دولت دهم رخ داد، اما پیگیری قضایی چند سال بعد عملیاتی گردید. کل ماجرا آن بود که دو شریک در زمینه واردات تجهیزات حفاری از شرکت تأسیسات دریایی مبالغ هنگفتی دریافت، ولی با سندسازی، وقت‌کشی کردند تا تمامی واریزی‌ها سرانجام یابد. پول‌های واریزشده به حساب مؤسسه‌ای به نام دین در دوبی واریز می‌شد. پرسش اساسی آن بود که چگونه می‌شود مدیر شرکت بزرگی چون تأسیسات دریایی از پشت پرده قرارداد و واریزی‌های مکرر بی‌اطلاع باشد.

از سال ۱۳۹۰، شرکت تأسیسات دریایی به دنبال خرید دکل دریایی فورچونا[1] بود که به یک شرکت خصوصی رومانیایی تعلق داشت. این شرکت قراردادی را به‌واسطگی شرکت سپنتا و مؤسسه دین[2] در دوبی منعقد کرد. واسطه اصلی دو نفر از مدیران شرکت سپنتا اینترنشنال بودند. پس از روی کار آمدن دولت یازدهم و افشای ماجرای پرداخت پول بدون اینکه دکلی خریداری شده باشد، یکی از این متهمان فرار کرد و دیگری دستگیر شد. فرد متواری بعدها در مصاحبه با تلویزیون بی‌بی‌سی برخی از ناگفته‌ها را اعلام و اعتراف کرد که تنها بخشی از ۸۷ میلیون دلار را دریافت کرده است. دادستانی با پیگیری‌های گسترده به دنبال کشف حقیقت بود که چرا و چگونه این مقدار پول، بعد از تأیید مدیران شرکت تأسیسات دریایی به حساب واسطه‌ها واریز شده است؟

از مطبوعات و رسانه‌ها و مصاحبه یکی از مدیران شرکت تأسیسات دریایی می‌توان استنتاج کرد که واسطه‌ها با جعل سند و گمراه کردن مدیران شرکت تأسیسات دریایی در چند نوبت، مبلغ اشاره‌شده را دریافت کردند. ۶ تیر ۱۳۹۱ قرارداد خرید یک دستگاه دکل حفاری، ساخت سال ۱۹۸۴ کشور آرژانتین از شرکت دین توسط مدیرعامل وقت شرکت تأسیسات دریایی به قیمت ۸۷ میلیون دلار امضا شد. شرکت دین یک مؤسسه حقوقی بود که برای عملیات پول‌شویی تأسیس شده بود. هزینه‌های شرکت

۱ . Fortuna

۲ . Dean

دیـن را دو واسـطه یادشـده پرداخـت می‌کردنـد. آنـان ایـن عملیـات پیچیـده را بـا مشـورت کارشناسـان حقوقـی کـه دسـتی در مافیـای نفتـی داشـتند، عملیاتـی کردنـد. در داخـل کشـور نیـز برخـی کارشناسـان آنـان را حمایـت می‌کردنـد و پوشـش می‌دادنـد. جالـب اسـت بدانیـم، یکـی از واسـطه هـا خـود ی از متهمـان قـرارداد کرسـنت بـود کـه در سـال ۱۳۸۵ چنـد بـار مـورد بازپرسـی قـرار گرفتـه بـود. بااین‌حـال، جـای تعجـب اسـت کـه در سـال‌های ۱۳۸۵ تـا ۱۳۹۱ کـه همـه از مافیـای نفتـی سـخن می‌گفتنـد و قـرارداد کرسـنت را نمـادی از جاسوسـی، رشـوه‌خواری و فسـاد نفتـی تلقـی می‌کردنـد، چگونـه ایـن شـخص آزادانـه در ارگان‌هـای دولتـی و صنعتـی بـه فـروش تجهیـزات نفتـی اشـتغال داشـت.

بـا افشـا شـدن ماجـرا، بهـرام پارسـایی، نماینـده مجلـس، در خبرگزاری‌هـا از بررسـی پرونـده دکل گمشـده نفتـی در کمیسـیون اصـل ۹۰ مجلـس شـورای اسـلامی خبـر داد و گفـت: «دو پرونـده دکل گمشـده نفتـی در کمیسـیون بـاز شـده اسـت کـه درمـورد پرونـده دکل فورچونـا، هیـچ دکلـی خریـداری نشـده و موضـوع محـدود بـه زدوبنـد پشـت پـرده و پرداخـت ۸۷ میلیـون دلار بـدون هیـچ ضمانـت و سـندی بـه یـک شـرکت واسـطه بـوده اسـت.»[1]

طبـق گزارشـی کـه در خبرگـزاری ایسـنا انتشـار یافـت و بـر اسـاس مسـتندات به‌دسـت‌آمده، شـرکت دیـن (فروشـنده) ۲۲ روز قبـل از انعقـاد قـرارداد بـا شـرکت تأسیسـات دریایـی در جزیـره ویرجینیـای انگلیـس تأسـیس و ثبـت شـد. ایـن شـرکت هیـچ سـابقه اجرایـی در انعقـاد و مدیریـت قراردادهـای حـوزه بالادسـتی و خریـد دکل نداشـت. شـرکت دیـن در ۴ تیـر ۱۳۹۱ یعنـی دو روز قبـل از انعقـاد قـرارداد بـا شـرکت تأسیسـات دریایـی، دکل فورچونـا را از شـرکت GPS (ثبت‌شـده در مالـت) بـه مبلـغ ۶۶ میلیـون دلار خریـد. درحالی‌کـه در خریـد ایـن دکل مفـاد آیین‌نامـه معامـلات شـرکت مبنـی بـر اخـذ مصوبـه کمیسـیون معامـلات، نحـوه خریـد، قیمت‌گـذاری و انتقـال بـه فروشـنده رعایـت نشـده بـود.

در مکاتبـات مدیرعامـل شـرکت تأسیسـات دریایـی بـا رضـا طباطبایـی، مدیرعامـل شـرکت سـپنتا، آمـده اسـت کـه او واسـطه عقـد قـرارداد، متعهـد بـه انجـام قـرارداد و مسـئول جبـران وجـوه پرداختـی بـه شـرکت دیـن بـوده و واسـطه و اقدام‌کننـده بـا شـرکت دیـن نیـز مشـاور مدیرعامـل شـرکت تأسیسـات دریایـی بـوده اسـت. بـر اسـاس نامه‌هایـی کـه بـه امضـای مدیرعامـل شـرکت تأسیسـات دریایـی موجـود اسـت، شـرکت دیـن نقشـی در معاملـه نداشـت و در واقـع به‌عنـوان کارمنـد آقـای طباطبایـی عمـل می‌کـرد و مدیرعامـل نیـز از ایـن موضـوع

۱ . خبرگزاری ایسنا، «اسناد تازه در پرونده دکل نفتی گمشده»، ۱۳۹۵/۸/۲۲.

اطلاع داشت. کارمندان مشاور مدیرعامل نیز اگرچه از این دکل در ترکیه بازدید کرده بودند، اما در هیچ‌یک از مراحل بازدید دکل، ارگان‌های داخلی شرکت تأسیسات دریایی در جریان امر قرار نگرفتند. طبق مفاد قرارداد، پرداخت باقیمانده مبلغ قرارداد (۸۰ درصد) با انتقال مالکیت قانونی و تحویل دکل در محل مورد توافق (ترکیه) و حداکثر ۱۰۰ روز پس از واریز پیش‌پرداخت تعیین شده بود؛ ولی با وجود عدم تحقق این شرایط و بدون درخواست فروشنده، این وجه به دستور مدیرعامل تأسیسات دریایی به حساب معرفی‌شده توسط مدیرعامل شرکت دین (آقای عمر کامل آل‌سواد) واریز شد. متن دستور پرداخت مبلغ ۴۰ میلیون دلار توسط مراد شیرانی طی یک ایمیل برای مدیرعامل شرکت تأسیسات دریایی ارسال شد. مدیرعامل نیز عیناً همان متن را به‌عنوان دستور پرداخت عملیاتی کرد. ۱۴ ماه بعد از پرداخت کامل پول دکل، درحالی‌که دکلی دریافت نشده بود، مدیرعامل نه‌تنها هیچ اقدامی برای استیفای حقوق شرکت به عمل نیاورد، حتی موضوع را از هیئت‌مدیره شرکت مخفی کرد. پس از پرداخت کل وجه و با علم به اینکه با فسخ قرارداد، دکل حفاری فورچونا هیچ‌گاه وارد آب‌های ایران نخواهد شد، مدیران شرکت تأسیسات دریایی با مدیران وقت و دلالان این معامله جلسات متعددی در تهران و دوبی برگزار و درخواست استرداد ۸۰ درصد مبلغ باقیمانده را کردند که پیگیری‌های آنها تاکنون مثمرثمر نبوده است.[۱]

۸ شهریور ۱۳۹۴ خبرگزاری فارس از بازداشت مراد شیرانی خبر داد.[۲] ۱۱ شهریور نیز همین خبرگزاری از اتهامات متهم یادشده در زمینه فروش اموال خبر داد و فهرستی از شرکت‌های او را منتشر کرد: شرکت‌های سپنتا بین‌الملل؛ مهندسی و حفاری پترو هورتاش؛ امیر کار گستر انرژی؛ انرژی کاوش پرشیا و توسعه انرژی پترو امکان بین‌الملل از آن شمار بودند. خاطر نشان می‌سازد شرکت سپنتا در زمینه توسعه میدان جفیر با شرکت بلاروسی قراردادی منعقد کرده بود.

خبرگزاری جمهوری اسلامی (ایرنا) در ۱۸ فروردین ۱۳۹۸ حکم نهایی دادگاه را اعلام کرد: علی طاهری مطلق، مدیرعامل وقت شرکت تأسیسات دریایی، به سه سال حبس؛ رضا مصطفوی طباطبایی به سه سال حبس و مراد شیرانی به شش ماه حبس محکوم

۱ . خبرگزاری ایسنا، «اسناد تازه در پرونده دکل نفتی گمشده»، ۱۳۹۵/۸/۲۲.

۲ . خبرگزاری فارس، ۸ شهریور ۱۳۹۴؛ همچنین نگاه کنید به حکم دادگاه لندن، منتشرشده در خبرگزاری ایسنا، فروردین ۱۳۹۸ با عنوان «کشف فساد جدید در پرونده دکل گمشده».

شـدند.[۱] خبرگـزاری ایسـنا حکـم دادگاه لنـدن را در فروردیـن ۱۳۹۸ منتشـر کـرد. همچنیـن، برخـی خبرنـگاران و رسـانه‌های داخلـی تعجـب خـود را از عـدم بازگشـت پـول در حکـم دادگاه ایـران ابـراز داشـتند. در حکـم دادگاه ایـران فقـط بـه مجـازات حبـس متهمـان اشـاره شـده اسـت. احتمـالاً دادگاه دیگـری دربـاره جـزای نقـدی و اسـترداد امـوال برگـزار خواهـد شـد.

تعطیلی شرکت کالای نفت

تعطیلـی شـرکت کالای لنـدن از اقداماتـی بـود کـه در دوران مدیرعاملـی سـیف‌الله جشن‌سـاز بـر شـرکت ملـی نفـت تصویـب شـد. دربـاره شـرکت کالای لنـدن در فصـل پنجـم بـه تفصیـل نوشـتیم. در مقطـع زمانـی انقـلاب و جنـگ نیـز مدیـران تصمیـم بـه تعطیلـی ایـن شـرکت گرفتـه بودنـد، امـا بـا فرازوفرودهایـی ایـن شـرکت بـه کار خـود ادامـه داد. تـا اینکـه در اردیبهشـت ۱۳۸۷ شـرکت کالای نفـت لنـدن پـس از ۵۳ سـال فعالیـت اثرگـذار و مهـم در زمینـه تأمیـن کالاهـا و قطعـات مـورد نیـاز صنعـت نفـت، متوقـف شـد.

هیئتـی بـرای انجـام عملیـات تصفیـه شـرکت کالای لنـدن بـا هـدف توقـف فعالیـت ایـن شـرکت تعییـن شـد. طبـق تصمیـم مدیـران، قـرار شـد مانـده حسـاب ذخیـره شـرکت کالای لنـدن بـه امـور صنـدوق بازنشسـتگی و پس‌انـداز صنعـت نفـت تحویـل داده و امـوال بـاارزش بـه ایـران منتقـل شـود. بازخریـد کارکنـان و امـور مربـوط نیـز بـه ایـن صنـدوق محـول گردیـد. بـر اسـاس ایـن مصوبـه، «بخـش مالـی عملیـات تصفیـه بایـد تـا ۳۱ خـرداد ۱۳۸۷ پایـان می‌یافـت تـا از آن پـس بخـش حقوقـی عملیـات تصفیـه شـرکت کالای لنـدن، بـا هـدف توقـف فعالیـت آن شـرکت، توسـط امـور حقوقـی و بـر اسـاس مقـررات کشـور انگلسـتان تـا حصـول نتیجـه قطعـی انجـام پذیـرد.»[۲]

توسعه و تولید

توسـعه میدان‌هـای نفتـی و الگـوی اجرایـی آن از مسـائل مهـم صنعـت نفـت ایـران اسـت. هنگامی‌کـه بـا انجـام عملیـات اکتشـافی، تجـاری بـودن یـک میـدان نفتـی بـه اثبـات می‌رسـد، طـرح جامعـی بـرای تحلیـل سـاختمان مخـزن، شـمار چاه‌هـای حفـاری توسـعه‌ای، نصـب تجهیـزات درون‌چاهـی و تأسیسـات سـطح‌الارضی و بهره‌بـرداری تعریـف می‌شـود. اسـتفاده

۱ . خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۸ فروردین ۱۳۹۸.

۲ . مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت، جلسه ۱۶۲۰، ۱۳۸۷/۲/۲۲.

از تزریق آب یا گاز و یا روش‌های دیگر متناسب با رفتار سنگ مخزن برای ازدیاد یا نگهداشت تولید در تمامی مراحل توسعه و بهره‌برداری مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. برخی از کارشناسان ایرانی که عموماً برخاسته از مناطق نفت‌خیز جنوب هستند، درباره نحوه اجرای برنامه توسعه و تولید مخازن نفتی نگرانی درخور تحسینی دارند. در مقابل، کارشناسانی نیز هستند که گروه اول را به خارجی‌ستیزی متهم می‌کنند و یا غرور ملی رادیکال‌شده را منشأ نگرانی‌های آنان می‌دانند.

درباره الگوی توسعه میادین نفتی ایران از سال‌ها پیش بین کارشناسان ایرانی اختلاف نظر وجود داشت. چه در زمانه دولت دکتر مصدق، چه در زمانه کنسرسیوم، مسئله توسعه میدان‌ها از دغدغه‌های دولت‌ها و کارشناسان بود. کارشناسان ایرانی همواره مدعی بودند درصورت داشتن سرمایه لازم، می‌توانند مراحل توسعه تا بهره‌برداری را مدیریت و سازماندهی کنند. این ایده حتی درباره بخش پالایشی نیز بین کارشناسان در دهه‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ مطرح بود که برخی از منتقدان آن را ناشی از غرور ملی می‌پنداشتند. به هر روی، این تفاوت دیدگاه پس از انقلاب و در زمانه جنگ نیز استمرار یافت و در دوره سازندگی نمود بیشتری پیدا کرد. آنچه که مسلم است، در دوره سازندگی عدم وجود سرمایه و فقدان نسبی دانش فنی از دغدغه‌های کارشناسان و مدیران بود. با انجام طرح‌های اکتشافی و توسعه‌ای در دوره ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۴ و ورود شرکت‌های خارجی بخش عمده‌ای از کارشناسان و کنشگران جنوب درباره تولید صیانتی و ضعف در مطالعات پایه‌ای شرکت‌های خارجی نگرانی خود را نشان دادند. خاطرنشان می‌سازد، مفهوم تولید صیانتی در ادبیات نفتی دوره جنگ نیز متداول بود.

گفت‌وگوها و چالش‌های پدیدارشده از نیمه دوم دهه ۱۳۸۰ به مجموعه‌ای از مقالات و رساله‌های دانشگاهی و سخنرانی‌ها و کنفرانس‌ها منجر گشت که با مطالعه آنان می‌توان به استدلال‌های طرفین واقف شد. در طول سال‌های ۱۳۸۲ تا ۱۳۹۸ انبوهی از مقالات فنی با گرایش‌های مختلف سیاسی ـ اقتصادی در مراکز دانشگاهی، رسانه‌ها و مراکز مختلف صنعت نفت ایران تألیف گردید. ازجمله، در پایان دوره مورد بررسی (۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲)، کتاب هندسه نفت از سوی روابط‌عمومی شرکت ملی مناطق نفت‌خیز جنوب تدوین و منتشر شد. مدیران و کارشناسان شرکت در گفت‌وگو با تدوین‌گران کتاب، مواضع و نگاه توسعه‌ای خود را شرح دادند که دیدگاه‌های آنان درباره توسعه در مناطق نفت‌خیز جنوب قابل توجه است. در این میان، دو استدلال متفاوت توسط مدیران مطرح

می‌شود که در سطح صنعت نفت گسترش یافت.

استدلال نخست اظهار می‌دارد که شرکت‌هایی مانند مناطق نفت‌خیز جنوب شرکت‌های بهره‌برداری هستند و توان و ظرفیت برای اجرای طرح‌های توسعه‌ای ندارند. بر پایه همین استدلال، در زمانه وزارت آقازاده، شرکت متن برای اجرای طرح‌های توسعه‌ای تأسیس شد و در دوره وزارت بیژن زنگنه گسترش یافت و مجموعه‌ای از طرح‌های توسعه‌ای به آن واگذار شد. استدلال دوم از سوی کارشناسان و مدیران باتجربه مناطق نفت‌خیز جنوب مطرح می‌شود که اظهار می‌دارند تجربه انباشت‌شده بیش از هشتاد سال در جنوب این توانایی را در شرکت ملی مناطق نفت‌خیز جنوب پدید آورده است تا نه‌تنها در مقام بهره‌بردار، بلکه به‌عنوان یک شرکت توسعه‌دهنده بتواند تمام عملیات توسعه میادین نفتی را انجام دهد.

بهمن سروشی، از نخستین مدیران مناطق نفت‌خیز جنوب پس از انقلاب در پاسخ به این سؤال که آیا مناطق نفت‌خیز پتانسیل اجرای پروژه‌های بزرگ را دارد، گفت: «به‌عنوان کسی که ۴۴ سال سابقه کار در مناطق و نفت دارم، می‌گویم مناطق نفت‌خیز جنوب در حوزه فنی به‌قدری تواناست که می‌تواند توسعه بسیاری از مخازن و میدان‌های نفتی را راهبری و اجرا کند. با تغییراتی که در سال ۱۳۷۷ ایجاد شد و شرکت‌های توسعه‌ای برای توسعه میدان‌های نفتی و گازی تأسیس شدند، مخالفم. یکی از شرکت‌هایی که برای این منظور تأسیس شد، بسیاری از پروژه‌های مناطق نفت‌خیز را در دست گرفت، اما بیشتر آنها یا راکد است و یا به بدترین شکل ممکن اجرا شد... حرف من این است که اگر قرار است پروژه‌ای به غیر از خود مناطق واگذار شود، با هماهنگی کامل این شرکت باشد.»[1]

در واقع، کارشناسان مناطق نفت‌خیز جنوب به ازدیاد مسئولیت‌های واگذارشده به شرکت متن ایراد داشتند. آنان با ادعا بر اینکه تاریخی پرفرازونشیب و تجربه‌ای بی‌همتا درون شرکت مناطق نفت‌خیز جنوب انباشته شده است، واگذاری طرح‌های توسعه‌ای به شرکت تازه‌تأسیس متن را تصمیمی مدبرانه نمی‌دانستند. شرکت مهندسی و توسعه نفت (متن) در سال ۱۳۷۳ با هدف مدیریت و نظارت بر روند اجرای پروژه‌های بزرگ نفت و گاز در شرکت ملی نفت تأسیس شد. بخش عمده‌ای از طرح‌های توسعه‌ای در جنوب در دوره ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۴ به این شرکت واگذار گردید. این واگذاری‌ها منشأ اختلافات

۱ . هندسه نفت در مناطق نفت‌خیز جنوب، صص ۸۷-۸۸.

گسترده‌ای بین برخی از کارشناسان و کنشگران نفت جنوب با بیژن زنگنه شد. حتی حمید کهرام، نماینده مجلس، در سال ۱۳۸۰ از موضع مخالفت سخنانی بر زبان آورد که در فصل پیشین آمده است.

ازجمله طرح‌های واگذارشده به شرکت متن می‌توان به طرح توسعه میدان نفتی منصوری، فاز ۱ و ۲ میدان نفتی دارخوین، میدان نفت و گاز سلمان، میدان نفتی فروزان و اسفندیار، میدان گازی تابناک، میدان نفتی آزادگان جنوبی، میدان نفتی یاران شمالی و جنوبی، میدان نفتی یادآوران، میدان نفتی آذر، میدان نفتی تلمبه‌خانه غرب کارون، میدان نفتی جفیر، میدان نفتی سروش و نوروز، میدان نفتی درود، میدان نفتی نصرت و فرزام، میدان نفتی مسجدسلیمان، میدان نفتی بند کرخه، میدان نفتی پایدار غرب اشاره کرد.[1] در این میان، نصرت‌الله اسپیاری، از مدیران کارکشته مناطق نفت‌خیز جنوب، نظر دیگری ارائه می‌دهد. او تأکید دارد که شرکت ملی مناطق نفت‌خیز جنوب یک شرکت بهره‌بردار است: «از آنجایی که ساختار سازمانی مناطق نفت‌خیز جنوب بر اساس یک سازمان عملیاتی طراحی شده است، فقط می‌تواند به کارهای نظارت پروژه‌ها بپردازد و نباید در کارهایی مثل توسعه مخازن به‌عنوان یک پیمانکار عمل کند و اگر چنین کند، از وظیفه اصلی خود که همان نظارت است، دور افتاده و اشتباه بزرگی را مرتکب شده است، مگر اینکه تغییر ساختار دهد و یا بخشی از آن به‌عنوان یک شرکت مطالعاتی / مشاوره‌ای عمل کند و اما درخصوص دانش فنی مناطق نفت‌خیز جهت فعالیت‌های نظارتی، بسیار خوب و مورد تأیید است و می‌باید در همان چهارجوب نظارتی ـ عملیاتی عمل کند.»[2]

غلامرضا حسن‌بیگلو، از دیگر مدیران شرکت ملی مناطق نفت‌خیز جنوب، به این سؤال که عملکرد مناطق نفت‌خیز جنوب در توسعه میدان‌ها را چگونه ارزیابی می‌کنید، چنین پاسخ داد: «برخی از افراد غیرمطلع ادعا می‌کنند مناطق نفت‌خیز نباید در حوزه توسعه وارد شود که البته به لحاظ قانونی محدودیت‌هایی وجود دارد. گروهی بر این طبل می‌کوبند که شرکت‌های خارجی خیلی بهتر می‌توانند در این حوزه وارد شده و موفق باشند که این ادعا طی چند سال گذشته با عملکرد منحصربه‌فرد مناطق نفت‌خیز جنوب در تاریکخانه بایگانی شد.»

---

۱ . تارنمای شرکت مهندسی و توسعه نفت (متن).

۲ .هندسه نفت در مناطق نفت‌خیز جنوب، ص ۱۴۶.

در ادامه، مهندس بیگلو از میدان آزادگان به‌عنوان شاهد این مدعا یاد کرد و گفت: «درباره توسعه میدان نفتی آزادگان اختلاف فاحشی میان اطلاعات ما و ژاپنی‌ها وجود داشت. وجود اطلاعات پیش و پس از تولید در یک میدان نفتی طبیعی است، اما در این میدان موارد اختلاف و میزان آن بسیار زیاد بوده است، چنانکه طراحی آنها برای توسعه میدان بر اساس اطلاعات اولیه بوده، اما اطلاعاتی که پیش از تولید به دست آمد، تفاوت زیادی با اطلاعات اولیه داشت.» پاسخ بیگلو به سؤال پایانی که شما معتقدید مناطق بهترین شرکتی است که باید در حوزه توسعه وارد شود، مثبت بود.[۱]

از حمید بورد درباره نقطه قوت و ضعف مناطق در زمینه اجرای پروژه‌های نفتی سؤال شد. پاسخ او را می‌خوانیم: «در مناطق نفت‌خیز پروژه‌ها از دو منظر کیفیت اجرا و بهره‌برداری و هزینه قابل مقایسه با هیچ شرکتی نیستند و به تأیید همه کارشناسان در داخل کشور بی‌همتا هستند، اما متأسفانه از حیث زمان معدل خوبی نداریم که البته این ضعف به دلیل عدم تأمین اعتبارهای موردنیاز است.»

در ادامه گفت‌وگو، حمید بورد توسعه پلکانی را راه‌حل مناسبی برای غلبه بر مشکل نقدینگی و تأمین منابع مالی دانست: «پس از پیروزی انقلاب میدان‌های نرگسی، قلعه‌نار، پرنج، منصورآباد، پارسی و چند مخزن دیگر توسعه یافت، اما در این میان یک کار بالاتر از توسعه مخزن داریم که به نظر من پیچیده‌تر از توسعه مخزن است و آن نگهداشت تولید است... در توسعه مخازن مشکل نقدینگی داریم و این مشکل ما را وادار می‌کند به سمت تأمین منابع مالی برویم. اینجاست که موضوع توسعه پلکانی مطرح می‌شود. یعنی باید مخزن را به‌گونه‌ای توسعه دهیم که تولید زودهنگام داشته باشد و از محل فروش نفت تولیدشده هزینه توسعه فازهای بعدی را تأمین کنیم. توسعه میدان آزادگان نمونه روشن این روش است.»[۲]

افزایش تولید در مناطق نفت‌خیز جنوب

فروردین ۱۳۸۵، شرکت ملی نفت با اعتماد به تصمیمات و برنامه‌ریزی مناطق نفت‌خیز جنوب، تصمیم گرفت اختیارات ویژه‌ای به شرکت ملی مناطق نفت‌خیز بدهد. قیمت نفت رو به افزایش بود و شرکت ملی نفت به مناطق نفت‌خیز جنوب اختیار

۱ . هندسه نفت در مناطق نفت‌خیز جنوب، صص۱۶۱-۱۶۲.
۲ . همان، ص ۱۶۷ و ۱۷۰.

داد تـا سـقف ۲۰۰ میلیـون دلار بـرای پروژه‌هـای تولیـدی و توسـعه‌ای هزینـه کنـد و پـس از سـازماندهی پروژه‌هـا، نتیجـه را بـه اطـلاع تهـران برسـاند. ازجملـه ایـن پروژه‌هـا، پـروژه تزریـق گاز، ترمیـم چاه‌هـا، امـور توسـعه‌ای، تعمیـر تأسیسـات و پروژه‌هـای پشـتیبانی بـود.[۱] هـدف اصلـی از ایـن اختیـارات و هزینه‌هـا، افزایـش تولیـد نفـت بـود.

پـس از اخذتصمیمـات لازم، شـرکت ملـی مناطـق نفت‌خیـز جنـوب گام‌هـای مهمـی در تعمیـر چاه‌هـا، نوسـازی تأسیسـات و توسـعه میادیـن برداشـت تـا میـزان تولیـد در جنـوب افزایـش یابـد. در پـی ایـن مصوبـه، اقدامـات لازم توسـط مناطـق نفت‌خیـز جنـوب آغـاز شـد. حجـم تعمیـر جاده‌هـا و پل‌هـا بـه دو برابـر گذشـته رسـید، طـرح جمـع‌آوری گازهـای همـراه بنگسـتان در میدان‌هـای اهـواز، منصـوری، مـارون، آب‌تیمـور و کوپـال بـا بودجـه جداگانـه اجـرا گردیـد، تأسیسـات آغاجـاری بازسـازی شـد و افزایـش تـوان تولیـد از میدان‌هـای کرنـج، پارسـی و اهـواز و مـارون تحقـق یافـت و احـداث ایسـتگاه تزریـق گازهـای همـراه بنگسـتان نیـز بـه پایـان رسـید.

سـرمایه‌گذاری اثـرات خـود را نشـان داد و پایـان سـال ۱۳۸۵ تولیـد مناطـق نفت‌خیـز بـه روزانـه ۳ میلیـون و ۲۰۰ هـزار بشـکه رسـید. اسـفند ۱۳۸۵، سـیف‌الله جشن‌سـاز گفـت: «۹ مـاه نخسـت ۱۳۸۵، تولیـد در مناطـق نفت‌خیـز جنـوب ۴۸ هـزار بشـکه بیشـتر از برنامـه بـوده و سـرعت حفـاری نیـز از ۲۸ هـزار متـر در سـال ۱۳۸۴ بـه ۳۲ هـزار متـر در سـال ۱۳۸۵ افزایـش یافتـه اسـت.» او دربـاره تزریـق گاز بـه میادیـن گفـت: «در نیمـه نخسـت ۱۳۸۵، حـدود ۸۲ میلیـون مترمکعـب گاز بـه میادیـن مختلـف تزریـق شـده اسـت کـه بیانگـر تحقـق ۸۶ درصـدی برنامـه اسـت.»[۲]

مهـر ۱۳۸۶، جشن‌سـاز بـار دیگـر در مقابـل دوربیـن خبرنـگاران حضـور یافـت و از پیشـرفت پروژه‌هـای افزایـش تولیـد و نتایـج آن سـخن گفـت: «سـال گذشـته ۴۴ مخـزن تحـت پوشـش شـرکت، ۳۴۰ هـزار بشـکه کاهـش طبیعـی تولیـد وجـود داشـته امـا در مقابـل، مـا بیـش از ۳۷۰ هـزار بشـکه افزایـش تولیـد داشـتیم کـه ایـن امـر نشـان‌دهنده افزایـش ۳۰ هـزار بشـکه‌ای تولیـد نفـت در روز اسـت.»[۳] جشن‌سـاز، مجمـوع تولیـد مناطـق نفت‌خیـز جنـوب را ۳ میلیـون و ۲۳۰ هـزار بشـکه در روز اعـلام کـرد کـه ۲۰ هـزار بشـکه بیشـتر از برنامـه وزارت نفـت بـرای مناطـق نفت‌خیـز جنـوب بـود.

---

۱ . مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت، جلسه ۱۵۲۱، ۱۳۸۵/۱/۲۹.

۲ . مشعل، شماره ۳۳۷، ۶ اسفند ۱۳۸۵، ص۳.

۳ . مشعل، شماره ۳۶۵، ۱۵ مهر ۱۳۸۶، ص ۴.

نفت و برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه کشور

برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه کشور (۱۳۹۰-۱۳۹۴)، در دی ۱۳۸۹ به تصویب مجلس رسید. صنعت نفت یکی از مهم‌ترین بخش‌های این برنامه بود و مدیران نفت اولویت‌های وزارت نفت را برای ارائه در این برنامه چنین مشخص کردند: عملیات اکتشاف در میادین مشترک نفت و گاز در مرزهای کشورهای همسایه؛ تعیین تکلیف طرح‌های توسعه‌ای میادین مشترک؛ حداکثرسازی تولید از میادین مشترک و افزایش ظرفیت تولید در میادین مشترک نفت و گاز با تخصیص اعتبارات لازم.[1]

اولویت و تأکید اصلی مدیران در اکتشاف، توسعه، تولید و ظرفیت‌سازی بر میادین نفتی مشترک بود. تا جایی که مدیران تصویب کردند اگر محدودیتی در اعتبارات ظرفیت‌سازی میادین مشترک به وجود آید، از اعتبارات ظرفیت‌سازی تولید میادین غیرمشترک باید جبران شود. تدبیر دیگر مدیران و کارشناسان نفت این بود که برنامه‌های ظرفیت‌سازی برای تولید نفت و گاز به‌صورت میادین مشترک و غیرمشترک تفکیک و در جداول برنامه درج گردد.

نظر مدیران وزارت نفت در برنامه پنج‌ساله گنجانده شد و بندها و تبصره‌هایی به اکتشاف و توسعه به‌ویژه در میادین مشترک اختصاص یافت که در جای خود از آن سخن خواهیم گفت.

اصلاح چهارچوب قراردادهای بیع متقابل

در این دوره، رویکرد شرکت ملی نفت در قراردادهای بیع متقابل در راستای استفاده بیشتر از توان داخلی قرار گرفت. بر همین مبنا، در سال ۱۳۸۸ مواردی به‌عنوان اصلاحیه به چارچوب این قراردادها افزوده شد. استفاده حداکثری پیمانکاران خارجی از توان داخلی از موارد مهم این اصلاحیه بود. پیمانکاران موظف شدند طی یک قرارداد ضمیمه، با ذکر زمان‌بندی معین و شرح کار مشخص، جداول استفاده از امکانات و خدمات مهندسی کشور و همچنین قطعات ساخت داخل و نحوه واقعیت بخشیدن به اهداف قرارداد را تعهد کنند. استفاده از ظرفیت و توان داخلی در ۵۱ درصد کل ارزش قرارداد از دیگر موارد این اصلاحیه بود. در صورت استفاده کمتر از ۵۱ درصد، از حق‌الزحمه پیمانکار کسر می‌شد و در صورت استفاده بیشتر از این مقدار، به تناسب میزان افزایش توان داخلی، حق‌الزحمه

۱ . مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت، جلسه ۱۷۰۹، ۱۳۸۸/۱۲/۲۳.

پیمانکار بر اساس ضوابط مشخص افزایش می‌یافت. در بند دیگری از اصلاحیه، شرکت ملی نفت مکلف شد تا چارچوب اولیه طرح جامع تولید زودهنگام را تهیه و به همراه اسناد مناقصه به متقاضیان ارائه دهد تا مبنای طرح توسعه ازسوی پیمانکار قرار گیرد.

بند دیگر اصلاحیه تأکید داشت که باید مرکز و محل عملیات اداری، اجرایی، مالی، فنی و ... پیمانکار برای اجرای طرح‌های بیع متقابل در ایران قرار داشته باشد. اگر شرکت پیمانکار دفتری در خارج از کشور برای این امور در نظر می‌گرفت، شرکت ملی نفت هزینه آن را تقبل نمی‌کرد و پیمانکار مؤظف بود نسخه‌ای از اسناد هزینه‌های مستقیم و غیرمستقیم مالی را در دفتر ایران نگهداری کند.[۱]

فراز و فرود توسعه آزادگان

میدان عظیم آزادگان در سال ۱۳۷۸ کشف شد. برآورد کارشناسان حاکی از آن بود که این میدان حدود ده درصد از ذخیره کل قابل‌استحصال کشور را در خود جای داده است. توسعه این میدان بزرگ فراز و فرود بسیار داشت. مذاکره با شرکت‌های خارجی برای توسعه آزادگان به‌سرعت آغاز شد، اما هم‌زمانی آن با آغاز تحریکات جدی امریکا علیه صنعت نفت ایران، کار مذاکره را سخت کرد. سرانجام، پس از سفر رئیس‌جمهور به ژاپن، بهمن ۱۳۸۲ طرح توسعه میدان آزادگان بین شرکت نیکو (۲۵ درصد) و شرکت ژاپنی اینپکس[۲] (۷۵ درصد) به امضا رسید.

از همان ابتدای امضای قرارداد، دولت امریکا فشار زیادی بر شریک ژاپنی ایران برای ترک کار وارد کرد. با افزایش فشارها، مرداد ۱۳۸۴ شرکت APD[۳]به‌عنوان زیرمجموعه شرکت اینپکس تأسیس شد و سهام ژاپنی‌ها به این شرکت انتقال یافت. تحت فشارهای امریکا، شریک ژاپنی در انجام کارها تعلل می‌کرد، تا اینکه از سال ۱۳۸۵ فشارهای امریکا شدت بیشتری گرفت. دولت امریکا در نامه‌ای رسمی به دولت ژاپن، مدعی شد که ایران قصد دارد از درآمد میدان نفتی آزادگان برای تسریع در توسعه برنامه‌های هسته‌ای غیرصلح‌آمیز استفاده کند. سپس، رابرت زولیک و رابرت جوزف، معاونان وزارت خارجه ایالات متحده، مأموریت یافتند ژاپن را از توسعه آزادگان منصرف کنند.[۴] تهدیدهای

۱ . مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت، جلسه ۱۶۹۹، ۱۳۸۸/۱۰/۱۳.

۲ . INPEX

۳ . Azadegan Petroleum Development

۴ . مشعل، شماره ۳۱۲، ۱۱ شهریور ۱۳۸۵، ص ۵.

امریکا اثر خود را گذاشت و مهر ماه شریک ژاپنی حدود ۶۵ درصد سهام APD را به شرکت نیکو واگذار کرد. به این ترتیب، سهم ایران به ۹۰ درصد افزایش یافت. با این نقل و انتقال، مقدمات خروج ژاپنی‌ها از این پروژه و در دست گرفتن آن توسط کارشناسان ایرانی آغاز شد.[۱]

اردیبهشت ۱۳۸۶، فاز نخست توسعه میدان آزادگان با نام آزادگان جنوبی به مناطق نفت‌خیز جنوب واگذار گردید. بیشتر تجهیزات موردنیاز خریداری شده بود و به‌سرعت کار توسعه انجام شد و فاز اول با ظرفیت ۴۵ هزار بشکه نفت‌خام به نتیجه رسید. ژاپنی‌ها قبل از ترک ایران، به مدت دو سال مطالعات پایه‌ای در میدان آزادگان انجام دادند که زیرساخت مدل توسعه این میدان در سال‌های بعد شد، اما بسیاری از مدیران مناطق نفت‌خیز که در آن زمان از نزدیک در جریان این پروژه بودند، معتقدند که بین اطلاعات به‌دست‌آمده توسط آنها با اطلاعاتی که ژاپنی‌ها از میدان به دست آوردند اختلاف فاحشی وجود داشت.[۲]

توسعه فاز دوم با مشکلات جدی روبه‌رو شد. از یک‌سو، فقدان سرمایه لازم و از سوی دیگر، نیاز به تکنولوژی روز و به‌ویژه ضرورت استفاده از روش فرازآوری مصنوعی و ازدیاد برداشت در آینده، توسعه میدان را به تأخیر انداخت. کارفرمای پروژه شرکت متن بود و سرانجام با امضای قراردادی با شرکت چینی CNPCI طرح توسعه این میدان کلید خورد. چینی‌ها از همان ابتدا بر سر روش ازدیاد برداشت با کارفرما اختلاف پیدا کردند. کارشناسان متن معتقد بودند به دلیل وجود لوپ کمپرسور و استفاده از فرازآوری با گاز در آزادگان شمالی، می‌توان همان روش را برای آزادگان جنوبی هم به کار برد. به‌ویژه آنکه با توجه به تعداد بالای چاه‌ها، می‌گفتند هزینه این روش بسیار پایین آمده و به‌صرفه خواهد بود، اما چینی‌ها بر استفاده از پمپ الکتریکی درون‌چاهی اصرار داشتند. سرانجام، نظر چینی‌ها در برنامه طرح توسعه گنجانده شد.

اما چینی‌ها در اجرای کارها تعلل می‌کردند. تا پایان سال ۱۳۹۲، چینی‌ها تنها ۱۲ چاه بدون تکمیل کردن آن حفاری کردند. حفاری چهار حلقه چاه نیز نیمه‌کاره ماند و هیچ چاه جدیدی تولیدی نشد. سرانجام، پس از دو اخطار، اردیبهشت ۱۳۹۳ شرکت چینی خلعید و کار توسعه به کارشناسان داخلی سپرده شد و شرکت ملی نفت ایران با کمک صندوق توسعه ملی کار توسعه آزادگان جنوبی را پیش برد. اگرچه مدل

۱ . خبرگزاری شانا، ۲۰ مرداد ۱۳۹۹.

۲ . نگاه کنید به هندسه نفت در مناطق نفت‌خیز جنوب، صص ۲۱۶-۲۱۷.

توسعه میدان چندان منظم نبود و کارشناسان نقدهای فنی به آن وارد کردند، اما تلاش شبانه‌روزی مجریان و تیم توسعه طرح در شرایطی که هیچ شرکت بین‌المللی حاضر به همکاری نبود، قابل ستایش است. آزادگان جنوبی تا سال ۱۳۹۷ به حداکثر ظرفیت تولید خود یعنی ۱۴۰ هزار بشکه در روز رسید.[۱]

توسعه میدان رگ سفید

میدان نفتی رگ سفید، در ۱۵۰ کیلومتری شرق اهواز و نزدیک بندر دیلم قرار دارد. این میدان در سال ۱۳۴۵ به بهره‌برداری رسید. حجم گاز درجای اولیه آن حدود ۷/۷ تریلیون فوت مکعب برآورد شده بود که تا سال ۱۳۷۹ نزدیک به هزار میلیارد فوت مکعب گاز طبیعی از مخازن آسماری و بنگستان آن استخراج گردید. میزان نفت درجای اولیه این میدان ۱۶/۵ میلیارد بشکه برآورد شده بود و پیش‌بینی می‌شد ۳/۵ میلیارد بشکه آن قابل برداشت باشد.[۲]

اسفند ۱۳۸۳، توسعه میدان رگ سفید به‌صورت ترک تشریفات و به روش بیع متقابل به شرکت صنایع نفت و انرژی قشم واگذار شد[۳]، ولی این شرکت نتوانست در مهلت مقرر سرمایه‌گذار مناسبی پیدا کند[۴] و طرح راکد ماند. رکود توسعه میدان‌های اهواز ـ بنگستان و رگ سفید ماه‌ها محل بحث مدیران بود و سرانجام تصمیم گرفته شد توسعه میدان رگ سفید به شرکت مناطق نفت‌خیز جنوب واگذار شود. متخصصان شرکت مناطق نفت‌خیز برای توسعه میدان نفتی رگ سفید و جلوگیری از افت شدید تولید، جلوگیری از سوخته شدن گازهای همراه، امکان تولید پایدار از چاه‌های میدان و کاهش تعداد چاه‌های تعمیری طرح‌هایی با سرمایه‌گذاری اندک ارائه کردند.[۵] اردیبهشت ۱۳۸۷ واگذاری طرح توسعه رگ سفید به مناطق نفت‌خیز مورد موافقت هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت قرار گرفت.[۶] سقف تولید میدان رگ سفید در آن زمان ۱۸۰ هزار بشکه در

۱ . خبرگزاری شانا، ۲۰ مرداد ۱۳۹۹.

۲ . «میدان رگ سفید»، نشریه اکتشاف و تولید، شماره ۵۳، ۱۳۸۷، ص ۲۶.

۳ . مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت، جلسه ۱۴۶۵، ۱۳۸۳/۱۲/۱۸؛ همچنین نگاه کنید به مصوبه مجلس شورای اسلامی در خصوص طرح توسعه میدان نفتی رگ سفید از طریق ترک تشریفات به روش بیع متقابل، ۲۶ اسفند ۱۳۸۳.

۴ . تارنمای مدیریت اکتشاف شرکت ملی نفت ایران، «میدان رگ سفید».

۵ . خبرگزاری شانا، ۱۱ اسفند ۱۳۸۷.

۶ . مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت، جلسه ۱۶۱۸، ۱۳۸۷/۲/۸.

روز بود و با انجام عملیات توسعه به ۲۲۰ هزار بشکه در روز افزایش یافت. خاطر نشان می‌سازد، چاه‌های میدان رگ سفید از دهه ۱۳۴۰ تا سال ۱۳۹۶ چند بار فوران داشته است.

در همان ایام، توسعه میدان‌های گازی مختار، عسلویه، گردان، کبیر کوه و نیز میادین نفتی کوه ریگ، شوروم، بوشهر، بوشگان و کوه کاکی به روش بیع متقابل و با هدف جذب سرمایه‌گذار خارجی در اردیبهشت ۱۳۸۷ به شرکت نفت مناطق مرکزی واگذار شد.[۱]

فروزان؛ توسعه ناتمام

میدان فریدون، مشترک با میدان مرجان عربستان، در سال ۱۳۴۵ توسط شرکت ایپاک در دل آب‌های خلیج‌فارس کشف شد. این میدان، پس از انقلاب فروزان نام گرفت. از همان ابتدا، رقابت دو کشور ایران و عربستان در این میدان به‌اندازه‌ای بود که حتی شرکت ایپاک که در دهه ۱۳۵۰ تصمیم به توسعه میدان داشت، نتوانست اطلاعات چندانی در مورد مطالعات عربستان از این میدان کسب کند.

دهه ۱۳۷۰ و در تب‌وتاب مذاکره با سرمایه‌گذاران خارجی برای انعقاد قرارداد نام میدان فروزان هم در میان پروژه‌های بیع متقابل مشاهده شد[۲]، اما در نهایت فروزان سهمی از این قراردادها نداشت و اقدام جدی در این زمینه صورت نگرفت تا اینکه با آغاز دهه ۱۳۸۰ فعالیت جدی آرامکو در میدان مرجان شروع شد. اجرای طرح توسعه میدان مرجان با همکاری شرکت امریکایی مک‌درموت مدیران نفتی ایران را به تکاپو انداخت. چند جلسه از جلسات هیئت‌مدیره به توسعه فروزان اختصاص یافت و سرانجام توسعه فروزان در قالب طرح توسعه میدان فروزان و اسفندیار برای افزایش تولید به میزان ۶۵ هزار بشکه نفت در روز برای فروزان و ۴ هزار بشکه نفت در روز برای اسفندیار تهیه شد. اردیبهشت ۱۳۸۱ با واگذاری اجرای این طرح به شرکت پترو ایران موافقت گردید و قرارداد امضا شد. طبق قرارداد، مدت زمان اجرای طرح سه سال بود و باید در سال ۱۳۸۴ به پایان می‌رسید.[۳] طبق اظهار نظر مسئولان پترو ایران و مجریان طرح

۱ . مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت، جلسه ۱۶۲۱، ۱۳۸۷/۲/۱۹.
۲ . مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت، جلسه ۳۱ خرداد ۱۳۷۷.
۳ . خبرگزاری شانا، ۷ تیر ۱۳۸۲.

تـا بهمـن ۱۳۸۲ پـروژه ۲۹ درصـد[۱] و تـا شـهریور ۱۳۸۳ بیـش از ۳۹ درصـد [۲]پیشـرفت داشـته اسـت. امـا درنهایـت اجـرای طـرح بـه نتیجـه نرسـید. برخـی از کارشناسـان مهم‌تریـن دلیـل نافرجـام مانـدن پـروژه را تغییـر در شـرح کار پـروژه توسـط کارفرمـا دانسـته‌اند. بـالا بـردن ظرفیـت انتقـال گاز همـراه نفـت ایـن میـدان بـه خـارگ و نیـز افزایـش ظرفیـت تولیـد میـدان اسـفندیار ازجملـه تغییـرات مهمـی بـود کـه بایـد در طـرح اعمـال می‌گردیـد. تغییـر در شـرح کار از یک‌طـرف نیـاز بـه تغییـر در تأسیسـات و از سـوی دیگـر افزایـش زمـان اجـرا را در پـی داشـت. مجمـوع ایـن عوامـل بـار مالـی طـرح را به‌شـدت افزایـش داد.[۳]

پـس از فسـخ قـرارداد، شـرکت نفـت فـلات قـاره خـود اجـرای پـروژه را بـر عهـده گرفـت، امـا مجموعـه فعالیت‌هـای ایـن شـرکت در میـدان فـروزان بـه نتیجـه نرسـید. رضـا مسـیبی بهبهانـی، معـاون پژوهـش و فنـاوری دانشـگاه صنعـت نفـت، مهـر ۱۳۹۹ اعـلام کـرد کـه چنـدی پیـش طـرح مطالعـات ازدیـاد برداشـت میـدان فـروزان ازسـوی شـرکت ملـی نفـت ایـران به‌عنـوان کارفرمـا و شـرکت نفـت فـلات قـاره به‌عنـوان مجـری بـا دانشـگاه صنعـت نفـت امضـا شـد.[۴]

توسعه میدان نفتی آذر

میـدان مشـترک آذر در بلـوک نفتـی انـاران، در اسـتان ایـلام و مـرز ایـران و عـراق، واقـع شـده اسـت. ایـن میـدان نفتـی در پـی قـرارداد بـا شـرکت نـروژی نورسـک‌هایدرو و بـا ذخیـره نفـت درجـای ۲/۵ میلیـارد و نفـت قابـل اسـتحصال ۴۰۰ میلیـون بشـکه کشـف شـد. قـرارداد توسـعه میـدان آذر بـا هـدف تولیـد روزانـه ۶۵ هـزار بشـکه نفـت در سـال ۱۳۸۲ بـا کنسرسـیومی از شـرکت‌های گازپـروم، لـوک اویـل و اسـتات اویـل امضـا شـد. بـا شـدت گرفتـن تحریم‌هـا، شـرکت نـروژی از ادامـه همـکاری بـا ایـران انصـراف داد، امـا شـرکت روسـی همچنـان کـج‌دار و مریـز ادعـا می‌کـرد در پـی یافتـن شـریک جدیـد اسـت. سـرانجام، شـرکت ملـی نفـت در سـال ۱۳۹۰ شـرکت گازپـروم را بـه دلیـل تأخیرهـای متعـدد از پـروژه کنـار گذاشـت.

دی ۱۳۹۰، قـرارداد توسـعه میـدان آذر بـا شـرکت اویـک امضـا شـد. طبـق قـرارداد، هـدف از فـاز اول طـرح دسـتیابی بـه تولیـد ۳۰ هـزار بشـکه در روز و فـاز دوم، دسـتیابی بـه تولیـد ۳۵

۱ . خبرگزاری شانا، ۷ بهمن ۱۳۸۲.
۲ . خبرگزاری شانا، شهریور ۱۳۸۳.
۳ . خبرگزاری شانا، ۱۶ مرداد ۱۳۸۶.
۴ . تارنمای دانشگاه صنعت نفت، ۱۲ مهر ۱۳۹۹.

هـزار بشـکه (درمجمـوع، ۶۵ هـزار بشـکه) بـود. کل مـدت قـرارداد هـم ۵۵ مـاه پیش‌بینـی شـد.[۱] میـدان در اسـفند ۱۳۹۵ بـه تولیـد رسـید و تولیـد زودهنـگام بـا ظرفیـت ۳۵ هـزار بشـکه در روز از اردیبهشـت ۱۳۹۶ آغـاز گردیـد، امـا طـرح توسـعه آن بـه دلایـل متعـدد بـه تأخیـر افتـاد. سـرانجام، ۱۱ اسـفند ۱۳۹۹ تولیـد ۶۵ هـزار بشـکه در روز ایـن میـدان آغـاز شـد. انجـام ایـن طـرح حـدود ۱/۴ میلیـارد یـورو هزینـه داشـت کـه بخـش قابـل توجهـی از آن توسـط طریـق صنـدوق توسـعه ملـی و بخشـی نیـز از طریـق شـرکت اهـداف و وام‌هـای بانکـی تأمیـن شـد. سـهم سـاخت داخـل در ایـن پـروژه بالـغ بـر ۷۵ درصـد و سـهم سـرمایه انسـانی بومـی ۵۵ درصـد بـود.[۲]

طلای سبز هنگام

میـدان نفتـی هنـگام در عمیق‌تریـن بخـش فـلات قـاره ایـران قـرار دارد. ایـن میـدان در سـال ۱۳۵۱ توسـط شـرکت سـوفیران کشـف و نخسـتین چـاه آن در سـال ۱۳۵۴ حفـاری شـد. کارشناسـان سـوفیران بـر اسـاس مطالعـات اولیـه بـه ایـن نتیجـه رسـیدند کـه ایـن میـدان کوچـک و پیچیـده و میـزان گاز آن بیشـتر از نفـت اسـت. بـه همیـن دلیـل آن را بـه حـال خـود رهـا کردنـد.

دهـه ۱۳۷۰ مدیریـت اکتشـاف شـرکت ملـی نفـت چـاه هنـگام ۲ را به‌عنـوان چـاه ارزیابـی حفـاری کـرد. تجزیـه و تحلیـل داده‌هـا حاکـی از آن بـود کـه هنـگام میدانـی نفتـی اسـت، ولـی به‌سـرعت گازی خواهـد شـد. بـر اسـاس مطالعـات مخـزن، نفـت درجـای میـدان بیـش از ۷۰۰ میلیـون بشـکه و گاز درجـای آن را حـدود ۲ تریلیـون فـوت مکعـب تخمیـن زده شـد. شـرکت ملـی نفـت تصمیمـی بـرای توسـعه میـدان نداشـت کـه خبـر رسـید عمانی‌هـا توسـعه آن را آغـاز کرده‌انـد. عمانی‌هـا نخسـتین بـار در سـال ۱۳۵۵ چـاه خسـاب و سـپس در سـال ۱۳۷۵ چـاه بخـای غربـی را حفـر کردنـد.[۳]

دهـه ۱۳۸۰ مدیـران ایرانـی بـا همتایـان عمانـی بـه مذاکـره نشسـتند و پیشـنهاد کردنـد ایـن میـدان را بـا مشـارکت هـم توسـعه دهنـد و به‌جـای برداشـت رقابتـی، بـه برداشـت صیانتـی بپردازنـد. گفت‌وگوهـا ظاهـراً خـوب پیـش می‌رفـت و مسـئولان ایرانـی اسـناد لازم را بـرای

۱ . خبرگزاری ایسنا، ۱۵ اسفند ۱۳۹۳.
۲ . خبرگزاری ایرنا، ۱۱ اسفند ۱۳۹۹.
۳ . خبرگزاری شانا، ۴ مرداد ۱۳۹۶.

مبادلـه آمـاده کـرده بودنـد کـه عمانی‌هـا بـدون اطـلاع مذاکـره را رهـا[1] و از اواخـر سـال ۱۳۸۷ برداشـت از ایـن میـدان را آغـاز کردنـد. ایـن مسـئله مدیـران شـرکت نفـت را بـه تکاپـو واداشـت. میـدان هنـگام مشـترک بـود و ایـران نمی‌خواسـت از رقیـب عقـب بمانـد. بلافاصلـه عملیـات توسـعه در میـدان هنـگام آغـاز شـد و سـرانجام میـدان هنـگام بـا تولیـد ۱۶ هـزار بشـکه در روز در سـال ۱۳۸۹ بـه بهره‌بـرداری رسـید. هم‌زمـان، افزایـش تولیـد از میـدان بـه ۳۰ هـزار بشـکه در روز در دسـتور کار قـرار گرفـت و بـه شـرکت نفـت فـلات قـاره واگـذار گردیـد. ۳۰۷ میلیـون یـورو اعتبـار بـه ایـن طـرح اختصـاص داده شـد کـه بایـد از منابـع داخلـی تأمیـن می‌شـد.[2] طـرح توسـعه میـدان هنـگام ۲۰ تیـر ۱۳۹۲ بـا حضـور رئیس‌جمهـور افتتـاح شـد.

توسعه ناتمام بند کرخه

میـدان نفتـی بنـد کرخـه در ۳۰ کیلومتـری شـمال غربـی اهـواز قـرار دارد. ایـن میـدان کـه در بلـوک اکتشـافی مهـر واقـع شـده اسـت، سـال ۱۳۸۵ توسـط شـرکت ملـی نفـت ایـران کشـف شـد. شـهریور ۱۳۸۶ ارزیابـی تجـاری بـودن آن و سـپس، انجـام توسـعه میـدان بـه شـرکت اتریشـی اوامـوی واگـذار گردیـد.[3] مطالعـات اولیـه حاکـی از آن بـود کـه در لایـه ایـلام بیـش از ۲ میلیـارد بشـکه نفـت درجـا و در لایـه سـروک حـدود ۱/۹ میلیـارد بشـکه نفـت درجـا وجـود دارد کـه ۱۱۰ میلیـون بشـکه از آن قابـل اسـتحصال اسـت.

بـا خـروج شـرکت اتریشـی در فضـای شـدت گرفتـن تحریم‌هـا علیـه ایـران، عملیـات توسـعه و بهره‌بـرداری ایـن میـدان در سـال ۱۳۸۷ بـه شـرکت مهندسـی و توسـعه نفـت واگـذار شـد. شـرکت متـن (کارفرمـا) بـرای توسـعه کامـل میـدان در خـرداد ۱۳۹۱ قـراردادی بـا شـرکت سـاتا (شـرکت سـرمایه‌گذاری تأمیـن اجتماعـی نیروهـای مسـلح) در سـمت پیمانـکار بـا هزینـه‌ای حـدود یـک میلیـارد دلار منعقـد کـرد. هـدف از ایـن قـرارداد، دسـتیابی بـه تولیـد زودهنـگام ۷۵۰۰ بشـکه در روز و سـپس، افزایـش آن بـه ۲۰ هـزار بشـکه نفـت در روز عنـوان شـد. [4]

بـه دلیـل برخـی مشـکلات، ۲۰ اسـفند ۱۳۹۲ شـرکت ملـی نفـت توافقنامـه همـکاری بـا شـرکت سـاتا بـرای توسـعه میـدان بنـد کرخـه را مختومـه اعـلام کـرد و عملیـات توسـعه آن متوقـف شـد. پـس از امضـای برجـام، شـرکت اوامـوی بـرای توسـعه و سـرمایه‌گذاری در ایـن

۱ .مصاحبه با محمد محمدی‌فرد، از مدیران شرکت نفت فلات قاره ایران، اسفند ۱۳۹۶.

۲ . مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت، جلسه ۳ مرداد ۱۳۹۰.

۳ . مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت، جلسه ۱۵۸۸، ۱۳۸۶/۶/۱۳.

۴ . خبرگزاری ایسنا، ۲ خرداد ۱۳۹۱.

میدان ابراز تمایل کرد.[۱] این قرارداد نیز با اعمال دوباره تحریم‌ها به نتیجه نرسید. در حال حاضر، از این میدان روزانه ۷۵۰۰ بشکه نفت استخراج می‌شود.

اکتشاف

در سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲ فعالیت‌های اکتشافی پربار بود و در راستای استراتژی از پیش تعیین‌شده حاکمیت برای افزایش ذخایر درجای نفت و گاز با تمام توان ادامه یافت. سیدمحمود محدث، علی‌محمد اتفاقی (سرپرست) و هرمز قلاوند مدیریت امور اکتشاف شرکت ملی نفت را در این دوره بر عهده داشتند. محدث ازجمله مدیران دوره پیشین بود که به دلیل کارآیی، انعطاف سازمانی و خلاقیت توانست به دور از حاشیه‌های سیاسی مدیریت خود را بر امور اکتشاف استمرار بخشد.

خلیج‌فارس، میادین مشترک، دریای مازندران، خراسان و استان‌های مرکزی بارها مورد عملیات زمین‌شناسی، ژئوفیزیکی و لرزه‌نگاری قرار گرفت. بودجه این بخش از صنعت نفت نسبت به دوره قبل بیشتر و بر شمار کارشناسان افزوده شد. چند شرکت خارجی به‌رغم محدودیت‌ها با مدیریت اکتشاف همکاری داشتند. با انجام فعالیت‌های مستمر اکتشافی در این دوره، در پایان سال ۱۳۹۲ مجموع ذخایر اثبات‌شده نفت‌خام ایران به ۱۵۷ میلیارد بشکه و ذخایر اثبات‌شده گاز طبیعی به ۳۳/۸ هزار میلیارد مترمکعب رسید.[۲]

کوه موند، کاکی و بوشگان در استان بوشهر؛ میدان‌های آرش، الوند، فرزاد B، رشادت و توسن در آب‌های خلیج‌فارس؛ بلوک‌های کوهدشت و ساوه، گرمسار و خرم‌آباد ازجمله اهداف اکتشافی مدیران اکتشاف در دهه ۱۳۸۰ بودند. بلوک اناران در استان ایلام که توسط شرکت هیدرو زاگرس تحت عملیات اکتشافی قرار داشت، در تیر ۱۳۸۵ تجاری شناخته شد.[۳] تیر ۱۳۸۷ پیشرفت عملیات اکتشافی در بلوک خرم‌آباد با همکاری شرکت هیدرو زاگرس را حسین روشندل، مدیر بلوک‌های اکتشافی و مشارکت‌های خارجی شرکت ملی نفت ایران، ۶۰ درصد اعلام کرد.[۴] با پایان یافتن عملیات لرزه‌نگاری و حفر سه حلقه چاه اکتشافی، در آبان ۱۳۸۸ خبرگزاری‌ها از کشف منابع نفت و گاز در این

۱ . تارنمای شرکت مهندسی و توسعه نفت (متن).
۲ . ترازنامه بانک مرکزی، سال ۱۳۹۲.
۳ . خبرگزاری مهر، ۲۶ تیر ۱۳۸۵ به نقل از حسین روشندل.
۴ . خبرگزاری شانا، ۱ تیر ۱۳۸۷.

بلـوک خبـر دادنـد.[۱]

در پایـان دولـت اول احمدی‌نـژاد، سـیدمحمود محـدث گزارشـی از اکتشـافات جدیـد در ایـن دوره ارائـه داد: «در برنامـه چهـارم توسـعه ۱۹ میـدان نفتـی یـا لایـه مخزنـی جدیـد و ۸ میـدان گازی یـا لایـه مخزنـی جدیـد بـه ارزش ۶۳۳ میلیـارد دلار کشـف شـد. از مجمـوع ۶۳۳ میلیـارد دلار ارزش نفـت و گاز کشف‌شـده، ۳۰۳ میلیـارد دلار بـه کشـف هیدروکربـور مایـع شـامل نفت‌خـام و میعانـات گازی و ۳۳۰ میلیـارد دلار بـه کشـف گاز اختصـاص دارد. بـرای انجـام اکتشـاف‌های یادشـده، یـک میلیـارد و۱۶۰ میلیـون دلار هزینـه شـده اسـت.»[۲]

اکتشاف در بلوک دانان

اکتشـاف، توسـعه و بهره‌بـرداری میـدان نفتـی دانـان روایتـی اسـت از اراده و کوشـش کارشناسـان جـوان نفتـی کـه بـا سـرمایه مناسـب و همـکاری بین‌المللـی بـه نتیجـه رسـید. در اسـناد بالادسـتی (مصوبـات هیئت‌مدیـره شـرکت ملـی نفـت) از آن به‌عنـوان بلـوک اکتشـافی یـاد شـده اسـت. بهمـن ۱۳۸۶ مدیـران تصمیـم گرفتنـد عملیـات اکتشـافی را در ایـن منطقـه کـه به‌خاطـر نزدیکـی بـه کشـور عـراق مـورد توجـه قـرار داشـت، انجـام دهنـد. بـر اسـاس داده‌هـای دهه‌هـای پیشـین، کارشناسـان معتقـد بودنـد ایـن منطقـه از نفـت درجـای قابـل ملاحظـه‌ای برخـوردار اسـت، امـا از میـزان آن تردیـد داشـتند. ضمـن اینکـه بـه دلیـل صعب‌العبـوری و سـختی عملیـات اکتشـافی و لرزه‌نـگاری، سـال‌ها عملیـات اکتشـاف در ایـن منطقـه بـه محـاق رفـت. از آنجـا کـه اسـتراتژی حاکمیـت بـر افزایـش عملیـات اکتشـافی قـرار گرفتـه بـود، ایـن میـدان نیـز در نیمـه دهـه ۱۳۸۰ در رونـد اکتشـاف و توسـعه قـرار گرفـت.

بهمـن ۱۳۸۶ عملیـات اکتشـافی در بلـوک دانـان بـه شـرکت پتـرو ویتنـام واگـذار شـد. مبلـغ ایـن قـرارداد ۷۴ میلیـون دلار و دوره اکتشـاف و توصیـف در وسـعتی معـادل ۵۴۷۰ کیلومتـر مربـع و زمـان ۶ سـال در نظـر گرفتـه شـد.[۳] ۱۸ دی ۱۳۹۰، رسـتم قاسـمی، وزیـر نفـت، از پایـان عملیـات لرزه‌نـگاری در ایـن بلـوک خبـر داد و گفـت: «ضـروری اسـت شـرکت ویتنامـی بـا شـتابی بیشـتر عملیـات حفـاری را در ایـن میـدان آغـاز کنـد.»[۴] عملیـات اکتشـافی بـا موفقیـت

۱ . خبرگزاری مهر، ۸ آبان ۱۳۸۸.

۲ . روزنامه رسالت، ۱۰ اسفند ۱۳۸۸.

۳ . مصوبـات هیئت‌مدیـره شـرکت ملـی نفـت، جلسـه ۱۶۱۰، ۱۳۸۶/۱۱/۲۸ (حسـین روشـندل در مـرداد ۱۳۸۷ مبلـغ قـرارداد را ۱۱۵ میلیـون دلار اعـلام کـرد، خبرگـزاری شـانا، ۶ مـرداد ۱۳۸۷).

۴ . تارنمای شرکت مهندسی و توسعه نفت (متن)، ۱۸ دی ۱۳۹۰.

انجـام شـد و بهره‌بـرداری از ایـن میـدان بـه شـرکت نفـت مناطـق مرکـزی واگـذار گردیـد. بهمـن ۱۳۹۷ قـراردادی بـرای نگهداشـت و افزایـش تولیـد نفـت از میـدان دانـان بیـن شـرکت ملـی نفـت و گـروه مپنـا امضـا شـد. در راسـتای اجـرای ایـن طـرح، حفـاری یـازده چـاه در دسـتور کار قـرار گرفـت کـه حفـاری چـاه شـماره ۱۰ دانـان در شـهریور ۱۳۹۹ بـه پایـان رسـید.[۱] از ایـن میـدان در حـال حاضـر روزانـه ۲۶ هـزار بشـکه نفـت تولیـد می‌شـود و واحـد بهره‌بـرداری دهلـران نفـت ایـن میـدان را فـرآورش می‌کنـد.

اکتشاف در دریای خزر

عملیـات اکتشـاف در دریـای خـزر از آغـاز سـال ۱۳۸۰ صـورت جـدی بـه خـود گرفـت و ۴۶ سـاختار کوچـک و بـزرگ نفتـی / گازی در سـال‌های گذشـته کشـف شـد. از ایـن میـان، ۶ بلـوک اکتشـافی پتانسـیل مطلوبـی داشـتند. در دهـه ۱۳۸۰ ایـران توانسـت بـه فنـاوری حفـاری در آب‌هـای عمیـق دسـت یابـد و بـا اسـتقرار سـکوی نیمه‌شـناور امیرکبیـر در آب‌هـای عمیـق خـزر جنوبـی صاحـب یکـی از بزرگ‌تریـن دسـتگاه‌های حفـاری دریایـی جهـان شـود.

اردیبهشـت ۱۳۹۱، پـس از دو سـال فعالیـت اکتشـافی و حفـاری به‌وسـیله سـکوی نیمه‌شـناور امیرکبیـر، میـدان نفتـی / گازی سـردار جنـگل در عمـق ۲۶۴۰ متـری بسـتر دریا کشـف و مشـعل ایـن سـکو روشـن شـد. بررسـی داده‌هـای اکتشـافی نشـان مـی‌داد کـه ایـن میـدان ۵۰۰ تریلیـون فـوت مکعـب گاز طبیعـی و ۲ میلیـارد بشـکه نفـت درجـا دارد و می‌تـوان ۵۰۰ میلیـون بشـکه آن را برداشـت کـرد. بـرای کشـف ایـن میـدان هفـت حلقـه چـاه اکتشـافی در آب‌هـای عمیـق خـزر حفـر شـد و بـا حفـاری هشـتمین چـاه اکتشـافی، ایـن میـدان کشـف گردیـد و بلافاصلـه مطالعـه بـرای تبدیـل چـاه اکتشـافی اول بـه چـاه تولیـدی و تولیـد زودهنـگام آغـاز شـد. پـس از کشـف میـدان سـردار جنـگل، سـکوی امیرکبیـر بـه موقعیـت جدیـدی در ۱۵۰۰ متـری چـاه هشـتم انتقـال یافـت. شـرکت حفـاری شـمال تـدارکات لازم بـرای حفـاری چـاه توصیفـی و اکتشـافی جدیـد را فراهـم آورد.[۲]

ادامه عملیات اکتشافی

پـس از انجـام فعالیت‌هـای اکتشـافی در گسـتره کشـور، به‌تدریـج دامنـه اکتشـافات کوچک‌تـر

۱ . خبرگزاری شانا، ۱۹ شهریور ۱۳۹۹.

۲ . ترازنامه هیدروکربوری، سال ۱۳۹۱.

شـد، امـا بـا ایـن حـال بـه دلیل پتانسـیل زیـادی کـه در کشـور وجـود دارد، عملیـات اکتشـافی در بخش‌هـای مختلـف خشـکی و دریایـی ثمربخـش بـود. بـه گـزارش مدیریـت اکتشـاف، ایـران در سـال‌های گذشـته یکـی از موفق‌تریـن کشـورها در حـوزه اکتشـاف بـوده اسـت. ضریـب موفقیـت اکتشـاف در ایـن دوره رضایت‌بخـش و در سـال ۱۳۹۱ حـدود ۸۰ درصـد بـود. یعنـی از هـر ۵ حلقـه چـاه اکتشـافی حفرشـده، ۴ حلقـه بـا موفقیـت بـه ذخایـر نفـت و گاز رسـید.[۱]

در مناطـق نفت‌خیـز جنـوب عملیـات لرزه‌نـگاری سـه‌بعدی بـا موفقیـت انجـام گرفـت. ایـن عملیـات در میدان‌هـای اهـواز، لالـی، کارون، بی‌بـی حکیمـه، مغـان، هفتـگل و گلخـاری سـامان یافـت. تهیـه نقشـه‌های دقیـق علمـی از افق‌هـای مختلـف ایـن میدان‌هـا، تعییـن وضعیـت سـاختمانی، چگونگـی ارتبـاط مخـازن بـا مناطـق مجـاور و تکمیـل اطلاعـات و داده‌هـای مخـازن بـرای نگهداشـت تولیـد و طرح‌هـای توسـعه‌ای آتـی از مهم‌تریـن اهـداف ایـن اقـدام بـود.[۲] غلامحسـین دشـتی‌پور، از مدیـران فنـی مناطـق نفت‌خیـز جنـوب، ۸ اردیبهشـت ۱۳۹۲ در گفت‌وگـو بـا رسـانه‌ها، عملیـات لرزه‌نـگاری سـه‌بعدی در میـدان نفتـی اهـواز را تشـریح کـرد: «ایـن پـروژه در محـدوده‌ای بـه وسـعت ۵۰۰ کیلومتـر مربـع در دسـت اجـرا و در کلان‌شـهر اهـواز در دو بلـوک در حـال انجـام اسـت. عملیـات لرزه‌نـگاری در بلـوک یـک پایـان یافتـه و در بلـوک دو پیش‌بینـی می‌شـود تـا پایـان خـرداد بـه اتمـام برسـد.» سـپس، بـه پروژه‌هـای لرزه‌نـگاری سـه‌بعدی در حـال اجـرا در میدان‌هـای رامیـن، لالـی و کارون و بی‌بـی حکیمـه اشـاره کـرد و گفـت پروژه‌هـای لرزه‌نـگاری در هفتـگل، نفـت سـفید و گلخـاری بـه‌زودی عملیاتـی خواهـد شـد.[۳]

شـرکت نفـت فـلات قـاره نیـز قـراردادی بـرای انجـام عملیـات لرزه‌نـگاری چهاربعـدی در میـدان ابـوذر منعقـد کـرد. بررسـی تغییـرات سـطوح و دیگـر خصوصیـات سـیالات مخـزن از اهـداف ایـن قـرارداد بـود.[۴] در شـرکت نفـت مناطـق مرکـزی نیـز قـراردادی بـرای انجـام لرزه‌نـگاری سـه‌بعدی در میـدان گازی سـرخون، شـمال شـرقی بندرعبـاس، منعقـد گردیـد. تهیـه نقشـه‌های دقیـق علمـی، تعییـن وضعیـت سـاختمانی و مشـخصات مخزنـی میـدان بـرای توسـعه آن و نیـز، بررسـی احتمـال وجـود گسـل در بخـش مرکـزی میـدان، بررسـی افق‌هـای پایین‌تـر از جهـرم، بررسـی نحـوه گسـترش لایه‌هـای مخزنـی در بخـش شـرقی میـدان و

۱ . ترازنامه هیدروکربوری، سال ۱۳۹۱.

۲ . مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت، جلسه ۱۷۹۶، ۱۳۹۱/۴/۱۱.

۳ . خبرگزاری فارس، ۱۳۹۲/۲/۸.

۴ . مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت، جلسه ۱۷۹۸، ۱۳۹۱/۵/۸.

شناخت دقیق‌تر ساختار نقشه خطوط زیرزمینی با هدف بازگردانی گاز میدان سرخون از مهم‌ترین اهداف این عملیات بود.[۱]

از آنجا که بیشتر میدان‌های نفتی و گازی ایران در نیمه دوم عمر خود قرار دارند، عملیات اکتشافی برای جبران کاهش تولید از مخازن در برنامه پنجم توسعه بازتاب یافت. در ماده ۱۲۵ این برنامه به وزارت نفت اجازه داده شد طبق ضوابط مشخص‌شده، پروانه اکتشاف صادر کند. در ماده ۱۲۶ نیز وزارت نفت اجازه یافت که در قالب بودجه‌های سنواتی کل کشور و تصویب شورای اقتصاد و مبادله موافقت‌نامه با معاونت، به انعقاد قراردادهای بیع متقابل برای انتقال دانش و فناوری و اکتشاف و توسعه میادین جدید در تمامی نقاط کشور با برگزاری مناقصه و رعایت ضوابط قانونی، طرف قرارداد را انتخاب کند. البته استان‌های خوزستان، بوشهر و کهگیلویه و بویراحمد از این امر مستثنا شدند.[۲]

مدیریت اکتشاف برای توسعه فعالیت‌های اکتشافی در سال ۱۳۹۱ بلوک‌های جدید اکتشافی را در ۱۴ بسته سرمایه‌گذاری تعریف و تنظیم کرد. ۱۲ بلوک به اکتشاف در بخش خشکی و ۲ بلوک به اکتشاف در دریا اختصاص داشت. بلوک‌های هرمزگان، بستانه، فنیو، کلاتر، دهنو، لار، جهرم، کازرون، شیراز، سپیدان، لار (در تنگه هرمز) و سینا (در خلیج‌فارس) ازجمله این بلوک‌ها بودند.

در آغاز دهه نود، انجام عملیات لرزه‌نگاری و حفاری تاقدیس‌های ناشناخته، کشف نفت و گاز در میدان‌های مشترک و اکتشاف در افق‌های عمیق‌تر از میدان‌های در حال تولید و توسعه اهمیت بیشتری یافت و به اولویت مدیریت اکتشاف بدل شد. در سال ۱۳۹۱ کارشناسان اکتشاف موفق به کشف ۱۶ افق و لایه مخزنی جدید شدند: کشف نفت‌خام در مخزن آسماری میدان مرزی مهر در منطقه دزفول شمالی؛ افق‌های ایلام بالایی و پائینی، سروک و بخش ماسه‌سنگ آزادگان؛ میدان مرزی سهراب در دشت آبادان و در مجاورت مرز عراق؛ کشف نفت‌خام و گاز و میعانات گازی در افق‌های آسماری، پابده و کلهر در میدان مرزی سامان در دزفول شمالی؛ کشف گاز در افق ایلام از میدان گازی راوندی در ناحیه لرستان؛ افزایش ذخیره نفت‌خام در مخزن فهلیان میدان نفتی یادآوران؛ کشف نفت در افق آسماری میدان نفتی دهلران؛ کشف نفت در افق ایلام میدان نفتی

۱ . مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت، جلسه ۱۸۳۶، ۱۳۹۲/۴/۳۰.

۲ . قانون برنامه پنجساله توسعه پنجم، مصوب مجلس شورای اسلامی در ۱۵ دی ۱۳۸۹. این قانون زیربنای مبنای نگاه جدید به مسئله اکتشاف و تولید گردید که سال‌ها بعد، شرکت‌های اکتشاف و تولید با کمی تغییرات در دولت تدبیر و امید عملیاتی گردید.

آزادگان؛ کشف نفت در افق فهلیان و گدوان میدان نفتی سپهر.[۱]

انجام عملیات لرزه‌نگاری در گستره وسیعی از شمال‌شرق کشور، حفاری اکتشافی در میدان مشترک افشار، شناسایی افق جدید در نزدیکی میدان آزادگان در افق‌های سروک و فهلیان، مطالعات زمین‌شناسی در سازندهای ایلام و سروک از گروه مخزن بنگستان در تاقدیس راونی، عملیات زمین‌شناسی و ژئوفیزیکی در میدان‌های گنبدلی و خانگیران، حفاری اکتشافی در لایه هیدروکربوری زکین استان فارس، عملیات لرزه‌نگاری دوبعدی کپه‌داغ و فردوس، لرزه‌نگاری سه‌بعدی در میدان‌های رامین و تیماب و کارون و لالی و بی‌بی حکیمه از دیگر فعالیت‌های مدیریت اکتشاف در سال ۱۳۹۱ بود. در این دوره، با اعزام گروه‌های مختلف زمین‌شناسی، اطلاعات پایه‌ای از حوزه‌های رسوبی زاگرس، ایران مرکزی، مغان، مکران و کپه‌داغ افزایش یافت.[۲]

آخرین تصمیم‌های اکتشافی

در ماه‌های پایانی دولت، فعالیت‌های اکتشافی بیشتر از قبل مورد توجه قرار گرفت و به آن بودجه اختصاص یافت. تیر ۱۳۹۲، اعتبار ارزی معادل ۳۶۲ میلیون دلار و بیش از ۲ هزار میلیارد اعتبار ریالی، از محل منابع سرمایه داخلی و در قالب بودجه سالانه به انجام مجموعه‌ای از پروژه‌های اکتشافی خشکی و دریایی اختصاص یافت. این اعتبار به حفر چاه‌های اکتشافی یاور۱، پیروز۱، سهراب۱، سپهر۲، دلاوران۲ و سناباد۱ در ناحیه خشکی و حفر چاه‌های اکتشافی سپند۱ و لرزه نگاری دوبعدی زهاب، لرزه‌نگاری سه‌بعدی و دوبعدی سپهر و لرزه‌نگاری سه‌بعدی تندیس در دریا تخصیص یافت. هم‌زمان، با حفاری ۴ حلقه چاه سناباد ۱، زال۱، کنگان و زیرنگ۱ با اعتباری معادل ۸۷ میلیون دلار موافقت شد.[۳]

آخرین تصمیم اکتشافی هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت در این دوره به حفاری اکتشافی در خلیج‌فارس و میدان‌های مشترک اختصاص داشت. ۶ شهریور ۱۳۹۲ مدیران با حفاری ۹ حلقه چاه اکتشافی در میدان‌های مشترک موافقت کردند. حفاری چاه‌های میدان‌های مشترک سپند و آریا به مدیریت اکتشاف و حفاری چاه‌های میدان‌های مشترک فرزام،

۱ . ترازنامه هیدروکربوری، سال ۱۳۹۱.

۲ . ترازنامه هیدروکربوری، سال ۱۳۹۱.

۳ . مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت، جلسه ۱۸۳۶، ۱۳۹۲/۴/۳۰.

صبـا، فـروزان، سـیری E، نصـرت، اسـفندیار و هرمـز S بـه فـلات قـاره واگـذار شـد.[۱]

گاز

افزایـش تولیـد گاز بـا اولویـت تولیـد از میادیـن مشـترک و به‌ویـژه توسـعه میـدان گازی پـارس جنوبـی از مهم‌تریـن برنامه‌هـای دولـت در ایـن دوره بـود. بـا گسـترش شـبکه گازرسـانی، سـهم گاز طبیعـی در سـبد مصـرف حامل‌هـای انـرژی افزایـش یافـت. تولیـد گاز کـه در ابتـدای ایـن دوره (سـال ۱۳۸۴) بالـغ بـر ۸۷ میلیـارد مترمکعـب بـود، در سـال پایانـی ایـن دولـت در سـال ۱۳۹۲ بـه بیـش از ۱۶۶ میلیـارد مترمکعـب رسـید.

در سـال ۱۳۸۴، درمجمـوع ۱۳۵۵۷ کیلومتـر شـبکه گاز در سراسـر کشـور اجـرا شـد و ۴۶۲ هـزار انشـعاب بـرای بخش‌هـای مختلـف خانگـی، تجـاری و صنعتـی نصـب گردیـد. ۶۱ درصـد گاز طبیعـی در بخش‌هـای خانگـی، تجـاری و عمومـی و مابقـی آن در بخش‌هـای صنعتـی، نیروگاه‌هـا و پالایشـگاه‌ها مصـرف شـد.[۲] توسـعه گازرسـانی بـه سراسـر کشـور در ایـن دوره ادامـه داشـت. در سـال ۱۳۹۲، نزدیـک بـه ۹۷ درصـد شـهرها و ۶۰ درصـد روسـتاهای ایـران از گاز طبیعـی برخـوردار بودنـد. میـزان شـبکه‌های گازرسـانی کشـور در شـهرها و روسـتاها بـه ۱۰۴ هـزار کیلومتـر و تعـداد مشـترکان انشـعابات و علمک‌هـای گازی بـه ۵ میلیـون و ۲۰۰ هـزار رسـید و بیـش از ۱۴ هـزار روسـتا از نعمـت گاز بهره‌منـد شـدند.[۳]

در میـان اقداماتـی کـه در ایـن دوره بـرای توسـعه صنعـت گاز بـه عمـل آمـد، توسـعه میـدان گازی پـارس جنوبـی از مهم‌تریـن اولویت‌هـای دولـت نهـم و دهـم بـود.

توسعه پارس جنوبی

تأمین منابع مالی

دولـت جدیـد در حالـی کار خـود را آغـاز کـرد کـه پنـج فـاز (فازهـای ۱ تـا ۵) پـارس جنوبـی افتتـاح شـده بـود، فازهـای ۶ و۷ و ۸ بیـش از ۶۰ درصـد و فازهـای ۹ و۱۰ حـدود ۱۵ درصـد پیشـرفت داشـتند. قـرارداد اولیـه فازهـای ۱۱ و ۱۳ امضـا و مذاکـره بـرای توسـعه فـاز ۱۲ نهایـی

۱ . مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت، جلسه ۱۸۴۱، ۱۳۹۲/۶/۳.

۲ . ترازنامه انرژی، ۱۳۸۴.

۳ . خبرگزاری شانا، ۱۵ مرداد ۱۳۹۲.

شـده بـود. هم‌زمـان، مذاکـره بـرای انتخـاب پیمانـکار فازهـای ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷ و ۱۸ در حـال انجـام بـود و قـرار بـود مناقصـه فازهـای ۱۹ و ۲۰ برگـزار شـود.

امـا طولـی نکشـید کـه تحریم‌هـا تأثیـر خـود را نشـان داشـت و دولـت بـرای ادامـه توسـعه ایـن فازهـا در تنگنـا قـرار گرفـت. از یک‌سـو، شـرکت‌های بین‌المللـی حاضـر نبودنـد بـه قراردادهـای خـود پایبنـد باشـند و از سـوی دیگـر، کمبـود منابـع مالـی مشـکلات بسـیاری را ایجـاد کـرده بـود.

علـی وکیلـی، از مدیـران دوره پیشـین، مـرداد ۱۳۸۶ بـه سـمت مدیرعاملـی شـرکت نفـت و گاز پـارس برگزیـده شـد. وکیلـی، مهـر مـاه در جمـع اصحـاب رسـانه حضـور یافـت و بـه پرسـش‌های خبرنـگاران دربـاره پـارس جنوبـی پاسـخ داد. او بـا اشـاره بـه مشـکل تأمیـن مالـی پروژه‌هـای پـارس جنوبـی و تأکیـد بـر اسـتفاده از منابـع داخلـی گفـت: «می‌تـوان از مشـارکت مردمـی اسـتفاده کـرد کـه حتمـاً بـا اسـتقبال مواجـه خواهـد شـد. بـه همیـن خاطـر، کنسرسـیومی از بانک‌هـای داخلـی تشـکیل خواهیـم داد، زیـرا بانک‌هـای مـا سـرمایه زیـادی در اختیـار ندارنـد و یـک بانـک به‌تنهایـی نمی‌توانـد پشـتیبان مالـی یـک پـروژه باشـد.» او صنـدوق ذخیـره ارزی را از دیگـر پشـتوانه‌های تأمیـن مالـی پروژه‌هـا دانسـت.[1]

فروردیـن ۱۳۸۷، وکیلـی بـار دیگـر بـه مشـکلات دولـت بـرای تأمیـن منابـع مالـی پـارس جنوبـی اشـاره کـرد و گفـت: «سـرمایه مـورد نیـاز بـرای راه‌انـدازی هـر فـاز پـارس جنوبـی حـدود ۲ میلیـارد دلار اسـت. بـا وجـود ایـن، بانک‌هـای داخلـی و بخـش خصوصـی از توانایـی مالـی و سـرمایه‌ای لازم بـرای راه‌انـدازی یـک فـاز پـارس جنوبـی هـم برخـوردار نیسـتند. هم‌اکنـون بـرای هـر فـاز بـه منظـور جـذب سـرمایه بـا تعـدادی از شـرکت‌های غربـی یـا آسـیایی مذاکره‌هایـی در حـال انجـام اسـت.»[2]

مشـکل تأمیـن مالـی از طریـق منابـع داخلـی و خارجـی، مدیـران را بـه راه‌حـل دیگری رسـاند. خـرداد ۱۳۸۸ بـرای نخسـتین بـار موضـوع انتشـار اوراق مشـارکت بـرای پروژه‌هـای نفتـی مطـرح شـد. وزارت نفـت بـرای توسـعه میـدان گازی پـارس جنوبـی تقاضـای انتشـار ۱۲ میلیـارد و ۲۴۵ میلیـون دلار اوراق مشـارکت ارزی و ریالـی در مـدت ۳ سـال را مطـرح کـرد. اوراق مشـارکت اصطلاحـی اسـت کـه پـس از انقـلاب اسـلامی و در دوران سـازندگی وارد ادبیـات اقتصـادی کشـور شـد. اوراق مشـارکت، اوراقـی بهـادار بـا نـام یـا بـی نـام اسـت کـه ازسـوی دولـت، شـهرداری‌ها و

۱ . خبرگزاری شانا، ۲۵ مهر ۱۳۸۶.

۲ . خبرگزاری شانا، ۳۰ فروردین ۱۳۸۷.

دیگـر مؤسسـات بـا مجـوز بانـک مرکـزی بـرای اجـرای طرح‌هـای عمرانـی، تولیـدی، سـاختمانی و خدماتـی بیـن مـردم و از طریـق بانک‌هـا منتشـر می‌شـود. دولـت بـا تقاضـای وزارت نفـت موافقـت کـرد. قـرار شـد تـا ۴ میلیـارد و ۲۴۵ میلیـون دلار در سـال نخسـت (سـال ۱۳۸۸)، ۴ میلیـارد و یکصـد میلیـون دلار در سـال دوم و ۳ میلیـارد و ۹۰۰ میلیـون دلار در سـال سـوم ازسـوی وزارت نفـت انتشـار یابـد.[۱] ایـن طـرح بـا سـود علی‌الحسـاب ۱۹ درصـد مـورد اسـتقبال عمـوم ایرانیـان قـرار گرفـت.[۲]

راه‌حـل دیگـر شـرکت ملـی نفـت بـرای تأمیـن اعتبـار پروژه‌هـای پـارس جنوبـی، حـذف ۳ میلیـارد دلار از اعتبـارات گازرسـانی بـه شـهرها و روسـتاها و اختصـاص بودجـه آن بـه ایـن امـر و چنـد طـرح دیگـر بـود. توزیـع اعتبـارات طرح‌هـای احـداث خطـوط لولـه گازرسـانی بـه شـهرها، روسـتاها، صنایـع و نیروگاه‌هـا و احـداث کارخانـه گاز مایـع ۳۱۰۰ بـه هفـت پـروژه در پـارس جنوبـی در تیـر ۱۳۹۰ تصویـب شـد. طبـق ایـن مصوبـه، تسـهیلات ۳ میلیـارد دلاری نیکـو بـه توسـعه فـاز ۱۲ و ۱۹ و لایـه نفتـی پـارس جنوبـی و خریـد ۳۵ دسـتگاه کمپرسـور بـرای توسـعه فازهـای ایـن میـدان، توسـعه فـاز ۱ میـدان آزادگان، احـداث کارخانـه گاز طبیعـی مایـع ایـران و اعطـای تسـهیلات بـه صندوق‌هـای بازنشسـتگی و پس‌انـداز کارکنـان نفـت اختصـاص یافـت. [۳]

مشـکلات دولـت در توسـعه ایـن فازهـا محـدود بـه تأمیـن اعتبـار طرح‌هـا نبـود. شـرکت‌های بین‌المللـی در انجـام تعهـدات خـود تعلـل می‌کردنـد و به‌تدریـج از ایـران خـارج می‌شـدند. دولـت تـلاش داشـت بـا تکیـه بـر تـوان داخلـی ایـن فازهـا را بـه سـرانجام برسـاند.

در پایـان ایـن دوره، فازهـای ۶، ۷، ۸، ۹ و ۱۰ بـه بهره‌بـرداری رسـیدند و قـرارداد سـایر فازهـا امضـا گردیـد. شـرکت توتـال از انجـام تعهـدات خـود بـرای تکمیـل فـاز ۱۱ شـانه خالـی کـرد و سرنوشـت فـاز ۱۱ و تکمیـل و بهره‌بـرداری از فازهـای باقیمانـده بـه دولـت بعـدی موکـول شـد.

فازهای ۶ و ۷ و ۸

قـرارداد توسـعه فازهـای ۶، ۷ و ۸ پـارس جنوبـی در مـرداد ۱۳۷۹ بـا شـرکت پتروپـارس بـا هـدف تولیـد روزانـه ۱۰۴ میلیـون متـر مکعـب گاز تـرش، ۱۵۸ هـزار بشـکه میعانـات گازی و سـالانه یـک میلیـون و ۶۰۰ هـزار تـن گاز مایـع بوتـان و پروپـان امضـا شـد. قـرار بـود گاز

۱ . مشعل، شماره ۴۴۵، ۱۰ خرداد ۱۳۸۸، ص ۲.

۲ . مشعل، شماره ۴۴۶ ، ۱۷ خرداد ۱۳۸۸، ص ۳.

۳ . مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت، جلسه ۱۷۵۶، ۱۳۹۰/۴/۵.

ترش تولیدی از این فازها برای تزریق به چاه‌های میدان نفتی آغاجاری از طریق یک خط‌لوله ۵۱۲ کیلومتری به این میدان منتقل شود.[۱]

سال ۱۳۸۴ پیشرفت طرح توسعه این فازها به بیش از ۶۰ درصد رسیده بود. تیر ۱۳۸۸ غلامرضا منوچهری، مدیرعامل شرکت پتروپارس گفت: «فازهای ۶ ، ۷ و ۸ حدود ۹۹/۸ درصد پیشرفت داشته و به‌طور موقت به کارفرما تحویل داده شده‌اند، اما همچنان بهره‌برداری را شرکت پتروپارس انجام می‌دهد.» او اظهار امیدواری کرد تا پایان شهریور پیشرفت این سه فاز به ۱۰۰ درصد برسد. [۲]

۳۰ مهر ۱۳۸۷ پالایشگاه فازهای ۶ و ۷ و ۸ با حضور محمود احمدی‌نژاد، رئیس‌جمهور و غلامحسین نوذری، وزیر نفت، افتتاح شد. این پالایشگاه در حالی افتتاح شد که حوزه گازی فاز ۷ هنوز تکمیل نشده بود. ۲ آبان ۱۳۸۸ این فاز به‌عنوان آخرین فاز دریایی باقیمانده به بهره‌برداری رسید و تولید گاز در فازهای ۷،۶و ۸ با شروع بهره‌برداری از تاسیسات و سکوی دریایی فاز ۷ آغاز شد.[۳] به گفته غلامرضا منوچهری، مدیرعامل شرکت پترو پارس، هزینه اجرای این پروژه حدود ۷۰۰ میلیون دلار افزایش داشت که مورد تأیید شرکت ملی نفت ایران قرار گرفت.[۴]

با تصمیم شرکت ملی نفت و برای حفظ یکپارچگی میدان گازی پارس جنوبی، بهره‌برداری از سکوها و خطوط لوله دریایی فازهای ۶ ، ۷ و ۸ به نیابت از شرکت ملی نفت ایران، به شرکت نفت و گاز پارس واگذار شد. بهره‌برداری از پالایشگاه خشکی این فازها در عسلویه نیز به نیابت از شرکت ملی نفت ایران بر عهده مجتمع گازی پارس جنوبی قرار گرفت. بهره‌برداری از خط‌لوله پنجم سراسری گاز نیز به نیابت از شرکت ملی نفت ایران به شرکت تابعه شرکت ملی گاز ایران سپرده شد.[۵]

فازهای ۹ و ۱۰

قرارداد توسعه فازهای ۹ و ۱۰ پارس جنوبی در شهریور ۱۳۸۱ با شرکت‌های کره‌ای GS، شرکت مهندسی و ساختمان صنایع نفت و شرکت مهندسی و ساخت تأسیسات

۱ . تارنمای سازمان منطقه ویژه اقتصادی پارس جنوبی.

۲ . مشعل، شماره ۴۵۰،۱۴ تیر ۱۳۸۸)، ص ۴.

۳ . خبرگزاری شانا، ۲ آبان ۱۳۸۸.

۴ . مشعل ۴۷۰ ، اول آذر ۱۳۸۸، ص ۳.

۵ . مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت، جلسه ۱۶۷۵، ۱۳۸۸/۴/۷.

دریایی ایران امضا شد. هدف از اجرای این طرح، تولید روزانه ۵۶/۶ میلیون متر مکعب گاز طبیعی، تولید روزانه ۸۰ هزار بشکه میعانات گازی، تولید روزانه ۴۰۰ تن گوگرد، تولید سالیانه ۱ میلیون تن اتان (به‌عنوان خوراک پتروشیمی)، تولید سالیانه ۱/۰۵ میلیون تن گاز مایع برای صادرات بود.[۱]

به هنگام تغییر دولت، این فازها بیش از ۱۵ درصد پیشرفت داشتند. با مشکلاتی که برای ادامه کار با شرکت‌های بین‌المللی بر اثر تحریم پیش آمد، مسئولان از ورود شرکت‌های داخلی دولتی و خصوصی برای پیشبرد پروژه‌ها حمایت کردند. در همین راستا، فروردین ۱۳۸۵ عملیات مهندسی، خرید کالا، تأمین سرویس‌های جانبی و حفاری ۲۲ حلقه چاه دریایی این دو فاز به شرکت ملی حفاری ایران واگذار و بودجه‌ای معادل ۲۹۴ میلیون دلار به آن تعلق گرفت.[۲]

وکیلی در تیر ۱۳۸۷، پیشرفت پروژه فازهای ۹ و ۱۰ پارس جنوبی را بیش از ۹۰ درصد و پیشرفت پالایشگاه در بخش خشکی را ۸۹ درصد اعلام کرد.[۳] مسئولان تلاش کردند بیشتر تجهیزات این دو فاز را از داخل تأمین کنند. به گفته مدیر طرح توسعه فازهای ۹ و ۱۰ «تا آنجا که امکان داشت ساخت تجهیزات به شرکت‌های داخلی واگذار شد، به‌طوری‌که شرکت‌های ایرانی مانند قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیا، پارس تابلو، ماشین‌سازی اراک، گرماساز، راکتورساز و ... در ساخت بخش چشمگیری از تجهیزات سهم داشتند و تنها تجهیزاتی که امکان ساخت آن در داخل وجود نداشت، از خارج خریداری شد.»[۴]

آبان ۱۳۸۷ تولید گاز و تزریق آن به شبکه سراسری گاز کشور از این دو فاز آغاز شد. پالایشگاه این دو فاز نیز روز ۲۳ اسفند ۱۳۸۷ با حضور رئیس‌جمهور به بهره‌برداری رسمی رسید. در حالی این پالایشگاه وارد مدار تولید شد که به گفته مدیر طرح توسعه فازهای ۹ و ۱۰ به دلیل ضرورت انجام بعضی آزمایش‌ها، تحویل پالایشگاه به بهره‌بردار در آذر ۱۳۸۸ انجام شد.[۵]

این پالایشگاه در حالی در مدار تولید قرار گرفت که هنوز حفاری چاه‌های فازها به پایان نرسیده بود. مدیران پیش‌بینی کرده بودند که زمستان ۱۳۸۸ گاز این پالایشگاه

۱ . تارنمای شرکت نفت و گاز پارس.
۲ . مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت، جلسه ۱۵۲۰، ۱۳۸۵/۱/۲۲.
۳ . تارنمای سازمان منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس، ۸ تیر ۱۳۸۷.
۴ . خبرگزاری شانا، ۲ دی ۱۳۸۸.
۵ . خبرگزاری شانا، ۲ دی ۱۳۸۸.

به‌طور مستقل از چاه‌های این دو فاز تأمین شود، اما محمدرضا تاکایدی، معاون مدیرعامل شرکت ملی حفاری، وضعیت حفاری چاه‌های این فازها رو چنین تشریح کرد: «از ۱۲ حلقه چاه در فاز ۱۰ یک حلقه آخر در حال تکمیل است و پیش‌بینی می‌شود تا پایان آذرماه جاری تحویل شود و از ۵ حلقه چاه باقیمانده فاز ۹ نیز ۴ حلقه مراحل مشبک‌کاری را طی می‌کند و حفاری آخرین حلقه چاه در دست اجرا است که انتظار می‌رود این مجموعه نیز تا دو ماه آینده (اواخر بهمن) برای بهره‌برداری تحویل کارفرما شود.»[۱]

امضای قرارداد ۶ فاز

۲۵ خرداد ۱۳۸۹ محمود احمدی‌نژاد به اتفاق وزیر نفت در عسلویه حضور یافت و دستور امضای قرارداد ۶ فاز پارس جنوبی، معادل ۸ فاز استاندارد، را صادر کرد. با فشارهای رئیس‌جمهور، مدت اجرای این طرح‌ها ۳۵ ماه تعیین شد. بر حسب گفت‌وگوهای انجام‌شده با مدیران عالی نفت، چنین استنباط می‌شود که مدت ۳۵ ماه برای اجرای طرح‌ها ازسوی احمدی‌نژاد مطرح، اما از زبان وزیر نفت اعلام شد.[۲] متخصصان اعتقاد داشتند این مدت زمان برای اجرای این طرح‌های عظیم کافی نخواهد بود.

قراردادهای ۶ فاز پارس جنوبی با ارزش ۲۱ میلیارد دلار به پیمانکاران ایرانی واگذار شد. قرارداد فاز ۱۳ به کنسرسیومی از شرکت‌های نیرو پایدار ایرانیان، مپنا و صدرا واگذار گردید. قرارداد فاز ۱۴ را کنسرسیومی از سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران، شرکت ملی حفاری و شرکت تأسیسات دریایی به عهده گرفتند. قرارداد فاز ۱۹ پارس جنوبی با شرکت‌های پترو پارس و تأسیسات دریایی و قرارداد فازهای ۲۲، ۲۳ و ۲۴ با شرکت‌های پتروسینا آریا و صدرا منعقد شد.

محمود احمدی‌نژاد این قرارداد را بزرگ‌ترین قرارداد تاریخ نفت ایران و حتی یکی از بزرگ‌ترین قراردادهای تاریخ نفت جهان دانست. از پیمانکاران این طرح‌ها خواست پس از اجرای این پروژه‌ها از سطح ملی فراتر بروند و آماده رقابت در صحنه بین‌المللی باشند. مسعود میرکاظمی، امضای قرارداد ۶ فاز پارس جنوبی با اتکا به توان پیمانکاران ایرانی را رویدادی بزرگ در تاریخ صنعت نفت ایران عنوان کرد.[۳]

۱ . تارنمای شرکت ملی حفاری ایران، ۲۱ آذر ۱۳۹۰.

۲ . مصاحبه با عبدالمحمد دل‌پریش، مدیر وقت برنامه‌ریزی تلفیقی، پروژه تاریخ نفت ایران، ۱۳۹۴.

۳ . مشعل، شماره ۴۹۸، ۳۰ خرداد ۱۳۸۹.

وزیر نفت در مراسم امضای قرارداد این ۶ فاز گفت: «طبق برنامه فازهای جدید پارس جنوبی در مدت ۳۵ ماه تکمیل می‌شوند. در صورتی که پیمانکاران توسعه فازهای جدید، عملیات توسعه را یک ماه زودتر از ۳۵ ماه انجام دهند، ۵۰ میلیارد تومان تشویقی دریافت می‌کنند و اگر یک ماه دیرتر به پایان برسانند، ۵۰ میلیارد تومان جریمه می‌شوند.» علی وکیلی، مدیرعامل شرکت نفت و گاز پارس، نیز گفت: «با احتساب فازهایی که هم‌اکنون در حال توسعه است، آغاز عملیات اجرایی این ۶ فاز و مجموعاً ۱۷ فاز پارس جنوبی به‌صورت هم‌زمان در مرحله توسعه قرار می‌گیرد که این حجم کار در جهان بی‌سابقه است.»[1]

طرح توسعه هم‌زمان ۶ فاز در حالی به اجرا در آمد که چند فاز در دست توسعه پیشین به دلیل کمبود اعتبار هنوز به بهره‌برداری نرسیده بود. به اعتقاد کارشناسان، در شرایط تحریم، کمبود بودجه و اعتبار، ضروری‌تر آن بود که نخست فازهای در حال توسعه تکمیل شود و سپس، توسعه فازهای جدید در دستور کار قرار گیرد. درنهایت، این طرح‌ها به دلایل مختلف همچون کافی نبودن زمان، کمبود شدید بودجه، نبود تجهیزات و عدم مشارکت با شرکت‌های بزرگ بین‌المللی در مدت زمان تعیین‌شده به نتیجه نرسیدند.

مذاکرات کرسنت

چنانکه در فصل پیشین گفتیم، قرارداد صدور گاز به کشور امارات در سال ۱۳۸۱ بین شرکت ملی نفت ایران و شرکت اماراتی کرسنت پترولیوم منعقد شد. دولت ایران در راستای اجرای مفاد قرارداد، در سال‌های ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۴ تأسیسات لازم را در بخش گازی میدان مشترک سلمان ایجاد کرد.

اما طولی نکشید که با روی کار آمدن دولت نهم، زمزمه‌ها علیه این قرارداد آغاز شد. دهم بهمن ۱۳۸۴ محمدرضا رحیمی، رئیس وقت دیوان محاسبات کشور، با این استدلال که این قرارداد برای ایران مقرون به صرفه نیست، آن را با واژه خیانت تعبیر کرد و خواستار لغو قرارداد شد. با دلایل ارائه‌شده ازسوی دیوان محاسبات، ازجمله تغییر نیافتن بهای گاز صادراتی و ثابت ماندن آن در ۷ سال اول اجرایی، قرارداد متوقف شد، اما طولی نکشید که نظر دولتمردان دولت احمدی‌نژاد نسبت به این قرارداد تغییر

۱ . مشعل، شماره ۴۹۸، ۳۰ خرداد ۱۳۸۹.

کـرد و بـر احیـای آن کوشـیدند.

اردیبهشـت ۱۳۸۵، غلامحسـین نـوذری، مدیرعامـل شـرکت ملـی نفـت، دسـتور داد مذاکـره بـرای توافـق درمـورد قیمـت گاز بـرای دسـتیابی بـه قیمـت گاز ثبت‌شـده در قـرارداد فـروش بـه ترکیـه انجـام شـود.[1]وزیری هامانـه، وزیـر نفـت، در شـهریور ۱۳۸۵ گفـت: «اشـکال اساسـی ایـن قـرارداد پاییـن بـودن قیمـت گاز اسـت. امضاکننـدگان ایـن قـرارداد زمانـی آن را منعقـد کردنـد کـه قیمـت نفـت ۱۸ دلار بـود و کسـی صعـود ناگهانـی قیمـت نفـت را تـا میـزان فعلـی پیش‌بینـی نمی‌کـرد.»[2]

مذاکـره بـر سـر ایـن قـرارداد درنهایـت بـه نتیجـه نرسـید و گازی کـه می‌توانسـت در لوله‌هـای زیردریایـی جـاری و بـا مصـرف در خانه‌هـا و نیروگاه‌هـا و صنایـع امـارات بـه پـول بـدل شـود، هنـوز در حـال سـوختن اسـت. برخـی از دولتمـردان احمدی‌نـژاد بعدهـا بـه اینکـه در لغـو ایـن قـرارداد چـه ضررهایـی متوجـه ایـران شـد، اذعـان کردنـد. ازجملـه در سـال ۱۳۹۲، غلامحسـین نـوذری در جریـان مخالفـت بـا لغـو قـرارداد کرسـنت گفـت: «شـاید نقدهایـی بر قـرارداد کرسـنت وارد باشـد، امـا از آن زمـان عـده‌ای ایـن قـرارداد را نقـد کردنـد و بـرای آن مشـکلاتی بـه وجـود آمـد، به‌طوری‌کـه هم‌اکنـون بـه داوری ارجـاع شـده اسـت و بیـش از ۷ سـال می‌گـذرد و در ایـن مـدت سـهم گاز ایـران در میـدان مشـترک سـلمان بـا امـارات در حـال سـوختن اسـت... برخـی از تأسیسـاتی کـه بـرای آن مجموعـه در نظـر گرفتـه شـده بـود، اکنـون آسـیب دیده‌انـد و ازسـوی دیگـر بایـد بـه عدم‌النفـع نـگاه کـرد... امـروز سـؤال نمی‌شـود کـه چـرا مـا ۷ سـال گاز نفروختیـم؛ فقـط سـؤال می‌شـود کـه چـرا آن قـرارداد امضـا شـد؟ سـؤال مـن ایـن اسـت کـه تکلیـف ایـن ۷ سـالی کـه ۶۰۰ میلیـون فـوت مکعـب گاز در روز، در میـدان مشـترک بـا امـارات سـوخته شـد و اماراتی‌هـا گاز تـرش همیـن میـدان را برنـد، چـه می‌شـود؟»[3]

مسـعود سـلطان‌پور، مدیـر سـابق شـرکت تأسیسـات دریایـی، در خصـوص خسـارت ناشـی از اجـرا نکـردن قـرارداد کرسـنت در مقالـه‌ای کـه نشـریه توسـعه صنعـت نفـت بـه چـاپ رسـاند، نوشـت: «کشـور امـارات از ابتـدای بهره‌بـرداری، به‌طـور متوسـط روزانـه ۳۲۰ میلیـون فـوت مکعـب و طـی ۱۰ سـال اخیـر حـدود ۵۵۰ میلیـون فـوت مکعـب گاز از ایـن میـدان تولیـد کـرده و جمـع تولیـد ایـن کشـور تاکنـون حـدود ۳۱۰۰ میلیـارد فـوت مکعـب بـوده اسـت.»[4]

۱ . مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت، جلسه ۱۵۲۴، ۱۳۸۵/۲/۱۹.

۲ . مشعل، شماره ۳۱۲، ۱۱ شهریور ۱۳۸۵، ص ۵.

۳ . خبرگزاری شانا، ۱۵ مرداد ۱۳۹۲.

۴ . پایگاه خبری آفتاب، «خسارت ۳۱ میلیارد دلاری از عدم اجرای قرارداد کرسنت»،

چالش‌های موافقان و مخالفان قرارداد کرسنت به دولت بعدی منتقل شد و بیژن زنگنه بارها در مجلس مورد سؤال قرار گرفت و به مخالفان پاسخ گفت که در جای خود به آن پرداخته‌ایم.

پتروشیمی

سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲ فضایی پیچیده، مبهم و به تعبیری خاکستری بر صنعت پتروشیمی کشور حاکم بود. تعویض پی‌درپی وزیران نفت، عدم ثبات مدیریتی در شرکت‌های وابسته ازجمله شرکت ملی صنایع پتروشیمی را در پی داشت. در این دوره، چهار مدیر هدایت شرکت ملی صنایع پتروشیمی را بر عهده داشتند. محمدرضا نعمت‌زاده در دی ۱۳۸۴ جای خود را به اصغر ابراهیمی اصل داد. ابراهیمی اصل در مهر ۱۳۸۵ صندلی خود را به غلامحسین نجابت واگذار کرد. غلامحسین نجابت از مشروعیت و مقبولیت قابل توجهی برخوردار بود. برخی او را مرد دوم پتروشیمی ایران می‌دانند. نجابت در کنار کارشناسان خبره توانست طرح‌های توسعه را پیش برد. مدیریت او نیز چندان طولی نکشید و عادل نژادسلیم در شهریور ۱۳۸۷ بر صندلی ریاست شرکت ملی صنایع پتروشیمی تکیه زد. نژادسلیم یک سال مدیریت کرد و در آبان ۱۳۸۸ مدیریت پتروشیمی را به عبدالحسین بیات سپرد.

عبدالحسین بیات این دوره را چنین توصیف کرده است:

«در دولت نهم متأسفانه در حوزه شرکت ملی صنایع پتروشیمی دو سه معاون وزیر عوض شد. یعنی آقای ابراهیمی عوض شد، آقای نجابت آمد، آقای نجابت هم عوض شد و سپس آقای نژادسلیم آمد تا دولت دهم که آقای نژادسلیم هم عوض شد. یعنی سه معاون وزیر جابه‌جا شدند، اما من توفیق داشتم که از ابتدای دولت دهم تا انتهای آن مسئولیت را بر عهده داشته باشم. ما موفق شدیم برای طرح‌های نیمه‌تمام منابع ارزی ـ ریالی فراهم کنیم. اوراق مشارکت ارزی و گواهی‌های سپرده ارزی در بازارهای بین‌المللی آن‌هم در شرایط تحریم منتشر کردیم. ۲۰۰ میلیون یورو نیاز داشتیم که توانستیم ۱۸۳ میلیون آن را تأمین کنیم. با همین مقدار توانستیم طرح‌های توسعه‌ای را پیش ببریم. ۸۷۰ میلیارد تومان هم اوراق مشارکت ریالی منتشر و آن را در پروژه‌ها تزریق کردیم. زمانی‌که مسئولیت را واگذار کردم، جز دو طرح خط اتیلن غرب و پتروشیمی دماوند، هیچ

طرح دولتی که از برنامه عقب مانده یا به نتیجه نرسیده باشد باقی نمانده بود. البته این طرح‌ها هم طبق برنامه پیش می‌رفتند. در این دوران، روی خط اتیلن غرب متمرکز شدیم و فاز اول خط اتیلن غرب از عسلویه تا پتروشیمی کرمانشاه راه‌اندازی شد. پس از اینکه از معاونت وزیر جابه‌جا شدم، مهندس شعری مقدم مسئولیت خط اتیلن را به من سپردند. در این دوران توانستیم جشن خودکفایی تولید کود اوره را هم برگزار کنیم.»[1]

سیر توسعه

در دولت دوم احمدی‌نژاد (۱۳۸۸ تا ۱۳۹۲) جدی‌تر شدن تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران، اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها و شدت گرفتن خصوصی‌سازی در صنعت پتروشیمی از چالش‌های جدی مدیران این صنعت بود. به عقیده عبدالحسن بیات هریک از این چالش‌ها به‌تنهایی کافی بود تا یک مدیر را از پا درآورد.[2]

با وجود تمام مشکلات و موانع، صنعت پتروشیمی روندی رو به جلو داشت. حجم کارشناسان در این دوره بیش از حد تصور افزایش یافت و تأسیس مجتمع‌های پتروشیمی در نقاط مختلف کشور در دستور کار قرار گرفت. برخی از منتقدین نه برای این دوران، بلکه به‌طور کلی به این موضوع (توسعه) اشاره کرده‌اند. انتقاد آنان به بدقوارگی و عدم تناسب توزیع جغرافیایی واحدهای پتروشیمی بود. عباس شعری مقدم، از مدیران برجسته پتروشیمی کشور، در گفتگو با ما به نکته جالبی اشاره کرد که حکایت از فشار ازسوی توده‌ها برای تأسیس واحدهای صنعتی ازجمله پتروشیمی دارد. احمدی‌نژاد به برخی از شهرها که می‌رفت، مردم شعار می‌دادند: «احمدی دلاور / پتروشیمی بیاور».[3] این بدقوارگی یا به عبارت دیگر، توسعه جغرافیایی نامناسب، بیشتر دلیلی مردمی و منطبق با مطالبات مردم داشت. مردم برخی از شهرها به تأسیس واحدهای پتروشیمی علاقه نشان دادند و از طریق نمایندگان خود در مجلس بر دولت فشار وارد می‌کردند که در سال‌های ریاست جمهوری محمود احمدی‌نژاد نمود بیشتری یافت. تضاد اصول علمی توسعه و مطالبات مردمی در این بخش از صنعت ایران به وضوح نمایان است. این مطالبات تنها در بخش پتروشیمی نبود. در بخش گاز، پالایش و پخش، خانه‌سازی، بهداشت و خودروسازی نیز دیده می‌شد.

۱ . مصاحبه با عبدالحسین بیات، پیام پتروشیمی، دیماه ۹۳، شماره ۷۹، ص ۴۳.

۲ . مصاحبه با عبدالحسین بیات، پیام پتروشیمی، دیماه ۹۳، شماره ۷۹، ص ۴۳.

۳ .مصاحبه، با عباس شعری مقدم، پروژه تاریخ نفت ایران، بهمن ۱۳۹۴.

حضـور بخـش خصوصـی کـه از دوره قبـل آغـاز شـده بـود، در ایـن دوره نمـود بیشـتری یافـت. بخـش خصوصـی قدرتمندتـر از دوران پیشـین و بـا بهره‌گیـری از بخشـنامه‌های جدیـد دولـت و وزارت نفـت بـه سـرمایه‌گذاری در بخـش پتروشـیمی علاقـه بیشـتری نشـان داد. مهم‌تریـن دلیـل، آگاهـی بخـش خصوصـی از مزیـت اقتصادی محصـولات پتروشـیمیایی بـود. سـرمایه‌گذاران بخـش خصوصـی بـه تأسـیس واحدهـای کوچک‌مقیـاس، متوسـط‌مقیاس و بزرگ‌مقیـاس اقـدام کردنـد. آنهـا به‌خوبـی می‌دانسـتند بـا بهره‌گیـری از خـوراک ارزان و تفـاوت قیمـت محصـولات سـود فراوانـی خواهنـد بـرد و همـراه بـا بانکهـا و مؤسسـات عمومـی و یـا مشـارکت شـرکت‌های خارجـی بـه کسـب موافقت‌نامه‌هـای اصولـی همـت کردنـد. توسـعه واحدهـا در منطقـه ویـژه اقتصـادی پتروشـیمی و منطقـه ویـژه اقتصـادی پـارس بـا سـرعت بیشـتری ادامـه یافـت.

در پایـان ایـن دوره در سـال ۱۳۹۲، چهـل و شـش مجتمـع پتروشـیمی در حـال تولیـد بودنـد و کل تولیـد محصـولات پتروشـیمیایی بالـغ بـر ۴۰ میلیـون تـن بـود. فـاز اول خط‌لولـه اتیلـن غـرب کـه از جنـوب بـه شـمال غـرب کشـور امتـداد داشـت، علی‌رغـم برخـی مخالفت‌هـا، در سـال ۱۳۹۱ بـه بهره‌بـرداری رسـید. طرح‌هایـی چـون بوتـن یـک و فرمالیـن پتروشـیمی جـم، کلرآلکالـی و پی‌وی‌سـی پتروشـیمی اروند، اسـکله دوم مایعـات سـازمان منطقـه ویـژه اقتصـادی پتروشـیمی، فـاز اول الفیـن یازدهـم پتروشـیمی کاویـان و پلی‌اتیلـن سـنگین کرمانشـاه بخشـی از طرح‌هـای پتروشـیمی بودنـد کـه در ایـن دوره بـه بهره‌بـرداری رسـیدند. ازسـوی دیگـر، ۶۷ طـرح پتروشـیمی کـه تنهـا ۱۲ طـرح پیشـرفتی بـالای ۶۰ درصـد داشـتند، بـه دولـت بعـدی بـه ارث رسـید.[۱]

سرعت گرفتن خصوصی‌سازی

خصوصی‌سـازی ضرورتـی اجتناب‌ناپذیـر بـود و از اواخـر دهـه ۱۳۶۰ ایـن اندیشـه به‌تدریـج در دولتمـردان قـوت گرفـت. خصوصی‌سـازی بـر اسـاس برنامـه اول توسـعه سـال ۱۳۶۸ در صنعـت پتروشـیمی آغـاز گردیـد. ایـن سیاسـت در دوره سـازندگی، بـا خصوصـی شـدن شـرکت‌های پتروشـیمی اراک و سـرمایه‌گذاری پتروشـیمی شـروع شـد و پـس از آن، شـرکت‌های پتروشـیمی فارابـی، آبـادان، پاسـارگاد، کربـن، پلیـکای کـرج و طراحـی و مهندسـی سـاختمان و نصـب بـه بخـش خصوصـی واگـذار شـدند. طرح‌هایـی چـون پلـی نـار، نویـدزر شـیمی، غدیـر، رجـال، پلـی پروپیلـن بنـدر امـام طـی برنامـه دوم توسـعه و بـا مشـارکت بخـش خصوصی بـه اجـرا گذاشـته

۱ .ترازنامه هیدروکربوری، سال ۱۳۹۱.

شـد. ورود بخـش خصوصـی می‌توانسـت از فشـارهای مالـی بکاهـد و هندسـه آینـده صنعـت پتروشـیمی را متحـول سـازد.

ازسـوی دیگـر، بخـش دیگـری از واگذاری‌هـا بابـت رد دیـون بـه نهادهـای دولتـی (خصولتـی) بـود. دیـون دولتـی بـه دلیـل بهـره سـالانه مـدام در حـال افزایـش بـود و دولـت تحـت فشـار قـرار داشـت. بـه ناچـار، در دهـه ۱۳۸۰ دولـت از محـل واگـذاری سـهام شـرکت‌هایی چـون پتروشـیمی دسـت بـه تسـویه بدهی‌هـای خـود زد. شـرکت ملـی صنایـع پتروشـیمی در مراحـل مختلـف بـا واگـذاری بخش‌هایـی از سـهام خـود بـه صندوق‌هـای بازنشسـتگی کارکنـان صنعـت نفـت، سـازمان تأمیـن اجتماعـی و سـازمان بازنشسـتگی کشـوری نسـبت بـه تأمیـن نقدینگـی از سـهامداران جدیـد اقـدام کـرد.

دولـت نهـم از همـان ابتـدای کار تصمیـم گرفـت سـهام برخـی از شـرکت‌های پتروشـیمی را بـه بخـش خصوصـی واگـذار کنـد. دی ۱۳۸۴ معـاون وزیـر در امـور پتروشـیمی طـی نامـه‌ای واگذاری بیـش از پنجـاه درصـد از سـهام شـرکت‌های پتروشـیمی فـن‌آوران، زاگـرس، جـم و امیرکبیـر را بـه بخـش خصوصـی اطـلاع داد. مهـدی آقاجانـی، مدیـر امـور مالـی شـرکت ملـی صنایع پتروشـیمی، نیـز اواخـر اردیبهشـت ۱۳۸۶ بـه خبرنـگاران گفـت: «بـر اسـاس اولویت‌بندی‌هـای کمیته‌هـای تخصصـی خصوصی‌سـازی کـه بـه منظـور اجـرای سیاسـت‌های کلـی اصـل ۴۴ تشـکیل شـده اسـت، تـا پایـان امسـال ۱۷ شـرکت پتروشـیمی بـه بخـش خصوصـی واگـذار می‌شـود.»[۱] مـرداد مـاه، آقاجانـی راه‌هـای واگـذاری ایـن مجتمع‌هـا بـه بخـش خصوصـی را بـورس، مزایـده و فـروش مجتمـع بـه خریـدار خارجـی عنـوان کـرد. بدیـن صـورت کـه مجتمع‌های سـودده از طریـق بـورس و مجتمع‌هـای بـا سـوددهی کمتـر از طریـق مزایـده واگـذار خواهنـد شـد.[۲]

بـا اجـرای سیاسـت‌های اصـل ۴۴ قانـون اساسـی، ۳۰ درصـد از سـهام شـرکت ملـی صنایـع پتروشـیمی در سـال ۱۳۸۷ بـه بخـش خصوصـی واگـذار شـد. بسـیاری از کارشناسـان از ایـن اقـدام بـا تکه‌تکـه شـدن شـرکت‌ها و مجتمع‌هـای پتروشـیمی یـاد می‌کننـد. در مصاحبه‌هایـی کـه بـا مدیـران عالـی پتروشـیمی کشـور صـورت گرفـت، مـا بـه ایـن بـرآورد دسـت یافتیـم کـه اجـرای خصوصی‌سـازی بـه ایـن صـورت درنهایـت بـه نفـع صنعـت پتروشـیمی کشـور نشـد. احمـد رهگـذر کـه ده سـال سـکان پتروشـیمی کشـور را در دسـت داشـت، معتقـد اسـت بـا اقدامـات شـتابزده و بـدون برنامـه جامـع و اصولـی «مدیریـت صنایـع پتروشـیمی از دسـت دولـت

۱ . خبرگزاری شانا، ۲۹ اردیبهشت ۱۳۸۶.

۲ . خبرگزاری شانا، ۱۵ مرداد ۱۳۸۶.

و وزارت نفت بیرون رفت و به دست اهل آن نرسید.»[۱] اصغر ابراهیمی اصل نیز معتقد بود که باید مدیریت و برند شرکت ملی صنایع پتروشیمی تا زمان تکمیل طرح‌های در دست اجرا حفظ می‌شد، چون برخی از طرح‌ها به حمایت‌های خاص نیاز داشتند و نباید آنها را رها می‌کردند.[۲]

روند شتابان خصوصی‌سازی مدیران پتروشیمی را نگران کرده بود. آنها به دنبال راه‌حلی بودند که هم لطمه‌ای به صنعت پتروشیمی وارد نشود و هم این صنعت از مزایای خصوصی‌سازی بهره‌مند گردد. عبدالحسین بیات پس از اینکه مدیریت شرکت را بر عهده گرفت، سروسامان دادن به این وضعیت را اولین اولویت کاری‌اش اعلام کرد. در اولین اقدام، گروهی از مدیران باتجربه از درون و بیرون ساختار شرکت تشکیل داد تا با بحث و تبادل نظر و بررسی‌های مختلف بهترین مدل را برای واگذاری شرکت به بخش خصوصی بیابند.[۳]

درنهایت، مدیران شرکت ملی صنایع پتروشیمی تصمیم گرفتند با تشکیل یک هلدینگ پتروشیمی از مجموعه‌ای از مجتمع‌ها و شرکت‌های واگذارنشده، واگذاری به بخش خصوصی را سروسامان دهند و هلدینگ خلیج‌فارس شکل گرفت. با تشکیل این هلدینگ از ارزان‌فروشی و واگذاری‌های پراکنده جلوگیری شد و روند خصوصی‌سازی در صنعت پتروشیمی به نوعی نظم و چارچوب دست یافت. از این پس، واگذاری‌ها به‌جای رد دیون و یا مذاکره، از طریق بورس و مزایده صورت می‌گرفت. ضمن اینکه کارشناسان خصوصی‌سازی قیمت‌هایی را پیشنهاد می‌دادند و کارشناسان شرکت نیز پس از ارزیابی‌های لازم، قیمت خود را ارائه می‌کردند. به گفته بیات، مابه‌التفاوت در طول ۴ سال، ۳۵ هزار میلیارد ریال شد.[۴]

خصوصی سازی شرکت بازرگانی پتروشیمی

از اتفاقات مهم این دوره، خصوصی‌سازی شرکت بازرگانی پتروشیمی بود. با آغاز واگذاری شرکت‌های تابع شرکت ملی صنایع پتروشیمی در آغاز دهه ۱۳۸۰، هیئت‌مدیره

۱ . مصاحبه با احمد رهگذر، پیام پتروشیمی، دی ۱۳۹۳، شماره ۷۹، ص ۲۴.
۲ . مصاحبه با اصغر ابراهیمی اصل، پیام پتروشیمی، دی ۱۳۹۳، شماره ۷۹، ص ۳۴.
۳ . مصاحبه با عبدالحسین بیات، پیام پتروشیمی، دی ۱۳۹۳، شماره ۷۹، ص ۴۴.
۴ . مصاحبه با عبدالحسین بیات، پیام پتروشیمی، دی ۱۳۹۳، شماره ۷۹.

شرکت ملی صنایع پتروشیمی اعلام کرد شرکت بازرگانی پتروشیمی از واگذاری‌ها مستثنی است.[۱] اما این تصمیم تا سال ۱۳۸۶ پابرجا بود. در این سال، در راستای اهداف اصل ۴۴ قانون اساسی، تصمیم گرفته شد شرکت بازرگانی پتروشیمی به بخش خصوصی واگذار شود. هدف از این واگذاری ارتقای جایگاه داخلی و خارجی شرکت عنوان شد. مهدی آقاجانی، مدیر امور مالی شرکت ملی صنایع پتروشیمی، در گفت‌وگویی با روزنامه اقتصاد اعلام کرد: «این واگذاری باید به تولیدکنندگان محصولات پتروشیمی باشد، زیرا اگر سهام آن به مردم عادی عرضه شود، این شرکت موفق نخواهد شد، ولی اگر عمده سهام آن به تولیدکنندگان عرضه شود، به دلیل اینکه این تولیدکنندگان محصولات خود را برای فروش به شرکت بازرگانی پتروشیمی عرضه می‌کنند، شرکت مورد نظر رونق خوبی خواهد گرفت.»[۲]

سرانجام، در سال ۱۳۸۸ با برگزاری یک مزایده عمومی، ۵۲/۳۳ درصد سهام شرکت بازرگانی پتروشیمی به کنسرسیوم شرکت سرمایه‌گذاری ایران و شرکا واگذار شد.[۳] تا سال ۱۳۹۲، شرکت بازرگانی پتروشیمی به سرمایه‌گذاری و یا خرید سهام تعدادی از شرکت‌ها و طرح‌های پتروشیمی به‌ویژه تولیدکننده اوره و آمونیاک و انواع پلی‌اتیلن اقدام کرد. پتروشیمی پردیس، کرمانشاه، جم، ایلام، لردگان و ممسنی، کازرون، دهدشت، ارگ، بروجن، فسا، جهرم، داراب، هگمتانه و زنجان از آن جمله بودند.[۴]

از رویدادهای دردناک این دوره، پیدایی پرونده موسوم به پول‌شویی و برنگرداندن ارز خارجی به قیمت واقعی در شرکت بازرگانی پتروشیمی بود که قوه قضائیه از سال ۱۳۹۲ آن را پیگیری کرد. متهمان پرونده از سطوح مدیریتی، بخش خصوصی و واسطه‌ها بودند که در فصل بعدی به آن اشاره می‌شود.

تولید

در این دوره، صنعت پتروشیمی از قطار توسعه عقب نماند. آمار و ارقام از رشد نسبتاً قابل قبول صنایع پتروشیمی در این دوران حکایت دارد. در سال ۱۳۸۴، رقم محصولات تولید مجتمع‌های پتروشیمی بیش از ۱۵ میلیون تن بود که در سال ۱۳۹۲ به ۴۰ میلیون

۱ . مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی صنایع پتروشیمی، جلسه ۹۲۱، ۱۳۸۰/۹/۱۳.
۲ . روزنامه دنیای اقتصاد، ۱۳۸۶/۶/۲۱.
۳ . تارنمای شرکت بازرگانی پتروشیمی.
۴ . مشعل، شماره ۶۳۴، ۲۵ فروردین ۱۳۹۲.

تن رسید.[۱] چین، هند، ترکیه، برخی از کشورهای اروپایی، افریقایی و امریکای لاتین بازار هدف محصولات پتروشیمی بودند. به‌طوری‌که در سال ۱۳۹۰ محصولات پتروشیمی ایران به ۶۴ کشور جهان صادر شد.[۲] عموم این محصولات از کانال شرکت بازرگانی پتروشیمی صادر می‌شد. شرکت بازرگانی پتروشیمی همانند قیف برای شرکت‌های تولیدی به حساب می‌آمد و سودی سرشار نصیب آن می‌شد. دانش صادرات پتروشیمی در این شرکت انباشت گردید که متأسفانه از آن بهره کافی برده نشد. همچنین در این دوره، برخی از مجتمع‌های پتروشیمی به تولید بنزین روی آوردند. عبدالحسین بیات در فروردین ۱۳۹۲ آماری از بنزین تولیدی پتروشیمی ارائه داد و گفت: «۵ میلیارد لیتر بنزین و گازوئیل ازسوی مجتمع‌های پتروشیمی تولید شده است.»[۳]

رمضان اولادی، مدیر برنامه‌ریزی و توسعه شرکت ملی صنایع پتروشیمی، فروردین ۱۳۹۲ کارنامه‌ای از عملکرد شرکت ملی صنایع پتروشیمی ارائه داد و از سرمایه‌گذاری ۸ میلیارد دلاری در این صنعت در سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۰ سخن گفت[۴] که با سرمایه‌گذاری‌های انجام‌شده، تعداد مجتمع‌های پتروشیمی افزایش یافت.[۵]

پالایش

در این دوره، سیاست‌های پالایشی در راستای تولید هرچه بیشتر فراورده‌های نفتی به‌ویژه بنزین قرار داشت. مصرف روزافزون بنزین و افزایش واردات بنزین هم‌زمان با شدت گرفتن تحریم‌ها، زنگ خطر کمبود بنزین را برای دولتمردان به صدا در آورد. توسعه پالایشگاه‌های در حال کار و احداث واحدهای پالایشگاهی جدید می‌توانست سایه این نگرانی را برطرف کند. اگرچه سطوح مدیریتی وزارت نفت در این دوره تغییرات گسترده‌ای به خود دید، اما مسئله توسعه پالایشگاه‌ها و احداث پالایشگاه جدید به‌طور مستمر در دستور کار قرار داشت و عملیاتی شد.

۱. ترازنامه هیدروکربوری، سال ۱۳۸۴ و ۱۳۹۲.
۲. مشعل، شماره ۶۳۴، ۲۵ فروردین ۱۳۹۲.
۳. مشعل، شماره ۶۳۴، ۲۵ فروردین ۱۳۹۲.
۴. مشعل، شماره ۶۳۴، ۲۵ فروردین ۱۳۹۲.
۵. ترازنامه هیدروکربوری، سال ۱۳۹۱.

ستاره خلیج‌فارس

در ایـن دوره، ضـرورت تأمیـن بنزیـن در داخـل و بی‌نیـازی از واردات اهمیـت بسـیاری داشـت و یکـی از اولویت‌هـای اصلـی دولـت و وزارت نفـت بـر احـداث پالایشـگاه جدیـد قـرار گرفـت. وزیـری هامانـه، وزیـر نفـت، در گفت‌وگوهـای خبـری از ارائـه لایحـه احـداث سـه پالایشـگاه جدیـد در کشـور خبـر داد و در سـال ۱۳۸۵ کلنـگ پالایشـگاه سـتاره خلیج‌فـارس بـه زمیـن زده شـد. اهمیـت ایـن موضـوع چنـان بـود کـه شـورای اقتصـاد در ۹ تیـر ۱۳۸۶ بـا سـرمایه‌گذاری ۲ هـزار میلیـارد تومانـی بـرای احـداث ایـن پالایشـگاه موافقـت کـرد. غلامحسـین نـوذری در آخریـن روز حضـور خـود در وزارت نفـت در شـهریور ۱۳۸۸ از اختصـاص ۵۰۰ میلیـون دلار بودجـه از محـل حسـاب ذخیـره ارزی بـه پالایشـگاه در دسـت احـداث سـتاره خلیج‌فـارس خبـر داد. میرکاظمـی در جلسـه معارفـه و تودیـع، اعتبـار مـورد نیـاز ایـن پالایشـگاه را ۳ میلیـارد دلار اعـلام کـرد و گفـت: «به‌طـور حتـم بـرای توسـعه پالایشـگاه خلیج‌فـارس بایـد تـلاش بیشـتری صـورت گیـرد.»[1] توسـعه و احـداث پالایشـگاه‌ها در حالـی بـا تعلـل فـراوان انجـام می‌شـد کـه تحریـم صـادرات بنزیـن بـه ایـران از خـرداد ۱۳۸۸ عمـلاً بـا توقـف صـادرات بنزیـن شـرکت هنـدی ریلاینـس کلیـد خـورده بـود.

دربـاره احـداث پالایشـگاه سـتاره خلیج‌فـارس در فصـل پسـین نوشـته‌ایم. تنهـا بـه ایـن اشـاره بسـنده می‌کنیـم کـه رونـد احـداث ایـن پالایشـگاه و پیشـرفت آن در پایـان ایـن دوره بـه چالشـی بیـن گروه‌هـای سیاسـی بـدل شـد. نوشـته‌های نزدیـک بـه دولـت ایـن دوره، پیشـرفت پـروژه را ۶۹ درصـد اعـلام می‌کردنـد[2] و نوشـته‌های رسـانه‌های نزدیـک بـه دولـت تدبیـر و امیـد در پاسـخ می‌گفتنـد: «پـروژه در بخـش پالایشـگاه ۵۱.۵۳ درصـد، در احـداث خط‌لولـه ۹۹/۷ درصـد و در سـاخت حوضچـه آبگیـر ۹۳/۳ درصـد پیشـرفت وجـود داشـته اسـت... ضمـن اینکـه آمارهـای موجـود حکایـت از آن دارد کـه ایـن ۵۱ درصـد پیشـرفت شـامل ۸۷ درصـد پیشـرفت در طراحـی و مهندسـی، ۵۵ درصـد در خریـد و ۳۱ درصـد در اجـرا و نصـب بـوده اسـت.»[3]

۱ . مشعل، شماره ۴۶۱، ۲۹ شهریور ۱۳۸۸، ص ۳.
۲ . وطن امروز، ۵ اسفند ۱۳۹۹.
۳ . خبرگزاری شانا، ۱۰ اسفند ۱۳۹۹.

نخستین پالایشگاه خصوصی

پالایشگاه نفت آراز شیمی، نخستین پالایشگاه بخش خصوصی بود که در سال ۱۳۸۶ در منطقه آزاد ارس در شهرستان جلفا، با وسعتی بیش از یک هکتار و زیربنایی بالغ بر ۳ هزار متر مربع در مدت دو سال و سرمایه‌گذاری ۱۷۰ میلیارد ریال ساخته شد. این پالایشگاه که از نوع پالایشگاه‌های کوچک به شمار می‌آید، برای ۱۲۰ نفر از مردم منطقه اشتغال‌زایی کرده است.

محمدصبر علی‌لو، مدیرعامل پالایشگاه، هدف از ساخت این واحد صنعتی را بالابردن توان تولید فراوری‌های نفتی و افزایش صادرات کشور عنوان کرد. او درباره ظرفیت تولیدی این پالایشگاه گفت: «روزانه بیش از ۲۰۰ تن انواع مواد نفتی ازجمله بنزین، نفت سفید، گازوئیل، مازوت و روغن سبک در این مجتمع تولید خواهد شد... میزان تولید اولیه این پالایشگاه ۷۳ هزار تن در سال است که با اجرای طرح توسعه آن، ظرفیت تولید مجتمع سالانه به بیش از ۲۰۰ هزار تن خواهد رسید.» تولیدات این پالایشگاه به کشورهای آسیای مرکزی، ترکیه، پاکستان، امارات و دیگر کشورها صادر خواهد شد.[۱]

هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران در راستای سیاست حمایت از ورود بخش خصوصی در ایجاد پالایشگاه‌های کوچک با هدف رشد و توسعه اقتصادی، در آبان ۱۳۸۸ با فروش روزانه ۱۴۴۰ بشکه نفت‌خام از محل خط‌لوله نفت‌خام خوراک ارسالی به پالایشگاه تبریز و پالایشگاه خصوصی آراز شیمی موافقت کرد.[۲]

پالایشگاه‌های کوچک‌مقیاس

در این دوره، در کنار ساخت پالایشگاه بزرگ خلیج‌فارس، وزارت نفت اجازه احداث چند پالایشگاه کوچک‌مقیاس توسط بخش خصوصی را صادر کرد. ساخت این پالایشگاه‌های کوچک در تمامی مراحل طراحی، مهندسی، تأمین و ساخت کالا و بهره‌برداری توسط متخصصان داخلی اجرا شد.

پالایشگاه صدر شیمی گستران، در سال ۱۳۸۷ در شهرستان اردکان، یزد، تأسیس گردید.

۱ . روزنامه ایران، «گشایش نخستین پالایشگاه بخش خصوصی در کشور»، ۲۶ خرداد ۱۳۸۶.

۲ . مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، جلسه آبان ۱۳۸۸.

اواخـر همـان سـال عملیـات سـاختمانی و سـال ۱۳۸۹ نصـب تجهیـزات آغـاز شـد. پالایشـگاه اوایـل سـال ۱۳۹۲ بـه بهره‌بـرداری رسـید و قـادر بـود روزانـه ۲۵۰۰ بشـکه نفت‌خـام را فـراورش کند .

پالایشـگاه تبریـز پتروليـوم در اسـتان آذربایجـان غربـی، شهرسـتان جلفـا، دیگـر پالایشـگاه کوچکـی بـود کـه در ایـن دوره بـه بهره‌بـرداری رسـید. تـوان پالایشـی آن حـدود ۴۰۰۰ بشـکه نفت‌خـام در روز بـود. ایـن پالایشـگاه کوچک‌مقیـاس، روزانـه بیـش از یـک هـزار بشـکه بنزیـن تولیـد می‌کـرد و عـلاوه بـر فـروش داخلـی، صـادرات فـراورده بـه ارمنسـتان از اهـداف مدیـران ایـن پالایشـگاه بـود.[۱]

آذر پالایـش سـتاره ارس بـا ظرفیـت ده هـزار بشـکه نفت‌خـام در منطقـه آزاد ارس، شهرسـتان جلفـا، اواخـر سـال ۱۳۹۱ پیش‌راه‌انـدازی شـد و در سـال ۱۳۹۲ بـه بهره‌بـرداری رسـمی رسـید. ایـن پالایشـگاه از دانـش فنـی داخلـی برخـوردار بـود و بـازار داخلـی، صـادرات بـه ارمنسـتان، نخجـوان، ترکیـه و افغانسـتان به‌عنـوان بازارهـای هـدف آن تعییـن شـده بـود.[۲]

پالایشـگاه ۱۰ هـزار بشـکه‌ای میعانـات گازی در بوشـهر نیـز توسـط متخصصـان داخلـی و تحـت دانـش فنـی داخلـی در ایـن دوره بـه بهره‌بـرداری رسـید. گازوئیـل، نفتـا و نفت‌کـوره از محصـولات ایـن پالایشـگاه کوچـک بـود.[۳]

وضعیت پالایش در ابتدا و انتهای دوره

در سـال ۱۳۸۴، ظرفیـت پالایشـگاه‌های کشـور ۱ میلیـون و ۶۰۹ هـزار بشـکه نفت‌خـام و میعانـات گازی در روز بـود. برخـی از پالایشـگاه‌ها چـون آبـادان، اصفهـان، تبریـز و اراک بیشـترین نقـش را در تأمیـن خـوراک واحدهـای پتروشـیمی و فراورده‌هـای موردنیـاز واحدهـای روغن‌سـازی بخـش خصوصـی داشـتند.

در میـان پالایشـگاه‌های کشـور، پالایشـگاه‌های تبریـز، بندرعبـاس، اصفهـان و اراک از بـازده مطلوبـی برخـوردار بودنـد و یکـی از اهـداف پالایشـی کشـور، ارتقـای بازدهـی پالایشـگاه‌های کرمانشـاه، لاوان و شـیراز بـود. متوسـط تولیـد نفت‌کـوره مجمـوع پالایشـگاه‌های کشـور حـدود ۳۰ درصـد بـود و پالایشـگاه آبـادان بـا ۴۰ درصـد بیشـترین تولیـد نفت‌کـوره را داشـت.[۴]

۱ . مشعل، شماره ۶۳۴، ۲۵ فروردین ۱۳۹۲.

۲ . خبرگزاری شانا، ۲۰ اسفند ۱۳۹۱.

۳ . مشعل، شماره ۶۳۴، ۲۵ فروردین ۱۳۹۲.

۴ . ترازنامه هیدروکربوری، سال ۱۳۸۴.

در سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲ طرح‌های مختلفی به نتیجه رسید، ازجمله پایان فاز سوم پروژه نوسازی پالایشگاه آبادان، تکمیل فاز اول و فاز دوم طرح بنزین‌سازی پالایشگاه اصفهان، افتتاح طرح بنزین‌سازی پالایشگاه تبریز با هدف افزایش کمّی و کیفی تولید بنزین موتور و امکان تولید بنزین موتور اکتان بالا، پایان طرح توسعه و بهینه‌سازی پالایشگاه لاوان از مهم‌ترین اقدامات وزارت نفت در زمینه توسعه و نوسازی پالایشگاه‌های کشور بود. با اجرای این طرح‌ها ظرفیت پالایش کشور افزایش یافت. در سال ۱۳۹۲، ظرفیت پالایشگاه‌های کشور به ۱ میلیون و ۸۶۰ هزار بشکه در روز رسید. نفت‌گاز، نفت‌کوره و بنزین موتور به ترتیب بیشترین فراورده‌های تولیدی بودند.[1] نفت‌کوره و نفت‌گاز عمده‌ترین فراورده‌های نفتی صادراتی ایران بودند که از پایانه‌های صادراتی بندرعباس، بندر ماهشهر و لاوان صادر شدند.

حفاری

برنامه‌ریزی مناسب برای حفاری چاه‌ها از مهم‌ترین عوامل دستیابی به اهداف اکتشافی ـ تولیدی است. شرکت ملی حفاری با در اختیار داشتن تجهیزات پیشرفته و دستگاه‌های حفاری، عملیات حفاری چاه‌های نفت و گاز را در این دوره به سرانجام رساند و به رکوردهای قابل توجهی دست یافت. شرکت حفاری شمال نیز عملیات حفاری در آب‌های دریای خزر را بر عهده داشت. چند شرکت خصوصی که از دوره پیشین به وارد کردن دکل حفاری اقدام کرده بودند، در این دوره نیز فعالیت داشتند و در دوره ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲ شمار دکل‌های بخش خصوصی غیر از شرکت ملی حفاری فزونی یافت. شرکت ملی حفاری شمال با سهامداری حداکثری بنیاد مستضعفان در این دوره فعالیت خود را توسعه بخشید. در این بخش، فعالیت شرکت ملی حفاری وابسته به شرکت ملی نفت ایران، واکاوی می‌شود.

شرکت ملی حفاری در سال ۱۳۸۴ با چهل و سه دستگاه حفاری در خشکی و سه دستگاه حفاری در دریا مشغول کار بود. در سال ۱۳۸۸، تعداد دستگاه‌های حفاری به پنجاه و شش عدد افزایش یافت که پنجاه و یک دستگاه مخصوص حفاری در مناطق خشکی و پنج دستگاه مربوط به مناطق دریایی بود. در سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۸، درمجموع ۷۹۱ حلقه چاه حفاری شد که ۴۰۰ حلقه توسعه‌ای ـ توصیفی، ۲۹ حلقه اکتشافی و ۳۶۲ حلقه

۱. ترازنامه هیدروکربوری، سال ۱۳۹۲.

تعمیـری بودنـد. بـرای حفـر ایـن چاه‌هـا، درمجمـوع ۱۷۴۳ کیلومتـر حفـاری شـد.[۱]

تعـداد دسـتگاه‌های حفـاری در سـال ۱۳۹۱ بـه هفتـاد و دو عـدد رسـید کـه شـصت و شـش دسـتگاه در مناطـق خشـکی و شـش دسـتگاه در مناطـق دریایـی فعالیـت داشـتند و بیـش از ۱۲۸ هـزار متـر چـاه نفـت و گاز حفـاری شـد. حفـاری در فازهـای ۱۷، ۱۴ و ۱۸ پـارس جنوبـی، میـدان گازی کیـش، میدان‌هـای نفتـی آذر، یـادآوران، کرنـد، آزادگان شـمالی و جنوبـی از پروژه‌هـای در دسـت اجـرای شـرکت ملـی حفـاری بـود.[۲] در همیـن سـال، ۸۱۰۷ عملیـات خدمـات جانبـی نیـز بـر روی چاه‌هـای نفـت و گاز انجـام شـد.[۳]

۱ . ترازنامه انرژی، سال ۱۳۸۸.

۲ . مشعل، شماره ۶۳۴، ۲۵ فروردین ۱۳۹۲.

۳ . ترازنامه انرژی، سال ۱۳۹۱.

کارنامه نفتی دولت عدالت و مهرورزی

وقتی دولت عدالت و مهرورزی به پایان راه رسید، شمار شرکت‌های ایرانی که وارد حوزه صنعت نفت شده بودند، افزایش یافت و ساخت داخل نیز در روندی پرشتاب، مورد حمایت واقع شد. ازجمله تحولات، واگذاری پروژه‌های نفتی به قرارگاه خاتم بود که اگرچه مورد انتقاد برخی رسانه‌های داخلی و خارجی قرار گرفت، اما در عمل به‌ویژه در توسعه میادین گازی در دریا و تأسیس پالایشگاه خلیج‌فارس موفقیت‌آمیز بود. خاطرنشان می‌سازد حضور آنان در دوره دولت بعدی نیز استمرار یافت. دیپلماسی نفتی در این دوره به‌صورت طوفانی آغاز شد، اما در پایان ثمربخش نبود. نگاه صنعت نفت به دلیل تنش‌های بین‌المللی و دفاع از دولت‌های سوسیالیستی انقلابی و کشورهای جهان سوم متحول گردید. بخشی از افریقا و امریکای لاتین از اهداف صنعت نفت ایران شد. صنعت نفت ایران که می‌توانست در آسیای جنوب شرقی و آسیای میانه نفوذی چشمگیر یابد، کم‌فروغ ماند. به ناچار، باید گفت دیپلماسی نفتی در این دوره عملکرد قابل قبولی نداشت.

در پایان این دوره، شمار کارکنان صنعت نفت فزونی گرفت و به‌رغم تغییر مداوم وزرای نفت بخش‌هایی از صنعت نفت دچار اختلال نشدند که مثال بارز آن مدیریت اکتشاف است. عملکرد بخش اکتشاف در این دوره قابل تحسین بود. در سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۱ بیش از ۱۷ میلیارد بشکه هیدروکربور مایع کشف شد. در عین حال، به دلیل فشار نمایندگان مجلس و مردم، تعداد واحدهای پتروشیمیایی زیادی که کلنگ خورد، اما به پایان نرسید، فزونی گرفت. به گفته یکی از مدیران برجسته پتروشیمی، دکتر احمدی‌نژاد به هر کجا که می‌رفت مردم شعار می‌دادند «احمدی دلاور، پتروشیمی بیاور».

برخی جامعه‌شناسان درباره این دوره نظر درخور توجهی ارائه کردند و آن، کم شدن فاصله طبقاتی و قدرتمند شدن دهک‌های پایین جامعه بود. به هنگام روی کار آمدن دولت، مسئله قرارداد کرسنت و استات اویل بحث داغ جامعه بود و در پایان آن، همگان راجع به دکل‌های گمشده نفتی و بابک زنجانی سخن می‌گفتند. مردم از نحوه عملکرد مافیای نفتی آگاه نشدند و رسانه‌ها نیز کوششی برای آن به خرج ندادند. بااین‌حال،

خبـر داغـی کـه پایـان هـر مـاه بـرای بخـش عمـده‌ای از جامعـه اهمیـت داشـت، واریـز شـدن یارانه‌هـا بـود.

در ایـن دوره، رونـد سـرمایه‌گذاری متحـول گردیـد. شـرکت ملـی نفـت ایـران توانسـت حجـم سـرمایه‌گذاری در پروژه‌هـای نفـت و گاز را در سـال‌های ۱۳۸۸ تـا ۱۳۹۱ بـه حـدود ۶۹ میلیـارد دلار افزایـش دهـد کـه نسـبت بـه دوره مشـابه قبلـی، رشـدی ۱۱۰ درصـدی داشـت. تنوع‌بخشـی بـه سـرمایه‌گذاری و تأمیـن منابـع مالـی بـا اسـتفاده از تسـهیلات اعتبـاری بانک‌هـا، مؤسسـات مالـی، صندوق‌هـا و بنیادهـا و انتشـار اوراق مشـارکت از راهکارهـای مقابلـه بـا محدودیـت منابـع مالـی بـود.

بـا افزایـش سـرمایه‌گذاری، فعالیت‌هـای توسـعه‌ای رشـد نسـبتاً چشـمگیری یافـت. وقتـی دولـت احمدی‌نـژاد بـه پایـان راه رسـید، بهره‌بـرداری کامـل از طـرح توسـعه فازهـای ۹ و ۱۰ پـارس جنوبـی، تکمیـل و بهره‌بـرداری از فـاز دوم دارخویـن، بهره‌بـرداری از سـکوی نیمه‌شـناور امیرکبیـر، بهره‌بـرداری از طـرح تزریـق گاز آغاجـاری، بهره‌بـرداری از طـرح تولیـد زودهنـگام میـدان نفتـی آزادگان، طـرح توسـعه میدان‌هـای یـادآوران، جفیـر و مسجدسـلیمان انجـام شـده بـود. طـرح تغذیـه پالایشـگاه بیدبلنـد بـه پیشـرفت ۶۲ درصـدی رسـید. اعتبـار ایـن طـرح بیش از ۴ هـزار میلیـارد ریـال بـود. پایانه‌هـای نفتـی در پایـان ایـن دوره بـه توانمنـدی درخـوری رسـیدند تـا تمامـی اجـزای نفت‌خـام ازجملـه میـزان درصـد بنزیـن، گازوئیـل، روغـن و گازهـای سـبک را سـنجیده و شناسـنامه رفتـار نفت‌خـام و فراورده‌هـای نفتـی را به‌طـور کامـل صـادر کننـد. اداره شـیمیایی شـرکت پایانه‌هـای نفتـی بـا به‌کارگیـری روش‌هـای اسـتاندارد بین‌المللـی و بـه‌روز کـردن تجهیـزات سـخت‌افزاری توانسـت بـه ایـن مهـم دسـت یابـد.[۱]

بااین‌حـال، تغییـرات مدیریتـی و آمـدن چهـار وزیـر و دو سرپرسـت، عـدم ثبـات مدیریتـی و تغییـرات آیین‌نامـه‌ای، افزایـش شـمار کارکنـان صنعـت نفـت و پیدایـی چاله‌هـای سـازمانی کـه گاهـی بـه تخلـف می‌انجامیـد را بـه دنبـال داشـت. تیـر مـاه ۱۳۹۲، سلحشـور، معـاون توسـعه منابـع انسـانی وزارت نفـت از تدویـن اولیـن آیین‌نامـه نظـام اداری و اسـتخدامی وزارت نفـت سـخن گفـت. مـاده ۱۰ ایـن قانـون ناظـر بـر تدویـن آیین‌نامـه نظـام اداری، اسـتخدامی و حقـوق و مزایـای وزارت نفـت بـود کـه به‌عنـوان یـک مـاده مهـم و بنیـادی مـورد بررسـی قـرار گرفـت و بـه دولـت ابـلاغ شـد. نابسـامانی‌های اسـتخدامی، حجـم اسـتخدامی‌های جدیـد و تعـارض دربـاره انـواع قراردادهـای اسـتخدامی بـه چالشـی بـرای معاونـت توسـعه منابـع انسـانی

۱ . مشعل، شماره ۶۴۵، ۹ تیر ۱۳۹۲.

بدل گردیده بود. ازاین‌رو، این معاونت به تدوین اولین آیین‌نامه نظام اداری و استخدامی صنعت نفت روی آورد. سلحشور، هدف از تدوین این آیین‌نامه را «رقابت‌پذیر کردن و سرعت بخشیدن و حفظ نیروی انسانی متخصص» عنوان کرد.[1] در سال‌های بعد، پس از آمدن بیژن زنگنه تحولاتی در نظام اداری پدید آمد. با این حال، مسئله کارکنان در نیمه دهه ۱۳۹۰ به‌تدریج به یک چالش بدل گردید. بسیاری از پرسنل خواهان تغییر وضعیت جایگاه سازمانی خود بودند و نسبت به برخی تبعیض‌ها اعتراض داشتند.

فزونی رفاه برای افزایش مقبولیت مدیران، انتقال پروژه‌ها از شرکت‌های خارجی به داخلی، تغییرات در سیستم فروش بین‌المللی، پدید آمدن پرونده بین‌المللی به نام کرسنت، لغو سوآپ نفتی، گسترش عملیات اجرایی در مناطق نفت‌خیز جنوب از دیگر رویدادهای این دوره بود.

۱ . مشعل، شماره ۶۴۸، ۲۰ تیر ۱۳۹۲.

پیوست فصل هشتم



پالایشگاه گاز فاز ۲ و ۳ عسلویه (۱۳۸۴)



پالایشگاه گاز پارسیان (۱۳۸۵)



واگذاری طرح توسعه فاز ۱۲ پارس جنوبی به شرکت پتروپارس (۱۳۸۴ ش)



افتتاح مرکز دیسپچینگ با حضور کسایی زاده، مدیرعامل شرکت ملی گاز ایران (اسفند ۱۳۸۵)

مهار چاه ۲۳ آتش‌گرفته کنگان (۱۳۸۵)









مجتمع پتروشیمی نوری-برزویه (۱۳۸۵)



مجتمع پتروشیمی فجر، ماهشهر (۱۳۸۵)



اجلاس ۱۴۴ وزیران اوپک (۲۴ اسفند ۱۳۸۵)



محمود احمدی نژاد رئیس جمهور ایران در اجلاس سران (۲۰۰۷م/ ۱۳۸۶ش)



بازدید وزیرنفت از ایستگاه تقویت فشار گاز مارون۳
(خرداد ۱۳۸۶)



افتتاح طرح آماک در مارون ۳ در اهواز با حضور دکتر مهدی بازارگان، مدیر عامل شرکت مهندسی و توسعه نفت ایران
(خرداد ۱۳۸۶)



پالایشگاه گاز شهید هاشمی نژاد خانگیران (تیر ۱۳۸۶)



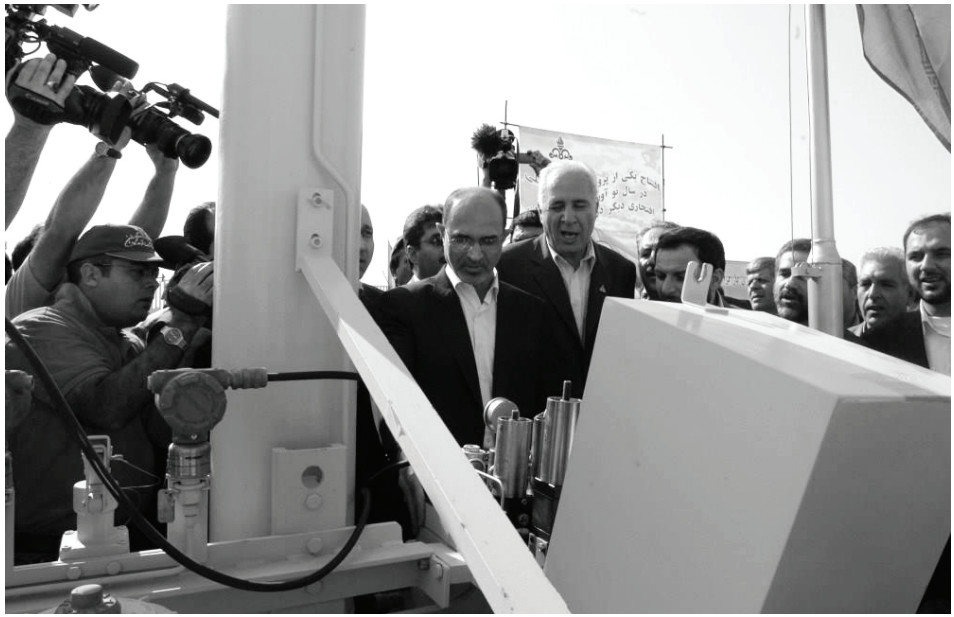
بازدید سرپرست وزارت نفت از میدان نفتی آزادگان (آبان ۱۳۸۶)



بازدید وزیر نفت از آبگیر تأسیسات ساحلی پارس جنوبی (آذر ۱۳۸۶)



پالایشگاه گاز فجر جم کنگان (۱۳۸۷)



افتتاح خط لوله سراسری ششم گاز از سوی غلامحسین نوذری، وزیر نفت (۱۳۸۷)



کنگره جهانی نفت مادرید اسپانیا (۱۳۸۷)



مجتمع پتروشیمی پلیمر آریا ساسول (۱۳۸۸)



افتتاح سکوی نفتی البرز از سوی رئیس جمهور (مرداد۱۳۸۸)



بندر پتروشیمی پارس (۱۳۸۸)



مهار چاه ۲۴ نفت شهر (۱۳۸۹)





مجتمع پتروشیمی زاگرس (۱۳۹۱)



بازدید رستم قاسمی، وزیر نفت، از فازهای ۱۲، ۱۵ و ۱۶ پارس جنوبی (تیر ۱۳۹۲)



جلسه تودیع علی آبادی سرپرست وزارت نفت و معارفه رستم قاسمی وزیر نفت (مرداد ۱۳۹۰)



بازدید وزیر نفت از منطقه عملیاتی بهرگان (دی ۱۳۹۰)



دکل حفاری خشکی فتح ۶۱ در جزیره کیش (بهمن ۱۳۸۹)

فصل نهم

تحریم و توسعه (۱۴۰۰-۱۳۹۲)

سنت سیاسی نانوشته‌ای در ایران وجود دارد که هر هشت سال، یک اندیشه و منش سیاسی متکی بر یک گروه اجتماعی، قدرت اجرایی کشور را به دست می‌گیرد و فضای جامعه را متحول می‌سازد. هرچند دوره ریاست‌جمهوری در ایران چهار ساله است، ولی هر رئیس‌جمهور در صورت کسب رأی مردم می‌تواند یک دوره چهار ساله دیگر نیز در مقام خود باقی بماند. رؤسای جمهور در ایران با موجی از حرکت و خیزش اجتماعی به قدرت می‌رسند که با دوره پیشین متفاوت است. از این نظر، می‌توان تاریخ چهار دهه گذشته را دوره‌بندی کرد. تأثیر راهبردی دولت‌ها در صنعت نفت در دو بخش توسعه فنی و نیروی انسانی قابل ارزیابی است. چنان‌که قبلاً اشاره شد، توسعه فنی تحت تأثیر روابط با شرکت‌های خارجی، دانش فنی (نیروی انسانی) و تیم اجرایی وزیر قرار دارد.

حسن روحانی در سال ۱۳۹۲ پیروز انتخابات شد و قدرت اجرائی را به دست گرفت. شعارها و وعده‌های او بر میانه‌روی در سیاست داخلی و خارجی و رونق اقتصادی استوار بود. روحانی تأکید داشت در دولت تدبیر و امید، عقلانیت و میانه‌روی جایگزین افراط و خودسری خواهد شد. در این دوره هشت‌ساله، بیژن زنگنه بر صندلی وزارت نفت تکیه داد و با عمده‌ترین چالش‌های نفتی تاریخ ایران مواجه گشت. دولت تدبیر و امید با تحریم‌های به‌جامانده از دولت پیشین آغاز شد، در میانه راه قرارداد برجام به امضا رسید و تحریم‌ها برداشته شدند، اما اندک زمانی نگذشت که با انتخاب دونالد ترامپ به ریاست جمهوری امریکا، شدیدترین تحریم‌ها علیه ایران اعمال گردید.

در این دوره، در صنعت نفت ایران روند گذشته ادامه یافت. صنعت نفت همچنان موتور محرکه اقتصاد کشور بود و نقش مهمی در رایزنی‌های دیپلماتیک داشت. توسعه

میدان‌های نفتی، افزایش ظرفیت تولید و صادرات نفت، افتتاح چند مجتمع پتروشیمی و افزایش تولید محصولات پتروشیمیایی، افتتاح پالایشگاه گاز و شکسته شدن رکورد انتقال گاز در کشور، افزایش تولید و صادرات گاز و کاهش واردات آن، برگزاری همایش‌هایی با هدف جذب سرمایه خارجی، تأسیس شرکت‌های دانش‌بنیان در حوزه صنعت نفت و صنایع وابسته، گسترش همکاری صنعت نفت با دانشگاه‌ها به‌ویژه در حوزه‌های پژوهشی، حرکت در مسیر خودکفایی و ساخت کالاهای صنعت نفت در داخل کشور از جمله اقداماتی بود که در این دوره در یک روند رو به جلو به وقوع پیوست.

زنگنه، رأی اعتماد در دو مجلس

انتخابات یازدهمین دوره ریاست جمهوری در ۲۴ خرداد ۱۳۹۲ در فضایی پرنشاط برگزار شد. بسیاری از مردم با امید تغییر و بهبود روند زندگی به پای صندوق‌های رأی رفتند. حسن روحانی، محمدباقر قالیباف، سعید جلیلی، محسن رضایی، علی‌اکبر ولایتی و سیدمحمد غرضی کاندیداهای ریاست جمهوری بودند. حسن روحانی با بیش از ۱۸ میلیون و ۶۰۰ هزار رأی به‌عنوان یازدهمین رئیس‌جمهور به ساختمان پاستور پا گذاشت. بیژن زنگنه، وزیر انتخابی روحانی برای وزارت نفت بود که این انتخاب بازتاب‌های زیادی در رسانه‌ها داشت. مخالفان و موافقان پیش از جلسه رأی اعتماد سخنان له یا علیه او را آغاز کردند. موافقان می‌گفتند اینک زمان آزمون و خطا و کارآموزی نیست و شخصی کارآزموده باید بر کرسی وزارت نفت بنشیند و مخالفان، قراردادهای دوره پیشین وزارتش را نشانه می‌گرفتند.

بیژن زنگنه در دو دوره دولت تدبیر و امید سکان وزارت نفت را به دست گرفت. تلاش کرد با همراهی مشاوران و معاونانش کشتی صنعت نفت را در تلاطم‌های ناشی از تحریم به ساحل امنی برساند. علی‌رغم تمام مشکلاتی که وجود داشت، در این دوره رشد صنعت نفت نه‌تنها متوقف نشد، بلکه در برخی شاخص‌ها توسعه یافت. زنگنه در طول این هشت سال، به‌ویژه در چهار ساله دوم وزارتش، به‌شدت مورد نقد و هجمه مخالفان قرار گرفت.

روحانی روز ۲۱ مرداد به مجلس رفت و درباره وزرای پیشنهادی، سوابق آنان و دلایل انتخابشان سخن گفت. درباره بیژن زنگنه به مشورت‌هایش و سابقه آشنایی با او اشاره کرد: «من تجربه زیادی از ایشان دارم. در دورانی که به‌هرحال در شورای امنیت بودم،

حـالا در رسـانه‌ها و مطبوعـات چیزهایـی هـم ذکـر کردنـد کـه آن‌هـم مؤلفـش موجـود اسـت، یعنـی خـود مـن هسـتم، اگـر اشـکالی بـوده، مـن آن اشـکال را مبرهـن کـردم و اگـر در مجلـس در ایـن زمینـه بحثـی شـد، مـن بعـداً پاسـخ می‌دهـم کـه آن موضـوع ربطـی بـه صلاحیت‌هـای ایشـان نـدارد... امـروز صنعـت نفـت بـه یـک دیپلماسـی بسـیار فعالـی نیـاز دارد. نیـاز بـه تـلاش گسـترده‌ای دارد و بی‌تردیـد آقـای مهنـدس زنگنـه جـزء بهترین‌هاسـت و یـا بـه اعتقـاد بسـیاری بهتریـن اسـت در ایـن زمینـه و قـادر اسـت ایـن مسـئولیت را در ایـن شـرایط حسـاس بپذیـرد.»[1]

۲۴ مـرداد نوبـت بیـژن زنگنـه بـود کـه صحبت‌هـای مخالفـان و موافقـان را بشـنود و از خـود و برنامه‌هایـش دفـاع کنـد.[2] حمیـد رسـایی از مخالفـان بـود. او گفـت: «مدیریـت برخـی از این افـراد در وزارت نفـت باعـث شـد تـا در مجامـع جهانـی پرونـده‌ای بـه نـام اسـتات‌اویل و بعـد پرونده‌هـای دیگـر بـرای مـا بـاز شـود. وزارت ایـن افـراد باعـث شـد تـا فرزنـدان برخـی از خـواص در فسـاد غوطـه‌ور شـوند و امـروز بـه جـرم جاسوسـی و فسـاد اقتصـادی پرونـده داشـته باشـند.»

احمدعلـی مقیمـی، دیگـر نماینـده مجلـس بـود کـه در مقـام مخالـف سـخن گفـت: «امـروز مجلـس در یـک آزمـون بسـیار بزرگـی قـرار گرفتـه کـه آینـدگان قضـاوت خواهنـد کـرد. شـما می‌خواهیـد بـرای کسـی تصمیم‌گیـری کنیـد کـه هشـت سـال سـابقه کار در وزارت نفـت دارد. فـارغ از سـلامت شـخصی نامبـرده، خروجـی مدیریتـش بـرای کشـور خسـارت‌بار اسـت. ترغیـب، رشـوه، زدوبنـد، باندبـازی، رانت‌خـواری افـراد خـاص و بعضـی آقازاده‌هـا کـه در گـزارش دادگاه خارجـی بـه آنهـا نـام جونیـور داده‌انـد. همچنیـن، اکثـر قراردادهایـی کـه در زمـان وزارت جنـاب آقـای مهنـدس زنگنـه در وزارت نفـت بسـته شـده اسـت، همـه دارای ابهـام هسـتند... ماننـد قـرارداد کرسـنت، توتـال، کیـش و میدان‌هـای نفتـی ماننـد سـروش، نـوروز، درود، اسـتات‌اویل و خـود به‌عنـوان متهـم در دادگاه‌هـای داخلـی و خارجـی بایـد پاسـخگو باشـد. مدیریـت آمرانـه، انحصـاری، بـدون مشـورت، ترغیـب و اشـتیاق بـه شـرکت‌های خارجـی و تحقیـر شـرکت‌های داخلـی و بـه هـم زدن سـاختار یکپارچگـی وزارت نفـت، افزایـش شـرکت‌های دولتـی از سـی بـه صـد و هشـتاد شـرکت و تکه‌تکـه کـردن سـاختار وزارت نفـت.»

مخالـف بعـدی، احمـد توکلـی بـود. او بـا اشـاره بـه اینکـه از هفتـه گذشـته تـا پریشـب در مقـام موافـق بـرای رأی آوردن بیـژن زنگنـه رایزنـی کـرده بـود، گفـت: «اتفاقـی افتـاد کـه شـرح می‌دهـم و بـه مخالفـت گراییـدم... آقـای امیرآبـادی مسـئله‌ای را مطـرح کـرد کـه نمی‌خواهـم

۱ . مشروح مذاکرات مجلس، جلسه ۱۲۲، ۲۱ مرداد ۱۳۹۲.

۲ . مشروح مذاکرات مجلس، جلسه ۱۲۵، ۲۴ مرداد ۱۳۹۲.

وارد محتـوای آن شـوم، چـون مهـم نحـوه برخـورد ایشـان بـا آن مسـئله اسـت. مسـئله هرچـه باشـد فرقـی نمی‌کنـد. ایشـان مطلبـی را بـه آقـای زنگنـه نسـبت دادنـد و ایشـان (زنگنـه) قسـم جلالـه خـورد کـه والله ایـن درسـت نیسـت و مـن از فـلان موقـع بـه بعـد فـلان کار را نکـردم. آقـای امیرآبـادی گفـت مـن سـند دارم. مـن بـه ایشـان رو کـردم و گفتـم وقتـی یـک مسـلمانی قسـم جلالـه می‌خـورد تـو دیگـر تمـام کـن... غـروب سـه شـنبه یـک سـندی بـه دسـت مـا رسـید کـه نشـان مـی‌داد قسـم ایشـان (زنگنـه) کامـلاً غلـط اسـت. مـن خیلـی منقلـب شـدم.»

علیرضـا زاکانـی از دیگـر مخالفـان بـود کـه سـخنان خـود را بـا تأییـد گفته‌هـای توکلـی آغـاز کـرد. او در ادامـه گفـت: «سـعی خواهـم کـرد در ایـن سـخنرانی بـا توجـه بـه اسـناد مهـم موجـود و گزارشـات کامـلاً مسـتند و متواتـر دسـتگاه‌های کارشناسـی و رسـمی داخـل و خـارج کشـور نیم‌نگاهـی بـه دوره مدیریـت جنـاب آقـای زنگنـه در نفـت داشـته باشـم، بـدون اینکـه بخواهـم اتهاماتـی را اثبـات کنـم، ولـی بـا بازگـو نمـودن برخـی مطالـب، یافته‌هـای مربـوط بـه بعضـی قراردادهـای نفتـی را گوشـزد می‌نمایـم تـا فضـای رأی اعتمـاد بـه وزیـر محتـرم پیشـنهادی نفـت روشـن‌تر گـردد... قراردادهایـی همچـون اسـتات‌اویل، توتـال و کرسـنت کـه پیرامـون آنهـا ده‌هـا هـزار صفحـه اسـناد موجـود اسـت... برخـی از اشـکالات ایـن قـرارداد عبـارت بودنـد از عمـل از طریـق واسـطه، عقـد قـرارداد طولانـی بـا شـرکت غیرمعتبـر کـه در سـنوات قبـل نیـز علمکـرد ضعیفـی داشـته و حقـوق ایـران را در میـدان نفتـی مبـارک نادیـده گرفتـه اسـت. ایـن قـرارداد باتوجه‌بـه برنامه‌هـای وزرات نفـت بـرای ورود بـه بازارهـای درازمـدت گاز شـاید سـنگ‌بنای مناسـبی نباشـد و در شـرایط فعلـی هیـچ منفعـت سیاسـی نیـز بـه دسـت نخواهـد آمـد... امـا جنـاب آقـای روحانـی! ایـن همـه‌ی ماجـرا نیسـت. بـه تعبیـر زیبـا، یکـی از همراهـان رده بـالای امـروز جنابعالـی کـه ایـن روزهـا در مجلـس زیارتشـان کـرده‌ام، در مصاحبـه بـا رسـانه‌ها البتـه در گذشـته‌ها فرموده‌انـد: «دیـوار کرسـنت تـا ثریـا کـج اسـت.»... آقـای زنگنـه نه‌تنهـا از فرصـت فسـخ بـرای اصـلاح آن اسـتفاده ننمـود، بلکـه بـا امتیـازات ترکمنچایـی مجـدداً قـرارداد مـرده را زنـده کـرد کـه در حـال حاضـر جلسـات داوری آن در لاهـه در حـال برگـزاری اسـت... به‌نظـرم بایـد در انتخـاب وزیـر وزارتخانـه‌ای کـه شـاهراه منابـع مالـی کشـور اسـت تأمـل بیشـتری صـورت می‌گرفـت تـا مجـدداً شـاهد نضـج مافیـای نفتـی در کشـور نباشـیم. ای کاش همـه مدیـران مـا از مدیـران خارجـی یـاد می‌گرفتنـد کـه اگـر تخلـف کردنـد و تخلـف آنهـا معلـوم شـد، عذرخواهـی کننـد، نـه اینکـه خـود را مهیـای دور مدیریـت بعـد کننـد.»

سـپس، زنگنـه در دفـاع از خـود بـه صحبـت پرداخـت و سـخنان خـود را این‌گونـه آغـاز کـرد:

«در کشور ما هنگامی که از نفت صحبت می‌کنیم، قطعاً نفت فقط یک کالا نیست و به تبع آن، وزارت نفت دارای ابعاد اقتصادی، سیاسی، سیاست خارجی، بازرگانی خارجی، فنی و صنعتی و حتی امنیت ملی است و حتی در مسیر توسعه اقتصاد غیرمتکی به نفت هم با صنعت پتروشیمی نقشی تعیین‌کننده بر عهده دارد.»

زنگنه، با اشاره به اینکه کارکنان نفت انتظار دارند که با آنها برخورد حرفه‌ای شود و به مجموعه آنان احترام گذاشته شود، گفت: «نفت به اعتقاد من باید توسط خود نفتی‌ها اداره شود. من اعتقاد دارم که باید از همه ظرفیت‌های کارشناسی و با اتکا به خرد جمعی صنعت نفت اداره شود. نفت باید غیرسیاسی باشد، نفت حیاط خلوت هیچ فرد و گروهی جز جمهوری اسلامی نیست و باید در آن از افراط و تفریط پرهیز کرد.

در اینجا یک شبهه‌ای مطرح شده که اگر من رأی بیاورم و مجلس به من رأی بدهد، این موجب زیان ۳۷ میلیارد دلاری به جمهوری اسلامی می‌شود و ما را در یک جایی خارج از ایران به پرداخت ۳۷ میلیارد دلار زیان محکوم می‌کنند. این حرف یک جنگ روانی است که به‌نظر من از بیرون به مجلس منتقل شده و می‌شود گفت این یک حرف مضحکی است. اصلاً در هیچ جایی بحثی برای اینکه خسارتی پرداخت کنیم وجود ندارد.

گفته‌شده من فردی هستم که از موضع غرور با نمایندگان برخورد می‌کنم و اهل تعامل نیستم، اگر دوستی از نمایندگان از این بابت تردیدی دارند، من خواهش می‌کنم با نمایندگانی که در دوره‌های متعددی با من کار کردند و من در خدمتشان بودم، سؤال بکنند.

مطرح شد که من به ساخت داخل توجه نمی‌کنم، در صحبت‌های مخالف محترم هم بود و همه چیزها را از خارج می‌گیریم. خب، اگر این باشد، الان نباید این‌همه سازندگان داخلی از من یکپارچه حمایت کنند و همه از خدا بخواهند که من برگردم، باید همه اینها الان اینجا نشسته بودند، کسی هم که دستشان را نگرفته و پایشان را نبسته، باید به شما می‌گفتند به این رأی ندهید، این ما را نابود می‌کند، اینها همه آمدند و می‌گویند شما بیایید تا دوباره زندگی ما بچرخد. من کاره‌ای نیستم، من نماد یک جریان هستم، یک عنصر کوچکی هستم، ولی به هر ترتیب نماد یک فکری شدم که دارم در اینجا مطرح می‌شوم که آن بحث این بوده که ما در قراردادهایی که با خارجی‌ها می‌بستیم، بیشترین تلاش را داشتیم که ساخت داخل بیشتر شود که ظرفیت‌های ما

بالا رفت و ارتقا پیدا کرد و قطعاً اگر من باشم، بیش از گذشته این کار را خواهم کرد. چرا؟ به‌خاطر اینکه ظرفیت کشور بالا رفته، شرکت‌های مپنا، فرا، پترو پارس و پترو ایران که اینها عمدتاً از افتخارات فناوری ملی محسوب می‌شوند. در دوران من و با ابتکار من تأسیس شدند در نیرو و بعد هم در نفت. آنچه که در عسلویه و در جاهای دیگر بودند و در فازهای چهار و پنج عسلویه ۱۷ هزار نفر در آن واحد کار می‌کردند. کمتر از ۹۰ تا از آنها خارجی بودند. همه این کارها که می‌آمد در ایران انجام می‌شد، خود بهترین دلیلش به‌نظر من این بحث دوستانی است که الان اتحادیه‌ها و انجمن‌های سازندگان و پیمانکاران و مهندسان داخلی هستند.

گفته شد که من آدم خوبی هستم، ولی اهتمام به مبارزه با فساد ندارم. نمایندگان محترم! مستحضرید هر جا پول باشد و بیشتر باشد، احتمال فساد هم بیشتر است. معنی‌اش این نیست که ما باید در مقابل مفسدان مماشات کنیم، بلکه معنایش این است که ما باید دقت داشته باشیم، توجه داشته باشیم و آنچه وظیفه ماست این است که اولاً فرایندهایی را طراحی و مستقر کنیم که نگذاریم این فسادها پا بگیرند و دوم اینکه اگر جایی به فسادی برخورد کردیم، قاطعانه و بدون گذشت با آنها برخورد بکنیم و در بحث فساد هیچ گذشتی نداشته باشیم. خب، کدام نهاد نظارتی بوده که به من گزارشی داده از فساد و من کوچک‌ترین کوتاهی در آن کردم؟

آقای دکتر توکلی، آقایان و خانم‌ها! حاضر نیستم برای اینکه وزیر بشوم دروغ بگویم. من واقعاً اشباعم از اینکه وزیر بشوم. الان هم که اینجا آمدم در خدمت شما هستم، هیچ منتی هم بر کسی ندارم. اگر هم وزیر بشوم، تمام توان خودم و زندگی‌ام را می‌گذارم برای اینکه وظیفه‌ام را درست انجام بدهم و سابقه گذشته‌ام این را نشان می‌دهد، اما هیچ‌وقت حاضر نیستم به‌خاطر این چیزی که من اشباع از آن هستم بخواهم دروغ بگویم. چه چیزی می‌خواهم به دست بیاورم که دروغ بگویم.

آقای دکتر زاکانی مطالبی فرمودند درمورد مسائل کرسنت و گفتند من اقرار به مفاسد کردم در قرارداد کرسنت. بله، من گفتم در قرارداد کرسنت افرادی در حاشیه‌اش فساد کردند، بگیرید و پدرشان را هم در بیاورید، ولی اینکه برونند یقه هیئت‌مدیره شرکت نفت را بگیرند که آدم‌های شریف و سالمی هستند برای اینکه یک مسئله و خرابکاری خودشان را در جای دیگری حل کنند، این را دور از انصاف می‌دانم... این مسائلی که گفته می‌شود، قیمت قرارداد این‌طور شد و بود، اینها توضیحش داده شود.

اینها این‌طور نیست، اینها فقط برای یک کار سیاسی خوب است... بعد هم می‌گویند ما از فرصت فسخ قرارداد استفاده نکردیم. ما اصلاً نمی‌خواستیم قرارداد را فسخ کنیم که فرصت فسخ قرارداد را استفاده کنیم. ما فکر می‌کردیم قرارداد به نفع کشور است، الان هم معتقدم باید درست مسئولین دنبال کنند.»

در پایان، رئیس جلسه از زنگنه خواست به پرسش دو نفر از نمایندگان پاسخ بدهد، ازجمله درباره رشوه‌ای در قرارداد اورینتال کیش. زنگنه گفت: «اورینتال کیش یک قراردادی بوده. اورینتال کیش را باز نکنید. یک شرکت مربوط به یک جایی از سپاه به یک فردی از سپاه رشوه داده بود. این چه ربطی دارد؟ این شرکت متعلق به سپاه بود، به یک سردار سپاه هم که در شرکت نفت کار می‌کرد، اینها می‌گویند رشوه داده. او می‌گفت اینها بچه‌های خودمان بودند که به من پول دادند. این می‌گفت نخیر، دستگاه قضایی رشوه گرفته. چه ربطی داشت؟ الان هم شرکت نیمه‌دولتی است. من مطلع از هیچ‌کدام نیستم.» زنگنه، در پایان سخنانش گفت: «ببینید نمایندگان محترم! خودتان می‌دانید در این شرایط بسیار سخت اگر به من رأی اعتماد دهید، مرا به هتل پنج ستاره نمی‌فرستید. شما من را به خط مقدم جبهه مبارزه برای شکستن تحریم می‌فرستید که من باید در کنار وزارت خارجه کار کنم. من بخش‌های عملیاتی‌اش و آنها بخش‌های نرم‌افزاری‌اش را تا بتوانیم این کار را پیش ببریم.»

پس از پایان سخنان وزرا، نمایندگان اقدام به رأی‌گیری کردند و گلدان مخصوص جمع‌آوری رأی به حرکت درآمد. نتیجه برای زنگنه خوشحال‌کننده بود. از مجموع ۲۸۳ آرای اخذشده، ۲۵۶ رأی موافق، ۱۹ رأی مخالف و ۹ رأی ممتنع کسب کرد و برای سومین بار بر کرسی وزارت نفت نشست. در طول این چهار سال تحولات مختلفی پدید آمد. زنگنه دست به اقداماتی زد که شامل توسعه فنی، تحول سازمانی و افزایش شاخص‌ها بود و در جای خود به آنها خواهیم پرداخت. در این چهار سال، مجلس و به‌ویژه کمیسیون انرژی با او مراوده، گفتگو و چالش داشت، اما روند این رویدادها به تضعیف زنگنه نینجامید.

اردیبهشت ۱۳۹۶ دوازدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری برگزار شد. حسن روحانی، با پشت سر گذاشتن رقبای خود (سیدابراهیم رئیسی، سیدمصطفی میرسلیم، سیدمصطفی هاشمی‌طبا) رئیس دولت دوازدهم شد. مردادماه، بار دیگر برای معرفی کابینه خود به مجلس پا نهاد. بیژن زنگنه را که ۱۲ سال سابقه وزارت نفت داشت برای بار چهارم به

مجلس معرفی کرد. اگر زنگنه این بار رأی می‌آورد، می‌توانست رکورد منوچهر اقبال و غلامرضا آقازاده را پشت سر بگذارد، اما فضای مجلس در مرداد ۱۳۹۶ متفاوت از دوره پیشین بود. این بار، او چالش‌های متفاوتی با نمایندگان مجلس داشت که در جلسه رأی اعتماد خود را نشان داد. سخنان موافقان و مخالفان و مقایسه آرای مأخوذه در دو دوره، جو حاکم بر مجلس و نوع چالش‌هایی که زنگنه پیش رو داشت را به‌خوبی نشان می‌دهد.

۲۸ مرداد ۱۳۹۶ در جلسه ۱۳۳ مجلس، رسیدگی به وزیر پیشنهادی نفت با سخنان موافقان و مخالفان دنبال شد. سیدمحمدجواد ابطحی و هدایت‌الله خادمی[1] از مخالفان بودند. ابطحی گفت: «آقای زنگنه عزیز، حالا ما یک باشگاهی داریم به نام باشگاه نفت و نیرو. باشگاه اندیشه‌ورزان نفت و نیروی ایرانیان، جناب زنگنه کجا نشسته‌اند؟ شما به ما روشن بگویید، خودتان، معاونین و رئیس دفتر شما آنجا چه‌کار می‌کنند.» ابطحی در ادامه، از حضور زنگنه در آن باشگاه انتقاد کرد و از خصوصی بودن آن مؤسسه گفت و مدعی شد «تصمیمات راهبردی نفتی در این باشگاه گرفته می‌شود... آقایان می‌توانند باشگاه بزنند... ولی وقتی رئیس شرکت ملی نفت ایران، آقای کاردر، و دیگران، رئیس دفتر آقای زنگنه، آیدین ختلان و دیگران هستند، اینها تصمیم‌گیر هستند... اما راجع به اینکه آقای وزیر فرمودند جای گروهبان‌ها نیست، گروهبان‌ها بروند دنبال خود و ژنرال‌ها بیایند، آقای زنگنه عزیز، شما بیست و هشت ساله بودید معاون وزیر فرهنگ شدید، سی ساله بودید وزیر شدید، شما از کی ژنرال شدید و دیگران؟ عزیزان من! اینها باید رشد کنند. باید میدان را بدهیم... من راجع به قرارداد IPC و اینها وقت ندارم صحبت کنم... آقای زنگنه چرا در سال ۱۳۹۲ تصمیم گرفتید پول خوراک پتروشیمی‌ها را در داخل به ارز مبادله‌ای بگیرید، درحالی‌که پیشتر در خارج از کشور دریافت می‌شد. چرا در سال ۱۳۹۲ به‌صورت شبانه قرارداد میدان آزادگان را با چینی‌ها فسخ کردید و الان مجبور شدید در تمام میدان‌ها ازجمله آزادگان، فاز ۱۱ همان شرکت چینی را شرکت کنید.»

هدایت‌الله خادمی، نماینده ایذه و باغملک، در مجلس دهم از مخالفان زنگنه به شمار می‌رفت. او به پشت تریبون آمد و گفت: «طی چهار سال گذشته ده‌ها بار در رسانه‌ها مطرح شده که وزارت نفت پنجاه میلیارد دلار بدهکار شده. یعنی پنجاه میلیارد وام بدون

۱ . هدایت‌الله خادمی ازجمله مخالفان زنگنه بود که سابقه مدیریت شرکت حفاری شمال (متعلق به بنیاد مستضعفان) را داشت. او پیش از این، بر سر یک جک‌آپ با وزارت نفت در افتاده و در رسانه‌ها به‌عنوان مخالف مطرح شده بود.

بهره برای اجرایی کردن پروژه‌های اساسی به وزارت نفت دادند. با بخشی از این منابع مالی، فازهای دوازده، پانزده و شانزده پارس جنوبی تا شهریور ۱۳۹۲ پیشرفت ۹۳ درصدی داشتند... باعث شد برداشت از مخازن مشترک پارس جنوبی برای اولین‌بار برابر یا بیشتر از قطر شود، پس این فاینانس داخلی چه اشکالی داشته؟»

خادمی در بخش دیگری از انتقادات خود به بزرگنمایی میزان تولید و صادرات در قبل و پس از تحریم اشاره کرد. او گفت: «افزایش تولید نداشتیم، بلکه برگشت به تولید را داشته‌ایم... مثل این است که تصمیم گرفته‌ایم به مسافرت برویم و شیر آب و گاز را می‌بندیم و وقتی از مسافرت برگشتیم شیرها را باز می‌کنیم؛ در واقع، همین. اگرچه برای اینکه چاه‌ها صدمه نبینند و از تولید نیفتند، تولید چرخشی از چاه‌ها خواهیم داشت، ولی این کاری روتین است... جناب آقای مهندس! فرموده بودید تا سال ۱۳۹۴ به خودکفایی بنزین دست خواهیم یافت، ولی الان روزانه حدود ده میلیون لیتر بنزین وارد می‌شود. فرمودید مدیریت مصرف سوخت را سامان می‌دهیم، ولی نه‌تنها سامان داده نشد، بلکه میزان مصرف بنزین به بیش از هشتاد میلیون لیتر در روز رسید. فرمودید تا سال ۱۳۹۶ و در شرایط تحریم، می‌توانید تولید نفت و میعانات گازی را به ۵ میلیون و ۷۰۰ هزار بشکه برسانید، ولی نشد. فرمودید پرونده پارس جنوبی را در پایان دولت یازدهم می‌بندید، ولی نبستید. فرمودید ژنرال‌ها را جایگزین گروهبان‌ها می‌کنید، ضمن ایراد به این ایراد که در صنعت جایگاهی ندارد و از فرد بزرگی مثل شما انتظار نمی‌رود، ولی همه شش معاون و قائم‌مقامی که آوردید، استعفا دادند و رفتند. جناب آقای وزیر! من‌بعد نمایندگان مجلس را استخدام نکنید تا نمایندگان مجلس به رسالت ذاتی و نظارتی خود ادامه دهند... قرار بود پالایشگاه ۴۸۰ هزار بشکه‌ای سیراف تا سال ۱۳۹۶ به بهره‌برداری برسد، ولی هنوز در مرحله خاکبرداری است و متوقف شد... فرمودید پالایشگاه آناهیتا و فارس را فعال خواهید کرد، ولی یک درصد هم پیشرفت نکرد... فرمودید قصد افزایش ضریب پالایش به سه میلیون بشکه را دارید، ولی در عمل پالایشگاه‌های آناهیتا، خوزستان و هرمز را هم از مدار خارج کردید.»

پس از صحبت‌های موافقان و مخالفان، بیژن زنگنه پشت تریبون رفت: «اما درمورد این سؤالات و مطالبی که اینجا گفته شد، من چند نکته را عرض می‌کنم. یک مطالبی آقای ابطحی فرمودند. من خداوند متعال را شکر می‌کنم، من چهار سال است وزیر نفت هستم. صدها هزار میلیارد تومان پول از زیر دستم در رفته، یعنی عبور کرده و رفته، ایشان فقط به این باشگاه نفت و نیرو چسبیدند، ولی باشگاه نفت و نیرو چیست؟

باشگاه نفت و نیرو یک مؤسسه غیرانتفاعی غیردولتی است. در سال ۱۳۹۱ توسط بنده و یک‌سری دوستان ثبت شد. دوستان! در سال ۱۳۹۱ که ما این را ثبت کردیم در خواب هم نمی‌دیدیم که یک روزی ممکن است کسی مثل آقای روحانی بیاید و انتخابات را ببرد و ما یک بار دیگر وزیر شویم، ما اصلاً تصور این را هم نمی‌کردیم. ما آمدیم گفتیم یک‌سری آدم‌هایی که در کار نفت و نیرو تجربه دارند که جمعشان هم ۲۰۰ نفر نمی‌شود، دور هم جمع شوند، ماهی یک جلسه بگذاریم، یکی سخنرانی کند... یک اتاق فکر مفت‌ومجانی است. اگر هم دولت خواست حرفی بزند، صحبتی شود، افزایش کاری داشته باشد، بکنید. نه پولی از دولت می‌گیرد، نه هدیه‌ای می‌گیرد، نه کمکی می‌گیرد. با حق عضویت اعضا هم اداره می‌شود. بنده آنجا فقط عضو هیئت مؤسس هستم. من نمی‌دانم چرا بعضی از دوستان این‌قدر حساس هستند. اگر اینها خلاف قانون بوده، شما که چهار سال پیش این را می‌دانستید، چون از چهار سال پیش به من گفتید، به قوه قضائیه می‌گفتید، به کمیسیون اصل نود می‌گفتید، ما اگر خلاف قانون کردیم، یقه‌مان را می‌گرفتند.

پول خوراک پتروشیمی‌ها به ارز مبادله‌ای دریافت می‌شود، بله، ما که در ایران نمی‌توانیم چیزی بفروشیم از او ارز بگیریم. ما نمی‌توانیم با یک نفر داخلی معامله کنیم و چیزی بفروشیم بگوییم ارز پول بدهید. اگر قرار است ارز را هم به ریال تبدیل کنیم، معلوم است که قیمت رسمی ارز چیست. ارز یک قیمت رسمی دارد، باید به آن تبدیل کنیم. ما که نمی‌توانیم از خودمان قانون در بیاوریم.

می‌گویند شبانه قرارداد آزادگان را فسخ کردید. من نمی‌دانم شما شب و روزش را از کجا در آورده‌اید که فهمیدید شب بوده یا روز بوده. اما بالاخره یک نفری آمده و یک قراردادی را داشت انجام می‌داد و این در حیطه قراردادش وظایفش را انجام نمی‌داد، ما را معطل کرده بود. سر کار گذاشته بود. از وقتی که ما آن کار را قطع کردیم، خودمان رفتیم کار کردیم و تولیدمان در آنجا بالا رفت.

گفته شد ۵۰ میلیارد دلار وام بی‌بهره به نفت دادند. کجا وام بی‌بهره؟ حدود ۸ درصد ربح سالانه می‌گیرند، این وام نزدیک ۳۰ میلیارد دلار بوده، شده ۵۰ و خرده‌ای میلیارد دلار. کجا وام بی‌بهره دادند؟ مگر بانک مرکزی به کسی وام بی‌بهره می‌دهد؟ با اشدّ امکان بهره‌اش را از ما می‌گیرد و اصلاً بی‌بهره نیست.

فرمودند که شما تولید را اضافه نکردید، فقط تولید قبل از تحریم‌ها بوده است. برادران! اگر می‌خواهید با من مخالفت کنید، چرا با ده‌ها هزار کارکنان زحمتکش

فلات قاره، نفت مرکزی و مناطق نفت‌خیز جنوب برخورد می‌کنید. جا دارد اینجا از مجاهدت‌هایی که در تولید نفت کردند و در حفظ تولید، صمیمانه و خاضعانه از آنها تشکر کنم. فکر می‌کنند که تولید نفت مثل شیر آب است که بازش کنیم و ببندیم. این را می‌بندی، بعد که باز می‌کنی، دیگر نمی‌آید، آسفالتین می‌گیرد و هزار و یک چیز دیگر. اینها زحمت کشیدند، مجاهدت کردند تا توانستند یک میلیون تولید ما را برگردانند.

گفتند نمایندگان را استخدام کردید. آقا توضیح دادند، نمایندگان ادوار. دوستان من! ان‌شاالله شما ده دوره رأی بیاورید، هر دوره‌ای که تمام می‌شود یکی از دغدغه‌های هیئت‌رئیسه این است، من دیدم که با وزرا جلسه می‌گذارد می‌گوید آقا! به این نماینده‌هایی که کاری ندارند، کاری بدهید. نماینده‌ای که کار ندارد را چه‌کار کنیم؟ در جامعه ولش کنیم؟ این نماینده باید یک کاری داشته باشد زندگی کند. من به شما سربسته می‌گویم اگر نماینده نگران شغل و کار آینده‌اش باشد، آن‌هم در حد یک حقوق دولتی گرفتن، اگر نگران این بشود، هزاران مفسده دیگر از آن درست می‌شود. آنها را در نظر بگیرید که خدای نکرده چه می‌شود و این همیشه در قوانین ما بوده و این کار را کرده‌اند. من هم با آقای رئیس مجلس بحث بود، من یک تعدادی را به کار گرفتم، افتخار هم می‌کنم که به کار گرفتم. هیچ‌چیز مخفیانه‌ای هم نیست، ولی یک مطلب را هم بگویم، من بچه نیستم... من حداقل عقل سیاسی را دارم که نماینده دور قبل یک شهر در رأی اعتماد که نمی‌تواند برای من رأی جمع کند. علیه من می‌تواند کار کند. چرا؟ چون این کسی که آمده با آن قبلی رقیب هستند، اینکه واضح است. من این‌قدر عقل سیاسی دارم، اما یک مصلحت ملی هم در این مسئله هست.

ارتباط دانشگاه با وزارت نفت، ما الان بهترین ارتباط را با دانشگاه داریم. من گفتم تمام دانشگاه‌هایی که بخش بالادستی نفت دارند، حتماً به آنها کار واگذار شود که در بخش بالادستی کار کنند. قراردادهای درازمدت با اینها بستیم.

اما یک نکته بگویم و تمام کنم. ببینید! آقای ابطحی یک مطلبی فرمودند که گفتند چه زمانی به جوان‌ها میدان می‌دهید. من معتقدم از همین الان. دوستان می‌دانند من خیلی اصرار کردم که شخص دیگری را وزیر نفت معرفی کنند، خیلی پافشاری کردم، اما در آخر تنها ماندم. همه پشت من را خالی کردند. یعنی همه گفتند که برو وزیر شو. من تنها ماندم. چه‌کار باید می‌کردم؟... بله، ما جوان‌ها را در این دوره باید رشد بدهیم، جوانگرایی برای من یک اصل است که به آن توجه خواهم کرد.»

در همـان جلسـه، زنگنـه در بخش‌هـای دیگـری از سـخنانش، مجموعـه برنامه‌هـای چهـار سـال آتـی خـود را شـرح داد. او اذعـان کـرد کـه وزیـر نمی‌توانـد برنامـه دهـد، بلکـه راهکارهـا و راهبردهـا بـرای رسـیدن بـه آنچـه کـه به‌عنـوان مصوبـه در قانـون آمـده را می‌توانـد ارائـه کنـد: «راهکارهـا و راهبردهایـی بـرای اجـرای اهـداف کمّـی و کیفـی، چـه در برنامه‌هـای مصـوب قانونـی مجلـس و بودجه‌هـای سـنواتی ذکـر می‌شـود.» او مهم‌تریـن مسـئله صنعـت نفـت را همانـا سـرمایه‌گذاری بـرای توسـعه میدان‌هـای مشـترک دانسـت: «مـا میدان‌هـای مشـترکی داریـم کـه در برنامـه‌ام بـه صراحـت نوشـته‌ام تمـام اینهـا بایـد در ایـن چهـار سـاله تعییـن تکلیـف شـود و هیـچ میـدان مشـترکی نبایـد بلاتکلیـف بمانـد.» دغدغه‌هـای خـود بـرای رشـد ظرفیـت پالایشـگاه‌ها و همچنیـن تولیـد مـواد پتروشـیمیایی و شـبکه گازرسـانی را برشـمرد: «مـا بـرای پالایشـگاه‌ها از ۱ میلیـون و ۷۰۰ هـزار بشـکه ظرفیـت فعلـی بـه ۳ میلیـون بشـکه برنامـه دیـده و تصویـب شـده اسـت... بـا برنامـه‌ای کـه داریـم، ان‌شـاالله تولیـد پتروشـیمی بـه بـالای ۴۰ میلیـارد دلار خواهـد رسـید. الان صـادرات گاز بـه عـراق را شـروع کردیـم، تـا آخـر سـال هـم خـط دوم را شـروع می‌کنیـم و بـه بقیـه جاهـا نیـز می‌توانیـم صـادر کنیـم. آنچـه کـه مـن در برنامـه نوشـتم ایـن اسـت کـه صـادرات بـه ۷۰ میلیـارد مترمکعـب برسـد. همچنیـن دربـاره گازرسـانی کـه دوسـتان گفتنـد، از اول تاریـخ شـروع ایـن دولـت، ۱۴هـزار روسـتا گازرسـانی شـده بـود، الان در ایـن سـه سـال، از زمانی‌کـه مـا ایـن طـرح را شـروع کردیـم، ۹ هـزار روسـتا گازرسـانی شـده و ۵ هـزار روسـتا در دسـت اجراسـت. بـه امیـد خـدا، شـبکه اصلـی گازرسـانی کشـور تکمیـل می‌شـود.»

زنگنـه دربـاره نیـروی انسـانی کـه از دغدغه‌هـای چهـار سـال اخیـر بـود و از ۱۳۹۶ بـه بعـد نیـز اسـتمرار یافـت، در مقابـل نماینـدگان مجلـس گفـت: «وقتی‌کـه مـن در سـال ۱۳۸۴ نفـت را تـرک کـردم، کل نیـروی رسـمی و قـراردادی مـا ۱۲۰ هـزار نفـر بـود. وقتی‌کـه در سـال ۱۳۹۲ برگشـتم، باتوجه‌بـه اینکـه تمـام پتروشـیمی‌ها و عمـده پالایشـگاه‌ها واگـذار شـده بـود، جمعیـت نیـروی انسـانی نفـت ۲۲۰ هـزار نفـر بـود، یعنـی صـد هـزار نفـر نیـرو [در طـول هشـت سـال] اضافـه شـد؛ بـدون اینکـه کار اضافـه شـود [بلکـه کار کـم شـده بـود]... الان حـل ایـن معضـل کار بزرگـی اسـت. واقعـاً وضـع زندگـی کارکنـان بـد اسـت. واقعـاً اینهـا در ناراحتـی زندگـی می‌کننـد. حتمـاً بایـد بـا کمـک شـما نماینـدگان اگـر بـه مـن رأی دادیـد، بـرای حـل مشـکلات اینهـا تـلاش کنـم.»

زنگنـه بـدون اشـاره بـه مصادیـق مسـئولیت‌های اجتماعـی و مشـکلاتی کـه بـر سـر راه اجـرای آن اسـت، گریـزی بـه ایـن موضـوع زد و اشـاره کـرد: «مسـئله مسـئولیت‌های اجتماعـی نفـت

است، مهم‌ترین کارهایی است که باید انجام شود. من افتخار می‌کنم و خدای متعال را شکر می‌کنم که این دفعه جزء اولین دفعاتی است که وزیر نفت می‌آید اینجا رأی بگیرد و اکثریت قاطع نمایندگان مناطق نفت‌خیز از وزیر نفت حمایت می‌کنند.»[۱]

۲۹ مرداد ۱۳۹۶ رأی‌گیری انجام شد و ۲۸۸ نماینده حاضر در مجلس به وزرای پیشنهادی دولت دوازدهم رأی دادند. بیژن زنگنه با ۲۳۰ رأی موافق، ۳۵ رأی مخالف و ۲۳ رأی ممتنع[۲] بار دیگر پای به ساختمان وزارت نفت در خیابان طالقانی گذاشت. این بار، مخالفانش در میان نمایندگان، دو برابر دوره قبلی بود.

وضعیت صنعت نفت در سال ۱۳۹۲

نخستین سال وزارت زنگنه در دولت تدبیر و امید در حالی پایان یافت که بخش عمده‌ای از نفت ایران به‌سختی به فروش می‌رفت و پول ناشی از درآمد نفتی از برخی بانک‌ها به‌سختی منتقل می‌شد. متوسط تولید نفت در سال ۱۳۹۲، بالغ بر ۳ میلیون و ۶۰۰ هزار بشکه در روز بود. صادرات نفت‌خام نسبت به سال گذشته تقریباً یازده درصد کاهش یافت و به ۱ میلیون و ۶۰۰ هزار بشکه در روز رسید. قیمت هر بشکه نفت‌خام با کمی فرازوفرود، به‌طور متوسط حدود ۱۰۵ دلار بود. در این میان، تولید گاز و گازرسانی برای اهالی پتروشیمی و مصرف روزانه مردم، باارزش می‌نمود. کل تولید گاز در این سال بالغ بر ۱۶۶ میلیارد مترمکعب بود که در صفحات پیش رو شیوه مصرف در بخش‌های مختلف را توضیح خواهیم داد. صادرات فراورده‌های نفتی نیز با ۴ درصد کاهش به ۹۹ هزار بشکه در روز رسید.[۳] بر اساس گزارش ترازنامه هیدروکربوری، کل تولید محصولات پتروشیمیایی بیش از ۴۰ میلیون تن و ظرفیت پالایشی کشور بالغ بر ۱ میلیون و ۸۰۰ هزار بشکه در روز بود. بین واحدهای پالایشگاهی، پالایشگاه آبادان همچنان رکورددار تولید بود. فعالیت‌های اکتشافی در حوزه‌های مختلف ادامه داشت و ذخائر نفت اثبات‌شده ایران ۱۵۷ میلیارد بشکه و ذخائر اثبات‌شده گاز طبیعی ۳۳/۸ هزار میلیارد مترمکعب اعلام شد.[۴] در همین سال، بر حسب گزارش ترازنامه بانک مرکزی، نرخ دلار در بازارهای رسمی ارز به‌طور متوسط ۲۱ هزار و ۲۵۳ ریال و در بازار غیررسمی، ۳۱ هزار و ۸۳۹ ریال بود.[۵]

۱ . مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، جلسه ۱۳۳، ۲۸ مرداد ۱۳۹۶.
۲ . مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، جلسه ۱۳۴، ۲۹ مرداد ۱۳۹۶.
۳ . ترازنامه بانک مرکزی، سال ۱۳۹۲.
۴ . ترازنامه بانک مرکزی، سال ۱۳۹۲.
۵ . ترازنامه هیدروکربوری، سال ۱۳۹۲.

بیژن زنگنه؛ چالش ها و راهبردها

زنگنه هنگامی که به ساختمان وزارت نفت در خیابان طالقانی پا گذاشت، با چالش‌های متعددی روبه‌رو شد، برای حل آنها راهبردهایی در پیش گرفت و دست به اقداماتی زد. توسعه میدان‌های مشترک، رشد ظرفیت پالایشگاه‌ها، افزایش تولید مواد پتروشیمیایی، ادامه عملیات اکتشافی، توسعه شبکه گازرسانی و صادرات گاز از مهم‌ترین اولیت‌های زنگنه بود، اما مهم‌تر از همه، افزایش تولید و فروش نفت‌خام بود. شرایط تحریم، فروش نفت را سخت‌تر از همیشه کرده بود و صادرات نفت در سال ۱۳۹۲ نسبت به سال قبل، افت یازده درصدی داشت، اما زنگنه که تجربه پدیده بابک زنجانی را پیش رو داشت، بسیار محتاط عمل کرد و تلاش کرد نفت را از مبادی شفاف به فروش رساند تا در دوره وزارتش چنین پدیده‌هایی سر بر نیاورد. در همین راستا بود که بورس انرژی شکل گرفت و کار خود را آغاز کرد.

بورس انرژی، شفافیت در مقابل مافیا

زنگنه که عاقبت چند معامله غیررسمی را در دادگاه‌های دوره پیشین مشاهده کرده بود، یکی از منتقدین فروش نفت از طریق واسطه‌های بدنام و غیررسمی بود. او از هرگونه عمل به‌اصطلاح مافیاگونه پرهیز می‌کرد. از زمان روی کار آمدنش در مرداد ۱۳۹۲ تا امضای برجام، برای افزایش فروش نفت تحت بیشترین فشارهای سیاسی ازسوی منتقدانش قرار گرفت. آنان استدلال می‌کردند زنگنه و تیم تکنوکراتش توانایی فروش نفت و دور زدن تحریم‌ها را ندارند. زنگنه در پاسخ به این استدلال‌ها می‌گفت من توانایی ندارم، چون مخالف پدیده‌هایی چون بابک زنجانی هستم.[۱]

بیژن زنگنه سرانجام در ۵ شهریور ۱۳۹۳ از تشکیل هیئتی پنج‌نفره برای اتخاذ تصمیم‌های اصلی فروش نفت ایران خبر داد. این هیئت با تأیید مقام‌های ارشد نظام و برای جلوگیری از فساد شکل گرفت. دو وزیر و سه مدیر باسابقه و قدیمی کشور و آشنا با مسائل بانکی و نفتی از اعضای آن بودند. وزیر نفت در گفتگویی با روزنامه اعتماد، فروش نفت و میعانات و فرآورده‌های آن را یکی از زمینه‌های فساد در نفت برشمرد و گفت: «در یک سال گذشته تلاش شد آدم‌های حرفه‌ای با سابقه روشن در رأس امور قرار گیرند و در معاملات نفتی بر اساس یک فرآیند و روش مشخصی تصمیم‌گیری شود. ازاین‌رو، هیئت پنج‌نفره با سوابق روشن و آشنا به امور، تمام تصمیم‌های اصلی فروش نفت ایران را

۱ . نقل به مضمون

می‌گیرند. تصمیم‌گیری‌های آنها را وزیر نفت نیز باید تأیید کند.»[۱]

زنگنه اصرار می‌ورزید برای فروش نفت باید از چند طریق اقدام کرد. راه‌حل نخستین، اقدام از طریق ارگان‌های داخلی کشور بود. بدین صورت که به‌طور رسمی نفت به آنها فروخته شود تا آنها بتوانند به صادرات دست زنند. راه‌حل دوم، خرید نفت توسط کشورهای متحد و دوست بود. فروش رسمی در سازمانی شبیه بورس و عرضه نفت به خریداران عمومی سومین راه‌حل زنگنه بود. او از حمایت از هر گروه غیررسمی پشت‌پرده و مافیایی که حتی نام و نشانی پراهمیت در سیاست داخلی داشتند، پرهیز می‌کرد و همین محل دعوای او با مخالفانش بود. مخالفانش بارها می‌گفتند که زنگنه باید آبروی خود را برای حفظ نظام و فروش نفت در خطر اندازد، اما زنگنه زیر بار تشکیل سازمان مخفی برای دور زدن تحریم‌ها نرفت. او بارها به پرونده یکی از مدیرانش، جشن‌ساز، اشاره می‌کرد که به دلیل فروش نفت به بابک زنجانی در مخمصه قرار گرفته بود. در واقع، تکرار پدیده بابک زنجانی برای کادر جدید وزات نفت هراس‌انگیز می‌نمود. ازاین‌رو، تکنوکرات‌های وزارت نفت به فروش نفت در بورس انرژی روی آوردند و روزها و هفته‌ها بر روی مکانیزم آن بحث و جدل کردند. در چنین حال‌وهوایی بورس انرژی (نفت) راه‌اندازی شد. فروش نفت در بورس تهران، ظاهری کاملاً رسمی و شفاف داشت که به اقناع افکار عمومی می‌انجامید. لیکن، قیمت‌گذاری و نحوه عملیات آن پر از ابهام و دغدغه می‌نمود.

از یک‌سو، پالایشگاه‌های داخل کشور برای خرید نفت‌خام نیاز به حضور در بورس نداشتند و ازسوی دیگر، بورس داخل به دلیل عدم ارتباط با بورس جهانی نمی‌توانست خریداران را به سود موردنظر و عملیاتی شدن آن امیدوار سازد. روند فروش نفت در بورس تا شروع برجام کند و کم‌حجم بود و با امضای برجام و باز شدن قفل تحریم‌ها، بورس تهران از اهمیت افتاد. لیکن، پس از خروج ترامپ از برجام و شروع تحریم‌ها بار دیگر اخبار فروش نفت در بورس تهران گاه‌گاهی تیتر مطبوعات شد.

شروع کار بورس انرژی پرسروصدا بود؛ ۱۷ فروردین ۱۳۹۳ نخستین محموله نفت‌خام سبک با حضور رکن‌الدین جوادی، مدیرعامل شرکت ملی نفت ایران، شاپور محمدی، معاون اقتصادی وزارت اقتصاد و دارایی، علی صالح‌آبادی، رئیس سازمان بورس و اوراق بهادار، و سیدعلی حسینی، مدیر عامل بورس انرژی، در محل بورس انرژی ایران عرضه

۱ . خبرگزاری شانا، ۵ شهریور ۱۳۹۳.

شـد. رکن‌الدیـن جـوادی عرضـه نفـت در بـورس را گام بزرگـی بـرای حضـور فعـال بخـش خصوصـی در عرصـه معاملات نفت‌خـام دانسـت و اظهـار امیـدواری کـرد حجـم عرضـه از روزی سـه هـزار بشـکه در روز بـه ده هـزار بشـکه افزایـش یابـد. او هـدف از ایـن کار را متنوع‌سـازی مشـتریان و حمایـت از بخـش خصوصـی اعـلام کـرد. همچنیـن، بـر عرضـه منظـم میعانـات گازی در بـورس تأکیـد کـرد و عرضـه نفت‌خـام در بـورس را نقطـه عطفـی تاریخـی در صنعـت نفـت ایـران بـرای کاهـش تأثیـر تحریم‌هـای بین‌المللـی دانسـت.[۱]

شـاپور محمـدی، معـاون اقتصـادی وزارت اقتصـاد، نخسـتین روز عرضـه نفـت در بـازار سـرمایه را برگـی از تاریـخ بـازار انـرژی ایـران و آن را به‌انـدازه ملـی شـدن صنعـت نفـت مهـم دانسـت. رئیـس سـازمان بـورس نیـز ضمـن تاریخـی دانسـتن ایـن اقـدام گفـت: «امـروز عرضـه را بـرای پالایشـگاه‌های کوچـک آغـاز کرده‌ایـم و بـا عرضه‌هـای رقابتـی و شـفاف میـزان عرضـه در آینـده افزایـش خواهـد یافـت. در مراحـل بعـدی، اختیـار معاملـه و اوراق بهـادار مبتنـی بـر نفـت در بـورس انـرژی راه‌انـدازی خواهـد شـد تـا ایـن بـورس بتوانـد بـر قیمت‌هـای نفـت در سـطح منطقـه اثرگـذار شـود.»[۲]

در ایـن روز، نخسـتین محمولـه نفتـی بـه میـزان ۲ هـزار و ۹۲۰ بشـکه عرضـه و بـا قیمـت پایـه ۳ میلیـون و ۶۳ هـزار و ۲۷ ریـال ازسـوی مشـتریان خریـداری شـد. هـر چنـد، دومیـن عرضـه کـه روز ۱۸ فروردیـن انجـام شـد بـا اسـتقبال مواجـه نگشـت، امـا سـومین روز عرضـه یعنـی ۱۹ فروردیـن بـا اسـتقبال همـراه بـا احتیـاط خریـداران مواجـه شـد. عرضـه میعانـات گازی نیـز بـا اسـتقبال خریـداران مواجـه شـد.[۳] بـورس انـرژی از ۱۷ فروردیـن تـا ۵ اردیبهشـت شـاهد ۱۲ بـار عرضـه نفت‌خـام بـود کـه ۸ بـار مـورد معاملـه قـرار گرفـت و چهـار بـار نیـز بـه توافـق نینجامیـد. در مجمـوع، نزدیـک بـه ۱۰ هـزار بشـکه نفت‌خـام بـه ارزش ۲۹ میلیـارد و ۶۵۰ میلیـون ریـال فروختـه شـد.[۴]

فروردیـن سـال ۱۳۹۸ کـه تحریم‌هـا اوج گرفتـه بـود، زنگنـه در دیـدار بـا نمایندگان کمیسـیون انـرژی مجلـس، بـه پدیـده بابـک زنجانـی اشـاره کـرد و گفـت: «همـه راه‌هـای فـروش نفـت از بـورس انـرژی گرفتـه تـا تهاتـر را آزمایـش کردیـم و بـا هـر فـردی یـا سـازمانی کـه خواسـتار خریـد نفـت ایـران باشـد نیـز مذاکـره کردیـم... تاکنـون فـرد یـا سـازمانی در بخـش تهاتـر نفـت

۱ . خبرگزاری شانا، ۱۷ فروردین ۱۳۹۳.
۲ . خبرگزاری شانا، ۱۹ فروردین ۱۳۹۳.
۳ . خبرگزاری شانا، ۱۹ فروردین ۱۳۹۳.
۴ . خبرگزاری شانا، ۵ اردیبهشت ۱۳۹۳.

بـا کالا وارد نشـده اسـت. دریافـت پـول نفـت بـرای مـا بسـیار مهـم اسـت و بایـد نسـبت بـه پرداخـت آن مطمئـن شـویم تـا مشـکلاتی هماننـد بابـک زنجانـی بـار دیگـر تکـرار نشـود.»[1]

پدیده بابک زنجانی

درمـورد فـروش نفـت از مبـادی غیرمعمـول کـه کارشناسـان از آن به‌عنـوان «اقتصـاد سـیاه» یـاد می‌کننـد در فصـل پیشـین سـخن گفتـه شـد و گفتیـم کـه ایـن موضـوع در ایـران بـه ظهـور پدیـده بابـک زنجانـی انجامیـد.

پـس از روی کار آمـدن دولـت یازدهـم، وزارت نفـت از بابـک زنجانـی بـه دادسـتانی شـکایت بـرد. او خیلـی زود احضـار و پـس از بررسـی‌های قضایـی بازداشـت شـد. جـرم او عـدم پرداخـت مبلـغ قریـب بـه دو میلیـارد دلار از فـروش نفـت بـود. حجت‌الاسـلام غلامحسـین محسـنی اژه‌ای در صـد و ششـمین نشسـت خبـری خـود بـا خبرنـگاران گفـت:

قـوه قضائیـه مصمـم بـه برخـورد بـا هرگونـه فسـاد، به‌ویـژه فسـاد اقتصـادی اسـت. فرقـی نمی‌کنـد در ایـن مبـارزه و برخـورد، اتهـام بـه چـه مسـئول یـا دولتـی برمی‌گـرد. پرونـده ۳ هـزار میلیـارد، مربـوط بـه دولـت قبـل بـود و بیـش از ۵۰۰ نفـر مـورد تحقیـق قـرار گرفتنـد. در ایـن دولـت نیـز پرونده‌هایـی ازجملـه پرونـده حقوق‌هـای نجومـی، صنـدوق فرهنگیـان و بانک‌هـا وجـود دارد. بـرای دسـتگاه قضـا، دولـت قبلـی و فعلـی هیـچ تفاوتـی نـدارد. اگـر بـر اسـاس قانـون کسـی حرفـی داشـته باشـد، قـوه قضائیـه بـه آن گـوش می‌دهـد. علاوه‌برایـن جنبه‌هـا، برگردانـدن وجـوه و امـوال بـرای قـوه قضائیـه بسـیار مهـم اسـت. گاهـی جریان‌هـای سیاسـی از رونـد رسـیدگی قضائـی در یـک پرونـده بهره‌گیـری سیاسـی می‌کننـد کـه ایـن ربطـی بـه قـوه قضائیـه نـدارد.

حـالا، پرونـده زنجانـی بـه ۱۵۰ جلـد رسـیده اسـت. تخلفـی کـه در دولـت سـابق اتفـاق افتـاد و شـروع رسـیدگی بـه آن هـم در اواخـر سـال ۱۳۹۱ آغـاز شـد. واحـد پولشـویی وزارت اقتصـاد در آن سـال متوجـه شـد کـه شـرکت اسـتیکی بنکـرز معاملات اقتصـادی مشـکوکی دارد. در دولـت سـابق و از اواخـر ۱۳۹۱ و اوایـل ۱۳۹۲ شـرکت نفـت و نیکـو بعـد از ناامیـدی از بازگردانـدن اموالشـان، شـروع بـه مذاکـره بـا بابـک زنجانـی کردنـد کـه ایـن مذاکـره تـا مـرداد مـاه همـان سـال ادامـه پیـدا کـرد و در مـرداد مـاه یـک چـک دو میلیـارد یورویـی و اسـناد ملکـی بابـت بدهـی ازسـوی زنجانـی بـه نفـت داده شـد. مسـئولان وقـت نفـت پـس از ایـن اتفاقـات،

۱. خبرگزاری شانا، ۱۸ فروردین ۱۳۹۸.

در ۲۳ مهرماه همان سال تقاضای ممنوع‌الخروجی زنجانی را کرده و طلب را بیش از دو میلیارد و ۶۶ میلیون یورو اعلام می‌کنند. طرف حساب زنجانی، شرکت وابسته به وزارت نفت بود. او در نامه‌ای به شرکت نیکو اعلام می‌کند که من مبلغ دو میلیارد و ۴۶۰ میلیون یورو به حساب شما ریخته‌ام و رونوشت این نامه را به وزارت اطلاعات، دیوان محاسبات، بازرسی، بانک مرکزی و دادستانی تهران ارسال کرده‌ام. بازپرس پرونده از وزارت اطلاعات، ناجا و برخی نهادهای دیگر درخواست کمک می‌کند. مبلغی که بابت خرید نفت به زنجانی داده شد، وارد کشور نشده بود. این مبالغ در داخل کشور مطرح نشده بود و همین مسئله کار بازپرس را سخت کرده بود و با برخی از کشورهایی که اموال زنجانی در آن بود تفاهم‌نامه استرداد نداشتیم. جلسه‌ای با حضور رئیس قوه قضائیه، معاون اول رئیس‌جمهور، وزیر اطلاعات و دادستان برگزار شد. علت تشکیل این جلسه هم چندجانبه بودن و حجیم بودن پرونده بود. به دنبال این جلسه، دادستان تهران کار قضائی خودش را که مربوط به نوع اتهام و پیگیری‌ها بود برای ردیابی اموال آغاز کرد. با توجه به ابعاد خارجی پرونده، کمک وزارت خارجه را می‌طلبید. بیش از ۳۰ جلسه، جلساتی با اطلاعات سپاه، وزارت اطلاعات و بازرسی کل تشکیل شد. در چند نوبت هم در جلسات ستاد مبارزه با مفاسد اقتصادی تأکید شد که دستگاه‌ها در این پرونده همکاری بیشتری داشته باشند و حتی آقای ظریف هم قول همکاری داد. ردیابی اموال زنجانی هم کار سختی بود و تقسیم کار صورت گرفت، بازرسی کل و وزارت اطلاعات مأمور پیگیری ردیابی شدند. فعالیت اطلاعات همچنان ادامه دارد. بانک مرکزی هم در حد خودش همکاری‌هایی داشت. زنجانی در چهار مورد ادعاهای متناقضی داشت. هیئت متشکل از نمایندگان وزارت اطلاعات، نفت، دادستانی به کشورهایی رفتند که زنجانی، ادعای دارای حساب بودن در آن‌ها را داشت. تمام ادعاهای زنجانی دروغ بود و آن نامه اولیه که در آن اعلام کرده بود پول را واریز کرده است هم کذب بود. البته، در این ردیابی‌ها اموالی در برخی از کشورها شناسایی شده بود. ۶۰۰ تا ۷۰۰ میلیون یورو، طلب زنجانی از یکی از شرکت‌های نفتی است که ما این را قبول داریم. گفتیم اگر ما صبر کنیم حکم قطعی و مصادره صادر شود، مشکلی برای اداره برخی از شرکت‌ها پیش می‌آید. راه‌حل این بود که بر اساس قیمت کارشناسی، این اموال فروخته شود و این مسئله هم نیاز به همکاری بین قوا داشت. این مسئله در ستاد مبارزه با مفاسد هم مطرح شد و زنگنه مخالف اداره کردن شرکت‌های زنجانی بود که البته حق هم با ایشان بود. دادستان تهران اعلام کرد که وظیفه اداری شما نیست، اما بهتر است این را قبول کنید. از آن

تاریخ تاکنون وزارت نفت مشغول اداره آن‌ها است. امضای جهانگیری، بنده، وزارت اطلاعات، اقتصاد و اعضای ستاد مبارزه با مفاسد در رابطه با پذیرش اداره کردن اموال ازسوی وزارت نفت وجود دارد. با ردیابی‌ها مشخص شد با چه مقدار از پول نفت برخی از اموالش را خریداری کرده است. یک عددی هم همچنان مفقود است که رقم آن بستگی به اعلام میزان خرید اموال وی دارد. متأسفانه در برخی از خریدهایی که زنجانی داشته است اسنادی وجود ندارد. به‌عنوان مثال، زمین ایران زمین (ملکی از بابک زنجانی واقع در شهرک غرب تهران) چند جواز مختلف داشته است. زمین‌های ساخته‌شده و آماده با زمین معمولی قیمت متفاوتی دارد. چه دست‌هایی در کار بود که این فرد توانست محموله‌هایی بخرد و برخی از پول را ندهد. بحث معرفی وی و واسطه دادن محموله‌ها به این فرد بسیار مهم است. در رابطه با واگذاری محموله‌های نفتی به زنجانی، به لحاظ تحریم‌ها قدری وزارت نفت در تنگنا قرار داشته است. هنوز هم البته تحریم‌ها باقی است. بااین‌حال، همه تقصیرها به گردن تحریم‌ها نیست. مدیرعامل نیکو هفت ماه بازداشت بود که البته با قرار وثیقه آزاد شد و پرونده وی باید به دادگاه برود و فرد دادگاهی شود. چهار وزیر سابق مورد سؤال جدی بازپرس قرار گرفتند و مواجهه حضوری هم صورت گرفت و حتی وزرا به دادسرا احضار شدند. بیش از ۳۰ مدیر از دستگاه‌های مختلف احضار شدند. در پرونده زنجانی، از بیش از ۲۰۰ نفر تحقیق به عمل آمد. مبلغی از کل مبلغ داده‌شده ناشی از فروش نفت مجهول است. بااین‌حال، به دنبال رسیدن به کل مبلغ بدهی هستیم. در تاریخ ۲۰ اردیبهشت ۱۳۹۴ وزیر اطلاعات نامه‌ای به رئیس‌جمهور نوشت و اعلام کرد ما هم از این فرد بازجویی کنیم. نامه به دست رئیس قوه قضائیه می‌رسد و ایشان هم نامه‌ای به دادستان تهران می‌نویسند که خوب است تا متهم در اختیار آنها قرار گیرد. در حالی این نامه نوشته شد که ردیابی اموال از ابتدا برعهده وزارت اطلاعات بود. ۲۲ اردیبهشت ۱۳۹۴ آیت‌الله آملی اعلام می‌کند که دادستان و حراست قوه امکان بازجویی را فراهم کند، گرچه وزارت اطلاعات درجریان پرونده بوده است. در تاریخ ۳ مرداد ۱۳۹۴ هم دادستان تهران پاسخ این نامه را می‌دهد. البته اگر بازجویی هم می‌شد، اتفاق خاصی نمی‌افتاد، چرا که در قوه قضائیه بازپرس‌های مجرب وجود دارد. متهم در اختیار ناجا و سپاه بود و آنها در جریان پرونده قرار داشتند، اما فقط بخشی از مسائل را ردیابی کردند.»[1]

۱ . «محسنی اژه‌ای: پرونده بابک زنجانی در دولت سابق اتفاق افتاده است»، تارنمای خبرگزاری العالم، ۱۹ دی ۱۳۹۵.

جلسات دادگاه متعددی برگزار و پس از یک دوره بازپرسی طولانی و محاکمه، بابک زنجانی به اشد مجازات یعنی اعدام محکوم گردید. بابک زنجانی دی ماه ۱۳۹۲ بازداشت و زندانی شد. رسانه‌ها و مدیران نفتی بارها از دلایل افشا نشدن حامیان پشت پرده این ماجرا گلایه کردند. از آن موقع تاکنون، او پول‌ها را در گرو جان خود نگه داشته است و دولت نتوانسته است پول‌های نقدی را که او علاوه بر نفت دریافت کرده بود، بازگرداند.

برجام

پس از کش‌وقوس‌های فراوان، ۲۳ تیر ۱۳۹۴ / ۱۴ژوئن ۲۰۱۵ مذاکرات ۵+۱ به ثمر رسید و توافقنامه برجام امضا شد. از مهم‌ترین نتایج برجام، لغو تحریم‌های نفتی اتحادیه اروپا و امریکا علیه صنعت نفت ایران بود. در اینجا، بندهایی از برجام را که به لغو این تحریم‌ها اختصاص دارد می‌آوریم.

لغو تحریم‌های نفتی اتحادیه اروپا علیه ایران:

ـ تحریم‌های مربوط به واردات نفت و گاز از ایران؛ تحریم‌های مربوط به واردات فراورده‌های پتروشیمی ایران؛ تحریم‌های مربوط به صادرات تجهیزات کلیدی بخش‌های نفت، گاز، پتروشیمی؛ تحریم‌های مربوط به سرمایه‌گذاری در بخش‌های نفت و گاز و پتروشیمی؛ تحریم‌های مرتبط با خدمات تبعی (مانند کمک‌های فنی، آموزشی، بیمه، واسطه‌گری، حمل‌ونقل و یا خدمات مالی...) برای هر یک از گروه‌های فوق؛ تحریم‌های مربوط به کشتیرانی، کشتی‌سازی و حمل‌ونقل؛ تحریم‌های مربوط به بخش حمل‌ونقل؛ تحریم‌های مربوط به امور مالی، بانکداری و بیمه.[1]

در بند ۳ پیوست ۲ نیز آمده بود که در نتیجه رفع تحریم‌ها، فعالیت‌های زیر از روز اجرای این برجام مجاز خواهد بود:

الف ـ تحریم‌های مربوط به واردات، خرید، سوآپ، حمل‌ونقل نفت‌خام، فراورده‌های نفتی، گاز طبیعی یا فراورده‌های پتروشیمی ایران و تأمین تسهیلات اعتباری مربوط؛ ب ـ فروش، عرضه یا نقل و انتقال تجهیزات یا فناوری، به کمک فنی و آموزشی مورد استفاده در بخش‌های نفت و گاز و صنایع پتروشیمی در ایران مشتمل بر اکتشاف، تولید و پالایش نفت و گاز طبیعی، از جمله مایع‌سازی گاز طبیعی، به هر شخص ایرانی در داخل یا خارج ایران یا برای استفاده در ایران؛ ج ـ اعطای هرگونه وام یا تسهیلات اعتباری به هر

۱ . وزارت امور خارجه، برنامه جامع اقدام مشترک، پیوست ۲، بند ۲ـ۱، ص ۴۷ و ۴۸.

شخص ایرانی که در بخش‌های نفت، گاز و پتروشیمی در داخل یا خارج از ایران فعالیت می‌کنند و همچنین سرمایه‌گذاری در این صنعت و یا سرمایه‌گذاری مشترک با آن‌ها؛ د ـ توقف بازرسی، توقیف و انهدام محموله‌ها از مبدأ یا به مقصد ایران توسط دولت‌های عضو اتحادیه اروپا.[۱]

بند ۳ـ۴ از پیوست ۲ برجام نیز به رفع تحریم‌هایی اختصاص داشت که امریکا بر صنعت نفت ایران اعمال کرده بود:

الف ـ تلاش‌ها برای کاهش فروش نفت ایران شامل محدودیت‌ها بر مقدار فروش نفت‌خام ایران و کشورهایی که می‌توانند نفت‌خام ایران را بخرند؛ ب ـ تحریم سرمایه‌گذاری، شامل مشارکت در سرمایه‌گذاری‌های مشترک، کالاها، خدمات، اطلاعات، فناوری و دانش و کمک‌های فنی برای بخش‌های نفت، گاز و پتروشیمی؛ ج ـ تحریم خرید، تحصیل، فروش، حمل‌ونقل، یا بازاریابی نفت، فراورده‌های پتروشیمی و گاز طبیعی از ایران؛ د ـ تحریم صادرات، فروش یا عرضه فراورده‌های نفتی تصفیه‌شده و فراورده‌های پتروشیمی به ایران؛ ه ـ تحریم معامله با بخش انرژی ایران شامل معامله با شرکت ملی نفت ایران، شرکت ملی نفتکش ایران، شرکت بازرگانی نفت ایران (نیکو)، شرکت ملی نفتکش ایران؛ و ـ تحریم معامله با بخش‌های کشتیرانی و کشتی‌سازی ایران و عاملان بنادر شامل شرکت کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران، خطوط کشتیرانی جنوب و شرکت بازرگانی نفتیران (نیکو) و عاملان بندرعباس.[۲]

طبق گزارش ماهانه اوپک، در تیر ۱۳۹۴ تولید نفت ایران ۲ میلیون و ۸۳۲ هزار بشکه در روز بود. هم‌زمان، عربستان سعودی ۱۰ میلیون و ۳۶۲ هزار بشکه در روز و عراق، بیش از ۴ میلیون بشکه در روز نفت تولید می‌کردند.[۳] انتظار می‌رفت که با اجرای مفاد برجام تمامی تحریم‌های سهمگینی که سال‌ها موجب عقب افتادن صنعت از دانش فنی روز و توسعه آن شده بود، رفع و بار دیگر امکان سرمایه‌گذاری خارجی در این صنعت فراهم شود. مهم‌تر از همه، صادرات و بازاریابی نفت ایران در بازار جهانی امکان‌پذیر و سطح تولید و صادرات نفت به ارقام رؤیایی دهه ۱۳۸۰ بازگردد. اسفند ۱۳۹۵، تولید نفت ایران افزایش قابل‌توجهی یافت و به موازات آن، صادرات نفت‌خام ایران به ۲ میلیون و ۲۶۵

۱ . وزارت امور خارجه، برنامه جامع اقدام مشترک، پیوست ۲، بند ۳ـ۳، ص ۵۱ و ۵۲

۲ . وزارت امور خارجه، برنامه جامع اقدام مشترک، پیوست ۲، بند ۳ـ۴، ص ۵۶ و ۵۷

۳ . گزارش ماهانه اوپک، ۱۴ سپتامبر ۲۰۱۵.

هـزار بشـکه در روز و صـادرات میعانـات گازی بـه ۷۸۵ هـزار بشـکه در روز رسـید.[۱]

وضعیت صنعت نفت در سال پایانی دولت یازدهم

چنان‌کـه اشـاره شـد، صنعـت نفـت در رایزنی‌هـای دیپلماتیـک منتهـی بـه برجـام نقـش مهمـی داشـت. در آغـاز سـال ۱۳۹۶ رئیس‌جمهـور، روحانـی، در پیـام نـوروزی بـه ایـن موضـوع چنیـن اشـاره کـرد: «مـا توانسـتیم بـا دیپلماسـی نفتـی حـق ملـت ایـران را پـس بگیریـم.»

در سـال ۱۳۹۶، دو اجـلاس اوپـک در وین برگـزار گردیـد؛ اجـلاس ۱۷۲ در ۲۵ مـه و اجـلاس ۱۷۳ در ۳۰ نوامبـر. در اجـلاس ۱۷۲، توافـق نوامبـر گذشـته مبنـی بـر سـقف تولیـد روزانـه نفـت ایـران در ۳ میلیـون و ۸۰۰ هـزار بشـکه بـه مـدت ۹ مـاه تمدیـد شـد کـه دسـتاورد بزرگـی بـرای ایـران بـود. میانگیـن تولیـد نفت‌خـام کشـور در چارچـوب سـهمیه تعیین‌شـده ازسـوی اوپـک بـه ۳ میلیـون و ۸۰۰ هـزار بشـکه و صـادرات نفت‌خـام بـه ۲ میلیـون و ۱۰۰ هـزار بشـکه در روز و صـادرات فرآورده‌هـای نفتـی بـه ۲۵۶ هـزار بشـکه در روز رسـید. صـادرات نفت‌کـوره، نفـت‌گاز و گاز مایـع عامـل اصلـی افزایـش صـادرات فرآورده‌هـای نفتـی بـود. میانگیـن بهـای تک‌محمولـه‌ای هـر بشـکه نفت‌خـام صادراتـی ایـران حـدود ۵۵ دلار و درآمـد دولـت از فـروش نفـت و فرآورده‌هـای نفتـی ۹۱۹/۲ هـزار میلیـارد ریـال بـود.[۲] طبـق قانـون بودجـه سـال ۱۳۹۶، سـهم شـرکت ملـی نفـت ایـران از محـل صـادرات نفـت و میعانـات گازی ۱۴/۵ درصـد تعییـن شـد. سـهم صنـدوق توسـعه ملـی و دولـت (بـا احتسـاب سـهم مناطـق نفت‌خیـز و کمتـر توسـعه‌یافته) از محـل صـادرات نفـت، خالـص گاز طبیعـی و میعانـات گازی معـادل ۳۰ درصـد و ۵۵/۵ درصـد بـود.[۳]

بـا وجـود نااطمینانی‌هـای سیاسـی درمـورد تـداوم برجـام و مشـکلات ایجادشـده در نقل‌وانتقـالات بین‌المللـی ارز و افزایـش هزینـه مبادلاتـی، بانـک مرکـزی بـا رویکـرد حفـظ ثبـات در بـازار ارز، توانسـت بـا عرضـه مناسـب از نوسـانات شـدید نـرخ برابـری ارزهـا در مقابـل ریـال در بـازار آزاد جلوگیـری کنـد. هـر دلار امریـکا در بـازار بین‌بانکـی، به‌طـور متوسـط بـا نـرخ ۳۴ هـزار و ۲۱۴ ریـال و در بـازار آزاد، بـا نـرخ ۴۰ هـزار و ۴۵۳ ریـال مبادلـه شـد.[۴]

---

۱ . برجام و نیک‌فرجامی میعانات گازی، پایگاه اطلاع‌رسانی شرکت پایانه‌های نفتی، ۸ اردیبهشت ۱۳۹۶.

۲ . ترازنامه بانک مرکزی، سال ۱۳۹۶.

۳ . قانون بودجه سال ۱۳۹۶، مصوب ۲۴ اسفند ۱۳۹۵.

۴ . ترازنامه بانک مرکزی، سال ۱۳۹۶.

با توسعه گازرسانی به مناطق شهری و روستایی، مصرف گاز طبیعی به ۲۰۱/۹ میلیارد مترمکعب رسید. ۴۸/۲ درصد آن در بخش‌های خانگی، تجاری و صنعتی (۹۷/۳ میلیارد مترمکعب) و ۳۳/۵ درصد در نیروگاه‌های کشور (۶۷/۶ میلیارد مترمکعب) مصرف شد. صادرات گاز طبیعی، ۱۳/۲ میلیارد مترمکعب و واردات گاز از کشورهای همسایه ۳/۹ میلیارد مترمکعب بود.[1] علت عمده افزایش تولید و صادرات گاز طبیعی، افتتاح ۶ فاز در پارس جنوبی بود. فازهای ۱۷، ۱۸، ۱۹ (دو فاز)، ۲۰ و ۲۱ پارس جنوبی در ۲۷ فروردین با حضور رئیس‌جمهور، وزیر نفت و وزیر امورخارجه به بهره‌برداری رسید و بیش از ۱۷۰ میلیون مترمکعب بر ظرفیت تولید گاز کشور افزوده شد. در اسفندماه نیز مجتمع فرآورش گاز هنگام در جزیره قشم به‌طور رسمی مورد بهره‌برداری قرار گرفت. تمامی مراحل طراحی، ساخت، نصب، راه‌اندازی و بهره‌برداری این مجتمع به همت پیمانکاران، سازندگان و مشاوران ایرانی انجام شد.

برای افزایش ظرفیت تولید و به تبع آن صادرات نفت، چند قرارداد توسعه‌ای ازجمله قرارداد توسعه میدان‌های مشترک آبان و پایدار غرب منعقد شد. همچنین، چند طرح توسعه به جا مانده از قبل، همچون افزایش ظرفیت تولید نفت در آزادگان جنوبی به بیش از ۱۰۰ هزار بشکه در روز و واحد ۴۵ هزار بشکه‌ای نمکزدایی هفتگل، به ثمر رسید.

طرح‌های گازرسانی مختلفی نیز در این سال افتتاح گردید. ۲ فروردین، رئیس‌جمهور در سفری به استان خراسان جنوبی، طرح‌های گازرسانی این استان را افتتاح کرد. ۱۳ اردیبهشت، در حاشیه سفر به قزوین، خطوط لوله انتقال گاز منطقه الموت مورد بهره‌برداری قرار گرفت. ۳۱ خرداد نیز پس از چند سال انتظار، صادرات گاز ایران به عراق آغاز و گاز ایران تأمین‌کننده سوخت مورد نیاز نیروگاه‌های برق المنصوره و الصدر بغداد شد. مرداد ماه نیز با افتتاح خطلوله انتقال گاز دامغان ـ نکا، وابستگی تأمین گاز استان مازندران به ترکمنستان پایان یافت. بسیاری از این روز با عنوان «روز استقلال گاز» ایران یاد کردند.

تولید و صادرات محصولات پتروشیمیایی در این سال افزایش قابل ملاحظه‌ای یافت. دلیل اصلی، افتتاح چند طرح پتروشیمی بود. ۵ فروردین پتروشیمی کردستان با حضور رئیس‌جمهور و وزیر نفت افتتاح شد. افتتاح این مجتمع، افزایش و تکمیل زنجیره تولید محصولات پتروشیمیایی کشور را در پی داشت. ۲۷ فروردین نیز فاز دوم پتروشیمی کاویان،

۱ . ترازنامه بانک مرکزی، سال ۱۳۹۶.

تخت‌جمشید، MEG مروارید و پلی‌استایرن گروه صنعتی انتخاب با حضور رئیس‌جمهور به بهره‌برداری رسیدند. عملیات اجرایی پتروشیمی دهلران نیز در شهریور ماه آغاز شد. کلنگ پتروشیمی کوروش برای تولید پروپیلن و مشتقات پایین‌دستی نیز در آذرماه در ماهشهر بر زمین زده شد.

بومی‌سازی دانش فنی صنعت پتروشیمی نیز با جدیت و با امضای چند قرارداد پیگیری گردید. در اردیبهشت ماه، سیزدهمین همایش بین‌المللی صنعت پتروشیمی ایران (IPF) با هدف جذب همکاری و سرمایه‌گذاری‌های خارجی و داخلی برگزار شد. در حاشیه این نمایشگاه، شرکت پژوهش و فناوری پتروشیمی و شرکت نروژی نورنر توافقنامه اصولی توسعه و بهبود فناوری پلی‌پروپیلن و کاتالیست مرتبط با آن را امضا کردند. در همین ماه، با بومی‌سازی دانش فنی تولید گرید جدید لوله پلی‌اتیلن سنگین (High Performance PE۱۰۰) که به همت پژوهشگران شرکت پژوهش و فناوری پتروشیمی انجام شد، گام دیگری به‌سوی خودکفایی و این بار در صنعت پتروشیمی برداشته شد. در مرداد نیز توافقنامه همکاری بین شرکت ملی صنایع پتروشیمی و شرکت پژوهش و فناوری پتروشیمی با شرکت ایرلیکوئید برای ایجاد لیسانس مشترک فرایند تولید پروپیلن از متانول و مهندسی پایه واحد ۵۰۰ هزار تنی MTP امضا شد. انتقال فناوری به شرط بومی‌سازی از شرایط ایران برای نشستن پای میز مذاکره و قرارداد بود. قرارداد تجاری‌سازی کاتالیست SAC۵۰۰ بین شرکت پژوهش و فناوری پتروشیمی و پتروشیمی شازند و با هدف جایگزین کردن کاتالیست‌های وارداتی نیز امضا شد. حرکت در مسیر خودکفایی و ساخت کالاهای صنعت نفت در داخل در این سال بیشتر از قبل مورد توجه قرار گرفت و می‌توان آن را یکی از محورهای مهم فعالیت‌های شرکت ملی نفت در سال ۱۳۹۶ دانست. قرارداد ساخت کالا در داخل به‌شرط انتقال فناوری در ۳ خرداد امضا شد. در این روز، شرکت ملی نفت ایران و کنسرسیوم اسپانیایی ـ ایرانی قرارداد ۵۵۶ میلیون یورویی ساخت لوله‌های CRA با انتقال فناوری ساخت این کالا در داخل را امضا کردند. واقعه مهم دیگر این سال، در واپسین هفته‌های کاری دولت یازدهم رخ داد. در ۱۲ تیر، قرارداد توسعه فاز ۱۱ پارس جنوبی با شرکت توتال و شرکت ملی نفت چین امضا شد. موافقت‌نامه اصولی (HOA) این طرح توسعه در ۱۸ آبان سال قبل امضا شده بود.

راه‌اندازی فاز اول و دوم پالایشگاه ستاره خلیج‌فارس، افزایش ظرفیت و کیفیت پالایشگاه‌های نفت لاوان و اصفهان و اجرای طرح‌های آنها که منجر به افزایش تولید بنزین یورو ۴ در کشور شد، طرح تولید بنزین سبز (آلکالیت) در پالایشگاه آبادان،

بهینه‌سازی و نوسازی انبار نفت ری و تأمین سوخت زمستانی از فعالیت‌های حوزه پالایش و پخش بود. در مجموع، با اجرای طرح‌های پالایشی در کشور تولید بنزین به حدود ۷۷ میلیون لیتر در روز افزایش یافت و فاصله بین تولید و مصرف تا اندازه زیادی برابر شد.

مطالعه و عملیات اکتشافی نفت و گاز نیز در سراسر سال ادامه یافت و چند قرارداد اکتشافی نیز منعقد شد. مطالعه میدان گازی کیش و فاز سوم میدان نفتی دارخوین با امضای تفاهم‌نامه همکاری به شرکت ایتالیایی انی سپرده شد. قرارداد توسعه یکپارچه میدان‌های نفتی جفیر و سپهر نیز در روزهای پایانی اسفندماه بین شرکت ملی نفت ایران و شرکت گسترش انرژی پاسارگاد امضا شد و برای نخستین بار یک شرکت اکتشاف و تولید ایرانی، پیمانکار اصلی در قراردادهای جدید نفتی شد.

قراردادهای آموزشی و پژوهشی در حوزه‌های مختلف مد نظر قرار گرفت و چند قرارداد پژوهشی با شرکت‌های داخلی و خارجی امضا شد. در فروردین ماه، شرکت ملی حفاری و شرکت انگلیسی ADS قرارداد همکاری آموزشی امضا کردند. در اسفند ماه نیز شرکت ملی نفت برای توسعه زیرساخت‌های علمی و فناوری در کشف منابع هیدروکربوری، با دانشگاه‌های شهید بهشتی، فردوسی مشهد، خوارزمی، صنعتی شاهرود و شهید چمران اهواز قراردادهای جداگانه امضا کرد. ایران و کره جنوبی نیز برای توسعه واحدهای کوچک (مینی) LNG توافقنامه همکاری تکنولوژیک امضا کردند.

با وجود تمام تلاش‌های داخلی و دیپلماتیک برای توسعه صنعت نفت ایران، چند اتفاق تلخ نیز رخ داد. ۶ آبان ۱۳۹۶، یکی از واحدهای پالایشگاه نفت تهران آتش گرفت. آتش‌سوزی مهار شد، اما ۶ نفر از مهندسان و تکنسین‌های مجتمع در این حادثه دلخراش جان خود را از دست دادند. ۷ آبان، حادثه ناگوار دیگری به وقوع پیوست. چاه شماره ۱۴۷ رگ سفید بر اثر فوران، آتش گرفت و ۲ تن از کارکنان شرکت ملی حفاری جان خود را از دست دادند. سرانجام، با تلاش شبانه‌روزی گروه عملیاتی و حضور حداکثری تیم مدیریتی (شرکت ملی نفت ایران، شرکت ملی مناطق نفت‌خیز جنوب و شرکت ملی حفاری ایران) آتش در ۵ دی مهار شد. حادثه تلخ دیگر در ۲۵ دی به وقوع پیوست. نفتکش سانچی، تحت مدیریت شرکت ملی نفتکش ایران، که در ۲۵ آذر با ۳۲ سرنشین عازم کشور کره جنوبی شده بود، در ۱۶ دی و در ۱۵۸ مایلی سواحل شرقی چین با یک کشتی فله‌بر چینی برخورد کرد. سانچی میعانات گازیِ سفارش شرکت کره‌ای هانوا توتال را حمل می‌کرد، آتش گرفت. ۳۲ سرنشین نفتکش در این حادثه جان خود را از دست دادند و در ۲۵ دی نفتکش به‌طور کامل غرق شد.

کارکنان صنعت نفت سال ۱۳۹۶ را با پیام وزیر به پایان رساندند. بیژن زنگنه در پیام نوروزی سال ۱۳۹۷ گفت: «از مجموعه اهداف ما، امروز دو هدف بیش از سایرین خودنمایی می‌کنند؛ نخست، توسعه صنعت نفت که خود مبنا و ریل توسعه ایران عزیز اسلامی است و هدف دیگر، بهبود وضع معیشتی و رفاهی کارکنان زحمتکش این صنعت است.»[۱]

قراردادهای IPC

همان‌گونه در جلد نخست کتاب گفته شد، پس از پایان دادن به قرارداد کنسرسیوم، قراردادهای جدیدی شکل گرفت که به قراردادهای خرید خدمت یا پیمانی مشهورند. از سال ۱۳۵۳ تا ۱۳۵۷ قرارداد بزرگی منعقد نگردید. سپس، وقایع انقلاب و جنگ مانع از هرگونه اقدامی برای انعقاد قراردادهای جدید شد. تدوین قراردادهای موسوم به بای‌بک (بیع‌متقابل) از اواخر دوره سازندگی آغاز شد و به‌گونه‌ای بر پایه‌های قراردادهای خرید خدمت (پیمانی) استوار گشت. در دوره ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۴ قراردادهای بای‌بک مورد استقبال شرکت‌های خارجی قرار گرفت و چند قرارداد منعقد شد. پس از روی کار آمدن دولت تدبیر و امید، تیمی از مشاوران وزیر نفت مأمور به تدوین قراردادهای جدید شدند تا انگیزه پیمانکاران را برای سرمایه‌گذاری در صنعت نفت ایران افزایش دهند. به دستور وزیر نفت، کمیته بازنگری قراردادهای نفتی تشکیل شد. سیدمهدی حسینی رئیس کمیته بود. او تدوین قراردادهای بیع‌متقابل را در کارنامه خود داشت. مدیران حقوقی، قراردادی، عملیاتی، فنی و بهره‌بردار نفت و گاز از اعضای این کمیته بودند. وزیر نفت از اعضا خواست که از دیدگاه‌ها و نظرهای کارشناسان داخلی و مشاوره شرکت‌های بین‌المللی نفتی استفاده و قراردادها و تجربه‌های کشورهای دیگر را مطالعه و بررسی کنند.[۲]

کمیته از مهر ۱۳۹۲ کار خود را آغاز کرد. سیدمهدی حسینی در نخستین کنفرانس خبری، هدف از تشکیل این کمیته و اصلاح قراردادهای نفتی را اجرای سیاست برد ـ برد و ایجاد تناسب منطقی و عادلانه بین ریسک و سود پیمانکاران دانست و گفت: «در این قراردادها به دنبال اجرای سیاست برد ـ برد، هم برای دولت و هم برای سرمایه‌گذاران هستیم. ازاین‌رو با اعمال اصلاحاتی علاوه بر کاهش نگرانی سرمایه‌گذاران

۱ . خبرگزاری شانا، ۲۸ اسفند ۱۳۹۶.

۲ . خبرگزاری شانا، ۷ مهر ۱۳۹۲.

نسبت به ریسک مشارکت و سرمایه‌گذاری در طرح‌های نفتی ایران، درصدد حفظ و صیانت از منافع ملی هم هستیم.»[۱] بهمن ۱۳۹۲ نشستی خبری با حضور خبرنگاران داخلی و خارجی برگزار شد. حسینی گزارشی از فعالیت‌های کمیته ارائه کرد و گفت «مدل قراردادهای جدید نفتی ایران متناسب با شرایط بین‌المللی بازنگری شده و از انعطاف کافی برخوردار است.» از گفته‌های حسینی چنین بر می‌آمد که اعضای کمیته بیش از ۳۰ مدل قراردادی ازجمله قراردادهای خدماتی نفتی عراق را بررسی کردند. حسینی قراردادهای خدماتی عراق را مثبت و خوب ارزیابی کرد و بااین‌حال مدل جدید قراردادهای نفتی ایران را نسبت به قراردادهای نفتی عراق پیشرفته‌تر دانست.[۲]

تدوین قراردادهای جدید حدود دو سال طول کشید. در این مدت مذاکرات برجام در حال انجام بود و همگان به نتیجه مذاکرات خوشبین بودند. اردیبهشت ۱۳۹۴ حسینی در یک کنفرانس خبری از استقبال شرکت‌های نفتی خارجی برای کار در میادین نفتی ایران، خبر داد و گفت «شرکت‌های متقاضی باید از تکنولوژی و فناوری مناسب و توان مالی کافی برخوردار باشند.»[۳] آبان ۱۳۹۴ مدل جدید قراردادهای نفتی موسوم به IPC در هیئت دولت تصویب و برای رونمایی از آن، کنفرانسی در آذر ماه در تهران برگزار شد. سیدمهدی حسینی در آستانه برگزاری کنفرانس گفت: «نتیجه دو سال تلاش کمیته بازنگری، قراردادهایی است که از نظر این کمیته، ضمن حفظ حاکمیت ملی، استقلال و قوانین موجود کشور، تا حد قابل توجهی نیازهای صنعت نفت و همه صنایع ذی‌ربط آن و همچنین منافع دو طرف قرارداد را ضمانت خواهد کرد.»[۴]

امضای برجام در تیر ماه و نزدیک شدن لغو تحریم‌ها، شرکت‌های بسیاری را به سرمایه‌گذاری در صنایع نفتی ایران ترغیب کرده بود و کنفرانس با استقبال خوبی مواجه شد. ۷ آذر کنفرانس تهران با حضور ۱۸۳ شرکت داخلی و ۱۵۲ شرکت بین‌المللی برگزار گردید. بیژن زنگنه در مراسم رونمایی، گسترش اکتشاف، بالابردن ظرفیت تولید نفت و گاز، افزایش مستمر ضریب بازیافت از مخازن، ارتقای فناوری‌های ملی و تقویت ظرفیت‌های ایرانی غیردولتی برای حضور در فعالیت‌های صنعت نفت را پنج اصل مهم

۱. خبرگزاری شانا، ۸ مهر ۱۳۹۲.
۲. خبرگزاری شانا، ۲۰ بهمن ۱۳۹۲.
۳. خبرگزاری شانا، ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۴.
۴. خبرگزاری شانا، ۶ آذر ۱۳۹۴.

حاکم بر برنامه‌های وزارت نفت برشمرد.[۱]

در میان غوغای کنفرانس تهران، منتقدینی هم بودند که به این نوع جدید قراردادها انتقاد داشتند.[۲] آنها معتقد بودند در این قراردادها شرکت‌های داخلی نادیده گرفته شده‌اند و نباید به شرکت‌های خارجی امتیاز داد. برخی از آنان معتقد بودند که قراردادهای IPC تا مرز مشارکت در مخزن نیز پیش خواهد رفت و درمورد عدم صیانت مخازن و مالکیت مخزن در این نوع قراردادها گفتند و نوشتند. برخلاف دوره گذشته که کارشناسان جنوب از مخالفان سرسخت بای‌بک بودند، در این دوره به اصلاح و ترمیم آن قراردادها نظر می‌دادند. مهدی حسینی درباره جزئیات قراردادهای جدید به این انتقادات‌ها چنین پاسخ داد: «در مدل جدید قراردادهای نفتی حلقه‌های مختلف صنعت نفت (اکتشاف، توسعه و تولید) به‌صورت یکپارچه واگذار می‌شوند تا شرکت‌های خارجی با چنین قراردادی، انگیزه‌ای برای حضور در صنعت نفت ایران داشته باشند. در این نوع قرارداد، مالکیت مخزن قابل‌انتقال نیست و مالکیت آن واگذار نمی‌شود و تولید صیانتی از مخزن یکی از مهم‌ترین مباحث در این قراردادهاست.»[۳]

در اینجا به‌طور خلاصه مفاد مهم قراردادهای IPC را می‌آوریم. طول دوره قرارداد ۲۰ تا ۲۵ سال است و شرکت خارجی در تمامی فازهای اکتشاف، توسعه و تولید حضور دارد و هزینه و دستمزد پیمانکار از محل بخشی از عواید حاصل از تولید نفت پرداخت می‌شود. بهره‌برداری از میدان به‌صورت یکپارچه انجام می‌شود و گسل‌های مدیریتی به حداقل می‌رسد. علاوه بر عواید حاصل از میدان، حضور بلندمدت شرکت خارجی در ایران متضمن منافع غیرمستقیم و استراتژیک همچون دسترسی بلندمدت به منابع انرژی مطمئن است. نرخ دستمزد در مناطق خشکی و میادین غیرمشترک پایین‌تر و در مناطق دریایی و به‌خصوص عمیق و میادین مشترک بالاتر در نظر گرفته شد. حضور پیمانکار در دوره بهره‌برداری و ارتباط مستقیم دستمزد او با میزان تولید، موجب می‌شود پیمانکار تمام تلاش خود را برای برداشت حداکثر از میدان در طول دوره قرارداد انجام دهد. همین موضوع موجب نگرانی منتقدان است و معتقدند تولید صیانتی از میدان‌های نفتی

۱ . خبرگزاری شانا، ۷ آذر ۱۳۹۴.

۲ . برخی از پژوهشگران در مقالات متعدد به نقد و بررسی این نوع قراردادها پرداخته‌اند. به‌عنوان نمونه نگاه کنید به عباس کاظمی نجف‌آبادی و علیرضا غفاری، «تحلیل کارایی انواع قراردادهای بالادستی در تولید صیانتی از مخازن گاز میعانی»، مطالعات حقوق انرژی، دوره ۳، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۶.

۳ . خبرگزاری شانا، ۱۶ آذر ۱۳۹۴.

حفظ نخواهد شد. حق مالکیت طرفین بر ذخایر نفتی از مهم‌ترین چالش‌های حقوقی این نوع قراردادهاست و بارها مسئولان وزارت نفت بر این نکته که مالکیت مخازن قابل انتقال نیست تأکید کرده‌اند. در مقابل، منتقدان می‌گویند در این نوع قراردادها امکان انتقال مالکیت بخشی از نفت تولیدی در قالب بازپرداخت به پیمانکار خارجی وجود دارد و این بند می‌تواند به شرکت خارجی این امکان را بدهد که امکان ثبت ذخایر هیدروکربوری را دارد، حتی اگر مسئولان ایرانی شفاهاً خلاف آن را بگویند.[۱]

پس از امضای برجام، قراردادهای IPC فصل مشترک توافق با شرکت‌های خارجی بود. نزدیک به بیست شرکت خارجی در مذاکرات اولیه شرکت جستند. تنها دو مورد به مرحله امضای قرارداد رسید و برخی در مرحله تفاهم‌نامه و مذاکرات شفاهی باقی ماند، چرا که با آمدن ترامپ ادامه مذاکرات و اجرای قراردادهای نفتی نافرجام ماند.

قرارداد توسعه فاز ۱۱ پارس جنوبی نخستین قراردادی بود که در قالب IPC در تیر ۱۳۹۶ با کنسرسیومی از شرکت فرانسوی توتال (۵۰/۱)، شرکت ملی نفت چین (۳۰) و شرکت ایرانی پتروپارس (۱۹/۹) امضا شد. این قرارداد به نتیجه نرسید. پس از خروج امریکا از برجام و بازگشت دوباره تحریم‌ها، ابتدا شرکت توتال و سپس شرکت چینی ایران را ترک کردند. دومین قرارداد با شرکت روسی زاروبژنفت و شرکت ایرانی دانا انرژی برای بهبود بازیافت، افزایش تولید و بهره‌برداری میادین نفتی آبان و پایدار غرب در ۲۳ اسفند ۱۳۹۶ منعقد شد که این قرارداد به اجرا در آمد و به مرحله تولید رسید. علاوه بر قرارداد با شرکت‌های خارجی، چند قرارداد IPC با شرکت‌های ایرانی نیز امضا شد. قرارداد توسعه و بهره‌برداری از میادین نفتی سپهر و جفیر بین شرکت ملی نفت ایران و شرکت گسترش انرژی پاسارگاد و قرارداد بهبود بازیافت، افزایش تولید و بهره‌برداری از میدان‌های پارسی و پرنج در خوزستان بین شرکت ملی نفت ایران و گروه مپنا منعقد گردید.

چالش‌های مجلس و زنگنه

چالش‌های دوره سوم و چهارم وزارت زنگنه متنوع و نسبتاً گسترده بود. فضای مجازی در طول سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۹ بیش از دوره پیشین اخبار نفت را انعکاس می‌داد.

۱ . مقایسه قراردادهای IPC با قراردادهای بیع‌متقابل، معاونت پژوهش‌های اقتصادی، دفتر مطالعات بخش عمومی مجلس شورای اسلامی، ص ۲۱.

وایبر، تلگرام، اینستاگرام و توییتر و فیسبوک (کمتر از بقیه) ازجمله شبکه‌هایی بودند که کنشگران سیاسی ـ اقتصادی در باب صنعت نفت می‌نوشتند و کلیپ می‌ساختند. در آغاز کار، هم‌زمان با تلاش زنگنه برای فروش نفت، دستگیری بابک زنجانی در صدر اخبار صنعت نفت قرار گرفت. زیرپوستی، کسانی بودند که از بابک زنجانی حمایت می‌کردند. وزارت نفت در مهر و اسفند ۱۳۹۲ برای بازگرداندن بخشی از پول‌های نفت فروخته‌شده توسط بابک زنجانی دست به فعالیت‌هایی زد که البته بی‌پاسخ ماند. چالش‌های زنگنه در طول سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۹ به‌تدریج از خارج از صنعت نفت به داخل آن خزیدن گرفت. برخی رسانه‌ها، خبرنگاران، سایت‌های خبری، شخصیت‌های بانفوذ و نمایندگان مجلس در مخالفت با سیاست‌ها و برنامه‌های وزارت نفت و به‌ویژه زنگنه، مواضع سختی گرفتند؛ جابه‌جایی مدیران و عدم فروش نفت؛ تدوین قراردادهای جدید موسوم به IPC ؛ آتش‌سوزی در پتروشیمی بوعلی؛ آتش‌سوزی در پالایشگاه تهران؛ ماجرای دستگاه کارتخوان در دفتر وزیر؛ استخدام رسمی نماینده مجلس؛ ماجرای اختلاس در مدیریت اکتشاف؛ جابه‌جایی رئیس حراست؛ ماجرای شرکت بازرگانی پتروشیمی؛ نارضایتی کارکنان از خدمات رفاهی؛ مشکلات بازنشستگان صنعت نفت؛ ماجرای چند مشاور جوان وزیر و نامه دسته‌جمعی نمایندگان به سران قوا. همه اینها چالش‌هایی بودند که می‌توانستند زنگنه را در منگنه قرار دهند، اما شخصیت سرسخت و مصمم او موجب استمرار حضورش در طبقه پانزدهم وزارت نفت شد.

زنگنه در طول دوره سوم و چهارم وزارتش بارها توسط نمایندگان به مجلس احضار شد و هر بار به سؤالات آنان پاسخ گفت. فشارها در دوره چهارم وزارتش افزایش یافت و برخی از نمایندگان در خبرگزاری‌های مختلف او را به چالش می‌کشیدند. سال‌های ۱۳۹۷ تا ۱۳۹۹ به کرات توسط نمایندگان به کمیسیون و صحن مجلس فراخوانده شد و اما مهم‌ترین چالش زنگنه با مجلس در بهمن ۱۳۹۷ رقم خورد.

۷۲ نماینده مجلس در نامه‌ای به سران قوای سه‌گانه از عملکرد وزیر نفت به‌شدت انتقاد کردند. آنها زنگنه را متهم کردند که نه‌تنها اهتمام عملی برای مقابله با تحریم‌ها از خود بروز نداده، بلکه تقریباً روزنه‌های موجود برای بی‌اثر کردن تحریم‌ها را نیز خواسته یا ناخواسته مسدود کرده است. وزیر نفت در یک نشست خبری به این نامه پاسخ داد.[1] در یکی از بندهای نامه اشاره شده بود که زنگنه تمایلی برای همکاری با

۱ . خبرگزاری شانا، ۱۸ بهمن ۱۳۹۷.

چین ندارد. زنگنه گفت: «پس از توافق برجام، قرارداد مهمی برای توسعه فاز ۱۱ پارس جنوبی امضا کردیم که ۳۰ درصد آن متعلق به چین بود. حالا که شرکت فرانسوی توتال کنار رفته، شاخه بین‌المللی شرکت ملی نفت چین (CNPC) اپراتور میدان است. در توسعه میدان‌های آزادگان و یادآوران هم قبول کردیم خارج از فرایند مناقصه با چین مذاکره کنیم. اگر آنها به دلیل ملاحظاتی فعال نیستند، من باید پاسخگو باشم؟»

در بند دیگری از نامه، نمایندگان با اشاره به مراسم استقبال باشکوه عربستان از رئیس‌جمهور چین، از وزیر نفت به دلیل برخورد خلاف عرف دیپلماتیک کشور با هیئت بلندپایه چینی گلایه کردند و نحوه استقبال عربستان از مقام چینی را حاصل درک بالای نظام بین‌الملل این کشور دانستند. زنگنه که از این گلایه تعجب کرده بود، یادآور شد که سازوکار دیپلماتیک در استقبال از مقامات کشورهای دیگر ربطی به او ندارد!

سپس، ادعای نمایندگان مبنی بر همراهی نکردن وزیر نفت با قرارداد سواپ نفت با روسیه را رد و گفت: «ما هرگز با روسیه قرارداد سوآپ نداشته‌ایم. قرارداد معامله نفت داشتیم که ما جلو رفتیم، اما هر قراردادی طرف دوم هم دارد.» درباره پرونده کرسنت نیز چنین پاسخ داد: «پرونده کرسنت زنده است. عده‌ای با لجبازی و ندانستن قواعد بین‌المللی ما را ته چاهی عمیق انداختند و هر وقت هم که به موفقیت در این پرونده نزدیک شدیم، مانع شدند. اگر رأی صادر شود، بهتر می‌توانیم صحبت کنیم، زیرا دیگر نمی‌توانند از حرف‌های ما علیه خودمان استفاده کنند.»

زنگنه در پاسخ به پیگیری نکردن پیشنهاد دولت هند برای اجرای خطلوله صادرات گاز ایران از بندر چابهار به هند با مشارکت روسیه گفت: «هند چنین پیشنهادی به ما نداده است؛ بلکه نخستین بار روسیه چنین پیشنهادی را مطرح کرد و ما از آن استقبال و سپس تفاهم‌نامه‌هایی هم امضا کردیم، اما مسئول هماهنگی و پیگیری این طرح، روسیه است نه ایران.» زنگنه با اشاره به بندی از نامه نمایندگان مبنی بر پیشنهاد روسیه که با هزینه خود نسبت به احداث خطلوله گازی از ایران با هدف تأمین کسری گاز اروپا اقدام کند، عنوان کرد: «چطور می‌شود موضوع به این مهمی که باید در سطح سران کشورها به آن پرداخته شود، تا به حال نه به رئیس‌جمهوری اعلام شده باشد و نه به من به‌عنوان وزیر نفت، و تنها یک کارشناس از چنین پیشنهادی باخبر شده و آن کارشناس هم تنها به نمایندگان مجلس شورای اسلامی خبر داده باشد؟»

چند ماه بعد، جلال میرزایی، عضو کمیسیون انرژی مجلس، صحبت‌های مطرح‌شده

دربـاره زنگنـه را ادامـه سـناریوی تضعیـف وزارت نفـت و بیـژن زنگنـه دانسـت و گفـت: «دوسـت دارنـد زنگنـه محتـاط و جـدی در رأس وزارت نفـت نباشـد و فـردی جایگزیـن شـود کـه بتواننـد منافـع خـود را از ایـن طریـق پیـش ببرنـد. پیـش از ایـن نیـز تعـداد محـدودی از نماینـدگان ماننـد آقـای ابوترابـی و همفکرانشـان در مجلـس پرسـش‌هایی را از وزیـر نفـت پرسـیدند و زمانـی کـه از ایـن مسـیر بـرای تضعیـف وزیـر نفـت ناامیـد شـدند در نامـه‌ای بـه سـران قـوا درخواسـت برخـورد بـا زنگنـه را داشـتند.»[1]

در تمـام ایـن سـال‌ها، پرونـده کرسـنت یکـی از مـوارد اصلـی مخالفـت علیـه وزیـر نفـت بـود. بـا اینکـه او بارهـا بـه سـؤالات مختلـف در ایـن زمینـه پاسـخ داد، هـر بـار یکـی از نماینـدگان ایـن بحـث را یـا در صحـن علنـی مجلـس و یـا در خبرگزاری‌هـا پیـش می‌کشـید. فروردیـن ۱۳۹۸، گزارشـی بـا عنـوان «زنگنـه دروغ بـزرگ اختـلاس در پتروشـیمی را مطـرح کـرد تـا کسـی از توتـال و کرسـنت سـؤال نکنـد» ازسـوی هدایـت‌الله خادمـی، نماینـده مجلـس، منتشـر شـد. خادمـی برگـزاری دادگاه متهمـان پتروشـیمی را اقدامـی پوپولیسـتی بـرای منحـرف کـردن اذهـان عمومـی دانسـت و گفـت: «معمـولاً وزارت نفت به‌جـای اینکـه کشـور را توسـعه دهـد، برای تسـلط بـر بـازار منطقـه تـلاش کنـد، بـرای ایجـاد بـازار مطمئـن بـرای گاز ایـران برنامه‌ریـزی داشـته باشـد، تولیـد را افزایـش داده و از تولیـد صیانـت کنـد، کارش شـده جوسـازی و شایعه‌سـازی در رسـانه‌ها و متأسـفانه کسـانی کـه پشـت رسـانه‌های وابسـته بـه نفـت قـرار دارنـد نیـز آدم‌هـای سـالم و درسـتی نیسـتند.»[2]

اداره کل روابط‌عمومـی وزارت نفـت بـا انتشـار بیانیـه‌ای بـه ایـن گـزارش واکنـش نشـان داد. در ابتـدای ایـن بیانیـه آمـده بـود: «هـر چنـد در سـه سـال گذشـته وزارت نفـت بارهـا بـه اظهـارات خـلاف واقـع و نادرسـت آقـای خادمـی، نماینـده مـردم شـریف ایـذه و باغملـک، پاسـخ داده اسـت و گرچـه مدتـی اسـت کـه ایـن وزارتخانـه پاسـخ‌دهی بـه اظهـارات عجیب‌وغریـب ایشـان را بی‌فایـده می‌دانـد، امـا در ایـن مـورد اخیـر بـا توجـه بـه مواضـع حق‌به‌جانـب ایشـان دربـاره مفاهیمـی همچـون مبـارزه بـا فسـاد، پاسـخ را لازم و ضـروری دانسـتیم.» در پایـان ایـن بیانیـه، ایـن پرسـش مطـرح شـد کـه: چگونـه اسـت کـه ایـن نماینـده محتـرم مجلـس (خادمـی) در مصاحبـه مفصـل خـود یـادی از پرونـده بابـک زنجانـی و غـارت نـادر ثـروت ایرانیـان توسـط ایـن فـرد نمی‌کنـد؟

۱ . خبرگزاری شانا، ۲۸ خرداد ۱۳۹۸.

۲ . خبرگزاری موج‌نیوز، ۲۵ فروردین ۱۳۹۸.

نماینـدگان حامـی زنگنـه نیـز در ایـن مـدت بـرای حمایـت از او تلاش‌هایـی کردنـد. آنهـا هجمه‌هـا علیـه وزیـر نفـت را تسویه‌حسـاب‌های سیاسـی و دنبـال کـردن اهـداف جناحـی دانسـتند. ازجملـه، قاسـم میرزایـی نکـو، عضـو فراکسـیون امیـد مجلـس، عملکـرد وزیـر نفـت را قابل‌قبـول دانسـت و گفـت: «معتقـدم هجمه‌هـای اخیـر بـه وزیـر نفـت غیرمنطقـی اسـت و عـده‌ای بـرای تسویه‌حسـاب‌های سیاسـی زمانـی بهتـر از اکنـون نیافته‌انـد و بـدون توجـه بـه اوج‌گیـری تحریم‌هـا، اهـداف جناحـی خـود را دنبـال می‌کننـد.»[1] مسـعود پزشـکیان، نایب‌رئیـس مجلـس، نیـز گفـت کـه جنـگ روانـی شـدیدی علیـه وزارت نفـت در جریـان اسـت و عـده‌ای، علیـه همـه کسـانی کـه تـلاش می‌کننـد ثبـات در کشـور ایجـاد شـود، جوسـازی می‌کننـد. هـر چـه جایـگاه حسـاس‌تر باشـد، جوسـازی بیشـتر.

مجلـس یازدهـم در ۷ خـرداد ۱۳۹۹ کار خـود را آغـاز کـرد. برخـی از نماینـدگان در همـان نخسـتین روزهـای حضـور خـود در خانـه ملـت، بلافاصلـه تـلاش کردنـد اسـتیضاح زنگنـه را بـه جریـان اندازنـد و بـه ایـن ترتیـب، مهم‌تریـن چالـش زنگنـه در تابسـتان ایـن سـال رقـم خـورد. ۱۱۴ نماینـده مجلـس در ۲۹ مـرداد نامـه‌ای بـه سـران قـوا نوشـتند و اسـتمرار وزارت زنگنـه را نگران‌کننـده دانسـتند. احمـد علیرضابیگـی، نماینـده مـردم تبریـز، یکـی از امضاکننـدگان نامـه بـود. او گفـت: «واقعـاً نمی‌دانیـم اسـتیضاح وزیـر نفـت بـه نتیجـه می‌رسـد یـا خیـر، امـا مـردم بداننـد نمایندگانشـان بـا ادامـه مسـئولیت بیـژن نامـدار زنگنـه موافـق نیسـتند. ان‌شـاءالله سـازوکارهای مجلـس بتوانـد پاسـخگوی ایـن مطالبـه جـدی باشـد.» نماینـدگان امضاکننـده، ابتـدا بـه نامـه‌ای کـه ۷۲ نماینـده مجلـس پیشـین خطـاب بـه سـران قـوا نوشـته بودنـد، اشـاره کردنـد: «۷۲ نفـر از نماینـدگان منتقـد، [در سـال ۱۳۹۷] طـی نامـه‌ای بـه سـران قـوا بـا اشـاره بـه اقدامـات وزیـر نفـت در قطـع روابـط نفتـی و گازی ایـران بـا چیـن روسـیه هنـد ـ پاکسـتان و نیـز بی‌توجهـی نسـبت بـه ظرفیت‌هـای همسـایگان و بی‌تحرکـی نسـبت بـه اسـتفاده از سـرمایه‌های انسـانی و مالـی داخلـی اعـلام کردنـد. آقـای زنگنـه نه‌تنهـا گامـی بـرای مقابلـه بـا تحریم‌هـای دشـمن بـر نداشـته اسـت، بلکـه عمـلاً بـا اقدامـات خـود همـه راه‌هـای مقابلـه بـا تحریم‌هـا را مسـدود کـرده اسـت... متأسـفانه بـا مقاومـت رئیس‌جمهـور در برابـر عـزل فـوری وزیـر نفـت و پشـتیبانی رئیـس و اکثریـت قاطـع نماینـدگان مجلـس دهـم کـه یـا همسـو بـا دولـت بودنـد یـا ملاحظاتـی سیاسـی جهـت نقـد عملکـرد وزیـر نفـت داشـتند، اقدامـی بـرای متوقـف کـردن مدیریـت خسـارت‌بار آقـای زنگنـه بـر کشـور صـورت نپذیرفـت و امـروز می‌تـوان

۱ . خبرگزاری شانا، ۲۲ خرداد ۱۳۹۸.

گفت صدارت زنگنه بر وزارت نفت، حداقل در هفت سال اخیر، به دلایلی که در ذیل می‌آید ملت ایران و نسل‌های آینده کشور را متحمل صدها میلیارد دلار زیان و عدم‌النفع کرده است.»

نخستین بند نامه، اعتراض به واگذاری توسعه و بهره برداری فاز ۱۱ پارس جنوبی به شرکت فرانسوی توتال بود. آنها معتقد بودند که قرارداد توتال در دولت قبلی به این دلیل لغو شد که این شرکت «در راستای منافع خود و امریکا چندین سال توسعه بخش ایرانی میدان را معطل گذاشت و پس از پیگیری‌های مختلف حقوقی بالاخره در سال ۱۳۹۱ خلع‌ید شده و اجرای این پروژه مهم به شرکت ایرانی پتروپارس واگذار گردید. در روزهای اول حاکمیت مجدد آقای زنگنه بر وزارت نفت با دستور مستقیم ایشان شرکت پترو پارس از ادامه کار منع گردید و علی‌رغم اینکه ایشان کاملاً از خسارت‌بار بودن انعقاد قرارداد با توتال مطلع بود و خبر داشت که شرکت توتال با هماهنگی امریکا و عربستان و قطر برای انعقاد قرار داد راجع به فاز ۱۱ پارس جنوبی اعلام آمادگی کرده است، بر انعقاد قرارداد با توتال اصرار ورزید... برای کارشناسان کاملاً روشن بود شرکت توتال که با اجازه امریکا و با انگیزه معطل کردن مجدد ایران در این میدان مهم وارد قرارداد شده بود، پس از خروج امریکا از برجام و با دستور آن کشور و پس از اینکه اطلاعات جامع میادین ایران را در اثر حماقت یا خیانت طرف ایرانی به دست آورده بود و بدون اینکه کاری در این میدان انجام دهد و بدون اینکه خسارتی بابت بدعهدی خود بپردازد، از کشور خارج شد تا برداشت گاز سهم ایران توسط توتال و شرکای امریکایی وی از بخش قطری میدان همچنان ادامه یابد.»(!)

دومین بند نامه، نقدی بر حمایت زنگنه از خام‌فروشی و جلوگیری او از ساخت پالایشگاه بود: «آقای زنگنه از سال ۱۳۷۶ که بر کرسی وزارت نفت تکیه زده است، به بهانه مقرون‌به‌صرفه نبودن تأسیس پالایشگاه و لزوم وابسته کردن کشورهای دیگر به نفت و گاز ایران و تأمین امنیت برای ایران همواره از مدافعان جدی خام‌فروشی و مخالفان سرسخت تبدیل نفت‌خام به صدها فراورده نفتی بوده است... از نشانه‌های بارز مخالفت ایشان برای رهایی ایران از خام‌فروشی این است که وقتی در مجلس دهم جمعی از نمایندگان از جناح‌های مختلف با تصویب قانون، سازوکاری را تعبیه کردند که با استفاده از نقدینگی داخلی نسبت به احداث پتروپالایشگاه اقدام شود. اولاً، آقای زنگنه تا مرحله نهایی با تصویب آن قانون مخالفت می‌کرد. ثانیاً، پس از تصویب آن‌هم جز اقدامات

شعاری و بازی کردن با افراد و افکار عمومی و از دست دادن زمان و فرصت پنجره طلایی بورس، اقدامی برای اجرای عملی آن قانون انجام نداده است.»

بند سوم نامه، بازهم به قرارداد کرسنت اشاره داشت. در تمام سال‌های گذشته، قرارداد کرسنت مهم‌ترین دستاویز مخالفان زنگنه برای هجمه به او بود. در بندهای دیگر نامه نیز به موضوع کارت سوخت و لغو سهیمه‌بندی بنزین و عدم اجرای قرارداد گازی با پاکستان اشاره شده بود. در پایان نامه، نمایندگان متذکر شده بودند: «ما نمایندگان معتقدیم در زمانی‌که درگیر جنگ اقتصادی تمام‌عیار هستیم و صدها کارشناس و نیروی امریکایی در سراسر دنیا به‌صورت روزانه و فعال منافع ملت و کشور ایران را زیر ضربات خود گرفته‌اند، تحمل کسی که نه‌تنها هیچ انگیزه‌ای برای مقابله با تحریم‌های دشمن را نداشته است، بلکه افعال او در قطع روابط با شرکای سنتی ایران و ضربه زدن به روابط ایران با همسایگان و قطع دست شرکت‌ها و متخصصان داخل از سرمایه‌گذاری در بخش نفت و گاز این شائبه جدی را به وجود آورده است که ایشان با هر انگیزه‌ای به دنبال وادار کردن نظام و کشور به تن دادن به خواسته غربی‌ها و امریکایی‌ها بوده است، لذا ادامه تحمل ایشان به‌هیچ‌وجه به صلاح کشور به نظر نمی‌رسد.»[1]

روز بعد، زنگنه در نامه‌ای به سران قوا، درخواست کرد جلسه‌ای با حضور آنها و نمایندگان مجلس تشکیل و ادعاهای مطرح‌شده در نامه بررسی شود: « تقاضا دارم که این موضوع در دستورکار یکی از جلسات سران محترم قرار گیرد و ادعاها و پاسخ‌های آن‌ها، از دو طرف شنیده شده و درنهایت، درمورد آنها توسط رؤسای بزرگوار سه قوه قضاوت شود.»[2]

۲۵ شهریور زنگنه به مجلس رفت تا به سؤالات نمایندگان پاسخ گوید. نخست، به قرارداد با توتال برای توسعه فاز ۱۱ پارس جنوبی اشاره کرد و تأکید کرد که «قرارداد را فقط وزارت نفت امضا نکرد، بلکه نظام جمهوری اسلامی امضا کرد. همه موافق بودند. اسناد آن‌هم موجود است... ما در قرارداد فاز ۱۱ با توتال به فناوری نیاز داشتیم. ما در سال‌های آینده در پارس جنوبی افت تولید خواهیم داشت و برای جلوگیری از این افت تولید، هر فاز یک میلیارد دلار سرمایه‌گذاری می‌خواهد. قرارداد با توتال بسته شد تا

۱ . برای اطلاع از متن کامل نامه و اسامی امضاکنندگان نگاه کنید به: خبرگزاری مشرق‌نیوز، ۲۹ مرداد ۱۳۹۹.

۲ . خبرگزاری شانا، ۳۰ مرداد ۱۳۹۹.

ما یک‌بار این فناوری را به کشور بیاوریم و کار را یاد بگیریم که توتال نیامد. چینی‌ها هم پس از تحریم دیگر نیامدند. حال داریم فاز نخست توسعه را با توان داخلی پیش می‌بریم.»

سپس با اشاره به لغو سهمیه‌بندی بنزین، آن را تصمیم دولت دانست که مجلس هم با آن موافق بود. زنگنه، سپس اقداماتی که در زمینه تأسیس پالایشگاه و پترو پالایشگاه انجام شد را چنین برشمرد: «۲۰ طرح دارای صلاحیت شناسایی شده که قبل از پایان هفته مجوزهای لازم را برای آنها صادر می‌کنیم. پنج پالایشگاه نفت با ظرفیت یک میلیون و ۲۲۰ هزار بشکه، سه پالایشگاه میعانات به ظرفیت ۲۴۰ هزار بشکه با سرمایه‌گذاری ۲۸ میلیارد دلار و ۱۲ طرح بهسازی در پالایشگاه‌های مختلف به ارزش ۷ میلیارد دلار در دستور کار است.»

نمایندگان از زنگنه خواستند که نقشه وزارت نفت برای دور زدن تحریم و فروش محصولات پتروشیمی را شرح دهد! زنگنه در پاسخ گفت: «می‌گویند چرا نقشه دور زدن تحریم را توضیح نمی‌دهید، خب اگر توضیح دهم که نقشه عملیاتمان را توضیح داده‌ام. به هر ترتیبی می‌خواهید در مذاکرات ما حضور داشته باشید. ما برای شما اتاق تاریک نداریم، اما برای دشمنان داریم.»[1]

شرکت‌های دانش‌بنیان

درباره تحریم‌ها و تأثیر آن بر صنعت نفت در بخش پیشین (دوره ثروت) سخن گفتیم. یکی از واکنش‌های دولت به تحریم‌ها، حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان و استفاده از روش‌های مختلف تولید کالا و خدمات در داخل بود. در سال ۱۳۸۹، بحث درباره چگونگی حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان بیش از گذشته مطرح شد. ازجمله راهکارها، حمایت قانونی از شرکت‌های دانش‌بنیان بود. نخبگان صنعتی ـ علمی کشور به این تحلیل دست یافتند که در هنگامه تحریم‌ها، آنچه می‌تواند کشور را به خودکفایی و استقلال برساند و ازسوی دیگر تولید ملی رونق یابد، تشویق نخبگان و دانشمندان به اختراع و تولید تجهیزات، کالاها و نرم‌افزارها بود. گفتگوهای کارشناسان بالا گرفت و در نهایت، مجلس شورای اسلامی در آبان ۱۳۸۹ قانونی را تصویب کرد که طی آن دولت و سازمان‌های نظام جمهوری اسلامی مکلف به حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان شدند. مواردی از

۱ . خبرگزاری شانا، ۲۵ شهریور ۱۳۹۹.

قانـون حمایـت از شـرکت‌های دانش‌بنیـان کـه در جلسـه علنـی ۵ آبـان ۱۳۸۹ مجلـس شـورای اسـلامی تصویـب شـد و در ۱۹ آبـان ۱۳۸۹ بـه تأییـد شـورای نگهبـان رسـید، در پاییـن می‌آیـد.

الـف ـ شـرکت‌ها و مؤسسـات دانش‌بنیـان، شـرکت یـا مؤسسـه خصوصـی یـا تعاونـی اسـت کـه به‌منظـور هم‌افزایـی علـم و ثـروت، توسـعه اقتصـاد دانش‌محـور، تحقـق اهـداف علمـی و اقتصـادی (شـامل گسـترش و کاربـرد اختـراع و نـوآوری) و تجاری‌سـازی نتایـج تحقیـق و توسـعه (شـامل طراحـی و تولیـد کالا و خدمـات) در حـوزه فناوری‌هـای برتـر و بـا ارزش افـزوده فـراوان به‌ویـژه در تولیـد نرم‌افزارهـای مربـوط تشـکیل می‌شـود.

ب ـ به‌منظـور کمـک بـه تجاری‌سـازی نوآوری‌هـا و اختراعـات و شکوفاسـازی و کاربـردی نمـودن دانـش فنـی از طریـق ارائـه کمـک و تسـهیلات قرض‌الحسـنه و تسـهیلات بـدون أخـذ هرگونـه تضمیـن و مشـارکت بـا اختیـار بخشـش تمـام یـا بخشـی از سـهم مشـارکت بـه شـرکت‌ها و مؤسسـات دانش‌بنیـان، صندوقـی تحـت عنـوان صنـدوق نـوآوری و شـکوفایی وابسـته بـه شـورای‌عالی علـوم، تحقیقـات و فنـاوری و زیـر نظـر رئیـس شـورا تأسـیس می‌شـود. منابـع مالـی صنـدوق شـامل کمک‌هـای دولـت، اعتبـارات منـدرج در بودجـه سـالانه، هرگونـه کمـک و سـرمایه‌گذاری اشـخاص حقیقـی و حقوقـی و شـرکت‌های دولتـی وابسـته و تابـع، نهادهـای عمومـی غیردولتـی و شـهرداری‌ها و شـرکت‌های وابسـته و تابـع می‌باشـد. بانک‌هـا نیـز می‌تواننـد بخشـی از منابـع تسـهیلات موضـوع صنـدوق یادشـده را تأمیـن نماینـد. به‌منظـور تأمیـن منابـع مالـی صنـدوق، دولـت مؤظـف اسـت از سـال سـوم بـه بعـد در لایحـه بودجـه، حداقـل نیم‌درصـد (۰/۵٪) از منابـع بودجـه عمومـی خـود را جهـت کمـک بـه ایـن صنـدوق در نظـر بگیـرد.

ج ـ کلیـه دسـتگاه‌ها و شـرکت‌های دولتـی مجازنـد بخشـی از مبلـغ قراردادهـای خریـد کالا یـا خدمـات بـا مبـدأ خارجـی را جهـت نیـل بـه خودکفایـی در همـان زمینـه از طریـق انجـام فعالیت‌هـای تحقیـق و توسـعه فنـاوری ضمـن عقـد قـرارداد بـا شـرکت‌ها و مؤسسـات دانش‌بنیـان بـه انجـام رسـانند.[1]

اغلـب مدیـران اجرایـی در دو بخـش دولتـی و خصوصـی تجربـه و تصویـر واقـع بینانـه‌ای از ایـن تحـول نداشـتند. در صـورت اجـرای ایـن قانـون منافـع سـوداگرانه و انحصارگـرای شـرکت‌ها و گروه‌هـای تجـاری بـا تهدیـد روبـه‌رو می‌شـد، ولـی در سـطح جوانـان نخبـه شـور و شـوقی پدیـد آمـد. ضمـن اینکـه می‌بایسـت جایـگاه سـازمانی در بدنـه دولـت ایجـاد می‌شـد. بـا آنکـه

۱ . مذاکرات مجلس شورای اسلامی، ۵ آبان ۱۳۹۸.

انگیزه‌های تشویقی در قانون لحاظ شد، لیکن در عمل این رویداد به یک روند و رویه تبدیل نگردید. به‌تدریج، با اصرار رهبری و تأکید منتقدان حرکت علمی جان گرفت. در دولت تدبیر و امید شرکت‌های دانش‌بنیان با حمایت معاونت علمی فناوری ریاست جمهوری رشد چشمگیری یافت. معاونت علمی فناوری نیز در سال ۱۳۸۵ تأسیس و صادق واعظزاده ازسوی رئیس‌جمهور، محمود احمدی‌نژاد، به ریاست آن منصوب گردید.

«صندوق نوآوری و شکوفایی» براساس ماده ۵ قانون حمایت از شرکت‌ها و مؤسسات دانش‌بنیان و در راستای تحقق اقتصاد دانش‌بنیان و فناوری محور و تکمیل زنجیره ایده تا بازار تأسیس گردید. حمایت رهبری از شرکت‌های دانش‌بنیان ارائه تسهیلات بیشتر به این شرکت‌ها را در پی داشت. در مرداد ۱۳۹۱، رهبر در جمع پژوهشگران به این مهم چنین اشاره کرد: «در همین آمارهایی که داده شد، ملاحظه کردید که پیشرفت کشور در بخش‌های مهم و دانش‌های نو و مؤثر در زندگی، با فاصله چند سال، پیشرفت چشمگیری بوده است؛ این نشان‌دهنده این است که استعداد و ظرفیت و آمادگی هست. ما باید این مسئله را جدی بگیریم؛ یعنی به مسئله علم و تکیه به علم در کشور اهمیت بدهیم؛ یعنی این را اساس کار قرار بدهیم. حرف ما در این چند ساله همین است. اگر چنانچه علم در بخش‌های مختلف جدی گرفته شد، آن وقت این شرکت‌های دانش‌بنیان که بر مبنای علم کار می‌کنند، تولید می‌کنند و ثروت‌آفرینی می‌کنند، خواهند توانست به‌تدریج اقتصاد کشور را به شکوفایی واقعی برسانند.»[1]

چنانکه گفتیم، دولت تدبیر و امید از سال ۱۳۹۲ که بر سر کار آمد، عزم خود را برای حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان جزم ساخت. روند سرمایه‌گذاری نیز تسریع شد. دوره‌های آموزشی و همایش‌های متعددی برگزار گردید. برگزاری همایش‌ها خود موجب آشنایی پژوهشگاه و شرکت‌های دانش‌بنیان را فراهم ساخت. ستادهایی چند برای تسریع امور بومی‌سازی تشکیل شد. هدف اصلی همانا به میدان آوردن بخش خصوصی و حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان بود. ارائه سبد تسهیلات، پرداخت وام، عقد قرارداد کاری و همچنین، قرارداد تجاری‌سازی محصولات و جلوگیری از ورود تجهیزات مشابه خارجی که در داخل کشور ساخته می‌شدند از دیگر سیاست‌های دولت در صنعت نفت بود.

نخستین شرکت دانش‌بنیان پژوهشگاه صنعت نفت در حوزه کاتالیست اسفند ۱۳۹۲ تأسیس و توافق برای تأسیس دومین شرکت در اردیبهشت ۱۳۹۳ حاصل شد. این اقدامات،

۱ . سایت Khamenei.ir، ۸ مرداد ۱۳۹۱.

نخستین گام‌های پژوهشگاه صنعت نفت برای تجاری‌سازی و صنعتی کردن فعالیت‌های پژوهشی بود. سهام اولین شرکت دانش‌بنیان پژوهشگاه صنعت نفت در حوزه کاتالیست به فروش رفت که مهر تأییدی بر عزم پژوهشگاه در ورود به خلق فناوری از طریق شرکت‌های دانش‌بنیان بود. برنامه‌ریزی برای ایجاد شرکتی دانش‌بنیان در زمینه طراحی و مهندسی پالایشگاه‌های کوچک گام دیگر پژوهشگاه برای رسیدن به اهداف بلندمدت بود. ستاد توسعه فناوری و نوآوری صنعت نفت، گاز و زغالسنگ در معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری در اردیبهشت ۱۳۹۳ از دیگر اقدامات دولت در این سال بود. جعفر توفیقی، رئیس ستاد مزبور، آن را مکمل و تسهیل‌کننده تصمیم‌ها برای توسعه صنعت نفت‌وگاز دانست و تأکید کرد که این ستاد تداخلی با وزارت نفت ندارد.[۱]

برخی از مهم‌ترین اقداماتی که توسط شرکت‌های دانش‌بنیان در سال ۱۳۹۳ در حوزه صنعت نفت انجام شد را می‌توان چنین برشمرد:

طرح جایگزین کاتالیست برای تولید محصولات پلیمر سبک خطی در پتروشیمی جم؛ بومی‌سازی ساخت کاتالیست تولید بنزین یورو ۴؛ پیوستن ایران به جمع کشورهای ارائه‌دهنده لیسانس تولید HDPE؛ کسب دانش فنی ساخت کاتالیست‌های گوگردزدایی از برش‌های نفتی (نفتا و گازوئیل) و پایه آلومینایی این کاتالیست‌ها در پژوهشگاه صنعت نفت.

در سال ۱۳۹۴، ارتباط با دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها برای همکاری در حوزه دانش فنی و فناوری‌های جدید صنعت نفت گسترده‌تر شد. ارتباط دانشگاه و صنعت که در دهه قبل رو به افول رفته بود، با امضای قراردادهای مختلف جانی دوباره گرفت. ازسوی دیگر، تأسیس مؤسسات و شرکت‌های دانش‌بنیان در حوزه صنعت نفت از مصادیق رودیکرد دولت به سمت این شرکت‌ها بود. نخستین مؤسسه تحقیقات ال‌ان‌جی در همین سال فعالیت خود را آغاز کرد. نخستین شرکت دانش‌بنیان صنعت نفت نیز پس از به دست آوردن شرایط ازسوی معاونت علمی، فناوری ریاست جمهوری، تأیید گردید. بومی‌سازی تولید کاتالیست یکی از اهداف مهم دولت یازدهم به شمار می‌رفت. تحریم‌ها مانع بزرگی بر سر خرید کاتالیست‌های مختلف بود که در درازمدت می‌توانست بسیاری از مجتمع‌های پتروشیمی را با مشکل روبه‌رو کند. با سرمایه‌گذاری و تلاش‌های مداوم، حدود ۱۰ درصد از کاتالیست‌های مورد نیاز توسط متخصصان داخلی بومی‌سازی شد.

۱. خبرگزاری شانا، ۱۲ اردیبهشت ۱۳۹۳.

در ایـن سـال، ایـران بـه جمـع تولیدکننـدگان کاتالیسـت‌های پتروشـیمی و دسـتگاه هـات تـپ (HOT-TAP) پیوسـت و بـه پنجمیـن دارنـده فنـاوری سـاخت قطعـات خطـوط لولـه دریایـی بـدل شـد. ثمـره برخـی از تلاش‌هـای متخصصـان داخلـی در ادامـه آمـده اسـت:

دسـتیابی بـه تکنولـوژی سـاخت توربین‌هـای گازی؛ بهره‌بـرداری از فـاز دوم خـط تولیـد کاتالیسـت‌های حـاوی فلـزات گرانبهـا و خـط تولیـد کاتالیسـت‌های ایزومریزاسـیون پالایشـگاهی بـرای تولیـد بنزیـن یـورو ۴ و یـورو ۵ در شـرکت دانش‌بنیـان فرآینـد آسـیا؛ بومی‌سـازی کاتالیسـت ریفرمینـگ ثانویـه در چرخـه تولیـد آمونیـاک و کاتالیسـت اتوترمـال در چرخـه تولیـد متانـول ازسـوی شـرکت صنایـع نفـت و گاز سـرو و مشـارکت شـرکت پتروشـیمی رازی؛ تولیـد نانـو کاتالیسـت ریفرمینـگ نفتـا.

در سـال ۱۳۹۵ مراکـز علمـی ـ تحقیقاتـی و شـرکت‌های بخـش خصوصـی گام‌هـای بلنـدی برداشـتند و در برخـی زمینه‌هـا بـه موفقیت‌هـای شـگرفی دسـت یافتنـد. علـت اصلـی، امضـای برجـام و برداشـته شـدن تحریم‌هـا بـود. ازجملـه، متخصصـان صنعـت پتروشـیمی موفـق شـدند کـه گاز دی اکسـیدکربن خروجـی از مشـعل پالایشـگاه‌ها را بـا اسـتفاده از آمونیـاک بـه اوره تبدیـل کننـد. در صنعـت حفـاری نیـز موفـق شـدند بـه تولیـد جرثقیل‌هـای دسـتگاه حفـاری دریایـی دسـت یابنـد. بومی‌سـازی ۱۰ گـروه کالای مـورد نیـاز صنعـت نفـت، ایجـاد شـرکت‌های اکتشـاف و تولیـد (E&P) و شـرکت‌های پیمانـکار عمومـی (GC) بـرای انتقـال و توسـعه فنـاوری، فعـال کـردن ایـن شـرکت‌ها بـا هـدف ارتقـای تـوان داخلـی و پیاده‌سـازی سیاسـت بـازار در مقابـل توسـعه فنـاوری در اولویـت قـرار گرفـت.

از دیگر اقدامات این سال، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

راه‌انـدازی سـایت همایـش «صنعـت نفـت دانش‌بنیـان، تبلـور اجـرای سیاسـت‌های اقتصـاد مقاومتـی»؛

معرفی مگاپروژه‌های دانش‌بنیان؛

امضـای ۱۲ قـرارداد تحقیقاتـی بیـن شـرکت‌های اصلـی زیرمجموعـه وزارت نفـت بـا دانشـگاه‌ها و مراکـز پژوهشـی بـرای تولیـد لایسـنس در بخـش پایین‌دسـتی صنعـت نفـت بـه همـراه پیش‌پرداخـت؛

بومی‌سـازی دسـتگاه کنتـرل دور پمپهـای گـردش آمیـن در واحدهـای تصفیـه گاز شـرکت پالایـش گاز شـهید هاشـمی‌نژاد؛

افتتـاح خـط تولیـد انـواع کاتالیسـت‌های یکـی از شـرکت‌های دانش‌بنیـان بـا ظرفیـت

سالانه دو هزار و ۲۰۰ تن در استان البرز؛

طراحی و ساخت کامیون نمودارگیری درون‌چاهی (Well logging) در استان خوزستان.

اردیبهشت ماه ۱۳۹۶ با اعلام بومی‌سازی دانش فنی تولید گرید جدید لوله پلی‌اتیلن سنگین (High Performance PE۱۰۰) گام بلندی به‌سوی خودکفایی در صنعت پتروشیمی برداشته شد. پس از پتروشیمی، حوزه اکتشاف بیشترین حجم قراردادها را به خود اختصاص داد. برخی از مهم‌ترین اتفاقات این سال را می‌توان چنین برشمرد:

امضای ۵ قرارداد پژوهشی میان مدیریت اکتشاف و دانشگاه‌های شهید بهشتی، فردوسی مشهد، خوارزمی، صنعتی شاهرود و شهید چمران اهواز؛

امضای قرارداد توسعه میدان‌های سپهر و جفیر بین شرکت ملی نفت ایران و شرکت گسترش انرژی پاسارگاد؛

امضا توافقنامه توسعه و بهبود فناوری پلی پروپیلن و کاتالیست مرتبط با آن میان شرکت پژوهش و فناوری پتروشیمی و شرکت نورنر نروژ؛

تجاری‌سازی کاتالیست SAC۵۰۰ بین شرکت پژوهش و فناوری پتروشیمی و پتروشیمی شازند؛

بومی‌سازی پمپ‌های فرآیندی چند مرحله‌ای (BB۳).

بیژن زنگنه در جلسه رأی اعتماد خود در ۲۸ مرداد ۱۳۹۶ اقداماتی که وزارت نفت در چهار سال گذشته در حمایت از سازندگان داخلی انجام داد را چنین برشمرد: «طرح‌های ساخت داخل که موردعلاقه نمایندگان محترم است و درست هم است، این است که ما آمدیم کارهای بزرگی کردیم. آخرین قراردادی که ما بستیم، بالای ۶۰۰ میلیون دلار بود که با یک شرکت ایرانی، با یک شرکت خارجی برای ساخت لوله‌های بدون درز مقاوم به خوردگی بسته شد. این لوله‌ها به اسم آن شرکت خارجی قابل صادرات و عرضه در بازارهای جهانی خواهد بود و خود ما هم برای همیشه خودکفا خواهیم شد و قراردادهای دیگری که برای ساخت مته، ساخت لوله‌های بدون درز و ساخت تجهیزات درون‌چاهی بسته شده است.»[۱]

حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان و ساخت داخل در دوره بعدی وزارت زنگنه ادامه یافت. در سال ۱۳۹۷ مراکز علمی ـ دانشگاهی دست به اقدامات متهورانه‌ای زدند. مهندسی معکوس و الگوبرداری از طرح‌های خارجی و طراحی از نقطه صفر تجهیزات پرکاربرد در

۱ . مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، جلسه ۱۳۳، ۲۸ مرداد ۱۳۹۶.

دانشگاه‌های تربیت مدرس، پژوهشگاه صنعت نفت، دانشگاه امیرکبیر و مراکز علمی بخش خصوصی و شرکت‌های دانش‌بنیان پی گرفته شد. برخی از این دستارودها در سال ۱۳۹۷ را می‌توان در پایین مشاهده کرد:

ساخت نخستین کامیون نمودارگیری و چاه‌پیمایی با حمایت شرکت بهره‌برداری نفت و گاز زاگرس جنوبی و ازسوی شرکت فالیز پژوهش پارس؛

تفاهم‌نامه همکاری تولید صنعتی کاتالیست‌های هیدروکراکینگ و تصفیه هیدروژنی برش‌های سنگین نفتی (RCD) میان شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی و شرکت اکسیر نوین فرآیند آسیا و پژوهشگاه صنعت نفت؛

بومی‌سازی پمپ درون‌چاهی میله‌ای مکشی (SRP) با همکاری مناطق نفت‌خیز جنوب و دانشگاه چمران؛

بومی‌سازی دانش ساخت پمپ‌های دنده‌ای در پتروشیمی جم؛

طراحی و راه‌اندازی سامانه کنترل توربین‌های تایفون SGT۱۰۰ در مرکز انتقال نفت شهید چمران با همکاری یکی از شرکت‌های دانش‌بنیان ایرانی.

مشکلات شرکت‌های دانش‌بنیان

پس از حمایت‌های دولتی از شرکت‌های دانش‌بنیان، بسیاری از دانشجویان، نخبگان، صنعتگران و شرکت‌های دولتی در این روند گام برداشتند. در پایان سال ۱۳۹۲ تعداد شرکت‌های دانش‌بنیان تأییدشده ۵۵ شرکت بود، اما طی سال‌های ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۶ تعداد شرکت‌های دانش‌بنیان رشد چشم‌گیری یافت، به‌طوری‌که در پایان سال ۱۳۹۴ تعداد آنها به ۲ هزار و ۲۷۵ و در سال ۱۳۹۹ به رقمی حدود ۵ هزار شرکت رسید. مجموع درآمدهای شرکت‌های دانش‌بنیان از ۱۱هزار میلیارد تومان در سال ۱۳۹۳ به ۹۰ هزار میلیارد تومان در سال ۱۳۹۷ رسید و این شرکت‌ها روی‌هم‌رفته بیش از ۱۳هزار محصول دانش‌بنیان به بازار عرضه کردند.[۱] بااین‌حال، برخی از مشکلات اولیه این شرکت‌ها و مؤسسات تاکنون باقی مانده است که مهم‌ترین آنها عبارتند از: نداشتن سرمایه، پروراندن ایده‌های نوین، کمبودهای آزمایشگاهی، عدم اعتماد و نبود پارک فناوری در بخش صنعت نفت.

کمبود منابع مالی از چالش‌های اصلی شرکت‌های دانش‌بنیان است. با وجود اینکه

۱ . خبرگزاری علمی و فناوری (http://stnews.ir/)، ۴ مرداد ۱۳۹۹.

تمهیداتی برای حل این معضل اندیشیده شده است، اما بسیاری از شرکت‌ها همچنان با این معضل دست‌به‌گریبان هستند. دلایل اصلی این امر را می‌توان کاهش درآمدهای دولت و درنتیجه کاهش بودجه‌های پژوهشی و محدود شدن حمایت‌های دولتی؛ بالا بودن نرخ بهره وام‌های بانکی در کشور به‌ویژه با افزایش تورم در شرایط تحریم؛ فلج شدن سیستم بانکی کشور و عدم مراودات مالی بین‌المللی برشمرد.

با بازگشت دوباره تحریم‌ها در سال‌های ۱۳۹۷-۱۳۹۸، شرکت‌های دانش‌بنیان به‌ویژه در حوزه صنعت نفت، گاز و پتروشیمی بیشتر موردتوجه قرار گرفتند که ماحصل آن تشکیل شورای حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان در صنعت نفت بود. اردیبهشت ۱۳۹۸ وزیر نفت دستور تشکیل این شورا را به معاون امور مهندسی، پژوهشی و فناوری ابلاغ کرد. محوطه عمومی پژوهشگاه سابق صنعت نفت و بخش‌هایی از انبار کالای ری نیز برای توسعه استارت‌آپ‌ها و شرکت‌های دانش‌بنیان مرتبط با صنعت نفت در اختیار این شورا قرار گرفت.[۱] چند ماه بعد، زنگنه به خوبی به پاشنه آشیل این حرکت اشاره کرد و گفت: «بخشی از حمایتی که قرار است از شرکت‌های دانش‌بنیان و استارت‌آپ‌ها صورت گیرد، پذیرش ریسک است، چراکه ریسک نباید به مصرف‌کننده منتقل شود. اگر ریسک به مصرف‌کننده منتقل شود، مصرف‌کننده فراری می‌شود، این در حالی است که ما می‌خواهیم مصرف‌کننده پای کار بیاید، قرارداد ببندد و از بابت ریسک‌ها آسوده‌خاطر باشد.»[۲]

اعتماد به نوآوری‌ها به‌راحتی حاصل نشد. بسیاری از شرکت‌ها به جوانان و شرکت‌های دانش‌بنیان به دیده شک می‌نگریستند. گله و شکایت ازسوی آنان به مراجع بالاتر می‌رسید و در مطبوعات انعکاس می‌یافت. شرکت‌های دولتی از آنجا که با کالاها و تجهیزات معروف اروپایی ـ امریکایی کار می‌کردند، در شک و تردید بودند که آیا می‌توان چاه‌ها، مخازن و پالایشگاه‌های نفتی را با تجهیزات و نرم‌افزارهای ساخت داخل تعمیر و یا برپا کنند؟ یکی از این گلایه‌ها در سخنان علی وحدت انعکاس یافت. او که رئیس صندوق نوآوری و شکوفایی بود، در آذر ۱۳۹۸ ابراز امیدواری کرد که «صنعت نفت و گاز به‌عنوان مهم‌ترین صنعت کشور اعتماد بیشتری به جوان‌ها و شرکت‌های دانش‌بنیان داشته باشد و بسیاری از نیازها در حوزه گاز برطرف شود و میزان

۱ . تارنمای معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری، کارگروه ارزیابی و تشخیص صلاحیت شرکت‌ها و مؤسسات دانش‌بنیان و نظارت بر اجرا، ۲۹ اردیبهشت ۱۳۹۸.

۲ . خبرگزاری شانا، ۲۸ بهمن ۱۳۹۸.

قراردادهـای ایـن حـوزه نسـبت بـه سـایر حوزه‌هـا پیشـی بگیـرد.»[۱]

زنگنـه بـا نگاهـی انتقـادی ـ حمایتـی در ۲۸ بهمـن ۱۳۹۸ در خصـوص اعتمـاد بـه محصـولات شـرکت‌های دانش‌بنیـان داخلـی گفـت: «ایجـاد اعتمـاد نسـبت بـه شـرکت‌های دانش‌بنیـان و اسـتارت‌آپ‌های صنعـت نفـت در صورتـی ارزشـمند و قابـل اتـکا اسـت کـه مبتنـی بـر عقـل، قواعـد نظام‌منـد و ابزارهـای قانونـی ماننـد ضمانت‌نامـه، تأییـد صلاحیـت، داوری و... حاصـل شـود، نـه بـر پایـه احسـاس.»[۲]

تجاری‌سـازی (تبدیـل دانـش بـه ثـروت)، حلقـه زنجیـره پژوهـش تـا تولیـد اسـت. بدیـن معنی کـه یافته‌هـای علمـی و ایده‌هـای جدیـد تحقیقاتـی را بـه محصـولات و خدمـات قابـل ارائـه بـه بـازار تبدیـل کـرد. دره مـرگ اصطلاحـی اسـت کـه بـه فاصلـه بیـن مرحلـه تحقیـق و صنعتـی ـ تجـاری شـدن اشـاره دارد. ایـن اصطـلاح بـرای شـرکت‌های دانش‌بنیـان و دانشـمندان نوپـای ایرانـی دلهـره‌آور بـود، زیـرا آنـان نمی‌توانسـتند از مرحلـه تحقیـق تـا مرحلـه تولیـد تجـاری به‌راحتـی عبـور کننـد. پلـی کـه بایـد از ایـن دره مـرگ عبـور کنـد ترکیبـی از دقـت، شـکیبایی و پیـروز شـدن در مرحلـه آزمایش‌هـای اولیـه اسـت. محمدعلـی عمـادی، رئیـس پژوهشـکده ازدیـاد برداشـت، کـه هم‌زمـان بـا جـان گرفتـن شـرکت‌های دانش‌بنیـان از آنـان اسـتقبال می‌کـرد، پـس از مشـاهده چنـد ناکامـی گفـت: «مهم‌تریـن چالشـی کـه در بحـث صنعـت دانش‌بنیـان وجـود دارد، اصطـلاح «دره مـرگ» اسـت. دره مـرگ فاصلـه‌ای اسـت کـه در حـوزه تکنولـوژی و فنـاوری بیـن مرحلـه تحقیـق تـا صنعتـی شـدن وجـود دارد. بـه ایـن معنـا کـه از زمانی‌کـه یـک طـرح انتخـاب می‌شـود، مـورد تحقیـق قـرار می‌گیـرد، در مقیـاس آزمایشـگاه بررسـی می‌شـود و بعـد از نیمه‌صنعتـی شـدن، بـه بـازار تجـارت راه پیـدا می‌کنـد تـا موفـق شـود، بایـد برنامه‌ریـزی لازم بـرای آن انجـام شـود، در غیـر ایـن صـورت همـه زحمـات و تلاش‌هـا بی‌نتیجـه خواهنـد مانـد و در اصطـلاح بـه دره مـرگ ریختـه می‌شـود. بـرای پرهیـز از سـقوط بـه دره مـرگ و برنامه‌ریـزی صحیـح، بایـد سـاختارهایی تعریـف شـود کـه عمـده نقـش آنهـا را نیروهـای انسـانی لازم و نیـروی کیفـی کـه در حـوزه تحقیقـات، دانشـگاه و صنعـت و عمـلا تجـارت وجـود دارنـد، بـه عهـده بگیرنـد... در نقـاط مختلـف دنیـا ایـن موضـوع بـه شـکلی درآمـده کـه براسـاس آمـار دانشـگاه‌هایی همچـون Silicon valley و اسـتنفورد خـود دارای بیـش از دو هـزار مجموعـه دانش‌بنیـان هسـتند کـه درآمـد آنهـا هرکـدام بـالای ۲۰۰ میلیـارد دلار اسـت کـه مبلـغ بسـیار هنگفتـی در مقایسـه بـا بودجه‌هـای کشـور مـا بـه شـمار مـی‌رود. در واقـع،

۱ . روزنامه دنیای اقتصاد، ۱۸ آذر ۱۳۹۸.

۲ . خبرگزاری شانا، ۲۸ بهمن ۱۳۹۸.

بـا حمایت‌هـای دولـت و صنعـت می‌تـوان از طریـق ایـن مجموعه‌هـای دانش‌بنیـان، ارزش افزوده‌هایـی بـا مبالـغ قابـل توجـه ایجـاد کـرد.»[1]

پـس از گـذر از دره مـرگ و تبدیـل دانـش بـه محصـول تجـاری، چالـش دیگـری پیـش روی ایـن شـرکت‌ها قـرار می‌گیـرد کـه همانـا کسـب سـهم مناسـب از بـازار اسـت. بیشـتر فعـالان حـوزه دانش‌بنیـان بـه خلـق نـوآوری می‌اندیشـند، درحالی‌کـه بـرای ادامـه حیـات شـرکت ناگزیـر بـه کسـب سـود و تعییـن بـازار هـدف بـرای فـروش محصـولات نوآورانـه خـود هسـتند. اگرچـه بیشـتر فعالیـن ایـن حـوزه از نخبـگان هسـتند، امـا بسـیاری از آنهـا بـا فنـون تخمیـن صحیـح از میـزان کشـش بـازار، تحلیـل رقبـا، بازاریابـی و فـروش محصـول آشـنایی ندارنـد. برخـی نیـز بـازار مشـخص داخلـی ندارنـد و در صـورت وجـود بـازار، قـادر بـه کسـب سـهم مناسـبی از آن نیسـتند. در چنیـن شـرایطی، آنهـا نیازمنـد اسـتفاده از نیـروی انسـانی مجـرب هسـتند.

در میـان شـرکت‌های دانش‌بنیـان فعـال در حـوزه صنعـت نفـت، می‌تـوان بـه چنـد نمونـه مراجعـه و پـس از بررسـی آنهـا بـه نتایجـی دسـت یافـت. شـرکت خدمـات فنـی میادین آسـماری بـا بهره‌گیـری از دانش‌آموخته‌هـای دانشـگاه‌های شـریف و امیرکبیـر دسـت بـه نـوآوری زد. آنـان کار خـود را از سـاخت متـه حفـاری PDC و گان‌هـای مشـبک‌کاری از سـال ۱۳۹۱ آغـاز و سـرمایه مـورد نیـاز را از انباشـت سـود خـود در زمینه‌هـای لاگینـگ و مشـاوره مهندسـی برداشـت کردنـد. متـه طراحی‌شـده پـس از چندبـار آزمایـش، بـه تأییـد شـرکت بهره‌بـردار رسـید و مـورد اسـتفاده قـرار گرفـت، امـا هنـوز بـه مرحلـه تولیـد انبـوه نرسـیده اسـت. گان‌هـای مشـبک‌کاری نیـز پـس از موفقیـت در مرحلـه اجـرا، اکنـون در عملیـات شـرکت مـورد اسـتفاده قـرار می‌گیـرد. در سـال ۱۳۹۶ آنـان بـه جرگـه شـرکت‌های دانش‌بنیـان درآمدنـد. مدیـران شـرکت می‌گوینـد: «تاکنـون از تسـهیلات صنـدوق نـوآوری و شـکوفایی اسـتفاده نکردیـم و در شـمار شـرکت‌های معـاف از مالیـات درنیامدیـم. به‌رغـم آنکـه وزیـر نفـت در نمایشـگاه سـال ۱۳۹۸ از محصـولات مـا بازدیـد و ابـراز خوشـحالی کـرد و روز بعـد نیـز رئیس‌جمهـور را بـرای بازدیـد از غرفـه مـا دعـوت کـرد، وزارت نفـت تسـهیلاتی بابـت دانش‌بنیـان بـودن شـرکت در اختیـار مـا قـرار نـداده اسـت. البتـه، بایـد متذکـر شـویم کـه همکاری‌هـای وزارت نفـت و شـرکت‌های تابعـه بـه لحـاظ روحـی و انگیزه‌بخشـی بسـیار خـوب بـوده، امـا از نظـر مـادی هنـوز بهـره‌ای حاصـل نشـده اسـت.»

مدیـران شـرکت می‌گوینـد: «دانش‌آموختـگان و نخبه‌هـای شـرکت ابتـدا از روش مهندسـی معکـوس اسـتفاده و بعـد از سـاخت چنـد نمونـه آزمایشـگاهی بـه طراحـی جدیـد اقـدام کردنـد.

۱ . تارنمای شرکت ملی نفت ایران، شماره خبر: ۲۰۵۳۶/۷.

اکنـون، طراحـی ایـن دو محصـول از صفـر تـا صـد توسـط نخبـگان ایرانـی انجـام می‌شـود. مجموعـه خدمـات فنـی میادیـن آسـماری پـس از هشـت سـال آزمایش‌هـای متوالـی، اعتقـاد دارد نخبـگان جـوان ایرانـی توانایـی طراحـی، سـاخت آزمایشـگاهی و سـاخت انبـوه را بـه شـرط اعتمـاد کارفرمـا و در اختیـار گذاشـتن نقدینگـی دارنـد. همان‌گونـه کـه می‌دانیـد، کارفرمـا در صنعـت نفـت عمومـاً شـرکت‌های دولتـی هسـتند و برخـلاف اروپـا و امریـکا کـه کارفرمایـان بخـش خصوصـی هسـتند و شـرکت‌های دانش‌بنیـان بـا اسـتفاده از سـرمایه‌های سـرگردان در بخش‌هـای دیگـر می‌تواننـد ریسـک کننـد، در ایـران سـرمایه‌گذاران ریسـک‌پذیر کـه ساخت‌وسـاز مسـکن و تجـارت را رهـا کـرده و بـه حمایـت از شـرکت‌های دانش‌بنیـان اقـدام کننـد، بسـیار کـم اسـت.»[1]

فرجام برجام؛ بازگشت تحریم‌ها

سـال ۱۳۹۷، از نظـر اقتصـادی سـالی سـخت، از نظـر اجتماعـی پرحادثـه و پرالتهـاب، از نظـر سیاسـی سـال پررنگ‌تـر شـدن اختـلاف دیدگاه‌هـا و از منظـر بین‌المللـی سـالی پرتهدیـد بـود. بـرآورد ارزش افـزوده فعالیت‌هـای مختلـف اقتصـادی حاکـی از آن اسـت کـه رشـد اقتصـادی ایـران در سـال ۱۳۹۷ نسـبت بـه سـال قبـل کاهشـی بـوده اسـت کـه مهم‌تریـن دلیـل آن خـروج امریـکا از برجـام و بازگشـت تحریم‌هـا بشـمار مـی آیـد. تحت‌تأثیـر ایـن واقعـه، صـادرات نفـت و میعانـات گازی به‌شـدت کاهـش یافـت و مبـادلات بانکـی تعلیـق شـد کـه اثـرات آن بـر بخش‌هـای مختلـف اقتصـادی در سـال پیـش رو خـود را نشـان داد. عـلاوه بـر خـروج امریـکا از برجـام، پذیـرش کامـل لوایـح چهارگانـه دولـت بـرای انجـام تعهـدات نهـاد کارگـروه اقـدام مالـی (FATF) از دیگـر رویدادهـای سیاسـی مهـم سـال بـود. ایـن مسـئله در نهادهـای مختلـف کشـوری همچـون مجلـس شـورای اسـلامی و مجمـع تشـخیص مصلحـت نظـام بارهـا مـورد بحـث و بررسـی قـرار گرفـت و مسـئولان رده‌هـای مختلـف درمـورد آن اظهـار نظـر موافـق و مخالـف خـود را اعـلام کردنـد. بااین‌حـال، تصمیم‌گیـری در ایـن مـورد بـه نتیجـه نرسـید و بـه سـال آینـده موکـول گردیـد.

اردیبهشـت ۱۳۹۷، درحالی‌کـه نمایشـگاه بین‌المللـی صنعـت نفـت ایـران همچـون روال هـر سـاله در حـال برگـزاری بـود، دونالـد ترامـپ، چنانکـه وعـده داده بـود، از برجـام خـارج شـد. مسـئولان ایرانـی، ازجملـه مدیـران نفتـی، بـر ایـن موضـوع تأکیـد داشـتند کـه خـروج امریـکا

۱ . مصاحبه با شرکت خدمات فنی میادین آسماری، ۲۵ آبان ۱۳۹۹.

از برجام به صنعت نفت‌وگاز و قراردادهایی که با خارجی‌ها منعقد شده است آسیبی نخواهد زد، اما روند رویدادها خلاف آن را ثابت کرد. بازگشت تحریم‌ها بیش از همه در صنعت نفت نمود یافت. تولید و صادرات نفت ایران به‌شدت کاهش پیدا کرد، اما دولت ترامپ به این راضی نشد و علاوه بر بازگرداندن تحریم‌های تعلیق‌شده، با وضع تحریم‌های جدید تلاش کرد تا مانع صادرات نفت ایران شود. طبق آمار سازمان اوپک، در سال ۲۰۱۸ تولید نفت‌خام ایران ۳ میلیون و ۵۵۳ هزار بشکه در روز و صادرات نفت‌خام ۱ میلیون و ۸۵۰ هزار بشکه در روز بود. عرضه گاز طبیعی به بازارهای جهانی بیش از ۲۴۸ میلیارد مترمکعب و صادرات فرآورده‌های نفتی ۲۷۲ هزار بشکه در روز بود. کل تولیدات شرکت ملی صنایع پتروشیمی نیز به ۵۳۳۵۰ هزار تن رسید.[۱]

در این سال، دو اجلاس اعضای اوپک در وین برگزار شد؛ اجلاس ۱۷۴در ۱ تیر و اجلاس ۱۷۵ در ۶ مارس / ۱۶ آذر. در اجلاس دوم، اعضای اوپک تصمیم گرفتند برای جلوگیری از کاهش قیمت نفت، از ماه ژانویه (دی ماه) تولید نفت‌خام خود را ۸۰۰ هزار بشکه در روز کاهش دهند، اما ایران از این کاهش معاف شد.[۲] در پی این اقدام، قیمت هر بشکه نفت‌خام بیش از ۲ درصد افزایش یافت.[۳]

کوتاه زمانی پس از خروج امریکا از برجام، میگل آریاس کانیته، کمیسیونر انرژی اتحادیه اروپا، وارد تهران شد و با برخی از مسئولان انرژی ایران از جمله وزیر نفت، نیرو و رئیس سازمان انرژی اتمی دیدار کرد. هدف از این سفر، برطرف کردن مشکلات پیش روی برجام پس از خروج امریکا از این معاهده بود. او پس از دیدار با وزیر نفت به خبرنگاران گفت: «تلاش‌مان را می‌کنیم تا ایران بتواند جریان صادرات نفتش را مثل قبل از خروج امریکا از برجام ادامه دهد»[۴]، اما طولی نکشید که شرکت‌های اروپایی همچون توتال، انی، زیمنس، ایرباس، آلیانتس، ساگا، دنیلی، مرسک و نیز شرکت‌های چینی و کره‌ای و دیگر شرکت‌های خارجی یکی پس از دیگری ایران را ترک کردند.

تنها چند روز پس از اعلام ترامپ برای خروج امریکا از برجام، شرکت توتال بیانیه‌ای صادر و اعلام کرد که با توجه به خروج امریکا از برجام و بازگشت تحریم‌های امریکا علیه ایران، در صورتی که این شرکت مورد معافیت قرار نگیرد، چاره‌ای جز خروج از

۱ . سالنامه آماری کشور ۱۳۹۷، مرکز آمار ایران.

۲ . خبرگزاری شانا، ۱۶ آذر ۱۳۹۷.

۳ . خبرگزاری شانا، ۱۷ آذر ۱۳۹۷.

۴ . روزنامه اعتماد، ۳۰ اردیبهشت ۱۳۹۷.

پروژه توسعه فاز ۱۱ پارس جنوبی نخواهد داشت. پاتریک پویان گفت: «بدون اعمال معافیت‌های تحریمی ازسوی امریکا سرمایه‌گذاری در ایران سخت شده است و توتال نمی‌تواند خطر از دست دادن دسترسی به سیستم‌های بانکی امریکا را بپذیرد.» شرکت ایتالیایی انی نیز تصمیم گرفت توافق درباره مطالعه میدان‌های نفتی و گازی ایران را لغو کند. در طول سال، بسیاری از قراردادهای پیشین عملاً لغو گردید و اقدام جدی ازسوی شرکت‌های خارجی برای توسعه میادین نفتی و گازی به عمل نیامد. و تنها چند طرح به‌جامانده از سال‌های گذشته افتتاح شد و شرکت‌های دانش‌بنیان در زمینه ساخت تجهیزات نفتی، گازی و پتروشیمیایی به موفقیت‌هایی نائل شدند.

در مرداد ۱۳۹۷ چاپ کاغذی نشریه مشعل متوقف و انتشار الکترونیکی آن آغاز شد. شماره ۸۸۳ مشعل در یک اعلامیه نه‌چندان کوتاه با عنوان «مشعل الکترونیکی می‌شود» به دلایل این ضرورت پرداخت و از همکاران تقاضا کرد که همکاری خود را با نشریه استمرار بخشند: «این روزها که کشور شرایط ویژه را تجربه می‌کند و توجه به صرفه‌جویی و کاهش هزینه‌ها به‌عنوان یک اولویت راهبردی در اجرای سیاست اقتصاد مقاومتی ضرورتی ملی تلقی می‌شود، «مشعل» نیز انتشار الکترونیک را در دستور کار قرار داده است.»[1]

در همین سال، دو حمله تروریستی در اهواز و زاهدان فضای سیاسی کشور را ملتهب کرد. نخستین حمله، در ۳۱ شهریور به رژه نیروهای مسلح در اهواز صورت گرفت. در این حمله تروریستی، ۲۵ نفر از شهروندان کشته و بیش از ۷۰ نفر زخمی شدند که همگی افرادی غیرنظامی بودند. گروه تروریستی الاحوازیه مسئولیت این حمله را برعهده گرفت. ۲۵ بهمن، اتوبوس حامل یکی از یگان‌های قرارگاه قدس نیروی زمینی سپاه در جاده خاش ـ زاهدان هدف حمله‌ای انتحاری قرار گرفت. ۲۷ نفر از محافظان مرزهای میهن شهید و تعدادی زخمی شدند. گروهک تروریستی جیش‌العدل مسئولیت این حمله را پذیرفت.

۱ . مشعل، شماره ۸۸۳، ٦ مرداد ۱۳۹۷، ص ۱.

تولید و توسعه

در سال‌های اخیر، مبحثی به‌عنوان مسائل تولید نفت و گاز در دو بخش نظری ـ راهبردی و عملیاتی ـ فنی بین کارشناسان ارشد دولت، مجلس و مراکز پژوهشی مطرح بوده است. مسائل تولید به جنبه‌های پیچیده اقتصادی، فنی و تکنولوژی، زمین‌شناسی مخزن و مسائل سیاسی مربوط می‌شود و نمی‌توان هرکدام از این مسائل را به مثابه یک مبحث مجزا مورد تحلیل و بررسی قرار داد. مسائل تولید را به چند دسته می‌توان تقسیم کرد: ۱. جنبه پارداوکسیکال تولید و سیاست ـ بودجه؛ ۲. هزینه تولید؛ ۳. عمر مخازن؛ ۴. کاهش تکلیفی تولید و عواقب آن؛ ۵. ازدیاد برداشت و استفاده از تکنولوژی‌های جدید؛ ۶. تولید صیانتی.

مسئله مهم در زمینه تولید، جنبه پارادوکسیکال تولید با سیاست ـ بودجه است. حاکمیت از یک‌سو، شعار و دستیابی به هدف پرهیز از خام‌فروشی را مطرح و ازسوی دیگر، دولت در مرحله اجرا به تولید ۴ تا ۵ میلیون بشکه در روز چشم دوخته است. روند تاریخی حاکی از آن است که از دهه ۱۳۰۰ دولت‌ها برای سرعت بخشیدن به پروژه‌های عمرانی و سامان دادن به دیوانسالاری، علاقه به فروش هرچه بیشتر نفت‌خام داشته‌اند. فروش بیشتر نفت‌خام به‌معنای درآمد بیشتر و تأمین ارز موردنیاز برای اجرای برنامه‌های دولت بود. پس از انقلاب نیز این روند ادامه یافت و دولت‌هایی که بر سر کار آمدند، به رغم شعارهای مربوط به چشم‌انداز کاهش وابستگی بودجه به نفت، افزایش فروش نفت‌خام را دنبال می‌کردند. در دوران جنگ و سازندگی دولت ناچار بود بودجه جنگ و هزینه بازسازی‌های پس از جنگ را تأمین کند. باید توجه داشت که مسئله تولید نفت با بودجه و استراتژی دولت رابطه مستقیم دارد. ازسوی دیگر، ایران نمی‌تواند تمامی نفت‌خام و البته گاز خود را در صنایع تبدیلی به فراورده با کیفیت تبدیل کند، چرا که این فرایند به سرمایه هنگفت و دانش فنی نیاز دارد. بنابراین، بودجه‌بندی دولت و برنامه پنج‌ساله است که چشم‌انداز سطح تولید را مشخص می‌کند. چنانچه درآمد حاصل از فروش نفت‌خام را از بودجه حذف کنیم، بحران مالی و تورم پدیدار می‌گردد که در دو سال اخیر این اتفاق رخ داد.

حذف درآمد حاصل از فروش نفت‌خام زمانی میسر است که حجم صادرات فراورده‌های نفتی مانند بنزین و گازوئیل و نفت‌کوره مرغوب به‌قدری افزایش یابد که کسری ناشی از فروش نفت‌خام را جبران کند. این نکته را هم باید در نظر بگیریم که

نفت جزء انفال محسوب می‌شود و صددرصد عواید حاصل از آن به خزانه دولت واریز می‌گردد. در صورتی‌که فراورده‌های پتروشیمیایی و یا فراورده‌های نفتی اغلب به بخش خصوصی و یا خصولتی تعلق دارد. اگر بخواهیم از خام‌فروشی بپرهیزیم، باید به صنایع تبدیلی روی آوریم. بدین معنی که پالایشگاه‌ها و پتروپالایشگاه‌ها را گسترش دهیم تا انواع نفت‌خام ایران را به فراورده‌های مختلف تبدیل کنند. در حال حاضر، حداکثر ظرفیت پالایشگاه‌های کشور ۲ میلیون و ۱۵۰ هزار بشکه در روز است[۱] و پتروپالایشگاه‌ها هنوز در ایران توسعه نیافته‌اند. کاهش تولید و یا صادرات نفت‌خام موقعیت ایران را در اوپک تضعیف می‌کند. به همین دلیل به‌رغم تحریم‌های شدید در این دوره، دولت مکلف بود اجازه ندهد سطح تولید از اندازه معینی کمتر شود. همچنین، باید توجه داشت که انواع تحریم‌ها و منازعات بین‌المللی از عوامل مؤثر در کاهش فروش نفت‌خام و فراورده‌ها هستند.

برای سرمایه‌گذاری در طرح‌های اکتشافی و توسعه‌ای میادین نفتی، تخمین قیمت تمام‌شده تولید هر بشکه نفت‌خام ضروری است. هزینه تمام‌شده تولید هر بشکه نفت‌خام در سال ۱۳۹۰ / ۲۰۱۱ از این قرار بود: عربستان و عراق ۴ تا ۶ دلار؛ امارات متحده عربی ۷ دلار؛ ایران و عمان و قطر و لیبی و الجزایر ۱۰ تا ۱۵ دلار؛ قزاقستان ۱۰ تا ۱۸ دلار؛ ونزوئلا ۲۰ دلار؛ اکوادور ۲۰ دلار؛ نیجریه ۱۵ تا ۳۰ دلار.[۲] همچنین، هزینه تمام‌شده تولید نفت‌خام ایران در سال ۲۰۱۶ حدود ۹/۰۸ دلار تخمین زده شد.[۳]

عمر مخازن نفت و گاز در هر کشوری متفاوت است. در ایران در سال‌های نخست پس از انقلاب بارها کارشناسان اعلام کردند که بسیاری از مخازن زاگرسی در نیمه دوم عمر خود قرار دارند. در دوران اصلاحات (۱۳۷۶-۱۳۸۴) طرح اکتشاف و تولید با هدف حل مشکلات مخازنی که در سال‌های پایانی عمر خود بودند، کلید خورد. از آنجا که در بخش اکتشاف در فصل‌های گوناگون کتاب به این موضوع اشاره کردیم، در این بخش در حد اشاره به آن بسنده می‌کنیم.

کاهش تکلیفی تولید از دیگر مسائلی است که در سال‌های اخیر به دلیل وضع تحریم بارها ازسوی وزارت نفت اعمال شده است. پس از شدت گرفتن تحریم‌های بین‌المللی،

۱ . خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، ۱۶ بهمن ۱۳۹۹.
۲ . ماهنامه اکتشاف و تولید، شماره ۸۴، آبان ۱۳۹۰، ص ۲۰.
۳ . خبرگزاری مشرق‌نیوز، ۱۸ آذر ۱۳۹۹.

صادرات نفت ایران کاهش چشمگیری یافت و دولت ناچار به سیاست کاهش تولید روی آورد. برخی از چاه‌ها بسته شدند و تولید برخی چاه‌ها نیز کاهش یافت. این امر در درازمدت به چاه‌هایی که مشمول سیاست کاهش تولید شده‌اند آسیب وارد می‌کند. ممکن است برخی از چاه‌ها به علت افت فشار مخزن پس از مدتی توان تولید خود را از دست بدهند و تولید از برخی دیگر نیز به استفاده از تجهیزات جدید نیاز پیدا کند. زنگنه اعتقاد داشت که به‌رغم کاهش صادرات نفت‌خام، ظرفیت تولید نباید کاهش یابد. در گذشته نیز غرضی و آقازاده چنین اعتقادی داشتند. استدلال آن بود که درصورت برداشتن تحریم‌ها، ایران باید بلافاصله جایگاه ازدست‌رفته خود در بازارهای جهانی را بازیابد. علاوه بر کاهش تکلیفی تولید، کاهش فشار برخی چاه‌ها به‌ویژه در میادین خلیج‌فارس، فرسودگی تجهیزات درون‌چاهی و رسیدن به نیمه دوم عمر برخی از چاه‌های میادین خوزستان از دیگر موانع تولید در این دوره بود. بر اساس همین دیدگاه، ازدیاد برداشت و توسعه میادین به‌ویژه میادین مشترک با اهداف متفاوتی عملیاتی گشت.

طرح‌های ازدیاد برداشت با به‌کارگیری روش‌های گوناگون و متعدد فنی از راهکارهای وزارت نفت برای افزایش تولید بود. استخراج نفت فرایند نسبتاً پیچیده‌ای دارد که اگر وضعیت سنگ مخزن و کیفیت شیمیایی نفت به‌درستی مطالعه نشود و راهکار مناسبی برای نحوه استخراج نفت از آن اتخاذ نگردد، حجم زیادی از نفت در مخزن باقی خواهد ماند و مخزن آسیب خواهد دید. شرکت‌های نفتی به دنبال دانش و ابزاری هستند تا میزان برداشت نفت را افزایش دهند. مطالعه برای ازدیاد برداشت از مخازن از دوران سازندگی آغاز و در دوران اصلاحات عملیاتی شد. در دولت تدبیر و امید نیز استفاده از روش‌های جدید و فناوری‌های نوین برای ازدیاد برداشت از میادین نفتی بیشتر از قبل موردتوجه قرار گرفت. ابتدا، کنسرسیوم دانشگاهی ازدیاد برداشت از مخازن نفت و گاز کشور[1] به پژوهشکده بدل شد. علی عمادی، رئیس کنسرسیوم ازدیاد برداشت، علت تشکیل این پژوهشکده را تشریح کرد و گفت: «بر اساس برنامه‌ریزی انجام‌شده، پژوهشکده ازدیاد برداشت نفت به‌عنوان هاب ازدیاد برداشت نفت و گاز ایران و دانشگاه‌های صنعتی شریف، تهران، سهند تبریز، صنعت نفت، شیراز و امیرکبیر به‌عنوان بازوهای اجرایی و اقماری این پژوهشکده فعالیت می‌کنند.»[2] مرداد ۱۳۹۸ نیز فاز نخست انتقال و توسعه فناوری بخش بالادست (بهبود تولید و ازدیاد برداشت در ۲۰ میدان نفتی و گازی شامل ۵۲

۱. کنسرسیوم ازدیاد برداشت در خرداد ۱۳۹۱ کار خود را آغاز کرده بود.

۲. خبرگزاری شانا، ۱۷ دی ۱۳۹۲.

مخـزن) بـا همـکاری ۹ دانشـگاه و مرکـز تحقیقاتـی آغـاز شـد.[۱]

قراردادهـای متعـددی بـا عنـوان طـرح ازدیـاد برداشـت نیـز در ایـن دوره بـه امضـا رسـید. ازجملـه، شـرکت ملـی مناطـق نفت‌خیـز جنـوب در آذر ۱۳۹۶ پنـج قـرارداد پژوهشـی در حـوزه ازدیـاد برداشـت و بهبـود تولیـد از ۶ میـدان نفتـی اهـواز، گچسـاران، کوپـال، منصـوری، کرنـج و بی‌بی‌حکیمـه را امضـا کـرد.[۲] شـهریور ۱۳۹۹ نیـز شـرکت ملـی نفـت ۱۳ قـرارداد کلان پژوهشـی در حـوزه ازدیـاد برداشـت را بـا دانشـگاه‌های تهـران، صنعتـی شـریف، صنعتـی امیرکبیـر، سـهند تبریـز، شـیراز، صنعـت نفـت، آزاد اسـلامی، فردوسـی مشـهد، علـم و صنعـت، شـهید چمـران اهـواز، صنعتـی اصفهـان، خلیج‌فـارس و پژوهشـگاه صنعـت نفـت امضـا کـرد.[۳] همچنیـن، بـا حفـر چاه‌هـای جدیـد در برخـی از میدان‌هـا و نصـب تجهیـزات و به‌روزرسـانی تأسیسـات بهره‌بـرداری سـطح تولیـد در برخـی از میدان‌هـای نفتـی افزایـش یافـت.

بهره‌بـرداری از میادیـن مشـترک گازی و نفتـی یکـی از راهبردهـای نظـام در دهه‌هـای گذشـته بـوده اسـت. حاکمیـت، کارشناسـان و پیشکسـوتان در ایـن عقیـده هـم‌رأی بودنـد کـه برداشـت از میادیـن مشـترک بایـد در اولویـت اسـتراتژی‌های وزارت نفـت قـرار گیـرد. اسـتدلال آن بـود کـه رقبـا صبـر نمی‌کننـد تـا صنعـت نفـت ایـران بـه کارهـای خـود سروسـامان دهـد و سـپس تولیـد را آغـاز کننـد. بـه همیـن دلیـل اسـتراتژی اکتشـاف و تولیـد و توسـعه مخـازن مشـترک حتـی در سـال‌های جنـگ یکـی از اولویت‌هـای وزارت نفـت بـود و در سـال‌های پـس از جنـگ بـا جدیـت بیشـتری دنبـال شـد. بیـژن زنگنـه در دوران سـوم وزارتـش، چنان‌کـه در مجلـس قـول داده بـود، بـرای تعییـن تکلیـف میدان‌هـای مشـترک اقداماتـی را بـه عمـل آورد. آمـار و ارقـام نیـز حاکـی از آن اسـت کـه وزارت نفـت در تمامـی میادیـن مشـترک فعالیت‌هـای خـود را در سـطوح مختلـف تشـدید کـرد و زنگنـه یکـی از افتخـارات خـود را بـه سـرانجام رسـاندن میادیـن مشـترک عنـوان کـرد کـه بـا آمـار موجـود تأییـد می‌شـود و در سـال ۱۳۹۹ ایـران بـه رکـوردی مهـم و بی‌سـابقه در برداشـت از میدان‌هـای مشـترک نفـت و گاز دسـت یافـت.[۴]

در ایـن دوره، برخـی از میدان‌هـای مشـترک مـورد برآوردهـای فنـی جدیـد، حفـاری و نصـب تجهیـزات قـرار گرفتنـد و برخـی هـم بـه بهره‌بـرداری رسـیدند. بـه فازهـای میـدان پـارس جنوبـی و بلـوک اکتشـافی سـردار جنـگل در جـای خـود پرداخته‌ایـم. میادیـن نفتـی مرزهـای

۱ . خبرگزاری شانا، ۲۶ مرداد ۱۳۹۸.

۲ . خبرگزاری شانا، ۱۱ آذر ۱۳۹۶.

۳ . خبرگزاری شانا، ۳۱ شهریور ۱۳۹۹.

۴ . خبرگزاری شانا، ۲۷ اسفند ۱۳۹۹.

غربی کشور مشترک با عراق در این دوره بیشتر مورد توجه قرار گرفت. ازجمله، طرح توسعه میدان مشترک آزادگان جنوبی در سال ۱۳۹۸ به پایان رسید و ظرفیت تولید این میدان از ۴۰ هزار بشکه در روز، به ۱۴۰ هزار بشکه افزایش یافت. ۱۱ اسفند ۱۳۹۹ نیز تولید از میدان مشترک آذر با ظرفیت ۶۵ هزار بشکه در روز آغاز شد. میدان نفتی یاران شمالی نیز با ظرفیت ۳۰ هزار بشکه در روز در سال ۱۳۹۵ به بهره‌برداری رسید و یک سال بعد، برداشت نفت از یاران جنوبی آغاز شد. ۲۱ تیرماه ۱۳۹۹ نیز قراردادی برای طرح توسعه میدان نفتی یاران با شرکت توسعه صنعت نفت و گاز پرشیا امضا شد.

روند تولید (۱۳۹۲-۱۳۹۹)

رکن‌الدین جوادی، علی کاردر و مسعود کرباسیان در این سال‌های مدیریت شرکت ملی نفت را بر عهده داشتند. آنها، هم‌سو با سیاست‌های وزارت نفت، تلاش خود را برای افزایش تولید نفت در این سال‌ها به کار گرفتند. در سال ۱۳۹۲ ایران هفتمین کشور تولیدکننده نفت‌خام جهان بود. به علت ادامه تحریم‌ها و اعمال سیاست کاهش تکلیفی، متوسط تولید نفت‌خام ۳ میلیون و ۶۰۰ هزار بشکه در روز بود که ۸۵ درصد آن در مناطق خشکی و ۱۵ درصد در مناطق دریایی تولید شد. در این سال، ۱۱ پروژه تزریق گاز در مناطق نفت‌خیز جنوب، یک پروژه تزریق گاز در شرکت بهره‌برداری نفت و گاز اروندان و پنج پروژه تزریق آب در شرکت نفت فلات قاره در حال اجرا بود. به‌کارگیری تلمبه‌های درون‌چاهی به‌عنوان روش فرازآوری مصنوعی و همچنین حفاری‌های افقی و انحرافی برای به حداکثر رساندن تولید به روش صیانتی نیز در برخی از میادین نفتی اجرا شد. در برخی میادین با مخازن پیچیده و نیز میادینی که در نیمه دوم عمر خود قرار دارند پمپ‌های درون‌چاهی را به کار گرفتند.[۱]

در سال ۱۳۹۶، تولید نفت‌خام کشور ۳ میلیون و ۸۰۰ هزار بشکه در روز بود که حدود ۹۰ درصد آن در مناطق خشکی و مابقی در مناطق دریایی تولید شد. در این سال برای افزایش تولید و بازیافت از مخازن، علاوه بر تزریق گاز و آب، از فرازآوری مصنوعی با گاز، نیتروژن و پمپ‌های درون‌چاهی هم استفاده شد.[۲]

از میزان تولید ایران در سال‌های ۱۳۹۷ تا ۱۳۹۹ منابع رسمی در دسترس نیست و

۱ . ترازنامه هیدروکربوری، سال ۱۳۹۲.

۲ . ترازنامه هیدروکربوری، سال ۱۳۹۶.

به آمار سایت‌های معتبر رجوع کرده‌ایم. بر اساس گزارش اوپک، تولید نفت ایران در ماه اکتبر / آبان ۱۳۹۹ یک میلیون و ۹۴۷ هزار بشکه در روز بود که در ماه نوامبر / آذر به حدود یک میلیون و ۹۸۶ هزار بشکه در روز رسید.[۱] در ماه‌های بعدی، بازهم تولید نفت ایران افزایش یافت. اوپک در جدیدترین گزارش‌های خود به نقل از منابع دست‌دوم، تولید نفت ایران در ماه بهمن را ۲ میلیون و ۸۴ هزار بشکه در روز اعلام کرد.[۲]

حفاری

از مهم‌ترین عوامل در دستیابی به اهداف تولیدی ـ اکتشافی، برنامه‌ریزی مناسب برای حفاری چاه‌ها است. حیدر بهمنی، سپهر سپهری و عبدالله موسوی در دولت تدبیر و امید سکان هدایت شرکت ملی حفاری را بر عهده داشتند. در سال ۱۳۹۲، شرکت ملی حفاری با ۶۸ دکل در مناطق خشکی، ۶ دکل در مناطق دریایی و ۲۰ دکل حفاری در چارچوب پروژه‌های بین‌المللی در خشکی و دریا در حال فعالیت بود. در این سال، دکل‌های شرکت ملی حفاری درمجموع ۱۸۶ حلقه چاه با متراژ حدود ۳۴۰ کیلومتر حفاری کردند. از این تعداد، ۲ حلقه چاه اکتشافی، ۸۷ حلقه چاه توسعه‌ای و ۹۷ حلقه چاه تعمیراتی ـ تکمیلی بود. همچنین، ۸۶۷۰ عملیات خدمات جانبی نیز روی چاه‌های نفت و گاز انجام شد.[۳]

تعداد چاه‌های حفاری‌شده در سال ۱۳۹۶ کاهش یافت. در این سال، ۱۵۹ حلقه چاه با متراژ ۲۵۴ کیلومتر حفاری شد. مجموع چاه‌های حفاری‌شده در این سال ۱۵۹ حلقه بود که ۲ حلقه اکتشافی، ۷۰ حلقه توسعه‌ای ـ توصیفی و ۸۷ حلقه تعمیراتی ـ تکمیلی بودند. همچنین، ۸۱۸۸ عملیات خدمات جانبی روی چاه‌های نفت و گاز انجام شد.[۴] از فعالیت‌های حفاری در سال ۱۳۹۹ منابع رسمی همچون ترازنامه در دسترس قرار ندارد. طبق گفته احمد تمدن، سرپرست معاونت عملیات حفاری شرکت ملی حفاری، تا بهمن سال ۱۳۹۹ درمجموع ۱۰۶ حلقه چاه در مناطق دریایی و خشکی حفاری و تکمیل شد که ۲۵ حلقه آن توسعه‌ای ـ توصیفی، ۷۷ حلقه تعمیری و ۴ حلقه اکتشافی بود.[۵]

---

۱ . خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲۵ آذر ۱۳۹۹.
۲ . خبرگزاری خبرآنلاین، ۲۶ بهمن ۱۳۹۹.
۳ . ترازنامه انرژی، سال ۱۳۹۲.
۴ . ترازنامه انرژی، سال ۱۳۹۶.
۵ . خبرگزاری شانا، ۲ اسفند ۱۳۹۹.

اکتشاف

در فصل‌های پیشین، درباره برنامه توسعه شرکت ملی نفت ایران در افق ۱۳۸۴-۱۴۰۴ توضیح مبسوطی داده شد. بخشی از این برنامه به عملیات اکتشافی مربوط می‌شد که می‌بایست در طول بیست سال میادین نفت و گاز در مرز مشترک و حوزه درون‌سرزمینی سامان می‌گرفت. طرح‌های اکتشافی دوره ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۴ پربار بود. دوره پسین نیز در میادینی همچون فروزان، مناطق مرکزی، آذر، پارس جنوبی و هویزه ـ جفیر عملیات اکتشافی صورت گرفت. در دوره ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۹ شرکت‌های دانش‌بنیان و دانشگاه‌ها به کمک مدیریت اکتشاف آمدند و برخی از پروژه‌های پژوهشی و عملیات اکتشاف برون‌سپاری گردید. از آنجا که بیشتر مخازن هیدروکربوری ایران در نیمه دوم و نزدیک به سال‌های پایانی عمر شناسایی خود قرار دارند، کشف میادین جدید و اکتشاف در اعماق مخازن در حال تولید با روش‌های نوین و توسعه فعالیت‌های اکتشافی در تمامی حوضه‌های رسوبی در دستور کار مدیریت اکتشاف قرار گرفت. همچنین، مطالعه و بررسی مخازن پالازوئیک زیرین با هدف کشف و استخراج منابع هیدروکربوری جدید به‌عنوان اولویت این مدیریت در نظر گرفته شد. به این نکته نیز باید توجه کرد که ضریب موفقیت یکی از شاخص‌های مهم فعالیت‌های اکتشافی است و نسبت چاه‌هایی که به مرحله تولید اقتصادی می‌رسند به کل تعداد چاه‌های حفرشده است. در سال‌های اخیر، دامنه فعالیت‌های اکتشافی کشور کوچک‌تر شده است، درنتیجه ضریب موفقیت نیز کاهش می‌یابد. بااین‌حال، به دلیل وجود پتانسیل‌های زیادی که در ایران وجود دارد، ضریب موفقیت همواره بالا و در سال ۱۳۹۳ حدود ۷۰ درصد بود.[۱] در سال ۱۳۹۸ / ۲۰۱۹ نیز ایران با کشف ۴/۹۷۳ میلیارد بشکه معادل هیدروکربن مایع ذخیره قابل برداشت، جایگاه نخست بین‌المللی از نظر مجموع حجم اکتشافات نفت‌وگاز را کسب کرد.[۲]

در دوره تحریم و برجام، هرمز قلاوند از شهریور ۱۳۹۱ تا اسفند ۱۳۹۴ و سیدصالح هندی از اسفند ۱۳۹۴ مدیریت اکتشاف شرکت ملی نفت را راهبری کردند. سیدصالح هندی در مراسم معارفه، برنامه‌های خود را چنین تشریح کرد: «مهم‌ترین اولویت اکتشافی، کشف نیروهای زبده است و بی شک همان‌طور که سرمایه‌های انسانی، بزرگ‌ترین سرمایه هر سازمانی به شمار می‌رود، در مدیریت اکتشاف نیز این نوع نگاه به منابع انسانی حاکم

۱ . ترازنامه هیدروکربوری، سال ۱۳۹۳؛ هرمز قلاوند، مدیر وقت اکتشاف شرکت ملی نفت، در اسفند ۱۳۹۳، ضریب موفقیت اکتشاف در ایران را بیشتر از امریکا دانست. (خبرگزاری شانا، ۲۴ اسفند ۱۳۹۳)

۲ . خبرگزاری شانا، ۲۷ اسفند ۱۳۹۹.

خواهد بود. من به سیاستگذاری متمرکز همراه با تفویض اختیار معتقدم و بهبود مستمر باید به‌عنوان یک اصل اجتناب‌ناپذیر همواره مدنظر باشد.»[۱]

ازجمله اقدامات راهبردی که در این دوره در زمینه اکتشاف انجام شد، تشکیل شورای‌عالی اکتشاف بود. شهریور ۱۳۹۴، بیژن زنگنه تشکیل شورای‌عالی اکتشاف را اعلام کرد و آن را همسو با سیاست‌های کلی ابلاغی مقام معظم رهبری مبنی‌بر اتخاذ تدابیر و راهکارهای مناسب برای اکتشاف نفت وگاز و شناسایی کامل منابع کشور[۲] دانست. وزیر نفت (یا نماینده او) ریاست این شورا را بر عهده داشتند. معاونت برنامه‌ریزی و نظارت بر منابع هیدروکربوری، مدیرکل ذیربط در آن معاونت (به‌عنوان دبیر جلسه)، معاون پژوهش و فناوری وزیر، مدیرعامل، مدیر اکتشاف و مدیر برنامه‌ریزی تلفیقی شرکت ملی نفت ایران و ۶ تن از کارشناسان برجسته در امر اکتشاف نفت (به انتخاب وزیر) از اعضای شورا بودند. با حکم وزیر و با استناد به بند ب، جزء ۴ سیاست‌های اکتشاف منابع نفت وگاز، دکتر حسین رحیم‌پور بناب، دکتر رضا موسوی حرمی، دکتر عبدالکریم جواهریان، سیدمحمود محدث، علی مشتاقیان و حسین روشندل توسط وزیر به‌عنوان اعضای شورا منصوب شدند.

بررسی و تصویب برنامه پیشنهادی شرکت ملی نفت ایران برای اکتشاف منابع نفتی کشور تا افق چشم‌انداز سال ۱۴۰۴، ارزیابی اقدام‌های اکتشافی انجام‌شده، بررسی و تصویب برنامه‌های مربوط به ساماندهی توسعه دانش فنی و نیز انتقال فناوری در امور مربوط به اکتشاف نفت و بررسی راهکارهای تقویت و مشارکت بخش خصوصی داخلی در فعالیت‌های اکتشافی از وظایف این شورا بود. حضور بخش خصوصی در فعالیت‌های بالادستی ازجمله عملیات اکتشاف پس از چند سال بحث و بررسی در سطح وزارت نفت و حاکمیت، سرانجام به نتیجه رسید. در سال ۱۳۹۵ تصمیم بر آن شد که بخشی از عملیات بالادستی اکتشاف و تولید به شرکت‌های صاحب صلاحیت ایرانی سپرده شود.

شرکت‌های اکتشاف ـ تولید (E&P)

یکی از ویژگی‌های دوره مورد بررسی، شکل‌گیری شرکت‌های E&P ایرانی و فعالیت

۱ . خبرگزاری شانا، ۱۹ اسفند ۱۳۹۴.

۲ . در بند ۱۴ سیاست‌های ابلاغی آمده است: «افزایش ذخایر راهبردی نفت‌وگاز کشور به‌منظور اثرگذاری در بازار جهانی نفت‌وگاز و تأکید بر حفظ و توسعه ظرفیت‌های تولید نفت‌وگاز به‌ویژه در میادین مشترک.»

در حوزه بالادست صنعت نفت ایران است. به لحاظ تاریخی، این رویداد در روند دستیابی به خودکفایی که در سراسر این کتاب درباره‌اش سخن گفته‌ایم، قابل تفسیر است. شرکت‌های E&P شرکت‌هایی هستند که در حوزه اکتشاف و تولید فعالیت می‌کنند و قرار است جایگزین شرکت‌های بزرگ خارجی در صنایع نفت و گاز شوند.

گویا بیژن زنگنه از ابتدای دوره سوم وزارت خود، پس از مشورت با کارشناسان، به ضرورت تشکیل شرکت‌های E&P (اکتشاف و تولید) برای توسعه میادین اعتقاد یافت و این طرح در گفتگوهای کارشناسان در مجامع حاکمیتی ـ دولتی مورد نقد و بررسی قرار گرفت. برخی از منتقدان به حضور شرکت‌های اکتشاف و تولید ایرانی نقدهای جدی داشتند و معتقد بودند که حضور آنها در عملیات بالادستی موجب تضعیف شرکت ملی نفت می‌شود، اما زنگنه در سخنانی در مهر ۱۳۹۵ تأکید کرد که: «شکل‌گیری این شرکت‌ها از سیاست‌های ابلاغی مقام معظم رهبری نیز بوده است و ایشان حمایت کردند که این شرکت‌ها در بهره‌برداری حضور داشته باشند؛ البته بدون مالکیت در مخزن.»[۱]

برخی نیز تشکیل این شرکت‌ها را به مثابه نقطه‌عطفی در نگاه حاکمیت دانستند که گویا قرار است حکومت ایران در آینده نزدیک مالکیت برخی از مخازن کوچک را به بخش خصوصی واگذار کند و تأسیس این شرکت‌ها نقطه شروع روند جدید در آینده صنعت نفت به حساب می‌آید.

این طرح که قبل از امضای برجام مورد ارزیابی قرار گرفته بود، به مثابه الگویی برای آینده صنعت نفت ارزشمند تلقی شد و درنهایت به شکل قانون در برنامه توسعه ششم درج گردید. در این برنامه استفاده از ظرفیت بخش خصوصی در عملیات بالادستی صنعت نفت موردتأکید قرار گرفت:

«وزارت نفت مؤظف است تمهیدات لازم را برای استفاده از ظرفیت‌ها و توانمندی‌های شرکت‌های بخش خصوصی و تعاونی و نهادهای عمومی غیردولتی برای سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های اکتشاف، تولید و بهره‌برداری (نه مالکیت) میادین نفت و گاز به‌ویژه میادین مشترک در چارچوب سیاس‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی به عمل آورد.»[۲]

هر چند برخی از شرکت‌های خصوصی به آن درجه از توانایی‌های سخت‌افزاری و

۱ . خبرگزاری شانا، ۱۳ مهر ۱۳۹۵.

۲ . قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۶-۱۴۰۰)، مصوب اسفند ۱۳۹۶.

نرم‌افزاری نرسیده بودند که در ترازی بین‌المللی یک شرکت اکتشاف ـ تولید به حساب آیند، اما مدیران ارشد به توانایی‌های بالقوه آنان که می‌توانست به توانایی عملی درآید چشم دوخته بودند. در واقع، تأسیس شرکت‌های اکتشاف ـ تولید در خارج از دایره شرکت ملی نفت ایران کاری جسورانه بود و تاکنون که این کتاب در حال نگارش است، کارشناسان ارشد به‌رغم ارائه نقدهای جدی بر آن، موفقیت شرکت‌های اکتشاف ـ تولید را آرزو می‌کنند. اصولاً شرکت‌های اکتشاف ـ تولید باید به سه توانایی مهم مجهز باشند. نخست، دانش فنی در مراحل مختلف عملیات اکتشاف، هم به لحاظ تجهیزات هم به لحاظ نیروی انسانی مجرب؛ دوم، دانش فنی در طراحی تأسیسات بهره‌برداری؛ سوم برخورداری از سرمایه لازم. از آنجا که صنعت حفاری در ایران در ترازی قابل‌قبول هم به لحاظ کیفی و هم کمّی قرار دارد، شرکت‌های E&P می‌توانند از خدمات آنها بهره برند.

وزارت نفت با تدوین راهکارهایی به ارزیابی صلاحیت شرکت‌های متقاضی برای فعالیت در قالب شرکت‌های اکتشاف و تولید (E&P) و همکاری با شرکت‌های بین‌المللی در قراردادهای نفتی پرداخت. ۱۳ تیر ۱۳۹۵ معاونت امور مهندسی وزارت نفت صلاحیت ۳۷ شرکت متقاضی را بررسی کرد که در نهایت صلاحیت اولیه هشت شرکت مورد تأیید قرار گرفت: پتروپارس، مهندسی و ساختمان صنایع نفت (اویک)، انرژی دانا، توسعه پترو ایران، گروه مپنا (شرکت نفت و گاز مپنا)، قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیا، سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران (شرکت مدیریت طرح‌های صنعتی ایران) و ستاد اجرایی فرمان امام (شرکت توسعه نفت و گاز پرشیا).[1] در سال‌های بعدی تعداد این شرکت‌ها افزایش یافت و تا سال ۱۳۹۷ به ۱۷ شرکت رسید.

در سال‌های اخیر به‌ویژه با اعمال مجدد تحریم‌ها، شرکت‌های ایرانی بیشتر از قبل موردتوجه قرار گرفتند و چند قرارداد اکتشافی با آنها به امضا رسید. وزیر نفت به هنگام امضای قرارداد میدان‌های پارسی و پرنج گفت: «خوشبختانه ایده‌ای که ما درباره شرکت‌های اکتشاف و تولید (E&P) داشتیم جا افتاده است. این پنجمین قراردادی است که از نوع الگوی جدید قراردادهای نفتی در این سال‌ها امضا شده است؛ نخستین قرارداد فاز ۱۱ پارس جنوبی؛ دومین آبان و پایدار غرب؛ سومین سپهر و جفیر؛ چهارمین پایدار شرق، چشمه‌خوش و دالپری بوده است.»[2]

ازجمله منتقدان شرکت‌های اکتشاف و تولید، ناجی سعدونی است. او که مدیر پیشین

۱ . خبرگزاری شانا، ۱۳ مهر ۱۳۹۵.

۲ . خبرگزاری شانا، ۱۹ بهمن ۱۳۹۸

شرکت مهندسی و توسعه نفت بود در مصاحبه‌ای اظهار کرد: «تعریف شرکت‌های اکتشاف و تولید بیشتر یک وقت‌کشی، اعطا درجه و رتبه بندی بدون محتوا و معنی واقعی و غیر مطابق با استاندارد جهانی و تفاخر بی‌مایه بود. نکته جالبی برای شما بگویم. در فرانسه توتال، در روسیه لوک‌اویل و گازپروم و روس‌نفت، در اتریش اوامو‌ی، در نروژ استات‌اویل، در ایتالیا شرکت انی، در برزیل پتروبراس، در مالزی پترونـاس، در انگلستان BP، در اسپانیا شرکت رپسول و در چین یکی دو شرکت مثل CNPC و SINOPEC کار E&P را انجام می‌دهند و در امریکا هم حداکثر چند شرکت مهم هستند ولی ما در ایران ظرف چند ماه ۱۷ شرکت E&P خلق می‌کنیم که اغلب آنها تا مدت‌ها بیکار بوده‌اند و در پرداخت حقوق نیروهای خود در مانده‌اند.»[۱]

اسفند ۱۳۹۸ نیز دو قرارداد اکتشافی با پیمانکاران ایرانی امضا شد: عملیات غیرلرزه‌ای مکران ـ جازموریان در استان هرمزگان و عملیات لرزه‌نگاری دوبعدی زرینه‌کوه در استان خراسان رضوی با پیمانکاران ایرانی.[۲]

مهم‌ترین اقدامات

حال در این بخش، مهم‌ترین اقدامات مدیریت اکتشاف در دولت تدبیر و امید به اختصار شرح داده می‌شود. روند رویدادها در این دوره مبتنی بر تمرکزگرایی، تحول در نیروی انسانی و بهره‌جویی از شرکت‌های دانش‌بنیان بود.

در سال ۱۳۹۲، تلاش کاوشگران مدیریت اکتشاف نتیجه داد. ۱۹۶ میلیون بشکه مایعات و میعانات گازی و ۳۵۴/۶ میلیارد مترمکعب گاز خشک (همراه، کلاهک و مستقل) کشف شد.[۳] در سال ۱۳۹۳ این رقم به ۲۲۸۷/۸ میلیون بشکه نفت‌خام، ۲۲۴/۸ میلیون بشکه مایعات و میعانات گازی و ۶۹۱۴/۳ میلیارد فوت مکعب گاز خشک (همراه، کلاهک و مستقل) رسید.[۴]

در سال ۱۳۹۳ مدیریت اکتشاف برای نخستین‌بار توانست از رسوبات مربوط به پالازوئیک زیرین به گاز دست یابد. شرکت مناطق نفت‌خیز جنوب نیز در حال انجام ۱۸ طرح مطالعات زمین‌شناسی مخازن و مدل‌سازی آنها ازجمله، مطالعات جامع مخازن آسماری میدان پازنان، مطالعه جامع و مدلسازی مخزن آسماری میدان زیلایی بود. انجام

۱ . خبرگزاری مهر، ۲۹ آذر ۱۳۹۹.

۲ . خبرگزاری شانا، ۷ اسفند ۱۳۹۸.

۳ . ترازنامه انرژی سال ۱۳۹۲.

۴ . ترازنامه انرژی، سال ۱۳۹۳.

عملیات لرزه‌نگاری دوبعدی و سه‌بعدی نیز در سال‌های ۱۳۹۲ و ۱۳۹۳ پیگیری و چند قرارداد منعقد شد؛ ازجمله، قراردادی برای ۱۶ خط لرزه‌نگاری دوبعدی در میدان ذهاب کرمانشاه به طول ۱۱۰۰ کیلومتر با هدف تصویرسازی افق‌های مخزن‌ساز بنگستان تا دهرم امضا گردید. پروژه‌های سال‌های قبل نیز در این سال ادامه یافت :۱. لرزه‌نگاری میدان رامین با هدف تعیین مشخصات ساختمانی و شناخت دقیق در مخازن آسماری و بنگستان؛ ۲. لرزه‌نگاری سه‌بعدی میادین بی‌بی حکیمه، کیلور کریم، سیاه‌مکان در حوزه عملیاتی شرکت مناطق نفت‌خیز جنوب به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین پروژه‌های مطالعات میادین این شرکت؛ ۳. لرزه‌نگاری میدان‌های لالی و کارون.[۱]

عملیات زمین‌شناسی نیز در سال‌های ۱۳۹۲ و ۱۳۹۳ پیگیری شد و برش چینه‌شناسی و برش ساختمانی در نواحی مکران، مغان، زاگرس، ایران مرکزی و کپه‌داغ در حال انجام بود.[۲]

حفاری اکتشافی در دریای خزر نیز دنبال شد. نخستین چاه اکتشافی در بلوک سردار جنگل در سال ۱۳۹۱ به پایان رسید. نتایج عملیات اکتشافی حاکی از آن بود که ذخایر نفت درجای این میدان حدود ۲ میلیارد بشکه و ضریب بازیافت آن ۲۵ درصد است. پس از آن، حفر دومین چاه اکتشافی توسط شناور امیرکبیر ادامه یافت. هم‌زمان، مطالعات جامع اکتشافی، توسعه‌ای و تولید زودهنگام نیز در دست اقدام بود. عملیات لرزه‌نگاری دوبعدی و پیشرفته در دشت گرگان (استان گلستان) نیز در دو فاز غربی و شرقی ادامه یافت. همچنین عملیات‌های لرزه نگاری دو بعدی در دو فاز غربی و شرقی در استان گلستان در سال ۱۳۹۳ آغاز شد.[۳]

چنانکه گفتیم، نزدیک شدن به پایان عمر مخازن هیدروکربوری ایران، کارشناسان را بر آن داشت که فعالیت اکتشافی منابع غیرمتعارف نفتی و گازی را بررسی کنند. در سال ۱۳۹۵، کارشناسان با توجه به نتایج مطالعات سال‌های قبل، پیش‌بینی کردند که ذخایر گسترده‌ای از شیل نفتی و شیل گازی در شمال و جنوب کشور وجود دارد. وزارت نفت با تکیه بر این نتایج، فعالیت‌های اکتشافی برای کشف منابع غیرمتعارف را در سه زیرمجموعه شیل نفتی، شیل گازی و هیدرات‌های گازی دنبال کرد. منابع غیرمتعارف هیدروکربوری ایران عمدتاً در مناطق البرز مرکزی، قالی‌کوه و زردکوه استان لرستان و

۱ . ترازنامه هیدروکربوری، سال ۱۳۹۳.
۲ . ترازنامه هیدروکربوری، سال ۱۳۹۳.
۳ . ترازنامه هیدروکربوری، سال ۱۳۹۳.

دشت مغان آذربایجان قرار دارند. اولین پروژه شیل نفتی در قالی‌کوه لرستان دنبال شد.[۱]

نتیجه عملیات اکتشافی در سال ۱۳۹۵ شناسایی ۹۱۰ میلیون بشکه نفت‌خام، ۱۷۷۵۰ میلیارد فوت مکعب گاز خشک و ۱۸۸ میلیون بشکه مایعات و میعانات گازی و کشف ۷ افق و لایه مخزنی در سه میدان چارک، شهیدان و سراب بود.[۲]

در دهه ۱۳۹۰، هم‌زمان با گسترش گازرسانی به منازل مسکونی و واحدهای صنعتی مصرف گاز هم رشد پیدا کرد. با افزایش مصرف گاز و نیز قوت گرفتن اندیشه صادرات گاز و استفاده از گاز برای تولید برق، حفظ توازن تولید از طریق کشف و جایگزینی مخازن جدید، عملیات اکتشاف گاز را به یکی از اولویت‌های وزارت نفت بدل کرد. عملیات اکتشاف گاز در سال ۱۳۹۵ نتیجه‌بخش بود و در سه میدان غیرمرزی چارک در منطقه فارس ساحلی، میدان شهیدان در منطقه دزفول شمالی و میدان سراب در منطقه دزفول جنوبی گاز کشف شد. حجم گاز خشک قابل استحصال معادل ۳۴۳/۱میلیارد متر مکعب برآورد شد.[۳] سیدصالح هندی، مدیر اکتشاف شرکت ملی نفت، در ۲۵ بهمن همان سال از میزان ذخایر گازی کشف‌شده طی برنامه پنجم توسعه داد و گفت که در این مدت ۱۱ میدان گازی و ۲ مخزن گازی جدید، ۱۰ میدان نفتی و ۲ مخزن نفتی جدید کشف شده است.[۴]

اردیبهشت ۱۳۹۹ سیدصالح هندی گزارشی از فعالیت‌های اکتشافی ارائه و سال ۱۳۹۸ را سال پرباری برای اکتشاف توصیف کرد. طبق این گزارش، در سال ۱۳۹۸ درمجموع ۱۸ هزار متر چاه اکتشافی حفر شد و چاه ناموفق وجود نداشت. وزیر نفت نیز در گزارشی به رئیس‌جمهور، ضمن تشریح فعالیت‌های این وزارتخانه، فعالیت‌های اکتشافی سال ۱۳۹۸ را چنین شرح داد: «همان‌گونه که مستحضرید، استمرار فعالیت‌های اکتشافی صنعت نفت که همواره مورد اهتمام ویژه این وزارتخانه بوده، پشتوانه اساسی تولید نفت و گاز و زمینه‌ساز استمرار پویایی این صنعت است. این توجه سبب شده با وجود گذشت بیش از ۴۱ سال از پیروزی انقلاب اسلامی و تولید، مصرف و صادرات مستمر نفت و گاز در این مدت، ذخایر قابل استحصال نفت بدون تغییر باقی بماند و در بخش گاز نیز

۱ . ترازنامه انرژی، سال ۱۳۹۵.

۲ . ترازنامه انرژی، سال ۱۳۹۵.

۳ . ترازنامه انرژی، سال ۱۳۹۵.

۴ .خبرگزاری شانا، ۲۵ بهمن ۱۳۹۵.

ایـن ذخایـر هفـت برابـر شـود. بـا مجموعـه اقدام‌هـای انجام‌شـده در ایـن دولـت، از سـال ۱۳۹۲ تاکنـون تعـداد ۲۴ مـورد اکتشـاف بـا مجمـوع ۱۴.۳ میلیـارد بشـکه معـادل نفـت قابـل اسـتحصال کشـف شـده اسـت کـه میـدان گازی ارم و لایـه مخزنـی نفتـی نـام‌آوران از آن جملـه اسـت.»[۱]

اکتشافات جدید

میدان نام‌آوران

چنانکـه گفتیـم، از سـال ۱۳۹۵ کشـف منابـع غیرمتعـارف نفتـی و گازی در دسـتور کار مدیریت اکتشـاف قـرار گرفـت. بـر همیـن اسـاس، مدیریـت اکتشـاف تغییراتـی را در رویکـرد، نـگاه و حتـی سـاختار خـود ایجـاد کـرد. کشـف میـدان نـام‌آوران و میـدان گازی ارم حاصـل ایـن تغییـر رویکـرد بـود. در ایـن سـال، تأکیـد مدیریـت اکتشـاف بـر مطالعـه یکپارچـه به‌جـای نگاه‌هـای بخشـی و جزئـی بـه یـک منطقـه بـود. بـر همیـن اسـاس، عملیـات اکتشـافی در سـال ۱۳۹۵ بـا روش‌هـای روز و پیشـرفته در جنـوب غربـی شـهر اهـواز و در دو سـوی رودخانـه کارون آغـاز شـد. احتمـال وجـود نفـت در حـد فاصـل میدان‌هـای نفتـی منصـوری، آب تیمـور، سوسـنگرد، جفیـر و سـپهر کارشناسـان اکتشـاف را بـه ایـن منطقـه کشـاند. چاه‌هـای اکتشـافی آرمـان (در شـرق میـدان دارخویـن)، منصـوری غربـی (حـد فاصـل میادیـن منصـوری و آب تیمور)، سـپهر شـرقی (در شـرق میـدان سـپهر) حفـاری شـد. بـا اسـتفاده از اطلاعـات جدیـد و نیـز اطلاعـات چـاه تحدیـدی آب تیمـور-۵۳، وجـود نفـت در گسـتره وسـیع و یکپارچـه بیـن ایـن میادیـن را محـرز کـرد.[۲]

۱۹ آبـان ۱۳۹۸ رئیس‌جمهـور از کشـف میـدان نفتـی جدیـدی خبـر داد. ۲۰ آبـان، وزیـر نفـت در جمـع خبرنـگاران داخلـی و خارجـی گفـت: «بـه پـاس خدمـات همـه افـراد شـریف به‌ویـژه کارکنـان مدیریـت اکتشـاف شـرکت ملـی نفـت ایـران کـه در گوشـه و کنـار ایـن سـرزمین، بـدون هیـچ توقـع و چشم‌داشـتی بـه خدمـت بـه کشـور می‌پردازنـد، نـام ایـن مخـزن نـام‌آوران گذاشـته شـد.» نـام‌آوران در فاصلـه بیـن میدان‌هـای منصـوری و سوسـنگرد قـرار دارد. وسـعت آن ۲۴۰۰ کیلومترمربـع اسـت. لایـه نفـت‌دار به‌انـدازه ۸۰ متـر در عمـق ۳۱۰۰ متـری ایـن میـدان کشـف شـده اسـت کـه تخمیـن زده می‌شـود ۵۳ میلیـارد بشـکه حجـم ذخیـره درجـای آن اسـت.[۳]

---

۱ . خبرگزاری شانا، ۶ آبان ۱۳۹۹.

۲ . نشریه مشعل، شماره ۹۴۶.

۳ . خبرگزاری شانا، ۲۰ آبان ۱۳۹۸.

میدان گازی ارم

۲۱ مهر ۱۳۹۸ شرکت ملی نفت ایران از کشف میدان گازی جدیدی خبر داد. این میدان که «ارم» نامیده شد، در ۲۰۰ کیلومتری جنوب شیراز و ۶۰ کیلومتری شمال عسلویه قرار دارد. ذخیره گاز درجای این میدان ۱۹ تریلیون فوت مکعب (۵۴۰ میلیارد مترمکعب) تخمین زده شد که ۱۳ تریلیون فوت مکعب آن قابل برداشت است.

پس از آنکه کارشناسان مدیریت اکتشاف احتمال وجود ذخایر غنی هیدروکربوری در ناحیه ارم را تأیید کردند، شناخت دقیق‌تر و ارزیابی‌های فنی در دستور کار این مدیریت قرار گرفت. با انجام پروژه‌های لرزه‌نگاری، ثقل‌سنجی و مغناطیس‌سنجی در این ناحیه، محل چاه اکتشافی مشخص شد. پس از ۹ ماه حفاری و عبور از لایه‌های رسوبی در عمق ۴۶۳۲ متری و تفسیر نمودارهای پتروفیزیکی و لایه‌آزمایی، وجود گاز طبیعی در سازندهای مخزنی کنگان و دالان در میدان ارم اثبات شد. همجواری میدان ارم با میدان‌های گازی شانول و هما در نزدیکی پالایشگاه گاز پارسیان و وجود زیرساخت‌های مناسب می‌تواند توسعه این میدان گازی برای جبران افت تولید میدان‌های همجوار و تامین خوراک پایدار پالایشگاه گازی پارسیان را موردتوجه قرار دهد.[۱]

طرح‌های اکتشافی

در سال ۱۳۹۸ مدیریت اکتشاف برای انجام فعالیت‌های اکتشافی ده طرح تعریف کرد: خلیج‌فارس، دشت آبادان، دزفول شمالی و جنوبی، کپه‌داغ، فارس، ایران مرکزی، مغان و طرح شرق ایران، مکران و دریای عمان.[۲]

عملیات حفاری اکتشافی در ناحیه فروزان، پایان مدل‌سازی استاتیک میدان نفتی مشترک آریا، آغاز عملیات حفاری دو حلقه چاه اکتشافی جدید و اجرای پروژه برداشت و پردازش لرزه‌نگاری سه‌بعدی آپادانا، صبا و نصرت و نیز تعیین چند هدف اکتشافی جدید ازجمله فعالیت‌هایی بود که در طرح اکتشافی خلیج‌فارس برنامه‌ریزی و اجرا شد.

در طرح اکتشافی دشت آبادان فعالیت‌های عمده‌ای انجام شد که به مهم‌ترین آنها اشاره می‌شود: حفاری چاه اکتشافی مرزی مینو و کشف میدان نفتی مرزی مشترک مینو، پایان مطالعات اکتشافی لایه نفتی گدوان در قسمتی از ناحیه دشت آبادان، انجام

۱ . خبرگزاری شانا، ۲۱ آبان ۱۳۹۸

۲ . تارنمای شرکت ملی نفت ایران ،

عملیات حفاری اکتشافی در منطقه شرق دارخوین (چاه اکتشافی آرمان)، انجام عملیات حفاری اکتشافی در منطقه شرق سپهر (چاه اکتشافی سپهر شرقی) و شروع عملیات حفاری چاه اکتشافی سوسنگرد. هم‌زمان، عملیات گرانی‌سنجی و مغناطیس‌سنجی در جنوب دشت آبادان و پروژه برداشت و پردازش لرزه‌نگاری سه‌بعدی پانیذ، پردازش یکپارچه اطلاعات لرزه‌نگاری سه‌بعدی دشت آبادان، مطالعه و ارزیابی پتانسیل‌های اکتشافی دشت آبادان و مشخص شدن اهداف اکتشافی جدید در حال انجام بود.

عملیات اکتشافی در منطقه غرب میدان منصوری و میدان چشمه‌خوش، اعلام کشف نفت در افق‌های گورپی و ایلام، آغاز عملیات اکتشافی در جنوب میدان مارون (حفاری چاه اکتشافی رام)، غرب میدان مارون (چاه اکتشافی مارون غربی) و شرق سوسنگرد (چاه اکتشافی سوسنگرد شرقی) از مهم‌ترین اقداماتی بود که در طرح دزفول شمالی صورت گرفت.

گستردگی عملیات اکتشافی، انباشت تجربه و دانش در بین کارشناسان این حوزه و از همه مهم‌تر، علاقه شرکت‌های خصوصی موجب گشته است در این دوره تراز عملیات اکتشافی در تمامی سطوح نسبت به دوره پیشین ارتقا یابد و مدیریت اکتشاف کارنامه‌ای در خور تحسین در آغاز سال ۱۴۰۰ به جامعه نفتی ایران تقدیم کند.

پتروشیمی

دولت یازدهم در حالی بر سر کار آمد که ۴۶ مجتمع پتروشیمی با ظرفیت ۵۶ میلیون تن در حال تولید بودند. ۶۷ طرح پتروشیمی در حال اجرا را به ارث برد که تنها ۱۲ طرح پیشرفتی بالای ۶۰ درصد داشتند. گویی دولت یازدهم وارث طرح‌هایی بود که هنوز در حد زمین‌های خاکی باقی مانده و صرفاً کلنگ افتتاح خورده بودند. برخی از کارشناسان، واگذاری‌های کارشناسی‌نشده به بخش خصوصی و ناتوانی این بخش‌ها در مدیریت این پروژه‌ها را از دلایل اصلی عدم پیشرفت طرح‌ها دانسته‌اند.

با روی کار آمدن دولت تدبیر و امید و تغییر فضای سیاسی کشور، دوران جدیدی در صنعت پتروشیمی آغاز شد. در این دوره، عباس شعری‌مقدم، مرضیه شاهدایی، سیدرضا نوروززاده و بهزاد محمدی مدیریت شرکت ملی صنایع پتروشیمی را بر عهده داشتند. در شرایطی که نفت تحریم بود، ارزش افزوده‌ای که از طریق این صنعت کسب می‌شد، بیش از پیش اهمیت یافت. سال ۱۳۹۳ دولت مکلف شد که سهم برداشت ایران از نفت‌خام و میعانات گازی از میادین مشترک را به میزان برداشت کشورهای دارای مخازن مشترک برساند و تولید محصولات پتروشیمی را به حداقل یکصد تن در سال و ظرفیت پالایش نفت‌خام و میعانات گازی در داخل کشور را به حداقل پنج میلیون بشکه در روز افزایش دهد.[۱]

در سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۸، ۱۵ طرح پتروشیمی (۱۴ طرح تولیدی و یک طرح سرویس جانبی) با سرمایه‌گذاری ۵/۶ میلیارد دلار و ارزش تولیدات ۵/۲ میلیارد دلار (قیمت پایه سال ۱۳۹۰) به بهره‌برداری رسید.[۲] پتروشیمی‌های ایلام، لرستان، کردستان، واحد اسیدسولفوریک ارومیه، مهاباد، فاز سوم پتروشیمی شیراز، تخت جمشید پارس عسلویه، فاز ۲ پتروشیمی کارون، پتروشیمی تخت جمشید منطقه ویژه اقتصادی، فاز دوم کاویان، MEG مروارید، پلی‌استایرن انتخاب، فاز سوم آمونیاک و اوره پردیس، متانول مرجان و فاز نخست نیروگاه دماوند ازجمله طرح‌هایی بودند که در دوران دولت تدبیر و امید به بهره‌برداری رسیدند. در این دوره، عباس شعری‌مقدم، مرضیه شاهدایی، رضا نوروززاده و بهزاد محمدی مدیریت عاملی شرکت ملی صنایع پتروشیمی را بر عهده داشتند.

---

۱. خبرگزاری شانا، ۲۶ آبان ۱۳۹۳.

۲. خبرگزاری شانا، ۱۲ آذر ۱۳۹۸.

تولید و صادرات

در سال ۱۳۹۳، صنعت پتروشیمی بیش از ۴۵ درصد صادرات غیر نفتی را به خود اختصاص داده و بالاترین ارزش افزوده را داشت. در مقابل، سهم آن از نفت و گاز تولیدشده در کشور، تنها پنج درصد بود. طبق آمارهای جهانی، ایران ۲۴ درصد ظرفیت پتروشیمی خاورمیانه و ۲/۴ درصد ظرفیت جهانی پتروشیمی را در اختیار داشت. کارشناسان پیش‌بینی کرده بودند که تا سال ۱۳۹۵، ظرفیت تولید پتروشیمی در ایران به ۱۰۰ میلیون تن و ارزش صادرات به ۲۰ میلیارد دلار برسد[۱] که این درآمد، معادل درآمد سالانه نفتی کشور در دهه هفتاد بود.

با اوج گرفتن تحریم‌ها، اگرچه صادرات محصولات پتروشیمی ایران به اروپا کاملاً قطع نشده بود، اما به دلیل محدودیت‌های بیمه‌ای و مشکلات نقل‌وانتقال ارز و تأمین کشتی، صادرات به اروپا کاهش قابل‌توجهی یافت و در عوض، سایر بازارهای صادراتی در چین، خاورمیانه و شرق دور، جنوب شرق آسیا و افریقا توسط شرکت بازرگانی پتروشیمی تقویت شد. هم‌زمان با امضای برجام، صادرات محصولات پتروشیمی و فرآورده‌های پلیمری ایران به کشورهای عضو اتحادیه اروپا آزاد شد و به این ترتیب، صادرات به اروپا از سرگرفته شد.[۲]

در سال‌های ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۷ روند صادرات محصولات پتروشیمی بر اساس برنامه‌ریزی‌های انجام‌شده مسیر مطلوبی را طی کرد. در سال ۱۳۹۳، مقدار کل تولیدات شرکت ملی صنایع پتروشیمی بالغ بر ۴۴ میلیون تن، فروش داخلی ۲۰۶ هزار میلیارد ریال و صادرات ۱۰۲۸۵ میلیون دلار بود. در این سال‌ها، تعداد زیادی از طرح‌های نیمه‌تمام به سامان رسیده و تولیدات و به تبع آن صادرات محصولات پتروشیمی و صنایع پایین‌دستی افزایش قابل‌توجهی یافت. در سال ۱۳۹۷ تولید به ۵۳ میلیون تن، فروش داخلی به ۳۶۸ هزار میلیارد ریال و صادرات به ۱۱۴۳۱ میلیون دلار رسید.[۳]

با اوج گرفتن دوباره‌ی تحریم‌ها در سال ۱۳۹۷، این صنعت پتروشیمی بود که توانست بخش عمده‌ای از ارز موردنیاز کشور را تهیه کند. به‌طوری‌که وزیر نفت در ۳۱ شهریور ۱۳۹۸، صنعت پتروشیمی را خط مقدم جنگ اقتصادی عنوان کرد و گفت: «ارزش کنونی محصولات پتروشیمی بیش از ۱۶ میلیارد دلار است. این صنعت بالاترین نقش را در

۱ . خبرگزاری شانا، ۲۵ مهر ۱۳۹۳.

۲ . ترازنامه هیدروکربوری، سال ۱۳۹۳.

۳ . مرکز آمار ایران، سالنامه آماری سال ۱۳۹۷.

بازگرداندن ارز حاصل از صادرات محصولات به چرخه اقتصادی کشور نسبت به واحدهای دیگر دارد.»[۱] رئیس‌جمهور در سخنانی در روز ملی صنایع پتروشیمی، کارکنان صنعت پتروشیمی را سرداران و سربازان جبهه اقتصادی دانست و با اشاره به گزارشی از بانک مرکزی گفت: «۲۰ درصد نیازهای ارزی کشور و بیش از ۵۰ درصد ارز سامانه نیما ازسوی صنعت پتروشیمی تأمین می‌شود و این نشان می‌دهد که امروز پتروشیمی در خط مقدم قرار دارد.»[۲]

در خرداد ۱۳۹۸، مدیرعامل شرکت ملی صنایع پتروشیمی وضعیت تولید و صادرات را چنین تشریح کرد: «مقدار تولید تقریباً مشابه سال ۱۳۹۷ بوده است. از حدود ۳۱ میلیون تن تولید محصول نهایی در این سال، ۲۳ میلیون تن صادر و ۸ میلیون تن در بازار داخلی عرضه شد. مجموع درآمد صنعت پتروشیمی ۱۴.۵ میلیارد دلار بود که از این میزان ۹.۵ میلیارد دلار از بخش صادرات و ۵ میلیارد دلار از بازار داخلی به‌دست آمد.»[۳] به گزارش خبرگزاری ایرنا، در هفت ماه نخست سال ۱۳۹۹ تولید محصولات پتروشیمی به ۳۵ میلیون تن رسید که بخشی از آن صادر شد.[۴]

خوراک

خوراک مجتمع‌های پتروشیمی، همچون سال‌های گذشته، از دو طریق تأمین می‌گردید؛ فراورده‌های میانی پالایشگاه‌های اصفهان، اراک، تبریز و آبادان و یا منابع گاز و میعانات گازی. در سال ۱۳۹۲، در مجموع ۳۸/۸ درصد از تولیدات مایعات و میعانات گازی به مجتمع‌های پتروشیمی اختصاص یافت. ۱۲/۸ درصد از گاز طبیعی نیز به بخش پتروشیمی ارسال شد.[۵] در سال ۱۳۹۳ به دلیل افزایش اکتان بنزین تولیدی کشور و متوقف شدن تولید این فرآورده در مجتمع های پتروشیمی، واردات بنزین ۲۴/۵ درصد افزایش داشت.[۶]

در دهه‌های پیشین، دولت مالکیت مجتمع‌های پتروشیمی را برعهده داشت و به

۱ . خبرگزاری شانا، ۳۱ شهریور ۱۳۹۹.
۲ . پایگاه اطلاع‌رسانی ریاست جمهوری اسلامی ایران، ۹ دی ۱۳۹۸.
۳ . شانا، خرداد ۱۳۹۹
۴ . خبرگزاری ایرنا، ۳ آذر ۱۳۹۹.
۵ . ترازنامه انرژی، سال ۱۳۹۲.
٦ . ترازنامه انرژی، سال ۱۳۹۳.

همین دلیل حساسیتی نسبت به قیمت خوراک واحدهای بالادستی پتروشیمی وجود نداشت، زیرا تولید و منافع حاصل از آن نیز در اختیار دولت بود. پس از ابلاغ سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی و آغاز خصوصی‌سازی، موضوع متفاوت شد. به‌ویژه آنکه پس از خصوصی‌سازی‌های نادرست، خاصه در ابتدای دهه ۱۳۹۰، به دلیل نرخ خوراک گاز ارزان و بالا رفتن قیمت ارز، سهامداران شرکت‌های پتروشیمی خصوصی به سودهای قابل‌توجهی دست یافتند، درحالی‌که در قیمت خوراک‌های گازی تغییری رخ نداد. وزارت نفت با جدیت، دریافت و تغییر نرخ خوراک پتروشیمی‌ها را دنبال می‌کرد. در آبان ۱۳۹۳، حمیدرضا عراقی، معاون وزیر نفت در امور گاز، گفت: «از آنجا که ۷۰ درصد مبالغ دریافتی از پتروشیمی‌ها به خزانه واریز می‌شود، هرگونه تعلل در دریافت پول خوراک‌های گازی و نفتی از پتروشیمی‌ها موجب تعلل در تامین هزینه‌های یارانه‌ها می‌شود.» او درمورد تغییر نرخ خوراک نیز آن را کماکان در اختیار دولت و مجلس دانست.[۱] درنهایت، پس از کش و قوس‌های فراوان، دولت و مجلس در قانون بودجه سال ۱۳۹۳ درمورد نرخ خوراک به یک تفاهم نسبی رسیدند. طبق قانون بودجه، حداقل ۱۳ سنت (معادل ۳۴۴۵ ریال) به‌عنوان چارچوبی برای قیمت‌گذاری گاز طبیعی خوراک پتروشیمی تعیین شد.

تعیین قیمت خوراک پتروشیمی در سال‌های بعد همچنان محل مناقشه بود. عباس شعری‌مقدم، معاون وزیرنفت در امور پتروشیمی، در شهریور ۱۳۹۴ اعلام کرد: «براساس آیین‌نامه‌ی خوراک گاز پتروشیمی‌ها که به سه وزارتخانه‌ی نفت، صنعت، معدن و تجارت و امور اقتصادی و دارایی ابلاغ شده نرخ خوراک پتروشیمی‌های فعال در کشور ۱۳ سنت و نرخ سوخت به ازای هر مترمکعب ۳ تا ۴ سنت خواهد بود.»[۲] سرانجام در دی ماه، فرمول پیشنهادی وزارت نفت مورد تأیید دولت قرار گرفت و جزئیات نرخ خوراک گاز طبیعی واحدهای پتروشیمی ازسوی وزیر نفت ابلاغ شد. وزیر نفت نرخ خوراک گاز طبیعی واحدهای پتروشیمی را ۸/۵ تا ۹ سنت برای هر مترمکعب عنوان کرد و فرمول جدید را پیام خوبی برای سرمایه‌گذاران آتی صنعت پتروشیمی دانست.[۳] فرمول جدید از ابتدای سال ۱۳۹۵ اعمال و اجرایی گردید.[۴]

۱ . خبرگزاری شانا، ۲۶ آبان ۱۳۹۳

۲ . خبرگزاری شانا، ۲۱ شهریور ۱۳۹۴.

۳ . خبرگزاری شانا، ۲۶ دی ۱۳۹۴

۴ . خبرگزاری شانا، ۱۳ اردیبهشت ۱۳۹۵

امـا از سـال ۱۳۹۷، بـا شـدت گرفتـن تحریم‌هـا و عـدم سـرمایه‌گذاری خارجـی، شـرکت ملـی صنایـع پتروشـیمی بـرای سـرمایه‌گذاران بخـش خصوصـی در صنعـت پتروشـیمی مشـوق‌هایی در نظـر گرفـت. بـر همیـن اسـاس، مدیـران شـرکت ملـی صنایـع پتروشـیمی طرحـی تهیـه کردنـد و بـه هیئـت دولـت فرسـتادند. بهـزاد محمـدی طـرح ارائه‌شـده را در راسـتای ایجـاد مشـوق‌ها دانسـت و گفـت «تخفیـف در نـرخ خـوراک بـرای جـذاب شـدن بعضـی طرح‌هـای مهـم پتروشـیمی اسـت... ایـن کاهـش قیمـت بـا هـدف توسـعه هوشـمند پتروشـیمی در شـاخه‌هایی کـه مـا بـه آن نیـاز داریـم، اسـت و ارتباطـی بـه کاهـش قیمـت نفـت نـدارد.»[1] دو مـاه بعـد، بیـژن زنگنـه خبـر از کاهـش قیمـت خـوراک پتروشـیمی داد. او گفـت کـه ایـن موضـوع موجـب بهتـر شـدن وضعیـت ایـن شـرکت‌ها در بـورس خواهـد شـد.[2] جزئیـات بیشـتری از ایـن طـرح منتشر نشد.

شـرکت ملـی صنایـع پتروشـیمی در اواخـر دهـه ۹۰ سـعی کـرد تـا بـار دیگـر مدیریـت تأمیـن خـوراک را برعهـده بگیـرد. به‌گفتـه معـاون وزیـر نفـت در امـور پتروشـیمی، شـرکت ملـی صنایـع پتروشـیمی بـرای مدیریـت خوراک‌هـای در دسـترس، طرح‌هایـی بـا خوراک‌هـای ترکیبـی تعریـف کـرد کـه هـدف از آن، ایجـاد توسـعه پایـدار به‌جـای تولیـد صـرف یـا افزایـش تولیـد بـود. او گفـت: «اکنـون در شـرایط جنـگ اقتصـادی تـلاش داریـم بـا تجهیـز مناسـب بـه سـمت توسـعه پایـدار صنعـت پیـش برویـم تـا کمتـر آسـیب ببینیـم.» محمـدی در ادامـه سـخنانش بـه ایـن نکتـه اشـاره کـرد کـه: «بـا بهره‌بـرداری از ۶ طـرح تأمیـن خـوراک صنعـت پتروشـیمی، ۱۵ میلیـون تـن بـه ظرفیـت خـوراک ایـن صنعـت افـزوده می‌شـود.»[3]

بهـزاد محمـدی در مهـر ۱۳۹۸ وضعیـت و میـزان خـوراک مصرفـی مجتمع‌هـای پتروشـیمی را چنیـن گـزارش کـرد: «ایـن صنعـت سـالانه ۳۳ میلیـون تـن خـوراک معـادل ۶۵۰ هـزار بشـکه نفـت در روز در قالـب خوراک‌هـای مختلـف دریافـت می‌کنـد کـه ۷۰ درصـد از پالایشـگاه‌های گاز، ۲۰ درصـد از پروژه‌هـای ان‌جـی‌ال و ۱۰ درصـد از پالایشـگاه‌های نفـت دریافـت می‌شـود. توسـعه صنعـت پتروشـیمی بیشـتر براسـاس خـوراک گاز توسـعه یافتـه اسـت کـه ایـن عـدد در شـرایط کنونـی ۷۷ درصـد گاز و ۲۳ درصـد خوراک‌هـای مایـع اسـت و تـا پایـان سـال ۱۴۰۴ شمسـی بـه ۸۶ درصـد خـوراک گازی و ۱۴ درصـد خوراک‌هـای مایـع می‌رسـد. پتروشـیمی‌هایی کـه بـا خـوراک مایـع کار می‌کننـد اقتصادشـان بـه انـدازه واحدهایـی کـه بـا خـوراک گاز کار

۱ . خبرگزاری مهر، ۲۷ خرداد ۱۳۹۹.

۲ . خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲۷ مرداد ۱۳۹۹.

۳ .خبرگزاری شانا، ۱ خرداد ۱۳۹۸

می‌کنند، جذاب نیست. راهبرد وزارت نفت و شرکت ملی صنعت پتروشیمی استفاده از خوراک‌های ترکیبی که ضمن اقتصادی بودن بتوانیم از زنجیره ارزش هم تا محصولات پایین‌دست پیشروی کنیم.»[1]

حمایت از بخش خصوصی

در این دوره، یکی از راهبردهای دولت برای جذب سرمایه‌های سرگردان داخلی، تشویق به سرمایه‌گذاری در صنایع پایین دست پتروشیمی بود. تحریم‌ها و کاهش صادرات، موجب شده بود که شرکت‌های خصوصی تمایلی به توسعه واحدهای پایین‌دستی خود نداشته باشند. این موضوع، به‌نوبه خود موجب کاهش محصولات پایین‌دستی این صنعت گردید و درنهایت، دولت در برخی محصولات به واردات روی آورد که موجب خروج منابع ارزی شد.

عبدالله تمیمی، عضو کمیسیون انرژی مجلس، با اشاره به این موضوع، گفت: «کاهش نقدینگی در جامعه سبب نزول تورم می‌شود و از طرف دیگر هدایت این منابع به سمت صنایع ارزش‌افزوده پرور مانند پتروشیمی منجر به توسعه اقتصادی و افزایش صادرات غیرنفتی می‌شود؛ بنابراین توسعه پتروشیمی با اتکا به توان داخلی مزیت‌های فراوانی دارد. هدف نمایندگان کمک به صنعت پتروشیمی برای افزایش اشتغال، ارزآوری، کاهش تبعات ناشی از بیکاری و درنهایت شتاب در رشد اقتصادی کشور است. بر اساس اسناد بالادستی می‌بایست هرسال از وابستگی بودجه به نفت کاهش یابد، ازاین‌رو توسعه زنجیره ارزش‌افزوده در صنایع پالایشگاهی و پتروشیمی راهگشاست. مزیت صادرات محصول و فراورده به‌مراتب برای کشور ارزشمندتر از صادرات مواد خام مانند نفت است؛ بنابراین همه باید برای تحقق این امر کمک کنیم و در این زمینه بخش خصوصی را یاری کنیم.»[2]

اما مدیران ارشد و پیشکسوت صنعت پتروشیمی، اعتقاد داشتند این روند باید طوری انجام شود که نقش حاکمیتی شرکت ملی صنایع پتروشیمی همچنان حفظ گردد. نگاه آنها به دهه ۸۰ بود که خصوصی سازی شتابزده مشکلات بسیاری را پدید آورده بود. ازجمله، مصطفی طاهری نجف آبادی که در سال‌های جنگ مدیریت شرکت ملی صنایع

۱ . خبرگزاری شانا، ۱۷ مهر ۱۳۹۸

۲ . خبرگزاری شانا، ۲۴ آبان ۱۳۹۳

پتروشیمی را برعهده داشت، گفت: «برای واگذاری واحدهای در حال ساخت به بخش خصوصی بهتر است مجتمع های پتروشیمی به صورت هلدینگ اداره شوند.وی با اشاره به این که هم اکنون توسعه صنعت پتروشیمی متولی ندارد، گفت: شرکت ملی صنایع پتروشیمی می تواند با افزایش نقش حاکمیتی خود این تصدی گری را برعهده گیرد.»

خودکفایی

دهه ۱۳۹۰، به لحاظ دانش فنی در صنعت پتروشیمی را می‌توان دهه دستاوردها دانست. تحریم‌های پی‌درپی و خودداری شرکت‌های صاحب لیسانس از ارائه‌ی دانش فنی به شرکت‌های ایرانی، توجه‌ها را بیش‌ازپیش به تلاش برای خودکفایی در این صنعت معطوف کرد. سال‌های ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۹، صنعت پتروشیمی به‌ویژه در حوزه تولید کاتالیست‌ها یکی از پرچم‌داران خودکفایی بود. شرکت پژوهش و فناوری پتروشیمی از شرکت‌هایی بود که در این سال‌ها به موفقیت‌های بزرگی در داخلی‌سازی کاتالیست‌ها دست یافت.

در سال ۱۳۹۹، ایران به جمع کشورهای ارائه‌دهنده لیسانس تولید پلی‌اتیلن سنگین پیوست. خط تولید شرکت اکسیر نوین فرایند آسیا راه‌اندازی شد و تولید کاتالیست‌های واحدهای آروماتیک‌سازی همچون پتروشیمی بوعلی سینا، بندرامام و نوری، تولید کاتالیست‌های واحدهای نفتا ریفورمینگ پالایشگاهی و واحدهای CCR، تولید کاتالیست دهیدروژناسیون پارافین‌ها، کاتالیست‌های واحدهای ایزومریزاسیون پالایشگاهی برای تولید بنزین یورو ۴، کاتالیست‌های اکسیداسیون اتیلن برای تولید اتلن اکساید، انواع پایه‌های گرانول مورد استفاده در کاتالیست‌های تولیدی، انواع پایه‌های اکسترود مورد استفاده در کاتالیست‌ها براساس آلومینا و زئولیت و تست و ارزیابی عملکرد کاتالیست‌ها برای صنایع پالایشگاهی و پتروشیمیایی برای نخستین بار در کشور فراهم گردید.[1]

در تمام سال‌های تحریم، با وجود ارتباط کمرنگ با شرکت‌های صاحب دانش فنی، چرخه دانش قطع نشد و پژوهشگران صنعت پتروشیمی مصمم‌تر از پیش به فعالیت خود ادامه دادند. قراردادهای جدیدی با شرکت‌های دانش‌بنیان امضا شد، برخی از قراردادهای پیشین به نتیجه رسید و ایران توانست بیشتر کاتالیست‌های موردنیاز را

۱ . خبرگزاری شانا، ۹ خرداد ۱۳۹۳

داخلی‌سازی کند. بهزاد محمدی، مدیرعامل شرکت ملی صنایع پتروشیمی در نخستین نشست هم‌اندیشی تولیدکنندگان کاتالیست‌های صنعت پتروشیمی، گفت: «با تولید و بومی‌سازی کاتالیست‌ها در کشور می‌توان از واردات جلوگیری کرد و به درآمد کشور و همچنین تاب‌آوری این صنعت افزود. اکنون، بیش از ۱۸ شرکت در حوزه کاتالیست در کشور فعالیت می‌کنند. از ۴۰ گروه کاتالیستی در صنعت پتروشیمی، ۱۶ گروه در کشور، تجاری‌سازی و بومی‌سازی شده است و ۹ گروه کاتالیست تا پایان سال ۱۴۰۰ با مشارکت تولیدکنندگان ایرانی به بهره‌برداری می‌رسد.»[۱]

نکته جالب توجه آن است که ایران در سال ۱۳۹۸، به لحاظ تولید متانول در رتبه اول جهان قرار داشت. مؤسسه گلوبال دیتا انرژی در تازه‌ترین تحلیل خود به این موضوع اشاره کرد که ایران در سال‌های آینده بالاترین افزایش ظرفیت تولید متانول جهان را به خود اختصاص خواهد داد. بااین‌حال، اقدام جدی و مؤثری برای توسعه زنجیره ارزش متانول صورت نگرفت. در اواخر دهه ۹۰ این موضوع مورد توجه قرار گرفت و طبق گزارش نشریه ایران پترولیوم، متخصصان صنعت پتروشیمی ایران توانستند به دانش فنی تولید پروپیلن از متانول دست یابند. آنها موفق شدند پایلوت این دانش فنی را به‌دست آورند و شرکت ملی صنایع پتروشیمی از احداث یک واحد ۱۲۰ هزار تنی تولید پروپیلن از متانول (PVM) در کشور با سرمایه‌گذاری مشترک شرکت ملی صنایع پتروشیمی و یک بانک اروپایی خبر داد.[۲]

طرح‌های جهش دوم و سوم صنعت پتروشیمی

آذر ۱۳۹۸ مدیرعامل شرکت ملی صنایع پتروشیمی از چشم‌انداز صنعت پتروشیمی و ایجاد تحول در این صنعت با اجرای طرح‌های جهش دوم و سوم خبر داد. به گفته محمدی، با اجرای طرح‌های جهش دوم، ظرفیت تولید صنایع پتروشیمی از ۶۶ میلیون تن به ۱۰۰ میلیون تن در سال ۱۴۰۰ خواهد رسید. افزایش ظرفیت تولید به ۱۳۳ میلیون تن در سال ۱۴۰۴ و با اجرای طرح‌های جهش سوم قابل دسترس خواهد بود. محمدی گفت که: «۵۳ طرح منتخب در نقشه راه صنعت پتروشیمی در حال اجراست که از این تعداد ۲۶ طرح در برنامه تحقق جهش دوم در حال ساخت است و در مرحله بعدی و برای

۱ . خبرگزاری شانا، ۲۵ آذر ۱۳۹۸

۲ . خبرگزاری شانا، اردیبهشت ۱۳۹۸

تحقـق جهـش سـوم ۲۷ طـرح را تعریـف و برنامه‌ریـزی کرده‌ایـم. بـا تولیـدی شـدن طرح‌هـای یادشـده ارزش تولیـد محصـولات پتروشـیمی بـه ۳۷ میلیـارد دلار خواهـد رسـید.»[۱]

تخلفات و مفاسد اقتصادی

پتروشـیمی ازجملـه صنایـع بـا ارزش افـزوده بـالا اسـت کـه به‌تدریـج بخـش خصوصـی بـه سـرمایه‌گذاری در آن تمایـل پیـدا کـرد. دولـت نیـز در تشـدید ایـن رونـد مؤثـر بـود. اگرچـه نخسـتین واگذاری‌هـا بـرای رد دیـون دولتـی بـود، امـا به‌تدریـج بخـش کامـلاً خصوصـی بـا خصولتـی پیونـد یافـت و توانسـتند برخـی واحدهـا را بـه مرحلـه افتتـاح برسـانند و بعـد از افزایـش قیمـت دلار درآمـد مکفـی بـه دسـت آورنـد. در ایـن میـان، رویدادهـای ناخوشـایندی نیز بـه وقوع پیوسـت. اختـلاس و تبانـی ازجملـه مـوارد اتهامـی بـود کـه در برخـی از واحدهـا و شـرکت‌های پتروشـیمی دیـده شـد. نهادهـای نظارتـی بـه قضیـه ورود کردنـد و چنـد دادگاه تشـکیل شـد. ازجملـه معروف‌تریـن پرونده‌هـای پتروشـیمی، ماجـرای شـرکت بازرگانـی پتروشـیمی اسـت کـه چنـد مقالـه انتقـادی درخصـوص واگـذاری‌اش در مطبوعـات منتشـر گردیـد و دادگاه ایـن پرونـده در دولـت یازدهـم برگـزار شـد.

ماجـرا از سـال ۱۳۹۱ آغـاز شـد. بـه درخواسـت شـرکت ملـی صنایـع پتروشـیمی، سـازمان اطلاعـات سـپاه بـه تخلفـات مدیران وقـت شـرکت بازرگانـی پتروشـیمی ورود و نفراتی را بازداشـت کـرد. هیئت‌مدیـره شـرکت ملـی صنایـع پتروشـیمی نیـز بـا موافقـت وزیـر نفـت وقـت، رسـتم قاسـمی، از شـرکت بازرگانـی پتروشـیمی بـه دلیـل عـدم انجـام تعهـدات خـود شـکایت کـرد. قاضـی مسـعودی، رئیـس دادگاه تخلفـات پتروشـیمی، اصلی‌تریـن اتهـام متهمـان ایـن پرونـده را اخـلال در نظـام اقتصـادی کشـور دانسـت و تأکیـد کـرد کـه خبـری از اختـلاس نیسـت.[۲] ۱۵ اسـفند ۱۳۹۷، اولیـن جلسـه دادگاه رسـیدگی بـه اتهـام مدیرعامـل سـابق شـرکت بازرگانـی پتروشـیمی و ۱۳ متهـم دیگـر در شـعبه سـوم دادگاه ویـژه رسـیدگی بـه جرائـم اخلالگـران و مفسـدان اقتصـادی بـه ریاسـت قاضـی مسـعودی برگـزار شـد. روابط‌عمومـی وزارت نفـت طـی اطلاعیـه‌ای، ضمـن تأکیـد بـر اینکـه تخلفـات و فسـاد انجام‌شـده در دولـت قبـل صـورت گرفتـه، توضیحاتـی درمـورد تخلفـات شـرکت بازرگانـی پتروشـیمی ارائـه کـرد:

«تـا پیـش از سـال ۱۳۸۸ عمـوم شـرکت‌های پتروشـیمی متعلـق بـه دولـت (شـرکت ملـی

۱ . خبرگزاری شانا، ۱۹ آذر ۱۳۹۸

۲ . خبرگزاری تابناک، ۲۶ اسفند ۱۳۹۶.

صنایع پتروشیمی) بودند و محصولات تولیدی صادراتی این شرکت‌ها به‌صورت متمرکز توسط شرکتی به نام شرکت بازرگانی پتروشیمی (PCC) متعلق به دولت فروخته می‌شد. رابطه مالی شرکت بازرگانی پتروشیمی، با شرکت‌های پتروشیمی دولتی، رابطه کارگزاری بوده و این شرکت به نمایندگی از آن شرکت‌ها محصولات را فروخته و ارز حاصل از آن را در اختیار این شرکت‌ها قرار می‌داده و حق کارگزاری دریافت می‌کرده است. در این حالت اگر اختلاف حساب یا تأخیری در پرداخت پول توسط شرکت بازرگانی پتروشیمی ایجاد می‌شده، با توجه به اینکه همه این شرکت‌ها متعلق به دولت بودند، بلامانع بوده است.

در آبان سال ۱۳۸۸ در یک اقدام عجیب، شرکت بازرگانی پتروشیمی به بخش خصوصی واگذار می‌شود. طبیعی است که از این پس یک شرکت خصوصی در حال فروش محصولات شرکت‌های دولتی و انتقال ارز آنها به کشور بوده و اشکال نیز از همینجا آغاز شده است. در ذات واگذاری فروش محصولات پتروشیمی دولتی توسط بخش خصوصی یک رانت (ویژه‌خواری) بزرگ نهفته بوده است. تا پیش از خصوصی‌سازی، اعطای امتیاز فروش همه محصولات شرکت‌های پتروشیمی دولتی متعلق به یک شرکت دولتی خالی از اشکال بود، اما اعطای این امتیاز بزرگ به یک شرکت خصوصی منجر به ایجاد رانت و مفاسد تبعی آن شده است.

طبق توضیحات بالا، شرکت بازرگانی پتروشیمی مؤظف بوده ارز حاصل از صادرات محصولات شرکت‌های پتروشیمی را به آنها بازگرداند. در سال ۱۳۹۰ که فاصله قیمتی بین ارز مرجع با ارز مبادله‌ای و ارز بازار آزاد زیاد شد، تخلفات شرکت بازرگانی پتروشیمی آغاز می‌شود. شرکت بازرگانی پتروشیمی در سال ۱۳۹۰ به میزان ۳/۲ میلیارد یورو و در سال ۱۳۹۱ به میزان ۶۲۲ میلیون یورو ارز حاصل از صادرات شرکت‌های پتروشیمی دولتی را به این شرکت‌ها بازنگردانده و به‌جای آن معادل ریالی این مقادیر را بر اساس نرخ ارز مرجع (۱۱۲۶ تومان) به آنها پرداخت کرده است، این در حالی است که تنها نرخ ارز مبادله‌ای در آن سال‌ها، بین بازه ۲۰۰ تا ۱۲۰۰ تومان با ارز مرجع فاصله داشته است.

موضوع اصلی دادگاه کنونی رسیدگی به تخلفات مدیران این شرکت برای خیانت در امانت در این باره است. شرکت بازرگانی پتروشیمی همچنین بخشی از مطالبات شرکت‌های پتروشیمی دولتی را با تأخیر تسویه می‌کرده و این مبالغ در حساب‌های

این شرکت یا شرکت‌های طرف معامله یا متعلق به این شرکت باقی می‌مانده است، زیرا حجم گردش مالی منابع دولتی که بدون توجیه در اختیار این شرکت خصوصی قرار گرفته بود، بالغ بر سالانه بیش از ۵ میلیارد یورو می‌شد، تنها گردش این مبالغ در حساب‌های یادشده برای صاحبان حساب منافع مختلف و اعتبار زیادی را به همراه داشته است.

مدیران وقت شرکت بازرگانی پتروشیمی در آن زمان به بهانه تحریم‌ها، مبالغ حاصل از صادرات را در حساب‌های متعلق به اشخاص مختلف در خارج از کشور گردش می‌دادند یا نگه می‌داشتند. البته شرکت بازرگانی پتروشیمی افزون بر موارد یادشده، مبلغ ۵۰۰ میلیون یورو از مطالبات شرکت‌های تولیدکننده ناشی از صادرات سال ۱۳۹۲ این شرکت‌ها را هنوز به آنها بازنگردانده که اصل و فرع این مبلغ نیز جزء ادعاها و شکایت‌های این شرکت‌ها است و در مراجع قانونی در حال رسیدگی است.

از سال ۱۳۹۲ و استقرار دولت جدید نیز مالکان و مدیران شرکت بازرگانی پتروشیمی به اشکال مختلف به وزارت نفت فشار وارد می‌کردند که همچنان صادرکننده محصولات شرکت‌های تولیدکننده پتروشیمی باقی بمانند که در هر دو مورد این موضوع با مقاومت وزارت نفت به نتیجه نرسید و صادرات محصولات پتروشیمی دولتی که از سال ۱۳۸۸ تا سال ۱۳۹۲ در اختیار این شرکت خصوصی بود، از آنها گرفته شده و به خود شرکت‌ها و هلدینگ‌های تولیدکننده واگذار شد و پس از سال ۱۳۹۲ با همراهی قوه قضاییه، هیچ امتیازی نیز توسط وزارت نفت باوجود فشارهای وارده، به این شرکت داده نشد. شایان ذکر است از مردادماه ۱۳۹۲ به بعد ۵۰۰ میلیون دلار از بدهی‌های شرکت بازرگانی پتروشیمی با فشار وزارت نفت وصول شده است.

در پایان، شایان یادآوری است که گرچه درباره میزان فساد انجام‌شده در این پرونده سرانجام دادگاه محترم تصمیم خواهد گرفت، اما آن‌گونه که مقام‌های محترم قضایی اعلام کرده‌اند، ارقام به‌اندازه‌ای که در بعضی از رسانه‌ها اعلام شده است، نیست و این فساد به‌هیچ‌وجه با زشتی و بزرگی فساد مجرم بابک زنجانی قابل مقایسه نیست و در این بخش همچنان با فاصله بسیار زیاد، آقای بابک زنجانی مقام نخست کلاهبرداری و فساد را در اختیار دارد.»[1]

پرونده این شرکت هنوز در جریان است. قاضی مسعودی در دادگاه ۳۰ تیر ۱۳۹۹ گفت:

۱. خبرگزاری شانا، ۲۱ اسفند ۱۳۹۷.

«پرونده ۱۵ متهم دارد که ۵ متهم آن به نام‌های مرجان شیخ الاسلامی، محمدحسین شیرعلی، مهدی شریفی نیک‌نفس، سیدامین قریشی سروستانی و اشرف ریاحی متواری هستند. متهم ریاحی وارد ایران شده و در داخل کشور است، اما متواری شده و در دادگاه حاضر نشده است. اقدامات لازم برای ضبط وثیقه در حال انجام است، همچنین درمورد متهم شیرعلی ضبط وثیقه انجام شده است و برای متهم شریفی دستور وثیقه صادر شده است، برخی از متهمان نیز قبل از رسیدگی متواری بودند.»[1]

۱ . خبرگزاری آفتاب، ۳۰ تیر ۱۳۹۹.

گاز

در سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۴۰۰، حمدیرضا عراقی و حسن منتظر تربتی شرکت ملی گاز را مدیریت کردند. در این دوره، گازرسانی داخلی در ادامه روندی که از ابتدای انقلاب آغاز شده بود، ادامه یافت. چنان‌که در فصل پنجم گفتیم، مرشد و سادات از مشوقان اصلی این طرح بودند. به لحاظ تاریخی، حسن مرشد و حسن سادات روندی را سامان دادند که تاکنون ادامه یافته و نتایج گسترده‌ای در پی داشته است. این نکته را هم نباید فراموش کرد که شورای انقلاب، دولت، نمایندگان مجلس و افکار عمومی از این تصمیم یعنی تغییر مسیر لوله‌های گاز از خارج به خانه‌های مردم حمایت کردند. در ادامه این روند، در دو دهه گذشته حجم قابل‌توجهی از ذخایر گازی به‌ویژه از زیر دریای خلیج‌فارس به درون خانه‌ها و مراکز تجاری و صنعتی انتقال یافت. مردم، پیشه‌وران و صاحبان صنایع از آن بهره جستند، همچنین انباشت سرمایه نصیب صاحبان مجتمع‌های پتروشیمی شد. در این میان، برخی از کارشناسان اعتقاد دارند که شعار «نفت بر سر سفره مردم» به نوع دیگری به اجرا درآمد، اگرچه به‌صورت مجانی نبود، اما گاز ارزان‌تر از قیمت جهانی در آشپزخانه‌ها و مشعل‌های خانگی مصرف شد. به این روند می‌توان از جنبه دیگری هم نگریست. تحریم‌ها و منازعات بین‌المللی مانع از اجرایی شدن سیاست صادرات گاز در سه دهه گذشته شده است. از این نظرگاه، سه عامل تحریم، جلب رضایت عامه (در راستای شعار دولت خدمتگزار و دولت مستضعفان) و رونق اقتصادی موجب گسترده شدن مصرف داخلی گاز شد.

در این دوره، موضوع صادرات گاز بارها مورد نقد، بررسی و مذاکرات دیپلماتیک قرار گرفت. جدا از جنجال قرارداد گازی کرسنت که از دولت پیشین به‌جا مانده بود، صادرات گاز به هند و پاکستان پس از دو دهه نافرجام ماند. چند پروژه که در شرکت صادرات گاز طراحی شده بود نیز به نتیجه نرسید و تنها صادرات گاز به عراق آغاز شد. تا آغاز سال ۱۴۰۰، ایران به دو کشور ترکیه و عراق گاز صادر می‌کرد. گاز در آن دو کشور به مصارف مختلف می‌رسید. این موضوع که صادرات گاز اولویت دولت‌های سازندگی، اصلاحات و عدالت نبوده، گزاره‌ای اشتباه است، زیرا بر اساس مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت، از سال‌های منتهی به پایان جنگ و سپس، دوره سازندگی بارها صادرت گاز موضوع

گفتگـوی مدیـران ارشـد وزارت نفـت بـود. طرح‌هـای گوناگونـی روی کاغـذ آمـد و در برخـی مـوارد توافقنامه‌هایـی بـا طرف‌هـای خارجـی امضـا شـد. بـه دلیـل مقاومـت کنشـگران سیاسـی در داخـل، یـا دسیسـه‌هایی کـه برخـی دولت‌هـا و شـرکت‌های خارجـی بـه کار بسـتند، گاز ایـران نتوانسـت از طریـق خط‌لولـه بـه اروپـا انتقـال یابـد و یـا به‌صـورت ال‌ان‌جـی بازارهـای اروپـا و آسـیای شـرقی را فتـح کنـد. از ایـن منظـر کـه گاز می‌توانسـت بـه عامـل امنیـت پایـدار بـدل گـردد، متأسـفانه توفیقـی حاصـل نشـد. خواننـده محتـرم می‌توانـد تصـور کنـد چنانچـه در دهه‌هـای گذشـته گاز ایـران در آشـپزخانه‌ها و مراکـز تجـاری کشـورهای اروپایـی بـا قیمـت مناسـب صـادر می‌شـد، چـه نتایجـی در بـر می‌داشـت.

کارنامـه دولـت تدبیـر و امیـد در صنعـت گاز ارزشـمند اسـت. مقایسـه وضعیـت سـال ۱۳۹۲ بـا سـال ۱۳۹۹، مـا را بـه ایـن واقعیـت آگاه می‌سـازد کـه تولیـد گاز از ذخایـر زیرزمینـی، مصـرف داخلـی، ظرفیـت پالایشـی و حجـم صـادرات رشـد چشـمگیری یافـت. در سـال ۱۳۹۲، نزدیـک بـه ۹۷ درصـد شـهرها و ۶۰ درصـد روسـتاهای ایـران از گاز طبیعـی اسـتفاده می‌کردنـد. خطـوط انتقـال فشـار قـوی ۳۴ هـزار کیلومتـر و تعـداد ایسـتگاه‌های تقویـت فشـار ۷۰ عـدد، میـزان شـبکه‌های گازرسـانی کشـور در شـهرها و روسـتاها ۱۰۴ هـزار کیلومتـر، مشـترکان انشـعابات و علمک‌هـای گازی ۵ میلیـون و ۲۰۰ هـزار بـود. تعـداد روسـتاهای بهره‌منـد از گاز بـه بیـش از ۱۴ هـزار روسـتا رسـید.[۱] تولیـد گاز طبیعـی بالـغ بـر ۱۶۶ میلیـارد مترمکعـب بـود کـه ۱۵۴ میلیـارد مترمکعـب آن در داخـل مصـرف شـد و حـدود ۹ میلیـارد مترمکعـب آن صـادر گردیـد.[۲] واردات گاز نیـز تقریبـاً ۵/۵ میلیـارد مترمکعـب و ذخایـر اثبات‌شـده گاز طبیعـی ایـران بالـغ بـر ۳۳/۸ تریلیـون مترمکعـب بـود.[۳] در سـال ۱۳۹۳، کارشناسـان پیش‌بینـی کردنـد کـه بـا رونـد فعلـی تولیـد گاز، ایـران تـا ۱۴۶ سـال دیگـر گاز بـرای تولیـد و صـادرات داشـته باشـد.[۴]

صنعـت گاز در دو دوره دولـت تدبیـر و امیـد موردتوجـه ویـژه قـرار گرفـت. افزایـش ذخایـر گازی بـه دلیـل اکتشـافات مسـتمر، تأمیـن پایـدار و مطمئـن گاز، گسـترش انشـعابات گازی بـه مناطـق مختلـف، همچـون خوزسـتان، کرمانشـاه و سیسـتان، فعالیت‌هـای اوپـک گازی بـه رهبـری ایـران، قطـر و روسـیه بـرای تثبیـت امنیـت قراردادهـای گازی کـه نقـش مهمـی در

۱ . خبرگزاری شانا، ۱۵ مرداد ۱۳۹۲.

۲ . ترازنامـه هیدروکربـوری، سـال ۱۳۹۲. (سـهم مصـرف بخـش خانگـی، تجـاری و صنعتـی ۵۷/۲؛ نیروگاه‌هـا ۲۳/۵ و صنایـع عمـده ۱۹/۳ بـود.)

۳ . ترازنامه انرژی، سال ۱۳۹۲.

۴ . ترازنامه هیدروکربوری، سال ۱۳۹۳.

تحـولات جهانـی ایـن صنعـت ایفـا کـرد، توسـعه‌ی میدان‌هـای گازی ایـران به‌ویـژه میـدان مشـترک پـارس جنوبـی، تبدیـل گاز بـه فرآورده‌هـای پتروشـیمی، صـادرات گاز ایـران بـه عـراق و تبدیـل گاز بـه بـرق و صـادرات بـرق بـه کشـورهای همسـایه از مهم‌تریـن سیاسـت‌های گازی وزارت نفـت در ایـن دوره بـود. ۱۳ شـهریور ۱۳۹۲ طـی حکمـی ازسـوی وزیـر نفـت، حمیدرضـا عراقـی به‌عنـوان مدیرعامـل شـرکت ملـی گاز ایـران و معـاون وزیـر در امـور گاز منصـوب شـد. عراقـی، در سـال ۱۳۹۷ جـای خـود را بـه حسـن منتظـر تربتـی داد.

در بهمـن ۱۳۹۹، حسـن منتظـر تربتـی، معـاون وزیـر نفـت در امـور گاز، تولیـد روزانـه گاز کشـور را هـزار میلیـون مترمکعـب اعـلام کـرد و گفـت: «ظرفیـت پالایـش گاز کشـور هم‌اکنـون روزانـه یـک میلیـارد و ۳۱ میلیـون مترمکعـب اسـت و ظرفیـت روزانـه ۹۰۰ میلیـون مترمکعـب انتقـال گاز نیـز در کشـور وجـود دارد.»[1] افزایـش برداشـت از پـارس جنوبـی، میـزان صـادرات گاز را هـم افزایـش داد. صـادرات گاز از حـدود ۹ میلیـارد مترمکعـب در سـال ۱۳۹۲ بـا رشـدی ۹۳ درصـدی بـه ۱۷ میلیـارد و ۴۰۰ میلیـون مترمکعـب در سـال ۱۳۹۸ رسـید.[2] وزیـر نفـت نیـز در مرداد ۱۳۹۹، میزان صادرات گاز را روزانه ۷۵ میلیون مترمکعب اعلام کرد.[3]

گازرسانی

در ایـن دوره گازرسـانی بـه سراسـر کشـور، در راسـتای سیاسـت‌های محرومیت‌زدایـی و گسـترش عدالـت اجتماعـی از اولویت‌هـای دولـت بـود و شـتاب بیشـتری گرفـت. عـلاوه بـر گسـترش خطـوط لولـه انتقـال گاز، زیرسـاخت‌های لازم همچـون ۱۰ مجموعـه تأسیسـات تقویـت فشـار گاز ایجـاد شـد. در سـال‌های ۱۳۹۲ تـا ۱۳۹۷ ضریـب نفـوذ گاز بـا افزایشـی چشـمگیر بـه ۹۸ درصـد از جمعیـت شـهری و ۷۷ درصـد از جمعیـت روسـتایی رسـید. روسـتاهای گازرسانی‌شـده بـا افزایـش دو برابـری، بـه ۲۸ هـزار روسـتا (۴ میلیـون و ۵۹۱ هـزار و ۹۰۱ خانـوار) رسـید کـه برابـر بـا تعـداد روسـتاهایی بـود کـه تـا پایـان دولـت دهـم از گاز برخـوردار شـده بودنـد. تعـداد نیروگاه‌هـای گازی‌شـده، از ۶۸ نیـروگاه بـه ۸۵ نیـروگاه و تعـداد واحدهـای صنعتـی گازرسانی‌شـده از ۱۰ هـزار و ۳۴۵ واحـد بـه ۱۷ هـزار و ۱۹۷ واحـد افزایـش یافـت. چنانکـه پیش‌بینـی شـده، بـا تکمیـل عملیـات گازرسـانی در اسـتان سیسـتان و بلوچسـتان،

۱ . خبرگزاری شانا، ۴ بهمن ۱۳۹۹.

۲ . خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۰ مرداد ۱۳۹۹.

۳ .خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳ مرداد ۱۳۹۹.

تمامی جمعیت شهری و روستایی کشور از نعمت گاز طبیعی بهره‌مند خواهند شد. در این سال‌ها، علاوه بر تکمیل خطوط انتقال گاز قبلی، خط ششم سراسری به‌طور کامل راه‌اندازی شد. عملیات احداث خط نهم سراسری اجرایی گردید و احداث انشعاب‌ها و خطوط جدید به اجرا درآمد و برخی به بهره‌برداری رسیدند. اجرا و بهره‌برداری از خط انتقال گاز دامغان ـ کیاسر ـ ساری ـ نکا به طول ۱۷۰ کیلومتر، اجرا و بهره‌برداری از خطوط انتقال گاز بافق ـ بهاباد، همت‌آباد ـ بار، تربت حیدریه ـ کاشمر، اسفراین ـ نقاب ـ جغتای، بهره‌برداری از تأسیسات تقویت فشار گاز فراشبند ازجمله این اقدامات بودند.[۱] ۱۲ اسفند ۱۳۹۷ نیز گازرسانی به شهر زابل در استان سیستان و بلوچستان با روش گاز طبیعی فشرده (سی‌ان‌جی) به دستور رئیس‌جمهور آغاز گردید.[۲] بند (د) تبصره (۱) لایحه بودجه سال ۱۳۹۸ برای تأمین مالی گازرسانی، وزارت نفت را مکلف کرد «از محل سهم شرکت ملی نفت ایران نسبت به گازرسانی به روستاها و به پایان رساندن پروژه‌های نیمه‌تمام گازرسانی در روستاها با اولویت گازرسانی به شهرها و روستاهای استان سیستان و بلوچستان، هرمزگان، جنوب کرمان و خراسان جنوبی اقدام کند.»[۳]

مرداد ۱۳۹۹، حسن منتظر تربتی، مدیرعامل شرکت ملی گاز، در مراسم بهره برداری و کلنگ زنی از پروژه‌های گازرسانی استان خراسان رضوی، مجموع سرمایه‌گذاری شرکت ملی گاز ایران از سال ۱۳۹۲ تا ۱۴۰۰ را بالغ بر ۱۳۶ هزار میلیارد تومان اعلام کرد. وزیر نفت که در این مراسم حضور داشت، با بیان اینکه در وزارت نفت مطالعات گسترده‌ای برای تأمین انرژی پایدار برای روستاها انجام شده است، گفت: «این مطالعات حدود یک سال به طول انجامید و به بررسی استفاده از گاز، CNG، برق و سایر سوخت ها در مناطق روستایی پرداختیم و درنهایت به این نتیجه رسیدیم که گازرسانی به روستاها بیشترین صرفه اقتصادی را دارد. در طرح وزارت نفت حدود ۲۶ هزار میلیارد تومان خرج شد و مجلس تنها با اعطای یک مجوز به وزارت نفت باعث شد که امروز این کار بزرگ انجام شود.»[۴]

در نیمه سال ۱۳۹۹ تعداد مشترکان گاز طبیعی افزایش قابل‌توجهی یافت. آبان ۱۳۹۹، بیژن زنگنه در حاشیه جلسه مجازی مجمع کشورهای صادرکنندگان گاز به این نکته

۱ . خبرگزاری شانا، ۱۸ آذر ۱۳۹۸.

۲ . خبرگزاری شانا، ۱۲ اسفند ۱۳۹۷.

۳ . مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی، قانون بودجه سال ۱۳۹۸، ۳ بهمن ۱۳۹۸.

۴ . روزنامه کیهان، ۱۴ مرداد ۱۳۹۹.

اشاره کرد که: «برخلاف همه رفتارهای بین‌المللی، ما توانستیم صنعت گاز خود را توسعه دهیم و به رکورد ظرفیت برداشت روزانه یک میلیارد مترمکعب گاز طبیعی دست یابیم و افزون بر آن ۹۵ درصد از مردم را زیر پوشش شبکه گازرسانی قرار دهیم.»[۱] تکمیل فازهای پارس جنوبی در توسعه گازرسانی داخلی نقش بسزایی داشت.

پارس جنوبی، فراتر از دولت‌ها

درباره میدان گازی پارس جنوبی (مشترک بین ایران و قطر) و توسعه آن در فصل پیشین سخن گفتیم. این میدان گازی تحت راهبری شرکت نفت و گاز پارس قرار دارد. در پایان سال ۱۳۹۱، فازهای ۱ تا ۱۰ فعال و در حال تولید بودند و برداشت ایران از این میدان مشترک بالغ بر ۲۴۰ میلیون مترمکعب در روز بود.[۲] تکمیل فازهای باقیمانده و افزایش برداشت ایران از این میدان یکی از اولویت‌های وزارت نفت در این دوره بود. اگرچه مشکلات ناشی از تحریم روند اجرای فازها را کند کرده بود، اما با آغاز مذاکرات برجامی، این روند سرعت گرفت. در سال ۱۳۹۴، فازهای ۱۲، ۱۵ و ۱۶ تکمیل شدند و ۱۳۰ میلیون مترمکعب بر تولید این میدان افزوده شد. فازهای ۱۷ تا ۲۱ نیز در فروردین ۱۳۹۶ به تولید رسیدند. بیژن زنگنه در روز افتتاح این فازها، به یک نکته تاریخی اشاره کرد. او گفت: «پارس جنوبی را باید فراتر از دولت‌ها دید. این دستاوردی برای ملت ایران است. دستاورد ده‌ها هزار کارگر و متخصص و مدیرانی که در دولت‌های مختلف زحمت کشیدند و کار کردند تا چنین موفقیتی در حوزه نفت، گاز و پتروشیمی به دست آید.» با افتتاح این فازها، ۱۷۰ میلیون مترمکعب دیگر بر تولید ایران از پارس جنوبی افزوده شد. فازهای ۱۳ و ۱۴ و ۲۲ تا ۲۴ نیز در سال‌های ۱۳۹۷ ـ ۱۳۹۸ با ظرفیت ۱۱۲ میلیون مترمکعب به بهره‌برداری رسیدند.[۳]

در پایان اسفند ۱۳۹۶، تولید گاز ایران از بزرگ‌ترین میدان گازی جهان، به ۵۵۰ میلیون مترمکعب در روز و در زمستان ۱۳۹۷ به ۶۰۰ میلیون مترمکعب در روز رسید. مشکین‌فام، مدیرعامل شرکت نفت و گاز پارس، در فروردین ۱۳۹۹ اعلام کرد که تولید ایران از این میدان از ۷۰۰ میلیون مترمکعب در روز فراتر رفت.[۴] در سال ۱۳۹۱ حدود ۳۹

۱ . خبرگزاری شانا، ۲۲ آبان ۱۳۹۹.
۲ . ترازنامه هیدروکربوری، سال ۱۳۹۱.
۳ . خبرگزاری شانا، ۱۵ بهمن ۱۳۹۹.
۴ . خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۷ فروردین ۱۳۹۹.

درصد از گاز موردنیاز کشور از پارس جنوبی تأمین می‌شد که این میزان به ۵۴ درصد در سال ۱۳۹۵ و ۶۳ درصد در سال ۱۳۹۷ افزایش یافت.[۱] افزایش برداشت از پارس جنوبی از یک سو، از واردات گاز به ایران و وابستگی به همسایگان کاست و ازسوی دیگر، زمینه افزایش صادرات گاز را فراهم کرد.

در میان فازهای پارس جنوبی، فاز ۱۱ سرنوشت پرفرازونشیبی داشت و هنوز پس از بیست سال، به بهره‌برداری نرسیده است. فاز ۱۱ برای تولید روزانه ۵۶ میلیون مترمکعب گاز ترش و استحصال روزانه ۸۰ هزار بشکه میعانات گازی طراحی شد. توافقنامه اولیه طرح توسعه این فاز در سال ۱۳۷۹ با شرکت توتال امضا شد. چندی بعد، با اعلام آمادگی شرکت پتروناس، شرکت توتال (۴۰ درصد)، شرکت پتروناس (۱۰درصد) و شرکت ملی نفت ایران (۵۰ درصد) قرارداد سه‌جانبه‌ای امضا کردند. در دهه ۱۳۸۰، با اوج گرفتن مشکلات هسته‌ای ایران و تحریم، درنهایت توافق با شرکت توتال لغو شد. پس از خروج توتال، قرارداد طرح توسعه فاز ۱۱ به ارزش چهار میلیارد دلار در سال ۱۳۸۸ به شرکت ملی نفت چین واگذار شد[۲]، اما این شرکت نیز به تعهداتش عمل نکرد و خلع گردید.

یکی از نتایج مهم امضای برجام برای صنعت نفت، ورود دوباره شرکت‌های خارجی صاحب دانش فنی به ایران بود. قراردادهای متعددی امضا شد که مهم‌ترین آن، قرارداد توسعه فاز ۱۱ پارس جنوبی بود. موافقت‌نامه اصولی (HOA) طرح توسعه فاز ۱۱ پارس جنوبی در ۱۸ آبان ۱۳۹۵ با شرکت فرانسوی توتال امضا شد. شرط امضای این قرارداد، حضور شرکت‌های ایرانی بود و شرکت پتروپارس شریک ایرانی این قرارداد شد. سرانجام، در ۱۲ تیر ۱۳۹۶ در واپسین هفته‌های کاری دولت یازدهم، توسعه فاز ۱۱ به کنسرسیومی از شرکت‌های توتال فرانسه (۵۰/۱ درصد)، شرکت ملی نفت چین (۳۰ درصد) و شرکت پتروپارس ایران (۱۹/۹ درصد) واگذار شد. ازنظر ایران، این قرارداد به معنای موفقیت دیپلماسی نفتی ایران و ارسال این پیام به سایر شرکت‌های بین‌المللی مبنی‌بر فروریختن دیوار تحریم‌ها و امنیت سرمایه‌گذاری در ایران بود.

البته، این قرارداد در داخل کشور مخالفانی داشت که در عکس‌العملی سیاسی، زنگنه را به مجلس فراخواندند و خواستار لغو قرارداد توسعه فاز ۱۱ شدند. علیرضا زاکانی یکی از مخالفان بود. زنگنه در مجلس حاضر شد و به همه شبهات و انتقادات درباره قرارداد

۱ . ایسنا، ۴ شهریور ۱۳۹۸

۲ .خبرگزاری شانا، ۶ آبان ۱۳۹۴.

پاسخ داد و مجلس طرح سه‌فوریتی توقف اجرای قرارداد را از دستور کار خارج کرد.[۱] ۳۱ تیر ماه نیز زنگنه در برنامه خبر صداوسیما حاضر شد و با مردم سخن گفت: «توتال، نه پایه می‌سازد، نه حفاری می‌کند، نه تجهیزات می‌سازد، نه لوله می‌کشد، همه این موارد با فرآیندی که به قرارداد پیوست شده است، به مناقصه می‌رود و ایرانی‌ها می‌توانند در این مناقصه‌ها شرکت کنند.»[۲]

کوتاه زمانی پس از آغاز مجدد کارها، با خروج ترامپ از برجام، ابتدا فرانسوی‌ها و سپس، چینی‌ها از قرارداد خارج شدند و کل قرارداد بر عهده شرکت ایرانی پتروپارس قرار گرفت. حمیدرضا مسعودی، مدیرعامل پتروپارس، در واپسین روزهای سال ۱۳۹۸ با بیان اینکه هیچ سازنده و مشاور خارجی با ما همکاری نمی‌کند، گفت که از ظرفیت همه پیمانکاران داخلی در توسعه این فاز استفاده خواهند کرد.[۳] سرانجام، ۲۴ آذر ۱۳۹۹ با استقرار دکل دریایی MD -۱ عملیات حفاری نخستین چاه طرح توسعه فاز ۱۱ میدان گازی پارس جنوبی با دستور وزیر نفت به‌طور رسمی آغاز شد.[۴] کارشناسان پیش‌بینی کرده‌اند این فاز تا پایان سال ۱۴۰۰ به بهره‌برداری برسد.

صادرات گاز

در ابتدای روی کار آمدن دولت تدبیر و امید، به دلیل مسائل تحریم و نیز مصرف داخلی، صادرات گاز بسیار محدود بود و همچون سال‌های قبل، گاز به ترکیه و ارمنستان صادر می‌شد. البته، صادرات گاز به ارمنستان به‌صورت تهاتر گاز و برق بود.[۵] بااین‌حال، تلاش برای صادرات گاز به کشورهای همسایه و در مرحله بعد به دیگر کشورها، در اولویت برنامه‌های شرکت ملی گاز قرار داشت. با آغاز مذاکرات ۵+۱ و امید به برداشته شدن تحریم‌ها، شرکت ملی گاز صادرات گاز به پاکستان، عراق و عمان را در دستور کار خود قرار داد.

پس از امضای برجام در تیر ۱۳۹۴، تلاش برای فراهم کردن زمینه‌های صادرات گاز بیشتر شد. آبان و آذر ۱۳۹۴ برای صنعت گاز ایران پرتکاپو و ویژه بود. ۳۰ آبان، هفدهمین

۱ . خبرگزاری شانا، ۲۸ تیر ۱۳۹۶.
۲ . خبرگزاری ایرنا، ۲ مرداد ۱۳۹۶.
۳ . خبرگزاری شانا، ۳ اسفند ۱۳۹۸.
۴ . خبرگزاری شانا، ۲۴ آذر ۱۳۹۹.
۵ . ترازنامه انرژی، سال ۱۳۹۲.

اجلاس وزارتی مجمع کشورهای صادرکننده گاز (GECF) در هتل همای تهران برگزار گردید. دبیرکل مجمع، محمدحسین عادلی بود و در پایان اجلاس، دبیرکلی او برای دو سال دیگر تمدید شد. محمدحسین عادلی پیش از این ریاست بانک مرکزی را برعهده داشت. ۲ آذر نیز سومین اجلاس سران مجمع کشورهای صادرکننده گاز با حضور رؤسای جمهور هشت کشور روسیه، عراق، بولیوی، ونزوئلا، گینه استوایی، نیجریه و ترکمنستان، به میزبانی حسن روحانی، رئیس‌جمهور ایران، در سالن اجلاس سران برگزار شد. دو نشست قبلی در دوحه (دسامبر ۲۰۱۱) و روسیه (ژوئن ۲۰۱۳) برگزار شده بود. حضور پوتین، رئیس‌جمهور روسیه، در این اجلاس اهمیت آن را دو چندان کرد. او در مدت اقامت در ایران، با رهبر انقلاب دیدار و یک نسخه قرآن خطی را به آیت‌الله خامنه‌ای اهدا کرد.

در این اجلاس مسائل مختلفی مطرح و بررسی شد که امنیت لوله‌های گاز و هزینه انتقال از طریق خطلوله و کشتی، توسعه میادین گازی و ثبات قیمت از مهم‌ترین آنها بود. نظر عراق بر تساهل قیمت بود، نیجریه به توسعه میادین گازی تأکید داشت و ترکمنستان بر تأمین امنیت انرژی اصرار کرد. در این میان، روسیه بر سیاست اقتصادی گاز اشاره داشت. ایران اما تضمین امنیت تقاضا برای سرمایه‌گذاری در صنعت گاز را ضروری دانست. موضع الجزایر به ایران نزدیک بود و اصرار می‌ورزید «توافق میان فعالان بازار گاز برای جلوگیری از کاهش تقاضا ضروری است.» ونزوئلا موضعی انفعالی داشت: «مجمع صادرکنندگان گاز می‌تواند در بخش انرژی پاک در جهان تأثیرگذار باشد.»[1] از مجموع گفته‌های سران کشورها و وزاری نفتی چنین استنباط می‌شد که بلوکی جدا از بلوک غرب در حال شکل‌گیری است و ایران، روسیه و قطر در رأس آن قرار دارند.

بیژن زنگنه، پس از پایان اجلاس در گفتگوی ویژه شبکه دو سیما حضور یافت و دستاوردهای کنفرانس را تشریح کرد. زنگنه، بیش از همه بر این نکته تأکید داشت که «مهم این است که در دنیای امروز یاد بگیریم در عین رقابت با یکدیگر رفاقت کنیم. همه اعضای اوپک برای کسب سهم بازار باهم رقابت دارند، اما این مانع همکاری میان ما نمی‌شود.» زنگنه، در ادامه صحبت‌هایش کسب سهم بازار را برای ایران مهم و بازار اصلی گاز ایران را کشورهای همسایه دانست. او تأکید کرد که هرچه فاصله جغرافیایی بیشتر می‌شود، اقتصاد خطلوله گاز نسبت به ال‌ان‌جی محدودتر می‌گردد. او گفت که «برای انتقال گاز با خطلوله، خط قرمز را لازم نیست کشورها به‌صورت سیاسی تعیین

۱ . مشعل، شماره ۷۶۴، ۱۴ آذر ۱۳۹۴.

کننـد، بلکـه اقتصـاد ال‌ان‌جـی ایـن موضـوع را تعییـن می‌کنـد... بـه لحـاظ فنـاوری، تحولـی در بخـش خطلولـه رخ نـداده اسـت و هزینـه حمل‌ونقـل و ترانزیـت گاز مرتـب در حـال افزایـش اسـت. درحالی‌کـه بـه دلیـل رشـد فنـاوری، هزینه‌هـای مایع‌سـازی گاز و انتقـال از طریـق ال‌ان‌جـی در حـال کاهـش اسـت کـه ایـن مسـئله سـبب مـی شـود فاصلـه اقتصـادی بیـن خطلولـه و ال‌ان‌جـی کاهـش یابـد.» او سـپس، از خطلولـه گاز بـه پاکسـتان به‌عنـوان تأییـد سـخنانش مثـال آورد: «بـرای نمونـه، اگـر بخواهیـم گاز را از ایـران بـه هنـد ارسـال کنیـم، حتمـاً بایـد از خـاک پاکسـتان عبـور کنیـم کـه بـه دلیـل اختلافاتـی کـه ایـن کشـورها دارنـد گاهـی شـاهد دعـوای آنهـا خواهیـم بـود. حـال، به‌جـای ایـن مسـئله می‌تـوان بـه راحتـی بـا ال‌ان‌جـی گاز را بـه هنـد و بـدون نگرانـی از اختـلاف آنهـا بـا پاکسـتان صـادر کـرد.»[1] سـخنان زنگنـه حاکـی از آن بـود کـه در سیاسـت‌های وزارت نفـت، اولویـت صـادرات گاز ایـران بـا کشـورهای همسـایه اسـت و بـا توسـعه صنعـت ال‌ان‌جـی، ایـران بـه سـایر بازارهـای گاز ورود خواهـد کـرد.

اندیشـه صـادرات گاز بـه مرزهـای شـرقی و ازجملـه کشـور پاکسـتان از اواخـر دهـه شـصت شـکل گرفـت. ایـن اندیشـه بعدهـا منجـر بـه انعقـاد قـراردادی شـد کـه بـه خطلولـه صلـح معـروف شـد. قـرارداد اولیـه بـا پاکسـتان در سـال ۱۳۷۴ منعقـد شـد و سـپس هنـد بـه قـرارداد پیوسـت. قـرار بـود گاز از طریـق خطلولـه روزانـه ۱۵۰ میلیـون مترمکعـب گاز صـادر شـود کـه سـهم پاکسـتان از آن ۶۰ میلیـون مترمکعـب بـود. طولـی نکشـید کـه هنـد بـه بهانـه اختـلاف بـا پاکسـتان از ایـن قـرارداد کنـار رفـت و مذاکـرات مسـتقیم بـا پاکسـتان آغـاز و در دولـت دهـم قـراردادی بیـن طرفیـن امضـا شـد. ایـران بایـد بـه مـدت ۲۵ سـال روزانـه ۱۴ میلیـون مترمکعـب گاز بـه پاکسـتان صـادر می‌کـرد. صـادرات به‌صـورت پلکانـی افزایـش یافتـه و در دو فـاز بـه ۲۱ و سـپس بـه ۳۰ میلیـون مترمکعـب افزایـش می‌یافـت. همچنیـن، قـرار شـد ایـران بـا احـداث خطلولـه یـک هـزار و ۱۰۰ کیلومتـری گاز را از پارس‌جنوبـی بـه پاکسـتان برسـاند و پاکسـتان نیـز بـا احـداث یـک خطلولـه گاز ایـران را بـه درون خـاک خـود منتقـل کنـد.[2]

ایـران بـا احـداث خطلولـه گاز را تـا نزدیـک مرزهـای پاکسـتان رسـاند، امـا طـرف مقابـل هـر بـار بـه بهانـه‌ای بـه تعهـدات خـود عمـل نکـرد. محمـود احمدی‌نـژاد، رئیـس دولـت دهـم، در واپسـین روزهـای ریاسـت‌جمهوری بـرای یافتـن راه‌حـل راهـی پاکسـتان شـد. پـس از چنـد دور گفتگـو، ایـران بـه طـرف پاکسـتانی تعهـد داد بخشـی از هزینـه احـداث خطلولـه را تأمیـن

۱ . خبرگزاری شانا، ۳ آذر ۱۳۹۴.

۲ . روزنامه شرق، ۲۵ شهریور ۱۳۹۶.

کنـد، امـا طـرف پاکسـتانی بـا ایـن اسـتدلال کـه قیمـت تعیین‌شـده بـرای گاز صادراتـی بـالا اسـت و تـا زمانی‌کـه قیمـت به‌طـور مشـخص تعییـن نشـود، خط‌لولـه را احـداث نخواهـد کـرد. برداشـت ایـران از سـخنان مسـئولان پاکسـتانی ایـن بـود کـه تحریم‌هـای امریـکا مهم‌تریـن مانـع بـه سـرانجام رسـاندن قـرارداد شـد.[۱] بااین‌حـال، پـس از رفـع تحریم‌هـا در سـال‌های ۱۳۹۴ تـا ۱۳۹۶ بازهـم طـرف پاکسـتانی گام مثبتـی در راسـتای اجـرای قـرارداد بـر نداشـت. در هشـت سـال دولـت تدبیـر و امیـد، قـرارداد گازی بـا پاکسـتان یکـی از مـواردی بـود کـه مخالفـان زنگنـه بـا اسـتناد بـه آن بارهـا بـه وزیـر نفـت حملـه کردنـد و او را بـه مجلـس فـرا خواندنـد. زنگنـه، در شـهریور ۱۳۹۶ بـر ایـن نکتـه تأکیـد کـرد کـه ایـران بـرای احـداث خط‌لولـه میلیاردهـا دلار هزینـه کـرده اسـت. صـادرات گاز بـه پاکسـتان هنـوز بـه نتیجـه نرسـیده اسـت و در شـهریور ۱۳۹۹ زنگنـه گفـت: «موضـوع صـادرات گاز بـه پاکسـتان بـه نوعـی خـارج از اراده مـا بـود و مشـکلات ایجادشـده در خـارج از کشـور بـود.»[۲]

چنانکـه در فصـل پیشـین گفتیـم، ترکیـه تنهـا کشـوری اسـت کـه بخـش بزرگـی از گاز صادراتـی ایـران را بـه خـود اختصـاص داده اسـت. گاز از طریـق خط‌لولـه تبریـز ـ آنـکارا وارد ایـن کشـور می‌شـود. صـادرات بـه ترکیـه بـر اسـاس قـراردادی ۲۵ سـاله، از سـال ۱۳۸۰ آغـاز شـد. طبـق قـرارداد، ترکیـه بایـد هـر سـال حداقـل حـدود ۸.۵ میلیـارد مترمکعـب گاز برداشـت کنـد. در سـال‌های گذشـته، صـادرات گاز بـه ترکیـه بـا چالش‌هـای زیـادی همـراه بـود. در سـال‌های گذشـته، ایـن کشـور چنـد بـار از ایـران شـکایت کـرد. در شـکایت نخسـت در سـال ۱۳۸۹، ترک‌هـا بـا شـکایت از ایـران توانسـتند ۱۲ درصـد از بهـای گاز ایـران بکاهنـد. بـار دوم در سـال ۱۳۹۴، ترکیـه شـکایت از ایـران را بـه دادگاه‌هـای بین‌المللـی بـرد. ترک‌هـا بـا ایـن بهانـه کـه ایـران منبـع مطمئنـی بـرای عرضـه گاز نیسـت و در مقاطـع مختلـف گاز صادراتـی را قطـع کـرده اسـت، خواهـان کاهـش قیمـت گاز شـدند. بـه گفتـه بیـژن زنگنـه «ترکیـه در شـکایت از ایـران، عـلاوه بـر کاهـش ۲۵ درصـدی قیمـت گاز[۳]، بـه دلیـل عـدم پایـداری صـادرات گاز ایـران بـه دنبـال کاهـش ۳۷/۵ درصـدی قیمـت گاز از طریـق تجدیدنظـر[۴] بـود. در مذاکراتـی کـه بـا آقـای اردوغـان، رئیس‌جمهـوری ترکیـه انجـام شـد، آنهـا ایـن اعـداد را کـف قیمـت عنـوان کردنـد و حاضـر نبودنـد در ایـن زمینـه مذاکـره کننـد.» شـکایت ترک‌هـا دربـاره پایـدار نبـودن گاز ایـران

۱ . خبرگزاری شانا، ۱۱ مهر ۱۳۹۹.

۲ . خبرگزاری ایلنا، ۲۵ شهریور ۱۳۹۹.

۳ . Price Reduction

۴ . Price Revision

به نفع ایران به پایان رسید و درمورد دوم، ایران محکوم به پرداخت جریمه‌ای بین ۱۳ تا ۱۵ درصد شد.[۱]

سال ۱۳۹۹ بار دیگر ترک‌ها مشکلات جدیدی را آغاز کردند. ۱۲ فروردین ۱۳۹۹ خط‌لوله انتقال گاز به ترکیه در مرز بازرگان، در ۹۰۰ متری خاک ترکیه (نسبت به صفر مرزی) منفجر و صادرات گاز به این کشور قطع شد. کشور ترکیه برای تعمیر خط‌لوله اقدام خاصی به عمل نیاورد و تلاش کرد با اعلام شرایط فورس‌ماژور چنین وانمود کند که شرایط از اختیار آن خارج است. چنین به نظر می‌رسد که دلیل ترک‌ها برای تعلل در تعمیر خط‌لوله ریشه در یکی از مفاد قرارداد داشت که جمشیدی دانا، سرپرست شرکت انتقال گاز، چنین توضیح داد: «برنامه ترکیه همیشه این است که در نیمه نخست سال میلادی به‌ویژه در سه ماه دوم و سوم (مطابق با ۶ ماه نخست سال شمسی) برداشت گاز خود را به دلیل آغاز فصل گرما کم می‌کند. بااین‌حال ترکیه طوری دریافت خود را کم کرد که شامل جریمه نشود... به همین دلیل شاید ترکیه تمایلی هم برای تعمیر سریع این خط‌لوله نشان نداده است.»[۲] ایران شرایط فورس‌ماژور را که ترک‌ها بر آن اصرار داشتند، نپذیرفت و حتی اعلام کرد حاضر است آن را در مدت هشت روز تعمیر کند. ترک‌ها به بهانه شرایط کرونا تعمیرات را به تأخیر انداختند و درنهایت صادرات گاز به ترکیه از ۱۱ تیر ۱۳۹۹ از سر گرفته شد و محمدرضا جولایی، سرپرست مدیریت دیسپچینگ شرکت ملی گاز، گفت که صادرات گاز به ترکیه با رعایت همه تعهدهای پیشین ازسوی طرفین ادامه خواهد داشت.[۳]

در این دوره، صادرات گاز به عراق سرانجام عملی شد. گفتگو برای صادرات گاز ایران به عراق از سال ۱۳۸۹ آغاز شده بود که درنهایت، در ۳۰ تیر ۱۳۹۲ با حضور وزیران نفت ایران و عراق به امضای قراردادی شش‌ساله در بغداد انجامید. طبق قرارداد، صادرات گاز ایران به عراق از طریق خط‌لوله اول ایلام، به نیروگاه‌های صدر، بغداد و المنصوریه با روزانه ۵ میلیون مترمکعب آغاز می‌شد و به ۲۵ میلیون مترمکعب در روز افزایش می‌یافت. قرارداد دوم صادرات گاز ایران به عراق در دولت تدبیر و امید امضا شد. حمیدرضا عراقی، مدیرعامل شرکت ملی گاز ایران، و خالد حسن صالح، معاون وزیر برق عراق، در حضور

۱ . خبرگزاری شانا، ۱۵ بهمن ۱۳۹۴.

۲ .خبرگزاری شانا، ۱۸ خرداد ۱۳۹۹.

۳ . خبرگزاری شانا، ۱۱ تیر ۱۳۹۹.

بیژن زنگنه، در ۱۴ آبان ۱۳۹۴ قرارداد را در تهران امضا کردند.[۱] طبق قرارداد، گاز ایران از طریق خطلوله به بصره ارسال می‌شد.

سرانجام، ۳۱ خرداد ۱۳۹۶ صادرات گاز به عراق از مرز نفت‌شهر آغاز شد. صادرات به عراق، حجم صادرات گاز ایران را افزایش داد. صادرات گاز که در سال ۱۳۹۵ بالغ بر ۹ میلیارد مترمکعب بود، در سال ۱۳۹۶ به بیش از ۱۳ میلیارد مترمکعب رسید.[۲] اواخر سال ۱۳۹۸ صادرات گاز به عراق با چالش‌هایی روبه‌رو شد و سرانجام، دی ۱۳۹۹ شرکت ملی گاز ایران اعلام کرد که ایران عرضه گاز به عراق را به علت بدهی بیش از ۶ میلیارد دلاری این کشور، کاهش داده است. هیئتی از ایران به عراق سفر کرد و طرفین به گفتگو نشستند. ۱۰ دی، رضا اردکانیان، وزیر نیرو، با اعلام توافق بین ایران و عراق، گفت: «خوشبختانه وزارت برق عراق و مقامات این کشور موفق شدند بخش قابل‌توجهی از مطالبات شرکت توانیر و بخشی از مطالبات شرکت ملی گاز را پرداخت کنند.»[۳]

چنانکه گفتیم، صادرات گاز به ارمنستان در قالب تهاتر گاز و برق انجام می‌شود که از سال ۱۳۸۹ و در قالب قراردادی بیست‌ساله آغاز شد. طبق قرارداد، گاز صادراتی ایران به مصرف نیروگاه‌های تولید برق در ارمنستان می‌رسد و در عوض، ایران از ارمنستان برق وارد می‌کند. در سال ۱۳۹۶، حدود ۳۷۵ میلیون مترمکعب گاز به این کشور صادر شد. در سال‌های اخیر، مذاکره برای گسترش روابط انرژی بین دو کشور ادامه یافت و ارمنستان درخواست کرد گاز بیشتری از ایران دریافت کند. ایران اعلام کرد که برای افزایش حجم صادرات گاز خود مشکلی ندارد و خطوط لوله انتقال گاز نیز ظرفیت کافی برای این افزایش را دارد. اگر طرف ارمنی توان پرداخت پول گاز و تأمین برق بیشتر را داشته باشد، در ازای آن باید برق بیشتری نیز به ایران تحویل دهد.[۴] شدت گرفتن تحریم‌های ایران و شعله‌ور شدن جنگ با آذربایجان در سال ۱۳۹۹، بر روند صادرات گاز ایران به ارمنستان تا حدی اثرگذار بود. بااین‌حال، وزیر نفت در شهریور ۱۳۹۹ اعلام کرد که صادرات گاز به ارمنستان تا حدی انجام می‌شود.[۵] مذاکره بین ایران و ارمنستان برای افزایش صادرات به این کشور ادامه یافت تا اینکه در دی ۱۳۹۹ هاکوپ وارتانیان،

۱ . خبرگزاری شانا، ۲۰ آبان ۱۳۹۴.
۲ . ترازنامه بانک مرکزی، سال‌های ۱۳۹۵ و ۱۳۹۶.
۳ . اقتصاد آنلاین، ۱۰ دی ۱۳۹۹.
۴ . خبرگزاری شانا، ۲۲ خرداد ۱۳۹۷.
۵ . دنیای اقتصاد، ۴ شهریور ۱۳۹۹.

معـاون وزیـر زیرسـاخت‌ها و مدیریـت منطقـه‌ای ارمنسـتان، در رأس هیئتـی وارد ایـران شـد و بـا امیرحسـین زمانی‌نیـا، معـاون امـور بین‌الملـل و بازرگانـی وزیـر نفـت دیـدار کـرد. طرفیـن مذاکـرات را سـازنده اعـلام کردنـد و گفتنـد کـه دربـاره گسـترش روابـط بلندمـدت انـرژی بـه توافـق رسـیدند و پـس از نهایـی شـدن، قـرارداد بلندمـدت در ایـن زمینـه امضـا خواهـد شـد.[۶]

ازسـوی دیگـر، ایـران بـرای تأمیـن گاز بخش‌هـای شـمالی کشـور از زمسـتان ۱۳۷۶ از ترکمنسـتان گاز وارد می‌کـرد. در سـال ۱۳۹۲ نزدیـک بـه ۵ میلیـارد مترمکعـب گاز از ترکمنسـتان وارد ایـران شـد.[۷] واردات گاز از ترکمنسـتان همـواره بـا مشـکلات و چالش‌هایـی بـر سـر افزایـش قیمـت گاز و درنتیجـه، قطـع گاز در اوج سـرمای زمسـتان همـراه بـود. ترکمنسـتان در سـال‌های گذشـته، سـه بـار به‌طـور رسـمی گاز را بـه روی ایـران قطـع کـرد. شـرکت ترکمـن‌گاز بـا قطـع گاز در سـال ۱۳۸۴ موفـق شـد قیمـت گاز صادراتـی خـود بـه ایـران را ۵۵ درصـد افزایـش دهـد. در سـال ۱۳۸۶ نیـز در گام نخسـت موفـق بـه افزایـش ۸۷ درصـدی قیمـت گاز و در گام دوم موفـق بـه افزایـش ۲.۵ برابـری قیمـت گاز شـد. زمسـتان ۱۳۹۵ بـار دیگـر ترکمنسـتان گاز وارداتـی بـه ایـران را قطـع کـرد. ایـران بـه دلیـل شـرایط تحریـم و عـدم امـکان جابه‌جایـی پـول، قـادر بـه پرداخـت مسـتمر گازبهـا نبـود و ترکمـن‌گاز بـا هـدف دریافـت بدهـی معـوق دسـت بـه ایـن اقـدام زد.[۸] مناقشـه گازی ایـران و ترکمنسـتان در سـال ۱۳۹۶ بـالا گرفـت و ایـران واردات گاز از ایـن کشـور را ۳۳ درصـد کاهـش داد. سـرانجام، بـا راه‌انـدازی خـط انتقـال گاز دامغـان ـ نـکا در مـرداد ۱۳۹۶، ایـران از گاز ترکمنسـتان بی‌نیـاز شـد. بسـیاری از ایـن روز بـا عنـوان «روز اسـتقلال گازی ایـران» یـاد کردنـد.

مـروری بـر حوادثـی کـه در سـال‌های اخیـر در رونـد صـادرات گاز ایـران بـه ترکیـه و عـراق رخ داد، ایـن سـؤال را بـه ذهـن متبـادر می‌کنـد کـه چـه آینـده‌ای در انتظـار ایـن قراردادهـا اسـت؟ ایـران به‌خوبـی بـر ایـن نکتـه واقـف اسـت کـه بـرای تأمیـن امنیـت انـرژی خـود بایـد از یک‌سـو، مشـتریان گازی خـود را گسـترش دهـد و ازسـوی دیگـر، بـر صـادرات گاز به‌صـورت مایـع و از طریـق نـاوگان کشـتیرانی تمرکـز کنـد. بـر همیـن اسـاس، اروپـا یکـی از بازارهـای مهمـی اسـت کـه همـواره موردتوجـه ایـران قـرار داشـته و دارد و کشـورهای اروپایـی نیـز همـواره بـه تجـارت گاز بـا ایـران علاقـه نشـان داده‌انـد. جمهـوری آذربایجـان، ترکیـه و سـوریه سـه مسـیر اصلـی انتقـال گاز ایـران بـه اروپاسـت. در سـال‌های گذشـته، ایـران بـرای دسـتیابی بـه هریـک

۶ . خبرگزاری شانا، ۶ دی ۱۳۹۹.

۷ . ترازنامه انرژی سال ۱۳۹۲.

۸ . خبرگزاری شانا، ۱۴ تیر ۱۳۹۹.

از ایـن سـه مسـیر گفتگوهـای طولانـی در پیـش گرفـت، امـا بـه نتیجـه مطلـوب دسـت نیافـت. تحریم‌هـای امریـکا و اقدامـات روسـیه در نـاکام مانـدن صـادرات گاز ایـران بـه اروپـا نقـش مهمـی داشـت.

ولادیمیرپوتیـن، رئیس‌جمهـور روسـیه، کـه در اجـلاس مجمـع کشـورهای صادرکننـده گاز در تهـران حضـور داشـت، از قصـد روسـیه بـرای صـادرات گاز بـه شـرق و غـرب عالـم سـخن گفـت. او گفـت «در نظـر داریـم فـروش گاز بـه آسـیا را بـه ۱۲۸ میلیـارد مترمکعـب در سـال و صـادرات گاز طبیعـی مایع‌شـده (ال‌ان‌جـی) را بـه ۶۰ میلیـون تـن در سـال افزایـش دهیـم... بـا شـرکای اروپایـی کارهـای زیرسـاختی را در حـال انجـام داریـم؛ بـا ترکیـه در حـال بررسـی مسـیر جنـوب (نورداسـتریم) هسـتیم و همچنیـن در صـدد هسـتیم بـه سـمت شـرق هـم صـادرات داشـته باشـیم.» پوتیـن در ادامـه سـخنانش، بـه ایـن نکتـه اشـاره کـرد کـه در راهبـرد ملـی روسـیه، تولیـد گاز روسـیه تـا سـال ۲۰۳۵ بـه حـدود ۸۵۵ میلیـارد مترمکعـب افزایـش خواهـد یافـت.[۱] در همـان کنفرانـس، بیـژن زنگنـه در پاسـخ بـه ایـن پرسـش کـه آیـا بـازار اروپـا خـط قرمـز کشـور روسـیه اسـت، گفـت: «مـن نمی‌توانـم دربـاره خـط قرمـز کشـورها صحبـت کنـم، امـا در کسـب‌وکار تولیدکننـده می‌خواهـد رقیبـی بـرای فـروش خـود نداشـته باشـد و مصرف‌کننـده هـم می‌خواهـد عرضه‌کننـدگان متنـوع باشـند تـا قیمت‌هـای بهتـری بـه دسـت بیـاورد کـه مصـرف کننـدگان توانسـتند ایـن کار را انجـام دهنـد و تـا حـدود زیـادی نیـز موفـق شـدند.»[۲]

در سـال‌های گذشـته، روسـیه بـا متنوع‌سـازی مسـیر و شـیوه انتقـال گاز و سیاسـت عـدم اتـکا بـه یـک کشـور ترانزیتـی توانسـت سیاسـت‌های اقتصـادی و امنیـت انـرژی خـود را پیـش ببـرد. بـا افتتـاح خط‌لولـه ترک‌اسـتریم در ژانویـه ۲۰۲۰، صـادرات گاز روسـیه بـه صربسـتان و بوسـنی از طریـق ایـن خط‌لولـه امکان‌پذیـر شـد. ایـن مسـیر جدیـد از ترکیـه و بلغارسـتان می‌گـذرد، بدیـن صـورت کـه گاز طبیعـی بـا خط‌لولـه تـرک اسـتریم و در امتـداد دریـای سـیاه بـه ترکیـه می‌رسـد، سـپس از طریـق سیسـتم انتقـال گاز طبیعـی بلغارسـتان وارد صربسـتان می‌شـود. الکسـی میلـر، مدیرعامـل گازپـروم، اعـلام کـرد کـه درمجمـوع ۶ کشـور اروپایـی گاز روسـیه را از ایـن خط‌لولـه دریافـت می‌کننـد.[۳] به‌این‌ترتیـب، روسـیه بـا اسـتفاده از خط‌لولـه ترک‌اسـتریم، اوکرایـن را به‌عنـوان مسـیر ترانزیـت بـه اروپـا دور زده و گاز طبیعـی را از طریـق ترکیـه بـه جنـوب اروپـا منتقـل می‌کنـد.

۱ . خبرگزاری شانا، ۲ آذر ۱۳۹۴.

۲ . همان.

۳ . خبرگزاری شانا، ۱۳ دی ۱۳۹۹.

فریدون برکشلی، رئیس گروه مطالعات انرژی وین، علاوه بر روسیه و تحریم‌های امریکا، ترکیه را نیز یکی از عوامل بازدارنده برای صادرات گاز ایران به اروپا می‌داند: «تا دهه ۱۳۸۰، ترکیه حامی ایفای نقش ترانزیت برای عبور گاز ایران به اتحادیه اروپا بود. قیمت پیشنهادی ترکیه برای حق ترانزیت، چنان جذاب بود که شرکت صادرات گاز را با شگفتی روبه‌رو کرد. با افتتاح و آغاز اولین محوله‌های گاز صادراتی ایران به ترکیه، آنکارا تغییر رویه داد. ترکیه مؤکداً از ایفای نقش ترانزیت خودداری کرد و درخواست کرد که رأسا تمام گاز ایران را خریداری و به اروپا صادر کند. در همین حال، ترکیه با افزایش واردات گاز خود از سایر منابع، سبد واردات گاز خود را متنوع کرد. این کشور با جدیت به دنبال طرح تبدیل ترکیه به مهم‌ترین کریدور انتقال گاز خاور نزدیک و مدیترانه است.»[۱]

تبدیل گاز به برق

با آغاز تحریم، تبدیل گاز به برق و صادرات آن ازجمله راهبردهای دولت‌های ایران برای کسب درآمد بود. این راهبرد به مثابه مقابله با تحریم و در چارچوب اقتصاد مقاومتی مطرح شد. اندیشه آن بود که گاز به برق بدل گردد و به همسایگان فروخته شود. چرا که صادرات برق در فهرست تحریم‌ها قرار نداشت. از همان زمان، این بحث بین پژوهشگران و مسئولان مطرح شد که آیا تبدیل گاز به برق و صادرات آن به صرفه است؟ در همین راستا، مرکز پژوهش‌های مجلس یک بررسی وتحقیق علمی در زمینه تبدیل گاز به برق در داخل کشور و مصرف خانگی انجام داد. نتیجه تحقیق نشان می‌دهد تبدیل گاز به برق به دلیل کارکردهای استثنایی و بدون جایگزین برق، اقدامی لازم و شایسته است. در این بررسی آمده بود که هر مترمکعب گاز ۸۰۰۰ کیلوکالری حرارت و گرما و یک کیلووات ساعت برق، حرارتی معادل ۸۵۹ کیلوکالری تولید می‌کند. در ادامه، با هر مترمکعب گاز در نیروگاه‌های گازی معمولی می‌توان ۳ کیلووات ساعت برق تولید کرد. با تبدیل هر مترمکعب گاز به برق حدود ۲۶۰۰ کیلوکالری حرارت به دست می‌آید.[۲]

ممکن است در نگاه اول چنین به نظر برسد که تولید برق از گاز مقرون به صرفه

۱ . خبرگزاری ایلنا، ۳ آذر ۱۳۹۹.

۲ . هزینه تبدیل انرژی گاز به برق و مقایسه صرفه اقتصادی مصرف خانگی هر یک از آن‌ها، مرکزپژوهش‌های مجلس، شماره مسلسل: ۷۸۰۴ ، خرداد ۱۳۸۵

نباشد. هر مترمکعب گاز ۸۰۰۰ کیلوکالری حرارت ایجاد می‌کند و تبدیل آن به برق تنها ۲۶۰۰ کیلوکالری حرارت. در این میان، باید کارکردهای استثنایی و بی‌جایگزین برق را لحاظ کرد. برق برای روشنایی به کار می‌رود، دستگاه‌های صوتی و تصویری را راه‌اندازی می‌کند، در تابستان وسایل سرمایشی را به حرکت درمی‌آورد و در زمستان وسایل گرمایشی را. اینها کارکردهایی است که از گاز به دست نمی‌آید. به‌علاوه، لوله‌های گاز در معرض زلزله و آسیب‌پذیری قرار دارند، درحالی که این مسئله برای خطوط انتقال برق کمتر ایجاد حادثه می‌کند. با توجه به این مزیت‌های استثنایی، مرکز پژوهش‌های مجلس به درستی به این نتیجه می‌رسد که تبدیل گاز به برق برای مصارف خانگی در داخل کشور، امری پسندیده و ضروری است.

دولت تدبیر و امید تصمیم گرفت با استفاده از نیروگاه‌های موجود و نیز با بهره‌گیری از بخش خصوصی و احداث نیروگاه‌های جدید، همچنین با همراهی شرکت ملی نفت و شرکت ملی گاز، این امکان را فراهم کند که بخشی از گاز تولیدی کشور به برق تبدیل و به کشورهای همسایه صادر شود و درآمد ارزی کسب کند.

این تفکر به‌تدریج قوت گرفت و سرانجام در مجمع تشخیص مصلحت نظام در قالب سیاست‌های اقتصاد مقاومتی تبلور یافت. در بند ۱۳ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی که در ۲۹ بهمن ۱۳۹۲ ابلاغ گردید آمده بود که ایجاد تنوع در روش‌های فروش و مشارکت دادن بخش خصوصی در فروش و افزایش صادرات گاز و برق برای مقابله با ضربه‌پذیری درآمد حاصل از صادرات نفت و گاز پیش‌بینی شود.[1] وزارت نفت برای تحقق این بند از سیاست‌های اقتصاد مقاومتی با عنوان پروژه «تبدیل گاز به برق» در ۹ شهریور ۱۳۹۳ راهبرد خود را ارائه داد. راهبرد خود در پروژه تبدیل گاز به برق را اعلام و مسئولیت تأمین گاز برای تولید برق با هدف صادرات را برعهده گرفت.[2] در این راهبرد، شرکت ملی نفت و شرکت ملی گاز ایران گاز موردنیاز را به سرمایه‌گذار تحویل می‌دادند. سرمایه‌گذار تمام مسئولیت‌های سرمایه‌گذاری، کسب مجوزهای لازم برای احداث نیروگاه، تأسیسات لازم برای انتقال و صادرات برق و نیز بازاریابی برق تولیدی در کشور هدف را بر عهده داشت. برق تولیدی نیز به کنسرسیومی از شرکت ملی نفت، شرکت ملی گاز و سرمایه‌گذار به نسبت آورده هر یک از طرفین تعلق داشت. سهم سرمایه‌گذار از درآمد حاصل از صادرات برق، سود متعارف به‌علاوه هزینه‌های انجام‌شده در نظر گرفته شد؛ آنچه باقی می‌ماند

۱ . ابلاغ سیاست‌های کلی «اقتصاد مقاومتی» (تارنمای khamenei.ir)

۲ . خبرگزاری شانا، ۹ شهریور ۹۳

هـم سـهم شـرکت ملـی نفـت و شـرکت ملـی گاز بـود.[۱]

پـس از اعـلام راهبـرد وزارت نفـت، مذاکـره بـا شـرکت‌های داخلـی و خارجـی بـرای تبدیـل گاز بـه بـرق بـا هـدف صـادرات بـرق آغـاز شـد. نخسـتین قـرارداد در ۱۲ دی ۱۳۹۳ امضـا شـد[۲] و مدتـی بعـد، بـا چنـد شـرکت ترکیـه‌ای بـرای صـادرات بـرق توافقـات اولیـه انجـام شـد. بـه گفتـه علیرضـا کاملـی، مدیرعامـل شـرکت صـادرات گاز ایـران، ایـن شـرکت‌ها در ترکیـه نیـروگاه داشـتند و از توانمنـدی فنـی و مالـی لازم برخـوردار بودنـد.[۳] اردیبهشـت ۱۳۹۴، کاملـی از امضـای توافقنامه‌هـای اولیـه خبـر داد و گفـت: «بعـد از امضـای نخسـتین قـرارداد در سـال ۱۳۹۳، توافق‌نامه‌هـای اولیـه بـا چهـار شـرکت ایرانـی بـرای تبدیـل گاز بـه بـرق امضـا شـد. در حـال حاضـر دو موضـوع مهـم بـرای ایـن شـرکت‌ها وجـود دارد؛ نخسـت، محـل احـداث نیـروگاه و دوم بـازار فـروش بـرق تولیدشـده.» او، کشـورهای افغانسـتان، پاکسـتان، عـراق، ترکیـه و امـارات را ازجملـه بازارهـای هـدف بـرای شـرکت‌ها دانسـت.[۴]

۱ . اطلاعیه وزارت نفت درباره صادرات برق، تارنمای شرکت ملی گاز ایران.

۲ . شانا، ۱۲ دی ۹۳ و شانا، ۲۲ شهریور ۹۳

۳ . شانا، ۱۲ بهمن ۹۳

۴ . شانا، ۳۱ خرداد ۹۴

عملکرد شرکت ملی گاز ایران در یک نگاه
(از آغاز تا تیرماه سال ۱۳۹۷)[1]

ردیف	نوع فعالیت	واحد	عملکرد
۱	خطوط انتقال گاز احداث‌شده	کیلومتر	۳۸۶۷۹
۲	خطوط انتقال گاز بهره‌برداری‌شده	کیلومتر	۳۶۵۸۲,۳
۳	ایستگاه‌های تقویت فشار بهره‌برداری‌شده	عدد	۸۱
۴	تحویل به مخازن ذخیره‌سازی گاز	میلیون مترمکعب	۱۱۰۴۰
۵	تعداد نیروگاه‌های گازرسانی‌شده	واحد	۸۲
۶	شبکه گاز شهری و روستایی اجراشده	کیلومتر	۳۳۸۳۵۴,۴
۷	انشعاب گاز شهری و روستایی نصب‌شده	عدد	۱۱۳۴۶۵۱۰
۸	تعداد مشترکین گاز شهری و روستایی	عدد	۲۲۶۵۸۳۴۷
۹	واحد تحت پوشش شهری و روستایی	عدد	۲۶۲۱۸۴۳۰
۱۰	تعداد شهرهای گازرسانی‌شده	عدد	۱۱۲۲
۱۱	تعداد روستاهای گازرسانی‌شده	عدد	۲۶۱۴۲
۱۲	واردات گاز طبیعی	میلیارد مترمکعب	۱۱۳
۱۳	صادرات گاز	میلیارد مترمکعب	۱۹۴

۱ . برگرفته از تارنمای شرکت ملی گاز ایران

پالایش

نگاهی به وضعیت مراکز پالایشی کشور در طول دهه ۸۰ و اوایل دهه ۹۰ ما را با این واقعیت دردناکی مواجه می‌کند که به دلیل رشد روزافزون مصرف داخلی و همچنین تحریم خارجی، صنعت پالایشی ایران در وضعیت نامناسب قرار داشت. پس از انقلاب، تنها دو پالایشگاه در شهرهای اراک و بندرعباس احداث شده بود و بخش خصوصی هنوز توانایی احداث چنین مراکز پرهزینه‌ای را نداشت. از اقدامات پررارزش سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲، آغاز ساخت پالایشگاه ستاره خلیج‌فارس بود. همچنان‌که در سند چشم‌انداز بیست‌ساله قانون برنامه چهارم توسعه بر ضرورت توسعه ظرفیت پالایشگاه‌های موجود و احداث پالایشگاه‌های جدید تأکید داشت، مقدمات ساخت پالایشگاه ستاره خلیج‌فارس مهیا گردید. شورای اقتصاد در ۹ تیر ۱۳۸۶ با سرمایه‌گذاری ۲ هزار میلیارد تومانی موافقت کرده بود. وزیری هامانه، وزیر نفت، نیز از ارائه لایحه احداث سه پالایشگاه خبر داد و رئیس‌جمهور وعده داد که امکان صادرات بنزین فراهم گردد. همچنین، در سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۰ تحریم‌ها چنان شدت گرفته بود که واردات فراورده‌های نفتی بیش از حد انتظار افزایش یابد و حتی کار به جایی کشید که واحدهای پتروشیمیایی به تولید بنزین روی آورند. این آخری، از مسائل پرهیاهوی آن روزها بود.

با این مقدمه، به موضوع پالایش و پخش و خطوط لوله می‌پردازیم. از مهم‌ترین مشکلات واحدهای پالایشگاهی ضعف در فرایند تولید و بازدهی کیفی پایین و به زبان ساده، فزونی تولید فراورده‌های غیراقتصادی همچون نفت‌کوره بود. حجم انتقال خطوط لوله نیز از مسائل و مشکلات دائمی تاریخ صنعت نفت به حساب می‌آید. پمپ‌بنزین‌ها به مثابه آخرین ایستگاه سیستم پالایشی هم به لحاظ کمّی و هم کیفی (و نداشتن مؤلفه بصری) همواره در وضعیت نامناسبی قرار دارند. در سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۹ تمهیداتی برای توسعه کیفی پالایشگاه‌ها و افزایش ظرفیت آنان اندیشیده و اجرایی شد. پالایشگاه‌های آبادان، تبریز، شیراز، تهران و اصفهان مورد بازسازی قرار گرفتند که در بخش‌هایی تاکنون نیز ادامه دارد. افزایش ظرفیت خطوط لوله و تعویض لوله‌های فرسوده‌شده و افزایش ظرفیت مراکز انتقال نفت در این دوره نسبتاً قابل‌قبول است.

عباس کاظمی و علیرضا صادق‌آبادی مدیریت شرکت ملی پالایش و پخش فراورده‌های نفتی را در دولت تدبیر و امید بر عهده داشتند. آنچه که در این دوره مشاهده می‌شود، اقدامات جدی در زمینه تولید فراورده‌های ارزشمند همچون بنزین موتور، بنزین هواپیما و گازوئیل با استانداردهای یورو ۴ و ۵ است. اوج این روند با افتتاح پالایشگاه ستاره خلیج‌فارس رقم خورد و ایران از واردکننده بنزین به صادرکننده آن بدل گشت. واردات بنزین در مهر ۱۳۹۷ پایان یافت. در سال ۱۳۸۵، ایران روزانه حدود ۲۷ میلیون لیتر بنزین وارد می‌کرد. سیزده سال بعد، صنعت نفت ایران قادر شد به عراق، افغانستان، پاکستان، ارمنستان و جمهوری آذربایجان بنزین صادر کند. آنچه که از تاریخ صنعت نفت می‌توان آموخت، تلاش هرچه بیشتر این صنعت برای توسعه واحدهای پالایشگاهی است تا بتواند ضعف و محدودیت را به فرصت و ثروت بدل سازد. ایران مخازن سرشار نفت‌خام و گاز طبیعی دارد و ازسوی دیگر، توانسته است دانش فنی مراکز پالایشی را به دست آورد و چنانچه دولت و حاکمیت بتوانند برخی محدودیت‌ها را از سر راه بردارند، صنعت نفت ایران از این منظر به اوج شکوفایی خواهد رسید. با توجه به محدودیت‌های قانونی، دو موضوع سرمایه‌گذاری و به‌روزرسانی دانش فنی بایست مطمح نظر مدیران عالی‌رتبه باشد.

در این دوره، شرکت‌های دانش‌بنیان ظاهر شدند و بخش عمده‌ای از نیازهای صنعت پالایش در بخش کالا را برطرف کردند. هر چند برخی از ادعاها با گزافه‌گویی همراه است، اما اقدامات نخبگان و صنعتگران در ساخت کمپرسورها، توربین‌ها، موتورهای الکتریکی، لوله‌های آلیاژی و برخی شیرآلات قابل تحسین است. سعید ستاری، مدیرعامل شرکت مهندسی و ساختمان نفت، در بیست و پنجمین نمایشگاه نفت و گاز و پتروشیمی گفت به‌صورت عملی از پیمانکاران خارجی در پروژه‌های بزرگ پالایشگاهی بی‌نیاز شده‌ایم.[1]

پالایش در سال ۱۳۹۲

در سال ۱۳۹۲، تعداد ۹ پالایشگاه در حال تولید فراورده‌های نفتی بودند: آبادان، کرمانشاه، تهران، شیراز، تبریز، اصفهان، اراک، بندرعباس، لاوان. تنها دو پالایشگاه آبادان و اراک در اختیار شرکت ملی پالایش و پخش قرار داشت و هفت شرکت پالایشی دیگر به‌طور خصوصی اداره می‌شد و شرکت پالایش و پخش بر فعالیت آنها نظارت داشت. ظرفیت تولید پالایشگاه‌ها در این سال بیش از ظرفیت اسمی آنها و مجموع خوراک روزانه

۱ . شانا، ۶ بهمن ۱۳۹۹.

آنها حدود یک میلیون و ۸۶۰ هزار بشکه نفت‌خام و میعانات گازی[۱] و تولید فراورده‌های مختلف بالغ بر ۲۹۰ میلیون لیتر[۲] در روز بود. خوراک نفت‌خام پالایشگاه‌های کشور تماماً از حوزه‌های نفتی داخلی بود؛ درحالی‌که در سال‌های قبل بخشی از این خوراک با سوآپ نفت‌خام از همسایه‌های شمالی تأمین می‌گردید. دولت تلاش کرد با افزایش خوراک و تغییر در الگوی پالایشگاه‌ها در سال‌های ۱۳۸۲ تا ۱۳۹۲ فراورده‌های موردنیاز و مهم کشور ازجمله بنزین موتور و نفت‌گاز را افزایش دهد. در واقع، این اقدام دولت برای افزایش تولید فراورده‌ها به‌ویژه بنزین، بیانگر نیاز به انجام طرح‌های توسعه در پالایشگاه‌ها و یا احداث پالایشگاهی جدید بود. در سال ۱۳۹۲، پالایشگاه‌های آبادان و بندرعباس بیشترین درصد تولید بنزین موتور را داشتند و بالاترین درصد استحصال نفت‌کوره در پالایشگاه کرمانشاه و پایین‌ترین میزان آن در پالایشگاه اراک بود.

ظرفیت پالایشگاه آبادان ۴۰۲ هزار بشکه در روز، اصفهان ۳۷۸ هزار بشکه در روز، اراک ۲۴۳ هزار بشکه در روز، کرمانشاه ۲۱ هزار بشکه در روز، تبریز ۱۱۵ هزار بشکه در روز، تهران ۲۴۹ هزار بشکه در روز، شیراز ۵۹ هزار بشکه در روز، بندرعباس ۳۳۱ هزار بشکه در روز و لاوان ۶۱ هزار بشکه در روز بود.[۳] صادرات فراورده‌های نفتی ۹۹ هزار بشکه در روز و مصرف داخلی آن‌ها یک میلیون و ۷۳۱ هزار بشکه در روز بود. نفت‌کوره اصلی‌ترین فراورده صادراتی بود و نفت‌گاز و بنزین بیشترین فراورده‌های مصرفی در داخل بودند و گازمایع کمترین سهم را داشت. نفت‌کوره، نفت‌سفید و گاز مایع در رتبه‌های بعدی بودند.[۴] پس از هدفمندی یارانه‌ها در سال ۱۳۸۹، قیمت فراورده‌های نفتی ازجمله در این سال ثابت بود که به‌نوبه خود موجب افزایش مصرف بعضی از حامل‌ها ازجمله بنزین گردید.

در سال ۱۳۹۶، راه‌اندازی فاز اول پالایشگاه ستاره خلیج‌فارس، اجرای طرح افزایش ظرفیت و کیفیت پالایشگاه‌های لاوان و اصفهان و اجرای طرح تولید بنزین سبز (آلکالیت) در پالایشگاه آبادان موجب افزایش تولید بنزین یورو ۴ در کشور شد. با اجرای طرح‌های پالایشی، درمجموع تولید بنزین به حدود ۷۷ میلیون لیتر در روز افزایش یافت که با توجه به مصرف تقریباً ۷۹ میلیون لیتری بنزین، فاصله بین تولید و مصرف تا اندازه

۱ . ترازنامه هیدروکربوری، سال ۱۳۹۲.
۲ . ترازنامه انرژی، سال ۱۳۹۲.
۳ . ترازنامه هیدروکربوری، سال ۱۳۹۲.
۴ . ترازنامه بانک مرکزی، سال ۱۳۹۲

زیـادی برابـر شـد.

در سـال ۱۳۹۹، بـا انجـام طرح‌هـای توسـعه‌ای و بهینه‌سـازی واحدهـا در پالایشـگاه‌های کشـور، ظرفیـت پالایشـی بـه حـدود ۲ میلیـون و ۳۰۰ هـزار بشـکه در روز افزایـش یافـت.[۱] تولیـد بنزیـن نیـز بـه ۱۱۵ میلیـون لیتـر رسـید کـه ۹۱ میلیـون لیتـر از بنزیـن تولیـدی دارای اسـتاندارد یـورو ۴ و ۵ بـود.[۲]

پالایشگاه آبادان

پالایشـگاه آبـادان در سـال ۱۳۹۲ بزرگ‌تریـن پالایشـگاه کشـور بـود. عـلاوه بـر تولیـد فراورده‌هـای مختلـف، محصـولات آن خـوراک پتروشـیمی آبـادان، کارخانجـات روغن‌سـازی ایرانـول، پتروشـیمی بندرامـام و بخشـی از خـوراک پتروشـیمی بیسـتون کرمانشـاه را نیـز تأمیـن می‌کـرد. در سـال ۱۳۹۲، بـه علـت افزایـش میـزان خـوراک نفت‌خـام و تغییـر ترکیـب آن نسـبت بـه سـال‌های قبـل، درصـد اسـتحصال فراورده‌هـای تقطیـری سـبک کاهـش و درصـد اسـتحصال نفت‌کـوره افزایـش و بازدهـی پالایشـگاه به‌طـور قابـل ملاحظـه‌ای کاهـش پیـدا کـرد و در حـد مطلوبـی قـرار نداشـت.[۳]

پالایشـگاه آبـادان در سـال‌های ۱۳۹۲ تـا ۱۳۹۹ موردتوجـه قـرار گرفـت. فرسـودگی تأسیسـات و بـالا بـودن درصـد نفت‌کـوره و آلودگی‌هـای زیسـت‌محیطی از مشـکلات اصلـی بـود. عملیـات اجرایـی احـداث فـاز ۲ پالایشـگاه آبـادان از بهمـن ۱۳۹۵ آغـاز شـد. مدیـران ارتقـاء سـطح کیفـی محصـولات بـه یـورو ۴ و ۵، ارتقـاء سـطح زیسـت محیطـی، نوسـازی و سـوددهی پالایشـگاه را از دسـتاوردهای ایـن پـروژه دانسـتند. مجـری طـرح در سـال ۱۳۹۸ اعـلام کـرد بخـش اول پـروژه فـاز ۲ ایـن طـرح در سـال ۱۴۰۲ بـه پایـان می‌رسـد.

پالایشگاه اصفهان

پالایشـگاه اصفهـان در سـال ۱۳۹۲ دومیـن پالایشـگاه بـزرگ کشـور بـود. روزانـه ۹ میلیـون لیتـر بنزیـن تولیـد می‌کـرد و درصـد اسـتحصال مـواد تقطیـری سـبک بـالا و درصـد نفت‌کـوره آن در حداقـل ممکـن قـرار داشـت. در ایـن سـال، اجـرای طـرح بهبـود فراینـد و بهینه‌سـازی

۱ . شانا، ۲۳ شهریور ۱۳۹۹.

۲ . خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۶ بهمن ۱۳۹۹.

۳ . ترازنامه هیدروکربوری، سال ۱۳۹۲.

پالایشگاه برای افزایش تولید بنزین سوپر و قطع واردات آن به کشور در حال انجام بود. این پالایشگاه خوراک صنایع پایین‌دستی پتروشیمی اصفهان، پتروشیمی اراک، نفت سپاهان، پالایش نفت جی و صنایع شیمیایی ایران را نیز تأمین می‌کرد.[۱]

در سال ۱۳۹۹، در پالایشگاه اصفهان طرح تصفیه گازوییل (سوخت دیزل) در حال انجام بود. قطعات موردنیاز طرح وارد شده و تجهیزات در حال نصب بودند. بودجه این طرح بالغ بر ۷۰۰ میلیون یورو بود. پیش‌بینی شد که این طرح در نیمه سال ۱۴۰۰ به بهره‌برداری برسد. در پایان سال ۱۳۹۹ نیز مدیران پالایشگاه اصفهان چشم‌انداز پیش‌رو را تبدیل‌شدن به پتروپالایشگاه و هولدینگ بزرگ این بخش اعلام کردند. سرمایه‌گذاری در صنایع پایین‌دستی وابسته به پالایشگاه در چند سال اخیر موردتوجه قرار گرفت و با گسترش شرکت‌های دانش‌بنیان برخی از پالایشگاه‌ها به طرح‌های پتروپالایشی روی آوردند. مدیرعامل پالایشگاه اصفهان در واپسین روزهای سال ۱۳۹۹ گفت که پالایشگاه اصفهان با خرید سهام پتروشیمی اصفهان نخستین گام در راستای این رویکرد را برداشت: «با تبدیل شدن پالایشگاه به پتروپالایش و سرمایه‌گذاری در صنایع‌پایین‌دست که وابستگی به پالایشگاه دارند، نیاز سایر صنایع تامین می‌شود.»[۲]

پالایشگاه اراک

پالایشگاه اراک در سال ۱۳۹۲ واحد پالایشی نمونه کشور بود. در این سال، با راه‌اندازی واحدهای فرایندی جدید[۳] ظرفیت پالایشگاه افزایش یافت. تولید بنزین از ۷/۷ میلیون به ۱۵/۹ میلیون لیتر در روز و کیفیت محصولات آن به استانداردهای یورو ۴ و ۵ ارتقا پیدا کرد. ازسوی دیگر، تولید نفت‌کوره از ۶ میلیون لیتر به ۲/۴ میلیون لیتر در روز کاهش یافت. تولید ۴۲ درصد بنزین یورو ۴ و ۳۵ درصد نفت‌گاز یورو ۴ و تولید محصولات مرغوبی چون نفت‌سفید، سوخت هواپیما و گاز مایع مرغوب و درصد استحصال پایین نفت‌کوره، پالایشگاه اراک را به واحد پالایشی نمونه کشور تبدیل کرد. این پالایشگاه، همچنین بخشی از خوراک نفتای سبک و سنگین پتروشیمی اراک را نیز تأمین می‌کرد و مازاد بنزین سوپر تولیدی آن برای افزایش تولید بنزین موتور پالایشگاه تهران ارسال

۱ . ترازنامه هیدروکربوری، سال ۱۳۹۲.

۲ . خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۵ اسفند ۱۳۹۹.

۳ . در سال ۱۳۹۱ راه‌اندازی شد.

می‌شـــد.[۱]

۵ تیـر ۱۳۹۹ واحـد تولیـد هگـزان پالایشـگاه اراک بـا ظرفیـت بیـش از ۱۹۰ هـزار لیتـر توسـط رئیس‌جمهـور و از طریـق ویدئـو کنفرانـس بـه بهره‌بـرداری رسـید. بـا افتتـاح ایـن واحـد، ۵۰۰ هـزار لیتـر بـر تولیـد روزانـه بنزیـن ایـن پالایشـگاه افـزوده شـد. مدیرعامـل پالایشـگاه طـرح نرمـال هگـزان را یـک طـرح نوآورانـه توصیـف کـرد کـه بـرای اولین‌بـار در صنعـت پالایـش نفـت کشـور صـورت گرفـت. ایـن طـرح بـدون صـرف هزینه‌هـای سـنگین سـرمایه‌گذاری و بـا اسـتفاده از ظرفیـت هـای خالـی در واحدهـای ایزومایزومراسـیون و اکتانایـزر و اعمـال تغییـرات فرآینـدی و بهینـه سـازی فرآینـد عملیاتـی پالایـش انجـام شـد.[۲]

پالایشـگاه اراک در پنـج مـاه نخسـت سـال ۱۳۹۹ حـدود یـک میلیـارد و ۱۷۰ میلیـون لیتـر بنزیـن یـورو چهـار و بیـش از ۱۷ میلیـون لیتـر بنزیـن سـوپر تولیـد کـرد کـه بـه گفتـه مدیرعامل ایـن پالایشـگاه، بیـش از ۲۲ درصـد نیـاز کشـور بـه ایـن سـوخت را تأمیـن کـرد.[۳] ۱۴۰ هـزار تـن (بیـش از نیمـی) از سوخت کم‌سـولفور موردنیـاز کشـتیرانی جمهـوری اسـلامی ایـران نیـز از پالایشـگاه اراک تأمیـن شـد.[۴]

پالایشگاه کرمانشاه

پالایشـگاه کرمانشـاه در سـال ۱۳۹۲ درصـد بازدهـی مطلوبـی نداشـت و درصـد اسـتحصال نفت‌کـوره آن نسـبت بـه سـایر پالایشـگاه‌ها بالاتـر بـود، چـرا کـه سیسـتم پالایشـی آن سـاده اسـت و واحدهـای فراینـدی پیچیـده و پیشـرفته نـدارد. در سـال ۱۳۹۱، خـط تولیـد نرمـال هگـزان[۵] بـا تولیـد ۲۰ تـن از ایـن محصـول بـا خلـوص ۵۰ تـا ۶۰ درصـد راه‌انـدازی شـد، امـا در سـال ۱۳۹۲ بـه علـت افزایـش تولیـد بنزیـن، پالایشـگاه نتوانسـت خـوراک ایـن واحـد را تأمیـن کنـد و خـط تولیـد آن توقف‌هـای متوالـی داشـت.[۶]

اردیبهشـت ۱۳۹۸، شـرکت پالایـش نفـت کرمانشـاه بـرای ارتقـای کیفیـت محصـولات و

۱ . ترازنامه هیدروکربوری، سال ۱۳۹۲.

۲ . خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۵ تیر ۱۳۹۹.

۳ . خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۶ مرداد ۱۳۹۹.

۴ . خبرگزاری شانا، ۶ آبان ۱۳۹۹.

۵ . محصـول نرمـال هگـزان کـه خـط تولیـد آن در سـال ۱۳۹۱ در پالایشـگاه کرمانشـاه راه‌انـدازی شـد، در صنایـع پتروشـیمی و روغـن موتـور مصـارف گسـترده‌ای دارد و در گذشـته، از خـارج وارد می‌شـد

۶ . ترازنامه هیدروکربوری، سال ۱۳۹۲.

افزایش تولید با پژوهشگاه صنعت نفت موافقت‌نامه‌ای برای مطالعه افزایش ظرفیت واحد تقطیر اتمسفریک و انجام مطالعات مهندسی پایه هشت واحد فرآیندی پالایشگاه امضا کرد.[۱]

پالایشگاه تبریز

خوراک پالایشگاه تبریز در سال ۱۳۹۲ با توقف کامل سوآپ نفت‌خام، کاملاً از مخلوط نفت‌خام داخل تأمین شد. نفتای سبک و سنگین، گاز اتان و بنزن تولیدی آن خوراک پتروشیمی تبریز را تأمین می‌کرد. با بهره‌برداری کامل طرح توسعه پالایشگاه تبریز[۲] در سال ۱۳۹۲، تولید بنزین با اکتان بالا و مطابق استانداردهای یورو ۵، یک میلیون لیتر در روز افزایش یافت و مجموع بنزین تولیدی این پالایشگاه با استاندارد یورو ۴ بالغ بر ۳ میلیون و ۶۰۰ هزار لیتر در روز بود.[۳]

در سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۹ با اجرای چند طرح توسعه‌ای در پالایشگاه تبریز، بر میزان و کیفیت محصولات تولیدی آن افزوده شد. در مرداد ۱۳۹۸، واحد جدید بنزین‌سازی با ظرفیت روزانه ۲۰ هزار بشکه، واحد جدید تصفیه نفت‌گاز با ظرفیت روزانه ۳۰ هزار بشکه، اختلاط و تولید روغن‌های روان‌ساز با ظرفیت سالانه ۴۰ هزار تن و تولید روغن پایه با ظرفیت سالانه ۹۰ هزار تن و نیز تغییر کاربری واحد کاتالیستی به واحد ایزومریزاسیون نفتای سبک با ظرفیت ۱۰ هزاربشکه در روز به‌صورت رسمی افتتاح گردید. بنزین تولیدی پالایشگاه تبریز به ۳ میلیون و ۵۰۰ هزار لیتر در روز رسید و تمام بنزین تولیدی به استاندارد یورو ۵ تبدیل شد.[۴]

خوراک پالایشگاه تبریز در سال ۱۳۹۹ حدود ۱۱۱ هزار و ۵۰۰ بشکه در روز بود. در ۳۰ دی ۱۳۹۹ در واحد کاهش گرانروی پالایشگاه تبریز آتش‌سوزی رخ داد که با اقدام سریع نیروهای بهره‌برداری و آتش‌نشانی، مهار و آتش خاموش شد.[۵]

پالایشگاه تهران

۱. خبرگزاری شانا، ۱۱ اردیبهشت ۱۳۹۸.

۲. طرح توسعه پالایشگاه تبریز شامل سه واحد فرایندی جداسازی بنزن، گوگردزدایی نفتا و اکتان‌افزایی بنزین و با هدف بهینه‌سازی فرایند و بهبود کمّی و کیفی بنزین طراحی و اجرا شد.

۳. ترازنامه هیدروکربوری، سال ۱۳۹۲.

۴. خبرگزاری شانا، ۱۰ مرداد ۱۳۹۸.

۵. خبرگزاری شانا، ۳۰ دی ۱۳۹۹.

در پالایشگاه تهران در سال ۱۳۹۲ با بهره‌برداری از طرح توسعه و بهینه‌سازی پالایشگاه[۱] روزانه ۲/۸ میلیون لیتر بنزین با کیفیت یورو ۴ و ۸ میلیون لیتر نفت‌گاز بر فراورده‌های نفتی کشور افزوده شد. همچنین، با ایجاد تغییرات فرایندی و تجهیزات و لوله‌کشی، تولید دو حلال ۴۰۲ و ۴۱۰ امکان‌پذیر شد.[۲] بازدهی پالایشگاه در سال ۱۳۹۲ مطلوب نبود، چرا که با تغییر در ترکیب نفت‌خام، درصد استحصال بنزین موتور، نفت‌سفید و نفت‌گاز کاهش و در مقابل، درصد استحصال نفت‌کوره افزایش قابل‌ملاحظه‌ای یافت.

در سال ۱۳۹۹، ضرورت رسیدن به بنزین یورو ۵ در دستور کار مدیریت پالایشگاه تهران قرار گرفت. مدیرعامل پالایشگاه تهران در زمستان ۱۳۹۹ از طراحی و ساخت واحد جدید سی‌سی‌آر (شامل احداث واحد سی‌سی‌آر، واحد اتان‌زدایی از گاز مایع و واحد اشباع بنزن) خبر داد و گفت «در دوره برجام با یک شرکت ژاپنی تفاهم‌نامه‌ای برای ساخت و تأمین منابع مالی این طرح امضا شد و با اجرای آن کیفیت بنزین تولیدی در پالایشگاه تهران به یورو ۵ و عدد آرام‌سوزی بنزین نهایی تولیدی در پالایشگاه از ۸۷ به ۹۱ می‌رسد.»[۳]

پالایشگاه شیراز

پالایشگاه شیراز در سال ۱۳۹۲ بالغ بر ۵۰ هزار بشکه نفت‌خام و ۶ هزار بشکه میعانات گازی را پالایش می‌کرد. با بهره‌برداری از خط‌لوله انتقال میعانات گازی پالایشگاه گازی فراشبند، روزانه ۱۰ هزار بشکه در روز میعانات گازی به پالایشگاه شیراز منتقل می‌شد که دغدغه تأمین خوراک این پالایشگاه را برطرف کرد.[۴]

اردیبهشت ۱۳۹۹ استاندار فارس از شتاب گرفتن طرح توسعه پالایشگاه شیراز خبر داد. توسعه پالایشگاه شیراز در سال‌های گذشته مورد مناقشه با سازمان محیط‌زیست قرار داشت. همچنین، افزایش کیفیت محصولات پالایشگاه در سال ۱۳۹۸ آغاز شد. هدف از آن، اصلاح وضعیت پالایشگاه برای تولید بنزین یورو و نیز کیفی‌سازی گازوئیل و محصولات

۱ . این طرح شامل راه‌اندازی واحدهای هیدروژنی نفتای سبک، واحد ایزومرایزاسیون، تصفیه هیدروژنی نفت‌سفید، تصفیه هیدروژنی نفت‌گاز و واحد TGT بود.

۲ . این محصولات در صنایع رنگ‌سازی، چاپ و صنایعی از این دست کاربرد دارند. (ترازنامه هیدروکربوری، سال ۱۳۹۲)

۳ . خبرگزاری شانا، ۶ بهمن ۱۳۹۹.

۴ . ترازنامه هیدروکربوری، سال ۱۳۹۲.

آن بود. چند پروژه در این راستا تعریف شد، ازجمله پروژه نفتا، پروژه تولید بنزین یورو ۵، پروژه تصفیه هیدروژن نفت و گاز، پروژه تولید هیدروژن. انتظار می‌رفت با انجام این طرح‌ها، محصولات تولیدی پالایشگاه به استاندارد یورو ۵ ارتقا یابد.[۱]

پالایشگاه لاوان

پالایشگاه لاوان در سال ۱۳۹۲ علی‌رغم بهره‌برداری از طرح توسعه برای افزایش ظرفیت و ارتقای کیفیت فراورده‌ها، عملکرد مطلوبی نداشت و درصد بازدهی آن پایین بود. با اجرای این طرح، تولید بنزین (یورو ۲) آن به ۲ میلیون و ۸۰۰ هزار لیتر در روز و تولید نفت‌گاز به ۴ میلیون لیتر در روز و گاز مایع به ۲۰۰ تن در روز افزایش یافت. هم‌زمان، تولید نفت‌کوره نیز از ۳۷ درصد به ۲۰ درصد کاهش یافت.

در سال ۱۳۹۸، با ایجاد تغییرات فرآیندی در واحدهای تقطیر و بنزین‌سازی و راه‌اندازی بخشی از واحد ایزومریزاسیون نفتای سبک پالایشگاه لاوان، بنزین تولیدی آن از یورو ۲ به یورو ۵ ارتقا یافت.[۲]

پالایشگاه بندرعباس

پالایشگاه بندرعباس در سال ۱۳۹۲ سومین پالایشگاه بزرگ کشور بود و بزرگ‌ترین واحد تقطیر بنزین با روش احیای مداوم کاتالیست، بزرگ‌ترین واحد کاهش گرانروی و بزرگ‌ترین واحد هیدروکراکر را داشت و بیشترین فراورده‌های میان‌تقطیر را تولید می‌کرد و بازدهی آن در حد مطلوبی قرار داشت. در سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۹، طرح‌های متعددی برای افزایش ظرفیت تولید و ارتقای کیفیت محصولات تعریف و اجرایی شد. نیمه دوم سال ۱۳۹۴ واحدهای بنزین‌سازی پالایشگاه ازجمله واحد تصفیه هیدروژنی نفتای سنگین با ظرفیت ۲۵ هزار بشکه، واحد CCR با ظرفیت ۲۵ هزار بشکه، واحد تصفیه هیدروژنی نفتای سبک با ظرفیت ۲۰ هزار بشکه و واحد ایزومریزاسیون با ظرفیت ۲۰ هزار بشکه در مدار تولید گرفت. در بهمن ۱۳۹۷ نیز طرح افزایش ظرفیت تولید بنزین و بهبود کیفیت بنزین و نفت گاز به بهره‌برداری رسید.[۳]

در سال ۱۳۹۸، در پالایشگاه بندرعباس گام‌های مهمی برای ارتقای کیفیت محصولات

۱. خبرگزاری جماران نیوز، ۶ مرداد ۱۳۹۸.

۲. خبرگزاری شانا ۸ فروردین ۱۳۹۹.

۳. خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۹ تیر ۱۳۹۹.

سنگین با هدف کاهش تولید نفت‌کوره برداشته شد. بهمن ۱۳۹۸ قرارداد اخذ دانش فنی و طراحی واحد تولید کک اسفنجی با پژوهشگاه صنعت نفت منعقد شد. تا پایان سال ۱۳۹۹، بخش طراحی پایه واحدهای فرآیندی بیش از ۵۰ درصد پیشرفت داشت. مدیرعامل شرکت پالایش نفت بندرعباس در اسفند ۱۳۹۹ گفت: «یکی از محصولات مهم و تولیدی در این طرح پروپیلن با گرید پلیمری است که به میزان ۱۲ هزار تن در سال تولید می‌شود. با اجرای کامل طرح پالایشگاه بندرعباس به نوعی به پتروپالایشگاه تبدیل می‌شود.»[۱]

ستاره خلیج‌فارس؛ بی‌نیازی از واردات بنزین

به هنگام روی کار آمدن دولت تدبیر و امید و وزارت مجدد زنگنه، اختلاف‌نظر بر سر میزان پیشرفت پالایشگاه ستاره خلیج‌فارس به چالشی بین گروه‌های سیاسی بدل شد. در سال‌های بعد، نوشته‌های نزدیک به دولت پیشین پیشرفت پروژه را ۶۹ درصد اعلام می‌کردند[۲] و نوشته‌های رسانه‌های نزدیک به دولت در پاسخ می‌گفتند: «پروژه در بخش پالایشگاه ۵۱.۵۳ درصد، در احداث خطلوله ۹۹.۷ درصد و در ساخت حوضچه آبگیر ۹۳.۳ درصد پیشرفت وجود داشته است... ضمن اینکه آمارهای موجود حکایت از آن دارد که این ۵۱ درصد پیشرفت شامل ۸۷ درصد پیشرفت در طراحی و مهندسی، ۵۵ درصد در خرید و ۳۱ درصد در اجرا و نصب بوده است.»[۳]

پالایشگاه ستاره خلیج‌فارس در این سال‌ها (۱۳۸۵ تا زمان افتتاح در سال ۱۳۹۶) سرنوشت پرفرازونشیبی داشت. ابتدا، شرکت ایتالیایی اسنام پروجتی به‌عنوان پیمانکار اصلی، شرکت گلدن گروپ به‌عنوان متولی خرید کالا و شرکت‌های داخلی بینا و تهران جنوب در یک گروه مشترک، در اردیبهشت ۱۳۸۶ قرارداد (EPC) را امضا و عملیات اجرایی را آغاز کردند.[۴] یکسال پس از شروع عملیات اجرایی، دو شرکت خارجی از ادامه پروژه انصراف دادند و ادامه ساخت پالایشگاه به دو شرکت ایرانی واگذار گردید.[۵] در سال ۱۳۹۰، قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیا از طریق شرکت فرادست انرژی فلات به‌عنوان

۱ . خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳ اسفند ۱۳۹۹.
۲ . وطن امروز، ۵ اسفند ۱۳۹۹.
۳ . خبرگزاری شانا، ۱۰ اسفند ۱۳۹۹.
۴ . خبرگزاری شانا، ۵ اردیبهشت ۱۳۸۶.
۵ . خبرگزاری شانا، ۱۴ بهمن ۱۳۸۷.

پیمانکار اصلی به پروژه اضافه شد.[۱] ترکیب سهامداران پالایشگاه نیز در طول این سال‌ها چند بار تغییر کرد و در سال ۱۳۹۴ به این ترکیب رسید: شرکت نفت و گاز و پتروشیمی تأمین (تاپیکو) ۴۹ درصد، شرکت سرمایه‌گذاری صندوق‌های بازنشستگی صنعت نفت ۳۳ درصد و شرکت پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی ۱۸ درصد.[۲]

علیرضا ضیغمی، مدیرعامل شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی، در مصاحبه‌ای در واپسین ماه‌های کاری دولت دهم درمورد سرمایه‌گذاری در پالایشگاه ستاره خلیج‌فارس و زمان بهره‌برداری گفته بود: «سال ۱۳۹۱ یک میلیارد دلار به اضافه ۴۰۰ میلیون یورو تسهیلات ازسوی وزارت نفت به این پروژه اختصاص یافت که درصورت اختصاص ۵۰۰ تا یک میلیارد دلار دیگر به این پروژه، فاز اول آن تا پایان ۱۳۹۲ به بهره‌برداری کامل رسیده و تا پایان سال ۱۳۹۳ بخش عمده‌ای از کل طرح تکمیل خواهد شد.»[۳] اما افتتاح پالایشگاه تا چند سال بعد به تأخیر افتاد.

سرانجام، ۱۰ اردیبهشت ۱۳۹۶ با افتتاح فاز نخست پالایشگاه میعانات گازی ستاره خلیج‌فارس روزانه ۱۲ میلیون لیتر بنزین یورو ۴، چهارونیم میلیون لیتر گازوئیل یورو ۴، یک میلیون لیتر نفت‌سفید یورو ۴ و یک میلیون و ۳۰۰ هزار لیتر گاز مایع (ال‌پی‌جی) یورو ۴ بر تولیدات پالایشی کشور افزوده شد. پرهیز از خام‌فروشی و خودکفایی در تولید بنزین از مهم‌ترین دلایل ساخت این پالایشگاه بود. افتتاح این پالایشگاه اهمیت بسیاری داشت. رئیس‌جمهور، وزیر نفت، مدیرعامل شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی ایران و فرمانده قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیا در آیین افتتاح حضور داشتند. سردار عبداللهی، فرمانده قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیا، گفت که ۸۳ درصد تجهیزات پالایشگاه در داخل کشور ساخته شد.[۴]

۷ تیر ۱۳۹۷ فاز دوم پالایشگاه ستاره خلیج‌فارس افتتاح و درمجموع ۱۲ میلیون لیتر بنزین یورو ۵ به کل تولید بنزین کشور افزوده شد. رئیس‌جمهور در آیین افتتاح به این نکته اشاره کرد که «کل تولید بنزین کشور در پنج سال گذشته ۴۵ درصد افزایش یافته و در همین بازه زمانی تولید بنزین با کیفیت‌های یورو ۴ و ۵، ۱۳ برابر شده است.» وزیر نفت نیز افتتاح این پالایشگاه را موجب ثبات وضعیت بنزین کشور دانست و گفت:

۱. خبرگزاری شانا، ۱۲ اردیبهشت ۱۳۹۶.
۲. خبرگزاری شانا، ۱۳ آبان ۱۳۹۴.
۳. تارنمای شرکت نفت و گاز پارس، ۲۸ اردیبهشت ۱۳۹۲.
۴. خبرگزاری شانا، ۱۰ اردیبهشت ۱۳۹۶.

«با بهره‌برداری از پالایشگاه ستاره خلیج‌فارس و رسیدن به رقم تولید روزانه ۳۶ میلیون لیتر، وضع باثباتی خواهیم داشت و از بابت تحریم نگرانی نداریم.»[۱]

فاز سوم پالایشگاه ستاه خلیج‌فارس در ۲۹ بهمن ۱۳۹۷ افتتاح شد. با بهره‌برداری از این فاز روزانه ۴۵ میلیون لیتر بنزین یورو ۵ بر تولیدات بنزین کشور افزده شد و سقف تولید بنزین کشور به روزانه ۱۰۵ میلیون لیتر رسید و ایران از را از واردات بنزین بی‌نیاز ساخت.[۲]

پالایشگاه خلیج‌فارس در سال ۱۳۹۹ پرچم‌دار صادرات محصولات پالایشی کشور بود. ظرفیت پالایشگاه در این سال به ۴۸۰ هزار بشکه در روز افزایش یافت.[۳] به گفته مدیرعامل پالایشگاه، در ۶ ماه نخست سال ۱۳۹۹ صادرات آن ۱۲۰ درصد افزایش یافت و بیش از ۸۰۰ هزار متریک‌تن نفتای سبک، نفتای میانی، برش سنگین و حلال ۴۰۲ صادر شد.[۴]

مسئله بنزین

در دوره جنگ، بنزین و نفت‌سفید از دغدغه‌های مهم جامعه و دولت بود. در دوران سازندگی با افزایش قیمت فراورده‌های نفتی، یکی دو بحران پدید آمد، اما نه مسئله تولید حل شد و نه مصرف. هرچند مصرف نفت سفید از دهه هشتاد روزبه‌روز کاهش یافت، اما افزایش مصرف بنزین به یک مسئله استراتژیک و حیاتی بدل شد. اقتصاد کشور به‌گونه‌ای سامان گرفت که افزایش قیمت بنزین، گران شدن دیگر کالاها را در پی داشت. در دهه‌های گذشته، جامعه و دولت ایران همواره با مسئله بنزین دست‌وپنجه نرم کرده است و آخرین پدیده شوم برخاسته از آن، حوادث آبان ۱۳۹۸ بود. سال‌ها پیش قرار بود که قیمت فراورده‌ها به‌تدریج افزایش یابد تا شوکی به جامعه وارد نشود؛ همچنان‌که در برخی از سال‌ها این اتفاق رخ داد و جامعه واکنش هیجانی از خود نشان نداد، اما واقعه آبان سال ۱۳۹۸ در اوج تحریم‌ها، کاهش درآمدها، گرانی کالاها و تأثیر غیرقابل انکار شبکه‌های مجازی رخ داد.

در سال ۱۳۸۸، قیمت فراورده‌های نفتی ازجمله بنزین طبق قانون تثبیت قیمت‌ها

۱ .خبرگزاری شانا، ۷ تیر ۱۳۹۷.
۲ . خبرگزاری ایسنا، ۲۹ بهمن ۱۳۹۷.
۳ . خبرگزاری شانا، ۱۵ بهمن ۱۳۹۹.
۴ . خبرگزاری شانا، ۳۰ مهر ۱۳۹۹.

ثابت باقی مانده و رشدی نداشت[۱]، اما در سال ۱۳۸۹ با اجرای طرح هدفمندسازی یارانه‌ها، قیمت حامل‌های انرژی افزایش چشمگیری یافت و قیمت بنزین ۴ تا ۷ برابر شد. به این ترتیب، قیمت برای بنزین یارانه‌ای هر لیتر ۴۰۰ تومان و بنزین غیریارانه‌ای ۷۰۰ تومان در هر لیتر تعیین گردید.[۲] اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها و تثبت قیمت سوخت، افزایش مصرف بنزین و نیز قاچاق آن را در پی داشت. برای جبران افزایش مصرف، دولت بنزین بیشتری وارد کرد و سهمیه‌بندی بنزین هم نتوانست میزان مصرف را کاهش دهد.

واردات بنزین در سال ۱۳۹۲ روند افزایشی یافت و نسبت به سال قبل حدود ۲/۵ برابر شد. رشد بالای مصرف داخلی و ازسوی دیگر، کاهش بنزین دریافتی از مجتمع‌های پتروشیمی در نیمه دوم سال برای کاهش آلودگی محیط‌زیست در افزایش واردات اثرگذار بود.[۳] واردات بنزین در سال ۱۳۹۶ به بالاترین میزان در هشت سال اخیر رسید و بالغ بر ۱۲ میلیون لیتر در روز بود.[۴]

مجلس در لایحه بودجه سال ۱۳۹۲ افزایش قیمت بنزین را تصویب کرد. جعفر قادری، سخنگوی کمیسیون تلفیق لایحه بودجه سال ۹۲ کل کشور، مصوبات لایحه بودجه[۵] را چنین تشریح کرد: «نمایندگان در جریان بررسی لایحه بودجه سال جاری کل کشور میزان درآمدهای هدفمندی یارانه ها را ۵۰ هزار میلیارد تومان تصویب کردند که بر همین اساس دولت می‌تواند در سال جاری قیمت حامل‌های انرژی را ۳۸ درصد افزایش دهد.» بر اساس این مصوبه، دولت قادر بود قیمت بنزین را در سال ۱۳۹۲ حداکثر ۴۳ درصد افزایش دهد. بااین‌حال، دولت می‌توانست اجرای این مصوبه را به دولت آینده موکول کند.[۶] دولت احمدی‌نژاد در چند ماه پایانی عمر خود این مصوبه را اجرایی نکرد و افزایش قیمت در سال ۱۳۹۳ توسط دولت تدبیر و امید اعمال شد؛ قیمت بنزین یارانه‌ای و غیریارانه‌ای به ترتیب به ۷۰۰ تومان و هزار تومان افزایش یافت. در سال ۱۳۹۶ نیز بنزین موتور با قیمت هر لیتر ۱۰ هزار ریال و بنزین سوپر هر لیتر ۱۲۰ هزار ریال

۱ . قیمت بنزین معمولی، ۱۰۰۰ ریال و قیمت بنزین سوپر ۱۵۰۰ ریال (ترازنامه انرژی، سال ۱۳۸۸).
۲ . ترازنامه انرژی، سال ۱۳۸۹.
۳ . ترازنامه انرژی، سال ۱۳۹۲.
۴ . ترازنامه انرژی، سال ۱۳۹۶.
۵ . مذاکرات مجلس شورای اسلامی، جلسه ۹۳، ۲۸ اردیبهشت ۱۳۹۲.
۶ . خبرگزاری مشرق نیوز، ۲۹ اردیبهشت ۱۳۹۲.

در جایگاه‌های سوخت عرضه شد.[۱]

افزایش قیمت بنزین در سال ۱۳۹۸ متفاوت از تمام سال‌های پیشین بود و منجر به بروز سلسله حوادثی در آبان ماه شد. ابتدا، مطالبی در بعضی از شبکه‌های اجتماعی درباره سهمیه‌بندی و تغییر قیمت سوخت انتشار یافت. روابط‌عمومی شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی مطالب منتشرشده را شایعه دانست و اعلام کرد اخذ هر تصمیمی در این باره ازسوی این شرکت اعلام خواهد شد.[۲] بامداد جمعه، ۲۴ آبان ۱۳۹۸، شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی با انتشار اطلاعیه‌ای و با استناد به مصوبه شورای‌عالی هماهنگی اقتصادی سران سه قوه، قیمت هر لیتر بنزین سهمیه‌ای را ۱۵۰۰ تومان و قیمت هر لیتر بنزین غیرسهمیه‌ای را ۳ هزار تومان اعلام کرد. در اطلاعیه آمده بود از ساعت صفر روز جمعه (۲۴ آبان‌ماه) سهمیه‌بندی بنزین برای همه وسایل نقلیه بنزین‌سوز آغاز شد.[۳] محمود واعظی، رئیس دفتر رئیس‌جمهور، و نوبخت، رئیس سازمان برنامه و بودجه، در سخنانی بر این نکته تأکید داشتند که تصمیم درباره اصلاح قیمت بنزین مورد توافق همه مسئولان نظام بوده است.[۴]

در پی افزایش قیمت بنزین، در تعدادی از شهرهای کشور به این تصمیم اعتراضاتی صورت گرفت که برخی مسالمت‌آمیز و برخی دیگر با درگیری همراه بود. وقایع ناگواری مانند حمله به پمپ‌بنزین‌ها، فروشگاه‌ها، بانک‌ها و ساختمان‌های دولتی و عمومی در چند شهر به وقوع پیوست. تعدادی کشته و ده‌ها تن زخمی شدند. این حادثه بازتاب گسترده‌ای در رسانه‌های داخلی و خارجی داشت و از یک‌سو رؤسای قوا و نمایندگان مجلس و ازسوی دیگر رسانه ها به تحلیل و تفسیر آن پرداختند. انتقاد از اجرا و نحوه اطلاع‌رسانی، موضع مشترک منتقدین بود. ۲۷ آبان، علی ربیعی، سخنگوی دولت، در برنامه‌ای تلویزیونی حضور یافت و با بیان اینکه تصمیم افزایش قیمت بنزین مصوبه سران سه قوه بوده است، گفت: «بارها درباره ضرورت اصلاح قیمت بنزین صحبت شده بود و این درست نیست که بگوییم این تصمیم یک‌شبه اتخاذ و اعلام شد.»[۵] سخنگوی دولت درباره اعلام ناگهانی این تغییرات ، اعلام نشدن ساعت مشخص برای افزایش

۱ . ترازنامه انرژی، سال ۱۳۹۶.
۲ . خبرگزاری شانا، ۲۰ آبان ۱۳۹۸.
۳ . خبرگزاری شانا، ۲۴ آبان ۱۳۹۸.
۴ . خبرگزاری شانا، ۲۴ آبان ۱۳۹۸.
۵ . خبرگزاری شانا، ۲۷ آبان ۱۳۹۸.

قیمت بنزین را تدبیر امنیتی دانست و گفت: «همه شواهد نشان‌دهنده این است که اگر افزایش قیمت بنزین را زودتر اعلام می‌کردیم، در واقع باید قبل از طرح به استقبال درگیری می‌رفتیم. اینکه ما ساعت مشخصی را برای افزایش قیمت بنزین اعلام نکردیم، تدبیر امنیتی بوده است.»[1] یک‌سال بعد، مهندس باهنر، چهره‌ی اصولگرا، گفت: «در آبان ۱۳۹۸ مردم نه‌تنها از موضوع بنزین، بلکه پیش از آن از همه‌چیز ناراضی بودند.»

نفت‌کوره

اگرچه در این سال‌ها ایران توانست در تولید بنزین به خودکفایی برسد و کیفیت بنزین تولیدی خود را با استانداردهای جهانی منطبق سازد، اما در کاهش تولید نفت‌کوره چندان موفق عمل نکرد.

قبل از انقلاب برخی پالایشگاه‌ها تا ۳۵ درصد نفت‌کوره تولید می‌کردند. از آنجا که مصرف نفت‌کوره بیشتر در مراکز گوناگون صنفی و صنعتی از نانوایی‌ها تا کوره‌های آجرپزی و کارخانه سیمان بود و یا به کشتی‌هایی که در خلیج‌فارس رفت‌وآمد می‌کردند فروخته می‌شد، از این بابت ضرری متوجه دولت نمی‌شد. این وضعیت تا پایان جنگ ادامه داشت. با تحول فناوری در نیروگاه‌ها و سیستم‌های حمل‌ونقل دریایی و تغییر الگوی سوخت، در دهه ۱۳۷۰ به‌تدریج از ارزش اقتصادی نفت‌کوره کاسته و مصرف آن کم و کمتر شد. افزایش خودروهای بنزینی و نیاز به افزایش تولید بنزین موجب گردید نگاه جدیدی به فرایند پالایشی در پالایشگاه‌های کشور صورت گیرد. اوایل دهه ۸۰ چندین مقاله و پژوهش درباره آینده نفت‌کوره به قلم تحریر در آمد و زنگ خطر برای مدیران به صدا در آمد، اما مدیران بدان توجهی نکردند. روزمرّگی مدیران و عدم سرمایه‌گذاری برای تأسیس مراکز نوین پالایشی و تغییر سیستم پالایش مطابق با الگوی مصرف داخل کشور، موجب شد تولید نفت‌کوره همچنان ادامه یابد.

چنانکه گفتیم، در سال‌های ۱۳۸۲ تا ۱۳۹۲ افزایش خوراک و تغییر در الگوی پالایشی در برخی پالایشگاه‌ها ازجمله پالایشگاه آبادان تأثیر منفی گذاشت و موجب افزایش درصد تولید نفت‌کوره در این پالایشگاه شد. در سال ۱۳۹۲، بالاترین درصد استحصال نفت‌کوره در پالایشگاه کرمانشاه و پایین‌ترین میزان آن در پالایشگاه اراک بود.[2] با بهره‌برداری از

۱ . خبرگزاری شانا، ۲۹ آبان ۱۳۹۸.

۲ . ترازنامه هیدروکربوری، سال ۱۳۹۲.

طرح‌های توسعه و افزایش ظرفیت و بهینه‌سازی پالایشگاه‌های اراک، تهران و تبریز، تولید نفت‌کوره در این پالایشگاه‌ها کاهش یافت. نیروگاه‌ها و پس از آن، صنایع بزرگ، بخش‌های تجاری، خدماتی، عمومی و نیز سوخت کشتی بیشترین مصرف نفت‌کوره را داشتند. در فصل سرد و نیز در شرایط اضطراری و یا تعمیرات دوره‌ای پالایشگاه‌های گاز در طول سال به علت کمبود شدید گاز، نفت‌کوره به‌عنوان جایگزین گاز طبیعی مورداستفاده قرار می‌گیرد. تولید نفت‌کوره در سال ۱۳۹۲ بیش از مصرف داخلی بود و مازاد آن صادر شد. چین بزرگ‌ترین خریدار نفت‌کوره ایران بود و در این سال ایران به‌عنوان بزرگ‌ترین عرضه‌کننده نفت‌کوره به کشور چین معرفی گردید.[۱]

سال ۱۳۹۶، مصرف نفت‌کوره در بخش‌های حمل‌ونقل و نیروگاه‌ها کاهش و در بخش کشاورزی افزایش یافت. توسعه فازهای پارس جنوبی و افزایش ظرفیت تولید گاز طبیعی به گسترش شبکه گازرسانی و درنتیجه پایدار شدن وضعیت گازرسانی به سراسر کشور، گازرسانی به واحدهای صنعتی و کوره‌های آجرپزی و کاهش مصرف نفت‌کوره انجامید. با کاهش مصرف نفت‌کوره در داخل، صادرات آن افزایش یافت و در سال ۱۳۹۶ عمده‌ترین فراورده نفتی صادراتی ایران بود.[۲] تولید نفت‌کوره ۶۳ میلیون لیتر در روز بود که حدود ۴۰ میلیون لیتر آن صادر شد.[۳]

اسناد بالادستی حاکی از آگاهی مدیران به معضلات سیستم پالایشی کشور است. به همین دلیل، قانون برنامه پنجساله ششم توسعه کشور که در ۱۶ فروردین ۱۳۹۶ تصویب شد، بر کاهش تولید نفت‌کوره و افزایش تولید فراورده‌های سبک‌تر تأکید داشت. در ماده ۴۴، بند الف ۲ این قانون آمده بود که دولت باید «تسهیلات لازم برای ایجاد ظرفیت پالایش مقدار دو میلیون و هفتصد هزار بشکه در روز نفت‌خام و میعانات گازی با ضریب پیچیدگی بالا توسط بخش غیردولتی را به‌نحوی برنامه‌ریزی و اجرا کند تا ترکیب تولید فرآورده آنها اساساً به محصولات سبک‌تر و میان‌تقطیر اختصاص یابد و سهم نفت‌کوره در الگوی پالایش از ده درصد بیشتر نشود.»[۴]

یکی از معضلات اصلی استفاده از نفت‌کوره، وجود ناخالصی و به‌ویژه گوگرد است. در سده گذشته دودهای حاصل از سوختن نفت‌کوره در آجرپزی‌ها و مانند آن چندان به

۱ . ترازنامه هیدروکربوری، سال ۱۳۹۲.

۲ . ترازنامه انرژی، سال ۱۳۹۲.

۳ . آمارنامه شرکت ملی پالایش و پخش، سال ۱۳۹۷.

۴ . قانون برنامه پنجساله ششم توسعه.

چشم نمی‌آمد. جمعیت جهان نزدیک به چهار میلیارد نفر بود و معضلی به نام هوای آلوده مورد نقد و بررسی قرار نمی‌گرفت. با افزایش جمعیت، مصرف نفت‌کوره بیشتر شد و آلودگی‌های زیست‌محیطی به یک خطر عمده بدل گردید. از نیمه دهه هشتاد شمسی، سازمان‌های بین‌المللی به ترکیب فراورده‌های نفتی و مواد زائد آنها حساسیت نشان دادند و پالایشگاه‌های جهان را ملزم به تولید سوخت پاک کردند.

ازسوی دیگر، در سال ۲۰۱۹ سازمان بین‌المللی دریانوردی استانداردهای جدیدی تعیین کرد که طبق آن، درصد گوگرد سوخت کشتی‌ها می‌بایست از ۳.۵ درصد فعلی به زیر نیم درصد کاهش پیدا می‌کرد. به این ترتیب، درصد بالای گوگرد در نفت‌کوره برای پالایشگاه‌های ایران دردسرساز شد. انتشار این خبر واکنش‌های جدی به دنبال داشت. هم‌زمان، مخالفان زنگنه برای چندمین بار از بی‌اعتنایی وزارت نفت در خصوص گسترش و بهینه‌سازی مراکز پالایشی انتقاد کردند. زنگنه اردیبهشت ۱۳۹۸ در جلسه علنی مجلس حاضر شد و در پاسخ به نماینده مردم اهواز گفت: «کمتر از دو درصد نفت‌کوره ما حاوی گوگرد است و تنها دوسوم از نفت‌کوره تولیدشده ما به‌عنوان سوخت در کشتی‌ها استفاده می‌شود. البته، بحران ۲۰۲۰ یک معضل جهانی است و چگونه می‌خواهند تا سال ۲۰۲۰، ۵۰۰ هزار تن نفت‌کوره کمتر از نیم درصد گوگرد داشته باشند.» زنگنه، طرح‌های بهسازی پالایشگاه‌ها و توسعه متوازن تولید قیر با هدف صادرات و مخلوط نفت‌کوره با گوگرد بالا با نفت‌کوره حاوی گوگرد پایین را از راهکارهای وزارت نفت برای حل این بحران دانست.[۱]

شرکت پالایش و پخش برای سرعت بخشیدن به طرح‌های بازسازی و نوسازی دست به کار شد و نظارت بر اجرای طرح‌ها را تشدید کرد. دی ماه ۱۳۹۸، صادق‌آبادی، مدیرعامل شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی، گفت «هیچ مشکلی در تأمین سوخت موردنیاز کشتی‌ها نداریم و در حال حاضر نیز در کشور تولید می‌کنیم. ایران تنها تولیدکننده نفت‌کوره کم‌سولفور در خاورمیانه است. اگر کشتی‌ها تلاش کنند تا سوخت کم‌سولفور استفاده کنند، اما موفق به دریافت و خرید آن نشوند، IMO جریمه‌ای برای آنها در نظر نمی‌گیرد. همچنین، بر اساس استانداردهای جهانی، کشتی‌ها می‌توانند با نصب سیستم‌های معروف به اسکرابر برای حذف سولفور از گازهای خروجی، همچنان از

۱. خبرگزاری مهر، ۳ اردیبهشت ۱۳۹۸.

نفت‌کوره سولفور بالا بهره ببرند.»[۱]

در حال حاضر، پالایشگاه آبادان بیشترین تولید نفت‌کوره را دارد. در سال ۱۳۹۸ بیش از ۳۶ درصد از فراورده‌های تولیدی این پالایشگاه را نفت‌کوره تشکیل داده است و تاکنون که در پایان سال ۱۳۹۹ هستیم هنوز این معضل حل نشده است. بهترین فرایند پالایشی را نیز پالایشگاه ستاره خلیج‌فارس دارد که میزان تولید نفت‌کوره آن صفر است.

در سال‌های ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹، پالایشگاه‌ها تلاش کردند با بهبود فرایندهای پالایشی و نوسازی و بهسازی تجهیزات، تولید نفت‌کوره را کاهش دهند و یا نفت‌کوره با کیفیت بالاتر تولید کنند. شرکت‌های دانش‌بنیان ایرانی نیز در این راستا تلاش‌هایی به عمل آوردند تا با دانش فنی کاملاً ایرانی فرایندهایی را برای حل این معضل طراحی کنند. بهمن ۱۳۹۹ مدیرعامل شرکت پالایش نفت تبریز از تلاش این پالایشگاه برای کاهش نفت‌کوره خبر داد و گفت: «در سطح ملی کاهش نفت‌کوره را داریم که بر اساس مشوق‌های قانونی ۱.۲ میلیارد دلاری همه کارهای فنی مانند خرید دانش فنی، طراحی مقدماتی آن انجام شده است. هدف از آن، کاهش نفت‌کوره به زیر پنج درصد، کاهش مقدار سولفور باقیمانده به زیر نیم درصد و تولید محصولات با ارزش افزوده بالا را داریم.» مدیرعامل شرکت پالایش نفت بندرعباس نیز با اعلام پیشرفت ۴۰ درصدی طراحی پایه پروژه ارتقای کیفیت محصولات سنگین این پالایشگاه گفت: «این شرکت طرح‌های توسعه‌محوری از جمله پروژه ارتقای کیفیت محصولات سنگین پالایشگاه با محوریت ساخت واحد کک‌سازی تأخیری و کاهش مقدار نفت‌کوره و تولید فرآورده‌های با ارزش افزوده بیشتر را در دستور کار دارد.»[۲]

توانمندی در ساخت، تعمیر و کسب دانش فنی

در سال‌های اخیر، توانمندی صنعتگران بخش خصوصی و کارشناسان وزارت نفت در زمینه ساخت و تعمیر قطعات و تجهیزات و کسب دانش فنی برای احداث پالایشگاه در داخل و خارج کشور به‌گونه‌ای پیش رفت که نشان از توان روزافزون ایرانیان در زمینه‌های پیش‌گفته را دارد. تداوم تحریم‌های بین‌المللی به‌ویژه در سال‌های اخیر تکیه هرچه بیشتر بر دانش و تخصص کارشناسان ایرانی شد. در سال ۱۳۹۹ کارشناسان پالایشگاه تهران یکی از کمپرسورهای واحد تصفیه هیدروژنی نفت‌گاز این پالایشگاه را

۱ . خبرگزاری ایرنا، ۷ دی ۱۳۹۸.

۲ . خبرگزاری شانا، ۲۶ بهمن ۱۳۹۹.

تعمیر کردند.[۱] کارشناسان شرکت پالایش نفت اصفهان نیز الکتروموتور پمپ ۴۰۰۴ را که از کار افتاده بود، تعمیر و راه‌اندازی کردند.[۲] رایزنی برای مشارکت در ساخت پالایشگاه‌های برون‌مرزی ازجمله در کشور سوریه و اندونزی نیز از دیگر اقدامات ایران در این سال‌ها بود.

وزارت نفت در دهه ۱۳۹۰ تلاش کرد با وضع قوانین حمایتی از شرکت‌های دانش‌بنیان، از وابستگی بخش‌های مختلف صنعت نفت ازجمله بخش پالایشگاهی به دانش فنی خارجی بکاهد و توسعه فناورانه و حل مشکلات صنعت پالایش را با تکیه بر توان داخلی به سامان رساند و در صورت توان داخلی، دانش فنی کسب‌شده را صادر کند. تصویب قانون حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان در سال ۱۳۸۹ و تشکیل «صندوق نوآوری و شکوفایی» ازجمله گام‌های حاکمیت برای بومی‌سازی فنون مختلف در ایران بود. وزارت نفت نیز به‌ویژه از طریق پژوهشگاه صنعت نفت در این زمینه گام‌هایی برداشت. در چند سال اخیر ارتباط با دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها برای همکاری در حوزه دانش فنی و فناوری‌های جدید پالایشگاه‌ها گسترده‌تر شد، اما به نظر کافی نیست. همکاری با دانشگاه‌ها به‌ویژه برای طراحی پایلوت فرایندهای مختلف باید گسترده‌تر شود و از حضور شرکت‌های دانش‌بنیان استقبال بیشتری به عمل آید.

۱ . روزنامه دنیای اقتصاد، ۲۸ بهمن ۱۳۹۹.

۲ . خبرگزاری موج، ۲۸ خرداد ۱۳۹۹.

کارنامه نفتی دولت تدبیر و امید

در طول هشت سال، از ۱۳۹۲ تا ۱۴۰۰، صنعت نفت ایران، به‌رغم تمامی چالش‌های به‌وجودآمده در بخش بین‌الملل (تحریم فروش نفت و تحریم انتقال تکنولوژی) و چالش‌های سیاسی داخل کشور که برخی از مخالفان زنگنه به آن دامن می‌زدند، موفقیت‌های بزرگی در بخش‌های نفت، گاز، پتروشیمی و پالایش به دست آورد. چند مجتمع پتروشیمی افتتاح شد و تولید و صادرات محصولات پتروشیمیایی افزایش یافت. تولید گاز از ذخایر زیرزمینی، مصرف داخلی، ظرفیت پالایش و حجم صادرات گاز رشد چشمگیری داشت. فازهای پارس جنوبی یکی پس از دیگری افتتاح شد و تعداد مشترکان گاز طبیعی افزایش قابل‌توجهی یافت. بیش از ۹۸ درصد جمعیت شهری و ۷۷ درصد از جمعیت روستایی از نعمت گاز بهره‌مند شدند. ظرفیت پالایش با افتتاح پالایشگاه ستاره خلیج‌فارس، روندی افزایشی داشت و متخصصان ایرانی توانستند دانش فنی مراکز پالایشی را به دست آورند. میدان‌های مشترک مورد برآوردهای فنی جدید، حفاری و نصب تجهیزات قرار گرفتند و برخی هم به بهره‌برداری رسیدند. میدان نفتی نام‌آوران و میدان گازی ارم از کشفیات این دوره هستند که با کشف آنها میزان ذخایر درجای نفتی و گازی کشور افزایش یافت.

از ویژگی‌های این دوره، حرکت در مسیر خودکفایی و ساخت کالاها و تجهیزات موردنیاز بخش‌های مختلف صنعت نفت در داخل بود. چند ستاد برای تسریع امور بومی‌سازی با هدف به میدان آوردن بخش خصوصی تشکیل شد. ارائه سبد تسهیلات، پرداخت وام، عقد قرارداد کاری و همچنین، قرارداد تجاری‌سازی محصولات و جلوگیری از ورود تجهیزات مشابه خارجی که در داخل کشور ساخته می‌شدند از مهم‌ترین سیاست‌های دولت تدبیر و امید در صنعت نفت بود. در همین راستا، شرکت ملی نفت قراردادهای متعددی با سازندگان داخلی امضا کرد و مراکز علمی ـ دانشگاهی دست به اقدامات متهورانه‌ای زدند. مهندسی معکوس و الگوبرداری از طرح‌های خارجی و طراحی از نقطه صفر تجهیزات پرکاربرد در دانشگاه‌های تربیت مدرس، پژوهشگاه صنعت نفت، دانشگاه امیرکبیر و مراکز

علمی بخش خصوصی و شرکت‌های دانش‌بنیان پی گرفته شد. ایران در این دوره به پنجمین دارنده فناوری ساخت قطعات خطوط لوله دریایی بدل شد و به تکنولوژی ساخت توربین‌های گازی دست یافت.

حمایت‌های رهبری از شرکت‌های دانش‌بنیان در این دوره قابل اهمیت است. پس از تأکیدات مکرر ازسوی حاکمیت، وزارت نفت در این دوره توانست از شرکت‌های دانش‌بنیان حمایت همه‌جانبه به عمل آورد. تأسیس مؤسسات و شرکت‌های دانش‌بنیان در حوزه صنعت نفت از مصادیق رودیکرد دولت به سمت این شرکت‌ها بود. این شرکت‌ها به‌ویژه در صنعت پتروشیمی تابناک ظاهر شدند. برخی از ادوات و تجهیزات را ساختند و توانایی تغییر برخی از فرایندها را نیز به دست آوردند. در بخش کاتالیست نیز این شرکت‌ها موفقیت‌های قابل‌توجهی کسب کردند. پژوهشگاه صنعت نفت در این زمینه گام‌های بلندی برداشت و دو شرکت دانش‌بنیان با هدف دستیابی به تجاری‌سازی و صنعتی کردن فعالیت‌های پژوهشی در حوزه ساخت کاتالیست تأسیس کرد. تحریم‌ها مانع بزرگی برای خرید کاتالیست‌های مختلف بود که در درازمدت می‌توانست بسیاری از مجتمع‌های پتروشیمی را با مشکل روبه‌رو کند. با سرمایه‌گذاری و تلاش‌های مداوم، تعداد زیادی از کاتالیست‌های وارداتی توسط متخصصان داخلی بومی‌سازی شد و ایران توانست به جمع تولیدکنندگان کاتالیست‌های پتروشیمی و تولیدکنندگان دستگاه هات تپ (HOT-TAP) بپیوندد. همچنین، شرکت‌های دانش‌بنیان و دانشگاه‌ها به کمک مدیریت اکتشاف آمدند و برخی از پروژه‌های پژوهشی و عملیات اکتشاف برون‌سپاری گردید.

ارتباط دانشگاه و صنعت که در دهه قبل رو به افول رفته بود، با امضای قراردادهای مختلف جانی دوباره گرفت و در بخش‌های مختلف صنعت نفت، گاز و پتروشیمی مستحکم‌تر شد و قراردادهای متعددی بین شرکت ملی نفت و دانشگاه‌های برتر کشور به امضا رسید. ازجمله، قراردادهایی برای توسعه زیرساخت‌های علمی و فناوری در کشف منابع هیدروکربوری با دانشگاه‌های شهید بهشتی، فردوسی مشهد، خوارزمی، صنعتی شاهرود و شهید چمران اهواز امضا شد. سال ۱۳۹۹ نیز شرکت ملی نفت ۱۳ قرارداد کلان پژوهشی در حوزه ازدیاد برداشت را با دانشگاه‌های تهران، صنعتی شریف، صنعتی امیرکبیر، سهند تبریز، شیراز، صنعت نفت، آزاد اسلامی، فردوسی مشهد، علم و صنعت، شهید چمران اهواز، صنعتی اصفهان، خلیج‌فارس و پژوهشگاه صنعت نفت امضا کرد. در چند سال اخیر ارتباط با دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها برای همکاری در حوزه دانش فنی و

فناوری‌های جدید پالایشگاه‌ها گسترده‌تر شد. بااین‌حال، همکاری با دانشگاه‌ها به‌ویژه برای طراحی پایلوت فرایندهای مختلف باید گسترده‌تر شود و از حضور شرکت‌های دانش‌بنیان استقبال بیشتری به عمل آید.

چالش‌های در پیش روی دولت بعدی، اجرای دقیق برنامه بالادستی و افق ۱۴۰۴ است که می‌بایستی با اصلاح فرایندهای پالایشی و افزایش حجم فراورده‌های نفتی، افزایش اکتشافات نفت و گاز، بهره‌برداری کامل از میادین مشترک، بهبود زنجیره ارزش در پتروشیمی، توانمندسازی شرکت‌های داخل برای کشف و توسعه میادین بدان دست یابد. راه‌اندازی واحدهای پتروپالایشی اهمیت درخوری دارد و لازم است که دولت بعدی نسبت به این موضوع اقدامات عملی برای تهیه سرمایه و تأمین خوراک به عمل آورد. همچنین، شرایطی فراهم شود که بخش خصوصی بتواند با سازوکارهای اقتصادی مناسب در امور پالایشی و پتروپالایشی در تأسیس واحدهای متوسط و کلان‌مقیاس وارد شود. ضمن اینکه دولت بعدی باید به دنبال راهی باشد تا زمینه همکاری شرکت‌های داخلی و خارجی برای تداوم چرخه دانش و انتقال فناوری را فراهم کند.

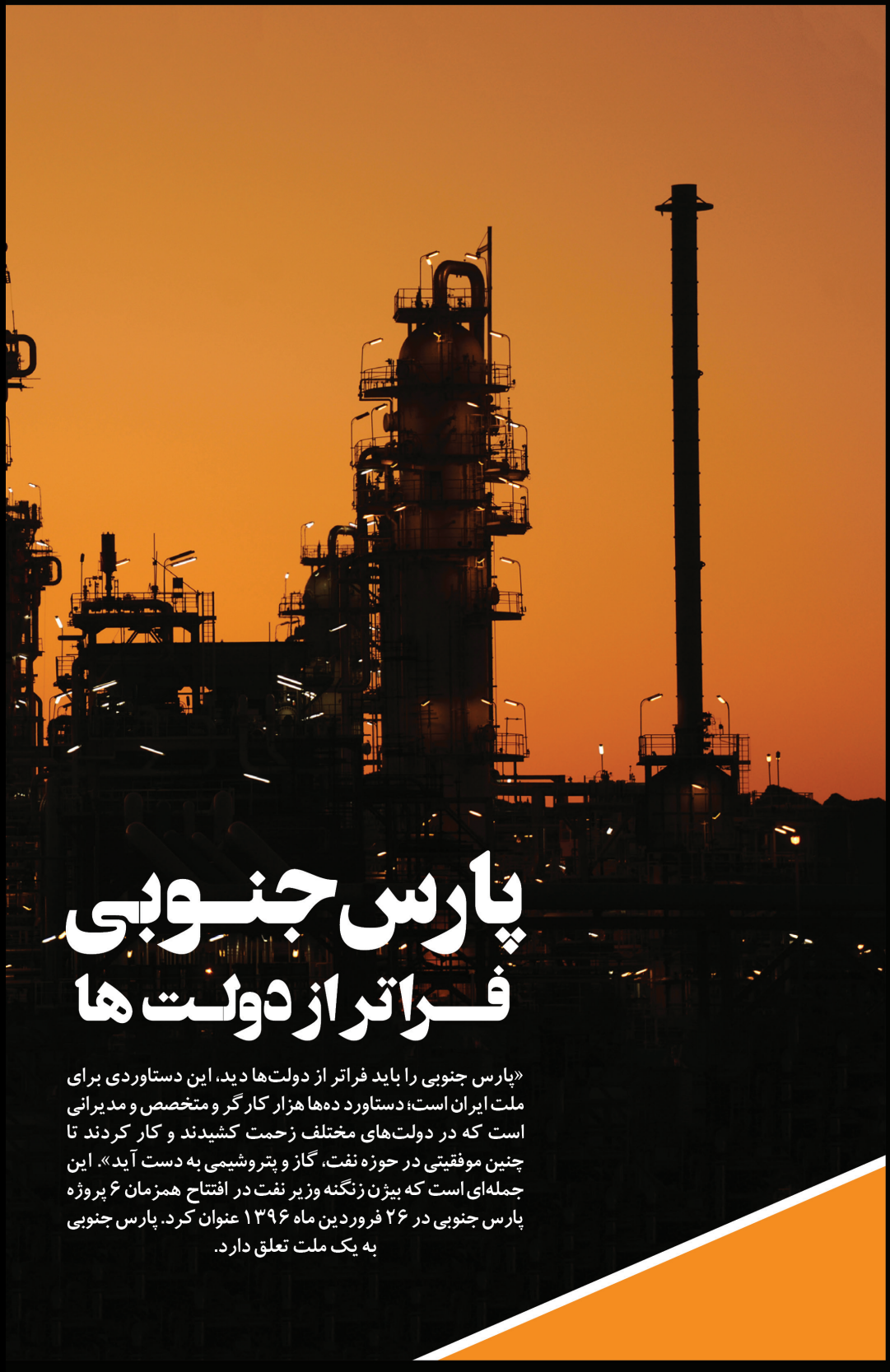
پیوست فصل نهم



۲۶اسفند ۱۳۹۸ دو پالایشگاه فاز۱۳ و فازهای۲۲، ۲۳ و ۲۴ پارس جنوبی به ارزش ۱۱ میلیارد دلار به بهره‌برداری رسید. هدف از توسعه‌ی این فازها، تولید روزانه‌ی ۵۶ میلیون مترمکعب گاز ترش، ۷۵ هزار بشکه میعانات‌گازی و ۴۰۰ تن گوگرد و تولید سالانه‌ی یک میلیون و ۵۰ هزار تن گاز مایع



ال‌پی‌جی (پروپان و بوتان) و یک میلیون تن اتان برای تأمین خوراک واحدهای پتروشیمی بود. ارزش اقتصادی تولیدات این طرح‌ها حدود ۵ میلیارد دلار در سال برآورد شده است. با افتتاح این دو مگاپروژه، برای نخستین بار ایران در برداشت گاز از میدان پارس جنوبی از قطر پیشی گرفت.



پارس جنوبی
فراتر از دولت ها

«پارس جنوبی را باید فراتر از دولت‌ها دید، این دستاوردی برای ملت ایران است؛ دستاورد ده‌ها هزار کارگر و متخصص و مدیرانی است که در دولت‌های مختلف زحمت کشیدند و کار کردند تا چنین موفقیتی در حوزه نفت، گاز و پتروشیمی به دست آید». این جمله‌ای است که بیژن زنگنه وزیر نفت در افتتاح همزمان ۶ پروژه پارس جنوبی در ۲۶ فروردین ماه ۱۳۹۶ عنوان کرد. پارس جنوبی به یک ملت تعلق دارد.

۱
ریاست جمهوری: محمد خاتمی


وزیر نفت
بیژن زنگنه


مدیرعامل شرکت ملی نفت ایران
مهدی میرمعزی


مدیرعامل شرکت نفت و گاز پارس
اسدالله صالحی فروز

فازهای ۲ و ۳
سال ۸۱

۵۶ میلیون متر مکعب

۲
ریاست جمهوری: محمد خاتمی


وزیر نفت
بیژن زنگنه


مدیرعامل شرکت ملی نفت ایران
مهدی میرمعزی


مدیرعامل شرکت نفت و گاز پارس
اکبر ترکان

فازهای ۱- ۴و ۵
سال ۸۳ و۸۴

۸۴ میلیون متر مکعب

۳
ریاست جمهوری: محمود احمدی نژاد


وزیر نفت
غلامحسین نوذری


مدیرعامل شرکت ملی نفت ایران
سیف الله جشن ساز


مدیرعامل شرکت نفت و گاز پارس
علی وکیلی

فازهای ۶ تا ۸- ۹ و ۱۰
سال ۸۷ و ۸۷

۱۶۰ میلیون متر مکعب

۴
ریاست جمهوری: روحانی


وزیر نفت
بیژن زنگنه


مدیرعامل شرکت ملی نفت ایران
رکن الدین جوادی


مدیرعامل شرکت نفت و گاز پارس
علی اکبر شعبانپور

فازهای ۱۲ ،۱۵ و ۱۶
سال ۹۳ و ۹۴

۱۳۰ میلیون متر مکعب

۵
ریاست جمهوری: روحانی


وزیر نفت
بیژن زنگنه


مدیرعامل شرکت ملی نفت ایران
علی کاردر


مدیرعامل شرکت نفت و گاز پارس
محمد مشکین فام

فازهای ۱۷ و ۱۸- ۱۹- ۲۰ و ۲۱
سال ۹۶

۱۷۰ میلیون متر مکعب

۶
ریاست جمهوری: روحانی


وزیر نفت
بیژن زنگنه


مدیرعامل شرکت ملی نفت ایران
مسعود کرباسیان


مدیرعامل شرکت نفت و گاز پارس
محمد مشکین فام

بخش دریایی فاز ۱۴ فازهای ۱۳- ۲۲ تا ۲۴
سال ۹۷و ۹۸

۱۱۲ میلیون متر مکعب



بهره برداری ازفاز دوم ستاره خلیج‌فارس و ثبات در تولید بنزین سال ۱۳۹۷
رئیس‌جمهور در آیین افتتاح فاز دوم پالایشگاه میعانات گازی ستاره خلیج‌فارس گفت: « باید سهام پالایشگاه ستاره خلیج فارس را در اختیار مردم قرار دهیم.» روحانی در بخش دیگری از سخنان خود، اعلام کرد: «کل تولید بنزین کشور در پنج سال گذشته ۴۵ درصد افزایش یافته و در همین بازه زمانی تولید بنزین با کیفیت‌های یورو ۴ و ۵، ۱۳ برابر شده است.»
زنگنه وزیر نفت نیز گفت: «با بهره‌برداری از پالایشگاه ستاره خلیج‌فارس و رسیدن به رقم تولید روزانه ۳۶ میلیون لیتر، وضع باثباتی خواهیم داشت و از بابت تحریم نگرانی نداریم.»





عملیات مهار آتش سوزی
چاه رگ سفید



افتتاح موزه بنزین خانه آبادان



تمبر یادبود افتتاح موزه بنزین خانه آبادان



امضای نخستین توافقنامه‌ی بین‌المللی پسابرجام



پس از امضای برجام در تیر ۱۳۹۴، کنسرسیوم توتال (۵۰/۱ درصد)، شرکت ملی نفت چین (۳۰ درصد) و شرکت ایرانی پتروپارس (۱۹/۹) موافقتنامه اصولی طرح توسعه‌ی فاز ۱۱ پارس جنوبی را در ۱۸ آبان ۱۳۹۵ امضا کردند. این قرارداد در قالب الگوی جدید قراردادهای نفتی (IPC) و به ارزش ۴ میلیارد و ۸۰۰ میلیون دلار میان شرکت ملی نفت ایران و این کنسرسیوم امضا شد.



این ژانراتور ۷ تنی در شهریور ۱۳۹۹ در زمین‌های اطراف چاه شماره ۱۱، محل قدیم تصفیه خانه نفت‌شهر کشف شد. شرکت ملی نفت این ژنراتور را برای تأمین برق تصفیه خانه نفت‌شهر خریداری و نصب کرده بود. تاریخ پایان کار آن مشخص نیست و احتمالاً پس از خراب شدن از رده خارج و به مرور زمان زیر خاک مدفون شد.

احداث خط انتقال گاز هفتم سراسری
وگاز رسانی به استان سیستان و بلوچستان



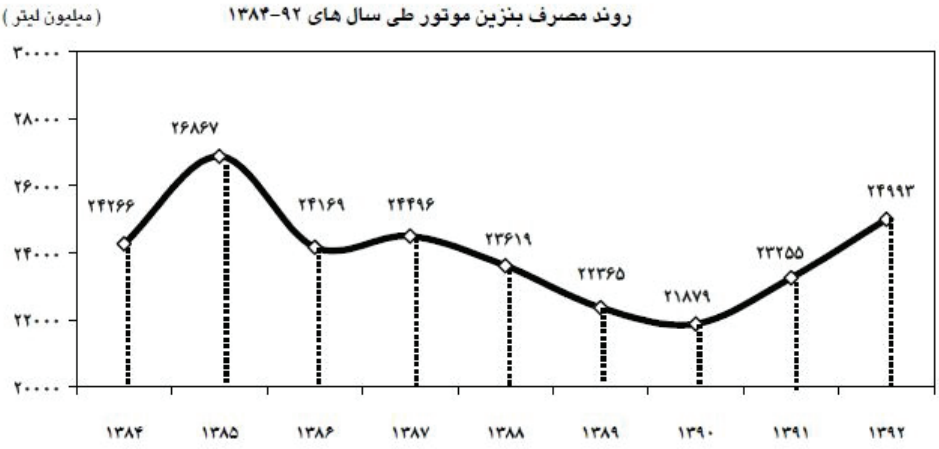
اواخر سال ۱۳۸۴، طرح انتقال گاز به مناطق شرقی و جنوب شرقی کشور با عنوان خط انتقال گاز هفتم سراسری در دستور کار شرکت ملی گاز ایران قرار گرفت. هدف از احداث خط لوله‌ی هفتم، گازرسانی به نیروگاه‌ها، صنایع پتروشیمی، واحدهای صنعتی و ساخت خطوط فرعی و شبکه های شهری برای مصارف خانگی، تجاری و صنعتی در استان‌های واقع در طول مسیر بویژه گاز رسانی به استان سیستان و بلوچستان بود. فاز نخست این طرح بزرگ از سال ۱۳۸۵آغاز شد و در سال ۱۳۸۹ با اعتبار ۱۷ هزار و ۳۰۰ میلیارد ریال به بهره‌برداری رسید. در پی آن عملیات اجرایی فاز دوم آغاز شد که هدف آن گازرسانی به حدود ۳۰۰ هزار خانوار شهری و روستایی در شهرستان‌های زاهدان، چابهار، خاش و زابل، گازرسانی به نیروگاه‌ها و صنایع استان سیستان و بلوچستان بود. ۱۰ اسفند ۱۳۹۵ بخشی از فاز دوم پروژه افتتاح ومشعل گاز در زاهدان روشن شد.

برد تاریخی ایران در صد و هفتاد و یکمین نشست اوپک
۱۰ آذر ۱۳۹۵ / ۳۰ نوامبر ۲۰۱۶



تمامی کارشناسان از توافقی که بین ایران و عربستان برای کاهش تولید در ۱۷۱ نشست اوپک در ۱۱ آذر ۱۳۹۵ انجام و موجب افزایش قیمت نفت شد، رضایت داشتند. بسیاری از آنها توافق اوپک را بردی تاریخی ایران قلمداد کردند. برخی نیز معتقد بودند این توافق می‌تواند الگویی برای اصلاح دیگر مناسبات دو کشور (ایران و عربستان) و عادی‌سازی آن باشد.

روند مصرف بنزین موتور طی سال های ۹۲-۱۳۸۴



ظرفیت تصفیه نفت خام در پالایشگاه‌های داخلی (هزار بشکه)

پالایشگاه	۱۳۸۰[۱]	۱۳۸۵[۱]	۱۳۹۰[۱]	۱۳۹۳[۱]	۱۳۹۴[۱]	۱۳۹۵[۲و۱]	۱۳۹۶[۱]	۱۳۹۷
جمع	***۵۵۶۲۶۰***	***۵۵۶۲۶۰***	***۶۲۳۰۵۵***	***۶۲۳۰۵۵***	***۶۲۳۰۵۵***	***۶۷۷۸۳۲***	***۶۷۵۹۸۰***	***۷۶۳۵۸۰***
آبادان	۱۴۲۳۵۰	۱۴۲۳۵۰	۱۴۲۳۵۰	۱۴۲۳۵۰	۱۴۲۳۵۰	۱۴۲۷۴۰	۱۴۲۳۵۰	۱۴۲۳۵۰
اراک	۶۳۸۷۵	۶۳۸۷۵	۹۱۲۵۰	۹۱۲۵۰	۹۱۲۵۰	۹۱۵۰۰	۹۱۲۵۰	۹۱۲۵۰
اصفهان	۱۰۳۶۶۰	۱۰۳۶۶۰	۱۰۳۶۶۰	۱۰۳۶۶۰	۱۰۳۶۶۰	۱۰۳۹۴۴	۱۰۳۶۶۰	۱۰۳۶۶۰
بندرعباس	۸۴۶۸۰	۸۴۶۸۰	۱۱۶۸۰۰	۱۱۶۸۰۰	۱۱۶۸۰۰	۱۱۷۱۲۰	۱۱۶۸۰۰	۱۱۶۸۰۰
تبریز	۴۰۱۵۰	۴۰۱۵۰	۴۰۱۵۰	۴۰۱۵۰	۴۰۱۵۰	۴۰۲۶۰	۴۰۱۵۰	۴۰۱۵۰
تهران	۸۲۱۲۵	۸۲۱۲۵	۸۲۱۲۵	۸۲۱۲۵	۸۲۱۲۵	۹۱۵۰۰	۹۱۲۵۰	۹۱۲۵۰
شیراز	۲۰۴۴۰	۲۰۴۴۰	۲۰۴۴۰	۲۰۴۴۰	۲۰۴۴۰	۲۰۴۹۶	۲۰۴۴۰	۲۰۴۴۰
کرمانشاه	۸۰۳۰	۸۰۳۰	۸۰۳۰	۸۰۳۰	۸۰۳۰	۸۰۵۲	۸۰۳۰	۸۰۳۰
لاوان (مجتمع تقطیر)	۱۰۹۵۰	۱۰۹۵۰	۱۸۲۵۰	۱۸۲۵۰	۱۸۲۵۰	۱۸۳۰۰	۱۸۲۵۰	۱۸۲۵۰
میعانات گازی ستاره خلیج فارس	×	×	×	×	×	۴۳۹۲۰	۴۳۸۰۰	۱۳۱۴۰۰

۱) اطلاعات توسط دستگاه ذی‌ربط تجدید نظر شده است.

۲) سال ۱۳۹۵ کبیسه بوده است.

ماخذ- وزارت نفت. معاونت برنامه‌ریزی.



زنگنه، وزیر نفت در جمع کارکنان **پالایشگاه گاز بیدبلند خلیج فارس**



میدان نفتی آذر در بلوک اکتشافی اناران، استان ایلام

فهرست منابع و مآخذ

اسناد

ترازنامه بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران
ترازنامه انرژی (وزارت نیرو)
ترازنامه هیدروکربوری (مؤسسه مطالعات انرژی)
مشروح مذاکرات مجلس سنا
مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی
مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی
مصوبات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران
گزارش‌های سالانه شرکت‌های عامل نفت ایران (کنسرسیوم) (۱۹۵۵ ـ ۱۹۷۰)
آرشیو اسناد و موزه دفتر ریاست جمهوری
آرشیو اسناد ملی ایران
قانون بودجه در سال‌های مختلف
قانون برنامه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در سال‌های مختلف
سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴

BP Archives, University of Warwick, Coventry
BP Corporate Records Office, Islington, London

نشریات؛ روزنامه‌ها؛ آرشیوها

اکتشاف و تولید؛
روزنامه اطلاعات
نشریه انجمن نفت ایران؛
نشریه آئینه؛
نشریه پیام پتروشیمی؛
نشریه پیک نفت؛
نشریه خواندنی ها؛
نشریه کاوش؛
نشریه مشعل؛
نشریه نامه صنعت نفت؛
نشریه نفتخیز (مناطق نفتخیز جنوب)؛
نشریه یادداشت روز؛
نفت و توسعه؛

روزنامه کیهان؛
روزنامه جمهوری اسلامی؛
نشریه راه توده (وابسته به حزب توده)؛
نشریه پیکار؛
نشریه سالانه وزارت دارایی قبل از انقلاب اسلامی؛
بولتن (مؤسسه مطالعات انرژی)؛
آرشیو عکس و فیلم صداوسیمای جمهوری اسلامی ایران؛
آرشیو عکس و فیلم وزارت نفت (تهران)؛
آرشیو عکس و فیلم وزارت نفت (مناطق نفت‌خیز جنوب)؛

کتاب‌ها

آبراهامیان، یرواند (۱۳۷۷)، ایران بین دو انقلاب، ترجمه احمد گل‌محمدی و محمدابراهیم فتاحی، تهران: نی.
ـــــــــــــ (۱۳۹۲)، کودتا، ترجمه محمدابراهیم فتاحی، تهران: نی.
ـــــــــــــ (۱۳۹۷)، تاریخ ایران مدرن، ترجمه محمدابراهیم فتاحی، تهران: نی، چاپ هفدهم.
آل‌داود، سیدعلی (۱۳۹۰)، اسناد و نامه های امیرکبیر، تهران: سازمان اسناد ملی ایران، چاپ دوم.
آموزگار، حسین (۱۳۲۶)، نفت و حوادث آذربایجان، تهران: شرکت چاپ مطبوعات.
آوانسیان، اردشیر (۱۳۷۶)، خاطرات، تهران: نگره.
آوری، پیتر و دیگران (۱۳۷۱)، سلسله پهلوی و نیروهای مذهبی به روایت کمبریج (۱۳۷۱)، ترجمه عباس مخبر، تهران: طرح نو.
ابتهاج، ابوالحسن (۱۳۷۱)، خاطرات ابوالحسن ابتهاج، تهران: علمی.
ابن حوقل، محمد بن علی (۱۳۴۵) ، صوره‌الارض، ترجمه جعفر شعار، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
ازغندی، علی‌رضا (۱۳۸۲)، تاریخ تحولات سیاسی اجتماعی ایران (۱۳۲۰ ـ ۱۳۵۷)، تهران: سمت.
استخری، ابواسحاق ابراهیم، المسالک و ممالک، به کوشش ایرج افشار، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۰.
اسرار نفت شمال ایران (۱۳۲۳)، تهران: مرکز انتشارات ملی ایران.
اسکندری، ایرج (۱۳۶۸)، خاطرات سیاسی، به کوشش علی دهباشی، تهران: علمی.
افراسیابی، بهرام (۱۳۶۷)، ایران و تاریخ، جلد دوم، تهران: علم.
اقبال، اسماعیل (۱۳۷۵)، نقش انگلیس در کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، تهران: اطلاعات.
امیرعلائی، شمس‌الدین (۱۳۶۰)، نقدی بر کتاب سیاه، تهران: دهخدا.
بزرگمهر، جلیل (۱۳۵۹)، تقریرات مصدق در زندان، به کوشش ایرج افشار، تهران: سازمان کتاب.
بقایی، مظفر (۱۳۸۲)، خاطرات دکتر مظفر بقایی، مقدمه و ویراش محمود طلوعی، تهران: علم.
بمبرگ، جی،۲۶ سال با صنعت نفت ایران؛ به روایت شرکت بریتیش پترولیوم (۱۹۵۴ ـ ۱۹۲۸)، ترجمه علیرضا حمیدی یونسی، تهران: اداره کل روابط‌عمومی وزارت نفت.

بولارد، ریدر و اسکراین، کلارمونت (۱۳۶۹)، شترها باید بروند، ترجمه حسین ابوترابیان، تهران: البرز.
بهمنی، حیدر (۱۳۹۴)، مدیریت جهادی در صنعت نفت، مشهد: ترنم.
بیابانی، جهانگیر (۱۳۸۸)، اقتصاد ایران، تهران: دانشگاه پیام‌نور.
پالایشگاه آبادان (۱۳۴۴)، تهران: روابط‌عمومی شرکت سهامی تصفیه نفت ایران.
پالایشگاه تهران (بی‌تا)، تهران: روابط‌عمومی شرکت ملی نفت ایران.
پهلوی، محمدرضا (۱۳۴۷)، مأموریت برای وطنم، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
ـــــــــــــ (بی‌تا)، به سوی تمدن بزرگ، تهران: مرکز پژوهش و نشر فرهنگ سیاسی.
تاج‌بخش، غلامرضا و نجم آبادی، فرخ (۱۳۹۳)، یادداشت های فؤاد روحانی، تهران: نشر نی، چاپ دوم.
تاریخ شفاهی وزرای نفت ایران، گفتگو با علی‌اکبر معین‌فر (۱۳۹۶)، تهران: مدیریت موزه‌ها و مرکز اسناد صنعت نفت ایران.
تاریخ شفاهی وزرای نفت ایران، گفتگو با سیدحسن سادات (۱۳۹۸)، تهران: اداره کل روابط‌عمومی وزارت نفت.
تاریخ شفاهی وزرای نفت ایران، گفتگو با سیدمحمد غرضی (۱۳۹۸)، تهران: اداره کل روابط‌عمومی وزارت نفت.
تاریخ شفاهی شرکت ملی گاز ایران (۱۳۸۷)، گفتگو با محسن شیرازی، تهران: انتشارات بن.
تاریخچه و نقش پالایشگاه آبادان در تأمین قراردادهای نفتی (۱۳۵۶)، تهران: روابط‌عمومی شرکت ملی نفت ایران.
تلاش پایدار، بیست و پنج سال با صنعت پتروشیمی ایران (۱۳۵۷-۱۳۸۲)، تهران: شرکت ملی صنایع پتروشیمی.
توانیان‌فرد، حسن (۱۳۶۲)، دکتر مصدق و اقتصاد، تهران: علوی.
خدادیان، فرشید و کریمیان، اسماعیل (۱۳۹۶)، نفت و زندگی، تهران: سامان دانش.
جمال‌زاده، محمدعلی (۱۳۶۲)، گنج شایگان، تهران: کتاب تهران.
دهباشی، حسین (۱۳۹۳)، اقتصاد و امنیت (گفت‌وگو با علی‌نقی عالیخانی)، تهران: سازمان اسناد کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
دیداری از مناطق نفت‌خیز جنوب (۱۳۴۵)، تهران: روابط‌عمومی شرکت ملی نفت ایران.
ذوقی، ایرج (۱۳۷۰)، مسائل سیاسی ـ اقتصادی نفت ایران، تهران: پاژنگ.
رازی، احمد امین (بی‌تا)، هفت اقلیم، تهران: بی‌نا.
راسخی لنگرودی، احمد (۱۳۸۵)، مردان نفت، تهران: کویر.
رایت، دنیس (۱۳۶۴)، انگلیسی‌ها در میان ایرانیان، ترجمه اسکندر دلم، تهران: نهال.
رائین، اسماعیل (۱۳۵۸)، اسناد خانه سدان، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
رزاقی، ابراهیم (۱۳۵۷)، گزیده اقتصاد ایران، تهران: امیرکبیر.
رضازاده ملک، رحیم (۱۳۶۳)، ایران و ایرانیان (خاطرات و سفرنامه ساموئل گرین ویلر بنجامین)، تهران، گلبانگ.
روابط ایران و اسرائیل به روایت اسناد نخست‌وزیری (۱۳۷۷)، تهران: مرکز اسناد ریاست جمهوری.

روحانی، فؤاد (۱۳۵۳)، تاریخ ملی‌شدن صنعت نفت ایران، تهران: فرانکلین.
رودگرکیا، ایرج (۱۳۹۳)، ایران از کودتای اسفند تا سقوط رضاشاه، تهران: پردیس دانش.
زندگی طوفانی، خاطرات سیدحسن تقی‌زاده (۱۳۷۲)، به کوشش ایرج افشار، تهران: علمی.
ساعی، احمد (۱۳۸۳)، مسائل اقتصادی سیاسی جهان سوم، تهران: سمت، چاپ پنجم.
سایکس، کریستوفر (۱۳۴۸)، فعالیت‌های جاسوسی واسموس یا لارنس آلمانی در ایران، ترجمه حسین سعادت‌نوری، تهران: وحید.
سفرنامه خوزستان (بی‌تا)، با مقدمه داریوش همایون، بی‌جا: بی‌نا.
سمسون، آنتونی (۱۳۵۶)، هفت خواهران نفتی، تهران: امیرکبیر.
شمس، جابر؛ کرمی، بهمن (۱۳۹۴)، گاز طبیعی و پالایشگاه‌های گاز ایران، تهران: شرکت ملی گاز ایران.
شمشیری، مهدی (بی‌تا)، قرارداد بسیار زیان‌بخش آرمیتاژ اسمیت از آغاز تا اجرا، بی‌جا.
شوکراس، ویلیام (۱۳۷۰)، آخرین سفر شاه، ترجمه عبدالرضا هوشنگ‌مهدوی، تهران: البرز.
شیخ‌الاسلامی، جواد (۱۳۴۹)، افزایش نفوذ روس و انگلیس در ایران، تهران: کیهان.
ـــــــــــــ (۱۳۷۹)، صعود و سقوط تیمورتاش به حکایت اسناد محرمانه وزارت خارجه انگلیس، تهران: توس.
صنعت پتروشیمی ایران از آغاز تا انقلاب اسلامی، مصاحبه با باقر مستوفی، ویراستار: غلامرضا افخمی، بنیاد مطالعات ایران.
طرفی، عباس (۱۳۸۰)، جنگ و نفت (مدیران صنعت نفت ایران)، بخش اول (۷ جلد)، تهران: مردمک.
طلوعی، محمود (۱۳۷۶) بازیگران عصر پهلوی از فروغی تا فردوست، تهران: علم، چاپ چهارم.
ـــــــــــــ (۱۳۷۰)، جنگ خلیج‌فارس و آینده خاورمیانه، تهران: انتشارات تهران.
عاقلی، باقر (۱۳۸۷)، روزشمار تاریخ ایران، تهران: نامک.
عراقی، حمیدرضا (۱۳۹۰)، بیست سال گاز، تهران: شاپیکان.
عظیمی، حسین (۱۳۹۱)، اقتصاد ایران، توسعه، برنامه ریزی، تهران: نشر نی.
علم، اسدالله (۱۳۸۰)، خاطرات علم، به کوشش علی نقی عالیخانی، تهران: انتشارات مازیار.
علم، مصطفی (۱۳۷۷)، نفت، قدرت و اصول (پیامدهای کودتای ۲۸ مرداد)، تهران: چاپخش.
فاتح، مصطفی (۱۳۵۵)، پنجاه سال نفت ایران، تهران: علم.
فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۷۹)، تصحیح ژول مول، تهران: امیرکبیر.
فرمانفرمائیان، منوچهر (۱۳۳۳)، ملاحظاتی چند درباره نفت، تهران: بی‌نا.
فرمانفرمائیان، منوچهر و فرمانفرمائیان، رخسان (۱۳۷۸)،خون و نفت، ترجمه مهدی حقیقت‌خواه، تهران: ققنوس.
فخیمی، قباد (۱۳۸۷)، سی سال نفت ایران، تهران: مهراندیش.
قانعی فر، عرفان (۲۰۱۲)، در دامگه حادثه، گفتگو با پرویز ثابتی، لس‌آنجلس: شرکت کتاب.
قدیمی، ذبیح‌الله (۱۳۳۲)، تاریخ انقلاب نفت ایران، تهران: چاپخانه مجلس.
قربان‌پور دشتکی، خدابخش (۱۳۹۰)، انگلیسی و بختیاری (۱۸۹۶ - ۱۹۲۵م)، تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.

کاتوزیان، محمدعلی (۱۳۷۲)، مصدق و مبارزه برای قدرت در ایران، تهران: مرکز.
ـــــــــــــــ (۱۳۹۴)، اقتصاد سیاسی ایران، تهران: نشر مرکز.
کشفی، منصور (۱۳۶۰)، سیر تحول صنعت نفت در ایران و خاورمیانه، تهران: چاپخانه حیدری.
کیانوری، نورالدین (۱۳۷۲)، خاطرات نورالدین کیانوری، تهران: دیدگاه.
گذشته چراغ راه آینده است (۱۳۹۳)، تهران: جامی، چاپ یازدهم.
گروه نویسندگان، هندسه نفت در مناطق نفت‌خیز جنوب (۱۳۹۲)، اهواز: روابط‌عمومی شرکت ملی مناطق نفت‌خیز جنوب.
گلشائیان، عباس‌قلی (۱۳۷۷)، گذشته‌ها و اندیشه‌های زندگی یا خاطرات من، تهران: انیشتین.
لایارد، هنری (۱۳۶۷)، سفرنامه لایارد، ترجمه محراب امیری، تهران: وحید.
لسانی، ابوالفضل (۱۳۵۷)، طلای سیاه یا بلای ایران، تهران: امیرکبیر.
ماسلی، لئونارد (۱۳۶۵)، نفت، سیاست و کودتا در خاورمیانه، ترجمه محمد رفیعی مهرآبادی، تهران: رسام.
متینی، جلال (۱۳۸۸)، نگاهی به کارنامه سیاسی دکتر مصدق، تهران: شرکت کتاب.
مستوفی، حمدالله (۱۳۸۹)، نزهت‌القلوب، تصحیح گای لسترنج، تهران: اساطیر.
مستوفی، عبدالله (۱۳۸۸)، شرح زندگانی من، جلد ۳، تهران: زوار، چاپ ششم.
مشیر، مرتضی (۱۳۶۴)، خاطرات الهیار صالح، تهران: انتشارات وحیدنیا.
مصدق، محمد (۱۳۶۴)، خاطرات و تألمات دکتر محمد مصدق، به کوشش ایرج افشار، تهران: انتشارات علمی.
مختاری اصفهانی، رضا (۱۳۹۲)، پهلوی اول از کودتا تا سقوط، تهران: پارسه.
مختاری‌فر، سیدرضا (۱۳۹۲)، تاریخ پتروشیمی در ایران، تهران: انجمن نفت ایران.
مدنی، سیدجلال‌الدین (۱۳۶۹)، تاریخ سیاسی معاصر ایران، جلد اول، تهران: دفتر انتشارات اسلامی.
مطیعی، همایون، مقدمه ای بر ارزیابی مخارن نفتی زاگرس (برای زمین شناسان)، ج ۲، تهران: آرین زمین، ۱۳۸۹.
مقصودی، مجتبی (۱۳۸۰)، تحولات سیاسی اجتماعی ایران، تهران: روزنه.
مکی، حسین (۱۳۵۷ ـ ۱۳۶۴)، کتاب سیاه، جلد ۱-۴، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
موحد، محمدعلی (۱۳۹۳)، خواب آشفته نفت (از قرارداد دارسی تا سقوط رضاشاه)، تهران: نشرکارنامه.
ـــــــــــــــ (۱۳۵۷)، نفت ما و مسائل حقوقی آن، تهران: خوارزمی.
میرزاحسین، غلام‌حسین (۱۳۹۱)، خاطرات سیاسی قوام‌السلطنه، تهران: معین.
میرزاصالح، غلام‌حسین (۱۳۷۲)، بیست سال با رضاشاه، خاطرات سلیمان بهبودی، تهران: طرح نو.
میرفطروس، علی (۲۰۰۸م.)، دکتر محمد مصدق، آسیب‌شناسی یک شکست (از انقلاب مشروطه به انقلاب اسلامی)، فرانسه: فرهنگ.
میلیونه، ایل (۱۳۶۳)، سفرنامه مارکوپولو، ترجمه منصور سجادی، تهران: گویش.
نجاتی، غلام‌رضا (۱۳۷۴)، تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله ایران، تهران: رسا.
ـــــــــــــــ (۱۳۶۶)، جنبش ملی‌شدن صنعت نفت ایران و کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، تهران: شرکت سهامی انتشار.

نفت در دوره رضاشاه، اسنادی از تجدیدنظر در قرارداد دارسی (۱۳۷۸)، زیر نظر یعقوب آژند، تهران: مرکز اسناد ریاست‌جمهوری.
نفت‌وگاز دریای شمال (۱۳۵۶)، تهران: اداره بررسی های اقتصادی.
وحدتی‌راد، علی (۱۳۹۲)، برگی از تحولات تاریخ سیاسی، همدان: مرکز گسل.
ورهرام، غلامرضا (۱۳۸۵)، نظام سیاسی در سازمان های اجتماعی ایران عصر قاجار، تهران: معین.
وزیری، شاهرخ (۱۳۷۹)، نفت و قدرت در ایران، ترجمه مرتضی ثاقب‌فر، تهران: عطایی.
هدایت، مهدی‌قلی (۱۳۸۸)، خاطرات و خطرات، تهران: زوار.
همبلی، گاوین (۱۳۸۸)، تاریخ ایران دوره پهلوی، ترجمه مرتضی ثاقب‌فر، تهران: جامی.
هوشنگ‌مهدوی، عبدالرضا (۱۳۹۲)، تاریخ روابط خارجی ایران، تهران: امیرکبیر، چاپ دوازدهم.
یرگین، دانیل (۱۳۸۰)، غنیمت، ترجمه اکبر تبریزی، تهران: علمی و فرهنگی.
ـــــــــــ (۱۳۸۵)، تاریخ جهانی نفت، ترجمه غلام‌حسین صالح‌یار، تهران: اطلاعات.
ـــــــــــ (۱۳۷۳)، نفت، پول، قدرت، ترجمه منوچهر غیبی ارطه‌ای، تهران: روابط‌عمومی شرکت ملی نفت ایران.
یزدی‌زاده، حسن (۱۳۸۸)، «آیت‌الله کاشانی، فدائیان اسلام و نهضت ملی‌شدن صنعت نفت»، پانزده خرداد، شماره ۲۲.
یعقوبی‌نژاد، علی (۱۳۹۱)، بوی نفت می آید انگلیسی‌ها آمدند، تهران: علمی.
یکتائی، مجید (۱۳۵۲)، تاریخ دارائی ایران، تهران: گوتنبرگ.

W. Ferrier, The history of the British Petroleum Company, Volume ۱&۲, Cambridge university press

مقالات

بیات، محمدرضا (۱۳۸۱)، «بازخوانی کودتای امریکایی ـ انگلیسی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲»، زمانه، شماره ۱.
بیگدلی، علی (۱۳۸۳)، «جبهه‌ای که هرگز ملی نشد، مقدمه‌ای بر فرایند شکل‌گیری و عملکرد جبهه ملی»، زمانه، سال سوم، شماره ۲۶.
خامه‌ای، انور (۱۳۷۸)، «تحلیل چند سند مهم در رابطه با کودتای ۲۸ مرداد»، گزارش، شماره ۱۰۲.
تقوی‌مقدم، مصطفی (۱۳۸۹)، «حاکمیت سیاست‌زدگی افراطی بر تاریخ‌نگاری نهضت ملی نفت»، زمانه، شماره ۹۷-۹۸.
راعی گلوجه، سجاد (۱۳۸۳)، «افسران پیر ـ فرزندان کودتا»، ماهنامه اندیشه و تاریخ سیاسی معاصر ایران، شماره ۲۴.
ـــــــــــ (۱۳۸۸)، «انگلیس و تحریک سران عشایر بر ضد دولت مرکزی از ملی‌شدن صنعت نفت تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲»، تاریخ روابط خارجی، شماره ۳۸-۳۹.
صفوی، فاطمه (۱۳۹۱)، «دوشیزه لمبتون»، مطالعات تاریخی، شماره ۱۹.

علی‌کیا، علی و ابوالحسنی، علی (۱۳۸۴)، «کارنامه حزب توده»، زمانه، سال چهارم، شماره ۳۸.
فاطمی، سعید (۱۳۸۳)، «اسنادی که دکتر مصدق به دیوان لاهه ارائه داد»، حافظ، شماره ۱۱.
«قرارداد گازی ایران ـ توتال»، اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره ۱۲۴، دی ۱۳۷۶.
کاظمی، اعظم و اللهیاری، فریدون، «عملکرد رادیو بی‌بی‌سی در شهریور ۱۳۲۰ و کودتای ۲۸ مرداد، فصلنامه مطالعات تاریخی.
کولایی، الهه (۱۳۸۹)، «حزب توده و نفت شمال ایران»، گزارش، شماره ۲۱۶.
کوهستان‌نژاد، مسعود، (آذر ۱۳۷۶)، «بازگشایی پرونده خوریان»، گزارش، شماره ۸۲.
مظفر مقام، احمد و مظفری، جمشید (۱۳۸۷)، «قرارداد ۱۹۰۷ به روایت مرکز اسناد کتابخانه مجلس شورای اسلامی»، پیام بهارستان، دوره ۲، سال اول، شماره ۱-۲.
مهدی زاده، محمدرضا (۱۳۸۷)، فعالیت برون‌مرزی و جهانی‌شدن شرکت های ملی نفتی، مجله مدیریت و منابع انسانی در صنعت نفت، شماره ۵.

منابع دیجیتال

آرشیو دیجیتال کتابخانه ملی قطر
تارنمای شرکت ملی حفاری ایران
تارنمای شرکت ملی گاز ایران
تارنمای شرکت ملی مناطق نفتخیز جنوب
تارنمای شرکت ملی نفت ایران
تارنمای شرکت مهندسی و توسعه نفت (متن)
تارنمای شرکت نفت فلات قاره ایران
تارنمای شرکت نفت و گاز پارس
تارنمای ویکی مشروطه
خبرگزاری ایسنا
خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران (ایرنا)
خبرگزاری شانا

خاطرات پیشکسوتان

هر سازمانی، گنجینه‌ای ارزشمند از دانش، تجربه و تاریخ در دل پیشکسوتان خود دارد. در تدوین تاریخ صنعت نفت ایران،جمع کثیری از پیشکسوتان این صنعت، با گشاده‌رویی به یاری آمدند و آنچه را که طی سال‌ها تجربه کرده و اندوخته بودند، بی‌دریغ در اختیار ما گذاشتند. تصاویر جمعی از این عزیزان به رسم یادبود و قدردانی در ادامه آمده است.


علی خلیلی


غلامرضا دشتی


مرضیه شاهدایی


ژاله بایار


علی اکبر حیدری


رحمان چهاده چریک


جواد یارجانی


عباس شعری مقدم


کیخایی

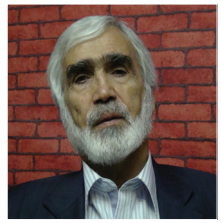

عباس کاظمی


محمود مرتضوی


علی اکبر ماهرخ زاد


جلیل ابراهیم پور


محمدعلی جزایری


محمدتقی عراقی


محمد ملاکی


محمد آگاه


کیکاوس آزادگان


حسن احمدیان


احمدی نفت و گاز آغاجاری


عبدالکریم بهزاد


محمدحسین بحرپیما


علیرضا بابایی


حسین ایزدی


غلام عباس جوکار


علی محمد جوادی


عبدالحسین ثمری


اسماعیل ثریایی


منصور دفتریان


نصرت الله داسار


محمود خاقانی


علی محمد حکمت


هوشنگ شجاع نیا


محمد زمانی نژاد


عزت سلیمانی


عبدالرسول رزاقی

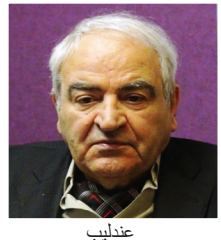

خلیل عدولی


علی صاقی نژاد


منوچهر شمسا


شهریار شریفی


ناصر نوروزشاد


عندلیب


ابراهیم رادافزون


سیدعباس علوی


سیاوش نجم آبادی


محمدرضا میرزامحمدی


علی میرمحمدی


میرمحمدرضا موسوی


علی ماجدی


پرویز کابلی


حسینعلی حجاری زاده


فرهاد نفیسی


محمدحسن تولایی


مسعود جهدی


شکرآمیز


مرحوم غلامعلی مهاجر


فرهاد اکرام نیا


محمد فهام


علی مشتاقیان


محمدصادق آیت الهی


محمدعلی خطیبی


حمید جلیل زاده


اسفندیار علاالدین


امیرسعید اربابی


کیومرث بلوطی


عباس وکیل علی آبادی


سید مصطفی حسینی


مجید مدرس


سید مهدی حسینی


سیدرضا کسائی زاده



پالایشگاه گاز بیدبلند خلیج‌فارس



The History of Iran's Petroleum Industry 1979-2020

Volume2

Masoud Forouzandeh

انتشارات اداره کل روابط عمومی وزارت نفت

ISBN:978-622-97005-3-2